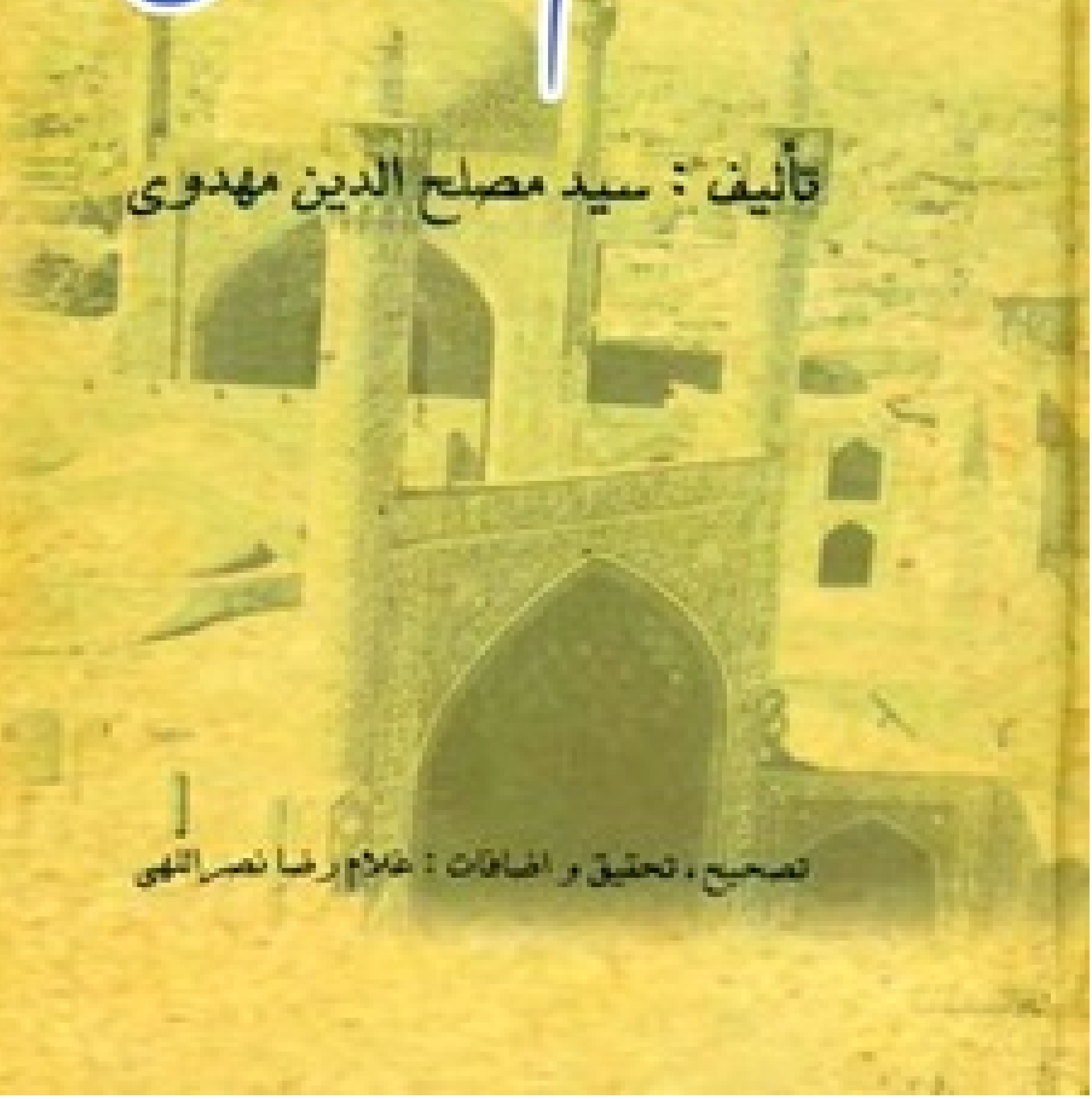
۲

اعلام اصفهان



تألیف: سید مصلح الدین مهدوی

تصحیح، تحقیق و اضافات: غلام رضا نصراللهی

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلام اصفهان

نویسنده:

مصلح الدین مهدوی

ناشر چاپی:

سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اعلام اصفهان: جلد دوّم – «ب – ذ»

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۲۹۴-۱۳۷۴.

عنوان و نام پدیدآور : اعلام اصفهان / مصلح الدین مهدوی ؛ تصحیح ، تحقیق و اضافات غلام رضا نصراللهی؛ [برای] سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل ، ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام.

مشخصات نشر : اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶ -

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : ۶۵۰۰۰ ریال : ج .۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۸۸-۴۸-۰ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۲ : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۴۷-۴۷-۸ ؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال : ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲۰-۲۷-۹ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲-۱۳۰-۶ :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۳ (چاپ اول : ۱۳۸۹) (فیپا).

یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ - الف.- ج. ۲. ب - ذ.- ج .۳. ر - ظ.- ج.۴.ع

موضوع : مشاهیر -- ایران -- اصفهان-- سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان --سرگذشتنامه

شناسه افزوده : نصرالهی، غلامرضا

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

شناسه افزوده : ستاد نکوداشت اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام

رده بندی کنگره : DSR۲۰۰۱ /ص۷۲۵ م۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۲۹۶۴

ص: ۱

اشاره

اعلام اصفهان

جلد دوّم

«ب ذ»

دانشمند محقّق، زنده یاد

سیّدمصلح الدّین مهدوی

(۱۲۹۴ ۱۳۷۴ش)

تصحیح، تحقیق و اضافات

غلامرضا نصراللّهی

۱۳۸۷

اعلام اصفهان جلد دوّم»ب - ذ«

تألیف: سیّدمصلح الدّین مهدوی

تصحیح، تحقیق و اضافات: غلامرضا نصراللّهی

پیش گفتار: دکتر محمّد علی چلونگر

ناشر: سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان

مدیر تولید: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

چاپ نخست: ۱۳۸۷

قطع: وزیری / ۹۲۸ صفحه / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ متن: اصفهان / چاپ جلد: معنوی / صحافی: بابک

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۹۴۷ - ۴۷ - ۸

مرکز پخش: ۰۳۱۱ - ۲۳۳۷۸۶۱- ۲۲۰۸۱۸۰

پیش گفتار

با ورود اسلام به ایران و روآوردن ایرانیان به دین مبین اسلام و به دنبال آن برخورد اندیشه ها و تلفیق فرهنگ های ملل گوناگون و رخدادهای اجتماعی و فرهنگی که در عرصه تاریخ ایران و سایر سرزمین های تحت سلطه اسلام روی داد، حرکت های علمی آغاز گردید و در پی آن نیاز به آگاهی در زمینه های خاص دانش آن روز و تهیه کتاب های چند موضوعی یا تک موضوعی به صورت فرهنگ نامه و دانشنامه ضروری شد؛ از این رو، دانشمندان و متخصصان دست به تألیفاتی زدند که امروزه این آثار از ذخایر علمی و فرهنگی به شمار می روند. برخی از این کتاب ها به معرفی علوم و آثار و نوشته های مربوط به آن پرداخته اند و برخی دیگر به معرفی رجال و دانشمندان آن علوم پرداخته اند.

از نوع اول می توان به کتاب هایی همچون رسائل اخوان الصفا، کامل الصناعه الطبیعه، الفهرست ابن ندیم و مفاتیح العلوم خوارزمی اشاره کرد. رسائل اخوان الصفا (قرن چهارم) شامل ۵۴ رساله است که مجموعه این رسائل دانشنامه ای در باب معارف و علوم مختلفی چون ریاضی، طبیعی، الهی و اقسام منطق و حکمت عملی است. کامل الصناعه الطبیعه از علی بن عباس مجوسی (متوفی ۳۸۴ ه ق) دانشنامه ای طبی همراه با معرفی دانشمندان این علم است. الفهرست ابن ندیم (متوفی ۳۸۵ ه ق) در زمینه کتابشناسی و انواع خطوطی است که پیش از اسلام در ایران رواج داشت و نیز درباره برخی ادیان مثل زردشت، مزدک و مانی است. مفاتیح العلوم نیز از محمد بن احمد خوارزمی (متوفی ۳۸۷ ه ق) در فقه، کلام، نحو، کتابت، شعر، اخبار، فلسفه، منطق،

عروض، ریاضیات، کیمیا، موسیقی، نجوم و غیره است.

از کتاب های نوع دوم (کتاب های رجال) الفهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی را می توان نام برد. این دو اثر در شرح حال رجال شیعه و آثار آنهاست که در نوع خود از نخستین کتاب های این فن محسوب می شود. در حوزه تاریخ محلی هم آثار دانشنامه گونه و شرح رجال از قرن چهارم به بعد مورد توجه واقع شد و آثار برجسته ای در این زمینه تألیف شد که از جمله به تاریخ بغداد خطیب بغدادی و تاریخ دمشق ابن عساکر می توان اشاره کرد. تاریخ بغداد به شرح حال رجالی پرداخته است که به نحوی با بغداد در ارتباط بوده اند و عمدتاً نیز به رجال فرهنگی توجه داشته است.

جوامع بشری همواره زیر نفوذ دانشمندان و مفاخر خویش قرار داشته اند. آنان در هر حوزه ای اعم از علمی، سیاسی و فرهنگی که فعالیت می کردند در تحولات اجتماعی عصر خویش نقش داشته و از این رو، در اعتلا یا انحطاط تمدن های تاریخی کاملاً سهیم بوده اند. رجال و نخبگان علمی و ارباب دانش و معرفت همواره به مثابه عامل محرک تاریخ عمل کرده و زمینه تکامل اجتماعی انسان در حیات تاریخی اش را فراهم آورده اند. براساس متون دینی ما، صلاح و فساد عموم در گرو صلاح و فساد علما، فقها و بزرگان است. از دید این متون مردم همواره تابع سه گروه بوده و از آنها الگو و سرمشق گرفته اند و در نتیجه با صلاح آنان درستکار و با فساد و عناد آنان زشتکار شده اند:

۱. امرا، حکّام، تاجران و ثروتمندان و به طور کلی، صاحبان زر و زور

۲. علما، فقها و صاحبان منزلت و حیثیت (عالمان شیعه، ج ۱، ص ۱۳)

در زمینه رجال اصفهان از قرن چهارم آثار ارزشمندی به رشته تحریر درآمد. در سده های چهارم و پنجم دو اثر رجالی گرانقدر نوشته شد که به حق آنها را می توان دانشنامه های رجال دینی اصفهان به شمار آورد.

اولین اثر از ابومحمد عبداللّه بن محمد بن جعفر بن حبان مشهور به ابوالشیخ اصفهانی است که طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها نام دارد. وی در این اثر شرح حال محدثین اصفهان را از ابتدا تا قرن چهارم آورده؛ چنانکه در طبقات دهم و

یازدهم کتاب، شرح حال بسیاری از مشایخ خود را که مقیم این شهر بوده اند برشمرده است. از مشایخ وی ابن ابی داوود سجستانی، ابن ابی حاتم رازی، ابوبکر جعفر بن محمد فریابی، ابوبکر بزاز و محمد بن یحیی ابن منده را می توان نام برد. در میان شاگردان و راویان ابوالشیخ نیز افراد مشهوری به چشم می خورند؛ از جمله: ابونعیم اصفهانی، محمد بن اسحاق ابن منده، ابن مردویه و نیز نواده اش محمد بن عبدالرزاق بن ابی الشیخ که عمده رجال شناسان بزرگ چون ابونعیم اصفهانی و سمعانی وی را ثقه دانسته اند.

ابوالشیخ در این کتاب نخست به فضائل و خصایص اصفهان پرداخته و روایاتی در این باره آورده است. وی سپس در بنای اصفهان و مساجد و مساحت آن مطالبی نقل کرده و بانی این شهر را اسکندر مقدونی دانسته است. پس از آن از چگونگی فتح اصفهان به دست مسلمانان سخن گفته است. بخش مهم کتاب، تراجم افراد و احادیث آنها اختصاص دارد. وی ابتدا از صحابه پیامبر(ص) آغاز کرده و هجده نفر از آنان را که وارد اصفهان شده اند نام برده و شرح کوتاهی از آنها را بیان کرده است که نخستین آنها امام حسن مجتبی(ع) بوده است. وی در مجموع ۶۰۹ نفر را در کتابش نام برده است.

دومین اثر مهم در مورد رجال اصفهان که در واقع فرهنگ نامه دینی محلی محسوب می شود ذکر اخبار اصفهان از احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران معروف به ابونعیم اصفهانی (۳۳۶-۴۳۰ ه ق) است. این کتاب شامل اسامی محدثان و عالمانی است که اهل اصفهان بوده یا سفری به آن داشته اند. اطلاعاتی که ابونعیم درباره چگونگی بنای اصفهان، فتح این شهر و نیز نخستین فرمانروایان و حکام مسلمان آن به دست می دهد بسیار شایان توجه است. وی سپس ویژگی های جغرافیایی و محلی اصفهان را ذکر می کند و اطلاعات بسیار دقیق و قابل توجهی از محله ها و روستاهای اطراف آن ارائه می دهد. ابونعیم در بخش اصلی کتاب پس از ذکر نام هر یک از مترجمان به صورت خلاصه به ذکر احوال آنان می پردازد. طبقات المحدثین باصبهان ابوالشیخ و ذکر اخبار اصبهان ابونعیم اصفهانی مراجع و منابع آثار رجالی اصفهان در قرون بعد از خود تا به امروز شدند.

پس از این دو اثر، آثاری که صرفاً به معرفی رجال اصفهان پرداخته باشند کمتر دیده می شود. در تاریخ معاصر، برخی از رجال نویسان و محققان به تحقیق درباره رجال اصفهان اهتمامی جدی داشته اند که از جمله به مرحوم آخوند ملا عبدالکریم جزی در تذکره القبور و تاریخ مقابر اصفهان، مرحوم جلال الدین همایی در تاریخ اصفهان و مرحوم سید مصلح الدین مهدوی در آثار گوناگونش می توان اشاره کرد.

از بین معاصران به حق می توان گفت مرحوم مهدوی بیشترین تلاش را در معرفی رجال و مشاهیر و مفاخر اصفهان داشته است. آثار او از نظر کیفیت و کمیت در این موضوع مثال زدنی است. عظیم ترین تلاش او و در این زمینه کتاب اعلام اصفهان است که در واقع، محصول یک عمر تلاش وی در باب رجال و مشاهیر اصفهان است. مجلد حاضر، که اعلام اصفهان را از حرف «ب» تا حرف «ذ» دربر می گیرد، دومین مجلد از این مجموعه است. این اثر به همّت محقق کوشا جناب آقای غلامرضا نصراللّهی انجام گرفته است. این مرکز امید دارد در آینده مجلدات باقی مانده را پس از تصحیح در اختیار علاقه مندان و محققان قرار دهد.

دکتر محمدعلی چلونگر

رئیس مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

مقدّمه تحقیق

خداونـد توانا را سپاس می گوییم که به ما توفیق داد دو جلـد از کتاب «اعلام اصـفهان» را تنظیم و تحقیق نموده و چاپ کنیم. این جلد شامل مدخل های حروف (ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ) است.

پس از چاپ جلـد اوّل کتاب، بسـیاری از محقّقان و اساتیـد فرهنگ و ادب و علاقمنـدان مرحوم اسـتاد مهدوی این ضـعیف را مورد لطف قرار داده و تشویق نمودنـد که از همه آنها تشـکر می کنم. در کنار این تشویق ها، انتقادهایی هم از سوی برخی از اساتیـد و محقّقان به این کتاب و روش تنظیم آن وارد شـد. از جمله اسـتاد ایرج افشار، محقق سـخت کوش و خسـتگی ناپـذیر عرصه فرهنگ و تاریـخ ایران، نسـبت به تنظیم مـدخل های کتاب به شـکل کنونی انتقاد داشـتند و طی نامه ای مشـفقانه به این مسـأله اشـاره کردنـد که در تمـاس تلفنی به ایشـان توضـیح داده شـد: ترتیب مطـالب کتـاب براسـاس نـام کوچـک و نـام ژدر شخصـیت هـا (مـدخل ها) بوده و توسّط مؤلّف فقیـد صورت گرفته است و ما نمی توانستیم سـلیقه و خواسـته مؤلّف را نادیـده گرفته و به صورت دیگری آن را تنظیم کنیم. ولی تلاـش کردیم بـا تهیّه فهرستی در آخر کتـاب، دسترسـی به مطالب کتاب را آسـان تر کنیم و همـانطور که در مقـدمه جلـد اوّل نوشتیم، پس از چـاپ کامـل متن کتـاب، در آخرین جلـد «اعلام اصـفهان» فهرست های فنی متنوع و جامعی چاپ خواهد شد که مراجعان کتاب به سهولت و سرعت بتوانند از کتاب استفاده کنند.

* * *

هم زمان با انتشار جلد اوّل «اعلام اصفهان» و کمی بعد از آن آثار دیگری از مرحوم

استاد مهدوی به چاپ رسید:

۱. «اصفهان، دارالعلم شرق» مصحح: آقای محمّدرضا نیلفروشان

در مقایسه ای که بین نسخه چاپی و نسخه دست نویس مؤلف صورت گرفت مشاهده شد که مصحح کتاب برخی از مطالب کتاب از جمله اسامی مدرسین و طلاب مدارس را حذف و مطالبی را از برخی کتابها به اصل کتابت افزوده است! و البته این تصحیح و نشر خدمت وصی محترم آن مرحوم عرضه نشده و مورد تأیید ایشان نیز واقع نگردیده است. امیدواریم متن کتاب در عرضه جدید به طور مصحح و با رعایت امانت به چاپ برسد.

۲. «فهرست نسخه های خطی سیّد مصلح الدّین مهدوی، اهدائی به گنجینه نسخ خطی اصفهان»، نگارش: آقای محمّدعلی هدایت، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷ش این کتابها توسط خانواده مرحوم مهدوی به کتابخانه عمومی ابن مسکویه اصفهان اهداء شده است.

همچنین در کتاب «ناگفته های عارفان» تألیف: حجهالاسلام آقای محمّدجواد نورمحمّدی که در سال ۱۳۸۶ش به چاپ رسید. حکایاتی از علمای اصفهان به نقل از یادداشت های مرحوم مهدوی به چاپ رسیده است.

امسال (۱۳۸۷) نیز کتابی به نام «مجتهد نجف آبادی» به چاپ رسیده که شامل رساله هایی مستقل در شرح حال مرحوم آیت اللّه حاج میر سیّد علی نجف آبادی، از مرحوم زنده یاد استاد مهدوی، مرحوم آیت اللّه میر سیّد علی فانی، حجهالاسلام آقای حاج شیخ احمد عابدینی است و حجهالاسلام آقای نورمحمّدی جمع آوری و تصحیح این کتاب را بر عهده داشته اند.

در تیرماه ۱۳۸۶ همزمان با چاپ جلد اوّل کتاب «اعلام اصفهان» و مصادف با دوازدهمین سالگرد وفات استاد مهدوی، همایش یک روزه ای با عنوان «آیینه فرهنگ اصفهان» (بزرگداشت مرحوم استاد سیّدمصلح الدّین مهدوی) به همت مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل و مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد و با حضور جمع

زیادی از محققان، اساتید حوزه و دانشگاه و شاگردان علاقمندان مرحوم مهدوی برگزار شد.

در نیمه نخست این مراسم که صبح در سالن اجتماعات کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان برگزار شد، جناب آقای دکتر چلونگر رئیس مرکز اصفهان شناسی، به حاضرین جلسه خیر مقدم گفته و اهداف همایش را بیان کرد، سپس پیام آیت اللّه مظاهری(دام ظله) رئیس حوزه علمیه اصفهان توسط فرزند ایشان آقای حاج حسن آقا مظاهری قرائت شد.

پس از آن آیت اللّه آقای حاج شیخ رضا استادی از مدرسین حوزه علمیه قم، و آقای دکتر مهدی محقّق، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، و آقای جویا جهانبخش از محقّقان برجسته علوم اسلامی و غلامرضا نصرالهی مصحح و محقق کتاب حاضر (اعلام اصفهان) درباره وضعیت علم و تحقیق در کشور، بررسی و نقد آراء استاد مهدوی و نگاهی به شیوه تحقیق و ابعاد فعالیت های علمی و اجتماعی وی به ایراد سخن پرداختند. همچنین استاد بصیری نیز ابیاتی را در مورد ایشان قرائت کرد.

مراسم در بعدازظهر به میزبانی مجموعه فرهنگی مذهبی و تاریخی تخت فولاد ادامه یافت. ابتدا آقای مهندس حسین حمیدی اصفهانی مدیر مجموعه به حضار خوش آمد گفت. سپس محقق پرکار حوزه و دانشگاه حجت الاسلام و المسلمین آقای رسول جعفریان سخنرانی نمود. آنگاه استاد فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا) اشعاری قرائت کرد. در ادامه مراسم آقایان استاد مرتضی تیموری و دکتر اصغر منتظرالقائم مدیر دانشنامه تخت فولاد در باب دو کتاب تاریخ علمی و اجتماعی در دو قرن اخیر و مزارات اصفهان هر دو از تألیفات مرحوم مهدوی سخن گفتند.

در پایان آیت اللّه آقای حاج شیخ هادی نجفی ضمن ایراد سخنانی در مورد خصوصیات فردی و اعتقادی مرحوم مهدوی به ویژگی های تألیفات وی پرداخت و ختم جلسه را اعلام کرد و حاضرین در مراسم به زیارت مزار مرحوم استاد مهدوی رفتند.

مدیر علمی و مجری این دو مراسم (همایش) در صبح و بعدازظهر استاد و محقق ارجمند آقای محمّدحسین ریاحی معاون پژوهشی مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل بود. در حاشیه این همایش نمایشگاهی از کتابهای چاپ شده زنده یاد استاد مهدوی برگزار شد.

* * *

در پایان این گفتار بار دیگر از خانواده مرحوم مهدوی خصوصاً داماد محترم ایشان آقای حاج حمیدرضا فروغی و همچنین از آیت اللّه نجفی(مدظله) وصی محترم مؤلف فقید، و نیز از محقق پرتلاش و کوشا آقای رحیم قاسمی که در این کتاب نیز از راهنمایی ها و حمایت های خالصانه آنان بهره مند بودیم کمال امتنان را داریم.

همچنین از آقایان استاد فضل اللّه خان اعتمادی خوئی (برنا)، مجتبی ایمانیه، حمید خلیلیان، سیّداحمد عقیلی و سایر عزیزانی که نگارنده را در ادامه راه تشویق نموده اند و یا نکاتی را یادآور شده اند قدردانی می شود.

شایسته است از شهردار محترم اصفهان آقای دکتر سقائیان نژاد، رئیس مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل آقای دکتر چلونگر، معاون محترم و مسؤول پژوهشی مرکز اصفهان شناسی آقای محمّدحسین ریاحی، مسؤول امور مالی آن مرکز آقای مسّاح و سایر کارکنان مرکز اصفهان شناسی و آقای مرتضی جنتیان مدیریت محترم انتشارات کانون پژوهش که در چاپ و نشر این اثر نقش به سزایی داشتند صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم.

امیدوارم مطابق نظر مؤلف کار تدوین و نشر کتاب به انجام برسد و روح مؤلف فقید از نشر این اثر خشنود و راضی باشد.

و ما توفیقی الاّ باللّه

غلام رضا نصراللّهی

۱۷ ربیع الاوّل ۱۴۲۹ ه . ق

۶ / ۱ / ۱۳۷۸

ص: ۱۳

(تصویر)

ص: ۱۴

(تصویر)

ص: ۱۵

(تصویر)

ص: ۱۶

(تصویر)

ص: ۱۷

(تصویر)

ص: ۱۸

(تصویر)

ص: ۱۹

(تصویر)

ص: ۲۰

(تصویر)

ص: ۲۱

(تصویر)

ص: ۲۲

(تصویر)

ص: ۲۳

(تصویر)

ص: ۲۴

(تصویر)

ص: ۲۵

(تصویر)

ص: ۲۶

(تصویر)

اعلام اصفهان

«ب»

اشاره

بابا

کلمه بابا در زبان فارسی اسم است و در معانی: پدر، پیران کامل، رئیس بزرگ، سرکرده، ریش سفید طایفه، قلندر، هم شهری و آن کس که در کاری بزرگ باشد و پدربزرگ و جدّ هم استعمال شده است.

این کلمه لقب و شـهرت عدّه زیادی از عرفاء و صوفیه به خصوص در قرن هفتم و هشـتم هجری بوده است. ذیلاً به نام عده ای از آنان که در اصفهان بوده اند اشاره می کنیم و شرح حال بیشتر اینان غیرمعلوم [است] و عموماً از عرفاء بوده اند.

بابا الهی

بابا الهی، مزارش در نزدیک مقبره صاحب بن عَبّاد در محلّه طوقچی [بوده و اکنون آثار قبر از بین رفته است.]

بابا باب اللّه

بابا باب اللّه، قبرش در محلّه جهانباره (جوباره) نزدیک مقبره سارو تقی بوده است.

بابا امیر

بابا امیر، که یکی از باغات چهارباغ اصفهان بدو منسوب بوده است.

بابا بُدِلا

بابا بُدلاء، در محلّه دروازه حسن آباد مدفون است و بقعه ای بر سر قبر اوست.

بابا بیات

بابا بیات، ظاهراً از عرفای قرن هشتم هجری است. گویند او مراد و استاد طریقت بابا رکن الدّین بوده و پس از وفات در تخت فولاد مدفون شده است.(۱) [مزار بابا بیات در عصر صفویه دارای موقوفات بوده و از جمله میر معزّ صوفی در زمان شاه سلیمان صفوی متولّی موقوفات مزار بابا بیات بوده است.(۲)]

قبر بابا بیات در اواخر تخت فولاد(۳) [حدود تکیه بابا رکن الدّین و تکیه آقا محمّد بیدآبادی بوده و اینک از بین رفته است.]

بابا توتا

بابا توتا، قبر او در جوباره واقع شده [و اطاقی بر سر قبر او بوده که در محوطه شهرداری در خیابان کمال قرار گرفت و خراب شد. مزار او را مرمت کرده و سنگ لوحی نصب نمودند.]و به بابا تون تاب نیز معروف است.

بابا جوزا

بابا جوزا، مقبره اش در انتهای جوباره و مقابل باغ گارلند و نزدیک شاه میر حمزه قرار داشته است [در جریان احداث خیابان سروش خراب شد و از بین رفت.]

بابا حاجی

بابا حاجی، مزارش در قریه «بزم» از توابع رویدشت اصفهان است.

۱- ریحانه الادب، ج۲، ص۲۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۹۹؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۳۹ و ۴۶۰.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۰۱ و ۳۰۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۹.

بابا حسن

بابا حسن، قبرش کوچه شُـلِه رنگ کُن ها در محلّه بیدآباد وجود داشته و یک جوی نیز در آنجا به نام جوی بابا حسن معروف بوده و اهالی آنجا به سَرِجوئی شهرت داشته اند.

بابا حمزه

بابـا حمزه، از عرفـاء و ادبـای اصـفهان است. وی برای تبلیغ اسـلام و اشاعه آن به سـرزمین چین سـفر کرده و در قصـبه ای دور افتـاده در «شـیائونان» واقع در شـمال چین بـدرود حیـات گفته و در آنجـا به خـاک رفته است. در آرامگاه او تعـدادی کتابهای فارسی وجود داشته است.(۱)

بابا حیدر

بابا حیـدر، از دهات اسـتان چهارمحال و بختیاری است [و احتمالاً در آن روسـتا مزار یکی از اولیاء اللّه به نام «بابا حیدر» وجود داشته است.]

بابا حیدر

بابا حیدر، در زمان صـفویّه می زیسـته و پس از فوت بابا سلطان قلندر قمی منصب بابایی تکیه حیدر در چهارباغ اصفهان را به او دادند.

بابا خدادوست

بابا خدادوست، مزار او در قریه «مارچی» از دهات رویدشت اصفهان است.

۱- مجله کتابداری، شماره ۴۶، سال ۱۳۷۴، ص ۹۱.

بابا دنبه

بابا دنبه، در حوالی باغ نو در آخر خیابان صارمیّه [خیابان جهاد کنونی] قبرش باقی بود.

بابا رضی

بابا رضـی، از دراویش معاصر شاه سلیمان صفوی بوده و پس از فوت برادرش بابا صفی، منصب بابایی تکیه حیدر در چهارباغ اصفهان را به او دادند.

بابا رکن الدّین بیضاوی شیرازی

بابا رکن الدّین مسعود بن عبداللّه بیضاوی شیرازی، عارف سالك و عابد زاهد، از عرفای بزرگ قرن هشتم هجری.

[اصـلاً از اهالی «بیضای» فارس بوده و نزد شـیخ کمال الدّین عبدالرزّاق کاشانی، شیخ داود قیصری و نعمان خوارزمی به کسب علم و معرفت و طیّ طریق سلوك و عرفان پرداخته است. گویند درا صفهان نیز از مریدان بابا بیات بوده است.(۱)

اغلب سالهای زندگی را در اصـفهان سپری ساخته و در بین حکّام و اعیان و بزرگان اصفهان صاحب احترام و نفوذ کلمه بسیار بوده است. میر عبدالحسـین خـاتون آبادی می نویسـد: هنگامی که هلاکو پادشاه مغول قصـد تصـرف اصـفهان و قتل عام مردم آنجا را داشته، خواجه نصـیرالدّین طوسـی او را نزد بابا رکن الـدّین برد و به خواهش بابا رکن الدّین قتل عام اصـفهان برطرف شد یا در آن تخفیف ایجاد شد.(۲)

بابا رکن الدّین در عرفان نظری دستی توانا داشته و در شرح و ترویج اندیشه های محی الدّین عربی قادر بوده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- نصوص الخصوص: مقدمه، ص دَه.

۲- وقایع السنین و الاعوام، ص۳۶۴.

۱. «قلندریه» که شیخ آذری در «جواهر الاسرار» یاد کرده است. ۲. «کشف الضرّ فی شرح نظم الدُّر» در شرح تائیّه ابن فارض ۳. «نصوص الخصوص» در شرح فصوص الحکم، که با مقدمه استاد همایی و با همت دکتر رجبعلی مظلومی در سال ۱۳۵۹ش به چاپ رسیده است.(۱)]

بابا رکن الدّین در یکشنبه ۲۶ ربیع الاوّل ۷۶۹ق وفات یافته و (۲) [در جنوب اصفهان و در مسیر جاده قدیم شیراز که بعدها به مزار بابا رکن الدّین و تخت فولاد مشهور شد به خاک سپرده شد. پس از آن بقعه ای هرمی شکل بر روی قاعده ای پنج ضلعی با دوازده ترک بر سر مزار او بنا شد. در سال ۱۰۳۹ق این بنا به دستور شاه عباس صفوی مرمّت شده و موقوفاتی برای آن قرار داده شد.(۳) در زمان شاه سلیمان، میر معزّ صوفی متولّی موقوفات تکیه بابا رکن الدّین بود(۴) و پل ساخته شده بر روی زاینده رود که تخت فولاد را به اصفهان مربوط می کند به پل بابا رکن الدّین معروف بوده و بعدها به پُل خواجو شهرت یافت. در سال ۱۲۰۰ق یکی از عرفاء به نام میرزا محمّد نصیر بایزیدی تکیه را مرمّت کرد و در زمان ریاست مرحوم جواد مجدزاده صهبا بر اداره باستان شناسی اصفهان تکیه بار دیگر مرمّت شد. در سالهای اخیر شهرداری اصفهان آن تکیه را مرمّت و زیباسازی و نورپردازی کرده است.

برخی از علمای بزرگ شیعه همچون شیخ بهائی و حاج محمّد ابراهیم کلباسی و ملّا محمّد تقی مجلسی به زیارت او می رفته و به او اعتقاد داشته اند. تکیه بابا رکن الدّین از هنگام تأسیس تا امروز محل عبادت و ریاضت و چلّه نشینی عرفاء و اهل دل بوده و بسیاری از علماء و فضلاء در جوار مزار بابا رکن الدّین به خاک سپرده شده اند. از جمله ملّا حسن آرندی نائینی، ملّا محمّد علی نوری مازندرانی و جمعی از وابستگان او و میرزا

۱- نصوص الخصوص، مقدمه، ص نوزده.

۲- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۳۷.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۵۰۰-۴۹۳.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۳۰۲.

حسن خان جابری انصاری و دیگران.

در هنگام تعمیرات اخیر تکیه تعدادی آجر نوشته به خط کوفی متعلّق به قرن چهارم هجری و سنگ نوشته قبور از قرن دهم تا دوازدهم هجری کشف گردیده و بر سنگ های بدنه سرداب پای دیوار شرقی بقعه نیز یادگاری هایی از قرن نهم و دهم هجری وجود دارد.[(۱)]

بابا سرخ

بابا سرخ، مقبره او در دنبال نهر جوی شاه اصفهان (نزدیک محلّه لُنبان) وجود داشته است.

بابا سعید

بابا سعید، مزارش در اطراف اصفهان بوده است.

بابا سلطان قلندر قمی

بابا سلطان قلندر قمی متخلّص به «لوائی» از عرفای قرن یازدهم هجری در درویشی مقامی سامی داشته و در قواعد فقر و اصطلاحات آن فرقه بابای عالم بوده است. شاه عباس اوّل بابائی تکیه حیدر واقع در چهارباغ را به او مفوّض داشته و او قبل از تألیف تذکره نصرآبادی فوت شده جایش را به بابا حیدر دادند. او نیز فوت شده پسرش بابا صفی به جای پدر نشسته، او نیز فوت شده، برادرش بابا رضی بابای تکیه مزبور شده

۱- تخت فولاد، یادگار تاریخ: خطی؛ و نیز بنگرید به: بزرگان نامی پارس، ج۱، صص ۴۱۱-۴۰۷؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۱۱۹۵؛ مولوی نامه، ص۲۲۰؛ نامه مینوی، صص ۵۸۰-۴۱۰؛ مجله یادگار: سال ۱۳۲۴ش، شماره ۴، صص ۴۶-۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۱؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۲۱۳؛ دانشنامه جهان اسلام، ذیل «بابا رکن الدّین»، صص ۴۳ و ۴۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

است.

در هر حال «بابا سلطان» به تَتَبُّع شعراء قدیم شعر می گفته است.

از اوست:

«لوائی» نیست شاد از وصل امروز

چو هجران خواهدش آزرد فردا

چه باشد حال بیماری که امروز

یقین داند که خواهد مرد فردا(۱)

بابا سنگکی

بابا سنگکی، قبرش در پشت مسجد جامع اصفهان بوده است. [در کوچه ای که به گنبد سلطان بخت آغاز و مسجد دوقاضی منتهی می شود، جنب امامزاده شورا به نام طاق بابا سنگکی معروف بوده ولی آثار قبر از بین رفته است.

بابا شاه اصفهانی

باباشاه اصفهانی، متخلّص به «حالی» شاعر و خوشنویس مشهور عصر صفویه بوده، اصلاً از کوهپایه است اما به اصفهانی شهرت یافته،(۲) خط را نزد سیّد احمد مشهدی مشق کرده و این که نوشته اند شاگرد میرعلی هروی بوده بنا به دلایلی صحیح نیست.(۳)

عموم خطشناسان و خوشنویسان متفق القولند که تا زمان بابا شاه خط نستعلیق را کسی به شیرینی و شیوایی او ننوشته است.(۴)

باباشاه مردی عارف و درویش مسلک بوده و عموماً گوشه نشینی اختیار می نموده و به کتابت گذران معیشت می کرده است.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۰۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۸۸۱؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۳۷.

۲- تذکره روز روشن، ص ۹۵ و ۹۶.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۸۶.

۴- کارنامه بزرگان ایران، ص۱۶۸؛ مناقب هنروران، ص۷۹؛ تذکره خلاصه الاشعار (بخش اصفهان)، ص۳۲۱ و ۳۲۲.

تاریخ وفاتش را برخی سال ۹۹۶ در بغداد(۱) و برخی دیگر سال ۱۰۱۲ه در مشهد مقدس نوشته اند(۲) و تاریخ دوم صحیح تر به نظر می رسد.(۳)

رساله آداب المشق هم از تألیفات اوست که به اشتباه آن را به میرعماد نسبت داده اند.

از او قطعات خوشنویسی و چند کتاب به خط نستعلیق خوش در کتابخانه ها و مجموعه های شخصی موجود است.(۴)

این رباعی از بابا شاه اصفهانی است.

دوشینه به بزم آن بت باده پرست

بودم که شد از باده عشرت سرمست

او رفت به خواب مستی و من از شوق

بر پاش نهادم سر و رفتم از دست

بابا شهاب

شیخ شهاب الدّین آزادانی معروف به «بابا شهاب» از عرفاء و دانشمندان عهد خود بوده و در قریه آزادان در نزدیکی اصفهان [و اکنون محلّه ای در غرب اصفهان] به خاک رفته است.

بابا شیخ احمد

بابا شیخ احمد مزارش در «سُهر فیروزان» از بلوک لنجان قرار دارد.

بابا شیخ حسین

بابا شیخ حسین که در قریه «پُوده» سمیرم مدفون شده است.

۱- گلستان هنر، ص۱۱۹.

۲- پیدایش خط و خطاطان، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۱۵۴.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص ۹۰ و ۹۱.

بابا شیخ علی

بابا شیخ علی، قبر او در قریه «اشکهران» از دهات رویدشت اصفهان است.

بابا شیخ علی

بابا شیخ علی، قبر او در قریه «گیشی» (جیشی) از توابع رویدشت اصفهان است.

بابا شیخ علی رودباری

بابا شیخ علی رودباری از عرفای اصفهان است. سال فوت او معلوم نیست. مزار او در روستایی به نام خود او بابا شیخ علی در لنجان اصفهان موجود است. و در زمان صفویه بقعه او تعمیر شده است و در بیرون بقعه، بر روی دیوار لوحه ای سنگی نصب شده بود که عبارات آن چنین است:

«توفیق یافت در عمارت این بقعه متبرّک‌ که عارف معارف ربّانی بابا شیخ علی رودباری رحمهاللّٰه علیه عزت و رفعت پناه شهسوار بیگ ابن مرحوم مهترعلی کوچک فی ۱۰۴۴» (۱)

بابا شیر

بابا شیر، قبر او در بازارچه حسن آباد بوده است.

بابا صفی

بابا صفی فرزند بابا حیدر، از دراویش و متصوفه عهد صفوی بوده و پس از فوت پدر بابائی تکیه حیدر در چهارباغ را به او دادند.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۶۹.

بابا صلت

بابا صلت، قبرش نزدیک مزار صاحب بن عباد در محلّه طوقچی بوده و در سالهای اخیر از بین رفته است.

بابا عبداللّه

بابا عبداللّه، قبر او در کوچه جماله، نزدیک مسجد جامع اصفهان موجود است.

بابا عبداللّه

بابا عبداللّه، قبرش در محلّه خوزان سِدِه بوده است.

بابا عبداللّه

بابا عبداللّه، قبر او در لنجان اصفهان است.

بابا عریان

بابا عریان، قبر او در حوالی مقبره صاحب بن عباد بوده و در سالهای اخیر آن را از بین بردند.

بابا علمدار

بابا علمدار، در محلّه الیادران در غرب اصفهان مدفون است و قبر درازی دارد. گویند قد بلندی داشته است. در اطراف قبر او قبرستان اختصاصی محلّه الیادران بوده که در اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی قسمتی در خیابان صارمیّه قرار گرفته و خراب شد و باقی را تصرّف نموده به خانه و مغازه و مدرسه تبدیل کردند.

بابا علی

«بابا علی» معروف است که طیّ الارض داشته و قبرش در قریه «شاه طور» رویدشت اصفهان واقع شده است.

بابا علی خان گورتانی

درویش بابا علی خان قورتانی رویدشتی، عارف سالک در قرن یازدهم هجری. در قریه «قورتان» (گورتان) رویدشت اصفهان ساکن بوده و به عبادت و ریاضت روزگار می گذرانیده و سرانجام در سال ۱۰۶۸ق وفات یافته و در قبرستان بلال واقع در آن قریه جنب مزار بابا ابوالمعالی مدفون شد.(۱)

بابا فولاد

بابا فولاد، از عرفای اصفهان در قرن دهم هجری است. به گورستان متبرّکه و قدیمی اصفهان در جنوب رودخانه زاینده رود و در مسیر جاده شیراز، تا قرن یازدهم هجری «مزار بابا رکن الدّین» می گفته اند. اما کم کم این گورستان به «تخت گاه بابا فولاد» و سپس «تخت فولاد» معروف شده است. [سایر وجه تسمیه هایی که برای تخت فولاد ذکر می کنند چندان سندیتی ندارد و تخت فولاد منسوب به همین «بابا فولاد» است.]

نامش «استاد فولاد حلوائی بن استاد شجاع الدّین» بوده و پس از سال ۹۵۹ق وفات یافته و نزدیک غسالخانه تخت فولاد مقابل تکیه خاتون آبادی مدفون شد [قبر او پس از آنکه در معرض تخریب قرار گرفت و قبور اطراف آن از بین رفت، به مساعی عدّه ای از علاقمندان مواریث تاریخی و فرهنگی، به شرحی که آقای جمشید مظاهری در تعلیقات تاریخ اصفهان مرحوم جابری انصاری نوشته، از نابودی نجات یافته و مرمّت شد و اکنون در صحن شرکت مخابرات موجود است.(۲)]

۱- قصص الخاقانی، ج۲، ص ۲۰۰.

۲- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۴۱۰ و ۴۱۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۲۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۸؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: مخطوط.

بابا قادر

بابا قادر، از عرفاء بوده و نزدیک بقعه صاحب بن عبّاد در محلّه طوقچی مدفون است. [بر سر قبر او اطاقی با طاقی گنبدی شکل در کوچه صاحب بن عبّاد و کمی بالاتر از مزار صاحب (روبروی حسینیه امام خمینی فعلی) وجود داشت و سنگ قبری مرمرین بـا طرح هـای گـل و بته زیبـا و ادعیه به خط ثلث خوش و حجاری روی قبر او مشاهـده می شـد. در چنـد سال اخیر آن اطاق و مقبره را خراب کرده و به یکی از تأسیسات انتقال و تقویت برق تبـدیل کردنـد. ظاهراً نامش «عبـدالقادر» بوده و در بین اهالی محلّه طوقچی دارای احترام فراوان بوده و به «بابـا قادر» شـهرت داشـته و مع الاسف در عصـر حاضـر و نسل امروز نه آن حرمت باقی ماند و نه آن معنویّت.]

باباقاسم

ابوالقاسم محمّـد، از عرفاء قرن هفتم و اوائل قرن هشـتم اصـفهان است که شـرح حال او ماننـد سایر باباها مجهول می باشد. در سال ۷۴۰ق وفات یافته و یکی از مریدانش به نام سلیمان بن ابی الحسین بن طالوت دامغانی در سال ۷۴۱ق بقعه ای بر سر مزار او بنا نموده که هرمی شکل و دارای ۸ضلع می باشد و در سال ۱۰۴۴ق به وسـیله شخصی به نام آقا زمان فرزند آقا جمال میوه فروش تعمیر شده است.

در نزدیکی مقبره بابا قاسم مدرسه ای موسوم به «مدرسه بابا قاسم» وجود دارد که در منابع عصر صفویه آن را «مدرسه صفویه» نیز آمـده است و نگارنـده در کتاب دیگر خود اصـفهان دارالعلم شـرق یا تاریـخ مدارس دینی اصـفهان به شـرح ساختمان این مدرسه و علماء و فضلاء ساکن در آن در قرون گذشته تا حال پرداخته ام.

بابا قاسم از صوفیان اهل سنّت بوده و اسامی خلفای سه گانه در مقبره و مدرسه بر روی کاشیکاری ها مشهود است.

بابا قارداش

بابـا قـارداش، در «آبچویه» از مزارع قریه «جِشوقـان» کوهپـایه مقبره او وجود دارد و عوام آنجـا او را دلاّـک حضـرت رضـاعلیه السلام می دانند.

بابا قزوینی

بابا قزوینی، از عرفای اصفهان.

بابا لکات

بابا لکات، از عرفاء و متصوّفه بوده و در تخت فولاد مدفون است. به نوشـته شاردن، سیّاح فرانسوی که در عصر صفویه به ایران آمـده بود بقعه بابـا لکات دارای موقوفات فراوان بوده و بسـیاری از درویشان در آنجا اطعام می شـده انـد.(۱) در مرآه البلدان ناصری محل قبر او را محلّه خواجو نوشته [که صحیح نیست. ظاهراً قبر بابا لکات در حوالی بقعه بابا رکن الدّین بوده است.(۲)]

بابا لخته*

بابا لخته، از عرفاء بوده و در محلّه «اَرداجی» در خوراسکان در شرق اصفهان مدفون است.

بابا لنگر

بابا لنگر، قبر او در نزدیکی «الور» از بلوک کَروَن وجود داشته است.

۱- سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، ص۱۵۶.

۲- مزارات اصفهان، ص۱۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۰۰.

بابا متکا

بابا متکا، از عرفاء اصفهان بوده و در این شهر به خاک رفته است.

بابا محمّد علی اصفهانی

بابا محمّد علی اصفهانی، از شعراء و عرفای قرن یازدهم هجری است. نصرآبادی در تذکره خود می نویسد: در کمال دردمندی بود. صحبت حکیم شفائی را دریافته و در فن مثنوی طبعش خالی از لطف نبود. چند سال قبل از این (یعنی قبل از سال ۱۰۸۳ق سال تألیف تذکره) فوت شد.

این شعر در تعریف پل حسن آباد (پل خواجو) از اوست:

ندانم چون کنم تعریف آن پل

کزو ایجاد شد راه توکّل

شکوه بحر اگر آن جا کشد سر

جهد مانند میمونی ز چنبر(۱)

بابا محمود

بابا محمود، ظاهراً از عرفاء ناحیه لنجان بوده و پل بابا محمود در نزدیکی باغ محمود از دهات گرکن لنجان به او منسوب است.

بابا ملّا

بابا ملّا، از عرفای ناحیه «ازیران» رویدشت بوده و دارای بقعه و بارگاه است.

بابا نوش

بابا نوش، از عرفاء بوده و قبرش در محلّه تل عاشقان و نزدیک سنبلستان در کوچه ای معروف به «بابا نوش» بوده است [متأسفانه در سالهای اخیر آن را نیز خراب کرده و آثار قبر را از بین بردند. اهالی محل به زیارت او عقیده داشته و کراماتی را به او

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۱۱؛ مزارات اصفهان، ص۱۱۱.

نسبت می دادند.]

بابا وحدی

بابا وحدی، یا بابا اوحدی، مدفون در لنجان.

بابا یحیی

بابـا یحیی، از عرفای قرن دوازدهم هجری است و در سال ۱۱۵۳ق وفات یافته و در تکیه بابا رکن الـدّین در تخت فولاد مدفون است.(۱)

باباخان شکوهی بختیاری

باباخان شـکوهی فرزنـد محمّد کریم بن پرویزخان بابادی بختیاری، شاعر ادیب از محترمین و خان زادگان ایل بابادی بوده، در حدود سال ۱۳۱۰ق متولّـد گردیده و در سال ۱۳۶۶ قمری در اصـفهان وفـات یافت. گاهی برحسب اقتضای حال اشـعاری می سرود از آن جمله است:

[دل شد اسیر دام و ندانست عاقبت

از حلقه های زلف تو راه فرار نیست(۲)]

میرزا باقر

میرزا بـاقر، از فضـلاء و معـاریف اصـفهان بوده، از آثـارش حمـام و مسـجد و بازارچه ای است در محلّه بیـدآباد. وی ظاهراً در اواخر زمان صفویه زندگی می کرده است.

حمام میرزا باقر در سالهای اخیر گرفتار بیماری تغییر نام گردید و اخیراً به نام حمام گلستان خوانده می شود.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۱؛ مزارات اصفهان، ص۱۱۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۷۴.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۱.

محمّد باقر آتشی شیرازی

محمّد باقر شریف آتشی شیرازی، از خطاطین مشهور اصفهان در قرن سیزدهم هجری است که در برخی از مساجد این شهر من جمله مسجد قریه گز، مسجد شاه و مسجد سیّد، از سال ۱۲۵۱ تا ۱۲۶۱ کتیبه هایی به خط ثلث زیبا از او باقی است و سنگ برخی از قبور تخت فولاد نیز به خط مشارالیه می باشد. کتیبه مسجد رکن الملک در تخت فولاد و کتیبه مسجد رحیم خان از کتیبه مسجد سیّد گرده برداری شده است که سال آن ۱۳۰۴ و ۱۳۱۱ می باشد که سال بنا و نصب کاشی می باشد. چنان که در برخی از کتیبه های مسجد سیّد نیز دو تاریخ دارد. یکی تاریخ نوشتن کتیبه و دیگری تاریخ نصب کاشی. سال فوت و مدفن و دیگر گزارش زندگی او فعلاً بر نگارنده مجهول است.(۱)

شیخ محمّد باقر ارونقی*

شیخ محمّد باقر ارونقی تبریزی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. در مدرسه سلطانی (چهارباغ) اصفهان مقیم بوده و به تحصیل علم مشغول بوده است. وی کتاب «بیست باب در معرفت اسطرلاب» تألیف خواجه نصیرالدّین طوسی را از سال ۱۱۹۲ تا ۱۱۹۴ه.ق تصحیح و مقابله کرده است.(۲)

شیخ محمّد باقر استرآبادی

شیخ محمّد باقر استرآبادی، از علمای اواسط قرن سیزدهم هجری است. اصلش از «ناه کوه» است. وی نزد علمای اصفهان تحصیل نموده و در این شهر برخی از کتب را کتابت نموده است از جمله: حاشیه معالم تألیف ملّا میرزا محمّد شیروانی و غیره.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۱۸ و ۶۴۰؛ آثار ملّی اصفهان، ص۶۳۱؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۰۱ و ۳۷۲.

۲- نسخه های خطی، دفتر هفتم، ص۵۳۲.

۳- الکرام البرره، ج۱، ص ۱۶۰.

در کتابخانه مجلس شورای ملّی مجموعه ای است به شماره ۳۰۹۹ حاوی چندنامه و رقعه، که در شماره ۱۲ آن را بدین گونه معرفی می کند: «نامه محمّد باقر استرآبادی مدرس اصفهان»(۱)

همچنین در بیاض امام قلی میرزا فرزند نادرشاه نامه ای از صاحب عنوان به علماء بغداد موجود است.(۲)

استاد باقر اصفهانی*

استاد باقر اصفهانی، از معماران چیره دست عصر زندیه است. وی در سال ۱۱۹۴ق مسجد جامع کاشان را که در اثر زلزله آسیب دیده بود را تعمیر کرده است.(۳)

ملّا محمّد باقر اصفهانی

ملّا محمّد باقر اصفهانی، عالم فاضل، متأخّر از علّامه مجلسی است. مشارالیه مؤلّف کتابی است به نام «درج الدّررفی مناقب الائمه الاثنی عشر» به فارسی، که کتاب بزرگی است در حدود سی هزار بیت و به دو قسمت تقسیم می شود:

قسمت اوّل شرح قصیده طویله فارسی مشتمل بر دویست آیه از آیات قرآن مجید و پانصد حدیث همگی در شأن حضرت امیرعلیه السلام و قسمت دوّم کتاب در مناقب سایر ائمه هدیعلیهم السلام می باشد.(۴)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی، در سال ۱۲۶۴ق حاشیه بر معالم، تألیف: شیخ محمّد تقی را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۶۸۴ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران

۱- فهرست مجلس، ج ۴۸۱ ۱۰.

۲- الذریعه، ج۳، ص۱۶۹.

۳- دانش نامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، ص۱۰۷.

۴- الذریعه، ج۸، ص۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۰۵.

موجود است.(۱)

و در سال ۱۲۷۰ق «رساله عملیه» (از طهارت تا صیام) را برای حاج محمّد ابراهیم کتابت نموده است. نسخه به شماره ۱۴۲۴ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی خطاط نسخ نویس. در سال ۱۲۰۱ق نسخه ای از «زاد المعاد» را به خط نسخ نوشته است که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

همچنین «مفتاح الفلاح» شیخ بهائی را کتابت نموده و ترجمه دعاها را با شنجرف نوشته است. ظاهراً ترجمه از خود او باشد. نسخه به شماره ۳۳۳۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۴)

[محمّد باقر اصفهانی نسخه ای از قرآن مجید را به خط نسخ خوش در ماه محرّم ۱۱۸۵ق کتابت نموده که درکتابخانه سلطنتی سابق موجود بوده است.(۵)]

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی [از ادباء و فضلای قرن یازدهم هجری در هندوستان است]. جُنگ بیاضی در سال ۱۰۵۶ق در هند نوشته است. در برگ های ۴۸ تا ۵۰ این جُنگ رساله «تحدّی وصاف با کلیله دمنه یا مقایسه قرینه سازی های وصّاف با ابوالمعالی» قرار گرفته است و شاید مؤلف آن محمّد باقر اصفهانی باشد. این جنگ به شماره ۱۰۳۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۶)

۱- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۵۷۲.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۸۶.

۳- فهرست رضوی، ج۶، ص۲۴۳.

۴- فهرست رضوی، ج۶، ص۲۲۲.

۵- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۴۹.

۶- فهرست اهدایی مشکاه، ج۲، ص۶۹۴.

او در سال ۱۰۵۶ مجموعه ای ترتیب داده و از جمله «اثبات واجب» تألیف خفری را در اکبرآباد و رساله دیگری را در سال ۱۰۵۶ق در حیدرآباد هند نوشته است. این مجموعه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی، نسخه ای از «احکام اتّصالات [...]» [لا یقراء] تألیف: محمّد اختیار را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۱۶۶۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. تاریخ دیگر کتابهای این مجموعه ۱۲۲۳ق می باشد. بنابراین احتمالاً وی نیز در این عصر می زیسته است.(۲)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی، از خطاطین خط نسخ و کتاب نویسان قرن سیزدهم است. از آثارش کتاب «اسفار» است که در سال ۱۲۷۷ق میرزا شمس الدّین نوشته و نسخه به شماره ۲۲۷۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

همچنین کتاب «کبری» را در روز دوشنبه ۲۹ شوّال ۱۲۶۸ق در سیچان اصفهان نوشته است. نسخه در کتابخانه دانشکده حقوق تهران موجود است.(۴)

شیخ محمّد باقر اصفهانی

شیخ محمّد باقر اصفهانی، از علماء و مدرسین طهران در قرن چهاردهم هجری بوده و از جمله شاگردانش حاج اسماعیل بن شیخ محمّد رضا بهاری همدانی می باشد.(۵)

۱- فهرست اهدایی مشکاه، ج۳، ص۱۲۸.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۲۳۹.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص ۹۲۰.

۴- فهرست حقوق، ص ۱۷۰.

۵- گنجینه دانشمندان، ج۴، ص۳۹۹.

سیّد محمّد باقر امامی*

سیّد محمّد باقر حسینی امامی اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری است، او از اساتید هنر قلمدان سازی و نقاشی به شمار می رفته و در گل و بته سازی مهارت بسیاری داشته است و تا سال ۱۲۷۲ق در قید حیات بوده است.(۱)

دکتر باقر آل ابراهیم

دکتر باقر آل ابراهیم بن ملّا محمّد ابراهیم دهکردی، شاعر و ادیب دانشمند. در سال ۱۳۲۳ق در دهکرد (شهرکرد فعلی) متولّد گردیده و در مولد خود تحصیلات مقدماتی را شروع نموده، سپس به اصفهان آمده و نزد علمای عالیقدری چون حاج آقا رحیم ارباب و شیخ محمّد حکیم خراسانی به تحصیل پرداخت و در ضمن آن در مدارس جدید نیز تحصیل نمود و سپس در طهران به دانشسرای عالی وارد شد و لیسانس ادبیات را اخذ نمود. سپس به دانشگاه طهران رفت و دکترای ادبیات گرفت. سالها در دبیرستانهای طهران به تدریس مشغول بوده و چندین کتاب تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «تاریخ و تطّور ادبیات ایران» ۲. «شرح حال خواجه عبداللّه انصاری»، وی طبع شعر داشته و در شعر «مهجور» تخلّص می کرده است. این شعر از اوست:

دادم به ره عشق تو از جان و دل خویش

سرمایه یک عمر که اندوخته بودم

سودای مرا بین که خریدم ز تو آن را

کز روز ازل من به تو بفروخته بودم

در وادی سینای دل از نور تَجَلّی

من دوش شهاب قبس افروخته بودم(۲)

۱- هنر قلمدان، ص۱۳۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۷۸؛ شناخت سرزمین چهارمحال، صص ۶۲۸ و ۶۲۹.

محمّد باقر نجف آبادی

محمّـد بـاقر بن ملّـا ابراهیم نجف آبـادی، از خطاطـان و نویسـندگان کتب در قرن سـیزدهم هجری بوده و این کتابها به خط او موجود است:

۱. «شـرح کبیر یـا ریـاض المسائـل»، از میراث تـا آخر کتاب دیات، که به خط نسـخ خوب در سال ۱۲۶۳ق نوشـته و به شماره ۲۵۰۵ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۱)

[«الوافی فی شـرح الواقیه»، که به خـط نسـخ آن را نوشـته و در دوشـنبه ۵ شعبان ۱۲۶۳ق از کتـابت آن فراغت یـافته است. این نسخه به شماره ۷۷۱۸ در کتابخانه مجلس شورا موجود است.(۲)]

۳. «شرح زبده الاصول»، که به خط نسخ در سال ۱۲۶۶ق کتابت نموده و در کتابخانه آیت اللَّه گلپایگانی موجود است.(۳)

شیخ محمّد باقر کلباسی*

حاج شـیخ محمّد باقر کلباسـی بن شـیخ ابوتراب بن شـیخ محمّد جعفر بن حاج محمّد ابراهیم کلباسـی، عالم فاضل در یکشـنبه ۲۷صفر ۱۳۰۸ق در نجف اشرف متولّد شد. مقدمات را در نجف اشرف خواند و در سال ۱۳۳۰ق به اصفهان بازگشت.

در اصـفهان نزد آخونـد فشـارکی، آخونـد گزی و آقا سیّد محمّـد باقر درچه ای به تحصـیل پرداخت. پس از آن به اقامه نماز جماعت در مسجد حکیم و حل و فصل مشکلات مردم پرداخت. وی سرانجام در ۲ شعبان ۱۳۹۵ق وفات یافته و در تکیه میرزا ابوالمعالی در تخت فولاد مدفون شد.(۴)

۱- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۴۷۳.

۲- فهرست مجلس، ج۲۶، ص۲۰۷.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۱۰۷.

۴- مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، صص ۱۸۲-۱۸۰.

شیخ محمّد باقر اصفهانی

حاج شیخ محمّد باقر بن ابی جعفر اصفهانی، واعظ و عالم محقّق، مؤلّف کتاب «خیرالکلام» در عقائد شیعه. ظاهراً وی ساکن هند بوده و کتابش در هندوستان به طبع رسیده است.(۱)

میرزا محمّد باقر مجدالاطباء

میرزا محمّد باقر مجدالاطبّاء بن شیخ ابوطالب بن شیخ محمّد جعفر بن محمّد باقر بن میرزا عبداللّٰه شیخ الاسلام بن میرزا محمّد رحیم بن میرزا مرتضی بن میرزا عبدالمطلب شیخ الاسلام، از اطباء قرن چهاردهم هجری. در مدرسه دارالفنون طهران به تحصیل طب پرداخته و در اصفهان طبابت نمود. در اصفهان نیز طب قدیم را نزد حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی آموخته بود.(۲) [مرحوم مهدوی قبر او را در تکیه ریزی نوشته است ولی قبر او نزدیک تکیه میر محمّد صادقی و ملک در تخت فولاد مشاهده شد. تاریخ فوت او ۱۴ ذیقعده ۱۳۵۳ق بوده است.(۳)]

میر محمّد باقر حسینی اصفهانی*

میر محمّد باقر بن ابوطالب حسینی اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. وی کتیبه حاشیه جعبه ترازوی چوبی موجود در موزه بِرن سوئیس را به خط ثلث خوش نوشته است.(۴)

میرزا محمّد باقر حسینی نطنزی

میرزا محمّد باقر حسینی نطنزی بن ابوعلی، شاعر ادیب و دانشمند از فضلاء و سخنوران قرن یازدهم هجری است. در اوایل قرن یازدهم هجری متولّد شده و در

۱- الذریعه، ج۷، ص۲۸۴.

۲- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: مخطوط.

۴- جلدها و قلمدان های ایرانی، ج۱، ص۱۴۹.

اصفهان به تحصیل پرداخت. در شعر و ادب استاد بود و خطوط مختلف را خوش می نوشت و از حکمت، نجوم، هیئت، ادبیات عرب، منطق و فقه و حدیث با بهره بود. شاه عباس ثانی او را اکرام و احترام می کرد و میرزا محمّد باقر سالها در امور دیوانی به خدمت مشغول بود و پس از فوت برادرش میرزا محمّد شفیع، وزیر سرکار قورچیان شد. [او صاحب مال و مکنت فراوان بود و آثار خیریه همچون تکایا، حمام، مساجد و مساکن بسیاری را احیا کرد و مزرعه ای به نام خویش به نام «باقرآباد» احداث نمود. خوشبختانه وقف نامه آثار موقوفه میرزا باقر به تاریخ ۱۷ جمادی الثّانی ۱۰۸۵ق موجود است. هرچند آثار موقوفه اغلب از بین رفته و یا به مرور زمان به تصرف غاصبین موقوفات درآمده است.

او در سوارکاری و تیراندازی و جنگاوری بسیار چابک و ماهر بود. سرانجام در قزوین وفات یافته و پیکرش به مزرعه «باقرآباد» از توابع «بُرز رود» نطنز منتقل و به خاک سپرده شد و مدتی بعد استخوان های او را به نجف اشرف برده و به خاک سپردند.

باقر نطنزی، مانند اغلب شعرای آن زمان پیرو سبک هندی بوده و با شاعران عهد خویش صائب تبریزی، میرزا طاهر وحید قزوینی، میرزا محمّد سعید حکیم و دیگران مراوده و مشاعره داشته است. دیوان اشعار او با عنوان «دیوان میرزا محمّد باقر حسینی» در سال ۱۳۶۹ش با ویرایش دکتر میرجلال الدّین کزّازی به چاپ رسیده است.]

این شعر از اوست:

پیش من خیره نظر بر رخ جانان کردن

تیشه بر صورت شیرین زدن فرهادست(۱)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۹۸؛ نتایج الافکار، ص۱۱۸؛ تذکره حسینی، ص۷۲؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۲۵؛ تذکره آتشکده (بخش سوم از نیمه نخست)، ص۹۲۶؛ تذکره غنی، ص۲۴؛ دیوان میرزا محمّد باقر حسینی، صص۱۸-۸؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، ص ۱۲۵-۱۲۲.

میر محمّد باقر شهرستانی

میر محمّد باقر بن ابوالفتوح موسوی شهرستانی، عالم فاضل و خوشنویس ماهر، اصلاً از اهالی محلّه «شهرستان» اصفهان است. [در اصفهان نزد دانشمندان این شهر به تحصیل پرداخت. خطوط نسخ و رقاع را خوش می نوشت. وی کتاب «درّ ثمین» که ترجمه کتاب «کشف الیقین» علّامه حلّی است را نوشته که به شماره ۱۲۰۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)]

وی نسخه ای از نهج البلاغه را به خط نسخ و رقاع خوش در جمعه ۲۸ رمضان ۱۰۹۰ق کتابت نموده که در کتابخانه معتمد موجود بوده است.(۲) همچنین نسخه دیگری از «نهج البلاغه» را در پنج شنبه ۱۱ شعبان ۱۰۸۶ق به خط نسخ و رقاع خوش کتابت نموده که در کتابخانه مجلس سنای سابق (کتابخانه شماره۲ مجلس شورا) موجود است.(۳)

وی نسخه ای از «صحیفه سجادیه» را به خط نسخ و رقاع خوش در ۱۱ شعبان المعظّم ۱۰۸۶ق کتابت نموده که در مجموعه آقای سهیلی وجود داشته است.(۴)

سیّد محمّد باقر آسیاب پری

سیّد محمّد باقر موسوی آسیاب پری ابن آقا سید ابوالقاسم (بن سیّد محمّد باقر) بن آقا سیّد مهدی، عالم فاضل. در حدود سال ۱۲۹۶ه در اصفهان متولّد و نزد علماء و بزرگان شهر همچون حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای و آقا شیخ احمد بیدآبادی و دیگران تحصیل نموده، در مسجد آب بخشان پس از فوت پدر اقامه جماعت می نمود و سرانجام در ۱۸ صفر سال ۱۴۰۷ه.ق وفات یافت و درایوان شرقی صحن امامزاده زینبیه مدفون

۱- فهرست مرعشی، ج ۳۰، صص ۴۶۴ و ۴۶۵.

۲- نسخه های خطی: دفتر سوم، ص ۲۵۱.

۳- فهرست سنا، ج ۱، ص ۹۵.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج ۴، ص ۱۱۵۰؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۴۹ و ۱۵۰.

گردید.(۱)

میرزا محمّد باقر امامی

حاج میرزا محمّد باقر امامی بن سیّد احمد، از سادات امامی اصفهان، عالم حکیم ادیب فاضل زاهد از شاگردان جهانگیرخان قشقائی و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و آخوند کاشی و دیگران بوده و کتابی در حکمت و کلام تألیف فرموده، در سن قریب ۹۰ سالگی در ماه صفر ۱۳۶۴ه.ق وفات یافته. در یکی از اطاق های تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد. نگارنده مدتی افتخار شاگردی ایشان را داشت.(۲)

میرزا محمّد باقر شهیدی علوی

حاج میرزا محمّد باقر شهیدی علوی ابن آقا میرزا احمد مدرس خراسانی بن سیّد محمّد حسینی خراسانی، عالم فاضل زاهد، از ائمه جماعت اصفهان. [حدود سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولّد شده] و نزد پدر خود و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا سیّد مهدی درچه ای، میرزا حسین همدانی و آخوند کاشی تحصیل نمود. وی پس از وفات پدر، در مسجد مقابل مدرسه نیم آورد اقامه جماعت می نمود و در شب ۲۵ محرّم سال ۱۳۸۵ق به سن متجاوز از ۷۵ سالگی وفات یافته و در تخت فولاد جنب مزار فاضل هندی مدفون شد.(۳)

محمّد باقر حسینی مازندرانی

محمّد باقر بن احمد حسینی مازندرانی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری] در ربیع الاوّل سال ۱۱۲۹ق کتابت نسخه ای از «شرح مختصر السؤل و الامل فی علمی

۱- تاریخچه ارزنان، ص۴۲؛ مزارات اصفهان، ص۲۳۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۷۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۹.

الاصول و الجدل» را به خط نسخ در مدرسه جدید سلطانی (مدرسه چهارباغ) در دارالسّلطنه اصفهان به پایان رسانیده است.

متن کتاب در بالای صفحه و شرح آن در پایین صفحه نوشته شده است. نسخه به شماره ترتیب (۲۱۷۱۲) ۱۴۳۴ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدّس موجود است.(۱)

سیّد محمّد باقر ثانی بیدآبادی

حاج سیّد محمّد باقر معروف به «حاج آقا» بن حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی، عالم فاضل فقیه کامل و ادیب شاعر. مادرش دختر ملّا علی بن حاج میرزا خلیل طهرانی است. صاحب عنوان پس از وفات پدر (در سال ۱۲۹۰ق) به نجف اشرف مهاجرت نموده و نزد آقا شیخ محمّد حرزالدّین و سایر فضلاء تلمّذ نموده، در فقه، اصول و کلام صاحب نظر گردید. منزل او محفل علماء وادباء و شعراء بوده است.

او پس از فوت عموی خود حاج سیّد جعفر بیدآبادی در سال ۱۳۲۰ق به اصفهان مهاجرت نموده، مرجع مسائل شرعی مردم گردید و به تعمیر و تکمیل مسجد جدّ خود (مسجد سیّد) پرداخته و به نصب ضریح و نصب ساعت اقدام نمود. پس از وقوع استبداد صغیر و آشفتگی اوضاع مملکت، بار دیگر به نجف اشرف مهاجرت کرد، امّا به علّت درخواست های مکرّر مردم اصفهان، به موطن خود مراجعت نموده و به فاصله شش ماه پس از آن در روز سوم رمضان سال ۱۳۳۳ق بر اثر ابتلا به سکته وفات یافته و در مقبره مسجد سیّد مدفون گردید.

وی در نجف اشرف کتابخانه ای با چندین هزار کتاب نفیس داشت که پس از فوت ایشان فروخته شد و در بین فضلای نجف پراکنده گردید. وی در مراتب فضل و ادب

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۵۸۲.

خصوصاً شعر نیز مهارت داشته و صاحب قریحه ای وقّاد و طبعی روان بوده است. این شعر از اوست:

یابن عمّ النّبیّ ایّ معالٍ

لک فی ارفع المدائح تذکر(۱)

میر محمّد باقر خاتون آبادی

میر محمّد باقر بن میر محمّد اسماعیل بن میر محمد باقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل فقیه محقق و ادیب مدقّق، از علمای قرن دوازدهم هجری.

در سال ۱۰۷۰ق در اصفهان متولّد شده [و نزد جمعی از علمای اصفهان از جمله ملّا محمّد باقر محقق سبزواری و پدر دانشمند خود و آقا حسین خوانساری به تحصیل پرداخت و خود عالمی جامع و فقیهی کامل گردید تا جائی که مورد توجّه و عنایت شاه سلطان حسین صفوی قرار گرفته و به دستور او برخی از کتابها را از عربی به فارسی ترجمه کرد و پس از احداث مدرسه چهارباغ او را مأمور تدریس در آن مدرسه نمود. در سال ۱۱۲۴ق نیز او را به سمت «رئیس العلماء» و منصب «ملّاباشی» منصوب نمود.

در سال ۱۱۲۷ق ناگهان بهای گندم و آرد در اصفهان بالا رفت و عدّه ای از فتنه جویان آن را به میر محمّد باقر خاتون آبادی نسبت دادند و عوام النّاس را تحریک کردند و خانه او را به آتش کشیدند. جمعی از جزائریه نیز که مأمور حفاظت خانه او بودند به خانه او ریخته و به ضرب و شتم ساکنان منزل و غارت اثاثیه آن پرداختند، در حالی که شاه سلطان حسین به این بی احترامی اعتنائی نکرد و مورد پیگیری قرار نداد. در این هنگام خاتون آبادی که به بیماری ذات الرّیه مبتلا بود، بر اثر این حوادث بیماریش شدت گرفت] و در سه شنبه ۶ ربیع الاوّل ۱۱۲۷ق وفات یافته و در تخت فولاد در مدرسه ای که پدرش میر محمّد اسماعیل ساخته بود [و اکنون به تکیه خاتون آبادی ها

۱- نقباء البشر، ج۱، ص۱۹۵؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۵؛ معارف الرّجال، ج۱، ص۱۳۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۰۷ و ۳۰۸؛ اعیان الشیعه، ج۱۳، ص۳۳۳.

معروف است]مدفون گردید.(۱)

[برخی می نویسند که او را زهر داده و شهید کردند و این مادّه تاریخ برای این واقعه سروده شده است:

«آمد «جگر» از «شهید ثالث» بیرون ۱۳۵۰-۲۲۳=۱۱۲۷] (۲)

وی شاگردان بسیاری تربیت نموده است از جمله: سیّد نورالدّین بن سیّد نعمت اللَّه جزائری و فرزندش سیّد محمّد.(۳)

کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «آثار علوی» یا «کائنات جوّ»، که نسخه ای از آن در کتابخانه دانشگاه لُس آنجِلِس آمریکا وجود دارد.] (۴)

۲ . «آداب دعا» به فارسی، که نسخه های آن در کتابخانه های دانشگاه تهران، ملك و دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است. (۵)

۳. «رساله در آب نیسان و قمر در عقرب» [که نسخه ای از آن به شماره ۱۲۶۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه ای دیگر در مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) موجود است.] (۶)

۴ . «ترجمه بلدالامین» موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.(۷)

۵ . «ترجمه اناجیل اربعه»

۶. «ترجمه عهدنامه مالك اشتر» که نسخه هایی از آن در کتابخانه های مرکزی دانشگاه تهران، ملّی ملك و ملّی ایران موجود است.(۸)

۱- وقایع السّنین و الاعوام، صص ۵۶۹-۵۵۲.
۲- منتهی الآمال، ص۶۷۷؛ شهیدان راه فضیلت، صص ۳۶۲ و ۳۶۳.
۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.
۴- نسخه های خطی، ج ۱۱ و ۱۲، ص۱؛ فهرست دانشگاه تهران، ج۶، ص۲۷۱۶.
۵- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۶؛ فهرست الهیات دانشگاه تهران، ص۱.
۶- الذریعه، ج۱۹، ص۱۳؛ فهرست سپهسالار، ج۱، ص۱۸۴۴.
۷- الذریعه، ج۲۶، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۰، ص۱۶۶۳.
۸- فهرست ملك، ج۲، ص۱۳؛ فهرست ملّی ایران، ج۶، ص۱۳۹؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۷ ص۲۷۱۶.

۷. «ترجمه عیون الحساب» تألیف ملّا محمّد باقر یزدی، [موجود به شماره ۲۱۳۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی] (۱)

۸ .«ترجمه فقه الرضاعلیه السلام» موجود در کتابخانه مدرسه فیضیّه قم. (۲)

۹ .«ترجمه مشکول» تألیف حاج بابا بن محمّد صالح قزوینی، موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی (۳)

۱۰.«ترجمه و شرح مجمع البیان»

۱۱. «سوره هایی که در فرایض خوانده می شود» موجود در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی (۴)

۱۱.«تعقیبات نماز» که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۵)

۱۲.«صیغ عقود نکاح»، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه ملّی ملک.(۶)

۱۳. «لیلیّه» ترجمه از کتاب شیخ صفی الدّین اردبیلی که در کتابخانه نگارنده موجود است.(۷)

۱۴.«ترجمه مکارم الاخلاق» موجود در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی در تهران(۸)

۱۵.«نوروزیّه» به فارسی، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه شخصی سیّد ناصر میبدی کرمانشاهی در مشهد مقدّس و کتابخانه خاندان میبدی در کرمانشاه(۹) [به منابع مندرج پاورقی نیز رجوع شود.(۱۰)]

۱- فهرست مجلس، ج۶، ص۱۰۷.

۲- فهرست فیضیّه (استادی)، ج۲، ص۲۵.

۳- ترجمه اناجیل اربعه: مقدمه، ص ۴۳ و ۴۴.

۴- ترجمه اناجیل اربعه: مقدمه، ص۵۲.

۵- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۵۴.

۶- فهرست مشکات، ج۳، ص۲۶۱۷؛ فهرست ملک، ج۶، ص ۸۱.

۷- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۷.

۸- ادبیات فارسی استوری، ج۲، ص۷۷۳؛ الذریعه، ج۲۲، ص۱۴۷.

۹- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۶، ص۲۷۱۶؛ فهرست شخصی میبدی، ج۱، ص ۳۸ و ۳۹؛ فهرست خاندان میبدی، ص۱۴۹.

۱۰- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴، تتمیم امل الآمل، صص ۷۷ و ۷۸؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۴۱ و ۴۲؛ الکواکب المنتشره، ص۸۷؛ نجوم السماء، ص۲۷۵؛ مفاخر اسلام، ج۸، ص۵۳۳؛ تاریخ و تذکره حزین، صص ۲۰۹ و ۳۶۰؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۲۳۷؛ تراجم الرّجال، ج۲، صص ۵۹۲ و ۵۹۹؛ علّامه

مجلسی (طارمی)، صص ۲۵۷-۲۵۳؛ مکارم الآثار، ج ۱، ص ۱۱۲؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص ۴۳۵ و ۴۳۶.

میرزا محمّد باقر طبیب

میرزا محمّد باقر طبیب بن حاج محمّد اسماعیل بن ابراهیم بن حسینعلی بن شمس علی پوده ای سمیرمی اصفهانی، طبیب حاذق و ماهر، در حدود سال ۱۳۰۰ه.ق متولّد شد. تحصیلات خود را در طب نزد حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی انجام داده و به طبابت پرداخت. وی در اصفهان و حبیب آباد برخوار، جندق و انارک به طبابت مشغول بود. سرانجام در شب ۱۱ ربیع الاوّل ۱۳۷۰ه.ق در اصفهان وفات یافته و در صحن تکیه آغاباشی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میر محمّد باقر واعظ

میر محمّد باقر واعظ بن میر محمّد اسماعیل بن میر ابوصالح [بن میر عبدالرزّاق بن میر محمّد اسماعیل اعرجی حسینی اصفهانی]

عالم فاضل، از بزرگان فضلای اصفهان است. وی پیشنماز مسجد جامع جدید سلطانی و مدرس مدرسه میرزا مهدی در بیدآباد اصفهان بوده و در این شهر وفات یافته است.

هفت فرزند او: میر محمّد صادق واعظ، حاج میر محمّد اسماعیل، میر علینقی، میر سیّدعلی، میر محمّد مهدی، میر محمّد کاظم و میر محمّد رضا از علمای اصفهان به شمار می رفته اند.(۲)

در ارشاد المسلمین می نویسد که در سال ۱۱۹۸ق در عداد علماء معروف بوده است. سال وفاتش معلوم نیست.

۱- تاریخچه محلّه خواجو، ص۷۶؛ منتخبی از آثار رجاء زفره ای، ص۹۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۰۹ و ۳۱۰.

میر محمّد باقر خاتون آبادی

میر محمّـد بـاقر بن میر محمّـد اسـماعیل (شـاه مراد) بن میر عمّادالـدّین محمّـد حسـینی خـاتون آبادی، عالم فاضل محـدّث، از دانشـمندان و قرن یازدهم هجری در اصفهان به تحصیل فقه و حدیث پرداخت و بارها به سفر حج رفت. وی در سال ۱۰۶۰ه.ق وفات یافت و در قریه «گورت» از توابع جِی اصـفهان مدفون شد. از او جُنگی در ادعیه و احادیث به جای ماند. میر عبدالحسین و میر محمّد اسماعیل خاتون آبادی از فرزندان دانشمند صاحب عنوان هستند.(۱)

آقا باقر سعدالسّلطنه*

آقا باقر اصفهانی ملقّب به سعدالسّلطنه بن آقا اسماعیل، از رجال سیاسی و اداری عهد قاجاریه و از نیکوکاران و خیّرین.

او دائی میرزا علی اصغر امین السلطان (اتابک اعظم) است. ابتدا نزد آقا ابراهیم امین السلطان آشپزی می کرد و به این خاطر در اولین سفر ناصرالدّین شاه در اروپا (سال ۱۲۹۰ق) همراه شاه بود. در سال ۱۲۹۶ق امتیاز ساخت راه شوسه قزوین - تهران به او واگذار شد و سرانجام در سال ۱۳۱۰ق به حکومت قزوین منصوب شد.

وی با دسـتور میرزا علی اصـغر امین السـلطان ساختمان قدیمی بقعه شاهزاده حسـین را تخریب کرده و بنای جدیدی بر سـر آن مزار بنا کرد. همچنین کاروانسرایی در محلّه خیابان قزوین بنا نمود.

در سال ۱۳۲۵ق به جای جلال الدّوله (پسر ظل السلطان) به حکومت زنجان منصوب شد. پس از مدتی بین او و مجتهد با نفوذ زنجان آخونـد ملّا قربانعلی زنجانی اختلافات بالا گرفت تا جایی که سـرانجام در جمادی الاوّل ۱۳۲۵ق به دستور ملّا قربانعلی، مردم به دارالحکومه ریخته و سعدالسلطنه را مجروح کردند و او پس از دو روز

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۸۷ و ۱۸۸؛ مکارم الآثار، ج۱، ص ۱۳۰.

درگذشت.(۱)

محمّد باقر حسینی

محمّد باقر بن محمّد اشرف حسینی [خطاط و نستعلیق نویس] چندین رساله در موضوعات مختلف را در سالهای ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ و ۱۰۴۶ق در قهوه خانه میرزا ولی محمّد نوشته است که به شماره ۷۴۱۰ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی موجود است.(۲)

آقا محمّد باقر وحید بهبهانی*

آقا محمّد باقر وحید بهبهانی بن ملّا محمّد اکمل اصفهانی، از اکابر علمای امامیه و از مجتهدین طراز اوّل جهان تشیع، محیی اجتهاد در فقه شیعی، عالم زاهد متقّی، در سال ۱۱۱۷ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر به تحصیل پرداخت. همچنین از درس آقا سیّد محمّد طباطبائی بروجردی و سیّد صدرالدّین محمّد قمی بهره گرفت. پس از وفات پدر و سقوط اصفهان به دست افاغنه، از اصفهان به بهبهان کوچ کرده و حدود ۳۰سال در آن دیار به تدریس و تبلیغ و تحقیق مشغول شد. پس از آن به عتبات عالیات مهاجرت فرموده و در کربلا ساکن شد و به معارضه با شیخ یوسف بحرینی (صاحب حدائق) پیشوای اخباریان پرداخته و با برپائی جلسات علمی و تألیف و تحقیق بر او غلبه کرده و او را منزوی ساخت و طریقه اجتهاد را در آن دیار رواج داد. مجلس درس او پربار و عمیق بود و دهها مجتهد عالیقدر از این محفل علمی برخاستند و شهرت و اعتبار «وحید بهبهانی» چنان شد که عنوان (آقا) به طور مطلق به او اختصاص یافته و اعقاب و احفادش به نام (آل آقا) معروف شدند. همچنین در بین اهل فضل و اصحاب رجال و تراجم به «استاد الکل» شهرت یافت. لقب «وحید» را نیز استاد و پدر همسرش سیّد

۱- شرح حال رجال ایران، ج۱، ص۱۸۱؛ چهل سال تاریخ ایران یا الماثر و الآثار، ج۱، ص۳۱۴؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۳۰۰؛ مینو در یا باب الجنه قزوین، ص۶۹۲.

۲- فهرست مرعشی ج۱۹، ص۲۲۶.

محمّد طباطبائی بروجردی به او عطا کرد.

وحید بهبهانی در سال ۱۲۰۵ق وفات یافته و در رواق حرم مطهر امام حسین علیه السلام نزدیک قبور شهدای کربلا مدفون شد. مادرش فرزند نورالدّین محمّد بن محمّد صالح مازندرانی بوده و محمّد صالح داماد ملّا محمّد تقی مجلسی است.

او تألیفات فراوانی از خود به جای نهاده است که از آن جمله است:

۱. «حاشیه علی مدارک الاحکام» ۲. «حاشیه علی المعالم» ۳. «الفوائد الحائریه» ۴. «مصابیح الظلام» در شرح مفاتیح الشرایع(۱)

محمّد باقر بن امین

محمّد باقر بن آقا امین، از علمای اواخر عهد صفویّه است. وی در سال ۱۱۰۴ق وفات یافت و در تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

شیخ محمّد باقر الفت

شیخ محمّد باقر بن حاج شیخ محمّد تقی آقا نجفی، عالم فاضل عارف ادیب جامع معروف به «الفت»، در جمعه دوم جمادی الاوّلی ۱۳۰۱ه.ق متولّد شده، در اصفهان نزد

۱- علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۵۷۸-۵۷۴؛ معجم مؤلفی الشیعه، صص ۷۹ و ۸۰؛ شرح زندگانی استاد کل وحید بهبهانی، مرآه الاحوال، ج۱، صص ۱۴۹-۱۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۵ و ۴۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۳۴؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۷۵ و ۷۶؛ قصص العلماء، صص ۲۰۹-۲۰۳؛ تذکره العلماء، صص ۱۴۰-۱۳۷؛ روضات الجنات، ج۲، ص۹۱؛ الکنی و الالقاب، ج۲، صص ۱۰۹ و ۱۱۰؛ فوائد الرضویه، ص۴۰۴؛ هدیه الاحباب، صص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۵۱؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۹۰؛ الاعلام، ج۶، ص۲۷۳؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۲۲۰؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۰ و ۳۱۱؛ الذریعه: اغلب جلدها؛ دانشمندان سخن سرایان فارس، ج۴، صص ۷۹۶-۷۸۹؛ معجم المطبوعات، ج۱، ص۵۹۷؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۴۷۴؛ بغیه الطالب، ص۱۷۱؛ تتمیم امل الآمل، صص ۷۴ و ۷۵.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۸.

پدر بزرگوارش و در نجف اشرف نزد علماء اعلام از آن جمله آخوند خراسانی و آقا ضیاءالدّین عراقی تحصیلات خویش را به پایان رسانید. در اوائل مشروطیت در عداد آزادیخواهان وارد شده، در سال ۱۳۰۷ خورشیدی از طرف مردم اصفهان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید. او در طی مسافرت های خود به ایران و خارج در خدمت آقا سیّد محمّد غمام عارف مشهور رسیده و دست ارادت بدو داده و در اصفهان در گوشه انزوا به سر برده، روزگار به تألیف و تصنیف می گذرانید.

[صاحب عنوان صاحب معلومات فراوان در علوم مختلف و در سجایای اخلاقی و ملکات فاضله کم نظیر و منزل او محفل دانشمندان و اهل ادب بود.]

وی سرانجام در ۲۶ ربیع الاوّل سال ۱۳۸۴ق (۱۳۴۳ش) وفات یافته و در بقعه پدر خود جنب امامزاده احمد مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را میر سیّد علی خان نوربخش (آزاد) گوید:

گفت آزاد بهر تاریخش:

حیف الفت ز ما برید الفت

استاد فضل اللّه اعتمادی متخلص به برنا نیز در وفات او چنین سروده است:

خامه «برنا» دو تاریخ از پی فوتش نوشت

هر یکی در مصرعی با سال هجری عرب

«بود از الفت مصفّا گلشن اصحاب علم»

«بود با الفت موقّر ساحت اهل ادب»

ماده تاریخ وفاتش به شمسی نیز چنین است:

بهر سال وفاتش دو تاریخ

زد به شمسی رقم کلک «برنا»

«الفتی بین ارباب دل نیست»

«رفت از بین ما الفت ما»

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ «ابـواب الروضـات» (فهرست بر روضـات الجنـات است که مسـتقلاً به طبـع رسـیده است.) ۲ و ۳. پرورش اسـتقلال و وسائل رسـتگاری که از کتب خارجی ترجمه نموده و در مجله آفتاب به طبع رسانیـده است. ۴. «تاریخ مداخله شـیعه در امور سیاسی» ۵.

«داستان هفت برادر» ۶. «دانشنامه» که به طبع رسیده ۷. «دیوان اشعار»، مطبوع ۸. «رساله میهمانی به قلم افلاطون»، ترجمه از عربی، به طبع رسیده ۹. «کشف الحجب در اسامی کتب» ۱۰. «سفرنامه» در دو مجلد ۱۱. «نسب نامه الفت» ۱۲. «مجمع الاجازات» ۱۳. «تلخیص الروضات». [مجموعه ای از آثارش در یک مجلد توسط دختر نواده اش لاله الفت در سال ۱۳۸۵ش در اصفهان منتشر گردید.]

همچنین ایشان از سال ۱۳۲۹ه.ق مجله آفتاب را در اصفهان منتشر ساخته است.

از اوست:

بر تارک قدرش نرسد افسر خورشید

آن سر که به خاک قدم چون تو کس افتاد

***

وجود خاکی من گرچه از تو رفت به باد

خوشم از این که به یکباره رفته ام از دست(۱)

میرزا محمّد باقر مدرّس

میرزا محمّد باقر بن میر محمّد تقی بن میر سیّد حسن مدرّس،عالم فاضل، در حدود سال ۱۳۱۴ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد علماء این شهر تحصیل نموده، ازائمه جماعت مسجد حاج ابوالمحسن در محلّه پاقلعه بود. در ظهر چهارشنبه ۳۰ رجب ۱۳۸۸ق به سن متجاوز از ۷۰ سالگی وفات یافته، در بقعه جدّش میر سیّد حسن مدرس در مسجد رحیم خان مدفون گردید.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۵ و ۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، صص ۶۱-۳۸؛ مزارات اصفهان، صص ۵۴ و ۵۵؛ گلهای ادب، ص۴۷؛ دیوان الفت، مقدمه؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۹۸؛ گنج زری بود درین خاکدان، ج۱، مقدمه؛ آئین فرزانگی، ج۲، صص ۱۱۸-۱۱۵؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، ص۳۲۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۰۵ و ۴۰۶؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۹.

شیخ محمّد باقر نجفی (کبیر)

شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی ابن شیخ محمّد تقی ایوان کیفی رازی نجفی اصفهانی، از بزرگان علماء و مجتهدین و رؤسای ملّت و دین، مادرش نسمه خاتون معروف به «حبابه» دختر شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی و پدرش شیخ محمّد تقی رازی صاحب حاشیه از مجتهدین بزرگ قرن سیزدهم هجری است. در سال ۱۲۳۵ق (و یا به قول مرحوم الفت در نسب نامه ۱۲۳۴ق) در اصفهان متولّد شده و مقدّمات علوم را فرا گرفت. سپس با مادر خود به نجف اشرف مهاجرت نموده و نزد صاحب جواهر، شیخ انصاری و شیخ حسن کاشف الغطاء (دایی خود) به تحصیل پرداخت. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به تدریس و ترویج دین اشتغال جست. پدر دانشمندش شیخ محمّد تقی و همچنین حاج سیّد محمّد باقر حجّةالاسلام شفتی و سیّد صدرالدین عاملی را از دیگر اساتید ایشان بر شمرده اند.

وی در مسجد شاه [مسجد امام فعلی] به تدریس پرداخت و صدها تن از علماء و فضلاء از او کسب فیض نمودند. [اسامی ۷۱تن از شاگردان آن بزرگمرد در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان آمده است.] کم کم مقام علمی بر همگان آشکار شد و نفوذ و شهرت ایشان در اصفهان زیاد شد تا جایی که در ردیف علمای طراز اوّل اصفهان قرار گرفت و به اجرای حدود الهی و احکام شرعی اقدام نمود.

از اقدامات مهم اجتماعی ایشان کمک به فقراء و مؤمنین در قحطی سخت و جانکاه سال ۱۲۸۸ق (معروف به سال آدم خوری) است. همچنین در سال ۱۲۹۲ق که دولت قاجاریه قصد داشت مالیات ناعادلانه برای مردم اصفهان وضع کند، او به طهران رفته و موفق به لغو این تصمیم و معافیت مردم از پرداخت مالیات گردید.

شیخ محمّد باقر نجفی در اصفهان پشت و پناه ضعفا و حامی ستم دیدگان بود و در برابر طمعکاری و ظلم و تعدّی ظلّ السّلطان و اتباع او ایستادگی می کرد. او در برابر بدعت ها و انحرافات فرقه های ضالّه به مبارزه برخاسته و احکام شرع را در مورد آنان به اجرا گذاشت.

سرانجام در سال ۱۳۰۰ق به ناگاه به عتبات عالیات هجرت نموده و پس از زیارت آستان مقدس حسینی علیه السلام در کربلا، به نجف اشرف رفته و به زیارت مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شتافت و در شب پنج شنبه ۸ صفر المظفّر ۱۳۰۱ق وفات یافته در بقعه جدّ مادری خود شیخ جعفر کاشف العظاء در نجف مدفون گردید.

حاج میرزا علی مستوفی انصاری (پدر حاج میرزا حسن خان جابری انصاری مؤرخ و ادیب مشهور) جهت او مرثیه و مادّه تاریخ سروده و گوید:

سال تاریخش از انصاری جستم گفتا

«موطن شیخ نجف بود بانجام و ازل»

۱۳۰۱ق

صاحب عنوان به تقوا و عبادت و اخلاق حسنه و ملکات فاضله معروف بود. از آثار خیریه او بنای مسجد نو در بازار بزرگ اصفهان در سال ۱۲۹۹ق است.

وی کتب و رسایل چندی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «رساله در استصحاب» ۲. «شرح هدایه المسترشدین» بحث حجیه الظن که در سال ۱۲۸۳ق به ضمیمه کتاب «هدایه المسترشدین» به طبع رسیده است. [اخیراً با تصحیح محقق ارجمند آقای شیخ مهدی باقری به چاپ رسیده است.]۳. «لبّ الاصول» ۴. «لُبّ الفقه» که جلد طهارت آن در کتابخانه آقا سیّد حسن صدر کاظمی موجود بوده است. [۵. «حاشیه» فتوائی بر «نخبه» حاج محمّد ابراهیم کلباسی در عبادات. ۶. تعلیقه فتوایی بر رساله صلاتیه پدرش شیخ محمّدتقی (مطبوع).(۱)]

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۳۴۰-۳۱۳؛ قبیله عالمان دین، صص ۶۲-۴۳؛ شرح هدایه المسترشدین، صص۴۲-۱۵؛ رساله صلاتیه، صص ۵۳-۴۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۶۵؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ اعیان الشیعه، ج۴۴، ص۱۰۴؛ بغیه الطالب، ۱۷۴؛ نقباء البشر، ج۱، ص۱۹۹؛ نجوم السماء (تکمله)، ج۲، ص۳؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۰۴؛ فوائد الرضویه، ص۴۱۰؛ هدیه الاحباب، ص۲۰۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۱۰۰۷؛ احسن الودیعه، ج۲، ص۱۶؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۲۹۰؛ الذریعه، ج۲، ص۲۴، ج۲، صص ۲۸۲ و ۲۸۷؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۶۶۷-۶۶۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۴۰-۱۳۷؛ شرح حال عباس میرزا ملک آرا،صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

سیّد محمّد باقر رویدشتی

سیّد محمّد باقر رویدشتی اصفهانی نائینی ابن سیّد محمّد تقی بن میر صدرالدّین محمّد بن امیر غیاث الدّین. عالم فاضل و طبیب متّقی، در سال ۱۲۳۲ق متولّد شد. وی از غایت زهد کمتر طبابت می نموده، لکن کمال حذاقت را داشته است. در سال ۱۳۳۵ق به سنّ یکصد و سه سالگی وفات یافته و در صحن امامزاده سلطان سیّدعلی در نائین مدفون شد.(۱)

علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی

علّامه ملّا محمّد باقر بن ملّا محمّد تقی بن مقصود علی مجلسی، عالم فاضل و محقّق کامل و متکلّم جامع، مجدّد مذهب شیعه در قرن یازدهم هجری. از اعاظم علماء و اکابر فقهاء و محدّثین شیعه.

در سال ۱۰۳۷ق در اصفهان متولّد شده و نزد علماء و فقهای عالیقدر به تحصیل پرداخته و از برخی از آنان اجازه دریافت نموده است که عبارتند از: قاضی ابواشرف اصفهانی، ملّا محمّد تقی مجلسی، شیخ حسن بن شیخ زین الدّین عاملی معروف به «شیخ حسن صغیر»، ملّا حسنعلی شوشتری، قاضی امیرحسین، سیّد حسین بن سیّد حیدر بن قمر حسینی کَرَکی، ملّا خلیل قزوینی، میرزا رفیعا نائینی، ملّا محمّد شریف رویدشتی، ملّا محمّد صالح مازندرانی، ملّا محمّد طاهر قمی، سیّد علی خان مدنی شیرازی، سیّد شرف الدّین علی طباطبائی شولستانی نجفی، سیّد نورالدّین علی موسوی عاملی، شیخ علی بن محمّد بن حسن بن شهید ثانی معروف به «سبط شهید»، شیخ فخرالدّین طُریحی نجفی، میر فیض اللّه طباطبائی قهپائی، میر محمّد قاسم طباطبائی قهپائی، ملّا محمّد محسن فیض کاشانی، ملّا

۱- تاریخ نائین، ص۱۷۹؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۹۲۸.

محمّد محسن استرآبادی، ملّا صدرای شیرازی، ملّا محمّد عاملی حرفوشی، ملّا میرزا محمّد شیروانی، شیخ محمّد حُرّ عاملی، سیّد محمّد (معروف به سیّد میرزا جزائری)، میر سیّد محمّد مؤمن حسینی استرآبادی

در اصفهان محضر تدریس و بحث و تحقیق داشته و صدها شاگرد از شهرها و روستای مختلف ایران در اصفهان شاگرد مجلس درس او بوده اند. نگارنده در کتاب زندگینامه علّامه مجلسی شرح حال ۱۸۴نفر از آنان را ذکر نموده ام.

علّامه مجلسی در اصفهان امام جمعه و شیخ الاسلام بوده و تمام عمر شریفش به درس و بحث و ترویج دین و تألیف کتب احادیث و اخبار آل محمّدعلیهم السلام و اجرای حدود و احکام و امر به معروف و نهی از منکر، احقاق حقوق مردم، دفع شرّ ظلمه، قلع و قمع بدعت های صوفیّه و غیره گذشته است.

[تألیفات علّامه مجلسی از لحاظ کثرت و جامعیت و تنوع کم نظیر است. او با ترجمه کتابهای فقهی و حدیثی به فارسی روان برای مردم فارسی زبان، سهم عمده ای در ترویج معارف شیعه داشته و تعداد بسیار زیاد نسخه های خطی از تألیفات او و چاپ های زیاد از کتابهای او تأثیر فوق العاده او را بر پیروان مذهب شیعه امامیه نشان می دهد. او اهتمام زیادی برای گردآوری احادیث منقول از معصومین علیهم السلام داشته و در این راه از تمام توان خود و شاگردان و دوستانش استفاده کرده و مجموعه ای عظیم که در نوع خود دائره المعارف بزرگ حدیث بوده را تألیف نموده و خدمت بزرگی به تمدن اسلام نموده است.

او اهل عبادت و تهجّد و مراقبه بوده و موفقیّت ها و دستاوردهای او حاصل این راز و نیازها و تهذیب نفس و تعبُّد اوست.]

در برخی از کتب اشعاری را به علّامه مجلسی نسبت داده اند که صحیح نیست. بلکه اشعاری است از شاعری اصفهانی ساکن هندوستان به نام مجلسی اصفهانی.

علّامه مجلسی سرانجام در روز ۲۷ رمضان المبارک سال ۱۱۱۰ق وفات یافته و در مسجد جامع اصفهان جنب مزار پدر بزرگوار خود مدفون گردید.

قبرش از همان زمان وفات تا امروز مورد توجّه عموم مردم خصوصاً مؤمنین و

مقدّسین بوده و مردم به وسیله آن از خداوند حاجت می طلبند و اکثراً به مراد می رسند.

درباره وفات او اشعار و ماده تاریخ های فراوانی سروده شده که بهترین آنها این بیت است:

ماه رمضان چو بیست و هفتش کم شد

تاریخ وفات باقر اعلم شد

۱۱۱۰=۱۱۳۷-۲۷

[مرحوم مهدوی ۱۶۹ کتاب و رساله از علّامه مجلسی را در کتاب زندگینامه علّامه مجلسی معرفی کرده و محل نگهداری، سال تألیف، سال کتابت و سال چاپ و موضوع آنها را ذکر کرده است.(۱)]

کتابهای زیر از تألیفات علّامه مجلسی است:

۱. «بحارالانوار» ۲. «حلیه المتقّین» ۳. «مرآه العقول» ۴. «عین الحیاه» ۵. «حقّ الیقین» ۶. «مشکوه الانوار» ۷. «جلاء العیون» ۸. «تحفه الزّائر» ۹. «ربیع الاسابیع» ۱۰. «زاد المعاد» ۱۱. «مقباس المصابیح» ۱۲. «حیاه القلوب»

محمّد باقر خضری استرآبادی*

محمّد باقر بن محمّد تقی خضری استرآبادی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. ظاهراً از نوادگان مولانا خضری استرآبادی، از شعرای معاصر شاه طهماسب صفوی

۱- زندگینامه علّامه مجلسی (۲جلد)؛ الفیض القدسی؛ فیض قدسی؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین؛ علّامه مجلسی (تألیف حسن طارمی)؛ علّامه مجلسی مردی از فردا؛ کارنامه علّامه مجلسی؛ کتابشناسی علّامه مجلسی؛ ملّا محمّد باقر مجلسی: زندگی - زمانه - نگاه ها؛ نقدها؛ اندیشه سیاسی علّامه مجلسی؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۸-۳۱۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۲۶-۱۲۱؛ مزارات اصفهان، صص ۳۳ و ۳۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۰۹ و ۳۱۰؛ مرآت الاحوال جهان نما، ج۱، صص ۱۱۵-۱۱۲؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۱۵۹ و ۲۹۹؛ قصص العلماء، صص ۲۱۹-۲۱۰؛ تذکره العلماء، صص ۱۶۴-۱۵۹؛ امل الآمل، ج۲، ص۲۴۸؛ روضات الجنات، ج۲، ص۱۱۴؛ شمس التّواریخ، ص۱۳؛ الاعلام، ج۶، ص۴۸؛ الذریعه: مجلدات مختلف.

است.(۱)

در مدرسه جدّه اصفهان ساکن بوده و در آنجا کتاب «هیئت» و «قانونچه» را به خط نستعلیق، در سال ۱۰۹۹ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه علّامه طباطبائی شیراز موجود است.(۲)

ملّا محمّد باقر ابوالفقراء گزی

ملّا محمّـد باقر گزی معروف به «ابوالفقراء» شاعر ادیب فاضل فرزنـد ملّا محمّـد تقی، در قریه گز بُرخوار اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل علم و ادب در اصفهان ساکن شده و انجمن ادبی ابوالفقراء را تأسیس کرده است. عمّان سامانی قصیده انجمنیه ای برای این انجمن ادبی سروده است(۳) و مرحوم ابوالفقراء نیز شعر می گفته و کتابی به نام کنزالفقراء تألیف نموده است که به شماره ۲۱۷۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. سرانجام در سال ۱۲۸۶ه.ق وفات یافته، جنازه به زادگاهش منتقل و در آنجا مدفون شد.(۴)

مشارالیه دائی آخوند ملّا عبدالکریم گزی می باشد. ماده تاریخ وفاتش را پرتو شاعر و خطاط معروف سروده است:

آه و افسوس از ابوالفقراء

که به دانش نبود قرین

هم بُدش جا به صفّه عرفان

هم در ایوان شرع صدرنشین [...]

بیتی آراست بر بدو تاریخ

چون دو ابروی شاهد شیرین

باقر بن تقی ابوالفقراء

رفت اندر مقام علیّین

۱۲۸۶ ۱۲۸۶

۱- تذکره تحفه سامی، ص۲۷۷.

۲- نسخه پژوهی، ج۳، ص۱۰۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۳۱۱ و ۳۱۲؛ مقدمه دیوان غمگین اصفهان.

۴- رجال اصفهان، ص ۶؛ فرهنگ و تاریخ گز بُرخوار، ص ۱۲۰؛ مکارم الآثار، ج ۸، ص ۲۷۹۴.

سیّد محمّد باقر حسینی قزوینی

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد تقی حسینی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در مدرسه جدّه اصفهان ساکن بوده و در سال های ۱۲۳۳ و ۱۲۳۴ق مجموعه ای از ۱۰ رساله را گرد آورده که به شماره ۲۸۱۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

شیخ باقر کیانی فلاورجانی*

حاج شیخ باقر کیانی بن حاج محمّد تقی فلاورجانی، فاضل ارجمند و ادیب فرزانه. در اصفهان نزد میرزا علی آقا شیرازی و حاج آقا رحیم ارباب و دیگران به کسب فیض پرداخت وی در ۲۷ آبان ۱۳۷۰ش وفات یافته و در قبرستان فلاورجان مدفون شد.(۲)

ملّا محمّد باقر لاهیجی

ملّا محمّد باقر بن محمّد تقی لاهیجی جیلانی اصفهانی، از فضلاء و علماء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و نزد علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته است. به علت اشتراک نام او و پدرش با علّامه مجلسی، کتابهای «تذکره الائمه» و «تعبیر الرّویا» که از تألیفات صاحب عنوان است را به مجلسی نسبت داده اند.

این کتب از تألیفات اوست:

۱. «تذکره الائمه» که در سال ۱۰۸۵ق تألیف شده و چندین بار به طبع رسیده است. ۲. «تعبیر الرّؤیا» یا «تعبیر خواب» که در سالهای ۱۲۹۴ و ۱۲۹۷ق به طبع رسیده است. ۳. «صراط النّجاه»(۳)

۱- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص ۱۶۵۴.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۳- الذریعه، ج ۴، ص ۲۶ و ص ۲۰۷؛ مؤلفین کتب چاپی، ج ۲، ص ۲۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، صص ۱۷ و ۱۸ و ۲۲۶ و ۲۲۷.

محمّد باقر باغاتی

محمّد باقر بن محمّد جعفر اصـفهانی باغاتی، خطاط [اواخر دوره صفویه] در ۸ ذیحجه ۱۱۲۳ق نسخه ای از «اللئالی المستخرجه من کلمـات المکنونه» تألیف فیض کاشانی را به خط تعلیق شکسـته در ۱۴۴ برگ نوشـته و کتاب به شماره ۱۰۳۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

[باغات، یکی از محله های اصفهانی و حوالی محلّه حسن آباد و خواجو بوده است.]

سید محمّد باقر عمادالاسلام

سیّد محمّد باقر عمادالاسلام معروف به آقا محمّد فرزند حاج سیّد جعفر بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجهالاسلام شفتی، عالم فاضل ادیب شاعر.

در حدود سال ۱۲۹۵ در اصـفهان متولّد گردیده و نزد فضـلای این شهر تلمّذ نموده و از ابتدای جوانی به تألیف کتب پرداخته از آن جمله: ۱. «الفصول العلیه» در آداب نمـاز شب، که در سـال ۱۳۲۳قمری به چاپ رسیده است. ۲. «هدایه السالکین» و آن شرح چهل حـدیث است که صاحب عنوان آنها را ترجمه و شـرح نموده و تألیف آن در جمعه ۱۳ محرم الحرام ۱۳۱۶ به پایان رسیده و نسخه ای از آن به خط آقا میرزا محمّد علی کابلی نزد نویسنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی]موجود است.

وی گاهی شـعر می گفته و «فخر» تخلّص می نموده و خویشـتن را به «فخرالشعراء» وصف و ملقب نموده است. وفات ایشان در سال ۱۳۴۰قمری در شیراز روی داده و در جوار حرم حضرت شاهچراغ (جناب احمد بن موسی علیه السلام) مدفون شد.

این شعر از اوست:

عاشقان دیوانه معشوق خود

طالبان دیوان مطلوب خود

زلف لیلی خار نزد ما بود

نزد مجنون بهتر از گلها بود(۲)

۱- فهرست کتب اهدایی مشکاه، ج۳، ص۳۳۵.

۲- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۷۶ و ۳۷۷.

شیخ محمّد باقر قهی

حاج شیخ محمّد باقر قهی فرزند محمّد جعفر بن محمّد صادق بن عبدالقیوم بن اشرف بن محمّد ابراهیم بن ملّا محمّد باقر سبزواری (صاحب ذخیره) از علماء و رؤسای فرقه شیخیه معروف به «شیخ باقری» است.

وی در روز ۱۰ ربیع الاوّل ۱۲۳۹ق در قریه «قهی» قهپایه اصفهان متولّد گردیده(۱) و در اصفهان به تحصیل پرداخت. [پس از مدتی به حاج محمّد کریم خان کرمانی پیشوای شیخیه پیوسته و سالها در کرمان نزد او به سر برد و از طرف پیشوای خود مأمور ارشاد مردم در نائین و سپس در همدان گردید. در همدان مخالفان شیخیه دست به آشوب زدند و او به ناچار راهی تهران شد و عاقبت الامر در جندق ساکن شد. او پس از فوت حاج کریم خان به مخالفت با فرزندش حاج محمّدخان کرمانی برخاسته مدعی ریاست بر شیخیان شد و فرقه او به «شیخی حاج باقری» مشهور شد.(۲)

صاحب عنوان در ۲۳ شعبان ۱۳۱۹ه.ق در جندق وفات یافته، جنازه به مشهد مقدس حمل و در آنجا مدفون شد(۳)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تحفه النجفیه» ۲. «جواب شبهات وارده بر شیخ احمد» ۳. «رساله در شرح نفس رحمانی» ۴. «رساله در معاد» ۵. «کلیات و اصطلاحات حکمت» ۶. «مشاعر» ۷. «بشارات»، مطبوع ۸. «دره النجفیه»، دو جلد ۹. «میزان در اصول عقاید»، مطبوع ۱۰. «الاجتناب» ۱۱. «اسرار الشهاده» ۱۲. «جبر و تفویض» ۱۳. «کفایه المسائل» ۱۴. «رساله موضع»، مطبوع ۱۵. «اصول فقه»(۴)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۹.

۲- فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۲، صص ۶۳-۶۱.

۳- جندق و قومس در اواخر دوره قاجار، ص ۱۵۰.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۲۲ و ۳۲۳؛ الکرام البرره، ج۱، ص۱۷۶؛ نقباء البشر، ج۱، ص ۲۰۰؛ الذریعه (مجلدات مختلف)؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۶۶.

باقر حمیدی

باقر حمیدی فرزند جعفر، شاعر ادیب عارف در سال ۱۲۸۰ه.ش در اصفهان متولّد شده، در اوایل عمر اندک زمانی به تحصیل علوم قدیمه اشـتغال جسته از سال ۱۳۱۸ه.ش در کارخانه نختاب به شـغل نظافت مشـغول شده است. علاوه بر شاعری در سلسله فقر و ایمان وارد شده از دراویش باایمان است بیشتر اشـعارش قصـیده است. غزل را نیکو می سروده [در ۲۹ رمضان ۱۳۹۴ه.ق وفات یافته به خاطر ارادت به عرفای نعمت اللهی پاقلعه، در صحن تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)]

از اوست:

آیم چو سایه از پی خورشید روی تو

باد اَر بَرَد چو ذرّه به هر سو غبار من

محمّد باقر نصیری طوسی

محمّد باقر بن محمّد جعفر شـریف نصـیری طوسـی، از فضـلاء و نویسـندگان کُتُب در عصر صفویه و از خاندان علم و فضیلت بوده است.

وی «الجنه الواقیه» تألیف کفعمی را در ۱۱ محرم ۱۰۷۹ق کتابت نموده و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

کتاب «مختصر النافع» را نیز کتابت نموده و به شماره ۱۹۷۳ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۵؛ تخت فولاد، یادگار تاریخ: مخطوط.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ص۱۶، ص۹۹.

۳- فهرست وزیری، ج۳، ص۸۱۹.

ملّا محمّد باقر فشارکی

آخونـد ملّا محمّد باقر بن ملّا محمّد جعفر فشارکی، از علماء بزرگ و فقهاء و مجتهدین معروف و مدرسین عالی مقام در عهد قاجاریه است. [در حدود سال ۱۲۵۱ق]در اصفهان متولّد گردیده و در این شهر نزد حاج شیخ محمّد باقر نجفی و میر سیّد حسن مدرس به تحصیل پرداخته و سپس در نجف اشرف از درس علمای عالیقدر آنجا بهره مند گردید. آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و در مسجد محلّه نو و مسجد قطبیه به اقامه جماعت و تدریس پرداخت و جمعی کثیر از فضلاء به درس او حاضر می شدند.

او اوّلین کسی است که رسم احیای شب های جمعه در تخت فولاد را گذاشت و در شب های جمعه در مصلای تخت فولاد به قرائت قرآن و نمازو دعای کمیل و توبه و انابه می گذرانید. پس از او مرحوم شیخ مرتضی ریزی و پس از ایشان دیگران (و از جمله حاج میرزا رضا کلباسی) این سنّت سَنیّه را اجرا نمودند. مرحوم فشارکی پس از نماز در مسجد خود منبر تشریف برده و مردم را با بیانات کافیه و مواعظ شافیه ارشاد می فرمود و الحق منابر ایشان جهت عموم طبقات مفید بود.

ایشان در شب یکشنبه ۲۶ رجب ۱۳۱۴ق وفات یافته و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید.

[در ماجرای تحریم تنباکو که اکثر علمای اصفهان به زعامت شیخ محمّد تقی آقا نجفی به مخالفت با قرارداد رژی پرداختند، مرحوم فشارکی با تحریم تنباکو مخالفت کرد و تا حدودی از نفوذ و وجهه او در بین عوام کاسته شد.]

وی کتب و رسائل عدیده ای تألیف فرموده که از آن جمله است:

۱. «آداب الشریعه» بارها به چاپ رسیده است. ۲. «آداب صلاه اللّیل» [در سال ۱۳۴۷ق چاپ سنگی شده است.]۳. «اسباب الفقر والغناء والمغفره» [در سال ۱۳۳۲ق به همراه «» چاپ سنگی شده است.] ۴. «اربعین» یا «چهل حدیث» ۵. «تحفه المسعودیه» در امامت ۶. «تنزیه المؤمنین» ۷. «حواشی بر شرح لمعه» ۸. «حواشی بر فرائد» ۹. «حواشی بر قوانین» ۱۰. «حواشی بر متاجر» ۱۱. «ذخیره المعاد» [که در

سال ۱۳۳۲ق به همراه «اسباب الفقر و الغنا» به چاپ رسیده است.] ۱۲. «رساله در تداخل اسباب» ۱۳. «رساله در خیار غبن» ۱۴. «رساله در حیض» ۱۵. «رساله در رضاع» ۱۶. «رساله شرط» ۱۷. «رساله در شهرت» ۱۸. «رساله در صحّت عبادت جاهل» ۱۹. «رساله در طهارت» ۲۰. «رساله در عدم جواز حقّ الرّجوع» ۲۱. «رساله در عدم لزوم تقلید اعلم» ۲۲. «رساله در غنا» ۲۳. «رساله در قرعه» ۲۴. «رساله در منجزات مریض» ۲۵. «رساله در معرفت اسامی چهارده معصوم» ۲۶. «رساله در اموری که سبب طول عمر و حفظ از امراض می شود» ۲۷. «رساله عملیه» ۲۸. «عشریه» ۲۹. «عنوان الکلام» در اعمال ماه رجب، شعبان و رمضان بارها به چاپ رسیده است. [۳۰. «سرمایه ایمان» در اصول دین، موجود در کتابخانه عمومی اصفهان(۱)]

میرزا محمّد باقر روضاتی

میرزا محمّد باقر روضاتی بن سیّد جلال الدّین بن سیّد محمّد مسیح بن آقا سیّد محمّد باقر موسوی چهارسوقی صاحب روضات الجنات، عالم فاضل. در سال ۱۳۱۶ه در اصفهان متولّد شده و نزد سیّد محمود کلیشادی (مغنی گو) و دیگران تحصیل نموده و در مسجد خیابان اقامه نماز جماعت می نمود. سرانجام در ۲۸ رجب ۱۳۸۳ه.ق وفات یافته. در صحن تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۲-۹۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۱۸ و ۳۱۹؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۴۱۵ و ۴۱۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۸؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۱۶۹-۱۶۷؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۴۰۴؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۰۰؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۴۹؛ الذریعه، ج۱، ص۲۱ و ج۲، صص ۱۲ و ۱۸۴ و ۲۴۵ و ج۳، ص۴۷۷ و ج۴، ص۴۵۸ و ج۵، ص۸۴ و ج۱۱، ص۱۵۴ و ج۱۵، ص ص ۲۶۸ و ۳۵۳ و ج۱۷، ص۷۶؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۶، ص ص ۲۶۹ و ۴۲۴ و ۴۵۵ و ۵۹۰؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، صص ۳۶۳ و ۳۶۴؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص۵۹؛ فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۸۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۱۷۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۹.

[سنگ مزار او به خط ثلث زیبای استاد حبیب اللّٰه فضائلی است.]

شیخ محمّد باقر نجفی

حاج شیخ محمّد باقر نجفی بن حاج شیخ جمال الدّین بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی کبیر، عالم فاضل و فقیه مجتهد، در اصفهان متولّد گردید. مادرش دختر عالم جلیل حاج آقا محسن عراقی بود.

او پس از طیّ مقدّمات و سطح، درس علمای اصفهان میر محمّد صادق مدرس خاتون آبادی و آقا شیخ محمّد رضا نجفی حاضر شده و تقریرات درس مرحوم نجفی را نوشته و از ایشان اجازه رویتی و اجتهاد اخذ نمود که آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی نیز آن را تأیید نمود.

[حکمت را نیز از محضر شیخ محمود مفید در اصفهان و میرزا مهدی آشتیانی در تهران فرا گرفت. مدّتی نیز در درس شهید سیّد حسن مدرس در تهران حاضر شد. او در تصدی امور حسبیه از آیات عظام اصفهانی، بروجردی، حکیم، خوئی و سیّد احمد خوانساری اجازه داشت.]

در جریان قیام علمای اصفهان در سال ۱۳۰۶ش در اعتراض به قانون نظام وظیفه به زعامت حاج آقا نوراللّٰه نجفی و مهاجرت آنان به قم نیز حضور داشته و تا آخرین دقایق حیات حاج آقا نوراللّٰه نجفی همراه ایشان بود. پس از مدّتی به اصفهان آمده و به تدریس در مدرسه ملّا عبداللّٰه و اقامه جماعت در مسجد شیخ لطف اللّٰه و مسجد امام اصفهان مشغول شد. بالاخره در سال ۱۳۳۹ش به طهران مهاجرت نموده و در آنجا ساکن شده و در ردیف خواص اصحاب مجتهد و مرجع عالیقدر سیّد احمد خوانساری قرار گرفته و در جلسات درس، فتوا و جماعت ایشان شرکت می نمود.

[او سالها در مسجد رضائی تهران به اقامه جماعت مشغول بود ولی در اواخر عمر به علّت کهولت و بیماری در منزل بود و در آنجا به حلّ مشکلات مردم پرداخت تا اینکه در سه شنبه یازدهم مهر ۱۳۶۸ش (مطابق با صفر ۱۴۱۰ق) وفات یافته و در جوار

مسجد رضائی در طهران مدفون گردید.[(۱)]

سیّد محمّد باقر امامی دهکردی

سیّد محمّد باقر امامی دهکردی بن آقا سیّد محمّد جواد امام جمعه، عالم فاضل و ادیب شاعر، در حدود سال ۱۳۰۰ق متولّد شده و پس از تحصیلات مقدّماتی، در اصفهان نزد آخوند ملّا محمّد همامی، آخوند کاشی، جهانگیر قشقائی به تحصیل پرداخت. همچنین در درس آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی، آخوند ملّا حسین کرمانی حاضر شد و از آن دو عالم گرانقدر اجازه دریافت نمود.

پس از آن به موطن خود بازگشته و در آنجا مرجع احکام شرعی و حلّ و فصل دعاوی بود. سرانجام در سال ۱۳۶۷ق در اصفهان وفات یافت، جنازه به شهرکرد منتقل و در دامنه تلّ امامیه مدفون گردید.

صاحب عنوان شعر می سروده و «معصوم» تخلّص داشت و در اواخر زندگی آن را به «امامی» تبدیل کرد. «دیوان اشعار» و مثنوی در شرح حدیث حقیقت از آثار اوست.

این چند بیت از یکی از اشعار او در وصف حضرت امام مهدی (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) است.

ای مجلسیان مژده که این ماه برات است

یک بوسه مرا از لب آن ماه برات است

در عالم اگر آب حیات از ظلمات است

زلفت ظلمات است و لبت آب حیات است

تو پیل سواری و من ز اسب پیاده

فرزین چه کنم شاه ز رخسار تو مات است

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۹۱ و ۲۹۲؛ رساله یادبود معظم له که در چهلمین روز درگذشتش منتشر گردید؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

ای صاحب خرمن نظری سوی گدا کن

کاین سائل محروم سزاوار زکات است

گر خسرو شیرین لب شکّر دهن من

گوید سخن تلخ نکوتر ز نبات است(۱)

محمّد باقر قزوینی

حاج محمّـد باقر قزوینی معروف به «حاج آقا باقر دردشتی» فرزنـد حاج محمّـد جواد بن حاج آقا محمّد بن حاج محمّد ابراهیم قزوینی، عالم فاضل، در اصـفهان متولّد و نزد جمعی از بزرگان و مدرسین تلمّذ نمود. در مسـجد آقا نور به اقامه نماز جماعت پرداخته و در محلّه دردشت مرجع امور شرعی مردم بود. وی داماد آقا جلال الدّین نجفی مسجد شاهی بود. و سرانجام در شب سه شنبه ۸ ربیع الثانی ۱۳۶۳ق وفـات یافته در تخت فولاد، در تکیه ای مخصوص به نام خودش حاج آقا باقر، که در این اواخر به تکیه خلیلیان معروف است در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

سیّد محمّد باقر عمادالواعظین*

سیّـد محمّد باقر عمادالواعظین بن سـیّد حبیب اللّه بن سـیّد محمّد باقر، از خطبای قرن چهاردهم هجری است. در وعظ و خطابه مهارتی به سـزا داشت و محبوب مردم اصفهان بود، ولی در سنین جوانی در روز ۱۳ ذی القعده ۱۳۸۳ق وفات یافته و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید.

«صغیر اصفهانی» مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

۱- تذکره شـعرای معاصـر اصفهان، صص ۵۹ و ۶۰؛ شـناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، صص ۴۱-۳۶؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۳.

۲- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۱۰۱؛ تاریـخ علمی و اجتمـاعی اصـفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۲۰۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۵.

یکی آمد به جمع و گفت شمسی بهر تاریخش

«عماد اندر جنان مهمان شاه نینوا باشد»(۱)

محمّد باقر بروجنی

محمّد باقر بن محمّد حسن بروجنی، از کاتبان و خوشنویسان پرکار دوره قاجاریه است. در اصفهان ساکن بوده و بیش از چهل سال به کتابت اشتغال داشته است.

[وی در سال ۱۲۹۱ق نسخه ای از «التّحفه السّلطانیه» تألیف سیّد علاءالدّین محمّد گلستانه را به خط نسخ کتابت نموده است.(۲)]

[۲. کتاب «کشف الرّیبه» تألیف شهید ثانی را نیز در سال ۱۳۲۱ق کتابت کرده که چاپ سنگی شده است.(۳)]

۳. «شرح فرائد الاصول» که به خط نسخ در سال ۱۲۹۵ق کتابت نموده و به شماره ۲۳۱۵ در کتابخانه ملی ملک در تهران موجود است.(۴)

۴. «بحر المعارف» در ترجمه مجلد پانزدهم «بحارالانوار» تألیف: شیخ محمّد تقی آقانجفی، که به خط نسخ در سال ۱۲۹۷ق آن را نوشته و چاپ سنگی شده است.(۵)

سیّد محمّد باقر گلستانه

سیّد محمّد باقر بن سیّد حسن گلستانه، از خطاطان اصفهان. خط نستعلیق را زیبا می نوشته و تا سال ۱۲۶۶ه.ق زنده بوده است. او در این تاریخ نسخه ای از «ترجمه توحید مفضل» از تألیفات علّامه مجلسی را به خط نستعلیق خوش کتابت نموده که در کتابخانه علّامه طباطبائی شیراز موجود است.(۶)

۱- بوستان فضیلت، صص ۲۵۷-۲۵۵.

۲- نسخه های خطی، ج۷، ص۵۵۶.

۳- فهرست کتابخانه رضوی، ج۶، ص۵۵۷.

۴- فهرست ملک، ص۴۱۸.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۸.

۶- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: (نسخه خطی).

میرزا محمّد باقر خلیفه سلطانی

میرزا محمّد باقر خلیفه سلطانی ملقّب به «صدر خاصّه» فرزند علّامه فقیه میرزا سیّد حسن بن علاءالدّین حسین مرعشی (خلیفه سلطان)، عالم فاضل معمّر، در اصفهان ساکن بوده و پس از وفات در قبرستان ستی فاطمه مدفون گردید.(۱) وی را تألیفاتی است از آن جمله:

۱. «حواشی بر روضه البهیه» ۲. «شکیات» (۲) ۳. «مفتاح سلیمانی»، در نحو به فارسی(۳)

میرزا ابراهیم بن غیاث الدّین محمّد خوزانی اصفهانی معروف به میرزا ابراهیم قاضی از صاحب عنوان اجازه دریافت نموده است.

سیّد محمّد باقر دُرمیانی

حاج سیّد محمّد باقر دُرمیانی بن حاج میرزا حسن بن سیّد محمّد علی بن سیّد مرتضی بن سیّد ابوالحسن بهاءالدّین محمّد بن میرزا رفیع الدّین محمّد (میرزا رفیعا) طباطبائی نائینی اصفهانی.

صاحب عنوان متصدّی قسمتی از موقوفات میر جمله اردستانی بود موسوم به قریه «دُرمیان» از قراء بُرخوار اصفهان و بدین مناسبت به «دُرمیانی» معروف گردید. مشارالیه فضایل و معلومات زیادی نداشت لکن به واسطه چاپ قرآن معروف به نام او که از بهترین چاپ های قرآن می باشد، معروف و مشهور گردید.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۴.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۴۶؛ الذریعه، ج۶، ص۹۲، ج۱۴، ص۲۱۸.

۳- مجله نسخه پژوهی، دفتر دوم، ص۲۲۶.

سیّد محمّد باقر بهشتی

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد حسن بهشتی، عالم فاضل، [در سال ۱۲۷۳ه.ق در اصفهان متولّد گردیده و از محضر درس ملّا محمّد باقر فشارکی، آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی و میرزا محمّد باقر صاحب روضات مستفیض شده و به دریافت اجازه از ملّا محمّد باقر فشارکی، آقا نجفی و صاحب روضات نائل آمد. سپس به ترویج دین و اداره محضر شرعی جهت رفع خصومات و ثبت اسناد و عقود و ایقاعات پرداخت. وی از ائمه جماعت مسجد سرجوی شاه و مسجد صحراکارها (گازرها) در محلّه لنبان بود.]

وی در ۷ رمضان ۱۳۴۷ق [و یا سال ۱۳۳۷] وفات یافته در تکیه سادات بهشتی جنب مصلای تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

محمّد باقر مبارکه ای*

محمّد باقر بن محمّد حسن مبارکه ای لنجانی اصفهانی، از نویسندگان کتب در سده سیزدهم هجری بوده و نسخه ای از «مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی را به خط نسخ در سالهای ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ق کتابت نموده که به شماره ۹۴۱ در کتابخانه مدرسه صدربازار اصفهان موجود است.(۲)

سیّد محمّد باقر صدر الافاضل سدهی

سیّد محمّد باقر صدرالافاضل بن سیّد حسنعلی بن محمّد بن محمّد رضا بن محمّد علی بن مهدی بن سیّد ابوتراب بن کاظم موسوی سدهی فروشانی، عالم فاضل محقّق.

حدود سال ۱۲۴۴ق در فروشان سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] متولّد شده و پس از تحصیلات مقدّماتی به عتبات عالیات رفته و از درس علمای اعلام آقا شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ ابوالقاسم کلانتر (از شاگردان شیخ انصاری) و دیگران

۱- تحفه الاحباب، صص ۲۶-۲۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان،ج۲، ص۷۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۵.

۲- فهرست کتابخانه صدربازار، ج۳، ص۶۹۹.

بهره مند شده و سپس به زادگاه خود بازگشته و به ترویج دین و تألیف و تحقیق مشغول شده است.

وی در عید فطر (اوّل شوّال) سال ۱۳۲۴ق در مولد خود وفات یافته و در مقبره درب سیّد در قریه فروشان سِدِه مدفون گردید.

صاحب عنوان دارای اجازه از آقا شیخ زین العابدین مازندرانی و میرزا محمّد هاشم چهارسوقی بوده و تألیفاتی نیز دارد که از آن جمله است:

۱. «کتاب فقه» (طهارت و صلاه) مفصّل ۲. «رساله در شرط ضمن عقد» ۳. «منجزات مریض» ۴. «احکام عبادت جاهل» ۵. «صلح فرار از دِین» و غیره.

همچنین او کتاب «زبده الاصول» شیخ بهائی را تصحیح نموده و میرزا عبدالحسین قدسی در سال ۱۳۱۶ق آن را کتابت نموده و در اصفهان چاپ سنگی شده است.(۱)

شیخ محمّد باقر واثق همدانی

حاج شیخ محمّد باقر همدانی متخلّص به «واثق» فرزند آقا ملّا حسنعلی بن محمّد بن میرزای همدانی، عالم فاضل و ادیب شاعر. در سال ۱۲۷۴ه.ق در همدان متولّد شده و در ۱۲۹۵ برای تکمیل تحصیلات خود به اصفهان آمده نزد ملّا محمّد باقر فشارکی و دیگران تلمّذ نمود و در علوم مختلف چون ریاضیات، کلام، فقه، حکمت منطق، تجوید و خصوصاً ادبیات فارسی و عرب تبحّر یافت. وی سالها در مدرسه صدر به تدریس صرف و نحو، معانی و بیان، فقه و اصول و منطق مشغول بود. وی دختر میرزا محمّد علی خوشنویس را به همسری خود انتخاب کرد و سرانجام در شنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۶ه.ق وفات یافته در صحن تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.

وی را آثار و تألیفاتی است از آن جمله:

۱. «دیوان اشعار» قریب به دو هزار بیت ۲. «لیلی و مجنون» ۳. «نصح الحبیب»، بر

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۱؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۱۳۳؛ فهرست رضوی، ج۶، ص۱۲۶؛ نمونه مختصر المکارم، خطی؛ فهرست کتب چاپی عربی، ص۵۰۵.

وزن مثنوی مولوی که در سال ۱۳۱۵ه.ق آن را به نظم آورده است. ۴. تصحیح برخی از مجلدات بحارالانوار

از اشعار اوست:

به قصد آنکه زمانی ز تو کناره کنم

گرفته مصحف حق گفتم استخاره کنم

گشودم آیه قرآن و بود نهی صریح

به حیرتم که به نهی خدا چه چاره کنم

ز استخاره فرقان چو گشته ام مأیوس

دگر به هر که رسم حال استشاره کنم

ز فرقت تو عزیزم تمام شب ها را

دو دست خود به دعا چشم بر ستاره کنم(۱)

محمّد باقر طبیب اصفهانی

محمّد باقر بن حسنعلی حسینی طبیب اصفهانی [خطاط نسخ نویس] در تاریخ ۱۵ رجب ۱۲۲۴ق کتابت نسخه ای از «منتخب اللّغات شاه جهانی» را به خط نسخ در مشهد مقدّس به پایان رسانیده، کتاب به شماره ۷۴۹ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

[همچنین نسخه ای از «بحارالانوار» (کتاب روضه) تألیف علّامه مجلسی را در سه شنبه ۱۵ رمضان ۱۲۲۶ق به خط نسخ کتابت نموده، که در کتابخانه مدرسه علمیه امام عصر(عج) شیراز موجود است.(۳)]

۱- معادن الافادات، ج۲، ص۲۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۳۷ و ۳۸؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۰۷۵؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۲۸ و ۳۲۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص ۵۸۰.

۳- فهرست امام عصر شیراز، ص۱۲.

وی در سال ۱۲۳۰ق نسخه ای از «شرح نهج البلاغه» تألیف محمّد باقر نواب لاهیجی را کتابت کرده، که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار [مدرسه عالی شهید مطهری] موجود است.(۱)

سیّد محمّد باقر مجتهد گنجه ای

سیّد محمّد باقر بن سیّد حسین بن سیّد ابوتراب موسوی گنجه ای اصفهانی غروی معروف به «مجتهد» عالم فاضل و خطیب بارع، از بنی اعمام مرحوم آیت اللّه سیّد ابوالحسن اصفهانی، در حدود ۱۲۵۵ق در گنجه متولّد شده و در آنجا و نجف اشرف تحصیل کرده و سپس به موطن و مولد خویش مراجعت نموده، به ارشاد و تبلیغ احکام و نشر فضایل و بیان مسائل حلال و حرام در مسجد و منبر پرداخت وی شعر نیز می سروده و «غیبی» تخلّص می نموده است. سرانجام در سال ۱۳۳۵ق به سن قریب به هشتاد سالگی وفات یافت، پدرش نیز از علماء و معمرّین بوده و در حدود سال ۱۳۳۰ق به سن متجاوز از ۱۲۰ سال در گنجه [از روستاهای لنجان] وفات یافته است.(۲)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الایقان» ۲. «تبیان الاحوال» (یا تبیان المقال) در علم رجال ۳. «دیوان غیبی گنجه ای» ۴. «روض الجنان در مواعظ شهر رمضان»، مطبوع ۵. «مرقاه الایقان فی التّقرّب إلی السُّبحان» ۶. «مرقاه الصُّبیان»، منظومه ای به فارسی، که در سال ۱۳۱۷ق در مشهد مقدّس به طبع رسیده است. ۷. «مزامیر الاولیاء»، مطبوع ۸ «منظومه ای بزرگ در غیبت» و غیره.(۳)

۱- فهرست سپهسالار، ج۵، ص۲۴۶.

۲- نقباء البشر، ج۱، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۲.

۳- فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص۲۹۰؛ الذریعه، ج۲۰، صص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ فهرست رضوی، ج۵، صص۲۷۳ و ۳۲۱.

میرزا محمّد باقر بهاء خواجوئی

میرزا محمّد باقر بهاء ابن حسین ضیاء بن ملّا اسماعیل بن محمد جعفر بن ملّا اسماعیل خواجوئی مازندرانی، عالم و شاعر ادیب در سال ۱۲۵۶ق در محلّه خواجوی اصفهان متولّد شده و از نوجوانی به کسب علم پرداخته و در ادبیات فارسی و عرب خصوصاً صرف و نحو و فنون نظم و نثر، نجوم، ریاضی و هندسه مهارت یافت. او خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می نوشت و از طریق مکاتبات شرعی و موعظه مردم امرار معاش می کرد. شعر نیز می سرود و «بهاء» تخلّص می کرد و در سرودن مادّه تاریخ نیز مهارت داشت.(۱)

وی در سال ۱۳۱۶ق در سن ۶۰سالگی وفات یافته و جنب قبر پدر فاضل و هنرمند خود در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «بهاءالجنان» به نظم و نثر در مصائب اهل بیت علیهم السلام ۲. «دیوان اشعار»

محمّد باقر یزدی ثانی*

محمّد باقر یزدی ثانی بن محمّد حسین بن محمّد باقر یزدی، از ریاضیدانان دانشمند عهد صفویه و نوه محمّد باقر یزدی مؤلف کتاب «عیون الحساب» است. وی در زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی می زیسته و تا حدود سال ۱۱۰۷ق در قید حیات بوده است.

این کتابها از اوست:

۱. «شرح خلاصه الحساب» که آن را در سال ۱۰۹۹ق تألیف نموده و به شماره ۱۲۸۹۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است. ۲. «کفایه اللّباب فی شرح مشکلات عیون الحساب» که آن را به شاه سلطان حسین تقدیم نموده و به شماره ۹۴۱۰

۱- حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۲۸۰-۲۷۸.

۲- مختصری از آثار تاریخچه محلّه خواجو، ص۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷۴۱.

در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی وجود دارد.(۱)

میرزا محمّد باقر منجم

میرزا محمّد باقر بن میرزا محمّد حسین بن بدیع الزمان حسینی گنابادی معروف به منجّم، ادیب، خوشنویس، منجم و ریاضیدان ماهر قرن سیزدهم هجری.

در اصفهان می زیسته و در نوشتن اقلام ستّه استاد بوده و در استخراج احکام نجوم مهارت فراوان داشت و در علم طب کتب متعددی نوشت. وی در اصفهان ساکن بود. در اواخر عمر به تهران رفته. [در حوالی سال ۱۲۶۶ه.ق یا کمی بعد از آن] بر اثر ابتلاء به وبا وفات یافته و در قبرستان سر قبر آقا در همان شهر مدفون شد.(۲)

[مرحوم مهدی بیانی سال وفات او را ۱۲۸۸ه.ق نوشته و مأخذ خود را ذکر ننموده

است.(۳)]

میرزا محمّد حسین منجم تألیفاتی داشته از از آن جمله است:

[۱. «ذخیره»، در ریاضیات، که به شماره ۱۵۶۱۹/۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۴)]

۲. «زیج اصفهان»، که از ۱۴ جمادی الاول ۱۲۳۳ه.ق تألیف آن آغاز شده و نسخه به خط مؤلف در کتابخانه سیّد هبهالدّین شهرستانی موجود بوده است.(۵)

[۳. «شجره نامه» [خاندان بدیع الزمان منجم] که نزد افراد این خاندان موجود بوده است.(۶)]

۱- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۷۰۲.

۲- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، ص۲۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۳.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۵۴.

۴- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.

۵- الذریعه، ج۲، ص ۸۲ و ۸۳؛ الکرام البرره، ج۱، ص۱۷۸.

۶- مکارم الآثار، ج۸، ص۲۹۹۲.

وی نسخه ای از «الفوائد الحائریه» تألیف وحید بهبهانی را در سال ۱۲۴۳ق به خط شکسته نستعلیق خوش در اصفهان نوشته است. نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدّس موجود است.(۱)

[همچنین] در آخر شعبان المعظم سال ۱۲۵۷ق نسخه ای از «جبر و مقابله» ملک محمّد بن سلطان حسین اصفهانی را به خط نستعلیق نوشته و نسخه به شماره ۹۵۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

محمّد تقی اصفهانی در سال های ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱ق کتاب «المسائل» یا «احکام المسائل» تألیف ابی یوسف یعقوب بن علی قصرانی را جهت میرزا محمّد باقر منجّم نوشته است.(۳)

میرزا محمّد باقر موسوی خوانساری

میرزا محمّد باقر بن آقا سیّد حسین بن ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری اصفهانی، عالم فاضل جلیل، در اصفهان نزد جمعی از علماء تحصیل نموده و از ملّا محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی (فاضل سراب) اجازه دریافت نموده است و محمّد بن محمّد زمان کاشانی از او اجازه روایتی دارد.(۴)

شیخ محمّد باقر فشارکی

شیخ محمّد باقر بن آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی اصفهانی، عالم فاضل، در حدود سال ۱۳۲۲ق در اصفهان متولّد شده و پس از سکونت در مدرسه صدر نزد پدر دانشمند خود و نیز استاد جلال الدّین همائی، حاج آقا رحیم ارباب و شیخ محمّد حکیم خراسانی به تحصیل پرداخته و دو سال نیز در مشهد مقدّس از درس میرزا عبدالجواد ادیب

۱- فهرست گوهرشاد، ج ۱، ص ۶۳۶.

۲- فهرست دانشگاه، ج ۴، ص ۸۷۵.

۳- فهرست کتب خطی معارف، ص ۱۶۰.

۴- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص ۱۰۴.

نیشابوری بهره گرفت. پس از وفات پدر و قانون متحدالشکل شدن لباس در زمان رضا شاه و سخت گیری حکومت نسبت به روحانیّت، به اجبار از لباس روحانیّت خارج شد و به کارهای اجتماعی مشغول شد. سرانجام در سال ۱۳۷۴ق وفات یافته و جنازه به مشهد مقدّس حمل گردیده و در باغ رضوان آن شهر به خاک رفت.

وی از فضلای مُبَرَّز، متین و ساعی و فهیم و اهل تهجُّد و شب بیداری بوده است.(۱)

سیّد محمّدباقر میردامادی*

حاج سیّد محمّدباقر میردامادی فرزند سیّدحسین بن میرسیّد جعفر،از علماء و فضلاء معاصر در سال ۱۳۱۵ش در خمینی شهر اصفهان متولّد شد. پس از تحصیل علوم ابتدائی وارد حوزه علمیه اصفهان شد و از محضر علمایی همچون شیخ حیدرعلی صلواتی، سیّدمیرزا هاشمی، شیخ عباسعلی ادیب، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، سیّد حسین خادمی، سیّدمصطفی مهدوی و شیخ احمد فیاض بهره گرفت.

سپس در قم ادامه تحصیل داده و از درس آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی، شاهرودی، شیخ عبدالجواد اصفهانی و سیّد محمّدباقر سلطانی شرکت نمود. او در سال ۱۳۴۷ش پس از وفات پدر به اصفهان آمده و در مدرسه صدر به تدریس پرداخت و در درس خارج حضرات آیات میر سیّدعلی بهبهانی، حاج آقا رحیم ارباب و سیّد محمّدرضا خراسانی حضور یافت. همچنین در خمینی شهر به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم مشغول شد.

او در خمینی شهر خدمات اجتماعی فراوانی را انجام داد از جمله تأسیس مؤسسات خیریه و صندوق قرض الحسنه، بازسازی و احداث مساجد و حسینیه ها.

او از سال ۱۳۵۷ش به تهران مراجعت کرده به اقامه نماز جماعت ترویج دین و حلّ مشکلات مردم پرداخت. بعد از پیروزی انقلاب در نهاد نمایندگی ولی فقیه و سازمان

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۰۱.

عقیدتی سیاسی وزارت دفاع به تدریس، سخنرانی و اقامه جماعت اهتمام ورزید.

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «پیام عاشورا» مطبوع در ۲ جلد. ۲. «تقریرات فقهی درس آیت اللّه مرعشی» (کتاب الطهّاره) ۳. «خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت» مطبوع. ۴. «علی علیه السلام در بستر شهادت» مطبوع در ۲ جلد. ۵. «قبل از حج بخوانید» مطبوع ۶. «مواعظ المعصومین علیهم السلام» در ۴جلد. ۷. «ویژگیهای فرماندهان و مدیران از دیدگاه اسلام».(۱)

میرزا محمّد باقر هرندی

میرزا محمّد باقر هرندی بن حاج محمّد حسین نایب الصدر، عالم فاضل، در قرن سیزدهم هجری شیخ الاسلام اردستان بوده است. وی بر کتاب «شرح لمعه» حواشی نوشته است دیگر اثر او «زاد الواعظین» در ۳ مجلد که در سال ۱۳۲۲ق در طهران به طبع رسیده است.(۲)

شیخ محمّد باقر شریعتی دهاقانی

حاج شیخ محمّد باقر بن حاج شیخ محمّد حسین شریعتی، عالم فاضل محقّق. در حدود سال ۱۳۲۲ق در دهاقان متولّد شد و جهت تحصیل علوم دینی به اصفهان رفته نزد حاج میرزا احمد مدرس، حاج آقا رحیم ارباب، شیخ محمّد حسن قاضی عسکر، میرزا علی آقا شیرازی و حاج میرزا محمّد علی نجفی تلمّذ نمود. سپس در قم نزد آیات عظام و علمای اعلام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، حاج سیّد محمّد تقی خوانساری، حاج سیّد محمّد رضا گلپایگانی، شیخ محمّد علی حائری قمی، حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و فیض قمی ادامه تحصیل داده و برای تکمیل آن راهی نجف اشرف شد و در آن سرزمین

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص۴۵۶-۴۳۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۴؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۱۵۳؛ الذریعه، ج۷، ص۹۸؛ فهرست رضوی، ج۵، ص۲۷۵.

مقدّس نزد آیات عظام آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ محمّد کاظم شیرازی، حاج شیخ محمّد حسین کمپانی، حاج آقا ضیاءالـدّین عراقی، حاج سیّد جواد تبریزی و حاج شیخ موسی خوانساری درس خوانـد و به اجتهاد نائل شد. در سال ۱۳۹۱ق پس از تصـمیم دولت عراق برای اخراج ایرانیان مقیم عراق، به قم بازگشت و به تبلیغ دین و تحقیق پرداخت و سرانجام در روز یکشنبه ۵ رجب ۱۴۰۶ق در حدود سن ۸۴ سالگی در قم وفات یافته و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید.

این کتب از اوست:

۱. «دعـا و آداب دعـا» ۲. «تلخیص ج۱۴ بحارالانوار» ۳. «ایقـاظ البشـر»، مطبوع ۴. «البیـان فی معرفه اهـل الایمـان»، مطبوع ۵. «فهرست جواهر الکلام» ۶. «عقیده الشیعه»، مطبوع ۷. «منتخب المواعظ»، مطبوع ۸. «منتخب الدّعاء»(۱)

محمّد باقر شهرستانی

محمّد باقر بن محمّد حسین شهرستانی اصفهانی، از علماء و محدّثین اصفهان در قرن یازدهم هجری است. وی از محضر درس علّامه مجلسی بهره گرفته و کتاب «کتاب مزار» از مجموعه «بحارالانوار» را در شنبه ۱۳ محرم الحرام سال ۱۰۸۷ق کتابت نموده و در آن تصریح کرده است که از شاگردان مجلسی است.(۲)

[وی همچنین کتاب «قاموس المحیط» را در پنج شـنبه ۱۸ شعبان ۱۰۹۴ق کتابت نموده که به شـماره ۴۲۱ در کتابخانه آستانه مبارکه حضرت احمد بن موسی علیه السلام (شاهچراغ) در شیراز موجود است.(۳)]

۱- گنجینـه دانشـمندان، ج۲، ص۱۴۷؛ سیمای دهاقـان، صـص ۲۹۳ و ۲۹۴؛ تربـت پاکـان قـم، ج۳، صـص ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۸۶.

۲- تلامذه العلامه المجلسی، ص۸۲؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، ص۱۵۰.

۳- فهرست کتابخانه آستانه شاهچراغ، ج۳، ص۶۷.

محمّد باقر طبیب*

محمّد باقر بن محمّد حسین طبیب، از اطباء حاذق قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و «رساله ای در تب» تألیف نموده و آن را به شاه سلیمان صفوی تقدیم کرده است. نسخه ای از این کتاب به شماره ۱۳۴/۵ در کتابخانه دانشگاه بوعلی همدان موجود است.(۱)

شیخ محمّد باقر کربلائی

شیخ محمّد باقر کربلائی فرزند آقا شیخ محمّد حسین صاحب فصول، عالم فاضل، ظاهراً در طهران ساکن بوده است. از آثار او کتابت «سلوان المطاع فی عدوان الاتباع» تألیف ابو عبداللّه محمّد بن ابوالقاسم بن علی قرشی معروف به «ابن مظفر» (م۵۵۴ه) است که در سال ۱۳۰۱ه.ق از کتابت آن فراغت یافته است.

وی در اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان وفات یافت.(۲)

شیخ محمّد باقر صدیقین*

حاج شیخ محمّد باقر بن ملّا حسینعلی صدیقین، عالم فاضل متقّی. در سال ۱۳۰۷ش در اصفهان متولّد شد و نزد پدر بزرگوار خود و همچنین حضرات آیات شیخ هبهاللّه هرندی، شیخ محمّد حسین مشکینی، حاج آقا جمال الدّین خوانساری، آقا میرزا هاشم خوانساری، سیّد محمّد باقر ابطحی سدهی، شیخ محمّد رضا جرقویه ای، سیّد علی اصغر برزانی، سیّد صدرالدّین کوپائی، شیخ محمود مفید، حاج آقا حسین خادمی، میرزا علی آقا شیرازی، سیّد عبدالحسین طیّب، حاج میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی و حاج آقا رحیم ارباب به تحصیل پرداخت و به مدارج عالی علم و فضل نائل شد. همچنین از درس میر

۱- فهرست نسخه های کتابخانه بوعلی، ص۶۹.

۲- الذریعه، ج۱۲، ص۲۲۲؛ اعیان الشیعه، ج۴۴، ص۲۱۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۲۰۲.

سیّد علی بهبهانی و حاج آقا حسین بروجردی بهره برد.

ایشـان علاـوه بر مهـارت در فقه و اصول و حکمت، در علوم غریبه نیز مـاهر بوده و به وعظ و خطابه نیز می پرداخته و در تعبیر رؤیا و استخاره نیز زبانزد خاص و عام بود.

وی اغلب در مسجد درکوشک به اقامه جماعت می پرداخت و در منزل به تدریس فقه، کلام و اخلاق مشغول بود.

او عالمی وارسته و همچون پدر بزرگوار خود مرجع حل مشکلات مردم بود و سرانجام در شنبه ۵ جمادی الثّانی ۱۴۱۴ق وفات یافته و پس از تشییع باشکوه توسط مردم اصفهان به تخت فولاد حمل و جنب مرقد پدر بزرگوارش در تکیه کازرونی مدفون گردید.(۱)

میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی

آقا میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی بن حسینعلی طهرانی، عالم زاهد و محقّق جلیل. از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری.

در اصـفهان متولّد شده و نزد سیّد محمود کلیشادی (مُغنی گو) و آخوند کاشی، مرجع عالیقدر حاج آقا حسین بروجردی (در هنگـام اقامت ایشان در اصـفهان)، آخونـد ملّا عبـدالکریم گزی، حاج آقا منیرالـدّین بروجردی و شیـخ عبدالحسین محلّاتی به تحصیل پرداخته و به مراتب عالی علم و اجتهاد و نائل آمد و با صبیّه حاج آقا منیرالدّین بروجردی (استاد خود) ازدواج کرد.

او در اصـفهان به تبلیغ و ترویج دین، تألیف و تحقیق و اقامه نماز جماعت در مسجد امامزاده اسماعیل مشغول بود. وی از جمله کسـانی است که در زمـان غیبت کبری به ملاقـات بـا حضـرت ولی اللّه الأعظم -عجل اللّه تعالی فرجه الشـریف- نایل و بـدین افتخار مباهی گردیده است.

۱- روضه رضوان، صص ۲۲۲-۲۱۵.

مرحوم فقیه ایمانی عمر خود را به عبادت و تهجّد و زهد و تقوی گذرانیده، تا اینکه در شب جمعه ۲۰ ذیقعده ۱۳۷۱ق به سن قریب به ۸۰ سالگی وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه کازرونی در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم میرزا حبیب اللّه نیّر گوید:

«لهفی لفقدان ذی علم ناشره

فقیه مذهب اسلام و ناصره

محمّد باقر راوی الاحادیث

تألیف سبعین جلداً من مفاخره

زد واحداً ایها النّیر تؤرخه

توقّف العالم من فقد لباقره»

ایشان کتب عدیده ای تألیف نموده که اغلب درباره امام زمان (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) است از جمله:

۱. «فوز اکبر در توسلات به امام منتظر»، مطبوع ۲. «لواء الانتصار یا شیوه های یاری قائم آل محمدصلی الله علیه وآله» ۳. «سوز هجران»، دیوان اشعار (۱) ۴. «مطلع الانوار» مطبوع.

صاحب عنوان طبع شعر داشته و گاهی به عربی و فارسی شعر می گفته و «فقیه» تخلّص می نموده است.

محمّد باقر قهپائی*

محمّد باقر بن حسین علی قهپایه ای اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری است. او کتاب «روضه المتّقین» تألیف ملّا محمّد تقی مجلسی را به خط نسخ در پنج شنبه ۱۶ جمادی الثّانی ۱۱۳۲ق کتابت نموده که به شماره ۱۰۰۴۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۶ و ۳۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۱؛ مطالع الانوار، صص ۱۴-۵؛ روضه رضوان، صص ۲۵۶-۲۴۳.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۲۶، ص۳۴.

سیّد محمّد باقر احمدآبادی

حاج سیّد محمّد باقر احمدآبادی ابن سیّد حیدرعلی بن میر سیّد علی بن میر علینقلی بن میر محمّد باقر بن میر محمّد اسماعیل واعظ بن میر ابوصالح حسینی، عالم فاضل، از ائمه جماعت اصفهان بوده در سال ۱۲۹۶ه در اصفهان متولّد شد و نزد آقا میر محمّد تقی مدرس، شیخ عبدالحسین محلاتی، شیخ محمد تقی آقا نجفی و حاج آقا منیرالدّین بروجردی به تحصیل پرداخت و به افتخار مصاهرت مرحوم بروجردی نائل شد. وی سالها در مسجد ایلچی احمدآباد اقامه نماز جماعت می نمود و سرانجام در شب ۴ صفر ۱۳۶۳ه.ق وفات یافته در تکیه میر محمّد صادقی ها جنب تکیه ملک در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

شیخ محمّد باقر معلم*

شیخ محمّد باقر بن خالد معلم، از خطاطان ثلث نویس قرن دهم هجری است. وی در اصفهان ساکن بوده و تا سال ۹۵۵ق زنده بوده است.

مرحوم مهدی بیانی نام او را «محمّد باقر» و مرحوم دکتر هنرفر او را «محمّد بابر» قرائت نموده اند.

از آثار او کتابت کتیبه مسجد پیرپینه دوز در محلّه جوباره اصفهان به سال ۹۵۵ق است.(۲)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر بن محمّد رضا اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری بوده و در ربیع الاوّل ۱۰۵۵ق در شهر طوس از کتابت نسخه ای از «منهج المقال» از تألیفات

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۱؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۳۱۰.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۸۶ و ۳۸۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۱۵۰.

میرزا محمّد استرآبادی فراغت حاصل نموده و نسخه به شماره ۲۳۵۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۱)

شیخ محمّد باقر زند کرمانی*

شیخ محمّد باقر زند کرمانی بن رضا بن حسن بن مسعود خان بن عبدالغنی خان بن صادق خان زند [برادر کریم خان زند]، عالم فاضل و فقیه کامل و واعظ خبیر از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۳۱۲ق در کرمان متولّد شد. در آنجا ابتدا در مکتب خانه و سپس در مدرسه سعادت به تحصیل پرداخت و از اساتیدی چون احمد بهمنیار و برادرش آقا شیخ محمّد جواد بهره برد. در کنار آن نزد عدّه ای از علمای کرمان به تکمیل تحصیلات خود پرداخته و سپس برای آموختن زبان و علوم جدید در مدرسه مرسلین که توسط انگلیسی ها ساخته شده بود به تحصیل مشغول شد.

او پس از اتمام دروس مقدماتی و سطح راهی اصفهان شد و نزد آخوند ملّا حسین فشارکی، حاج میر محمّد صادق خاتون آبادی، میر سیّد علی نجف آبادی و میرزا ابوالهدی کلباسی به کسب فیض پرداخت. سپس به قم رفته و در ردیف شاگردان حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی درآمد. در سفر تهران و قم نیز از تحصیل غافل نبود و از بزرگان آن شهرها استفاده می کرد تا این که عاقبت به اصفهان آمد و مسجد جامع اصفهان را که رژیم پهلوی به بهانه بازدید سیّاحان داخلی و خارجی بر روی نمازگزاران بسته بود را دوباره باز نموده و نماز جماعت را در آنجا اقامه نمود. همچنین مدرسه ذوالفقار در بازار اصفهان را مرمّت نمود و در آنجا به تدریس پرداخت.

مرحوم زند کرمانی از عدّه ای از علماء و مجتهدین اجازه اجتهاد اخذ نمود که عبارتند از: ملّا محمّد حسین فشارکی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، شیخ محمّد حسین کاشف الغطاء، سیّد جمال الدّین گلپایگانی، آقا میرزا آقا اصطهباناتی و شیخ آقا بزرگ

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۹۶۳.

طهرانی.

او عـالمی آگـاه به زمـان و متعهـد و مسـؤول بود و برای ترویـج شـریعت و امر به معروف و نهی از منکر تلاش فراوان به عمل آورد. وی در برخی از مجـالس به وعـظ و خطـابه می پرداخت و بـا بیانـات مسـتدل و عالمـانه خـود به مردم درس اخلاـق می آموخت و اصول عقاید و احکام دین را برای آنان روشن می ساخت.

از اقـدامات عـام المنفعه و خیریه ایشـان تأسـیس انجمن خیریه احمـدیه و انجمن خیریه امام حسن عسـکری علیه السـلام و بنای بیمارستان عسکریه در اصفهان بود.

وی در عمر خود به بیماری دیابت مبتلاشده و در آخرین روزهای عمر به کشور آلمان سـفر کرد ولی معالجه ثمری نبخشـید و ایشان در جمادی الثانی ۱۳۸۹ق وفات یافت. پیکر ایشان به اصـفهان انتقال یافته و پس از تشییع باشکوه در تکیه ای مخصوص در تخت فولاد مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «فیوضـات اللّامعه فی حال الکتب الأربعه» ۲. «نبـذه فی تحقیق کتاب قرب الإسـناد و مؤلّفه و أخباره» ۳. «رفع النّزاع من البَین فی الصُّلح المقصود مِنهُ الفرار عن الـدَّین» ۴. «أماره الولایه» ۵. «تاریخ مختصـر نفت در دنیا» ۶. «رساله فقه فارسـی» در احکام آب ها ۷. «سوانح ایام عمری» ۸. «ترجمه خطبه الغدیر» به فارسی(۱)

محمّد باقر معلّم خوراسکانی*

محمّد باقر بن محمّد رضا بن محمّد بن میر حسین معلّم خوراسکانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری است.

وی نسـخه ای از «من لا یحضـره الفقیه» تألیف جناب شـیخ صدوق را به خط نسخ در روز سه شنبه ۱۲ ربیع الثّانی سال ۱۰۵۳ق کتابت نموده و به شماره ۶۴ در کتابخانه

۱- فطرت بیـدار زمان، ج۱؛ تاریخ نائین، صـص ۵ و ۶؛ نام آوران علم و اجتهاد کرمان، صـص ۳۹۶-۳۹۱؛ گنجینه دانشمندان، ج۶، ص۳۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۱۷-۱۱۶.

مدرسه صدر خواجو در اصفهان نگهداری می شود.(۱)

ملّا محمّد باقر قمشه ای

ملّا محمّد باقر بن حاج محمّد رضا قمشه ای، عالم فاضل و حکیم بارع، جامع معقول و منقول، از علمای بزرگ [اوایل قرن سیزدهم هجری. در محلّه «فضل آباد» قمشه متولّد شده]و در اصفهان نزد جمعی از علماء فقه و اصول آموخته و سپس به درس «ملّا علی نوری» [و «ملّا اسماعیل واحد العین»]حاضر شده است. پس از آن راهی نجف اشرف شده و در محضر «شیخ محمّد حسن نجفی» (صاحب جواهر) کسب فیض نموده و به اجتهاد نائل آمده است. پس از آن به زادگاه خود مراجعت نموده و مرجع امور شرعی آن حدود بوده و جمعی از افاضل آنجا نزد وی به تحصیل پرداخته اند. [حاج فرهاد میرزا معتمدالدّوله از شاهزادگان قاجار اوصاف روحی و مقام علمی او را شنیده و مشتاقانه به قمشه شتافته و در حضور او مشکلات علمی خود را حل نموده است.]

ملّا محمّد باقر در ادبیات و انشاء نیز مهارتی به سزا داشته و در قدس و تقوا و زهد آیتی کم نظیر به شمار می رفته است.

او سرانجام در سن بین ۸۰ و ۹۰ سالگی در سال ۱۲۹۶ق وفات یافته و در ایوان صحن امامزاده شهرضا مدفون گردید.(۲)

سیّد محمّد باقر حسنی نجف آبادی*

سیّد محمّد باقر حسنی نجف آبادی بن سیّد محمّد رضا، عالم فاضل جلیل، در سال ۱۲۹۷ش در نجف آباد متولّد شد و پس از تحصیل در مکتب خانه، به اصفهان رفت و وارد حوزه علمیه آنجا شد. سپس به قم رفته نزد آیات عظام بروجردی، امام خمینی و

۱- فهرست صدر خواجو، ص۵۳.

۲- سالنامه فرهنگ شهرضا، ص۲۴؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، صص ۶۸-۶۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۸.

علّامه طباطبائی کسب فیض نمود. مدتی نیز به نجف رفت تا در آنجا تحصیلات خود را تکمیل نماید. عاقبت در سال ۱۳۴۶ش به زادگاه خود نجف آباد بازگشت و به تدریس فقه، اصول، و تفسیر و... و ارشاد مردم و حل مشکلات شرعی آنان پرداخت. در جریان مبارزات مردم نجف آباد علیه رژیم پهلوی نیز فعّال بود و پس از پیروزی انقلاب سالها امام جمعه موقّت نجف آباد بود.

او سرانجام در سال ۱۳۶۲ش وفات یافته و پس از تشییع باشکوه، پیکر او در جنّت الشهدای نجف آباد مدفون شد.(۱)

سیّد محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات)

سیّد محمّد باقر چهارسوقی بن سیّد زین العابدین بن میرابوالقاسم جعفر بن آقا سیّد حسین بن حاج میرزا ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری اصفهانی، علّامه فقیه زاهد محقّق متتبّع اصولی رجالی، از بزرگان و مفاخر علمی در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری در اصفهان.

در دوشنبه ۲۲ صفر سال ۱۲۲۶ق در خوانسار متولّد شد. سپس با پدر و خانواده به اصفهان مهاجرت کرده و در محلّه چهارسوق شیرازی ها ساکن شده و نزد علمای اصفهان: میر سیّد حسن مدرس، سیّد محمّد شهشهانی، حاج محمّد ابراهیم کلباسی، سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی و شیخ محمّد تقی رازی و پدر بزرگوارش میرزا زین العابدین به کسب فیض مشغول شد. سپس برای تکمیل معلومات خود به عتبات عالیات سفر نمود. و از درس آقا سیّد ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط)، شیخ محمّد کاشف الغطاء، شیخ قاسم نجفی و دیگران استفاده علمی برده و به مقام عالی علم و اجتهاد نائل گردیده و به اصفهان مراجعت نمود.

در اصفهان به تدریس فقه و اصول، حل و فصل مشکلات مردم، افتاء، اقامه جماعت

۱- سیمای دانشوران، صص ۸۴-۸۲؛ آئینه اهل قلم، صص ۴۲ و ۴۳.

در مسجدی در محلّه چهارسو که به نام او «مسجد میرزا باقر» معروف بود و بالاخره تحقیق و تألیف مشغول شد. مشهورترین تألیف آن جناب «روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات» است که به عربی در ۸ جلد بارها به طبع رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده و جزء مراجع و مصادر بسیار مهم احوال دانشمندان و فقهاء و بزرگان اسلام به شمار می رود.

[ایشان در ادبیات فارسی و عربی استاد بوده، به عربی و فارسی شعر می گفته و از خطی خوش بهره مند بود. در انشاء و تقریر سلیقه ای جالب داشته و برخی از منشآت او هنوز باقی است.

بسیار زاهد و متّقی و اهل عبادت و تهجّد بوده و از ریاست های دنیوی کناره می گرفته است.]

از مدرسین طراز اول فقه و اصول و حدیث به شمار می رفته و ده ها شاگرد دانشمند تربیت نموده است که از آن جمله است آخوند ملّا حسین کرمانی.

مرحوم صاحب روضات در دوشنبه ۸ جمادی الاولی ۱۳۱۳ق در اصفهان وفات یافته و پیکر مطهر ایشان پس از تشییع باشکوه مردم اصفهان در تخت فولاد، جنوب مصلی و در جوار مزار ملّا حسن جیلانی (لُنبانی) [نیای مادری یکی از اجداد خود]مدفون گردیده، سپس میرزا سلیمان خان رکن الملک، نایب الحکومه دیندار و دانشمند اصفهان بر سر مزار او بقعه ای باعظمت بنا نمود.

میرزا فتح اللّه بن میرزا کوچک از شعرای معاصر صاحب روضات در مرثیه و مادّه تاریخ وفات او سروده است:

قَد طارَ مِن غرف الروضاتِ طائِرُها

نَحو الجِنان و أبقی مِن مَآثِره

قالَ المُوَرِّخُ فی تاریخِ رِحلَتِه

«تَعَطَّل العلمُ من فقدان باقِرِه»

کتب زیر از تألیفات صاحب عنوان است:

۱. «احسن العطیه» در شرح الفیه ۲. «أرجوزه» در اصول فقه ۳. «أسباب بلایاء نازله بر سعید و شقی» ۴. «امر به معروف و نهی از منکر» ۵. «تسلیه الأحزان» به فارسی ۶.

«تعلیقه بر شرح لمعه» ۷. «تعلیقه بر قوانین» ۸. «دستورالعمل برای عمل مکلّفین» ۹. «رساله عملیّه» ۱۰. «روضات الجنات» ۱۱. «شرح حدیث حماد» ۱۲. «رساله در ضروریّات دین» ۱۳. «رساله در فضیلت جماعت» ۱۴. «قره العین»، منظومه فارسی در اصول دین ۱۵. «قصاید عربی و فارسی در مصائب و مراثی» ۱۶. «مجالس» در مصیبت و مواعظ ۱۷. «منشآت» و نوشتجات ادیبانه و منشیانه و مسجّع و مقفّی ۱۸. «منظومه» عربی در اصول و غیره.

کتابخانه صاحب روضات از کتابخانه های مهم جهان شیعه بوده و بسیاری از نسخ نفیس خطی و آثار علمای بزرگ شیعه در آن نگهداری می شده است.

این شعر از ایشان است:

علی سر دفتر ارباب بینش

علی مهر سپهر آفرینش

فلک بگرفته آواز کمالش

جهان برگشته از صیت جلالش

هلال آسمان نعل سمندش

شکار لا مکان صید کمندش(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۸-۹۶؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۳۵۷-۳۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۴۱ و ۳۴۲؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۷۵-۲۷۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۷۹-۷۷؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۱۷؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۹۵-۸۲؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۷۹۸؛ فرزانگان خوانسار، صص ۱۳۰-۱۲۳؛ دانشمندان خوانسار، صص ۴۲۱-۴۱۴؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۲۲۲؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۳۶۶؛ الاعلام، ج۶، ص۴۹؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۸۷؛ الذریعه، ج۹، ص۵۷۵ و ج۱۱، ص ۲۸۰ و ج۱۵، ص ۱۶۱ و ج۱۷، ص۷۳و ج۲۳، ص۷۸؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۵۱-۱۴۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۴۷۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)،صص ۳۱۳ و ۲۶۴؛ النّهریه: مقدمه؛ احسن الودیعه، ج۱، صص ۱۳۹-۱۱۹؛ علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، صص ۳۰۶-۳۰۴؛ نجوم السماء، صص ۳۶۲ و ۳۶۳؛ علمای معاصر، صص ۱۰۶-۹۹؛ هدیه الاحباب، ص۱۹۳؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۱۱.

ملّا محمّد باقر یزدی*

ملّا محمّـد باقر بن زین العابـدین بن محمّـد طاهر یزدی، دانشـمند و ریاضـیدان معروف قرن یازدهم هجری است. در جوانی به اصـفهان آمد و نزد دانشـمندان این شـهر خصوصاً شـیخ بهائی به تحصـیل پرداخت و در اغلب علوم مهارت یافت و به تدریس هیئت و ریاضـی مشـغول شد. فرزندش محمّد حسـین و نیز شـیخ محمّد حسـین اردبیلی و دامادش سـیّد محمّد باقر اردوبادی از شاگردان او به شمار می روند.(۱)

این کتابها و رساله ها از تألیفات اوست:

۱. «عیون الحساب»، مهمترین تألیف او است که نواده اش محمّد باقر بن محمّد حسـین یزدی آن را شرح نموده است. ۲. «شرح المقـاله العاشـره من تحریر أصـول أقلیـدس» ۳. «حاشـیه بر تحریر الکره و الاسـطوانه» ۴. «شـرح الأشـکال الکریه» منالاـوس ۵. «فتوحـات غیبیه فی براهین أعمال الهندسـیه» که به فارسـی در شـرح «براهین الأعمال الهندسیّه» تألیف ابوالوفاء بوزجانی نوشـته شده است. ۶. «حاشـیه بر اکر ثاوذوسیوس» ۷. «مطـالع الأـنوار فی معرفه الأسـطرلاب» که به فارسـی به نام شاه صـفی و در باب شناختن جهت قبله تألیف گردیده است. ۸. «حاشیه علی التکمله» ۹. «تحصیل العددین المتحابین» به عربی.(۲)

وی تا سال ۱۰۴۷ه.ق در قید حیات بوده و تاریخ دقیق درگذشت او معلوم نیست.(۳)

۱- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان، خطی.

۲- زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی، صص ۴۴۱-۴۳۶ و منبع پیشین.

۳- سایر منابع: تاریخ فلاسـفه اسـلام، صص ۱۶۱ و ۱۶۲؛ تاریخ علوم اسـلامی، صص ۱۴۳ و ۱۵۶؛ فلاسفه شیعه، ص۹۹؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۲۸؛ تاریخ علم در ایران، ج۲، ص۹۰۷؛ احوال و آثار خواجه نصـیرالدّین طوسی، صص ۳۵۰ و ۳۵۱؛ الرّوضه النّضره، صص ۷۵ و ۷۶؛ تاریـخ ادبیات در ایران، ج۵، بخش اول، صص ۳۵۰-۳۴۸؛ کارنامه ایرانیان در زمینه نوآوری های ریاضیات نجوم و گاهشماری، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

محمّد باقر قمشه ای*

محمّـد باقر بن زین العابدین قمشه ای، از نویسـندگان کتب در قرن سـیزدهم هجری است، وی نسـخه ای از «شـرح التّصـریف» تفتازانی را در سال ۱۲۵۴ق به خط نستعلیق کتابت کرده که در کتابخانه دانشگاه لُس آنجلس آمریکا موجود است.(۱)

سیّد محمّد باقر واعظ اصفهانی

سیّد محمّد باقر بن سـیف اللَّه اصـفهانی حسـینی شـهیر به »سـیّد واعظ«، از فضـلاء، خطباء و نویسـندگان کتب در قرن سـیزدهم هجری است. وی در سال ۱۲۲۰ دو کتاب »اصوال الـدین« و »مرشد العوام«، هر دو از تألیفات میرزای قمی را کتابت نموده، این دو نسخه ضمن مجموعه شماره ۷۲۶ در کتابخانه آیت اللَّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

دکتر سیّد محمّد باقر کتابی*

دکتر سـیّد محمّـد باقر کتابی بن سـیّد محمّـد صادق بن حاج میرزا محمّـد تقی بن حاج میرزا محمّد صادق کتابفروش حسـینی اصـفهانی، دانشـمند و ادیب معاصـر. پدرش از علمای عالیقدر اصفهان و مادرش دختر حاج شیخ محمّد علی ثقهالاسلام نجفی است.

وی در سـال ۱۳۴۱ق در اصـفهان متولّـد شـد. تحصـیلات ابتـدائی را در مدرسه قدسـیه انجام داد و در دبیرسـتان های سـعدی، صـارمیّه و ادب، مقطع متوسـطه را به پایـان برد و سـپس در دانشـکده حقوق دانشـگاه طهران پـذیرفته شـده و نزد اساتیـد آنجا همچون اسـتاد محمود شـهابی، اسـتاد سـیّد محمّد مشکاه، دکتر حسن امامی، دکتر شایگان و آقای سنگلچی به تحصیل مشغول شد و موفق به اخذ لیسانس در رشته حقوق قضائی گردید. در کنار آن در حوزه علمیه اصفهان نزد آقا میرزاهاشم خوانساری و برادر او آقا جمال الدّین خوانساری و همچنین شیخ هبهاللَّه هرندی به تحصیل مقدمات و سطوح مشغول شد.

۱- نسخه های خطی، ج ۱۱ و ۱۲، ص ۲۴۷.

۲- فهرست کتابخانه آیت اللَّه گلپایگانی، ج ۲، ص ۲۰۶.

همچنین به صورت غیررسمی و نامنظم از محضر ملّا حسینعلی صدیقین، حاج آقا حسین خادمی، حاج سیّد عبدالحسین طیّب، شیخ محمّد باقر الفت، شیخ مهدی نجفی، میرزا علی آقا شیرازی و خصوصاً حاج آقا رحیم ارباب کسب فیض نمود.

او پس از اخذ لیسانس به عنوان دبیر به تدریس در دبیرستان های اصفهان از جمله دبیرستان هاتف پرداخت و از سال ۱۳۳۹ش در دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان به تدریس پرداخت. در سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ در دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخته و موفق به اخذ دکترای الهیات و معارف اسلامی گردید و از آن پس تاکنون به تدریس در دانشگاه اصفهان و دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه آزاد نجف آباد پرداخت.

آثار و تألیفات ایشان:

۱. «تاریخ مختصر فلسفه و معارف اسلامی» (برای دانشجویان) ۲. «کتاب فقه و اصول و اخلاق اسلامی»، برای دبیرستان ها با همکاری جمعی از دبیران در ۵جلد ۳. «عربی»، برای دبیرستان ها با همکاری جمعی از دبیران در ۳جلد ۴. «رساله استدلالی در عقد فضولی» (تز لیسانس) ۵. «رجال اصفهان در علم و ادب و هنر» (تز دکترا) که جلد اوّل آن به چاپ رسیده است. ۶. «سخنی از شعر و نظم و نثر در ادب پارسی» ۷. تصحیح کتاب «وافی» مرحوم فیض با همکاری جمعی از فضلاء و محققین جناب آقای دکتر سیّد احمد تویسرکانی، مرحوم جواد کیهانی و مرحوم حاج آقا ضیاءالدّین علّامه ۸. مقدمه بر برخی کُتُب از جمله: مقدمه بر وحدت وجود مرحوم ضیاء نور، مقدمه بر کتاب اخلاق ترجمه بدرالدّین کتابی، مقدمه بر مجموعه آثار علامه الفت، مقدمه بر دیوان شعر دکتر موزون، مقدمه بر مجموعه مقالات بدرالدّین کتابی ۹. شرح و تفسیر کتاب نهج البلاغه است که در حوزه ها و جلسات مختلف بیان می شود و از آن CDهای متعدد تهیّه گردیده است.

استاد دکتر کتابی، نمونه ای مثال زدنی از اخلاق حسنه و تواضع و دوری از جاذبه های دنیوی است و سخنرانی های گرم و پرشور ایشان در باب موضوعات اخلاقی و معرفتی

حلاوت خاصّی دارد.(۱)

ملّا محمّد باقر تنکابنی

ملّا محمّد باقر بن محمّد صادق بن محمّد بن عبدالفتّاح سراب تنکابنی، از علمای قرن دوازدهم هجری بوده و اغلب تحصیلات خود را نزد پدر دانشمند خود و علمای اصفهان گذرانیده است.

در آغاز نسخه ای از کتاب «من لایحضره الفقیه» که به شماره ۲۷۲۶ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است، وقفنامه چند کتاب را در تاریخ یکشنبه ۱۸ ذیحجه الحرام سال ۱۱۷۲ق نوشته است.(۲)

سیّد محمّد باقر موسوی

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد صادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل که در زمره شاگردان علّامه مجلسی (علیه الرحمه) بوده و در ۲۵ جمادی الثانی ۱۱۱۱ه.ق وفات یافته در اراضی جنوبی تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد دفن گردید. آثار قبر تا چند سال قبل موجود بود و اکنون سنگ آن مفقود گردیده است.(۳)

[وی جدّ خاندان مهدوی و نحوی اصفهان است.]

سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی*

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد صادق اصفهانی، هنرمند توانای عصر قاجاریه. وی در

۱- آیین فرزانگی، ج۱، صص ۸۳-۸۰ و مصاحبه غلامرضا نصرالهی با دکتر کتابی در تابستان ۱۳۸۶ش.

۲- فهرست کتابخانه آیت اللّه مرعشی، ج۷، ص۲۸۹؛ بزرگان رامسر، ص۱۶۲؛ مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، صص ۲۷۷ و ۳۶۶ و ۳۶۸.

۳- مکارم الآثار، ج۵۷ ص ۱۷۳۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۸.

محلّه دردشت اصـفهان متولّد شده و در این شـهر به تحصیل پرداخته است. او برادر خوشنویس و شاعر مشهور «آقا سیّد محمّد بقاء» معروف به «اشرف الکتّاب» است.

سیّد محمّد باقر در نقاشـی، تذهیب، تشـعیر و قلمدان سازی اسـتاد بوده و هر سال یک جلد کلام اللّه مجید را تذهیب می کرده است. وی سرانجام پس از وفات در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.(۱)

میرزا محمّد باقر خاتون آبادی

میرزا محمّد باقر معروف به «آقا دکمه چین» فرزند میر محمّد صالح بن سـیّد جعفر بن میر محمّد صالح خاتون آبادی اصفهانی، از فضلاء و محقّقین بوده و در قرن سیزدهم هجری می زیسته است.(۲)

محمّد باقر زاآنی اصفهانی

محمّد باقر بن محمّد صالح زاآنی اصـفهانی، عالم فاضل، از اهالی قریه «زاآن» اصـفهان بوده و در اصـفهان نزد علمای این شهر به کسب علم پرداخته است. ظاهراً علّامه ملّا محمّـد باقر مجلسـی از اساتیـد اوست. در سه شـنبه ۲۷ ذیقعده ۱۰۹۴ه.ق از کتابت کتاب «من لا یحضره الفقیه» فراغت حاصل نموده و حواشی عدّه ای از علماء را در کنار صفحات نقل نموده و از جمله حواشی علّامه مجلسی را نیز نقل کرده است.(۳)

محمّد باقر قمی

محمّد باقر بن مولانا محمّد صالح قمی [از فضـلاء قرن یازدهم هجری بوده و در اصـفهان سکونت داشته است.] در ۱۴ جمادی الاولی ۱۰۸۹ق کتابت نسخه ای از

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای سیّد محمّد لقمانی در ۹ مردادماه ۱۳۷۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۱۸ و ۱۹؛ تلامذه العلامه المجلسی، ص۱۵۸.

«برهان قاطع» را در اصفهان به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۳۹ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

شیخ محمّد باقر ناصری دولت آبادی

شیخ محمّد باقر ناصری دولت آبادی فرزند حاج عابد، از علمای معاصر اصفهان. در سال ۱۲۷۰ش در دولت آباد اصفهان متولّد شده و در ۳۰ سالگی تحصیلات علوم دینی را در اصفهان آغاز کرد.

او پس از تحصیل مقدمات، به امر مرحوم شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی به نجف اشرف مهاجرت کرده و نزد اساتید عالیقدر آنجا خصوصاً حضرات آیات: شیخ مرتضی طالقانی، سیّد محمود شاهرودی و سیّد جمال الدّین گلپایگانی کسب فیض نمود. آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و از محضر عالم ربّانی حاج آقا رحیم ارباب بهره گرفت. او سالها به تبلیغ دین و ارشاد مردم مشغول بود تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۶۱ش وفات یافته و در مزار امامزاده محمود دولت آباد مدفون گردید.(۲)

میرزا محمّد باقر حکیم باشی

حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی بن میرزا عبدالجواد مدرس خراسانی، طبیب فقیه و حکیم ادیب، از دانشمندان و اطباء معروف اواخر دوره قاجاریّه. در اصفهان متولّد شد. مدّتی نزد پدر به تحصیل پرداخت. سپس نزد آقا سیّد محمّد شهشهانی، حاج شیخ محمّد باقر نجفی، حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی، ملّا حسینعلی تویسرکانی و میر محمّد صادق کتابفروش تلمّذ نمود و در علوم فقهی به اجتهاد نائل آمد و در طب طبیبی حاذق و در حکمت، حکیم ماهر شد.(۳) [امّا پس از فوت پدر به ناچار از تدریس علوم دینی چشم

۱- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۲۱.

۲- با تشکر از محقّق فاضل جناب آقای حاج شیخ محمّد زاهد نجفی که این زندگینامه را در اختیار ما گذاشتند.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۵.

پوشیده به طبابت پرداخت. در جوانی طبیب خوانین بختیاری بود و سرانجام به طبابت خانواده ظلّ السّلطان حاکم اصفهان پرداخت.(۱)[

در مداوای بیماران و علاج امراض، نفسی عیسوی داشته و تدریس طب قدیم در زمان او بدو منحصر بوده است. [میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت، دکتر ابراهیم انواری، میرزا محمّد باقر طبیب پوده ای، میرزا علی آقا شیرازی، میرزا علی محمّد طبیب کرونی، آقا شیخ محمّد هادی فرزانه قمشه ای و حاج سیّد مصطفی مؤیّد الاطباء از شاگردان زبده او بوده اند.(۲)]

صاحب عنوان در روز چهارشنبه ۶ جمادی الاوّل ۱۳۲۷ق وفات یافته و در یکی از اطاق های جنوبی تکیه مرحوم آقا سیّد ابوجعفر خادم الشّریعه در تخت فولاد مدفون گردید و بعداً اولاد و اعقاب و نزدیکانش در آنجا به خاک رفتند.(۳)

وی کتابی در وبا نوشته که به طبع رسیده است. همچنین نسخه ای از چهل حدیث، از فرمایشات بزرگان دین مؤرخ به غروب پنج شنبه ۷ جمادی الثّانیه ۱۲۸۵ به خط و امضاء محمّد باقر بن عبدالجواد، نزد نویسنده موجود است که احتمالاً از صاحب ترجمه می باشد.(۴)

حاج محمّد باقر خان صدر اصفهانی

حاج محمّد باقر خان بن میرزا عبدالحسین خان بن حاج محمّد حسین خان صدراعظم اصفهانی، در علوم ادبیّه و نسخ و تحریر استادی بوده است نحریر.(۵) مردی خلیق و فاضل و خوش خط و تیزهوش بوده و در علم طب نیز شهرت و مهارت داشته است.(۶)

۱- الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۲- تخت فولاد، یادگار تاریخ، (نسخه خطی).

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶.

۴- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۲۸.

۵- چهل سال تاریخ ایران یا المآثر الآثار، .

۶- ماضی النّجف و حاضرها، ج۳، ص۴۸۲.

قبرش در سرداب مدرسه صدر نجف.(۱)

وی نسخه ای از «تجارب السلف» تألیف هندو شاه نخجوانی را در شوال ۱۳۱۴ و نسخه ای از «حدائق السحر» را به امر ظلّ السّلطان نوشته است که به شماره ۱۱۴۰۴ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

همچنین در جمعه ۲۱ صفر ۱۳۱۷ق نسخه ای از کتاب «طیف الخیال فی مناظره العلم و المال» تألیف محمّد مؤمن جزائری را به خط نستعلیق و نسخ خوب و معرّب نوشته و به شماره ۴۱۴۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

ملّا محمّد باقر نجف آبادی

ملّا محمّد باقر بن ملّا عبدالرّحیم بن ملّا علی نجف آبادی، عالم فاضل، در اواخر قرن سیزدهم هجری. در نجف اشرف ساکن بوده و نزد پدر دانشمند خود و سایر اعلام آنجا کسب فیض نموده است.(۴)

سیّد محمّد باقر تویسرکانی

حاج سیّد محمّد باقر بن حاج میرزا عبدالغّفار حسینی تویسرکانی، عالم فاضل مجتهد زاهد، از علمای عالیقدر قرن چهاردهم هجری.

در غرّه جمادی الاولی سال ۱۲۹۳ق [در اصفهان] متولّد شد و نزد علمای این شهر از جمله آقا سیّد محمّد شوشتری، ملّا عبدالرزّاق رشتی، آقا میرزا حسین همدانی، حاج میرزا بدیع درب امامی، آقا میرزا محمّد حسن نجفی، آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی، جهانگیر خان قشقائی، آخوند ملّا محمّد کاشانی و پدر دانشمند خود میرزا عبدالغفّار تویسرکانی کسب فیض نمود.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۳.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۴۹ و ۸۸.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۱۴۶.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۷۲.

پس از آن به نجف اشرف رفته و دو سال در آنجا نزد آیات عظام آخونـد خراسانی و آقا سـیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی به تحصـیل پرداخت. امّا به علّت کسالت مجبور به بازگشت به اصفهان شد و نزد آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی تحصیلات خود را تکمیل نموده و به اخذ اجازه اجتهاد و روایت در سال ۱۳۴۶ق نائل شد.

وی از ائمه جمـاعت محلّه جماله و پیشـنماز مسـجد حاج محمّـد جعفر آباده ای بود. او بیشتر اوقات در کتابخانه خود به مطالعه مشغول بود و جمعی از فضلاء و دوستانش به منزل او می رفتند و به مباحثه می پرداختند.

این عـالم جلیـل در شب دوّم ربیع الاـوّل ۱۳۷۴ق وفـات یـافته و جنب قـبر پـدر خود واقع در تکیه تویسـرکانی در تخت فولاـد مدفون گردید. مادّه تاریخ فوت او این بیت است:

اِذ جمع الواحد فی الجمعِ قُل

اِقتَرب الباقرُ بِالباقر

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «تعلیقات بر حواشی مغنی» ۲. «حواشی بر شرایع» ۳. «حواشی بر شرح لمعه» ۴. «حواشی بر تفسیر روح البیان»، شیخ اسماعیل حقّی ۵. «مـاثر البـاقریّه» در فوائـد رجالی و متفرقات ۶. «رسـاله در احوال صـاحب الزمـان (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف)» ۷. «مشکوه الضیاء فی أحوال فاطمه الزّهرا» ۸. «تحفه الأخوان فی إعجاز القرآن»(۱)

محمّد باقر لمعه اصفهانی

محمّـد بـاقر انـواری متخلّص به «لمعه» شـاعر ادیب فاضـل فرزنـد ملّـا عبـدالکریم سودائی دسـتگردی، در سـال ۱۳۲۱قمری در دسـتگرد برخوار متولّـد شـده و تحصـیلات خویش را در مدارس قدیمی و جدید این شـهر به پایان رسانیده مدتی به محراب و منبر سرگرم بود.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ جلوه قرآن در خاک تابان، صص ۱۰۳- ۱۰۰.

سپس ترک نموده به خدمت فرهنگ اشتغال جسته، سالها مدیریت دبستان حسین آباد را داشت و از کارمندان صدیق و فعّال فرهنگ اصفهان بود. او از شعرای باذوق و خوش قریحه اصفهان بوده و در انجمن شعرا شرکت می کرد. از آثارش «نامه دهقان» به چاپ رسیده، صاحب دیوان اشعار نیز هست.(۱) او در یکشنبه ۱۴ محرم ۱۳۸۵ه.ق وفات یافته و در تکیه شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

[از اوست:

ای عکس ز من تو در جهان می مانی

من خاک شوم تو جاودان می مانی

تو آینه دعا و نفرین هستی

از نیک و بد کسان نشان می مانی]

سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی

سیّد محمّد باقر بن عبدالکریم موسوی اصفهانی [از خطاطان و فضلائ قرن سیزدهم هجری]در تاریخ سه شنبه ۲۱ شوّال ۱۲۶۹ق نسخه ای از کتاب «الفوائد الرّضویّه فی شرح الرّساله الذّهبیّه» تألیف شیخ محمّد بن حسن طوسی مشهدی از علماء قرن ۱۳ را به خط نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۲۷۵۵ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۳)

میرزا محمّد باقر مجلسی

میرزا محمّد باقر مجلسی معروف به «مجلسی ثالث» فرزند میرزا عبداللّه بن آخوند ملّا محمّد باقر مجلسی، عالم فاضل، از پدر خود روایت می کند. پس از فوت در بقعه علّامه مجلسی جنب مسجد جامع اصفهان مدفون شد. در تذکره الأنساب از او ذکری نشده

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۰۹ و ۴۱۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص۱۲۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۱۴.

۳- فهرست مرعشی، ج۷، ص۳۱۶.

است و ظاهراً وی بدون اولاد بوده است.(۱)

سیّد محمّد باقر میر محمّد صادقی

سیّد محمّد باقر بن سیّد علی میر محمّد صادقی بن سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد اسماعیل واعظ بن میر ابوصالح بن سیّد عبدالرزّاق اعرجی حسینی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، برادر عالی قدر علّامه میر سیّد حسن مدرس. در سال ۱۲۱۶ق متولّد شد و در حدود سال ۱۲۸۰ق وفات یافت و جنازه اش به نجف اشرف حمل و مدفون گردید.

تألیفات وی عبارتند از: ۱. «حواشی بر قرآن مجید» ۲. «کتابی در ادعیه مأثوره»(۲)

محمّد باقر ندوشنی

محمّد باقر بن علی بن جعفر ندوشنی یزدی [از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در رمضان سال ۱۲۳۶ق از کتابت نسخه ای از کتاب «لؤلؤ البحرین» تألیف شیخ یوسف بحرانی، به خط نسخ، در اصفهان فراغت یافته [است.] نسخه به شماره۱۵۱۳ (۲۲۴۵۱) در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد مقدّس موجود است.(۳)

[ندوشن از دهات یزد است.]

میرزا محمّد باقر بروجردی

میرزا محمّد باقر بن حاج میر سیّد علی طباطبائی بروجردی، عالم فاضل از علماء اواخر دوره قاجاریه است. در اصفهان متولّد شد و نزد پدر خود و آقا سیّد مهدی نحوی و

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۲۰ و ۳۲۱؛ مزارات اصفهان، ص۳۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۴.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۶۶۰.

دیگران به تحصیل پرداخت. وی نزد عوام و خواص مورد احترام بوده و ظلّ السّلطان حاکم اصفهان اوامر او را می پذیرفته است. [همچنین در نهضت علمای اصفهان علیه سلطه اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان همراه و هم قدم بوده و اعلامیه ای را در این حرکت امضاء و تأیید نموده است.]

سرانجام در ۲۲ رجب ۱۳۴۰ق وفات یافته و در تکیه بروجردی واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

ملّا محمّد باقر تبریزی

ملّا محمّد باقر بن علی تبریزی، از علماء قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و در تاریخ سه شنبه ۲۰ ربیع الاول سال ۱۱۵۹ق جهت ملّا محمّد سعید بن ملّا ابراهیم گیلانی اجازه مرقوم داشته است.

اجازه قبل از مشیخه نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» است که ملّا محمّد سعید آن را در سال ۱۱۰۱ کتابت نموده است.

نسخه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم به شماره ۲۷۲۶ موجود است.(۲)

سیّد باقر حسینی

سیّد باقر بن سیّد علی حسینی، [از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در رجب ۱۰۷۳ق در اصفهان کتابت نسخه ای از «التّلخیص» ابن رشد اَندُلُسی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۵۲۳ در کتابخانه ملّی ملک تهران موجود است.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۱۴۵ و ۱۴۶؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۱۵؛ اندیشه سیاسی حاج آقا نوراللّه اصفهانی، ص۲۱۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۲۸۹؛ تراجم الرجال، ج۲، ص۵۹۶.

۳- فهرست ملک، ص۱۶۷.

سیّد محمّد باقر خاتون آبادی

سیّد محمّد باقر بن سیّد علی حسینی خاتون آبادی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. وی در سال ۱۱۶۸ق تملک خود را بر کتاب «شرح تلخیص المفتاح» مرقوم داشته است. این نسخه به شماره ۶۶۰۹ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی موجود است.(۱)

سیّد محمّد باقر فقیهی*

حاج سیّد محمّد باقر فقیهی بن حاج سیّد علی حسینی، عالم فاضل کامل، در سال ۱۳۲۷ق در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیلات مقدماتی، به نجف اشرف رفت و ده سال نزد علمای اعلام آن دیار تحصیل کرد. او پس از بازگشت به اصفهان در محلّه پاقلعه ساکن شد و به ارشاد مردم و تحقیق و تألیف پرداخت تا اینکه در شب پنجم رجب المرجّب سال ۱۳۹۱ق وفات یافت و پیکرش در تکیه ملک واقع در تخت فولاد مدفون شد. محمّد حسین مدرسی اسفه ای متخلّص به «قانع» مادّه تاریخ وفات او را چنین گفته است:

گفت «قانع» از پی تاریخ سال:

«شد کنار پنج تن مرغ جنان»

کتاب «رساله الحقوق» از تألیفات اوست.(۲)

محمّد باقر قاینی اصفهانی

محمّد باقر بن حاج علی قاینی اصفهان، خطاط نسخ نویس [ساکن اصفهان بوده و]از آثارش کتاب «وسایل الحائریه» تألیف سیّد محمّد بن علی طباطبائی (سیّد مجاهد) به شماره ۱۴۴۲ در کتابخانه وزیری یزد موجود است و نسخه در دوشنبه ۲۴ صفر ۱۲۱۹ق کتابت شده است.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۸۳.

۲- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۱۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۳- فهرست کتابخانه وزیری یزد، ج۲، ص۷۱۲.

شیخ محمّد باقر گلپایگانی

شیخ محمّد باقر بن علی آقا جرفادقانی اصفهانی، عالم فاضل از اهالی گلپایگان بوده ود ر اصفهان نزد میر سیّد حسن مدرس به تحصیل مشغول گردیده است.

وی مجموعه ای از چند رساله از جمله «ادلّه الشّرعیه» تألیف میر سیّد حسن مدرس را در سال های ۱۲۸۶ تا ۱۲۸۸ق به خط نستعلیق خوش کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

محمّد باقر رشحه اصفهانی

آقا محمّد باقر بن علی اصغر اصفهانی، شاعر ادیب متخلّص به «رشحه» درسال ۱۲۰۳ق در اصفهان متولّد و در این شهر علم و ادب آموخته است. او فنون ادبی و از جمله عروض و قافیه را از آقا محمّد کاظم واله اصفهانی فرا گرفت. سپس به تجارت روی آورده و به یزد رفت. وی در سال ۱۲۶۶ق در نائین وفات یافت.

این کتابها از اوست:

۱. «آتش زنه» که به عنوان «تذکره منظوم رشحه» به طبع رسیده است. ۲. «منظومه نوروز و جمشید»

این دو بیت از اوست:

شب وصل اگر به رویم، در صبح باز باشد

سر زلف یار گیرم که شبم دراز باشد

ز شهان طمع ندارم، که همای همّت من

نخورد از آن کبوتر، که شکار باز باشد(۲)

۱- فهرست مرعشی، ج ۱۱، ص۱۷۸؛ تراجم الرجال، ج ۲، ص۵۹۶.
۲- تذکره میکده، ج۲، ص۳۷۶؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۳۳۰ و ۳۳۱؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج ۱، صص ۳۷۴-۳۷۲؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۸۴۷؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج ۱، ص۶۶۸؛ تذکره شبستان، صص ۷۰۰ و ۷۰۱.

محمّد باقر نقاشباشی سمیرمی

محمّد باقر نقاشباشی سمیرمی متخلّص به «صدقی» فرزند علی اصغر شاعر ادیب و نقاش هنرمند، از اهالی دهنو مبارکه، [در نقاشی طبیعت و کشیدن چهره رجال و بزرگان و قلمدان سازی استادی مسلّم بود] در سال ۱۲۸۳ه.ق متولّد شده، علاوه بر نقاشی در سرودن شعر نیز دستی داشته و در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد.(۱) [وی سرانجام در ۱۰ ربیع الثانی سال ۱۳۵۱ در اصفهان وفات یافته و در قبرستان بزرگ مصلّی در تخت فولاد مدفون شد(۲)] این بیت از اوست:

بندی ز دوست، عاشق صادق نمی برد

گر از همش بُرند همه بندبند را

سیّد محمّد باقر نیّری زواره ای

سیّد محمّد باقر نیّری بن حاج میرزا علیرضا بن حاج سیّد محمّد باقر بن سیّد رضا بن میر محمّد علی طباطبائی زواره ای، عالم فاضل محقّق،(۳) در اصفهان در مدرسه جده و مدرسه صدر ساکن شد و تحصیل نمود. اکنون از فضلای تهران است. [وی تا حدود سال ۱۳۳۷ه.ش در قید حیات بوده است.]

میرزا محمّد باقر پیشنماز

سیّد محمّد باقر پیشنماز ابن سیّد علیرضا بن حسن حسینی عاملی، عالم فاضل متّقی، از شاگردان و مجازین از علّامه مجلسی در ۶ ذیحجه ۱۰۸۷ق و آقا حسین خوانساری در جمادی الآخر ۱۰۸۸ق و شیخ محمّد حُرّ عاملی در سال ۱۰۸۷ق است.(۴)

وی سالها پیشنماز مسجد جامع جدید عباسی [مسجد امام کنونی] بوده و در سال

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۰۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ هنر قلمدان، صص ۱۶۵-۱۶۳.

۳- آتشکده اردستان، ج۱، ص۱۹۵.

۴- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۲۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۸۰ و ۸۱.

۱۱۲۳ق وفات یافته و در بقعه آقا سیّد رضی الدّین محمّد شیرازی واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

[صاحب عنوان دارای کتابخانه ای مفصّل با کتاب های نفیس بود، که آن را وقف طلّاب و علماء نموده بود. در فتنه افغان و وقایع پس از آن کتاب ها از وقفیّت خارج و پراکنده گردید تا این که یکی از نوادگان وی میرزا محمّد مهدی نایب الصّدر در سال ۱۲۳۰ق بسیاری از کتب وقفی را خریداری و جمع آوری نموده و آن را دوباره وقف نمود.(۲)]

سادات عاملی رهنان و خوراسکان از اعقاب صاحب عنوان به شمار می روند.

میرزا محمّد باقر مشیرالملک نائینی

حاج میرزا محمّد باقر خان مشیرالملک فاطمی نائینی بن میرزا علی محمّد خان بن عبدالوهاب طباطبائیی نائینی، دانشمند ادیب و سیاستمدار عصر قاجاریه. در سال ۱۲۷۹ق در نائین متولّد شد. [در کودکی نزد میرزا عباس کاشفی تحصیل را آغاز کرد و پس از ۴سال به یزد رفته نزد میرزا محمّد حسن نواب به تحصیل پرداخت. در حدود ۱۸ سالگی به اصفهان آمده و نزد میرزا عبدالعلی هرندی، حاج میرزا بدیع درب امامی، جهانگیر قشقائی و آخوند کاشی علوم ادبیّه، حکمت و ریاضیات را فرا گرفت و در این سالها ساکن مدرسه نیم آورد بود.]پس از آن به دستگاه میرزا حبیب اللَّه خان مشیرالملک انصاری راه یافته و مورد توجّه ظلّ السّلطان حاکم اصفهان قرار گرفت و به لقب «منشی حضور» ملقّب شد. در سال ۱۳۰۸ق پس از عزل و مرگ میرزا حبیب اللَّه خان انصاری جای او را گرفته و به لقب «مشیرالملک» مُلَقّب گردید.

او کم کم با کیاست و فراست در دستگاه ظلّ السّلطان مقام و نفوذ بالایی یافته و در ایام خالصه فروشی، صاحب ثروت و مکنت زیاد شد و به واسطه برخی اقدامات

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۹۳ و ۹۴.

۲- فهرست صدر بازار، ج۳، صص ۶۱۸ و ۶۴۴ و ۸۴۸.

عام المنفعه همچون تأسیس مدرسه باقریه در محلّه شهشهان در سال ۱۳۰۸ بر محبوبیّت خود در میان مردم افزود و در ضمن کارهای روزانه به تدریس علوم دینی به اهل علم نیز پرداخت.

[در سال ۱۳۲۵ق پس از وقوع مشرطیّت، ظلّ السّلطان از حکومت اصفهان بر کنار شده و مشیرالملک به عضویت انجمن های ایالتی و ولایتی گردید. امّا پس از سقوط حکومت محمّد علی شاه و پیروزی مشروطه خواهان به کلّی از کارهای دیوانی و دولتی کناره گرفته و به تدریس و ترویج و تبلیغ برای فرقه شیخیه پرداخت. از آن به بعد او میان مردم و دولتیان با احترام و اکرام می زیست و همواره پشت و پناه ضعفاء بود.

منزل او در نزدیکی محلّه طوقچی باقی و برقرار است و از حیث گچبری، کاشیکاری، آئینه کاری و سایر تزئینات هنری قابل توجّه است.]

سرانجام در یکشنبه ۶ رجب ۱۳۴۸ق در اصفهان وفات نمود. جسد او را مدّتی در مقبره صاحب بن عَبّاد در محلّه طوقچی به امانت گذاشته و چندی بعد به کربلا نقل نموده و در رواق پایین پای حضرت ابا عبداللّه الحسین علیه السلام مدفون ساختند.

در علوم ادبی، انشاء، فقه و حدیث مهارتی به سزا داشته و خط شکسته را خوش می نوشته و شعر نیز می سروده و «رضوان» تخلّص می نموده است.

این بیت از اوست:

جز دو ابروی تو مغبچه که محراب دل است

عابدی را نشنیدیم دو باشد محراب(۱)

۱- تاریخ نائین، ج۱، صص ۲۰۳ و ۲۰۴ و ج۴، صص ۸۹-۸۴؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۲۷۸-۲۲۷۴؛ حدیقه الشعراء، ج۱۷ ص۶۷۸؛ انساب خاندان های مردم نائین، ص۸۴؛ تاریخ فرهنگ اصفهان، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۶۲ و ۳۶۳؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۴۰۶؛ شرح حال رجال ایران، ج۶، ص۲۰۷؛ مزارات اصفهان، صص ۳۰۷ و ۳۰۸.

میرزا محمّد باقر زنجانی

میرزا محمّد باقر بن میرزا علینقی بن میرزا محمّد علی بن امیر محسن موسوی زنجانی اصفهانی، عالم فقیه جامع. در سال ۱۲۳۵ه.ق متولّد شده و نزد حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی و حاج محمّد جعفر آباده ای تحصیل نموده و از آنها اجازه روایت گرفت. سپس در اعتاب مقدسه به درس شیخ مرتضی انصاری و صاحب جواهر و شیخ مهدی نجفی حاضر شده و از آنان نیز مفتخر به دریافت اجازه شد. پس از مراجعت به اصفهان سالها در مسجد خیاطها تدریس و اقامه جماعت فرموده و بالاخره در ربیع الاوّل ۱۳۰۳ه.ق وفات یافته و در وادی السلام نجف مدفون شد. کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است: رساله ای در مصرف سهم امام علیه السلام(۱)

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر بن محمّد علی اصفهانی، از فضلاء اصفهان است و ملحقاتی بر کتاب «نورالأنوار فی شرح کلام خیرالأخیار» تألیف: محدّث جزائری نوشته است. نسخه به شماره ۳۶۱۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

سید محمّد باقر ابطحی

حاج سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد علی ابطحی سدهی [بن سیّد محمّد رضا بن سیّد محمّد حسن بن سیّد ابوطالب حسینی] عالم فاضل و فقیه جامع. در جمعه سلخ جمادی الاولی ۱۲۹۰ق متولّد شده و نزد علمای اصفهان از جمله آقا شیخ محمّد تقی آقا نجفی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آخوند کاشی [حاج آقا منیرالدّین بروجردی، آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و جهانگیر قشقائی] به تحصیل پرداخت. [سپس به تهران رفته و نزد

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۹۴ و ۹۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۱۵؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۰، ص۱۵.

میرزا حسن آشتیانی و شیخ فضل اللّه نوری کسب فیض نمود و سپس راهی عتبات عالیات شد و از درس مراجع عالیقدر آن دیار از جمله آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی بهره گرفت و به درجه اجتهاد نائل شد. او از آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی، آقا نجفی و آقا منیرالدّین بروجردی اجازه دارد.]

او عالمی خوش بیان و مجتهدی طلیق اللسان بود. در مدرسه صدر و مدرسه کاسه گران سطوح فقه را تدریس می نمود و عدّه ای کثیر از طلّاب از محضر او مستفیض می شدند.

سرانجام پس از مسافرت به مشهد مقدّس [دچار خونریزی مغزی شده و معالجات در بیمارستان بی ثمر ماند واو در یک ساعت گذشته از شب سه شنبه ۱۴ شعبان المعظّم ۱۳۶۷ق] وفات یافته و در صحن نو آستان قدس رضوی مدفون گردید.

[مرحوم میرزا حبیب اللّه نیّر در مرثیه ای به عربی مادّه تاریخ وفات او را گفته که دو بیت آخر آن به قرار زیر است:

راحت إلی الرّوح روحٌ منه قادمه

و استعلم النّیر التّاریخ مرتجلا

فعیّن العام «و احُزناه وا أسفاه

السیّد الابطحی الباقرُ ارتحلا»]کتب زیر از تألیفات اوست:

[۱. «رساله در تعارض ید و استصحاب» که در سال ۱۴۰۷ق به ضمیمه رساله ای در احوال و آثار مؤلف و اجداد و فرزندان او به طبع رسیده است. ۲. «رساله در حرمت کشیدن تریاک و جواز استماع صوت رادیو»]

تقریرات اساتید خویش را نیز به رشته تحریر در آورده است.(۱)

۱- مکارم الآثار، ج۸، صص ۳۰۵۹-۳۰۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۴؛ نقباء البشر، ج۴، ص۷ (استدراک)؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۱۷؛ فهرست کتابهای چاپی عربی، ص۳۵۳؛ خمینی شهر شهری که باید از نو شناخت، ص۱۳۸.

محمّد باقر اصفهانی

محمّـد باقر بن محمّـد علی اصـفهانی، از خطاطان قرن سـیزدهم هجری بوده، در سال ۱۲۷۷ نسـخه ای از کتاب «اسرار الشهاده» تألیف ملّا آقا دربندی را برای سیّد محمّد حسن کاشانی الأصل و إصـفهانی المسـکن تحریر نموده است. نسـخه به شماره ۴۴۷ در کتابخانه آقای گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

تـذکر: ظاهراً سـیّد محمّد حسن فوق واعظ معروف حاج سـیّد حسن کاشـی مدفون در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسـی در تخت فولاد می باشد.

میرزا باقر جابری

میرزا باقر بن میرزا محمّد علی جابری، از اعیان و اشـراف اصـفهان بوده و مدّتی کلانتری اصفهان را بر عهده داشته و خانه ها و املاکی را در اصفهان وقف امور خیریه نموده است.(۲)

محمّد باقر فروشانی*

محمّـد بـاقر بن محمّـد علی فروشانی، از نویسـندگان کتب در قرن سـیزدهم هجری است. از اهالی محلّه«فروشان» سِدِه(خمینی شهر فعلی) بوده و کتاب «نخبه» تألیف حاج محمّد ابراهیم کلباسی را به خط نسخ در چهارشنبه ۳ ذیحجه ۱۲۷۷ق کتابت نموده است.(۳)

ملّا محمّد باقر برلشتی

ملّـا محمّـد بـاقر فرزنـد ملّا عنایت برلشتی اصـفهانی، شاعر ادیب خطاط فاضل، اصـلاً از قریه «برلشت» اصـفهان بوده، مـدّتی به تحصیل علوم دینی پرداخته و سرانجام به هندوستان رفت. خط نسخ را نیکو می نوشته و در فن معما مهارت داشته است.

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

۳- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۱۷، ص۲۲۴.

از اوست:

دل ما را ز خود برد این دلارام

گرفت اندر دل دلدار آرام(۱)

محمّد باقر نشاطی گرجی

محمّد باقر بیک گرجی متخلّص به «نشاطی» فرزند فرامرز بیگ شاعر ادیب، در اصفهان و شیراز می زیسته و همچون برادرش میرزا احمد متخلّص به «اختر» شعر می سروده و دیوانی در دو هزار بیت داشته است. پس از این که برادرش اختر کار نوشتن تذکره ای را آغاز کرد و در حین آن وفات یافت و فاضل خان گروهی آن را به اتمام رسانده به نام «انجمن خاقان» تقدیم فتحعلی شاه قاجار نمود.

نشاطی در سال ۱۲۳۴ه.ق در تهران وفات یافته این بیت از اوست:

بهار این چنین کم از خزان نیست

که گل را خنده، بلبل را فغان نیست(۲)

محمّد باقر خوانساری

محمّد باقر بن محمّد قاسم خوانساری اصفهانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و به تحصیل اشتغال داشته است. وی کتاب های «الإسلام و الإیمان» تألیف ملّا حیدرعلی شیروانی و «العجاله فی ردّ مؤلف الرساله» تألیف زین الدّین علی بن عین علی شریف گلپایگانی را در سه شنبه ۲۹ شوال ۱۱۳۲ه.ق در مسجد جورجیر [مسجد حکیم] اصفهان کتابت نموده است. احتمالاً صاحب عنوان شاگرد این دو عالم بزرگوار بوده است.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۶۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۱۹.

۲- مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۰۴۱ و ۱۰۴۲؛ سرایندگان شعر پارسی در قفقاز، ص ۳۷۰-۳۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۷۶.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۳، ص ۱۵۰.

شیخ محمّد باقر اصفهانی

شیخ محمّد باقر بن ملّا محمّد کاظم اصفهانی، عالم فاضل و ادیب ماهر، در سال ۱۲۵۱ق در کربلا متولّد شد. تحصیل را ابتدا نزد پدر آغاز کرد. سپس نزد شیخ محمّد حسین پاشنه طلایی اردستانی و شیخ حسین بافقی یزدی معروف به «کسائی» تحصیل کرد.سپس از درس میرزا علینقلی طباطبائی، شیخ محمّد تقی هروی، ملّا آقا دربندی، فاضل اردکانی و شیخ زین العابدین مازندرانی بهره گرفت.

او از فقهاء و دانشمندان عالیقدر کربلا بود و مرجع امور شرعی مردم به شمار می رفت تا اینکه در سال ۱۳۳۲ق وفات یافته و در آن ارض اقدس مدفون شد.(۱)

باقر اصفهانی

باقر بن محمّد کاظم اصفهانی، از خطاطان و نویسندگان کتب است. وی در تاریخ یکشنبه ۲ رمضان ۱۱۲۰ق کتابت نسخه ای از «تحفه الزّائر» علّامه مجلسی را به خط نسخ به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۴۸۳۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

باقر الماسی

باقر بن محمّد کاظم الماسی اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری بوده است. از آثارش مجموعه دعائی است که آن را در سال ۱۲۴۹ق کتابت نموده و به شماره ۴۹۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد مقدّس موجود است.(۳)

[ظاهراً باقر الماسی، از فضلای خاندان مجلسی در قرن سیزدهم هجری است.]

۱- میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۴۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۳۶۳ و ۳۶۴؛ نقباء البشر، ص ۲۲۰.

۲- فهرست مجلس شورا، ج۱۳، ص۲۵۳.

۳- فهرست کتابخانه الهیات مشهد، ج۱، ص۲۵۳.

آقا باقر خوراسکانی

آقا باقر خوراسکانی معروف به «باقر خان» در خوراسکان متولّد شد. پدرش کاظم صفّار، از ملّاکان و متمولین خوراسکان بود. علی مراد خان زند هنگامی که از شیراز برای سرکوب ذوالفقارخان افشار خمسه ای به طهران می رفت، باقرخان را نایب الحکومه اصفهان قرار داد. او پس از مرگ علی مراد خان زند، اموال و اثاثیه او را تصرف کرده و در طالار طویله [محل فعلی دبیرستان سعدی] به تخت سلطنت جلوس کرد، و خود را «شاه باقر» نامید و سکّه به نام خود زد.

جعفرخان زند، پادشاه جدید زندیه در ۸فرسخی اصفهان از طغیان باقرخان مطلع شده و به اصفهان حمله برد. سپاهیان باقرخان نیز به مخالفت او برخاسته و قصد کشتن او را داشتند. وی از طالار طویله فرار کرد و موفق به خروج از اصفهان شد. امّا در رویدشت گرفتار شده و به اصفهان آورده شد و به دستور جعفرخان او را در قلعه طبرک زندانی کردند.

در این هنگام آقا محمّد خان قاجار مدّعی سلطنت و رقیب سرسخت زندیه به سوی اصفهان حرکت کرد. جعفرخان که یارای مقاومت نداشت. تمام اثاثیه سلطنتی و خانواده خود را رها کرده و از اصفهان به شیراز گریخت. آقا محمّد خان به اصفهان وارد شد، و باقرخان را آزاد کرد و حکومت اصفهان را به او داد و خود به طرف طهران حرکت کرد و در تهران به سال ۱۲۰۰ق به تخت سلطنت نشست. در این زمان جعفرخان بار دیگر به اصفهان حمله کرده و اصفهان را تصرّف کرد. باقرخان به قلعه طبرک پناه برد و تا سه ماه مقاومت کرد، اما بالاخره دستگیر شده و به شیراز برده شد و در ۲۱ محرم ۱۲۰۱ق در شیراز به قتل رسید.

قبر او در قبرستانی قدیمی در خیابان رباط اصفهان وجود داشته است. [ولی امروزه قبر او از بین رفته و در جای قبرستان قدیمی، مدرسه هدایت را ساخته اند. مرحوم مهدوی معتقدند او در جنگ و ستیز با زندیه در حوالی محلّه تیران و آهنگران در شمال اصفهان کشته شده و در این قبرستان مدفون شده است.]

از آثار باقرخان تغییر مسیر چشمه قطعه طبرک از روستای «راران» به «خوراسکان» و همچنین بنای حمام در خوراسکان بوده است.(۱)

محمّد باقر قزوینی اصفهانی

محمّد باقر بن گل محمّد قزوینی اصفهانی، [از خطاطان قرن سیزدهم هجری بوده و مدّتی در اصفهان سکونت داشته است.]

در سال ۱۲۳۱ق کتاب «جلاء العیون» علّامه مجلسی را به خط نسخ، جهت آقا صفر تاجر قزوینی اصفهانی در شهر زنجان نوشته است. کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد به شماره ۹۲ موجود است.(۲)

سیّد محمّد باقر امامی کَرِوَنی*

حاج سیّد محمّد باقر امامی ابن سیّد کمال الدّین، عالم فاضل پارسا و شاعر ادیب. در سال ۱۳۲۳ش در «تیران» (مرکز بلوک کَروَن) اصفهان متولّد شد. مادرش فرزند عالم ربّانی حاج سیّد محمّد بهشتی نژاد و پدرش از وعاظ ناحیه کَروَن بود.

تحصیلات مقدماتی را در نجف آباد انجام داد و برای ادامه تحصیل راهی اصفهان شد و نزد علمای عالیقدر اصفهان همچون میرزا آقا هاشمی قهدریجانی، حاج شیخ مجتبی لنکرانی، سیّد مصطفی مهدوی هُرِستانی، شیخ عباسعلی ادیب، شیخ احمد فیاض، سیّد عبدالحسین طیّب، سیّد محمّد علی صادقی، میرعلاءالدّین مدّرس مطلق،شیخ عباس ایزدی، حاج میر سیّد علی بهبهانی و حاج شیخ حسین مظاهری تحصیل خود را دنبال نمود و به درجات عالی علم و فضل دست یافت. وی سال ها به تدریس کتب حوزوی از جمله رسائل، مکاسب و کفایه مشغول بود. در سال های جنگ تحمیلی و دفاع مقدس جهت تبلیغ در جبهه های نبرد حضور می یافت. او از سال ۱۳۶۰ش از طرف حضرت

۱- خورشید جی، صص ۴۰۸-۳۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵؛ مزارات اصفهان، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲- فهرست گوهرشاد، ج۱، ص۹۸.

امام خمینی(ره) به عنوان امام جمعه شهر «تیران» برگزیده شد و علاوه امامت جمعه، در ارشاد مردم و رفع مشکلات شرعی و اجتماعی آنان تلاش فراوان می نمود.

وی سرانجام پس از ۴سال تحمّل بیماری سخت، در روز ۲۱ خرداد ۱۳۸۶ش/ برابر با ۲۵ جمادی الاوّل ۱۴۲۸ق وفات یافته و پس از تشییع شایسته در اصفهان، در گلزار شهدای تیران مدفون گردید.

مجموعه اشعار او با عنوان «دیوان محبّت» به چاپ رسیده است.

محمّد باقر اصفهانی

محمّد باقر بن محمّد محسن اصفهانی، خطاط نسخ نویس، در ربیع الثّانی ۱۲۶۷ق کتابت نسخه ای از «حقایق اسرار طب» تألیف: حاج محمّد کریم خان کرمانی را به خط نسخ به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۴۴۳۵ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۱)

ملّا محمّد باقر خوزانی

ملّا محمّد باقر خوزانی ابن ملّا محمّد محسن شیرازی، از علمای قرن سیزدهم هجری. پدرش از شیراز به اصفهان آمد و پس از تحصیل، در محلّه «خوزان» از توابع «سِدِه ماربین» [خمینی شهر فعلی] ساکن شد. ملّا محمّد باقر در نوجوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت، ولی به مسلک شیخیّه روی آورده و برای ترویج این فرقه تلاش زیادی به عمل آورد و تعدادی از اهالی سِدِه و دهات اطراف مسلک او را پذیرفتند از جمله برادرزاده اش محمّد رضا بن محمّد مهدی بن ملّا محمّد محسن. این فعالیّت ها از سوی شیخیّه باعث اختلافات و درگیری های فراوانی در سِدِه شد تا اینکه عالمی جوان به نام میر محمّد حسین میردامادی معروف به «مقدّس» که از زُهّاد و مقدّسین آن دیار بود به مخالفت با شیخیّه پرداخت.

۱- فهرست ملک، ص۲۶۳.

ملّا باقر نیز عدّه ای را مأمور مسموم کردن آن عالم ربّانی کرد و مقدّس مسموم شده و وفات یافت. این اقدامات موجب بیزاری پدرش ملّا محسن شد تا حدّی که فرزند را نفرین کرد و از اعمال او ابراز تنفّر نمود.

سال فوت ملّا باقر معلوم نیست. محل قبر او در مسجد ملّا محسن واقع در محلّه «خوزان» از توابع سِدِه ماربین قرار دارد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاستصحاب» ۲. «ذرائع الأصول» ۳. «الرّضاع» ۴. «القرآن الکریم فی تفسیر قرآن العظیم» ۵. «اللوامع الفقهیّه»(۱)

سیّد محمّد باقر حسینی اصفهانی

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد حسینی اصفهانی، از ائمه جماعت در محلّه بیدآباد است. ظاهراً از شاگردان مرحوم میر سیّد حسن مدرس بوده و پس از وفات در بقعه ایشان واقع در مسجد رحیم خان مدفون گردید.

وی پدر آقا حسین منجم بیدآبادی اصفهانی می باشد.(۲)

میر محمّد باقر داماد

میر محمّد باقر مشهور «میرداماد» بن شمس الدّین محمّد داماد حسینی استرآبادی، عالم فاضل، حکیم فیلسوف، ادیب عارف متخلّص به «اشراق».

پدرش داماد شیخ علی محقّق کرکی بوده و فرزند به میرداماد معروف شده است.

در اغلب منابع سال تولد میرداماد ذکر نشده است. تنها در کتاب «نخبه المقال فی أسماء الرجال» آمده که او در سال ۹۶۹ق متولّد شده است.(۳)

تحصیلات او اغلب نزد دائی اش شیخ عبدالعالی بن شیخ علی کرکی، میر فخرالدّین

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۴؛ تراجم الرّجال، ج۲، صص ۶۰۹ و ۶۱۰.

۲- مزارات اصفهان، ص۱۶۹.

۳- حکیم استرآباد میرداماد، ص۴۷.

محمّد سمّاکی استرآبادی، سیّد نورالدّین علی عاملی (شاگرد شهید ثانی) و شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهائی) صورت گرفته است.(۱)

تاج الدّین حسین صاعدی،(۲) سیّد ابوالحسن موسوی عاملی، سیّد حسین بن حیدر عاملی کرکی، شیخ عبدعلی بن محمود خادم جاپلقی نیز از اساتید و مشایخ میرداماد بوده اند.(۳)

عموم نویسندگان کتب تراجم و رجال که ذکری از او کرده اند وی را به عظمت و بزرگی و جامعیت در علوم فقه، حدیث، تفسیر، فلسفه، حکمت، ادب و شعر سروده اند و از او به عنوان «معلّم ثالث» یاد کرده اند. [میر داماد مقارن انتخاب اصفهان به پایتختی دولت صفویه در اوایل قرن یازدهم هجری به اصفهان کوچیده و مجلس درس و بحث در این شهر برقرار کرده است. خصوصاً در رواج فلسفه از راه تألیف و تحقیق و تدریس سهم بسیاری داشته است.]علمای بزرگ قرن یازدهم هجری اغلب از شاگردان او بوده اند، از جمله میر سیّد احمد علوی عاملی، ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، ملّا محمّد تقی مجلسی، آقا حسین خوانساری، سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان، ملّا خلیل قزوینی، ملّا عبدالرزّاق فیاض لاهیجی، ملّا محسن فیض کاشانی، ملّا صدرا، و غیره.

[شاه عباس صفوی به او ارادات و علاقه بسیار داشته و در سفرها و لشکرکشی های خود نیز او را به همراه می برده است.]

شیخ بهائی و میرفندرسکی از معاصرین و معاشران او بوده اند و روابط آنها با یکدیگر بسیار دوستانه و صمیمانه بوده است.

او مردی زاهد و پرهیزکار بود و همیشه قرآن می خواند و در ادای نوافل می کوشید و در تزکیه و تصفیه نفس اهتمام داشت و چنانچه مشهور است چهل سال شبها پهلو بر بستر نگذاشت.(۴)

میرداماد در شعر «اشراق» تخلّص می کرده و دیوان اشعار او موجود است.

۱- تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، ص۳۰۶.

۲- حکیم استرآباد، ص .

۳- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، ص۱۶.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۱۷.

این رباعی از اوست:

نتوان ز غم تو دل به تدبیر برید

کودک نتوان به مهر از شیر برید

بر من نتوان بست به زنجیر دلت

وز تو نتوان دلم به شمشیر برید

[او کتاب های بسیاری تألیف کرده که دانشمند محقّق دکتر سیّد علی موسوی بهبهانی آنها را فهرست و معرفی نموده که از آن جمله است:

۱. «القَبَسات» ۲. «تقویم الإیمان» ۳. «شرح صحیفه سجادیه» ۴. «تعلیقه بر اصول کافی» ۵. «شرعه التسمیه» ۶. «الرواشح السماویه» ۷. «شارع النجاه» ۸. «جذوات» ۹. «السّبع الشّداد» ۱۰. «دیوان اشعار»(۱)]

میرداماد درآخرین سال زندگی خود درسال ۱۰۴۱ق به همراه شاه صفی عازم زیارت عتبات عالیات شده و در مسیر مابین کربلا و نجف وفات یافته و در نجف اشرف مدفون گردید.

ملّا عبداللّه امانی کرمانی ضمن مرثیه ای مادّه تاریخ وفاتش را چنین سروده است:

خرد از ما تمش گریان شد و گفت:

«عروس علم و دین را مُرد داماد»(۲)

۱۰۴۱

۱- حکیم استرآباد، صص ۱۱۳-۱۰۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۶۹۷.

سیّد محمّد باقر موسوی

سیّد محمّد باقر موسوی ابن آقا سیّد محمّد بن سیّد عبدالرحیم بن سیّد مؤمن بن سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی.

در سال ۱۲۸۱ش در اراک متولّد شد. وی از متخصصین فن چاپ بود و در زادگاه خود «چاپخانه موسوی» را تأسیس کرد و در سال ۱۳۱۲ش روزنامه «عراق» را منتشر ساخت. مدّتی بعد چاپخانه را به طهران منتقل نموده و روزنامه را در آنجا منتشر ساخت.(۱)

میر محمّد باقر گلستانه

میر محمّد باقر فرزند میر علاء الدّین محمّد بن محمّد علی گلستانه در اصفهان نزد پدر دانشمند خود و نیز علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخته و از ملّا محمّد بن عبدالفتاح تنکابنی (فاضل سراب) اجازه روایت دریافت نموده است. شیخ محمّد بن محمّد زمان کاشانی از او روایت می کند.

صاحب عنوان در سال ۱۱۲۰ه. نسخه ای از کتاب «قواعد الاحکام» علّامه حلّی را کتابت نموده که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود.(۲)

میرزا محمّد باقر نوّاب لاهیجی

میرزا محمّد باقر بن محمّد بن محمّد نواب لاهیجی، فقیه، حکیم، محدّث و فقیه عالیقدر، از اکابر علمای عهد فتحعلی شاه قاجار.

اصلاً از اهالی لاهیجان است ولی سال ها در اصفهان به سر برده از درس میرزا

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۴، ص۱۰؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۸۰ و ۱۸۱.

۲- الکواکب المنتشره، صص ۹۴ و ۹۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۱۵۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۱ و ج۲، ص۱۹؛ فوائد الرضویّه، ج۲، ص۳۶۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۴۲۹ و ۴۳۰؛ مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، ص۱۶۳.

ابوالقاسم مدرس [و آقا محمّد بیدآبادی] بهره گرفته است. در این زمان همدرس، معاشر و مصاحب ملّا علی نوری فیلسوف مشهور بوده و بعداً که در دستگاه زندیه به مقاماتی رسیده، رفاقت با او را از یاد نبرده و جهت او از دولت مستمری گرفته و مزرعه ای جهت اعاشه او از طرف دولت به او بخشیده است.

ظاهراً سیّد مهدی بحرالعلوم نیز از اساتید مرحوم نواب است.

وی در علوم زمانه خویش همچون، فقه، اصول، کلام، حدیث، ادبیات فلسفه، نجوم و ریاضیات استاد بوده و از تألیفاتش بر می آید که در همه این علوم غور و تحقیق و تدقیق داشته است.

سبب ارتقاء او به مقامات عالیه حکومتی نیز چنین بوده که در زایجه طالع جعفرخان زند دیده بود که در فلان وقت کریم خان وفات می کند و جعفرخان سلطان می شود. پس به او خبر داد، پس مطابق آن خبر، جعفرخان به تخت سلطنت نشسته، مرحوم نواب را وزیر خود نمود. پس از آن به تدریس معقول پرداخته و به خواهش فتحعلی شاه به نگارش تفسیر مشغول شد.

وی سرانجام در اواخر عمر به طهران رفته و در ۳ شعبان ۱۲۴۸ق در سن حدود ۷۳ سالگی وفات نموده و ظاهراً در صحن آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهر ری مدفون گردیده است.

از میرزا محمّد باقر نواب تنها یک پسر به نام میرزا محمّد و یک دختر که همسر آقا محمّد علی هزار جریبی گردید به جای ماند.

این تألیفات از اوست:

۱. «ترجمه کشف الغطاء» ۲. «تحفه الخاقان»، در تفسیر فارسی قرآن مجید که به خواهش فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده و شامل چهار مجلد است که به چهار بخش قصص، احکام، مواعظ و معارف تقسیم شده است. ۳ «شرح نهج البلاغه» به فارسی در دو مجلد، که جلد اول در غرّه رمضان المبارک ۱۲۲۵ق و جلد دوم در عصر روز جمعه غرّه جمادی الاولی ۱۲۲۶ق تألیف شده و به همت جهانگیر خان قشقائی و تحقیق و

تصحیح جمعی از فضلاء همچون شیخ احمد کرمانی، جمال الدّین واعظ موسوی و سیّد محمّد طبسی، در سال ۱۳۱۷ق در طهران چاپ سنگی شده است. ۴. «کتابی در فقه» [۵. «تعلیقه بر روضه البهیّه»] ۶. «حاشیه شوارق الالهام»(۱)

باقرخان عراقی*

باقرخان عراقی فرزند محمّد انصار ترک همدانی، از چهره های آزادیخواه و مبارز عصر مشروطیت و پس از آن است.

او در حدود ۱۲۸۹ق در اصفهان متولّد شد. در ۵ سالگی پدر را از دست داد. او تحصیلاتش را در اصفهان به پایان رساند و به تدریس مشغول شد. او پس از رفتن به تهران و آشنایی با حیدر عمو اوغلی، تمایلات سوسیالیستی یافته و پس از مدّتی به نهضت جنگل پیوست. او در نبرهایی که در گیلان رخ داد مجروح شد و پس از مدّتی درگذشت و چون مادرش از بستگان ملّا احمد ملّاباشی (از بانیان تکیه میرزا ابوالمعالی) بود. در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد به خاک سپرده شد. او برادر بزرگتر تقی فداکار بنیان گذار اتّحادیه های کارگری اصفهان است.(۲)

سیّد محمّد باقر رجائی

سیّد محمّد باقر رجائی بن سیّد محمود بن آقا سیّد محمّد جواد موسوی، عالم عامل و فقیه کامل، در سال ۱۳۱۹ه.ق در اصفهان متولّد شد و خدمت جمعی از بزرگان از جمله برادر دانشمندش سیّد حسین رجائی، میر محمّد صادق خاتون آبادی، آقا شیخ

۱- قصص العلماء، (چ ۱۳۸۰ه.ق)، ص۱۴۷؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۲۳؛ فوائد الرّضویّه، ج۱، ص۵۵؛ مکارم الآثار، ج۴، صص ۱۲۳۴-۱۲۲۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۶۵؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۱۸۸ و ۱۸۹؛ آشنای حق، صص ۵۱ و ۵۲؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۳۱۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۸۴؛ فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۷۰؛ فهرست مدرسه مروی، ص۱۷۶.

۲- اتحادیه های کارگری و خودکامگی در ایران، ص۴۲؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

محمّد رضا نجفی و سیّد ابوالقاسم دهکردی به تحصیل پرداخت. سپس در سال ۱۳۵۹ه.ق به نجف اشرف مهاجرت کرده نزد آیات عظام آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، حاج سیّد ابوالقاسم خوئی، آقا سیّد عبدالهادی شیرازی، آقا ضیاءالدّین عراقی و آقا شیخ محمّد کاظم شیرازی به تکمیل تحصیلات خویش پرداخته، اجازه اجتهاد از آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و سیّد عبدالهادی شیرازی و اجازه روایت از شیخ آقابزرگ طهرانی دریافت نمود و به اصفهان بازگشت و به ترویج و تبلیغ احکام و تدریس و اقامه جماعت پرداخت. سالها در مسجد بازار جنب سه راه نیم آورد به اقامه نماز و تدریس مشغول بود و در این اواخر در مسجد الاقصی واقع در فلکه فلسطین به اقامه نماز جماعت می پرداخت. او سالهای آخر عمر را به خاطر عارضه سکته خانه نشین و بستری بود تا اینکه در چهارشنبه ۲۶ ربیع الثّانی ۱۴۱۱ه در منزل خود وفات یافته، جنازه با تشییع شایسته و با حضور مردم اصفهان به قم حمل و در آنجا به خاک سپرده شد.(۱)

باقر خاص اصفهانی

میرزا باقر آشوری متخلّص به «خاص» فرزند مرتضی، شاعر ادیب، در طهران متولّد شد. در اصفهان ساکن بوده، در آبان ماه ۱۳۳۳ به مرض سکته وفات یافت. به ندرت شعر می گفت. از اوست:

جز تو ای دوست مرا نیست دگر دادرسی

خوش بود گر که مرا خویش به فریاد رسی(۲)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۲، ص۲۹۸؛ یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۵۵ و ۵۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۸.

سیّد محمّد باقر موّحد ابطحی*

سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی فرزند سیّد مرتضی، عالم فاضل و فقیه محقق معاصر، در شب اول ماه رمضان سال ۱۳۴۷ق در اصفهان از دختر مرحوم سیّد محمّد تقی فقیه احمدآبادی متولّد شد. مقدمات و سطوح فقه و اصول را در اصفهان نزد والد ماجدش و اساتیدی چون حاج آقا رحیم ارباب و شیخ محمود مفید و هیئت را در نزد مجدالعلماء نجفی فراگرفت. در سال ۱۳۶۶ق به قم مهاجرت نموده و با این که کمتر از ۲۰ سال داشت، در درس خارج آیات عظام حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمّد حجّت و سیّد احمد خوانساری شرکت نمود. سپس در درس آیات عظام امام خمینی، شیخ محمّد علی اراکی، سیّد محمّدرضا گلپایگانی، سیّد کاظم شریعتمداری و سیّد محمّد محقق داماد حاضر شده و فلسفه را از علّامه سیّد محمّدحسین طباطبایی آموخت. طب را نیز نزد پدر خود و میرزا محمّد طبیب زاده فرا گرفت.

او سالهاست که به تحقیق اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام مشغول است و تعدادی از کتاب های حدیثی قدماء را تصحیح و تحقیق نموده و به چاپ رسانیده است که از آن جمله است: «عوالم العلوم» تألیف شیخ عبداللّه بحرانی.

تأسیس مدرسه الامام مهدی (عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) در قم، مدرسه علمیه در شهرستان اقلید و مساجد بسیار و دو باب درمانگاه در اقلید از اقدامات ایشان می باشد.(۱)

سیّد محمّد باقر درچه ای

آقا سیّد محمّد باقر درچه ای بن سیّد مرتضی بن سیّد احمد میرلوحی درچه ای اصفهانی، از اکابر علماء و مجتهدین و اعاظم فقهاء و مدرسین.

در سال ۱۲۶۴ق در روستای «درُچه» در نزدیکی اصفهان متولّد شده و پس از

۱- گنجینه دانشمندان، ج۲، صص۲۴۹-۲۴۷؛ الغدیر فی التراث الإسلامی (تألیف: علّامه سیّد عبدالعزیز طباطبایی)، ص ۲۲۰.

تحصیلات مقدّماتی در اصفهان نزد آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) [و شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی] و میرزا ابوالمعالی کلباسی و میرزا محمّد حسن نجفی به تحصیل پرداخته و پس از چندی به نجف اشرف مهاجرت فرموده و از درس آیات عظام میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حبیب اللّٰه رشتی و سیّد حسین کوه کمری پرداخت.

آن گاه به اصفهان مراجعت نموده و در مدرسه نیم آورد ساکن گردیده و به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در مسجد بازارچه وزیر اقامه جماعت نمود. چندی نگذشت که در تدریس و زهد و مقام علم و فضل زبانزد خاص و عام گردید و پس از وفات سید اسماعیل صدر (در کاظمین) بسیاری از مردم اصفهان و بسیاری از شهرهای ایران از او تقلید می کردند. [زندگی زاهدانه و بی آلایش داشت و با قناعت زندگی می کرد. در تدریس فقه و اصول خبره و دقیق و عمیق بود. صدها عالم عالیقدر از محضر او بهره برده و بسیاری از آنان به اجتهاد دست یافتند که از آن جمله است حاج آقا حسین بروجردی (علیه الرّحمه) در ایمان و عقیده ثابت قدم بود و در عین حال با خرافات و پیرایه های بسته شده به دین صریحاً مخالفت می نمود.

در ماجرای مشروطیت نیز برخلاف بسیاری از علماء طرفدار مشروطیّت اصفهان، کاملًا مخالف بود.]

سرانجام در شب ۲۸ ربیع الثّانی سال ۱۳۴۲ق بر اثر سکته در حمام درچه وفات یافته و پس از تشییع و عزاداری باشکوه و کم نظیر مردم اصفهان و شهرها و قصبات اطراف، به تخت فولاد برده شد و در تکیه کازرونی در جوار مزار آخوند گزی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را میرزا حبیب اللّٰه نیز چنین گفته است:

یا نَیِّرُ انقص بسبع قل لرحله

«العلم قد مات من فقدان باقره»

۱۳۴۲=۱۳۴۹-۷

میرزا حسن خان جابری انصاری نیز گوید:

از صف علم الیقین آمد یکی بیرون و گفت

«باقر از علم الیقین شد جانب حق الیقین»

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «یک دوره فقه و اصول» در شانزده جلد ۲. «رساله در جبر و تفویض»(۱)

میرزا محمّد باقر خلیفه سلطانی

میرزا محمّد باقر خلیفه سلطانی معروف به «صدر خاصه ثانی» فرزند نواب میرزا محمّد مقیم بن میرزا محمّد نصیر بن سیّد حسن بن سیّد حسین خلیفه سلطان (سلطان العلماء)، از اجلّه علماء و فضلاء اصفهان، در خدمت پدر خود تحصیل نموده و از او روایت می کند. وی پس از وفات در قبرستان ستی فاطمه، مقبره خانوادگی خود مدفون گردید.(۲)

محمّد باقر کِردآبادی

محمّد باقر بن ملک محمّد کِردآبادی، در ۲۲ ربیع الثّانی ۱۱۲۱ق در نجف مجموعه ای از هفت رساله از تألیفات حیدرعلی شیروانی اصفهانی را فراهم کرده که به شماره ۴۲۹۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳) به ظنّ نویسنده،

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۷۰ و ۳۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۷۱ و ۱۷۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۲۲۴ و ۲۲۵؛ تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۹۰؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۷-۳۱۵ و ۳۹۴؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۳۵؛ آگهی شهان از کار جهان، ج۳، صص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ مدرس، ج۲، صص ۳۰۸ و ۳۱۴؛ سیاحت شرق، ص۱۶۴؛ دولت دیدار، صص ۲۷۰ و ۲۷۱؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، ص۲۴۳؛ روضه رضوان، صص ۱۱۶-۱۱۳؛ ستاره ای از شرق، اغلب صفحات؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۸۷-۱۸۵؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۶۰-۱۵۴.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۷.

۳- فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

صاحب عنوان شاگرد حیدرعلی شیروانی بوده است.

[کِردآباد، به کسر کاف و سکون راء، از دهات جِی اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته و از محلّات شرق اصفهان است.]

محمّد باقر بن منبوداق

محمّد باقر بن منبوداق، از افاضل قرن یازدهم هجری بوده و در سال ۱۰۶۷ق در مدرسه جدّه اصفهان مجموعه ای از رسائل مختلف را ترتیب داده که از جمله رساله «اسرار الصّلوه» شیخ الرّئیس بوده است.(۱)

محمّد باقر باغاتی

محمّد باقر بن محمّد مؤمن اصفهانی باغاتی [نسخ نویس و کاتب قرن سیزدهم هجری] در سه شنبه ۵ ربیع الاوّل ۱۲۲۴ق کتابت نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را به پایان رسانیده، نسخه به شماره ۱۲۲۵ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۲)

[باغات در عصر صفویّه از محله های معروف اصفهان بوده است.]

ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری

ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری فرزند محمّد مؤمن، عالم فاضل فقیه، متکلم و محدّث از بزرگان مجتهدین و رؤساء علماء و مدرسین اصفهان معروف به «محقّق سبزواری» و «صاحب ذخیره»، در سال ۱۰۱۷ه.ق در سبزوار متولّد گردیده و در نوجوانی به اصفهان آمده و به تحصیل پرداخته است. اساتید و مشایخ اجازه ایشان عبارتند از:

میرزا ابوالقاسم فندرسکی، شیخ احمد بحرانی، ملّا محمّد تقی مجلسی، ملّا حسنعلی شوشتری، شیخ حسن مقری عاملی، سیّد حسین بن حیدر بن قمر کرکی، ملّا حیدر خوانساری، شیخ بهاءالدّین محمّد عاملی و قاضی معز.

۱- الذریعه، ج۲، ص۴۸.

۲- فهرست ملک، ص۷۲۹.

وی پس از وصول به مقام اجتهاد به تدریس پرداخته و دهها شاگرد دانشمند از محضر درس او بهره مند شده اند.

وی نزد شاهان و بزرگان صفویه صاحب اعتبار و احترام بوده و مدّتی منصب امام جمعه و شیخ الاسلام را به عهده داشته است. در زمان شاه عباس دوم تولیت مدرسه ملّا عبداللّه به وی واگذار گردید.

از آثار خیریه ایشان در اصفهان احداث بازارچه، حمام، مسجد و دیوانخانه شیخ الاسلام در محلّه سینه پایینی و در مشهد، مدرسه سمیعیه است که به همت میرزا سمیع و با اجازه و دستور ایشان صورت گرفته است.

محقّق سبزواری در عصر خود مرجع حل مشکلات شرعی و اجتماعی مردم بوده و در راه ارشاد مردم و کمک به ضعفاء و رفع نیاز نیازمندان اهتمام فراوان داشته است. و عمر را صرف تحقیق و تألیف و تدریس و عبادت نموده تا اینکه در ۸ ربیع الاوّل ۱۰۹۰ه.ق وفات یافته، جنازه به مشهد مقدّس نقل و در سرداب مدرسه میرزا جعفر مدفون گردید.

در تاریخ فوت آن مرحوم گفته اند: «شد شریعت بی سر و افتاد از پا اجتهاد» شریعت (۹۴۰)+ اجتهاد(۴۱۱) =۱۳۹۴

۱۰۹۰= (شد) ۳۰۴-۱۳۹۴

مادّه تاریخ زیر نیز از نویسنده این کتاب است:

چون مسافر شد محقّق در زمان

جانب خلد برین از این جهان

گشت تاریخ رحیل آن جناب

«پا نهاد اندر بهشت جاودان»

۱۰۹۰

ایشان طبع شعر داشته و گاهی شعر می سروده، این رباعی از اوست:

در عالم تن چه مانده ای بی مایه

پایی بردار و بگذار از نُه پایه

از مشرق جان بر تو نتابد نوری

تا از پی تن همی روی چون سایه

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱ «حاشیه بر شرح اشارات» ۲. «حاشیه بر شبهه استلزام محقّق خوانساری» ۳. «حاشیه بر شفا» ۴. «حاشیه بر قانون» (غیرمدون) ۵. «خلافیه» ۶. «ذخیره المعاد در شرح ارشاد الاذهان»، مطبوع ۷. «روضه الأنوار عباسی» ۸. «رساله فی الغناء» ۹. «کفایه المقتصد» ۱۰. «مفاتیح النجاه عباسی»، در دعا به فارسی.(۱)

سیّد محمّد باقر نحوی

سیّد محمّد باقر نحوی بن سیّد مهدی بن آقا محمّد حسن مجتهد بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه، عالم فاضل و مجتهد زاهد. در سال ۱۳۰۳ق در اصفهان متولّد شد و نزد علمای این شهر همچون میرزا ابوالحسن بروجردی، سیّد ابوالقاسم دهکردی، میرزا احمد مدرس، شیخ احمد بیدآبادی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، شیخ محمّد رضا نجفی، ملّا محمّد حسین فشارکی، شیخ علی مدرس یزدی، آخوند ملّا محمّد کاشانی و سیّد محمّد مدرس نجف آبادی تحصیل نموده و به اجتهاد نائل آمد و سپس به ترویج دین و اقامه جماعت (در مسجد بازار کفاش ها و مسجد میرزا باقر) مشغول شد.

وی از آقا شیخ محمّد رضا نجفی، آخوند فشارکی و حاج میرزا ابوالحسن بروجردی اجازه داشته و تاریخ اجازه مرحوم بروجردی ماه رجب سال ۱۳۴۷ق بوده است.

او عمری را به زهد و قناعت گذرانیده و سرانجام در پنج شنبه ۵ جمادی الاوّل ۱۳۵۰ق بر اثر سکته وفات یافته و در تکیه خاندان مهدوی در تخت فولاد مدفون

۱- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صفحات متعدد؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۲۰؛ سلافه العصر، ص۴۹۱؛ وقایع السنین و الاعوام، صص ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۳۴؛ مصقی المقال، ص۹۱ و ۹۲؛ بغیه الطالب، ص۱۷۱؛ لباب الالقاب، صص ۲۷ و ۲۸؛ شمس التواریخ، ص۱۳؛ فوائد الرضویه، ج۲، صص ۴۲۵ و ۴۲۶؛ امل الآمل، ج۲، ص۲۵۰؛ تعلیقه امل الآمل، ص۲۵۲؛ ریاض العلماء، ج۵، ص۴۴؛ روضات الجنات، ج۲، ص۶۷؛ الکنی و الالقاب، ج۳، ص۱۵۹؛ هدیه الاحباب، صص ۲۵۳ و ۲۵۴؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۴۲؛ الذریعه، ج۵، ص۵۷ و ج۶، ص۱۱۰ و ج۲۱، ص۳۰۸؛ الروضه النضره، ص۷۱؛ الاعلام، ج۶؛ ص۲۷۲؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۹۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل سبزواری، ص۲۳۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۲۴۳-۲۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۲.

گردید.

وی مفتخر به دامادی عالم فاضل ادیب آقا کمال الدّین خوانساری بوده و مرحوم خوانساری مادّه تاریخ او را چنین سروده اند:

آن سمیّ حضرت باقر که بود

نحوی عصرش فصیح و هم بلیغ

سال فوتش را اگر پرسی ز من

گویمت: «ای حیف از او با ای دریغ»(۱)

سیّد محمّد باقر خاتون آبادی

سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد مهدی بن میر محمّد حسین بن میر محمّد صالح حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل جلیل، در اصفهان ساکن بوده و در قرن سیزدهم هجری می زیسته است. تولد و وفات او معلوم نیست. در کتاب «مرآه الأحوال» از او به عنوان «فاضل صالح» یاد شده است.(۲)

ملّا محمّد باقر قمشه ای

آخوند ملّا محمّد باقر بن حاجی ملّا مهدی قمشه ای، عالم فاضل ساکن اصفهان، که از شاگردان ملّا حسینعلی تویسرکانی و آقا سیّد محمّد شهشهانی بوده در جمادی الثّانی ۱۳۱۶ه. وفات یافته در تکیه فیض در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۹۰ و ۴۹۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۹۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۶؛ بوستان فضیلت، صص ۵۱-۴۹.

۲- الکرام البرره، ج۱، ص۱۹۲؛ سالنامه دبیرستان فرهنگ، ص۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۲؛ مرآه الأحوال جهان نما، ج۱، ص۱۲۴.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۱۹۳؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۲۷؛ تاریخ شهرضا، ص۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۸.

محمّد باقر نیلفروشان*

محمّـد بـاقر نیلفروشـان فرزنـد مهـدی متخلّص به «راجی» شاعر ادیب. در ۱۲ شوال ۱۳۴۲ق در اصـفهان به دنیا آمـد. ابتـدا در مکتب خانه تحصـیل کرد. سـپس به دبستان قدسیه رفت و دوره دوره متوسطه را در مدرسه معقول و منقول آغاز نمود. امّا پس از دو سال ترک تحصـیل کرد و به تدریس در دبسـتانی از مدارس جامعه تعلیمات اسلامی در اصفهان مشغول شد. وی پس از مدتی به تحصـیل ادامه داد و پس از اخذ دیپلم به دانشگاه رفت و در رشته حقوق به تحصیل پرداخت. همچنین در حوزه علمیه اصـفهان نزد میر سیّد علی ابطحی، حـاج آقـا ضـیاءالدّین علّـامه، حـاج سـیّد عبدالحسـین طیّب، حاج آقا حسـین خادمی، شـیخ حیدرعلی صلواتی، شیخ عباسعلی ادیب و شیخ عباس ایزدی به تحصیل علوم دینی مشغول شد.

او از فرهنگیان متدّین و پرشور اصفهان بود و در تأسیس مدارس دینی همچون نور دانش و ترقّی نقش مهمّی داشت.

همچنین او در مقاطع مختلف تحصیلی، تربیت معلم، دانشگاه آزاد و دانشگاه صنعتی شهرکرد به تدریس پرداخت.

استاد نیلفروشان در ۱۲ تیر ۱۳۷۸ش از دنیا رفت و در قطعه ۹ باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد. گاهی شعر می سرود.

از اوست:

دوران گل شد ای دل و گردید خار خوار

شد بار عاشقان به لب جویبار بار

هر دم هزار ناله مکن چون هزار زار

زیرا که گشت با تو گلی زین دیار یار

بنمود رخ مه من و کرد آشکار کار

تا جلوه ای نمود، بُرد زِ آفتاب تاب(۱)

ملّا محمّد باقر هرندی*

ملّا محمّد باقر بن محمّد مهدی هرندی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری. وی در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله آقا جمال الدّین خوانساری به تحصیل پرداخت. وی کتاب «حاشیه الرّوضه البهیّه» تألیف آقا جمال الدّین محمّد خوانساری را در سال ۱۱۱۸ق کتابت کرده و خود بر این نسخه حواشی متعدّدی نوشته است.(۲) همچنین وی کتاب «الآراء الفقهیه» را تألیف نموده که به شماره ۱۱۴۳/۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳) «ترجمه إرشاد القلوب» دیلمی نیز از آثار اوست.(۴)

سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی

حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی بیدآبادی اصفهانی ابن سیّد محمّد نقی بن سیّد محمّد زکی بن سیّد محمّد نقی بن شاه قاسم موسوی، از اعاظم علماء و اکابر فقهای قرن سیزدهم هجری. نسب شریفش به حضرت حمزه فرزند امام موسی کاظم علیه السلام منتهی می شود.

وی در سال ۱۱۷۵ق در قریه «چَرزِه» از قراء طارم عُلیا (در حدود ۵۰ کیلومتری زنجان و ۶۰ کیلومتری شفت) متولّد شده و در ۷سالگی به اتّفاق خانواده به شفت مهاجرت نموده و در آنجا مقدمات علوم دینی را آموخته و برای تکمیل آن راهی عتبات عالیات شده و نزد آقا محمّد باقر وحید بهبهانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، شیخ سلیمان

۱- آئین فرزانگی، ج۷، صص ۱۶۹-۱۶۴؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۰۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (چ۲)، ص ۸۲۰.

۲- فهرست مرکز احیاء میراث، ج۶، ص ۲۸۱.

۳- فهرست مرعشی، ج۲۹، ص ۴۰.

۴- فهرستواره کتابهای فارسی، ج۶، ص ۳۸۲.

عاملی کاظمی، آقا سیّد علی طباطبائی (صاحب ریاض)، سیّد محسن اعرجی کاظمی، سیّد محمّد مجاهد، میرزا محمّد مهدی شهرستانی و سیّد مهدی بحرالعلوم که همگی از مجتهدین عالی مقام و فقهای بزرگ شیعه بودند کسب فیض نموده و به مقام مشامخ اجتهاد نائل آمد. پس از آن به ایران مراجعت نموده و شش ماه نزد حاج میرزا ابوالقاسم قمی در قم به تحصیل پرداخته و عاقبت در سال ۱۲۱۶ق وارد اصفهان شد و مدت کوتاهی در مدرسه چهارباغ تدریس نمود. سپس در مدرسه شفیعیه دردشت و مدرسه میرزا حسین در محلّه بیدآباد به تدریس پرداخته و در محلّه قبله دعا سکونت گزید.

او ابتدا در مسجد میرزا باقر اقامه جماعت نمود و سپس به همت ایشان مسجد بزرگ و معتبری در بیدآباد بنا شد که به «مسجد سیّد» شهرت یافت.

کم کم آوازه تدریس و مقام علمی و ملکات فاضله و اخلاق حسنه ایشان همه جا را فرا گرفت و بسیاری از مردم اصفهان و نواحی اطراف مقلّد و مرید او شدند و بالاخره شهرت و نفوذ کلمه او از ایران نیز در گذشته و بسیاری از مردم ایران و شیعیان سایر سرزمین ها مرجعیت ایشان را پذیرفتند. ثروت ایشان نیز روز به روز افزوده شد و سیّد حجّهالاسلام آن را صرف تربیت فضلاء و مرمّت مساجد و مدارس و کمک به نیازمندان و تکمیل کتابخانه خود نمود. برخی از حکام اصفهان و همچنین شاهان قاجار از نفوذ و قدرت او در هراس بودند ولی قادر به جلوگیری از آن نبودند و به ناچار به مقام علمی و ریاست او اذعان داشتند.

سیّد حجّهالاسلام در اصفهان خود رأساً به اجرای حدود شرعی و اقدام علیه مفسدین دست زد. او در عین حال بسیار به عبادت خدا و گریه و مناجات می پرداخت و در زمینه تَهَجُّد و بُکاء از خوف خدا ضرب المثل شده بود.

وی در تدریس نیز مهارت و توانایی بسیاری داشت در اغلب علوم خصوصاً فقه و اصول، حدیث و رجال استاد اساتید عصر خویش بود و از محضر درس او صدها تن از فضلاء و مجتهدین از بسیاری از نقاط ایران تربیت شدند. [مؤلف فقید در کتاب بیان المفاخر به شرح حال ۱۴۹ تن از شاگردان دانشمند او پرداخته اند.]

در زمان حیات مرحوم سیّد بسیاری از ادباء و شعراء در مدح و بیان اوصاف او قصاید و اشعار زیبائی سروده اند که اغلب آنها را میرزا محمّد علی وفای زوّاره ای در کتاب «تذکره مآثر الباقریّه» گردآوری نموده است.

عاقبت وی در روز یکشنبه ۳ ربیع الثّانی ۱۲۶۰ق بر اثر بیماری استسقاء وفات یافت. شاگردش ملّا علی اکبر خوانساری او را غسل و کفن نموده و فرزندش حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی بر پیکر او نماز خوانده و او را در بقعه ای مخصوص در مسجد سیّد مدفون ساختند و سال ها بعد جمعی از فرزندان، احفاد و نزدیکان او در آن بقعه مدفون شدند.

حاج عبدالرحیم فسائی متخلّص به «عشرت» مادّه تاریخ وفات سیّد حجّهالاسلام شفتی را چنین سروده است:

سال تاریخ وفاتش خواستم

گفت عشرت «حجّت دین شد تمام»

ایشان کتب بسیاری تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «تحفه الأبرار» ۲. «مطالع الأنوار فی شرح شرایع الإسلام» ۳. «سؤال و جواب» ۴. «الزّهره البارقه» ۵. «الحلیه اللّامعه» ۶. «الرسائل الرّجالیه»(۱)

۱- بیان المفاخر، (۲جلد)؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۷۵-۳۷۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۵۳-۱۴۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۳؛ روضات الجنّات، ج۲، ص۹۶؛ قصص العلماء، صص ۱۳۴ و ۱۶۶-۱۴۹؛ تذکره العلماء، صص ۲۱۵-۲۱۳؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۲۶۲-۲۵۵؛ لباب الألقاب، صص ۷۰ و ۷۱؛ بغیه الطالب، ص۱۷۱؛ هدیه الأحباب، ص۱۴۰؛ فوائد الرضویه، صص ؛ الکنی و الألقاب، ج۲، ص۱۷۳؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۱۹۶-۱۹۲؛ الذّریعه: مجلدات مختلف؛ ریحانه الأدب، ج۲، ص۲۶؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۹۶؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۱ و ۳۱۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۱۱-۱۰۰؛ مکارم الآثار،ج۵، ص ۱۶۲۰-۱۶۱۴؛ وفیات العلماء، صص ۱۶۴-۱۶۲.

محمّد باقر حسینی

محمّد باقر شرف الدّین ابن الهادی الحسینی، در رجب ۱۰۰۴ق نسخه ای از «الصّحیفه فی علم الأسطرلاب» و در اواخر شوّال ۱۰۲۰ق نسخه ای از «رساله کریه» هر دو از تألیفات شیخ بهائی را در اصفهان کتابت کرده و در کتابخانه فرهنگ مشهد مقدّس موجود است(۱)

[ظاهراً صاحب عنوان از فضلاء و اهل قلم معاصر جناب شیخ بهائی است.]

میرزا محمّد باقر پاقلعه ای

میرزا محمّد باقر بن میر محمّد هادی بن میرزا محمّد خاتون آبادی، عارف سالك، از عرفای سلسله نعمت اللهی. در ۱۷ ذیحجّه ۱۳۴۶ق وفات یافته و در تکیه آغاباشی، جنب تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

[جواد شوقی اصفهانی مادّه تاریخ فوت او را در این بیت آورده است:

پا در آن جمع هشت «شوقی» و گفت:

«میر باقر مکان بجنّت کرد»(۳)]

محمّد باقر خوراسکانی

محمّد باقر بن محمّد هادی خوراسکانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری و از اهالی «خوراسکان» جِی اصفهان است. وی مالك نسخه ای از «حاشیه شرایع الإسلام» محقّق کرکی بوده و در رمضان ۱۱۶۴ق بر یکی از برگهای این کتاب یادداشت تملك نوشته است سجع مُهر او «غلام محمّد باقر» بوده است. این نسخه به شماره ۶۵۸۴ در کتابخانه

۱- فهرست کتابخانه فرهنگ مشهد، صص ۵۱-۴۹.

۲- نمونه مختصر المکارم، ص۲۰۲، خطی؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۸۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۵.

۳- دیوان شوقی اصفهانی، ص۳۳۸.

آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است.(۱)

محمّد باقر اصفهانی*

محمّد باقر بن محمّد هاشم اصفهانی، خطّاط نسخ نویس قرن دوازدهم هجری بوده و در سال ۱۱۴۴ق نسخه ای از «صحیفه سجادیه» را به خط نسخ زیبا کتابت نموده است.(۲)

سیّد باقر رشتیان*

سیّد باقر رشتیان ابن سیّد هاشم نقّاش، هنرمند نقّاش. دراصفهان متولّد شده و نقّاشی را از پدر آموخت و سرانجام در ۱۰ شعبان ۱۳۸۰ق (مطابق سال ۱۳۳۹ش) درگذشت و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ فوت او را احمدرضا غفورزاده (طلائی) چنین سروده است:

سال تاریخ او «طلائی» گفت

«آه از مرگ رشتیان عزیز»(۳)

۱۳۳۹

ملّا محمّد باقر صفای نائینی

ملّا محمّد باقر جابری نائینی متخلّص به «صفا» فرزند ملّا هدایت حسین عالم فاضل و ادیب شاعر، در اصفهان به تحصیل پرداخته و به مدارج عالی علم و ادب دست یافت. در نظم و نثر خصوصاً انشاء و فقه و حدیث مهارت داشته، در سال ۱۰۸۲ه. وفات یافت.(۴) از او تألیفاتی به جای مانده است از آن جمله است:

۱- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص ۱۶۰؛ خورشید جی، ص ۳۰۶.

۲- فهرست مرکز احیاء میراث اسلامی، ص۶، ص ۳۸۱.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۲۸۲؛ تاریخ اصفهان (جابری)، چاپ ۱۳۷۸، ص ۳۱۱.

۱. «مفتاح الأفق» یا «مفتاح الحقایق» در اصول دین (۱) ۲. «دیوان اشعار» ۳. «مفتاح الحقایق»(۲)

از اوست:

شب دوری به سان شمع تا وقت سحر سوزم

ز خوناب دل مجروح و از سوز جگر سوزم

ز بس سوراخ سوراخ است تن از ناوک نارش

گهی از سر گهی از سینه گاه از چشم تر سوزم

باقر برهمن

باقر برهمن، شاعر ادیب، در اصـفهان ساکن است. گاهی شـعر می سـراید این دو بیت را به مناسبت کشته شدن حسین صرافیان از فعّالان اتّحادیه کارگری در ۴ خرداد ۱۳۲۴ سروده:

هر کجا رو آورم سوگ غمی برپاستی

قلب ها و دیده ها مجروح و خون پالاستی

آنکه اندر راه آزادی بدی ثابت قدم

آوخ آوخ تنگنای گور را مأواستی(۳)]

باقر بنّا*

باقر بنّا، از خوشـنویسان گمنام عهد صـفویه است. خط ثلث را با نهایت اسـتادی می نوشته و مورد توجّه شاه عباس کبیر بوده تا جائی که خط او در مسجد شیخ لطف اللَّه در کنار خط علیرضا عباسی خوشنویس دربار صفویه قرار گرفته است.

دو کتیبه بسیار زیبای ثلث بر کتیبه کاشیکاری با رقم «و بالباقر البنّا کاتب هذه

۱- الذریعه، ج۲۱، ص۳۲۶.

۲- تاریخ اصفهان (جابری)، چاپ ۱۳۷۸، ص۳۹۱، (تعلیقات).

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۸۵.

الحروف» درداخل مسجد شیخ لطف اللّه موجود است.(۱)

این هنرمند، از چشم همه کسانی که درباره آثار تاریخی اصفهان از جمله مسجد شیخ لطف اللّه کتاب نوشته اند و نیز نویسندگان کتب شرح حال خوشنویسان پنهان مانده است. دکتر هنرفر اولین شخصی است که به نام و اثر او اشاره کرده و در حقیقت او را احیاء کرده است.

آقا محمّد باقر بهجت اصفهانی*

آقا محمّد باقر اصفهانی متخلّص به «بهجت» شاعر ادیب و خوشنویس فاضل در عهد سلطنت فتحعلی شاه، مستوفی عباس میرزا ولیعهد او بوده و خط نستعلیق را نیکو می نوشته و در فنون ادب استاد بود. مدتها در آذربایجان بوده و در زمان سلطنت محمّد شاه وفات یافته است. نویسنده «مدایح معتمدیه» شرح حال او و اشعارش در مدح منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان را آورده است. این دو بیت از آنجاست:

دلم به زلف تو شاد از لب شکرخند است

ز آب خضر به ظلمات تشنه خرسند است

چه شام ها که سحر کردم و ندانستم

درازی شب زلف تو را که تا چند است(۲)

میرزا باقر تبریزی

میرزا باقر تبریزی معروف به «ایبک» شاعر ادیب فاضل، از تبارزه عباس آباد اصفهان بوده به خدمت بسیاری از فضلاء رسیده، مرد صالح پرهیزکاری بود. از اشعار اوست:

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۰۷ و ۴۱۴.

۲- تذکره مدایح معتمدیه، (نسخه خطی)؛ ر. ک. به: حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۲۸۲ و ۲۸۳؛ الذریعه، ج۹، صص۱۴۶ و ۱۴۷.

تارهای سر زلف تو چو پیوست به هم

داد اسباب پریشانیِ ما دست به هم(۱)

محمّد باقر توحید اصفهانی

محمّد باقر توحید اصفهانی، مؤلّف «شرح دعای صباح».

نسخه آن در حاشیه «شرح دعای صباح» میرزا ابراهیم امینی ضمن مجموعه شماره ۳۵۶۷ مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

سیّد محمّد باقر حسام السّادات

سیّد محمّد باقر حسام السّادات اصفهانی، مؤسس مدرسه سادات اصفهان است که در سال ۱۳۳۱ق در محلّه چهارسوق شیرازی ها تأسیس شده است. صاحب عنوان از فضلاء و ادباء اواخر دوره قاجاریه است.(۳)

باقر سخائی

باقر سخائی، از راه کارگری امرار معاش می کرده و گاهی اشعاری می سروده و دارای طبعی روان بود.

از اوست:

[حب وطن شیوه نیکان بود

حب وطن پاکی ایمان بود

محترم این ملک چو مادر بدار

هموطن خویش برادر شمار(۴)]

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۸۵؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۲۰؛ صحف ابراهیم، ص۲۷۲، (تعلیقات).

۲- فهرست مجلس، ج۱۰، بخش سوّم، ص۱۵۳۶.

۳- سالنامه دبیرستان فرهنگ، ص۴.

۴- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۹.

سیّد محمّد باقر تیرانی

سیّد محمّد باقر تیرانی کرونی اصفهانی، عالم فاضل امام جمعه تیران مرکز بلوک کروَن اصفهان. از علمای قرن چهاردهم هجری می باشد. در اصفهان تحصیل نموده، در بلوک مزبور صاحب ریاست و شهرت و قدرت بوده است.

محمّد باقر حسینی

محمّد باقر حسینی، از خوشنویسان قرن یازدهم هجری است. وی کتیبه سنگاب مسجد خان در اصفهان را به خط نستعلیق کتابت کرده است.(۱)

محمّد باقر کارلادانی اصفهانی

محمّد باقر خراسانی کارلادانی از فضلاء و نویسندگان در قرن سیزدهم هجری و ساکن قریه «کارلادان» است.

احتمالاً وی از شاگردان مرحوم آقا محمّد مهدی کلباسی و خود از فضلاء گمنام اصفهان در قرن سیزدهم هجری می باشد.

از آثارش کتابت نسخه ای از «نورالعیون للمتّقین» (رساله عملیه مرحوم آقا محمّد مهدی کلباسی) است که آن را در سال ۱۲۷۷ق کتابت نموده و از خود نیز بر آن حواشی مرقوم داشته است که به شماره ۱۷۵۶ در مدرسه فیضیه قم موجود است.(۲)

کارلادان که در این زمان بین النّاس به کلادان به ضم کاف فارسی معروف است [از دهات بلوک ماربین بوده و حالا به شهر پیوسته و از محلّات غرب اصفهان است و مقبره عمو عبداللّه سقلا معروف به «منارجُنبان» در آنجاست.]

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۹۵۵؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۶۰۸.

۲- فهرست مدرسه فیضیه، ج۱، ص ۲۹۰.

سیّد محمّد باقر دیباج

سیّد محمّد باقر دلّال اصفهانی متخلّص به «دیباج» از سادات حسینی اصفهان و از محترمین تُجّار و مورد اعتماد کلیه طبقات بود، متجاوز از ۸۰ سال عمر نموده، در اصفهان پس از سال ۱۳۶۰ق وفات یافت.

میرزا محمّد باقر ذکاءالملک اصفهانی

میرزا محمّد باقر ذکاءالملک اصفهانی، از ادبای اواخر دوره قاجاریه است. در اصفهان ساکن بوده و بخش آخر کتاب «الکامل فی التّاریخ» تألیف: ابن اثیر را به فارسی ترجمه کرده است. نسخه در یک شنبه ۹ ربیع الاوّل ۱۳۰۴ق به نام ظلّ السّلطان ترجمه شده و به شماره ۴۲۱۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

سیّد محمّد باقر زوّاره ای

سیّد محمّد باقر زوّاره ای اصفهانی، از علمای زمان شاه سلطان حسین صفوی است. تألیفاتی دارد از آن جمله است «ترجمه بلدالأمین» کفعمی.(۲)

محمّد باقر سروش اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی متخلّص به «سروش» شاعر و ادیب خوشنویس، در اصفهان به کسب علم و ادب پرداخته و نزد درویش عبدالمجید طالقانی به مشق خط پرداخت. خط شکسته را خوش می نوشته و سرانجام در سال ۱۲۰۵ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شده است.

از اوست:

با تو گویم شِمّه ای از سرگذشت

بی تو آب دیده ام از سر گذشت(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۱، ص۲۲۱.

۲- الذریعه، ج۴، ص۸۴.

۳- تذکره سفینه المحمود، صص ۳۷۰ و ۳۷۱؛ تذکره نگارستان دارا، صص ۱۹۹ و ۲۰۰؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۱، ص۷۶۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۴.

آقا محمّد باقر سمسوری

آقا محمّد باقر سمسوری اصفهانی، خطاط نستعلیق نویس قرن سیزدهم هجری از اهالی قریه «سمسور» خوراسکان بوده، در خط نستعلیق و نسخ استاد بوده و به شیوه محمّد صادق و میرعماد خط می نوشته، از آثار او سنگ نوشته قبر مادر شاهزاده در تخت فولاد به تاریخ ۱۲۴۶ و کتیبه عمارت سرپوشیده سیف الدّوله (که خراب شده) می باشد.(۱)

مرحوم مهدی بیانی در دوجا از صاحب عنوان نام می برد یک جا به عنوان محمّد باقر سمسوری که آثاری از او را به خط نستعلیق با رقم «محمّد باقر الإصفهانی» به ذکر می کند و دیگری در بخش نسخ نویسان کتاب خود که اثری از او را به خط نسخ با رقم «محمّد باقر الخوراسکانی» معرفی می نماید.

و امّا آثاری که مرحوم بیانی معرفی نموده است به شرح زیر می باشد:

۱. یک نسخه «کلمات قصار حضرت امیر» به خط نستعلیق خوش به تاریخ ربیع الاوّل ۱۲۴۷ق، موجود در کتابخانه سلطنتی سابق.

۲. یک مرقع شامل ۱۲ رقعه، به خط نستعلیق خوش در سال ۱۲۳۷ق، موجود در همان کتابخانه.

۳. یک قطعه، به خط نستعلیق خوش از روی خط میرعماد، در سال ۱۲۳۷ق، موجود در مجموعه مهدی بیانی.(۲)

۴. «قرآن مجید» به خط نسخ متوسط، در سال ۱۳۳۵ق، موجود در کتابخانه سلطنتی سابق.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۸؛ بیان المفاخر، ج۲، ص ۱۰۱ و ۳۷۲؛ دیوان طرب، مقدمه، ص۸۸؛ تاریخ اصفهان (مجلّد هنر و هنرمندان)، ص۲۱۳ و ۱۳۶.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۵۵.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۱۵۰؛ گنجینه قرآن، ص۸۳.

سیّد محمّد باقر صدرالکُتّاب

آقا سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی ملقب به «صدرالکتاب» از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری بوده و در طهران به کتابت مشغول بوده و در نسخ نویسی به مقامی منیع رسیده قرآنی را به خط زیبای خود کتابت کرده است که بسیار مطلوب و مطبوع واقع شده [است.]در خط نستعلیق نیز مهارت داشته و «مثنوی معنوی» را کتابت کرده که در سال ۱۲۹۸ه چاپ سنگی شده است.(۱)

میر محمّد باقر طباطبایی اصفهانی

میر محمّد باقر طباطبایی اصفهانی، عالم فاضل، از شاگردان علّامه مجلسی است. علّامه مجلسی در انهائی که در سال ۱۰۹۲ه. برای او نوشته از او با عنوان «السیّد الایّد ذوالمفاخر و المآثر الأمیر محمّد باقر وفقه اللّه تعالی» تجلیل می کند.(۲)

آقا سیّد محمّد باقر طبیب

آقا سیّد محمّد باقر طبیب، از اطباء معروف اصفهان و ساکن محلّه بیدآباد بوده و در اواخر قرن سیزدهم هجری می زیسته است.(۳)

محمّد باقر عامی اصفهانی

محمّد باقر اصفهانی متخلّص به «عامی» از شاعران قرن سیزدهم هجری بوده و از کسب کرباس فروشی امرار معاش می کرده و اصلش از کاشان بوده است.

از اوست:

۱- المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج ۱، ص۲۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۳۰۳.

۲- اجازات الحدیث، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص ۸۰؛ الروضه النضره، ص ۷۲.

۳- تاریخ و جغرافیای چهارمحال، ج ۱، ص۴۶۵؛ بیان المفاخر، ج ۲، ص ۲۳۸.

آنچه در جان و دلم صبر و قرارش خوانند

بُرد از یک نظرآن شوخ که یارش خوانند(۱)

شیخ محمّد باقر قزوینی

حاج شیخ محمّد باقر قزوینی، از علماء معمّر و مدرّسین فاضل معاصر، در حدود سال ۱۲۷۳ق [یا کمی قبل از آن] متولّد شد و در اصفهان نزد آخوند کاشی و ملّا محمّد حسین فشارکی تلمُّذ نمود. عالمی زاهد و متقّی بود و سالها در مدرسه نیم آورد به تدریس هیئت و حساب مشغول بود. جمعی از فضلاء از جمله [آیت اللّه العظمی سیّد ابوالحسن اصفهانی، سیّد محمّدحسین آیت میردامادی، سید جعفر میردامادی، سیّد مرتضی موحد ابطحی] آقا سیّد حسن احمدی علون آبادی و حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی نزد او کسب فیض نموده اند.

سرانجام در ۲۸ ربیع الثّانی ۱۳۶۵ق در اصفهان وفات یافته و در تکیه میرزا عبدالغفار تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

میرزا باقر قاضی زاده

میرزا باقر تبریزی معروف به «قاضی زاده عباس آباد» عالم فاضل و ادیب شاعر، از دانشوران اواخر عهد صفویّه. او نوه قاضی زین العابدین تبریزی است. در محلّه عباس آباد اصفهان ساکن بود. وی نزد ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، آقا حسین خوانساری و قوام الدّین طهرانی رازی به تحصیل پرداخت و در معقول و منقول صاحب مهارت گردید و به تدریس در مدرسه قطبیه مشغول شد. او در بین تبریزیان عباس آباد اعتبار و احترام بسیار داشت و تقسیم گندم و گوسفند تبارزه با او بود.

در بیان مقام علمی او نصرآبادی می نویسد: «در تحصیل علوم سعی بسیار نموده،

۱- سفینه المحمود، ص۴۰۸؛ تذکره اختر، ص۱۴۴؛ بهترین اشعار، ص۳۸۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۳۰۶ و اطلاعات متفرقه نویسنده.

حَقّاً که باقر علوم و جامع کمالات است». و شیخ محمّد علی حزین می آورد: به فضایل ظاهری و باطنی موصوف است.

او از دوستان و معاشران میرزا ابوطالب زاهدی لاهیجی بود. فرزند میرزا ابوطالب، شیخ محمّد علی حزین لاهیجی در کودکی او را درک کرده است. میرزا باقر قاضی زاده در هفتمین دهه از زندگی خود در حدود سال ۱۱۱۰ق یا کمی قبل از آن در اصفهان وفات یافت. شعر نیکو می سرود و نسبت به فضلای معاصر خود با دقایق صناعت شعر آشنایی بیشتری داشت و در نظم اشعار و معما سلیقه اش معیار ادباء شمرده می شد.

این شعر از اوست:

فصل گل و موسم بهار است

گلزار به رنگ و بوی بهار است

بی تو شب ما تیره روزان

چون چشم سفید گشته تار است(۱)

ملّا محمّد باقر گزی

ملّا محمّد باقر گزی، عالم فاضل محدّث از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی است. علّامه مجلسی در آخر کتاب الزّیارات از کتاب «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی که به شماره ۱۹۵۸ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می شود. در جمادی الاولی ۱۰۸۴ه.ق برای او اجازه روایت نوشته و از او به عنوان «الفاضل الکامل العامل التّقی الذّکی» یاد کرده است.(۲)

۱- تذکره شعرای آذربایجان، ج۲، صص ۷۶-۷۴؛ دانشمندان خوانسار، ص۱۱۷؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۵۰؛ تذکره المعاصرین (حزین)، ص۱۳۲؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۲۵؛ کلمات الشعراء، ص۱۰؛ تذکره حسینی، ص۷۲؛ تذکره نتایج الأفکار، ص۱۱۸؛ آتشکده آذر، ج۱، ص۱۷۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۰؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۶۲ و ۶۳؛ صحف ابراهیم، صص ۸۰ و ۸۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۷۳.

۲- اجازات الحدیث، ص۱۷۲؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۸۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۷؛ فهرست رضوی، ج۵، ص۵۶.

سیّد محمّد باقر محزون سدهی

سیّد محمّد باقر سِدِهی متخلّص به «محزون»، عالم فاضل و ادیب شاعر [از دانشوران چهاردهم هجری] در محلّه درب سیّد محلّه فروشان سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی]متولّد شده و در اصفهان نزد حضرات آیات شیخ محمد تقی آقانجفی و شیخ محمّد علی ثقهالاسلام نجفی به تحصیل پرداخت. سپس به وطن اصلی خود مراجعت کرده و مرجع شرعیات آن حدود گردید و در یکی از مساجد آنجا اقامه جماعت نمود که مسجد مذکور به نام او شهرت دارد. وی در حدود سال ۱۳۶۷ق وفات یافت. دیوان اشعار او با عنوان «کتاب محزون در مدائح و مصائب» [در ذیحجه الحرام ۱۳۶۵ق در تهران] به طبع رسیده است. این شعر از اوست:

میرس حالت من در فراق یار امشب

به لب رسیده مرا جان هزار بار امشب

خیال روی توام شعله می کشد بر سر

اگر چو شمع بسوزم عجب مدار امشب(۱)

محمّد باقر منیر اصفهانی

میرزا محمّد باقر اصفهانی متخلّص به «منیر» شاعر ادیب، در هندوستان ساکن بوده و در محضر میر شمس الدّین فقیر کسب علم می نموده است. قبل از «منیر» به «فدائی» تخلّص داشته و در قرن دوازدهم هجری زندگی می کرده است.(۲)

سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی

سیّد محمّد باقر موسوی اصفهانی، طبیب مخصوص شاه سلیمان صفوی مؤلّف کتاب «الادویه القلبیه» است که آن را به امر شاه در یک مقدّمه و چهارده باب و خاتمه نوشته

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۵ و ۴۱۶.

۲- الذریعه، ج۹، ص۱۱۱۴.

است.(۱) وی از سادات حکیم سلمانی اصفهان به شمار می رود.

محمّد باقر نجم ثانی*

محمّد باقر نجم ثانی، از نوادگان امیر یاراحمد خوزانی اصفهانی ملقّب به نجم ثانی است. مردی دلیر و شجاع بود و در کمانداری نظیر نداشت. او از صاحب منصبان دربار پادشاه هند بود. نورالدّین محمّد جهانگیر پادشاه در کتاب خود جهانگیرنامه از دقّت و نشانه روی دقیق او ابراز شگفتی می کند.

محمّد باقر نجم ثانی با منصب چهارهزاری در نظامت اله آباد به سال ۱۰۴۷ق درگذشت. همسر او ملکه بانو دختر بیگم است و بیگم خواهر ملکه نورجهان بود. نورجهان بیگم نیز در تیراندازی مهارتی عجیب داشت.(۲)

آقا باقر نقاش*

محمّد باقر اصفهانی معروف به «آقا باقر نقاش»، از نقاشان و قلمدان سازان هنرمند عصر زندیه و قاجاریه است. وی از شاگردان «علی اشرف» است. همچنین از روی آثار نقاشان ایتالیا مشق و تمرین فراوان انجام داده و در نقاشی مجالس بزم و صحنه های رزم سبکی آمیخته از فرنگی و ایرانی را برگزیده است. او در ساختن گل و بته و مرغ و نقش حیوانات تبحّر خاصّی داشته و با آب رنگ ساده، سیاه قلم و رنگینه پرداز آثار کم نظیری به وجود آورده است.

سجع آثار او «باقر از بعد علی اشرف شد» و «یا امام محمّد باقر» و «کمترین محمّد باقر» و «یا باقر العلوم» بوده است. تولد او در اصفهان بوده و اغلب در اصفهان به سر برده است.

از آثار او تابلوی آبرنگ پرندگان روی شاخه پرشکوفه سیب در سال ۱۱۹۵ق و

۱- الذریعه، ج۱، ص۴۰۳.

۲- جُنگ معانی، ص۱۲۳.

تصویر میرابوالقاسم فندرسکی در سال ۱۱۹۲ق را می توان نام برد.(۱)

ملّا محمّد باقر ورنوسفادرانی

ملّا محمّد باقر ورنوسفادرانی، شاعر ادیب، از قریه «ورنو سفادران» سِدِه ماربین بوده و در آن قریه مکتبداری می کرده، مردی در کمال صلاح و پرهیزکاری بوده و در فنون شعر و ادب و لغز و معما مهارت داشته و [در حدود سال ۱۰۸۱ه. وفات یافته است.]

از اوست:

چون بر آرم ناله از دل آیدم صد فوج درد

آری آری خضر راه کاروان بانگ درآست(۲)

بایزید بسطامی

بایزید بن نظام الدّین عبدّالرزّاق بسطامی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در روز پنج شنبه ۲ ربیع الثّانی ۱۰۹۹ق کتاب «خلاصه الأذکار» تألیف: فیض کاشانی را در مدرسه مقصودیه ناظریه کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۳۸۱۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

ظاهراً مراد از مقصودیّه ناظریه، مقصود بیک ناظر شاه عباس، بانی چهارسو مقصود باشد و احتمالاً مدرسه در چهارسوی نامبرده جنب مسجد شاه [مسجد امام فعلی] قرار داشته است.(۴)

۱- هنر قلمدان، صص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ دائره المعارف هنر، ص۷۲؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۱۹.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۷.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۷۹۲.

۴- اصفهان: دارالعلم شرق، نسخه خطی، ص۲۲۵.

بایُندُر صفوی*

بایُنـدُر خان صـفوی، شاعر ادیب در قرن یازدهم هجری. او با خاندان صـفویّه خویشاوندی داشت و در اصـفهان ساکن بود. امّا مردی قـانع و وارسته بود و دنبـال مشاغـل دولتی نرفت و عمر را به مصاحبت و معاشـرت با شـعراء و فضـلاء و مردان اهل حال گذراند.

این بیت از اوست:

کاش زلف تو دگر بو به صبا نفروشد

تا صبا منّت کونَین به ما نفروشد(۱)

سیّد بحرالعطاء مهدوی هرستانی

سیّد بحرالعطاء مهدوی بن سـیّد محمّد بن سـیّد احمد بن سـیّد محمود زمان هُرسـتانی سِدِهی عالم فاضل زاهد متقی، از علمای معاصـر در روسـتای «هرسـتان» از توابع سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شده و در اصفهان نزد علمای عالیقدر چون شهید سیّـد حسن مـدرس، سیّد ابوالقاسم دهکردی، سـیّد محمّـد باقر درچه ای، سـیّد مهـدی درچه ای، شـیخ محمّد رضا نجفی، میر محمّـد صادق خاتون آبادی، شـیخ محمّـد تقی آقا نجفی، آخونـد ملّا محمّد کاشانی و جهانگیرخان قشـقائی بهره برد و پس از آن به «هرسـتان» بـازگشت و به اقامه جماعت و ارشاد و هـدایت مردم پرداخت. او نسـبت به مسائل دینی متعصّب و مـدافع و به زخارف دنیوی بی اعتنا بود. وی سرانجام در یکشنبه ۲۹ ربیع الثّانی ۱۳۷۱ق وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۵۴ و ۵۵؛ تذکره روز روشن، ص۹۹.

۲- شـرح مجموعه گل، صـص ۳۵۶ و ۳۵۷؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۶۸۲؛ خمینی شـهر شـهری که بایـد از نو شناخت، ص۲۰۷.

سیّد بحرالعلوم میردامادی

سیّد بحرالعلوم میردامادی ابن سیّد اسداللّه صدرالاسلام از اعقاب میر محمّد حفیظ بن محمّد اشرف بن میر عبدالحسیب محمّد بن میر سیّد احمد علوی عاملی.

عالم فاضل عارف، در سال ۱۳۴۵ق در سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شده و مقدمات علوم از صرف و نحو و غیره را در مولد خویش فرا گرفت. سپس جهت تکمیل آن به اصفهان آمده و نزد آقا سیّد احمد مقدس، شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، شیخ محمّد حسین رشتی، شیخ محمّد حسین مشکینی، حاج آقا رحیم ارباب، سیّد محمّد رضا خراسانی، سیّد صدرالدّین کوپائی، میرزا علی آقا شیرازی و میر سیّد علی موسوی بهبهانی تحصیلات خود در فقه و اصول و ادبیات و کلام و اخلاق را انجام داده و سپس به قم هجرت نموده و نزد آیات عظام حاج آقا حسین بروجردی، علّامه طباطبائی، امام خمینی و سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی به کسب فیض پرداخت.

وی سالها به ترویج دین و ارشاد مردم مشغول بود و در عمر پربرکت خود چندین مسجد و حسینیّه را تأسیس و یا مرمّت نموده و شاگردانی را پرورش داد. تأسیس مهدیه میرداماد و مؤسّسه خیریه امام رضاعلیه السلام از دیگر خدمات اوست.

سرانجام در بامداد یکشنبه ۱۵ ربیع الثّانی ۱۴۱۱ق وفات نموده و پس از تشییع، در قبرستان پلارت [معروف به بهشت فاطمه (سلام اللّه علیها) در خمینی شهر] مدفون شد و بقعه ای باشکوه بر مزار او ساخته شد.

کتابهای: ۱. «اصول دین استدلالی» ۲. «تقریرات درس مرحوم بروجردی» ۳. «رساله در سیر و سلوک»، مطبوع ۴. «سیری در اخلاق اسلامی» از تألیفات ایشان است.

مادّه تاریخ فوت او را عالم ادیب فاضل حاج سیّد مصطفی نحوی چنین سروده است:

غریق از پی تاریخ رحلتش بودم

میان حلقه ماتم به بحر حیرانی

که ناگه آمد «نحوی» به جمع سر زد و گفت:

«ز فوت وی شده بحرالعلوم طوفانی»(۱)

۱۴۱۱=۱۳۶۱+۵۰

بداق بیگ نسیم شاملو

بُداق بیگ شاملو متخلّص به «نسیم» [فرزند سیّد علی بیگ] شاعر ادیب [در هرات متولّد شده و در اصفهان اقامت گزیده(۲)] جوانی خوش طبع و صاحب کمال بوده و پس از وفات در مزار بابارکن الدّین مدفون گردید.(۳) [دیوان او بالغ بر سه هزار بیت است] از اوست:

خموشی فیض را دارد سخن پرداز می داند

نخستین آنکه ساکت هیچگه ملزم نمی گردد(۴)

بدران علوی نسّابه اصفهانی

سیّد نجم الدّین بدران بن شریف بن ابی الفتح علوی حسینی موسوی نسّابه اصفهانی، از فضلاء و محدّثین جلیل القدر شیعه در قرن پنجم هجری است.

منتجب الدّین در «الفهرست» می نویسد: «به وسیله ثقهالدّین ابوالمکارم هبهاللَّه بن داود بن محمّد اصفهانی از او خبر یافتم». کتاب «المطالب فی مناقب آل ابی طالب» از تألیفات اوست.(۵)

۱- یادنامه فقیه اهل بیت عارف الهی آیت اللَّه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۴۲-۳۶؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

۲- قصص الخاقانی، ج ۲ ص ۱۶۸.

۳- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۶۱.

۴- رجال اصفهان، ص ۲۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۸۲.

۵- النّابس، ص ۳۵؛ ریاض العلماء، ج ۱، ص ۹۶؛ امل الآمل، ج ۲، ص ۴۳؛ جامع الرّواه، ج ۱، ص ۱۱۵؛ الفهرست، ص ۴۳؛ فوائد الرضویّه، ج ۱، ص ۵۵؛ الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۳۹؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ دایرهالمعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۴۱.

بدر رارانی اصفهانی

ابوالرّجاء بـدر بن ثابت بن روح بن محمّـد بن عبدالواحـد بن ابی القاسم بن عباس بن جعفر صوفی رارانی، از محدّثین و عرفای اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است.

وی از مشایخ روایتی ابوسعد سمعانی است. سمعانی از او در کتاب خود به عنوان «مقدم صوفیه فی اصبهان» و «شیخٌ صالحٌ سدید السیره، نظیف الظاهر، جمیل الأمر، من بیت الحدیث و التّصوف» یاد کرده است.

وی بعـد از سال ۴۶۰ق در خـانواده ای اهـل علم و دانش پرور متولّـد شـده و از ابواسـحاق ابراهیم بن محمّـد بن ابراهیم طیّان، ابوالحسن احمد بن عبدالرّحمان ذکوانی، ابوالخیر محمّد بن عبداللّه بن ررا و ابونصر احمد بن محمّد بن صاعد صاعدی حدیث شنیده است. [همچنین وی از جدّش ابوطاهر روح بن محمّد رارانی و نیز از ابن ماجه روایت می کند.]

وی سرانجام در ماه رمضان سال ۵۳۲ق در اصفهان وفات یافته است.(۱)

[«راران» از محلّه هـای شـرق اصـفهان، در منطقه باسـتانی جِی واقع شـده است و منـاره ای تاریخی هنوز پس از صـدها سال در آنجا برپا است.]

بدر فرکی اصفهانی

ابـوالنّجم بـدر بن دُلَف بن یوسف فَرکی اصـفهانی، از محـدّثین قرن پنجم است. از اهـالی روسـتای «فَرک» اصـفهان بوده و از ابونصر ابراهیم بن محمّد بن علی کسائی حدیث شنیده است. حافظ ابوطاهر سلفی از او روایت می کند.

وی در سال ۴۱۹ق متولّد و در سال ۵۰۲ق وفات یافته است.(۲)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۳۲؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۲؛ المشتبه، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲- معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۵۵؛ اللباب، ج ۲، ص ۴۲۴.

سیّد بدرالدّین جاجرمی

بدرالـدّین [بن عمر] جـاجَرمی خراسـانی، از شـعرای معروف قرن هفتم است. [در «جـاجَرم» خراسـان متولّـد شـد. در جوانی در خراسان به تحصیل پرداخت و سپس به اصفهان آمد]و به مدح بهاءالدّین محمّد جوینی، حاکم اصفهان و پدرش شمس الدّین محمّد صاحب دیوان پرداخت. [و از بهاءالدّین لقب «ملک الشّـعراء» گرفت. گویند در اصـفهان نزد مجدالدّین همگر شاگردی کرده است.] وی سـرانجام در سال ۶۸۶ق وفـات یافت. مثنوی در اختلاج اعضاء و ترجمه منظوم قصـیده عربی «ابوالفتـح بُستی» موسوم به «عنوان الحکم» از اوست که به طبع رسیده و این بیت از آنجاست:

زیادَهُ المَرءُ فی الدُّنیا نقصان

وَرِبْحُهُ غیر مَحضِ الخَیرُ خُسران

هر کمالی که ز دنیاست همه نقصان است

سود کان محض نکوئی نبود خسران است

[از شاعران سـبک خراسانی است و شـعرش به خاطر تکلف و تصنّع بیش از حد چندان مقبول اهل ادب نیفتاده است. از دیوان اشعار او حدود چهار هزار بیت باقی مانده است.(۱)]

سیّد بدرالدّین کتابی

سیّد بدرالدّین کتابی متخلّص به «امید» فرزند حاج آقا هلال الدّین بن آقا میرزا علیرضا بن میر محمّد صادق حسینی کتابفروش. شاعر ادیب و فاضل دانشمند.

در ۹ شوال ۱۳۳۰ق متولّد گردید. در اصفهان و مشهد و تهران تحصیل نمود و از

۱- چهـار مقـاله، ص۸۳ (پـاورقی)؛ تـذکره الشـعراء دولتشاه، صـص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ مطلع الشـمس، صـص ۱۱۸ و ۱۱۹؛ تذکره آتشـکده، (بخشت نخست از نیمه نخست)، صـص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ مجمع الفصحاء، ج۱، صص ۴۳۳ و ۴۳۴؛ تاریخ مغول، صص ۳۳۷ و ۳۳۸؛ تاریـخ نظم و نـثر، ص۱۶۲؛ تاریخ ادبیـات در ایران، ج۳، ص۵۶۲؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۸؛ ریحـانه الأدب، ج۱، ص۳۷۶؛ لغت نـامه دهخـدا، ذیـل«بـدر جاجرمی»، ص۷۴۷؛ تـذکره شـمع انجمـن، صـص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ دانشـمندان و بزرگـان اصفهان، ج۱، صص ۳۸۲ و ۳۸۳؛ مشاهیر جاجرم، ج۱، صص ۴۵-۳۹؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۱۲؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۱۰؛ دانشنامه جهان اسلام، ذیل «بدر جاجرمی»، ص۱۱۷۵.

جمله از محضر آقا شیخ محمّد خراسانی و حاج آقا رحیم ارباب بهره گرفت. در کنار آن دوره ابتدائی و متوسطه را در اصفهان طی کرد و در دانشسرای عالی تهران در رشته فلسفه فارغ التحصیل شد و سپس در اصفهان به تدریس پرداخت.

از ایشان تألیفات عدیده ای به جای مانده است از آن جمله است:

۱. «اخلاق»، از دکتر پیرژانه، ترجمه از فرانسه، مطبوع ۲. «به سوی اصفهان»، اثر پیر لوتی، ترجمه از فرانسه، مطبوع ۳. «فروغ خاور» اثر هرمان الدنبرگ، ترجمه از فرانسه، مطبوع ۴. «پیرامون سیره نبوی»، اثر دکتر طه حسین، ترجمه از عربی ۵. «درباره تصوف اسلامی و تاریخ آن»، اثر رینولد نیکلسون، ترجمه از عربی، غیرمطبوع ۶. «دیوان اشعار» با تخلّص امید، غیرمطبوع.

سرانجام ایشان در شب یکشنبه ۶ ذیحجه الحرام سال ۱۴۰۷ه.ق در اصفهان وفات یافت و در قبرستان جدید (باغ رضوان) به خاک سپرده شد

مادّه تاریخ فوتش را شاعر فرزانه منوچهر قدسی چنین نوشته است:

سال فوتت بحساب قمری است

«بی کتابی قلم و نامه گریست»

۱۴۰۷

این رباعی از اوست:

سیم و زر اگر بیش و اگر کم هیچ است

جز مهر و وفا حاصل عالم هیچ است

با غیر بشر به کام دل چون نرسی

آدم بطلب که غیر آدم هیچ است(۱)

محمّد بدیع اصفهانی

محمّد بدیع بن ابوالخیر اصفهانی از کاتبان قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۹۳ق نسخه ای از اربعین شیخ بهائی را کتابت نموده است. کتاب به شماره ۲۰۱۰ در کتابخانه

۱- تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، صص ۲۱۰-۲۰۲؛ مزارات اصفهان، صص ۱۲۱-۱۱۸؛ مجموعه

مقالات مرحوم کتابی، ص۴۲۲؛ نادره کاران، ص۶۴۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص۴۹۳-۴۸۳.

مسجد اعظم قم موجود است.(۱)

محمّد بدیع بن حیدرعلی

محمّد بدیع بن حیدرعلی، خوشنویس فاضل قرن یازدهم هجری در اصفهان. در تاریخ ۲۳ شوال ۱۰۹۵ق نسخه ای از کتاب «استبصار» را به خط نسخ زیبا کتابت نموده و در خاتمه کتاب در ۹ صفحه اجازه ملّا محمّد تقی مجلسی را به فرزندش علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی را استنساخ کرده است. نسخه به شماره ۵۸۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

میرزا بدیع نطنزی*

میرزا بدیع بن میرزا محمّد بن میر ابوالمعالی برزرودی نطنزی، شاعر و ادیب عارف از سخنوران قرن یازدهم هجری. وی در جوانی به لباس فقر و درویشی درآمد. مدّتی در اصفهان ساکن بود و عاقبت به سبزوار رفت. سال فوت او معلوم نیست.

این شعر از اوست:

دارد زلال چشمه حُسنت نظاره ها

مانند سبزه سرزده از کناره ها

چرخ از دل شکسته محابا نمی کند

آسوده است پای خم از شیشه پاره ها(۳)

میرزا بدیع درب امامی

حاج میرزا محمّد بدیع بن سیّد مصطفی بن سیّد عبدالحمید بن محمّد موسوی رضا توفیقی کوه گیلویه ای درب امامی اصفهانی، عالم زاهد جلیل و مجتهد فقیه ادیب، از مشاهیر علماء و مدّرسین اصفهان در عصر قاجاریه.

۱- فهرست کتابخانه مسجد اعظم، ص۱۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۸۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۹.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۴۶؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

در حدود سال ۱۲۵۱ق در اصفهان متولّد شد. پدرانش عموماً از فضلاء و دانشمندان بوده اند. او پس از تحصیل مقدمات نزد علمای اعلام اصفهان ملّا حسینعلی تویسرکانی، میر سیّد محمّد شهشهانی، میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) و شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی به تحصیل پرداخته و از سه نفر اخیر مفتخر به اخذ اجازه گردیده است.

او عالمی وارسته و قانع و زاهد بوده و با وجود عسرت در زندگی و معیشت، تحف و هدایای اعیان و متموّلین و حکام اصفهان را نمی پذیرفته و با استغنا زندگی می کرده است.

در تدریس فقه و اصول و ادبیات عرب تبحّر خاصّی داشته و واقعاً بدیع الزمان بوده و دروس قوانین، شرح لمعه، شرح کبیر و فرائد را با استادی تمام تدریس می نموده است. سالها در مدرسه نیم آورد تدریس کرده و شاگردان ماهر و خبره از مجالس درس او برخاسته اند.

نماز جماعت را در مسجد جنب بازارچه وزیر اقامه می نموده است. همچنین در شب های ایام تعطیل به منبر می رفته و با مواعظ شافیه خود مردم را ارشاد می فرموده است. او عالمی جامع و مطلع بر رجال و اخبار و محاضرات و اشعار و امثال و در معاشرت خوش رو و شوخ و حاضر جواب بوده است.

خط را نیز خوش می نوشته و علاوه بر تألیفات خود برخی از کتب را کتابت نموده است، از جمله «معراج الشّریعه» آقا محمّد مهدی کلباسی در سال ۱۲۷۳ق، «حاشیه شوارق الالهام» ملّا اسماعیل واحدالعین در سال ۱۲۷۲ق، «ترجمه تاریخ یمینی» ابوالشّرف ناصح منشی جرفادقانی در سال ۱۲۷۲ق، «تنقیح المقاله فی توضیح الرّساله» هبهاللّه حسنی حسینی در سال ۱۲۷۶ق، «اوایل التّحریر» قاضی سیّد اختیارالدّین حسن حسینی تربتی خراسانی در سال ۱۲۷۶ق، «انوار الرّبیع» تألیف سیّد علی خان مدنی، در سال ۱۲۷۶ق.

وی در عصر جمعه ۲۱ شعبان ۱۳۱۸ق وفات یافته و در کنار قبر استادش آقا سیّد

محمّد شهشهانی در تخت فولاد مدفون شد. عبدالوهاب مستشار این مصرع را مادّه تاریخ او یافته است:

«بدیع هم بمکان رفیع جای گرفت»

و میرزا حبیب اللّه نیر نیز طی مرثیه ای گوید:

فَیا نَیِّرٌ أکتب بتاریخ فوته:

«بفردوس خلد رواح البدیع»

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر ریاض المسائل» که ناتمام مانده ۲. «حاشیه بر قوانین المحکمه» ۳. «دیوان اشعار » ۴. «رساله در حجیّت استصحاب به اخبار» ۵. «رساله در خراج و مقاسمه»

طبع شعر نیز داشته و «احمد دیوان بیگی» مؤلف «حدیقه الشعراء» که معاصر اوست، او را به نیکی ستوده و اشعاری از او نقل کرده است.

این شعر از اوست:

مار را بر دوش افکندن ز ضحّاک است و تو

دست بردن سوی مار از پور عمران است و من

هرکس از زلف پریشان به سامانی رسد

در پریشانی همان زلف پریشان است و من

جام و جانان، شمع و من جمعیم در یک انجمن

جام خندان است و جانان، شمع گریان است و من(۱)

۱- فهرست تربیت، ص۱۹۵؛ فهرست ملّی، ج۵، ص۴۷۷؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۱۰ و ج۸، ص۷۰۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۰؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۷۵-۱۷۱؛ حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۸۵ و ۳۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ الإصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۲۴۹-۲۴۳؛ تهذیب الأخلاق

یا نوشدارو، ص۱۰۰؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۳۱؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۳۱۴؛ دایرهالمعارف تشیع، ج۳، ص۱۵۰.

بدیع الزّمان اصفهانی*

بدیع الزّمان اصفهانی متخلّص به «بدیعی» از فضلاء و شعرای عهد صفویه است. در هندوستان ساکن بوده و در آنجا منظومه نونیّه ای در بحر رمل سروده و آن را «مثلثات» یا «نصاب مثلث»(۱) نامیده و در باب نام و نسب خود سروده است:

گر تو نامم را بخواهی یاد کردن

یاد کن نامم نام بدیع الدّین ملک اصفهان

نسخه های متعددی از این نسخه در کتابخانه ها وجود دارد. از جمله نسخه ای در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور و گنجینه آذر پاکستان وجود دارد.(۲)

برخی نوشته اند او همان بدیعی حکیم، از شعراء و اطباء تبریز در قرن یازدهم هجری است(۳) که ظاهراً صحیح نیست و آنها دو نفر هستند. یکی اهل اصفهان و دیگری از تبریز.

میرزا بدیع الزّمان منجم

میرزا بدیع الزّمان حسینی گنابادی معروف به «میرزا بدیع الزّمان منجم» فرزند میرزا جلال الدّین بن میرزا جعفرخان بن سیّد عماد(۴) از دانشمندان هیأت و نجوم و ریاضی و طب در دوره قاجاریه است. در خراسان به تحصیل پرداخت و سرانجام به منصب منجم باشی گری آقا محمّد خان قاجار برگزیده شد و اغلب در رکاب او به سر می برد و حتی در یورش به شهر شوشی همراه او بود.(۵) در اواخر عمر در اصفهان ساکن شد [و در سال ۱۲۰۴ه.ق وفات یافته در تکیه سیّد ابوالقاسم (خواجوئی) در تخت فولاد مدفون

۱- الذریعه، ج۱۹، ص ۸۰.

۲- فهرست دانشگاه پنجاب، ص ۱۲۰.

۳- دانشمندان آذربایجان، صص ۶۵ و ۶۶.

۴- مکارم الآثار، ج۸، ص ۲۹۹۰.

۵- چهل سال تاریخ ایران (المآثر الآثار)، ج۱، ص۲۵۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۲ و ۳۳۳.

شد.(۱)]

بدیع الزّمان عباسی

بدیع الزّمان بن علیرضا عباسی، خطاطِ شاعرِ ادیب، خط را نزد پدر مشق کرد و در شعر «بدیعا» تخلّص می نموده، تا سال ۱۰۳۵ حیات داشته و به جوانی وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد. دیوانش در کتابخانه سلطنتی سابق در تهران موجود است.(۲)

بدیع الزّمان کاتب خاتون آبادی

بدیع الزّمان کاتب بن محمّد کاظم خاتون آبادی، از کاتبان و خوشنویسان عصر صفویه است. وی اصلًا از روستای «خاتون آبادِ» جيِ اصفهان است. خط نستعلیق را خوش می نوشته و از فضل و ادب بابهره بوده است.

از آثار او کتابت کتاب «نقاوه الآثار» تألیف محمود افوشته ای نطنزی است که در کتابخانه موزه ایران باستان موجود است و کتاب «أحسن التواریخ» تألیف حسن بیک روملو است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۳)

میرزا بدیع الزّمان اردستانی

میرزا بدیع الزّمان بن قاضی شمس الدّین محمّد اردستانی، شاعر ادیب و عالم فاضل، معاصر شاه عباس صفوی بوده و در اصفهان ساکن بوده است.(۴) در نهایت زهد و تقوا بود.

۱- مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۹۹۵ و ۲۹۹۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۳۸۳ و ۳۸۴؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۹؛ پیدایش خط و خطاطان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، صص ۹۹-۹۷؛ تاریخ خط و خطاطان، ص۶۶؛ دایرهالمعارف تشیع، ج۳، ص ۱۵۰.

۳- نسخه های خطی، ج۲، ص۲۱۷؛ فهرست مجلس، ج۲۶، ص۴۲۲.

۴- تذکره غنی، ص۲۶؛ تذکره شمع انجمن، ص ۱۳۰.

و دیوانی در حدود ده هزار بیت داشته است.(۱)

[این بیت از اوست:

خلد را از کف به مینای شرابی می دهم

گر به نانی داد آدم، من به آبی می دهم(۲)]

میرزا بدیع الزّمان نصرآبادی

میرزا بـدیع الزّمـان بن میرزا محمّـد طـاهر نصـرآبادی، مؤلّف تـذکره الشـعراء است. از سـخنوران قرن دوازدهم هجری بـوده و همچون پـدر در انشـاء و لغز و مُعمّا و مادّه تاریـخ مهارت به سـزائی داشـته است. او مورد نظر شاه سـلطان حسـین صـفوی قرار گرفته و به لقب «ملك الشُّعرائی» مفتخر شده و اقطاع اراضی نصرآباد به وی واگذار گردید.

میرزا بدیع برای اتمام کاخ چهلسـتون قصـیده ای سـراپا تاریخ گفته است. وی سرانجام در سال ۱۱۲۱ق وفـات یافته و ظاهراً در تکیه نصرآباد جنب مقبره پدر مدفون شده است.

از اوست:

روشن ضمیر را به بصر احتیاج نیست

سرچشمه را بهر آب، گهر احتیاج نیست

موی سفید را مکن آلوده حنا

شیر صباح را به شکر احتیاج نیست

همدست کی رواست یَدِ قدرت تو را

این دست را به دست دگر احتیاج نیست(۳)

۱- کاروان هند، ج۱، ص۲۳۳.

۲- جُنگ معانی، ص۲۶۲.

۳- تذکره نصـرآبادی، ج۲، ص۶۶۴؛ تذکره المعاصـرین، صـص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ تذکره شـمع انجمن، ص۱۲۹؛ صحف ابراهیم، ص۷۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۳۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۷۹.

استاد بدیع الزّمان تونی

استاد بـدیع الزّمان تونی، از اساتیـد بزرگ معماری در عهد صـفویه بوده است. در یزد متولّد شده و در اصـفهان اقامت گزیده است. وی در کنار استاد علی اکبر معمارباشی اصفهانی در ساخت بنای شکوهمند مسجد امام اصفهان شرکت داشته است.(۱)

ملّا بدیع الزّمان هرندی

ملّا بدیع الزّمان بن اسـحاق هرندی قهپائی، عالم فاضل محقّق. در اصـفهان نزد علمای این شـهر از جمله شـیخ بهائی به تحصـیل پرداخت. سپس به منصب شیخ الاسلامی یزد منصوب شد و سرانجام در سال ۱۰۴۹ق وفات یافت.

از جمله آثار او تألیف «ریاض العابـدین فی شـرح الصـحیفه» به فارسـی است که آن را پس از تألیف به نام شاه صـفی صـفوی نامیده است.

[او علاوه بر تبحّر در علوم نقلی، در علوم عقلی نیز به تحصیل پرداخت و کتابهای «التّعلیقات» و «المبداء و المعاد» هر دو از تألیفات «ابن سینا» را در سال ۱۰۱۶ق کتابت کرد. این نسخه ها به شماره ۱۲۷۴۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲)

دکتر بدیع اللّه دبیری نژاد*

دکتر بدیع اللّه دبیری نژاد فرزند بشـیر، در سال ۱۳۱۴ش در بندر ترکمن متولّد شد. تحصـیلات ابتدائی را در بندر ترکمن و در گز انجام داد و دوره متوسـطه را در گرگـان طی نمود. آنگـاه به اسـتخدام آموزش و پرورش در آمـد و به تـدریس پرداخت. سپس در دانشسرای عالی تهران لیسانس ادبیات فارسی دریافت نمود. آنگاه برای ادامه تحصیل

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص ۳۶۰.

۲- الـذریعه، ج ۱۱، ص ۳۲۹؛ فهرست کتابخـانه وزیری، ج ۲، ص ۴۹۰؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج ۱، ص ۳۸۴؛ فهرست مرعشی، ج ۵، صـص ۲۳۸ و ۲۴۱ و ج ۳۲، ص ۴۰۲ و ج ۸، ص ۴۰۱؛ فوائـد الرضویّه، ج ۱، ص ۵۶؛ دایرهالمعارف تشـیع، ج ۳، ص ۱۵۰.

به فرانسه رفته و در دانشگاه «سوربن» در رشته زبان شناسی فوق لیسانس و سپس دکترا دریافت کرد.

وی از سال ۱۳۴۸ش در دانشگاه اصفهان به تدریس پرداخت تا این که در سال ۱۳۷۸ش به افتخار بازنشستگی نائل شد. او در هنگام تدریس در دانشگاه اصفهان سمت هایی همچون سرپرست امور دانشجویان دانشکده ادبیات، سرپرست نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مسؤول برنامه ریزی دروس عمومی دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی را برعهده داشته و عضو انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی کشور بوده است. دکتر دبیری نژاد علاوه بر مقالاتی که در مجلات کشور همچون «نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان»، «مجلد وحید»، «مجله یغما»، «مجله فروهر»، «مجله ادبستان» و غیره به چاپ رسانیده است، کتابهایی راتألیف نموده است که از آن جمله است:

۱. «فرخی و قصیده داغگاه» ۲. «کارنامه ساسانیان» ۳. «سبک نثر آثار تاریخی دوره مغول در ایران» ۴. «ترجمه و شرح کامل مقدمه کتاب: ترجمان البلاغه» ۵. «تاریخچه خطوط اسلامی»(۱)

بذّال فُرسانی

ابو محمّد بذّال بن سعد بن خالد بن محمّد بن ایوب فُرسانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان [و از اهالی «قریه» فرسان در شمال شرقی شهر اصفهان] است.

وی برای کسب حدیث به بغداد رفته و از محمّد بن بُکیر حضرمی استماع حدیث نموده است. ابو احمد بن عدی حافظ جرجانی نیز در بغداد از او روایت می کند.(۲)

۱- گنجینه های علمی دانشگاه اصفهان، صص ۳۱۳-۳۰۹.

۲- اللباب، ج۲، ص۴۲۱؛ معجم البلدان، ج۳، ص۸۷۳.

براتعلی نجف آبادی

براتعلی بن استاد حسن نجف آبادی [خطاط نسخ نویس قرن سیزدهم هجری است]. کتب زیر به خط اوست:

۱. «مفاتیح الأصول» تألیف: سیّد محمّد مجاهد، به خط نسخ در سال ۱۲۳۳ق، موجود به شماره ۱۱۵ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم.(۱)

۲. «مدارک» دردو مجلد، به خط نسخ، در سال ۱۲۴۲ق موجود در کتابخانه مجلس شورای ملّی.(۲)

۳. «بحارالأنوار» جلد هیجدهم، به خط نسخ، در رجب ۱۲۴۶ق موجود در کتابخانه عمومی اصفهان.(۳)

۴. «ریاض السّالکین» تألیف: سیّد علی طباطبائی، از قضا تا حیات، به خط نسخ، در سال ۱۲۵۴ق، موجود به شماره ۸۷۲ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم.(۴)

۵. «کشف اللّثام» تألیف: فاضل هندی، به خط نسخ در سال ۱۲۵۵ق، موجود به شماره ۷۰۰ در کتابخانه آیت اللَّه گلپایگانی در قم.(۵)

برخوردار اصفهانی*

برخوردار بن اسحاق اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن یازدهم هجری است. او خط نسخ را بسیار زیبا و ممتاز می نوشته است. از آثار او نسخه ای از «تذکره الفقهاء» تألیف علّامه حلّی است که جزء ۱۰ و ۱۱ (کتاب ضمان تا پایان جعاله) را به خط نسخ ممتاز خویش در ربیع الثّانی ۱۰۲۹ق نوشته است.

این نسخه به شماره ۱۱۴۳۷ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۶)

۱- فهرست فیضیه، ج ۱، ص ۲۶۴.

۲- فهرست مجلس، ج ۱۰ ص ۱۲۸۱.

۳- فهرست عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۱۸۷.

۴- فهرست فیضیه، ج ۱، ص ۲۶۴.

۵- فهرست گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۶- فهرست مرعشی، ج ۲۹، ص ۶۱.

برخوردار بیگ فاتح گلپایگانی*

برخوردار بیگ فاتح بن آقا ولایت گلپایگانی، شاعر ادیب. پدرش وزیر گلپایگان بود و خط نستعلیق را خوش می نوشت.

برخوردار بیگ نیز ادیب و هنرمند بوده و طبع شعر داشت و «فاتح» تخلّص می نمود. دیوان او حدود سه هزار بیت داشته است. وفات او قبل از سال ۱۰۸۳ق واقع شد.

از اوست:

خدایا رام ما کن شوق این طاقت شکاران را

که بُرد از گریه چشمم آبرو ابر بهاران را

برخوردار بیگ نسخه ای از «معالم الدّین» تألیف شیخ ابومنصور حسن عاملی را به خط نستعلیق در سال ۱۰۵۷ق کتابت کرده که به شماره ۱۰۳۰۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

برخوردار بیگ نائینی

برخوردار بیگ نائینی متخلّص به «منصور» شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. او و برادرش محمّد بیگ در خدمت مرتضی قلی خان متولّی اردبیل بودند. پس از آن او به خدمت نجفقلی خان حاکم شیروان درآمد و پس از آنکه صاحب مُکنت و مال شد به زادگاه خود نائین بازگشت. شعر نیکو می سرود و آواز خوشی داشت. او تا زمان تألیف تذکره نصرآبادی (سال ۱۰۸۳ق) در قید حیات بود. از اوست:

غیر چشم تو که خون دل احباب خورد

کس ندیدست که بیمار مِی ناب خورد(۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۴۹۸ و ۴۹۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۹۵۵؛ فهرست مرعشی، ج۲۶، ص۲۴۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۵۸۰.

بَرکیارُق سلجوقی

بَرکیارُق فرزند ملکشاه سلجوقی، از پادشاهان سلسله سلجوقی در سال ۴۷۴ق متولّد شده است. مادرش دختر امیر یاقوتی بوده که دختر عموی ملکشاه است و زبیده خاتون نام داشته است. ۱۱ ساله بود که ملکشاه درگذشت. با آن که ملکشاه تمایل داشت بَرکیارُق جانشین او شود ترکان خاتون زن دیگر ملکشاه، پس از فوت شاه پسر خردسال خود محمود را به تخت نشانده و حمایت «مقتدی» خلیفه عباسی را نیز به خود جلب کرد. پس از آن درگیری های زیادی بین برکیارق و برادرش محمود صورت گرفت تا اینکه محمود در سال ۴۸۷ق درگذشت و بُرکیارق به تخت نشست و ابتدا عمویش «تُتُش» را شکست داد و سپس با ارسلان ارغون عموی دیگرش وارد جنگ شد. ولی شکست خورد. پس از آن برادر دیگر بُرکیارق، محمّد وارد جنگ و درگیری با بُرکیارق شد که عاقبت با مصالحه دو برادر حاکمیت بُرکیارق بر ایران تحکیم شد و محمّد سلجوقی حکومت موصل، جزیره، دیار بکر و سوریه را به دست آورد.

بُرکیارق در ۲ ربیع الثّانی ۴۹۸ق در بروجرد درگذشت و جنازه او را به اصفهان برده و جنب تربت نظام الملک به خاک سپردند.(۱)

رئیس بَرَکه

رئیس بَرَکه جابری رِنانی، از زّمره اخیار و صاحبان خیرات بوده(۲) [ظاهراً در عصر صفویه می زیسته و به قول مُعَمَّرین قریه «رهنان» اصفهان (در نزدیکی اصفهان) ساکن رهنان بوده و به «اِسبَرَکِه» شهرت داشته و صاحب املاک و گوسفندان بسیار بوده و بسیار بخشنده و خیرخواه بوده است. خاندان رئیس در رهنان تا اوایل قاجار شهرت و اعتبار و نفوذ داشته اند.]

۱- دانشنامه جهان اسلام، ج ۳ ص ۱۷۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

برهان الدّين خوراسكانى*

برهان الـدّين خوراسـكانى، عارف سالك و زاهد، در اواخر دوره قاجاريه در خوراسـكانِ جيِ اصـفهان ساكن بوده و جمعى از اهـل معرفت، از معنويت و نفس قدسـى او فيض مى گرفتنـد. متأسـفانه از سـال تولـد و وفات و مشايـخ و ساير ابعاد زنـدگى او اطلاعاتى در دست نيست. مقبره اش در قبرسـتان عمومى در خوراسـكان قرار داشت كه در هنگام احداث خيابان، آن را از بين بردند.

مير سيّد حسن مدرس اسفه اى و شيخ رجبعلى خياط از محضر او بهره مند شده اند.(۱)

بُشر مدينى

ابوازهر بُشـر بن ازهر مدينى اصفهانى، از محدّثين قرن سوم هجرى و از اهالى مدينه (شهرستان) اصفهان است. از ابوعلى حُميد بن مَسـعَده سامى بصـرى و ابوحفص عمروبن على صـيرفى روايت مى كنـد و عبـدالرحيم بن محمّـد بن مسـلم مدينى از او نقل حديث مى نمايد.(۲)

بكار عنبرى فقيه

بكار بن حسن بن عثمان بن يزيـد بن زياد بن عبـداللّه عنبرى فقيه، از محدّثين قرن سوم هجرى است. اصـلاً از اصـفهان بود. در سال ۲۳۲ق در رى متولّد شد. سـپس به اصـفهان بازگشت و مطابق مذهب كوفيان فقه آموخت. او در ايام محنت و سختى، در زمان واثق خليفه عباسى گرفتار شد و به عبداللّه بن حسن پناهنده شد و از او رفع گرفتارى گرديد.

ابو محمّـد بن حيّان گويـد كه بكار بن حسن از اهل سُـنّت بود و در ايّام واثق مورد آزمايش قرار گرفت و مطابق خواسـته آنان جواب نداد...(۳)

۱- كيهان فرهنگى، شماره ۲۰۶، آذر ۱۳۸۲، صص ۷ و ۷۱.

۲- ذكر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۳۴.

۳- ذكر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۳۷.

بکتاش

بکتاش از عرفای ساکن اصفهان بوده و مقبره اش در کوچه غربی بازارچه حسن آباد که به خیابان صوراسرافیل [خیابان استانداری] فعلی منتهی می شود، در ضلع جنوبی کوچه قرار داشته است.

در مقامات العرفاء به نقل از یادداشت های آقای حسین امید مربوط به سه ماه جوزا، سرطان و اسد به سال **۱۳۰۳** خورشیدی می نویسد:

«بقعه ای است در اصفهان واقع در چهارباغ کهنه معروف به تکیه بکتاش که قریب هشتاد جریب باغ و اراضی اطراف آن وقف بر تعمیرات بقعه مذکوره و اعانت به فقرای دراویش بوده و با وجود احکام و اسناد شرعی و فرامین متعدّد شاه سلطان حسین و شاه طهماسب صفوی و فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار بر وقفیّت آن از چند سال به این طرف ده نفر، املاک مزبوره را به ملکیت تصرف نموده بودند، متولّی آن عرض حال تقدیم نمود و چون مرعی علیهم حاضر نشدند، بر طبق قوانین موضوعه تصدیق غیابی بر تولیّت آقا میرزا محمد اسماعیل نقیب الاشراف صادر گردید.»

در چهلستون [موزه] اداره باستانشناسی سنگی مربوط به تکیه بکتاش بود و نگارنده مکرّر آن را دیده بود و با آقای عباس بهشتیان که از شیفتگان آثار باستانی و علاقمندان می باشند و کتابی نیز در این موضوع تألیف نموده اند، سنگ را قرائت کرده و نسخه برداشتیم لکن متأسفانه فعلاً از این سنگ اثری موجود نمی باشد.

[خانوده ای در اصفهان، به نام «بکتاشیان» زندگی می کنند که می گویند اجداد آنان از متولّیان و ساکنان تکیه بکتاش بوده اند.]

سلسله در اویش بکتاشیه منسوبند به حاج بکتاش، وی از عرفاء و صوفیه قرن نهم و متوفی به سال ۸۶۰ق و قبرش در تکیه ای به نام بکتاشیه مابین قیصریه و قونیه [در مرکز کشور ترکیه] واقع است.

فایده لغوی: کلمه بکتاش اسم مرکّب است از «بک» و «تاش». «بک» در فارسی در معنای: وزغ، غوک، گرزگاه، جنگل و بیشه آمده است. (فرهنگ آیت، برهان قاطع،

عمید، نوبهار) فرمانده، رئیس مانند: ایلبک، در این حالت کلمه ترکی است. «تاش» در معانی: صاحب خانه، شریک، یار، خداوند، ماه گرفته و آقا استعمال شده است (کتب لغت سابق الذکر) از ترکیبات این لفظ است: بکتاش، خواجه تاش، خیلتاش، نهرتاش، فیل تاش، تذکره تاش. در آخر کلمات از ادات شرکت است. سعدی می گوید: «چنین گفت بکتاش یا خیلتاش»(۱)

بکر آدمی شیرازی

بکر بن محمد بن اسحاق آدمی شیرازی، از محدثین قرن سوم هجری است. وی به اصفهان آمده و در سال ۲۹۲ق وفات نمود.(۲)

بندار اصفهانی

بندار بن عاصم اصفهانی، از شعراء و حفاظ اصفهان. گویند نهصد قصیده در حفظ داشت که اوّل آنها «با نت سعاد» بود. در راهنمای دانشوران گوید: قصائدی که مطلع آنها «با نت سعاد» است را تتبع کرده اند، بیشتر از پانزده قصیده نمی باشد و سعاد بر وزن گشاد از اعلام زنان است.(۳)

بُندار انماطی

ابوالفتوح بُندار بن غانم بن محمد انماطی معروف به «همزجی»، از محدثین قرن ششم هجری در اصفهان است. از ابا عبداللَّه ثقفی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او روایت می کند.(۴)

۱- مقامات العرفاء، ص۱۰۳؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۲۸؛ مزارات اصفهان، صص ۴۸ و ۴۹.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۶.

۳- فوائد الرضویّه، ج۲، ص ۴۶۰؛ راهنمای دانشوران، ج۱، ص ۴۸۱.

۴- التّحبیر، ج۱، ص ۱۴۰.

بهاءالدّین الفت

بهاءالـدّین الفت متخلص به «مفتـون» فرزنـد محمّـد بـاقر الفت شـاعر و ادیب فاضـل، در روز ۱۸ ذیقعـده سال ۱۳۲۱ قمری در اصـفهان متولد گردیده تحصیـلات قدیمه و جدیده خویش را در اصـفهان در خدمت اساتید این شـهر به پایان رساند. چون در خانواده علم و ادب به دنیا آمده بنا به سـنت فامیلی در علم و ادب زحمت ها کشـید و خصوصاً از محضـر پدر دانشمند خویش اسـتفاده ها نمود. در انجمن ادبی مرحوم شـیدا شـرکت می نموده مقداری از اشـعار شعرای انجمن را در مجموعه بزرگی جمع آوری نموده که خود در موضوع شعراء اصفهان تألیفی مفید و جامع می باشد.(۱)

ایشـان در ۹ ذی القعـده سال ۱۴۰۲ه.ق در اصـفهان وفـات یـافته در مقبره جـدش مرحوم آقا نجفی در امامزاده احمـد اصـفهان مدفون گردید.(۲)

از اوست:

[مگر ز نور رخت ماه خیره ماند امشب

که بهر دیدن رویت شده است بر لب بام]

میرزا بهاءالدّین فاضل نوری

میرزا بهاءالـدّین فاضـل نوری بن حـاج میرزا محمّـد جواد بن محمّـد علی نوری اصـفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر، از علمای عالیقدر اواخر دوره قاجاریه.

[در اصـفهان متولد شده و نزد علمای این شهر از جمله آخوند کاشی تحصیل نمود و مدتی نیز در عتبات عالیات تحصیل کرد. سپس به اقامه جماعت در مسـجد دروازه نو پرداخت. وی اوقات خود را به حل و فصل مشـکلات مردم، تـدریس و عبادت می گذراند. عارفی سالک و فاضلی کامل بود و به تصفیه باطن و تهذیب نفس اهتمام داشت.]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۶۱.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۶۲؛ مزارات اصفهان، ص۵۵.

وی در شب پنج شنبه ۲۰ جمادی الاولی سال ۱۳۴۳ق وفات یافته و جنب مزار پدر دانشمند خود واقع در تکیه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون گردید.

در فنون ادبی و خصوصاً شعر نیز استاد بوده و شعر نیز می سروده و «فاضل» تخلص می نموده است. [قسمتی از اشعارش را فرزندش آقا نصیرالدّین نوری معروف به «خواجوی» مدوّن و آماده چاپ ساخته بود که ظاهراً هنوز به طبع نرسیده است.

این بیت را در زیارت بیت اللّه الحرام و طواف کعبه سروده است:

به طواف کعبه کجایند عاشقان که مگر

چشند لذّت دورِ نگار گردیدن]

و این شعر نیز از اوست:

دلبر فرّخ رُخ شیرین لقا

تا به من غم زده شد آشنا

بُرد زِ من دین و دل و عقل و هوش

صبر و سکون نیز نماندی به جا

یار جفا پیشه، وفا پیشه کن

گرچه محال است ز خوبان وفا(۱)

سیّد بهاءالدّین مهدوی*

سیّد بهاءالدّین مهدوی بن سیّد حسن نحوی بن سیّد مهدی نحوی بن سیّد محمّد حسن مجتهد موسوی اصفهانی، عالم فاضل زاهد.

در سال ۱۳۰۲ه.ش در اصفهان متولد گردیده و نزد علمای اصفهان از جمله شیخ هبت اللّه هرندی، شیخ احمد فیاض، حاج آقا سیّد حسین خادمی، سیّد صدرالدّین کوپائی و حاج آقا رحیم ارباب تحصیل نمود و سالها در معیّت و ملازمت حاج آقا رحیم ارباب از فیض معنویت و ملکات فاضله ایشان بهره مند گردید. آن گاه به نجف اشرف عزیمت نمود و از درس آیات عظام سیّد ابوالقاسم خوئی، سیّد عبدالهادی شیرازی، میر سیّد علّی علّامه فانی، سیّد جمال الدّین گلپایگانی و امام خمینی استفاده نمود. سپس به اصفهان

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۵؛ ریحانه الادب، ج۶، صص ۲۵۹ و ۲۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۵ و ۳۹۶؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۶۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳.

بازگشته و به انجام وظایف شرعی از جمله اقامه نماز جماعت در مدرسه ملّا عبداللّه و مسجد کفّاش ها (واقع در بازار کفّاش ها جنب میدان امام اصفهان) مشغول شد.

وی عالمی مقدّس و مواظّب بر انجام واجبات و مستحبّات و متخلّق به اخلاق حسنه بود و از جمله به اقامه نماز در اول وقت و نماز شب، خواندن زیارت عاشورا و برگزاری مجالس عزاداری سعی و اهتمام فراوان داشت و در مراوده با مردم بسیار مهربان و متبسّم و گشاده روی بود.

این عالم ربّانی در یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۲ه.ش (مطابق با ۱۴ ربیع الثّانی ۱۴۲۴ه.ق) وفات یافته و در جوار مرقد امامزاده جعفر و مرتضی علیهما السلام معروف به امامزاده جعفریّه در خیابان هاتف اصفهان مدفون شد.(۱)

سیّد بهاءالدّین رضوی خوانساری

سیّد بهاءالدّین رضوی خوانساری متخلّص به «جهدی» فرزند سیّد محمّد، عالم فاضل و شاعر ادیب، در سال ۱۳۲۸ق متولّد شد. [در اصفهان نزد عدّه ای از فضلاء از جمله حاج سیّد صدرالدّین کوپائی به تحصیل پرداخته سپس در قم نزد علمای اعلام از جمله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی آن را ادامه داد. سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و با شرکت در درس آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی به اجتهاد نائل آمده و از طرف ایشان به عنوان تبلیغ به حجاز و آفریقا سفر کرد.] مدّتی نیز در شهرهای ایران از جمله تهران و قم و تبریز به ارشاد مردم مشغول بوده و در این زمان جزو آزادیخواهان وارد شده و موجبات نارضایتی پدر را فراهم نمود. وی سرانجام در سال ۱۳۶۳ق وفات یافته در تکیه خانوادگی در نزدیکی قبرستان لسان الارض در تخت فولاد مدفون گردید. [به زبان های عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی آشنایی داشته] و شعر نیز می سروده و دیوان اشعاری دارد.

۱- مصاحبه با مرحوم سیّد بهاءالدّین مهدوی توسط غلامرضا نصرالهی در روز ۱۱ بهمن ۱۳۶۹ه.ش؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی.

این رباعی از اوست:

آنان که از این شراب مست افتادند

دادند دل و ز پا و دست افتادند

این باده چه باده است یاران، که از او

این قوم چو ماهیان به شست افتادند(۱)

شیخ بهاءالدّین برهانی

شیخ بهاءالدّین برهانی ابن ملّا علی معلّم، عالم فاضل، ادیب شاعر، واعظ کامل، از فضلاء و وعّاظ اصفهان.

سال ها به تحصیل علوم پرداخته و سپس به وعظ و خطابه مشغول شد. پس از مدّتی به بیماری مبتلا شده و سالها بیمار و خانه نشین بود. امّا از جادّه صبر و شکیبائی خارج نشده و با وجود همه مصائب و سختی ها صابر و شاکر بود. وی در ۴ صفر ۱۳۹۳ق وفات یافته در تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد. طبع شعر نیز داشت و گاه اشعاری می سرود.

[وی از آیات عظام میرزا محمّد حسین غروی نائینی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی اجازه رویت داشت.]

از اوست:

ضریح پاک رضا را ببوس و شیرین کن

لب از حلاوت خلاق آب حیوانش

ببین به چشم حقیقت که هست در باطن

تمام عالم هستی به زیر فرمانش

مقیم بارگهش همچو حلقه بر در باش

که بهره یاب شوی از عمیم احسانش(۲)

۱- تذکره شعرای خوانسار، ص۴۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۲؛

سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۸؛ فرزانگان خوانسار، صص ۴۲ و ۴۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۹۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۱.

میرزا بهاءالدّین صدر عاملی

حاج میرزا بهاءالدّین بن آقا سیّد محمّد علی آقا مجتهد بن سیّد صدرالدّین محمّد موسوی عاملی، عالم فاضل ادیب شاعر، در اصـفهان متولّد شـد. مادرش زینب بیگم دختر حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسـلام شـفتی است. در کودکی پدرش فوت شد و دایی او حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی سـرپرستی او را به عهده گرفت. حاج میرزا بهاءالدّین نزد دایی خود و نیز علمای این شـهر تحصـیل کرد و سـرانجام در شـعبان ۱۳۲۱ه. وفـات یـافته در مقبره کوچـک مسـجد سـیّد جنب مزار جـدّ مـادری خود مـدفون گردید.(۱)

شیخ بهاءالدّین کاشانی

شیخ بهاءالدّین کاشـی عالم فاضل محدّث، در اواخر عهد صـفویه می زیسـته و در اصـفهان ساکن بوده است. سرانجام در سال ۱۱۳۷ه.ق در اصـفهان به دست افاغنه شهید شد. (گویند:) از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی بوده و تألیفاتی داشته که از آن جمله است:

۱. «شرح صحیفه سجادیه» ۲. «شـرح نهج البلاغه». اعقاب او در کاشان ساکن هسـتند. مقبره اش در قبرستان سنبلستان (چملان) اصفهان بوده که در اوایل قرن چهاردهم شمسی از بین رفته است.(۲)

۱- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۱۵۳؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان در دو قرن اخیر، ج۱، صـص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ نقباء البشـر، ج۱، ص۲۳۵؛ بیـان المفاخر، ج۲، صـص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ مزارات اصـفهان، ص۱۶۴.

۲- رجـال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۱۸۶؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان،ج۱، ص۳۸۸؛ تلامـذه العلّامه المجلسـی، ص۱۸؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۹.

شیخ بهاءالدّین گیلانی

شیخ بهاءالدّین گیلانی، عالم فاضل، عارف کامل، از دانشمندان اواخر دوره صفویه است. در اصفهان علوم عقلی و نقلی را نزد اساتید گرانقدری همچون میر قوام الدّین محمّد رازی طهرانی آموخته و سپس انزوا اختیار نموده به عبادت و مطالعه روزگار سپری نموده است. شیخ محمّد علی حزین لاهیجی در کودکی به سفارش پدر نزد او کتاب احیاء العلوم و رسائل اسطرلاب و شرح چغمینی را آموخته است.(۱)

بهاری اصفهانی

مولانا بهاری اصفهانی، از شعرای قرن دهم هجری است. برادرش ملّا علی ادایی نیز از سخنوران آن عهد بود. غزل را نیکو می سروده و در سال ۹۵۰ق فوت شده است.

از اوست:

خیال بست که خون ریزد آن نگار مرا

فغان که می کشد آخر خیال یار مرا(۲)

بهرام اصفهانی

بهرام، از غلامان عصام بن یزید جبّر بوده و در قرن دوم هجری می زیسته است. از سفیان ثوری حدیث نقل کرده است.(۳)

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۵۴؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۲۲۷.

۲- تذکره تحفه سامی، ص۳۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۴۶؛ تذکره روز روشن، ص۱۱۹؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۴۳؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۷۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۷.

بهرام اصفهانی

بهرام بن فیروز اصفهانی، مؤلف شارستان فارسی، در بیان مراتب دانش و عقاید و آداب ایرانیان باستان. مؤلّف از شیراز به تته [در هندوستان] رفته و از شاگردان جمال الدّین محمود تبریزی و آذر کیوان است.

وی در سال ۱۳۰۴ در لاهور فوت شده است.(۱)

بهرام بیگ بیانی تبریزی

بهرام بیگ تبریزی عباس آبادی متخلّص به «بیانی» فرزند نقدی بیگ شاعر ادیب خطاط، در عباس آباد اصفهان ساکن بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته است. در بهار کتابت می کرده و در زمستان به پوستین دوزی مشغول بوده. این شعر از اوست:

با آنکه چاک چاک شد از تیر غمزه اش

همچون جرس همیشه دلم از فغان پر است(۲)

بهرام سفره کش*

بهرام سفره کش معروف به «بهرام عباسی» و «بهرام فرنگی ساز» از نقاشان عهد صفویه است. در اصفهان می زیسته و عصر شاه عباس، شاه صفی و شاه عباس دوّم صفوی را درک کرده است.

او در سبک نقاشی مانند نقاشان روزگار خود از نقاشان اروپائی تأثیر پذیرفته و به اصطلاح به «فرنگی سازی» پرداخته است. شیخ عباسی، محمّد امین و فرزندش جانی بیگ نزد او تعلیم دیده اند. ظاهراً سفری به هند داشته و گویا لقب «عباسی» را از شاه عباس دوّم گرفته است. سال فوتش معلوم نیست امّا قطعاً قبل از سال ۱۰۹۶ق اتّفاق

۱- فهرست رضویّه، ج۴، ص۳۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۹۷.
۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۵۵؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ الذریعه، ج۹، ص۱۵۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۷۲.

افتاده است. از نقاشی های او نگاره تک برگی «نجیب زاده ای در گلگشت» به سال ۱۰۳۱ و نگاره «دو دلداده» در سال ۱۰۵۰ق در موزه هنر و تاریخ موقوفه آمریکا موجود است.(۱)

بهرام پریش شهرضائی*

بهرام سیّاره متخلّص به «پریش» فرزند قاسم متخلّص به «آشفته» بن هاشم متخلّص به «سیّاره» شهرضائی، از شعرای معاصر. در سال ۱۳۲۳ش در شهرضا متولّد شده و تحصیلات خود را در آنجا انجام داد. سپس مانند پدر به حرفه عکّاسی روی آورد.

او به لهجه شهرضائی اشعار دلپذیری سروده که در شهرضا و اصفهان شهرت به سزایی کسب کرده اند و به صورت نوارهای صوتی (کاست) عرضه شده است دو مجموعه شعر از آثار او به نام های «دیوان پریش» و «پردیس پریش» به چاپ رسیده است.

پریش، در بسیاری از مراسم فرهنگی، جشنواره ها و مجامع ادبی حضور یافته و به شعرخوانی پرداخته است. او از اعضای انجمن ادبی آشفته شهرضاست و اشعارش مشحون از معنویّت و متعهّد به مردم و مذهب و اخلاق است و مضامین نو و ابتکاری در آن فراوان به چشم می خورد.

از اوست:

بر لب ما جهان ترانه نخواست

هرچه من خواستم زمانه نخواست

دست ما را کسی به ره نگرفت

سر ما را کسی به شانه نخواست

۱- مکتب نگارگری اصفهان صص ۳۱۰ و ۳۳۲.

خواستم لب به خنده بگشایم

چه کنم اشک بی بهانه نخواست

بی نشان کس به خانه ای نرود

غم ز من هیچگه نشانه نخواست

عاشق خاک پای مجنونم

که به صحرا نشست و خانه نخواست

ای خوش آن قو که در محیط «پریش»

داد جان وز کس آشیانه نخواست

* * *

من ز ترکیب رنگهای بهار

هنر آن یگانه را دیدم

دست نقاش دسترس چو نبود

لب گل را به عشق بوسیدم(۱)

بهروز بیضاوی*

بهروز بیضاوی متخلّص به «بیضا» از شـعرای معاصر اصفهان، در سال ۱۳۲۱ش متولّد شد. پس از تحصـیلات ابتدائی و متوسطه، به دانشسـرای مقدماتی همدان رفت و پس از فراغت از تحصیل در نهاوند به معلمی پرداخت و چندی بعد به اصفهان مهاجرت کرد. او از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخته است.(۲) این دو بیت در وصف معلّم از اوست:

بهار جان را طراوت از تو، کلام دل را حلاوت از تو

بهای تن را کرامت از تو، رها ز نفس و هوا تو هستی

به شام ظلمت تو آن مُنیری، که نور علمت جهان بگیرد

به مُلک دانش ز فضل باری، فروغ ارض و سما تو هستی

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای بهرام پریش در تابستان ۱۳۸۷.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوّم)، ص۱۲۸.

بهروز ریحان اسفرجانی

بهروز سلطانیان متخلّص به «ریحان» شاعر معاصر در روستای «اِسفِرجان» از توابع شهرضا متولّد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در اسفرجان و شهرضا به اتمام رسانید و در سال ۱۳۳۵ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به تدریس پرداخت. از کودکی طبع شعر داشت. در جوانی در اغلب انجمن ها شرکت می کرد که می توان از انجمن ادبی حافظ و انجمن ادبی آشفته نام برد. همچنین وی انجمن مداحان شهرضا را برپا می نمود. «ریحان» در شب یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۸۱ش به دیار باقی شتافت. کتاب چهل و پنج معما از آثار او در سال ۱۳۳۷ش به چاپ رسیده است.

از اوست:

ساقی بریز باده که با او وضو کنم

جامی زنم سپس سوی محراب رو کنم

سجاده از شراب بشویم، دل از ریا

بر جای مُهر سجده به پای سبو کنم(۱)

بهزاد بیگ دوستاق

بهزاد بیگ متخلّص به «دوستاق» فرزند سهراب بیگ قورچی باشی شاعر ادیب خطاط، در اصفهان ساکن بوده و خط نستعلیق را خوش می نوشته و از راه کتابت امرار معاش می کرده، این بیت از اوست:

بی جمالت گر برافروزم چراغ زندگی

هر سر مویم شود روشن ز داغ زندگی(۲)

بهزاد نقاش اصفهانی

بهزاد نقاش زبردست و معروف اصفهانی، مدّتی در دربار پادشاهان هند می زیسته، از آثارش مجلّدی است که در کتابخانه سلطنتی که آن را مرقع گلشن گویند شامل

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش ۲)، ص۳۲۱.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۱۱؛ تذکره حسینی، ص۱۲۵؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۱۰۴؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۵۸.

۱۷۶صفحه به صورت هـای گوناگون از حیوانات هنـد و در صـفحه هفتم آن به قلم و مُهر و امضاء جهانگیر شاه پسـر اکبر شاه هندی در سال ۱۰۱۷ نوشته شده است.(۱)

بهمن رافعی*

استاد بهمن رافعی فرزند عبداللّه، شاعر، نویسنده و ادیب معاصر در سال ۱۳۱۵ش در بروجن متولّد شد. نیای مادری او ذوالفقار رفیعیـان مردی ادیب، شـاعر، خوشـنویس دارای صـدایی خوش بود. پـدرش نیز بـاسواد و خوش خط بود و به کشاورزی و پیله وری و بُنَکداری امرار معاش می کرد.

وی پس از اخذ دیپلم ادبی به دانشـگاه اصفهان رفته و از آنجا لیسانس ادبیات گرفت. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۴ در دبیرستان های بروجن تـدریس نمود و پس از آن در اصـفهان در دبیرسـتان هـای آنجا به تـدریس ادامه داد. پس از بازنشسـتگی، به تـدریس فیلمنامه نویسـی در انجمن سـینمای جوان و داسـتان نویسـی در حوزه های هنری و شـعر در انجمن ادبی جوان آموزش پرورش پرداخت و در انتشـار مجلّه ادبی «جوانه» (از انتشـارات انجمن ادبی جوان) نقش بسـیار مهمّی داشت. ایشان در سالهای اخیر در شهر دولت آباد بُرخوار اصفهان سکونت گزیده است.

از نوجوانی قریحه و طبع شعر داشت و به پیشنهاد یکی از شاعران بروجن مرحوم اشراقی «جاوید» تخلّص می کرد. امّا کمی بعد از اسـتفاده از آن در اشـعار خود صـرف نظر کرد. همچنین در این ایام به نوشـتن داستان نیز می پرداخت و آثار او در مجلات: چاپ می شد. در سال ۱۳۴۳ش اولین مجموعه داستان او با نام «انتظار» به چاپ رسید.

اسـتاد رافعی در تشویق شـاعران و قصه نویسـان و راهنمـایی و اصـلاح آثـار آنان تلاش داشـته و در مسابقات و جشـنواره های مختلـف آثـار ادبی را داوری نمـوده و خـود نیز به طور مسـتمر و پیگیر به خلق آثـار ادبی ارزشـمند ادامه داده است. شـعر او از همان آغاز

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۹۷.

برخلاف اشعار اغلب سروده های شاعران اصفهان، دارای مضامین نو و فضاهای تازه بوده و به عقیده خودش مرهون کناره گیری از انجمن های ادبی و تلاش و مطالعه مستمر و خودجوش او بوده است.

این کتابها از او به چاپ رسیده است:

۱. انتظار (داستان) ۲. اگر این ماهیان رنگی نبودند (شعر) ۳. بی عشق، ما سنگ ما هیچ (شعر) ۴. سالهای ابری (شعر به لهجه بروجنی) ۵. گلجون و لیشمانیا (شعر کودک) ۶. روشنی در قفس ماندنی نیست (شعر)

این شعر از اوست:

آواز آب و عالم خاموش سنگ ها

یعنی چکامه های من و گوش سنگ ها

تکرار تلخ خاطره جنگ سنگ و آب

چون داغ مانده بر لب خاموش سنگ ها

آئینه ها شکست خود از یاد برده اند

آسوده خفته اند در آغوش سنگ ها

نفریبدت که جامه سبز بهار نیست

گلسنگ شانه های شِنِل پوش سنگ ها

هرگز چو جویبار به صحرا نمی رسند

پا بستگان کوچه مفروش سنگ ها

گر کوه رود بود، طبیعت نمی گذاشت

با گران حادثه بر دوش سنگ ها

ای روح آبهای مهاجر مرا ببر

از این دیار دیر فراموش سنگ ها

بهمن جمال شعر بین و زلال آب

آئینه نیست چهره مخدوش سنگ ها(۱)

بهمن «شارق» بروجنی

بهمن شارق فرزنـد مهدی شارق بروجنی است. در سال ۱۳۱۰ خورشـیدی در قصبه بروجن متولّد شده در مدارس جدید درس خوانده، گاهی اشعاری می سراید. از اشعار اوست:

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با استاد رافعی در خرداد ماه ۱۳۸۶ش، و بنگرید به: تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۳۸ و ۱۳۹؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص۲۸۷؛ نگین سخن، ج۱۱، ص۶۰۳؛ پارسی سرایان بام ایران، ج۱، ص۷۵.

[کشته تیر تو افتاده است و تو جوئی، نجوئی

کشتی و یک لحظه هم دیدی فغان باشد نباشد(۱)]

بیرام بیگ سامع همدانی

بیرام بیگ متخلّص به «سامع» فرزند باقر بیگ همدانی، شاعر ادیب. علاوه بر شعر و ادب در علم موسیقی و نظم تصانیف مهارت داشته و در اصفهان ساکن بوده سرانجام به بیماری شخصی دچار شده او را به بیمارستان ورنوسفادران بردند. معالجه مفید واقع نشد و «سامعا» فوت شده همانجا مدفون شد.

از اشعار اوست:

کشیدم آنقدر از فرقت وصال الم

که حاصل دو جهان مزد انتظارم نیست

* * *

عادت از بس که دل مرا به مروت باشد

نگرم گر همه انگشت زراعت باشد(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۱.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۴۶۰؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۷۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۳۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۴۲۴.

«پ»

اشاره

پرویز بختیاری

پرویز خان بختیاری، از شعرای قرن سیزدهم هجری است. او از اعیان طایفه هفت لنگ بختیاری بوده و در مدح منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان قصیده ای گفته است.

از اوست:

بر روی خویش طُرّه عنبر فشان فشان

وانگه به دام کردن گردن کشان کشان

برکش نقاب و دیده هر بی بصر بدوز

بنمای روی و دل ز همه دلستان ستان(۱)

دکتر پرویز دبیری*

دکتر پرویز دبیری فرزند مهدی فرزند علی محمّد دبیرالملک فراهانی، پزشک و نویسنده معاصر.

در دوّم اسفند ۱۳۰۰ش در تهران متولّد شد. جدّش «دبیرالملک» از نوادگان «میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی» است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس تهران طی نمود و وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شده و موفق به اخذ درجه دکترای MDگردید. سپس به عنوان دانشیار در دانشکده پزشکی اصفهان به تدریس پاتولوژی پرداخت و این رشته را در آنجا تأسیس نمود.

او حدود ۴۰ سال به تدریس در دانشکده پزشکی مشغول بود و در سال ۱۳۵۹ش

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۳۱۹.

بازنشسته شد. پس از آن به تدریس در دانشگاه آزاد نجف آباد پرداخته و رشته بافت شناسی و پاتولوژی در آن دانشگاه را تأسیس نمود.

وی در دانشگاه اصفهان سمت های علمی و اداری همچون مدیریت گروه پاتولوژی، معاون دانشکده پزشکی و بازرس فنی بیمارستانها را بر عهده داشته است.

همچنین در فرصت های مطالعاتی جهت پژوهشهای علمی به «هاروارد آمریکا» و دانشگاه پزشکی «ریچموند» در ایالت «ویرجینیای آمریکا» سفر کرده است.

وی در سال ۱۹۹۶م به عنوان یکی از ۵۰۰تن از دانشمندان جهان برگزیده شده و در آبان ۱۳۸۰ش به عضویت افتخاری فرهنگستان علوم پزشکی ایران درآمده است. دکتر دبیری به همراه دکتر حکمی از بنیان گذاران بیمارستان امید اصفهان بوده است.

وی در بسیاری از کنفرانس های علمی داخلی و خارجی شرکت کرده و مقاله ارائه داده است.

از فعالیت های اجتماعی او شرکت در مبارزات نهضت ملی شدن نفت است و بزرگترین پاداش دریافتی در عمر خویش را یک قطعه عکس از دکتر مصدق از طرف ایشان می داند.

تألیفات و آثار چاپ شده او عبارتند از:

۱. ترجمه «انسان موجود ناشناخته» ۲. ترجمه «راه و رسم زندگی» ۳. «آموزش عملی پاتولوژی» (برای دانشجویان پزشکی) ۴. «جهان دنیای زنده است» ۵. «زندگی و آثار بتهوون» ۶. «زندگی و آثار موتسارت» ۷. «نگاهی به اصفهان شهر هنر» ۸. «پاتولوژی تومورها» در ۴۰جلد که ۶جلد از آنها به چاپ رسیده است.

دکتر دبیری سالهاست با تأسیس آزمایشگاه طبی در خدمت به مردم اصفهان کوشیده است.(۱)

۱- راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان، صص ۵۱ و ۵۲؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با دکتر دبیری در اسفندماه ۱۳۸۶.

خواجه پطرس ارمنی

خواجه پطرس فرزند ولی جان ارمنی، بانی ساختمان کلیسای بیدخم در میدان جلفای اصفهان. کلیسا مطابق تاریخ کتیبه کلیسا، در سال ۱۰۳۶ق، یعنی زمان سلطنت شاه عباس کبیر صفوی ساخته شده است.(۱)

پهلوان صالح*

پهلوان صالح، از ورزشکاران و پهلوانان اصفهان در عصر زندیه است. از پهلوانان طراز اوّل عصر خود بوده و در کتاب «رستم التّواریخ» از او نام برده شده است. نسب خاندان «پهلوان صادق» در اصفهان به او می رسد. پهلوان صالح سرانجام در سال ۱۲۳۰ق از دنیا رفت و در گورستان کوچکی واقع در ضلع غربی مصلای تخت فولاد مدفون شد.

بر سنگ قبرش مرثیه فوت او سروده رفیق اصفهانی و در پایین سنگ نوشته میل و کباده و عکس پهلوان حجّاری شده است. شعر این است.

حیف از پهلوان صالح که داشت

در جوانی از جوانان بیش بهر

روز میدان پیش دستش بود کاه

وقت احسان پیش چشمش بحر نهر

گر فلک یک چند پروردش به لطف

شد مبدّل عاقبت لطفش به قهر

در جهان معقوده او شد به مهر

نقد جان از او گرفت آخر به مهر

دایه دهرش به محنت جای شیر

ساقی دورش به ساغر ریخت زهر

رفت چون وز نوحه خُرد و بزرگ

شد بلند آوازه اش شهر به شهر

زد رقم از بهر تاریخش «رفیق»

«پهلوان صالح» بجنّت شد ز دهر»

مرثیه فوق در دیوان رفیق اصفهانی ضبط نشده است.(۲)

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۵۱۱.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

پیر

پیر در لغت به معانی: کسی که دارای سنّ زیاد باشد، از کار افتاده، رهبر، راهنما و مرشد آمده است.

در قرن هشتم لفظ پیر برای جمعی از عرفای اصفهان به کار می رفته و به مرشد طریقت و مشایخ صوفیه «پیر» اطلاق می شده است. صوفیان در کتب خود پیران خانقاه را شامل: پیر خدمت، پیر صحبت، پیر دلیل، پیر ارشاد، پیر خرابات، پیر مغان و پیر طریقت تقسیم کرده اند.

در مقامات العرفاء گوید: مراد از پیر در عبارات صوفیّه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و کلمه علی و پیر در حروف ابجد مساوی هستند.(۱)

پیر بکران

محمّد بن بکران معروف به «پیر بکران» از اقطاب و مشایخ صوفیه در قرن هفتم هجری. وی عالم و فاضل بوده، و در شهر «پیربکران» از توابع لنجان خانقاه داشته و تدریس علوم ظاهر و باطن می نموده و در سال ۷۰۳ق وفات یافته و در محلّی که اکنون به پیربکران معروف است مدفون شد و یکی از مریدانش بقعه ای بر سر مزار او ساخته و برای آن صحن و ایوان و گنبد قرار داده که از حیث کاشی کاری و گچ بری ممتاز است.

در پای یکی از ستونها تخته سنگی است که بر روی آن جای سُم اسبی دیده می شود که عوام آن را جای پای دُلدُل گویند و عدّه ای آن را جای پای اسب الیاس گویند و معتقدند که حضرت الیاس پیغمبر از این محل به آسمان عروج نموده است.

از امتیازات این بقعه و بارگاه آن است که چون در ادوار مختلف در آن تعمیر و بنّایی شده است، در آن هم نام خلفای اربعه دیده می شود و هم نام و اسامی معصومین چهارده گانه علیهم السلام.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۹۹؛ مقامات العرفاء، ص ۲۳۱؛ مزارات اصفهان، صص ۱۵۴ و ۱۵۵.

این مقبره در مجاورت قبرستان قدیمی یهودیان اصفهان و یکی از مقابر مقدّسه آنان به نام استرخاتون قرار دارد.(۱)

پیر پرنده

پیر پرنده، مزار او در نزدیک کوچه نمکی و در یکی از خانه های محلّه میدان کهنه قرار داشته است.

پیر پینه دوز

پیر پینه دوز یا پیر پاره دوز، از عرفای اصفهان بوده و در محلّه جوباره مدفون است. [در جنب مسجد جوباره قبر او و هنوز باقی است. در سال ۹۵۵ق «مهتر محمّد علی» رکابدارِ بهرام میرزا برادر شاه طهماسب صفوی این مسجد را بنا نموده است.(۲)] ذوقی اردستانی شاعر عصر صفویه نیز در این مکان مدفون است.(۳)

پیر جلال

پیر جلال، مزار او در قریه «سجزی» در شرق اصفهان است.

پیر جمالی*

پیر جمال الدّین محمّد اردستانی معروف به «پیر جمالی» و متخلّص به «جمالی» عارف سالك و ادیب شاعر، در سال ۸۱۶ق در اردستان متولّد شد و در زادگاه خود به تحصیل پرداخت و چون علم رسمی او را قانع نکرد به سفر پرداخت و به مکه معظّمه

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۲۶۴-۲۵۳؛ مزارات اصفهان، صص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۹ و ۴۰۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۰؛ مزارات اصفهان، صص ۱۵۶ و ۱۵۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۸۶ و ۳۸۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۷.

مشرّف شد. پس از بازگشت به اردستان نزد عارف سالک آن جا پیر مرتضی علی اردستانی رفته و مراتب طریقت و سیر و سلوک را نزد او طی کرده و پس از فوت او به ارشاد مردم پرداخته و سلسله «پیر جمالیه» را تأسیس کرده است. وی سرانجام در ۸۷۹ق وفات یافته و در بقعه پیر مرتضی در محلّه فهره اردستان مدفون شد.

وی در نظم و نثر و فقه و حدیث و منطق و کلام نیز مهارت داشته و تألیفاتی از خود به یادگار گذاشته است که از آن جمله است:

۱. «بیان الحق فی احوال سیّد المرسلین»، شامل ۷ مثنوی به نام های: «مصباح الأرواح»، «احکام المُحِبّین»، «نهایه الحکمه»، «بدایه المُحَبّه»، «هدایه المعرفه»، «فتح الأبواب» و «شرح الواصلین». ۲. منظومه «شرح الکنوز و کشف الرّموز» ۳. «مرآت الأفراد» (مجموعه ۴۹ رساله کوچک) ۴. منظومه «روح القدس» ۵. «تنبیه الغافلین» (نظم و نثر) ۶. منظومه «مهر قلوب» ۷. «قدرت نامه» ۸. «نصرت نامه» ۹. «فرصت نامه» ۱۰. «مرآت الحبیب» ۱۱. «رباعیات» در شرح منظومه «صفوت اهل التحقیق» افضل الدّین کاشانی ۱۲. منظومه «مهرافروز و آفتاب ظلمت سوز» ۱۳. «کنز الدّقایق و میزان الحقایق» ۱۴. «کشف الأرواح» ۱۵. «مدح الفقر» ۱۶. «معلومات اسرار القلب و مفهومات انوار القلوب» ۱۷. «فتح الأبواب و حقیقه الآداب» ۱۸. «مکاتب» ۱۹. «نورٌ علی نور» ۲۰. مثنوی «ناظر و منظور» ۲۱. «المسطور فی رقّ المنشور» ۲۲. «استقامت نامه» ۲۳. «مشکات المحبین» ۲۴. «کلیات اشعار»(۱)

پیر حاجات

در قریه «دیزیچه» از بلوک لنجان در سمت جنوب غربی اصفهان مزاری به نام پیر حاجات وجود داشت و ظاهراً از عرفاء و صوفیّه در قرن هشتم و نهم بود و ساختمان

۱- آتشکده اردستان، ج۲، صص ۳۵۰-۴۰۶؛ تاریخ نظم و نثر، ص۲۴۴؛ الذریعه: مجلدات مختلف؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۴۲۸؛ تاریخ ادبیات (صفا)، ج۴، ص۴۵۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «جمال الدّین»، ص۹۸.

مختصری داشت. در سالهای اخیر مالکین قریه مزبور به طمع اراضی و احیاناً موقوفات آن، این مزار را خراب کرده و جزو زمین های زراعتی خود نمودند و نام آنجا را نیز «اله آباد» نهادند.

پیر عنایت

پیر عنایت، قبر او در قریه «دستگرد خیار» نزدیک اصفهان قرار داشته است.

پیر محمّد

پیر محمّد، که قبر او در [غرب] محلّه جوزدان اصفهان وجود داشته است.

پیر مرتضی علی اردستانی

پیر مرتضی علی اردستانی، فرزند شمس الدّین محمّد، از عرفای قرن نهم هجری. حدود سال ۷۸۲ق متولّد گردید. پدرش ندیم شاه منصور آل مظفر بوده و در یکی از جنگهای شاه منصور با تراکمه مقتول شد. در آن موقع پیر مرتضی ۴ ساله بوده و با خانواده به شیراز می رود. در ۸ سالگی به اردستان بازگشته و در محضر عرفای آنجا امام الدّین نائینی و شیخ محمّد زوارّه ای به سیر و سلوک و تهذیب نفس مشغول شد. او که ثروت و مال زیادی از پدر به ارث برده بود. آن را صرف فقراء و نیازمندان نمود و در زادگاه خود دستگاه ارشاد گسترد و پیر اسحاق اردستانی و پیر جمال الدّین محمّد اردستانی (پیر جمالی) نزد او به سیر و سلوک پرداختند. پیر جمالی در اشعار خود استاد و مراد طریقت خود را ستایش بسیار نموده است.

پیر مرتضی علی سرانجام در حدود سال ۸۵۷ق وفات یافته و در محلّه فهره اردستان (جنب مسجد سفید سردشت) مدفون شد و بر سر مزار او بقعه ای ساختند و جمعی از عرفاء و فضلاء در جوار مرقد او مدفون شدند.(۱)

۱- آتشکده اردستان، ج۲، صص ۳۵۰-۳۴۴.

پیر محمود

پیر محمود معروف به «سلطان محمود» از عرفاء بوده و قبرش در قریه «راوشن» بین نائین و اصفهان است.

ص: ۲۰۱

اعلام اصفهان

«ت»

اشاره

خواجه تاج الدّین سلمانی*

خواجه تاج الدّین سلمانی اصفهانی، از خطاطان عصر سلطان ابوسعید گورکانی است. او را واضع قلم شکسته تعلیق نوشته اند و اگر واقعاً وی واضع این خط نباشد، حداقل اول کسی است که به آن سر و صورت کامل داده و تحت قاعده در آورده است. چنانکه گویند هیچ یک از مخترعین خطوط، خط اختراعی خود را به زیبائی وی ننوشته اند.

او را به خاطر مهارت در اقلام شش گانه و رعنایی و لطافت خط تعلیق ستوده اند. خواجه شهاب الدّین عبداللّٰه مروارید کرمانی (معروف به بیانی) از شاگردان اوست.(۱)

تذهیبی اصفهانی

مولانا تذهیبی اصفهانی، شاعر و ادیب هنرمند، مردی نیک خو و شیرین سخن و بذله گو بوده و در تذهیب و جدول کشی و افشان و کاغذ الوان و ابری سازی بسیار هنرمند بوده است و دراقسام شعر دست داشته است.(۲)

تسلّی اصفهانی

تسلّی اصفهانی، شاعر ادیب، از احفاد اوحدالدّین حسینی بلیانی بوده و مدتها در اطراف شهرها به سیاحت پرداخته است. به هند رفته و پس از بازگشت در کاشان ساکن گردیده است.

از اوست:

۱- اطلس خط، صص ۴۰۶ و ۴۰۷؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۹۷-۱۹۵.

۲- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۵۲۱؛ الذریعه، ج۹، ص۱۶۹؛ لغت نامه دهخدا، ذیل تذهیبی، ص۵۱۶.

تا ز بختم تیرگی میرفت چشمم شد سفید

این سیاهی از سر داغ من آسانتر نخاست(۱)

تقی*

تقی، از خوشنویسان خط نستعلیق در زمان شاه سلیمان صفوی بوده بر روی سنگ نوشته ای در یک سقاخانه واقع در مسجد لنبان به خط نستعلیق اشعاری را در سال ۱۱۰۰ق نوشته و در پایان کتیبه «مشقه تقی» رقم زده است.(۲)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی اصفهانی، از نویسندگان کتب در سده سیزدهم هجری است. او در ۱۳ محرّم ۱۲۳۳ق کتابت نسخه ای از کتاب «النّاقور» تألیف ملّا محمّد علی جدلی را به خط نسخ زیبا به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۱۷۸۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

محمّدتقی اصفهانی*

محمّدتقی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. وی کتاب «اسرار العلوم» در علم اعداد را در ۵۰ باب و ۱۰۰ فصل تألیف کرده است. این کتاب را محمّدعلی بن محمّد خراسانی قائنی در سال ۱۲۵۰ق به خط شکسته نستعلیق کتابت کرده و به شماره ۳۲۳۲ در کتابخانه ملک در تهران موجود است.(۴)

۱- تذکره روز روشن، ص۱۵۱؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۷۰.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۳۰.

۳- فهرست مرعشی، ج۵، ص۱۶۹.

۴- فهرست ملک، ج۲، ص۲۴.

ملّا محمّد تقی اصفهانی

ملّا محمّد تقی اصفهانی معروف به ملّا تقیّا، از علمای قرن دوازدهم هجری در اصفهان و از مجازین از فاضل هندی و ملّا حسین بن ملّا حسن جیلانی است، تاریخ اجازه فاضل ۱۱۱۸ق می باشد.(۱)

[شاید صاحب عنوان فاضل کامل عالم ربّانی مولانا محمّد تقی بن مولانا محمّد حسین جیلانی متوفی ۱۱۲۵ق و مدفون در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد باشد.(۲)]

میرزا شاه تقی واحد اصفهانی

میرزا شاه تقی اصفهانی، شاعر ادیب و عالم فاضل جلیل، از اجلّه سادات و نقبای اصفهان و در فضل و دانش خصوصاً در علم نظری و فقه سرآمد فضلای عصر خویش بوده است.

مدّتی شیخ الاسلام رشت و سپس شیخ الاسلام مشهد بود. پس از عزل از آن منصب به اصفهان آمد و در آنجا فوت شد.

[او بر نسخه ای از «استبصار» حواشی مفید و علمی نوشته که نشان دهنده تبحّر او در علوم نقلی است.

این رباعی از اوست:

ای از گل رخسار تو مه در تب و تاب

وز یاد لبت دهان یاقوت پر آب

گویا که تو را ز گُل سر شتست خدای

کامد به مشام از عرقت بوی گلاب(۳)]

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۰۳ و ۴۰۴؛ الذریعه، ج۱، ص ۲۳۲ و ۱۸۲؛ الکواکب المنتشره، ص۱۱۶؛ احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی، ص۲۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۰۴؛ (پاورقی به قلم آقای رحیم قاسمی).

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۵۳؛ آتشکده آذر، بخش سوم، ص۱۰۴۳؛ تذکره حسینی، ص ۳۶۰؛ تراجم الرجال، ج۲، صص ۶۳۵-۶۳۷.

محمّد تقی بیگ اصفهانی

محمّد تقی بیگ، شاعر ادیب، از خدّام میرزا داود نواده میرزا شفیع مستوفی بوده و گاهی شعر می سروده است.(۱)

محمّد تقی اصفهانی طهرانی

محمّد تقی اصفهانی از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۵۴ق در ماه صفر در شهر طهران از کتابت نسخه «الصّناعه الصغری» معروف به «اربع مقالات» بطلمیوس به خط نسخ فراغت حاصل کرده است. کتاب به شماره ۴۱۹۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی اصفهانی از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری، در سال ۱۲۴۱ق از کتابت نسخه ای از کتاب «المسائل» تألیف: ابی یوسف یعقوب بن علی قصرانی فراغت حاصل نموده و کتاب را جهت میرزا محمّد باقر منجم در مشهد نوشته است. نسخه در کتابخانه عمومی معارف است.(۳)

شیخ محمّدتقی اعتزازیان*

شیخ محمّدتقی اعتزازیان، عالم فاضل زاهد، از علمای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۲۵ش متولّد شده و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از طلاب مدرسه نوریه و از همدرسان شیخ محمّدرضا جرقویه ای حائری بود. او به تهجّد و شب زنده داری و بکاء معروف بود.

او پس از عمری طولانی در سال ۱۳۳۰ش وفات یافته و در صحن تکیه سیّدالعراقین

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۲۱۰ ؛ الذریعه، ج۹، ص۱۷۳.

۲- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۲۸۳.

۳- فهرست کتابخانه عمومی معارف، ص۱۶۰.

در تخت فولاد مدفون شد. فرزندش شیخ محمّدعلی نیز از علمای اصفهان بود.(۱)

سیّد محمّد تقی امامی*

سیّد محمّد تقی حسینی امامی اصفهانی، از هنرمندان قرن سیزدهم هجری. در قلمدان سازی، نقاشی و جلدسازی استاد بوده و در هریک از این رشته ها آثار ارزنده ای پدید آورده است که زینت بخش مجموعه های خصوصی و موزه ها است. این هنرمند توانا تا سال ۱۲۸۴ق در قید حیات بوده است.(۲)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد ابراهیم اصفهانی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری. کتابت نسخه ای از «تاریخ سلطانی» تألیف: سیّد حسن بن مرتضی حسینی استرآبادی را به خط نستعلیق در اصفهان به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۲۴۱۳ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

ملّا محمّد تقی سمیرمی*

آخوند ملّا محمّد تقی بن کربلائی ابراهیم سمیرمی، از علماء و فضلاء دوره قاجاریه و مرجع مسائل شرعی مردم سمیرم در آن روزگار بوده و به همت او مسجد جامع قلعه در سمیرم بنا شده است. او و برادرش آخوند ملّا محمّد خان سمیرمی از دست پرورد گان حوزه علمیه اصفهان بوده اند.(۴)

۱- یادداشت های استاد ابراهیم جواهری: مخطوط؛ شرح مجموعه گل، ص۳۹۴.

۲- هنر قلمدان، ص۱۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۳.

۴- تجلّی فضائل، ص۳۷.

محمّد تقی صحّاف

آقا محمّد تقی صحّاف بن ملّا محمّد ابراهیم مقدّس، [از هنرمندان ذوالفنون و مجهول القدر اصفهان است. او از نوادر روزگار و از نوابع این دیار بود که نظیر این هنرمند را، زمانه کمتر به خود دیده است.] به قول مرحوم استاد همائی:

«حقّاً صد مرد در یک تن و مجمع الصّنایع هنر صحّافی و نقاشی و طراحی و تذهیب و خوشنویسی و سوخت سازی و معرق سازی چرمینه و ساختن فانوس های فنری قدیم و تهیه انواع رنگ و روغن های نقاشی و امثال آن بود.»

آثاری چند از او بر جای مانده که به برخی اشاره می شود.

۱. کتیبه سردر مسجد صفا در محلّه شهشهان، به خط ثلث و به تاریخ سال ۱۲۹۰ق. ۲. کتیبه سردر و داخل مسجد رکن الملک که نام خود را «محمّد تقی بن ابراهیم اصفهانی» در کتیبه آورده است. [۳. سنگ نوشته قبر میر محمّد هادی و میر محمّد اسماعیل پاقلعه ای واقع در تکیه آغاباشی در تخت فولاد، همچنین در هنگام تسلّط روسها بر شهر اصفهان که تعمیراتی در مدرسه چهارباغ سلطانی (مدرسه امام جعفر صادق علیه السلام) انجام شد، برای اصلاح کتیبه های ثلث از او استفاده های بسیار کردند. در اواخر عمر نیز برای تعمیر کتیبه های آستانه قدس حضرت رضاعلیه السلام به مشهد مقدّس سفر کرد.

از ابتکارات او فانوس های پارچه ای است که نقش های گوناگون آن را با کاغذهای الوان در نهایت ظرافت چیده و تصاویر زیبا در آورده است و چون شمع در فانوس می افروختند واقعاً چشم انسان به تماشای این صنایع خیره می شد. همچنین از او دو عدد فانوس چوبی هشت ترک با پیراهنی از پارچه گارس بازمانده و شعرهایی در هشت بیت بریده و بر روی هشت ترک فانوس چسبانده شده است و اکنون در تملّک سرهنگ محمّد قباد معتمدی در تهران است.]

آقا محمّد تقی صحّاف در سال ۱۳۳۷ق وفات یافته [و پای دیوار جنوبی بقعه فیض

در تخت فولاد مدفون شد.[(۱)]

محمّد تقی کفرانی

محمّد تقی بن ابوالقاسم کفرانی رویدشتی اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری. نسخه ای از کتاب «المسائل» تألیف سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان را به خط نستعلیق در شب یکشنبه ۳ محرم ۱۰۶۵ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.

[کفران به فتح کاف از روستاهای رویدشت اصفهان و فعلاً جزو بخش جلگه می باشد.(۲)]

شیخ محمّد تقی بروجردی

شیخ محمّد تقی بن ملّا احمد بروجردی، از دانشمندان و ادباء و سخنوران قرن یازده هجری است. پس از فراگرفتن علوم معموله و متداوله خود را به اصفهان رسانید و برای تکمیل معلومات خود در حوزه های درسی آن شهر و از اساتید بزرگ آن عصر استفاده کرد. مخصوصاً از محضر پرفایده علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی که از شاگردان خاص وی به شمار می رفت بهره برد و از طرف او مجاز شد و در آخر به کاشان رفت.

تألیفات زیر از اوست:

۱. «عین البکاء» در ۱۰۹۹ق تألیف شده و به چاپ رسیده است. ۲. «لُبّ عین البکاء» ملحض همان عین البکاء است.(۳)

۱- دیوان طرب: مقدمه، ص۸۳؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۳۷۰-۳۶۷؛ هنر کاغذبری در ایران، صص ۷۰ و ۷۱؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۳۶۹ و ۷۹۳ و ۸۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۸؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۵۴؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۸ ۱۶۹ آبان ۱۳۷۰، ص۳؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: مخطوط.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۱۳، ص۲۹۶.

۳- الذریعه، ج۱۵، ص۳۶۷ و ج۱۸، ص۲۸۷؛ تاریخ بروجرد، ج۲، ص۱۱۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۱۹ و ۲۰.

سیّد محمّد تقی مهدوی سِدِهی

سیّد محمّد تقی مهدوی بن سیّد احمد موسوی سدهی، عالم فاضل، در اصفهان به تحصیل پرداخته و به وظایف شرعی مشغول شد و سرانجام در شوال ۱۳۹۰ق وفات یافته در تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

شیخ محمّد تقی فهامی*

شیخ محمّد تقی بن شیخ اسداللّه فهامی، عالم فاضل و واعظ جلیل. در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیلات مقدّماتی به قم عزیمت نموده و از درس آیات عظام بروجردی، سیّد محمّد تقی خوانساری و حجّت کوه کمری بهره مند گردیده و خود به تدریس مشغول شد امّا در پی بیماری پدر مجبور به باز گشت به اصفهان شد و در اصفهان از درس حضرات آیات سیّد حسین خادمی، شیخ احمد فیّاض، حاج آقا رحیم ارباب، سیّد محمّد رضا خراسانی و میر سیّد علی بهبهانی بهره مند گردید.

وی در ادبیات مهارت به سزایی داشت و سالها به تدریس آن مشغول بود. او در جوانی به وعظ و خطابه روی آورد. همچنین جلسات احیاء و دعای کمیل را پس از وفات پدر در تخت فولاد ادامه داد و مؤسس جلسه دعای ندبه در صبح های جمعه در اصفهان بود.

سرانجام روز ۷ ذی الحجه الحرام سال ۱۴۱۹ق برابر با پنجم فروردین ماه ۱۳۷۸ش در اصفهان وفات یافته و در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

تقی اصفهانی

تقی بن اسماعیل اصفهانی از خطاطان قرن سیزدهم هجری. در روز پنج شنبه از ماه جمادی سال ۱۲۳۲ق، کتابت نسخه ای از کتاب «اخلاق سلطانی» تألیف: سیّد نورالدّین

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۹۱.

۲- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

بن سیّد نعمت اللّه جزائری را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۵۲۱۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

محمّد تقی قهپائی

محمّد تقی بن شیخ اسماعیل قهپائی از خطاطان قرن دوازدهم هجری. در ۸ جمادی الثّانی ۱۱۲۶ق از نوشتن نسخه ای از «ربیع الأسابیع» تألیف علّامه مجلسی فراغت یافته است. نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

ملّا محمّد تقی پروانه عباسی*

ملّا محمّد تقی معروف به «پروانه عباسی» و «ملّا پروانه» فرزند اللّه قلی، عارف سالک و ادیب فاضل، در قرن یازدهم هجری در اصفهان ساکن بوده و مراتب سیر و سلوک را از نزد جمعی از عرفاء و صوفیه اصفهان خصوصاً شیخ محمّد علی مؤذن مشهدی خراسانی قطب سلسله ذهبیه طی نموده و در اصفهان به عبادت و تزکیه نفس و مطالعه کتب حکمی و عرفانی مشغول بوده و سرانجام در سال ۱۰۸۹ق وفات یافته و در قبرستان ستّی فاطمه اصفهان مدفون شده است.(۳)

وی کتابخانه ای آبرومند داشته و بر بسیاری از کتب آن تملک خود را یاداشت نموده است. از جمله نسخه ای نفیس از «طهاره الاعراق» ابن مسکویه، که طاهر بن وجیه الدّین علی قاضی در ربیع الثّانی ۴۲۲ق آن را کتابت کرده و در سال ۱۰۵۳ق ملّا پروانه بر روی یکی از برگهای آن یادداشت تملک خود را نوشته است.(۴)

وی در سال ۱۰۸۶ پانصد جلد از کتب خود را وقف نموده که از آن جمله کتاب

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۵، ص۴۱۶۱.

۲- فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه، ص۱۱۸.

۳- به نقل از محقّق گرامی دوست ارجمند آقای احسان عظیمی از کتاب «نور الهدایه و مصدرالولایه»، ص ۱۶۰.

۴- الروضه النضره، ص۱۰۲.

النهایه ابن اثیر کتابت سال ۱۰۷۵ به شماره ۴۱۷ در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است.(۱)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد باقر اصفهانی از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری .در سال ۱۲۳۳ نسخه ای از «الفوائد الجدیده» تألیف: وحید بهبهانی را برای میرزا محمّد حسین نوشته است. نسخه در کتابخانه گوهرشاد به شماره ۶۳۶/۲ موجود است.(۲)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد باقر اصفهانی از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در ربیع الاوّل سال ۱۲۴۸ق از کتابت «احکام تحاویل سنی الموالید» تألیف: ابوسعید بن منصور بن بندار دامغانی، که در سال ۵۰۷ق تألیف شده، فراغت حاصل نموده و آن را به خط نسخ نوشته و به شماره ۳۶۳۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد باقر اصفهانی، از فضلاء سده یازدهم هجری، از آثار او کتابت نسخه ای از «شرح فصوص الحکم» قیصری است که به خطّ نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۷۸۰۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۴)

۱- فهرست مروی ص ۲۶۱.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۳۶۴.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ص۱۲، ص۲۶۳۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۶، ص۱۶۵.

ملّا محمّد تقی مجلسی

ملّا محمّد تقی بن علّامه ملّا محمّد باقر بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل. نسب دو تن از علماء به نام های آقا شیخ محمّد حسن خواجوئی و شیخ عبدالرحیم شوشتری به او منتهی می شود.

در بیاض خطی میرزا محمّد تقی الماسی، مادّه تاریخ زیر را برای مولی محمّد تقی مجلسی (بدون ذکر خصوصیات دیگر) می نویسد و به ظنّ نویسنده مربوط به صاحب عنوان است.

عالم عارف تقی که ز قدر

بود در روزگار مثلش کم

آنکه از عزّت و جلالت و شأن

بود همنام با امام نهم

رفت از دهر و عقل در تاریخ

«خلد جای وِیَست» کرد رقم(۱)

۱۱۲۴ قمری

شیخ محمّد تقی آقانجفی

شیخ محمّد تقی آقانجفی بن شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی بن شیخ محمّد تقی رازی، عالم فاضل و مجتهد بارع، از رؤساء علماء اصفهان. در اواخر دوره قاجار، در نیمه شب سه شنبه ۱۷ ربیع الثّانی ۱۲۶۲ق در اصفهان متولّد شد. پدرش از اعاظم فقهاء اصفهان و مادرش علویه زمزم بیگم دختر سیّد صدرالدّین عاملی اصفهانی بوده اند.

او مقدمات علوم را در اصفهان آموخت و سپس در نجف اشرف نزد حاج سیّد علی شوشتری (از افاضل شاگردان شیخ انصاری) به تحصیل مشغول شد. پس از آن در درس شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء حاضر شد.

در این سالها او به همراه برادرش شیخ محمّد حسین به تهذیب نفس و عبادت در مساجد سهله و کوفه مشغول بود. آقا نجفی پس از وفات اساتید خود در نجف راهی

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۳۸ و ۳۳۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۴.

سامرا شـد و در درس میرزا محمّد حسن شـیرازی حضور یافت. از دیگر اساتید او پدر دانشـمندش شـیخ محمّد باقر نجفی بوده است.

او پس از اتمـام تحصـیلات خود به اصـفهان بـازگشت و پس از وفـات پـدر به جـای وی به اقـامه نماز جماعت در مسـجد شاه [مسـجد امام فعلی] و تدریس، قضاوت و اجرای حدود شرعی پرداخت. از مجلس درس ایشان صدها عالم و فقیه گرانقدر بهره گرفته انـد [مرحوم مهـدوی مؤلف کتاب حاضـر در کتاب دیگر خود تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان اسامی بیش از ۸۸تن از شاگردان آقانجفی را ذکر نموده اند.]

از اقـدامات مهّم او مقـابله بـا فرقه هـای ضـالّه بود که بـاعث احضـار ایشان به تهران در سال ۱۳۰۷ق گردیـد. پس از به دسـت گرفتن انحصـار توتون و تنباکو توسط کمپانی رژی، در ایران، آقا نجفی و برادرش شـیخ محمّـد علی ثقهالاسـلام حکم تحریم اسـتعمال تنباکو را صادر کردنـد و بقیه علماء نیز از آن حمایت کردنـد تا آن که میرزای شـیرازی حکم تحریم تنباکو را صادر کرد.

همچنین در جهت تحریم کالاهای بیگانگان و رونق دادن به محصولات وطنی، عـدّه ای از بازرگان خوشـنام و متدیّن اصـفهان شرکت اسلامیّه را تأسیس کردند که آقانجفی و برادرش حاج آقا نوراللّه نجفی از اقدام آنها حمایت کردند.

در جریـان مبارزات مشـروطه خواهی نیز او در کنار برادرش حاج آقا نوراللّه در تشویق مردم به مبارزه با اسـتبداد نقش اساسـی داشت. امّا با انحراف یافتن جریان مشـروطه و دسـتگیر شدن شـیخ فضل اللّه نوری، می خواست به تهران برود تا از اعدام شـیخ جلوگیری کند امّا موفق نشد.

او در اصـفهان و اطراف آن دارای ثروت فراوان بـود و ایـن ثروت را صـرف تربیـت شـاگردان و رفـع نیـاز نیازمنـدان و فقراء و ترویج دین نمود. او بذله گو و حاضر جواب، زیرک و تیزهوش و با سیاست بود و حکایاتی در این باب از او نقل شده است.

آقانجفی پشت و پناه مردم در برابر زورگوئی ها و تعرّضات ظلّ السّـلطان به مردم بی گناه بود و نفوذ کلمه و قـدرت معنوی او باعث می شد ظلّ السّلطان حاکم ستمگر و

خودخواه اصفهان نتواند به منویّات خود دست یابد. برخی از نویسندگان داخلی به پیروی از مستشرقین و نویسندگان خارجی او را به خاطر ثروت و اجرای حدود و دخالت در سیاست مورد سرزنش قرار داده و از او انتقاد کرده اند، امّا او از ثروت و نفوذ و قدرت خود برای ترویج دین و رفع ظلم و اعانت به مظلومان استفاده می کرد، نه برای هوا و هوس های شخصی.

این فقیه و مجتهد عالیقدر از اواخر سال ۱۳۳۰ق به بیماری استسقاء مبتلا گردید و سرانجام پس از دو سال بیماری در عصر یکشنبه ۱۱ شعبان المعظم ۱۳۳۲ق در منزل مسکونی خود در محلّه پشت مسجد شاه وفات یافته و در جوار امامزاده احمد اصفهان مدفون شد و بر سر مزار او بقعه ای بنا کردند و طی سالهای بعد تعدادی از بستگان و نوادگان او در آنجا مدفون شدند.

ملّا عبدالجواد خطیب، برای مادّه تاریخ وفات او ضمن مرثیه ای چنین سروده است:

شد سؤال از خطیب تاریخش

جا چو آن گنج در تراب گرفت

«یا» برای ندا برون شد و گفت

«ایها النّاس آفتاب گرفت»

۱۳۳۲=۱۳۴۲-۱۰

او متجاوز از صد جلد کتاب تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «جامع الأسرار» ۲. «عنایات الرضویّه» ۳. «دلائل الأحکام» ۴. اشارات ایمانیه ۵. ترجمه برخی از مجلدات بحار و کتب احادیث.

او اگر چه شاعر حرفه ای نبود اما گاهی اشعاری را می سرود.

این بیت از سروده های آقانجفی است:

طالب هستی جاوید، ز جان می گذرد

پس در افلاک چو عیسی ز جهان می گذرد(۱)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۵۰۹-۳۴۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۷۵-۱۷۳؛ دانشمندان و

بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶-۵۳؛ مزارات اصفهان، ص۵۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۷۹-۱۷۱؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۶۷۳-۶۶۷؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۲۳-۳۱۹ و ۳۹۵؛ ریحانه الادب، ج۱، ص ۵۷؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۶۶۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، صص ۱۹۸ و ۲۰۳؛ الذریعه: مجلدات مختلف؛ مقتبس الاثر، ج۲، ص۲۲۲؛ تکمله نجوم السماء، ج۲، ص۲۷۸؛ دائره المعارف فارسی مصاحب، ج۱، ص۱۸۲؛ شمس التواریخ، صص ۹۷ و ۹۸؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۲۴۷ و ۲۴۸؛ شرح حال رجال ایران، ج۳، صص ۳۲۶ و ۳۲۷؛ الاعلام، ج۶، ص۶۳؛ فوائد الرضویّه، ص۴۳۸؛ علمای معاصر، صص ۱۷۵ و ۱۷۶؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۲۱۰۹؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۱۸؛ حکم نافذ آقانجفی؛ در حریم وصال.

سیّد محمّد تقی خلیفه سلطانی*

سیّد محمّد تقی بن سیّد محمّد باقر بن سیّد حسن خلیفه سلطانی بن سیّد علاءالدّین حسین حسینی مرعشی (خلیفه سلطانی)، عالم فاضل جلیل، در اواخر دوره صفویه می زیسته و تا سال ۱۱۳۴ق در قید حیات بوده و نشانه تملک او بر نسخه ای از کتاب «الضیاء اللامع» با مهر «محمّد تقی الحسینی الخلیفه» و مهر مربع «محمّد تقی بن باقر الحسینی» مشهود است.(۱)

همچنین وی نسخه ای از «قراءات» تألیف «محی الدّین اناری» را به خط نسخ در ماه رمضان ۱۱۰۴ف کتابت نموده که به شماره ۷۰۷۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

ملّا محمّد تقی کاتب اصفهانی*

ملّا محمّد تقی کاتب اصفهانی فرزند محمّد باقر بروجنی، از اساتید خط در اواخر دوره قاجاریه. خط ثلث و نسخ را با مهارت و زیبائی می نوشت. نزد میرزا آقا جان پرتو اصفهانی به مشق خط پرداخته بود و از راه کتابت و تربیت شاگردان علاقمند به خوشنویسی امرار معاش می کرد. دارالمشق او در کوچه زنجانی واقع در محلّه نیم آورد اصفهان بود. استاد جلال الدّین همایی در کودکی نزد او مشق خط نموده است.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۱۶.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه ج۱۶، ص۴۴۵.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۲۲۴ و ۱۲۴.

محمّد تقی قاضی زاده*

محمّد تقی بن محمّد باقر قاضی زاده عباس آبادی اصفهانی، از علماء و دانشوران قرن دوازدهم هجری. وی در عباس آباد اصفهان ساکن بود و ظاهراً از شاگردان ملّا محمّد تنکابنی (فاضل سراب) و پدر دانشمند خود میرزا محمّد باقر است.

او رساله «صلاه الجمعه» تألیف: فاضل سراب را به خط نسخ و نستعلیق در سال ۱۱۳۳ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

سیّد محمّد تقی بهشتی

سیّد محمّد تقی بن آقا سیّد محمّد جعفر حسینی بهشتی، عالم فاضل زاهد، در اصفهان سالها نزد علمای این شهر به تحصیل پرداخته و از آخوند ملّا حسین فشارکی اجازه اجتهاد داشته و پس از وفات ایشان مراسم احیاء را در شبستان مصلای تخت فولاد برپا می نموده است. نماز جماعت را نیز در مسجد سرجوی شاه [مسجد آیت اللّه بهشتی فعلی] اقامه می نمود. و سرانجام به سن قریب هشتاد سالگی در ۱۸ رجب ۱۳۸۴ق وفات یافته و در تکیه زرگرها در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

«رفت بنزد اسداللّه تقی»(۲)

سیّد محمّد تقی نجف آبادی*

سیّد محمّد تقی نجف آبادی بن میر جعفر، عالم فاضل، متوفی در ۱۱ رجب ۱۳۴۹ق مدفون در تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد اصفهان.(۳)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۳۹۲؛ فهرست خوشنویسان و کاتبان اصفهان: خطی.

۲- تحفه الأحباب، صص ۲۶ و ۲۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۱.

۳- یادداشت آقای رحیم قاسمی.

شیخ محمّد تقی مجلسی*

حاج شیخ محمّد تقی مجلسی ابن میرزا محمّد حسن بن میرزا آقا بن میرزا محمّد علی بن میرزا مهدی بن میرزا محمّدتقی تاجر عباس آبادی.

عالم جلیل وفقیه محقق، از مراجع تقلید و مجتهدین عالیقدر اصفهان، از نوادگان دختری علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی.

در سال ۱۳۰۸ش در اصفهان متولّد شد. پس از طی دروس مقدماتی و سطح در نزد اساتیدی چون شیخ محمد رضا جرقویه ای و شیخ محمد حسین مشکینی به قم رفته و نزد حضرات آیات سیّد حسین طباطبائی بروجردی، سیّد محمّدتقی خوانساری و سیّد محمّد حجت کوه کمری به کسب فیض پرداخت.

سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و از درس حضرات آیات سیّد عبدالهادی شیرازی، سیّد علی علّامه فانی، آقا میرزا هاشم آملی، سیّد محسن حکیم، سیّد حسین حمامی، حاج شیخ حسین حلی و حاج سیّد ابوالقاسم خوئی بهره برد و پس از اخذ اجازات اجتهاد و روایت از اساتید خود به ایران مراجعت نمود.

وی به درخواست حاج آقا روح اللّه کمالوند به خرم آباد رفته و ۵ سال به تدریس پرداخت. سپس ۱۲ سال در قم به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود. پس از آن در اصفهان سکونت گزیده و تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول و راهنمائی مردم در مسائل شرعی و امور افتاء و مرجعیت مشغول می باشند و در تقوا و اخلاق حسنه و تواضع زبانزد هستند.

این تألیفات از اوست:

۱. «الدّره البهیّه فی مسائل التّحیّه» مطبوع ۲. «محاضرات الاصول» ۳. «رساله فی مسائل الرضاع» ۴. «رساله فی تجنیس المتنجّس» ۵. «رساله فی فروع العلم الاجمالی» ۶. «رساله فی انفعال ماء القلیل» ۷. «المختار من مبانی الاصول» ۸. «آداب الجمعه» ۹. «النّوادر و الشّوادر» ۱۰. «شرح الکلمات القصار» ۱۱. «ابحاث مختلفه فی الفقه الاسلامی» ۱۲. «توضیح المسائل» مطبوع ۱۳. «رساله فی صلاه الجمعه» مطبوع ۱۴.

«السنه الوسطی فی التمسک بالعروه الوثقی» ۱۵. «ولایه الاولیاء فی بیان الولایات» مطبوع ۱۶. «رساله فی مسائل الاجاره» ۱۷. «رساله فی التّقلید و احکامه» ۱۸. «رساله فی بیان الکر و احکامه» ۱۹. «رساله فی بیان الرّبا و احکامه» ۲۰. «رساله فی مسائل الصّوم» ۲۱. «المنتقی فی شرح العروه الوثقی» مطبوع ۲۲. «کتاب الأربعین» ۲۳. «مجمع الشّتات» ۲۴. «منتهی الأفکار فی الاصول» مطبوع، «تقریرات بحث آیهاللّه میرزا هاشم آملی» ۲۵. «الملتقطات من المستطرقات» ۲۶. «مناسک حج» مطبوع ۲۷. «تفسیر المعضلات من الآیات» ۲۸. «الآیات المستشهده للولایه».(۱)

محمّد تقی خوانساری

محمّد تقی بن محمّد حسن خوانساری از خوشنویسان اصفهان در اواخر دوره قاجاریه. چندین مجلّد از کتاب «بحارالأنوار» را از تاریخ صفر ۱۲۹۲ تا ۱۳۰۸ق به خط نسخ کتابت نموده و در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

میر محمّد تقی مدرّس

میر محمّد تقی مدرّس فرزند علّامه میر سیّد حسن مدرّس میر محمّد صادقی، عالم فاضل جلیل القدر عظیم المنزله، در ۱۳ صفر ۱۲۷۳ق در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل در اصفهان نزد میرزا هاشم چهارسوقی راهی عتبات عالیات شد. و از درس شیخ هادی طهرانی، حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و آخوند خراسانی در نجف اشرف مستفیض شد. سپس به سامرا عزیمت نموده و از درس محمّد حسن شیرازی بهره گرفت. همچنین از میر سیّد محمّد فشارکی و میرزا محمّد تقی شیرازی کسب فیض نمود. در سال ۱۳۰۹ق به امر استادش میرزای بزرگ شیرازی به اصفهان بازگشته و به تدریس و تبلیغ و تحقیق مشغول شده و به جای پدر عالیقدر خود در مسجد رحیم خان به اقامه جماعت

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۹۴ و ۳۹۵ و مصاحبه با صاحب عنوان توسط غلامرضا نصرالهی.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

پرداخت.

سالها در مدرسه صدر بازار به تدریس فقه و اصول مشغول بوده و جمعی از فضلاء از جمله: میرزا فتح اللَّه درب امامی، سیّد علینقی ثقهالشریعه، شیخ محمود مفید، میرزا مهدی دولت آبادی و فرزندش میر سیّد حسن مدرّس ثانی در خدمت او حاضر می شدند.

او سرانجام در شب دوشنبه ۷ ربیع الثانی سال ۱۳۳۳ق وفات یافته جنب مقبره پدرش در مسجد رحیم خان در محلّه نو اصفهان مدفون گردید.

کتاب «الرسائل التّقویه فی المسائل الفقهیه» از تألیفات ایشان است که در سال ۱۳۶۳ق به اهتمام سیّد محمّد حسین مدرّس فرزند مؤلف در طهران چاپ سنگی شده و شامل این رساله ها است.

۱. «رساله در بیان وجه تمیز بین حق و حکم» ۲. «رساله در صلاه مسافر» ۳. «رساله در منجزات مریض» ۴. «رساله در قاعده من ملک شیئاً» ۵. «رساله در ماهیت اجاره»

همچنین حواشی فتوائی بر رساله هدایه الطّالبین، از ایشان به چاپ رسیده است.(۱)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد حسین اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب. در ماه رمضان سال ۱۰۸۶ق نسخه ای از «شرح لمعه» شهید دوّم را به خط نسخ زیبا نوشته و کتاب به شماره ۷۹۳ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

سیّد محمّد تقی موسوی شفتی

حاج سیّد محمّد تقی موسوی ابن آقا سیّد حسین بن آقا سیّد ابوالقاسم بن حاج سیّد محمّد علی بن حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی، در ۸ رجب ۱۳۴۸ق-

---

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۰۴ و ۴۰۵؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۵۱؛ علوم و عقاید، صص ۵۸ و ۵۹؛ میرزای شیرازی، ص۱۱۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۶۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۹۹.

(۱۳۰۸ش) دراصـفهان متولّد شده و تحصـیلات خود در مدارس جدید را در اصفهان طی نمود. سپس در حوزه علمیه اصفهان نزد حضـرات آیات سـید صدرالـدین کوپائی، حاج شـیخ محمّـد حسن عالم نجف آبادی، حاج شـیخ مجدالدّین (مجدالعلماء) نجفی به کسب علم و فضـل پرداخته و در مشـهد مقـدّس نیز از شـیخ حبیب اللَّه گلپایگانی و آیت اللَّه العظمی میلانی بهره مند گشته و سپس به اصفهان بازگشته و تاکنون به اقامه نماز جماعت در مسجد سیّد اصفهان اشتغال دارد. (۱)

ملّا محمّد تقی جیلانی*

مولانا محمّد تقی بن مولانا محمّد حسـین جیلانی، فاضل کامل، عالم ربّانی. در روز سه شـنبه ۱۷ جمادی الاولی ۱۱۲۵ق وفات نموده و در تخت فولاد تکیه صاحب روضات مدفون گردیده است.(۲)

شیخ محمّد تقی فشارکی

شیخ محمّد تقی بن آخوند ملّا محمّد حسـین بن ملّا محمّد جعفر فشارکی، عالم فاضل جلیل در اصفهان متولّد شد و در خدمت پدر علّامه خویش و شـیخ محمّد رضا نجفی، میر محمّد صادق خاتون آبادی و میر سیّد علی بهبهانی و میرزا احمد مدرّس تلمّذ نمود.

وی در مسـجد حـاج صـادق واقع در محلّه خواجـو اقـامه جمـاعت می نمود. سـرانجام در سـال ۱۴۰۵ق وفـات یافته در صـحن امامزاده باقر در محلّه خواجو مدفون شد.(۳)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۸۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۳، ص۱۶۴؛ گنجینه دانشمندان، ج۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۰۴؛ پاورقی به قلم آقای رحیم قاسمی؛ تاریخ اصفهانی (تکایا و مقابر)، ص۳۷۵.

۳- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۹۹؛ مزارات اصفهان، ص۱۴۴.

محمّد تقی کاتب خاتون آبادی

محمّـد تقی کـاتب بن محمّـد حسـین خـاتون آبـادی، از خوشـنویسان و کاتبـان دوره صـفویّه است. خط نسـتعلیق را خوش می نوشت.

وی نسـخه ای از «نزهت القلوب» تألیف حمـداللّه مسـتوفی را در ۱۲ شعبان ۱۰۳۴ق کتـابت نموده و در کتابخانه سـلطنتی سابق موجـود است. نسـخه دیگری از «نزهت القلـوب» را در پنـج شـنبه ۲۶ ربیع الاـوّل ۱۰۴۱ق کتـابت کرده و در کتابخـانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

همچنین یک نسخه از «حبیب السیر» را در ۱۲ شعبان ۱۰۴۴ق کتابت نموده و در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.(۱)

ملّا تقی خوراسکانی*

آقا ملّا تقی بن ملّا محمّد حسین خوراسکانی، عالم فاضل صالح، از فضلای اوایل قرن چهاردهم هجری است. در نهایت زهد و تقوا و قداست بوده و مورد توجه و اعتماد مردم محل بوده است. وی در سال ۱۳۵۰ق وفات یافته و در تکیه خوانساری ها واقع در تخت فولاد در کنار پدر مدفون شد. در سالهای اخیر به بهانه مرمّت تکیه مزار پدر و پسر را از بین بردند.(۲)

استاد محمّد تقی ذوفن*

اسـتاد محمّد تقی ذوفن بن حاج حسـین، هنرمند معاصـر. در سال ۱۲۷۲ش در اصـفهان متولّد شد. او پس از کمی تحصـیل، به قلمزنی پرداخت و نزد حـاج حسـنعلی جنـدقیان شـاگردی کرد تـا به اسـتادی رسـید و با خلاقیت و اسـتعداد شـگرف خود آثار ارزنده ای را بر روی فلز پدید آورد و خود در ردیف اساتید طراز اوّل قلمزنی اصفهان قرار گرفت.

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۶۶۷ و ۶۶۸.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

استاد ذوفن در ۵ بهمن ۱۳۵۷ش از دنیا رفت و در جنوب تکیه فیض در تخت فولادبه خاک سپرده شد.(۱)

مرحوم ابوالقاسم جندقیان متخلّص به «شفیق» درباره او این ابیات را سروده است:

گرچه ذوفن زد رقم بر لوح زر

کلکِ فولادینش آیات هنر

پای بوس هر ضریحی نام اوست

نزد آل عصمت او را آبروست

لیک دارد تربت آن زنده یاد

سقفی از ابر و ستون از گردباد(۲)

محمّد تقی شهرستانی

محمّد تقی بن محمّد حسین شهرستانی [از فضلاء و نویسندگان کُتُب] در روز سه شنبه ۱۲ ربیع الاوّل ۱۰۸۷ق کتاب «الرّعایه فی درایه الحدیث» شهید ثانی را به خطّ نسخ نوشته و شیخ علی بن محمّد بن حسن بن شهید ثانی اجازه ای در پشت کتاب به او داده است.

نسخه ضمن مجموعه شماره ۳۰۷۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

سیّد تقی هاشمی دهسرخی*

سیّد تقی هاشمی دهسرخی فرزند حسین، در سال ۱۳۰۲ش در روستای دهسرخ متولّد شد. تحصیلات خود را تا دیپلم انجام داد و در حوزه علمیه اصفهان نزد شیخ عباسعلی ادیب، سیّد ابوالحسن شمس آبادی، حج آقا حسین خادمی، سیّد محمّدعلی صادقی و شیخ حسن صافی انجام داد.

از خدمات ایشان بازسازی مسجد لسان الارض در تخت فولاد و اقامه نماز در آنجا و احداث مسجد حضرت قائم(عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) در آن حوالی بوده است.

۱- مصاحبه با استاد مهدی ذوفن فرزند استاد محمّد تقی ذوفن.

۲- تخت فولاد، ص۲۲.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۱، ص۲۰۱۶.

او در مدرسه صدر بازار به تدریس برخی دروس ادبیات و فقه مشغول بود. او عمر خود را در راه تبلیغ دین و بیان احکام و ذکر مصیبت حضرت سیدالشهداءعلیه السلام گذراند و عالمی خلیق و متواضع بود.

یکی از فرزندانش به نام سیّد حسین هاشمی در جبهه های نبرد ایران و عراق به شهادت رسید. خود او نیز در ۱۸ رجب سال ۱۴۱۱ق وفات یافته و کنار فرزند خود در لسان الارض (تکیه شهدا) مدفون شد.(۱)

میرزا محمّد تقی هرندی

میرزا محمّد تقی هرندی بن حاج محمّد حسین نایب الصّدر، عالم فاضل متقی. داماد ملّا عبداللّه هرندی مؤلف «دلائل الدّین» بوده و در سال ۱۳۰۷ق وفات یافته است.(۲)

پروفسور سیّد تقی فاطمی*

پرفسور سیّد تقی فاطمی نائینی فرزند سیّد حسین، از دانشمندان و ریاضیدانان معاصر. درسال ۱۲۸۳ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اصفهان سپری نمود و در سال ۱۳۱۶ش دیپلم گرفت. سپس در آزمون اعزام دانشجو به خارج از کشور شرکت کرده و حائز رتبه اوّل شد و راهی فرانسه گردید. در آنجا در رشته ریاضی به تحصیل پرداخته و به درجه «اکرژه» در علوم ریاضی دست یافت. آنگاه به ایران بازگشته صاحب مکانیک استدلالی در دانشسرای عالی تهران را صاحب شد و به تدریس دروس ریاضی پرداخت. او حدود ۴۰ سال به تدریس مشغول بود تا این که در سال ۱۳۵۷ش به علّت کسالت از تدریس کناره گیری کرد و در مشهد مقدّس ساکن شد. او را از بنیان گذاران ریاضیات در مراکز آموزش عالی ایران می دانند.

وی سرانجام در روز جمعه ۱۷ آذرماه ۱۳۷۴ش در مشهد مقدّس وفات یافت و در

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۴۴.

قم به خاک سپرده شد.

او کتابهای درسی بسیاری برای مقاطع ابتدائی و متوسطه تألیف نموده و یا در تألیف آنها مشارکت نموده است.(۱)

شیخ محمّد تقی قمشه ای

حاج شیخ محمّد تقی بن میرزا محمّد حسین قمشه ای، عالم فاضل جلیل، در قمشه [شهرضای کنونی] متولّد شده و سپس در اصفهان پس از تحصیلات مقدّماتی و سطح در درس میرزا محمّد هاشم چهارسوقی حاضر شده و پس از تکمیل تحصیلات خود به وطن خود مراجعت نمود و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخت.

وی پس از وفات برادرش آقا میرزا محمّد مهدی قمشه ای، ریاست دینی قمشه و نواحی اطراف آن را بر عهده داشته و در سال ۱۳۳۷ق به سفر حج تشرف یافته و پس از بازگشت از آن سفر، مدّتی بعد در قمشه وفات یافت.

وی را تألیفاتی است از جمله «الاصول العملیّه» در برائت و احتیاط و استصحاب.(۲)

محمّد تقی یزدی

محمّد تقی بن محمّد حسین یزدی از نویسندگان کتب و خطاطان. در سال ۱۰۸۷ق در اصفهان در قهوه خانه تالار محلّه هارون ولایت مجموعه ای را به خط نسخ نوشته است و به شماره ۶۶۸۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی [سابق] موجود است.(۳)

۱- آئین فرزانگی، ج۳، ص ۱۹۵-۱۹۱؛ نادره کاران، ص۸۸۴.

۲- نقباء البشر، ج۱، ص۲۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۰۶؛ الذریعه، ج۲، ص۲۰۰؛ تاریخ شهرضا، صص ۷۵ و ۷۶.

۳- فهرست کتابخانه مجلس، ج۱۶، ص۳۴.

ملّا محمّد تقی هروی

ملّا محمّـد تقی هروی حائری اصـفهانی ابن حسـینعلی بن اسـماعیل، از معاریف علماء و مجتهـدین و فقهاء و مصـنّفین، صاحب تألیفات کثیره.

در رمضان المبارک ۱۲۱۷ق در هرات متولّـد گردیـد. پس از فرا گرفتن مقدمات علوم در موطن و مولد خود در سال ۱۲۳۵ق به اصفهان مهاجرت نموده و به محضر آقا شیخ محمّد تقی رازی و حاجی کلباسی و سیّد حجّهالاسلام شفتی حاضر شد. سپس به مشـهد رضوی و از آنجـا به اعتـاب مقـدّسه ائمه عراق مهاجرت نموده و به درس صاحب جواهر و سـیّد کاظم رشتی و میرزا علینقی طباطبـائی و احتمالاًـ شـیخ مرتضـی انصاری حاضـر شـده تا به درجات عالیه علم و اجتهاد رسـید و به اصـفهان مهاجرت نموده و شـهرت و ریـاستی یـافته، و در سـال ۱۲۷۲ق به مناسـباتی مجبور به مهـاجرت به عتبـات شـد و در ۱۷ ربیع الاـوّل سال ۱۲۹۹ق در کربلا وفات یافته و در مقبره صاحب ضوابط دفن گردید.

وی را تألیفات و تصنیفات زیاد است که تعداد آن متجاوز از ۶۰ کتاب و رساله می شود. از جمله:

۱. «الأربعون حدیثاً» ۲. «السبع المثانی» ۳. «المیراث لجمیع الورّاث» ۴. «نتائج الأفکار» ۵. «نهایه الآمال فی کیفیه الرّجوع إلی علم الرّجال» ۶. «الحدیقه النّجفیّه فی شرح الرّوضه البهیّه»(۱)

میرزا محمّد تقی مجلسی

میرزا محمّـد تقی بن میرزا حیـدرعلی بن عزیزاللّه بن محمّـد تقی به محمّـد کاظم بن عزیراللّه بن ملّا محمّـد تقی مجلسـی، عالم فاضل، در اصفهان ساکن بوده و پدرش در سال

۱- بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۸۱-۲۷۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۰۸-۴۰۶؛ مکارم الآثار، ج۳، صص ۶۳۱-۶۲۵؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۲۱۵-۲۱۲؛ الـذریعه: مجلّدات مختلف؛ ریحانه الادب، ج۶، صص ۳۶۵ و ۳۶۶؛ نجوم السماء، ج۱، ص۳۹۷؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۴۷.

۱۲۰۵ق برای او اجازه نوشته است.(۱)

سیّد محمّد تقی خراسانی نجفی

سیّد محمّد تقی بن سیّد محمّد رضا بن حاج سیّد یوسف خراسانی، عالم فاضل متقّی، از علمای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۷۵ق در کاظمین متولّد شد. در کودکی همراه پدر به اصفهان آمده و مقدمات را در آنجا آموخت. سپس به زیارت امام رضاعلیه السلام در مشهد مقدّس شتافته و سپس به نجف اشرف هجرت نمود و در درس میرزا حبیب اللّه رشتی حضور یافت. سپس در مجلس درس آخوند خراسانی و میرزا حسین خلیلی شرکت کرد و به مدارج اعلای علم و اجتهاد دست یافت. در اخلاق و سیر و سلوک نیز از عارف الهی ملّا حسینقلی همدانی کسب فیض نموده و به تزکیه و تهذیب نفس پرداخت و در اخلاق و فضایل نفسانی به مقامی سامی رسیده و عاقبت در سامرا در جوار مرقد مطهر عسکرین علیهما السلام ساکن شد. وی با دختر سیّد صالح بن سیّد مهدی قزوینی بغدادی ازدواج کرده و پس از عمری عبادت و ترویج دین در یکشنبه ۱۷ ربیع الاوّل ۱۳۵۰ق (روز میلاد حضرت محمّدصلی الله علیه وآله و امام صادق علیه السلام) در سامرا وفات نموده، جسدش را پسرش به نجف حمل نموده و جنب مزار پدر صاحب عنوان (سیّد محمّد رضا) در وادی السّلام مدفون ساخت.(۲)

محمّد تقی داورپناه*

محمّد تقی داورپناه فرزند رحمان، از خَیّرین و نیکوکاران معاصر. در سال ۱۳۱۵ش در خمینی شهر متولّد شده و در کودکی و نوجوانی زندگی سختی را پشت سر گذاشت. وی از زمان نوجوانی در تهران ساکن شده و به شغل سنگ بری و سنگ تراشی مشغول

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۴۹؛ الکرام البرره، ج۱، ص۲۱۵.

۲- نقباء البشر، ج۱، ص۲۵۵؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۰۹۸ و ۲۰۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۴ و ج۲، ص۶۳۶.

شد و کم کم با پشتکار و تلاش صاحب ثروت و مکنت فراوان شد. او ثروت خود را صرف اشاعه علم و فرهنگ کرد و دهها مدرسه ساخت و آن را به آموزش و پرروش هدیه کرد. او نیّت کرده است که بیش از یکصد مدرسه بسازد و با همت عالی خود این هدف راه دنبال می کند.(۱)

شیخ محمّد تقی رازی نجفی

شیخ محمّد تقی رازی ابن محمّد رحیم بیک استاجلو ایوان کیفی طهرانی، عالم کامل، فقیه و اصولی محقق مدقق. از رؤسای علماء و مجتهدین و اکابر فقهاء و مدرسین.

در حدود ۱۱۸۵ق در «ایوان کیف» از دهستان های ورامین (نزدیک تهران) متولّد شد. در عتبات عالیات نزد آقا محمّد باقر وحید بهبهانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، میر سیّد علی طباطبائی (صاحب ریاض)، سیّد محسن اعرجی کاظمینی و سیّد مهدی بحرالعلوم به تحصیل پرداخت. پس از حمله وهابی ها به کربلا در سال ۱۲۱۶ق به ایران بازگشت و مدّتی در مشهد مقدّس به سر برد. سپس به یزد رفت و سرانجام در اصفهان اقامت گزید. در ابتدا در محلّه احمدآباد ساکن شده و در مسجد ایلچی به اقامه نماز جماعت پرداخت و پس از مدّتی به تدریس در مسجد شاه [مسجد امام فعلی]پرداخت و تعداد کثیری از اهل علم و فضلاء در درس او حاضر می شدند.

وی در نجف اشرف به افتخار دامادی استاد خود شیخ جعفر کاشف الغطاء نائل شد. در انواع علوم خاصّه فقه و اصول مهارت به سزائی داشته و در بین اقران سر آمد و زبانزد بوده است. او عالمی عابد و زاهد بوده و مجاهدات و ریاضات و کمالات نفس او نزد اهل معرفت معروف بود. برخی نوشته اند وی مراحل سیر و سلوک و تصفیه باطن را نزد درویش کافی نجف آبادی طی نموده است.

شیخ محمّد تقی رازی به خاطر تألیف کتاب «هدایه المسترشدین» به «صاحب

۱- کتابی به نام چهره های ماندگار در شرح حال و خدماتش منتشر شده است.

حاشیه» و «صاحب هدایه» نیز معروف است. او چند سال قبل از فوت خودش وصیّ مریم بیگم دایه سلطان محمّد میرزا سیف الدوله قاجار حاکم اصفهان بود و تحت نظر او مریم بیگم در تکیه ای مخصوص که سلطان محمّد میرزا ساخته بود به خاک سپرده شد. شیخ نیز سرانجام در جمعه نیمه شوال ۱۲۴۸ق وفات یافته و حاجی محمّد ابراهیم کلباسی (و یا به قولی سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی) بر پیکر او نماز خوانده و جنازه به تخت فولاد حمل و در تکیه که بعد بنام وی تکیه شیخ محمّدتقی و در زبان عوام مادرشاهزاده مدفون شد.

محمّد حسین ضیاء اصفهانی مرثیه ای برای او سروده و این مادّه تاریخ از آنجاست:

از پی تاریخ آن کلک «ضیا» زد رقم

«راهنمای امم کرد بجنّت مقام»

۱۲۴۸

شیخ محمّد تقی رازی سرسلسله خاندانی در اصفهان معروف به «مسجد شاهیان» است. که در پشت مسجد شاه [مسجد امام فعلی] و حوالی بازارچه حسن آباد اصفهان سکونت داشته اند.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «اجوبه المسائل» ۲. «تقریرات» از بحث طهارت حاج سیّد مهدی بحرالعلوم ۳. «رساله در عدم مفطر بودن توتون» [در جلد چهارم میراث حوزه اصفهان به تصحیح آقای مجید هادی زاده منتشر گردید.] ۴. «رساله در فساد شرط ضمن العقد» ۵. «رساله صلاتیه» [با تحقیق شیخ مهدی باقری سیّانی در سال ۱۳۸۳ش در قم منتشر گردید.] ۶. «هدایه المسترشدین فی شرح اصول معالم الدین»، مطبوع مکرراً [آخرین چاپ آن در سال ۱۴۲۰ در سه جلد توسط انتشارات جامعه مدرسین قم منتشر گردید.] ۷. «تبصره الفقهاء» [به تحقیق آقای سیّد صادق حسینی اشکوری در سه مجلد در سال ۱۳۸۵ش به طبع رسید.] ۸. «ردود علی استاده العلّامه السیّد محسن الکاظمی فی مسأله الأقل و

الأکثر» [به تحقیق آقای باقری در مجموعه میراث حوزه اصفهان منتشر شد].(۱)

سیّد محمّد تقی میردامادی

سیّد محمّد تقی بن سیّد محمّد رضا حسینی میردامادی، طبیب ماهر، پدر مرحوم میرزا مصطفی مؤید الاطباء.

وی پس از وفات در اوان دالان صحن شرقی به صحن شمالی بقعه درب امام مدفون شد.(۲)

محمّد تقی کیهان سامانی

محمّد تقی جعفرزاده متخلّص به «کیهان» فرزند شیخ رضا، شاعر ادیب در سال ۱۳۳۹ق در قریه سامان از توابع چهارمحال متولّد شده و نزد پدر که از شاگردان دهقان سامانی بود و دیگران تحصیل کرده و پس از چندی در اصفهان ساکن شد و به استخدام اداره فرهنگ درآمد.

او روزنامه تگرگ را در اصفهان منتشر می نمود.

این بیت از اوست:

ربوده خاطرم یاری نگاری ماه رخساری

که عاقل را به یک فیض نظر دیوانه می سازد(۳)

۱- قصص العلماء، (چ ۱۳۸۰)، ص ۱۲۴ و ۱۹۹؛ قبیله عالمان دین، صص ۳۹-۱۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۱، صص ۱۸۳-۱۲۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۴۰۹ و ۴۱۰؛ رساله صلاتیه، صص ۴۳-۲۴؛ هدایه المسترشدین، ج ۱، صص ۴۶-۳۲؛ تبصره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۹-۱۵؛مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۳۲۷؛ نجوم السماء، ص ۴۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۹۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۱۸ و ۳۱۹؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۶۶۵-۶۶۱؛ الذریعه، ج ۴، ص ۸۲ و ج ۶، ص ۲۷۷ و ج ۱۶، ص ۲۸۳؛ ریحانه الادب، ج ۳، ص ۴۰۳؛ الکرام البرره، ص ۲۱۵؛ معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۱۲۰؛ روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۱۹؛ الاعلام، ج ۶، ص ۶۲ گلشن اهل سلوک، صص ۶۲-۳۳.

۲- مزارات اصفهان، ص ۲۰۸.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۹۷.

ملّا محمّد تقی رازی

ملّا محمّد تقی بن محمّد رضا رازی، عالم فاضل، از دانشوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و نزد علمای اصفهان از جمله ملّا محمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخت.

علّامه طهرانی در معرفی کتاب «ایضاح المصباح» تألیف سیّد بهاءالدّین علی بن غیاث الدّین عبدالکریم گوید: که مولی محمّد تقی حکایت از استادش مولی محمّد باقر مجلسی می کند که... بنابراین وی از تلامذه علّامه مجلسی محسوب است.(۱)

ملّا محمّد تقی رازی «رساله نوروزیه» را به نام شاه صفی در یک مقدّمه و سی فصل و خاتمه تألیف نموده است.(۲) وی همچنین کتاب «کبیر» را تألیف نموده و نسخه خطی آن در شعبان ۱۰۴۴ق در اصفهان کتابت شده است.(۳)

وی همچنین در سال ۱۰۵۸ق مالک مجموعه ای از چند رساله بوده است که اکنون به شماره ۶۸۶۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۴)

ملّا محمّد تقی گوگدی گلپایگانی

ملّا محمّد تقی معروف به آخوند گوگدی بن محمّد رضا مشهور به حاج آقا خوند بن ملّا علی شریف عالم فاضل. در اصفهان ساکن بوده و تحصیل می نموده است. از آثار او:

«سراج النّجاه فی کشف المقالات لتحصیل السّعادات» به فارسی در مواعظ و صفات حسنه و اخلاق است. در دوشنبه ۲۵ ربیع الاوّل ۱۲۷۱ق در شهر اصفهان از جلد اوّل کتاب فراغت یافته است.

وی مجموعه ای مرکب از ۶ رساله به خط نستعلیق فراهم کرده که به شماره ۱۵۱۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۵)

۱- الذریعه، ج۲، ص۵۰۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۰.

۲- الذریعه، ج۲۴، ص۳۸۲.

۳- الذریعه، ج۱۷، ص۲۶۰.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۶۰.

۵- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۱۵۲.

در مجموعه ۱۹۵۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز رساله ای به خط او و به تاریخ پنج شنبه از ماه رجب ۱۲۶۸ق موجود است (شماره نسخه ۱۹۵۳ است.)(۱)

فایده: گِوگِد از قرای گلپایگان است.

محمّد تقی اصفهانی*

محمّد تقی بن محمّد رفیع اصفهانی از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری .در سال ۱۲۳۸ نسخه ای از «ملاذ الأخیار» علّامه مجلسی را کتابت کرده است. نسخه در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.

سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه

سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد صادق بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّد باقر بن سیّد محمّد صادق موسوی اصفهانی، عالم فاضل زاهد.

پدرانش گاهی در یزد و زمانی در اصفهان ساکن بوده و برخی از بنی اعمام او در یزد متوطّن بوده و هنوز هم در اعقابشان در آنجا ساکن هستند.

صاحب عنوان از اهل زهد و تقوا و عزلت و انزوا بوده و در نزد حاجی کلباسی و سیّد حجّهالاسلام مقبول القول و محترم بوده، خدمت آقا محمّد بیدآبادی و جمعی دیگر تحصیل نموده و در محلّه خواجو سکونت داشته است.

در سال ۱۳۳۶ق به سن متجاوز از ۹۰ سال وفات یافته و در تخت فولادجنب تکیه خاتون آبادی در تکیه ای مخصوص مدفون شد.

شعر زیر منسوب به اوست:

زارت بلا موعدٍ فی غیهب الغسق

کانّها الکواکب الدّریّ فی الْأُفَق

فقلت أهلاً بک یا خیر زائره

أما خشیت من الحرّاس فی الطُرقَ

فأنشأت بلسان الحال قائله

من یرکب البحر لایخشی من الغُرَق

۱- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۵۶۷.

فقلت لمّا رأت عینی محاسنها

سبحان من خلق الانسان من عَلَق

اعیذها من عیون النّاس کلّهم

بقل اعوذ بربّ النّاس و الفَلَق(۱)

میر محمّد تقی خاتون آبادی (کوفتگر)

میر محمّد تقی بن میر محمّد صادق بن میر ابوصالح بن میر عبداللّه بن میر محمّد باقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل و عارف متقی، نسب آنان به میر عبداللّه برادر میر محمّد اسماعیل (مدفون در بقعه ای معروف در تخت فولاد) منتهی می شود.

وی از رشته ای از سادات خاتون آبادی است که به لقب کوفتگر مشهور بوده و اعقابشان از اصفهان به حوالی دهق مهاجرت کرده اند.]

وی سرانجام در ۲۲ جمادی الاولی ۱۲۳۸ق وفات یافته و در قبرستان مقابل تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

میر محمّد تقی خاتون آبادی

میر محمّد تقی بن میر محمّد صادق بن میر محمّد رضا حسینی خاتون آبادی بن میر ابوالقاسم مدرّس، عالم فاضل جلیل. در اصفهان متولّد شده و نزد پدر دانشمندش و میر سیّد حسن مدرّس به تحصیل پرداخت. چندی امام جماعت مسجدی در محلّه باغات بوده و سپس از طرف پدر مأمور تبلیغ و اقامه جماعت در محلّه حسین آباد اصفهان شد.

وی سرانجام در دوشنبه ۹ شوال ۱۳۰۸ق وفات یافته و در فضای بیرون تکیه مادر شاهزاده در ضلع شمال تکیه واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۱۴ و ۴۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۷؛ گلشن اهل سلوک، ص۴۸؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۱۲۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۲.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۸۹؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۳۲۶؛ گلشن اهل سلوک، صص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۲.

سیّد محمّد تقی کتابی

حاج سـیّد محمّد تقی کتابی بن آقا سـیّد محمّد صادق کتابفروش، عالم فاضل. در اصـفهان متولّد شد و در این شهر به تحصیل پرداخت. مـادرش گوهر بیگم (یا گوهر سـلطان) دختر حاج سـیّد محمّـد باقر حجّهالاسـلام شـفتی است. خود او نیز دختر دایی خود (حاج سیّد جعفر بیدآبادی فرزند سیّد حجّهالاسلام) را به ازدواج خویش درآورد.(۱)

[او از اوتاد و ابدال بوده و روزگاری مدید در نجف اشـرف مجاور و به عبادت و تقوی روزگار می گذرانید. محبوبیّت خاصی بین طبقـات مردم و علمـاء مخصوصـاً در اصـفهان و نجف داشت. وفات او در شب سوم رمضان سال ۱۳۳۶ق در نجف اشرف اتفاق افتاد و در وادی السّلام مدفون گردید.(۲)]

سیّد محمّد تقی کتابی*

سیّد محمّد تقی کتابی فرزند سـیّد محمّد صادق بن حاج میرزا محمّد تقی بن حاج میرزا صادق کتابفروش حسینی اصفهانی، از فرهنگیان فاضل و متـدّین معاصـر اصـفهان. در سال ۱۳۰۴ش متولّـد شـد. وی در حـوزه علمیه اصـفهان ادبیـات را فرا گرفت و حدود ۲۰ سال نزد شیخ محمد کلباسی به تحصیل پرداخته و تا کفایه الاصول آن را دنبال نمود.

همچنین پس از انجام تحصـیلات ابتدائی و متوسـطه در دانشـگاه تهران به تحصـیل پرداخته و در رشـته معقول و منقول در سال ۱۳۳۲ش فارغ التّحصـیل شد. در این سالها او در دانشـگاه از اساتید گرانقدری چون شهابی، فروزانفر، الهی قمشه ای، مشکاه و سیّد کمال نوربخش بهره برد.

سپس سالها در دانشگاه و دبیرستانهای اصفهان به تدریس پرداخت.

وی در تـألیف ۵ جلـد کتـاب دین برای دبیرسـتانها با دبیران دیگر اصـفهان همکاری داشـته و چنـدین مقاله نیز در مطبوعات به چاپ رسانیده است.(۳)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۶۳.

۲- رجال اصفهان (دکتر کتابی)،ج۱، ص۵۱۴.

۳- مصاحبه آقای رحیم قاسمی با استاد سیّد محمّد تقی کتابی در آبان ۱۳۸۶شمسی.

محمّد تقی اردبیلی

محمّد تقی بن محمّد صالح بن حاجی گنجی اردبیلی، عالم فاضل. از دانشمندان قرن یازدهم هجری است.

وی در غره محرّم ۱۰۵۸ق از کتابت «تهذیب الأحکام» در مدرسه صفویه اصفهان فراغت یافته و کتاب را نزد، علّامه ملّا محمّد تقی مجلسی قرائت نموده است. مجلسی در پایان کتاب طهارت و صلاه دو أنهاء به تاریخ های اواخر محرم ۱۰۶۰ و اواسط ربیع الاوّل ۱۰۶۲ق برای کاتب نوشته است واو را با القاب «المولی الفاضل العالم العامل» و «المولی الفاضل اللوذعی الالمعی» ستوده است.

این نسخه به شماره ۴۲۷۱ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی در قم موجود است.(۱)

شیخ محمّد تقی پیکانی جرقویه ای

شیخ محمّد تقی فیکانی (پیکانی) اصفهانی ابن ملّا محمّد صالح واعظ بیدگلی کاشانی، خطاطِ خط نسخ. کتب زیر را به خط خود استنساخ نموده است.

۱. نسخه ای از «قوانین» میرزای قمی را در ربیع الاوّل ۱۲۴۳ق در اصفهان نوشته است. نسخه به شماره ۱۸۵۳ در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

۲. جلد هفتم «روضه الصّفا» را در ربیع الثّانی ۱۲۵۹ق به خط نسخ نوشته است و کتاب به شماره ۱۴۰۷ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۳)

۳. نسخه ای از «شرح دعای صباح» تألیف ملّا اسماعیل خواجوئی، که در سال ۱۲۵۸ق از نوشتن آن فراغت حاصل نموده است. نسخه آن در کتابخانه دانشگاه تهران

۱- تراجم الرجال، ج۲، ص۶۳۸؛ فهرست مرعشی، ج ۱۱، ص۲۷۴.

۲- فهرست کتابخانه جامع گوهرشاد، ص۳۷۲.

۳- فهرست کتابخانه وزیری، ج۳، ص۱۰۶۷.

است.(۱)

۴. نسخه ای از «عوالم العلوم» که تاریخ اتمام جلد ششم آن در ظهر چهارشنبه ۲۰ ربیع الثّانی ۱۲۶۲ق بوده و نسخه به شماره ۸۰۸۲ در کتابخانه وزیری یزد موجود می باشد.(۲)

۵. نسخه ای از «هدایه الأسماء فی بیان کتب العلماء» تألیف حسن بن علی یزدی کثنوی، را در مدرسه خانیه یزد به خط نسخ در روز چهارشنبه ۲۴ جمادی الاوّل ۱۲۶۲ق نوشته [است] که ضمن مجموعه ای فیلم آن به شماره ۲۵۳۵ در دانشگاه تهران موجود است.(۳)

سیّد محمّد تقی حسینی تبریزی

سیّد محمّد تقی بن میر محمّد صالح حسینی تبریزی، پدرش از اطبّای معروف عهد صفوی در اصفهان و خود از علماء و زهّاد بوده (گویند:) مؤلف رساله ای است در «محاسبه النّفس». وفاتش در سال ۱۱۲۰ق روی داده و قبرش در قبرستان سنبلستان بوده است. قبر تا این اواخر معروف و مورد احترام بود که مردم آن را زیارت می کردند.(۴)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد طاهر اصفهانی از خطاطان و نویسندگان کُتُب در قرن یازدهم هجری .در جمعه دهه اوّل رمضان سال ۱۰۸۵ق «حاشیه أنوار التّنزیل» تألیف شیخ بهائی را به خط نستعلیق در اصفهان به پایان رسانیده است.

کتاب به شماره ۳۰۲۱ در کتابخانه مرعشی قم موجود است.(۵)

۱- فهرست مشکاه، ص۱۳۹.

۲- فهرست وزیری، ج۱، ص۲۷۳.

۳- فهرست میکروفیلم های کتابخانه دانشگاه تهران، ص۷۱۱.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۱۶ و ۴۱۷؛ مزارات اصفهان، صص ۲۶۱ و ۲۶۲.

۵- فهرست مرعشی، ج۸، ص۲۰۸.

محمّد تقی اصفهانی*

محمّـد تقی بن عبدالجبّار اصـفهانی، از خطاطان زبردست دوره صـفویه است. پدرش از خطاطان نامدار و شاگرد میرعماد بوده است. ظـاهراً فرزنـد نزد پـدر به مشق خط پرداخته و به اسـتادی رسـیده است. در قزوین به کتابت مشـغول بوده و همانجا وفات یافته است.(۱)

شیخ محمّد تقی نجفی

شیـخ محمّـد تقی نجفی ابن شـیخ عبدالحسـین بن آقا جلال الـدّین بن حاج شـیخ محمّد تقی آقا نجفی، عالم فاضل جلیل، [در سال ۱۳۳۵ق در اصـفهان متولّـد شـده و تحصـیلات مقدماتی را نزد حاج آخوند هرتمنی، شـیخ محمّد جواد فریدنی و دیگران انجام داده و پس از گذراندن سـطوح فقه و اصول نزد حضـرات آیات سیّد محمّد نجف آبادی، شیخ محمّد رضا نجفی و حاج آقا رحیم ارباب، دروس خارج را فرا گرفت و در نجف اشـرف نزد آیات عظام سیّد ابوالقاسم خوئی، سیّد عبدالهادی شیرازی، میرزا باقر زنجانی و حاج آقا حسین بروجردی آن را تکمیل کرد. دروس فلسفی را در اصفهان از شیخ محمود مفید و در نجف اشـرف از شـیخ صدرا بادکوبه ای آموخت و طب را در اصـفهان نزد میرزا علی آقا شـیرازی فرا گرفت. وی همچنین در هنگام اقامت آیت اللّه میر سیّد علی بهبهانی در اصفهان، در جلسه درس ایشان شرکت می نمود.]

وی از آقا سیّد محمّد نجف آبادی و شـیخ محمّد رضا نجفی اجازه اجتهاد داشت و آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدّین عراقی آن را تأیید نموده بودند. [او عالمی عابد و متّق و اهل تهذیب نفس بود.

سرانجام در جمادی الثّانی ۱۴۱۷ق مطابق با ۲۷ مهر ۱۳۷۵ه.ش وفات نموده و پیکرش به مشهد مقدس حمل و در صحن قدس مرقد مطهر امام رضاعلیه السلام مدفون شد.(۲)]

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۶۸.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج۲، صص ۲۹۹ و ۳۰۰؛ رساله منتشـره بعد از وفات وی در شرح احوالش؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

محمّد تقی نصیری طوسی

محمّد تقی بن عبدالحسین نصیری طوسی اصفهانی، عالم فاضل محقّق در اصفهان ساکن بوده و کتب چندی تألیف نموده است که از آن جمله است:

۱. تحریر و تلخیص «اخلاق ناصری» ۲. «العقال فی مکارم الخصال» در علم اخلاق که در سال ۱۰۸۰ق تألیف شده است. ۳. «لب الألباب» ۴. «المبداء و المعاد»، که در سال ۱۰۸۰ق تألیف شده و نسخه اصل به خط مؤلف در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. ۵. «مقیاس صاحبقرانی»، در علم ریاضیات، که نسخه ای از آن به شماره ۱۰۱۵/۱۳ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی موجود است.(۱)

سیّد محمّد تقی فقیه احمدآبادی

سیّد محمّد تقی فقیه احمدآبادی بن سیّد عبدالرزاق بن سیّد عبدالجواد موسوی احمدآبادی بن میر قاضی بن سیّد محمّد نائب الصدر بن میر محمّد تقی موسوی (وزیر شاه صفی = شاه سلیمان صفوی و همسفر او در سفر خراسان و مشهد مقدّس)، عالم فاضل، خطیب بارع، و مجتهد جلیل القدر، در شب جمعه ۵ جمادی الاولی ۱۳۰۱ق در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علمای اصفهان به کسب فیض پرداخته و یا اجازه دریافت نمود که از آن جمله است: سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا سیّد اسداللّٰه (عمه زاده اش)، حاج میرزا بدیع درب امامی، آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی، حاج میر محمّد صادق خاتون آبادی، آقا میرزا عبدالرزّاق (پدر دانشمندش)، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آخوند ملّا محمّد کاشانی، سیّد محمود کلیشادی و حاج آقا منیرالدّین بروجردی. تا این که به مقامات عالیه علم و اجتهاد رسید.

۱- الروضه النضره، ص۱۰۲؛ الذریعه، ج۲۲، ص۱۲۶ و ج۱۵، ص ۲۵۰ و ج۱۹، ص ۵۰؛ فهرست کتابخانه مرعشی، ج۳، ص۲۱۱؛ فهرست الفبایی کتابخانه رضوی، ص۴۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۷.

وی در مسجد امامزاده اسماعیل اقامه جماعت می نمود و تدریس می کرد. او از شیفتگان و دلباختگان حضرت ولیعصر (عجل اللّه تعالی و فرجه) بود. طبع شعر نیز داشت و اشعاری از او موجود می باشد.

سرانجام در شب سه شنبه ۲۵ رمضان المبارک سال ۱۳۴۸ق پس از انتقال به بیمارستان مرسلین انگلیسی در اصفهان وفات یافت [و یا به قول برخی از بستگان آن مرحوم به دست یکی از افراد فرقه ضالّه بهائیت که متصدی بیمارستان بود مسموم شد و به شهادت رسید]و در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص مدفون گردید.

[در سالهای اخیر بقعه ای شکوهمند بر سر مزار او و پدر عالیقدرش بنا شده و زیارتگاه اهل معرفت است.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «آیین جمعه» یا «آداب الجمعات و ابواب الجنان» مطبوع ۲. «انیس المتفرّدین» ۳. «ایضاح الشّبهات» ۴. «بساتین الجنان» در معانی و بیان ۵. «تحفه المتأدّبین» در نحو ۶. «تذکره الطّالبین» در شرح «آداب المتعلّمین» ۷. «ترتیب الطّلاب در نحو» ۸. «تعادل و تراجیح» ۹. «تفسیر قرآن» ۱۰. «توضیح الشّواهد» ۱۱. «حواشی بر شرح الخبیص» ۱۲. «دیوان اشعار» با تخلّص «شرعی» و «تقی» ۱۳. «سراج القبور» در آداب نماز و نافله شب ۱۴. «شرح مختصر بر کتاب تصریف» ۱۵. «شرح نصاب» که در ۱۶ رجب ۱۳۱۰ق در ۱۰ سالگی تألیف نموده است. ۱۶. «ضیاء المنیر» در صرف ۱۷. «کنز الغنائم» در فضیلت دعا و نماز جهت حضرت قائم علیه السلام ۱۸. «محاسن الآداب» در نحو ۱۹. «مکیال المکارم» (عجل اللّه تعالی فرجه)، به عربی، در ۲ جلد که بارها به طبع رسیده و به فارسی هم ترجمه شده است. ۲۰. «نور الأبصار» در فضیلت انتظار ۲۱. «وظیفه الانام فی زمن غیبه الإمام» (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف).

این شعر از اوست:

گرم نصیب شود یک نظر به روی حبیب

نثار او بنمایم روان به رغم رقیب

به پای خود، اگرم بوسه ای روا دارد

نهم به تارک شاهان، ز حشمت و زیب

غم فراق و دل پر ز خون و اشک بصر

مرا ز روز ازل این سه چیز گشته نصیب(۱)

محمّد تقی عاشق آبادی*

محمّد تقی بن حاج عبدالقادر عاشق آبادی، از خطاطان زبردست خط نسخ است. از اهالی قریه «عاشق آباد» اصفهان بوده و به کتابت قرآن مجید مشغول بوده است. نسخه ای از قرآن مجید در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی موجود است. پدرش از عرفای مشهور اواخر حکومت صفویه است.(۲)

ملّا محمّد تقی مجلسی

ملّا محمّد تقی بن ملّا عبداللّٰه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، از علماء و صاحب تألیف بوده و در خارج از بقعه علّامه مجلسی مدفون است.(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۲۳ و ۳۲۴؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۵۸؛ الذریعه، ج۴، ص۳۹، ج۱۸، ص۱۶۰، ج۲۴، ص۳۷۵، ج۲۵، ص۱۱۵؛ شهدای روحانیّت شیعه، ج۲، صص ۶۴-۶۰؛ آشنایی با زندگی و شخصیت و شهادت آیت اللّٰه فقیه احمدآبادی: ؛مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۲۲۸؛ معجم المؤلّفین، ج۹، ص۱۳۱.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۳۰، ص۱۸۴.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۲۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۱۹ و ۴۲۰؛ مزارات اصفهان، ص۳۴.

ملّا محمّد تقی الماسی

ملّا محمّد تقی الماسی بن میرزا عزیزاللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل و زاهد متّقی. در سال ۱۰۸۹ق در اصفهان متولّد شد(۱) و نزد علمای عالیقدر آنجا تحصیل کرد تا اینکه در علوم زمان خود خصوصاً فقه، حدیث، کلام، ادبیات و حکمت مهارتی به سزا یافت. وی از علّامه مجلسی [و میر عبدالوهاب طباطبائی(۲)] اجازه دریافت نمود.

وی نماز جمعه را در اصفهان اقامه می نمود و به تدریس علوم عقلی و نقلی مشغول بود [و جمعی از افاضل از جمله آقا محمّد بیدآبادی(۳) و میرزا محمّد باقر رضوی قمی(۴) از محضر او مستفیض می شدند.]

«کمالات نفسانی علمی و عملی و پرهیزگاری ایشان به اقصی الغایه رسیده، بود و در خطب جمعه و جماعت به محض شروع اشک جاری بود، از چشم های ایشان تا فراغ»(۵)

وی سرانجام در شعبان ۱۱۵۹ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه، جلو قبر مجلسی اوّل [در شمال مسجد جامع اصفهان] مدفون شد.(۶)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «بهجه الاولیاء»، به فارسی در ذکر اسامی کسانی که در غیبت کبری موفّق به ملاقات حضرت ولی عصر(عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) شده اند [نسخه ای از آن به شماره ۶۳۷ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.](۷) ۲. «دیوان اشعار» ۳. «رسائل فقهی» ۴. «غدیریه» که در رمضان ۱۱۲۵ق از نظم آن فراغت حاصل نموده است. نسخه ای از آن در کتابخانه مجدالدّین [نصیری] در تهران موجود است.(۸)

۱- نجوم السماء، ص۲۷۵.

۲- فهرست مرکز احیاء میراث، ج۴، ص ۲۴۰.

۳- منتخب معجم الحکماء، ص۱۶۶.

۴- تلامذه العلّامه المجلسی، ص۸۵.

۵- تذکره الأنساب، (به نقل از مرآت الأحوال جهان نما، ج۱، ص ۲۶۱).

۶- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۳۰-۱۲۷.

۷- فهرست اعظم قم، ص۴۶.

۸- الذریعه، ج۱۴، ص۲۷.

او صاحب فرزندانی بوده که ۴ تن از آنها به نامهای ابوالحسن، ابراهیم، محمّد کاظم و محمّد باقر در قحطی در حین محاصره اصفهان به دست افاغنه تحت فرمان محمود افغان، فوت شده اند.(۱)

علت شهرت او به الماسی آن است که پدرش قطعه الماسی در جای دو انگشت مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام در ضریح مطهّر نصب نمود که قیمتش در آن زمان هفت هزار تومان بود.(۲)

میرزا محمّد تقی ادیب طوسی

میرزا محمّد تقی ادیب طوسی بن میرزا علینقی ملّاباشی، نویسنده و روزنامه نگار. در اصفهان متولّد شد و تحت تربیت پدر قرا گرفت و به تحصیل علم و ادب پرداخت و از دانشمندان آن عهد از جمله میرزا یحیی مستوفی بیدآبادی بهره گرفت. وی پس از وقوع انقلاب مشروطیت، در روزنامه «زاینده رود» به مدیریت «معین الاسلام خوانساری» به نوشتن مقاله پرداخت و چندی بعد مدیر آن روزنامه شد. و خود او بالاخره در اسفند ۱۲۹۹ش روزنامه «صبح امید» را منتشر کرد که تا سال ۱۳۰۵ش به چاپ می رسید. او همچنین مدیر مدرسه معرفت و یکی از اعضای هیأت مدیره مدرسه ایمانیه بود.

او مردی آزادیخواه و طرفدار مشروطه بود و در مقالات خود به استبداد و نقض قانون اساسی اعتراض می کرد. ادیب طوسی در سه شنبه ۲۹ ربیع الثّانی ۱۳۶۲ق وفات یافته و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۴۲۱.

۳- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۸؛ بوستان فضیلت، صص ۳۵۸- ۳۵۵.

ملّا محمّد تقی طبسی

ملّا محمّد تقی بن علینقی طبسی، عالم فاضل، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. وی در اصفهان ساکن بود و نزد جمعی از علمای اصفهان از جمله آقا جمال الدّین محمّد خوانساری به تحصیل پرداخت. پس از آن خود در اصفهان به تدریس مشغول شد. حزین لاهیجی درباره او نوشته است:

«از مشاهیر فضلاء و در فنون علوم، صاحب دستگاهی عظیم بود. در اصفهان توطن اختیار و به افاده اشتغال داشت و در آن حادثه به رحمت ایزدی پیوست.»

[ظاهراً وفات این عالم عالیقدر سال ۱۱۳۴ یا ۱۱۳۵ق بوده است.] کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «ترجمه مهج الدّعوات»، به فارسی، که در رجب ۱۱۱۷ق آن را برای شاه سلطان حسین صفوی ترجمه نموده و به شماره ۳۱۱۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس نگهداری می شود. (این ترجمه عالمانه اخیراً چاپ شده است) ۲. «ترجمه ادعیه الاسابیع»(۱)

محمّد تقی اصفهانی

محمّد تقی بن محمّد علی اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است که در ربیع الثّانی ۱۲۵۲ق کتابت قرآنی را به خط نسخ در اصفهان برای حاج میرزا فضل اللّه، لِله عباس میرزا نوشته است و به شماره ۱ در کتابخانه ملّی ملک تهران موجود است.(۲)

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص ۲۱۰؛ تتمیم امل الآمل، صص ۸۶ و ۸۷؛ الذریعه، ج۴، ص ۱۴۰ و ج ۱، ص۳۹۵ و ج۶، ص۱۹۷؛ الکواکب المنتشره، ص۱۲۲؛ فهرست الفبائی رضوی، ص ۵۷۱؛ فوائد الرضویّه، ص۴۳۳؛ دانشمندان خوانسار، صص ۲۴۷ و ۲۴۸.

۲- فهرست کتابخانه ملک،ج ۱ ص ۳.

ملّا محمّد تقی اردستانی

ملّا محمّـد تقی اردسـتانی بن حاج ملّا محمّـد علی بن ملّا عبـدالعظیم بن محمّـد تقی بیـدگلی کاشانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن سیزدهم هجری. در اصـفهان نزد علمـای اعلام حاج سیّد محمّـد باقر حجّهالاسـلام شـفتی و آقا میر سیّد حسن مـدرس و دیگران کسب فیض نموده و به درجـات عـالیه فضـل و کمـال رسـید، سـپس به موطن خود بازگشـته و به نشـر احکـام و اقـامه جمـاعت و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و قبل از سال ۱۳۰۰ق وفات نموده است. فرزندش میرزا حسـین داماد ملّا علی اکبر فشارکی بوده است.(۱)

محمّد تقی خان صدری

محمّـد تقی خـان صـدری [فرزنـد محمّـد علی خان] از فرهنگیان قـدیمی اصـفهان بود. سالها به عنوان مـدیر دبیرسـتان سـعدی اصـفهان و مدیریت دبیرسـتان صارمیّه و محقّق اوقاف و غیره خدمت می کرد. فردی مسلمان و معتقد و خوش رفتار و باکفایت بود.

[در اوّل مرداد ۱۳۲۶ه.ش وفات یافته در تکیه خانوادگی صدری ها در تخت فولاد جنب تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی مدفون شد.] در سالهای اخیر دیوارها و اطاق های تکیه را خراب کردند.

مرحوم استاد همایی مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است:

به سال شمسی «سنا» از پی تاریخ گفت:

«شود بصدر جنان جای محمّد تقی»(۲)

سیّد تقی حسینی

سیّـد تقی بن محمّد علی حسـینی اصـفهانی [از خطاطان و نویسـندگان کتب] در رمضان ۱۲۶۰ق مجموعه ای از چنـد رساله از جمله: «لؤلؤ درج المضامین» و «مختار القّراء» هر

۱- آتشکده اردستان، ج۱، ص۱۶۴؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۸۱ و ۲۸۲.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: مخطوط.

دو از تألیفات ملّا مختار قاری و سه کتاب دیگر را به خط نسخ نوشته است که به شماره ۱۵۱۷۵ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

شیخ محمّد تقی صدیقین*

حاج شیخ محمّد تقی بن آقا محمّد علی صدیقین اصفهانی، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۴۲ق در اصفهان متولّد شد. تحصیلات مقدّماتی را در اصفهان انجام داده و سطوح فقه و اصول را نزد اساتیدی چون حضرات آیات: شیخ هبهاللّه هرندی، شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، سیّد علی اصغر برزانی و سیّد حسین خادمی فرا گرفت. در سال ۱۳۶۵ق به قم عزیمت نمود و از درس آیات عظام بروجردی، سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد محمّد محقّق داماد، سیّد محمّد رضا گلپایگانی، شریعتمداری و امام خمینی بهره برد و درس فلسفه علّامه طباطبائی نیز شرکت کرد. در ایّام تعطیلات حوزه علمیه قم نیز به اصفهان می رفت و از درس حضرات آیات شیخ مهدی نجفی، حاج آقا رحیم ارباب و سیّد عبداللّه ثقهالاسلام بهره می گرفت.

ایشان به خواهش امام خمینی به مدّت ۴ سال به خرم آباد رفت و به اداره حوزه علمیه آنجا پرداخت. و آنگاه به قم بازگشته و به تدریس پرداخت

این فقیه محقّق و مجتهد مبرّز در چهارشنبه ۲۰ محرّم الحرّام ۱۴۲۶ق در قم وفات نمود و پس از اقامه نماز بر پیکر ایشان توسط آیت اللّه صافی گلپایگانی در قبرستان شیخان قم مدفون شد.

این تألیفات از ایشان است:

۱. «معیار الفقاهه در شرح شرایع الاسلام»، در ۹ جلد که قسمت «صلاه» و «حج» و «طهاره» آن به چاپ رسیده است. ۲. «رساله توضیح المسائل» ۳. «تفسیر آیه جلباب» ۴. «الغناء» موضوعاً و کلماً» ۵. «شطرنج و منع بازی با آن» ۶. «دین و زن» ۷. «حسین

۱- فهرست وزیری، ج۳، ص۸۵۶.

و پذیرش دعوت» در نقد کتاب «شهید جاوید»(۱)

شیخ محمّد تقی هرندی*

شیخ محمّد تقی بن شیخ محمّد علی هرندی اصفهانی، عالم فاضل زاهد متقی، درسال ۱۳۳۳ق در شهر «هرند» متولّد شد. پس از طی مقدّمات به سن ۱۴ سالگی به اصفهان آمد و پس از تحصیلات مقدماتی نزد اساتیدی چون حاج آقا رحیم ارباب و شیخ محمّد رضا نجفی مسجد شاهی تحصیل نمود.

در سال ۱۳۵۸ق به نجف اشرف رهسپار شد و نزد آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّد کاظم شیرازی، شیخ موسی خوانساری و سیّد جمال الـدّین گلپایگانی دروس خارج را تکمیل نمود و در آن شـهر به تدریس پرداخت و با دختر اسـتادش سیّد جمال الدّین گلپایگانی ازدواج کرد.

وی در سـال ۱۳۹۵ق به ایران بازگـشـته و در تهران به ارشـاد مردم و اقـامه جمـاعت در مسـجد یزدی هـا در خیابـان خانی آباد پرداخت تـا اینکه در روز جمعه ۲۵ صفر ۱۴۱۷ق وفات یافته جنازه اش به قم حمل و در صـحن حضـرت معصومه(س) مدفون شد. از آثار او تقریرات آیات عظام شیرازی و گلپایگانی است.(۲)

ملّا محمّد تقی استرآبادی*

ملّا محمّـد تقی بن ملّا محمّـد قاسم بن ملّا محمّـد شـفیع بن ملّا محمّد علی استرآبادی، عالم فاضل، از دانشـمندان قرن دوازدهم هجری در اصـفهان. جـدّش ملّا محمّـد علی استرآبادی داماد مجلسـی اوّل است. خود ملّا محمّد تقی دختر آقا محمّد مهدی بن آقا هادی بن ملّا محمّـد صالـح مازنـدرانی را به ازدواج خود درآورده است. و ملّا محمّـد صالـح مازنـدرانی نیز داماد ملّا محمّد تقی مجلسی بوده است.

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

۲- تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۴۹۶ و ۱۴۹۷.

سال فوت و دیگر مشخّصات زندگی او به دست نیامد.(۱)

میرزا محمّد تقی نوری

میرزا محمّد تقی بن محمّد علی نوری، عالم فاضل، از علمای اصفهان در اواخر دوره قاجاریه. در فنّ تعبیر خواب، ابن سیرین زمان خود بوده و گاه او را میرزا محمّد تقی مُعَبِّر می گفته و از تعبیرهای او حکایت ها نقل می کرده اند.

وی در سال ۱۳۲۹ق وفات نموده و در پشت بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون شد.

فرزندش محمّد علی این شعر را برای او گفته که بر روی سنگ قبر او نوشته شده است:

آن که در تعبیر همچون یوسف صدیق بود

از ممات خود حیات جاودانی را ربود

چون که رسمش بود تقوی اسم او هم شد تقی

تسمیه اش خود با مُسَمّی از ازل تطبیق بود

چون که از ظلمات دنیا شد به عقبی نور او

همنشین با حور و غلمان شد به جنّات الخلود(۲)

تقی بهروز

تقی بهروز بن محمّد کاظم، شاعر ادیب، در سال ۱۳۱۲ق متولّد شده و در اصفهان علم و ادب آموخته است. در شعر طبع روانی داشته و «بهروز» تخلّص می کرده و در

۱- فیض قدسی، ص۲۲۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۷۵.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۹۶ و ۳۹۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۶۸؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۶۵-۶۱.

حدود سال ۱۳۶۲ق وفات یافته است. این شعر از اوست:

گوئید حریفان ره میخانه کدامست

آن پیر خراباتی مستانه کدامست

زاهد منما منع ز می خوردن رندان

آن کس که نبوسد لب پیمانه کدامست

تو خون یتیمان خوری و ما می احمر

انصاف بده عاقل و فرزانه کدامست(۱)

محمّد تقی یزدی

محمّد تقی بن محمّد مجید یزدی اصفهانی، از خوشنویسان قرن دوازدهم هجری که مجموعه ای به خط نستعلیق ترتیب داده و نوشته [است] و به شماره ۲۰۸۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است.(۲)

ملّا محمّد تقی اصفهانی

مولی محمّد تقی فرزند بهاءالدّین محمّد اصفهانی معروف به فاضل هندی، عالم فاضل.(۳)

[از بهاءالدّین محمّد اصفهانی معروف به فاضل هندی فرزندی با نام محمّد تقی شناخته شده است. از قول جامع دیوان سیّد نصراللّه حائری نقل شده است که: شمس سماء الفضل و الافضال و قطب دائره الکمال و النوال مولانا محمّد تقی ولد الاجل الفاضل الهندی... نامه ای

به سیّد نصراللّه نوشته، او را دعوت نموده و سیّد مشارالیه به اشعاری چند وی را جواب فرموده:

یا ایها المولی التّقی الّذی

لسانه مازال یروی الصواب

یابن البهائی الّذی فضله

کالشمس اذ لا یعبریها سحاب

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۹۶ و ۹۷.
۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۷۰۷.
۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۵۶.

أهديت لی رقعه عز عذت

فی حسنها تشبه عصر الشباب

فیها شراب رائق قد صفا

و فی رقاع الغیر أضحی سراب(۱)]

محمّد تقی مسیر اصفهانی*

محمّد تقی مسیر بن محمّد صحّاف اصفهانی، شاعر ادیب معاصر میرزا محمّد طاهر نصرآبادی بوده و «مسیر» تخلّص می نموده است. از اوست:

از دیدن من شاد شود خاطر مجنون

دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید(۲)

تقی فداکار*

تقی فداکار فرزند شیخ محمّد انصار ترک همدانی، از فعالّان سیاسی و اجتماعی معاصر، در سال ۱۲۸۲ش درا صفهان متولّد شد. در نوجوانی تحت تأثیر افکار انقلابی برادرش باقرخان عراقی، به نهضت جنگل پیوست. پس از آن در یک شرکت تجاری روسی در ایران به کار پرداخت و در آنجا با زبان روسی آشنا شد. چندی بعد به استخدام اداره ثبت اصفهان درآمد و عاقبت حرفه وکالت را برگزید. او پس از شهریور ۱۳۲۰ با ایجاد ارتباط با کارگران کارخانجات نساجی اصفهان و به منظور انسجام بخشیدن جنبش کارگری و پیگیری مطالبات صنفی آنان، اتحادیه کارگران اصفهان را تأسیس کرد.

وی در سال ۱۳۲۲ش در انتخابات مجلس شورای ملّی شرکت کرد و به عنوان نماینده اصفهان به مجلس رفت. در سال ۱۳۲۷ش و به دنبال ترور شاه دستگیر و زندانی شد. امّا با پادرمیانی دکتر مصدّق آزاد شد. در سال ۱۳۳۱ش به اصفهان بازگشت و به فعّالیّت های سیاسی خود ادامه داد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت دکتر مصدّق، او نیز تحت تعقیب قرار گرفت. او پس از آن از فعّالیّت های سیاسی

۱- احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی، ص۴۳؛ اعیان الشیعه، ج۹، ص۱۹۷.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۸۸.

گناره گرفت و به کار وکالت و سرکشی به مزرعه خود مشغول شد. گفته می شود مأموران امنیتی رژیم پهلوی بر علیه او مشغول برنامه ریزی بودند و در بامداد ۶ خرداد ۱۳۵۰ش تقی فداکار توسّط اتومبیل نزدیک مزرعه خود زیر گرفته شد و کشته شد. جسدش را در کنار برادرش، در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد، به خاک سپردند.(۱)

ملّا محمّد تقی مجلسی (اوّل)

ملّا محمّد تقی مجلسی معروف به «مجلسی اوّل» بن مقصود علی مجلسی نطنزی اصفهانی، از اکابر علماء و فقهای شیعه و از ثقات و معتمدین محدّثین، فقیه محدّث اصولی رجالی زاهد عارف، در سال ۱۰۰۳ق در اصفهان متولّد شده و اساتید و یا مشایخ روایت ایشان عبارتند از: میرزا ابراهیم رضوی همدانی، شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی، میر ابوالقاسم فندرسکی، امیر اسحاق استرآبادی، شیخ جابر نجفی، سیّد حسین کرکی، شیخ عبداللّه بن ابوالبرکات، شیخ عبداللّه جابر عاملی، ملّا عبداللّه شوشتری، سیّد شرف الدّین علی شولستانی، شیخ علی بن عبدالعالی (محقّق کرکی)، ملّا محمّد قاسم (خالوی ملّا محمّد تقی مجلسی)، مُعزّالدّین محمّد بن قاضی جعفر اصفهانی، قاضی معزّالدّین محمّد، شیخ بهائی، شیخ محمّد تبنینی، میرزا محمّد استرآبادی، ملّا مقصود علی نطنزی عاملی و شیخ یونس جزائری.

وی در مسجد جامع اصفهان به اقامه جماعت و تدریس فقه و حدیث و کلام پرداخته و نماز جمعه را در مسجد جامع جدید عباسی [مسجد امام فعلی] اقامه نمود و باقی عمر را صرف عبادت و تحقیق و تصنیف کرد. او اهل ریاضت و ذکر بوده و اربعین ها ریاضت کشیده و مکاشفاتی داشته که برخی از آنها معروف است.

وی در فهم حدیث و تحقیق اسناد آن سرآمد علمای عهد خویش بوده و در ترویج روایت ائمه و نشر کتابهای حدیثی شیعه اهتمام بسیار داشته است. او شاگردان بسیاری

۱- اتحادیه های کارگری و خودکامگی در ایران، صص ۴۴۲ و ۴۴۳.

تربیت نموده و نگارنده در کتاب زندگینامه علّامه مجلسی به نام ۴۵ نفر از آنان اشاره نموده ام.

مجلسی اوّل در سال ۱۰۷۰ق در اصفهان وفات یافته و در زاویه شمال غربی مسجد جامع عتیق اصفهان مدفون گردید.

شعیب جوشقانی این بیت را به عنوان مادّه تاریخ وفات او سروده است:

«مسجد و منبر از صفا افتاد»

صاحب علم رفت از عالم

۱۰۷۰ ۱۰۷۰

برخی از آثار او عبارتند از:

۱. «لوامع صاحبقرانی» ۲. «روضه المتقین در شرح من لا- یحضره الفقیه» ۳. «شرح صحیفه سجادیه» ۴. «حاشیه بر تهذیب الأحکام» ۵. «شرح خطبه همام»(۱)

سیّد محمّد تقی حجازی فروشانی*

سیّد محمّد تقی حجازی فروشانی ابن سید محمّد مهدی، عالم فاضل. در سال ۱۳۱۷ش در محلّه فروشان سِدِه ماربین [خمینی شهر ماربین] متولّد شد. برای تحصیل علوم دینی در مدرسه جده بزرگ ساکن شد. منطق را نزد شیخ حیدرعلی صلواتی، معالم

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۴۱۳-۳۶۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ۱۲۱-۱۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان،ج۱، صص ۴۲۴-۴۲۲؛ مزارات اصفهان، ص۳۵؛ الذریعه: مجلدات مختلف؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۹۸؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۱۳۷؛ مصفی المقال، صص ۹۸ و ۹۹؛ لباب الألقاب، ص ۹۰ و ۱۳۲؛ شمس التواریخ، ص۱۲؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۶۶؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۰۳-۱۰۰؛ مرآت الأحوال جهان نما، ج۱، صص ۶۲-۵۷؛ ریاض العلماء، ج۵، ص۴۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۴۰-۲۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۱۸؛ روضات الجنات، ج۲، ص۱۱۴؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۴۷۸ و ۴۷۹؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، صص ۱۹-۱۴؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۱؛ تذکره العلماء، صص ۱۶۷-۱۶۴؛ فیض قدسی، صص ۱۹۶-۱۸۳؛ الاعلام، ج۶، ص۶۲؛ الکنی و الالقاب، ج۳، صص ۱۵۰ و ۱۵۱؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۹۰۵.

را نزد سیّد محمّد قهدریجانی، مغنی و حاشیه ملّا عبداللّه را نزد شیخ محمّد علی حبیب آبادی در مدرسه نیم آورد، شرح لمعه را نزد شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، رسائل و مکاسب را نزد سیّد مصطفی مهدوی و میر سیّد علی مشکاه، شهید سیّد ابوالحسن شمس آبادی، قوانین را نزد ملّا هاشم جنتی، حکمت را نزد شیخ محمود مفید و حاج میرزا رضا کلباسی، هیئت را نزد مجد العلماء نجفی، کفایه رانزد پدر خود و شیخ احمد فیاض و درس خارج را نزد حاج آقا حسین خادمی وسالها نزد حاج شیخ حسن صافی و سرانجام نزد حاج آقا حسین مظاهری فرا گرفت.

وی پس از آن در روستای اصغرآباد و همچنین خمینی شهر به تبلیغ دین و انجام فعالیت های عمرانی و خدمات فرهنگی مشغول شد. اکنون در خمینی شهر به وظایف دینی مشغول است و سطوح فقه و اصول را در مدرسه صدر تدریس می نماید.(۱)

سیّد محمّد تقی موسوی خوانساری

سیّد محمّد تقی بن سیّد محمّد مهدی موسوی خوانساری، از خوشنویسان اواخر دوره قاجاریه است. وی کتاب «کشف الأنوار» در ترجمه جلد نهم بحارالأنوار، تألیف شیخ محمّد تقی آقا نجفی اصفهانی را در سال ۱۲۹۵ق کتابت نموده است. این کتاب یک سال بعد چاپ سنگی شده است.(۲)

سیّد محمّد تقی گلستانه

سیّد محمّد تقی بن میرزا محمّد مهدی گلستانه، عالم فاضل. وی در طهران ساکن بوده و پس از فوت پدر در سال ۱۳۲۲ق در مسجد قنات آباد طهران به اقامه جماعت پرداخته است.

همچنین کتابخانه ای نفیس و آبرومند از پدر به او منتقل شد.(۳)

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۷۹ و ۲۸۰.

۳- نقباء البشر، ج۱، ص۲۷۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۵.

میرزا محمّد تقی خان حکیم باشی*

میرزا محمّد تقی خان حکیم باشی بن ملّا محمّد هاشم خوشنویس انصاری کاشانی، از چهره های درخشان علم و ادب اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. در سال ۱۲۶۶ق متولّد شد و در اصفهان مقدّمات علوم را آموخت. سپس به تهران رفت و در مدرسه نظامی دولتی به تکمیل دانش پرداخت. گرچه رشته تخصصی او پزشکی بود ولی در اصفهان در انواع علوم اهل تتبّع و تحقیق بود و به هیأت، جغرافیا، گیاه شناسی، معرفه الأرض و زهرشناسی می پرداخت و در این فنون صاحب تألیف بود. از ادب بهره مند بود و شعر می سرود و نثر را درست و با آئین می نوشت. در پاره ای از آثار خود به سره نویسی مایل بوده و می کوشد برای مصطلحات فرنگی معادل های پارسی بسازد. قسمت عمده عمر کوتاه او در خدمت ظلّ السّلطان حاکم اصفهان گذشت. هنگامی که در فارس در خدمت ظلّ السّلطان بود. روزنامه «الفارس» را منتشر ساخت و در اصفهان در ۲ جمادی الاولی ۱۲۹۶ق نخستین شماره روزنامه فرهنگ که نخستین روزنامه تاریخ مطبوعات دراصفهان نیز هست را انتشار داد و تا پایان عمر در آن مقالات مفید علمی نوشت.

او از افاضل کارگزاران حکومت ناصری و دارای چند نشان از دولت ایران و دیگر دول بوده و در چندین انجمن مشهور علمی عضویت داشت. او مردی روشن اندیش، آگاه و دلسوز بوده و از عقب ماندگی جامعه ایرانی آن روز ابراز تأسف و ناراحتی می نمود. خدمات ارزنده او در انتشار کتابهای مفید از علوم جدید و توسعه بهداشت در اصفهان و اشاعه علوم در آن عهد نادر و کم نظیر بوده است.

وی سرانجام در شب سیزدهم ماه رجب المُرَجَّب سال ۱۳۰۳ق بر اثر بیماری استسقاء درگذشت و در حجره شرقی تکیه میر فندرسکی در تخت فولادبه خاك سپرده شد.

عباسعلی خرّم لنبانی در مرثیه ای مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است:

بهر تاریخ وفاتش گفت خرّم این چنین

«آه» افلاطون دوم رفت زین دنیا برون»

وی صاحب تألیفات فراوانی در موضوعات علمی است از جمله:

۱. «گنج شایگان» درباره خوزستان در مجله دانشکده ادبیات اصفهان چاپ شده است. ۲. «حدائق الطّبیعه» که چاپ شده است. ۳. «ترجمه انـدرزنامه تربیت اطفال» نوشـته: لرد برلی، که چاپ سـنگی شده است. ۴. «اختلال نظام عالم به واسـطه مسکرات» یا «خمریه» که چاپ سـنگی شده است. ۵. «جانورنـامه» موجود در کتابخـانه مجلس شورای اسـلامی در تهران ۶. «تذکره الأرض ناصری» ۷. «کتـاب کحّـالی» موجـود در کتابخـانه مرکزی دانشـگاه تهران ۸. «زینـه الابـدان» که چـاپ سـنگی شـده است. ۹. «مسافرت تفلیس» ۱۰. «خمریه» چاپ سنگی شده است و غیره.(۱)

محمّد تقی (سارو تقی)

میرزا محمّد تقی معروف به «سارو تقی» بن میرزا هدایت اللّه تبریزی اصـفهانی، از مردان باکفایت و کاردان عصر صفویه است که در اثر اسـتعداد و فعـالیت، از نـانوایی به مقـام صـدارت رسـیده و به لقب «اعتمادالـدّوله» ملّقب شـده و در دسـتگاه صـفویّه اقتـداری یـافته است. لـذا مورد بغض و کینه مخالفین واقع شـده و ظاهراً به اشاره شاه عباس ثانی در شـعبان ۱۰۵۵ق به سن ۷۰ سالگی به دست جانی خان کشته شده و معروف است که در محلّه جوباره اصفهان مدفون گردیده است، لکن پس از تحقیق و تَتَبُّع مسلّم گردید که قبر او در امامزاده شاه سیّد علی در محلّه خواجو قرار دارد.

۱- مجله دانشـکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره سوم، مهر تا اسفند ۱۳۷۰ش، صص ۱۳۱-۱۲۹؛ تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۳، صـص ۷۵-۷۳؛ مجمـوعه کمینه، ص۱۳۲؛ فهرسـتواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۱۵۰؛ فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۱۲۴؛ فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص ۱۴۲ و ۱۸۱؛ فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۷، ص۴۴۹ تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظلّ السّلطان، صص۱۴۰-۱۳۸؛ اصفهان: مدارس نوین و مفاخر آن، صص ۱۴۲-۱۳۸.

سارو تقی در ایّام وزارت خود مصدر خدمات مهمّی شده و بانی آثار خیریه زیاد می باشد که از آن جمله است:

۱. بازار ساروتقی معروف به قهوه کاشیها ۲. چهارسوی ساروتقی در بازار بزرگ ۳. حمام ساروتقی ۴. قصر ساروتقی در محلّه امامزاده احمد ۵. کاروانسرای ساروتقی در قهوه کاشیها ۶. سه مسجد در حسن آباد و بازار و جوباره ۷. مدرسه ساروتقی مقابل امامزاده احمد، خانه و مدرسه و مسجد در محلّه عباس آباد ۸. سنگ ریزی راه باتلاقی مازندران ۹. ایجاد راه فیروزآباد به آمل ۱۰. بنای شهر اشرف در مازندران (بهشهر کنونی)(۱)

محمّد تقی تاجر عباس آبادی

میرزا محمّد تقی تاجر عباس آبادی، از تجار معروف است که در قرن یازدهم هجری در محلّه عباس آباد اصفهان می زیسته و در ثروت و مکنت و عقل و فطانت معروف بوده است. مردی عالی همّت و صاحب مروّت و فاعل به خیرات و مبرّات بوده و در حمایت و کمک به نیازمندان اهتمام تمام داشته است.(۲)

محمّد تقی جامی

محمّد تقی جامی، از علماء و شعراء معاصر اصفهان و از اهالی قریه «ورنوسفادران» سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] و در اشعار خود، خویش را «ادیب اصفهانی» می خواند.

وی در دبیرستان های خمینی شهر و مدرسه ناصریه اصفهان تدریس نموده است.

از اوست:

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۶۳؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۶۶؛ وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۱۳ و ۵۱۵؛ از شیخ صفی تا شاه صفی، ص۲۲۷؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چ۱۳۷۷)، ج۳، ص۱۸۱۹؛ مزارات اصفهان، صص ۲۳۹ و ۲۴۰؛ سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، صص ۲۴-۱۶.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۹۴-۳۹۲.

ای یار مهیّا کن، خلوتگه تنها را

تا آنکه ببینی تو، اعجاز مسیحا را

جان بی رخ ماه تو، آرام نمی گیرد

از چهره خود بردار، این پرده دیبا را(۱)

محمّدتقی خلجی*

محمّدتقی خلجی، از فضلاء و نویسندگان معاصر ۱۳۲۷ش در فریدن متولّد شد. از سالهای جوانی شروع به تحصیل علوم دینی کرد و در قم نزد بزرگانی چون وحید خراسانی و جوادی آملی حاضر شد. او سالها به تبلیغ و تحقیق مشغول بوده و نویسنده ای توانا و خطیبی ماهر است.

این کتابها از آثار اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «اسرار خاموشان» در شرح صحیفه سجادیه ۲. «ترجمه صحیفه سجّادیّه» ۳. «رخساره خورشید» در شرح خطبه حضرت زهرا(سلام اللَّه علیها) ۴. «سحر سخن و اعجاز اندیشه» در شرح دو خطبه از حضرت زهرا(سلام اللَّه علیها) ۵. «تشیّع و انتظار» ۶. «آسیب شناسی زبان» ۷. «غیبت».(۲)

محمّد تقی خوزانی

محمّد تقی خوزانی از نویسندگان کتب در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری بوده است.

از آثارش کتابت نسخه ای از دیوان میرداماد است که آن را در چهارشنبه ۲۳ رمضان المبارک سال ۱۳۲۰ به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۳۲۲۴ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

خوزان یکی از دهات سه گانه (سِدِه ماربین) اصفهان است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۷.

۲- یادداشت آقای رحیم قاسمی.

۳- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۹، ص۳۲۲.

استاد محمّد تقی دهقّی*

استاد کربلائی محمّد تقی دهقّی، از حجّاران هنرمند اواخر دوره قاجاریه است. از آثار او لوح سنگی منصوب بر دیوار شرقی ایوان مسجد جامع گزِ بُرخوار است که آن را در سال ۱۳۰۵ق حجّاری کرده است.(۱)

همچنین از آثار حجّاری او چندین سنگ مزار است. از جمله:

سنگ مزار سیّده صفیّه بیگم بنت آقا سیّد محمّد علی، در سال ۱۳۱۰ق در روستای کلهرود از توابع شهرستان بُرخوار و میمه. و سنگ مزار مستوره النّساء خانم بنت سیّد محمّد قاسم، در سال ۱۳۲۳ق در همان روستا.(۲)

شیخ محمّدتقی رهبر*

شیخ محمّدتقی رهبر، از چهره های سیاسی روحانیت در عصر حاضر. در سال ۱۳۱۴ش متولّد شد، تحصیلات خود را در حوزه علمیه زرین شهر آغاز کرد و سپس به قم عزیمت نمود و از محضر حضرات آیات سیّد محمّدباقر سلطانی طباطبایی، میرزا علی مشکینی، علّامه طباطبائی، حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمّدرضا گلپایگانی و امام خمینی بهره برد و پس از ۱۰ سال به اصفهان بازگشت و ضمن تحصیل نزد حضرات آیات خادمی و خراسانی، به تدریس و وعظ و خطابه مشغول شد. او در جریان انقلاب اسلامی، از روحانیون فعال طرفدار امام خمینی بود و پس از پیروزی انقلاب به تدریس و تحقیق و تألیف مشغول بود. او در دوره هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی از اصفهان به مجلس راه یافت.

این کتابها از اوست:

۱. «ارمغان خانقاه» ۲. «پژوهشی در تبلیغ» ۳. «ابعاد سیاسی، اجتماعی نهج البلاغه» ۴. «سیاست و مدیریت از دیدگاه علی بن ابیطالب علیه السلام».

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۱۸۹.

۲- یادداشت های غلامرضا نصرالهی.

علاوه بر آن وی مقالات بسیاری در مطبوعات از جمله ماهنامه «پاسدار اسلام» به چاپ رسانیده است.(۱)

تقی ضمیر اصفهانی

تقی حلوائی متخلّص به «ضمیر» شاعر ادیب، در اصفهان ساکن بوده و جهت تجارت به هند رفته و پس از بازگشت به اصفهان وفات یافت.

از اوست:

بیستون را چون در خیبر به زور تیشه کند

عشق زنگ حیدری بر بازوی فرهاد بست(۲)

محمّد تقی عارف اصفهانی

آقا محمّد تقی اصفهانی متخلّص به عارف، شاعر ادیب و عارف قرن سیزدهم هجری. در اصفهان متولّد شد و علم و ادب را نزد آقا محمّد کاظم واله اصفهانی آموخت. در جوانی به جوانی عطار دل سپرد و برای او شعر سرود. سپس برای تجارت به شیراز رفت و چند صباحی آنجا بود و به زین العابدین شیروانی (مست علی شاه) دست ارادت داد. او تا سال ۱۲۶۰ق در قید حیات بوده و ظاهراً پس از سفر به هندوستان وفات یافته است.

از اوست:

بر روی مهت زلف سیه ریخته دیدم

روز و شب خود را به هم آمیخته دیدم(۳)

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۰؛ کاروان هند، ج۱، ص۷۵۲.

۳- تذکره دلگشا، صص ۵۲۱ و ۵۲۲؛ مجمع الفصحاء، ج۵، ص ۷۳۱ و ۷۳۲؛ تذکره ریاض العارفین، ص۴۵۴؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۲۹۴؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۱۴۵.

ملّا محمّد تقی گزی

آخوند ملّا محمّد تقی جزی بُرخواری، عالم فاضل زاهد، از علمای روستای جز (گز) بُرخوار اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. ظاهراً خدمت حاج محمّد ابراهیم کلباسی و سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی تلمّذ نموده و نزد آنان مقبول القول و معتمدٌالیه بوده است. آثار خیریه بسیاری در زادگاهش به جای گذاشته و در آنجا به زهد و تقوا شهرت داشته و مورد اعتماد مردم بوده است.

سال وفات او به دست نیامد. قبرش در بقعه ای در قبرستان گز بوده است. مشارٌالیه پدر مرحوم ابوالفقراء گزی شاعر عالیقدر و جدّ مادری آخوند ملّا عبدالکریم گزی است.(۱)

محمّد تقی متّقی اصفهانی*

محمّد تقی اصفهانی متخلّص به «متّقی» از شعراء و سخنوران اصفهان در عصر صفویه بوده و غزل را نیکو می سروده و معاصر شاه عباس دوّم بوده است.

از اوست:

هیچ طاقی به جهان چون خم ابروی تو نیست

رو به محراب که دارد که دعاگوی تو نیست(۲)

تقی مثال قهپایه ای

تقی مثال قهپایه ای، شاعر ادیب، به «تقیا» شهرت داشته و «مثال» تخلّص می نموده است.

مدّتی در خدمت میرزا مؤمن شهرستانی متولّی مشهد مقدّس بوده و پس از فوت او

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۰۴ و ۷۸۸؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۷۷؛ فرهنگ و تاریخ گز و بُرخوار، ص ۱۵۷ و ۱۲۰.

۲- گلزار جاویدان، ج۳، ص۱۲۲۶.

جزو کـارگزاران دفـتر قورچیـان، در خـدمت مرتضـی قلی خـان قورچی باشـی بود. پس از آن به خـدمت میرزا علیرضـا، شـیخ الاسلام درآمده و سرانجام در سال ۱۰۷۶ق وفات یافت.

از اوست:

به هر که نشئه شوریدگی حواله کنند

مِی شکستگی رنگ در پیاله کنند(۱)

سیّد محمّد تقی مدنی چهارسوقی*

سیّد محمّد تقی مدنی چهارسوقی از علماء معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۸ش متولّد شد. پس از تحصـیل مقدمات نزد اساتیدی چون شـیخ عبدالرسول الیادرانی، شـیخ محمّد علی حبیب آبادی، شرح لمعه را نزد شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی و معالم را نزد شـیخ محمّد حسـین فقیه نطنزی خواند و از محضـر آیات سـیّد ابوالحسن شـمس آباد و شیخ عباسعلی ادیب و سیّدحسین خادمی و سیّد محمّدرضا خراسانی بهره برد.

وی مسـجد چهـارده معصوم را در سال ۱۳۸۰ق در خیابـان ارتش (بهـداری لشـکر) بنـا نمود و سـال هاست که در آن به اقامه جماعت و تبلیغ دین اشتغال دارد.

او یـک روحـانی متواضع، سـاده زیست، مردمی و خوش اخلاـق است و از ارادتمنـدان واقعی حضـرت امـام خمینی و انقلاـب اسلامی است و فرزندش سیّد سعید مدنیان در جبهه های نبرد حق علیه باطل به شهادت رسیده است.

او دارای ذوق شـعری است و اهتمـامی بلیغ در نصب اسامی مبارک چهارده معصوم و تاریـخ ولادت و شـهادت آن بزرگواران در مساجد و اماکن مذهبی دارد.

تألیفات وی عبارتند از:

۱. «سـراج اللغه» در ترجمه لغـات قرآن ۲. «زبـده المغنی» که نظم هشت بـاب مغنی اللـبیب است. ۳. «زبـده المطول، نظم أبواب مطول» ۴. «زبده النهج»، نظم مختصر «نهج البلاغه» ۵. «الفیه المدنیه فی تنظیم کتاب الصمدیه للشیخ البهائی» ۶. «وقایع

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۶۶.

الایام یا تقویم شرعی» ۷. «ستاره درخشان» در آیه تطهیر به نظم ۸. «خاطرات تلخ و شیرین». همه این ۸اثر مطبوع است.(۱)

میرزا محمّد تقی مذهّب*

میرزا محمّد تقی مُذهِّب اصفهانی، در فنون تذهیب به خصوص جدول کشی، تشعیر، زرافشانی و تزئینات گل و بتّه استاد بود. وی از اصفهان به تهران رفت و در آنجا به فعّالیّت پرداخت. تا سال ۱۲۹۴ق در قید حیات بود.(۲)

ملّا محمّد تقی مشهدی*

ملّا محمّد تقی مشهدی، عالم فاضل و حکیم عارف، از دانشوران قرن یازدهم هجری. در جوانی به اصفهان آمده و نزد فضلاء و علمای بزرگ اصفهان خصوصاً میرزا ابوالقاسم فندرسکی به تحصیل پرداخته و در اندک زمانی گوی سبقت از همگنان ربوده و در علم الهی و نظری سرآمد شد.

دانشمندی وارسته و بی آلایش بود و اغلب در قهوه خانه ها، دوستان را از فیض صحبت خود سیراب می ساخت. سرانجام برای دیدار پدر از اصفهان به مشهد مقدس سفر کرد ولی در مسیر راه وفات یافت. در سرودن شعر طبع روانی داشت. از جمله قصیده ای در جواب حکیم سنائی سرود.(۳)

سیّد محمّد تقی مصطفوی فروشانی

سیّد محمّد تقی مصطفوی فروشانی، عالم زاهد و عابد، از اهالی محلّه «فروشان» سِدِه [خمینی شهر] اصفهان. در اصفهان نزد بسیاری از علمای اصفهان از جمله [سید مهدی درچه ای، آخوند گزی، سیّد عبداللّه ثقهالاسلام] و شیخ محمّد رضا نجفی تحصیل نموده و

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۱۸.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۲۱ و ۳۲۲؛ صحف ابراهیم، (تعلیقات)، ص۲۷۶.

در مسجد نو درب سیّد واقع در محلّه فروشان اقامه جماعت می نمود.

[وی نزد عموم طبقات محبوب القلوب و مقبول و مورد وثوق و اطمینان قاطبه اهالی محل و علمای اصفهان بود. وی به اقامه نماز شب و نیایش اهتمام تمام داشت. همچنین اصرار فراوان در گفتن اذان تا پایان عمر داشت.]

وی در ماه صفر ۱۳۹۳ق در زادگاه خود وفات یافته و [در حرم مطهر امامزاده سیّد ابراهیم در خمینی شهر مدفون شد.(۱)]

تقی منشی نوری*

تقی منشی نوری، خطاط هنرمند قرن چهاردهم هجری در اصفهان ساکن بود. شکسته و نستعلیق را خوش می نوشته و تا سال ۱۳۲۱ق در قید حیات بوده است.(۲)

میرزا محمّد تقی نشئه

میرزا محمّد تقی، متخلّص به «نشئه» شاعر ادیب، خواهرزاده مهدی بیک شقاقی است. در مراغه به سال ۱۲۱۰ق متولّد گردیده و به شغل کلاهدوزی روزگار می گذرانید. او برخی از بزرگان طهران را هجو گفت و از ترس به کرمان گریخت. سپس به کربلا رفت. در یکی از قضایای آن حدود مجروح گردید (شاید در فتنه وهابی ها) سپس برگشت و معتمدالدّوله منوچهرخان گرجی حاکم اصفهان را مدح گفت. دیوان اشعارش در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است در جنگ شماره ۲۹۶۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ص۶۲ اشعاری در هجو، از او نوشته شده است.(۳)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج۲، صص ۲۹۸ و ۲۹۹؛ خمینی شهر: شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۲- فهرست کاتبان و خوشنویسان اصفهان، خطی.

۳- الذریعه، ج۹، ص۱۷۱؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج ۱۰، ص۱۷۸۶.

تمیم لیکجی اصفهانی

ابوبکر تمیم بن احمد بن محمّد بن عبداللّٰه بقّال لیکجی اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. او از ابوالقاسم عبدالرّحمان بن ابی عبداللّٰه بن منده حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از او حدیث نوشته است. سمعانی از او با عنوان «شیخاً صالحاً مستوراً» یاد کرده است.(۱)

تمیم تمیمی

ابوثمامه تمیم بن سعد تمیمی، از محدّثین اصفهان است. ابواحمد مسعود بن یزید قطان از او روایت می کند و خود ابوثمامه از غیاث بن ابراهیم روایت می نماید.(۲)

۱- التّحبیر، ج۱، ص۱۴۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۳۹.

«ث»

اشاره

ثابت تفلیسی

ابوالقاسم ثابت بن بُندار بن اسد تفلیسی، از محدّثین عامّه است. به اصفهان آمد و از محدّثین این شهر همچون ابی احمد عبداللّه بن عدی بن عبداللّه، ابوعلی حامد رفّاء بن محمّد بن عبداللّه بن معاذ هروی و محمّد بن احمد بن عیسی ورّاق حدیث نقل کرد.(۱)

ثابت ثقفی اصفهانی

ابوالعز ثابت بن ابوالقاسم محمّد بن ابی بکر احمد ثقفی اصفهانی، از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری است. ابوسعد سمعانی از او اجازه گرفته است.(۲)

ثابت صفّار اصفهانی

ابوالفضل ثابت بن محمّد بن فضل صفّار اصفهانی، از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری است. از ابوالعباس احمد بن عبدالغفار بن اشته استماع حدیث کرده و در سال ۵۳۲ق جهت ابوسعد سمعانی اجازه نوشته است.(۳)

ثابت مدینی اصفهانی

ابوالفرج ثابت بن محمّد بن یحیی بن حسن مؤذّن مدینی اصفهانی. از محدّثین عامّه در قرن ششم هجری.

وی در استماع حدیث از مشایخ، با ابوسعد سمعانی شریک بوده و هر دو از ابومحمّد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۴۹.

زبیر بن محمّد بن احمد جرقوئی استماع حدیث کرده اند. سمعانی از او چنین یاد کرده است. «کان کیساً متحرکاً حریصاً علی السّماع»(۱)

ثابت مستوفی اصفهانی

کمال الدّین ابوالعزّ ثابت بن محمّد مستوفی اصفهانی، درباره او نوشته اند که: از فن استیفا آگهی چندانی نداشت و از علوم ادب نیز بی بهره بود، لکن با وجود این به مقام استیفا رسیده است.

مقام استیفا در زمان سلطان مسعود سلجوقی، اوّل دفعه مربوط به کمال الدّین ثابت قمی و پس از کشته شدن او ابوطالب بن ابی بدر بود و چون ابوطالب پس از یک ماه وفات یافت، صاحب عنوان که او را کمال الدّین ابوالرّیان اصفهانی نوشته اند، پس از مسعود در زمان سلطان محمّد نیز نیابت استیفا را داشته است.

ثابت اصفهانی

ابوطالب ثابت بن نصر بن بکروس اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. از ابوالحسین لاحق بن محمّد بن احمد تمیمی اسکاف استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از وی حدیث شنیده است.(۲)

ثعلبه اصفهانی

ابوبحر ثعلبه بن ربیع اصفهانی معروف به قمی (نام پدرش را سُهیل نیز گفته اند) از محدّثین عامّه بوده و از اعمش، جعفر بن ابی مغیره و لیث بن ابی سُلیم روایت می کند. جریر بن سغیان، مهران رازی، یعقوب قمی و جمعی دیگر از وی نقل حدیث کرده اند.(۳)

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۳۹.

ثعلبه حنظلی

ابوطاهر ثعلبه بن مطهر بن احمد حنظلی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. وی از ابوعلی مَصاحفی روایت نموده و در سال ۳۹۸ق وفات یافته است.(۱)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۲۴۰.

ص: ۲۷۱

اعلام اصفهان

«ج»

اشاره

جابر اَندانی اصفهانی

ابوالقاسم جابر بن محمّد بن ابوبکر اندانی اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. در محلّه لنبان اصفهان ساکن بود. از ابوعلی حسن بن احمد حدّاد و ابوشکر حمد بن علی حبال و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از او حدیث اخذ نموده است.(۱)

[اندان یا انداآن از روستاهای ماربین بوده و سپس به سِدِه پیوسته و امروزه جزء محلّات خمینی شهر محسوب می شود.]

جابر لاذانی اصفهانی

ابوالحسن جابر بن محمّد بن ابی الحسین لاذانی معلّم قصار،از محدثین اصفهان در قرن ششم هجری است. در باغ عیسی واقع در محلّه یهودیه اصفهان ساکن بوده و از قاضی ابومنصور بن شکرویه و ابومحمّد رزق اللّه عبدالوهاب تمیمی استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از او حدیث نوشته است.

صاحب عنوان در شوال سال ۵۵۱ق در اصفهان وفات یافته است.(۲)

[لاذان که امروزه لادان گفته می شود از روستاهای غرب شهر اصفهان بوده و اکنون به شهر پیوسته است.]

۱- معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۶۰؛ التحبیر، ج ۱، ص ۱۵۲.

۲- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۵۲.

جابر رنانی اصفهانی

ابوبکر جابر بن محمّد بن احمد بن ابی الحسین رنانی اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. از ابومحمد رزق اللّه (بن عبدالوهاب) تمیمی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در قریه رنان از او استماع حدیث کرده است.(۱)

[رُنان که امروزه «رِهنان» گفته می شود از روستاهای معروف ماربین بوده و اکنون به شهر اصفهان ملحق شده است.]

جابر ویذ آبادی

ابومحمّد جابر بن منصور بن محمّد بن صالح ویذ آبادی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری [و از اهالی محله «ویذ آباد» یا «بید آباد» اصفهان] است.

ابوسعد سمعانی، از او نقل حدیث نموده و او را با القاب «شیخٌ صالحٌ سدیدٌ » ستوده است. جابر ویذ آبادی از احمدبن عبدالغفار بن اشته اصفهانی روایت می کند.(۲)

جامع اصفهانی

ابوبکر جامع بن ابی الحسن علی بن ابوبکر نیشابوری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. او از ابوالحسین عبدالرّحمان ذکوانی و جز او شنیده و ابوسعد سمعانی از وی در اصفهان حدیث شنیده و از او به عنوان «شیخاً سدیداً مستوراً» یاد کرده است.(۳)

جان بیگی اصفهانی*

درویش جان بیگی، از عرفای اصفهان در عصر صفویه است. در تکیه ای در کنار نهر هزارجریب به عبادت مشغول بوده و در سال ۱۰۹۰ق به سفر حج رفته است. گرچه

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۵۲.

۲- التحبیر، ج ۱، ص ۱۵۳؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۹۳۹.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۱۵۸.

شاعر نبوده، امااین بیت را از قول او نقل کرده اند:

بیا به خانه فقر و درآ ز شور الم

که عنکبوت در آنجا مگس نمی گیرد(۱)

جبر بن نوف

ابوودّاک جبر بن نَوف، از محدّثین اصفهان است.

وی از ابوسعید خدری روایت می کند. در رساله شرح حال آل اعین کنیه او «ابوردال» ذکر شده است.(۲)

جبیر خَرجانی اصفهانی

ابوسعید جبیر بن هارون بن عبداللّه معدّل خُرجانی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. مدّتها در ری ساکن بوده و احادیث محدّثین آنجا همچون علی بن محمّد طنافُسی و محمّدبن حُمید را می نوشته است. همچنین با ابی حاتم و دیگر بزرگان ری به استماع حدیث مشغول بوده و در آن شهر صاحب اعتبار و قدر بوده است.

وی در سال ۳۰۵ق وفات یافت.(۳)

[یاقوت حموی «خَرجان» را از محله های اصفهان دانسته و سپس از قول ابوالقاسم اسماعیل بن محمّدبن فضل اصفهانی، نوشته است که «خَرجان» از روستاهای اصفهان است و آنجا به قصبه (یا شهرک) بیشتر شناخته شده است و این گفته محکم تر و قابل اعتمادتر است.(۴)]

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۰۴ و ۳۰۵.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۱؛ رساله در شرح حال آل اعین، ص۱۰۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۳.

۴- معجم البلدان، ج۲، ص۳۵۳.

جدیدی اصفهانی

جدیدی اصفهانی، از امیرزادگان ترکمان و از شعرای زمان شاه طهماسب صفوی است. وی مردی بذله گو و شیرین سخن بود.

از اوست:

به خدا که اشکت آید، اگر اینقدر برانی

که گرفته در دلم جا، چه قدر محبّت تو(۱)

جذبیِ اصفهانی

جذبیِ اصفهانی فرزند عالی خان، از امرای شاه طهماسب صفوی بوده و در غزل سرایی مهارت داشته است.

از اوست:

گر نه اش روز جزا وعده دیدار دهی

در ته خاک، شهید تو تحمّل نکند(۲)

جذوی اصفهانی

جذوی، از ایل و قبیله جغتایی است. در اصفهان نشر و نما یافته و در سال ۹۱۰ق در این شهر فوت شده است.

از اوست:

آب چشمم خویش را رسوای مردم کرده است

می دود هر سو نمی دانم که را گم کرده است.(۳)

۱- تذکره تحفه سامی، ص۳۵۶؛ تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص۶۷۳؛ تذکره روز روشن، ص۱۶۶.

۲- تذکره روز روشن، ص۱۶۶؛ تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص۶۷۳.

۳- تذکره روز روشن، ص۱۶۷؛ تذکره آتشکده،بخش اوّل از نیمه اوّل، ص۵۱؛ الذریعه، ج۹، ص۱۹۲؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۷۵؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۳۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۳.

جریر ضُبّی اصفهانی

جریر بن عبدالحمید بن جریر بن قُرط بن هلال بن انس ضبّی، از محدّثین قرن دوم هجری، اصلش از کوفه است. در قریه «آبه» از توابع اصفهان در سال ۱۱۰ق متولد شده و در کوفه نشو و نما یافته و سرانجام در سال ۱۸۸ق در ری وفات یافته است.

از ابوبکر طلحی، روایت می کند و محمّدبن حُمِید از او نقل حدیث می نماید.(۱)

درباره او نوشته اند: «کان ثِقهٌ کثیرُالعِلم. یُرحل إلیه، و کان حُجهٌ و کانت کتبه صحاحاً. ثقهٌ یحتَّجُ به».(۲)

ملّا محمّد جعفر اصفهانی

ملّامحمّد جعفر اصفهانی، عالم فاضل،از دانشوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان نزد علاّمه مجلسی، به تحصیل پرداخته و علاّمه در آخر «کتاب الفِتَن» از «بحارالانوار» در تاریخ ۱۴ شعبان ۱۰۹۹ق برای او اجازه نوشته است. این نسخه به شماره ۱۸۶۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.

همچنین وی کتاب «مقباس المصابیح»تألیف استادش مجلسی را خلاصه نموده و در آن اسانید دعاها و فضایل و ثواب های آن ادعیه را حذف نموده و آن را «تعقبات الصلاه» نام نهاده است. نسخه ای از این کتاب را محمّد ابراهیم قمی خطّاط عالیقدر عهد شاه سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۴ق به خط نسخ خوش کتابت کرده و در کتابخانه حاج سید نصراللّه تقوی موجود بوده است.(۳)

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۱؛ الاعلام، ج۲، ص۱۱۱؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۱۸۲؛ تاریخ بغداد، ج۷، ص۲۵۳؛ تذکره الحفاظ، ج۱، ص۲۵۰.

۲- تاریخ بغداد، ج۷، ص۲۵۳.

۳- الذریعه، ج۴، ص۲۱۸؛ اجازات الحدیث، صص ۱۸۳ و ۱۸۴؛ تلامذه العلاّمه المجلسی، ص۸۶؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۲، ص۲۱.

محمّد جعفر اصفهانی

محمّـد جعفر اصـفهانی، عالم جلیل، فقیه اصولی، مـدرس فقه و اصول، در سال ۱۳۱۷ق زنـده بوده است. کتب زیر از تألیفـات اوست:

۱. حجیّت قطع و ظن ۲. حجیّت استصحاب ۳. اجتماع امر و نهی ۴. اصاله البرائه ۵. تعادل و تراجیح(۱)

سیّد محمّد جعفر اصفهانی

سیّد محمّد جعفر اصـفهانی، عالم فاضل فقیه، از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری است، در شـهر بمبئی هند ساکن بوده و در سال ۱۳۰۰ق کتـاب «دلائل الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام»، به عربی تألیف شـیخ محمّـدتقی آقانجفی را تصـحیح نموده و کتاب به دسـتور حاج محمّدکریم تاجر اصفهانی و فرزندش آقا محمّدجعفر به سعی و اهتمام حاج شیخ عبدالوهاب شیرازی در بمبئی به طبع رسیده است.(۲)

در این کتاب از صاحب عنوان چنین یاد شده است: «مرکز دایره قطب فلک سـعادت، العالم الفاضل علّامه العلماء و سیّدالفقهاء محمّـد العصـر و فریدالـدّهر مصـطفوی حسب مرتضوی نسب مولانا الاحد آقائی آقا سـیّد محمّد جعفر مد ظلّه العالی اصـفهانی الاصل ۷ ربیع الثانی ۱۳۰۰».

میرزا جعفر اصفهانی

حاج میرزا جعفرآقا اصـفهانی، شاعر ادیب، در اواخر دوره قاجاریه می زیسـته است. قصـیده ای در مرثیه اسـتاد غلامرضا شیشه گر (مشـتاق علی شـاه) نعمت اللهی گفته است که در پشت دیوان خطی حـاج ملّاهـادی سبزواری نوشـته شـده است. نسـخه در کتابخانه

۱- معجم رجال الفکر و الادب، ص۱۲۷.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۳۸۲.

دانشکده حقوق دانشگاه تهران موجود است.(۱)

جعفر آل ابراهیم

جعفر آل ابراهیم بن ملّامحمّد ابراهیم دهکردی، شاعر، نویسنده و خوشنویس معاصر در سال ۱۳۲۵ق در شهرکرد متولّد شد. مقدمات علوم را در آنجا انجام داد. سپس با برادر خود باقر آل ابراهیم به اصفهان آمده، در مدرسه صدر ساکن و به تکمیل معلومات و فضائل خویش همت گماشت و در جمیع فنون خصوصاً ادبیات زحمت فراوان کشید و از سال ۱۳۱۲ش در اصفهان به شغل دبیری مشغول گردید. سپس به تهران رفته و در دبیرستانها و دانشگاه ملی ایران [دانشگاه شهید بهشتی فعلی] به تدریس پرداخت.

وی در خط نیز مهارتی به سزا داشته و نستعلیق را خوش می نوشت. طبع شعر نیز داشته و ابتدا «نائل» و سپس «صبا» تخلّص می نمود و اشعارش در مطبوعات اصفهان به چاپ می رسید. او در شعر و خوشنویسی از شاگردان میرزا عباس خان شیدای دهکردی است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «بدایه الادب» ۲. «تاریخ ادب عرب» ۳. «دیوان شعر» ۴.دستور زبان فارسی» ۵. منتخب ادبیات نظم و نثر فارسی»

این شعر از اوست:

همت از ناصح صاحب نفسی باید خواست

روی بر درگه صاحب نگهی باید کرد

تا به سر منزل مقصود بسی مرحله هاست

طیّ هر مرحله با خضر رهی باید کرد

۱- فهرست حقوق، ص۱۱۶.

خواهی ار بوسه زند چرخ رکابت هر صبح

پای در حلقه خورشید و مَهی باید کرد(۱)

شیخ محمّد جعفر شیخ الاسلام

شیخ محمّد جعفر شیخ الاسلام بن محمّدابراهیم بن میرزا مرتضی شیخ الاسلام، از فضلاء علمای قرن سیزدهم هجری.

وی تملّک خود را در ظَهر نسخه ای از جلد دوم «قوانین الاصول» میرزای قمی را که به خط علّامه فقیه آقا سیّدمحمدحسن مجتهد موسوی اصفهانی بوده و در ذیحجه الحرام سال ۱۲۷۹ق به این عبارت مرقوم داشته است:

«قد انتقل إلیّ فی شهر ذی القعده الحرام سنه ۱۲۷۹ و سیصیر إلی غیری و انا الاحقر» با مهر بیضوی بزرگ باسجع مهر «عبده الرّاجی محمّد جعفر بن محمّد ابراهیم ۱۲۳۲ (۲)] این نسخه در کتابخانه مؤلف فقید مهدوی موجود بوده است]

میرزا جعفر ظفر اصفهانی

میرزا جعفر متخلّص به «ظفر» فرزند میرزا ابراهیم ساغر اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن چهاردهم هجری.(۳)

شیخ محمّدجعفر کلباسی

شیخ محمّدجعفر بن حاج محمّدابراهیم کلباسی، عالم فاضل جلیل ادیب محقق در ۱۴ رمضان ۱۲۱۹ق در اصفهان متولّد گردیده و نزد جمعی از علماء و مجتهدین این شهر همچون پدر بزرگوار خود و سیّد حجهالاسلام و حاج محمّدجعفر لنگرودی تلمّذ

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۹۰ و ۴۹۲؛ شناخت سرزمین چهارمحال، صص ۶۳۴ و ۶۳۵.

۲- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۶۷.

۳- دیوان غمگین، مقدمه...

نموده تا به مقامات عالیه علم و فقاهت رسیده و بعضی اوقات امامت مسجد حکیم را داشته است.

وی در تقوا و دیانت و تواضع کم نظیر بوده و سرانجام در جمعه ۲۶ محرم الحرام سال ۱۲۹۲ق در اصفهان وفات یافته و در مقبره پدر واقع مقابل در شرقی مسجد حکیم مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. تحفه الجعفریّه در دیات، کتاب مفصل و بزرگی است. تاریخ انجام تألیف آن شب ۱۸ رمضان المبارک ۱۲۸۴ق می باشد. [و به فارسی نوشته شده است. نسخه ای از آن به شماره ۱۶۷۵ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است] ۲. رساله ای در احوال مرحوم سیّد حجه الاسلام و پدر بزرگوار خود که مرحوم شیخ کمال الدّین ابوالهدی کلباسی برادرزاده اش در کتاب «البدر التمّام» از آن مطالبی نقل می نماید. ۳. منهج الرشاد إلی احکام الدّین و الایمان. تاریخ قرائت مجلّد اوّل آن ۲۳ شوال ۱۲۷۳ق است.[نسخه ای از کتاب به خط محمدرضا نجف آبادی به تاریخ ۱۲۷۴ق که به وسیله مؤلف تصحیح شده است در کتابخانه آیت اللّه حاج سیدمحمدعلی روضاتی موجود است.] ۴. نورالعیون فی احکام الحدود و القصاص، که مأخوذ از کتاب دیگر مؤلف تحفه الجعفریه می باشد و نسخه آن نزد فرزند مؤلف شیخ موسی موجود بوده است.

تذکر: مؤلف رساله مختصر دیگری در احوال پدر بزرگوارش دارد که در آخر نسخه منهج الهدایه تألیف پدرش به طبع رسیده است.(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۲۱؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۸۵ و ۲۸۶؛ مزارات اصفهان، ص۶۸؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان، ج۱، ص۲۲۷؛ خاندان کلباسی، صص ۱۸۴ و ۱۸۷؛ الذریعه، ۲۳، ص ۱۸۰؛ فهرست مرکز احیاء، ج۵، ص۹۱.

جعفر اصفهانی

جعفر بن أبی السری اصفهانی، از محدثین اصفهان [در قرن چهارم هجری، اگرچه رسماً به تشیع مشهور نبوده امّا از دوستداران حضرت علی علیه السلام بوده، کما اینکه ابن عقده، پس از آنکه مطمئن می شود او از ناصبیان اصفهان نیست و از علی علیه السلام کینه ای ندارد، به او حدیث آموخته است.(۱)]

جعفر زعفرانی

جعفر بن احمد بن حمّاد زعفرانی شیبانی، از محدّثین اصفهان است و از أبی عُبیده نمرّی روایت می کند.(۲)

جعفر رویدشتی

جعفر بن احمد بن داود رویدشتی، از محدثین اصفهان است. اصلاً از اهالی رویدشت بود و در مدینه (شهرستان) اصفهان ساکن بود. وی از احمد بن مهدی روایت می کرد و ابواسحاق سریجانی مدینی از او نقل حدیث نموده است.(۳)

جعفر اصفهانی

ابوالفضل جعفر بن احمد بن فارس، از محدّثان اصفهان در قرن سوم هجری است. از ابی معصب، اسحاق بن اسرائیل، اسماعیل بن اُمیه، سهل بن عثمان و عبدان عسکری روایت می کند و ابومحمّد بن حیّان و احمد بن اسحاق از وی نقل حدیث می کنند.

صاحب عنوان صاحب تصنیفاتی بوده و در سال ۲۸۹ق وفات یافته است.(۴)

۱- تذکره الحفاظ، ج۳، ص۹۱۶؛ ذیل «طبرانی» تاریخ تشیع اصفهان، صص۳۷۷ و ۳۷۸؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۴۰۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص۲۴۲ و ۲۴۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۷.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۲۴۲ و ۲۴۵.

سیّدجعفر طباطبائی نجف آبادی

سیّدجعفر طباطبائی نجف آبادی ابن اسداللّه، عالم فاضل و شاعر ادیب محقّق، در سال ۱۳۲۹ق روستای «چشمه احمدرضا» از توابع منطقه «کَرْوَن» متولّد شد. در کودکی به تحصیل پرداخت و در نوجوانی به اصفهان رفت و نزد علمای عالیقدر حوزه علمیه اصفهان شیخ ابراهیم ریاضی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، میرزا علی آقا شیرازی، میرسیّدعلی مجتهد نجف آبادی و شیخ احمد حججی نجف آبادی، کسب فیض نمود. این ایام مصادف اقدامات رضا شاه علیه روحانیت به ویژه جلوگیری از استفاده اهل علم از لباس روحانیت بود. سپس او به نجف آباد آمد و در درس علمای آنجا آقایان منتظری و شیخ عبّاس ایزدی حضور یافت. او سالها به تحقیق و تدریس و تبلیغ در نجف آباد مشغول بود. تا اینکه در سال ۱۴۲۴ق وفات یافته و در «جنّت الشهداء» نجف آباد مدفون شد. شعر نیز می سروده و در آن اشعار «هاشمی» تخلص می نموده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «کلیّات اشعار هاشمی» (که قسمتی از آن با عنوان «دیوان هاشمی» در سال ۱۳۳۹ش به چاپ رسیده است. ۲. «دیوان انقلاب»، مجموعه ای از اشعار او که در سال ۱۳۶۲ش چاپ شده است. ۳. «پرتو جلوه حق» مجموعه ای از اشعار ۴. «گلزار معرفت» ۵. «ارکان دین» ۶. «برتر از خون شهید»

فرزند برومند او سیّدمحمّد طباطبایی در سال ۱۴۰۳ق در منطقه موسیان (در جبهه های جنگ ایران و عراق) به شهادت رسید.(۱)

سیّد جعفر خاکشیر

سیدجعفر خاکشیر بن سیّد اسماعیل موسوی، شاعر هزل سرای معاصر. در سال ۱۳۰۰ق در اصفهان متولّد شد. در جوانی در محلّه جلفا به کلاهدوزی مشغول بود و در

۱- تذکره شعرای معاصر نجف آباد، ص۳۱۹؛ دیباچه دیار نون، ص۲۰۳؛ سیمای دانشوران، صص ۱۲۴-۱۲۱؛ آئینه اهل قلم، صص ۶۶ و ۶۷؛ گنجینه دانشمندان، ج۹، ص۲۳۵.

اواخر عمر به بافندگی پرداخت اگر چه اغلب اشعارش هزل و مشتمل بر الفاظ رکیک بود، امّا او مردی خجول و محجوب و معتقد به آداب شریعت بوده و در عین حال محبوب خواص و عوام و مورد قبول اهل شعر و ادب بوده است. در اوایل شاعری «صراحی» تخلّص می نمود و سپس آن را به «خاکشیر» تغییر داد. دیوان اشعار او بارها به چاپ رسیده است.

او تا آخر عمر بدون همسر و فرزند زیست و ازدواج نکرد تا اینکه در ۲۶ ذیقعده ۱۳۷۵ق وفات یافته و در تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شد.

جعفر نوای اصفهانی ماده تاریخ فوت او را به سال شمسی چنین سروده است:

به نظم آمد این مصرع دلپذیر

«بسازد به طبع همه خاکشیر»(۱)

این بیت از اوست:

سحر آمدم به کویت که ببینمت نهانی

«اَرِنی» نگفته گفتی دو هزار «لَن تَرانی»(۲)

سیّد جعفر خلیفه سلطانی

سیّد جعفر بن سیّد اسماعیل خلیفه سلطانی، از علماء اخیار، فاضل متقی در اصفهان متولّد شده و نزد مرحوم سیّد حجّهالاسلام شفتی و حاج محمّدابراهیم کلباسی، حاج ملّا حسینعلی تویسرکانی و آقا میرسیّد محمّدشهشهانی به تلمّذ پرداخت. امّا عمده تحصیلات او نزد آقا میرسیّد حسن مدرّس میر محمّدصادقی بوده است.

وی قبل از سال ۱۲۹۰ق در اصفهان وفات یافته و در قبرستان ستی فاطمه مقابر خانوادگی خود مدفون گردید. او پدر زن فقیه ادیب حاج سید مهدی نحوی بوده است.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳۸ و ج۲، ص۷۳۴؛ لطائف غیبیّه: ص سی و دو؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۲۷۰-۲۶۱.

۲- نامه سخنوران سپاهان، صص۹۶ و ۹۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۷۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۰؛ دولت دیدار، صص ۱۹۱-۱۸۵.

۳- بیان المفاخر، ج۱، ص۲۸۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۷.

جعفر اصفهانی

جعفر بن اسماعیل اصفهانی، در سال ۱۲۳۶ق جزوه ای در طب در ۱۸۵ برگ خشتی شامل نسخه هایی متفرّقه و تجربیّاتی که روی بیمارها انجام شده کتابت نموده است. نام گروهی از طبیبان مانند: محمدیار خان، میرزا کاظم، میرفضعلی شاه، محمّدعلی خان و میرزا احمدخان در آن آمده است.

نسخه به شماره ۱۰۷۱ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

محمّدجعفر انصاری مبارکه ای

محمّدجعفر بن محمّدامین انصاری مبارکه ای، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری.

از آثارش مجموعه ای است به شماره ۲۷۷۹ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران شامل دو رساله در طباخی یکی به نام «فتوت نامه» و دیگری «رساله در طبّاخی» که آن را در ربیع الثّانی سال ۱۰۹۳ق به خط نسخ متوسّط کتابت نموده است.(۲)

همچنین در سال ۱۰۹۰ق نسخه ای از «خلاصه الحساب» شیخ بهائی را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۶۸۴۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

میرزا جعفر صافی

میرزا سیّد جعفر متخلّص به «صافی» فرزند محمّدامین مرعشی، شاعر و ادیب فاضل. در غزل و قصیده از اساتید ادب شمرده می شد. وی در سال ۱۲۱۹ق وفات نمود و در تکیه میر فندرسکی واقع در تخت فولاد مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «زبده الانساب» در منسب سادات مرعشی ۲. «شهنشاه نامه» مثنوی در معجزات

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص ۱۲۸.

۲- فهرست مجلس ج۹، بخش یکم، ص ۲۲۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۳۷.

پیامبرصلی الله علیه وآله و جنگهای علی علیه السلام که در مدت ۱۰ سال سروده و به نام فتحعلی شاه آن را «شهنشاه نامه» نامیده است. گزیده ای از این مثنوی در کتاب «حیدری نامه» به چاپ رسیده است. ۳. «مثنوی گلشن خیال» [۴. «دیوان اشعار»، بالغ بر دوازده هزار بیت.(۱)]

این رباعی از اوست:

گر جان طلبند در وفای تو دهم

ور سر خواهند در وفای تو نهم

چیزی که نمی دهم به غیر تو دل است

وان نیز اگر بود رضای تو، دهم

[مرحوم استاد مهدوی در کتاب های خود سال تولّد «صافی» را ۱۱۳۰ نوشته است امّا در تذکره های عهد قاجاریه عمر او را حدود ۷۰ سال نوشته اند و تولّد او حدود سال ۱۱۴۹ق خواهد بود.]

محمّدجعفر اصفهانی

محمّدجعفر بن محمّدباقر اصفهانی [از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری] «رساله سلیمانیه» تألیف: ابوالقاسم بن محمّد گلپایگانی که به نام شاه عباس دوم و به خواهش شاگرد خود آقا سلیمان قمی در احکام زنان نوشته است را به خط نستعلیق کتاب نموده و کتاب به شماره ۳۳۳۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

سیّد محمّدجعفر علم الهدی

آقا سیّد محمّدجعفر علم الهدی شفتی بن حاج سیّد محمّدباقر ثانی بن حاج سیّد اسداللّه بید آبادی بن حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی، عالم فاضل. او پس از پدر مدّتی

۱- مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۶۷۳ و ۶۷۴؛ تذکره اختر، ص۱۲۲؛ سفینه المحمود، ج۲، ص۴۳۴؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۴۰۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۲؛ گلشن مراد، صص۴۱۴-۴۱۲؛ حدیقه الشعراء، ج۲، صص۹۶۵-۹۶۳؛ فهرست کتابخانه الهیات مشهد، ج۱، ص۱۸۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۹۷؛ حیدری نامه، صص ۲۵۰-۲۳۵.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۳۱۸.

در مسجد [سیّد] جماعت می نمود. بعداً ترک آن گفته و در سال ۱۴۰۴ق در تهران وفات یافت.(۱)

میرزا جعفر مذهب

میرزا جعفر مذهب بن میرزا محمّد باقر منجم بن سیّد محمّدحسین بن سیّد بدیع الزّمان حسینی گنابادی، در صنعت تذهیب رنج ها برده تا استادی مسلم گردید لکن در اوان جوانی به سن ۲۸ سالگی وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

ملّا محمّدجعفر سبزواری

ملّا محمّدجعفر بن ملّا محمّدباقر محقق سبزواری بن محمّد مؤمن، عالم فاضل، محقق جلیل، عابد زاهد، از علمای قرن دوازدهم هجری.

شیخ محمّدعلی حزین که معاصر اوست وی را از «اتقیای معروف و مرتاضان» عصر شمرده و خاتون آبادی در کتاب «وقایع السنین و الاعوام» وی را جزو علمائی که در سال ۱۱۲۲ق در منزل میرزا محمّدباقر صدر خاصّه برای تعیین روز ولادت حضرت علی علیه السلام گرد آمده بودند نام می برد همچنین نام وی جزء علمایی است که در سال ۱۱۲۲ق در افتتاح مدرسه چهارباغ حضور داشته اند.(۳)

صاحب عنوان ظاهراً از شاگردان محقق سبزواری و محقق خوانساری و علّامه مجلسی بوده و سالها در اصفهان تدریس و امامت داشته است.(۴) او بعد از فوت ملّا محمّدصالح بن ملّا رضا قلی به امامت مسجد جامع جدید عباسی [مسجد امام فعلی]منصوب گردیده است.(۵)

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۷۶.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۴.

۳- وقایع السنین و الاعوام.

۴- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۷۰-۱۶۷.

۵- وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۳۷.

[این عالم ربانی سرانجام در روز ۹ محرم سال ۱۱۳۵ق وفات یافته و در قبرستان پشت گنبد (برف انداز) مسجد حکیم مدفون گردیده و قبر تاکنون باقی و برقرار و دارای سنگ لوح است.(۱)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تکبیرات سبع» که ضمن مجموعه شماره ۴۷۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم موجود است. ۲. «رساله در تعیین روز عید نوروز» ۳. «رساله در معاد» شرح تفسیر آیات آخر سوره «الزُّمَر» برای شاه سلطان حسین صفوی در سه فصل. نسخه ضمن مجموعه شماره ۱۲۴۹ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.(۲)

۴. «رؤیه الهلال قبل الزّوال» در ردّ فاضل سراب نسخه به شماره ۱۸۶۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (۳) ۵. «شرح الفیه» شهید اول، به فارسی که نسخه ای از آن به تاریخ ۱۱۲۷ق در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۹۹۳۶ موجود است. (۴) ۷. «الوتیره» در این رساله ثابت می کند که در نماز و تیره نشستن افضل از ایستادن می باشد. نسخه ضمن مجموعه شماره ۴۷۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۵)

همچنین شیخ محمّدجعفر سبزواری نسخه ای از «حق الیقین» علّامه مجلسی را به خط نسخ زیبا کتابت کرده و به شماره ۱۹۴۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۶)

سیّد جعفر بیدآبادی

حاج سیّد جعفر بیدآبادی بن حاج سیّد محمّدباقر حجه الاسلام شفتی بن سید نقی، از رؤسای علماء اصفهان در اواخر دوره قاجاریه پس از فوت برادرش آقا سیّد مؤمن

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۴۳۴.

۲- فهرست اعظم، قم ص ۵۱۴.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸ ص ۴۷۲.

۴- فهرست الفبایی رضوی، ص ۳۲۵.

۵- فهرست مرعشی، ج۲، ص ۸۲.

۶- فهرست مرعشی، ج۵، ص ۳۰۷.

ریاست و عنوان کلّی یافته در مسجد سیّد تعمیراتی انجام داده و قسمت عمده کاشیکاری مسجد در زمان تولیت ایشان بوده است.

او در مسجد سیّد اقامه جماعت می نموده و پشت و پناه مظلومین بوده و سرانجام در عاشوراء سال ۱۳۲۰ق در مسافرت عتبات در کربلا وفات یافته و در نجف اشرف جنب برادرش حاج سیّد اسداللّه در یکی از اطاق های صحن مطهر حضرت علی علیه السلام مدفون گردید.(۱)

میرزا جعفر مجلسی

میرزا جعفر بن علّامه ملّا محمّدتقی مجلسی، عالم فاضل از فضلای قرن دوازدهم هجری در اصفهان است. [تملك او با مهر بیضوی بر روی برگی از کتاب «جوامع الکلام» تألیف سیّد میرزا جزایری مشهود است.]

از تألیفات او: «مفتاح النجاح» موسوم به «مفتاح الجنان» است که به فارسی و به نام شاه سلیمان تألیف نموده و شامل یک مقدمه در مقدمات نماز و سه باب در نماز یومیّه و تعقیبات آن و سایر نمازها و ادعیه و احراز و خاتمه کتاب مشتمل بر فوائد متفرقه است. کتاب به سعی و اهتمام ملك الکتاب شیرازی در سال ۱۳۱۸ق به چاپ رسید. و در هامش آن «لئالی المخزونه» تألیف: فیض کاشانی به طبع رسیده است. در فواید الرضویّه نیز آمده است که دو نسخه از «مختصر المصباح» تألیفات ملّامحمّد جعفر مجلسی در کتابخانه میرزا محمّد قمی موجود است.(۲)

۱- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۵۵ و ۳۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷۷؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۴؛ نقباء البشر، ج۱، ص۲۷۹.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۴۲ و ۳۴۳؛ فهرست مرکز احیاء میراث، ج۷، ص۱۰۲؛ الذریعه، ج۲۱، ص۳۵۵؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۴، ص۴۸۴۷؛ فوائد الرضویه، ج۲، ص۴۷۲.

میرزا محمّدجعفر گلستانه

میرزا محمّـدجعفر [بن میرزا جمال] گلسـتانه، از وزراء عهـد زندیه. [ابتدا در دفترخانه نادرشاه افشار خدمت می کرده است. در زمـان آزاد خان افغان که حکومت اصـفهان را داشـته است، به وزارت او انتخاب شـد و پس از به حکومت رسـیدن کریم خان زند بر این منصب باقی ماند.(۱)]

عبدالرزاق بیگ دنبلی که معاصر اوست می نویسد:

«پیوسـته گرهی در ابرو و چین بر جـبین ظـاهر و لائـح داشت. و رایت تبخّر بر آسـمان می افراشت. بزرگ لحیه و قوی سـبلت، صـاحب نخوت و وقـار و شـهامت. در مجلس انس و خلوت مخلی به نـدیم و مـدام محلی بود. شـیوه صـحبتش شـیرین و طرز محاورتش نمکین».(۲)

میرزامحمّـد جعفر گلسـتانه در سال ۱۱۹۴ق (یـک سـال پس از درگـذشت کریم خـان زنـد) وفـات نمود و ظاهراً جنازه اش از شیراز به اصفهان حمل و در قبرستان شیرسبز واقع در کوی باغ سهیل اصفهان مدفون شد.

قبر دارای سنگ لوح بود که پس از تسطیح قبرستان و احداث مسجد، داخل مسجد واقع شده و از بین رفت.(۳)

سیّد جعفر علوی عاملی

سیّـد جعفر بن حسن علوی عاملی جبعی [از فضـلای قرن یازدهم هجری] بخش دوم کتابت «اللّهوف» تألیف سـیّد بن طاوس را در شوّال ۱۰۴۲ق در اصفهان و بخش اوّل آن را در روز آدینه ذیقعده ۱۰۵۲ق در شام به پایان رسانیده [است].(۴)

۱- کریم خان زند و زمان او، صص ۲۳۰ و ۲۳۱.

۲- مزارات اصفهان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۳- همان منبع، و دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۸۰۶ و ۸۰۷.

۴- فهرست ملک، ص۶۲۶.

جعفر قهپائی

جعفر بن حسن قهپائی [از فضـلاء کوهپایه اصـفهان در قرن یازدهم هجری است.] در سه شنبه ۱۴ ربیع الاوّل ۱۰۸۲ق نسخه ای از «شـرح لمعه» شـهید را به خـط نسـخ کتـابت نموده است. نسـخه تصـحیح شـده و حاشـیه نویسـی دارد و به شـماره ۳۶۰۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

شیخ محمّدجعفر الهی نجف آبادی

شیـخ محمّـدجعفر بن محمّـدحسن نجف آبادی، عالم فاضل، ادیب شاعر در سال ۱۳۰۹ هجری شمسـی در اصفهان متولّد شد. [در آغازین ماههای تولّد مادر خود را از دست داد. وی تحصـیل را در حوزه علمیه اصفهان نزد علمای اعلام شیخ محمّدحسن عـالم نجـف آبـادی، شـیخ عباسـعلی ادیـب، سـیدعلی اصـغر برزانی، شـیخ علی مشـکات، شـیخ احمـد صـدری زنجـانی، سیدعبدالحسین طیّب، سید صدرالدین کوپائی، شیخ احمد فیّاض، شیخ محمود مفید، حاج آقا محمّدمقدس و آقا جمال الدّین خوانساری، به کسب فیض پرداخت. سپس از درس خارج حاج آقا حسین خادمی و میرسیّد علی بهبهانی بهره گرفت.

وی در کنار این تحصـیلات در مدارس جدید نیز به تحصیل پرداخت و پس از اخذ مدرک دیپلم، به دانشگاه تهران راه یافته و از دانشکده معقول و منقول مدرک لیسانس را اخذ نمود.

وی سالهـا بـه تـدریس علـوم دینی در مـدارس دینی، دانشـگاهها و مراکز فرهنگی مشـغول بـوده و بـه تحقیـق و تـألیف نیز می پرداخت.

او رسـاله هـا و کتـاب هـایی در باب اصول عقایـد، اخلاق و کلام به رشـته تحریر درآورده است. شـعر نیز می سـراید و «الهی» تخلّص می کند دیوان اشعار او بیش از سه

۱- فهرست مرعشی، ج۹، ص۳۷۹.

هزار بیت بوده که قسمتی از آنها به سرقت رفته است.]

از اوست:

بهتر ز روز وصل روزگار نیست

جانسوزتر زمان، ز شب انتظار نیست

ای شاه محتشم نظری سوی خلق کن

از پادشه نظر به گدایان که عار نیست(۱)

محمّدجعفر الماسی

محمّدجعفر بن محمّدحسین بن ابوطالب بن میرزا محمّدتقی الماسی، از فضلاء خاندان مجلسی در قرن سیزدهم هجری است.(۲)

از آثارش در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد نسخه ای از کتاب «صلاه الجمعه» تألیف: محقّق کرکی است که به خط شکسته نستعلیق در رجب ۱۲۴۱ق نوشته است.(۳) همچنین نسخه ای از «حاشیه انوار التّنزیل» تألیف شیخ بهائی، به خط نستعلیق را در سال ۱۲۴۰ق نوشته است.(۴)

سیّد ابوالقاسم جعفر خوانساری

سیّد ابوالقاسم جعفر معروف به «میر کبیر» ابن سیّد حسین بن سیّد قاسم بن سیّد محبّ اللّٰه موسوی اصفهانی خوانساری، عالم فاضل فقیه محقق، زاهد صالح، از علمای عالیقدر قرن دوازدهم هجری.

وی خواهرزاده ملّا حسین دیلمانی گیلانی (لُنبانی) است. در ۲۰صفر ۱۰۹۰ق در اصفهان متولّد شد. در نوجوانی به درس علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی حاضر شد. سپس

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۲ و ۵۳؛ حکایت پارسایی، صص ۵۵ و ۵۶؛ دیباچه دیار نون، ص۱۳۸؛ سیمای دانشوران، صص ۵۴ و ۵۵؛ آئینه اهل قلم، صص۲۶ و ۲۷.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۴۰.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۳۴۶.

۴- فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه تهران، ج۱، ص۹۴.

از درس آقاجمال الدّین محمّد خوانساری و ملّاحسین لُنبانی استفاده کرد و به اجتهاد نائل شد. همچنین از ملّامحمّد صادق تنکابنی (فرزند فاضل سراب) و ملّا حسین لنبانی، سیّد محمّد جابر بن طعمه حسینی نجفی و ملّا محمّد طاهر اصفهانی اجازه روایت دریافت نمود.

او پس از حمله افغانها به اصفهان و سقوط حکومت صفویه از اصفهان مهاجرت کرد و در قصبه «قودجان» بین خوانسار و گلپایگان ساکن شد و به خواهش مردم آنجا به اقامه نماز جماعت و جمعه و حلّ مشکلات شرعی مردم پرداخت و در ترویج علوم دینی کوشید تا اینکه در ۲۳ ذیقعده ۱۱۵۸ق در «قودجان» وفات یافته و همانجا مدفون گردید. ماده تاریخ وفات او چنین است.

سال تاریخ وفاتش ز خرد پرسیدم

گفت: «دانای ادب عالم ربّانی رفت»(۱)

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «تتمیم الافصاح فی ترتیب ایضاح الاشتباه» در ترتیب «ایضاح» علّامه حلّی ۲. «تعلیقات ذخیره المعاد»سبزواری ۳. «رساله در وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت» و در این رساله قول استاد خود آقا جمال خوانساری را رد نموده است. ۴. «شرح دعای سحر» مروی از ابوحمزه ثمالی ۵. «شرح خطبه الزهراء(سلام اللّه علیها)» ۶. «کتاب الزّکاه» صغیر که مختصر «کتاب الزّکاه» کبیر است. ۷. «کتاب الزّکاه» کبیر ۸. «کتاب الحج» به فارسی، در یک مقدمه و خاتمه و دو مقصد در ۱۳ شعبان ۱۱۴۹ق در«قودجان» گلپایگان تألیف کرده است و در کتابخانه علّامه مفضال حاج سیّد محمّدعلی روضاتی موجود است. ۸. «مصباح» مختصری در ادعیه نادره که نزدش مجرب و معتبر بوده به التماس جمعی از فضلاء خوانسار تألیف کرده و اسامی آنان را در دیباچه ذکر فرموده است. ۹. «مناهج المعارف» در اصول دین، که به همت یکی از احفاد او فاضل محقّق حاج سیّد احمد بن حاج میرزا محمّدباقر روضاتی در سال ۱۳۹۲ق به طبع رسیده و مقدمه ای مفصّل در شرح حال مؤلف و خاندان او در آن آمده است. ۱۰.

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۶۱۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوّم)، ص۳۱۷.

«منظومه میمیه خالیه الالف» قریب سه هزار بیت در تفصیل حکم مرعیه و آداب شرعیه، که جزو کتاب «مجمع الفوائد» به طبع رسیده است.

صاحب عنوان کتب و رسائل زیادی به خط بسیار زیبای خود استنساخ نموده است از جمله:

«رساله تحریم غناء» تألیف محقّق سبزواری را به خط خوش در ۶ رجب ۱۱۵۰ق در رباط میرک از اعمال گلپایگان به خط خوش کتابت کرده است. همچنین مجموعه ای از چهار رساله درباره نماز جمعه از تألیفات فاضل سراب، شهید ثانی، محقق سبزواری، و آقا جمال الدین محمّد خوانساری را در صبح شنبه ۱۴ رجب ۱۱۳۱ق کتابت نموده است. و نیز نسخه ای از «الحواشی الفسویه علی حواشی السفریه» را در نجف اشرف در جمعه ۳ ذیحجه ۱۱۵۴ق کتابت نموده است.(۱)

میرزا محمّدجعفر شهرستانی

میرزا محمّدجعفر بن میرزا محمّدحسین بن میرزا محمّدمهدی موسوی شهرستانی اصفهانی، از علمای قرن سیزدهم هجری و نواده دختری آقا محمّدعلی کرمانشاهی است.

در کربلا ساکن بوده و چون از طرف حاج سیّد محمّدباقر حجّهالاسلام شفتی، شبهاتی درباره موقوفات شهرستانیها شد، به اصفهان مهاجرت کرده و خدمت مرحوم حجهالاسلام شرفیاب گردیده و مباحثاتی انجام داد. وی را تألیفاتی است از جمله:

۱. «رساله در انساب وحید بهبهانی» ۲. «رساله در دفع شبهات وارده بر موقوفات میرزا فضل اللّه»به عربی ۳. رساله دیگری به همین موضوع به فارسی ۴. «رساله در جواز

۱- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۷۸-۷۵؛ تتمیم امل الآمل، صص۱۳۲ و ۱۳۳؛ مناهج المعارف: مقدمه؛ الکواکب المنتشره، ص۵۹۱؛ اعیان الشیعه، ج۱۵، ص۳۹۷؛ روضات الجنات، ج۲، ص۱۹۷؛ تلامذه العلامه المجلسی، صص ۱۸ و ۱۱۳؛ اعیان الشیعه، ج۱۵، ص۳۹۷؛ فرزانگان خوانسار، صص و ؛ دانشمندان خوانسار، صص ۳۱۵-۳۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۲۳-۲۱؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۶۹.

تقلید میّت» ۵. «رساله در غیبت» ۶. «رساله در غنا» ۷. «رساله در حکم عصیر» ۸. «رساله در حکم آب گوشتی که در حال جوشیدن قطره خون در آن بیفتد»(ظاهراً این دو رساله اخیر از افادات مرحوم سیّد حجّهالاسلام و مورد بحث آن بزرگوار بوده است.)

[اغلب کتابهای فوق در کتابخانه عالم محقّق حاج سیدعلی شهرستانی حائری در کربلا وجود داشته و او پس از اقامت در مشهد مقدس آنها را به آنجا انتقال داده است.]

میرزا سیّد جعفر شهرستانی در سال ۱۲۶۰ق در کرمانشاه وفات یافته و جنازه را به کربلا منتقل ساخته و در آنجا مدفون نموده اند.(۱)

ملّا محمّدجعفر مازندرانی

ملّامحمّدجعفر بن محمّدحسین مازندرانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. در اصفهان نزد علمای این شهر چون علّامه مجلسی و آقا جمال الدّین محمّد خوانساری به تحصیل پرداخت و در فقه و حدیث و انشاء و ادبیات مهارتی به سزا یافت. او خط خوشی داشت و آثاری را نیز کتابت کرده]از جمله نسخه ای از «حاشیه بر روضه البهیه» تألیف آقا جمال الدّین محمّد خوانساری به خط نسخ در دوشنبه ۴ ربیع الثّانی ۱۱۱۴ق کتابت نموده که به شماره ۲۲۷ در کتابخانه آیت اللّٰه جلیلی در کرمانشاه موجود است.(۲)]

همچنین نسخه ای از «تهذیب الاحکام» را در ۲۷ شعبان ۱۱۱۵ق کتابت نموده و آن را مقابله نموده است. این کتاب به شماره ۶۳۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

و نیز در تاریخ ۱۳ جمادی الاوّل ۱۱۲۴ق کتاب «وجیزه» علّامه مجلسی را به خط

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص۲۲۱؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۶۳۳؛ الکرام البرره، ج۱، ص۲۴۸؛ الذریعه، ج۲، ص۲۸۸ و ج۴، ص۳۹۰، ج۱۱، ص۸؛ مصفی المقال، ص۱۰۵؛ وحید بهبهانی، ص۳۳۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص۵۴۹ و ۵۷۰؛ تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۸۴-۱۸۰.

۲- فهرست جلیلی، ص۸۷.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۱۲۶۵.

شکسته نستعلیق کتابت نمود که به شماره ۱۶۴۰۸ در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدس موجود بوده است.(۱)

محمّدجعفر مازندرانی کتاب «تلخیص المحصّل» تألیف خواجه نصیرالدّین طوسی را در سال ۱۱۲۵ق کتابت کرد که این نسخه در کتابخانه سیّد خلیفه موجود بوده است.(۲)

وی تا سال ۱۱۲۹ق در قید حیات بوده و در ۹ ربیع الاوّل ۱۱۲۹ق نسخه ای از کتاب «فتوحات»جرائری را به ملّامحمّدسعید بن محمّد مقیم لاری هدیه کرده است.(۳)

سیّد جعفر آیت میردامادی*

سیّد جعفر آیت بن آقا سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّد جعفر بن سیّد محمّد حسین مقدس میردامادی سِدِهی، عالم فاضل معاصر. در محله خوزان سِدِه [خمینی شهر] متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات در اصفهان نزد ملّاهاشم جنّتی، حاج شیخ یحیی فقیه ایمانی، حاج سیّد محمّدباقر ابطحی، شیخ هبهاللّه هرندی، حاج آقا رحیم ارباب، حاج آقا حسین خادمی و آقا سیّد عباس صفی ادامه تحصیل داده و دروس هیئت و ریاضی را از حاج شیخ محمّدباقر قزوینی و اخلاق را نزد میرزا علی آقا شیرازی فرا گرفت. سپس به قم عزیمت نموده و از محضر علمای اعلام و آیات عظام: حاج آقا حسین بروجردی، حاج سیّد محمّد تقی خوانساری، حاج سیّد محمّد حجّت، امام خمینی، سید شهاب الدّین مرعشی نجفی، سیّد احمد خوانساری، حاج شیخ مهدی مازندرانی، علّامه سیّد محمّد حسین طباطبائی و حاج شیخ رضی تبریزی بهره برد. سپس با پدر بزرگوار به زیارت عتبات عالیات مشرّف شد و در سال ۱۳۳۵ش به تهران عزیمت نموده و در آنجا اقامت گزید. مدتی در مدرسه محمّدیّه مقابل مسجد جامع تهران تدریس نمود. سپس در مدرسه برهان آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری به تدریس و اقامه جماعت مشغول شد و آن گاه با دستور آیت اللّه بروجردی و به خواست مردم در مسجد نوروز

۱- فهرست گوهرشاد، ص۴۳۲؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۳؛ تلامذهالعلامه المجلسی، ص ۱۶۰.

۲- الکواکب المنتشره، ص۱۴۲.

۳- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۴۵.

زاده به اقامه جماعت پرداخت. وی در انجام امور خیریه و مجالس علمی و انجمن های خیریه سعی و کوشش وافر مبذول می دارد و در کمک به نیازمندان و حل مشکلات شرعی و اجتماعی مردم پیش قدم بوده است. از اقدامات او تأسیس مؤسسه علمی و فرهنگی میرداماد در تهران است. وی در کمک به مبارزان انقلاب در سال ۱۳۵۷ش فعالانه عمل نموده و در جریان جنگ ایران و عراق به پشتیبانی از رزمندگان پرداخته و برای جمع آوری کمک اقدام نموده و در جبهه نیز حضور داشته است.

وی رساله ای مختصر در احوال سادات میردامادی و سلسله نسب و علماء آنها تألیف نموده که در حاشیه تذکره القبور به طبع رسیده است.

او از آیات عظام شیخ مهدی مازندرانی، مرعشی نجفی و سیّد جمال الدّین گلپایگانی اجازه دارد.(۱)

میرزا محمّد جعفر میردامادی

میرزا محمّدجعفر بن میرزا محمّدحسین میردامادی سدهی عالم فاضل، در سال ۱۲۶۰ق متولّد شده و از اصفهان در خدمت آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی صاحب روضات و برادرش آقامیرزا محمّدهاشم چهارسوقی و حاج شیخ محمّدباقر نجفی تلمّذ نمود. در قناعت و زهد و تقوا مشهور بود و سرانجام در سال ۱۳۳۵ق در هنگام گرفتن وضو به سکته قلبی مبتلا شده و وفات یافت و در روستای «اندوان» سِدِه [خمینی شهر کنونی] مدفون شد.(۲)

۱- خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، صص ۲۸۸-۲۷۶؛ لطائف غیبیه: مقدمه، ص سی و چهار؛ رجال اصفهان یا تذکرهالقبور، ص۲۳۶.

۲- رجال اصفهان یاتذکره القبور، ص۲۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۳۸ و ۴۳۹؛ لطائف غیبیّه، ص۳۲.

میرزا محمّدجعفر طرب نائینی

میرزا محمّدجعفر متخلّص به «طرب» فرزند میرزا محمّد حسین نائینی شاعر، ادیب و منشی دانشمند، در اصفهان متولّد شده و در این شهر نزد ملّا محمّدعلی عقدائی، صرف و نحو، منطق، تفسیر و معانی و بیان را فراگرفت و علوم عقلی را از ملّامحمّد اسماعیل واحدالعین آموخت. در عرفان نیز محضر ملّا ولی اللَّه هزارجریبی مازندرانی را درک کرد و عروض وقافیه را از آقا محمّدکاظم واله اصفهانی کسب نمود. سپس به تهران رفته و مورد عنایت میرزا عبدالوهاب معتمد الدّوله (نشاط) قرار گرفت. پس از چندی به خدمت محمّدولی میرزا قاجار حاکم یزد در آمده و ریاست دیوان انشاء را به دست آورد.(۱)

[سال دقیق وفات او به دست نیامد.

شعر را به عربی، فارسی و ترکی نیکو می سرود و در انشاء و ترسّل در روزگار خویش کم نظیر بود.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. خزینه طرب، که دیوان اشعار اوست ۲. جامع جعفری، در تاریخ یزد که به دستور عبدالرّضاخان حاکم یزد و به نام فتحعلی شاه تألیف شده است. این کتاب به همّت استاد ایرج افشار به چاپ رسیده است. ۳. قواعد السّیاقیّه که نسخه خطی آن در کتابخانه ملی تبریز موجود است. ۴. قواعد زبان ترکی ۵. لُبِّ لباب ۶. منشات (این سه کتاب نیز در کتابخانه ملی تبریز موجود است)(۲)]

از اوست:

۱- مجمع الفصحاء، ج۵، ص۷۱۴؛ الذریعه، ج۷، ص۱۵۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۰؛ تذکره سخنوران نائین، صص ۸۳-۸۱؛ دیوان طرب اصفهانی، صص ۲۳۵ و ۲۳۶؛ تذکره شبستان، ص۷۳۵؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، ص۱۱۴.
۲- فهرست کتابخانه وزیری، ج۲، ص۴۸۳؛ نسخه های خطی، ج۴، ص۳۰۸؛ فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۱، ص۱۸۷.

آنکه از تیغ جفا کشت «طرب» را و برفت

کاش می گفت دگر وعده دیدار کجاست

ملّا محمّد جعفر جاپلقی اصفهانی

ملّامحمّد جعفر بن حسینعلی جاپلقی اصفهانی، از فضلاء و دانشمندان قرن سیزدهم هجری بوده و کتاب «تذکره الاصول» را به عربی درباره علم اصول به رشته تحریر در آورده و در یازدهم جمادی الاولی سال ۱۲۲۶ق از تألیف آن فراغت یافته است.

نسخه به خط محمّد قاسم بن عبداللّه دهقی در سلخ ماه صفر سال ۱۲۳۰ق کتابت شده و به شماره ۱۹۵۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

محمّد جعفر اصفهانی*

محمّد جعفر بن رجبعلی اصفهانی، خوشنویس توانای قرن سزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بود و برای میرمحمّدمهدی امام جمعه کتابت می کرد.

وی مجلداتی از کتاب «اسفار» تألیف ملّا صدرای شیرازی را در سالهای ۱۲۸۰ و ۱۲۸۱ق کتابت نموده است و در کتابخانه سلطنتی سابق نگهداری می شود.(۲)

شیخ محمّدجعفر اصفهانی

شیخ محمّدجعفر بن محمّدرضا اصفهانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است.

ظاهراً در اصفهان شاگرد ملّاعلی میرزا بوده است.

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. الادعیه المجرّبه ۲. زینه العابدین، نسخه خطی آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۳۲۷؛ الذریعه، ج۴، ص۲۳.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۵۴.

موجود است. ۳. جواب نامه(۱)

[ظاهراً از طرفداران فرقه شیخیه بوده و نوه ملّامحمّدباقر بن ملّا محسن شیرازی، ساکن محلّه خوزان سِدِه ماربین (خمینی شهر) است.]

محمّدجعفر رجائی

محمّدجعفر صحّاف متخلّص به «رجائی» بن محمّدرضا، شاعر و ادیب هنرمند، در سال ۱۲۹۲ق در اصفهان متولّد شد و در این شهر به تحصیل پرداخت.(۲) [در صحافی ابتدا نزد آقا محمّد تقی صحاف به شاگردی پرداخت امّا چون استاد در یاد دادن فنون کار بخل می ورزید، نزد آقا محمّدحسین صحّاف رفت و در هنر صحّافی و تجلید، از اساتید زبردست اصفهان شد.(۳)]

طبع شعر نیز داشت و طبعش به شوخی و هزل مایل بود و از اعضای اوّلیه انجمن ادبی شیدا در اصفهان به شمار می رفت.

وی سرانجام در ۸ صفر ۱۳۶۵ق وفات یافت.

از اوست:

مدح و تحسین نیست در خور مردمان پست را

خیره تر سازد مدارا زنگی بد مست را

میرزا محمّدجعفر غیرت اصفهانی

میرزا محمّدجعفر غیرت [بن میرزا محمّد سعید] موسوی اصفهانی، شاعر ادیب. در اصفهان به تحصیل ادبیات و علوم دینی مشغول بوده و در سال ۱۲۱۵ق وفات یافته

۱- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۴۶؛ فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۲۹۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۳۷۴-۳۷۲.

است.(۱)

[در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم مجموعه ای شامل «رساله معمّا» تألیف جامی و «عروض سیفی» تألیف سیفی بخاری موجود است که غیرت یادداشتی مبنی بر این که این کتابها را در سال ۱۲۱۰ق مطالعه و تصحیح نموده بر روی یکی از برگهای مجموعه نوشته است.(۲)]

از اوست:

افسوس که تابوی گلی بود به گلشن

صیاد نیاویخت ز گلبن قفس ها

محمّدجعفر اَهَری

محمّدجعفر بن سلطانی علی اهری، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان به کسب علم مشغول بوده و کتاب «استبصار» شیخ طوسی را در شب جمعه غرّه ربیع الآخر ۱۰۷۴ق در اصفهان به خط نسخ کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۸ در کتابخانه علّامه طباطبائی دانشگاه علوم پزشکی شیراز موجود است.(۳)

جعفر اصفهانی

جعفر بن سلمه اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است. علّامه شیخ آقابزرگ طهرانی، در ضمن اسامی کسانی که از محمّد بن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، روایت می کنند، غیر از شیخ صدوق علیه الرّحمه، عدّه ای را ذکر می کند که از آن جمله است: جعفر بن سلمه اصفهانی(۴)

۱- لغت نامه دهخدا، ذیل «غیرت»، ص۴۱۳؛ الذریعه، ج۹، ص۷۹۷؛ تذکره روز روشن، ص۵۹۱؛ ریحانه الادب، ج۴، ص ۲۶۰؛ حدیثه الشعراء، ج۲، ص۱۲۷۲؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص۷۶۶؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، صص ۶۳۲-۶۳۱؛ تذکره اختر، ص۱۵۱؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۳۷۲.

۲- فهرست احیاء، ج۱، ص۶۷.

۳- نسخه پژوهی، ج۲، ص۱۱۲.

۴- نوابع الرّواه، ص۱۶۸.

[آیت اللَّه خوئی نام او را «جعفر بن سلیمان» بدون قید «اصفهانی» می نویسد و معتقد است نام پدرش تحریف شده است.(۱)]

محمّدجعفر دشت بیاضی

محمّدجعفر بن سلیمان بن محمّد تقی دشت بیاضی قائنی، از علماء و فضلای قرن یازدهم هجری است. وی نزد موسی حسینی خادم تونی و علّامه ملّامحمّد باقر مجلسی به تحصیل پرداخت. در پشت نسخه ای از کتاب کافی اجازه علّامه مجلسی برای او به تاریخ محرم ۱۰۸۶ق و اجازه خادم تونی، در اوائل جمادی الثّانی ۱۰۷۷ق مشهود است. این نسخه به شماره ۸۶۰ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی موجود است.(۲)

صاحب عنوان برای تحصیل به اصفهان آمده و سالها در این شهر ساکن بوده است.

سیّد جعفر حسینی

سیّد جعفر بن سیّد محمّدشفیع حسینی، از فضلاء اوایل قرن دوازدهم هجری است. وی کتاب «الاربعون حدیثاً» تألیف علّامه مجلسی را به خط نسخ در دوشنبه ۲۰ ذی الحجه ۱۱۱۲ق کتابت کرده است. در حاشیه نسخه مطالب فراوانی از «اربعون حدیث» شیخ بهائی و «مرآه القعول» علّامه مجلسی نقل شده است.

نسخه به شماره ۱۴۴۷ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی موجود است.(۳)

[وی ممکن است فرزند میرمحمّدشفیع مستوفی مؤلف کتاب «بحر الفوائد» باشد. همچنین احتمال می دهیم او همان ابوالمظفر محمّد جعفر حسینی مؤلّف «التّحفه النّوابه» باشد. واللَّه اعلم.]

وی همچنین نسخه ای از کتاب «الاستبصار» تألیف: سیّد مرتضی را به خط نسخ در

۱- معجم رجال الحدیث، ج۴، ص۶۸؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۱۹۷.

۲- فهرست مرعشی، ج۳، ص۵۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۱؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۳۴۷ و ۳۴۸.

۳- فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۴۹.

سه شنبه ۱۴ صفر ۱۱۱۵ق کتابت نموده که به شماره ۲۹۶ در کتابخانه علّامه طباطبائی دانشگاه علوم پزشکی شیراز موجود است.(۱)

محمّدجعفر رویدشتی

محمّدجعفر بن محمّد شفیع رویدشتی اصفهانی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. او در سال ۱۱۳۱ق مالک «حاشیه ملّا میرزاجان باغنوی» بوده است.(۲)

محمّدجعفر نائینی

محمّدجعفر بن محمّدشفیع نائینی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. وی ظاهراً از شاگردان ملّامحمّدجعفر سبزواری بوده است. وی کتابهای «الوتیره»، «رؤیهالهلال» و «التّکبیرات السّبع، تألیف ملّامحمّد جعفر بن ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری را در رجب ۱۱۲۲ق کتابت نموده که به شماره ۴۷۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۳)

ملّا محمّدجعفر اصفهانی

ملّامحمّد جعفر بن محمّد صادق، عالم فاضل، از علمای قرن دوازدهم هجری. وی کتاب «دستور دعای سیفی» را به فارسی در ربیع الاوّل ۱۱۳۴ق برای میرزا ابوالحسن تألیف نموده است. متن دعا به خط میرزا احمد نیریزی و تاریخ کتابت سال ۱۱۲۳ق می باشد. این نسخه به شماره ۳۱۴۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.

صاحب عنوان در اصفهان ساکن بوده و بعد از سال ۱۱۳۴ق وفات یافته است.(۴)

۱- نسخه پژوهی، ج۲، ص۱۱۵.

۲- الکواکب المنشره، ص۱۳۵.

۳- فهرست مرعشی، ج۲، ص۸۴.

۴- الذریعه، ج۸، ص۱۵۳؛ الکواکب المنتشره، ص۱۳۷؛ فهرست الفبائی رضوی، ص۲۴۹.

ملّا محمّد جعفر وصاف اصفهانی

ملّا محمّد جعفر بن آقا محمّد صادق اصفهانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۶۸ق کتاب «شرح تصریف» ملّاسعد تفتازانی را در حال دماغ سوختگی و بی دماغی کتابت نموده است. نسخه به شماره ۶۸۹ در کتابخانه آیت اللّٰه گلپایگانی موجود است.(۱)

میرزا محمّد جعفر اسیر اصفهانی*

میرزا محمّد جعفر متخلّص به «اسیر» بن محمّد صادق شریف اصفهانی، شاعر ادیب و طبیب لبیب، از شعرا و دانشمندان قرن دوازدهم هجری. در اصفهان متولّد شده و از دانشمندان این دیار از جمله آقا محمّد بیدآبادی(۲) و محمّد نصیر طبیب اصفهانی، بهره کامل برده و در انواع فنون علم و ادب خصوصاً شعر و ادبیات، انشاء، تاریخ، طب، ریاضیات، نجوم، هیأت، حکمت و... استاد بوده است. سپس به یزد آمده و در آنجا به طبابت مشغول شده است.

شیخ عبدالنّبی قزوینی از علمای متبحّر قرن دوازدهم هجری در آن زمان ساکن یزد بوده و از رفقای صمیمی و معاشران او بوده، در کتاب خود با اوصاف و القاب عالی او را ستوده و مراتب عالی علم و فضیلت او را بیان نموده است.(۳)

اما تذکره نویسان و شعرای معاصر او ضمن اینکه به مقام علمی و ادبی او و حذاقت وی در طب اذعان و اعتراف نموده اند، او را به خاطر غرور و نخوت و بُخل زیاد نکوهش کرده اند.(۴)

هنگامی که آذر بیگدلی مشغول تألیف «تذکره آتشکده» بود و احوال معاصرین را می نگاشت، شخصی را به یزد فرستاد تا تعدادی از اشعار او را اخذ کرده و نزد آذر

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۱۱.

۲- تجربه الاحرار، ص۱۷۵.

۳- تتمیم امل الآمل، صص۹۷ و ۹۸.

۴- تذکره اختر، ص۳۰؛ تذکره سفینه المحمود، ص۱۴۷.

بیاورد تا آذر ابیاتی را در تـذکره خود درج نمایـد. میرزا محمّد جعفر پیغام داده بود که آذر باید «تذکره» خود را بفرسـتد تا او ببیند این کتاب قابل آ ن هست که اشعارش در آن بیاید یا نه؟!(۱)

از قرائن بر می آیـد که محمّد تقی خان حاکم یزد به او اعتماد فراوانی داشـته و هنگامی که یکی از اهالی هند می خواسـتند با پرداخت مبلغ کلانـی او را با خود به هنـد ببرنـد و میرزا جعفر در هنـد طبابت کنـد، خان مانع شـده و پرداخت آن مبلغ به میرزا جعفر را تَقَبُّل کرده است.(۲)

ظاهراً او اوایل قرن سیزدهم هجری را نیز درک کرده و اشعاری را در مدح حاکم وقت یزد، علینقی خان سروده است.(۳)

اختر بیگ گرجی در باب شـعرهای او می نویسد: «در عالم شعری میلش به قصیده بوده دیوانش به نظر رسیده تخمیناً هزار بیت می شود.

...شعری که قابل تذکره باشد، ندارد. ملّایانه شعر می گفته...»(۴)

این شعر از اوست:

به جز من که با لشکر غم ستیزم

که دیده تنی، با سپاهی آید

پس از مرگ، کی برق آهم گذارد

که از تربت من گیاهی بر آید(۵)

محمّد جعفر خطیب کاشانی*

محمّدجعفر بن محمّدصادق خطیب کاشانی، از فضـلاء قرن یازدهم هجری است. او در اصـفهان نزد عدّه ای از علما و فقهاء به تحصیل پرداخت که از جمله: علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی را می توان نام برد. او نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» تألیف شیخ صدوق

۱- جامع جعفری، ص ۴۹۰.

۲- تذکره شبستان، ص۵۹.

۳- جامع جعفری، ص ۴۹۰.

۴- تذکره اختر، ص ۳۰.

۵- سایر منابع: دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۱۳۸؛ فرهنگ سخنوران، ص۶۱؛ تذکره منظوم رشحه، ص۱۶.

را در سال ۱۰۸۸ق به خط نسخ کتابت کرد. این نسخه که حاشیه نویسی و بلاغ به خط مجلسی دارد، علّامه برای محمّدجعفر در ربیع الاوّل ۱۰۸۸ق در پایان آن نسخه اجازه ای نوشته است.(۱)

حاج محمّدجعفر لنگرودی

حاج محمّدجعفر بن محمّدصادق لاهیجی معروف به «لنگرودی» از اجلّه حکماء و افاضل مدرّسین فلسفه در قرن سیزدهم هجری است.

در اصفهان ساکن بوده و نزد جمعی از علمای اصفهان به تحصیل پرداخته است و فلسفه را نزد ملّا علی نوری تحصیل نموده است.(۲)

[استاد همایی میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی و ملّا محراب گیلانی را از اساتید او دانسته است.(۳) ولی شاگردی حاجی لنگرودی نزد میرزا ابوالقاسم مدرس مورد تردید است.

لنگرودی در اصفهان مجلس درس برپای داشته و شاگردان زبده ای همچون آقا علی مدرس حکیم، آقا محمّدمهدی کلباسی، ملّا محمّد تنکابنی و آقا محمدرضا قمشه ای از او کسب فیض کرده اند.

وی در ۹ ربیع الثانی ۱۲۶۰ق وفات یافته است.

شیخ محمّدحسین رشتی از نوادگان حکیم لنگرودی نقل می کردند:

«دست نوشته ای به خط حاج میرزا محمود کلباسی دیدم که نوشته بود: امروز که روز هفتم وفات مرحوم سیّد حجّهالاسلام شفتی است، حاج محمّدجعفر لنگرودی هم وفات یافتند. نماز مرحوم سیّد را فرزندشان حاج سیّد اسداللّٰه خواندند و نماز حاج محمّد جعفر را حاجی محمّدابراهیم کلباسی خواندند».

مرحوم رشتی می افزاید: «جنازه مرحوم لنگرودی به نجف اشرف انتقال یافته و در

۱- فهرست مرعشی، ج۲۵، ص۱۷۵.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۳.

۳- شرح رساله مشاعر، ص۱۵.

قبرستان وادی السّلام، نزدیک مقبره هود و صالح علیهما السلام دفن شد». (۱)

فرزندش میرزا محمّدکاظم از فقهاء قرن سیزدهم هجری است. میرزا حسین تحویلدار که معاصر اوست درباره او می نویسد: «مرحوم حاجی محمّد جعفر لاهیجی، کهنه استاد بوده و پسرش مرحوم حاجی میرزا محمّدکاظم با فقهاء پیوند نمود، [صبیه مرحوم حاج محمّد مهدی) کلباسی را گرفت] طریق فقاهت را پیمود، باب علم پدر از اولادش مفتوح نشد.» (۲)

کتب زیر از تألیفات و آثار اوست:

۱. «رساله در اصالت وجود» (۳) ۲. «حاشیه بر شرح جدید تجرید» که آن را بر بخش «الهیات» شرح تجرید و قوشچی و حاشیه خفری نوشته است. نسخه ای از آن به شماره ۲۱۹ در کتابخانه اهدایی آقای مشکاه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و نام کاتب و تاریخ کتابت آن معلوم نیست. (۴) ۳. «شرح حکمت العرشیه» که نسخه ای از آن نزد شیخ احمد شیرازی بوده و او قصد چاپ آن را داشته است. (۵) ۴. «شرح مشاعر» که آن را در سال ۱۲۵۱ق به خواهش حاج میرزا آقاسی صدر اعظم محمّد شاه قاجار نوشته است. نسخه ای از آن در جمعه ۹ جمادی الثّانی ۱۲۵۵ق کتابت شده و به شماره ۳۰۲ جزو کتب اهدایی آقای مشکاه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (۶)

نسخه دیگری از این کتاب که محمّدرضا تبریزی آن را در رمضان ۱۲۵۵ق در اصفهان کتابت کرده است، به شماره ۷۴۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. (۷)

نسخه ای از «شرح مشاعر» لنگرودی به شماره ۳۹۸/۲ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است که میرزاحسین گرجی در سال ۱۲۷۸ق به امر آقامیرزا

۱- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با مرحوم شیخ محمّدحسین رشتی در ۵ خرداد ۱۳۷۰ش.

۲- جغرافیای اصفهان، ص۶۸.

۳- به نقل از مرحوم شیخ محمّدحسین رشتی.

۴- فهرست مشکاه، ج۳، ص۲۳۶.

۵- الذریعه، ج۱۳، ص۳۶۸.

۶- فهرست مشکاه، ج۳، ص۲۸۲.

۷- فهرست رضوی، ج۴، ص۱۹۲.

عبدالکریم کتابت کرده است.(۱) نسخه دیگری نیز به شماره ۳۳۲۰ در کتابخانه مسجداعظم قم موجود است که در سال ۱۲۵۹ق کتابت شده است. (۲) ۵. «شرح ابیات محمود دهدار» که میرزا حسین گرجی آن را کتابت کرده و به شماره ۳۹۸/۳ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۳)]

شیخ محمّدجعفر شیخ الواعظین هرندی

شیخ محمّدجعفر شیخ الواعظین بن ملّا محمّدصادق لسان الواعظین بن محمّدجعفر بن ملّا عبداللّه هرندی، عالم فاضل و واعظ محدث. در ۲۱ رمضان ۱۳۱۹ق وفات یافته و در تخت فولاد نزدیک مزار فاضلان مدفون گردید.(۴)

محمّدجعفر هرندی

محمّدجعفر بن محمّدصادق هرندی از فضلاء قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۳۶ق رساله «اللباب» یا «رساله علم اللّه تعالی» و نیز رساله «قرهالعیون» هر دو از تألیفات فیض کاشانی را به خط نسخ نوشته و ضمن مجموعه شماره ۹۲۱ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۵)

محمّدجعفر رشتی

محمّدجعفر بن محمّدصالح رشتی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است وی نسخه ای از «شرح مختصر النافع» (صغیر) تألیف سیّد علی طباطبائی حائری (از کتاب النکاح تا

۱- فهرست صدر بازار، ج۲، صص۲۸۳ و ۲۸۴.

۲- فهرست اعظم قم، ص۲۶۴.

۳- فهرست صدر بازار، ج۲، صص ۲۸۳ و ۲۸۴؛ سایر منابع: الکرام البرره، ج۱، صص ۲۳۹ و ۲۵۷؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۲۴؛ الذریعه، ج۶، ص۱۱۴ و ج۲۱، ص۲۰۶؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۱۴۸.

۴- جلوه افلاکیان، مخطوط.

۵- فهرست فیضیه، ج۳، ص۳۹.

پایان کتاب الـدیات) را به خط نسخ کتابت نموده و تصـحیح نموده است. این نسـخه به شـماره ۸۴۷ در کتابخانه مدرسه صدر اصفهان موجود است.(۱)

همچنین وی نسخه ای از کتاب «مطالع الانوار» جلد چهارم تألیف حاج سیّد محمّدباقر حجّهالاسلام شفتی را مقابله نموده است.

شیخ جعفر در اصفهان ساکن و احتمالاً از شاگردان مجلس درس سیّد حجّهالاسلام بوده است.(۲)

حاج محمّد جعفر آباده ای

حاج محمّـد جعفر بن محمّـد صـفی صُـغادی آباده ای فارسـی، عالم کامل، فقیه محقّق مدقّقٍ. از علماء بزرگ اصـفهان در قرن سیزدهم هجری. سـال تولـد او در جـایی ثبت نشـده است. تنهـا در کتـاب فارسـنامه ناصـری فـوت او را در سن ۹۰ سالگی می نویسد.(۳) [لذا احتمالاً او در حدود سال ۱۱۹۰ق در روستای «صُغاد» از توابع شهرستان آباده متولّد شده است.]

وی در اصـفهان نزد دانشـمندان عالیقدری چون حاج محمّد ابراهیم کلباسـی، حاج سیّد محمّدباقر حجهالاسلام شفتی، آقا سیّد محمّد مجاهد به تحصـیل پرداخت. دروس فلسفی و عرفان را نیز نزد ملّا اسماعیل واحدالعین، سیّد رضی لاریجانی و احتمالاً ملّا علی نوری فراگرفت.(۴)

او از مجتهـدین صـاحب فتوا و مرجع امور شـرعی مردم و صاحب رساله عملیه بود و تا آخر عمر در اصـفهان اقامت نموده و به تـدریس و تـألیف و تحقیق و افتـاء و راهنمایی مردم و قضاوت مشـغول بود. «عظماء علماء در حضـرت او خویشـتن را خُرد می شمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش را به حرمت تمام می بردند. در عُلُوّ درجه فقاهت و

۱- فهرست صدر بازار، ج ، ص ۶۳۵.

۲- تراجم الرجال، ج۲، ص۶۴۷۳؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۸۷.

۳- بیان المفاخر، ج۱، ص ۲۸۹.

۴- تاریخ اصفهان(تکایا و مقابر)، ص۲۹۷.

سَمُوّ مقام زهد و عبادت، همه معاصرین بر وی غبطه می آوردند و در ادبیات و فقه اللّغه و علم رجال و درایه نیز کم نظیر بود»(۱) و «از هر علم کتابی در حفظ داشت. مانند «الفیه» در نحو، «زبده» در اصول و «قانونچه» در طب و «مختصر تلخیص» در فصاحت و «تهذیب» در منطق و «تجرید» در کلام و «مختصر نافع» در فقه «او بسیار زیرک و دانا و با تدبیر به خصوص در مرافعات و تمام کردن آنها بود. رساله عملیه نوشته و مقلدینی هم داشت و معروف است که قرار او ثبت اموراتیکه در نزد او می شده بوده که من بعد اشتباه کاری نشود و مزاح های شیرین و شوخی ها و خوش صحبتی های بسیار نظیر آقا جمال خوانساری داشت.»(۲)

برای او در محلّه جماله اصفهان مسجدی ساخته شد که به نام «مسجد حاج محمّد جعفر» معروف است و مقابل بازار بزرگ اصفهان واقع شده است. حاجی آباده ای در آن اقامه نماز می فرمود. شرح معماری و تزئینات مسجد در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان آمده است.(۳)

او سرانجام در شب شنبه ۱۹ رمضان المبارک سال ۱۲۸۰ق در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد مدفون گردید. سپس میرزا سلیمان خان رکن الملک شیرازی نایب الحکومه اصفهان جهت او تکیه ای بنا نمود که به نام او مشهور است.(۴)

ماده تاریخ فوتش را میرزا علیرضا لنجانی معروف به «آقاجان پرتو» در آخر مرثیه ای چنین گفته است.

سال تاریخش ز پرتو شد سؤال

گفت «اللهم نَوِّر مضجعه»(۵)

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱- چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، ج۱، ص۱۹۷.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۳۱ و ۳۲.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۷۹۲-۷۸۹.

۴- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۴۸.

۵- مکارم الآثار، ج۷، ص۲۳۱۹.

۱. [«بحر الاـصول»] (۱) ۲. «تعلیقه بر رجـال وسـیط استرآبادی» (۲) ۳. «تعلیقه بر تلخیص الاـقوال» اصل نسـخه مورخ ۱۰۴۷ق است و مرحوم آباده ای بر آن تعلیقه نوشـته و نسـخه نزد ملّا محمّدصالـح مازنـدرانی سـمنانی موجود بوده است. (۳) ۴. «رساله حمـامیّه» در محـل نزاع حمام منسوب به شـیخ بهائی در محلّه مسـجد جامع ۵. «رساله عملیه» ۶. «سؤال و جواب»(۴) مطبوع ۷. «شرح اَسماءُ الحُسنی» که نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه مروی در تهران(۵) و نسخه ای دیگر به شماره ۱۷۸۴ در کتابخانه مرکز احیـاء میراث اسلامی در قـم موجـود است. (۶) ۸. «شـرح کـافی» که میرسـیّد علی بن محمّدمهـدی درب امامی موسوی اصفهانی، در سال ۱۲۶۳ق به خط نسخ کتابت کرده و به شماره ۹۶۰۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (۷) ۹. «شرح تجرید الکلام» ۱۰. «شرح دروس» (۸) ۱۱. «صـیغ العقود و الایقاعات» که به فارسی در سال ۱۲۶۲ق تألیف شده و نسخه ای از آن به خط نسخ «عبدالمجید» در روز شنبه ۲۹ شعبان ۱۲۶۳ق کتابت شده و به شماره ۲۱۱۰ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی وجود دارد.(۹) نسخه دیگری به خط رمضانعلی سِدِهی لنجانی، به شـماره ۹۹/۶ در مـدرسه صدر خواجو در اصـفهان موجود است.(۱۰) نسخه ای نیز به ضـمیمه «الرّوضه البهیّه» شـهید ثـانی توسط محمـدعلی بن محمّـد حسـین تبریزی کتابت شـده و در کتابخـانه آیت اللَّه علّامه سیّد محمّـدعلی روضاتی وجود دارد. (۱۱) ۱۲. «عبـادات» نسـخه ای از آن که ناتمـام مانـده است به شماره ۱۲۷۴۶/۱ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی(۱۲) و نسخه ای دیگر که در سال ۱۲۶۳ق کتابت شده، به شماره

۱- نزهه الاخیار، ص۵۷۹.

۲- الذریعه، ج۱۰، ص۱۰۳.

۳- الذریعه، ج۷، ص۹۶.

۴- رجال اصفهان یا تذکرهالقبور، ص۳۲.

۵- فهرست مروی، ص۳۳۲.

۶- فهرست احیاء، ج۵، ص۲۰۲.

۷- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۷، ص۴۳۳.

۸- رجال اصفهان یا تذکرهالقبور، ص۳۲.

۹- فهرست مرعشی، ج۶، ص۱۲۳.

۱۰- فهرست صدر خواجو، ص۷۶.

۱۱- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۴۱۷.

۱۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۳۹۶.

۷۹۶ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۱) ۱۳. «فقه جعفری» در دو مُجَلّد که جلد اول آن به فارسی و جلد دوم به عربی است. نسخه ای از آن به شماره ۱۲۷۴۶/۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲) نسخه ای به خط محمّد صابر بن ابوالقاسم ورنوسفادرانی به شماره ۱۹۶۴/۴ در کتابخانه احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۳) ۱۴. «فهرست کافی که نسخه ای از آن به خط سیّد علی بن محمّد مهدی درب امامی موسوی اصفهانی که در سال ۱۲۶۴ق کتابت شده به شماره ۳۲۰۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۴) نسخه ای دیگر به شماره ۷۰۸۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران نگهداری می شود.(۵) همچنین نسخه ای که در سال ۱۲۶۶ق کتابت شده، به شماره ۲۱۸۲ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۶) ۱۵. «مرایا» در اصول ۱۶. «معاملات» به فارسی که به شماره ۷۷۱ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۷) ۱۷. «نقود المسائل الجعفریّه» به فارسی و عربی (ملّمع) موجود نزد آیت اللّه حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان(۸)، در سه مجلد که جلد سوم آن در ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۱ق در دارالطّباعه حاج عبدالمحمد چاپ سنگی شده است.(۹) ۱۸. «الوجیزه» که نسخه های فراوانی از آن در کتابخانه ها موجود است و در سال ۱۲۴۶ق در اصفهان در مطبعه معتمدی چاپ حروفی شده است.(۱۰) مرحوم حاجی آباده ای کتاب «تحفه الابرار» استادش حاج سیّد محمّدباقر

۱- فهرست صدر بازار، ج۳، ص۵۹۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۳۹۶.

۳- فهرست احیاء، ج۵، ص۴۰۰.

۴- فهرست مرعشی، ج۹، ص۱۱.

۵- فهرست مجلس، ج۲۵، ص۹۵.

۶- فهرست احیاء، ج۶، صص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۷- فهرست صدر بازار، ج۳، ص ۵۷۵.

۸- مکارم الآثار، ج۷، ص۲۳۱۵.

۹- فهرست کتب چاپ سنگی عمومی اصفهان، ص۲۵۹.

۱۰- فهرست مرعشی، ج۶، ص۱۲۳ و ج۲، ص۱۳۴؛ نسخه پژوهی، ج۳، ص۸۲؛ میراث اسلامی ایران، ج۱۰، ص۷۰۳؛ آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۳۶۸؛ فهرست خاندان میبدی، ص۳۴؛ فهرست احیاء، ج۴، ص۳۶۲؛ فهرست رضوی، ج۱۲، ص۳۵۰؛ فهرست مدرسه حجتیه، ص۳۰۱.

حجه الاسـلام شـفتی را تلخیص کرده و آن را «وجیزه» نامیـده اسـت. ۱۹. «هـدایه الاخیـار» که آن را از کتـاب «تحفه الاـبرار» اسـتادش سیّد حجهالاسلام انتخاب نموده که نسخه ای از آن در کتابخانه شخصی ناصر میبدی کرمانشاهی در مشهد مقدس و نسـخه ای دیگر در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم و نسخه ای دیگر در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار [شهید مطهری فعلی] موجود است.(۱) ۲۰. «تحفه المیتین» در احکام مردگان که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی به شماره ۶۲۹۶ موجود است.(۲)

ملّا محمّدجعفر کرباسی*

آخوند ملّا محمّدجعفر کرباسـی بن محمّد طاهر خراسانی، عالم فاضل و عارف زاهد. در سال ۱۰۸۰ق متولّد شد. ظاهراً زادگاه او محلّه «حوض کرباس» هرات است. وی در اصـفهان به تحصـیل پرداخته و به مقامات عالی علم و عمل دست یافت. از اساتید او اطلاـعی در دست نیست. خود او در کتـاب «نوادر الاخبار» از علّامه مجلسـی و شـیخ حرّ عاملی به عنوان اساتیـد خود نام می برد. «صـاحب روضـات» نیز احتمـال داده است که صـاحب عنوان شاگرد ملّا محمّـد تنکابنی (فاضل سـراب) و اسـتاد ملّا محمّد اسماعیل خواجوئی باشد.

او مانند اسـتادش مجلسـی پیرو مشـرب اخباری بوده است. پس از حمله افغان ها به اصـفهان و سـقوط حکومت صفویه، به یزد مهاجرت کرده است.

به نوشته «ریاض الجنّه» آن جناب اعجوبه عهد خود بوده است. و معاصرین او

۱- فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۳۵؛ فهرست شخصی میبدی، ص۱۰۰؛ الذریعه، ج۲۵، ص۱۶۹.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۶، ص۱۶۶؛ سایر منابع: ریحانه الادب، ج۱، ص۱۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۰-۲۷؛ احسن الودیعه، صص ۴۰-۳۸؛ معجم رجـال الفکر و الادب، ص۳۲۶؛ دائره المعارف تشیع، ج۱، ص۴؛ الکرام البرره، ص۲۵۹؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۵۹؛ دانشـمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، صص ۸۶ و ۸۷؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، صص ۳۲۵ و ۳۲۶؛ معجـم المـؤلفین، ج۹، صـص ۱۴۸ و ۱۵۵؛ مصـفی المقـال، ص۱۱۰؛ الاصـفهان: رجـال و مشـاهیر، ص۵۹؛ تـاریخ اصفهان(جابری)، صص ۱۳۵ و ۱۷۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۱ و ۳۲.

کرامات بسیار و خوارق عادات بی شمار از او نقل می کنند. او از شدّت ریاضت نفس و از فرط جوع و عطش، در اواخر عمر نابینائی عارض شده بود و با وجود نابینائی مانند چشم داران می دید و ایما و اشاره مردم را درک می کرد. و از مغیبات خبر می داد و چند روز علانیّه می مرد و باز زنده می شد. و ده روز مطلقاً اکلّ و شرب نمی کرد،... به مرتبه ای انقطاع از دنیا داشت که مفاد: «موتوا قبل ان تموتوا» را بر عالمیان روشن کرده بود.»

آخوند کرباسی در نهایت زهد و پارسایی زندگی می کرده و از راه شعربافی اعاشه می نموده است. وی در مسجدی واقع در محله شاه ابوالقاسم یزد اقامه جماعت می نموده و اکنون به مسجد آخوند کرباسی معروف است.

سال دقیق وفات او معلوم نیست. او کتاب «طباشیر» را در سال ۱۱۵۱ق نوشته و تا این سال زنده بوده است. او در یکی از آثار خود، سال وفاتش را پیش بینی کرده است. بر روی سنگ مزار او بدون ذکر روز وماه، سال ۱۱۵۰ق ذکره شده است. ظاهراً این سنگ نوشته سالهای پس از فوت او بر روی قبر قرار داده شده و سال وفات به صورت تقریبی و با حدس و گمان سنگ قبر حک گردیده است. مزار آخوند کرباسی در قبرستان جوی هرهر یزد زیارتگاه اهل معرفت است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاصحاب» استخراج شده از کتاب «سیر السلف» اسماعیل بن محمّد طلحی اصفهانی ۲. «اصحاب النّبی الممدوحین» ۳. «اکلیل المنهج» در علم رجال که در تتمیم «منهج المقال» میرزا محمّد استرآبادی نوشته شده است. ۴. «اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام» ۵. «حاشیه بر کفایه الاحکام» محقق سبزواری ۶. «طباشیر» ۸. «گوهر مراد» در نصیحت به فرزندش که در سال ۱۱۲۳ق تألیف نموده است. ۹. «مسائل ایادی سبا» شامل پاسخ علّامه مجلسی به پرسشهای فقهی شاگردانش بوده و در سال ۱۱۲۷ق تألیف شده و شامل ۱۲ باب بوده و از احکام طهارت شروع می شود و به احکام میراث و احکام متفرّقه ختم می شود. ۱۰. «معرفه السّلوک» به فارسی. ۱۱. «نودر الاخبار» که در شب سه شنبه ۲۹ ذیعقده ۱۱۲۲ق آن را به پایان رسانیده است. ۱۲. «الصُّحُف

الادریسیّه»(۱)

میر سیّد محمّد جعفر خاتون آبادی

میرسیّد محمّد جعفر بن میرسیّد عبدالحسین بن میرسیّد محمّد باقر حسین خاتون آبادی، عالم فاضل کامل. در سال ۱۰۶۴ق در اصفهان به دنیا آمد و نزد علماء اصفهان از جمله پدر بزرگوار خود تحصیل نمود و سرانجام در سال ۱۱۲۷ق وفات یافت جنب پدر بزرگوار خود در تکیه آقا حسین خوانساری واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

پدر بزرگوارش میرسیّد عبدالحسین در کتاب خود «وقایع السنین و الاعوام» درباره تولد او می نویسد:

«ولادت سیّد النّجیب الحسیب قره العینی و ثمره الفؤادی میر محمّد جعفر بن أمیر عبدالحسین الحسینی الخاتون آبادی محرم هزار و شصت و چهار»(۳)

میرزا محمّد جعفر محلّه نوئی

میرزا محمّد جعفر محلّه نوئی بن آقا عبدالحسین امین العلماء بن حاج ملّا محمّد شفیع بن ملّا محمّد خوئی، عالم فاضل و فقیه محقّق، در خانواده ای روحانی در اصفهان متولّد شده و نزد علمای اصفهانی همچون حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی و میرزا ابوالمعالی کلباسی به تحصیل پرداخت. وی در ایّام تحصیل هم مباحثه با آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی بود و بعداً از او اجازه دریافت نمود.

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۹۷-۹۵؛ جامع جعفری، صص ۲۹۳ و ۲۹۴؛ ریاض الجنّه، ج۲، صص ۲۸۶-۲۸۲؛ اعیان الشیعه، ج۴۴، صص۱۴۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۳۹ و ۴۴۰؛ یادگارهای یزد، ج۲، صص ۳۶۲ و ۹۰۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۴۴۹؛ مصفی المقال، ص۱۰۶؛ الذریعه، ج۲۰، ص۳۳۷ و ج۲۱، ص۲۵۷، و ج۲۳، ص۲۲۹ و ج۲۴، ص۳۴۳ و ج۱۵، ص۱۴۵؛ تلامذهالعلّامه المجلسی، ص۸۸؛ معجم المؤلّفین، ج۹، ص۱۵۵؛ هفته نامه ندای یزد، شماره ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳، مورّخ خردادماه ۱۳۷۰ش؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۲، ص۴۴۱.

۲- الکواکب المنتشره، ص۱۳۴.

۳- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۱۹.

[میرزا محمّد جعفر عالمی اهل جود و سخا بود و بسیاری از مستمندان و نیازمندان از احسان و بخشش او برخوردار شدند. او پشت و پناه مظلومین و مردم بی پناه در برابر حکّام زورگو و ظالم بود.

ظلل السّلطان حاکم جائر اصفهان، پس از آن که دستور محو و نابودی بسیاری از کاخ ها و عمارت های با شکوه صفویه را صادر کرد و عوامل و مزدوران او به این کار زشت اقدام کردند، عمارت باغ قورچی باشی در اراضی جنوبی اصفهان را تخریب کردند. این عمل مورد اعتراض و مخالفت میرزا جعفر قرار گرفت. لذا ظل السّلطان از کینه ای که داشت دستور داد، زمین ها و املاک او را تصرّف کنند. میرزا جعفر نیز بارها به تهران رفته و علیه ظل السّلطان شکایت کرده و فرمانی از مظفرالدّین شاه (برادر ظل السّلطان) گرفت و موفق به پس گرفتن زمین ها و املاک خود شد.(۱)]

وی سرانجام در ۲۲ ماه رجب المرجّب ۱۳۲۸ق وفات یافته و در آرامگاه خانوادگی جنب تکیه آقا حسین خوانساری، در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

شیخ محمّد جعفر گزی

شیخ محمّد جعفر بن آخوند ملّا عبدالکریم جزی، از فضلاء و ائمه جماعت اصفهان.

وی در سفر زیارت مرقد مطهر امام رضاعلیه السلام در روز ۱۴ ذیقعده ۱۳۸۳ق در مشهد مقدس وفات یافته و [همانجا مدفون شد(۳)]

[مجموعه ای شامل «تفسیر سوره نور» و «تفسیر سوره زلزال» و «تفسیر سوره واقعه» هر سه از تألیفات صدرالمتألهین شیرازی، به شماره ۳۰۲ در کتابخانه مدرسه چهلستون تهران، به خط محمّدجعفر جزی، بدون ذکر تاریخ کتابت موجود است که به

۱- به نقل از یادداشت های شاعر و ادیب توانا استاد فضل اللّه اعتمادی متخلّص به «برنا»؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۸۰۶.
۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۰.
۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۵؛ فرهنگ و تاریخ گز و برخوار، ص۱۲۰.

احتمال زیاد به خط همین شیخ محمّدجعفر فرزند آخوند گزی می باشد.(۱)]

جعفر بن عبداللَّه

جعفر بن عبداللَّه، از خوشنویسان زبردست دوره حکومت شاه سلطان حسین صفوی است. خط ثلث را در نهایت استادی می نوشته و مورد توجّه دربار صفویه بوده است.

وی در سال ۱۱۰۳ق کتیبه ای به خط ثلث در مدرسه کاسه گران و در سال ۱۱۱۶ کتیبه ای به خط ثلث در مسجد مصری اصفهان نوشته است.(۲)

شیخ جعفر قاضی

شیخ قوام الدین جعفر بن عبداللَّه بن ابراهیم حویزی کمره ای اصفهانی معروف به «شیخ جعفر قاضی»، عالم فاضل محقق، جامع علوم و فنون، استاد علماء زمان و مرجع فتوا و احکام.

در خدمت علمای اعلام اصفهان آقا حسین خوانساری، ملّامحمّد باقر سبزواری و ملّا محمّد تقی مجلسی تلمذ نموده(۳)]و از سیّد صدر الدّین محمّد قمی، میرزا قوام الدّین محمّد سیفی قزوینی، ملّا محمّد تقی مجلسی، ملّا محمّد اکمل اصفهانی و حاج محمّد اردبیلی روایت می نماید.(۴)]

در سال ۱۰۹۸ه.ق از طرف شاه سلیمان صفوی به منصب قاضی اصفهان منصوب شده(۵) و سپس شیخ الاسلام اصفهان شد.(۶)

او داماد آقا حسین خوانساری بوده و در اصفهان به تدریس می پرداخته و جمع کثیری از فضلاء از درس او استفاده می کرده اند.

۱- آشنایی با چند نسخه خطی: ۳۷۸.

۲- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۵۸۶ و ۶۵۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۸ و ج۲، ص۸۳۱.

۴- تلامذه العلامه المجلسی، صص ۱۹ و ۲۰.

۵- وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۴۰.

۶- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۲۸۸.

در سال ۱۱۱۵هق راهی سفر حج شده، در مسیر راه بیمار شده و در دو فرسخی نرسیده به نجف اشرف وفات یافت و ملّا محمدّ فاضل سراب او را تغسیل و تکفین نموده در صحن مطهر علوی جنب مزار علّامه حلّی در نجف اشرف مدفون نمود.(۱)

این تألیفات از اوست:

۱. «رساله در اصول دین» به فارسی [۲. «تحفه سلطانی و هدیه مجلس خاقانی» درباره فلسفه، به فارسی، نسخه آن به شماره ۱۲۶۱۶ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است و در سال ۱۳۳۹ش در تهران به ضمیمه «الرساله الطریفه فی ترجمه العلامه محمّد جعفر القاضی الکمره ای» به چاپ رسیده است. (۲) ۳. «ذخائر الدّعوات فی تعقیب الصلوات» به فارسی، که نسخه آن به شماره ۲۴۱۷ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.](۳) ۴. حاشیه بر «الروضه البهیه فی شرح اللّمعه الدّمشقیّه» ۵. حاشیه بر «کفایه المقتصد» محقق سبزواری] ۶. «شرح دعای مکسور و شکستگی»، که نسخه آن به شماره ۱۲۶۵۲ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است.](۴) ۷. «وجیزه در حکم ولایت وصی بر نکاح صغیر».

[شیخ محمّد علی حزین لاهیجی در طفولیت به همراه پدر به فیض دیدار او نایل شده و شرح حال او را ذکر نموده است اما به اشتباه مدفن او را حائر حسین علیه السلام می نویسد].(۵)

جعفر ثقفی

ابوالفضل جعفر بن عبدالواحد ثقفی اصفهانی رئیس، از محمدّثان قرن ششم هجری است. وی در سال ۵۲۳ق وفات یافته است.(۶)

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۵۳.

۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۳۲، صص ۳۵ و ۳۶.

۳- فهرست کتابخانه احیاء میراث، ج۶، صص ۴۰۰ و ۴۰۱.

۴- فهرست کتابخانه مرعشی،ج۳۲، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۵- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۵۹.

۶- مرآه الجنان، ج۳، ص ۲۳۰.

محمّد جعفر لاهیجی*

محمّد جعفر بن عبدالواسع لاهیجی، از فضلای قرن یازدهم هجری. وی در اصفهان ساکن بود و ظاهراً از شاگردان شیخ علی بن محمّد بن حسین عاملی از نوادگان شهید ثانی است. او کتاب «الزاهرات الزّویه» تألیف شیخ علی عاملی را کتابت نموده و شیخ علی آن را در شعبان ۱۰۸۶ق تصحیح و مقابله نموده است. نسخه حاضر در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

جعفر اصفهانی

جعفر بن ملّا علی اصفهانی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری بوده و] کتاب «منهاج الهدایه» تألیف: حاج محمّد ابراهیم کلباسی را به خط نسخ نوشته است، نسخه به شماره ۳۰ در کتابخانه مرحوم زنجانی در قم موجود است.(۲)

دکتر سیّد جعفر سجادی*

دکتر سیّد جعفر سجادی فرزند سیّد علی، محقّق و دانشمند معاصر. در سال ۱۳۰۳ش در روستای گارماسه لنجان متولّد شد. در کودکی به مکتب خانه رفت و سپس نزد شیخ حسین شریعت در همان روستا مقدمات را آموخت. سپس به اصفهان رفت و نزد شیخ جواد فریدنی، میرزا عبداللّٰه ادیب، میرزا محمّد علی حبیب آبادی، سید صدرالدین کوپائی و حاج آقا حسین خادمی به تحصیل پرداخت.

پس از آنکه به دستور آیت اللّٰه آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی عالم ربانی حاج سیّد عبداللّٰه شیرازی در کرمانشاه حوزه علمیه ای را برپا ساخت، او نیز به کرمانشاه رفته و به تدریس پرداخته و در آنجا نزد حاج شیخ حسن علّامه، حاج شیخ هادی جلیلی و آقای میبدی به کسب فیض پرداخت.

چندی بعد به تهران رفته و خدمت حضرات آیات ادیب تهرانی، حاج میرزا محمّد

۱- فهرست مرعشی، ج۲۳، ص۸۵.

۲- آشنایی با چند نسخه خطی، ص۲۰۱.

باقر آشتیانی حاج شیخ محمّد تقی آمُلی، حاج سیّد ابوالقاسم کاشانی و مرحوم تنکابنی ادامه تحصیل داد و در این سالها موفق به اخذ اجازه از آیت اللّه شیخ محمّد تقی خوانساری شد.

همچنین به تحصیل در دانشکده معقول و منقول در تهران مشغول شد و موفق به اخذ لیسانس گردیده و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد.

وی چندین سال در ارومیه و کرمانشاه به تدریس دینی و ادبیات عرب پرداخت و بار دیگر به تهران آمده در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و دکترا گرفت. از سال ۱۳۳۸ش به دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس پرداخت. وی مدتی مدیر گروه زبان و ادبیات عرب بود و دو سال نیز به عضویت فرهنگستان زبان درآمد.

وی علاوه بر دهها مقاله علمی ارزشمند که در مجلات: وحید، مهر، معارف اسلامی، هنر و مردم، مجلّه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و... به چاپ رسانده کتابهای متعددی تألیف کرده که به چاپ رسیده اند که عبارتند از

۱. «مقدمه بر منطق» ۲. «فرهنگ لغات و اصطلاحات عرفانی» ۳. «فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی» ۴. «فرهنگ لغات و اصطلاحات ملّاصدرا» ۵. «فرهنگ علوم عقلی» ۶. «فرهنگ علوم نقلی و ادبی» ۷. تصحیح و تعلیق «تفسیر حدائق الحقائق» تألیف: معین الدّین هروی ۸. تصحیح و تحشیه «مرقاه اللُّغه» بدیع الزّمان ادیب نطنزی ۹. ترجمه «آراء اهل مدینه فاضله» فارابی ۱۰. ترجمه «حکمت الاشراق» سهروردی ۱۱. ترجمه «زبده البیان فی احکام القرآن» اردبیلی ۱۲. ترجمه «فصل المقال فیما بین الحکمه و الشّریعه من الاتّصال» تألیف: ابن رشد ۱۳. «نقد بنیاد ادب» ۱۴. «فرهنگ معارف اسلام» در ۴ جلد ۱۵. تنظیم حرف «ع» لغت نامه دهخدا (ع . عرابه) ۱۶. ترجمه و شرح بیست باب «دلاله الحائرین» ابن میمون.(۱)

۱- مجلّه کیهان فرهنگی، شماره ۵، سال ۱۳۶۵ش.

محمّد جعفر نیستانه ای

محمّـد جعفر بن معین الدّین علی نیسـتانه ای در سالهای ۱۱۱۲ و ۱۱۱۳ مجموعه ای از سه کتاب به خط نسـخ نوشـته است که عبارتند از:

۱. «احـادیث قدسیه» ۲. «عقـود الجواهر، تـألیف احمـد بن عبـداللّه کرمـانی ۳. «ریـاض الفتیـان در شـرح نصـاب الصّبیان»، این مجموعه به شماره ۳۱۷۲ در کتابخانه شورای ملی ایران موجود است.(۱)

شیخ محمّد جعفر اشراقی*

شیخ محمّد جعفر اشراقی بن ملّاعلی اکبر فشارکی، عالم فاضل متوفی ۲۲ ذیقعده ۱۳۸۹ق مدفون در تکیه ریزی در تخت فولاد اصفهان.(۲)

سیّد جعفر طباطبائی عقدائی*

حـاج سیّد جعفر طباطبـائی بن سیّد علیرضا عقـدائی، عالم فاضل، از علمای قرن چهاردهم هجری. در حـدود سال ۱۲۶۱ق در «عقـداء» یزد متولّـد شـد. پس از تحصـیل مقدّمات به اصـفهان آمد و به تحصـیل مشـغول شد او با جهانگیر قشـقائی و آقا سیّد ابوالحسن اصـفهانی (مـدیسه ای) در اصـفهان هم درس بود. آنگاه برای تکمیل درسـهای خود به نجف اشـرف عزیمت کرد و نیزد علمای آن سـرزمین مقدّس به کسب فیض پرداخت. عاقبت به اصفهان بازگشت و جهت تبلیغ دین و حل مشکلات شرعی مردم راهی دهاقان شـد و سالها در آنجا به وعظ و تبلیغ و تدریس مشـغول شد و بزرگانی چون حاج ملّا حسـین امین جعفری و حاج میرزا مصطفی جعفر طیّاری از علم و فضل او برخوردار شدند.

وی سرانجام در سال ۱۳۵۱ق در سن ۹۰ سالگی وفات یافته و در مسجدی که به نام

۱- فهرست مجلس ج ۱۰، ص ۷۵۷.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی

خود او «مسجد حاج سیّد جعفر» معروف بود، در دهاقان مدفون شد.(۱)

محمّد جعفر حائری

محمّد جعفر بن محمّد علی حائری [از فضلاء و طلبه اهل علم در قرن سیزدهم هجری در اصفهان بوده و] در جمعه از سال ۱۲۲۹ق «فهرست» شیخ طوسی و «ایضاح الاشتباه» علّامه حلّی را به خط نسخ در مدرسه مبارکیه اصفهان به پایان رسانیده است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۲۵۴۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۲)

میرزا محمّد جعفر شهشهانی

میرزا محمّد جعفر بن میرزا محمّد علی (میرزاجان) بن قوام الدّین محمّد بن حسین بن ابراهیم حسینی شهشهانی، عالم فاضل متقی، از بزرگان خاندان شهشهانی اصفهان بوده و ظاهراً از شاگردان حاج سیّد محمّد باقر حجه الاسلام شفتی، حاج محمّد ابراهیم کلباسی، ملّا علی نوری و آقا سیّد محمّد مجاهد است.

وی تولیّت موقوفات شاه علاءالدّین و قریه اصفهانک را داشته و در کمال زهد و قناعت می زیسته و دختر آقا سیّد محمّدکاظم طباطبایی زوّاره ای را به زوجیّت داشته است. سال وفات او معلوم نیست.(۳)

[او در ربیع الثّانی ۱۲۵۷ نسخه ای از کتاب «عین الوصول» تألیف: آقا محمّد مهدی کلباسی را به خط نسخ کتابت نموده که به شماره ۱۲۵۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۴)]

۱- سیمای دهاقان، ص۲۷۵.

۲- فهرست مرعشی، ج۷، ص۱۳۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۴۰ و ۴۴۱؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۹۳ و ۲۹۴.

۴- فهرست مرعشی، ج۲۲، ص۱۷۳.

میرزا محمّد جعفر میردامادی

حاج میرزا محمّـد جعفر میردامادی بن حاج میرزا محمّـد علی بن سـیّد محمّـد مؤمن بن سـیّد محمّـد باقر بن میر محمّـد اشـرف سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل متّقی، از علمای اواخر دوره قاجاریه.

وی در اصـفهان نزد حاج شـیخ محمّـدعلی مسـجد شاهی (ثقه الاسـلام)، آقا سـیّد محمّـد باقر درچه ای و آقا میرزا بـدیع درب امامی به تحصـیل پرداخت. سپس به سِدِه [خمینی شـهر فعلی]بازگشت و به ترویج دین و اقامه جماعت و حل مشکلات مردم مشـغول شد. وی سـرانجام در ذیحجه الحرام ۱۳۳۲ق. وفات یافته و در مقبره جـدّ اعلای خود میرمحمّداشـرف در سِدِه مدفون شد.

وی تقریرات درس مرحوم درچه ای در بـاب مبـاحث «الفـاظ» «استصـحاب» و «حجیّت ظن» را به خط خود نوشـته که فرزنـد او سیّد جمال الدّین صهری، بامقدار زیادی کتاب به کتابخانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف اهداء نمود.(۱)

محمّد جعفر جیرانی اصفهانی

محمّـد جعفر بن عیسـی بن محمّـد صالـح جیرانی تبریزی اصـفهانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن یازدهم هجری، در اصـفهان سـاکن بوده و به روایـتی پـدرش از اهـالی محلّه جیران تبریز و بنـا به قولی دیگر از اهـالی قریه «جیران» در حومه اصـفهان بوده است. نزد جمعی از علماء از جمله ملّا حسن شیخ الاسلام جیلانی تحصیل نموده و پس از وفات پدر، سرپرست باقی فرزندان از جمله برادر کوچک ترش میرزا عبـداللّه افندی صاحب «ریاض العلماء» شده است. صاحب ریاض مدتی نزد این برادر دانشـمند به تحصیل پرداخته و او را ثنای بلیغ نموده است.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۷؛ لطائف غیبیّه، مقدمه ص سی و یک؛ خمینی شهری که از نو باید شناخت، صص ۳۰۶ و ۳۰۷.

۲- الکواکب المنتشره، ص۱۳۳.

محمّد جعفر نجف آبادی*

محمّـد جعفر بـن غلامعلی نجـف آبـادی، از خوشـنویسان و کاتبـان قرن سـیزدهم هجری است. وی کتـاب «زاد المعـاد» علّامه مجلسی را سال ۱۲۳۶ه.ق کتابت نموده و نسخه آن در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.

همچنیـن او در روز دوشـنبه ۲۴ صفر ۱۲۳۲ق ضـمن مجموعه ای به خط شـیخ مطالبی نوشـته است. نسـخه به شـماره ۱۶۸۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

جعفر الراشد باللّه عباسی

ابومنصور جعفر ملقب به «الرّاشد باللّه» بن فضل، از خلفای عباسـی است. پس از آنکه «مسترشد» در ۱۸ ذیقعده ۵۲۹ق به دست فـدائیان اسـماعیلی در مراغه به قتـل رسـید، فرزنـدش «الراشـد» به جای او نشـست. در سال ۵۳۰ق با «سـلطان مسـعود بن محمّد سلجوقی» در نزاع افتاد و نام او را از خطبه انداخت و داود برادر مدعی او را سـلطان خواندو امرای اطراف را به جنگ با مسعود و عصـیان علیه او واداشت. مسـعود به بغـداد آمد و «راشد» از ترس به اتابک موصل پناه جست و «مقتفی» به جای او به خلافت انتخاب شـد. در سال ۵۳۲ق «راشـد» از موصـل به آذربایجـان پیش داود رفت و اتابک فارس و بعضـی دیگر از امراء هم که از مسعود ترس داشتند دور «داود» و «راشد» را گرفتند و به جنگ «مسعود» آمدند. «مسعود» در شعبان این سال آنها را در نزدیک دینَوَر شکست داد.

«راشـد» بـا «داود» به خوزسـتان آمـد و از آنجا به اصـفهان رفت و در آن شـهر در ۲۵ رمضان ۵۳۲ق به دست یکی از فـدائیان اسماعیلی به ضرب کارد جان سپرد.

در قریه شهرستان اصفهان بقعه ای است که برخی از نویسندگان آن را مقبره «الراشد» خلیفه عباسی می نویسند. لکن نزد اهالی آنجا معروف است که آنجا قبر دو نفر از سادات

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۲۴۵.

بزرگوار به نام های «شاهزاده ابراهیم» و جناب «حسین بن زید بن حسن بن علی»علیهما السلام می باشد.

در این که راشد در اصفهان کشته شده و در جی به خاك رفته سخنی نیست. سبک ساختمان گنبد مانند ساختمان های عهد سلجوقی و بدون تاریخ است و در قرون بعد از آن تعمیراتی انجام شده است.

به ظنّ نوسنده، سلجوقی بودن بقعه، دلیل بر آن نیست که آنجا قبر «راشد عباسی» باشد بلکه مظنون آن که قبر راشد در محلّی بوده است که اکنون به نام باغ مشهد خوانده می شود و این گنبد مربوط به جامع (مسجد جامع) شهرستان بوده است. «عماد کاتب» اصفهانی درباره کشته شدن راشد و دفن او می نویسد:

«و دفن الراشد باللّه فی مدینه جیّ و افردت له تربه فی جامعها»

«یاقوت حموی» در کتاب «معجم البلدان» می نویسد:

«و فی جیّ مشهد الراشد ابن المسترشد معروف ویزار و هی علی شاطی ء نهر زنده رود»

بعید به نظر می رسد که سلاطین صفوی قبر خلیفه عباسی را در اصفهان پایتخت خود باقی گذاشته باشند و احتمال خراب کردن آن بسیار قوی و معقول به نظر می رسد.(۱)

جعفر نوای اصفهانی

استاد جعفر نوابخش متخلّص به «نوا» فرزند فیض اللّه، شاعر و ادیب توانای معاصر، در سال ۱۲۹۳ش در اصفهان متولّد شد. در ۲ سالگی پدر را از دست داد و به همراه مادر به کرمانشاه رفت و تا سال ۱۳۱۹ش در آنجا به سر برد. تحصیلات ابتدایی را در کرمانشاه طی کرد و سپس به خیاطی پرداخت. و در کنار آن به تحصیل در دوره متوسّطه مشغول شد. در ۱۷ سالگی ازدواج کرد و صاحب ۵ فرزند شد. در سال ۱۳۲۹ش وارد

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۲۰۸ و ۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۰۸ و ۶۰۹؛ مزارات اصفهان، صص ۲۱۶ و ۲۱۷؛ تاریخ ایران (کمبریج)، ج۵، ص ۱۳۰.

اداره فرهنگ شده و در مدارس اصفهان به تدریس پرداخت، او شاعری متدیّن و معتقد به دین بود و در مدح و مراثی معصومین علیهم السلام شعر سرود. بسیاری از اشعار او گویای رنجها و مرارت های طبقات محروم جامعه همچون کارگران، ایتام و... است. او از اعضای مشهور انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن ادبی کمال بود. مردی خوش محضر، نیک سیرت و مربّی شعراء و خدمتگزار واقعی شعر و ادب بود. مغازه خیاطی او نیز سالها محفل اهل ادب و مجمع شعراء و فضلاء بود.(۱)

استاد نوا در روز ۲۰ بهمن ماه ۱۳۸۰ش بدرود حیات گفته و به دیار باقی شتافت و پیکرش در قطعه نام آوران واقع در قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

در رثای او برادرزاده اش فضل اللّه شیرانی متخلص به «سخا» این دو بیت را گفته است:

در غم مرگ نوا ماتم سرا شد اصفهان

در گذشت استاد و لبریز عزا شد اصفهان

بی صفا شد بی گل رویش صفاهان ای دریغ

بینوا شد اصفهان تا بی «نوا» شد اصفهان

«دیوان کامل اشعار نوای اصفهانی» در سال ۱۳۷۷ش به چاپ رسیده است. قبل از آن قسمتی از اشعار استاد در سال ۱۳۲۹ش در کتاب «نواهای جانگداز» و قسمت های دیگری از آن به نام «نوای آشنا» در سال ۱۳۳۸ش به چاپ رسیده بود.

این ابیات از اوست:

دل چون سنگ تو را آه من از جا نکند

هیچ سدّی به ره سیل چنین محکم نیست

* * *

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۱۶ و ۵۱۷؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ویرایش دوم، ص۸۱۲؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، ص۳۶۸۶؛ یادنامه ادب.

در دامن این صحرا، هر خاک نشینی را

چون دانه به سر باشد، شوق چمن آرائی

* * *

دل من است پر از خون که همچو جام شراب

دو چشم مست تو از دست یکدگر گیرند

* * *

به حکم تجربه نقشی به بارگاهی نیست

که رنگ ریزیش از خون بی گناهی نیست

ملّا محمّد جعفر طالقانی

ملّا محمّد جعفر بن محمّد کاظم طالقانی، عالم فاضل، وی در اواخر قرن یازدهم هجری در اصفهان ساکن بوده و از محضر علمای این شهر خصوصاً علّامه مجلسی حاضر شده و در جمادی الاوّل ۱۰۹۵ه.ق موفق به اخذ اجازه متوسّطی از علّامه مجلسی شده است. وی دراواخر عمر به زادگاه خود طالقان بازگشته و همانجا در سال ۱۱۳۳ق وفات یافته است.(۱)

شیخ جعفر میسی عامِلی

شیخ جعفر بن شیخ لطف اللّه بن عبدالکریم میسی عاملی، عالم فاضل متّقی و متورّع. در اصفهان ساکن بوده و نزد پدر دانشمند خود و نیز شیخ بهائی به تحصیل پرداخته و شیخ بهائی در سال ۱۰۲۰ق جهت او اجازه صادر فرموده است. برخی نوشته اند در مراتب علمی از پدرش مقام بالاتری را داشته است.(۲)

۱- الذریعه، ج۱، ص۱۵۰؛ الکواکب المنتشره، صص ۱۳۷ و ۱۳۸؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۴؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۸۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۰؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۰۲.

جعفر اصفهانی

جعفر بـن محمّـد محسن اصـفهانی خطـاط نسـخ نـویس قرن دوازدهم هجری، در تاریـخ ۱۱۲۶ق نسـخه ای از «صـحیفه کامله سجّادیّه» را به خط نسخ کتابت نموده، نسخه به شماره ۸۴۷۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۱)

جعفر بن محمّد

جعفر بن محمّـد، خطـاط نسـخ نویس، در محرّم ۱۲۰۱ق کتـاب «ترجمان اللّغه» میرزا محمّـد یحیی بن محمّـد شـفیع قزوینی را جهت آقا محمّد کاظم واله اصفهانی نوشته است. نسخه به شماره ۲۴۹۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

جعفر اصفهانی

جعفر بن محمّـد اصـفهانی از خطاطـان و نویسـندگان کتب در قرن دوازدهم هجری. جلـد اجـازات «بحارالأنوار الانـوار» علّامه مجلسی را به خط خود در سال ۱۱۸۶ق نوشته است.

نسخه آن به شماره ۵۶۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

[شاید او همان خطاط خط نسخ معاصر آقا محمّد کاظم واله اصفهانی که از او یاد کردیم باشد.]

جعفر جاری اصفهانی

ابوالفضل جعفر بن محمّد بن جعفر جاری اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان در قرن ششم هجری است. وی از ابومطیع [محمّد بن عبدالواحد] صحّاف بصری استماع حدیث

۱- فهرست رضوی، ج۶، ص ۲۶۴.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص۱۲۵۷.

۳- فهرست کتب اهدایی مشکاه به دانشگاه، ج۵، ص۱۱۷۶.

نموده است.(۱)

[جار=گار، از روستاهای شرق اصفهان به شمار می رود.]

جعفر تاجر یزدی

ابومحمّـد جعفر بن محمّد بن جعفر تاجر یزدی، از محدّثین قرن چهارم هجری است. وی جهت اخذ حدیث به اصـفهان آمده و از محمّد بن نُصیر و حاجب بن ابی بکر استماع حدیث نموده و سرانجام در ماه جمادی الآخر سال ۳۶۶ق وفات یافت.(۲)

میرزا سیّد جعفر خاتون آبادی

میرزا سـیّد جعفر خاتون آبادی بن میرسیّد محمّد بن حاج میرزا حسن بن میر محمّد حسین، عالم فاضل. در قرن سیزدهم هجری می زیسـته و پس از فوت به اذن حاج سـیّد محمّد باقر حجّهالاسـلام شفتی، او را در قبر ملّا محمّد علی استرآبادی واقع در بقعه خاندان مجلسی، جنب مسجد جامع اصفهان دفن کردند.(۳) [وفاتش قبل از سال ۱۲۶۰ق روی داده است.]

جعفر رِفاعی کرانی

ابو محمّـد جعفر بن محمّد بن جعفر رفاعی کرانی اصـفهانی، از محدّثین اصـفهان در قرن چهارم هجری [و از اهالی محلّه کران اصفهان] است. از محاملی، ابن عقده و دیگران حدیث روایت می کند. وی در ماه صفر سال ۳۷۹ق وفات نموده است.(۴)

۱- معجم البلدان، ج۲، ص۹۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۸.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۳؛ مزارات اصفهان، ص۳۵.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۸.

جعفر عریضی

ابوهاشم جعفر بن محمّد بن حسین بن عیسی بن محمّد بن علی عریضی، از سادات و امامزادگان عالیقدر ساکن اصفهان و نقیب اصفهان بوده و به احتمال زیاد در مقبره درب امام اصفهان مدفون شده است.(۱)

جعفر ثقفی کوفی

جعفر بن محمّد بن سعید ثقفی کوفی از محدّثین عامّه است. در اصفهان ساکن بوده و از ابونُعیم روایت نموده است. ابوحامد احمد بن جعفر بن سعید از او نقل حدیث کرده است.(۲)

جعفر قومسی [قمشه ای]

ابو محمّد جعفر بن محمّد بن علی اصفهانی معروف به «قومسی» از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است.

او از ابونعیم، عبیداللّه بن موسی و عیسی بن جعفر رازی و دیگران حدیث شنیده و علیّ بن صباح از او روایت می کند.(۳)

[به احتمال زیاد او از اهالی قومش = قومشه = قمشه که امروز شهرضا خوانده می شود بوده است.]

جعفر فِریانی

جعفر بن محمّد بن مرزبان فریانی اصفهانی، از محدّثین قرن سوم هجری است و از شیخ ابومسعود رازی نقل حدیث نموده است.(۴)

۱- مزارات اصفهان، ص۲۰۳.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۳.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۳؛ مزارات اصفهان، ص۸۵.

جعفر صغیر

ابو محمّـد جعفر بن محمّـد معروف به «صـغیر»، از محـدّثان اصـفهان در قرن چهارم هجری است. فقه را مطابق مـذهب کوفیان آموخته و از محمّـد بن عمر بن حفص، عبـداللّه بن ابراهیم بن صبّاح و صـحّاف روایت حدیث کرده است. وی در سال ۳۹۷ق وفات یافت.(۱)

محمّد جعفر طبسی

محمّد جعفر بن محمّد طبسـی، از فضـلاء قرن یازدهم هجری. در اصـفهان ساکن بوده و به تحصیل علم مشغول بوده است. وی نسـخه ای از «برهان الکفایه» تألیف: علی بن محمّد شریف بکری را در دوشنبه ۲۸ شعبان ۱۰۹۹ق در اصفهان کتابت نموده که به شماره ۱۳۵۴ در کتابخانه علّامه طباطبائی دانشگاه علوم پزشکی شیراز موجود است.(۲)

جعفر کاشانی رازی

ابو محمّد جعفر بن محمّد قاسانی رازی، از محدّثین اصـفهان است. احادیث بسـیاری فرا گرفته بود. هارون بن احمد استرآبادی احادیثی را از او روایت می کند. جمعی از محدّثین اصفهان نیز احادیث او را کتابت کرده اند.(۳)

محمّد جعفر مبارکه ای

محمّـد جعفر بن میرزا محمّـد مبـارکه ای لنجانی اصـفهانی، عالم فاضل و ادیب شاعر، در قرن سـیزدهم هجری می زیسـته و در ادبیات فارسی و عرب زبردست بوده و شعرنیز می سروده است. این کتب از اوست:

۱. کتاب «مفتاح اللّغه» که در ۲۷ ربیع الثانی ۱۲۴۷ق از جلد اول و در ۱۹ شوال

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۴۸؛ مزارات اصفهان، ص۳۱۴.

۲- نسخه پژوهی، ج۲، ص۱۱۹.

۳- معجم البلدان، ج۴، ص۲۹۷؛ اللباب، ج۳، ص۷.

۱۲۷۲ق از جلّد دوم آن فراغت یافته است.(۱)

۲. «فرهنگ فارسی به فارسی» ۳. «فرهنگ ترکی به فارسی»(۲)

محمّد جعفر موسوی

محمّد جعفر بن محمّد موسوی، متولّی موقوفات «بهرام بیگ» در اصفهان بوده که عبارت از است «مورنان» و «طهرانچی» وقف جهت خرید کتاب برای طلاّب اصفهان. نُسَخ کتابهای این موقوفه در اصفهان و غیره فراوان است. از آن جمله است کتاب «صافی» شرح فارسی ملّا خلیل بن غازی قزوینی بر کتاب «کافی» که به شماره ۶۸۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

ملّا محمّد جعفر مذهب قهپایه ای

ملّا محمّد جعفر مذهب بن میرزا محمود قهپایه ای، شاعر ادیب و در جوانی مالیه متقال فروشی را اجاره کرده و از آن طریق امرار معاش می نمود. گاهی شعر می سرود و «مذهب» تخلّص می کرد و تا سال ۱۰۸۳ق در قید حیات بود.

از اوست:

شود هر گه فروزان شمع رخسارش ز بی تابی

چو پروانه به گِردش گردد و سوزد نگاه من(۴)

محمّد جعفر مازندرانی

محمّد جعفر بن مختار مازندرانی[از فضلاء و طلاب علوم در قرن یازدهم هجری است که در اصفهان ساکن بود و] کتاب «اثولوجیا» را به خط نسخ در مدرسه باقریه

۱- الذریعه، ج ۲۱، ص ۳۴۷

۲- فرهنگنامه های عربی به فارسی، ص ۲۵۱.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ۵، ص ۱۳۸۸.

۴- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۵۹۸.

اصفهان نوشته است. کتاب به شماره ۱۹۲۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

محمّد جعفر اصفهانی

محمّد جعفر بن مصطفی اصفهانی، از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری است. وی به «لکزی داغستانی» شهرت داشته است. او در پنج شنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۶۵ کتابت نسخه ای از کتاب «تنبیهات المنجمین» ملّا مظفر گنابادی را به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۱۳۶۴ (۲۰۹۳۳) در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس موجود است.(۲)

محمّد جعفر خاتون آبادی*

محمّد جعفر بن محمّد مؤمن اصفهانی خاتون آبادی، عالم فاضل از دانشمندان عهد صفویه و برادر عالیقدر عالم محقق محمّدرضا امامی خاتون آبادی مؤلف کتاب «جنّات الخلود» است.

یادداشت تملک محمّدجعفر خاتون آبادی، بر روی نسخه ای از کتاب «نزهه النّاظر و تنبیه الخواطر» مشهود است. این نسخه به شماره ۱۸۹ در مدرسه چهلستون مسجد جامع تهران نگهداری می شود.(۳)

محمّد جعفر اصفهانی

محمّد جعفر بن محمّد مهدی اصفهانی، از خطاطان و فضلای اصفهان است. ظاهراً از شاگردان حاج سیّد محمّد باقر حجهالاسلام شفتی بوده و به دستور او نسخه ای

۱- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۵، ص۵۳۳؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۹۶.

۲- فهرست کتابخانه الهیات مشهد، ج۲، ص۵۱۲.

۳- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص ۳۴۱.

ازملحقات شیخ فخرالدّین طریحی را در جمعه ۲۰ شوال ۱۲۳۹ق به خط نسخ کتابت نموده است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. [همچنین صاحب عنوان قرآن مجید را در سال ۱۲۲۴ه.ق کتابت نموده و در کتابخانه خصوصی آقای دکتر اصغر مهدوی وجود داشته است.(۱)]

محمّد جعفر هرندی

آقا محمّد جعفر بن حاج ملّا مهدی بن حاج محمّد ظهیر بن حاج محمّد سمیع بن حاج خدابخش هرندی اصفهانی، عالم فاضل. وی در خاندانش به «آقا محمّد بزرگ» معروف بوده و امور شرعیّه اردستان و هرند به او محوّل شده بود و از طرف آقا محمّد خان قاجار تولیّت مدرسه جدّه را بر عهده داشت. وی در سال ۱۲۰۳ق وفات یافته و در بقعه ای مخصوص در محلّه جولاباد هرند مدفون گردید.(۲)

برخی کتب نیز به خط او کتابت شده که عبارتند از:

۱. «خزائن الجواهر السلطانی» تألیف: میرمحمّد حسین خاتون آبادی که در رجب ۱۱۵۴ق به خط نسخ نوشته و نسخه به شماره ۷۳۱ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است. (۳) ۲. «کفایه المقتصد» تألیف: محقق سبزواری، که در ۵ ربیع الاوّل ۱۱۷۴ق به خط نسخ آن را نوشته است، نسخه به شماره ۷۲۴۴ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی موجود است.(۴)

۱- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۲۶۲؛ نسخه های خطی، ج۲، ص۱۶۴؛ بیان المفاخر، ج۲، صص۲۹۳ و ۲۹۴.

۲- الاصفهان (رجال و مشاهیر)، ص۶۸۵؛ مکارم الآثار، ج۱، ص۱۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۲، ص۳۲۸.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۴۳.

محمّد جعفر تبریزی

محمّد جعفر بن محمّد مهدی تبریزی اصفهانی [از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری] در تاریخ چهارشنبه ۱۵ رجب ۱۲۴۴ق کتاب «منهج المقال» رجال کبیر استرآبادی را به خط نسخ به پایان رسانیده [است] کتاب به شماره ۴۴۶۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

سیّد جعفر کرمانی

آقا سیّد جعفر کرمانی بن حاج سیّد مهدی موسوی کرمانی، عالم فاضل. متوفی ۱۳۵۶ق مدفون در تکیه زنجانی در تخت فولاد اصفهان.(۲)

آقا جعفر نقاش*

آقا جعفر نقاش فرزند نجفعلی (آقانجف) نقاش اصفهانی، در اواسط قرن سیزدهم هجری می زیسته و از نقاشان و قلمدان سازان هنرمند و چیره دست آن روزگار بوده است او برخلاف برادرانش آقا احمد و آقا محمّد کاظم، به شیوه فرنگی سازی مایل بوده و چون عمویش محمّد اسماعیل پیرو سبک فرنگی سازی بوده است. او در گل و مرغ سازی نیز دستی قوی داشته و در این فن صاحب ابتکار بوده است. آثار او دارای لطافت و ظرافت خاصّی است.(۳)

جعفر اصفهانی

ابوعیسی جعفر بن یعقوب اصفهانی حکیم فاضل مترجم کتاب «اسفار آدم علیه السلام».(۴)

۱- فهرست مجلس، ج۱۲، ص ۱۴۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۹۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۹.

۳- هنر قلمدان، ص۱۲۴.

۴- کشف الظنون، ج۱ ص۸۵؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۵۲.

سیّد جعفر خراسانی

سیّد محمّد جعفر بن سیّد یوسف حسینی قائنی خراسانی، عالم فاضل (و فقیه حکیم. مجاز از شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ محسن خنفر و غیره) در سال ۱۳۳۲ق وفات یافته و جنب فاضلان در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

محمّد جعفر جرقویه ای

محمّد جعفر جرقویه ای اصفهانی [از خطاطان و نویسندگان کتب] در سال ۱۲۵۳ق نسخه ای از «زبده التّصانیف» تألیف: ملّا حیدر بن محمّد خوانساری را در اصفهان نوشته است. نسخه به شماره ۱۲۴۳ در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

محمّد جعفر حسنی حسینی اصفهانی*

آقا محمّد جعفر حسنی حسینی اصفهانی، خوشنویس هنرمند قرن سیزدهم هجری است خطوط شکسته و تعلیق را بسیار زیبا می نوشت. استاد همایی قطعاتی به خط تعلیق و شکسته او را که در سال ۱۲۹۰ق نوشته شده بود، رؤیت کرده است.(۳)

محمّد جعفر حسینی

ابوالمظفر محمّد جعفر حسینی، از فضلاء و علمای قرن یازدهم هجری است. وی در اصفهان ساکن بوده و به خواهش یکی از بانوان درباره صفوی «شاهزاده بیگم» بانی مدرسه شاهزاده ها در اصفهان، «مفتاح الفلاح» شیخ بهائی را به فارسی ترجمه نموده و آن را بر ۹ باب مرتّب ساخته است. البتّه شش باب آن از کتاب «مفتاح الفلاح» و باب هفتم در اعمال رجب و شعبان و رمضان، باب هشتم در عمل سایر ایام و باب نهم در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۳ و ج۲، ص۶۳۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۲.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۲۸.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۸۹.

آداب دعا و سفر می باشد.

نسخه ای از این کتاب به خط محمّد حسین اصفهانی که در سال ۱۰۸۶ق کتابت شده است در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در تهران موجود است.(۱)

سیدّ محمّد جعفر حسینی

سیدّ محمّد جعفر حسینی از فضلاء قرن سیزدهم هجری. بر کتاب «منهج الاجتهاد» تألیف: ملّا محمّد تقی برغانی قزوینی، حواشی نوشته است.

نسخه در سال ۱۲۶۰ق کتابت شده و به شماره ۷۶۸۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. صاحب عنوان در اصفهان ساکن بوده است.(۲)

محمّد جعفر حکاک*

حاج محمّد جعفر حکاک، در اواخر دوره قاجاریه می زیسته و در هنر حکّاکی استاد بوده است.(۳)

جعفر خان احمد خانی

جعفر حسینی خان احمدخانی، از ادباء و فضلای قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بودو در علم و ادب بهره فراوان داشت.

وی در سال ۱۱۶۰ق نسخه ای از «سواطع الالهام» فیض کاشانی را در تملک خود داشته و در سال ۱۱۶۳ق تقریظ فارسی بر آن نوشته و نیز بر آن کتاب حواشی ارزشمندی نوشته است که حاکی از احاطه او به فنون ادب و مراتب فضل و علم او است. خط او نیز زیبا بوده و نسخ و نستعلیق را خوش می نوشته است.

۱- الذریعه، ج۳، صص ۴۷۸ و ۴۷۹؛ الروضه النضره، ص۱۱۲.

۲- فهرست مرعشی، ج ۲۰، ص ۷۰.

۳- جغرافیای اصفهان، ص ۹۷ ؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۸۲.

گمان می رود او از خاندان کارکیاخان احمد از حکام گیلان در عصر صفویه باشد.(۱)

محمّد جعفر خوزانی

محمّد جعفر خوزانی اصفهانی، خطّاط فاضل در قرن سیزدهم هجری. کتاب «غایه القصوی»، تألیف: آقا سیّد محمّد شهشهانی را به خط نسخ در دوشنبه ۷ محرّم الحرّام سال ۱۲۷۳ق کتابت نموده است. نسخه آن در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

خوزان از محلات ثلاثه سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی]است.

میرزا محمّد جعفر راهب اصفهانی

میرزا محمّد جعفر طباطبائی نائینی اصفهانی، شاعر و ادیب فاضل، از نوادگان میرزا محمّد رفیع طباطبائی (میرزا رفیعا) نائینی و از نوادگان دختری میرسیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان بوده است. وی صاحب صفات نیک و اخلاق پسندیده بوده و محبوب القلوب خاص و عام بود. شعر را نیکو می سروده و شعرای اصفهان همچون آذر بیگدلی و میرسیّد علی مشتاق به مصاحبت و معاشرت با او رغبت تمام داشتند. وی سرانجام درسال ۱۱۶۶ق در اصفهان وفات یافت. مشتاق اصفهانی مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است.

مشتاق برای سال فوتش

تاریخ طلب به هر کران رفت

گفتش ناگاه ره نوردی:

«راهب صد حیف کز جهان رفت»(۳) او پس از وفات در قبرستان آب بخشان اصفهان مدفون شد. راهب، در انواع شعر

۱- تراجم الرّجال، ج۱، ص۱۱۹؛ الکواکب المنتشره، ص۱۳۳.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۵،ص ۴۴.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۶۵.

مهارت داشته ولی در زمان حیات به گردآوری و تدوین اشعار خود نپرداخته است. کتابی به نام نادرشاه نامه را نیز به او نسبت می دهند. برادرش میرزا امام علی متخلّص به «حشمت» نیز شاعر و ادیب بوده است.

این رباعی از اوست:

راهب خُم باده پیر دیری بوده است

پیمانه حریف گرم سیری بوده است

این مُشت گلی که گشت خشت سَرِ خُم

میخواره عاقبت به خیری بوده است(۱)

شیخ محمّد جعفر ریزی

شیخ محمّد جعفر ریزی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل، از علمای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. اصلاً از اهالی قصبه ریز [زرین شهر فعلی] بود. وی ظاهراً تا سال ۱۲۸۷ق. در قید حیات بوده است. دخترش مریم نیز از زنان عالمه و فاضله است.(۲)

استاد جعفر زرگر اصفهانی*

استاد جعفر زرگر اصفهانی، از هنرمندان معاصر، در فن زرگری استاد مسلّم عهد خود بود. تولدش حدود سال ۱۳۰۰ق یا کمی قبل از آن است. در چهارباغ به زرگری می پرداخته و تا سال ۱۳۷۴ ق در قید حیات بوده است.(۳)

۱- تذکره آتشکده، نیمه دوم، صص ۴۹۸-۴۹۶؛ دیوان مشتاق، ص۱۷۱؛ گلشن مراد، صص ۴۲۱-۴۱۹؛ تذکرالمعاصرین حزین، ص۲۱۹؛ تذکره حسینی، ص۱۳۶؛ صحف ابراهیم، ص۱۴۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۷۶؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۲۸۳-۲۸۰؛ الذریعه، ج۹، صص ۴۶ و ۴۷؛ خزانه عامره، ص۲۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۹؛ تذکره سخنوران نائین، صص ۴۶ و ۴۷.

۲- الکرام البرره، ج۱، ص۲۳۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۳.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۶۶.

محمّد جعفر شیروانی

محمّد جعفر شیروانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و از شاگردان علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی به شمار می رفت. وی حواشی محققانه ارزشمندی بر «مسالك الافهام» نوشته که مدوّن نشده است و در آن حواشی از علّامه مجلسی مطالبی نقل کرده و او را با دعای «مُدّ ظِلُّه» یاد کرده است. فرزندش محمّد تقی نیز از علمای اهل فضل بوده و بر روی همان نسخه حواشی خود را نوشته است.(۱)

محمّد جعفر قهپائی

محمّد جعفر قهپائی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در سال ۱۰۸۷ق نسخه ای از «مفتاح دالفلاح» شیخ بهائی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۲۱۴ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۲)

میرزا جعفر گلستانه*

میرزا جعفر گلستانه، شاعر و ادیب قرن سیزدهم هجری متخلّص به «مرتاض». در تذکره نصرت که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است از او نامی برده شده و اشعاری از او آمده است.(۳)

محمّد جعفر محمّدآبادی جرقویه ای*

محمّد جعفر محمّدآبادی جرقویه ای از نویسندگان کتب و فضلای اصفهان بوده و کتاب «مفتاح الشرایع» تألیف: مرحوم فیض کاشانی را در سال ۱۲۱۴ه.ق کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.

۱- الکواکب المنتشره، صص ۱۳۷ و ۱۲۲؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص ۱۵۹.

۲- فهرست مجلس، ج ۷، ص ۳۶۴.

۳- مجمل التواریخ، ص دوازدهم.

جعفر مدرس صادقی*

جعفر مدرس صادقی، نویسـنده - مترجم و داسـتان نویس معاصر در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۳ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتـدائی و متوسـطه را در اصـفهان طی کرد. سـپس در دانشـگاه تهران در رشـته زبان و ادبیات انگلیسـی به تحصـیل پرداخت و لیسانس دریافت کرد. اولین کتاب او با نام «بچه ها بازی نمی کنند» شامل ۸ داستان در سال ۱۳۵۶ش چاپ شد.

مدرس صادقی از نویسندگان پرکار معاصر است که در زمینه داستان، نقد ادبی، ترجمه و بازخوانی متون کهن فارسی کتابها و مقالات متعددی نوشته و به چاپ رسانده است.

این کتابها از او چاپ شده است:

۱. «بچه ها بازی نمی کنند» مجموعه داسـتان ۲. «نمایش» رمان ۳. «گاوخونی» رُمان ۴. «سفر کسری» ۵. «بالون مهتا» ۶. «ناکجا آباد» ۷. «شاه کلید» ۸. «دوازده داستان» ۹. «کنار دریا، مرخصی و آزادی» ۱۰. «شریک جرم» ۱۱. «عرض حال» ۱۲. «من تا صبح بیدارم» ۱۳. «لاتاری چخوف و داسـتانهای دیگر» ترجمه ۱۴. «آن طرف خیابان» مجموعه داسـتان ۱۵. «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» ترجمه.(۱)

شیخ جعفر مؤیّد موغاری*

شیخ جعفر مؤیّد موغاری اردسـتانی، عالم فاضل. در قریه «موغار» اردستان متولّد شده و پس از تحصیلات مقدّماتی در اصفهان نزد شـیخ علی مـدرس یزدی، شـیخ محمّـدحکیم خراسانی و سـیّد محمّـد مدرس نجف آبادی، به تحصـیل پرداخت. سـپس به زادگاه خود بازگشـته و به حلّ و فصل امور شـرعی مردم مشـغول شـد. در اواخر عمر به کسالتی دچار شـده و جهت معالجه به طهران رفته و در آنجا وفات یافت.(۲)

۱- نشریه کتاب هفته، شماره ۱۷۶، نوزدهم اردیبهشت ۱۳۸۳، ص۲۳.

۲- آتشکده اردستان، ج۲، ص۳۰۳.

جعفر خان میناکار*

جعفر خان میناکار، از اساتید فن مینا کاری در اواخر عهد صفویّه است. وی در سال ۱۱۲۴ق در اصفهان درگذشت. میرزا محسن تأثیر تبریزی در مادّه تاریخ وفات او گفته است:

سالی که رفت جعفر آرام از جهان

طبع مصاحبان همگی زین اَلَم فسرد

می گشت فکر از پی تاریخ فوت او

افسوس خورد و گفت: «رفیق شفیق مُرد»(۱)

(۲)

شیخ محمّد جعفر همدانی*

شیخ محمّد جعفر همدانی، عالم مجاهد در قرن دوازدهم هجری، در اصفهان ساکن بود و به تدریس و تألیف و ارشاد مردم مشغول بود. پس از حمله افغانهای قندهار به سرکردگی محمود غلجائی به اصفهان، او و دو فرزندش محمّد زمان و ابوطالب به همراه سپاه صفوی از اصفهان خارج شده و به جنگ افغانها رفتند. آنها در روستای «گلون آباد»، در ماه جمادی الاوّل ۱۱۳۴ق در میدان نبرد به شهادت رسیدند. رحمهاللّٰه علیهم.(۳)

جعفر قلی خان اسعد بختیاری

جعفر قلی خان بن علیقلی خان سردار اسعد بن حسینقلی خان ایلخانی بختیاری، از سیاستمداران عصر مشروطیت و پهلوی در سال ۱۲۵۸ش متولّد شد. [تحصیلات متوسّطی داشت با زبان فرانسه آشنا بود و در سوارکاری و تیراندازی مهارت بسیار

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۶۶.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۵۲۴.

۳- رساله «ملّامحمّد علی تونی و یادداشت های تاریخی او، صص ۱۶ و ۱۷.

داشت. پس از فتح تهران، به همراه یفرم خان ارمنّی در سرکوب محمّد علی شاه (پادشاه مخلوع قاجاریه) و عوامل او در زنجان و آذربایجان نقش مهمی ایفا کرد. او یکی از ۱۰ تن قضات دادگاه انقلابی بود که حکم اعدام عدّه ای از مخالفان را، از جمله شیخ فضل اللّه نوری صادر کردند. همچنین او به همراهی یفرم خان، در پارک اتابک به سرکوب مجاهدین آذربایجانی به رهبری ستارخان پرداخت. در این زمان جعفر قلی خان به لقب «سردار بهادر» ملقّب شده بود. از سال ۱۳۳۶ق پس از مرگ پدرش لقب «سردار اسعد» را به او دادند. او در کابینه مستوفی الممالک، وزیر پست و تلگراف بود. سپس حاکم کرمان و بعداً خراسان گردید. جعفرقلی خان در راه به سلطنت رسیدن رضا شاه تلاش بسیاری کرد او در کابینه سردار سپه دوباره وزیر پست و تلگراف شد و در کابینه مخبر السلطنه وزارت جنگ را بر عهده گرفت و تا هنگام دستگیری در آن پست باقی ماند. عاقبت رضا شاه به او سوء ظن پیدا کرده دستور بازداشت او را صادر کرد. جعفرقلی خان در آبان ۱۳۱۲ش به همراه جمعی از سران بختیاری دستگیر و روانه زندان شد و پس از ۵ماه از زندان قصر به زندان شهربانی منتقل و با وضع فجیعی به قتل رسید(۱)]

جسد او را به اصفهان آورده و در آررامگاه خانوادگی خاندان بختیاری در تکیه میر واقع در تخت فولادبه خاک سپردند.(۲)

جعفر قلی فریدنی

جعفر قلی فریدنی ایناللو [از خوشنویسان اواخر دوره صفویّه] در تاریخ ربیع الثّانی ۱۳۱۶ق به خط نستعلیق خوش نسخه ای از «شرح قصیده خمریه» ابن فارض را نوشته [است.] کتاب به شماره ۶۵۱۴۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی در تهران موجود است.(۳)

۱- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۱۵۸-۱۵۲؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، صص ۲۴۷-۲۴۵.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص۸۳.

۳- فهرست مجلس، ج۱۵، ص ۳۴.

جعفری خروس باز*

ملّا جعفر خروس باز، از بذله گویان و اصفهانیان حاضر جواب در عصر صفویه است. او جانماز دار علّامه مجلسی بوده و به علت علاقه به خروس بازی و جنگ خروس ها به «جعفر خروس باز» معروف بوده است. فردی شوخ و بذله گو بوده و از شوخ طبعی ها و حاضرجوابی های او حکایاتی نقل شده است. حکایات و ماجراهای او در رساله «ملّا جعفری خروس باز» که شخصی ناشناخته (شاید محمّدحسن خان اعتماد السلطنه؟) به نام محمّد حسن آنها را گردآوری کرده، به شماره ۴۲۸ در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می شود. تاریخ کتابت این رساله ۷ ربیع الثّانی ۱۳۰۵ق است.(۱)

شاطر جلال

شاطر جلال، از طبقه رامشگر و مطربان بوده و در سال ۹۷۰ق به کاشان رفته و طرف تعلّق خاطر محتشم کاشانی شاعر معروف قرار گرفته، و این شاعر منظومه «جلالیه» را به نام او سروده است.(۲)

جلال فروغ بروجنی

جلال برجیس بن ابوطالب بن محسن بروجنی اصفهانی، شاعر ادب معاصر، در سال ۱۳۰۰ش در قهفرخ [فرخ شهر فعلی در استان چهارمحال و بختیاری] متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در قهفرخ و متوسطه را در اصفهان به پایان رسانیده و بعداً از دانشگاه اصفهان به اخذ لیسانس نائل شد و در فرهنگ وارد شده و به تدریس مشغول شد و ۴۰ سال در کسوت دبیری به انجام وظیفه مشغول بود. او ضمن تدریس در دبیرستان، در سال ۱۳۲۰ش به تأسیس آموزشگاه فروغ همّت گماشت و به تعلیم

۱- فهرست کتابخانه ملی (کتابهای فارسی)، ج۱، ص۴۰۸؛ اصفهانی های شوخ طبع و حاضرجواب، صص ۱۰۹-۱۰۲.

۲- فهرست کتب چاپی فارسی، ص۹۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۹.

بزرگسالان و کسانی که قادر به تحصیل در مدارس روزانه نبودند پرداخت و برای کسانی که قدرت پرداخت شهریه را نداشتند، به رایگان در آموزشگاه خود ثبت نام می کرد. او دلباخته خدمت به هم نوع بود و در دبستان و دبیرستان او صدها تن از علاقمندان علم و دانش تربیت شده و بسیاری از آنان به مقامات بالایی رسیدند. وی سرانجام در ماه رمضان ۱۴۰۸ق وفات یافته و در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

وی از شعراء و سخنوران معروف اصفهان بوده و در انجمن ادبی کمال شرکت می کرده و «فروغ» تخلّص داشته است

[این ابیات از اوست:

صبح عمر ما غروبی دارد اندر پی «فروغ»

زود بینی بر لب بام آفتابی بیش نیست(۱)]

استاد جلال تاج اصفهانی*

استاد جلال تاج اصفهانی ابن شیخ اسماعیل تاج الواعظین، استاد بلند آوازه آواز ایران، در سال ۱۲۸۲ش در اصفهان متولّد شد. در ۱۲ سالگی پدرش که از منبریان و وعاظ معروف اصفهان بود، از استعداد او در آواز مطلّع شد، و او را به سیّد عبدالرّحیم اصفهانی از اساتید موسیقی سپرد. پس از آن استاد تاج نزد نایب اسداللّه، میرزا حبیب شاطرحاجی، حسین عندلیب و میرزا حسین ساعت ساز (خضوعی) به فراگیری گوشه های آوازی، طرز ادای درست کلمات و سایر معلومات موسیقائی مشغول شد و به تمرین آواز پرداخت.

در ۲۰ سالگی (سال ۱۳۰۲ش) به تهران آمد و در کنسرت روزنامه ناهید در باغ «سهام الدوله» (لاله زار) که در حضور حاج مخبر الدّوله هدایت برگزار می شد شرکت

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۵۷-۳۵۵؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۲؛ آئین فرزانگی، ج۱، صص ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۹۳.

کرد و با ارکستر مرتضی محجوبی و تار مرتضی نی داود همراه شد.

در سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ش در تهران در بعضی مجالس ادبی و هنری به اجرای برنامه می پرداخت. در سال ۱۳۱۷ش استاد تاج به همراهی جمعی از هنرمندان موسیقی به شهر «حلب» سوریه رفته و در برنامه های آنجا شرکت کرد. در سال ۱۳۱۹ش با تأسیس رادیو به همکاری با رادیو پرداخته و با هنرمندانی چون ابوالحسن صبا، مرتضی خان محجوبی، حسین تهرانی، عبدالحسین شهنازی، مهدی نوائی، حاج علی اکبر خان شهنازی، حبیب سماعی، مهدی غیاثی و دیگران آثار ارزنده ای را پدید آورد.

از سال ۱۳۲۰ به بعد تاج در اصفهان به فعالیت هنری پرداخت. از جمله از سال ۱۳۲۹ش همزمان با تأسیس رادیو اصفهان به همکاری با آن پرداخت و تا سال ۱۳۵۷ش به اجرای برنامه در رادیو اصفهان مشغول شد. در سال ۱۳۳۵ش به برنامه گلها در رادیو سراسری دعوت شد و آثار ارزنده ای از او به یادگار ماند.

او علاوه بر آواز به تعلیم علاقمندان موسیقی مشغول شد و از جمله هنرمندان برجسته ای چون علی اصغر شاهزیدی و علیرضا افتخاری نزد او به فراگیری موسیقی پرداختند. استاد تاج در برنامه خود با برخی از هنرمندان موسیقی اصفهان چون استاد جلیل شهناز و استاد حسن کسائی همکاری داشت.

او در استخدام استانداری اصفهان بود و سپس به شهرداری منتقل شد و مقرری نیز از رادیو اصفهان دریافت می کرد. در اواخر عمر به بیماری مبتلا شد و در آخرین سال زندگی از صدا و سیمای اصفهان نیز برکنار و حقوقش قطع شد. او سرانجام در ۱۳ آذر ۱۳۶۰ش در اصفهان درگذشت و در تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد به خاک سپرده شد.

استاد تاج انسانی متواضع، صبور و موقّر بود و از خودخواهی و غرور که دامنگیر برخی هنرمندان است به دور بود. بسیار خوش مشرب و نیک محضر بود.

در خوانندگی دارای سبکی خاص بود و در صدا و صوت دارای قدرت و مهارت و هوشی قابل توجّه بود. او در عین تسلّط، تحریرها را پشت سر هم و کنترل شده و حتّی

در اوج به سهولت دودانگ می خواند. ادای شعرها توسط او سنجیده بود و کلماتش واضح به گوش می رسیدند. تحریرهای تاج بیشتر تلفیقی بود از تحریرهای ویژه حبیب شاطر حاجی و به خصوص سیّد عبدالرّحیم اصفهانی. خود نیز در ایجاد ابداع و تنوع در تحریرها زبردستی فوق العاده ای داشته است. در مناسب خوانی که از اختصاصات مکتب آواز اصفهان به شمار می رود، او گوی سبقت را از سایر اساتید آواز ربوده بود. در خواندن تصنیف نیز تبحّر کامل داشت و تصنیف «به اصفهان رو که تا بنگری بهشت ثانی» از معروف ترین آنها به شمار می رود.

استاد منوچهر قدسی در مرثیه او شعری سروده است ک ماده تاریخ آن این بیت است:

ماتم گرفت «قدسی» و تاریخ او نوشت

«همراه بلبلان ز چمن تاج پر گشود»(۱)

سیّد جلال مجتهد هومانی*

سیّد جلال مجتهد بن سیّد مرتضی حسینی هومانی (امام جمعه) عالم فاضل، از اهالی روستای «هومان» کَروَن» متوفی به سال ۱۳۳۳ش و مدفون در تکیه حاج آقا مجلس در تخت فولاد اصفهان.(۲)

میرزا جلال اسیر اصفهانی

میرزا جلال اصفهانی متخلّص به «اسیر» فرزند میرزا مؤمن شهرستانی، شاعر ادیب، از مشاهیر سخنوران عصر صفویه است. وی داماد شاه عباس اوّل بوده و در شعر و ادب در عصر خویش شهرت فراوان داشت. گویند وی شاگرد فصیحی است.

۱- یادنامه استاد جلال تاج اصفهانی؛ چهره افروختگان خطّه زنده رود، صص ۲۷-۲۵؛ دولت دیدار، صص ۱۲۶-۱۱۶؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، صص ۱۲۵ و ۱۲۶؛ سیمای هنرمندان ایران، ج۳، صص ۱۴۶-۱۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، نسخه خطی.

مؤلف ریاض الشعراء معتقد بوده است که شعر او از لحاظ لحن نامطبوع و از لحاظ مضمون عامیانه است گرچه از نبوغ محروم نیست.

در منزل او اغلب شعرا حضور می یافته و شعر خوانی می کرده اند و مبتدیان نزد او فنون شعر و ادب را می آموختند.

[اسیر سرانجام در سال ۱۰۴۹ق بر اثر افراط در میخوارگی در گذشته است]

دیوان اشعار او بالغ بر بیست هزار بیت بوده است. کلیات اشعار او در سال ۱۲۹۷ق در هند و در سالهای اخیر در تهران چاپ شده است.

از اوست:

چند گویم با کسی راز دل دیوانه خود را

که خوابم می برد گر سر کنم افسانه خود را

غبار خاطرم خوش گریه آلود است می خواهم

به سیل اضطراب دل دهم ویرانه خود را

نمی دانم کجا پیدا کنم چندان دل و دعوی

بیارایم اگر از بهر او کاشانه خود را

اسیر امشب نمی دانم چه گفتم یا چه ها کردم

دل دیوانه خود را، دل دیوانه خود را(۱)

جلال یقین کاشانی

جلال کاشانی معروف به جلالای کاشی و متخلّص به «یقین»، شاعر ادیب عصر صفویه. در اصفهان ساکن بوده و در فنّ شعربافی مهارت داشته و شعر نیز نیکو می گفته است. از دوستان میرزا محمّد طاهر نصرآبادی بوده و با او حشر و نشر داشته است.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۳۸؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۴۹-۴۷؛ لغت نامه دهخدا، ذیل اسیر، ص۲۶۰۵؛ تذکره حسینی، ص۴۱؛ سرو آزاد، ص۵۳؛ آتشکده آذر، بخش سوم، ص۹۲۳؛ الذریعه، ج۹، ص۷۴؛ تذکره شمع انجمن، ص۸۱؛

تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۴۹-۱۴۶.

از اوست:

به ترک خویش کمر هر که بست برخیزد

به خاک کوی تو هر کس نشست برخیزد

سوار مرکب همّت شو و چنان بجهان

که گرد نیستی از هر چه هست برخیزد(۱)

جلال الدّین (آقا میرک) اصفهانی*

سیّد جلال الدّین حسینی اصفهانی معروف به «آقا میرک» شاعر نقاش و مذهب هنرمند قرن دهم هجری.

در اصفهان متولّد شد و به تبریز رفته و نزد استاد کمال الدّین بهزاد به فراگیری نقاشی پرداخت و در ضمن آن فنون تذهیب، صحافی، جلد سازی و خوشنویسی را فراگرفت و در کتابخانه سلطنتی تبریز به فعالیت پرداخت و گمان می رود پس از انتقال پایتختی از تبریز به قزوین او نیز به قزوین آمده باشد.

سام میرزا که معاصر اوست درباره او می نویسد:

«آقا میرک نقاش. از سادات اصفهان است و در طراحی و تصویر نادره زمان. حالیا در خدمت حضرت صاحبقرانی [شاه طهماسب] پیشوا و مقتدای این طایفه اوست.»

او از نقاشان مینیاتور ایرانی بوده و برخی از تابلوهای نفیس شاهنامه طهماسبی و خمسه طهماسبی توسط او کشیده شده است. او در هنر جلدسازی نیز صاحب ابداع و ابتکار بوده و از جمله روی جلدها را به جای ضربی یا ضربی طلاپوش که دارای انواع نقوش اسلیمی، خطائی و یا تشعیر برجسته بوده، بوم مشکی کرده، تشعیر می ساخت. تشعیر روغنی روی جلدهای کار آقا میرک شامل گل و بوته و درخت و باغ و صحرا و جانور سازی چون سیمرغ و اژدها در حال گرفت و گیر و آهو در حال گریز و پرندگان

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۷۷؛ الذریعه، ج۹، ص۱۷۲.

زیبا در هوا بود و این طرز کار را شیوه آقا میرکی می گفتند و بسیار مستحسن و زیبا بود.

دقت و ظرافت در نمایش جزئیات یک تصویر و به کارگیری رنگهای روشن و شفاف و ایجاد هماهنگی در تلفیق رنگها، از ویژگیهای برجسته آثار اوست. از جمله تابلوهای زیبای او «مجنون در میان حیوانات وحشی» است که در جزو تصاویر خمسه شاه طهماسبی در موزه بریتانیا موجود است.

در نقاشی سلطان محمّد و شاه قلی و در خوشنویسی خواجه عبدالصّمد شیرین قلم شیرازی را از شاگردان او شمرده اند.

سال درگذشت او معلوم نیست و از قرائن برمی آید که تا حدود ۹۵۰ق زنده بوده و پس از این سال در قزوین از دنیا رفته است.

آقا میرک طبع شعر نیز داشته و در جواب جامی که سروده بود:

دو هفته شد که ندیدم مَه دو هفته خود را

کجا روم که بگویم غم نهفته خود را

گفته است:

شدم به باغ که بینم گل شکفته خود را

شنیدم از گل و بلبل غم نهفته خود را(۱)

جلال الدّین اژه ای

حاج آقا جلال الدّین اژه ای عالم فاضل متّقی، از ائمه جماعات و فضلای معاصر اصفهان. وی کتابهای «زبده المعارف» و «رساله معاد» و «رساله نماز شب» جدّ اعلای خود ملّا علی اکبر اژه ای را به چاپ رسانده است.[سرانجام در شب جمعه بعد از نماز

۱- گلستان هنر: مقدمه: سی و هشت و ص۱۳۹؛ تذکره تحفه سامی، ص۷۴؛ دائره المعارف هنر، ص۵۶۳؛ تاریخ صنایع ایران، ص۱۹۵؛ کمال الدّین بهزاد (قمر آریان)، صص ۳۵ و ۳۷ و ۳۹؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۲۰۷۱؛ سیر نقاشی ایرانی، صص ۲۹۷ و ۲۹۸؛ دائرهالمعارف تشیع، ج۱، صص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۸۸؛ تاریخ هنرهای ملّی، ج۲، صص ۸۳۵ و ۸۳۶؛ تاریخ نظم و نثر، ص۶۶۱؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۱، ص۲۰۱.

مغرب ۷ ربیع الاولی] ۱۳۹۲ق وفات یافته و در تخت فولاد جنب مزار ملّا اسماعیل خواجوئی و جدّش ملّاعلی اکبر مدفون شد.(۱)

جلال الدّین باری اصفهانی*

جلال الدّین کور اصفهانی متخلّص به «باری» از شاعران و خوشنویسان قرن دهم هجری است. خط نستعلیق را به روش ملّاسلطان علی مشهدی خوش می نوشت. به غایت خیره و طیره و هرزه گرد بود. از اصفهان به هند رفته و در سال ۱۰۰۰ه.ق در آنجا درگذشت. او از نزدیکان (و احتمالاً از فرزندان) میر روزجهان صبری بود.

از اوست:

چراغ افروز بزم عشرتم شد آتشین رویی

که هر پنهان نگاهش آتش صد خرمن است امشب(۲)

سیّد جلال الدّین تقوی

سیّد جلال الدّین تقوی ابن آقا سیّد محمّد تقی قمشه ای، از شعرای معاصر. وی کارمند اداره فرهنگ [آموزش و پرورش] شهرضا بوده و این شعر از اوست:

گلاب و مشک تر از بس ز روی و موت می ریزد

به بستان آبروی گل ز رنگ و بوت می ریزد

دلم دریای خون گردیده و دیده است چون جیحون

ز بس روز و شب اشک از هجر روی و موت می ریزد(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۴.

۲- کاروان هند، ج۱، ص۱۴۱.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۲.

حاج شیخ جلال الدّین نجفی

حاج شیخ جلال الدّین (جعفر) بن حاج شیخ محمّدتقی آقا نجفی، عالم فاضل و مجتهد کامل از علمای اواخر دوه قاجاریه. مادرش دختر ملّامحمّد صالح جویباره ای است.

در سال ۱۳۰۰ق به همراه جدش شیخ محمّدباقر نجفی به نجف اشرف مشرف شد و در نزد عمویش عارف ربانی شیخ محمّدحسین نجفی بهره گرفت.

پس از آن در سال ۱۳۰۷ق به اصفهان آمده و صاحب مال و مکنت فراوان شد و به اقامت جماعت و تدریس در مسجد شاه [مسجد امام فعلی] پرداخت.

وی در شب سه شنبه ۶ ذیحجه الحرام ۱۳۳۷ق در اصفهان وفات یافته و در مقبره پدرش در امامزاده احمد مدفون شد. مدّتی بعد بقایای جسد او را به کربلا انتقال داده و در یکی از حجرات مرقد مطهر حسینی علیه السلام مدفون ساختند.

مرحوم میرزا عبدالحسین خوشنویس متخلّص به «قدسی» در مرثیه و تاریخ آن قطعه ای سروده و تاریخ آن را چنین گفته است:

«قدسی» آن دم که برون رفت «جلال الدّین» گفت:

آیت اللّه بفردوس برین کرد مقام(۱)

شیخ جلال الدّین جعفری کوهپائی*

شیخ جلال الدّین جعفری فرزند ملّا جعفر بن ملّا طاهر قهپایه ای اصفهانی، عالم فاضل، در سال ۱۲۹۹ش در کوهپایه اصفهان متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله حاج آقا رحیم ارباب انجام داد و در مشهد مقدس به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و سالها در آنجا ساکن بود. آنگاه به زادگاه خود بازگشته و نماز جماعت را در مسجد جامع کوهپایه و سپس مسجد طالار اقامه نمود. او عمر خود

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص۶۸-۶۵؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۳۸۰ و ۲۳۸۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۵.

را به مطالعه و تألیف و ارشاد خلق و تبلیغ دین گذراند و سرانجام در ۱۱ شوال ۱۴۱۷ق (مطابق ۲ اسفند ۱۳۷۵) وفات یافته و در گلزار شهدای کوهپایه مدفون شد. طبع شعر داشته و اشعاری از او موجود است.

این کتابها از اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «راز بقای انقلاب اسلامی» ۲. «قیام امام حسین علیه السلام» ۳. «حجّه البالغه فی اثبات الحجّه»(۱)

آقا جلال الدّین بت شکن دهکردی*

آقا جلال الدّین بت شکن فرزند آخوند ملّا محمّد حسین بن آخوند ملّا محمّد ابراهیم دهکردی، از علمای اواخر دوره قاجاریه.

وی سالها در نجف اشرف به تحصیل مشغول بوده و از محضر علمای بزرگ آن دیار خصوصاً آخوند ملّا محمّه کاظم خراسانی بهره گرفت. او از طرفداران مشروطیت ایران بود و به منظور مبارزه با استبداد به زادگاه خود دهکرد (شهرکرد فعلی) مراجعت نمود.

او حامی مظلومان و مخالف خوانین و زورگویان بود. مخالفینش که منافع خود را در خطر دیدند عدّه ای از عوام الناس و مردم جاهل را تحریک کردند و به دروغ مدعی شدند آقا جلال الدّین قصد اعزام جوانان آنها را به خدمت اجباری (نظام وظیفه) دارد لذا آن جماعت فریب خورده در سال ۱۳۰۶ش به منزل او هجوم برده و او را شهید کردند. پیکر او در جوار امامزاده حلیمه و حکیمه خاتون در دهکرد و در جوار جدش ملّا محمّد ابراهیم دفن شد.(۲)

۱- یادداشت های آقای حاج علی اسحاقی، با تشکر از آقای حسن مظاهری.

۲- شناخت سرزمین چهارمحال، ج، ص۶۱۷.

سیّد جلال الدّین طاهری*

سیّد جلال الدّین طاهری فرزند سیّد عبدالخالق، در سال ۱۳۰۴ش در محلّه حسین آباد اصفهان متولّد شد. او از اعقاب عالم جلیل القدر سیّد محمد میرلوحی سبزواری اصفهانی است. در اصفهان تحصیلات ابتدائی را طی نموده و وارد دبیرستان صارمیه شد و از آنجا دیپلم گرفت. سپس دروس مقدماتی و سطح را در آقایان شیخ احمد فیاض سدهی و سیّد جواد غروی در حوزه علمیه اصفهان فراگرفت. در سال ۱۳۲۵ش به قم رفت و از درس حضرات آیات سیّد محمد تقی خوانساری، حاج آقا حسین بروجردی، سیّد محمّد محقّق داماد، امام خمینی و شیخ محمّدعلی اراکی بهره گرفت.

فعالیت های سیاسی خود را در حمایت از نهضت امام خمینی از سال ۱۳۴۲ش آغاز کرد و پس از بازگشت به اصفهان در راه تبلیغ اهداف انقلاب به فعالیت پرداخت و از سال ۱۳۵۱ش نماز جمعه را در اصفهان اقامه نمود که با کارشکنی ها و ممانعت های مأموران رژیم پهلوی روبرو گردید.

او بارها توسط ساواک دستگیر و زندانی شده و مورد شکنجه های سخت و طاقت فرسا قرار گرفت و سپس به مهاباد تبعید شد. ولی پس از بازگشت به اصفهان بار دیگر نماز جمعه را برپا نمود و به سخنرانی های انقلابی و افشاگرانه علیه رژیم شاه ادامه داد. مأموران رژیم در ۱۰ مرداد ۱۳۵۷ش او را دستگیر و زندانی کردند که باعث قیام تاریخی مردم اصفهان و تحصن آنان در مقابل منزل مرحوم آیه اللّه خادمی و شهادت جمعی از آنان و اعلام حکومت نظامی در اصفهان گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی وی به عنوان نماینده امام خمینی در استان اصفهان و امام جمعه اصفهان منصوب شد. و چندین دوره نیز از طرف مردم اصفهان به نمایندگی مجلس خبرگان برگزیده شد. در جریان جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۶۷ش) برای پشتیبانی و حمایت از رزمندگان و کمک به جبهه های نبرد فعالیت های فراوانی انجام داد و فرزند جوانش علی طاهری در سال ۱۳۵۹ش در منطقه چزابه به شهادت رسید و

مفقودالاثر گردید.

او سالهای متمادی در حوزه علمیه اصفهان خصوصاً مدرسه چهارباغ و مدرسه صدربازار به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود و اکنون چند سالی است که از امامت جمعه اصفهان کناره گیری نموده است.(۱)

از آثار ایشان «المحاضرات مباحث فی اصول الفقه» که تقریرات درس استادش مرحوم محقق داماد است در ۳جلد به چاپ رسیده است.

سید جلال الدّین فارقلیطی

سید جلال الدّین فارقلیطی بن سیّد فخرالدّین موسوی خوانساری بن سیّد رضا بن حسن بن ابوالقاسم جعفر بن حسین بن قاسم بن محب اللّه موسوی.

عالم فاضل. در اصفهان نزد علماین این شهر خصوصاً آقا شیخ محمّد رضا نجفی به تحصیل پرداخت. در دوره اختناق رضا خان به اجبار ترک لباس گفت امّا دست از تحصیل و طلب علم برنداشت و پس از طی شدن دوره اختناق مجدّداً لباس روحانیّت را در بر کرد. او ضمن اشتغال به کسب و کار (ساعت سازی) همچنان در خدمت بزرگان تَلَمُّذ می کرد و از راه منبر و موعظه نیز مردم را ارشاد می نمود. [سرانجام در ۱۲ بهمن ۱۳۴۷ش وفات یافت.]و در تکیه جهانگیر خان قشقائی در تخت فولاد، جنب مزار پدر خود مدفون گردید.(۲)

سیّد جلال الدّین شریعتی زفره ای*

سیّد جلال الدّین شریعتی ابن سیّد مرتضی طباطبائی زفره ای، عالم فاضل، در سال ۱۲۹۹ش در روستای «زفره» از توابع کوهپایه اصفهان متولّد شد. مقدمات علوم را از

۱- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج۱، صص ۵۵۳ و ۵۵۴؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (اسناد اصفهان)، ج۱، ص۲۰۲؛ مقدمه محاضرات.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص ۳۰۰.

پدر و نیز شیخ حسن جناب فرا گرفت. سپس در درس علمای عالیقدر اصفهان همچون شیخ محمّد جواد فریدنی، شیخ هبه اللّه هرندی، شیخ محمّد علی عالم حبیب آبادی، سیّد محمّد باقر سدهی، سیّد علی اصغر برزانی، شیخ احمد فیاض، حاج آقا حسین خادمی و حاج آقا رحیم ارباب حاضر شد و کسب فیض نمود.

ایشان در مسجد صاحب الزمان در محلّه دردشت و مسجد شجره در خیابان شاه عباس خاکی [شریف واقفی فعلی] اقامه جماعت می نمود و گاهی نیز به زادگاه خود رفته و در حلّ مشکلات مردم آنجا ساعی و کوشا بود. سرانجام در ۱۶ محرم الحرّام ۱۴۲۱ق برابر با دوّم اردیبهشت ۱۳۷۹ش وفات یافت.(۱)

میرزا جلال الدّین روضاتی

آقا میرزا جلال الدّین روضاتی ابن آقا میرزا مسیح بن میرزا محمّد باقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات الجنات)، عالم فاضل. در سال ۱۲۸۳ق در اصفهان متولّد شد و در خدمت پدر و عمّ بزرگوارش [و برخی از علمای اصفهان] به تحصیل پرداخته و به مراتب عالی علم و فضیلت نائل شد و [از جدّ عالی مقام خود صاحب روضات و برادر ایشان میرزا هاشم چهارسوقی اجازه روایت و از سیّد ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی مرجع عالیقدر تقلید اجازه در امور حسبیه دریافت نمود.

او عالمی وارسته و بی ریا و زاهد و تارک دنیا بود. در سال ۱۳۵۶ق فرزند برومندش آقا میرزا محمّد هاشم در شط کوفه غرق شد و پدر را غریق محنت و درد جانکاه فراق نمود و در ضمن آن به امراض گوناگون مبتلا شده و عاقبت در بیمارستان بستری شده و تن به عمل جرّاحی داده و دو روز بعد از عمل] در ۱۶ رمضان ۱۳۶۰ق وفات یافته و پیکرش به تخت فولاد حمل و در بقعه نیای بزرگوارش صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.

۱- یادداشت های محقق و نویسنده ارجمند آقای محمّد حسن رجائی زفره ای.

مرحوم میرزا حسن چهارسوقی مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

یکی آمد برون و گفت چنین

«شد بخلد برین جلال الدّین»

۱۳۶۰=۱۳۶۱-۱

صاحب عنوان انواع خطوط خصوصاً نسخ را خوش می نوشته و برخی از کتابها را کتابت نموده است. وی یک سلسله مطالب منبری هم در سه چهار جلد و مجموعه بزرگ و کوچک به رشته تحریر کشیده و کتابی در «شرح حال شیطان» در ۴ ذیحجه ۱۳۰۶ق استنساخ نموده که ظاهراً از تألیفات اوست.(۱)

سیّد جلال الدّین فقیه ایمانی*

سیّد جلال الدّین فقیه ایمانی فرزند حاج سیّد مصطفی، عالم جلیل. در سال ۱۳۱۱ش متولّد شد. تحصیلات حوزوی را نزد حضرات آیات شیخ حیدر علی صلواتی، شیخ یحیی فقیه ایمانی، شیخ فضل اللّه ذو علم و شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، انجام داد و برای تکمیل آن به قم رفته و از علمای اعلام و آیات عظام شیخ مرتضی حائری، سلطانی، علّامه طباطبائی، بروجردی و گلپایگانی کسب فیض نمود سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و از درس آیات عظام حکیم، شیخ حسین حلّی و حاج سیّد ابوالقاسم خوئی بهره گرفت. او در ۲۸ سالگی به افتخار مصاهرت مرحوم خوئی نائل آمده و پس از مراجعت به اصفهان، نمایندگی ایشان را در اصفهان برعهده گرفت.

وی در بسیاری از فعالیت های خیریه شرکت داشته و خدمات ارزنده ای به اسلام و مسلمین نموده است که از آن جمله است: احداث دو باب مدرسه علمیه در مشهد مقدّس، تأسیس شهرک مدینه العلم به نام مرحوم آیت اللّه خوئی در شهر مقدس قم. او سرانجام در اواخر ماه ذی الحجه الحرام سال ۱۴۲۸ق در تهران وفات کرد و در مسجد

۱- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۶ و ۱۷؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۵۰۳-۲۴۹۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۴۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۹.

طباطبائی قم در جوار همسرش حاجیه خانم مریم خوئی دفن شد. رحمهاللّٰه علیهما.

جلال الدّین همائی

استاد جلال الدّین همائی بن میرزا ابوالقاسم محمّد نصیر طرب بن رضا قلی(محمّد رضا) همای شیرازی، از دانشمندان عالیقدر معاصر. شاعر، خوشنویس، مورّخ، ادیب و دانشمند جامع، در اوّل رمضان ۱۳۱۷ق در خانواده ای اهل هنر و ادب در محلّه پاقلعه اصفهان متولّد شد. از کودکی نزد مادر قرآن و ادعیه و گلستان و اشعار حافظ را فرا گرفت. سپس در مکتب خانه تحصیل کرد و مدّتی شاگرد میرزا عبدالغفار پاقلعه ای بود. در سال ۱۳۲۶ق به مدرسه حقایق و سال بعد به مدرسه قدسیه رفت و در همان زمان نزد ملّا محمّد تقی کاتب به مشق خط پرداخت.

در اواخر سال ۱۳۲۸ق به مدرسه نیم آورد رفت و نزد علمای عالیقدر همچون حاج سیّد محمّد کاظم کَروَنی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آقا میرزا احمد اصفهانی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا شیخ محمّد حکیم خراسانی، شیخ اسداللّٰه قمشه ای، ملّا عبدالجواد آدینه ای، میرسیّد علی جناب، میرزا علی آقا شیرازی، میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت و حاج آقا رحیم ارباب در فقه، اصول ادبیات عرب، منطق، فلسفه، هیأت، ریاضی، طب، اخلاق، کلام و حدیث به تحصیل پرداخته و در هر کدام از این رشته ها مهارتی به سزا یافت.

در این سالها او با تنگدستی و قناعت روزگار را سپری ساخت و در مدارس حوزه علمیه اصفهان تدریس نمود. مدّتی نیز در مدارس جدید مانند مدرسه قدسیه و دبیرستان صارمیه تدریس کرد. در سال ۱۳۰۷ش به تهران آمد و به استخدام وزارت معارف درآمد. و از سال ۱۳۱۰ به تدریس در دبیرستان دارالفنون و دبیرستان شرف و دبیرستان نظام و دانشکده افسری پرداخت و کم کم در دانشگاه تدریس کرد. ابتدا در دانشکده حقوق و سپس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تدریس نمود تا اینکه در سال ۱۳۴۵ش بازنشسته شد ولی به تدریس ادامه داد.

در طول این سالها استاد همایی از آموختن و تحقیق و تألیف باز نایستاد و دهها مقاله و کتاب و رساله تحقیقی و ارزنده پدید آورد.

همایی چون بزرگان خاندان خود خط خوشی داشت و در شعر صاحب قریحه ای پویا و استعدادی قابل تحسین بود و در شعر «سنا» تخلّص می کرد. نمونه هایی از اشعار دوران جوانی او در سال ۱۳۴۲ق در کتاب «دانشنامه» که مرحوم الفت آن را گردآوری نموده، به طبع رسیده است. همچنین او به زادگاه خود علاقه فراوان داشت و از هر فرصتی برای گردآوری اطلاعات و تألیف مقاله و کتاب درباره تاریخ، فرهنگ و هنر اصفهان استفاده می کرد.

سرانجام در ۶ رمضان ۱۴۰۰ق در تهران وفات یافته و حسب وصیّت ایشان جنازه به اصفهان حمل و در قبرستان لسان الارض واقع در تخت فولاد به خاک سپرده شد. خود او در آخرین روزهای زندگی مادّه تاریخ فوت خود را چنین سرود:

سنا جلال همایی بگوش غیب نیوش

ندای ارجعی از بام عرش چون بشنفت

شکفته گشت به لبّیک و بهر تاریخش

«ز آشیانه تن شد رها همایی» گفت

او علاوه بر مقالات فراوان و همکاری در تدوین کتابهای درسی تألیفات فراوانی را از خود به جای نهاد از جمله:

۱. «تاریخ ادبیات ایران» ۲. «غزالی نامه» ۳. «خیّامی نامه» ۴. «تفسیر مثنوی مولوی، داستان قلعه ذات الصّور یا دژ هوش رُبا» ۵. «فنون بلاغت و صناعات ادبی» ۶. «مولوی نامه یا مولوی چه می گوید؟» ۷. «مختاری نامه» که در مقدمه دیوان عثمان مختاری به طبع رسیده است. ۸. «رساله در احوال سروش اصفهانی» که در مقدّمه دیوان او به طبع رسیده است. ۹. «اسرار و آثار واقعه کربلا» ۱۰. «تصوف در اسلام» ۱۱. «تاریخ علوم اسلامی» ۱۲. «دیوان سنا» ۱۳. «شعوبیه» ۱۴. «تاریخ اصفهان» که تاکنون سه جلد از آن به چاپ رسیده است. ۱۵. «تعلیقات بر مجمع الفصحاء» ۱۶. تصحیح و مقدمه «مثنوی ولدنامه» ۱۷. «تصحیح و مقدمه کتاب التّفهیم» ۱۸. «تصحیح و مقدمه نصیحه الملوک» ۱۹. «تصحیح و مقدمه منتخب اخلاق ناصری»

۲۰. تصحیح و مقدّمه «مصباح الکفایه و مفتاح الکفایه» ۲۱. «تصحیح و مقدّمه کنوز المغرمین» در علوم غریبه ۲۲. «تصحیح و مقدّمه نصوص الخصوص فی شرح الفصوص» ۲۳. «مقدّمه دیوان طرب» ۲۴. «مقدّمه برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان» ۲۵. «تصحیح و مقدّمه طرب خانه» خیام ۲۶. «تصحیح و مقدّمه معیار العقول در فن جراثقال» که همگی به چاپ رسیده اند.

۲۷. «ابوریحان نامه» ۲۸. «تاریخ ادوار فقه اسلامی» ۲۹. «قواعد فارسی» ۳۰. «آسمان و زمین در فن هیأت» ۳۱. «دستور و قواعد فارسی» ۳۲. «ترجمه اشارات» ابن سینا ۳۳. «شرح احوال و بررسی افکار و عقائد خواجه نصیرالدّین طوسی» ۳۴. «تصحیح دیوان ازرقی» ۳۵. «شرح مشکلات اشعار مثنوی مولوی» ۳۶. «فلسفه شرق» ۳۷. «دوره مفصّل معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه» ۳۸. «رساله در طریق محاسبات نجومی» ۳۹. «دنباله تاریخ ادبیات ایران»

که هنوز به چاپ نرسیده است.(۱)

جلال الدّین جابری

جلال الدّین جابری، از رجال و بزرگان دستگاه ترکمانان بوده و چندی وزارت آنان را بر عهده داشته و معاصر سلطان الوند بهادر بوده و از اسخیاء و اخیار زمان خود به شمار می رفته است.(۲)

۱- همائی نامه: اغلب صفحات؛ کارنامه همائی: اغلب صفحات؛ پایان شب سخن سرائی: اغلب صفحات؛ دانشنامه (الفت)، ص۱؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۵۰-۲۴۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۵؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۸۰۷؛ دولت دیدار، صص ۲۹۷-۲۰۰؛ ادبیات معاصر، ص۵۸؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۳۰۵؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۳، صص ۱۹۸-۱۹۵؛ اشعار ملی و میهنی از سخنوران معاصر ایران، صص ۹۲-۸۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

شیخ جلال الدّین ریزی*

شیخ جلال الدّین ریزی، عالم فاضل، در قصبه «ریز» [زرین شهر] در لنجان اصفهان متولّد شده و تحصیلات خود را در اصفهان نزد آخونـد ملّا محمّـد حسـین فشارکی و میرزا احمـد مدرس و دیگران انجام داد و به زادگاه خود بازگشت و به تبلیغ و ترویج دین مشـغول شد و در آن سامان مرجع حلّ و فصل مشکلات مردم بود. سرانجام در اواسط قرن چهاردهم هجری شمسی وفات یافت.

جلال الدّین صفائی اصفهانی

جلال الدّین اصفهانی متخلّص به «صفائی» شاعر ادیب، از سخنوران قرن دهم هجری، ساکن اصفهان(۱)

سیّد جلال الدّین فرزانه شهرکردی

سیّد جلال الدّین فرزانه شهرکردی، شاعر معاصر، در شهرکرد به تدریس در دبیرستانها مشغول بود. در انواع فنون سخن قادر و در سرودن شعر مهارت به سزایی داشت و در حدود ۱۳۲۷ش وفات یافت. این بیت از اوست:

چشم حریص سیر نگردد به روزگار

آری پر آب چاه ز شبنم نمی شود(۲)

جلال الدّین میرمیران

جلال الدّین میرمیران، در سال ۷۵۴ق کلانتر اصفهان بوده.(۳) [و در سال ۷۵۷ق به شیخ ابواسحاق اینجو پناه داد، اما امیر مبارز الدّین اصفهان را محاصره کرد و موفق به تسخیر آن شد و شیخ ابواسحاق را دستگیر و به شیراز فرستاد تا اینکه در سال ۷۵۸ق

۱- تذکره غنی، ص ۸۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۵۱ و ۳۵۲.

۳- تاریخ اصفهان و ری، ص ۱۵۴.

در میدان سعادت شیراز او را به قتل رساندند.[(۱)]

دکتر جلیل دوستخواه*

دکتر جلیل دوستخواه فرزند محمّد حسین، در سال ۱۳۱۲ش در اصـفهان متولّد شد و پس از طی تحصیلات ابتدائی و متوسطه، در دانشـگاه تهران در رشـته زبـان و ادبیـات فارسـی به ادامه تحصـیل پرداخت و موفق به اخـذ درجه دکترا گردیـد. او تـا سـال ۱۳۶۰ش به تدریس در دانشـگاه اصفهان و دانشگاه جندی شاپور اهواز مشغول بود پس از آن از ایران مهاجرت کرد و از سال ۱۳۷۰ش در استرالیا مقیم شده و به تدریس زبان و ادبیات فارسـی در دانشـگاههای آن کشور مشـغول شد. وی از دانشـمندان، محققـان و ادبای پرکار اصـفهانی است که عمـده وقت خود را صـرف تحقیق درباره شاهنامه و فرهنگ و ادبیات ایران پیش از اسلام نموده است. کتابهای زیر از تألیفات و ترجمه های اوست:

۱. «هیمالیا» برگزیـده شـعرهای ۱۵تن از شـاعران اردو زبـان هنـد و پاکسـتان. ۲. «اوسـتا، نـامه مینـوی آیین زرتشت» ۳. ترجمه «آفرینش رسـتاخیز»: پژوهشـی معنی شناسـی در ساخت جهان بینی قرآنی، نوشـته: «شینیاماکینو» ۴. اوسـتا کهن ترین سرودها و متن های ایران» ۵. «داسـتان رسـتم و سهراب» به روایات نقالان ۶. ترجمه «پژوهشـی در شاهنامه» تألیف: «کویاجی» ۷. «حماسه ایران» ۸. «اندر بلای سخت» (گزارش سفر به تاجیکستان، که در مجله بخارا چاپ شده است). ۹. «ایران شناخت» ۱۰. «گزارش هفت خوان رستم» ۱۱. «رهیافتی به متن های اوستائی» ۱۲. «فرهنگ فارسی اصفهانی»(۲)

۱- دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج۵، صص ۱۶۲ و ۱۶۳ و منابع دیگر.

۲- نشریه «کتاب هفته»، شماره ۳۶، شنبه اول دی ۱۳۸۰، ص۲۳.

جلیل گلریز خاتمی*

استاد جلیل گلریز خاتمی، هنرمند معاصر، در هنر خاتم سازی زبردست بوده و از اساتید زبده این هنر در اصفهان به شمار می رفت. وی در دوّم تیرماه ۱۳۷۶ش بدرود حیات گفته و در باغ رضوان (گورستان جدید اصفهان)، در قطعه نام آوران به خاک سپرده شد.

جمال اصفهانی

جمال بن ملّا اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری. از آثارش کتابت نسخه ای است از کتاب «صحیفه سجادیه» که از کتابت آن به خط نسخ در سال ۱۰۴۱ق فراغت حاصل نموده است کتاب به شماره ۱۱۹۵ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۱)

جمال جناب پور

جمال جناب پور ابن آقا شیخ حسن معلّم، از شعرای معاصر اصفهان. وی مدتی روزنامه سعادت اصفهان را منتشر کرد و در شعر «جناب» تخلّص می نمود.

از اوست:

عالمی محو جمال تو و این بس عجب است

روی نادیده دل اندرغم عشقت ز چه روست

نچمد پیش قدت سرو خرامان در باغ

راست چون قامت دلجوی تو اندر لب جوست(۲)

۱- فهرست وزیری، ج۳، ص ۸۹۱.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.

جمال خادم

جمال خادم، وی در قرن نهم هجری می زیسته و خادم مقبره شیخ محمّد بن یوسف بوده و در سال ۸۸۰ ه.ق به امر اوزون حسن آق قویونلو متصدی تجدید و تعمیر صفّه صاحب در مسجد جامع اصفهان شده است.(۱)

جمال ساعد نقنه ای

جمال خلیل زاده نقنه ای متخلّص به «ساعد» شاعر ادیب معاصر، از اهالی قریه «نقنه» در حوالی بروجن است، دارای طبعی متوسّط می باشد. گاهی شعر می گوید.

از اوست:

مران اسب ای برادر گر به دست آری تو میدانی

مشو غَرّه اگر گوئی خورد ناگه به چوگانی

چو اسکندر شود گر عالمی در زیر فرمانت

بجو آب حیات از قوّت بازو به آسانی

بشر را دانش و فکر پاک و عقل دوراندیش

به جاها می رساند رو برون از فکر انسانی

قناعت شرط انسان است زیرا گر طمع افتاد

بسی تیغ از کف سردار و افسرهای سلطانی

گرت رای نکوئی ست رو اندر پی نیکان

بنه دائم بدی را بر بدان باشد به ارزانی

دلا دائم چو دُرّ در گوش خود کن پند ساعد را

که هر کس رفت از این ره نیست در کارش پشیمانی

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۹۵؛ مزارات اصفهان، ص۳۴۹.

جمال الدّین ایبه سمیرمی

جمال الدّین ایبه سـمیرمی چاشنی گیر، از امراء عهد اتابکان در اصفهان بوده، در سال ۵۸۴ به جهت استبدادی که از او سر می زد به دستور طغرل به قتل رسید.(۱)

سیّد جمال الدّین اصفهانی

سیّد جمال الدّین اصـفهانی، عارف سالک، از خواصّ مریدان شیخ صدرالدّین موسی اردبیلی (متوفی دوشنبه ۱۲ محرم ۷۳۵ق) بوده و بر حسب وصیت شیخ، متصدّی تغسیل، تکفین و تدفین او بوده است.(۲)

جمال الدّین اعتماد الکتاب اصفهانی

جمال الـدّین اعتماد الکُتّاب بن ابی طالب اصـفهانی، عالم فاضل [خوشـنویس هنرمنـد]قرن چهاردهم هجری. [ظاهراً در تهران ساکن بوده و خط نسخ را خوش می نوشت.]

از آثار او کتابت نسـخه ای است از کتاب «سـماء المقال» در علم رجال، تألیف میرزا ابوالهـدی فرزند میرزا ابوالمعالی کلباسـی که در شعبان سال ۱۳۱۹ق کتابت آن پایان یافته است. نسخه به شماره ۳۴۸۵ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۳)

همچنین نسـخه ای از کتـاب «الارشـاد فی احوال الصاحب بن عباد» تألیف: ابوالقاسم احمـد قهپائی را به خط نسـخ در ۱۰ صفر ۱۳۵۲ق کتابت نموده و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۴)

۱- مجله یادگار، سال اول، شماره۴، ص۶۶.

۲- روضات الجنان، صص ۲۶۷ و ۲۶۹؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۶.

۳- فهرست ملک، ص ۳۷۳.

۴- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص ۷۸.

میرزا جمال الدّین کلباسی

حـاج میرزا جمال الـدّین کلباسـی بن میرزا ابوالمعالی (محمّـد) بن حاج محمّـد ابراهیم کلباسـی، عالم فاضل و زاهـد متّقی [در حدود ۱۲۷۳ق در اصـفهان متولّد شد]اغلب تحصـیلات او در فقه و اصول، ادبیّات و رجال نزد پدر دانشـمندش صورت گرفته است و اجازه حدیث از پدر اخذ نموده است. [همچنین از میرزا محمّد هاشم چهارسوقی نیز اجازه دریافت نموده است.

پس از وفـات پـدر به همراه برادرش میرزا ابوالهـدی به عتبـات عالیـات رفته و نزد آخونـد خراسـانی و آقـا سـیّد محمّـد کـاظم طباطبائی یزدی اسـتفاده نمود و از آن دو بزرگوار نیز اجازه گرفت. در این ایام مدتی در نجف اشرف به تدریس پرداخته و در سال ۱۳۴۰ق به اصفهان مراجعت نموده و حوزه تدریس و تعلیم را برپاداشت.

وی علاوه بر تبحّر در علـوم مختلف در نجوم نیز مهـارت داشـته و آن را تـدریس می نموده است.] در مـدّت عمر دقیقه ای از تألیف و تـدریس و عبادت غافل نبود. در مسـجد جوجو (جوجی) اقامه جماعت می فرمود و نماز ایشان از زبده ترین جماعات اصفهان محسوب می شد.

سرانجام در شب ۱۷ رمضان المبارک سال ۱۳۵۰ق وفات یافته و جنب پدر در بقعه میرزا ابوالمعالی واقع در تخت فولاد مدفون شد. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تلخیص الهیئه» [۲. «شرح کفایه الاصول» ۳. «کتابی در اصول فقه» از باب انسـداد تا اواسط استصـحاب ۴. «رساله در صلوه مسافر»(۱)]

۱- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۴۳؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۲۰ و ۲۲۱؛ نقباد البشر، ج۱، ص۳۰۸؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۱۹۸؛ مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، صص ۱۰۹-۱۰۳؛ الاجازه الکبیره، ص۳۵.

شیخ جمال الدّین نجفی

حاج شیخ جمال الدّین بن شیخ محمّد باقر نجفی بن شیخ محمّد تقی رازی. عالم جلیل و فقیه مجاهد، از علمای بزرگ قرن چهاردهم هجری. مادرش از سادات اخوی تهران بوده و خود او در سال ۱۲۸۴ق در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل نزد پدر دانشمند خود و دو برادرش آقانجفی و حاج شیخ محمّدعلی در سال ۱۳۰۸ به عتبات عالیات مهاجرت نموده و نزد آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی، میرزا حبیب اللّه رشتی و سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی به کسب فیض پرداخته و به اجتهاد نائل آمد و در سال ۱۳۱۳ق به اصفهان بازگشته و در مسجد شیخ لطف اللّه به اقامه جماعت پرداخته و محضر قضاوت و رفع مرافعات را برپاداشت و به تدریس مشغول شد.

او در قضایای مشروطیّت به همراه برادرش حاج آقا نوراللّه همراه و به وظایف شرعی خود مشغول بود، و پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملّی به دستور محمّد علی شاه و برچیدن بساط مشروطه و مخالفت علمای نجف اشرف با اقدامات مستبدانه محمّد علی شاه، آقا جمال الدّین و دو برادرش آقانجفی و حاج آقا نوراللّه علیه حکومت استبداد اعلامیه صادر نموده و مردم را به مخالفت با استبداد فراخواندند.

هنگامی که جنگ جهانی اول آغاز شد و روسها و انگلیسی ها کشور را به اشغال خود درآوردند، و اصفهان نیز صحنه تاخت و تاز روسها شد، منزل او محل مراجعه مردم و تظلّم خواهی بود. به این خاطر سربازان روسی به منزل او ریخته او را به اجبار به تهران تبعید ساختند. مردم تهران از او استقبال گرمی کردند و روز به روز به شهرت و عظمت او افزوده شد. وی در مسجد سیّد عزیزاللّه تهران اقامه جماعت می نمود و به تدریس می پرداخت و برخی اوقات به منبر می رفت و مردم را موعظه و ارشاد می نمود.

حاج آقا جمال الدّین نجفی در اوایل ظهور رضاخان منویّات و اهداف ضدّ اسلامی او را دریافته و با آن به مخالفت پرداخت. در قضایای جمهوری، در کنار شهید سیّد حسن مدرّس به مخالفت با جمهوری خواهی رضاخان برخاست و مردم را علیه آن بسیج نمود.

پس از آنکه در سال ۱۳۵۲ق مجلس شورای ملّی قانونی را تصویب نمود که مطابق

بـا آن سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۸ و پسران ۲۰ سال تعیین شده بود، حاج آقا جمال آن را خلاف شـرع دانسته و علناً به مخالفت با آن پرداخت. لذا به اصفهان تبعید شده و در منزل خود در اصفهان تحت نظر مأمورین حکومت قرار گرفت.

در دو سال آخر زندگی به اقامه جماعت در مسجد شیخ لطف اللّٰه و برگزاری مراسم دعای کمیل در تخت فولاد می پرداخت. او سـرانجام در شب یکشنبه ۲۵ جمادی الاولی سال ۱۳۵۴ق در اصـفهان وفات یافت و در بین مردم شایع شد که او را مسـموم ساخته اند. پیکر او به تخت فولاد تشییع شده و در تکیه مادر شاهزاده، جنب مزار جد اعلای خود شیخ محمّد تقی رازی مدفون شد. میرزا حسن خان جابری انصاری ماده تاریخ وفات او را چنین یافته است:

سر از جنّت برون آورد گفتا خود به تاریخش

«جمال دین ز حق دیده جمال و رفته در مینو»

و مرحوم معلم حبیب آبـادی نیز مرثیه ای در وفـات او سـروده و مصـرع «جمال الـدّین بجنّت رفت ناگه» را ماده تاریـخ فوت او یافته است.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «حاشـیه بر انیس المقلّدین» رساله علمیه مرحوم سـیّد اسـماعیل صدر که در سال ۱۳۲۹ق چاپ سـنگی شده است. ۲. «رساله در دماء ثلاثه، صـیغ عقود، نکاح، متعه و تحلیل» که ضـمیمه «انیس المقلّـدین» که توسط یکی از شاگردانش حاج شـیخ احمد کتـابفروش تهرانی از کتـاب «نجـات الشـیعه» صـاحب عنـوان اسـتخراج و بـه طبـع رسـیده اسـت. ۳. «نجـات الشـیعه فی احکـام الشریعه»(۱)

۱- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، صص ۴۵۱ و ۴۵۲؛ تاریـخ علمی و اجتماعی اصـفهان، ج۳، صص ۸۵-۶۸؛ سیری در تاریـخ تخت فولاد، ص۹۳؛ گلشن اهل سلوک، صـص ۱۱۱-۹۲؛ زنـدگانی آیت اللّٰه چهارسوقی، صـص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۶؛ نسب نامه الفت، خطی؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۶۱۹-۲۶۱۳؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۲۰۲-۲۰۰؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۱۹۱-۱۹۰؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، صص ۲۳۵ و ۲۳۶.

سیّد جمال الدّین صهری

حـاج سیّد جمـال الـدّین صـهری بن حـاج سیّدجعفر میردامـادی سـدهی، عـالم فاضل و واعظ کامل در سال ۱۳۲۱ق در قریه «ورنوسـفادران» سده ماربین [خمینی شـهر فعلی]متولّد گردیده و پس از تحصیل علوم مقدماتی در اصفهان نزد حاج آقا رحیم ارباب، میر سیّد علی نجف آبادی، آقا سیّد محمّـد نجف آبادی، میرزا احمـد مدرس و شـیخ محمّدحکیم خراسانی به کسب فیض پرداخت سپس جهت ارشاد و هدایت مردم به منبر رفته و الحق واعظی بلیغ و شیرین بیان بود و چون به آن چه می گفت، خود معتقـد بود، بیـانش بیشتر مؤثر واقع می شـد. سالهـا در خوزسـتان ساکن و در اواخر به اصـفهان مراجعت نموده، محبوبیتی غریب داشت و مورد احترام و اکرام عموم طبقـات بالاـخص علمـاء و خطبـاء بود. وی دهها مسـجد و مـدرسه بنا کرد و در رفع مشکلات مردم اهتمام بسیار داشت.

او در دوره های ۱۶ و ۱۷ مجلس شورای ملّی از اصفهان کاندیدا شد ولی موفق به راه یابی به مجلس نگردید.

سرانجام در پنج شنه ۷ ربیع الثانی ۱۳۸۸ق وفات یافته، جنازه روز جمعه با تجلیل کامل و مشایعت عموم طبقات بر سر دست به سده [خمینی شهر] منتقل شده، در مقبره خانوادگی جنب پدر در قبرستان ورنوسفادران مدفون گردید.

رساله ای بنام «منتخب النخبه فی شـرح دعاء النـدبه» از او به طبع رسـیده است و در شـعر طبع روانی داشـته و دیوان و قصایـد و غزلیاتش به نام «الفین صهری» است و به طبع نرسیده است.

این شعر از اوست:

صبا گر بگذری بر ساقی گلرنگ فام ما

ببر از راه احسان نزد آن مهوش پیام ما

به آن خورشید طلعت گو به پایان رفت شام ما

بیا در بزم و پر کن از می مقصود ما

جهان بر کام باشد کن می عشرت به کام ما

***

زنی تا کی مخالف با مطربا شهناز را دم زن

همایون طالع ما را گهی زیر و گهی بم زن

حجازی می رسد اکنون عراق و ترک بر هم زن

به دشت حاجیانی بانگ جاءالحق به عالم زن

که گردون بر زد اکنون سکه شاهی به نام ما(۱)

شیخ جمال الدّین خوانساری

حاج آقا جمال الدّین بن حاج آقا جلال الدّین بن ملّا محمّدحسین بن ملّا علی اکبر بن ملا محمّدابراهیم خوانساری اصفهانی.

عالم فاضل جلیل در حدود سال ۱۳۰۰ق متولّد شده و در اصفهان تحصیل نموده و سپس در مدرسه میرزا حسین تدریس نموده و نماز جماعت را در مسجد میرزا باقر اقامه نمود.

و سرانجام در ۸ذیحجه الحرام سال ۱۳۹۱ق وفات یافته و در اطاق جنوبی تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شد.

وی عالمی خلیق و خدمتگزار علم و دانش و آخرین فرد روحانی از این خاندان بود.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۲۰-۳۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۵۲ و ۴۵۳؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۳۰۹-۳۰۷.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۸۰.

میرزا جمال الدّین معارف پرور

میرزا جمـال الـدّین معـارف پرور ابن حـاج شـیخ محمّدحسـین کتـابفروش، فاضـل ادیب، سـاکن تهران و متوفی در آن شـهر و مدفون در جنب بقعه ملّا محمّد کتابفروش در تخت فولاد اصفهان.(۱)

سیّد جمال الدّین میردامادی

حاج سیّد جمال الدّین میردامادی بن سیّد حیدرعلی خوزانی، عالم فاضل محقق. در سال ۱۳۲۳ق درا صفهان متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات، نزد علمای اصفهان به تحصیل پرداخت سپس حسب توصیه آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی متصدی دفتر ازدواج و طلاق در اصفهان شد و پس از انتقال به تهران به اداره این دفتر ادامه داد.

به اهتمـام ایشان کتاب لطائف غیبیه تألیف سـیّد احمـد علوی عاملی (جـد اعلای ایشان) به طبع رسـیده و در مقـدمه مفصل آن رساله ای مفرده در شرح احوال رجال خاندان میردامادی به قلم صاحب عنوان درج گردیده است.

سیّد جمال الدّین اشرف الواعظین

سیّد جمال الدّین بهشتی ملقّب به «اشـرف الواعظین» فرزند سـیّد حسن، عالم فاضل، واعظ کامل.[از مشاهیر خطبای اهل منبر و پیش نماز مسجد جوی شاه در محلّه لنبان اصفهان بوده است.]

در ۲۹ رجب ۱۳۸۳ق وفات یافته و در تکیه زرگرها واقع در تخت فولاد مدفون شد.

ماده تاریخ وفات او را شاعر توانا آقای فضل اللّه اعتمادی خوئی متخلّص به «برنا» چنین سروده است:

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۹۷ و ۱۹۸.

زد رقم سال فوت او «برنا»

«اشرف کائنات از وی شاد»(۱)

جمال الدّین قدسی

جمال الدّین بن عبدالحسین قدسی بن محمّدعلی خوشنویس اصفهانی شاعر و ادیب دانشمند معاصر، در شب هشتم رمضان سال ۱۳۱۵ق در اصفهان متولّد شده و تحصیلات خویش را ابتدا در مدرسه باقریه و قدسیه انجام داده و سپس در مدارس قدیمه نزد شیخ علی مدرس یزدی، شیخ محمّد حکیم خراسانی و شیخ محمّدباقر الفت به تحصیل علوم دینی پرداخت و از سال ۱۳۰۳ش به خدمت فرهنگ درآمده و به تدریس در دبیرستان های اصفهان مشغول شد.

پس از فوت پدر ریاست مدرسه قدسیه را بر عهده گرفت و هم چنین چندین سال در دبیرستان ادب به تدریس پرداخت. سرانجام [در ۱۵ آبان ۱۳۵۳ش] وفات یافته و در صحن تکیه تویسرکانی (غرب بقعه) در تخت فولاد مدفون شد. وی کمتر شعر می گفت و اشعارش اغلب ماده تاریخ است. [ماده تاریخ فوت او را شاعر معاصر مجتبی کیوان چنین سروده است:

نوشت خامه «کیوان» به سال تاریخش

جمال قدسی گشوده پر بگلشن قدس»]

۱۳۵۳

به همت او «دیوان غمام همدانی» برای اوّلین بار به طبع رسیده است.(۲)

۱- تحفه الحباب، صص ۲۹ و ۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۸.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ فهرست کاظمینی، ج۱، ص۱۸۲؛ یادنامه ادب، صص ۱۹۱ و ۱۹۲.

سیّد جمال الدّین مدرّس صادقی

سیّد جمال الدّین مدرّس صادقی فرزند آقا سیّد عبداللّه ثقهالاسلام بن آقا سیّد محسن میرمحمّد صادقی، شاعر معاصر در سال ۱۲۹۰ش در اصفهان متولّد گردیده و تحصیلات خود را تا دیپلم در این شهر انجام داده و پس از انجام نظام وظیفه وارد خدمات دولتی گردید و در بانک رهنی کرمانشاه مشغول به خدمت شد. در شعر «مدرس» تخلّص می کرد.

از اوست:

ابری است تیره زلف تو بر گرد عارضت

ماهی است عارضت که به سروی نشسته است(۱)

سیّد جمال الدّین واعظ اصفهانی

سیّد جمال الدّین واعظ اصفهانی ابن سیّد عیسی بن سیّد محمّدعلی موسوی عاملی. از چهره های مشهور عصر مشروطیّت.

در حدود سال ۱۲۷۹ق در همدان متولّد گردیده [در کودکی یتیم شده و همراه مادر و خواهر خردسالش به تهران رفت. از ۱۴ سالگی در تهران به تحصیل علوم دینی پرداخته و در ۲۱ سالگی برای تکمیل آن به اصفهان رفت و به تحصیل پرداخت و در ضمن آن به وعظ و خطابه مشغول شده و شهرت به سزایی کسب کرد و مستمری مخصوصی از طرف ناصرالدّین شاه برای او معیّن شد. دوستی او با عدّه ای از چهره های آزادیخواه او را به مخالفت با استبداد کشانید و نطق های تند او طرفدارانی را به گرد او جمع کرد. پس از آن که او به همراهی در نوشتن کتاب «رؤیای صادقیه» و هم چنین رفاقت و همراهی با ازلیان در امر دین متهم شد، در تهران سکونت گزید در وقایع مشروطه سخنرانی ها و خطابه های او درمیان مردم مؤثّر واقع شد.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۳۶.

پس از آن که محمّدعلی شاه به تخت سلطنت نشست و مجلس شورای ملّی را به توپ بسته و بساط مشروطیت را برانداخت و دستور دستگیری و قتل مشروطه خواهان را صادر کرد، سیّد جمال الدّین واعظ پنهان شد و قصد رفتن به عتبات عالیات را نمود. در همدان نزد مظفرالملك حاکم همدان که از مریدان او بود رفت امّا محمّدعلی شاه دستور قتل سیّد جمال را صادر کرده بود. مظفرالملك او را تحویل امیر افخم حاکم بروجرد داد و به دستور حاکم بروجرد او را در بروجرد به سال ۱۳۲۶ق خفه کرده و کشتند و در آن شهر دفن شد.]

[۱. «رساله جمالیه» شامل نطق ها و خطابه های او ۲. «لباس التّقوی» در تشویق مردم به مصرف پارچه های وطنی و تحریم پارچه های خارجی]

صاحب عنوان پدر نویسنده و داستان نویس معروف محمّدعلی جمال زاده است.(۱)

جمال الدّین جیرانی

جمال الدّین بن محمّدقاسم جیرانی، عالم فاضل. ظاهراً از شاگردان مرحوم فیض کاشانی بوده و مطابق نوشته علّامه طهرانی در «الذّریعه» وی نویسنده و کاتب اجازه نامه مرحوم مولی محسن فیض کاشانی جهت برادرزاده اش مولی محمّدهادی بن مرتضی کاشانی به سال ۱۱۲۴ق می باشد.(۲)

از شاگردانش مرحوم میرزا هادی بن عبدالکریم دولت آبادی بوده که در نوشته های خود او را فقاهت و زهد ستوده است.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۵۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۲۸۱ و ۲۸۲؛ فهرست رضوی، ج۴، ص۱۴۰؛ رجال عصر مشروطیت، صص ۴۱ و ۴۲؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، صص۲۵۷-۲۵۵؛ شهید راه آزادی سیّد جمال واعظ اصفهانی، صص ۷۵-۱؛ دانشوران روشندل، صص ۶۴ و ۶۵.

۲- آثار ملّی اصفهان، ص۲۱۱.

سیّد جمال الدّین منجّمی

آقا جمال الـدّین منجّمی بن حاج سـیّد محمّـد منجم بن سـیّد زین العابدین بن میر سـیّد محمّد بن سـیّد اسـماعیل بن سـیّد بدیع الزّمان حسینی گنابادی اصفهانی، عالم فاضل واعظ.

در اصـفهان و قـم به تحصـیل پرداخته و سـپس در اصـفهان به وعـظ و خطـابه پرداخت. سـرانجام در جـوانی در شب ۲۵ شوال ۱۳۸۲ق وفات یافته، در صحن تکیه سیّد العراقین در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

جمال الدّین ترجمان*

جمال الدّین ترجمان فرزند محمّدهادی امین، از فضلاء معاصر. در سال ۱۲۸۰ش در «باغ بهادران» لنجان اصفهان متولّد شد. در مکتب خانه پدر تعلیمات ابتدایی و ادبیات را فرا گرفت سپس به همراه پدر به اصـفهان رفت و در مدرسه علیّه تحصـیل کرد و تـدریس نمـود. پس از آن بـه تهران رفته و تحصـیلات جدیـد را در دبیرسـتان دارالفنـون به پایـان رسانـد. همچنین در مدرسـه سپهسالار از محضـر شـهید سـیّد حسن مدرس بهره برد. آنگاه به اسـتخدام وزارت فرهنگ وقت درآمد و چندی در خوزسـتان ریاست و تدریس نمود. او در اصـفهان سالها ریاست دانشسـرا و برخی مراکز آموزشـی را بر عهده داشت و حدود ۵۰ سال در خـدمت علم و فرهنـگ ایران بود و شاگردان فراوانی پرورد. او به زبانهای عربی، انگلیسـی و فرانسه مسلط بود. سـرانجام در ۵ آبان ۱۳۶۳ش در سن ۸۳ سالگی وفات کرد و در قبرستان باغ رضوان اصفهان دفن شد.(۲)

سیّد جمال الدّین چهارسوقی

آقا جمال الـدّین محمّد بن میرزا محمّد هاشم بن میر زین العابدین موسوی چهارسوقی، عالم فاضل متقی. نامش محمّد و ملقّب و مشهور به «جمال الدّین» بوده است. در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۴۳.

۲- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص۴۵۶-۴۳۱.

اصـفهان متولّد شده و نزد پدر علّامه خود و علمای اصـفهان به تحصـیل پرداخته و موفق به اخذ اجازه اجتهاد به تاریخ های غره رمضان ۱۳۱۷ق و ۱۲ جمادی الثّانیه ۱۳۱۸ق گردیده و پس از وفات پدر در مسـجد او به اقامه جماعت پرداخته است. سرانجام در صبح دوشنبه ۴ رجب ۱۳۳۹ق پس از پایین آمدن از منبر دچار سکته شده و وفات یافت. جنازه به تکیه صاحب روضات در تخت فولاد حمل و در آنجا دفن شد و در سال ۱۳۴۸ق عظام او را به نجف نقل نموده و در بقعه پدرش مدفون ساختند.

مادّه تاریخ وفات او را عبدالوهاب گلشن ایران پور چنین سروده است:

عابدی سر کرد بیرون و بگفت

شد جمال دین بگلزار بهشت(۱)

۱۳۳۹=۱۴۰۹-۷۰

سیّد جمال الدّین گلپایگانی

سیّـد جمال الـدّین گلپایگانی متخلّص به «آرام» از شـعرای قرن چهاردهم هجری است. از افاضل طلاب مـدرسه صـدر بود و از اعضای قـدیم انجمن ادبی شـیدا به شـمار می رفت و اشـعارش در مجله دانشـکده در دوره اول به طبع می رسـید. ظاهراً بعد از سال ۱۳۶۰ق در گلپایگان وفات یافت.

از اوست:

بتان اگر ز رخ خود پرده برگیرند

سیاهی از دل شب، رونق از قمر گیرند(۲)

جمال الدّین معرّف

قاضـی جمال الدّین معرّف، از بزرگان قرن یازدهم هجری است. نامش در وقف نامه مسـجد جامعه جدید عباسـی (مسـجد شاه اصـفهان) [مسـجد امـام فعلی] ذکر شـده و به جهت وی حقـوقی سالیـانه معـادل سه تومـان نقـد و پانصـد مَن غلّه به عنوان حق التّعریف معین

۱- زندگانی آیت اللَّه چهارسوقی، ص۱۱۹؛ مناهج المعارف: مقدمه، ص سیصد و نوزده.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۹.

گردیده است.(۱)

خواجه جمال الدّین منشی

خواجه جمال الدّین منشی، شاعر و ادیب قرن هفتم هجری. از منشیان خواجه شمس الدّین محمّد جوینی صاحب دیوان بوده و اصلاً از اهالی اصفهان است.

این شعر از اوست:

نهیب غمزه جادو فریبِ تو گه سحر

هزار شعبده دارد به زیر هر ناخن

دراز کرده به آهنگ جان ببین انگشت

خضاب کرده به خون جگر نگر ناخن(۲)

ملّا جمشید کسکری گیلانی

ملّا جمشید بن محمّد زمان کسکری جیلی [گیلانی] عالم فاضل، از زادگاه خود «کسکر» گیلان به اصفهان آمده و چندی در مدرسه سلیمانیه جنب مسجد جامعه جدید سلطانی ساکن شد و نزد علمای این شهر به تلمّذ پرداخت.

وی چندین کتاب حدیث را بر علّامه مجلسی خوانده است از جمله «تهذیب الاحکام» است که علّامه مجلسی در آخر کتاب مزار آن در ۱۴ جمادی الاولی سال ۱۰۹۶ق و ۱۰۹۷ق و در آخر کتاب «الاطعمه» در محرم ۱۰۹۸ق به وی اجازه داده است. نیز کتاب «من لایحضره الفقیه» را نزد وی خوانده و در سال ۱۰۹۹ق از علّامه مجلسی اجازه دریافت نموده است.(۳)

۱- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۶۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۴۶.

۲- تذکره آتشکده: بخش سوم از نیمه نخست، ص ۹۲۹؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص ۲۹۱؛ الذریعه، ج ۹، ص ۲۰۴.

۳- زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۲، ص ۲۴؛ الذریعه، ج ۱، ص ۱۵۰؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۲۰ و ۲۱؛ اجازات الحدیث، ص ۲۷؛ فیض قدسی، ص ۱۶۸؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص ۳۳۸.

جمشیدخان امیربختیار

جمشیدخان امیربختیار بن یوسف خان امیر مجاهد بختیاری از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۳۳۴ق متولّد شده و در مدارس اصفهان تحصیل نمود. او علاقه فراوانی به استاد ملک الشعراء بهار داشت و از خرمن فضل و ادب او خوشه ها چیده بود. اشعارش در روزنامه ها و سالنامه های اصفهان به چاپ می رسید و در شعر «جمشید» تخلّص می کرد. او رساله کوچکی در قضایای عاشورا نوشته که به چاپ رسیده است.

از اوست:

دلدار اگر سنگدل و بی وفا نبود

اینقدر جور بر من مسکین روا نبود

بر گرد شمع عارضت ای یار سست عهد

پروانه وار سوختن ما سزا نبود(۱)

جمشید عابدی درچه ای

جمشید عابدی درچه ای بن قدمعلی، از شعرای معاصر، در سال ۱۳۲۶ش در محلّه جزین درچه متولّد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه و عالی را تا اخذ لیسانس طی کرد. وی در انجمن های ادبی حافظ، صائب و خانه هنرمندان اصفهان شرکت کرده است.

از اوست:

خراباتی شدم میخانه ای معمور می بینم

عجب امشب بساط عیش را جور می بینم

در اینجا ساغر و پیمانه و ساقی همه مستند

ز تأثیر شرابش جمع را مخمور می بینم(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (چ۲)، ص۵۶۴.

شیخ محمّدجواد اصفهانی

شیخ محمّدجواد اصفهانی، از مدرّسین و علمای اصفهان بوده و عدّه ای در خدمتش تلمّذ می کرده اند. وی در حدود سال ۱۳۴۵ق وفات یافته است. شیخ محمّدحسین بن محمّدعلی مقدّس اصفهانی از شاگردان اوست و از استاد خود ثنای بلیغ می نموده است.(۱)

محمّدجواد الماسی

محمّدجواد الماسی [از خوشنویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است] در ماه رجب سال ۱۲۴۱ق نسخه ای از کتاب «مقدمه الواجب» را به خط شکسته نستعلیق کتابت نموده و در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

سیّد جواد بهشتی

سیّد جواد بن آقا میرزا ابوالقاسم حسینی بهشتی، عالم فاضل و واعظ کامل. در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات در درس حاج میر محمّدصادق مدرس خاتون آبادی و آخوند ملّا محمّدحسین فشارکی حاضر شد. وی از اهل منبر و وعاظ اصفهان بوده و در مسجد سه پله اصفهان اقامه جماعت می نموده است. کتاب «هدیه النمله» در مواعظ از تألیفات او به چاپ رسیده است.(۳)

شیخ محمّدجواد واعظ اصفهانی

شیخ محمّدجواد بن ابوالقاسم اصفهانی، عالم فاضل، واعظ کامل، از فضلای قرن چهاردهم هجری. وی فهرستی برای بحارالانوار، براساس چاپ «بحار» معروف به کمپانی تنظیم نموده و در یکشنبه ۲۶ ذیحجه ۱۳۴۰ه.ق آن را به پایان برده و «مفاتیح

۱- نقباء البشر، ج۱، ص۳۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶۲.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۴۱۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۴۰ و ۳۴۱.

۳- تحفه الاحباب، ص۳۱.

ابواب البحار» نامیده است. این کتاب در سال ۱۳۵۲ه.ق در تهران به طبع رسیده است.(۱)

محمّدجواد رفیعی قهفرخی

محمّدجواد رفیعی بن ابوالقاسم قهفرخی چهارمحالی، از شعرای قهفرخ [فرخ شهر کنونی در استان چهارمحال و بختیاری] است. در سال ۱۳۲۰ق متولّد شده و به زراعت در آنجا مشغول بوده است. وی مخمّسی سروده که در آن نام ۳۲ شاعر قدیم و جدید قهفرخ آمده است.(۲)

میرزا جواد شوقی اصفهانی

میرزا جواد شوقی بن میرزا ابوالقاسم، شاعر ادیب در سال ۱۲۹۹ق در اصفهان متولّد شد و در این شهر علم و ادب آموخت. پدر و اجدادش از فضلای اهل علم بودند. شوقی در سرودن شعر طبعی روان داشت و علامه بر سرودن غزل و رباعی، اشعار بسیاری ر مدایح و مراثی معصومین علیهم السلام سروده است. او در سال ۱۳۶۴ق به عتبات عالیات محرم ۱۳۷۱ق وفات یافت و در آن ارض اقدس مدفون شد. [دیوان اشعار او در سال ۱۳۳۳ش و ۱۳۶۹ش به طبع رسیده است.

صغیر اصفهانی ماده تاریخ وفات او را چنین سروده است:

کسی اگر صغیر احوال پرسد

که فوتش در چه تاریخ و زمان بود

نهد در جمع پا جبرئیل و گوید

«که پیش از مرگ شوقی در جنان بود]

از اوست:

کنون که فصل دی و موسم زمستان است

بنوش مِی که زمستان، بهار مستان است

۱- الذّریعه، ج۲۱، ص۲۹۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۱۸-۲۱۶.

اثر اگر ز گلستان نمانده است چه غم

صفای عارض یاران به از گلستان است(۱)

جواد مجدزاده صهبا

جواد مجدزاده صهبا بن شیخ احمد مجدالاسلام کرمانی، از نویسندگان، روزنامه نگاران و شعرای قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۳۲۵ق در کرمان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در کرمان و متوسطه و عالی را در رشته ادبی در تهران انجام داد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و سرپرست کاوش های باستان شناسی شهر شاپور کازرون شد. سپس به ریاست ابنیه تاریخی اصفهان و یزد و کرمان منصوب گردید. وی دلباخته اصفهان و آثار تاریخی این شهر بود و برای آن زحمات فراوانی کشید به طوری که مردم اصفهان او را یک اصفهانیِ متولّد کرمان می دانستند. در این سالها آثاری چون گنبد مدرسه چهارباغ، مسجد شاه [مسجد امام فعلی] و قسمت های مختلف مسجد جامع اصفهان تعمیر شد. سرانجام در صبح دوشنبه ۹ جمادی الثّانی ۱۳۶۴ق (مطابق ۳۱ اردیبهشت ۱۳۲۴ش) در اصفهان درگذشت و در اطاق دست چپ ورودی بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون شد.

ماده تاریخ فوت او را ادیب فرزانه مرحوم جمال الدّین قدسی چنین گفته است:

«قدسی» به سال فوت جواد عزیز گفت:

«صهباببزم ساقی کوثر پیاله گیر»

او در اصفهان روزنامه ادبی و تاریخی «سرنوشت» را در سال ۱۳۲۲ش به مدیریت مرحوم محمود خلیل پور منتشر ساخت که تا زمان درگذشت صهبا انتشار آن ادامه داشت و بیش از ۸۰ شماره از آن به چاپ رسید. از مرحوم مجدزاده صهبا چندین تألیف به جای مانده است که از آن جمله است:

۱- دیوان شوقی اصفهانی، (مقدمه)؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص ۲۰۵۰؛ الذریعه، ج۹، ص۵۴۸؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۸۴ و ۲۸۵.

۱. «تاریخ» و «جغرافیا» یک دوره جهت تدریس در دبیرستان ها ۲. «آثار تاریخی ایران» ۳. «تاریخ عمومی و ایران»، چاپ ۱۳۱۶ش در تهران ۴. «تاریخ ملّل شرق و یونان و ایران» چاپ ۱۳۱۴ش ۵. «سخن سنجی در باب احوال و اشعار حافظ» یا «حافظ شیرین سخن» چاپ ۱۳۲۱ش ۶. «دیوان اشعار»

او در شعر قریحه ای توانا و ذوقی سرشار داشته و «صهبا» تخلّص می نموده است. این شعر از اوست:

رنگ خون را گر طبیعت عاشق و مفتون نبودی

بامدادان و شام، دامان افق گلگون نبودی

لکه ننگ و سیاهی جز به خون گر شسته می شد

صفحه تاریخ ما آغشته اندر خون نبودی

کاوه ای می خواست تا خونین درفشی برفرازد

ور نه هرگز در جهان نامی ز افریدون نبودی(۱)]

جوادخان سردار اقبال بختیاری

جوادخان سردار اقبال بن اسفندیارخان سردار اسعد بختیاری در حدود سال ۱۳۰۹ق متولّد شد. او از معروف ترین رجال خاندان اسفندیاری و مردی کاردان و زیرک بود و سیاست را باادب توأم داشت. سرانجام وی به دستور رضاخان به همراه جمعی از سران و خوانین بختیاری دستگیر و در آذرماه ۱۳۱۳ش در زندان قصر کشته شد. گاهی شعر می سرود از اوست:

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۶۳ و ۴۶۴؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ مجله یادگار: سال پنجم، آذر و دی ۱۳۲۷ش، صص ۸۵ و ۸۶؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۴۰۶؛ فهرست روزنامه ها و مجلات اصفهان، صص ۱۱۶ و ۱۱۷؛ تذکره شعرای کرمان، صص ۵۰۶ و ۵۰۷؛ ستارگان کرمان، صص ۴۳۶ و ۴۳۷.

گندم خال تو گر نبود به گیتی حاصل من

خرمن عمرم دگر یک جو به کار آید، نیاید

گفته بودی در بهار دیگری آیم به کویت

می شود ای گل که روزی آن بهار آید، نیاید(۱)

سیّد محمّدجواد امام جمعه دهکردی

آقا سیّد محمّدجواد امام جمعه دهکردی بن سیّد محمّدباقر حسینی عالم فاضل و فقیه عارف. در حدود سال ۱۲۶۵ش در قصبه دهکرد چهارمحال [شهرکرد فعلی]متولّد شد. در جوانی برای تحصیل به اصفهان آمده و نزد میرزا محمّدهاشم چهارسوقی، میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات)، میرزا محمّدحسن نجفی، ملّا محمّدباقر فشارکی و شیخ محمّدباقر نجفی به کسب فیض پرداخته و از برخی از آنان اجازه دریافت نمود. آخوند کاشی از رفقای صمیمی او بوده و وی را به نیکی ستوده است.

وی عالمی عابد و اهل تهجّد و نماز شب بوده است. او پس از تکمیل تحصیلات خود به دهکرد بازگشته و به تبلیغ و ترویج شریعت مشغول بوده و در حل مشکلات مردم اهتمام تمام داشته است و مردم آنجا به وی اعتقاد بسیار داشتند.

سرانجام در سال ۱۳۱۰ق وفات یافته و در همان جا مدفون شد. سه سال بعد پیکر مطهر او را که هنوز تر و تازه بود به عتبات عالیات حمل نموده و در صحن مطهر مرقد حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون گردید.

برادرش سیّد احمد نوربخش در مادّه تاریخ وفاتش گوید:

به تاریخ گویند با پنج تن

«بخلد است آقا محمّد جواد(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ شناخت سرزمین بختیاری، ص۵۱۴.

۲- شناخت سرزمین چهارمحال، ج۲، ص۱۱۸-۱۱۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۶۴ و ۴۶۵؛ آفتاب علم، صص ۱۱۸-۱۱۶.

سیّد جواد امامی نجفی

سیّد جواد امامی نجفی ابن حاج سیّد محمّدجواد امام جمعه دهکردی شاعر و ادیب فاضل، در سال ۱۳۰۹ق در شهرکرد متولّد شده و در مولد خود و اصفهان تحصیلات خویش را به پایان رسانیده و آنگاه به موطن خویش مراجعت نموده و در آنجا ساکن گردید. چند سال بعد به علت بیماری، بینایی خود را از دست داد و در منزل منزوی شد. در شعر و ادب دارای قدرت طبع بود. این شعر از اوست.

شکر لِلّه که بهار آمد و شد موسم عید

چشم من بار دگر صحنه گلزار بدید

شد پدید ابر گهربار و ببارید شدید

بر سر لاله و گل ریخت بسی مروارید

تا دل بلبل بیچاره گرفتار کند

خیز و از خانه برون آی و در و دشت ببین

که شده چون پر طاووس همه روی زمین

تا سلیمان گل آورد جهان زیر نگین

کرد اهریمن دی کوچ ازین چرخ برین

فرودین آمده تا دیو و دد آزار کند

ساقی سیم تن ماه وش گل اندام

از ره لطف همی ریخت مرا باده به جام

تا دهد از لب جام و لب خود دل را کام

سینه را شرح دهد ننگ بَرَد، آزَد نام

طوطی طبع مرا سرخوش و سرشار کند(۱)

شیخ محمّدجواد حسین آبادی

حاج شیخ محمّدجواد حسین آبادی ابن محمّدحسن، از علمای اعلام و فقهای عالیقدر اواخر دوره قاجاریه.

در حدود سال ۱۲۴۰ق در اصفهان متولّد شده و مقدمات علوم را در اصفهان گذرانیده و سپس به عتبات عالیات مشرف شد. در آنجا باوجود تنگدستی و سختی در امر معاش به تحصیل ادامه داده و نزد سیّد ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط) و شیخ محمّدحسن صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری کسب فیض نمود. مرحوم صاحب جواهر دو اجازه برای او صادر نموده که تاریخ یکی از آن دو سال ۱۲۶۵ق می باشد.

او پس از اتمام تحصیل و نیل به درجه اجتهاد به زادگاه خود بازگشته و به ترویج دین و ارشاد مردم مشغول شد. او عالمی غیور و متعصّب در امر دین بود و به خاطر اجرای حدود شرعی در سال ۱۳۰۴ق از طرف ناصرالدّین شاه به تهران فرا خوانده شد و در یکی از مساجد تهران به اقامت جماعت پرداخت.

گویند در بین راه مسجد و منزل مرحوم حسین آباد مشروب فروشی بود که او و نمازگزاران به آنجا رفته و خمره بزرگ مشروب را شکسته و آنجا را تعطیل کردند. هنگامی که او مطلّع شد که ناصرالدّین شاه از کار او خشمگین شده، برای او پیغام داد که «من گمان می کردم تو ناصر دینی ولی حالا فهمیدم که کاسر (شکننده) دین هستی».

همچنین یکی از مریدان او به نام سراج الملک مشروب فروشی دیگری را خریداری کرد تا به مسجد تبدیل شود و نماز جماعت بر روی خرابه های آن به امامت میرزا محمّدجواد خوانده شد. پس از احداث مسجد سراج الملک یکی از شعراء چنین سرود:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.

حسن توفیق بین که مسجد کرد

سطح میخانه را سراج الملک

او در سال ۱۳۱۰ق تصمیم به زیارت مرقد حضرت امام حسین علیه السلام در کربلا گرفت و برای صله ارحام و وداع با بستگان به اصفهان آمد ولی در اصفهان بیمار شده و پس از دو سال در ذی القعده ۱۳۱۲ق وفات یافته و در جنوب تکیه مادر شاهزاده در سردابی که حاج شیخ محمّدباقر نجفی قبری جهت خود در آن تدارک دیده بود، مدفون گردید.

او در علم و فضل و زهد و تقوا از نوادر دوران بوده و مجلس درس او محل اجتماع فضلاء و دانشمندان بود. دو فرزند دانشمند ایشان شیخ احمد مجتهد بیدآبادی، شیخ محمّدعلی شاه آبادی و همچنین سیّد هدایت اللّٰه چهارسوقی و سیّد حسن فانی یزدی از شاگردان برجسته او به شمار می روند.

وی را تألیفات چندی است که از آن جمله است:

۱. «بحرالبکاء فی مصائب المعصومین النُّجَباء» به فارسی در چهار مجلد [جلد اول: شامل سی مجلس در تفسیر سوره فاتحه الکتاب. جلد دوم: در تفسیر سوره یوسف. جلد سوم: در تفسیر سوره واقعه. جلد چهارم: در احوال حضرت فاطمه زهرا(سلام اللّٰه علیها) موسوم به «بحرالبکاء الفاطمیّه»] ۲. «السّراج الوّهاج» در شرح «نتائج الافکار» استادش سیّد ابراهیم قزوینی، در اصول فقه ۳. «کنوز اللئالی» در اصول فقه [که نسخه خطی آن به شماره ۸۲۴۸ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی نجفی موجود است] ۴. «ترتیب خلاصه الاقوال» علّامه حلّی که در سال ۱۳۱۲ق در اصفهان چاپ سنگی شده است. ۵. «بساطین الریاحین»، در اصول فقه ۶. «ترجمه نجاه العباد» رساله عملیّه استادش صاحب جواهر، به فارسی [که در مجموعه شماره ۸۲۴۸ کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی نجفی موجود است.] ۷. «الرساله الاحمدیه» به نام فرزندش شیخ احمد ۸. «الخزائن» در اصول فقه ۹. «الریاحین» در فقه استدلالی ۱۰. «النّتائج» [تقریرات درس سیّد ابراهیم قزوینی(۱)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد ص۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳۷؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۳۲۲-۳۲۱؛ استادزاده، صص ۲۱-۱۳؛ فهرست مرعشی، ج۲۱، ص۲۰۶، الذریعه، ج۱۲، ص۱۶۴ و ج۱۸، ص۱۷۴ و ج۲۶، ص۸۴؛ گلشن اهل سلوک، صص ۱۹۱-۱۸۲.

محمّد جواد دهنوی سمیرمی

محمّد جواد بن محمّد حسن دهنوی سمیرمی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. از آثارش:

۱. کتاب نسخه ای از «ریاض المسائل» که در پنج شنبه ۲ محرم ۱۲۶۶ق، از نوشتن آن فراغت یافته است.

۲. کتابت رساله «شرط ضمن العقد» از مؤلفات میرزای قمی که آن را به خط نسخ و نستعلیق در سال ۱۲۶۷ نوشته است. نسخه آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

۳. کتابت چهار رساله شامل «تعلیقه منهج المقال» تألیف آقا باقر بهبهانی، «هدایه المحدّثین» تألیف ملّا محمّدامین کاظمی، «غایه المرام» تألیف سیّد جزائری و «الاوزان و المقادیر» تألیف علّامه مجلسی که آنها را به خط نستعلیق در ماه رجب سال ۱۲۶۷ق کتابت نموده است و به شماره ۳۱۳۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

شیخ محمّدجواد بیدآبادی سرجوئی

حاج شیخ محمّدجواد بیدآبادی سرجوئی ابن محمّد حسین بن زین الدّین، عالم ربانی و عارف صمدانی. از مشایخ سلسله ذهبیه در اصفهان و از کسانی است که جامع بین شریعت و طریقت بوده. املاک خود را فروخته و صرف مستمندان نموده و باقی عمر را به زهد و قناعت و تزکیه نفس و تحمّل ریاضات مختلفه و تربیت معدودی از اهل عرفان گذرانده است.

سرانجام در ۱۰ صفر ۱۳۴۴ق در سن حدود نود سالگی وفات یافته و در کربلای

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۳۲.

۲- فهرست مرعشی، ج۸، ص۳۶۸.

مُعَلّا مدفون گردید. حاج ملّا حسینعلی صدیقین، حاج ملّا محمّد هُرتَمَنی، سیّد محمّد صادق کتابی، میرزا ابوالهدی کلباسی و آقا شیخ ابوطالب شیخ الاسلام از دست پروردگان این عارف ربّانی بوده اند.(۱)

سیّد محمّد جواد میر محمّد صادقی

سیّد محمّد جواد بن میر محمّد حسین بن میر سیّد علی میر محمّد صادقی، عالم فاضل در اصفهان نزد پدر و دیگر علماء به تحصیل پرداخت. سپس در کربلا به درس میرزا علینقی طباطبائی و در نجف به محضر درس شیخ مرتضی انصاری حاضر شده و کسب علم نمود.

وی سرانجام در سال ۱۲۸۰ق در مراجعت از مکّه معظّمه بین راه وفات یافته و در نجف اشرف مدفون گردید.

از تألیفات او یک دوره فقه و یک دوره اصول از تقریرات اساتید خود است.(۲)

سیّد محمّد جواد خراسانی

سیّد محمّد جواد بن سیّد محمّد رضا بن حاج سیّد یوسف قائنی خراسانی، عالم فاضل صالح زاهد [از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای و دیگران].

مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی درباره او فرموده است: «لم ار مثله فی الوثاقه و الجلاله و العباده»

مشارٌالیه از جمله کسانی است که به شرف زیارت حضرت بقیهاللّه الاعظم امام عصر(عجل اللّه تعالی فرجه) مشرّف گردیده است. [شرح آن در کتاب «العبقری الحسان» علّامه نهاوندی آمده است.]

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۲۶ و ۳۲۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۶۲؛ بیان المفاخر، ج ۲، ص ۲۲۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۱۰.

وی در روز جمعه۵ رجب المرجّب سال ۱۲۷۱ق در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل علوم دینی سالها در مسجد حاجی رضا به جای پدران خود اقامه جماعت می نمود.

سرانجام در سال ۱۳۵۲ق وفات یافته و در تکیه فاضلان در تخت فولاد جنب مزار جدّ بزرگوار خود مدفون گردید.

حاجی میرزا حسن خان جابری انصاری مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

«اذاً باثنی عشر جاءوا و قالوا:

ثوی حرز الجواد طاب مثواه»

۱۳۵۲=۱۳۴۰+۱۲

کتب زیر از اوست:

[۱. مجالس الابرار در مواعظ] ۲. رساله ای در شرح حال پدر و جدّ خود ۳. رساله در «تعبیر خواب» ۴. «رؤیاهای صادقه»(۱)

دکتر محمّدجواد شریعت

دکتر محمّدجواد شریعت فرزند شیخ محمّدرضا شریعت بن ملّا زین العابدین طالخونچه ای اصفهانی، از پرکارترین استادان زبان و ادبیات فارسی در عصر حاضر.

او در سال ۱۳۱۵ش در اصفهان متولّد شده و تحصیلات ابتدائی را طی نمود [و نزد پدر مقدمات و سطوح را فرا گرفت سپس در اصفهان به ادامه تحصیل در دبیرستان پرداخته و پس از دریافت دیپلم در دانشگاه تهران در رشته ادبیات فارسی به تحصیل پرداخته و لیسانس گرفت. سپس در سال ۱۳۳۵ش به استخدام آموزش و پرورش درآمده و ۱۰ سال به تدریس در دبیرستانهای اصفهان پرداخت. در کنار آن تحصیلات عالیه خود را دنبال کرده و در سال ۱۳۴۷ش رساله دکتری خود درباره «ترجمه تفسیر طبری» را زیر نظر استاد مدرس رضوی در دانشگاه تهران گذراند و به درجه دکترای

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۳۶ و ۶۳۷؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۹۸۴-۱۹۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۲.

ادبیات فارسی نائل شد. و به تدریس در دانشگاه تهران مشغول شد. در سال ۱۳۵۲ش به انگلستان رفت و در دانشگاه «دورهام» به تدریس ادبیات فارسی پرداخت. وی پس از پیروزی انقلاب بازنشسته شده و به تحقیق و تألیف و تدریس در دانشگاههای آزاد پرداخت.

او دهها کتاب و اثر تحقیقی اعم از تألیف و تصحیح و تحقیق را به تحریر درآورده که به چاپ رسیده است از جمله:

۱. «املای صحیح» ۲. «کتاب املاء» ۲جلد ۳. «دستور زبان فارسی و انگلیسی» تطبیقی ۴. «لغت فارسی» ۵. «راهنمای زبان و ادبیات فارسی» ۶. «ترجمه مبادی العربیّه» (۴جلد) ۷. «تجزیه و ترکیب اشعار گلستان» ۸. «زمینه بحث درباره آیین نگارش» ۹. «آیینه عبرت» (شرح قصیده خاقانی) ۱۰. «پروین ستاره آسمان ادب ایران» ۱۱. «چهارده روایت در قرائت قرآن مجید» ۱۲. «فهرست تفسیر کشف الاسرار» ۱۳. «کشف الابیات مثنوی» ۱۴. «فرهنگ فارسی - چینی» با همکاری دکتر غلامرضا ستوده و هیأت چینی ۱۵. «ترجمه نهج البلاغه» ۱۶. «گزیده کشف الاسرار» ۱۷. تصحیح و تحقیق «جواهر الاسرار» در شرح مثنوی (۴جلد) ۱۸. تصحیح و تحقیق کتاب «التّعرف» ۱۹. تصحیح و تحقیق «دیوان دقیقی» ۲۰. تصحیح و تحقیق «منهاج الطّلب» (کهن ترین دستور زبان فارسی) ۲۱. تصحیح و تحقیق «اسرار الغیوب» (شرح مثنوی در ۲جلد) ۲۲. تحقیق و معانی اشعار «دیوان حافظ»[(۱)]

سیّد محمّد جواد کتابی

سیّد محمّد جواد کتابی ابن سیّد محمّد صادق حسینی کتابفروش، عالم فاضل، در اصفهان متولّد شده و نزد عدّه ای از علمای اصفهان از جمله حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی به تحصیل پرداخته و به افتخار دامادی حاج سیّد محمّدباقر حجّهالاسلام

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۷؛ شمع جمع، صص۲۳-۱۶.

شفتی درآمـده و دختر ایشان گوهربیگم را به همسری خود برگزیـد. عالمی زاهـد و منزوی بوده و از ریاست و شـهرت دوری می کرده است. در سال ۱۳۳۸ق وفات یافت.(۱)

شیخ محمّد جواد پوده ای

شیخ محمّد جواد بن شیخ عبدالحمید بن شیخ محمّد جواد بن شیخ محمّد صالح نجفی پوده ای سمیرمی اصفهانی، واعظ، عالم صالح معروف به «سیف الواعظین»، شاعر ادیب [از دانشمندان اواخر دوره قاجاریه]

کتابهای: ۱. انـوار السواطع و الـبروق اللوامع ۲. دیوان اشـعار ۳. مثنوی قیمه پلو، مثنوی عرفـانی شبیه نـان و حلوای شـیخ بهـائی [سـروده] در آنجا خود را شـیخ محمّـد جعفر قمی می خواند. کتاب مشـتمل بر ۲۲۰۰ بیت بوده و به شـماره ۴۶۲۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

این مثنوی با ین بیت آغاز می شود:

ساقی ای آرام جان ناتوان

مِی بِدِه وان می به رنگ ارغوان(۲)

میر جواد طیّب اصفهانی*

میر جواد بن سـیّد علی خان اصـفهانی، شاعر ادیب قرن دوازدهم هجری متخلّص به «طیّب». در سال ۱۱۱۰ق در اصفهان به دنیا آمد و فنون ادب و شـعر را از پدر دانشـمند خود و همچنین مخلص کاشـی آموخت. سـپس به هندوستان رفته به خدمت حکام بنگاله درآمد. او سرانجام در سال ۱۱۸۰ق در سن ۷۰سالگی در مُرشدآباد وفات یافت.

از اوست:

تو را با خویش یک رو دیده ام من

تغافل پیشه بدخو دیده ام من

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۳۲۲؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲- الذریعه، ج۱۷، ص۲۲۶؛ فهرست مرکزی دانشگاه ج۱۴، ص۳۵۵۸.

تماشای بهار فتنه کردم

نهال قامت او دیده ام من(۱)

شیخ محمّد جواد فریدنی

شیخ محمّد جوادبن شیخ علی اصغر فریدنی، عالم فاضل زاهد، از فضلاء و مدرّسین اصفهان. در مدرسه عربان ساکن بود و سطوح فقه و ادبیات تدریس می نمود.

در چهارشنبه ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۷۵ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

وی از شاگردان آقا شیخ محمّدرضا نجفی و حاج میر سیّد علی نجف آبادی بوده است.(۳)

دکتر جواد اژه ای*

دکتر جواد اژه ای فرزند علی محمّد، از چهره های علمی و سیاسی معاصر اصفهان در سال ۱۳۲۷ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسّطه را در اصفهان طی کرد و در سال ۱۳۴۶ش دیپلم ادبی گرفت. وی همزمان به تحصیل در مقطع متوسّطه، در حوزه علمیه اصفهان نیز به تحصیل پرداخت. پس از اخذ دیپلم در دانشگاه اصفهان در رشته روانشناسی به تحصیل پرداخته و لیسانس دریافت نمود. آنگاه به استخدام آموزش و پرورش درآمد و دو سال در دبیرستان های شهرضا تدریس کرد. در این سالها در «کانون علمی تربیتی جهان اسلام» به فعالیت پرداخت و زیر نظر او کتاب «فرصت در غروب» به چاپ رسید. پس از تعطیلی این کانون به فعالیت در مسجد علی علیه السلام اصفهان ادامه داد. او که به عنوان یکی از فعالان سیاسی مخالف رژیم پهلوی شناخته شده بود به توصیه شهید دکتر بهشتی در سال ۱۳۵۳ش به هامبورگ رفت و با

۱- تذکره روز روشن، صص ۵۰۴ و ۵۰۵؛ صحف ابراهیم، ص ۱۸۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶۵.

۳- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۰۱.

انجمن اسلامی دانشجویان در اروپا مرتبط شد. سپس برای ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان وین به اطریش رفت. در آنجا به ادامه تحصیل پرداخته و در رشته روانشناسی تجربی از دانشگاه دولتی وین دکترا گرفت و در این سالها به ارتباط با دانشجویان ایرانی ساکن اطریش و تبلیغ برای انقلاب اسلامی ادامه داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در وزارت خارجه و سپس در دفتر نخست وزیری عهده دار پست های مختلف و از جمله معاون فرهنگی و اجتماعی نخست وزیر شد. همچنین از سال ۱۳۶۸ به بعد به عنوان مشاور فرهنگی رئیس جمهور به فعالیّت خود ادامه داد.

او از سال ۱۳۶۴ش به بعد در دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس به تدریس پرداخته و برخی سمت های اداری همچون ریاست دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران را بر عهده داشته است. از دیگر سِمَت های او عضویت در هیأت امنای بنیاد فارابی، هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، هیئت امنای سازمان ملّی استعدادهای درخشان، نماینده رهبری در امور دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و عضو شورای مرکزی نهاد نمایندگی مقام معظّم رهبری در دانشگاه های کشور بوده است.(۱)

سیّد محمّد جواد صدر عاملی

سیّد محمّد جواد صدر عاملی بن سیّد محمّد علی آقا مجتهد بن سیّد صدرالدّین محمّد عاملی اصفهانی، عالم فاضل و فقیه محقّق در سال ۱۲۷۳ق در اصفهان متولّد شد. در یک سالگی پدرش را از دست داد. مقدمات و سطوح را نزد علمای اصفهان آموخته و سپس به نجف اشرف عزیمت نمود [و از درس آیات عظام آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی، حاج آقا رضا همدانی، شیخ محمّد حسین کاظمی، میرزا حبیب اللّه رشتی، سیّد اسماعیل صدر، میرزا فتح اللّه شریعت اصفهانی کسب فیض نمود.] سپس به اصفهان بازگشته و نزد و برادر دانشمند و مجتهد عالیقدر شیخ محمّد باقر نجفی و شیخ محمّد

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۲، صص ۴۴۳ و ۴۴۴.

حسین نجفی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و در مدرسه ملّا عبداللّه به تدریس مشغول شد و در آن مدرسه به اقامه نماز جماعت مبادرت ورزید. وی از جمله مؤسسین انجمن صفاخانه اصفهان است و در مجلّه «الاسلام» نشریه انجمن مزبور مقالاتی از او به چاپ رسیده است.

از جمله مؤلفات مرحوم علّامه شیخ الشریعه اصفهانی کتابی به نام «رساله فی بُطلان العَمَل بِالاحتیاط فی بعض الفروع» است که مؤلّف می نویسد که آن را در جواب اشکال مرحوم سیّد محمّد جواد بن آقا مجتهد نوشته است.

وی در سال ۱۳۴۷ق در اصفهان وفات یافته و در صحن تکیه مادرشاهزاده (تکیه محمّد تقی رازی) در تخت فولاد مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را مرحوم میرزا حسن خان جابری انصاری ضمن قطعه ای گفته است:

یکی بیامد و تاریخ این معمّا گفت

«جواد حجهالاسلام رفته از دنیا»(۱)

[کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «رساله در نماز شب و آداب اسرار آن» ۲. «رساله در جبر و تفویض» ۳. «رساله در شبهه محصوره» ۴. «رساله در اجتهاد و تقلید» ۵. «رساله در ولایت عامّه»(۲)]

شیخ محمّد جواد اصولی*

شیخ محمّد جواد اصولی ابن حاجی قهرمان، عالم فاضل کامل. در حدود سال ۱۳۱۶ق در روستای «هرچکان» از توابع شهرکرد متولّد شد و پس از کمی تحصیل راهی اصفهان شد و نزد علمای عالیقدر حوزه علمیه اصفهان همچون میر سیّد علی نجف آبادی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا سیّد محمّد رضا خراسانی و دیگران به

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۱ و ۵۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص ۲۸۴-۲۸۲.

۲- بغیه الرّاغبین، ج۱، ص۱۷۴؛ گلشن اهل سلوک، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

کسب فیض پرداخت. آن گاه به نجف اشرف عزیمت کرد و در درس اساتید بزرگ آن شهر شرکت کرد. پس از چندی به بیماری سختی مبتلا شد و به اصفهان بازگشت. وی سالها در مدرسه صدر اصفهان به تدریس مشغول بود. در طول سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۵ش در مدارس جدید شهرکرد و همچنین برای طُلّاب علوم دینی به تدریس پرداخت. او بقیه عمر خود را در اصفهان سپری ساخت تا این که در ۸ شعبان ۱۴۰۰ق وفات یافته و در تکیه کرمانی در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

سیّد محمّد جواد مسائلی

سیّد محمّد جواد مسائلی ابن آقا سیّد محمّد خوئی آذربایجانی عالم فاضل و فقیه محقّق.

سالها در نجف اشرف به تحصیل مشغول بوده سپس به اصفهان مراجعت نموده، به انجام وظائف شرعیه پرداخت. ابتدا پیشنماز مسجد شاه (مسجد امام فعلی) بود. سپس از مساجد تلواژگان (تلواسکان) اقامه جماعت نمود و سرانجام در ۲۶ جمادی الاول ۱۳۴۰ه.ق وفات یافته در تخت فولاد، جنب مزار پدرش آقا سیّد محمّد ترک [در تکیه معروف به جهانگیرخان]مدفون گردید.

از جمله تألیفات او «توضیح الفرائد» است که حواشی خود را بر کتاب «فرائد الاصول» شیخ انصاری در این کتاب در سال ۱۲۸۸ق تدوین نموده است. نسخه اصل به خط مؤلف در کتابخانه سیّد محمّد طباطبایی یزدی در نجف اشرف موجود بوده است.(۲)

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان، (مخطوط)

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۰۲ و ج۲، ص۴۶۵؛ الذریعه، ج۴، ص۴۹۴؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۱۴۱ و ۱۴۰.

سیّد محمّد جواد طباطبائی

سیّد محمّد جواد بن مرتضی طباطبائی اصفهانی [از فضلاء قرن دوازدهم هجری است]نواده سیّد محمّد طباطبائی اصفهانی، در سوم جمادی الاوّل سال ۱۱۹۸ق دو رساله «تفسیر جزء عم» و «رساله در روزه روز عاشورا» را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۷۴۹۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

سیّد جواد مقدس

حاج سیّد جواد بن آقا نورالدّین بن سیّد ابراهیم بن میر سیّد علی مقدس اصفهانی، عالم فاضل ادیب شاعر.(۲)

[در سال ۱۳۱۵ش در اصفهان متولّد شده و پس از تحصیل در مقطع ابتدائی در مدرسه اقدسیه، در حجره ای در مسجد سیّد ساکن و به تحصیل علوم دینی پرداخت. در دانشگاه نیز به تحصیل پرداخته و به اخذ درجه لیسانس در رشته ادبیات فارسی نائل آمد. وی سالها در مدارس اصفهان و تربیت معلم و دانشگاه به تدریس مشغول بوده است. کتابهایی را تألیف نموده که تاکنون نشر نشده مانند: «علی در حریم وصال یا مناجات شعبانیه»؛ ترجمه «سیرتنا و سنتنا» تألیف مرحوم علّامه شیخ عبدالحسین امینی بفارسی بنام «راه و روش ما، راه و روش پیامبر ما»؛ «دیوان اشعار» طبع شعر نیز داشته و از عنفوان جوانی شعر می سروده است. همچنین در خوش نویسی و نقاشی نیز استاد بود و از وی آثاری در خط و نقاشی بر جای مانده است. در شام ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۶ش بعد از بازگشت از تدریس روزانه وفات کرد و در قطعه ۱۶ باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

از اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۹۷.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۶۲.

آرزو دارم خدایا صبح فردا را ببینم

شب به پایان آید و آن مهر زیبا را ببینم

گرچه طوفان بلا کوبد سرم بر سنگ ساحل

باز گردم همچو موج و روی دریا را ببینم[(۱)]

سیّد جواد ابطحی*

سیّد جواد ابطحی فرزند سیّد نوراللّه بن سیّد سلیمان، از فضلای اهل منبر اصفهان در عصر حاضر.

در سال ۱۳۰۲ش متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس جدید، در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل پرداخت و از میر سیّد علی ابطحی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، شیخ عباسعلی ادیب، سیّد ابوالحسن شمس آبادی و به ویژه حاج آقا سیّد حسین خادمی -که ۳۰سال از محضر ایشان کسب فیض نمود- بهره علمی بُرد.

وی از منبریان معروف اصفهان بوده و سالهاست که به وعظ و ارشاد مشغول است. همچنین سالیان طولانی به اقامه جماعت در مسجد تاج الدّین پرداخته است.(۲)

میرزا محمّد جواد جهانبخش نهاوندی

میرزا محمّد جواد معروف به «میرزا جهانبخش» منجم باشی نهاوندی عالم و ادیب و منجم بوده و در اصفهان سکونت داشته و «رساله در استخراج خط نصف النهار» جهت شاگردش سیّد عباس بن سیّد علی موسوی شاهرودی (م۱۳۴۵ق) تألیف نموده است.(۳)

وی در سال ۱۲۷۶ق متولّد شده و در سال ۱۳۳۴ق و یا به قولی ۱۳۳۳ق وفات

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، ص۷۲۸.

۲- شرح مجموعه گل، ص۳۱۱.

۳- الذریعه، ج۱۱، ص۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶۶.

یـافته است. در تاریـخ بروجرد او را بروجردی نوشـته و از شـیخ عبدالحسـین بن شـیخ عیسـی رشـتی گیلانـی به عنـوان یکی از شاگردان او نام برده است.(۱)

میرزا جهانبخش علاوه بر تألیف سابق الذکر «قبله البلدان لاهداء الاخوان» را نیز تألیف نموده است.(۲)

میرزا جواد چهارمحالی اصفهانی

میرزا جواد چهارمحـالی اصـفهانی، شـاعر و ادیب بوده و به نـام خود تخلّص می کرده است. در جوانی به کرمان رفته و تمامت عمر را به گوشه نشـینی گذرانیـده است. عمری دراز یافت و در اواخر عمر زمین گیر شـده و در سال ۱۲۲۳ق وفات یافته و در همانجا مدفون گردیده است. دیوانش حدود هفت هزار بیت بوده است.

از اشعار اوست:

از شوق گلزار رحمت، گل بر دمد از خارها

گر بگذری ای شاخ گل، روزی سوی گلزارها(۳)

آقا جواد حاجب اصفهانی

آقـا جواد اصـفهانی متخلّص به «حـاجب»، شاعر ادیب، از ایران به هندوسـتان رفته و نزد سـعادت علی خان یکی از حکّام آنجا تَقَرُّب یافته است.

دیوان اشعار او به شماره ۴۷۰۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و با این ابیات آغاز می شود:

ای کرده محو ماه رخت آفتاب را

در خون نشانده رنگ لبت لعل ناب را

۱- مکارم الآثار، ج۶، ص۲۱۱۳.

۲- الذریعه، ج۱۷، ص۴۴.

۳- تذکره اختر، ص۴۷؛ سفینه المحمود، ص۱۸۷؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۲۰۵؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۹۶۶؛ حدیقه الشعراء، ج۱، ص۳۸۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۶۲ و ۴۶۳.

در پرده سوخت شعله حسن تو عالمی

در حیرتم که از چه نسوزد نقاب را

...

«حاجب» به اهل مصطبه ظن خطا خطاست

کاین قوم عارفند طریق ثواب را(۱)

جواد رستم شیرازی*

جواد رستم شیرازی، نقاش هنرمند و مینیاتوریست معاصر اصفهان، جدّش از شیرزا به اصفهان آمده است. خود او در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی در اصفهان متولّد شد.

از شاگردان عیسی بهاری در اصفهان بوده و در نقاشی نوین دارای درجه لیسانس است. در تذهیب و طراحی نقشه فرش و تزئینات مهارت دارد. سالها به تدریس و تعلیم هنر در هنرستان هنرهای زیبا بوده است.

وی در خرداد ۱۳۸۴ش (مطابق ربیع الثانی ۱۴۲۶ق) وفات یافته و در گورستان جدید (باغ رضوان) مدفون شد.(۲)

محمّد جواد شمس*

محمّد جواد شمس، از پیشگامان عکاسی در اصفهان، در سال ۱۲۷۹ش در لنجان متولّد شد. در ۱۴ سالگی پدرش را از دست داد. سپس به اصفهان رفته و نزد دائی خود که عکاسی ماهر و هنرمند بود به فراگیری عکاسی پرداخت. ابتدا در جلفا با نعمت اللّه خان خورشید عالمگیر در جلفا عکاسخانه ای تأسیس کرد و پس از مهاجرت نعمت اللّه

۱- الذریعه، ج۹، ص۲۱۶؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۴، ص ۶۳۵۰.

۲- مصاحبه غلامرضا نصرالهی با استاد رستم شیرازی در تابستان ۱۳۷۰ش؛ یادداشت های آقای محمّدحسن رجائی زفره ای.

خان به خوزستان، عکاسخانه مهدی خان چهره نگار در خیابان سپه را خریداری کرد و تا پایان عمر به عکاسی پرداخت.

وی در سال ۱۳۶۵ه.ش در اصفهان درگذشت.(۱)

سیّد جواد عریضی*

سیّد جواد عریضی، محقّق و دانش پژوه معاصر در سال ۱۳۰۶ش در اصفهان متولّد شد. در کودکی پدر و مادر را از دست داد. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه، در تهران به تحصیل پرداخته و از دانشگاه تهران لیسانس فیزیک دریافت کرده و همزمان در دانشسرای عالی تحصیل نمود. سپس به اصفهان بازگشت و در دبیرستانها و مراکز تربیت معلم به تدریس پرداخت. وی پس از تحمل چند ماه بیماری سخت در ۴ آبان ۱۳۷۶ش درگذشت و در باغ رضوان، قطعه نام آوران به خاک سپرده شد. وی چندین مقاله علمی در مجلات معتبر به چاپ رسانده است. از آثار او:

۱. ترجمه «ابعاد کیهان شناختی» نوشته: ارستارخوس تاهالی ۲. ترجمه «نور هویگنس و اُپتیک نیوتون» ترجمه از دائره المعارف بریتانیکا ۳. ترجمه «نسبیت در تصاویر» نوشته: یاکوب شوارتز ۴. ترجمه «نظریه فیزیکی از افلاطون تا گالیله» نوشته: پی رید دوهم ۵. آزمایش بدون آزمایشگاه

شیخ محمّد جواد فریدنی اصفهانی*

شیخ محمّد جواد فریدنی اصفهانی، عالم فاضل، در سال ۱۳۱۰ق در فریدن در استان اصفهان متولّد شد. مقدمات را در زادگاه خود فرا گرفته و سپس نزد علمای عالیقدر در قم به ادامه تحصیل پرداخت.

او پس از مهاجرت به نجف اشرف نزد آیات عظام آقا ضیاءالدّین عراقی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، میرزا آقا اصطهباناتی و سیّد محمود شاهرودی دروس خارج را

۱- چهره نگاران اصفهان، ص ۱۳۰.

تکمیل نمود. وی گاه گاه به ایران می آمد و در زادگاه خود فریدن به تبلیغ می پرداخت. سرانجام بیمار شده و جهت معالجه به تهران رفت و در یکی از بیمارستان های تهران بستری شد ولی معالجات سودی نبخشید و در سال ۱۳۸۵ق وفات یافته، پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابوحسین (مقبره العلماء) مدفون شد.

وی علاوه بر تألیف رساله عملیه، تقریرات درس اساتید خود اصطهباناتی و عراقی را به رشته تحریر در آورده است.(۱)

شیخ محمّد جواد قزوینی

شیخ محمّد جواد قزوینی اصفهانی، از علماء قرن چهاردهم هجری. در اصفهان به کسب علم مشغول شد و برای تکمیل آن به عتبات عالیات رفته و پس از آن به اصفهان بازگشت. ملّا اسداللّه زنجانی دوست و هم مباحثه او بوده و او را ثنای بلیغ نموده است.(۲)

شیخ محمّد جواد محقّق اصفهانی حائری

شیخ محمّد جواد محقّق اصفهانی حائری، عالم فقیه ادیب و شاعر زاهد، از مدرّسین ادبیات در کربلا و ساکن مدرسه حسن خان بوده است. وی در علوم عربیّت ماهر و در ادبیات شاخص و در نحو، منطق و کلام استاد و در معقول و منقول مبرّز بوده است. جمعی از فضلاء و ادباء از خدمت او بهره علمی برده اند. عمری را به فقر و استغنا زندگی نموده و سرانجام در سال ۱۳۲۸ق وفات یافته، در صحن مطهر حسینی علیه السلام مدفون گردید.

گاهی به مقتضای حال، اشعاری می سروده و در آنها «قدسی» و «محقّق» تخلّص می نموده است. قسمتی از اشعارش به طبع رسیده است. این چند بیت از اوست:

در بزم دهر عیش میّسر نمی شود

زین جام مِی گلوی کسی تر نمی شود

هرگز کسی ز آینه جام در جهان

دارای عصر خویش و سکندر نمی شود

۱- تربت پاکان قم، ج۳، ص۱۵۰۵.

۲- نقباء البشر، ج۱، ص۳۱۷.

نفس اژدری است تا نشود کشته ای حکیم

در دست، گنج عقل میّسر نمی شود(۱)

آقا محمّد جواد مُذَهِّب باشی*

استاد محمّد جواد مُذَهِّب باشی اصفهانی، از اساتید نقاشی و تذهیب در قرن سیزدهم هجری است. وی در عصر ناصرالدّین شاه بـه تهران رفت(۲) و برای دربـار او کتابهـایی را تـذهیب نمـود و بـه لقـب «مُـذَهِّب باشـی» ملقّب گردیـد. وی در اواخر عمر به اصـفهان بازگشت و در ۲۸ ذی القعـده ۱۳۱۴ق بـدرود حیـات گفته و در تخت فولاـد، جنب مزار میر ابوالقاسم فندرسـکی در تکیه میر به خاک سپرده شد. خطاط سنگ قبر او عبدالوهاب خوشنویس اصفهانی است.(۳)

سیّد محمّد جواد درب امامی

سیّد محمّـد جواد موسوی درب امـامی، از فضــلاء قرن ســیزدهم هجری اسـت. ظـاهراً از شـاگردان حـاج سـیّد محمّـد بـاقر حجّهالاسلام شفتی بوده و از آثارش:

مرقومه ای است در پشت نسـخه ای از «منتخب تحفه الاـبرار» تألیف: سـیّد حجّهالاسـلام در معرفی کتاب که آن را در ۷ شوال المکرّم ۱۲۵۸ق مرقوم داشتـه است. کتاب نزد فاضل ارجمند جناب حاج سیّد مرتضـی شهشهانی (فرزند واعظ متقی آقا محمّد صدرالذاکرین حسینی شهشهانی بیدآبادی) موجود است.(۴)

جهانگیرخان قشقائی

جهانگیرخان قشـقائی بن محمّدخان، عالم فاضل، فقیه متبحّر، حکیم متألّه، عارف زاهد و ادیب شاعر [از ایل قشقائی طایفه درّه شوری و تیره جانبازلو. در حدود سال

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶۱.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۱۹.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۴- بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۱۲۴۳ق در دهاقان متولّد شد. مادرش دختر یکی از خوانین سمیرم بود. ظاهراً پدرش اهل ادب و باسواد بوده و جهانگیرخان نیز در جوانی مقداری تحصیل کرده بود. در چهل سالگی شوق تحصیل باعث شد ایل و تبار خود را رها کرده و در مدارس اصفهان ساکن شود و به تحصیل بپردازد.

در اصفهان نزد ملّا حیدرعلی صبّاغ لنجانی، میرزا محمّد حسن نجفی و ملّا اسماعیل حکیم درکوشکی به تحصیل فقه و اصول، ادبیات، منطق، حدیث و فلسفه پرداخت. سپس به تهران رفت و نزد آقا محمّد رضا قمشه ای متخلّص به «صهبا» کسب فیض نمود.

او در مدرسه صدر حجره داشت و در آن جا و در شبستان مسجد جارچی تدریس می نمود. او در تدریس ریاضیات، شرح منظومه دروس خارج فقه و نهج البلاغه تبحّر بسیار داشت و صدها شاگرد فاضل و دانشمند از جلسات درس او بهره مند شدند. در آن زمان آخوند ملّا محمّد کاشانی معروف به آخوند کاشی نیز در مدرسه صدر ساکن بوده و به تدریس علوم عقلی و نقلی مشغول بود. جهانگیرخان و آخوند کاشی تا آخر عمر با یکدیگر رفاقت و مصداقت داشتند و نام «خان» و «آخوند» تا سالها وِرد زبان طلّاب و فضلاء بود.

جهانگیرخان، در دورانی که مخالفین فلسفه در حوزه علمیه اصفهان نفوذ زیادی داشتند و مطالعه، تحصیل و تدریس فلسفه کفر تلقّی می شد، کم کم شروع به تدریس فلسفه نمود و آن وحشت از فلسفه را به اُنس تبدیل کرد. در فلسفه از پیروان حکمت متعالیه (حکمت صدرایی) بود.

او تا آخر عمر در لباس ایلیاتی خود باقی ماند و حاضر به پوشیدن لباس روحانیت نشد. او زندگی زاهدانه ای را پیشه کرده بود و سالها در تجرد و استغنا در حجره مدرسه صدر زندگی کرد و هرگز از وجوهات شرعی استفاده نکرد. بلکه از عواید اجاره زمینی که داشت، گذران زندگی می نمود. جهانگیرخان الگوی معنویت و خلوص و مجاهده با نفس بود و در خُلق حُسنه و دلسوزی نسبت به شاگردان و رعایت احتیاط در امر به معروف و نهی از منکر اسوه ای کم نظیر به شمار می رفت. او علاوه بر دروس معمول

مـدارس دینی، «نهج البلاغه» را نیز تدریس می کرد و به خواهش او «شـرح نهج البلاغه» تألیف: میرزا محمّد باقر نواب لاهیجی را به چاپ رساندنـد. برخی گفته و نوشـته انـد که جهانگیرخان شـرحی بر نهج البلاغه نوشـته است. امّا هنوز چنین کتابی یافت نشده و شاید انتساب این اثر به جهانگیرخان ناشی از برداشت اشتباه از دیباچه «شرح نهج البلاغه» مرحوم نواب باشد.

جهانگیرخـان عـارفی آگاه بود. مثنوی معنوی را برای معـدودی از خواصّ اهل حال تـدریس می کرد و دقایق و ظرایف آن را یادآور می شد.]

این عـالم ربانی در شب ۱۳ مـاه رمضان المبارک ۱۳۲۸ق در اصـفهان وفـات یـافته و پس از اقامه نماز بر پیکر او توسط شـیخ محمّـدتقی آقـانجفی، به تخت فولاد حمل و در تکیه آقا سیّد محمّـد ترک (که بعـدها به تکیه جهانگیرخان نیز شـهرت یافت) مدفون شد. [در سالهای اخیر مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد وابسـته به شـهرداری اصـفهان بقعه ای شکوهمند بر سر مزار او بنا کرده است.

میرزا حسن خان جابری انصاری این مصرع را ماده تاریخ فوت او یافته است:

«جهانگیر نزد خدای جهان شد»

[و «مهجور دهاقانی» در ضمن مرثیه ای که برای او سروده، ماده تاریخ وفات او را چنین یافته است:

«مهجور» خواست سال وفاتش ز پیر خرد

گفتا: «شد آفتاب جهانگیر مُنکَسِف»]

جهانگیرخان قشقائی در جوانی شعر می سروده ولی از میان آنها تعداد کمی باقی است. این شعر از اوست:

هوای ساحت چین باد صبحدم دارد

مگر گذار بر آن زلف خم به خم دارد

بکش بساط به صحرا که باد نوروزی

حدیث های خوش از روضه ارم دارد

به روزگار شادیم بس است که دل

ز عشق روی تو چون لاله داغ غم دارد

به بزم ساقی گل چهره از پی قدحی

مراست جان به کف ار دیگری درم دارد(۱)

جهانگیر کوهی اصفهانی

جهانگیر کوهپائی متخلّص به «کوهی» در سال ۱۳۲۰ش در روستای «هونه گان» سمیرم سفلی متولّد شد و در زادگاه خود به تحصیل پرداخت. در جوانی به استخدام کارخانه ذوب آهن اصفهان درآمد در همان زمان شعر می سرود. وی در انجمن های ادبی فاضل هندی در فلاورجان و حافظ و خانه هنرمندان در اصفهان شرکت نموده است.

از اوست:

خداوندا مقدّر کن وصالت

بده ساغر وز آن جام کمالت

بگردان قلب من بر قبله گاهت

که باشد دیدگان من به راهت

خطا کردم اگر از راه عصیان

پشیمانم پشیمانم پشیمان(۲)

جهم اصفهانی

جهم بن صفوان اصفهانی، او در اصفهان به دهری گری متّهم و مرتد شناخته شده و به دستور خلیفه عباسی توسّط مسلم بن احوز عامل اصفهان کشته شده است.(۳)

۱- زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقائی: اغلب صفحات؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۳۹ و ۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۶۷ و ۴۶۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۹۱-۱۸۹؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۶؛ نقباء البشر، ج۱، ص۳۴۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۳۹۹-۳۹۳؛ الذریعه، ج۱۴، ص۱۲۲؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۱۸۹ و ۱۹۰؛ اصفهان: کتاب جوانان، صص ۲۲۹ و ۲۳۰؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۲۷۹-۲۵۶؛ آثار عجم: مقدمه، صص ۶۰ و ۶۱؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، صص ۱۶۰ و ۱۶۱؛ مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، صص ۱۶۱ و ۱۶۱؛ شمس التواریخ، صص ۳۳ و ۳۴؛ نصف جهان و همه

جهان، ص ۱۳۰؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۶۱۰.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوم)، ص۹۷۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۴۳.

«چ»

اشاره

چنگیز میرزا قاجار

چنگیز میرزا فرزند حاج محمّد ولی میرزا قاجار ادیب فاضل، مؤلف کتاب «لمعات ناصری» در ۱۴۰ صفحه، در تاریخ ۱۸ ربیع الاوّل ۱۲۶۷ق از تألیف آن فراغت یافته است.(۱)

۱- الذریعه، ج۱۸، ص۳۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶۸.

ص: ۴۱۱

اعلام اصفهان

«ح»

اشاره

میرزا حاتم بیگ اردوبادی

میرزا حاتم بیگ اردوبادی بن ملک بهرام نصیری، سیاستمدار ادیب و شاعر عهد صفویه. [او را از احفاد خواجه نصیرالدّین طوسی شمرده اند. در حالی که مطابق اسناد معتبر نسب او به شیخ طوسی منتهی می شود.] در اواخر قرن دهم هجری به علّت تبحّر در انشاء و ادبیات و امور دیوانی منظور نظر شاه عباس قرار گرفته و در سال ۹۹۹ق به منصب وزارت اعظم منصوب و به لقب «اعتماد الدّوله» مُلَقّب گردید. وی سرانجام در شب جمعه ۶ ربیع الاوّل ۱۰۱۹ق در پای قلعه دمدم ارومیه به مرض فجأ وفات یافت و جنازه اش به مشهد مقدس نقل گردیده و در آن آستان مقدس مدفون گردید.

حاتم بیگ، مردی ادیب و دانشمند بود، و شعر نیز می سروده و «صافی» تخلّص می نموده است. بسیاری از ادباء و شعراء از جمله شیخ علینقی کمره ای و ملک مشرقی در وصف او شعر سروده اند و شیخ بهائی کتاب «هفتاد باب اسطرلاب» خود را به نام او «التحفه الحاتمیه» نامیده است. حاتم بیگ نیز مردی کریم الطّبع و بخشنده بوده و شعراء و دانشمندان را با صله های فاخر می نواخته است. شاه عباس صفوی، پس از فوت حاتم بیگ منصب او را به فرزندش میرزا طالب خان تفویض کرد.(۱)

حارث اصفهانی

حارث بن ترماح اصفهانی، ساکن هَجَرْ از ولایت بحرین و از بزرگان قرامطه بوده

۱- تذکره میخانه، ص۵۸۸؛ تذکره غنی، ص۳۹؛ تذکره روز روشن، ص۱۸۹؛ تذکره هفت اقلیم، ج۳، صص ۲۶۳-۲۶۱؛ دانشمندان آذربایجان، صص ۲۱۳ و ۲۱۴؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۷۹.

است.(۱)

حامد بن صبّاح

ابوغسّان حامد بن صبّاح، از محدثین اصفهان در قرن سوم هجری است وی از ابراهیم بن عامر بن ابراهیم روایت می کند.(۲)

حامد خابوطی

ابوالمکارم حامد بن عبدالرّزاق بن محمّد بن عمر خابوطی، از محدّثان اصفهان در قرن ششم هجری است. از ابو محمّد رزق اللّه تمیمی استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی از وی احادیث کمی شنوده است.(۳)

حامد اصفهانی

ابوسعد حامد بن علی بن احمد بن عبدالواحد بن احمد بن ایّوب اصفهانی، از محدثین قرن ششم هجری و سبط ابوالقاسم سلیمان طبرانی است. از ابوبکر محمّد بن احمد بن حسن بن ماجد ابهری استفاده کرده و ابوسعد سمعانی از او حدیث شنوده است.(۴)

حامد آدمی اصفهانی

ابوالفتوح حامد بن محمّد بن ابی سعد بن عمر آدمی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. از ابوعبداللّه قاسم ثقفی استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی از وی حدیث شنیده است.(۵)

۱- بنیادهای کیش اسماعیلیان، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان،ج ۱، ص۲۹۴.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص۲۴۳.

۴- التّحبیر، ج ۱، ص۲۴۲.

۵- التّحبیر، ج ۱، ص۲۴۳.

آدمی منسوب به آدم، یکی از اجداد صاحب عنوان است.

حامدی اصفهانی*

مولانـا حامـدی اصـفهانی، شـاعر ادیب صوفی عارف و خطاط فاضل قرن نهم هجری سالها به سـیاحت مشـغول بوده، عاقبت به عثمـانی [ترکیه کنونی] رفته و به دربـار سـلطان محمّـد فاتـح امپراطور عثمـانی راه یـافت. از صوفیه طریقت مولویّه بوده و سالها شیخ مزار مولانا جلال الدّین محمّد بلخی در قونیه بوده و تا سال ۸۸۴ق حیات او مسلّم است ولی تاریخ فوت او به دست نیامد. علاوه بر فضـل و ادب و سـلوک و عرفان، خط را نیز خوش می نوشـته و کتاب های «مفردات» ابن بیطار، و «دلائل الاعجاز» را برای سلطان محمّد فاتح نوشته است.

«جام سخن گوی» و «دیوان اشعار» از آثار اوست.(۱)

میرزا حبیب اصفهانی

میرزا حبیب اصفهانی چهارمحالی، ادیب فاضل و شاعر و نویسنده و زبان شناس [اوایل قرن چهاردهم هجری].

وی در روسـتای «بن» چهارمحال متولّـد شـد. [مقـدمات را در اصـفهان آموخته و سـپس به تهران رفت و به تحصـیل ادامه داد. سپس راهی بغـداد شـده و در ۴ سـال ادبیـات و فقـه و اصـول را فراگرفـت و پس از مراجعت به ایران در تهران سـاکن شـد. او شـاعری زبردست و ادیـبی توانـا بـود و «دسـتان» تخلّص می کرد و چـون طبع او به هزل و هجو مایـل بود در ذمّ شـکمبارگی و بددهنی سپهسالار محمّد خان صدر اعظم هجویه ای سروده و پس از مدت کوتاهی از اقامت خود، در سال ۱۲۸۳ق به سرزمین عثمانی [ترکیه فعلی]

۱- اثرآفرینان، ج۲، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ تاریخ ادبیات (صفا)، ج۴، ص۳۴۲؛ تاریخ نظم و نثر، صص ۷۹۲ و ۷۹۳؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۴۶۷؛ مجله هنر و مردم، بهمن ۱۳۵۵ش، شماره ۱۷۲، ص۴؛ نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۱۳۴۱ش، شماره اول، صص ۵۴-۴۲.

پناه برد و در آنجا به دلیل تسلط به زبان عربی، ترکی و فرانسوی در مدرسه ایرانیان استانبول به تدریس پرداخت. میرزا حبیب با شیخ احمد روحی و یاران او معاشرت داشت و طرفدار آزادیخواهان ایران بود.

دولت عثمانی او را به عضویت انجمن معارف منصوب کرد، اما به خاطر بدگوئی بدخواهان از خدمت برکنار شد ولی بعد از یک سال و نیم به التفات سلطان، به خدمت بازگشت.

عمده شهرت حبیب اصفهانی به خاطر ترجمه فارسی داستان «حاجی بابا اصفهانی» نوشته «جیمز موریه» منشی سفارت انگلیس در ایران است. نثر او در این ترجمه استادانه و مسلط به زبان و ادب فارسی است که آن را شیرین و دلپذیر ساخته است.

میرزا حبیب در سال ۱۳۱۱ق بیمار شده و جهت معالجه با آبهای معدنی به «بورسا» رفت و سرانجام در سال ۱۳۱۵ق درگذشت و در گورستان «چکرگه» در پای کوه «اولوداغ» به خاک سپرده شد.]

این کتاب ها از اوست:

۱. «برگ سبز» ۲. «دستان فارسی» راجع به دستور زبان فارسی ۳. «دستور سخن» ۴. «راهنمای فارسی» ۵. «غرایب عقاید ملل» [۶. تصحیح «دیوان اطعمه سحاق اطعمه شیرازی» مطبوع ۷. «منتخب کلیات عبید زاکانی» ۸. «تصحیح دیوان البسه قاری یزدی» مطبوع ۹. «خط و خطاطان» ۱۰. «رهبر فارسی» ۱۱. ترجمه «مردم گریز» نوشته: مولیر ۱۲. «دیوان اشعار» ۱۳. ترجمه «حاجی بابای اصفهانی» نوشته: جیمز موریه، مطبوع ۱۴. ترجمه «سرگذشت ژیل بلاس» نوشته: آلن رُنه ساژ ۱۵. «ایرنامه» نسخه خطی کتابخانه دانشگاه استانبول ترکیه ۱۶. «منتخب اللّطائف» ۱۷. «منتخب النّفائس»

این شعر از اوست:

دیشب به رقص برخاست، آن فتنه نشسته

یک دل درست نگذاشت، با طُرّه شکسته

دامن کشان فرد کوفت، پائی و دستی افشاند

ز آنسان که عقل و دین را، شد دست و پای بسته(۱)]

حبیب هلالی اصفهانی

حبیب بن زبیر بن مشکلان هلالی اصفهانی، از محدّثین قرن دوم هجری است [نوادگان او به زبیریه شهرت داشته و اغلب ساکن اصفهان بوده اند. بسیاری از نوادگان پسری و دختری او از محدّثان اصفهان به شمار می روند.

صاحب عنوان از عکرمه، عبداللّٰه اَبی الهُذِیل و عبدالرّحمان بن الشرّود روایت می نماید و عمروبن فرّوخ و شعبه از او روایت می کنند.

گفته می شود او از محدّثان حنفی بوده است.(۲)

میرزا حبیب ملّاباشی

میرزا حبیب ملّا باشی ابن حاج میرزا محمود بن حاج میرزا محمّد رضا بن حاج میرزا احمد ملّا باشی، عالم فاضل معاصر در سال ۱۳۰۳ش در اصفهان متولّد شد. مادرش دختر آقا سیّد هاشم امام جمعه بوده است. در اصفهان نزد عده ای از علماء از جمله حاج آقا رحیم ارباب و سیّد حسن مدرس هاشمی به تحصیل پرداخت سپس به قم رفته و از

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۶؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۳۵۳؛ الذریعه، ج۷، ص۱۷۹ و ج۱۶، ص۳۱؛ چهره هایی از پیشروان، ص۵۰؛ از صبا تا نیما، صص ۳۰۱-۳۹۵؛ سرگذشت ژیل بلاس: مقدمه؛ مؤلیفن کتب چاپی، ج۲، صص ۴۶۹ و ۴۷۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۱۴۴؛ فهرست دانشگاه استانبول، صص ۳۲۰ و ۶۸۹؛ فهرستواره کتابخانه مینوی، ص۱۲۸؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، صص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ مجله ارمغان: سال دهم، صص ۱۲۰-۱۱۰ و ۲۷۲-۲۶۸؛ گلزار جاویدان، ج۳، صص ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۴۵۴؛ دائره المعارف دانش بشر، ص۱۲۰۳؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۱، ص۵۱۹؛ تاریخ اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران، ص۴۳۷.

۲- ذکراخبار اصفهان، ج۱، صص ۲۹۴ و ۲۹۵؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۲۱۱؛ لغت نامه دهخدا، ذل «زبیر»، ص۲۳۳.

درس علمای اعلام حاج آقا حسین بروجردی و سیّد محمّد باقر سلطانی طباطبائی و شیخ حسینعلی راشد بهره مند شد سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و به تکمیل تحصیلات خود پرداخت.

او مدتی در دبیرستان های اصفهان تدریس می کرد و از دریافت وجوهات شرعی و مصرف آن خودداری می نمود. او حافظه ای قوی داشت.

سرانجام در مردادماه ۱۳۸۱ش وفات یافته و در قبرستان نو قم مدفون شد. از ایشان «حاشیه بر کفایه الاصول» مفصّل باقی مانده است.(۱)

حبیب حسن آبادی

ابومسلم حبیب بن وکیع بن عبدالرّزاق بن عبدالکریم بن عبدالواحد بن محمّد بن سلیمان حسن آبادی اصفهانی از محدّثین قرن ششم هجری و از خانواده علم و حدیث است.

او از ابوبکر محمّد بن احمد بن حسن بن ماجه ابهری اصفهانی حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

[در حال حاضر حسن آباد یکی از محلّه های اصفهان است. در منطقه جرقویه نیز روستایی به نام حسن آباد وجود دارد.]

میرزا حبیب شاطر حاجی*

میرزا حبیب اصفهانی معروف به «حبیب شاطرحاجی» موسیقیدان و خواننده مشهور در اوایل قرن چهاردهم هجری قمری. حدود ۱۳۰۰ق متولّد شد. استاد همایی او را برادر میرزا عبدالوهاب گلشن ایرانپور دانسته ولی نویسندگان دیگر به این مطلب اشاره نکرده اند. اغلب در اصفهان می زیسته، مدّتی در تهران به سر برده و در اواخر عمر در

۱- مشاهیر مزار علّامه ابوالمعالی کلباسی، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۵۹؛ معجم البلدان، ج۲، ص۲۵۹.

شیراز ساکن شده است. او از اساتید قدیمی آواز به شمار می رفت و در بم خوانی، گرمی و ملّاحت صدا مانند نداشت و از جوانی صدای او دلچسب، جذّاب و خوش آهنگ بود و بزرگان موسیقی آن دوران او را بسیار ستایش می کردند. او از دوستان معاشران شکراللّه قهرمانی نوازنده تار و عارف قزوینی، شاعر و تصنیف سرای معروف بود. در اصفهان نیز مدتی در دستگاه حاج امین التجّار بود. استاد علینقی وزیری نیز او را در اصفهان دیده بود و از حسن سلیقه او تعریف می کرد. از لحاظ وسعت اطلاعات در موسیقی نیز کم نظیر بود. مرتضی نی داود از کسانی است که به این مسأله اذعان داشته است.حبیب شاطر حاجی در سال های جوانی و دراوج افتخار و شهرت، ظاهراً به خاطر افراط در خوشگذرانی به بیماری سختی مبتلا شد و صدای خود را از دست داد. یکی از متموّلین شیراز که عاشق صدای دل انگیز او بود، حبیب را به شیراز می برد و یک مغازه و چند شاگرد پیراهن دوز را در اختیارش می گذارد و او را سرپرست این کارگاه قرار می دهد. میرزا حبیب سرانجام در سال ۱۳۵۸ق وفات یافته و در یکی از امامزاده های شیراز مدفون شد و چند سال بعد میرزا عبدالحسین صدر اصفهانی که در شیراز بود وفات نمود و جسدش پهلوی میرزا حبیب دفن شد.

عارف قزوینی از دوستان و شیفتگان حبیب شاطر حاجی است و میرزا حبیب برخی از تصنیف های عارف را می خوانده و از حفظ داشته است. استاد جلال تاج اصفهانی، اسماعیل ادیب خوانساری، حسین ادیب تخت فولادی و سیّد احمد شهشهانی در آواز از او تعلیم گرفته اند و مرحوم محمودی خوانساری غیرمستقیم از او تأثیر پذیرفته است.(۱)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۵۳؛ چشم انداز موسیقی ایران، صص ۹۳ و ۲۴۸؛ تاریخ موسیقی ایران، ص۶۷۷؛ دولت دیدار، ص۱۶۷؛ دائره المعارف تشیع، ج۹، ص۴۹۶؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ص۱۷۹؛ مجله هنر موسیقی، شماره ۵۳، ص۱۰.

حبیب اللّه اصفهانی

حبیب اللّه اصـفهانی، عالم فاضل محقق، از دانشـمندان قرن یازدهم هجری است وی کتاب «شـرح اسـماء الحسنی» را به نام شاه عباس ثانی در سال ۱۰۶۱ق تألیف نموده است.(۱)

[نسـخه اصل کتاب به خط مؤلف به شماره ۱۱ در کتابخانه دانشـمند محقق آیت اللّه حاج سیدمحمدعلی روضاتی در اصفهان موجود است.(۲)]

حبیب اللّه اصفهانی*

آقا حبیب اللّه اصـفهانی عالم فاضل، از دانشـمندان قرن یازدهم هجری، وی در اصفهان نزد جمعی از افاضل علماء همچون آقا حسین خوانساری به تحصیل پرداخت. سپس به هند مسافرت کرده و در شهر «سورت» ساکن شد و به تدریس پرداخت، میرزا لطف اللّه تبریزی مخاطب به «مرشد قلی خان» و معروف به «مخمور سورتی» از شاگردان او بوده اند.(۳)

حبیب اللّه اصفهانی*

میرزا حبیب اللّه اصـفهانی، از فضـلای اوایـل قرن دوازدهم هجری است. مرحوم میرزا محمّـد علی معلم حبیب آبادی در کتاب «عُراضه الاخوان» می نویسد:آخوند ملّا محمّد حسن شفتی گیلانی در اصفهان نزد میرزا حبیب اللّه اصفهانی به تحصیل پرداخته است. احتمالاً او همان میرزا حبیب اللّه نصـرآبادی شاگرد علّامه مجلسـی است (که در این کتاب به شـرح حال او پرداخته شده است.)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۰ و ۴۷۱.

۲- فهرست کتابخانه های اصفهان، ج۱، صص ۳۳-۳۱.

۳- تذکره شمع انجمن، ص۶۵۴؛ دانشمندان آذربایجان، ص۳۳۹.

حبیب اللّه فضائلی

استاد حبیب اللّه فضائلی بن محمّد ابراهیم سمیرمی اصفهانی، خوشنویس، شاعر و محقق معاصر، در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۱ش در سمیرم متولّد شد. در کودکی تحت تربیت پدر و آشنایی با خطوط جدّش ملّا محمّد، با خوشنویسی آشنا شد و به مشق خط پرداخت. در ۱۳ سالگی پدرش را از دست داد و در مکتب خانه و به تعلیم و تدریس مشغول شد. در نوجوانی به اصفهان رفته و در مدرسه درکوشک و مدّتی در مدرسه میرزا مهدی ساکن شده و نزد علماء عالیقدر اصفهان همچون آقا جمال الدّین خوانساری و شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی و حاج آقا فخر کلباسی، سیّد احمد مقدس، سیّد حسن مدرس هاشمی، ملّاحسینعلی صدیقین، سیّد عبدالحسین طیّب و شیخ محمّد باقر زند کرمانی کسب فیض نمود. همچنین در خط نیز نزد میر محمّد مهدی خلیقی پور مشق خط نمود و در کنار آن به تحصیلات جدیده نیز اهتمام ورزیده دیپلم ادبی را دریافت نمود و به استخدام اداره فرهنگ درآمده و به تدریس در مدارس مشغول شد. پس از تأسیس دانشکده ادبیات اصفهان به تحصیل در رشته ادبیات فارسی پرداخته و به اخذ لیسانس نائل شد. و در دبیرستان های اصفهان به تدریس ادبیات فارسی، تعلیمات دینی، عربی و خوشنویسی پرداخت. او سالها به مشق از روی نمونه خطوط خوش کتابها و کتیبه های ابنیه تاریخی اصفهان پرداخت و پیرامون آنها تحقیق نمود و نمونه خطوط خوش اساتید خوشنویسی را گردآوری نمود. همچنین در تهران نزد استاد زرین خط و استاد کاوه خوشنویسی را تکمیل نمود.

وی از سال ۱۳۴۳ش کلاس های آزاد خوشنویسی را در اصفهان دایر کرد که منجر به تأسیس انجمن خوشنویسان اصفهان شد و سرپرستی آن از سال ۱۳۴۸ش به بعد به عهده او بود. وی در طول عمر با برکت خود صدها کتیبه برای مساجد، اماکن و بقاع متبرّکه در داخل و خارج از کشور از جمله حرم مطهر حسینی علیه السلام، کاظمین و حضرت زینب و حضرت رقیّه (سلام اللّه علیهما) را به زیبایی تمام نوشت. استاد فضائلی در انواع خطوط به ویژه نسخ و ثلث و نستعلیق مهارت بسیار داشت.

در شعر نیز تبحّر داشت و «فضائل» تخلّص می کرد و گاه در برخی از انجمن های ادبی اصفهان همچون انجمن ادبی و هنری سعدی حضور می یافت.

وی سرانجام در دوشنبه ۲ رجب ۱۴۱۸ق (مطابق ۱۲ آبان ۱۳۷۶ش) در اصفهان وفات یافته و در قطعه نام آوران واقع در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد:

تألیفات و آثار زیر از اوست:

۱. «اطلس خط» ۲. «تعلیم خط» ۳. «بوستان خط» ۴. «مردآفرین روزگار» ۵. «اصحاب رس» ۶. «آیه نور» ۷. «شناخت قرآن»

همچنین (قرآن مجید) و کتاب های «گنجینه الاسرار» عمان سامانی و چند اثر دیگر را کتابت نموده اند.

این شعر در مرثیه حضرت سیّد الشهداءعلیه السلام از اوست:

ای دیده خون ببار که وقت عزا رسید

هنگامه مصیبت آل عبا رسید

گر چشم دهر خوشه پروین بِیَفشُرَد

باشد روا که زلزله در ماسوا رسید

در سیل خون تپید جگر گوشه رسول

آه و فغان به چرخ از این ماجرا رسید(۱)

شیخ حبیب اللَّه نائینی

شیخ حبیب اللَّه بن ملّا ابراهیم نیستانکی نائینی، عالم فاضل از علمای قرن چهاردهم هجری. در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله آخوند کاشی به تحصیل پرداخت. سپس در دستگاه خاندان نجفی مسجد شاهی از جمله حاج آقا نوراللَّه نجفی به فعالیّت مشغول شد.

وی در سال ۱۳۴۸ق وفات یافته و در تکیه ملک نزد قبر آخوند کاشی در تخت

۱- تجلی فضائل، اغلب صفحات؛ مجله وقف میراث جاویدان (ویژه نامه اصفهان)، شماره ۱۹ و ۲۰؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوم)، ص۵۹۹؛ کیهان فرهنگی، سال چهارم، شماره ۵، شماره پیاپی ۴۱، مرداد ماه ۱۳۶۶، ص۴۸؛ وفیات

علمای معاصر اصفهان، خطی.

فولاد مدفون شد.(۱)

ملّا حبیب اللّه نصرآبادی

ملّا حبیب اللّه بن محمّـد ابراهیم نصـرآبادی، عالم فاضل محدّث، [ظاهراً از اهالی قریه «نصـرآباد» ماربین اصـفهان است و اینکه شاید از اهالی «نصرآباد» جرقویه یا «نصرآباد» کاشان باشد بسیار ضعیف است و خود نیز به آن تصریح نکرده است.]

وی از شـاگردان ملّـا محمّـد باقر مجلسـی بوده و از او چنـدین اجازه روایتی دریافت نموده است. وی «صـحیفه سجّادیه» را نزد مجلسی خوانده و بر روی نسخه ای از «صحیفه» در ۱۴ رجب ۱۱۰۸ یادداشتی نوشته و بدین مطلب تصریح نموده است.

همچنین در یادداشت دیگری که بر روی نسـخه ای از «قواعـد الاحکام» نوشـته، آمده است که این نسـخه را نزد علّامه مجلسـی خوانـده است. همچنین سلسـله روایتی علّـامه مجلسـی را تـا علّامه حلّی آورده است. تاریـخ این یادداشت ۲۹شعبان ۱۱۰۴ه می باشد.(۲)

میرزا حبیب اللّه نیّر

میرزا حبیب اللّه نیّر ابن حاج شـیخ محمّـد باقر واثق همدانی، فاضل ادیب و شاعر متتبع. در ۲۱ شوال ۱۳۰۸ق در اصفهان متولّد شـده و نزد پدر دانشـمند خود مقدمات علوم را آموخته، سـپس به درس جمعی از بزرگان مانند شـیخ مرتضـی ریزی و آخوند کاشـی حاضـر شده و از محضـر آنان اسـتفاده و اسـتفاضه نموده و در خدمت میرزا عبدالحسین قدسی (دایی خود) خط و ادب آموخت.

۱- کتـاب انساب خانـدان های مردم نائین، ص۱۴۲؛ رجال اصـفهان یا تـذکره القبور، ص۲۰۷؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۲.

۲- زنـدگینامه علّـامه مجلسـی، ج۲، صـص ۲۴ و ۲۵؛ آشـنایی بـا چنـد نسـخه خطی، ج۱، صـص ۱۹۳-۱۹۱؛ تلامـذه العلاّمه المجلسی، صص ۲۱ و ۲۲.

وی طبع روانی در شعر داشته و در انجمن شعرا حضور می یافته و لقب «نیّر الادباء» را دریافت نموده است. او در فنون ادب و ریاضی و شعر و نقدالشّعر و تجوید و خط و دیگر فنون از صاحب نظران بود. او برای رفع نیازمندی های مادّی شغل حسابداری را انتخاب نموده و تا آخر عمر بدان اشتغال داشت.

به عربی و فارسی شعر می گفت و در فن مادّه گوئی مهارت داشت. جهت بیشتر علمای زمان مرثیه و مادّه تاریخ گفته است. سرانجام در ۴ جمادی الثانیه ۱۳۷۹ق وفات یافته و در یکی از اطاق های جنوبی تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.

استاد فضل اللّه اعتمادی متخلص به «برنا» در وفاتش گوید:

رقم زد به تاریخ «برنا» و گفت:

«ز برج وفا نیّر علم رفت»

از آثارش: ۱. «رسوا در خدع میرزا خدا» ردّ بر بهائیان ۲. «رساله کوچکی در اغلاط قرآن های باغچه سرا» به طبع رسیده است.

از اوست:

خواهی به مردم ار بنمائی تو ماه را

یک سو فکن ز چهره دو زلف سیاه را

یک ماه در میان دو شب را به ما نمای

تا جمله بنگریم به یک شب دو ماه را

آب حیات چشمه لعل لبش بود

ای تشنه وصال بکن طی راه را(۱)

سیّد حبیب اللّه شریف واقفی*

سیّد حبیب اللّه بن میرزا جعفر بن میرزا یوسف شریف واقفی نطنزی هنرمند معاصر. در سال ۱۲۸۱ش در روستای افوشته نطنز متولّد شد. پس از خواندن تحصیلات مقدماتی به تهران رفت و در کارگاه زری بافی اداره هنرهای زیبا به فراگیری هنر زری بافی پرداخت. سپس به اصفهان آمد و به عنوان استاد و مدرس هنر زری بافی به تدریس و آموزش در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان مشغول شد. وی سرانجام بر اثر ابتلا به

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۲۵-۵۲۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۱-۳۲۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹.

سرطان مِری در سال ۱۳۴۵ش درگذشت و در تکیه امام جمعه واقع در تخت فولادبه خاک سپرده شد. وی پارچه های زربفت زیبایی را تهیّه کرد و در ترویج هنر زری بافی و تربیت شاگردان هنرمند نقش ممتازی داشت.(۱)

حبیب اللَّه اصفهانی

حبیب اللَّه بن جمال الدّین اصفهانی، [از خوشنویسان قرن دهم هجری است] او در سال ۹۴۷ق کتابت «تاج التّراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم» نوشته عمادالدّین ابوالمظفّر شهفور طاهر بن محمّد اسفراینی را به خط نسخ و نستعلیق نوشته که میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

همچنین در سال ۹۴۸ق کتابت نسخه «اغراض السیّاسه فی اعراض الرّیاسه» تألیف محمّد بن علی بن محمّد بن حسن ظهیر کاتب سمرقندی را به خط نستعلیق نوشته [است]. نسخه اصل در کتابخانه لیدن هلند و میکروفیلم آن به شماره ۳۴۲۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

ملّا حبیب اللَّه اصفهانی

ملّا حبیب اللَّه بن ملّا حسنعلی اصفهانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله علّامه مجلسی به تحصیل پرداخت. علّامه مجلسی در ۱۰ ذیقعده ۱۰۹۵ق در آخر نسخه ای از جلد پنجم «بحارالأنوار» (موجود در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی) و در ماه ربیع الاوّل ۱۰۹۶ق در آخر نسخه ای از جلد ششم «بحارالأنوار» (موجود در کتابخانه میرزا نصراللَّه شبستری در تهران) جهت او

۱- میراث فرهنگی نطنز، ج۲، صص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۲- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ص۲۷.

۳- میراث فرهنگی نطنز، ج۲، ص ۱۴۰.

اجازه نوشته است.(۱)

میرزا حبیب اللَّه صدر

میرزا حبیب اللّه صدر ابن میرزا حسین مفتی بن حسن موسوی عاملی عالم فاضل، از دولتمردان عصر صفوی.

در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصاً شیخ بهائی تلمّذ نموده(۲) و دختر شیخ لطف اللّه میسی را به زوجیّت خود در آورد(۳) او از علمای معروف زمان شاه عباس صفوی و مورد احترام او بود. شاه صفی در سال ۱۰۴۰ق منصب صدارت را به او تفویض نمود.(۴) وی سرانجام در سال ۱۰۵۹ق وفات یافت.

مادّه تاریخ فوت او را «میرزا جعفر قزوینی» چنین سروده است.

طبع بلندم پی تاریخ گفت:

«رفته به معراج حبیب اله(۵)

۱۰۵۹

حبیب اللَّه اصفهانی

حبیب اللَّه بن حسینعلی اصفهانی، ادیب فاضل از فضلاء و ریاضی دانان قرن ۱۴ هجری، مؤلف کتاب «اسهل الحساب تکمیله السّیاق» است که در سال ۱۳۲۸ق در طهران به چاپ رسیده است.(۶)

۱- اجازات الحدیث، صص ۳۳-۳۱؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۲۱؛ فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۷۳؛ تراجم الرّجال، ج۱، ص۱۳۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۵.

۲- فوائد الرضویّه، ج۱، ص۹۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۴۵.

۳- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، ص۱۳.

۴- خلاصه السّیر، صص ۳۷ و ۳۸.

۵- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۷۰۵.

۶- مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج۲، ص۴۸۴؛ فروغستان، ص۲۸۱.

حبیب اللَّه روحی فریدنی*

حبیب اللَّه رمضانی دامنه ای متخلّص به «روحی» فرزند حسینقلی شاعر معاصر در سال ۱۳۲۰ش در روستای «دامنه» از توابع فریدن متولّد شد. در سن یک سالگی بین پدر و مادرش جدائی افتاد و سرپرستی او را مادر دلسوزش بر عهده گرفت. همچنین پدربزرگش ملّا علی سلیمانی دارانی که از علمای موثق و معتمد آن منطقه و از اعقاب شیخ سلیمان دارانی بود او را تحت تربیت خویش قرار داد. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در داران به اتمام رساند. سپس در دانشسرای مقدّماتی اصفهان به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۳۹ش از آنجا فارغ التّحصیل گردیده و در آموزش و پرورش به خدمت پرداخت.

از اوست:

جان فدای کلک نقاش ازل باید نمود

زان همه نقشی که اندر گردش پرگار دارد

جلوه روی تو از آثار صنع کبریاست

کور آن چشمی که شک در صنعت دادار دارد(۱)

میرزا حبیب اللَّه فریبی طهرانی

میرزا حبیب اللَّه بن میرزا رجبعلی طهرانی، شاعر ادیب، متخلّص به «فریبی». از سخنوران قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان متولّد شده و در این شهر به کسب علم و ادب پرداخته است. از معاشران آذر بیگدلی بوده و در سال ۱۱۸۶ق وفات یافته است. مادّه تاریخ فوت او را آذر بدیههً چنین یافته است:

«شد بجنّت المأوا میرزا حبیب اللَّه» ۱۱۸۶

این شعر از اوست:

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، ویرایش دوّم، ص۳۱۵.

یاران با هم چو عیش بنیاد کنید

در صحبت هم خاطر خود شاد کنید

شکرانه عیش و کامرانی گاهی

از حسرت و ناکامی ما یاد کنید(۱)

حبیب اللّه حسینی اصفهانی

حبیب اللّه بن محمّد رضا حسینی طبیب اصفهانی [از فضلاء و دانشوران قرن سیزدهم هجری]در سال ۱۲۷۲ق «شرح شمسیه» قطب الدّین رازی موسوم به «تحریر القواعد المنطقیّه» را کتابت نموده است. کتاب به شماره ۱۳۳۸ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

میرزا حبیب اللّه موسوی اصفهانی

میرزا حبیب اللّه بن سیّد محمّد سعید موسوی اصفهانی، عالم فاضل. از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان به تدریس مشغول بوده و محمّد نبی تویسرکانی مؤلّف کتاب «لئالی الأخبار» در سال ۱۲۷۷ه.ق از او اجازه دریافت نموده است.

(از شاگردانش میرزا هادی بن عبدالکریم دولت آبادی بوده که در نوشته های خود او را به فقاهت و زهد ستوده است).

صاحب عنوان در ۱۲ ذیقعده ۱۲۹۳ق وفات یافته و در تکیه آقا حسین خوانساری مدفون شد.(۳)

۱- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۳۴؛ تذکره نگارستان دارا، صص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ تذکره روز روشن، صص ۶۲۰ و ۶۲۱؛ الذریعه، ج۹، ص ۸۳۰.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۲۵.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰؛ الکرام البرره، ج۱، ص۲۹۳؛ تراجم الرجال، ج۲، ص۷۸۷.

سیّد حبیب اللّه میرلوحی*

سیّد حبیب اللّه میرلوحی فرزند سیّد عبدالحسین، عالم فاضل معاصر، در سال ۱۳۰۷ق در روستای «یزدآباد» لنجان متولّد شد. در اصفهان نزد شیخ عباسعلی ادیب به تحصیل پرداخته و در قم سطوح عالیه را نزد شیخ مرتضی حائری، میرزا علی مشکینی و سیّد محمّد حسین درچه ای فرا گرفت. آنگاه در درس خارج مرحوم حاج آقا حسین بروجردی به مدت ۸سال حاضر شد و کسب فیض نمود. همچنین از درس آیات عظام گلپایگانی و امام خمینی نیز بهره برد و از درس «شرح منظومه» آیت اللّه شیخ حسینعلی منتظری استفاده نمود.

وی عاقبت به زادگاه خود بازگشته و به تبلیغ دین و انجام وظایف شرعی مشغول گردید.(۱)

میرزا حبیب اللّه اصفهانی*

میرزا حبیب اللّه بن عبداللّه اصفهانی، عالم فاضل و مورّخ ادیب، در قرن یازدهم هجری می زیسته و کتابی به نام «توصیف الوزراء» در احوال وزرای شاهان صفوی تألیف نموده است. میرزا عبداللّه افندی در ضمن شرح حال سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان از این کتاب یاد می کند و مطالبی درباره خلیفه سلطان ازکتاب نامبرده نقل می نماید. ظاهراً صاحب عنوان در سال ۱۱۰۶ق وفات یافته است.(۲)

تذکر: به کتاب «توصیف الوزراء» کتاب «تذکره میرزا حبیب اللّه» نیز گفته می شود.

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- ریاض العلماء، ج۲، ص۵۲؛ الرّوضه النّضره، ص۱۳۱؛ الذریعه، ج۴، ص۴۸۹؛ فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان، ج۱، ص۳۱؛ اعیان الشّیعه، ج۲۰، صص ۹۱-۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۱ و ۴۷۲؛ مصفی المقال، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

میرزا حبیب اللّه امین التّجار*

میرزا حبیب اللّه امین التّجار ابن سیّد محمّد علی، از مشاهیر تجار و سیاستمداران عصر مشروطه و پهلوی در اصفهان است. در سال ۱۲۶۳ش متولّد شده و پس از پدر به تجارت پرداخت و از تجار معروف اصفهان شد. او در جریان مبارزات مردم اصفهان به رهبری حاج آقا نوراللّه نجفی علیه استبداد محمّد علی شاه، جزو انجمن سری آزادیخواهان بود. پس از امضاء فرمان مشروطیت، به حمایت مالی از انجمن ولایتی اصفهان پرداخت.

همچنین او از اعضای حزب دموکرات در اصفهان بود. در سال ۱۳۲۴ق هنگامی که علمای اصفهان کالاهای خارجی را تحریم کرده و مردم را به خرید کالاهای وطنی تشویق کردند، او نیز از این اقدام حمایت کرد. در جریان جنگ جهانی اوّل از اعضای مؤثّر کمیته دفاع ملّی بود و در جریان تشکیل دولت موقت ملّی در کرمانشاه و مهاجرت اعضای کمیته دفاع ملّی، قصد پیوستن به آنان را داشت که به دست نیروهای انگلیسی اسیر شده و مدّتی را در زندان سپری کرد.(۱)

وی پس از آن چندین بار از طرف مردم اصفهان به نمایندگی مجلس شورای ملّی انتخاب شد. در زمان سلطنت رضا شاه، او از دوستان تیمور تاش وزیر دربار بود و چون امتیاز انحصار تریاک برای ۳سال به امین التّجار داده شد و شایع شد که تیمور تاش از او رشوه گرفته است، تیمور تاش دستگیر و به زندان افتاد و امین التجار با اینکه نماینده مجلس بود، دستگیر و زندانی شد و پس از تحمّل ۶ماه حبس با عفو رضا شاه آزاد شد.

وی در دوره پانزدهم مجلس نیز نماینده اصفهان بود.(۲)

امین التّجار در ۲۴ ربیع الاوّل ۱۳۶۹ق (مطابق ۲۴ دی ۱۳۲۸ش) وفات یافته و در تکیه خانوادگی امین التّجار در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۸.

۲- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۲۸۷-۲۸۵.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

حبیب اللّه آذری پور

حبیب اللّه آذری پور اصفهانی بن فضل اللّه شاعر ادیب معاصر متخلّص به «آذر» در سال ۱۲۹۸ش در اصفهان متولّد شده و پس از کمی تحصیل به کسب و کار پرداخت و در کفاشی مشغول به کار شد. مجموعه ای از اشعار او با نام «شراره های آذر» در سال ۱۳۳۵ش به چاپ رسیده است.

این شعر از اوست:

مژده ام باد صبا از گل و نسرین می داد

خبر از لعل لب و بوسه شیرین می داد

آسمان فخر نمود و به زمین مژده بداد

که نگارم به سر گیسوی خود چین می داد(۱)

سیّد حبیب اللّه امامی*

سیّد حبیب اللّه بن آقا سیّد محمّد درب امامی اصفهانی، از فضلاء و خوشنویسان اوایل قرن چهاردهم هجری است. وی خط نستعلیق را زیبا می نوشت.(۲)

میرزا حبیب اللّه روضاتی

میرزا حبیب اللّه بن میرزا هدایت اللّه بن آقا میرزا محمّد باقر موسوی چهارسوقی (صاحب روضات الجنّات).

عالم فاضل و واعظ کامل، در اصفهان متولّد شده و نزد شیخ علی مدرّس یزدی، سیّد محمود کلیشادی، سیّد مهدی درچه ای، سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و حاج آقا منیرالدّین بروجردی به تحصیل پرداخت.

وی امام جماعت مسجد خیابان خوش [خیابان طالقانی فعلی] و مسجد ستّاری

۱- تذکره شعرای معاصرا صفهان، ص۸.

۲- یادواره آیت اللّه فقیه امامی، ص۳۳.

اصفهان بود و مراسم دعای کمیل را در تکیه کازرونی برگزار می نمود. جلسات دعا و موعظه ایشان مورد توجّه و اعتقاد مؤمنین بود. مواعظ منبری او نیز که عموماً پس از اداء نماز انجام می گرفت نیز از هر حیث قابل اهمیّت بود.

وی سرانجام در [روز ۱۶ ربیع الاوّل] سال ۱۳۷۹ق وفات یافته و در بقعه تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

استاد فضل اللّه اعتمادی متخلص به «برنا» در وفاتش گوید:

سال فوتش رقم بزد «برنا»:

شد حبیب خدا ز دنیا رفت

شیخ حبیب اللَّه دولت آبادی

شیخ حبیب اللَّه دولت آبادی، عالم فاضل معاصر از اهالی «دولت آباد» برخوار اصفهان است. در اصفهان نزد آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و آخوند ملّا حسین فشارکی و دیگران تحصیل کرده و سپس به تدریس «شرایع» و «معالم» و سایر کتب فقهی مشغول شده است.

عالمی متّقی، با ورع، متین و مؤدب بوده است.(۲)

ملّا حبیب اللَّه رئیس الواعظین

حاج ملّا حبیب اللَّه رئیس الواعظین، عالم فاضل و واعظ کامل، سالها در اصفهان مردم را موعظه و ارشاد نموده است.

او در اصفهان نزد جمعی از علمای اعلام همچون میرزا محمّد حسن نجفی، حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی نجفی، آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی صاحب روضات الجنات و دیگران تحصیل نموده است. سرانجام در سال ۱۳۳۱ق وفات یافته و در تکیه

۱- مناهج المعارف: مقدمه؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۴۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۳.

۲- یاداشت های آقای رحیم قاسمی.

خوانساریها در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

حبیب اللّه ساوجی*

حبیب اللّه ساوجی، نقاش هنرمند اوایل قرن یازدهم هجری وی مدّتی در قم ساکن بود. هنگامی که حسین خان شاملو حاکم قم مأمور هرات شد، او را همراه خود به هرات برد. او در هرات به تکمیل نقاشی پرداخت و از آثار هنرمندان مکتب هرات برخوردار شد و بهره گرفت. هنگامی که شاه عباس اوّل آوازه او را شنید او را از حسین خان شاملو طلبید و به اصفهان آورده و جزو هنرمندان دربار خود قرار داد. سالها در اصفهان ساکن بود و تاریخ فوت او به دست نیامد.(۲)

شیخ حبیب اللّه شاهنده*

شیخ حبیب اللّه شاهنده نکوآبادی لنجانی، عالم فاضل، در اصفهان نزد اساتیدی چون شیخ محمود مفید، سید محمّد رضا خراسانی، سید حسین خادمی و میر سیّد علی موسوی بهبهانی تحصیل نموده و با شیخ عبداللّه ادیب لنجانی هم بحث بود.

وی در غره شوال سال ۱۳۹۵ق وفات یافته و در تکیه ملك در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

ملّا حبیب اللّه عباس آبادی

مولی حبیب اللّه ساکن عباس آباد اصفهان. عالم فاضل حکیم عارف. در عقلیّات مشهور زمان بود. نتایج افکار حکماء را با معارف اصحاب شهود تطبیق نموده و به مشرب و مسلك صوفیّه انس داشت. در اصفهان به جوار رحمت الهی رسید. [با شیخ

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۴۷۰.

۲- گلستان هنر، ص۱۵۱؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۰۳.

۳- جلوه افلاکیان، مخطوط.

محمّد علی حزین لاهیجی مؤانست و معاشرت داشته و در اواسط قرن دوازدهم هجری وفات یافته است.]

این بیت از اوست:

ما را از خداوندی لطف تو همین بس

کز بندگی همچو منی عار نداری(۱)

میرزا حبیب اللّه مشیرالملک

میرزا حبیب اللّه انصاری ملقّب به «مشیرالملک» وزیر با کفایت و لایق ظل السّلطان که با مهارت و کفایت امور ایالت تحت حکومت ظل السّلطان را رتق و فتق می کرد.

[ظل السّلطان چندی بعد از نفوذ و قدرت گرفتن او بیمناک شده و در اموال و املاک او طمع کرد. مشیرالملک هم راه استقلال پیموده و در ماجرای تحریم تنباکو جانب علمای مخالف قرارداد رژی را گرفت. عاقبت ظل السّلطان او را در سال ۱۳۰۹ق برکنار کرده و با قهوه قجری مسموم به زندگی او پایان داد.(۲)]

حبیب اللّه مشیرالملک کتاب «بحر الجواهر فی علم الدّفاتر» تألیف: میرزا عبدالوهاب شهشهانی را به خط نستعلیق کتابت کرده و فرزندش وثیق الملک بر آن حاشیه نوشته است. این کتاب به شماره ۴۰۶۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

میرزا حبیب اللّه نیشابوری*

میرزا حبیب اللّه نیشابوری، شاعر و ادیب قرن دهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و به او «حَبّی» می گفته اند.

این بیت از اوست:

۱- تذکره المعاصرین،صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ تذکره شمع انجمن، ص۱۹۸؛ الکواکب المنتشره، ص۱۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۴۷۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۳۶.

۲- تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل السّلطان، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۶۳.

زان کمان ابرو مرا تیری که آید بر جگر

زخم او چشمی بود پر خون پی تیری دگر(۱)

فایده: در لهجه اصفهانی برای نامهای کوچک و گاه به منظور تصغیر به آخر نامهای کوچک یاء (ی) اضافه می کنند. مثلاً به حسن می گویند «حسنی» و در این لهجه «حبیب اللّه»، «حب الّاه» و «حبیب» «حبّی» تلفظ می شود و البتّه بیشتر در میان عوام الناس رواج دارد. برخی «جنّی» تحریف کرده و شاعری جدید و جعلی ساخته اند که همان حبیب اللّه نیشابوری است.

حبیب اللّه یزدخواستی*

مرشد حبیب اللّه یزدخواستی، از آخرین قصه گویان و شاهنامه خوانان اصفهان است. او بیانی رسا و حافظه ای قوی و ذوقی سرشار در بیان داستانهای اسطوره ای ایران همچون داستانهای شاهنامه و گرشاسب نامه داشته و مجالس نقالی و شاهنامه خوانی او در قهوه خانه های اصفهان به ویژه قهوه خانه های تقی قوری، سیّد زین العابدین و عباس آقا مورد استقبال مردم قرار گرفته است.

او در سال ۱۳۰۰ش در محله یزدآباد اصفهان متولّد شده و در ۲۴ دی ماه ۱۳۷۲ش بدرود حیات گفت و در قطعه نام آورانِ قبرستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

حَجّاج هَمْدانی

ابو محمّد حجّاج بن یوسف بن قتیبه بن مسلم هَمْدانی معروف به «ابومحمّد ازرق» از محدّثین قرن سوم هجری است. وی به معلمی اطفال مشغول بوده و در مکتب او بیش از یکصد کودک حاضر بوده اند. آثار کسائی و احادیث نعمان و بشر بن حسین، ابوهانی و زُفر بن اَبی زُفَر را روایت کرده است.(۲)

۱- تذکره روز روشن، ص۱۹۴؛ تذکره تخفه سامی، ص ۲۸۱.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص ۳۰۱.

حسین بن محمّد بن عضیره انصاری و ابو یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم بن بهرام زنجانی در سال ۲۹۶ق از او حدیث شنیده اند.(۱)

[حافظ ابونعیم اصفهانی می نویسد که در سال ۲۶۰ق در سن ۱۲۰سالگی فوت شده است ولی در احقاق الحق می نویسد: ابویعقوب زنجانی در سال ۲۹۶ق از او حدیثی شنیده است. لذا در باب تاریخ وفات او باید بیشتر تحقیق شود.]

حجت اصفهانی

حجت اصفهانی، از سخنوران و ادبای اصفهان است.

این بیت از اوست:

روی دنیا را ز نیاز ماست سرخ

ورنه زشت و خشک و زرد و لاغر است(۲)

حدیثی اصفهانی*

از شعرای اصفهان است و بیش از این چیزی از زندگی او معلوم نیست. این رباعی از اوست:

شوخی که ز جور چشم مستش

هر گوشه چو من هزار کشته هستش

ترسم که به حشر نیز دادم ندهند

هرچند که فریاد کنم از دستش(۳)

حرب خزاعی

ابونصر حرب بن محمّد بن طاهر بن عبداللّه بن محمّد بن طاهر بن حرب بن محمّد بن طاهر خزاعی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری و از خاندان علم

۱- احقاق الحق، ج۱۴، صص ۲۲۴ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۵۴۰.

۲- تذکره روز روشن، ص۱۹۶؛ الذریعه، ج۹، ص۲۳۳.

۳- تذکره شمع انجمن، ص۱۹۸.

و حدیث است.

از ابوالفضل مطهر بن عبدالواحد خزاعی، ابوالفوارس طراد بن محمّد زینبی، ابونصر محمّد بن علی بن احمد سکری، ابوالمظفر سمعانی و دیگران حدیث شنیده و از ابوالبرکات احمد بن عبداللّه بن طاووس بغدادی و ابو روح یاسین بن سهل بن محمّد بن حسن قاینی صوفی اجازه داشته است.

در سال ۴۷۰ و اندی متولّد و بعد از سال ۵۳۱ق وفات یافته است. ابوسعد سمعانی از او حدیث نوشته است.(۱)

حَزَوَّر اصفهانی

ابوغالب حَزَوَّر اصفهانی معروف به «صاحب المِحْجَن»، از محدّثین اصفهان در قرن دوم هجری است. از انس بن مالک و اَبی اُمامِه باهلی روایت می کند. و قریش بن حَیّان، مُبارک بن فَضاله، داود بن حَسّانی و حسین بن واقد از او نقل حدیث کرده اند.(۲)

حسام مصطفوی اردستانی

حسام مصطفوی اردستانی فرزند دکتر قوام مصطفوی در حدود سال ۱۲۹۸ش در اصفهان متولّد شد و در این شهر تحصیل کرد.(۳) [مردی ادیب و فاضل و شاعر بود و به تاریخ سیاسی و ادبی ایران احاطه کامل داشت. در نقاشی، کاریکاتور، نقاشی و خوشنویسی تا حدّ استادی ماهر بود. در برخی از مطبوعات طهران مقالاتی را به چاپ رساند.

وی در ۱۳ خرداد ۱۳۷۶ش در محلّه «کبودان» اردستان بر اثر لغزش پا در جوی آب افتاد و درگذشت و در بقعه میرزا مصطفی کمپانی در محلّه محال به خاک سپرده شد.(۴)]

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۱۵۸.

۴- اردستان نامه، ج ۱، ص ۵۱۰.

از آثار او این کتابها به طبع رسیده است.

۱. «منتخب اشعار» که در ۱۳۱۹ش چاپ شده است. ۲. «رومئو و ژولیت» به نظم.

از اوست:

بس قهقهه کبک در این دشت و دمن

آید که در اینجا نه تو باشی و نه من

امروز که سر سبز بود باغ و چمن

دریاب که تا ابد نماند گلشن

حسام الدّین دولت آبادی

حسام الدّین بن عبدالحسین بن حاج میرزا مهدی بن حاج میرزا هادی دولت آبادی، شاعر و ادیب فاضل، در ربیع الاوّل ۱۳۲۱ق در اصفهان و مدّتی رئیس دبیرستان صارمیّه را بر عهده داشت و در هر مورد شایستگی و کفایت خود را نشان داد. او در دوره چهاردهم و هیجدهم مجلس شورای ملّی به عنوان نماینده اصفهان در مجلس حضور داشت. چندی نیز شهردار تهران بود. او مردی خلیق و مهربان و ادیب و خوش بیان بود و سرانجام در سال ۱۳۶۴ش در تهران وفات یافت. در شعر مهارتی به سزا داشت و «حسام» تخلّص می کرد.

از اوست:

از من صبا به آن مه نامهربان بگو

کاشفته تر ز زلف تو شد روزگار من(۱)

حسام الدّین سراج*

حسام الدّین سراج، موسیقی دان و خواننده هنرمند معاصر در سال ۱۳۳۷ش در اصفهان متولّد شد. پدرش با اساتید موسیقی اصفهان: استاد کسائی، استاد تاج و استاد شهناز حشر و نشر داشت و او به موسیقی علاقمند شد و از ۱۸ سالگی به فعالیت پرداخت. سنتور را از سال ۱۳۵۴ نزد سیروس ساغری در اصفهان فرا گرفت. سپس در تهران ردیف های موسیقی را از محمود کریمی آموخت و از استاد پایور، استاد شفیعیان و

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۲، ص۱۱۲۷؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵۸ و ۱۵۹.

آقای کامکار نیز بهره برد و همچنین از استاد محمّد رضا شجریان تعلیم دید و از سال ۱۳۶۰ش به صورت رسمی به خوانندگی پرداخت. او در کنار آموختن موسیقی در رشته معماری و شهرسازی در دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملّی سابق) به تحصیل پرداخت و فوق لیسانس دریافت کرد. پایان نامه او «تناسب ملکوتی» در هندسه آفرینش نام دارد. آواز خوش، معلومات فراوان در ادبیات و موسیقی و تواضع و اخلاق نیکو از ویژگی های آقای سراج به شمار می رود.(۱)

حسام الدّین اصفهانی

حسام الدّین بن عزّالدّین بن عبداللّه از فضلای قرن دهم هجری، ساکن نجف اشرف، در شب شنبه عید قربان ۹۹۴ق در دارالملک اصفهان کتاب «ایضاح الإشتباه» علّامه حلّی را به خط نسخ نوشته و با نسخه شیخ حسین عاملی پدر شیخ بهائی مقابله نموده، کتاب ضمن مجموعه ۵۸۰ در کتابخانه فیضیه قم موجود است.(۲)

حسبی اصفهانی

مولانا حسبی اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن دهم هجری است. از جمله نوادر دوران و اعجوبه زمان بود و در انشاء از زبان وحوش و طیور چیزهای عجیب و غریب نوشته و در شعر نیز طبعش به هزل مایل بوده و شعر جدّی را نیز خوب می گفته است.

از اوست:

هوس مِی است و نَقلَم زِ دو لعل فتنه جوئی

چه بلا خیال خامی، چه کشنده آرزوئی(۳)

۱- برگی از باغ، ص۱۷۵؛ هفته نامه روزان، شماره ۳۲، بهمن ۱۳۷۷، ص۴.

۲- فهرست فیضیه، ج۳، ص۱۴.

۳- تذکره تحفه سامی، ص۲۷۵.

حسن خان*

حسن خان، از خطاطان اواخر دوره قاجاریه بوده و به خط نستعلیق کتابت می کرده است، وی در سال ۱۳۰۴ق اشعاری را به خط خود نوشته که بر کاشی های مسجد رحیم خان اصفهان نقش شده است.(۱)

شیخ حسن اصفهانی*

حاج شیخ حسن اصفهانی، عالم کامل، از علمای اصفهان در قرن سوم هجری. در فقه و اصول مهارتی به سزا داشته و از مجتهدین عصر خود بود. چندگاهی در مسجد حکیم اصفهان اقامه جماعت می نمود. سپس به طهران رفته و منصب امام جمعه آنجا را برعهده گرفت. وی در زمان فتحعلی شاه (قبل از سال ۱۲۵۰ق) وفات یافت. در «جنه الاخبار» تألیف محمّدحسن لنجانی از او یاد شده است.(۲)

ملّا محمّد حسن اصفهانی

ملّا محمّد حسن اصفهانی، ادیب عارف، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری است. وی کتاب «انشاء الصلوات» را تألیف نموده است و در سال ۱۲۷۵ق به طبع رسیده است. در ظهر کتاب در باب مؤلف آمده است.

«العارف الممتحن امین الحق معین الاسلام ملّا محمّد حسن مقیم اصفهان»(۳)

محمّد حسن اصفهانی

محمّد حسن اصفهانی [خوشنویس هنرمند و کاتب ماهر قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۴۳ق «قرآن مجید» را به خط نسخ نوشته و به شماره ۵ در کتابخانه چهلستون

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۷۹۸.

۲- میراث اسلامی ایران، ج۳، ص۷۲۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۷ و ۴۷۸؛ الذریعه، ج۲، ص۳۹۲.

مسجد جامع [در تهران] موجود است. همین نویسنده «سوره حشر» و «سوره فتح» [را نوشته]و به شماره ۱۱ در همین کتابخانه موجود است.(۱)

محمّد حسن اصفهانی*

محمّد حسن اصفهانی، از خوشنویسان ثلث و نسخ در اوایل قرن دوازدهم هجری است. قرآنی به خط او در کتابخانه سلطنتی ایران موجود است که تاریخ کتابتش ۱۱۱۱ق است و خواص سور آن را به خط شکسته بسیار خوب، میرزا عبدالوهاب موسوی اصفهانی نوشته است.(۲)

محمّد حسن اصفهانی

محمّد حسن اصفهانی از خوشنویسان اوایل قرن چهاردهم هجری، در سال های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ق کتاب «منهاج المستخیر» تألیف: سلطان القُرّاء محمّد حسین بن کاظم علوی حسنی حسینی حافظ تبریزی را به خطّ نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۵۱۹۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

محمّد حسن اصفهانی*

محمّد حسن اصفهانی، از خوشنویسان خط نسخ در دوره قاجاریه است. وی نسخه ای از قرآن مجید را به خط نسخ خوش در سال ۱۲۶۰ق کتابت نموده که در کتابخانه سلطنتی سابق موجود است.(۴)

۱- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، صص ۳۰۷ و ۳۰۸.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۱۲.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران ج۱۵، ص۴۱۴۷.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۵۸.

پیر حسن اصفهانی

پیر حسن اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن یازدهم هجری. شاعری خوش طبع و بذله گو بوده و لطیفه های بسیاری از او در آن روزگار میان مردم مشهور بوده است. برادرش حاج عبداللّه عطار، در امامزاده اسماعیل عطاری می کرده و در داروشناسی کم نظیر بوده است.

مثنوی خروسیه از منظومه های مشهور پیر حسن است. وی قبل از سال ۱۰۸۳ق وفات یافت.(۱)

سیّد حسن اصفهانی

سیّد حسن اصفهانی از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۸۷ق نسخه ای از «حیات القلوب» علّامه مجلسی را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه در کتابخانه جامع گوهرشاد به شماره ۲۵۱ موجود است.(۲)

میرزا حسن اصفهانی*

میرزا حسن اصفهانی از خطاطان دوره قاجاریه است. نستعلیق و شکسته را خوش می نوشته است و قطعاتی به خط خوش او در کتابخانه ها و مجموعه های شخصی موجود است.(۳)

او شاید همان میرزا حسن شکسته نویس فرزند میرزا حسین مشرف اصفهانی باشد که در صفحات بعد به او اشاره کرده ایم.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ الذریعه، ج۹، ص ۲۴۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۸.

۲- فهرست گوهرشاد، ص ۱۱۰.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۲۶۱.

شیخ حسن بروجنی

شیخ حسن بروجنی، عالم جلیل و رجالی خبیر، از علمای قرن سیزدهم هجری است. وی کتابی در علم رجال تألیف نموده که نشانه عمق دقّت و فهم و تحقیق او در این علم است. این اثر «تعلیقه بر مشیخه من لایحضره الفقیه» است و در سال ۱۲۵۷ق از نوشتن آن فراغت یافته است. این کتاب به شماره ۱۸۷۴ در مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.(۱)

سیّد محمّدحسن هاشمی طالخونچه ای*

سیّد محمّدحسن طالخونچه ای فرزند آقا سیّد ابراهیم موسوی از فرزندان میر ابوالفتح شهرکی است. از علمای قرن چهاردهم هجری بوده و در اصفهان نزد میرزا ابوالمعالی کلباسی، سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی و جهانگیرخان قشقائی تحصیل نمود. سپس برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفته و از محضر آیات عظام آخوند خراسانی و سیّد محمّدکاظم طباطبائی یزدی بهره گرفت. او در آنجا از معاشران و دوستان شیخ مرتضی طالقانی بود و همراه او به تهذیب نفس اشتغال داشت.

دو فرزندش، سیّد علی اکبر هاشمی و سیّد اسماعیل هاشمی از علمای وارسته معاصر اصفهان به شمار رفته اند.(۲)

دکتر حسن انواری

دکتر حسن انواری بن ابراهیم بن شیخ عبدالکریم سودائی دستگردی، از اساتید دانشکده پزشکی اصفهان، در سال ۱۲۹۵ش متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه، در دانشکده پزشکی تهران ادامه تحصیل داد و در رشته پزشکی به درجه دکترا نائل شد. سپس در مراکز درمانی اصفهان از جمله بیمارستان کارگران اصفهان (بیمه های

۱- الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۰۹؛ الکرام البرره، ج ۱، ص ۲۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۷۲.

۲- شرح مجموعه گل، ص ۴۰۰.

اجتماعی) و بیمارستان امین به خدمت پرداخت.

وی در کنار فعالیت های پزشکی، در آموزشگاه عالی بهداری اصفهان و سپس در دانشکده پزشکی اصفهان رشته درمان شناسی را تدریس نمود و موفّق به نائل شدن به درجه استادی دانشگاه شد. چندین سال نیز سمت های مختلف اداری را در دانشکده پزشکی و دانشکده داروسازی بر عهده داشت.

تألیفات وی عبارتند از:

۱. «دستور درمان یا اصول تداوی» ۲. «درمان شناسی» ۳. «داروشناسی» ۴. «مقالاتی در مجله دانشکده پزشکی اصفهان» ۵. «راهنمای دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان»

محمّد حسن شیروانی گزی

حاج محمّد حسن بن محمّد ابراهیم بن محمّد علی بیک شیروانی گزی اصفهانی، عالم فاضل محقّق.

در قریه جز [گز] بُرخوار متولّد شده و پس از تحصیل نزد علماء اصفهان به نجف اشرف مشرّف گردیده و نزد علمای اعلام آنجا از جمله شیخ مرتضی انصاری تلمّذ نموده، سپس به اصفهان آمد و در مدرسه صدر بازار به تدریس فقه و اصول پرداخت.

وی در اصفهان معزّز و محترم و نزد علماء مقبول القول و مورد احترام خاص و عام بوده است.

سرانجام در شب دوشنبه ۲۶ رمضان المبارک ۱۳۲۶ق در اصفهان وفات یافته، در تکیه گزی ها در تخت فولاد مدفون گردید و جنازه پس از چند سال به نجف اشرف نقل گردیده و مدفون شد.

اعقاب ایشان با نام خانوادگی شیروانی در اصفهان ساکن و عموماً اهل فضل و دانش بوده اند. در محلّه پاقلعه کوچه ای به نام کوچه شیروانی ها احتمالاً به همین خاندان و اجداد صاحب عنوان است.

از آثار او مجمع الرسائل است که عدّه ای از مجتهدین از جمله سیّد اسماعیل صدر، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، شیخ محمّد تقی آقانجفی، حاج آقا حسین بروجردی، آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّد کاظم یزدی بر آن حاشیه فتوائیه مرقوم نموده اند و در سال ۱۳۲۷ق چاپ سنگی شده است.(۱)

[درویش عباس گزی از شعرای معروف گز و بُرخوار به لهجه گزی شعری درباره بازگشت او از مکه معظمه و عتبات عالیات به اصفهان سروده است.]

حسن بطحائی

حسن بن ابراهیم بن محمّد بطحائی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام، از امامزادگان عالیقدر به همراه پدر به اصفهان آمده و پس از وفات جنب مسجد سعید بن جبیر [که اکنون به امامزاده درب امام معروف است] مدفون گردید.(۲)

سیّد حسن موسوی اصفهانی

سیّد حسن بن ابراهیم بن محمّد مؤمن بن علیرضا موسوی اصفهانی، از علماء شیخیه در اواخر دوره قاجاریه در اصفهان. وی در حدود سال ۱۲۶۳ق متولّد شده و در صبح دوشنبه ۲۸ صفر سال ۱۳۴۱ق وفات یافته و در امامزاده اسماعیل مدفون و سپس به کربلا نقل و در آن ارض اقدس مدفون شد.

او تألیفات زیادی دارد، در حدود هفتاد مجلد که از آن جمله است:

۱. «تحفه اللّبیب» که به طبع رسیده و اسامی تألیفاتش در آن مذکوراست. ۲. «مجالس العزا» مطبوع [۳. «فضل سادات و آقازادگان بر همه عالمیان» ۴. «فوائد

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۷۹ و ۱۸۰؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه شخصی سیّد ناصر میبدی، ج۱، ص۸۴؛ فرهنگ و تاریخ گز بُرخوار، صص ۱۱۶-۱۱۲؛ الذریعه، ج۲۰، صص ۲۹ و ۳۰.

۲- مزارات اصفهان، ص۲۰۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۳۸۷.

شهادت و غیبت و بداء» ۵. «کیفیّت خلقت» مطبوع ۶. «معاد و رکن رابع» ۷. «توضیح الصّواب» در دفاع از عقائد شیخیه و ردّ اعتراض مخالفین که به فارسی در ۱۵ جمادی الاولی ۱۲۹۷ق در اصفهان نوشته شده و به شماره ۳۷/۷ در کتابخانه مرحوم سیّد ضیاءالدّین علّامه در اصفهان موجود است.(۱)]

محمّدحسن سکوت علی شاه دهکردی

محمّدحسن دهکردی معروف به «آقازاده» فرزند آخوند ملّا محمّدابراهیم دهکردی، از عرفای اواخر دوره قاجاریه است به لقب «سکوت علی شاه» ملقّب بوده و چندی نزد حاج ملّا هادی سبزواری تلمُّذ نموده است. وی در سال ۱۳۲۲ق وفات یافته و در دهکرد [شهرکرد کنونی] مدفون شد. او پدر عالم فاضل یوسف آل ابراهیم است.(۲)

سیّدحسن موسوی اصفهانی*

حاج سیّد حسن بن سیّد اسماعیل موسوی سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل جلیل، از علمای معاصر. در سال ۱۳۵۲ق در قریه «آدریان» از توابع سِدِه (خمینی شهر کنونی) متولّد شد. مقدمات را نزد پدر آموخت و سطح را نزد سیّد مصطفی مهدوی و جمال الدین خوانساری فرا گرفت. سپس به قم رفته پس از مدتی به کربلا رفت و نزد حضرات آیات سیّد محمّد شیرازی، شیخ محمّد حسین مازندرانی، شیخ محمّد شاهرودی و سیّد اسداللّٰه صدر هاشمی سطوح عالیه را خواند. سپس در درس حضرات آیات شیخ کاظم تبریزی، سیّد مرتضی خلخالی، سیّد علی اشکوری، میرزا علی فلسفی، شیخ صدرا بادکوبه، سیّد علی سیستانی، مسلم ملکوتی و سیّد هاشم حسنی طهرانی شرکت کرد. آنگاه از در درس آیات عظام حاضر در نجف امام خمینی و سیّد ابوالقاسم خوئی بهره برد. در سال ۱۳۹۱ق به

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۶۵۱؛ الذریعه، ج۱۶، صص ۲۶۷ و ۳۴۴ و ج۱۸، ص۱۹۲ و ج۲۱، ص۱۷۵؛ فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص ۱۲۰.

۲- تاریخ چهارمحال (اوژن)، صص۷۷-۷۶.

دستور رژیم بعثی حاکم بر عراق، از عراق اخراج شده و به ایران بازگشت و در زادگاه خود به تدریس مشغول شد و مدرسه باقرالعلوم را تأسیس کرد. وی سرانجام در ۷ محرم ۱۴۲۸ق مصادف با ۷ بهمن ۱۳۸۵ش وفات یافته و در مدرسه باقرالعلوم مدفون شد.

کتابهای زیر از اوست:

۱. «ثقات الرّواه» در سه جلد به چاپ رسیده است. ۲. «الامامه و الرّوایه» ۳. «تقریرات فقهی و اصولی در آیت اللّه خوئی»(۱)

نواب محمّد حسن میرزا

نواب محمّد حسن میرزا بن میرزا ابراهیم صدر و متولی خراسان. از اعیان فضلا و اشراف بوده و از نوادگان دختری شاه سلطان حسین صفوی است. در ۱۵ رمضان المبارک ۱۲۳۳ق وفات یافته، نزدیک قبر ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[در اطراف قبر او جمعی از سادات خلیفه سلطانی جرقویه که از خویشاوندان او بوده اند مدفون هستند.]

حسن کرانی مجتهد

حسن بن ابراهیم کرانی مجتهد از محدّثین و فقهای قرن پنجم هجری است. اصلاً از اهالی محلّه «کران» اصفهان بوده و در سال ۴۸۰ق فوت نموده است.(۳)

۱- گنجینه دانشمندان، ج۹، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ مجلّه آیینه پژوهش، سال هیجدهم، شماره ۱۰۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۵.

۳- تاریخ نیشابور، ص۲۷۸.

میرزا محمّد حسن مفتون قمشه ای*

میرزا محمّد حسن مفتون بن سیّد ابراهیم حسینی خلیفه سلطانی قمشه ای، عارف سالک و شاعر ادیب اواخر دوره قاجاریه.

وی در حدود سال ۱۲۶۲ق در قمشه [شهرضای کنونی] متولّد شد. پس از تحصیل علم و ادب به تهران رفته و به حلقه مریدان صفی علی شاه پیوسته دست ارادت بدو داده و به لقب «هدایت علی» ملقب شده و جهت ارشاد درویشان ناحیه قمشه به زادگاه خود بازگشت. سفری نیز به هندوستان رفته و درویشان به او ابراز ارادت نمودند. عاقبت در قمشه ساکن شد و در خانقاه به دستگیری فقرای نعمت الهی صفی علی شاه مشغول شده و به «سید المشایخ» مشهور گشت.(۱)

مفتون قمشه ای در ۱۶ شوال سال ۱۳۲۴ق وفات یافته و در صحن امامزاده شاهرضای قمشه به خاک سپرده شد. تاراج قمشه ای یکی از مریدانش مرثیه ای گفته که مادّه تاریخ آن این بیت است:

دم ممات هدایت، صفی به او فرمود

«بیا بیا بجنان پیش شاه درویشان»(۲)

او «مثنوی معنوی» را شرح کرده و به ظهیرالدّوله اهدا کرده است. دیوان اشعار او شامل ۱۵۵ غزل و چندین قطعه و قصیده و رباعی در سال ۱۳۸۳ش به چاپ رسیده است.

علاوه بر عرفان، در شعر و ادب نیز دستی داشته و در جوانی به مطالعه و کتابت دواوین شعراء می پرداخته است. او در سال ۱۲۹۰ق دیوان فروغی بسطامی را در قمشه کتابت نموده است که به شماره ۲۵۴۴/ در کتابخانه میرزا محمّد کاظمینی در یزد موجود است.(۳)

۱- دیوان مفتون: مقدمه.

۲- یاداشت های آقای رحیم قاسمی.

۳- فهرست کاظمینی، ج۲، صص۲۲۷.

میرزا حسن عراقی

میرزا حسن بن میرزا ابراهیم عراقی سلطان آبادی عالم فاضل و فقیه مجتهد.

[پدرش در مسجد نو بازار به محرّری مشغول بود] خودش در اصفهان نزد جمعی از فضلاء از جمله میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) [میرزا محمّد حسن نجفی]و دیگران به کسب فیض پرداخته و سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و نزد میرزا حبیب اللّه رشتی و سایر مجتهدین و علمای اعلام آنجا به تکمیل تحصیلات خود پرداخته [و از میرزا حبیب اللّه رشتی، سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی، آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی و آخوند ملّا لطف اللّه مازندرانی اجازه دریافت نمود.]

وی در مسجد ذوالفقار اقامه جماعت می نموده و در مدرسه صدر بازار به تدریس خارج فقه و اصول می پرداخته و جمعی از فضلاء از محضر او مستفیض می شدند. [پس از آنکه میرزا هاشم امام جمعه مسجدی را در اختیار کسبه قرار داده بود و آنان آنجا را به انبار تبدیل کرده و از مسجد بودن ساقط نموده بودند، وی با همت جمعی از مؤمنین محلّه جماله در حوالی مسجد جامع عتیق اصفهان، به آنجا رفته و مسجد را از غصب خارج ساخته و شروع به تجدید بنای آن نمودند و آن مسجد را مسجد سلام نامیدند.]

آن عالم ربّانی، در نهی از منکر کوشا و غیور و در رفع ظلم و مظلومین همتی والا داشته و در زهد و تقوا و تزکیه نفس در بین اقران ممتاز بوده است.

وی سرانجام در سال ۱۳۲۳ق وفات یافته و در تکیه شهشهانی واقع در تخت فولاد مدفون شد.[سیّد احمد صفائی خوانساری از شاگردان اوست.(۱)]

سیّد حسن مقدّس

سیّد حسن مقدّس ابن سیّد ابراهیم حسینی عالم فاضل جلیل، از علمای قرن سیزدهم هجری. پدرش از ساوه به اصفهان آمده و به همّت حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی منزلی در محلّه قبله دعا تهیه نموده و سکونت نمود. سیّد حسن نزد سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام و فرزند او سیّد اسداللّه بیدآبادی و سیّد محمّد شهشهانی به تحصیل پرداخت. تولدّش در حدود ۱۲۳۰ق و وفاتش در سال ۱۲۵۹ق روی داد و پس از فوت جنب قبر پدرش در قبرستان قبله دعا مدفون شد. گویند زهد او از علمش افزون بوده است.(۲)

شیخ محمّد حسن یزدی

شیخ محمّد حسن بن محمّد ابراهیم یزدی اصفهانی، فاضل جلیل و ادیب خطیب، از فضلاء قرن سیزدهم هجری. وی در حدود سا ۱۲۷۵ق تقریظی بر کتاب «دمعه السّاکبه» تألیف: ملّا محمّد باقر دهدشتی نوشته است. همچنین او مؤلف کتابی است در

تاریخ غزوات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام [که «سیف الواعظین و الذّاکرین» نام داشته و در ۱۰ جمادی الثّانی سال ۱۲۸۸ق کتابت شده و در کتابخانه مدرسه امام بروجردی در نجف اشرف موجود بوده است. این کتاب در سال های اخیر به چاپ رسیده است. همچنین وی کتاب «الأربعین لزاد یوم الدّین» را به فارسی به خواهش آقا محمّد باقر بن محمّد علی هزار جریبی مازندرانی تألیف نموده که به شماره ۲۹۳۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.]

صاحب عنوان در ۱۷ محرّم الحرام ۱۲۸۶ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه حاج محمّد جعفر آباده ای در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

میرزا محمّد حسن [تفضّلی] بروجردی

میرزا محمّد حسن [تفضّلی] ابن میرزا ابوتراب بروجردی، عالم فاضل. در اصفهان نزد میرزا ابوالحسن بروجردی و شیخ احمد مجتهد بیدآبادی تحصیل نموده است.(۴) وی امام جماعت مسجد کوچه سرتیپ در اصفهان بوده و سرانجام در سال ۱۳۶۸ق وفات یافته و در بقعه تکیه میرزا ابوالحسن بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید.

وی مؤلف رساله مختصری در اصول دین به فارسی است.(۵)

سیّد حسن خادمی

سیّد حسن خادمی ابن سیّد ابوجعفر خادم الشریعه از علماء اتقیاء به شمار می رفت. در عصر روز سه شنبه ۱۴ محرم سال ۱۳۷۹ق به سن متجاوز از ۸۰ سال وفات یافته و جنب مزار پدر در بقعه تکیه حاج آقا مجلس در تخت فولاد مدفون شد.(۶)

حسن باذی

حسن بن ابی سعد بن حسن فقیه باذی، از محدّثین و فقهای قرن ششم هجری و از اهالی روستای «باذ» از توابع جرباذقان (گلپایگان) است. وی پس از سال ۶۰۳ق وفات یافته است.(۷)

حسن بن ابی عدنان

امام الدّین حسن بن عزّالدّین ابی عدنان، معروف به خواجه میر حسن، از عرفای اصفهان در قرن هشتم هجری است.

در شب پنج شنبه ۱۰ رمضان ۷۸۸ق وفات یافته و در محلّه طوقچی اصفهان مدفون شد.(۸)

[مقبره اش مقابل مسجد مصری قرار داشته و بقعه ای بر سر قبر او وجود داشت و بر سنگ قبر او از امام الدّین حسن با القاب «سلطان الاولیاء و برهان الاصفیاء امام الحق و الدّنیا و الدّین حسن بن الامام السعید عزّالملّه و الدّین ابی عدنان» یاد شده بود.(۹) که متأسفانه در سال ۱۳۷۸ش مقبره را از بین بردند.]

سیّد جلال الدّین حسن صلائی شهرستانی*

سیّد جلال الدّین حسن صلائی بن میر ابوالفتوح حسینی موسوی شهرستانی، از اعیان و اشراف اصفهان در عصر صفویه است. سیدی فاضل و ادیب بوده و شاه عباس در سال ۱۰۱۵ق صدارات محال عراق عجم (اصفهان، یزد، قم، کاشان، ساوه و نطنز) و مازندران را به او تفویض نموده و مقرّر کرد رسیدگی به موقوفات مناطق فوق به عهده صلائی باشد. در این سال شاه عباس به شیروان و داغستان حمله برد و در هنگام تسخیر قلعه شماخی، صلائی وفات یافت. او طبع شعر نیز داشت. ابتدا «حزینی» و سپس «صلائی» تخلّص می نمود و سرانجام در سال ۱۰۱۸ق وفات یافت.

این بیت از اوست:

گمگشته عشقیم که در روز جزا هم

در دفتر اعمال ز ما نام نجویند(۱۰)

سیّد حسن کلهرودی*

سیّد حسن کلهرودی بن سیّد ابوالقاسم حسینی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه محقّق و خطاط ماهر. در اصفهان متولّد شده و نزد عدّه ای از فضلای این شهر از جمله سیّد ابوالقاسم دهکردی به تحصیل پرداخت. او و برادرش سیّد حسین کلهرودی در اصفهان به تدریس مشغول بودند. سپس به اتّفاق هم به قریه کلهرود (به فتح کاف و لام) از توابع نطنز مهاجرت کرده و به ارشاد مردم مشغول شدند.

سیّد حسن سرانجام در حدود سال ۱۳۱۸ یا ۱۳۱۹ش وفات یافته و در قبرستان محلّه قلعه روستای کلهرود مدفون شد. وی خط نسخ را خوش می نوشت و به کتابت ادعیه و کلام اللّه مجید می پرداخت نگارنده (غلامرضا نصرالهی کلهرودی) سوره حج به خط نسخ خوش، بدون رقم و تاریخ از خطوط ایشان را دیده ام.

از تألیفات ایشان «اکمال السّعادات» است که در سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ق در احکام عبادات تألیف شده و در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱۱)

ملّا محمّد حسن اردستانی*

ملّا محمّد حسن بن ملّا احمد شریف اردستانی، از فضلای اوایل حکومت قاجاریه است. در مدرسه کاسه گران اصفهان ساکن بوده و به تحصیل علوم دینی می پرداخت.

وی کتاب «حاشیه الفوائد الضیائیه» تألیف سیّد نعمت اللّه جزایری را در سال ۱۲۱۵ق کتابت نموده و نسخه آن در کتابخانه مدرسه آیت اللّه خوئی در مشهد موجود است.(۱۲)

حسن اصفهانی

حسن بن احمد اصفهانی معروف به «جمال نقّاش» مؤلف کتاب «حیاض الواردین و ریاض الرّائدین».(۱۳)

حسن بغدادی

حسن بن احمد بغدادی اصفهانی [از محدّثین عامّه است و ظاهراً در اصفهان سکونت داشته است.(۱۴)]

میرزا محمّد حسن روضاتی

میرزا محمّد حسن روضاتی بن سیّد احمد بن سیّد محمّد باقر موسوی چهارسوقی صاحب روضات، از علماء و ائمه جماعت در اصفهان.

در ۱۳ صفر ۱۲۹۸ق متولّد شد [و در اصفهان نزد میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقائی به تحصیل پرداخت.]

وی سالها در مساجد محلّه های غرب اصفهان همچون جوزدان [ولدان و کارلادان]اقامه جماعت می نمود.

او عالمی وارسته، خلیق و خوش برخورد بود و علاوه بر اقامه جماعت به حل مشکلات مردم و وعظ و خطابه می پرداخت.

سرانجام در ۱۷ رمضان ۱۳۸۰ق وفات یافته در قبرستان مجاور تکیه کازرونی مدفون گردید.

صغیر اصفهانی مادّه تاریخ او را چنین سروده است:

سالکی سر کرد در جمع و پی تاریخ گفت:

«در جزا سیّد حسن محشور گردد با حسین»(۱۵)

حسن مدینی

ابو محمّد حسن بن احمد بن علی بن زهرویه نجّار مؤذّن مدینی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. از اهالی مدینه جی بوده و آن شارستان (شهرستان) اصفهان است. او مردی عابد و صالح و پرهیزکار بوده و از خشیت پروردگار گریه بسیار می کرده و عبادات فراوان داشته است.

از ابن رسته احمد استماع حدیث کرده و ابوسعد سمعانی در رجب سال ۵۳۱ق از وی حدیث شنیده است.(۱۶)

حسن اَرزُنانی اصفهانی

ابوالقاسم حسن بن احمد بن محمّد اَرزُنانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری و از اهالی قریه اَرزُنان اصفهان است. [امروزه آن روستا به شهر پیوسته و به محلّه زینبیّه معروف است.] [ابوسعد سمعانی او را به عنوان «معلم الاعمی» یاد کرده که نشان می دهد کار او تعلیم دانش بوده و نابینا بوده است.(۱۷)]

حسن مانکدیم

حسن مانکدیم بن ابی جعفر احمد امیرک بن ابی الحسن محمّد (که از شیراز به اصفهان منتقل شد) بن احمد بن ابراهیم الوردی بن ابی عبداللّه الامیر بن ابوالحسن علی باغر، از اعلام شیعه در اصفهان بوده و در فتنه مسعود بن محمود بن [سبتکتگین]غزنوی در اصفهان شهید شد.(۱۸)

حسن اصفهانی

حسن بن احمد بن محمّد بن حبش اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.(۱۹) وی از حسین بن احمد دیارکی روایت کرده است و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن احمد بن محمود اصفهانی از او نقل حدیث می نماید.(۲۰)

حسن باطرقانی

ابوعلی حسن بن احمد بن محمّد بن داود تاجر باطرقانی، از محدّثان اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. او از ابوعبداللّه محمّد بن احمد بن ابی یحیی زهری روایت می کند و احمد بن فضل باطرقانی از وی حدیث شنیده است.(۲۱)

حسن بُرجی اصفهانی

ابوالفتح حسن بن اسحاق بن ابراهیم برجی مستملی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است.

وی بر طبرانی و ابن جعابی املاء حدیث می کرده و از محدّثین عراق و حجاز و اصفهان از ابی عبداللّه بن متویه و دیگران حدیث شنیده است. صاحب عنوان پس از سال ۳۷۰ق وفات نمود.(۲۲)

میرزا حسن رأفت اصفهانی

میرزا حسن فرمان آرا، متخلّص به «رأفت» [فرزند میرزا اسداللّه خان، از شعراء و خوشنویسان اصفهان در قرن چهاردهم هجری که یکی از اجدادش ابراهیم خان بلوچ از سرداران قشون نادرشاه افشار و مأمور تعقیب اشرف افغان هنگام فرار به طرف زرقان فارس بوده است. او با کشتن اشرف و فرستادن سر او به درگاه نادر مورد ملاطفت او قرار گرفت و به سرداری بلوچستان منصوب شد.]

میرزا حسن در اصفهان علم و ادب آموخت و به خاطر مهارت در انشاء و ادب در سمت منشی گری کنسولگری انگلیس به کار پرداخت. [در زمان احمدشاه قاجار او به لقب «رأفت الملک» ملقّب شد. امّا در زمان رضاشاه و پس از تصویب قانون لغو القاب دولتی، شهرت خود را به «فرمان آرا» تغییر داد.]

او مردی فاضل و خوش مشرب بود و علماء و ادباء به گرد او جمع می شدند و محفل علم و ادب تشکیل می دادند. خود او طبع روانی در شعر داشت و عضو انجمن ادبی شیدا بود و اشعارش در دوره اول مجله دانشکده به چاپ می رسید. [همچنین او انجمن ادبی محبّت را تأسیس کرد. وی خطوط مختلف خصوصاً خط نسخ را خوش می نوشت. نمونه ای از خط او (آیهالکرسی) با رقم «کتبه العبد الاقل حسن بن میرزا اسداللّه خان اصفهانی ۱۳۲۱» همچنین نسخه ای از قرآن کریم نزد

فرزندش ابراهیم فرمان آرا موجود است.

رأفت اصفهانی در ۲ ذیقعده الحرام ۱۳۵۸ق وفات نمود و در یکی از اطاق های شمالی تکیه مادر شاهزاده دفن شد. مادّه تاریخ فوتش این بیت است:

کرد بیرون سر از جنت و گفت

پی تاریخ وفات «الغفران»

از اوست:

گر سوخت به دور رخ معشوق عجب نیست

از دوری او عادت پروانه گرفتم(۲۳)]

شیخ محمّد حسن نجفی

شیخ محمّد حسن (ابوعبداللّٰه عزالدّین) بن حاج شیخ اسماعیل بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی، فاضل جلیل. در پنج شنبه ۲۴ صفر المظفر سال ۱۳۲۴ق در نجف اشرف متولّد گردیده و در خدمت جمعی از افاضل تلمّذ نموده و در سالهایی که مرحوم حاج میر سیّد علی بهبهانی به اصفهان تشریف می آوردند، به حوزه درس ایشان حاضر می گردید و از خواص اصحاب آن مرحوم شمرده می شد. وی در شب سوم ذیقعده الحرام سال ۱۳۹۹ق در اصفهان وفات یافته، در قم مدفون گردید.(۲۴)

میر سیّد حسن مدرّس اِسْفه ای

میر سیّد حسن مدرّس اسفه ای شهرضایی بن سیّد اسماعیل بن میر عبدالباقی بن میر عابدین طباطبائی زوّاره ای اردستانی، [عالم ربانی و فقیه مجاهد، از چهره های درخشان علم و سیاست در قرن چهاردهم هجری] اصلًا از سادات طباطبایی زوّاره اردستان بود و اجدادش از زوّاره به روستای «سرابه کچو» اردستان مهاجرت کرده بودند. او در سال ۱۲۸۷ق در روستای «سرابه کچو» متولّد شد. در کودکی به همراه خانواده به روستای «اسفه» در نزدیکی شهرضا رفت و آنجا ساکن شد. در سال ۱۲۹۸ه.ق به اصفهان آمده و تحصیلات خود را نزد علمای اصفهان از جمله سیّد محمود مغنی، میرزا عبدالعلی هرندی، آخوند کاشی، میر محمّد صادق مدرس خاتون آبادی، جهانگیرخان قشقائی، شیخ مرتضی ریزی و آقا سیّد محمّدباقر درچه ای انجام داد و به مقام شامخ اجتهاد نائل شد. سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و هفت سال به قصد تیمّن و تبرّک از درس آیات عظام آخوند خراسانی و سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و ملّا علی نهاوندی حاضر شد آنگاه به اصفهان مراجعت نموده و در مدرسه جدّه ساکن شده و به تدریس فقه و اصول پرداخت و بدین مناسبت به «مدرّس» معروف شد.

[در هنگام تشکیل انجمن ولایتی اصفهان و مبارزات مردم و علماء علیه محمّدعلی شاه مستبد و حاکم منصوب شده او اقبال

الدّوله کاشـی فعالیّت بسیاری نمود. پس از پیروزی مشروطه خواهان، صمصام السلطنّه بختیاری با مدرّس اختلافاتی پیدا کرد و پس از آنکه به علّت اعتراض مردم نتوانست او را از اصـفهان تبعیـد کنـد، نقشه ترور او را کشـید. امّا عوامل ترور نتوانسـتند در مدرسه جده نقشه او را عملی کنند.

در دوره دوم مجلس شـورای ملّی و براسـاس یکی از اصول متمم قـانون اساسـی مشـروطه مبنی بر نظـارت ۵تن از مجتهـدین بر مصوّبـات مجلس، از سوی آخونـد خراسـانی و ملّا عبـداللّه مازنـدرانی او و چنـد نفر دیگر به منظور نظارت بر مصوبات مجلس انتخاب شدنـد. لـذا مـدرس از اصـفهان به تهران مهاجرت کرده و آنجا ساکن شد. پس از شـروع جنگ جهانی اوّل و تشـکیل دولّت موقت به منظور مقـابله بـا تجاوز متفقین به ایران، به آنان پیوست. او پس از پایان جنگ جهانی اوّل به تهران بازگشـته و در مدرسه سـپهسالار به تدریس مشغول شد. پس از آنکه وثوق الدّوله نخست وزیر شد و قرارداد ۱۹۱۹م را با انگلستان منعقد سـاخت، مـدرس سرسـختانه بـا آن مخـالفت کرد. مـدرس در دوره های پنجم و شـشم مجلس که مقارن با نخست وزیری و به سلطنت رسـیدن رضاخان بود با شـجاعت به مخالفت با او پرداخت و از قانون شـکنی ها و استبداد رأی او به شدت انتقاد کرد. لذا به دستور رضاخان او را نزدیک مدرسه سپهسالار هدف گلوله قرار داده و او را زخمی کردند، امّا موفق به کشتن او نشدند.

در سال ۱۳۰۷ش انتخابات دوره هفتم مجلس شورای ملّی برگزار شـد ولی کلیه آراء مـدرس باطل شد و از ورود او به مجلس جلوگیری شد. و در همان سال او را به شهر دور افتاده خواف در خراسان تبعید کردند.]

در سال ۱۳۱۶ه.ش به دسـتور رضاشاه، مأموران او مـدرس را از خواف به کاشـمر برده و درشب ۲۸ رمضان المبارک ۱۳۵۷ق (مطابق ۱۰ آذرماه سال ۱۳۱۶ه.ش) او را به شـهادت رسانده و شـبانه دفن کردند. پس از پیروزی انقلاب آرامگاهی باشکوه بر مزار او بنا شد.

[این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «کتاب زرد» ۲. «حاشیه بر کتاب النکاح» تألیف شیخ محمّدرضا نجفی اصفهانی ۳. «تعلیقه بر کفایهالاصول» ۴. «رساله ای در ترتّب» در علم اصول فقه ۵. «رساله ای در شرط متأخّر» در علم اصول فقه ۶. «رساله ای در لزوم و عدم لزوم قبض در موقوفه و غیر آن» ۷. «حاشیه فرائد الاصولِ» شیخ انصاری ۸. «تقریرات میرزا حسین خلیلی رازی»(۲۵)]

شیخ حسن شاکری درگَزینی

شیـخ حسن شاکری درگزینی همـدانی بن اللّه وردی، از فضـلاء قرن چهاردهم هجری. وی در مدرسه جدّه و مسـجد سیّد نزد علمای اصفهان تحصیل کرد. سپس در زفره ساکن شد و در حدود سال ۱۳۷۰ق در آن روستا وفات یافته و مدفون شد.(۲۶)

حسن بن ایوب

حسن بن ایوب بن هارون، از محدّثین اصـفهان در قرن سوم هجری است. وی از روح بن عصام جَبّر و سـلمه روایت می کند و محمّد بن احمد بن یعقوب از او نقل حدیث می نماید.(۲۷)

حسن اصفهانی

حسن بن محمّد باقر اصفهانی، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است. وی «غریب القرآن» سجستانی را کتابت نموده است.(۲۸)

محمّد حسن اصفهانی خراسانی

محمّد حسن بن محمّد باقر بن محمّد رضا اصفهانی خراسانی نجفی، از فضلاء قرن دوازدهم هجری است. وی نسخه ای از «مسائل ایادی سبا» را در جمادی الثّانیه ۱۱۲۷ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه حاج سیّد محمّد جزائری در اهواز وجود داشته است.(۲۹)

حسن حَکَمی

حسن حکمی ابن حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی بن میرزا عبدالجواد حکیم، از اطباء معروف اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. وی در سال ۱۳۸۹ق در سن متجاوز از ۸۰ سالگی وفات یافته و در تکیه سیّد ابوجعفر خادم الشّریعه در تخت فولاد مدفون گردید.(۳۰)

میر سیّد حسن خلیفه سلطانی

نواب میر سیّد حسن بن میرزا محمّد باقر حسنی خلیفه سلطانی، از اجّله علماء و فقهاء و محدّثین [در قرن دوازدهم هجری] و نزد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی مورد احترام بوده و در بسیاری از امور با ایشان مشورت می کرده اند. وی از عدّه ای از فقهاء و مجتهدین روایت می کند که از آن جمله است علّامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی علیهما الرحمه.

مرحوم آیت اللّه نجفی مرعشی از شجره نامه قدیمه سادات خلیفه سلطانی نقل می کنند که اعقاب میرزا محمّد باقر به سادات سیّانی (منسوب به «سیّان» از دهات جرقویه اصفهان) معروفند و املاک آنجا از موقوفات زبیده بیگم (دختر شاه سلیمان صفوی) همسر میرزا حسن نواب بن سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان بوده است.

صاحب عنوان پس از وفات در قبرستان ستی فاطمه اصفهان مدفون شد.(۳۱)

سیّد حسن اسماعیلیان نجف آبادی*

سیّد حسن اسماعیلیان بن سیّد باقر نجف آبادی، عالم فاضل خوشنویس، در سال ۱۳۱۶ه.ش در نجف آباد متولّد شد و در زادگاه خود و قم به تحصیل پرداخت و از جمله در درس آیت اللّه بروجردی حاضر شد. پس از پیروزی انقلاب مدّتی به امامت جمعه ماهشهر منصوب شد. وی سرانجام در سال ۱۳۶۸ه.ش وفات یافته و در گورستان جنّت الشهدای نجف آباد مدفون گردید.

صاحب عنوان النواع خطوط خصوصاً ثلث و نسخ را خوش می نوشته و کتیبه های مسجد الرسول نجف آباد، مسجد اعظم و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در قم به خط زیبای اوست. همچنین کتابی به نام «فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام» را

تألیف نموده و به خط خوش خود تحریر نموده است.(۳۲)

میرزا حسن طبیب دهاقانی*

میرزا حسن طبیب بن میرزا باقر حکیم دهاقانی، از اطبّاء حاذق دوره قاجاریه است. در دهاقان متولّد شده و نزد شیخ ابوالقاسم صدرالعلماء دهاقانی به تحصیل پرداخت. سپس به اصفهان آمده و نزد حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی طب را آموخت. مدّتی در بیمارستان انگلیسی ها در اصفهان به فعالیت پرداخت و در آنجا از تجارب پزشکان انگلیسی بهره گرفت. سپس به دهاقان بازگشته و به معالجه بیماران آنجا پرداخت، تا اینکه در حدود سال ۱۳۶۰ق در دهاقان وفات یافت.(۳۳)

میرزا حسن صفی علی شاه

حاج میرزا حسن اصفهانی ملقّب به «صفی علیشاه» و متخلّص به «صفی» فرزند محمّد باقر، عارف سالک و شاعر ادیب.

در سوم شعبان ۱۲۵۱ق در اصفهان متولّد شد. در این شهر به تحصیل پرداخته و در جوانی شیفته دراویش و عرفاء شده به شیراز سفر کرده و دست ارادت به میرزا کوچک رحمت علی شاه شیرازی داد و پس از وفات مراد خود به هندوستان رفته و از آن جا به سفر حج رفت. [پس از آن به هندوستان رفته و در محضر مرتاضان و اهل سلوک حاضر شد. عاقبت در سال ۱۲۸۸ق از طرف حاج محمّد منوّر علی شاه مجاز به دستگیری و ارشاد دراویش گردیده، رحل اقامت در طهران انداخته و به همّت مریدان خانقاهی بنا کرده، دستگاه ارشاد گسترد. بعد از آن در سال ۱۲۹۴ق منورعلی شاه به طهران آمد و بین او و صفی علی شاه اختلاف و نزاع لفظی واقع شد. منورعلی شاه به شیراز برگشته و صفی علی شاه ادعای قطبیّت نمود و فرقه صفی علی شاهی نعمت الهی را تأسیس نموده، بسیاری از بزرگان و شاهزادگان مرید او شدند.]

صفی علی شاه در طهران وفات یافته و در خانقاه خود واقع در خیابان صفی علی شاه مدفون گردید.

او کتب چندی در ادب و عرفان و تفسیر به نظم و نثر نوشته که از آن جمله است:

۱. «آیه العشاق» ۲. «اثبات نبوت خاصّه» ۳. «اسرار المعارف» ۴. «اطوار سبعه» یا «هفت منزلی که سالك راه حق باید آن را طی کند» نسخه خطّی آن ضمن مجموعه ۲۲۹۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است. ۵. «بحرالجواهر» ۶. «بحرالحقایق» ۷. تفسیر «قرآن مجید» معروف به «تفسیر صفی»، منظوم بر وزن مثنوی معنوی [که در تهران چاپ سنگی شده است و در سالهای اخیر محقّق دانشمند آقای حامد ناجی اصفهانی آن را تصحیح نموده و به چاپ رسانده اند.] ۸. «دیوان اشعار» ۹. «زبده الأسرار»، در اخلاق و مراثی [در سال ۱۲۸۹ق در تهران چاپ سنگی شده است و بار دیگر در سالهای اخیر به تصحیح دکتر خلیل خطیب رهبر به چاپ رسیده است. ۱۰. «شرح حدیث الشریعه»، موجود در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم ۱۱. «رساله در تصوّف» موجود در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم [۱۲. «عرفان الحق» که آن را «دیوان الحقایق» و «بحر الحقایق» نیز گویند. [نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.[۱۳. «میزان المعرفه» [نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۳۴)]

ملّا محمّد حسن مازندرانی

ملّا محمّد حسن مازندرانی بن ملّا محمّد باقر. عالم فاضل، واعظ کامل [از علمای اواخر دوره قاجاریه] در اصفهان ساکن بوده و در پنج شنبه ۶ محرّم الحرام سال ۱۳۲۲

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۶۷ و ۱۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، صص ۴۸۱ و ۴۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵؛ نقباءالبشر، ج۱، ص۳۷۸؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۸؛ الإصفهان: رجال و مشاهیر، ص۷۰؛ تراجم الرجال، ج۱، صص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲- مزارات اصفهان، ص۳۲۷.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۲۷۹ و ۲۸۰؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۷۵۰؛ فهرست مرعشی، ج۸، ص۱۳۴؛ الکرام البرره، ج۱، ص۳۰۳؛ دلیل المخطوطات، ج۱، ص۲۰؛ تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۵۱؛ الذریعه، ج۱۲، ص۲۹۰.

۴- بوستان فضیلت، ص۲۱۰.

۵- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ تخفه الأبرار، ص۵۲۷.

۶- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص۱۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶.

۷- معجم البلدان، ج۱، ص۳۱۸.

۸- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۹.

۹- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۵۸۸ و ۵۸۹.

۱۰- تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، صص ۱۱۵-۱۱۲؛ تاریخ عباسی یا روزنامه ملّا جلال، ص۳۰۴؛ تذکره شمع انجمن، ص۴۱۱؛ تذکره خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، صص ۲۳۱-۲۲۹.

۱۱- فهرست کتابخانه مرکز احیاء، ج۵، ص۸۶.

۱۲- فهرست کتابخانه مدرسه خوئی مشهد، ص۹۲.

۱۳- الذرّیعه، ج۷، ص۱۲۴.

۱۴- التّحبیر، ج۱، ص۳۱ پاورقی.

۱۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳۵؛ ضیاء الأبصار، ج۱، ص۶۲۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۵؛ روضه رضوان، صص ۳۲۳-۳۱۹.

۱۶- التّحبیر، ج۱، ص۱۷۶.

۱۷- معجم البلدان، ج۱، ص۱۵۰؛ اللّباب، ج۱، ص۴۲.

۱۸- الفخری، ص۱۲۰.

۱۹- مناقب خوارزمی، ص۶۸.

۲۰- احقاق الحق، ج۸، ص۲۸۷.

۲۱- التّحبیر، ج۲، ص۷۲.

۲۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۷۴.

۲۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۰۴؛ کارنامه خاندان بشارت، صص ۲۲۸-۲۲۶؛ گلشن اهل سلوک، صص۲۳۹-۲۳۶.

۲۴- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۵؛ ارمغان اصفهان؛ تربت پاکان قم، ج۳، ص۱۵۵۱.

۲۵- مدرس (۲جلد)؛ مدرس نابغه ملی ایران؛ مدرس مجاهدی شکست ناپذیر؛ مدرس قهرمان آزادی (۲جلد)؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۸۳ و ۴۸۴؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص ۳۰۳-۳۰۰؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، صص ۱۰۲-۹۲؛ تاریخ شهرضا، صص ۷۸-۷۶؛ لغت نامه دهخدا ذیل «مدرس» ۳۰۳-۳۰۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۲۰۷-۲۰۳؛ رجال عصر مشروطیت، صص ۹۴ و ۹۵؛ نقباء البشر، ج۱، صص۳۸۳-۳۸۱.

۲۶- مزارات اصفهان، ص۲۲۴.

۲۷- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۹.

۲۸- الکرام البرره، ص۳۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۸۶.

۲۹- زندگینامه علّامه مجلسی، ۲، ص۴۱۳.

۳۰- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۶.

۳۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۵؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۸.

۳۲- سیمای دانشوران، صص ۵۳ و ۵۴؛ آئینه اهل قلم، صص ۲۵ و ۲۶.

۳۳- سیمای دهاقان، ص۳۰۱.

۳۴- المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران)، ج۱، ص۲۹۳؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۴۴۶-۴۴۱؛ مجله یادگار، سال پنجم، شماره ۴، آذر و دی ۱۳۲۷، ص۸۳؛ مکارم الآثار، ج۴، صص ۱۳۸۹-۱۳۸۷؛ الذریعه، ج۱، ص۱۰۱و ج۴، ص۲۷۹ و ج۱۵، ص۲۴۶؛ ادبیات معاصر، صص ۶۶ و ۶۷؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، صص ۳۴۱-۳۳؛ ریحانه الأدب، ج۴، صص ۴۶۷-۴۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۸۴ و ۴۸۵؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۳۸۶-۳۸۰.

وفات یافته، در صحن تکیه آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

بجوئید تاریخ این خوش سرشت

«محمّد حسن شد میان بهشت»(۱)

میر سیّد حسن مدرّس

میر سیّد حسن مدرّس [ثانی] بن میر محمّد تقی بن میر سیّد حسن میر محمّد صادقی، عالم فاضل جلیل، در ۱۸ ذیحجه الحرام سال ۱۳۰۵ق متولّد گردیده و نزد پدر دانشمند خود و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آقا سیّد مهدی درچه ای و آخوند کاشی و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل کرده و پس از فوت پدر در مسجد رحیم خان اقامه جماعت می نمود و به زهد و تقوا و ترک دنیا و اعراض از مردم معروف بود.

پس از وفات در شب جمعه ۵ جمادی الثّانی ۱۳۷۲ق وفات یافته در بقعه جدّ بزرگوار خود در مسجد رحیم خان مدفون گردید.

از آثار او شرح حال پدرش که در مقدمه «الرسائل التّقویه» به چاپ رسیده و «شرح منظومه الدّره النجفیه» بحرالعلوم می باشد.(۲)

سیّد محمّد حسن مجتهد

سیّد محمّد حسن مجتهد بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه بن سیّد محمّد سعید بن سیّد محمّد صادق موسوی خواجوئی، عالم فاضل زاهد متقی، جامع معقول و منقول [از علمای قرن سیزدهم هجری].

در سال ۱۲۰۷ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر دانشمند و ادیب خود و جمعی از بزرگان علماء همچون آخوند ملّا علی نوری، میرزا ابوطالب اصفهانی (صاحب حاشیه

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۴۸۶؛ سیری در تخت فولاد، ص۷۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۴۰۵؛ مزارات اصفهان، ص ۱۷۰.

سبوطی)، حاج محمّد ابراهیم کلباسی و سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی تحصیل نموده و احتمالاً ـ از محضر آقا سیّد صدرالدّین محمّد عاملی نیز کامیاب شده و در سنه ۱۲۴۵ق به تهران رفت و مدّتی در آنجا ساکن و با علماء آن سرزمین محاورت و مصاحبت داشت. سپس قصد هجرت به عتبات عالیات نمود. در راه مدّتی در کرمانشاه توقف نموده، مدّتی نزد یکی از فرزندان آقا محمّد علی بهبهانی درس خواند. سپس به نجف اشرف رفته و ۲ سال نزد علمای آنجا به تکمیل تحصیلات خود پرداخته و به اصفهان مراجعت نمود.

او از جمعی از فحول مجتهدین به اجازات روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده که از آن جمله است: آقا سیّد رضا فرزند علّامه بحرالعلوم، آقا محمّد رضی، سیّد صدرالدّین محمّد عاملی، ملّا محمّد مهدی قمبوانی و میرزا محمّد مهدی نایب الصدّر.

سیّد محمّد حسن مجتهد سالها در اصفهان به تدریس و ترویج دین و ارشاد مردم مشغول بوده و سرانجام در ماه جمادی الاولی سال ۱۲۶۳ق وفات یافته و در تکیه خانوادگی در تخت فولاد و جنب مزار پدر بزرگوار خود مدفون شد.

وی را تألیفات فراوانی است که از آن جمله است:

۱. «حاشیه بر حاشیه سیوطی» میرزا ابوطالب اصفهانی ۲. «حاشیه بر شرح لمعه» ۳. «حاشیه بر شوارع الهدایه» تألیف حاج محمّد ابراهیم کلباسی ۴. «حاشیه بر شوارق الإلهام» ۵. «حاشیه بر قوانین المحکمه» ۶. «حاشیه بر رساله عدم جواز تقلید میّت» تألیف حاج محمّد ابراهیم کلباسی ۷. «حاشیه بر رساله حجیّت مظنّه» تألیف سیّد محمّد مجاهد ۸. «حاشیه بر صمدّیه» ۹. «رساله جبتیّه» ۱۰. «رساله در اختلاف معانی الفاظ شرعیّه» ۱۱. «رساله در جنایت ام ولد» [که نسخه خطی اصل آن به ضمیمه مجموعه شماره ۱۴۸۰ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.] ۱۲. «رساله در شیربها» ۱۳. «رساله در حکم زنی که خود را بلامانع معرفی کند» ۱۴. «رساله در احیای موات» ۱۵. «رساله در شرط ضمن العقد» ۱۶. «رساله در تسامح ادله سنن» ۱۷. «رساله در معرفت خدا و پیامبر و امام علیهم السلام» ۱۸. «رساله در ردّ مظالم» که به شماره

۱۴۸۰/۵ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است. ۱۹. «رساله در انفراد طلاق به عوض خلع» ۲۰. «رساله در اعجاز قرآن» [به عربی که به شماره ۶۷۳ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است و مرحوم استاد سیّد مصلح الدّین مهدوی نوه مؤلّف این کتاب، آن را در سال ۱۳۶۵ق به چاپ رسانده اند. تاریخ تألیف کتاب شب جمعه ۱۹ شوال ۱۲۵۴ق است.]۲۱. «سؤال و جواب در ارث» ۲۲. «شرح مبحث شکوک» کتاب «منهاج الهدایه» استادش حاج محمّد ابراهیم کلباسی، [که تألیف آن در شب یکشنبه ۵ شعبان ۱۲۵۳ق به پایان رسیده و اکنون به شماره ۱۴۸۰/۶ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.]۲۳. «شرح کتاب مراح الأرواح» در صرف ۲۴. «شرح تهذیب المنطق» تفتازانی ۲۵. [«جامع الفقهی»]یک دوره فقه استدلالی در ۶مجلد [که آغاز تألیف آن سال ۱۲۴۸ق و پایان تألیف در ربیع الثّانی ۱۲۵۴ق بوده و اکنون به شماره های ۱۵۱۴ ۱۵۱۳ ۱۵۱۲ ۱۵۱۱ و ۱۵۱۵ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است.] ۲۶. «مهجه الفؤاد» در «شرح ارشاد الأذهان» علّامه حلّی، که در ۱۴ مجلد کوچک در سال ۱۲۴۲ق و پس از آن تألیف شده است.] ۲۷. «نصایح العلماء» در نصیحت خطاب به فرزندش حاج سیّد مهدی نحوی ۲۸. «مناسک حج» ناتمام ۲۹. «رساله در اصالت برائه» ناتمام ۳۰. «شرح بر شرح رضی بر شافیه»]۳۱. «اصول الایمان» به عربی که در سال ۱۲۴۱ق تألیف شده و به شماره ۱۴۸۰/۳ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود است.(۱)]

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۸۸-۴۸۶؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۰۱-۲۹۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۲۰۶؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۱۷۳۱-۱۷۲۷؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۱۵ و ۳۱۶؛ فهرست خطی احیاء، ج۴، صص ۳۲۱-۳۱۹ و ۳۶۵-۳۶۳؛ فهرست عکسی احیاء، ج۵، ص۳۸۶.

محمّد حسن حدّاد*

حاج محمّد حسن بن محمّد تقی حدّاد اصفهانی، از خطاطان توانای عصر قاجاریه است. خط نسخ را با نهایت استادی می نوشته و در اصفهان ساکن بوده است.

وی در سال ۱۲۴۲ق کتاب «ادعیه» را به خط نسخ و رقاع خوش برای خسروخان گرجی حاکم اصفهان نوشته است. همچنین کتاب ادعیه دیگری را در سال ۱۲۳۷ق کتابت نموده که در مجموعه مرحوم مهدی بیانی موجود بوده است.(۱)

محمّد حسن خوانساری

محمّد حسن بن محمّد تقی خوانساری، از کاتبان و نسخه نویسان قرن سیزدهم هجری بوده و در اصفهان اقامت داشته است.

صاحب عنوان «شرح شرایع الاسلام» تألیف مرحوم حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی را به خط نسخ در سال ۱۲۹۳ق کتابت نموده و در کتابخانه حاج آقا مهدی شفتی در اصفهان موجود است.(۲)

حسن مشفقی خوراسکانی*

حسن مشفقی بن تقی خوراسکانی، شاعر ادیب، در خانواده ای کشاورز در خوراسکان اصفهان به دنیا آمد. از همان طفولیت به همراه خانواده به کشاورزی پرداخت و در نوجوانی در کنار کار روزانه به تحصیل پرداخت. وی در ۲۰ سال آخر عمر ساکن اصفهان بود و در انجمن های ادبی شرکت می کرد. وی در خردادماه ۱۳۶۰ش درگذشت.

از اوست:

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، صص ۱۱۵۷ و ۱۱۵۸.

۲- بیان المفاخر، ج۲، صص ۲۷۴ و ۲۷۵.

جان سپردن در ره محبوب بی همتای خویش

صد برابر از حیات جاودانی بهتر است

زنده آن باشد که در راه حقیقت جان دهد

ور نه حال مردگان زین زندگانی بهتر است(۱)

سیّد حسن مَلاذالاسلام

سیّد حسن ملاذالاسلام ابن حاج سیّد جعفر بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی، عالم فاضل، از علماء صاحب نفوذ و معتبر اصفهان [در اواخر دوره قاجاریه بوده] و در محلّه بیدآباد مرجعیّت و ریاست کلّی داشته است.

وی قبل از سال ۱۲۹۰ق متولّد گردیده و در خدمت علمای اصفهان به تحصیل پرداخت. سپس به نجف اشرف مهاجرت فرموده و نزد علماء و مراجع آنجا به تلمّذ پرداخته و به اصفهان مراجعت نمود. وی پس از فوت پدر، به اقامه جماعت در مسجد سیّد مشغول شده و مورد احترام و اعتماد اهالی محلّه بیدآباد بود.

در موضوع تأسیس شرکت اسلامیّه و مبارزه علیه نفوذ اقتصادی دول استعمارگر با آقایان مسجد شاه و دیگر علمای اصفهان همراه و یار و مددکار بوده و از سال ۱۳۲۰ به بعد در بیشتر قضایای اصفهان مستقیماً شرکت داشته است.

وی در شب ۱۷ شعبان سال ۱۳۳۶ق در سفر زیارت در مشهد مقدّس وفات یافته و در دارالحفاظ مبارکه دم درب مدفون گردید.(۲)

۱- تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۷۲۰.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۵۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۱۳-۲۱۱؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۸۱ و ۱۸۲؛ تاریخ علمای خراسان، ص۲۵۴.

استاد حسن کسائی*

استاد حسن کسائی فرزند سیّد جواد، از اساتید بی نظیر موسیقی معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۷ش متولّد شد. برادر بزرگ او آواز می خواند و پدرش نیز از شیفتگان موسیقی بود. استاد حسن کسائی ابتدا نزد استاد جلال تاج و ادیب خوانساری به فراگیری آواز پرداخت و سپس نزد استاد مهدی نوائی به فراگیری نواختن نی پرداخت. در تهران نیز از حسین یاحقی و استاد ابوالحسن صبا استفاده ها برد. او سالها با استاد جلال تاج و استاد جلیل شهناز همکاری داشته و مدّت زیادی سرپرست اُرکستر رادیو اصفهان بود. در تهران نیز سالهای متمادی در برنامه گلها تک نوازی داشت.

استاد کسائی علاوه بر استادی و مهارت خارق العاده در نواختن نی، در خواندن و آموزش خوانندگی در ردیف موسیقی ایران و نواختن سه تار، فلوت و سنتور نیز مهارت به سزائی دارد و بسیاری از هنرمندان موسیقی از آموزش ها و یا آثار او بهره برده و مسیر ترقی را در موسیقی طی کرده اند.

استاد کسائی در راه احیای سبک نی نوازی نایب اسداللّه تلاش بسیاری نموده و خود نیز صاحب سبک در این فن است و مورد تحسین بزرگترین اساتید موسیقی کشور همچون مرحوم استاد روح اللّه خالقی قرار گرفته است.(۱)

ملّا محمّد حسن ادهم

حاج ملّا محمّد حسن واعظ بیدآبادی معروف به «ادهم» بن محمّد جواد بن محمّد هادی بن احمد بن ادهم بن آقا محمّد رضی قزوینی اصفهانی، عالم فاضل و واعظ کامل، از فضلای اهل منبر، ادیب و شاعر.

در اصفهان خدمت علمای اعلام تحصیل نموده و در شب ۲۲ رمضان المبارک ۱۳۵۱ق وفات یافته در صحن تکیه بروجردی مدفون شد. صاحب عنوان پدر واعظ و

۱- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۲۲؛ چهره افروختگان خطه زنده رود، ص۱۲۶؛تاریخ تحول و ضبط موسیقی ایران، ص۳۶۰؛ برگی از باغ، صص ۲۰۰ و ۲۰۱.

شاعر دانشمند شیخ احمد بیان الواعظین است.(۱)

[مادّه تاریخ وفاتش را فرزندش چنین سروده است:

گفت بیان از پی تاریخ او

روان جنت شده روح حسن]

حسن واذاری

ابوعلی حسن بن جهم بن جبله بن مصقله واذاری تیمی، از محدّثین قرن سوم هجری و از اهالی قریه «واذار» اصفهان است. از حسین بن فرج، اسماعیل بن عمرو و حیّان بن بُشر روایت می کند و احمد بن اسحاق از او نقل حدیث می نماید.

وی در رجب سال ۲۹۰ق وفات یافته است.(۲)

حسن رئیس زاده

حسن رئیس زاده بن میرزا حبیب اللّه رئیس الواعظین از فضلاء، ادباء و شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. وی همچون پدرش به وعظ و خطابه مشغول بوده و در شعر و ادب نیز دستی داشته و «صفا» و «رئیسی» تخلّص می نموده است.

عاقبت در ۲۶ شوال ۱۳۸۶ق (۱۳۴۵ش) وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

استاد فضل اللّه اعتمادی متخلص به برنا در وفات او چنین سروده است:

به شمسی و قمری سال فوت او برنا

که هرکدام بود جمع مصرعی بنوشت

حسن بعشق حسین کرده رو سوی مینو

رئیس زاده بنزد حبیب شد ببهشت

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۴۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ نقباء البشر، ج۱، ص۳۶۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۱.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۰.

محمّد حسن ادیب الدّوله اصفهانی

محمّد حسن بن محمّد حسین ادیب الدّوله اصفهانی، از ادباء و نویسندگان و مترجمین نیمه نخست قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۸۸ق متولّد شد. [تحصیلات خود را در دارالفنون به پایان رسانید و از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۹ق آجودان مدرسه دارالفنون بود. در زمان ریاست «جعفرقلی خان نیّرالملک نظامت دارالفنون را عهده دار بود و بعدها به ریاست مدرسه دارالفنون رسید و تا آخر عمر این سمت را داشت. در مدرسه دارالفنون تدریس می کرد و به لقب ادیب الدّوله ملقّب شد.] سرانجام در سال ۱۳۵۳ق وفات یافت.

از آثار او «ترجمه مسافرت موسیو اِستانلِه به آفریقا» [نوشته «مورتون استانله» است که محمّد حسین عمادالکُتّاب آن را کتابت کرده و در دارالطّاعه مبارکه دولتی در سال ۱۳۱۵ق در طهران] به طبع رسیده است.(۱)

محمّد حسن منّانی

حاج محمّد حسن منّانی، شاعر ادیب فاضل. در سال ۱۲۹۸ در اصفهان متولّد شد. پس از تحصیلات ابتدائی، در دانشسرای مقدماتی به تحصیل مشغول شد و پس از فارغ التّحصیلی در مدارس اصفهان به تدریس مشغول شد. او از فرهنگیان متدیّن و معلمان دلسوز بود و در منزل خود جلسات قرائت دعای سمات و تفسیر قرآن مجید را برپا می کرد. در شعر نیز طبعی روان داشت و «منّانی» تخلّص می کرد.

سرانجام در جمعه ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۹۸ق (مطابق ۱۵ اُردیبهشت ۱۳۵۷ش) وفات یافته و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

۱- شرح حال رجال ایران، ج۵، ص۲۳۱؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ص۱۴۹؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، ص۱۰۵؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۵۴۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۱.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ بوستان فضیلت، صص ۳۰۵-۳۰۲.

سیّد حسن فانی یزدی

سیّد حسن فانی ابن سیّد حسین بن سیّد اسماعیل بن سیّد مرتضی حسینی یزدی، عالم فاضل جلیل و واعظ کامل بلیغ، زاهد متّقی. در جمعه ۲ رجب ۱۲۷۱ق در روستای عِزّآباد رستاق یزد متولّد شده [و در آنجا نزد آخوند ملّا زین العابدین عقدائی تحصیل نموده و در اصفهان از شیخ محمّد علی نجفی (ثقهالاسلام)، شیخ محمّد تقی آقانجفی، میرزا هاشم چهارسوقی و شیخ محمّد جواد حسین آبادی مجاز گردید]و از جمله فضلاء و خطباء و بزرگان اهل منبر گردید.

وی در شعر و ادب نیز توانا بوده و «فانی» تخلّص می نمود.

سرانجام در شب پنج شنبه ۱۷ ربیع الاوّل ۱۳۳۸ق وفات یافته و در تکیه ملک واقع در تخت فولاد مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اکسیر الأخبار» (۴جلد) [که جلد سوم در سال ۱۳۱۰ق در بمبئی هندوستان چاپ سنگی شده است.] ۲. «برهان المتّقین» در ردّ بر بابیه ۳. «بهجه الأبرار» ۴. «التوفیقات الإلهیه»، در مواعظ ۵. «حبیب العاشقین» ۶. «حرز المؤمنین»، در احراز و ادعیه ۷. «درر اللّئالی فی أسرار الموالی» در طلسمات و خواص آیات ۸. «ردّ السّخیفه» ۹. «عقیده الحق» در شرح باب حادی عشر ۱۰. «غوث الائمه» ۱۱. «فلاح الایمان» در مواعظ، مطبوع ۱۲. «هدایه السالکین»(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۹۲ و ۴۹۳؛ ریحانه الأدب، ج۴، ص۲۹۰؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «یزدی»، ج۵، ص۱۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۰۳؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۳۹۳ و ۳۹۴؛ معجم المطبوعات، ج۲، ص۱۹۴۶؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۳۷۰-۲۳۶۸؛ معجم المؤلفین، ج۳، ص۲۱۷؛ الذریعه، ج۹، ص۸۰۴ و ج۲، ص۲۷۷ و ج۴، ص۵۰۰؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۴۹۵؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۴۵؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۲، ص۱۱۰۱.

میرزا محمّد حسن منجم اصفهانی

میرزا محمّد حسن بن میرزا محمّد حسین بن بدیع الزمان منجم باشی حسینی گنابادی اصفهانی، از دانشمندان و ریاضیدانان و منجّمین اصفهان در قرن سیزدهم هجری بوده و پس از فوت پدر منجم باشی دربار فتحعلی شاه شده و به لقب «رئیس المنجمین» مفتخر شد. او در ۱۶ ربیع الثّانی ۱۲۱۲ق متولّد و در شب ۱۹ ذیقعده ۱۲۸۹ق در طهران وفات یافته و در مقبره علی بن بابویه در قم مدفون گردید.

احکام او بسیار مشهور است. از جمله خبر فتح هرات را قبلاً به اطلاع دستگاه دولتی رسانده است.(۱) آثاری از او در کتابخانه ها موجود است از جمله:

۱. «مشارق الانوار» مشتمل بر مقدمه و چهار مقاله و خاتمه در استخراج زایجه مولود، مصدّر به نام فتحعلی شاه، نسخه به شماره ۹۲۶۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

۲. استخراج زایجه منوچهرخان معتمدالدّوله، موجود به شماره ۴۰۳۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی(۳)

[۳. استخراج طالع مظفرالدّین شاه، موجود به شماره ۷۰۶۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی.(۴)

۴. زایجه یا طالع نامه محمّد رضا میرزا موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.(۵)]

فرزندش سیّد مهدی ملقّب به «منجم باشی» و ساکن طهران بوده و تا سال ۱۳۰۶ق زنده بوده است.

۱- چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، ج۱، صص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۳۴ و ۳۳۵؛ الکرام البرره، ج۱، ص۳۲۲.

۲- فهرست رضوی، ج۸، ص۴۲۹.

۳- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۳۵.

۴- فهرست مرعشی، ج۱۸، صص ۲۳۰. ۲۲۹.

۵- فهرست مجلس، ج۲، ص۲۳۷.

محمّد حسن امین الضرب

حاج محمّد حسن امین الضّرب معروف به «کمپانی» بن آقا محمّد حسین صراف اصفهانی، از تجار مشهور اواخر دوره قاجاریه. [در سال ۱۲۵۳ق متولّد شد.] در اوایل کسب و کار فقیر و بی چیز بوده و با دوره گردی یا کرباس فروشی امرار معاش می کرده است. بالاخره در طهران نمایندگی فروش پارچه های انگلیسی قوزی (کوزی) را بر عهده گرفته و به «کمپانی» مشهور شد. او بعد از آشنایی با آقا ابراهیم امین السّلطان خزانه دار و رئیس ضرابخانه دولتی، ضرابخانه را با سالی سی هزار تومان اجاره کرد و درآمد سرشاری نصیب او شد. پس از آن سفرهای متعدد به کشورهای اروپایی کرد و طرز فکر او تغییر کرد. به فکر احداث راه آهن افتاد و امتیاز آن را گرفت و به کار پرداخت. عاقبت به خاطر کارشکنی دیگران کارش رونق نگرفت و متحمّل ضرر هنگفتی شد. وی سرانجام در حدود سال ۱۳۱۶ق وفات نمود.(۱)

محمّد حسن بافرانی نائینی

محمّد حسن بن ملّا محمّد حسین بافرانی [از فضلاء و کاتبان قرن سیزدهم هجری و از اهالی قریه «بافران» نائین] در سال ۱۲۳۸ق نسخه ای از معالم الاصول را کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۳۹ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

سیّد محمّد حسن امام جمعه

سیّد محمّد حسن امام جمعه بن میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی بن میر محمّد حسین بن میر محمّد صالح بن میر عبدالواسع حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل مجتهد، از رؤساء علمای اصفهان، ملجاء و پناه مردم و امام جمعه اصفهان بوده و در مسجد شاه [مسجد امام فعلی] اقامه جمعه می نمود. در شرح حال او می نویسند: تا سیزده صف این

۱- شرح حال رجال ایران، ج۳، ص ص ۳۶۲-۳۴۸؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۲، صص ۶۹۱-۶۸۸.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۷۲.

طرف میل های میدان شاه صف نماز او می رسیده.

در ۲ محرّم الحرام سال ۱۲۴۸ق وفات یافته و در بقعه سر قبر آقا [آرامگاه خانوادگی خاندان امام جمعه] در محلّه خوابجون مدفون شد.

وی را تألیفاتی است از آن جمله: (تفسیر درّه الخاقان به فارسی، و) «هدایه الطّالبین» یا «رساله عملیه»، از اوّل طهارت تا آخر اعتکاف که به نام فتحعلی شاه تألیف شده است. (۱)

حسن اَعوَری

حسن اعوری اصفهانی بن حسین. شاعر و ادیب فاضل در حدود سال ۱۲۹۰ق در اصفهان متولّد گردیده و هم در این شهر نزد جمعی از بزرگان علم و ادب تحصیل نموده و در انجمن های ادبی من جمله انجمن ادبی مرحوم شیدا شرکت می نموده است. وی از مدّاحان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به شمار می رفت. در مجالس تعزیه داری حضرت سیّد الشهداءعلیه السلام شرکت می نمود و اشعار و مراثی خود را با صدای بلند و آهنگ مخصوص می خواند و همه حاضرین را تحت تأثیر قرار می داد. در انواع فنون شعر خصوصاً مادّه تاریخ ید طولائی داشت. در زمان جوانی و اوائل مشروطیت از آزادیخواهان و مشروطه طلبان و از اعضاء فعّال حزب دموکرات اصفهان بود. در سال ۱۳۳۳ق که روسها وارد اصفهان شدند درصدد دستگیری او بر آمدند، وی شبانه با لباس مبدّل فرار کرد.

در اواخر عمر جهت دیدار فرزند خود که در رشت به خدمات فرهنگی و دبیری اشتغال داشت، به آن شهرستان مسافرت نمود و در آنجا در شب عید فطر ۱۳۵۳ق وفات یافته و در آنجا مدفون شد. دیوان اشعارش قریب پنج هزار بیت از غزل و قصیده

۱- رجال اصفهان، ص۱۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۲۹۴-۲۹۲؛ مکارم الآثار، ج۴، صص ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵؛ الکرام البرره، ص۳۲۱؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۶۲۸ و ۶۲۹؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص ۳۳۰.

و مدایح و مراثی، نزد فرزند او موجود بوده است.

این چند بیت از اوست:

با سرو روان قامت یار

ما را نبود هوای گلزار

شیرین اگرش بدید روزی

جان داد بر آن لب شکر بار

یک باره نهاد سبحه از کف

از زلف تو آنکه بست زُنّار(۱)

سیّد حسن حسینی برزانی*

سیّد حسن بن سیّد حسین حسینی برزانی، عالم فاضل و واعظ ماهر. از اهالی قریه «بَرزان» در غرب اصفهان بوده و در اصفهان به کسب علم پرداخته است. وی کتاب «سیف الذّاکرین» در مواعظ مشتمل بر یکصد مجلس و خاتمه که مؤلف با تأسّی به آباء و اجداد خویش که همگی ذاکر حضرت سیّد الشهداءعلیه السلام بوده اند نگاشته و در ۱۹ صفر المظفر ۱۳۰۸ق از تصنیف آن فراغت یافته است. نسخه به شماره ۱۵ در کتابخانه حجّهالاسلام سیّد احمد روضاتی در اصفهان موجود است. مؤلف کتاب طبع شعر نیز داشته و اشعاری در مرثیه سروده و در ابتدای نسخه خود آورده است.(۲)

سیّد حسن خلیفه سلطانی

میرزا سیّد حسن بن سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان، عالم فاضل محقّق از اجلّه و علماء و زهاد و متکلّمین، در قرن یازدهم هجری. مادرش زبیده بیگم دختر شاه سلیمان صفوی و خواهر شاه سلطان حسین صفوی بوده است و آن مخدره موقوفات بسیاری از خود به جای نهاده است، از جمله در روستای سیّان که تولیت آن بر عهده میرزا محمّد باقر صدر خاصّه، فرزندش بوده است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۶-۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۲۳-۱۲۱.

۲- فهرست سیّد احمد روضاتی، ص۲۵.

صاحب عنوان جدّ سادات خلیفه سلطانی جرقویه، شهرضا و اصفهان می باشد.(۱)

حسن سالک اصفهانی

شاطر حسن سالك [فرزند خلیفه حسین] شاعر ادیب معاصر، در سال ۱۲۸۸ق در اصفهان متولّد شده و پس از کمی تحصیل به نانوایی مشغول شد. از اعضای انجمن ادبی شیدا بود و در اشعارش «سالك» و «سالك پیر» تخلّص می کرد.

[وی سرانجام در ماه رجب ۱۳۵۶ق وفات یافته و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.]

از اوست:

جهان را جُوی قدر و مقدار نیست

بر آن بستن دل سزاوار نیست

ز دنیا حذر کن کزین پیرِ زال

به مردان حق غیر آزار نیست(۲)

[تذکر: خلیفه در اصطلاح مردم قدیم اصفهان برای نانوایان و در یزد برای قنّادها به کار برده می شد.]

حسن کاشانی*

حسن فروتن کاشانی بن حسین، شاعر معاصر، در سال ۱۳۱۱ش در کاشان به دنیا آمد. در زادگاه خود تحصیل نمود. در نوجوانی در انجمن مداحان کاشان شرکت کرد و به مدّاحی پرداخت. در سال ۱۳۳۶ش به اصفهان آمده و در کارخانه ریسندگی و بافندگی شهناز به عنوان مکانیك بافندگی به کار پرداخت. او در کنار کار روزانه در انجمن های ادبی شرکت می کرد. مجموعه اشعار او با عنوان «نغمه کاشانی» در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است. درشعر «کاشانی» تخلّص می کند.

از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۳۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۳؛ تذکره شاعران نانوا، ص۱۵۱؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

ربود دل ز کف از این اشارت ابرو

نمود غارت دین زان دو نرگس جادو

حَذَر که فتنه ضحاک شد ز نو برپا

فکند تا به سر دوش یار من گیسو(۱)

میرزا حسن شکسته نویس*

میرزا حسن شکسته نویس فرزند میرزا حسین مُشرِف اصفهانی، از خوشنویسان معروف خط شکسته در اواخر قرن سیزدهم هجری است.(۲)

حسنِ خداداد*

حسن بن کربلایی خداداد، نقاش و خطاط معروف به «حسنِ خداداد» از هنرمندان نقاش و قلمدان ساز عصر زندیه (اواخر قرن دوازدهم هجری است) در اصفهان ساکن بوده و سجع مهر او «حُسنِ کِلکِ حَسَن خداداد» است، بوده است.(۳)

وی در سه شنبه ۲۴ رمضان ۱۲۲۳ش کتاب «شرح الخلاصه الأدعیه» را به خط نستعلیق کتابت کرده که به شماره ۶۰۸۷ در کتابخانه ملّی ملک در تهران موجود است.(۴)

میرزا محمّد حسن منجم اصفهانی

میرزا محمّد حسن بن میرزا دوست محمّد بن خان محمّد منجّم اصفهانی، از اساتید فن نجوم و دانشمندان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. در شب چهارشنبه ۲۲ جمادی الثّانی ۱۲۱۱ه.ق متولّد شد. [در نوجوانی نزد پدر نجوم را آموخت و فن استخراج تقویم را فراگرفت. در طول حیات از اساتید نجوم در اصفهان بوده و برای ۸۷ سال تقویم استخراج نمود. او اصلاً از سادات مدرّسی پاقلعه اصفهان بود و میرزا عبدالغفار پاقلعه ای، از شاگردان دانشمند اوست.]

۱- نغمه کاشانی، صص ۵ و ۶ و ۲۲۸؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوّم)، ص۶۶۴.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۸۳و جغرافیای اصفهان ص ۸۴.

۳- هنر قلمدان، ص۳۹.

۴- فهرست ملک، ج۱، ص۳۹۹.

سرانجام در شب دوشنبه ۲۸ ذیقعده ۱۲۹۲ه.ق وفات یافته، جنازه اش به نجف اشرف منتقل شد و درآن ارض اقدس مدفون گردید.(۱)

ملّا حسن درّی

ملّا حسن بن رجبعلی درّی، عالم فاضل و فقیه جامع و حکیم زاهد. پدرش از اهالی جوشقان کاشان بوده و به قصبه درّ منتقل گردیده و صاحب عنوان در آنجا متولّد گردیده و در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصاً حاج شیخ محمّد باقر نجفی به تحصیل پرداخته تا به مقام اجتهاد نائل آمد. سپس جزو اصحاب محضر شرعی و فتوای حاج آقا نوراللّه نجفی در آمده و خود نیز به رفع خصومات و حل مشکلات مردم می پرداخت. در مسجد نو بازار حجره داشته و در مدرسه نیم آورد تدریس می فرمود.

عمری را به عزّت و قناعت و زهد گذرانیده و غیر از خانه ای مُحَقّر در محلّه نیم آورد نزدیک بازارچه و مسجد حاج محمّد جعفر آباده ای، از مال دنیا چیزی نداشت. او تا اواخر عمر لباس دهاتی خود را عوض نکرده و با کلاه بود لکن در سال های آخر عمر به اصرار برخی از علماء معمّم شد.

[مدّتی در مسجد خان واقع در محلّه «تلواسکان» اصفهان اقامه جماعت می فرمود ولی پول و هدیه ای از کسی قبول نمی کرد. کم کم متوجه شد که هر وقت جمعیت مسجد بیشتر می شود، او هم خوشحال تر می شود. پس ترک امامت مسجد نموده و توبه نموده و به مردم گفت تا نمازهای خود را اعاده کنند و خود نیز همه را اعاده کرد و از کارهای دنیوی کناره گرفت.]

این عالم ربّانی در ربیع الاوّل ۱۳۳۶ق وفات یافته و جنب مزار آخوند کاشی واقع در تکیه ملک در تخت فولاد مدفون شد. [متأسفانه مزار او در سالهای اخیر از بین رفت.]

میرزا حسن خان جابری مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده است:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۷؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۸۶؛ دیوان طرب، ص۶۳؛ جغرافیای اصفهان (تحویلدار)، ص۸۲؛ آثار ملّی اصفهان، ص۱۹۵.

فقیه درّ حسن آن دُرّ یکتا

که زندی گفت بر ابر و به مریخ

صدف بشکست و جست و «جابری» گفت

«غیاب الکوکب الدّری» بتاریخ

از آثار او یک دوره «فقه استدلالی» به فارسی است که آقا میرزا احمد دولت آبادی خواست آن را چاپ کند و موفق نشد. ۲. «مناسک حج»(۱)

میرزا حسن عمرانی*

مرشد میرزا حسن عمرانی فرزند رجبعلی، از شاهنامه خوانان اصفهان در قرن چهاردهم هجری. وی در قهوه خانه های اصفهان از جمله قهوه خانه «تقی قوری» و قهوه خانه «حسن دندان طلا» در میدان کهنه اصفهان به قصه گوئی و شاهنامه خوانی می پرداخت. در فن شاهنامه خوانی و قصّه گویی شاگرد مرشد عباس کسرا (معروف به مرشد عباس بزرگ) بود. او همچنین گاهی اسکندرنامه را نیز برای مستمعین و حاضرین در قهوه خانه ها می خواند. منزل او در کوچه فشارکی واقع در پشت مسجد حاج محمّد جعفر (در خیابان عبدالرزّق) بود. سرانجام در ۲۵ شوال ۱۳۹۴ق (مطابق ۱۸ آبان ۱۳۵۲ش) وفات یافته و در صحن تکیه میر مدفون شد.(۲)

شیخ محمّد حسن لنجانی*

شیخ محمّد حسن بن شیخ محمّد رحیم بن محمّد شفیع لنجانی اصفهانی،عالم فاضل و ادیب شاعر، از فضلای قرن سیزدهم هجری است.

ظاهراً در اصفهان به تحصیل پرداخته و سپس در لنجان اصفهان به زراعت مشغول

۱- تاریخ اصفهان و ری، ص۳۸۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۹۷ و ۴۹۸؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۸.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

شده است. سال وفاتش به دست نیامد اما تا سال ۱۲۶۸ق در قید حیات بوده است.

این کتابها از اوست:

۱. «جنّه الأخبار»، در ۲۷ باب و مقدمه و خاتمه در سالهای ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۸ق تألیف و به منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان تقدیم شده است و تاریخ عمومی است از ظهور اسلام و ایران پس از اسلام تا دوره قاجاریه. نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی موجود است. ۲. «صیغ العقود و الایقاعات»، که نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه صدر خواجوی اصفهان موجود است.(۱)

محمّد حسن بن محمّد رحیم

محمّد حسن بن محمّد رحیم [از علاقمندان و دانشجویان طب در قرن سیزدهم هجری]در روز ۲۰ ربیع الثّانی در مطب اسماعیل بن میرزا محمّد اصفهانی از کتابت نسخه «جواهر اللّغه» تألیف محمّد بن یوسف طبیب هروی فراغت حاصل نموده است. کتاب به شماره ۴۴۸۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

محمّد حسن خوئی

محمّد حسن بن محمّد رحیم خوئی اصفهانی، از فضلاء قرن ۱۳ هجری در اصفهان. در سال ۱۲۴۰ق مجموعه ای از چندین رساله [را] به خط نستعلیق جمع کرده و کتابت نموده است. نسخه به شماره ۴۵۴۷ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

۱- میراث اسلامی ایران، ج۳، صص ۷۲۱-۷۱۹؛ فهرست مرعشی، ج۱۷، صص ۸۱-۷۹؛ تراجم الرجال، ج۲، ص۶۵۷؛ فهرست صدر خواجو، ص ۷۰؛ تذکره شاعران فارسی سرا، صص ۱۹۸ و ۱۹۹.

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۳، ص۳۴۳۲.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۲۴.

محمّد حسن خوشنویس

آقا محمّد حسن خوشنویس بن محمّد رحیم بن آقا غلامعلی بن محمّد رحیم اصفهانی، از خطاطین و خوشنویسان مشهور [دوره قاجاریه] در اصفهان متولّد شد و در این شهر علم و هنر آموخت و نزد پدر مشق خط کرد. خط نسخ را خوش می نوشت.(۱)

میرزا محمّد حسن شیخ الاسلام

حاج میرزا محمّد حسن بن آقا میرزا محمّد رحیم بن میرزا عبداللّه شیخ الاسلام عالم فاضل.

وی در اصفهان متولّد شد. مادرش دختر حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی نجفی است. در اصفهان نزد جمعی از بزرگان علماء این شهر همچون آقانجفی و دیگران تلمّذ نموده و پس از فوت پدر در سال ۱۳۰۶ق به مقام شیخ الاسلامی منصوب گردید و به وظائف آن در کمال صحّت و قدرت اقدام می نمود.

سرانجام در شب ۱۷ جمادی الثّانیه سال ۱۳۰۹ق در اثر نوشیدن قهوه مسموم (قهوه قجری) رحلت نمود. جنازه به مشهد مقدّس نقل و در سرداب مدرسه میرزا جعفر مدفون گردید.(۲)

دکتر سیّد حسن آیت*

شهید دکتر سیّد حسن آیت نجف آبادی فرزند محمّد رضا، از چهره های سیاسی و اجتماعی معاصر. در سال ۱۳۱۷ش متولّد شده و تحصیلات خود را در زادگاهش آغاز کرد و در اصفهان ادامه داد. سپس به دانشگاه تهران رفته و به ترتیب لیسانس ادبیات فارسی، فوق لیسانس علوم اجتماعی، لیسانس حقوق و لیسانس روزنامه نگاری را اخذ

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص ۸۵۰.

۲- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۴۰-۱۳۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۱۳ و ۲۱۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۵.

نمود. سپس در مدارس عالی قم، لاهیجان و اراک و همچنین در دانشگاه ملّی [شهید بهشتی فعلی]و دانشگاه علم و صنعت به تدریس پرداخت.

او قبل از سال ۱۳۴۲ش عضو حزب زحمتکشان به رهبری مظفر بقائی بود امّا به علّت اختلافاتی که با بقائی داشت در سال ۱۳۵۲ش از حزب اخراج شد. در مبارزات دوران انقلاب از چهره های مشهور به شمار می رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عضو حزب جمهوری اسلامی و دبیر آن گردید. در سال ۱۳۵۸ش به عنوان نماینده مردم اصفهان به مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی انتخاب شد. او در این مجلس برای تصویب اصل ولایت فقیه در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تلاش بسیاری کرد. در سال ۱۳۵۹ به عنوان نماینده مردم تهران به مجلس شورای اسلامی راه یافت و سرانجام در صبح چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۰ش در تهران ترور و شهید شد و مسؤولیّت آن را گروه تروریستی مشهور به «منافقین» بر عهده گرفت.

دکتر آیت از مخالفان سرسخت ملی گرایی و رهبر آن دکتر محمّد مصدق بود و نطق ها و مقالات آتشین او در سال های پس از انقلاب در میان همفکرانش بازتاب گسترده ای داشت.

این کتاب ها از او به چاپ رسیده است:

۱. «چهره حقیقی مصدّق السّلطنه» ۲. «درسهایی از تاریخ سیاسی ایران» ۳. «نگرشی کوتاه بر نهضت ملّی ایران»(۱)

سیّد حسن حسینی

سیّد حسن بن سیّد رضا حسینی [از نویسندگان کتب در قرن دوازدهم هجری] در اصفهان نسخه ای از «روضه البهیه» را به خط نسخ نوشته است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان است.(۲)

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۷۳-۳۷۰؛ دیباجه دیار نون، ص ۱۳۲؛ روزنامه جمهوری اسلام، مرداد ۱۳۶۰.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۲۴۶.

شیخ محمّد حسن شیخ العراقین

شیخ محمّد حسن بن شیخ محمّد رضا بن شیخ موسی بن شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء)، از علمای قرن چهاردهم هجری. در کربلاـ متولّد شده و در نجف اشرف بزرگ شده، در سن ۱۷ سالگی در ۱۲۹۵ق به اتّفاق برادرش شیخ علی (صاحب حصون) به اصفهان آمده و چهار سال در آنجا به درس حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی و دیگران حاضر شده است. از آن به بعد در اصفهان ساکن بوده و کم کم صاحب ریاست و مکنت بسیار شده و لقب «شیخ العراقین» یافته و به «کاشفی» معروف شد. مدّتی امور کنسولگری عراق در اصفهان را عهده دار بوده و با سفارت روس ارتباط داشته است. از اقدامات او خراب کردن قلعه طبرک اصفهان است.

سرانجام در ۷ ربیع الثّانی ۱۳۳۶ق وفات یافته، جنازه اش به نجف نقل گردیده و در مقبره خانوادگی مدفون شد.(۱)

سیّد حسن ملّاباشی

سیّد حسن بن حاج میرزا رضا ملّاباشی، عالم فاضل. مادرش دختر شیخ محمّد تقی آقانجفی اصفهانی بود. در حدود سال ۱۳۲۸ق در اصفهان متولّد گردیده و در خدمت فضلاء این شهر همچون شیخ علی مدرّس یزدی و شیخ محمّد حکیم و شیخ محمّد علی فتحی دزفولی و دیگران تحصیل نموده و در اثر هوش و استعداد فی الجمله پیشرفتی نموده، امّا در اثر ابتلا به مرض فالج سال های متمادی بستری و خانه نشین بوده و سرانجام در شب ۹ جمادی الاولی ۱۳۹۸ق وفات یافته و در بقعه آقانجفی جنب امامزاده احمد اصفهان مدفون شد. او شاعری ادیب بوده و «صافی» تخلّص می نموده و دیوان اشعارش شامل چهار قطعه ترجیع و رباعیات و مثنویات به شماره ۱۰۴۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

۱- ماضی النّجف و حاضرها، ج۳، ص۱۸۲؛ تاریخ نائین، ج۴۷ ص۸۹؛ تاریخ اصفهان (جابری): تعلیقات، ص۱۰۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۶۹ و ۷۰.

این شعر از اوست:

این حسن و لطافت ز دیاری دگر است

وین قامت موزون ز دیاری دگر است

چون خوبی این جهان همه عاریتی است

در دیده تحقیق از دیاری دگر است(۱)

ملّا محمّد حسن نائینی

ملّا محمّد حسن نائینی بن زکریا آرندی نائینی، عارف کامل و زاهد متقی. از دانشوران و عرفای قرن سیزدهم هجری.

در اوایل عمر شبانی می کرده. خدمت حاج محمّد حسن عارف نائینی رسیده و به وادی عرفان وارد شده، ریاضات و مجاهدات او در طریقه اویسیه بوده است. سال ها در مدرسه نیم آورد ساکن و در علوم حکمت و ریاضی تدریس می نموده و بزرگان به او ارادت می ورزیده اند. مشهور آن است که اگر هزار مسأله در علوم مختلف از او می پرسیدند، بدون مراجعه به مدرک همگی را جواب می گفت. قبل از تأسیس تلگراف و پیدایش باب، از آنها خبر داده است.

سرانجام درسال ۱۲۷۰ق وفات یافته، در ایوان بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ و مرثیه او را میرزا عبدالکریم سمیرمی نطنزی متخلّص به «سیما» سروده است که بیت آخر آن چنین است:

گفت سیما بهر تاریخ وی از الهام غیب

«جای بگزیده بجنّت مرشد کامل حسن»

۱۲۷۰ (۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۱۴ و ۲۱۵؛ مزارات اصفهان، ص۵۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۶۵ و ۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۳؛ جغرافیای اصفهان (تحویلدار)، ص۶۸؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۲۳۹ و ۲۴۰؛ تاریخ نائین، ج۱، صص ۹۶ و ۹۷؛ تکمله نجوم السّماء، ج۱، ص۴۷۳؛ المآثر الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۲۷؛ الکرام البرره، ج۱، ص۳۰۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۲۷ و ۴۰۰؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۳۲۶؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۵۵؛ انساب خاندان های مردم

نائین، ص۱۵؛ دائرهالمعارف تشیع، ج۱، ص۵۱؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۶۱.

سیّد حسن زینتی نطنزی*

سیّد حسن زینتی بن زین الدّین بن محمّد زمان بن لطف اللّه بن شمس الدّین محمّد بن شرف الدّین حسین بن تاج الدّین حسن واقف نطنزی، از شعراء و ادبای اصفهان در قرن یازدهم هجری است. نسب شریف او به عارف عالی مقدار سده نهم هجری سیّد واقف نطنزی منتهی می شود. از سادات افوشته نطنز بود ولی اغلب در اصفهان ساکن بود. نصرآبادی که معاصر اوست در تذکره خود می نویسد: «در کمال قید و صلاح دین داری است.»

میر زینت متولی موقوفات سیّد واقف نطنزی بود. از او عریضه ای خطاب به یکی از دولتمردان صفوی به نام صفی قلی به تاریخ ۱۰۶۸ق موجود است که زینتی از او درخواست نموده که فردی را مأمور کند که رقبات وقف را از دست غاصبین خارج کرده و به تصرف او درآورد.

سال درگذشت زینتی معلوم نیست. مزار او در بقعه ای مخصوص در روستای «افوشته» نطنز هنوز باقی است و به «گنبد میر سیّد» شهرت دارد. او در سرودن انواع شعر مهارت داشت.

این شعر از اوست:

ای بی خبر ز خاک نشین دیار دوست

دارد دم مسیح هوای غبار دوست

گر وعده دوز خست و گر خلد شاد باش

بیرون نمی برند تو را از دیار دوست(۱)

شیخ حسن عاملی

شیخ حسن بن زین الدّین بن محمّد بن حسن بن زین الدّین عاملی (شهید ثانی)، عالم فاضل صالح، از دانشمندان قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و نزد عمویش علی بن محمّد بن حسن عاملی مؤلف «الدّر المنثور» تحصیل نموده است. شیخ محمّد حُرّ عاملی و میرزا عبداللّٰه افندی در کتابهای خود از او یاد کرده اند.(۲)

میر سیّد حسن موسوی خوانساری

میر سیّد حسن بن میرزا زین العابدین موسوی خوانساری، عالم فاضل مجتهد، در سال ۱۲۵۴ق درا صفهان متولّد گردید و در اوایل بلوغ به درجه اجتهاد رسید و در سال ۱۲۷۳ق در زمان حیات پدر وفات یافت و در قبرستان ستّی فاطمه مدفون گردید. هنگام احداث خیابان و خراب کردن آن قبرستان جسد شریفش را که هیچ گونه تغییری در آن پیدا نشده بود به تخت فولاد منتقل کرده و در تکیه صاحب روضات، بین بقعه و شبستان آقاباشی مدفون ساختند.(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص۴۶۶؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۰۸؛ تذکره روز روشن، صص ۳۳۳ و ۳۳۴؛ تذکره آتشکده، بخش سوم، نیمه نخست، ص۹۴۵؛ تذکره حسینی، ص۱۳۹؛ تذکره غنی، ص۶۲؛ تذکره محمّد شاهی: نسخه خطی؛ میراث فرهنگی نطنز: ج ۲، صص۱۴۴-۱۳۸.

۲- امل الآمل، ج ۱، ص۶۳؛ کواکب المنتشره، ص۱۶۵.

۳- مناهج المعارف، مقدمه، ص۳۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۳۴۰؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۸.

حسن قائنی اصفهانی

حسن بن سعد قائنی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری و ساکن اصفهان] در جمادی الثّانی ۱۰۲۴ق نسخه ای از «تحریر اقلیدس» تألیف خواجه نصیرالدّین طوسی را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۱)

حسن اصفهانی*

حسن بن سلیمان اصفهانی، از هنرمندان قرن هشتم هجری است. در منبت کاری و چوب تراشی چیره دست و استاد بوده است. از آثار او یک رحل قرآن است که از آثار ارزنده متبّت بر روی چوب به شمار می رود. بر روی این رحل نقوش هندسی زیبا و تزئینات جالب چون شکوفه و اشکال برگ نخلی و گل و گیاه دیده می شود. در کتیبه این رحل علاوه بر اسامی دوازده امام شیعه اسم سازنده و تاریخ ساخت آن (ذی الحجه ۷۶۱ق) مشهود است. این اثر ارزنده در موزه «مترو پولیتن» موجود است.(۲)

حسن اصفهانی

حسن بن شاذه بن وَنّه اصفهانی، از محدّثین اصفهان بوده و از هُدبه بن خالد حدیث شنیده است. احمد بن جعفر اصفهانی از او استماع حدیث کرده است.(۳)

سیّد حسن اصفهانی

سیّد حسن بن صادق اصفهانی، عالم فاضل جلیل. در کربلا نزد پدر خود و جمعی دیگر تحصیل نموده و سپس در نجف در درس فاضل مامقانی، حاج میرزا حسن خلیلی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی تحصیل نموده و به ایران آمد. مدّتی در خراسان بوده و

۱- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۹۸.

۲- تاریخ عمومی هنرهای مصور، ج۲، ص۲۶۱؛ راهنمای صنایع اسلامی، ص۱۲۳.

۳- اللباب، ج۳، ص۳۷۵؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۵.

عاقبت در رشت ساکن شده و به ارشاد مردم مشغول شده و از مرجع حل مشکلات شرعی آن حدود بوده و همانجا وفات یافته است.(۱)

میرزا حسن تبریزی

میرزا حسن بن میرزا محمّد صادق خان تبریزی اصفهانی، عالم فاضل و ادیب. پدرش به امر شاه عباس اوّل از تبریز به اصفهان آمده و در محلّه عباس آباد سکونت نمود.

میرزا حسن در اصفهان تحصیل کمالات نموده و در علم و فضل بر اقران فائق آمد. وی شرحی بر اشعار مشکله مثنوی معنوی نوشته و رسائلی در معقولات دارد.(۲)

محمّد حسن نصیری طوسی

محمّد حسن بن محمّد صالح نصیری طوسی، عالم فاضل و ادیب شاعر، از دانشوران قرن دوازدهم هجری و از ادباء و فضلای خاندان نصیری طوسی در اصفهان است. وی کتاب «هدایه المسترشدین» در باب استخارات را در ۱۳ ربیع الثّانی ۱۱۳۲ق تألیف نموده است. گاهی شعر می سروده و «طالع» تخلّص می کرد.

وی قطعه ای درباره سیلاب سال ۱۱۱۰ق در اصفهان سروده که مادّه تاریخ آن چنین است:

بود «طالع» به فکر تاریخش

تا نماید بیان به عین وضوح

شد روان بر زبان ز منبع دل

«نام طوفان نشسته از دل نوح»

صاحب عنوان تا سال ۱۱۳۲ در قید حیات بوده و تاریخ فوت او معلوم نیست.(۳)

۱- نقباء البشر، ج ۱، ص ۴۰۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۹۹.

۲- خزانه عامره، ص ۴۲۹؛ الذریعه، ج ۹، ص ۱۰۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۴۹۸ و ۴۹۹.

۳- الذریعه، ج ۲۵، ص ۱۹۲؛ الکواکب المنتشره، ص ۱۸۳؛ دستور شهر یاران، ص ۲۷۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۴۱۷.

شیخ محمّد حسن همدانی

شیخ محمّد حسن بن آقا شیخ صفر علی همدانی، عالم فاضل زاهد ورع، در اصفهان متولّد شده و نزد پدر و سیّد محمّد باقر درچه ای، سیّد مهدی درچه ای، سیّد محمّد نجف آبادی و شیخ محمّد رضا نجفی تحصیل نمود. او سالها در مسجد پدر خویش (مسجد کوچه باغ دردشت) اقامه جماعت می نمود.

سرانجام در شب جمعه ۲۱ شوال سال ۱۳۸۰ق به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه ای متصل به تکیه ملک مدفون گردید. در سالهای اخیر جهت توسعه تکیه شهداء تکیه ملک و اطاق های مجاور آنان را خراب کردند.(۱)

حسن رستمی

ابو عبداللّه حسن بن ابوالطّیّب عباس بن علی بن حسن رستمی اصفهانی، از محدّثین شافعی اصفهان در قرن ششم هجری است. از عبّاد و زهاد و فقهاء و محققین و محدّثین عصر خویش بوده و از ابی الحسین احمد بن عبدالرّحمان بن محمّد ذکوانی و اباعمرو بن منده و دیگران استماع حدیث کرده است. شیخ متنجب الدّین، عالم و محدّث شیعی و نیز رزق اللّه بن هبهاللّه بن محمّد قزوینی اصفهانی معروف به «ابن شفروه» از او حدیث نقل می کنند.(۲)

محمّد حسن خانی

محمّد حسن خانی بن عباس، از شعرای معاصر اصفهان درسال ۱۲۸۰ش در اصفهان متولّد شد. وی از راه شغل نانوائی امرار معاش می نموده و در سرودن شعر طبع متوسّطی داشته است.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۳۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۰۱ و ۳۰۲.

۲- مرآه الجنان، ج۳، ص۳۴۷؛ لباب الألباب، تعلیقات، ص۶۴۰؛ ثقات العیون، ص۶۰؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص۲۸۳.

از اوست:

حکایتی من محزون کنم دقیقه دقیقه

شکایت از لب میگون کنم دقیقه دقیقه

نکرد درد دلم را علاج آن پری آخر

رواست دیده چو جیحون کنم دقیقه دقیقه(۱)

ملّا محمّد حسن ذاکر اصفهانی

ملّا محمّد حسن ذاکر اصفهانی فرزند عباس، ساکن محلّه مستهلك، اهل منبر بوده و قدری سواد خواندن و نوشتن داشته و مکتب داری می کرده است. طبع شعر متوسطی داشته و کتابی در مراثی و مدایح تنظیم کرده و آن را به نام «تحفه الأئمه» موسوم گردانیده است و متجاوز از هفتصد بیت است. قسمت دوّم کتاب خود را به نام «کتاب نوحه» نامیده و در آن نوحه سینه زنی و غیره است و شامل ۵۰۰ بیت می شود. قسمت سوّم «مناجات نامه» مشتمل بر حدود دویست بیت و مجمع ابیات کتاب حدود ۱۵۰۰ بیت است.

در مدح رسول اکرم صلی الله علیه وآله سروده است:

به مدح خاتم پیغمبران چو بلبل شیدا

شوم مترنّم ز فضل خالق یکتا

محمّد حسن مدّاح زاده

محمّد حسن خزدوز متخلّص به «مداح زاده» فرزند عبّاس از شعرای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۰ش در اصفهان متولّد شد. وی سالها در اداره فرهنگ اصفهان [آموزش و پرورش]به انجام وظیفه مشغول بوده است. [از مداحان اهل بیت علیهم السلام است و در فن مادّه تاریخ سُرایی مهارتی به سزا دارد.]

از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۷۶.

به سوی مردم دانا نظر ای دوست

که خوپذیر بود نفس تو به آسانی

چنانکه خوی بد و نیک همچو آینه است

به روح نقش ببندد ز علم و نادانی(۱)

شیخ حسن دُریاب*

شیخ حسن دُریاب فرزند عباسعلی واعظ صالح، در سال ۱۲۸۰ش در دولت آباد بُرخوار اصفهان متولّد شد. از نوجوانی به تحصیل علوم دینی مشغول شد و مدّتی بعد با پدرش به نجف اشرف مهاجرت کرد و از درس اساتید عالیقدر آنجا خصوصاً آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی و سیّد محسن حکیم بهره برد.

او در کنار تحصیل به وعظ و ارشاد و تهذیب نفوس مردم و ترویج دین مشغول بود. او عالمی زاهد، متواضع، اهل مطالعه بود. و اوقات را به عبادت و تهجّد سپری می ساخت. از مصائب زندگی او شهادت فرزند برومندش در زندان رژیم بعثی حاکم بر عراق بود که آنرا با توکّل و صبر بر خویش هموار ساخت.

در سال ۱۴۲۱ق به ایران آمد و در شهر مقدّس قم ساکن شد و سرانجام در ۵ شوال ۱۴۲۶ق به رحمت الهی واصل شد و پیکرش در قبرستان علی بن جعفر قم مدفون شد. وی ۹پسر داشت که ۷نفر از آنان در کسوت روحانیّت به تحقیق و ترویج دین مشغولند.(۲)

سیّد حسن طالقانی نجفی

سیّد حسن طالقانی عالم کامل و حکیم عارف، از علمای قرن دوازدهم هجری.

حزین لاهیجی شاگردش او را «از اعاظم علماء و اکابر عرفا» دانسته و می نویسد:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۳۴.

۲- یاداشت های آقای رحیم قاسمی.

«در هیچ فنّی از علوم نبود که استحضارش به کمال نباشد. مسائل حکمت را با مشاهدات صوفیّه انطباق داده علوی عظیم در اظهار مراتب ثلاثه توحید است. قُوَّت تقریر و مباحثه اش به مثابه ای بود که احدی از اصحاب جدل را نزد او یاری سخن گفتن نبود... بعض طلبه ظاهر وی را نیز غایبانه به عقاید غیر از شرع اقدس نسبت می دادند.»

میر سیّد حسن طالقانی سالها در اصفهان به تدریس متون حکمی و عرفانی همچون «فصوص الحکم» و «هیاکل النّور» مشغول بود تا اینکه در اوایل قرن دوازدهم هجری در اصفهان وفات یافت. (گویند) وی در تکیه خرابه نزدیک تکیه میرزا رفیعا در تخت فولاد مدفون است.(۱)

میرزا محمّد حسن قاضی

میرزا محمّد حسن بن میرزا عبدالرّحیم قاضی، عالم فاضل، از علمای قرن قرن چهاردهم هجری است. پس از فوت برادرش شیخ ابوالقاسم قاضی، به منصب قضاوت رسیده و با مرگ او دستگاه قضاوت [که در اختیار روحانیت، در اصفهان بود] برچیده شد. گرچه فرزندش مرحوم آقا میرزا عبدالرحیم نیز همین شهرت را داشت لکن مشروطیّت ایران همگی این عناوین را از بین برد.(۲)

سیّد حسن مهاجر*

سیّد حسن مهاجر ابن سیّد عبدالرّسول، از علماء و فضلای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۰۸ش متولّد شد. ادبیات را نزد شیخ حیدرعلی محقّق و شیخ محمّد علی حبیب آبادی خواند و شرح لمعه را از شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی و شیخ محمّد جواد اصولی

۱- تاریخ و سفرنامه حزین، ص۱۶۹؛ تاریخ حکماء و عرفاء، ص۴۸؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۱۰۶۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۴؛ سیری در تاریخ تحت فولاد، ص۱۱۵؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۲۳۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۲۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۲۷۷.

فرا گرفت. قوانین از نزد سیّد علی اصغر برزانی، رسائل و مکاسب را نزد مدرّس کَهَنگی و رسائل را نزد شیخ محمّد رضا جرقویه ای و میرزا ابوالحسن تویسرکانی خواند. در حکمت و کلام از درس آقا صدر کوپائی و هیئت و نجوم را از درس مجدالعلماء نجفی بهره گرفت. همچنین در درس نهج البلاغه میرزا علی آقا شیرازی حاضر می شد. او در درس حضرات آیات شیخ عباسعلی ادیب، حاج آقا حسین خادمی و سیّد عبدالحسین طیّب نیز حضور یافت و کسب فیض نمود. سپس به قم رفته و از درس آیات عظام بروجردی و سیّد محمد حجّت بهره بُرد و در جلسه تفسیر شیخ محمّد تقی اشراقی شرکت کرد. مدتی نیز در مشهد مقدّس از درس حضرات آیات میلانی و میرزا احمد کفائی بهره گرفت.

آنگاه به اصفهان آمد و برای تبلیغ و ترویج دین به کازرون رفته و ۲۸ سال در آنجا ساکن بود. یک تابستان نیز به بروجرد رفت و از درس شیخ علی محمّد بروجردی استفاده کرد.

ایشان سالهاست که در اصفهان ساکن است و نماز جماعت را در مسجد قبا برپا می کند و به بیان احکام الهی بر منبر و تدریس تفسیر در حوزه علمیه اصفهان می پردازد و از علماء وارسته، صالح و زاهد اصفهان به شمار می رود.(۱)

میرزا محمّد حسن چینی

میرزا محمّد حسن حکیم معروف به «چینی» و مشهور به «مولانا» [بن میرزا عبدالغفار بن میرزا محمّد علی دانش اصفهانی، از فلاسفه و دانشمندان عالیقدر قرن سیزدهم هجری. در حدود ۱۲۲۶ق در اصفهان متولّد شد. جدّش میرزا محمّد علی متخلّص به «دانش» و معروف به «آقابزرگ» به شغل چینی فروشی مشغول بود و در کنار آن به کتابت می پرداخت. لذا نوه اش به نام «میرزا حسن چینی» معروف شد. دانش به نواده اش علاقه فراوان داشت و در تشویق او برای کسب علو م ادب سهم مهمی ایفا کرد. پس از

۱- یادداشت های محقّق ارجمند آقای رحیم قاسمی.

فوت او، میرزا حسن به تحصیل ادامه داد تا اینکه موفق به راه یافتن به مجلس درس حکمت آخوند ملّا علی نوری در سالهای آخر عمر او شد و از فیض درس و بحث او برخوردار شد. پس از وفات استادش در ۱۲۴۶ق به تدریس کتب فلسفه مشغول شد]و به قول اعتمادالسّلطنه «در اصفهان حکمت متعالیه را تدریس بلکه تأسیس می فرمود».

[میرزا حسین تحویلدار اصفهانی نیز می نویسد:

«میرزا محمّد حسن چینی استادی بود در علم قریب الدّرجه مرحوم میرزا محمّد حسن نوری و در تقریر اکمل. و بحر وجودش بسیار با وسعت، مضمون (اِذا سکت عمیقٌ و اذا تکلّم مواجٌ) مصداق شأن ایشان بوده. پسر بزرگی دارد، ابوالقاسم نام. نسبت به پدر گمنام است.»

مجدالاسلام کرمانی از یکی از حکماء قرن سیزدهم هجری به نام میرزا حسین ورزنه یاد می کند که در مدرسه چهارباغ اصفهان ساکن بود و جماعتی از اهل ذوق و صفا از طبقه حکماء و شعراء با او مراوده داشتند.

استاد منوچهر صدوقی سها او را «علی الظاهر» همان میرزا محمّد حسن چینی، دانسته است.

میرزا حسن چینی در حدود سال ۱۲۶۴ق وفات یافت. [طبع شعر نیز داشته و «حکیم» تخلّص می کرده است. او قصیده ای در مدح حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی سروده است.]

میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا محمّد حسن شیرازی مرجع و زعیم عالیقدر از شاگردان او هستند.(۱)

۱- تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۳۷؛ جغرافیای اصفهان (تحویلدار)، ص۶۷؛ الکرام البرره، ج۱، ص۲۹۵؛ منتخب معجم الحکماء، ص۷۷؛ تاریخ انحلال مجلس، صص ۲۰۷-۲۰۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۲ و ۴۷۳.

حسن نجف آبادی

حسن بن عبدالقادر نجف آبادی [خطاط نسخ نویس قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۶۰ق کتابت نسخه ای از «جواهر الکلام» مُجَلَّد فرایض و قضاء و شهادات را نوشته است. نسخه به شماره ۲۳۹ در کتابخانه آیت اللَّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

شیخ محمّد حسن نظام العلماء

شیخ محمّد حسن نظام العلماء فرزند شیخ عبدالکریم شیرازی، عالم فاضل از نوادگان شیخ محمّد تقی رازی صاحب حاشیه است. از آزادیخواهان صدر مشروطیت بوده و از بذل مال و کمک به آزادیخواهان مضایقه نداشته است. وی در سال ۱۳۵۱ق وفات یافته و [بنا به نوشته نسب نامه الفت در یکی از اطاق های ضلع شرقی تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون شده است.

حاج آقا نوراللَّه نجفی، از علماء بزرگ اصفهان و از رهبران مشروطیت در اصفهان شوهر خواهر او بوده است.(۲)]

محمّد حسن اصفهانی

محمّد حسن بن عبداللَّه اصفهانی [خطاط نسخ نویس] در پنج شنبه دهم شعبان ۱۲۴۰ق کتابت نسخه ای از کتاب «تنقیح المقاله در توضیح رساله» تألیف: هبهاللَّه شاهمیر حسنی حسینی متوفای ۸۹۸ق را به خط نسخ به پایان رسانیده [است]. نسخه به شماره ۶۹۷۲ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۵۲.
۲- تاریخ مشروطیت (ملک زاده)، ج۱، ص۲۰۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۱۰۷؛ گلشن اهل سلوک، ص۲۲۳.
۳- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص ۱۵۰.

میرزا حسن قاضی

آقا میرزا حسن بن آقا شیخ عبداللّٰه قاضی، «عالم عامل، فاضل ادیب، جامع معقول و منقول» از علمای اواخر دوره قاجاریه وی از سلسله مشایخ بیدآباد است که نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی می پیوندد.

وی در ۱۰ رجب ۱۳۴۲ق وفات یافته و در صحن تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

شیخ محمّد حسن گیلانی

شیخ محمّد حسن بن عبداللّٰه گیلانی، عالم فاضل. از علمای قرن دوازدهم هجری و از مشایخ بیدآباد اصفهان است. در گیلان متولّد شده و در اصفهان سکونت گزیده و پس از وفات در قبرستان آب بخشان اصفهان مدفون گردیده است.(۲)

وی اوّلین فرد این خاندان است که به منصب قضاوت این شهر نائل گردیده است.(۳)

حسن لُغذَه اصفهانی

ابوعلی حسن بن عبداللّٰه لُغذَه (یا لکذه یا لذکه) اصفهانی، ادیب و نحوی لغوی، از دانشمندان و ادبای اصفهان است.

از شاگردان زجاج و باهلی و از مصاحبان و معاصران اصمعی، کرمانی و ابوحنیفه دینوری بوده و در عصر خویش در عراق از حیث مقام علمی و ادبی کم نظیر بوده است.

صاحب عنوان در سال ۲۱۰ق وفات یافت. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «التّسمیه» ۲. «خلق الإنسان» ۳. «خلق الفرس» ۴. «دیوان اشعار» ۵. الردّ علی «ابن قتیبه» فی غریب الحدیث ۶. «الصّفات» ۷. «مختصر النحو» ۸. «النّوادر» ۹.

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۱۹.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۲۳۴.

«نقض علل النّحو» ۱۰. «الهشاشه و البشاشه» و غیره.(۱)

سیّد حسن قاضی عسکر

سیّد حسن بن عبدالمجید حسینی اصفهانی (قاضی عسکر)، از وعاظ اصفهان در قرن سیزدهم هجری بوده [است.] از آثار او:

۱. کتابت نسخه ای از «اطباق الـذّهب» به خط نسخ خیلی خوب که در سال ۱۲۷۶ق آن را نوشـته و به شماره ۷۵۱ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران موجود است.(۲)

۲. کتابت نسخه ای از «اطواق الذّهب» زمخشری، به خط نسخ خیلی خوب که در سال ۱۲۷۶ق آن را نوشته و به شماره ۷۵۳ در همان کتابخانه موجود است.(۳)

این دو کتاب بر حسب خواهش یا امر سیف الملک نوشته شده است و سیف الملک لقب عباسقلی خان نوری است.

۳. کتـابت نسـخه ای از «محضـر الشـهود فی ردّ الیهود» تألیف: حاج بابا قزوینی که در سال ۱۲۶۸ق کتابت شـده و در کتابخانه آیت اللّه نجفی در اصفهان موجود است.(۴)

حسن جنگعلی*

حسن جنگعلی فرزنـد عبـدالمحمود بن ملّا حسن مؤذن، متولّـد ۱۳۱۶ش در اصـفهان. در مـدرسه عَلیّه تحصـیل کرده و در خط شاگرد اسـتاد حبیب اللّه فضائلی است. خطوط نستعلیق، نسـخ، شکسـته و ثلث را مشق کرده و به خط ثلث علاقه فراوانی دارد. کتیبه های برخی از مساجد اصفهان به خط اوست.(۵)

۱- معجم الادبـاء، ج۸، ص۱۴۴؛ ریحـانه الادب، ج۵، ص۱۲۷؛ معجم المـؤلّفین، ج۳، ص۲۳۸؛ روضـات الجنّات، ج۳، ص۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۹۹ و ۵۰۰؛ هدیه العارفین، ج۵، ص۲۶۸.

۲- فهرست کتابخانه سپهسالار، ص۱۱.

۳- فهرست کتابخانه سپهسالار، ص۱۳.

۴- قبیله عالمان دین، ص۲۴۳.

۵- مصاحبه با آقای حسن جنگعلی در بهار ۱۳۸۷.

سیّد حسن فقیه امامی*

حاج سیّد حسن فقیه امامی ابن حاج سیّد عطاءاللّٰه درب امامی عالم جلیل، از علمای معاصر اصفهان.

در سال ۱۳۵۳ق برابر با ۱۳۱۳ش در اصفهان متولّد شده و نزد پدر دانشمند خود و جمعی از علمای اصفهان همچون حاج شیخ احمد فیاض، حاج شیخ محمّد حسن نجف آبادی، حاج آقا حسین خادمی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی، شیخ علی مشکوه سِدِهی، حاج میر سیّد علی بهبهانی، شیخ علی قدیری کَفرانی، سیّد علی اصغر برزانی، شیخ محمّد علی معلّم حبیب آبادی، سیّد مرتضی موحّد ابطحی و مجدالعلماء نجفی به تحصیل پرداخته و سپس در اصفهان به انجام وظایف شرعیه اهتمام ورزید.

وی دهها سال است که به تدریس فقه و اصول و حدیث و تفسیر در حوزه علمیه اصفهان مشغول است. ظهرها در مسجد الکریم و شب ها در مسجد بابا محمّد علی سقا (مسجد امامی) اقامه جماعت می نماید و به پاسخگویی و رفع مشکلات شرعی مردم می پردازد.

در بسیاری از امور خیریه پیشقدم بوده و به همت ایشان بسیاری از مساجد و مدارس حوزه علمیه اصفهان مانند مدرسه ذوالفقار، مدرسه خالصیه، مدرسه بابا قاسم، مدرسه نیم آورد، مدرسه عربان تعمیر شده و مدارس تازه همچون مدرسه محمودیه و مدرسه الغدیر و مدرسه جوادیّه تأسیس شده است. همچنین با بسیاری از مؤسسات خیریه و مذهبی اصفهان همکاری داشته و یا عضو هیأت امنای آنها بوده است.

سخنرانی ها و فعالیت های ایشان علیه فرقه بهائیت و عقاید مارکسیستی و التقاطی در اصفهان بسیار مشهود است.

کتابهای زیر از تألیفات ایشان است و به طبع رسیده است:

۱. «خمس» ۲. «نقش عقل در احکام الهی» ۳. «آیا فهم قرآن آسان است ۴. «صراط

مسستقیم»(۱)

حسن اصفهانی

حسن بن علویه اصفهانی [کرانی]، از محدّثین ثقه [و مورد اعتماد بوده] و ظاهراً برادر احمد بن علویه اصفهانی [کرانی] باشد.(۲)

حسن اصفهانی

حسن بن علی اصفهانی، خطاط نسخ نویس، در قرن یازدهم هجری است. در هندوستان ساکن بوده و در سال ۱۰۹۴ق در گلشن آباد هند، «تاریخ نگارستان» تألیف: قاضی احمد غفاری را به خط نسخ کتابت کرده است. این کتاب به شماره ۵۷۴۷ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

افضل الدّین حسن مهابادی

افضل الدّین حسن بن علی بن احمد بن علی مهابادی، فقیه صالح متبحّر، از ثقات علمای امامیه در قرن ششم هجری است.

اصلاً از اهالی قریه «ماه آباد» یا «مهاباد» از توابع اردستان و نواده افضل الدّین احمد بن علی مهابادی است. در فقه، حدیث، ادبیات و سایر علوم زمان خود مهارت داشته و از پدرش «علی مهابادی» روایت می نموده است. شیخ منتجب الدّین بن بابویه از او روایت می کند.

کتب زیر از اوست:

۱. «الأعراب» ۲. «دیوان شعر» ۳. «ردّ التّنجیم» ۴. «شرح شهاب الأخبار» قاضی

۱- یادواره آیت اللّه فقیه امامی، صص ۲۹-۲۶.

۲- اعیان الشیعه، ج۹، ص۴۴.

۳- فهرست مجلس: ج۱۷، ص۱۸۸.

قضاعی ۵. «شرح لمع» ابن جنّی در نحو ۶. «شرح نهج البلاغه» و غیره(۱)

خواجه حسن نظام الملک طوسی

خواجه حسن نظام الملک طوسی بن علی بن اسحاق بن عبّاس طوسی، از معروفترین وزرای ایرانی در عهد سلاجقه.

در سال ۴۰۸ق یا ۴۱۰ق در «نوغان» طوس متولّد گردید. وی نزد بزرگان دین و علم در عهد خود از جمله ابوالقاسم قشیری، امام موفق نیشابوری، ابوسعید ابوالخیر، حسن بن علی بلخی و دیگران در بلخ، اصفهان، نیشابور و بغداد تحصیل کرد و نظر به عقل و کیاست و حسن تدبیر به مقامات بالایی دست یافت. ابتدا به خدمت حاکم بلخ علی بن شاذان درآمده و سپس به خدمت جغری بیک و پس از مرگ او به خدمت طغرل بیک مشغول شد. آلب ارسلان در سال ۴۵۵ق او را به وزارت خود برگزید. پس از مرگ آلب ارسلان، فرزندش ملکشاه او را در مقام وزارت ابقا کرد. دوره وزارت خواجه نظام الملک ۳۰ سال طول کشید.

او نسبت به علماء و محدّثین احترام می گذاشت و برای هر یک از آنان بنا به فراخور حال و موقعیّت علمی و اجتماعی آنان جوائز، انعامات و حقوق معین کرد. در شهرهایی چون اصفهان، بغداد، ری، مرو، نیشابور و هرات مدارسی جهت تحصیل فقهاء و محدّثین فرقه شافعی تأسیس نمود که مهمترین آنها مدرسه نظامیه بغداد می باشد. خواجه نظام الملک سرانجام در شب جمعه یازدهم ماه رمضان سال ۴۸۵ق در مسافرت به بغداد، در قریه ای نزدیک نهاوند به نام «صحنه» به دست یکی از فدائیان اسماعیلی به

۱- امل الآمل، ج۲، ص۶۹؛ الفهرست (منتجب الدّین)، ص۵۱؛ ثقات العیون، صص ۶۱ و ۶۲؛ ریاض العلماء، ج۱، صص ۲۲۱ و ۲۲۲؛ روضات الجنّات، ج۲، ص۲۶۰؛ فوائد الرضویه، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۰۰؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۸۸ و ۲۸۹؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۶۱؛ الذریعه، ج۲، ص۲۳۳ و ج۹، ص۲۳۹ و ج۱۴، ص۱۲۳؛ آتشکده اردستان، ج۲، صص ۲۶۹ و ۲۷۰؛ لغت نامه دهخدا، ذیل حسن، ص۶۰۶.

ضربه چاقو از پای درآمد. در ماه شوال ملکشاه نیز فوت شد. جنازه خواجه نظام الملک را به اصفهان آورده و در منزل خودش دفن کردند. بعداً ملکشاه را نیز به اصفهان و در جوار او مدفون ساختند.

از خواجه نظام الملک علاوه بر مدارس نظامیه مؤسسات و اماکن عام المنفعه زیادی بنا کرد که از جمله بیمارستانی در نیشابور، رباطی در بغداد، مسجد جامع طوس، مسجد جامع نوغان و غیره.

کتب زیر را از مؤلّفات خواجه نظام الملک ذکر کرده اند:

۱. «امالی نظام الملک فی الحدیث» مطبوع ۲. «سیاست نامه» یا «سیرالملوک»، به فارسی که چندین بار چاپ شده است. ۳. «قانون الملک» که شاید همان «سیاست نامه» باشد. ۴. «وصایای نظام الملک» یا «دستور الوزراء» [که به او نسبت داده اند که احتمالاً]در قرن نهم آن را به نام فخرالدوله وزیر یکی از از اعقاب خواجه نظام الملک تألیف کرده اند.

مزار نظام الملک در محله «دالبتی» (دارالبطیخ) در محله کران اصفهان بوده و موقوفاتی برای آن معیّن کرده بودند و آنجا به «تربت نظام» معروف بود.

نگارنده در کتاب مزارات اصفهان شرح حال مفصلی از او نوشته ام.(۱)

۱- مزارات اصفهان، صص ۲۰۱-۱۸۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۵۹۲-۵۹۰؛ مدارس نظامیه: اغلب صفحات؛ جامع التّواریخ (قسمت اسماعیلیان، فاطمیان و نزاریان)، ص۱۳۴؛ اللّباب، ج۳، ص۳۶۵؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۲۱۴؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۴۱۷؛ شرح احوال شاعران بی دیوان، صص ۵۸۳-۵۸۱؛ مطلع الشّمس، صص ۲۶۶-۲۵۷؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۲، ص۹۰۴؛ تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۶۶؛ الکامل فی التاریخ، ج۱۰، ص۲۰۴؛ تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام، صص ۲۳۹-۲۳۵؛ الاعلام، ج۲، ص۲۱۹؛ الذریعه، ج۱۲، ص۲۷۳؛ روضات الجنّات، ج۳، ص۸۷؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «نظام»، ص۵۹۷؛ ریحانه الادب، ج۶، ص۲۰۹؛ فرهنگ معین، ج۶، صص ۲۱۳۰ و ۲۱۳۱.

میر سیّد حسن مدرس

میر سیّد حسن مدرس بن میر سیّد علی بن میر محمّد باقر حسینی میر محمّد صادقی بن میر اسماعیل بن میر سیّد ابوصالح بن میر عبدالرزّاق بن میر محمّد اسماعیل به میر سیّد ابوصالح حسینی اعرجی سمنانی، عالم کامل و فقیه محقق مدقق، جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول.

در سال ۱۲۱۰ق در اصفهان متولّد شده و در اصفهان نزد پدر خود و دیگران کمی تحصیل نمود. بعداً در کربلا خدمت ملّا محمّد شریف العلماء و در نجف نزد صاحب جواهر و حاجی کلباسی (قبل از معاودت به ایران) و عدّه ای دیگر تلمّذ فرموده و پس از مراجعت به اصفهان نزد شیخ محمّد تقی رازی و برادرش شیخ محمّد حسین صاحب فصول و آخوند ملّا علی نوری تحصیل نمود وبا سیّد محمّد حسن مجتهد [از اجداد مؤلف کتاب] هم درس و هم مباحثه بوده و این رفاقت و دوستی تا هنگام وفات برقرار بود. مرحوم مدرس از میر زین العابدین خوانساری و صاحب جواهر اجازه داشته است. او در زمان حیات استاد خود حاجی کلباسی در اصفهان حوزه بحث و درس و افاده تشکیل داده و عدّه ای کثیر از فضلاء و مجتهدین به درس او حاضر شده و او به «مدرّس» معروف گردید.

از آثار خیریه او بنای مسجدی زیبا و آبرومند در محلّه نو اصفهان است که به خاطر وفات مرحوم مدرس نیمه کاره ماند و رحیم خان بیگلر بیگی، مسجد را به پایان رسانده و مسجد به نام او به «مسجد رحیم خان» معروف شد.

صاحب عنوان در ۳ جمادی الثّانیه سال ۱۲۷۳ق وفات یافته و در مسجد خویش در مقبره ای مخصوص مدفون گردید.

تألیفات ایشان عبارتند از:

۱. «اجوبه المسائل» ۲. «ترجمه نجاه العباد» صاحب جواهر ۳. «جوامع الکلم» یا «جوامع الاصول» [۴. «حاشیه بر شفا»] ۵. «رساله فی اصول الجاریه فی الشّک فی المکلّف به» ۶. «رساله فی اصاله البرائه» ۷. «رساله فی العداله» ۸. «رساله فی قاعده

لاضرر» ۹. «رساله فی اصاله الصّحه» ۱۰. «رساله در عبادت» به فارسی ۱۱. «رساله فی القضاء و الشّهادات» ۱۲. «شرح مختصر النّافع» ۱۳. «مناسک حج» ۱۴. «هدایه الطّالبین» که رساله عملیّه اوست.(۱)

میرزا محمّد حسن نوری

میرزا محمّد حسن بن آخوند ملّا علی نوری، از علماء و حکمای قرن سیزدهم هجری، جامع معقول و منقول، خبره در رتبه علم و عمل و از افاضل مدرسین حکمت. در اصفهان متولّد شده و نزد پدر عالیقدر خود و همچنین ملّا محمّد علی نوری و سایر فضلاء اصفهان به تحصیل پرداخته و سپس به تدریس مشغول شده و شاگردان دانشمندی چون آقا علی مدرس زنوری، ملّا حیدر صبّاغ لنجانی، میرزا ابوالحسن جلوه، ملّا عبدالجواد خراسانی، حاج ملّا اسماعیل حکیم درکوشکی و آقا محمّد رضا قمشه ای (حکیم صهبا) را تربیت نموده است.

وی سفری به عتبات عالیات رفته و در کربلا۔ صاحب فرزندی شده که به امر سیّد ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط) او را عبدالحسین نامیده است و ظاهراً خود از محضر صاحب ضوابط بهره علمی برده است.

همچنین در زمان صدارت میرزا آقاخان نوری [بین سالهای ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ق] به طهران رفته و مورد تکریم میرزا آقاخان قرار گرفته است.

میرزا محمّد حسن نوری حواشی علمی ارزنده ای بر برخی از کتب معقول نگاشته

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۰۹-۵۰۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۵۵-۱۵۳؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۰۳-۳۰۱؛ مکارم الآثار، ج۲، صص۳۷۶؛ مزارات اصفهان، صص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۳۶-۳۳۴؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۲۶۷؛ احسن الودیعه، ج۱، صص ۱۴۶ و ۱۴۷؛ معجم المؤلفین، ج۳، ص۲۶۰؛ روضات الجنّات، ج۲، ص۲۹۹؛ الذریعه، ج۴، ص۱۴۲ و ج۵، ص۲۴۷؛ شرح حال رجال ایران، ج۲، ص۳۲۶؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۹۳۷؛ لغت نامه دهخدا، ذیل حسن، ص۶۰۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۵۴؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص ۳۳۰.

است. سال وفات او معلوم نیست.(۱)

ملّا حسن دیلمانی گیلانی

آخوند ملّا حسن بن ملّا علی بن ملّا حسن فقیه دیلمانی تنکابنی، عالم فاضل حکیم عارف و ادیب شاعر، از بزرگان اهل فضل و دانش بوده و در محلّه لنبان اصفهان ساکن بوده و بدین مناسبت به ملّا حسن لُنبانی نیز شهرت داشته است. وی تصوف را با حکمت جمع ساخته و در مسجد جامع عباسی تدریس حکمت خصوصاً شفا و اشارات می نموده است.

[ملّا عبداللّه افندی صاحب ریاض با او نظر خوشی نداشته و می نویسد] از علوم دینی و نقلی نصیبی نداشته است.[امّا ملّا عبدالنبی قزوینی در تتمیم امل الآمل از او به عنوان «انه کان من الفضلاء و المشهورین و العلماء المعروفین علی مشرب الصّوفیه» یاد می کند.]

در اواخر عمر قوای عقلانیش اختلالی یافته و در همان اوان به تاریخ ۱۶ صفر ۱۰۹۴ق وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد. قبر او اکنون در بقعه صاحب روضات واقع شده است. گاهی رباعی می سروده است.

این رباعی از اوست:

از کثرت داغ توام افلاکم

وز زور لگدکوب حوادث خاکم

باران نشاط گر ببارد سنگم

ور آتش غم شعله کشد خاشاکم(۲)

۱- المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۷۰؛ جغرافیای اصفهان (تحویلدار)، ص۶۷؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۴۲ و ۳۴۳؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۲۸ و ۴۰۲؛ شواهد الرّبوبیّه: مقدمه، ص صد و بیست و شش؛ منتخبی از تاریخ فلاسفه اسلام، ص۳۵۴؛ منتخب معجم الحکماء، ص۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۰۰ و ج۲، ص۸۲۹؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۳۶۰.

۲- تذکره نصرآبادی،ج۱، ص۲۲۸؛ ریاض العلماء، ج۱، ص۱۸۴؛ تتمیم امل الامل، ص۱۰۵؛ الروضه النضره، ص۱۵۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۷ و ۴۷۹ و ۵۴۳؛ اعیان الشیعه، ج۲۱، ص۲۵۴، الذریعه، ج۹، ص۲۴۲؛ تاریخ علماء و شعرای گیلان، ص۱۱۲؛ نامها و نامدارهای گیلان، ص۱۳۸؛ مشاهیر گیلان، ج۲، ص۱۳۲.

شیخ حسن کربلائی

شیخ حسن اصفهانی حائری، معروف به «شیخ حسن کربلائی» فرزند علی بن محمّد رضا بن محسن تستری، عالم فاضل و فقیه ماهر، در کربلا متولّد شد. در نوجوانی در مدرسه حسن خان کربلا ساکن شد و مقدّمات را در آنجا فرا گرفت. سپس به سامرا رفته و از درس میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) بهره گرفت و در شمار شاگردان مُبَرَّز او درآمد. همچنین از درس سیّد اسماعیل صدر، شیخ فضل اللّه نوری، سیّد محمّد فشارکی و ملّا فتح اللّه سلطان آبادی (جلسات درس صبح های جمعه) استفاده نمود. او حدود ۱۲ سال با میرزا محمّد حسین نائینی معاشر و هم مباحثه بود. وی از علمای آگاه و متعهّد عهد خویش بود و در شرح ماجرای مبارزه با قرارداد رژی و جنبش تحریم تنباکو کتابی محققانه نوشت و آن را به رؤیت استادش میرزای شیرازی رساند. پس از وفات میرزای شیرازی او در سال ۱۳۱۴ق به کربلا بازگشت و مصاحبت سیّد اسماعیل صدر را اختیار کرد. مدّتی بعد به نجف اشرف رفت و در آنجا بیمار شد و به کاظمین رفت و در پنج شنبه ۱۷ ربیع الاولی ۱۳۲۲ق وفات یافته و همانجا مدفون شد.

سیّد عبدالحسین شرف الدّین و آقا محمّد کاظم شیرازی از شاگردان درس او بوده اند. شیخ حسن کربلائی «تقریرات فقه و اصول» استادش میرزای شیرازی را به رشته تحریر درآورده و کتاب «تاریخ دخانیه» را در سال ۱۳۱۴ق تألیف نموده که در سال ۱۳۸۲ش به همت محقّق ارجمند شیخ رسول جعفریان به چاپ رسیده است.(۱)

۱- تاریخ دُخانیه: مقدمه، صص ۱۵-۹؛ الذریعه، ج۸، ص۵۰ و ج۳، ص۲۵۲؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۴۲۰ و ۴۲۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۵۱ و ۲۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۰۶ و ۵۰۷.

حسن سنبلانی

ابوعلی حسن بن علی بن سعید سُنبلانی جُعفی، از محدّثین قرن سوم و چهارم هجری بوده و از ابی مسعود نقل حدیث کرده است. سهل بن عبداللّه بن طاهر و ابو احمد عسال (محمّد بن احمد بن ابراهیم) از او روایت کرده اند.

حافظ ابونعیم وی را در عداد ابدال آن روزگار برشمرده است.(۱)

سیّد محمّد حسن میر جهانی

میر سیّد محمّد حسن میرجهانی جرقویه ای ابن علی بن قاسم طباطبائی، از افاضل علمای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۹ق (مطابق ۱۲۸۰ش) در روستای محمدآباد جرقویه، از توابع اصفهان متولّد شد. از ۷سالگی تحصیل مقدّمات را در محمّدآباد آغاز کرد و پس از مدّتی به اصفهان آمده و در مدرسه صدر ساکن شد.

در اصفهان در درس اساتیدی چون شیخ علی مدرّس یزدی، شیخ محمّد علی معلّم حبیب آبادی، سیّد احمد مدرس، شیخ محمّد علی فتحی دزفولی و سیّد محمّد رضا خوانساری شرکت کرده و سپس از محضر آیات عظام: سیّد ابوالقاسم دهکردی، آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی و آقا شیخ محمّد رضا نجفی بهره برد.

او در سال ۱۳۴۶ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و مدّتی از محضر آیات عظام: سیّد ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدّین عراقی و شیخ عبداللّه مامقانی بهره برد و از خواص اصحاب آیت اللّه اصفهانی گردید.

وی پس از اتمام تحصیلات خود به اصفهان بازگشته و به نشر معارف اسلامی و فضایل اهل بیت پرداخت. مدت ۳ سال نیز در قصبه دهاقان اقامت نمود و مرجع شرعی آن حدود بود. در سال ۱۳۷۱ق به مشهد مقدّس مهاجرت کرد و در دو حجره حرم مطهر که در اختیارش بود، به تألیف، تحقیق و تدریس مشغول شد. پس از ۷سال به علّت

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۹.

نامساعد بودن آب و هوای آنجا با مزاج ایشان، به تهران عزیمت نمود و به وعظ و خطابه و اقامه جماعت و تحقیق و تألیف مشغول شد.

میرجهانی در فقه و اصول، کلام، تفسیر، حدیث، علوم غریبه (خصوصاً جفر و اعداد و اسطرلاب) و ریاضیات تبحّر فراوان داشت. خط خوشی داشت و برخی از کتاب هایش را به خط زیبای خود کتابت نمود. علاوه بر آن دراخلاق حسنه و مکالات فاضله زبده اهل فضل و کمال بود. شعر را نیکو می سرود و «حیران» تخلّص می نمود.

او در اواخر عمر به اصفهان بازگشته و در ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۱۳ق (مطابق چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۳۷۱ش در منزل مسکونی خود در اصفهان وفات یافته و حسب الوصیّه خود او در بقعه علّامه مجلسی جنب مسجد جامع عتیق اصفهان مدفون گردید.

ایشان را تألیفات عدیده ای است که از آن جمله است:

۱. «مصباح البلاغه» (مستدرک نهج البلاغه) در ۲ جلد ۲. «کنوز الحکم و فنون الکلم» (خطبه ها و سخنان امام حسن مجتبی علیه السلام ۳. «روایح النسمات» (شرح دعای سمات) ۴. «نوائب الدّهور» در علائم الظّهور، در ۲ جلد ۵. «اللّوامع النّور فی علایم الظّهور»، به عربی ۶. «دیوان اشعار» ۷. «گنجینه سرور» ۸. «گنج رایگان» (در علوم غریبه) ۹. «سعادت ابدی» ۱۰. «الدُّرر المکنونه» (در تاریخ ائمه اطهار) به عربی ۱۱. «احکام رضاع» ۱۲. «رساله در نجوم و فلکیّات» ۱۳. «شهاب ثاقب» ۱۴. «الجنّه العاصمه» (زندگانی حضرت فاطمه سلام اللّه علیها) ۱۵. «مقامات الاکبریّه» (زندگانی حضرت علی اکبر) ۱۶. «مقلاد الجنان» (در ادعیه و زیارات) ۱۷. «ذخیره المعاد» (در ادعیه و ساعات عبادات ۱۸. «انساب سادات» ۱۹. «تفسیرام الکتاب» ۲۰. «البکاء علی الحسین علیه السلام» ۲۱. «السَّبیکه البیضاء فی نسب بعض آل الطبّاء» ۲۳. «ولایت کُلیّه

این ابیات از اوست:

خسروا گوشه چشمی به من بی سر و پا کن

سوی دلسوختگان یک نظر از بهر خداکن

نفس نگذاردم ای شه که به اخلاص بکوشم

منّتی جان مرا از ستم نفس رها کن(۱)

حسن طبری

عمادالدّین حسن بن علی بن محمّد طبری آملی استرآبادی از محدّثین و دانشمندان شیعه در قرن هفتم هجری است.

[وی با محقّق حلّی و خواجه نصیر الدّین طوسی معاصر بوده و تا سال ۶۹۸ در قید حیات بوده است.] وی را تألیفاتی است که از آنجمله است:

[۱. اربعین بهائی، به فارسی که به نام بهاءالدّین صاحب دیوان جوینی، حاکم اصفهان نوشته شده و نسخه ای از آن به شماره ۱۹۰۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. ۲. اسرار الامامه ۳. معجزات النّبی و الائمه ۴. الکامل فی السقیفه (که اول جزء کتاب مناقب بوده و سپس مؤلف آن را جدا کرده و کتابی مستقل از آن ساخته است. ۵. مناقب الطاهرین، به فارسی که در سال ۶۷۱ق به نام خواجه بهاءالدّین جوینی در اصفهان تألیف شده است و نسخه ای از آن به شماره ۳۹۹۴ در کتابخانه مجلس شورای ملی در تهران موجود است.[۶. نهج الفرقان الی هدایه الایمان، در فقه ۷. العمده فی اصول الدّین و فروعه ۸. تحفه الابرار ۹.العقود السّبعه(۲)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۱۶۰؛ الذریعه، ج ۱۱، ص ۲۵۵ و ج ۱۰، ص ۲۲؛ لاله های رنگارنگ، ص ۳۶؛ مکارم الآثار، ج ۷، ص ۲۴۲۳؛ مجله «آئینه پژوهش» سال دوم شماره ۱۶: آذر و دی ۱۳۷۱، ص ۱۱۷؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ گلزار مشاهیر، ص ۸۹.

۲- فهرست مجلس: بخش چهارم از ج ۱۰، ص ۲۰۹۴؛ فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص ۳۶؛ روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۶۱؛ ریحانه الادب، ج ۴، ص ۱۹۹؛ ریاض العلماء، ج ۱، صص ۲۶۸-۲۷۴؛ فوائد الرضویه، ص ۱۱۱؛ الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۴۴۳؛ معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۲۶۱؛ الذریعه، ج ۳، ص ۴۰۵، و ج ۱۵، ص ۳۳۳ و ج ۱۷، ص ۲۵۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، ص ۳۱۵.

عزالدّین حسن اصفهانی

ابوعلی (یا ابو محمّـد) عز الـدّین حسن بن اشـرف الدّین علی بن عز الدّین محمّد بن عماد کاتب بن محمّد بن محمّد بن حامد بن محمّد بن عبداللَّه بن علی بن محمود بن هبهاللَّه بن اُلُه اصفهانی، از محدّثان و دانشمندان قرن ششم و هفتم هجری است. جد اعلای خاندان عماد کاتب «اُلُه» نام داشته که به معنای عُقاب است.

صاحب عنوان در ذیحجه ۶۵۳ یا ۶۵۵ق متولّد شده است. مشایخ او قریب پنجاه نفر هستند. از جمعی از علماء نیز اجازه داشته و عـدّه ای نیز موفق به دریافت اجازه از او شـده اند. وی یک سال در مکه معظّمه مجاور بود. و سـرانجام در ۹شوال ۷۲۷ق وفات یافته است.(۱)

حسن اصفهانی

حسن بن علی بن محمود بن احمد اصـفهانی [از فضـلاء اصفهان در قرن هشتم هجری]در رمضان ۷۰۱ق کتاب «ترجمه اصول اقلیـدس» قطب الـدّین محمود شـیرازی را به خـط نسـخ نوشـته و مقـابله کرده است. نسـخه میکروفیلم آن در کتابخـانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

حاج میرزا حسن خان جابری انصاری

حاج میرزا حسن خان جابری انصاری ابن میرزا علی خان مستوفی ، فاضل ارجمند، ادیب اریب، مورّخ توانا و شاعر ماهر در ۱۸ رجب ۱۲۸۷ق در شیراز متولّد شد.

در ۴ سالگی با پـدر به اصـفهان آمد. در کودکی نزد پدر شروع به تحصـیل کرد. در ۱۷ سـالگی پـدر را از دست داد. پس از مرگ پدرش وارد دسـتگاه ظلّ السـلطان شده و زیر نظر میرزا حبیب اللَّه خان مشـیرالملک انصاری به منشی گری پرداخت. در کنار آن نزد ملّا حسن دُرّی، ملّا عبدالجواد آدینه ای، میرزا حسین همدانی، آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقائی،

۱- الدّرُرَ الکامنه، ج۲، ص ۱۱۰.

۲- فهرست میکرو فیلم های دانشگاه، ص۴۸.

میرزا محمّد حسن نجفی و آقا سیّد محمّدباقر درچه ای به تحصیل پرداخته و به تألیف کتاب و تحقیق مشغول شد. [در سال ۱۳۲۱ق به سفر حج رفت. در ماجراهای مشروطیّت، به آزادی خواهان پیوست و در اواخر سال ۱۳۲۴ق و اوایل ۱۳۲۵ق منشی انجمن ولایتی اصفهان بوده و در ۱۶ شوال ۱۳۲۵ق روزنامه «گنجینه الانصار» را منتشر کرد. پس از به سلطنت رسیدن محمّدعلی شاه و اقدامات او علیه مشروطه خواهان، دستور دستگیری او نیز صادر شد امّا او به عتبات عالیات رفت و از درس حاج سیّد اسماعیل صدر بهره برد و به اشاره او عمامه بر سر نهاد. پس از بازگشت به اصفهان ریاست عدلیه اصفهان را پذیرفت امّا به علّت دخالت کنسولگری روسیه در کارهای او از آن منصب استعفا داد. در سال ۱۲۹۹ش اولین شماره روزنامه «اسرار الانصار» را منتشر کرد.] پس از آن به مطالعه و تحقیق و رسیدگی به املاک و مستغلات خود مشغول شد تا این که در شب پنج شنبه ۱۵ جمادی الآخر ۱۳۷۶ق (مطابق ۲۷ دی ۱۳۳۵ش) وفات یافته و بنا بر وصیّت خود او، جسدش را در بقعه بابا رکن الدّین در تخت فولاد مدفون ساختند.

او طبع شعر داشته و ابتدا «محنت» تخلّص می کرد سپس آن را به «جابری» تغییر داد.

این کتابها از آثار اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «آفتاب درخشنده» ۲. «آگهی شهان از کار جهان» ۳. «بدایع و نوادر» ۴. «تاریخ اصفهان و روی و همه جهان» ۵. «تاریخ نصف جهان و همه جهان» ۶. «تفسیر حسن» ۷. «جوهر الجواهر» ۸. «شرح حال شیخ بزرگوار سعدی» ۹. «گزارش زندگانی پیر علیل شیخ جابری» ۱۰. «گوهر شب چراغ» ۱۱. «للآلی السّمط فی معالی النّبی و السّبط» ۱۲. «معجزات کلام اللّه» ۱۳. «نورالثّقلین» ۱۴. «نوشدارو یا تهذیب الاخلاق»

و این تألیفات از اوست که هنوز به طبع نرسیده است:

۱. «بعضی اشعار عرب و عجم» ۲. «بیست هزار نظم پارسی و عربی» ۳. «بعضی نوادر و بدایع گفتار مردم» ۴. «ترجمه شرح فقه ابو حنفیه» ۵. ترجمه دو جلد از «وفیات الاعیان» ۶. «تسهیل وصّاف» ۷. «رساله در حقیقت معاد» ۸. «منشات و منشدات نظم و

نثر» و غیره.(۱)

حسن اصفهانی

حسن بن علی بن مهران اصفهانی، از محدّثین اصفهان است وی از عامر بن فُرات حدیث شنیده و ابوبکر بن ابوداود سجستانی از او استماع حدیث نموده است.(۲)

محمّد حسن گیلانی اصفهانی

محمّد حسن بن علی بن نعمت اللّه بن حسین بن نعمت اللّه گیلانی [از فضلاء و ادبای قرن سیزدهم هجری] در سال ۱۲۴۴ق. در دهه سوم رمضان کتاب «بیان المحمود» تألیف محمود میرزا قاجار را نوشته است. میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

سیّد حسن امامی سدهی

سیّد حسن امامی سدهی بن حاج میر سیّد علی بن سیّد مهدی بن سیّد اسماعیل دیباجی فروشانی، عالم فاضل و ادیب کامل.

در سال ۱۳۲۰ق در فروشان سده متولّد گردیده و در مولد خود و اصفهان و مشهد و نجف اشرف در نزد بزرگان و مجتهدین تلمّذ نموده و به مقام شامخ اجتهاد رسید. [سطوح اولیه را در قم آموخت سپس به مشهد مقدّس رفته و نزد سیّد عباس شاهرودی و آقا سیّد حسن سطوح عالی را فراگرفت. سپس به اصفهان بازگشت و در درس

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، تصحیح دکتر جمشید مظاهری: مقدمه؛ نصف جهان و همه جهان، صص ۱۶۳-۱۶۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور: مقدمه؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۱۳۷-۱۳۵؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۱، صص ۳۴۴ و ۳۴۵؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۶۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۱۱ و ۵۱۲.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۱.

۳- فهرست میکرو فیلم های دانشگاه، ص۷۹۸.

میرمحمدصادق مدرس خاتون آبادی، آخوند گزی و آقا شیخ محمدرضا نجفی شرکت کرده و کسب فیض نمود. پس از آن به نجف اشرف عزیمت نموده و چندین سال از دروس آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی، آقا ضیائ الدّین عراقی و میرزا محمّد حسین غروی اصفهانی (کمپانی) بهره برد. پس از مدّتی به علّت بیماری به اصفهان آمده و بیست سال در آنجا بود. سپس به نجف اشرف بازگشته و از دروس آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی، میرزا عبدالهادی شیرازی و حاج شیخ محمّد کاظم شیرازی مستفیض شد] در سال ۱۳۶۷ق به قم رفت و سال بعد به امر مرحوم بروجردی به همراه حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی و حاج آقا عطاءاللّه اشرفی اصفهانی (شهید محراب) برای اداره حوزه علمیه کرمانشاه به کرمانشاه رفت و پس از مدّتی به قم بازگشت.

وی سالهای آخر عمر خود را در سِدِه ماربین (خمینی شهر فعلی) سپری نمود. نماز جماعت را در مسجد جامع اقامه می نمود و در مدرسه علمیه (که سابقاً حسینیه حاج حسن نام داشت) در محلّه فروشان به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود. وی در میان مردم به «حاج آقا امام» معروف بود. شعر نیز می سرود. وی یک دوره کامل فقه تألیف نمود که به چاپ نرسیده است.

سرانجام در سال ۱۳۹۸ق وفات یافته و در مسجد جامع جنب مزار برادرش حاج آقا نوراللّه امامی مدفون شد.(۱)

حسن اصفهانی

ابوعلی حسن بن علی بن یعقوب اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. از ابو زکریا یحیی بن زکریا بن حیویه نیشابوری روایت نموده و زبیر بن عبدالواحد اسدآبادی از او نقل حدیث می نماید.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۵۸ و ۵۹؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۳۶۸؛ گنجینه دانشمندان، ج۷، صص ۳۴۷ و ۳۴۸؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲- تبیین کذب المفتری، ص۴۲۴.

سیّد محمّدحسن بهشتی

سیّد محمّد حسن بن میر سیّد علی بهشتی، عالم فاضل جلیل. [از علمای قرن سیزدهم هجری]

در اصفهان متولّد شده و نزد حاج شیخ محمّدباقر نجفی و دیگران به تحصیل پرداخت. سپس به ارشاد مردم و اقامه جماعت در مسجد سرجوی شاه و مسجد صحرا در محلّه لنبان مشغول شد. او عالمی زاهد و اهل عبادت و تقوا بوده و در سن ۶۳ سالگی در اوایل ربیع الثّانی ۱۳۱۲ق وفات یافته و در تکیه سادات بهشتی واقع در شمال مصلای تخت فولاد مدفون شد.(۱)

سیّد حسن حسنی نائینی

سیّد حسن بن سیّد علی حسنی نائینی، از علمای جلیل القدر عهد صفویه است. پدر و مادرش از سادات حسنی بوده اند. او در مدرسه کافوریه اصفهان به تحصیل مشغول بوده است.

او نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را در ۱۵ ربیع الاوّل ۱۰۷۳ق کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه شخصی میرزا علی اکبر عراقی در نجف موجود است.(۲)

سیّد حسن ضوئی

سیّد حسن ضوئی ابن آقا سیّد علی حسینی، ادیب شاعر، در رجب سال ۱۳۴۲ق در اصفهان متولّد گردیده و در جوانی به شغل بازرگانی مشغول شد. طبع شعر داشت ولی کم شعری می سرود.

از اوست:

۱- تحفه الاحباب، صص ۳۲ و ۳۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

۲- الروضه النضره، ص۱۵۶.

گر خوری جامی ز می از خویشتن غافل شوی

تا ابد از شور او مدهوش افتی و خمار

نیست مقصودم زِ مِی جز ساغر حُبّ علی

زانِ میَم ده تا که خرم گردد این قلب فکار

چون صفی اللّه جامی از دلای او چشید

توبه اش آمد قبول حضرت پروردگار(۱)

سیّد حسن طباطبائی

سیّد حسن بن علی طباطبائی اصفهانی، فاضل خطاط در قرن سیزدهم هجری. از آثار او کتابت نسخه ای است. از: «جامع عباسی» که آن را در روز سه شنبه سوم ماه صفر سال ۱۲۳۷ق به خط نستعلیق به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۱۲۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد مقدّس موجود است.(۲)

میرزا حسن قدسی کاشانی

آقا میرزا حسن قدسی کاشانی بن ملّا علی، عالم فاضل و عابد زاهد معروف به «میرزا حسن کاشی» از علمای قرن چهاردهم هجری. در کاشان متولّد شده و نزد حاج ملّا حبیب اللّه شریف کاشانی به تحصیل پرداخته و سپس به اصفهان مهاجرت کرده و نزد جمعی از بزرگان [خصوصاً آخوند ملّا محمّد کاشانی، سیّد محمّد باقر درچه ای و سیّد ابوالقاسم دهکردی]کسب فیض نموده است.(۳) [سالها امام مسجد سر نیم آورد بوده است. عالمی مقدّس و محتاط در امور بوده و در اخلاق فاضله و ملکات پسندیده از

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۶۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۳۵۱ و ۳۵۲.

نوادر عصر شمرده می شد.[(۱)]

سرانجام در یکشنبه ۲ رمضان المبارک ۱۳۷۷ق به سن متجاوز از ۹۰ سال وفات یافته و در ایوان بقعه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

[مرحوم سیّد کمال کاشانی متخلّص به «حقیر» درباره وفات او مرثیه ای سروده که مادّه تاریخ آن این بیت است:

بهر تاریخ وفاتش این چنین گفتا «حقیر»

«روح قدسی شد ندیم قدسیان اندر جنان»[(۳)]

شیخ محمّدحسن قدیری*

شیخ محمّـدحسن قدیری فرزند شیخ علی قدیری کفرانی اصفهانی، از علما و فقهای عالیقدر معاصر، در سال ۱۳۱۷ش متولّد شد. تحصیلات جدید را تا دیپلم انجام داد و علیرغم کسب رتبه ممتاز در آزمون اعزام دانشجو به خارج از کشور، به تحصیل در حوزه علمیه پرداخت. او سالها در نجف اشرف به تحصیل سطوح عالیه و خارج فقه و اصول مشغول بود و از درس اساتیدی چون شهید سیّد اسداللّه مدنی و آیات عظام امام خمینی، سیّد ابوالقاسم خوئی و سیّد محمود شاهرودی بهره برد و به مقامات بلند علمی دست یافت. او ۲۰ سال در نجف اشرف به تحصیل و تدریس مشغول بود. سپس به ایران آمد و در قم به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و در روز جمعه ۱۷ شوال ۱۴۲۹ برابر با ۲۶ مهر ۱۳۸۷ وفات یافت و در مسجد طباطبایی حرم حضرت معصومه(س) بخاک سپرده شد.

کتب زیر از تألیفات اوست که به چاپ رسیده است:

۱. «کتاب الاجاره» ۲. «کتاب التّیمّم» ۳. «مباحث فی علم الاصول» (۲جلد) ۴. «کتاب البیع» (تقریرات درس امام خمینی» ۵. «رساله فی الوضع و الاستعمال»(۴)

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۹.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹.

۳- لاله های جاوید، ص۲۰۱.

۴- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

حسن لنجانی

حسن بن علی لنجانی، از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. وی در یازدهم محرّم ۱۲۵۲ق رسائل رجالی سیّد حجّهالاسلام (۱۹ رساله) را به خط نسخ نوشته [است.] نسخه به شماره ۱۶۱۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا حسن نائینی*

میرزا حسن بن علی اکبر نائینی، عالم فاضل و واعظ کامل. از علمای قرن چهاردهم هجری. در نائین متولّد شده و در مولد خود و اصفهان به تحصیل پرداخت. سپس در نائین به اقامه جماعت پرداخت. مدّتی بعد به اصفهان آمده در کوی کاشیان محلّه طوقچی ساکن شد و به وعظ و خطابه پرداخت. وی در حدود ۶۰ سالگی، در حدود سال ۱۳۵۰ق وفات یافته در قبرستان سر قبر آقا مدفون شد. برادرش «جوهر الشعراء» از شعرای مقیم یزد بوده است.(۲)

حسن بن محمّد علی بیگ*

حسن بن محمّد علی بیگ از فضلاء قرن یازدهم هجری است در مدرسه باقریه اصفهان به تحصیل مشغول بوده و در ۲۸ ربیع الاوّل ۱۰۸۷ق یادداشت تملک خود را بر روی نسخه ای از کتاب «تحریرالقواعدالمنطقیه» تألیف قطب الدّین رازی نوشته است.(۳)

ملّا محمّد حسن استرآبادی

ملّا محمّد حسن بن ملّا محمّد علی بن احمد بن کمال الدّین حسین استرآبادی، عالم فاضل، [از دانشوران اواخر دوره صفویه] در اصفهان ساکن بوده و ظاهراً از شاگردان

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۲۲.

۲- به نقل از آقای محمّد علی بُرِشان فرزند میرزا حسن نائینی در تاریخ ۲۹ تیر، ۱۳۷۷ش.

۳- فهرست خاندان میبدی، ص۴۴.

پدر دانشمند خود بوده است. وی کتاب «الاجازات» را تدوین نموده و علّامه مجلسی برخی از اجازات «بحار الانوار» را از این کتاب نقل کرده است. کتاب «الاجازات» در سال ۱۰۹۶ق نوشته شده است.(۱)

میرزا محمّد حسن نجفی

آقا میرزا محمّد حسن نجفی بن میرزا محمّد علی بن میرزا محمّد باقر هزار جریبی مازندرانی نجفی، از علمای بزرگ اصفهان در عصر قاجاریّه، عالم فاضل متقّی و مجتهد محقّق مدقّق.

در حدود سال ۱۲۳۷ق متولّد شده و پدرش از فحول علمای عصر و مادرش دختر مفسّر عالیقدر میرزا محمّدباقر نواب لاهیجی است. در اصفهان نزد میر سیّد حسن مدرس و در عتبات عالیات نزد آقا سیّد ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط)، شیخ مرتضی انصاری، میرزا حسن شیرازی [و صاحب جواهر کسب فیض نموده و به اجتهاد نائل آمده و از اساتید خود به خصوص صاحب جواهر اجازه دریافت نموده] و به اصفهان آمد و به تدریس و رفع مرافعات و خصومات و تحقیق و تألیف مشغول شد.

مرحوم میرزای شیرازی اعتماد تامّی به او داشته و اهل اصفهان هر وقت از ایشان سؤال می کردند که به چه کسی رجوع کنند؟ می فرمودند به میرزا محمّد حسن نجفی و جمعی از خواص از ایشان تقلید می کردند. و ایشان امام جماعت مسجد ذوالفقار بودند و عمر گرامی را صرف تحصیل و تدریس و تألیف و تصنیف و جواب استفتائات می فرمودند.

[اگرچه تعداد شاگردان او زیاد نیست اما اغلب آنان مجتهد و صاحب فتوا شدند. از جمله شاگردان او آخوند ملّا عبدالکریم گزی، جهانگیرخان قشقائی، میرزا حسن خان جابری انصاری، سیّدمحمّد باقردرچه ای و سیّد ابوالقاسم دهکردی قابل ذکر می باشند.

۱- الذریعه، ج۱، ص۱۲۵؛ الکواکب المنتشره، ص۱۵۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۷۳.

در قضاوت اهل مداهنه نبود و بر حق استوار بود. ظلّ السّلطان حاکم اصفهان ۳۰سال خواست او را رام نماید و نتوانست. در زهد و عبادت و قناعت حاجی کلباسی و در فطانت و هوش حاجی آباده ای عصر خویش بود.]

بالاخره در پنج شنبه ۱۱ربیع الاوّل سال ۱۳۱۷ق بر اثر سکته در اصفهان وفات یافته و در تکیه لسان الارض در تخت فولاد مدفون گردیده [و پس از ۲۷سال در حضور آخوند گزی وقتی قبرش را شکافتند تا جسدش را به عتبات عالیات نقل نمایند، دیدند از بدن شریف او ذرّه ای از بین نرفته و حتی محاسن او سالم و تازه بود] و آن پیکر مطهر را به نجف اشرف حمل نموده و در آن ارض اقدس مدفون ساختند.

کتب زیر از ایشان است:

۱. «اجزائی در اصول» ۲. «اجزائی در فقه» ۳. «حاشیه بر فصول» ۴. «حاشیه بر قوانین» ۵. «رساله در زیارت عاشورا» ۶. «کتابی در طهارت» ۷. «کتابی در تقوا» ناتمام و غیره(۱)

سیّد محمّد حسن سدهی

سیّد محمّد حسن سدهی اصفهانی بن سیّد محمّد علی بن سیّد حسنعلی بن سیّد محمّد بن سیّد محمّد رضا موسوی، عالم فاضل و فقیه محقّق، از علمای اواخر دوره قاجاریه، در ۲۶ جمادی الاولی ۱۲۷۷ق در سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شده و در اصفهان نزد حاج میرزا بدیع درب امامی، جهانگیرخان قشقائی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و آقا میرزا حسن عراقی به تحصیل پرداخت.

وی در ماه صفر ۱۳۲۹ق وفات یافته و عظامش را به نجف اشرف نقل کرده و مدفون

۱- رجال اصفهان یا تکذره القبور، صص ۴۶-۴۴؛ دانشمندان وبزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۰۴ و ۵۰۵؛ تاریخ اصفهان(جابری)، ص۳۲۹؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص۵۷۲ و ۵۷۳؛ نقباء البشر، ج۱، صص ۴۲۰ و ۴۲۱؛ تاریخ نصف جهان، صص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۶؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ مکارم الآثار، ج۳، ص ۱۰۱۱.

ساختند. وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «اجتماع امر و نهی» ۲. «استصحاب» ۳. «اشتراط استصحاب ببقاء موضوع» ۴. «تمییز مشترکات و حال ابوبصیر» ۵. «حجیّت بیّنه و فروع آن» ۶. «رساله رهن» ۷. «رساله صلح» ۸. «رساله صلح حقّ الرّجوع» ۹. «رساله ظن» ۱۰. «رساله در فرق بین حیثیت تعلیلیه و تقییدیه» ۱۱. «رساله در قضا» ۱۲. «مجموعه ای در وعظ و حدیث»(۱)

میرزا حسن عمادالشّریعه نائینی

میرزا حسن عمادالشّریعه نائینی بن حاج میرزا محمّد علی بن میرزا حسین نائینی، عالم فاضل. از علمای قرن چهاردهم هجری.

در اصفهان و نائین تحصیل کرد. در اواخر عمر از نائین به پُرزان از توابع شهرضای اصفهان منتقل شده و در آنجا به نشر احکام و اقامه جماعت اشتغال جسته، در سال ۱۳۴۸ق در آنجا وفات یافت.(۲)

محمّدحسن مدرس فتحی*

محمّد حسن مدرس فتحی فرزند شیخ محمّدعلی مدرس فتحی دزفولی بن خواجه نصراللَّه، فاضل ارجمند و شاعر ادیب معاصر.

در سال ۱۲۹۸ش متولّد شد. ادبیات عرب و کتاب «شرایع» را نزد پدر خواند. سپس به تجارت روی آورد. وی پس از وفات پدر به گردآوری و چاپ تألیفات پدر دانشمند خود پرداخت. وی اکنون در طهران ساکن است.

این کتابها و آثار از اوست:

۱. «النور الجلی فی خلافه بلافصل علی علیه السلام» به شعر فارسی که در سال ۱۳۴۶ش در تهران طبع شده است. ۲. «ترجمه و شرح دعای صباح» مطبوع ۳. «غدیرخم یا

۱- مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۱۳۳ و ۲۱۳۴.

۲- تاریخ نائین، ج۴، ص۵.

سرنوشت بشر» منظوم و مطبوع ۴. تصحیح و تعلیق کتاب «خصایص امیرالمؤمنین علیه السلام» تألیف: احمد بن شعیب نسائی، مطبوع ۵. ترجمه «خصائص» نسائی، به فارسی ۶. «اعلام خصائص نسائی» ۷. «تابنده تا همیشه» (شرح «النّور الجلی فی خلافه بلافصل علی علیه السلام») ۸. «خدا کیست؟ خدا چیست؟» مطبوع (۱)

میرزا حسن خاکیای اصفهانی

میرزا حسن خاکیا بن محمّد علی. شاعر و ادیب معاصر. [در سال ۱۲۷۷ش در محلّه میدان کهنه اصفهان متولّد شده و در کودکی به مکتب خانه رفت در آغاز نوجوانی پدرش را از دست داد و در بازار اصفهان به کار مشغول شد. ابتدا در کاروانسرای دالان دوز در بازار و سپس در بازار بزرگ چنار سوخته به کار پرداخت. او از نوجوانی طبع شعر داشت و شعر می سرود] ابتدا در انجمن ادبی میرزاعباس خان شیدا شرکت کرد. پس از تعطیلی انجمن شیدا، در منزل خود انجمن ادبی تشکیل داد[که کم کم در بین ادباء و شعراء شهرت یافت و علاوه بر سخنوران اصفهان، از تهران نیز گاهی شاعران به این انجمن می آمدند. انجمن در سال های ۱۳۲۴ تا ۱۳۴۰ش به فعالیت ادامه داد و پس از تأسیس انجمن ادبی کمال در مدرسه چهارباغ، تعطیل شد. خاکیا در این انجمن و سپس در انجمن ادبی صائب شرکت می کرد. اشعار او در بسیاری روزنامه ها و نشریات چون توفیق، صدای اصفهان و اصفهان به چاپ می رسید. خاکیا مردی عارف مسلک و درویش منش بود سفری به تهران رفته و به خدمت ذوالرّیاستین رسیده و مرید او شد. سپس به اصفهان آمد و مرید میرزا عبّاس پاقلعه ای شد.

سرانجام در ۲۰خرداد ۱۳۵۵ش چشم از جهان فروبسته و به دیار باقی شتافت و پیکر او را در تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد به خاک سپردند.

شکیب اصفهانی از اساتید شعر و ادب اصفهان و از دوستان قدیمی او مادّه تاریخ

۱- شرح مجموعه گل، صص ۱۹۱ و ۱۹۲.

فوتش را چنین سروده است:

خواست مؤمنی «شکیب» از من

سال تاریخ فوت او غافل

عارفی دوش سر زد و گفت

«خاکیا» بود شاعری قابل

۱۳۵۵

دیوان او نزد فرزند ایشان عباس خاکیا موجود است.

از اوست:

آن دل که تجلّی گه دلدار نباشد

در آن خبر از عالم اسرار نباشد

اعمی بود آن کس که رخ خوب تو ببیند

از جان و دل و دیده خریدار نباشد

ناصح چه دهی تو به که ما باده کشان را

راهی به جز از خانه خمّار نباشد(۱)]

شیخ محمّد حسن زاهدی*

حاج شیخ محمّد حسن زاهدی گیلانی اصفهانی فرزند شیخ محمّد علی عالم فاضل، از علمای اواخر دوره قاجاریه است.

در سال ۱۲۲۹ه.ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخته است. وی در ۵ شعبان ۱۲۹۹ه.ق «صحیفه سجادیه» را برای میرزا زین العابدین امام جمعه تهران کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.

ظاهراً صاحب عنوان در اوایل قرن چهاردهم هجری وفات یافته است.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص۱۷۳-۱۷۱؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای عباس خاکیا در سه شنبه ۳مرداد ۱۳۷۴ش.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۴۹۵.

حسن سالک اصفهانی

حسن سالك بن محمّد علی، در سال ۱۳۲۳ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخت. سپس به طهران رفته و به مشاغل دولتی وارد شد. در شعر طبعی روان داشته است.

از اوست:

هرکس که شب به یاد رخش دید ماه را

بر آسمان رساند ز دل دود آه را

عکس هلال ابروی ساقی ببین به جام

تا در صیام عذر بگوئی گناه را(۱)

سیّد حسن شاهاندشتی مازندرانی

سیّد حسن بن میر محمّد علی شاهاندشتی مازندرانی، عالم فاضل. وی در اصفهان ساکن بوده و در مسجد شمس آباد اقامه جماعت می نموده است. سرانجام در سال ۱۲۹۷ق وفات یافته و در تکیه میر در تخت فولاد مدفون شده است.

وی مؤلف شرح نهج البلاغه است و در آنجا لغات و تراکیب کتاب را توضیح داده است.(۲)

شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی

حاج شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی بن محمّد علی، عالم فاضل زاهد متّقی، در حدود سال ۱۲۸۷ق در نجف آباد متولّد شد. در سنین نوجوانی در مدرسه ذوالفقار اصفهان سکونت گزیده و به تحصیل مشغول شد.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۰؛ تحفه الابرار، ص۵۲۷.

وی در اصـفهان نزد میرزا بدیع درب امامی، آخوند ملّا محمّد حسـین کرمانی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، (میر محمّد صادق خاتون آبادی) آخوند کاشـی، جهانگیرخان قشـقائی و دیگران به کسب فیض پرداخت. سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و نزد علمای عالیقـدر آنجا خصوصاً آخونـد خراسانی و آقا سـیّد محمّـد کاظم طباطبائی یزدی کسب فیض نمود. وی در آنجا از راه استنساخ کتب امرار معاش می نمود.

مرحـوم عـالم نجف آبـادی پس از بـازگشت به اصـفهان بـا دخـتر حـاج میرزا عبـدالرّزاق موسوی احمـدآبادی ازدواج نمود و همچنین به درس میر محمّد صادق مدرّس خاتون آبادی نیز حاضر شد. پس از آن تا آخر عمر در مدرسه جدّه بزرگ اصفهان به تدریس مشغول شد. وی سالها به تدریس شرح لمعه، معالم، قوانین، رسائل و مکاسب مشغول بود.

او در مصـرف وجوهات شـرعی احتیاط فراوان می نمود و از مصرف شخصی آن خودداری می نمود و درنهایت قناعت و زهد از راه درآمد زمینی که در نجف آباد داشت گذران زندگی می نمود.

او و حاج آقا رحیم ارباب و میرزا علی آقا شیرازی سه عالم اخلاقی بودند که رفاقت و همدلی و روحیه معنوی آنان زبانزد اهل معرفت بود.

وی سـرانجام در تاریخ شب سه شنبه ۱۸ ربیع الاوّل سال ۱۳۸۴ق وفات یافته و در جوار اساتیـد خود در تکیه کازرونی واقع در تخت فولاد مدفون شد.

کتب و رسائلی در فقه و اصول از تقریرات اساتید خود نوشته و ضمناً کتابی به نام «فضیله السّیاده» درباره سادات و اهمیت مقام آنان و احادیث وارده در این موضوع تألیف نموده که به چاپ رسیده است.(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۰؛ دیباچه دیار نون، ص۲۰۵؛ سیمای دانشوران، صص ۱۳۳-۱۲۷؛ آئینه اهل قلم، صص ۶۸ و ۶۹؛ حکایت پارسائی، صص ۱۲۰-۱۱۲؛ روضه رضوان، صص ۲۳۹-۲۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۷۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۲۲۹.

محمّد حسن فروغی مبارکه ای

محمّد حسن فروغی مبارکه ای بن محمّد علی، شاعر ادیب معاصر، در حدود سال ۱۳۰۰ش در مبارکه لنجان اصفهان متولّد گردیده و تحصیلات قدیم و جدید خویش را در اصفهان انجام داده، مدّتی به مشاغل آزاد اشتغال داشت. سپس به استخدام اداره دخانیات اراک درآمد. در هنگام اقامت در اصفهان در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد.

از اوست:

روی منمای به پیش همه ای سرو بلند

که مبادا رسد از چشم بدی بر تو گزند

به سر زلف پریشان تو نتوانم دید

جز دل غمزده خویش دلی را دربند

غیرتم می کشد آخر که چرا جام شراب

بوسه ها گیرد از آن لعل لب شکّرخند(۱)

میرزا حسن قدسی

میرزا حسن قدسی فرزند محمّد علی قاری اصفهانی، خطاط ادیب، در اصفهان متولّد شده و نزد پدرش و همچنین برادرش میرزا عبدالحسین قدسی مشق خط کرده است. تحصیلات خود را در مدرسه نیم آورد انجام داده و در فنون ادب عربی خاصّه صرف و نحو استاد بوده است. سالها در مدرسه قدسیه که به دست برادرش میرزا عبدالحسین قدسی اداره می شد. به تدریس ادبیات مشغول بوده است. خط نسخ را نیز خوش می نوشته است.

تولّدش در ۲۸ رجب ۱۲۹۳ق و وفاتش در جمعه ۲۷ ذی القعده ۱۳۶۷ق روی داده است. او پس از وفات در صحن تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون گردید. مادّه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۲۲.

تاریخ وفاتش را مرحوم هور گوید:

شاهد قدس، روان حسن قدسی شد

شد روانه حسن قدسی در عالم قدس

«شرح صمدیه» از تألیفات اوست.(۱)

میرزا حسن متین اصفهانی

استاد میرزا حسن بهنیا متخلّص به «متین» بن آقا محمّد علی، از شعراء و سخنوران معاصر اصفهان. در سال ۱۲۹۰ش در اصفهان متولّد گردیده و در مدارس قدیم و جدید تحصیل کرده و از سن چهارده سالگی لب به گفتن شعر سروده و از سال ۱۳۱۰ش در انجمن ادبی شیدا شرکت نموده و از اعضای رسمی آن انجمن گردید و عمده ترقّیات شعری و ادبی مشارالیه در همان انجمن بوده و ایشان را باید از تربیت شدگان انجمن شیدا دانست.

در انجمن های ادبی اصفهان که در زمان مرحوم شیدا و بعد از آن تشکیل شده عموماً شرکت می نموده و خود از پایه گذاران انجمن ادبی کمال و اساتید صاحب نظر این انجمن بوده است.(۲)

[همچنین در انجمن ادبی سعدی، انجمن ادبی صائب و انجمن ادبی سرای سخنوران شرکت می کرد و در ردیف اساتید قدیمی انجمن ها قرار داشت.(۳)

وی سرانجام در سال ۱۳۷۵ش وفات یافته و در قطعه نام آوران گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ فوت او چنین است:

۱- دیوان طرب، ص۸؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۲۲-۱۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۶۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ طریق الارشاد: مقدمه.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۸۲.

۳- تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوّم)، ص۶۹۴.

تاریخ سرایان همه خواندند به افسوس

«ای وای از این سوگ که استاد متین مرد»

دیوان اشعارش هنوز به طبع نرسیده است. او در اوایل شاعری «مهین» تخلّص می کرد. سپس آن را به «متین» تغییر داد.(۱)]

این چند بیت از اوست:

بگریخت ز میدان فلک مهر جهان تاب

چون تاخت به میدان شه حسن تو، فَرَس را

از دیده روان است مرا اشک به دامان

آن سان که از آن رشک بود رودِ ارس را

گویم که رسد یار سفر کرده ام از راه

چون می شنوم ناله جانسوز جرس را

حسن اصفهانی

حافظ ابوعلی حسن بن عمر بن حسن بن یونس اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری است. در اصفهان، خراسان، عراق و نیشابور استماع حدیث کرده و در اصفهان مجلس املای حدیث داشته است.

وی کتابی به نام «مئه حدیث عن مئه شیخ» تألیف نموده و ابو النّجم طالب بن زید این کتاب را از او روایت می کند.(۲)

[او از ابومحمّد عبداللّه بن عبیداللّه بن بیع، ابوعمر بن مهدی و ابن صلت در بغداد حدیث نقل کرده است.(۳)]

۱- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.
۲- التحبیر، ج۱، صص ۳۱۰ و ۳۵۶؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۸، ص۳۲۷؛ الوافی بالوفیات، ج۱۲، ص۱۹۴؛ تاریخ نیشابور، ص۲۷۸.
۳- المختصر من کتاب السیاق، صص ۱۶ و ۱۷.

حسن عریضی

حسن معروف به حسن الاکبر ابن عیسی نقیب بن محمّد الاکبر بن علی العریضی بن امام جعفر صادق علیه السلام، در اصفهان ساکن بوده و اولادش در اصفهان و قم بوده اند.(۱)

در کتاب المجدی درباره او می نویسد:

«ابومحمّد الحسن مقیماً باصبهان و کان یقول شیخنا ابوالحسن هو: ابن عیسی بن عیسی بن محمّد بن علی العریض».

ظاهراً وی در مقبره امامزاده درب امام مدفون شده است.(۲)

حسن اهتمام رهنانی

حسن اهتمام ابن غلامحسین رهنانی، شاعر و ادیب معاصر، در سال ۱۲۹۸ق در قریه رهنان [که فعلاً به شهر پیوسته و از محلّه های غرب اصفهان است] اصفهان متولّد گردیده و تحصیلات مقدّماتی خود را در مکاتب قدیم به انجام رسانید. مدّتی بعد در مدرسه چهارباغ ساکن شده و به تحصیل صرف و نحو و غیره اشتغال جست. در اوائل مشروطیت به عراق عرب رفته، زمانی نزد آخوند خراسانی به سر برده و پس از فوت او به اصفهان مراجعه نموده و ترک تحصیل نمود و به صنعت گرایید. مسافرتی به جنوب ایران و از آنجا به هندوستان کرده و در اوایل جنگ بین المللی اوّل به ایران مراجعت نموده و در اصفهان ساکن شد و سرانجام در سال ۱۳۷۹ق (۱۳۳۸ش) وفات یافته و در تکیه زرگرها در تخت فولاد مدفون شد.

استاد فضل اللّه اعتمادی متخلص به برنا در وفاتش چنین سروده است:

نوشت از پی فوت او کلک برنا:

ز نیکی حسن یاور اهتمامست

ماده تاریخ وفات او به شمسی نیز چنین است:

در وفاتش گفت برنا مصرعی:

با حسن شد سوی فردوس اهتمام

۱- الفخری، ص ۳۰.

۲- مزارات اصفهان ص ۲۰۳.

وی در سرودن شعر طبع روانی داشت. [دیوان اشعار او به ضمیمه «لیلی و مجنون» منظوم در سال ۱۳۷۶ق به همّت کتابفروشی حاج غلامعلی بکائی به چاپ رسید.

این دو بیت از اوست:

به زه کشیده ز مژگان چون ناوک دلدوز

بگفتم احسن از این شصت و قوّت بازو

به غیر آهوی چشمش که هست شیر شکار

که دیده صید کند شیر شرزه را آهو(۱)]

حاج محمّدحسن کلباسی

حاج محمّدحسن کرباسی (کلباسی) بن حاج محمّدقاسم، از اجلّه زهاد و عُبّاد [در قرن دوازدهم هجری] ساکن اصفهان. [از اهالی خراسان بوده و به خاطر اینکه مدتی در محلّه حوض کرباس هرات بود به کرباسی شهرت یافت. مدّتی در آنجا بود، سپس به کاخک و مشهد مقدّس سفر کرد. مدتی نیز در یزد بود و عاقبت به اصفهان آمد. او در مشهد مقدس و یزد و اصفهان مساجد و اماکن عام المنفعه بسیاری از ساخته و یا تعمیر نموده است.]

او جدّ اعلای خاندان کلباسی در اصفهان، خراسان و نجف اشرف است. درباره او گفته شده است که:

«حاجی کلباسی (حاج محمّدابراهیم) حسنه ای است از حسنات حاج محمّدحسن. و در اجازه ای که میرزای قمی جهت حاجی کلباسی نوشته، درباره، او گوید:

العالم العامل العابد الباذل المبرور المغفور الحاج محمّدحسن الشهیر بالکرباسی» و این القاب بهترین معرّف آن جناب است.

او با آقا محمّد بیدآبادی مصادقت و رفاقت صمیمانه داشته و در هنگام نزع قیومت

۱- دیوان اهتمام، صص ۱ و ۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۷۳ و ۷۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۸.

فرزندش محمّدابراهیم را به او سپرده است. او علاوه بر این پسر دو فرزند دیگر به نام ملّا محمّدقاسم و ملّا محمّدجعفر داشته که ظاهراً دراصفهان ساکن بوده و در این شهر وفات یافته اند.

پدرش حاج محمّدقاسم نیز از اخیار بوده و ظاهراً در خراسان وفات یافته است.

حاج محمّدحسن در سال ۱۱۹۰ق وفات یافته و در شمال مقبره ملّا اسماعیل خواجوئی واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

هاتف اصفهانی که معاصر اوست مرثیه ای سروده که در دیوان او به طبع رسیده است که برخی از ابیات آن چنین است:

هزار افسوس کز بیداد گردون

ز دنیا قدوه اهل یقین رفت

امام و مقتدای اهل دین شد

سر و سرحلقه اهل یقین رفت

با تاریخش رقم زد کلک «هاتف»

ز دنیا پیشوای اهل دین رفت(۱)

حسن وحید دستگردی

حسن وحید دستگردی ابن محمّد قاسم، فاضل محقّق، ادیب اریب و شاعر گرانمایه، در سال ۱۲۹۸ق در قریه دستگرد اصفهان متولّد گردید. و دروس مقدماتی را نزد ملّا عبدالکریم سودائی دستگردی آموخت. او از همان نوجوانی طبع شعر داشت و به پیشنهاد مرحوم سودائی «لمعه» تخلّص نمود. در سن ۱۴ سالگی با تشویق استادش به اصفهان آمد و در مدرسه میرزا حسین بیدآباد ساکن شده و به تحصیل پرداخت. مقدّمات عربی و فنون ادب را نزد میرزا یحیی مدرّس اصفهانی، فقه را نزد آخوند ملّا عبدالکریم گزی، اصول را نزد سیّد محمّد باقر درچه ای و حکمت را نزد جهانگیرخان قشقائی و آخوند ملّا محمّد کاشانی فرا گرفت و به پیشنهاد استادش میرزا یحیی تخلّص خود را به «وحید» تغییر داد.

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۰۶ و ۱۰۷؛ خاندان کلباسی، صص ۹۳-۸۲؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۶۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، صص ۶۴ و ۶۵؛ الکواکب المنتشره، ص۱۷۶.

از آغاز جنبش مشروطیت (سال ۱۳۲۴ق) به آزادیخواهان و مشروطه طلبان پیوسته و با نوشتن مقالات اجتماعی و سیاسی در روزنامه اصفهان: پروانه، زاینده رود، درفش کاویان و مفتش ایران و چاپ اشعار انتقادی خود به مبارزه به استبداد پرداخت.

در جریان حمله مشروطه خواهان بختیاری به اصفهان و سقوط اقبال الدّوله کاشی حاکم منصوب محمّد علی شاه چکامه ای در سال ۱۳۲۷ سروده است. با آغاز جنگ جهانی اوّل، او به دفاع از آلمان ها و بر علیه روسیه و انگلیس اشعاری سروده و پس از ورود روس ها به اصفهان در پی دستگیری او برآمدند و او به چهارمحال و بختیاری پناه برده و به تألیف کتاب «ره آورد وحید» پرداخت. [درسال ۱۳۳۶ق پس از دو سال به اصفهان بازگشت و چون اموال او و بستگانش به غارت رفته بود، به تهران رفته و تَظَلُّم خواهی نموده و موفق به احقاق حق خود گردید. از این زمان او در تهران ساکن شده و به جرگه فقرای خانقاه پیوسته و مرید ظهیرالدّوله شد و به انجمن اخوّت پیوست. آنگاه در اداره انطباعات وزارت معارف مشغول به کار شد. سپس از طرف وزارت عدلیه به عضویت محکمه ابتدائی رشت منصوب شد ولی آن را نپذیرفت. مرحوم داور وزیر عدلیه در تشکیلات جدید او را با رتبه قضایی برای ریاست محکمه جنحه دعوت کرد ولی باز هم وحید آن را نپذیرفت. لقب «سلطان الشعرائی» را هم که به او داده بودند بکار نبرد.

وحید از سال ۱۳۳۷ق در تهران انجمن ادبی ایران را تشکیل داد که بزرگانی چون ملک الشعرای بهار، ادیب السلطنه صنیعی، قریب گرگانی، محمّد علی بامداد، محمّد هاشم میرزا افسر و حاجی میرزا یحیی دولت آبادی در آن عضویت داشتند. با از رونق افتادن انجمن و خروج اعضای برجسته، وحید نیز از آن انجمن خارج شد و در سال ۱۳۱۱ش انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد که ادباء و شعراء بزرگی چون، عبرت نائینی، امیری فیروزکوهی، بینش، علی قوم (قویم الدّوله)، صابر همدانی،احمد گلچین معانی، سهیلی خوانساری، محمّد علی ناصح و سروان نجاتی از اعضای ثابت آن انجمن بودند.]

وحید در سال ۱۳۳۸ق (مطابق بهمن ۱۲۹۸ش) مجله «ارمغان» را منتشر ساخت و

تا آخرین روزهای عمر آن را اداره کرد و علاوه بر چاپ مقالات ادبی و تاریخی ارزنده به تصحیح و تحقیق و انتشار آثار شعرا و ادبای گذشته زبان فارسی اهتمام ورزید. [از اقدامات فرهنگی و خیرخواهانه او تأسیس دبستان کمال الدّین در قریه دستگرد، دبستان ارمغان در قریه سوهانک شمیران تهران و تلاش برای انتقال کالبد کمال الدّین اسماعیل اصفهانی از محلّه جوباره اصفهان به حاشیه زاینده رود جنب سی و سه پل (که البته انجام نشد) و نام گذاری خیابان مجاور آن به نام کمال اسماعیل بوده است.

وحید دستگردی در اواخر عمر به تنگی نفس دچار شده و به ضعف بینائی شدید گرفتار شد و هنگامی که آماده رفتن به اطاق عمل جهت معالجه چشم خود می شد در اثر بیماری ذات الجنب] در سه شنبه ۲۰ ذیحجه ۱۳۶۱ق (مطابق با ۸ دیماه ۱۳۲۱ش) وفات یافته و در امامزاده عبداللّه مدفون شد. وی دهها دیوان و کتاب ادبی را در چاپخانه خود به طبع رسانده و خود نیز عهده دار تصحیح و تحقیق برخی از این گونه آثار شده که از آن جمله است:

دیوان کمال الدّین اسماعیل، دیوان جمال الدّین عبدالرزاق، دیوان قائم مقام فراهانی، سبعه نظامی (خمسه نظامی و دو اثر دیگر نظامی)، دیوان ادیب الممالک فراهانی، یخچالیه (جلد دوم)، تذکره تحفه سامی، تذکره نصرآبادی. کتب زیر از تألیفات اوست.

۱. «دیوان قصاید و غزلیات»، حدود چهل هزار بیت که بسیاری از آنها در مجله ارمغان چاپ شده و باقی آن نزد دامادش «مجد العلی» موجود بوده است. ۲. «ره آورد وحید» ۳. «انقلاب ادبی» ۴. «سفینه بهترین اشعار» ۵. «صد اندرز وحید» ۶. «مثنوی سرگذشت اردشیر» ۷. «هزار اندرز نظامی»

[وحید در سرودن مُسَمَّط، ترکیب بند، قطعه و قصیده و مثنوی بسیار توانا بود و به اشعار نظامی گنجوی بسیار عشق می ورزیده و از سبک حکیم گنجه پیروی می نموده است. او را می توان از پیشگامان شعر سیاسی و اشعار وطنیّه دانست. او در غزلسرایی طبع آزمایی کرده ولی غزلیاتش به پای قصاید و مثنویّاتش نمی رسد.

این شعر از اوست:

ز گلستان جهان صرفه بود خارم و بس

نهال عشق ثمر داد انتظارم و بس

به گرد من قفس آهن است باغ وجود

به جرم اینکه در این باغ من هزارم و بس

ز چار موج حوادث نمی رسم به کنار

جز این که یار کند جای در کنارم و بس

خدای را مفشان دامن ار چه می دانم

به دامن تو در این رهگذر غبارم و بس(۱)]

شیخ محمّد حسن ورنوسفادرانی

شیخ محمّد حسن بن محمّد کاظم ورنوسفادرانی، عالم فاضل و فقیه محدّث و مفسّر، از دانشوران قرن سیزدهم هجری. [اصلاً از اهالی محلّه «ورنوسفادران» از محلّات ثلاثه سِدِه ماربین (خمینی شهر فعلی) بوده و در اصفهان نزد جمعی از فضلاء از جمله حاج محمّد ابراهیم کلباسی به تحصیل پرداخته است.]

او مؤلف تفسیر مختصری است بر قرآن کریم و در اوّل آن گوید: «تفسیر بعضی از کلمات قرآن است و قرائت وصیغه و عدد و آیات و حروف آن». مؤلّف در سلخ ذیقعده ۱۲۴۱ق از نوشتن کتاب فراغت حاصل نموده و فرزندش محمّد مهدی آن را وقف

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۲۹-۵۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۱۴ و ۵۱۵؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۱۳۵۴ش، شماره دهم، صص ۸۲-۶۳؛ مجله ارمغان، فروردین ۱۳۲۷ش، شماره اوّل، صص ۱۴-۷؛ ادبیات معاصر، صص ۹۴ و ۹۵؛ مشاهیر و بزرگان شرق و غرب جهان، ج۲، صص ۶۷ و ۶۸؛ اشعار ملّی و میهنی از سخنوران معاصر ایران، صص ۴۹-۴۶؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۶، ص۳۸۴۲؛ مجله یادگار، دی ماه ۱۳۲۴، شماره پنجم، صص ۶۹-۶۵؛ تاریخ جراید مجلات ایران، ج۱، صص ۱۳۶-۱۳۴؛ از صبا تا نیما، صص ۳۲۵-۳۲۲؛ فهرست مشاهیر ایران، ج۲، صص ۶۱۱ و ۶۱۲.

نموده است.(۱)

[تألیف دیگر او «تـذکره الاخوان» کتابی مفصّل شامل احادیث منقول از کتب حـدیثی در یک مقـدمه و ۶۵ باب و یک خاتمه است که در سال ۱۲۴۵ق تألیف شده و به شماره ۱۲۷۸۴ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲)]

محمّد حسن جزایری*

محمّـد حسن بن شـیخ محمّـد محسن جزایری، از خوشـنویسان عصـر شاه سـلطان حسـین صـفوی بوده و خط ثلث را خوش می نوشته است.

در شاه نشـین ایوان اسـتاد مسـجد جامع اصـفهان کتیبه ای را به خط ثلث در سال ۱۱۱۲ق نوشـته که بر روی کاشـی نقش شده است.(۳)

سیّد حسن دیباجی*

حاج سـیّد حسن دیباجی فرزند حاج سـیّد محسن، از علماء و فضـلای معاصـر. در سال ۱۳۰۵ش در محلّه فروشان خمینی شـهر متولّد شده و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای عالیقدری چون حاج شیخ عباسعلی ادیب، ابطحی، حاج سیّد علی اصغر برزانی، حاج شیخ محمّدحسن نجف آبادی، حاج آقا حسین خادمی و شیخ محمّدرضا جرقویه ای دنبال نمود. سپس برای ادامه تحصـیل به قم رفته و در درس حضـرات آیـات بروجردی گلپایگـانی، محقّق دامـاد، حـاج میرزا هاشم آملی، حاج آقا مرتضـی حائری و سلطانی شرکت کرد و از محضر آنان کسب فیض نمود.

او در قم اقامت داشته و به اقامه جماعت و ارشاد مردم می پرداخت در بسیاری از انجمن های خیریه عضویت داشت و خدمات ارزنده ای به نیازمندان، ایتام و معلولین

۱- الکرام البرره، ج۲، ص۳۴۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۳۲، ص۴۷۲.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۱۱۳.

می نمود.(۱)

شیخ محمّدحسن اصطهباناتی

آقا شیخ محمّدحسن مدرس شیرازی اصطهباناتی ابن ملّا محمّد، عالم فاضل متقی، در اصفهان نزد [آخوند کاشی] و حاج شیخ محمّد باقر نجفی کسب فیض نمود(۲) و به مقامات عالی علم و فضل نائل شد. [وی مدّتی به ریاضات شاقّه می پرداخته که آخوند کاشی او را از این عمل نهی می نمود(۳)]

[در اصفهان مجلس درس و بحث داشته و جمعی از فضلاء و دانشوران خدمت او حاضر می شده اند که از آن جمله: حاج شیخ محمّد علی کرمانی، شیخ محمّد حسن داورپناه، شیخ محمّد حسن اسفرورینی قزوینی، ابوالفتح دهقان سامانی و حسن وحید دستگردی(۴)]

سرانجام در شوّال ۱۳۳۶ق وفات یافته و در تکیه ملک واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۵)

شیخ محمّدحسن اصفهانی

شیخ محمّدحسن بن محمّد اصفهانی، عالم فاضل، [از دانشوران قرن سیزدهم هجری]وی در عتبات عالیات نزد آقا محمّدباقر وحید بهبهانی تحصیل نموده و در سال ۱۲۱۶ق به ایران مراجعت نموده و چندین سال در کرمانشاه ساکن بود. در اواخر عمر به اصفهان بازگشته و در این شهر وفات یافت.

کتب زیر از اوست:

۱. «انوار البصائر» در انواع علوم، در ۱۲ مجلد [برخی از مجلدات آن در کتابخانه

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۶۶ و ۱۶۷.

۲- اصفهان یا دارالعلم شرق: خطی.

۳- احوال و آثار حکیم مدرس اصفهانی، ص ۱۱۵.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۵- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۱۶.

مرکزی دانشگاه اصفهان موجود است.] ۲. «الرّساله المعادیّه»، به فارسی ۳. «زبده الرّجال» ۴. «ختم دوازده امام»(۱)]

حسن یونارتی اصفهانی

حافظ ابونصر حسن بن محمّد بن ابراهیم بن احمد بن علی بن حسنویه مقری یونارتی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنج هجری است.

از وی با القاب «حافظاً مکثراً کثیراً کثیرالکتابه» یاد شده است. او برای اخذ حدیث به عراق و خراسان مسافرت نموده و در نیشابور از حسن بن احمد سمرقندی و در بلخ از احمد بن محمّد خلیلی استماع حدیث نموده و در حدود سال ۴۳۰ق در اصفهان فوت شده است.(۲)

محمّد حسن هرندی

محمّد حسن بن محمّد بن ملّا ابوالحسن هرندی اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن ۱۳ هجری در اصفهان است.

از آثارش: ۱. «کتابت «دیوان سیّد حسین مجمر» ملقب به «مجتهدالشّعراء» است که آن را در سال ۱۲۵۵ به خط شکسته نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۹۸۱ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی در مشهد موجود است.(۳)

۲. کتابت نسخه ای از «شرح جامی» یا «الفوائد الضیائیه» است که آن را در ماه رجب سال ۱۲۵۸ به خط شکسته نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۴۲۲ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدّس موجود است.(۴)

۱- الذریعه، ج۷، ص ۱۴۰ و ج۱۲، ص۲۷ و ج۲۱، صص ۱۷۲ و ۱۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۷.

۲- معجم البلدان، ج۵، ص۴۵۳؛ المشتبه، ص۱۳۹.

۳- فهرست کتابخانه الهیات و معارف اسلامی مشهد، ج۲، ص۱۳۴.

۴- فهرست کتابخانه الهیات و معارف اسلامی مشهد، ج۱، ص۲۱۴.

حسن ابهری اصفهانی

ابوبکر حسن بن محمّد بن احمد بن محمّد بن یونس ابهری اصـفهانی، از محدّثین و ادبای اصفهان در قرن چهارم است. وی از ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ق) استماع حدیث نموده و یحیی بن منده از او روایت می نماید.(۱)

حسن ابهری اصفهانی

ابـوعلی حسن بن محمّـد بن اُسیّد ثقفی ابهری اصـفهانی، از محـدثین اصـفهان در قرن سـوم هجری و از اهـالی قریه «ابهر» جِی اصفهان است.

از محمّـد بن خالـد بن خـدّاش، ابراهیم بن بسـطام، محمّد بن مُعَمَّر، محمّد بن سـلیمان لُوّین، محمّد بن حُمید، سـعید بن عَنبَسِه، احمدبن ثابت بن فَرُّخویه، عمروبن علی و محدّثین ری حدیث شنید. حافظ ابوالشّیخ اصفهانی از او روایت می کند.

وفات صاحب عنوان در سال ۲۹۳ق در اصفهان واقع شد.(۲)

میرزا حسن سادات

آقا میرزا حسن سادات فرزنـد میرزا محمّـد بن میرزا محمّـد باقر آقا دگمه چین بن میرمحمّد صالح دگمه دوز بن سـیّدجعفر بن میرمحمّد صالح خاتون آبادی، عالم فاضل زاهد، از علماء معروف اصفهان در دوره قاجاریه.

در مسـجد علیقلی آقـا اقـامه جمـاعت می نموده و نـاظر بر موقوفـات علیقلی آقـا بوده است. در اصـفهان نزد جمعی از علماء به خصوص حاج سیّداسداللّه بیدآبادی تلمذ نمود.

صاحب عنوان در ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۴۰ه.ق به سن متجاوز از ۹۰سالگی در اصفهان وفات یافت و در مقبره سر قبر آقا مدفون شده سپس به عتبات عالیات نقل

۱- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۶؛ الانساب، ج۱، ص۱۰۵؛ معجم البلدان، ج۱، ص۸۳؛ المشترک، ص۱۲.

گردید.(۱)

حسن تمیمی

ابوالقاسم حسن بن محمّدبن جعفربن محمّد بن احمد بن محمّد بن احمد بن محمّد بن عبداللّٰه بن مهران تمیمی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم است. در محلّه خشینان اصفهان ساکن بوده و ابوسعد سمعانی از او به عنوان «کان شیخاً صالحاً و رعاً حسن السّیره من اهل العلم و التّفسیر و الحدیث» یاد کرده است.

وی از ابوالحسین احمد بن عبدالرّحمان ذکوانی، ابونصر احمد بن عبداللّٰه بن احمد مقری، ابومسعود سلمان بن ابراهیم، ابوالحسین سعید بن محمّد بن یحیی جوهری، ابوالفوارس طرادبن محمّد زینبی و محدّثین هم طبقه اینان حدیث شنیده است.

پدرش مجموعه ای از احادیث فراهم کرده و صاحب عنوان از آن انتخاب کرده و ابوسعید سمعانی از او آن را استماع کرده است.(۲)

حسن وَرکانی

فخرالدّین ابوالمعالی حسن بن محمّد بن حسن بن حسین بن احمد بن یحیی بن وثاب معروف به ورکانی، از دانشمندان و ادبای قرن ششم هجری است.

ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده او را با القاب عالی ستوده و نوشته است: «کان اماماً فاضلاً مناظراً امواليّاً عارفاً بالادب... من مشاهیر الائمه»

فخرالدین ابوالمعالی ورکانی از ابوبکر محمّد بن ثابت خجندی، ابومنصور محمّد بن احمد بن شکرویه، ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد بن ماجه ابهری و ابوعبداللّٰه قاسم بن فضل ثقفی و غیره استماع حدیث نموده و سالها به نیابت از آل خجند در مدرسه نظامیه اصفهان تدریس نموده است.

۱- بیان المفاخر، ج۲، ص ۲۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۱۲.

وی علاوه بر مهارت در کلام، حدیث و فقه، در شعر و ادب نیز توانا بوده و به عربی اشعاری سروده که کاتب اصفهانی ابیاتی از آنها را در کتاب «خریده القصر» آورده است.

ورکانی سرانجام در سال ۵۵۹ق در سن ۸۰ سال و اندی وفات یافت.(۱)

او به قریه «ورکان» منسوب است. ورکان از قرای کاشان و ورکان از دهات لنجان و به خاطر مجاورت با پل معروفی که بر روی زاینده رود بنا شده نام آنجا را فلاورجان = پل ورکان می گویند.

حسن دارکی اصفهانی

ابوعلی حسن بن محمّد بن حسن بن زیاد دارکی تاجر اصفهانی از محدّثین اصفهان است. وی محدّثی ثقه، صدوق و صاحب کتاب بوده و در ۲۳ جمادی الاوّل ۳۱۷ق وفات یافته است.

دارکی از ابن ابی رزمه، بخاری، حسین بن حدیث، سعید بن عنبسه، صالح بن مسمار، شاذان فارسی و محدّثین ری حدیث شنیده و قاضی ابواحمد محمّد بن احمد بن ابراهیم، ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد، محمّد بن احمد بن محمود طبرانی، ابوالحسن علی بن احمد بن یزداد و ابوالقاسم عبدالعزیز بن عبداللّه دارکی از او روایت نموده اند.(۲)

حسن علوی کرانی

سیّد ابو محمّد حسن بن محمّد بن رضا علوی حسنی کرانی، از محدّثین و سادات جلیل القدر اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. ابوسعد سمعانی او را دیده و از او حدیث شنیده و نوشته است و او را به عنوان «علویٌ صالحٌ من اهل الخیر والعلم و التّمیز»

۱- التحبیر، ج۱، ص۲۰۶؛ مدارس نظامیه، ص۲۲۶؛ تلخیص معجم الآداب، الجزء الرابع، القسم الثالث، ص۱۴۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۸؛ الانساب، ج۵، ص۳۷۸؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۴۰۵؛ مرآت الجنان، ج۲، ص۴۰۵.

یاد نموده است.

سیّد حسن علوی کرانی، از اهالی محلّه کران اصفهان بوده و از ابوالقاسم عبدالرّحمان بن ابوعبداللَّه بن منده، ابوالقاسم علی بن عبدالرّحمان بن علیک و ابوبکر بن ماجه ابهری حدیث شنیده است.(۱)

حسن کاتب اصفهانی

ابوسعید حسن بن محمّد بن عبداللَّه بن حسنویه کاتب اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن پنجم هجری است. از ابوجعفر احمد بن احمد بن سعید سمسار روایت می کند و خطیب بغدادی (م۴۶۳) مؤلف «تاریخ بغداد» از او نقل حدیث می نماید.(۲)

حسن ابهری اصفهانی

ابوعلی حسن بن محمّد بن عبداللَّه بن عبدالسّلام ابهری اصفهانی از محدّثین اصفهانی در اوایل قرن پنجم هجری و از اهالی روستای ابهر جِی اصفهان است. از ابوبکر بن جشنس و یحیی بن صاعد روایت می کند. احمد بن شُمُردان از او حدیث نقل کرده است. ابهری سرانجام در ماه رجب ۴۲۳ق وفات نمود. برخی نام او را حسین نوشته اند ولی حسن صحیح تر است.(۳)

سیّد حسن مدرس هاشمی

میر سیّد حسن مدرس هاشمی ابن سیّد محمّد بن سیّد علی بن میر سیّد حسن مدرس، فقیه و مجتهد جلیل القدر معاصر.

مادرش دختر میرزا محمّد مهدی چهارسوقی فرزند صاحب روضات است و پدر و اجدادش از علماء برجسته اصفهان بوده اند.

۱- التحبیر، ج۱، ص۲۰۸.

۲- احقاق الحق، ج۸، ص۴۸۸.

۳- معجم البلدان، ج۱، ص۸۴.

در ۲۵ رمضـان المبارک ۱۳۲۹ق متولّـد شـده و نزد پـدر خود و حاج میرزا ابوالقاسم زفره ای، شـیخ علی مـدرس یزدی، سیّد محمّد کاظم مرتضوی کَروَنی، میرزا احمد اصـفهانی، شـیخ محمود مفید، سیّد مرتضـی خراسانی، شیخ محمّد حسن داورپناه، سیّـد محمّـد مدرس نجف آبادی، میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی، شـیخ محمّدرضا نجفی، آقا سیّد مهدی درچه ای، شـیخ محمّـدعلی مـدرس فتحی، سیّد محمّدباقر امامی، شـیخ محمّد حکیم خراسانی و حاج آقا رحیم ارباب در اصـفهان دروس فقه، اصول، ادبیات فارسی و عربی، منطق، فلسفه هیئت و ریاضی را فرا گرفت.

او آنگاه به قم مهاجرت نموده و از درس آیات عظام شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سیّد محمّد حجت بهره برد.

وی علیرغم بیمـاری صـعب العلاجی که از ۲۴ سـالگی به آن مبتلاـ شـد، به تـدریس و تربیت طلاـب اهتمام داشت. «رسائل» و «قوانین» را در مدرسه جده، «مکاسب» و «شـرح لمعه» را در مسجد سیّد، «اسفار» و «منظومه» و «شرح اشارات» و کتب فلسفی را در مدرسه صدر و برخی متون کلامی و عرفانی مانند «تجرید» و «فصوص» را در منزل تدریس می نمود و «تفسـیر قرآن کریم» را نیز در سالهای دراز برای علاقمندان تدریس نمود.

مرحوم مـدرس هاشـمی از نوجوانی به وعظ و خطابه پرداخت و در زمانی انـدک واعظی نام آور گردید. او به «مثنوی معنوی» علاـقه فراوان داشت، اغلب آن را از حفـظ بود. در تفسـیر قرآن مجیـد نیز تبحّر داشت و بـا بیان نکات مهم و بـدیع تفسـیری، آیات قرآن را تبیین می نمود.

این عـالم ربّانی در روز شـنبه ۲ ربیع الاوّل ۱۴۱۹ق (مطابق ۶تیرماه ۱۳۷۷ش) در اصـفهان وفات یافته و در بقعه علّامه مجلسـی مدفون شد.

شاعر توانا استاد فضل اللّه اعتمادی (برنا) در تاریخ وفات او چنین سروده است:

چون مدرس هاشمی شد جانب دارالسّرور

تا شود آسوده از آلام این بیت الحزن

آن که مانندش نیارد باب دوران مرد علم

آن که مثل او نزاید مام گیتی اهل فن

خامه «برنا» پی سال وفات او نوشت

«عالمی کامل مدرّس بود با خلقی حسن»

از آثار او «شرح رساله سیر و سلوک» منسوب به آقا محمّد بیدآبادی به چاپ رسیده است.(۱)

حسن اصفهانی

ابوالرّجا حسن بن محمّد بن عود، از شعرای اصفهان است. وی به عربی شعر می سروده [است].(۲)

حسن اصفهانی

ابوسعید حسن بن محمّد بن مَزیَد، از محدّثین قرن اول هجری است. او اولین کسی است که از شافعی در اصفهان سخن گفته است. از محدّثین شام و مصر روایت کرده است.

از حامد بن یحیی، عثمان بن عیسی، موسی بن مروان و هشام بن عمّار روایت می کند و محمّد بن احمد بن یزید و علی بن نمراد از او روایت می کنند.(۳)

محمّد حسن ساکت اصفهانی

آقا محمّد حسن ساکت ابن میرزا محمّد طلافروش، شاعر ادیب از سخنوران قرن چهاردهم هجری. سال تولد او را ۱۲۷۷ق، ۱۲۸۷ق و ۱۲۸۵ق آورده اند. در اصفهان متولّد شده و علم و ادب آموخت و سپس به قهوه کوبی و فروش تریاک روی آورد. او از

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی: اغلب صفحات.

۲- محاسن اصفهان، ص ۶۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۶۰.

اعضای فعّال انجمن ادبی شیدا بود. در تصوف نیز دستی داشت و مرید مشایخ سلسله صفی علی شاهی بود [او در آخرین ماه زندگی خود به مصیبت فوت فرزند جوانش عباس مبتلا شد] و در ماه رجب ۱۳۵۶ق وفات یافت و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد. دیوان اشعار او [با مقدمه شاعر توانا خسرو احتشامی] در اصفهان به چاپ رسیده است.

از اوست:

چو ماه من به رخ از زلف خود نقاب گرفت

فغان ز خلق برآمد که آفتاب گرفت

ز گریه مردم چشمم به یکدیگر گویند

ببین که خانه ما را چگونه آب گرفت

عرق ز چهره فشاند و جهان معطّر کرد

مگر نگار من از برگ گل گلاب گرفت(۱)

سیّد حسن سلطان الواعظین کاشانی

حاج سیّد حسن واعظ کاشانی بن سیّد محمّد موسوی از علماء و خطبای معروف اصفهان در اواخر دوره قاجاریه، معروف به «سیّد حسن کاشی» و ملقب به «سیّد حسن کاشی» در کاشان متولّد شده و در آنجا و اصفهان نزد اساتید تلمّذ نموده و در اغلب علوم از جمله فقه، حدیث، تاریخ و کلام صاحب نظر گردید و سپس سالها مردم را به مواعظ شافیه ارشاد و هدایت نمود.

او در سال ۱۲۹۵ق به دستور ظلّ السّلطان حاکم جابر اصفهان کتابی در تفسیر آیه «اولی الامر» موسوم به کتاب «مواعظ حسنه» را نوشته و به سرمایه ظلّ السّلطان به چاپ رسانید و در آن کتاب شاه و حاکم را «اولی الامر» و «واجب الاطاعه» دانست.

۱- دیوان ساکت، مقدمه و ص۱۶۶؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۱؛ هفته نامه نوید اصفهان، ش۳۲۶، نهم آذر ۱۳۷۳، ص۴؛ دیوان طرب، ص۲۴۶؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۲۱۱.

انتشـار کتاب در بین علماء و مجتهـدین سـر و صـدایی راه انـداخته و موجب شـد که چنـد نفر از مجتهـدین بزرگ ماننـد میرزا محمّدحسن نجفی، حاج سیّد علی اکبر فال اسیری شیرازی و آقا میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) حکم کفر او را صادر کردنـد و او از ترس عواقب آن در سال ۱۳۰۵ق به عتبـات مهاجرت کرده و آنجا و طهران از جمعی از علماء نامه ای در برائت خود گرفته و پس از دو سال به اصفهان برگشته لکن دیگر آن عنوان و شخصیّت اولیّه را نداشت.

سرانجام در غرّهٔ ربیع الثّانی سال ۱۳۲۰ق در اصـفهان وفـات یـافته و در تکیه میرزا ابوالمعـالی (یکی از اساتیـد خود) در تخت فولاد اصفهان مدفون شد. سپس فرزندان او نیز در همان اطاق به خاک رفتند رحمهاللّه علیهم.

کتب زیر از مؤلفات اوست:

۱. «رساله در امر به معروف و نهی از منکر» ۲. «منهج الواعظین و مسلک الرّاشدین» ۳. «مواعظ حسنه» ۴. «ینابیع الحیاه فی موارد الآیات» کتاب را در ۵۵ سالگی و بعد از «منهج الواعظین» تألیف نموده است.(۱)

ملّا محمّد حسن طلائی

ملّـا محمّـد حسن طلاـئی ابن ملّـا محمّـد خراسـانی، عـالم فاضـل . از دانشوران قرن دوازدهم هجری. در کیمیا رنجها کشـیده و کتابهایی تألیف نموده که از آن جمله است:

۱. «شرح رساله جابربن حیّان» ۲. «شرح شذورالذّهب» ۳. «شرح مفتاح جلدکی» و غیره.

در سال ۱۱۲۹ق وفات یافته و در قبرستان آب بخشان اصفهان مدفون شد.(۲)

۱- الاصـفهان: رجال و مشاهیر، صـص ۵۹۶-۵۹۴؛ رجال اصـفهان، ص۴۴؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، صص ۴۷۵ و ۴۷۶؛ تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۱۷۳ و ۲۵۸ و ۲۵۹؛ فهرست مرعشی، ج۱۲، ص۱۱۳؛ فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۲۴ و ج۱، ص۳۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۲.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۶؛ مزارات اصفهان، ص۲۷.

تاج الدّین حسن اصفهانی

تاج الـدّین حسن بن محمّـد فلاورجانی رویـدشتی اصـفهانی، از علمـای عالیقـدر قرن یـازدهم هجری معروف به «تـاج ارباب العمامه» در اصـفهان نزد علمای این شـهر تحصـیل کرده و از برخی از آنان از جمله ملّا حسـنعلی شوشتری روایت می کنـد.(۱) فوت او را سال ۱۰۸۵ق نوشـته اند که اشـتباه است. میر عبدالحسـین خاتون آبادی در کتاب خود، در ضمن وقایع سال ۱۰۹۸ق می نویسد:

«فوت ملّا تاجا پـدر ملّا بهاءالـدّین مشـهور به فاضل هندی در هفتم رجب هذه السّنه» و در جای دیگر می نویسد: «ملّا تاجا والد ماجـد فضـیلت و کمالات پناه مولانا بهاءالدّین مشـهور به فاضل هندی در هشـتم رجب بعد از فوت آقاحسـین خوانساری فوت شد. مرد طالب علمی بود. مشغول به مباحثه و مطالعه و تصحیح کتب حدیث و به حال خود قدس اللَّه روحه»(۲)

مقبره اش در سمت شرقی بازار غاز اصفهان نزدیک میدان کهنه موجود است.(۳)

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تزویـج النّبی صـلی الله علیه وآله زینب و رقیه من عثمـان» و این که این دو دختر از خـدیجه و شوهری بودنـد قبل از پیغمبر اکرم) در سـال ۱۳۱۱ق به ضـمیمه «فرحه الغری و مکـارم الاخلاـق» چـاپ سـنگی شـده است. (۴) [۲. «جـامع الفصول و قـامع الفضول» به فارسـی، به نام شاه سلیمان صفوی، در ادعیه و زیارات و آداب اعمال مستحب، در ۱۴ فصل که به شماره ۲۰۴۶ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی در قم موجود است.(۵)]

در برخی از کتابها، کتاب «بحر موّاج» در تفسیر قرآن را از تألیفات تاج الدّین حسن اصفهانی نوشته اند که صحیح نیست و این کتاب از تألیفات شهاب الدّین احمد

۱- الاجازه الکبیره، ص۳۲۶.

۲- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۴۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۵۶.

۴- مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۶۳۷.

۵- فهرست مرعشی، ج۶، صص ۵۶ و ۵۷.

دولت آبادی معروف به «فاضل هندی» از علمای اهل سنّت است.(۱)

سیّد حسن علوی خوراسگانی*

سیّد حسن بن سیّد محمّد علوی خوراسکانی، از علمای معاصر اصفهان. در سال ۱۳۳۳ق در خوراسکان متولّد شد و در اصفهان نزد آقا سیّد محمّدرضا خراسانی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، شیخ احمد اهتمام، شیخ محمّدرضا نجفی و دیگران تحصیل کرده و مدّتی نیز در درس اخلاق امام خمینی در قم شرکت کرده است. او از حضرات آیات سیّد عبداللّه ثقهالاسلام و شیخ محمّدرضا نجفی اجازه روایتی دریافت کرده است.(۲) وی سرانجام در روز ششم بهمن ۱۳۸۷ ش. برابر با ۲۸ محرم الحرام ۱۴۳۰ ق. وفات یافت و در مزار امامزاده ابوالعباس خوراسگان مدفون شد.

شیخ محمّد حسن قُلزُم چهارمحالی

آقا شیخ محمّد حسن قلزم بن حاجی ملّا محمّد وردنجانی چهارمحالی عالم کامل و شاعر ادیب، از سخنوران و دانشمندان قرن چهاردهم هجری. در ۱۰ مرداد ۱۲۶۰ش در قریه «وردنجان» چهارمحال متولّد شد و پس از طی تحصیلات مقدّماتی در مولد خود، به اصفهان آمده، مدت ۲۰ سال در مدرسه چهارباغ ساکن بود و به تحصیل فقه، اصول، منطق، کلام، حکمت و ریاضی را در نزد علمای اصفهان [از جمله میرزا محمد هاشم چهارسوقی]پرداخت و پس از وصول به مدارج عالیه علم و کمال به چهارمحال مراجعت نمود و تا آخر عمر در آن حدود ساکن و مرجع امور شرعیه اهالی بود.

سرانجام در سال ۱۳۲۶ش در قریه «نافج» از قراء ناحیه «لار» چهارمحال وفات

۱- الذریعه، ص۱۳، ص۱۴۹ و بنگرید به: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۰۳ و ۴۰۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۸۳؛ مزارات اصفهان، صص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۴۷۲؛ الروضه النضره، ص۹۰؛ سیمای فلاورجان، صص ۴۵-۴۲؛ احوال و آثار بهاءالدّین محمّد اصفهانی (فاضل هندی)، صص ۱۹-۱۴.

۲- خورشید جی، صص ۳۳۴.

یافت. او دیوان اشعاری مشتمل بر سه هزار بیت از غزل و قصیده و رباعی داشته که نزد فرزندش شفاءاللّه قلزم موجود بوده است.

از اوست:

شنیدم آنکه مرا نام برده ای به زبان

سرم به عرش رساندی گر این ادا کردی

اگر به خون کشی از تیغ قهر «قُلزُم» را

خلاف محض بود گویم ار جفا کردی(۱)

میرزا حسن مظاهری

میرزا حسن مظاهری بن محمّد کرونی اصفهانی، از علماء و مجتهدین ناحیه تیران و کرون در قرن چهاردهم هجری است.

در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله میرزا محمّد هاشم چهارسوقی کسب فیض نموده و از مرحوم چهارسوقی اجازه کسب نموده است.

حاج میرزا حسن مظاهری در حدود سال ۱۳۶۸ق در تیران و کرون اصفهان به سن متجاوز از ۹۰سال وفات یافت.(۲)

سیّد حسن نیاز جِشوِقانی

سیِّد حسن متخلّص به نیاز فرزند سیّد محمّد طباطبائی جشوقانی قهپائی اصفهانی، شاعر ادیب فاضل و خوشنویس - اصلاً از سادات طباطبائی مدینه السادات زوّاره اردستان است و یکی از اجدادش میرشاه تقی جشوقانی در خدمت شاه سلیمان صفوی صاحب اعتبار بسیار بوده است.

[اغلب مؤلّفین در باب نام و زادگاه او مرتکب اشتباه شده اند و نام او را سیّد حسین و زادگاه او را جوشقان کاشان نوشته اند که بنا بر دلایل متعدّد (از جمله آثار خوشنویسی که از او در دست است، نام و شهرت و انتساب خود را به روشنی سیّد حسن نیاز جِشوقانی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۸۰ و ۳۸۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۴.

آورده است) صحیح نیست. و این جِشوِقان از روستاهای تابعه منطقه کوهپایه در شرق اصفهان است]

در علوم بلاغی و معانی و بیان استاد بوده و خط نسخ را خوش می نوشته است. در مدح بسیاری از بزرگان عصر خویش قصایدی سروده و غزل را نیز نیکو می گفته است.

[نسخه خطی دیوان نیاز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۰۳۶ موجود است نسخه خطی دیگری از دیوان نیاز به شماره ۴۴۹۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. آقای احمد کرمی نیز آن را به چاپ رسانده است لیکن از نسخه ای ناقص برای طبع استفاده کرده است.]

از اوست:

شانه کمتر زن که ترسم تار زلفت بُگسَلَد

تار زلف توست امّا رشته جان من است(۱)

علاءالدّین حسن زَمَجی اصفهانی

علاءالدّین حسن بن محمّد قاضی زمجی اصفهانی [از فضلای اصفهان] دو برگ از کتاب «منهاج العابدین» غزالی را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۱۹۱۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

۱- تذکره دلگشا، صص۴۷۹ و ۴۸۰؛ مآثر الباقریه، صص ۷۲ و ۳۲۴؛ طرائق الحقایق، ج۳، ص۳۲۳؛ تراجم الرجال، ج۲، صص ۱۵۷ و ۱۵۸؛ الذریعه، ج۹، ص ۱۲۳۹؛ ریحانه الادب، ج۶، ص ۲۷۳؛ فهرست کتابخانه مجلس، ج۳۸، ص۵۷؛ فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج۷، ص۷۲۹؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۰۶۲؛ تاریخ فرهنگ و هنر جوشقان قالی، ص۱۸۷؛ اکسیر التّواریخ، صص ۵۷۲-۵۷۰.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۸، ص۵۲۴.

محمّد حسن مستوفی اصفهانی

محمّـد حسن بن میرزا محمّـد مستوفی اصـفهانی [از ادبـاء خوشـنویسان و مسـتوفیان قرن سـیزدهم هجری] در سـوم ربیع الاـوّل ۱۲۹۳ق. کتابت نسـخه ای از کتاب «ذخرالعالمین» در «شـرح دعای صنمی قریش» تألیف محمّد مهدی بن علی اصغر قزوینی را به خط نستعلیق نوشته است. این نسخه به شماره ۳۳۶ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

حسن صدر

حسن صدر فرزند میرزا محمود صدرالمحدّثین بن ملّا عبداللَّه خوانساری، نویسنده و سیاستمدار معاصر.

در سال ۱۲۸۶ش در اصـفهان به دنیا آمد. تحصـیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان طی کرد. سپس در حوزه علمیه اصفهان نزد شـیخ محمّـدرضا نجفی، شـیخ محمود مفیـد، سـیّد صدرالـدّین کوپائی و دیگران به تحصـیل پرداخت و در سـلک وعاظ و خطبـاء درآمـده و به روضه خـوانی و وعـظ در مجـالس دینی مشـغول شـد. پس از آن به راهنمـائی برادرش میرزا عبدالحسـین صدرالواعظین به تهران رفته و در رشـته حقوق تحصیل کرد و لیسانس گرفت. در دوره هفدهم مجلس شورای ملّی به خواهش مرحوم سـیّد ابوالقاسم کاشانی نامزد مجلس شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ش موفق به اخـذ پروانه وکالت و همچنین امتیاز روزنامه «قیام ایران» گردید.

او به علت فعالیّت های سیاسـی در سال ۱۳۲۷ش به بعد به مدت ۵ ماه زندانی شد و پس از آزادی انتشار «قیام ایران» را از سـر گرفت.

حسن صدر در مرداد ماه ۱۳۶۴ش وفات یافت.

این کتابها از اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج ۱، ص ۳۶۳.

۱. «حقوق زن در اسلام و اروپا» که چندین بار به چاپ رسیده است. ۲. «مرد نامتناهی علی بن ابیطالب علیه السلام» که به چاپ رسیده است. ۳. «الجزایر و مردان مجاهد» ۴. «دفاع دکتر مصدق از نفت در زندان زرهی» ۵. «ویتنام جدید».(۱)

میرزا محمّدحسن معلم

میرزا محمّـدحسن معلم ملقب به «معین الاسـلام» فرزند میرزا محمود بن محمّدحسن. از نوادگان آقا محمّدهادی مترجم ابن ملّا محمّد صالح مازندرانی.

در سال ۱۲۷۲ش در اصفهان متولّد شد و در این شهر تحصیل کرد. او از اطرافیان آقا کمال الدّین شریعتمدار بود و امور ملکی او را اداره می کرد. پس از فوت شـریعتمدار جزو ملازمین حاج شیخ مهدی نجفی قرار گرفته و به نظارت و اداره موقوفاتی که در تولیت مرحوم نجفی بود پرداخت.

او عمر خود را صـرف حل مشـکلات مردم و توجّه به محرومان نمود. به مستحبات پایبند بود و اغلب به عبادت و تهجّد و شب زنده داری می پرداخت. وی سـرانجام در سن ۹۰ سالگی در جمعه ۲۱ آذر ۱۳۵۹ش وفات یافته و در صـحن تکیه سیدالعراقین در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ فوتش را مرحوم عبدالکریم بصیری از شعرای معاصر گوید:

یکی برفت و «بصیر» نوشت تاریخ او

«رفته بدارالسلام معین الاسلام ما»(۲)

دکتر سیّد حسن میردامادی

دکتر سیّد حسن میردامادی فرزند حاج میرزا محمود از پزشکان دانشمند معاصر.

[وی تحصیلات خود را در تهران، آلمان و آمریکا به پایان رسانیده و سپس به تدریس در دانشکده پزشکی تهران مشغول شده است. در رشته میکروب شناسی از

۱- علوم و عقاید، صص ۸۲ و ۸۳؛ نادره کاران، ص ۵۸۰.

۲- شرح مجموعه گل، صص۳۹۳-۳۹۱.

اساتید کم نظیر به شمار می رفته و مطالعات و تحقیقات فراوانی در این رشته داشته است. او به زبان های آلمانی، فرانسه، انگلیسی و ترکی تسلط کامل داشت و ادبیات فارسی را نیز خوب می دانست. وی مقالات فراوانی نوشته و در مجلات داخلی، خارجی به چاپ رسانده است. همچنین کتابی به چهار زبان فرانسه، انگلیسی، فارسی و ترکی جمع آوری کرده که در آن تمام واژه های طبّی را آورده است.

او دانشمندی پرکار، متدیّن و دارای ملکات فاضله بوده و سرانجام در سال ۱۳۶۸ش در تهران وفات یافته و در قبرستان بهشت زهرا مدفون شد.[(۱)]

کتب زیر از اوست:

۱. «میکروب شناسی» (۲جلد) ۲. «سرم سازی و میکروب شناسی» ۳. «ایمنی شناسی» ۴. «تشخیص سیفلیس» ۵. «رهبر پزشکان» ۶. «تفسیر امتحانات آزمایشگاه» ۷. «سخنرانی های پرفسور ابرلین»

حسن چالشتری چهارمحالی

حسن بن مرادعلی چالشتری چهارمحالی [خوشنویس ادیب، ساکن اصفهان] در ذیقعده ۱۳۱۶ق نسخه ای از «تاریخ ناپلئون» ترجمه میرزا محمّد رضای تبریزی را در چهار مجلّد با «وصیّت نامه ناپلئون» به خط نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۵۱۵۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

همچنین او در سال ۱۳۰۸ق نسخه ای از «ظفرنامه تیموری» را به خط شکسته نستعلیق به دستور خدارحم خان ریاحی چالشتری نوشته است. نسخه به شماره ۳۳۰۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۳)

۱- لطائف غیبیّه: مقدمه۷ ص بیست و شش؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۳۲۸ و ۳۲۹.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۵، ص۴۱۲۹.

۳- فهرست مجلس، ج ۱۰، بخش دوم، ص۷۸۶.

سیّد حسن استرآبادی

سیّد حسن بن سیّد مرتضی حسینی استرآبادی، عالم فاضل و مورّخ ادیب، از دانشمندان اوایل قرن دوازدهم هجری.

وی در اصفهان ساکن بوده و در زمان شاه سلطان حسین صفوی کتاب «تاریخ سلطانی» را در سه قسمت تألیف نموده است:

اوّل- از تاریخ سلاطین قبل از اسلام دوّم- احوالات حضرت رسول و ائمه اطهارعلیهم السلام (و در آنجا مطالب فراوانی درباره امامزادگان اصفهان از تذکره شیخ نورالدّین حبیب اللَّه نسابه عاملی نقل می کند) سوّم- در تاریخ سلاطین صفویّه. از این کتاب نسخه های متعدد در کتابخانه های داخل و خارج از کشور از جمله کتابخانه مرحوم آقا سیّد ابوالحسن واعظ کرونی، کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی، و کتابخانه کمبریج در انگلستان موجود است. [بخش سوم تاریخ سلطانی، به اهتمام دکتر احسان اشراقی در سال ۱۳۶۶ش با نام «از شیخ صفی تا شاه صفی» به چاپ رسیده است.(۱)]

میر سیّد حسن چهارسوقی

حاج میر سیّد حسن بن میرزا مسیح بن میرزا محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) عالم کامل و فقیه جلیل، از رؤسای علمای اصفهان، ملجاء و پناه مردم، عالم فاضل محقّق. مقبول القول و نزد عموم طبقات از عوام و خواص مورد توجّه و احترام بوده است.

در ۳ رجب سال ۱۲۹۴ق متولّد شده و در خدمت ملّا حسین نائینی، ملّا حسینعلی صرفی، آقا سیّد ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی، میرزا یحیی بیدآبادی، میرزا عطاءاللَّه چهارسوقی، حاج میرزا بدیع درب امامی، سیّد مهدی درچه ای، میرزا هدایت اللَّه چهارسوقی، سیّد حسن مشکان طبسی، سیّد ابوالقاسم دهکردی، آقا سیّد محمّدباقر

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۹۲ و ۱۹۳؛ فهرست مرعشی، ج۹، ص۳۷؛ از شیخ صفی تا شاه صفی، (مقدمه)، صص ۱۱-۷.

درچه ای، ملّا عبدالکریم گزی، آقا سیّد محمود کلیشادی، آخوند کاشی، شیخ محمّدعلی ثقهالاسلام، شیخ محمّدتقی آقانجفی ،میر محمّدتقی مدرس (محله نوئی) و میرزا محمّدهاشم چهارسوقی تحصیل نمود و به درجه اجتهاد نائل گردید.

او سرانجام در صبح پنج شنبه ۱۳ جمادی الاولی سال ۱۳۷۷ق در اصفهان وفات یافته، جنازه به نجف حمل گردیده، در جوار عمّ بزرگوار خود در وادی السلام مدفون گردید.

عده ای کثیر از دانشمندان در مرثیه و مادّه تاریخ وفاتش اشعاری سرودند که از آن جمله است مادّه تاریخی که مرحوم آقا حسن رئیس زاده واعظ گفته است:

منوّر مشعلی خاموش شد از علم و دانش

که مانندش نیاید در جهان از هیچ مشکاتی

ز سال فوت پرسید از «رئیسی» باصفا گفتا

ز جنّت مجتبی سر کرد بیرون گفت روضاتی

۱۳۷۷=۱۴۱۷-۴۰

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تقریرات اصولی استاد علّامه خود مرحوم درچه ای، در اصل برائت و احتیاط» ۲. «تقریرات اصولی استاد نامبرده در مبحث ظن» ۳. «جامع الدرر»، دو مجلّد در متفرّقات عربی و فارسی منظوم و منثور ۴. جزوات متعدده در مواعظ منبری و غیره.(۱)

حسن صائب اصفهانی

حسن صائب بن حاج سیّد مصطفی، از شعرای معاصر در سال ۱۳۱۱ه.ش در اصفهان متولّد شده و در این شهر در مدارس جدیده به تحصیل پرداخته و در جوانی روزنامه بامداد را انتشار داده است. طبع شعر نیز داشته و «صائب» تخلّص می نماید.

۱- زندگانی حضرت آیت اللّه چهارسوقی، صص ۷۳-۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۴۶ و ۳۴۷.

از اوست:

ز دوستان وفادار مگسلان پیوند

که زیر سایه الطافشان بقا بینی

صفای خاطر از آن بی وفا چه می جوئی

که قلب تیره او را پر از ریا بینی(۱)

حکیم حسن شفایی اصفهانی

حکیم شرف الدّین حسن بن حکیم ملّای اصفهانی، شاعر ادیب و طبیب حکیم، تولّدش بنابر قول تقی الدّین اوحدی در سال ۹۶۶بوده و در خدمت پدر که از شاگردان میر غیاث الدّین منصور شیرازی بوده و برادرش حکیم نصیرا و جمعی دیگر از علماء و ادباء و اطبّاء تحصیل نمود. در مسجد جامع اصفهان طبابت می نموده و نزد عموم طبقات معزّز و محترم می زیسته است. به طوری که نقل می کنند وقتی در محله نیم آورد به شاه عباس کبیر صفوی برخورد می کند پادشاه قصد فرود آمدن از مرکب خود را جهت او می کند حکیم با خواهش و تمنّا مانع می شود. ولی تمام بزرگان که در رکاب شاه بوده اند، به احترام او پیاده می شوند، شفایی در اوایل عمر هجو بسیار می گفته [از جمله خواجه محمدرضا فکری اصفهانی، فغفور لاهیجی و علیشاه ذوقی اردستانی را هجو نموده]لکن در اواخر عمر توبه نموده است.

کتب زیر از اوست:

۱. خمسه شامل: دیده بیدار - به نام شاه عباس کبیر، نمکدان حقیقت بر وزن حدیقه سنائی، مجمع البحرین در برابر تحفه العراقین، شکرالمزاحتین، مهر و محبت ۲. دیوان اشعار، مطبوع ۳. کتابی در ادویه مرکّبه ۴. ساقی نامه

در الذریعه به نقل از ریاض العلماء درباره او فرماید: شفایی درباره خودش گفته

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۷.

است: طبابت من تبحّر و استادی مرا در سایر علوم پوشانید و شعرم طبابتم را پوشانید و کثرت هجایم شاعریم را مخفی داشت.

وفاتش در سال ۱۰۳۷ق روی داده است. ملّا عرشی درباره تاریخ وفاتش گوید:

«بشاه دین شفایی داد جان را».

قبرش در قبرستان شاه میرزا حمزه قرار داشته که اکنون دانشسرای کشاورزی [هنرستان سروش فعلی] است.

نگارنده [مرحوم استاد مهدوی] سنگ لوحش را هنگامی دید که [آن را] یک طرف انداخته بودند و به تدریج اراضی مجاور آن را برای زراعت مهیّا می ساختند.

[فخرالزّمانی مؤلّف تذکره میخانه که معاصر حکیم شفایی است می نویسد بقایای جسد حکیم شفایی را به عتبات عالیات انتقال داده و در نجف اشرف به خاک سپرده اند.]

برخی او را با حکیم شفایی مظفربن محمّد حسین کاشانی مؤلف کتاب قرابا دین اشتباه گرفته و آن دو نفر را یکی دانسته اند.

از اشعار اوست:

هر شب به کوی یار صبا می برد مرا

ماهر دو عاشقیم چرا می برد مرا

بر دوش خود گرفته و چون برق می دود

در حیرتم که آه کجا می برد مرا(۱)

۱- ریحانه الادب، ج۳، صص ۲۲۸-۲۲۶؛ خلاصه الاشعار، (بخش اصفهان)، صص ۳۲۷-۳۲۴؛ تذکره هفت اقلیم، ج۲، صص ۴۲۹ و ۴۳۰؛ ریاض العلماء، ج۱، صص ۱۶۳-۱۶۱؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، صص ۱۰۸۲-۱۰۷۵؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۹۰۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۱۸ و ۵۱۹؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۳۱۲-۳۱۰؛ تذکره میخانه، صص ۵۳۴-۵۲۳؛ مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۴۰ و ۴۱؛ سرو آزاد، صص ۴۷ و ۴۸؛ لغت نامه دهخدا، ذیل شفایی اصفهانی، ص۴۲۶؛ تذکره ریاض العارفین، ص۳۵۷؛ دیوان حکیم شفایی: مقدمه؛آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، صص ۹۵۰ و ۹۵۱؛ تذکره غنی، ص۷۴؛ تذکره حسینی، ص ۱۷۸؛ تاریخ عالم آرای عباسی، (چاپ ۱۳۷۷ش)، صص ۱۸۰۶-۱۸۰۴؛ الذریعه، ج۹، ص ۵۳۰، و ج۱۹، صص ۳۱۴ و ۳۲۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.

حسن بن موسی

حسن بن موسی، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. وی از قَعنَبی و محمّد بن بکیر حضرمی روایت می کند و فرزندش عبدالرّحمن ضرّاب از صاحب عنوان حدیث شنیده است.(۱)

حسن اصفهانی

حسن بن مهدی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. محمّد بن حسین بن حُمید بن ربیع از او روایت می کند و خود او از عمر بن عبدالرّحمان نقل حدیث می نماید.(۲)

حسن اصفهانی

حسن بن مهدی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. وی از محمّد بن حسین بن حُمید بن ربیع روایت نموده و عمر بن عبدالرّحمان از او نقل حدیث می نماید.(۳)

سیّد حسن موسوی دهسرخی*

سیّد حسن بن سیّد مهدی بن سیّد اسداللَّه دهسرخی، عالم فاضل. در سال ۱۳۴۱ق در اصفهان متولّد شده و در مدرسه کاسه گران و مدرسه صدر نزد شیخ محمدعلی معلم حبیب آبادی و شیخ عباسعلی ادیب تحصیل نمود. سپس به قم رفته، مکاسب را نزد آیت اللَّه العظمی مرعشی نجفی و رسائل را نزد شیخ اسداللَّه صفر نوراللهی نجف آبادی و کفایه را نزد سیّد محمّد باقر سلطانی بروجردی و میرزامحمّد مجاهدی تبریزی آموخت و مدت کوتاهی نیز در درس خارج آیت اللَّه بروجردی شرکت کرد.

در سال ۱۳۷۶ق به خواهش مردم محله سلطنت آباد تهران، به آنجا رفته و به اقامه

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۸.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۵۸.

جماعت و نشر معارف اسلامی پرداخت تا اینکه در پنج شنبه ۲۸ شعبان ۱۴۱۴ق در تهران وفـات یافته، جنازه به قم حمل و در قبرستان وادی السلام مدفون شد.

از تألیفات اوست:

۱. کودکان سخنور ۲. تاریخ مختصر انبیاء و ائمه علیهم السلام ۳. چهل حدیث(۱)

میرزا محمّدحسن نحوی

حاج میرزا محمّـدحسن بن حاج سیدمهدی نحوی بن سیّد محمّـد حسن مجتهد بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه موسوی خواجوئی اصـفهانی، عـالم فاضل فقیه، از دانشـمندان قرن چهاردهم هجری در سال ۱۲۸۷ق در اصـفهان متولّد شده و نزد پدر دانشـمند خود و شـیخ محمّـد تقی آقـا نجفی، حـاج میرزا بـدیع درب امامی، آقا سیّد محمّـد باقر درچه ای، آخونـد ملّا محمّد کاشانی، میرزا محمّـد هاشم چهارسوقی و میرزا محمّـد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) به تحصـیل پرداخته و به اجتهاد نائل شد. او داماد استادش صاحب روضات بوده و به تدریس فقه و اصول مشغول بوده و عمری را به زهد و قناعت گذرانده است.

سرانجام در جمعه ۱۴ربیع الثّانی ۱۳۶۱ق وفات یافته و در تکیه خانوادگی سادات مهدوی در تخت فولاد مدفون شد.

میرزا محمّد علی معلم حبیب آبادی مادّه فوت وی را چنین نوشته است:

کم کرد معلم دو و گفت از پی سالش

«سیّد حسن نحوی عارف ز جهان رفت»(۲)

۱- گنجینه دانشمندان، ج۴، ص۵۷۲؛ تربت پاکان قم، ج۱، صص ۵۶۸ و ۵۶۹.

۲- رجـال اصـفهان یـا تـذکره القبور، ص۱۰۳؛ دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، ص۴۸۹؛ سـیری در تاریـخ تخت فولاـد، ص۲۰۶.

شیخ محمّد حسن نجفی زاده

حاج شیخ محمّد حسن نجفی زاده فرزند شیخ مهدی نجفی، از علماء و فضلائ معاصر اصفهان. مادرش دختر شیخ محمّدتقی آقانجفی است.

[در اصفهان متولّد شده و نزد جمعی از علمای این شهر از جمله پدر دانشمند خود و شیخ محمّدرضا نجفی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی، شیخ فضل اللّه اعضادی خوانساری، ملا فرج اللّه دری و دیگران به تحصیل پرداخت و فاضلی ارجمند و عالمی جامع گردید.]

او سالها در جلفای اصفهان محضر استاد رسمی داشت و به امور اجتماعی مردم آن ناحیه از مسلمان و ارمنی با کمال دقت و دینداری رسیدگی می نمود. همچنین در آموزش و پرورش به عنوان معلم به تدریس در مدارش مشغول بود. او امتیاز روزنامه «اسلام در شرق» را داشت که مدیریت آن را به ناصر دهاقانی سپرده بود.

او در اواخر عمر به بیماری مبتلا شده و در منزل منزوی و خانه نشین بود تا اینکه در ذیقعده سال ۱۴۰۷ق وفات یافته و در قبرستان جدید اصفهان موسوم به «باغ رضوان» مدفون گردید.(۱)

محمّدحسن خدائی

محمّد حسن خدائی ابن آقا سیّد محمّد مهدی درب امامی، شاعر ادیب در روز ۷ رمضان المبارک ۱۳۰۹ق در اصفهان متولّد شد. از سلسله سادات درب امامی بود. مقدمات علوم ادبیات را در مدارس قدیم آموخته و سپس به کسب و کار مشغول شد. در سال ۱۳۱۰ش در کارخانه وطن استخدام شده و به کار پرداخت. طبع شعر داشته و در انجمن ادبی شیدا شرکت می نموده «خدائی» تخلّص داشت. دیوان اشعارش حدود سه

۱- علوم و عقاید، ص۱۱۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۸۷ و ۸۸؛ مزارات اصفهان، ص۱۲۲؛ اَساوِر مِن ذَهَب: مقدمه، صص۲۸-۲۶.

هزار بیت شعر داشت.(۱)

وی سرانجام در سال ۱۳۳۶ش وفات یافته و در تکیه جویباره ای ها در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

از اوست:

ترسم که آه و ناله من پرده در شود

هر خاص و عام از غم من باخبر شود

گویند سیل اشک بشوید ز دل ملال

امّا نه آن که دل همه خون جگر شود

محمّد حسن اصفهانی

محمّد حسن بن حاج میرزا محمّد مهدی قاری اصفهانی، از فضلاء و خطاطان اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. خط نسخ را زیبا می نوشته و در محلّه مسجد حکیم اصفهان ساکن بوده است. وی نسخه ای از کتاب «تحفه حکیم مؤمن» را به خط خوش خود کتابت کرده که در مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۳)

حسن بن مهران

حسن بن مهران، از محدّثین اصفهان در قرن سوم هجری است. از اسحاق بن راهویه و ابن ماسَرجِس روایت می کند. در سال ۳۹۲ق وفات یافته است.(۴)

حسن اصفهانی

حسن بن مهران اصفهانی، از محدّثین شیعه است. [وی در سلسله راویان احادیث نقل شده از طرف شیخ صدوق واقع شده ولی مشایخ و راویان از او بر ما مجهول است.(۵)]

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۲۱.

۲- یادداشت های آقای حمید خلیلیان.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۱۹ و ۵۲۰.

۴- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۶۹.

۵- مستدرک سفینهالبحار، ج۲، ص۳۸۱.

حسن برزانی*

حسن بن ناصر برزانی از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری، در سال ۱۲۵۳ق جلد یکم کتاب «الکواکب الضّیائیه» در شرح زبده الاصول شیخ بهائی، تألیف سیّد یوسف خراسانی اصفهانی را به خط نسخ نوشته و کتاب به شماره ۱۲۸۶ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۱) نسخه دیگری از «الکواکب الضیائیه» (جلد دوّم) که توسط حسن برزانی در جمعه ۲۲ ذیقعده ۱۲۵۴ق کتابت شده، به شماره ۵۴ در کتابخانه مدرسه معمارباشی تهران موجود است.(۲)

میرزا حسن آتش

میرزا حسن آتش بن حاج میرزا آقا بن میرزا محمّد طاهر بروجنی، از شعرای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری، در سال ۱۲۸۶ق متولّد شد و پس از تحصیلات مقدّماتی، در جوانی به شغل «زنجیره باقی»، «گلدوزی دستی» و «یراق دوزی» پرداخت امّا در اواخر عمر به داد و ستد و معاملات نقدی روی آورد.

در شعر پیرو سبک کلیم و صائب بود و در انجمن های ادبی اصفهان شرکت می کرد و در آنجا بود که از محضر شاعرانی چون محمدحسین عنقا، عمان سامانی، میرزا حسینعلی آشفته، و میرزا محمّدعلی مسکین کسب فیض کرد. ابتدا «بینوا» تخلّص می کرد و بعداً آن را به «آتش» تغییر داد. آتش در جمعه ۲۱ رجب ۱۳۴۹ق در اصفهان وفات یافته و در تکیه جوباره ای ها (فاضل سراب) در تخت فولاد مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش را حسام الدّین دولت آبادی چنین سروده است:

طبع «حسام» از پی تاریخ گفت:

«آتش ما سرد شدی زود بود»

دیوان اشعار او با مقدمه استاد همائی در سال ۱۳۲۱ش و بار دیگر در سال ۱۳۳۶ش به چاپ رسید.

۱- فهرست فیضیه، ج۱، ص۲۲۴.

۲- فهرست معمارباشی، ص۵۸.

این بیت از اوست:

به جرم آن شدم «آتش» ز گریه خانه خراب

که دیده ام خبر از آب زیر کاه نداشت(۱)

شیخ حسن صافی*

حاج شیخ حسن صافی اصفهانی فرزند نصراللّه، عالم ربانی و فقیه صمدانی، در سال ۱۲۹۸ش در اصفهان متولّد شده و تحصیلات ابتدائی را در مدرسه قدسیّه آغاز کرد و آن را تا حدود سوم دبیرستان ادامه داد. آنگاه به تشویق شیخ احمد حججی نجف آبادی به تحصیل در حوزه علمیه اصفهان پرداخت. وی پس از تحصیل علوم مقدماتی به قم رفته و در درس آیت اللّه شهاب الدّین مرعشی نجفی و شیخ عبدالرزاق قائنی و دیگر اساتید از جمله امام خمینی حاضر شد.

وی در ۲۴ سالگی به نجف اشرف عزیمت نموده و در مدت ۲۸ سال مجاورت آستان مطهر حضرت علی علیه السلام نزد آیات عظام سیّد ابوالقاسم خوئی، سیّد محسن حکیم، سیّد عبدالهادی شیرازی و هم چنین نزد شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ محمّدعلی کاظمینی به کسب فیض پرداخته و به اجتهاد نائل آمد. علوم عقلی را نزد آقا صدرا بادکوبه ای فرا گرفت و نزد عالم ربانی و عارف کامل سیّد جمال الدّین گلپایگانی به تهذیب نفس پرداخت.

او بیشترین بهره را از درس مرحوم خوئی برده و تقریرات دوره دوم اصول و دوره سوم مباحث الفاظ به نگارش درآورد. مرحوم صافی در نجف اشرف به تدریس «شرح

۱- تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۲۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۲-۳۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۲؛ گلزار جاویدان، ج۱، صص ۵ و ۶؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۱، صص ۲۳ و ۲۴؛ دیوان طرب، ص۲۴۴؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، صص ۵۷۸ و ۵۷۹؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۲۱ و ۲۲؛ نقباء البشر، ج۱، ص۳۶۵؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۷۸۷ و ۲۷۸۸.

لمعه»، «رسائل»، «مکاسب»، «کفایه» و خارج اصول پرداخت. در سال ۱۳۵۰ش به درخواست اهالی اصفهان و دستور امام خمینی و مرحوم خوئی به اصفهان مراجعت نموده و به اقامه نماز جماعت در مسجد جامع و تدریس در مدرسه صدر بازار مشغول شد. در جریان مبارزات مردم علیه رژیم پهلوی، همراه و همگام انقلابیون بود در صدور اعلامیه و انجام راهپیمائی شرکت داشت. وی علاوه بر تدریس دروس حوزوی مدتی نیز به تدریس اقتصاد اسلامی مشغول بود. پس از وفات مرحوم خادمی و بیماری مرحوم صادقی، ریاست حوزه علمیه اصفهان را بر عهده گرفت و در این کار به حل مشکلات طلاب و بهبود وضع مدارس حوزه اهتمام داشت.

او علاوه بر تدریس دروس رایج، به تربیت و پرورش طلاب و آموزش اخلاق اسلامی نیز توجّه خاص داشت. خود نیز عابد و زاهد و اهل تَهَجُّد و مراقبت بر مستحبات و نوافل بود.

او پس از مدتی بیماری در سن ۷۶ سالگی در صبح جمعه سوم جمادی الاولی ۱۴۱۶ق، وفات یافته و پس از تشییع باشکوه مردم و علماء اصفهان، در بقعه علّامه مجلسی مدفون شد.

از آثار خیریه او تأسیس مدرسه علمیه و مرکز تحقیقات اسلامی صاحب الامر(عجل اللّه تعالی فرجه الشّریف) در قم و دارالشّفاء فاطمیّه در اصفهان را می توان نام برد.

از آثار علمی او کتاب «الهدایه فی الاصول» در ۴جلد که تقریرات درس مرحوم خوئی است و کتاب «شوق وصال» در ۲جلد در مباحث اخلاقی به چاپ رسیده است.(۱)

۱- یادنامه آیت اللّه حاج شیخ حسن صافی اصفهانی؛ وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۳۷۱، دوازدهم مهر ۱۳۷۴، ص۵؛ روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۷۳.

میرزا محمّد حسن منشی اصفهانی*

میرزا محمّد حسن منشی ابن میرزا محمّد نصیر حسینی مرعشی ابن سیّد محمّد جعفر صافی، شاعر و ادیب، منشی و خوشنویس قرن سیزدهم هجری.

وی از منشیان عهد فتحعلی شاه قاجار بود و در زمان سلطان محمّد میرزا (سیف الدوله قاجار) در دارالانشاء به فعالیت مشغول بود. در زمان محمّد شاه به منصب وقایع نگاری برگزیده شد. علاوه بر احاطه بر فنون ادب و انشاء، خط شکسته را نیز خوش می نوشت و غزل و قصیده را با مهارت می سرود.

این دو بیت از قصیده ای که در مدح منوچهر گرجی (معتمدالدوله) حاکم اصفهان سروده نقل می شود:

یا رب آن گیسوی مشکین نرسد هیچ گزندش

که هزاران دل عشاق اسیر است به بندش

هیچ دل نیست که آشفته نگردیده از آن مو

هیچ صیدی نبود خسته ز آسیب کمندش(۱)

وی در سال ۱۲۳۲ق نسخه ای از کتاب «کلیات سعدی» را به خط نستعلیق در اصفهان نوشته است. کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

شیخ حسن بنّای اصفهانی

شیخ حسن بن نظام الدّین بنّای اصفهانی، بنای چیره دست و هنرمند قرن نهم هجری است.

وی در سال ۸۴۹ق خانقاه یا «بیت السّعاده و السّیاده» (منزل سیّد حسن حسینی معروف به سیّد واقف) را در روستای افوشته نطنز بنا کرده است.(۳)

۱- تذکره مدایح معتمدیه، نسخه خطی.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۱۶۶.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۸۸۷؛ میراث فرهنگی نطنز، ص۵۷.

سیّد حسن علوی

سیّد ابوالعزّ حسن بن هادی بن حسن علوی اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

وی در سال ۴۵۰ق متولّد شده و از ابومسلم محمّد بن علی بن مهریزد اصفهانی و ام الحسن عایشه بنت حسن بن ابراهیم ورکانی و دیگران حدیث شنیده است. سرانجام در حدود سال ۴۵۰ق در ماه رمضان وفات یافت.

ابوسعد سمعانی درباره تندخوئی او داستان نقل کرده است و از او حدیث شنیده است.(۱)

محمّد حسن بروجنی

محمّد حسن [بن کربلائی هاشم] بروجنی [از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است. از آثار او:

۱. در سال ۱۲۵۵ق نسخه ای از «منهج الاصول» تألیف حاج محمّد ابراهیم کلباسی، را به خط نسخ کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۵۴۰ع در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۲)]

۲. در سال ۱۲۵۷ق «اسانید مَن لا یحضره الفقیه» را نوشته و در حاشیه آن حالات رجال آن را مختصراً به خط شکسته نستعلیق نوشته است، [که] ضمن کتاب شماره ۴۱۸ «من لا یحضره» در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در تهران موجود است.(۳)

دکتر محمّد حسن سه چهاری

دکتر محمّد حسن سه چهاری بن آقا ملّا هاشم بن محمّد ابراهیم بن محمّد حسن بن محمّد ابراهیم اصفهانی، عالم فاضل ادیب نویسنده، از فضلاء و نویسندگان معاصر اصفهان.

۱- التحبیر، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲- فهرست کتابخانه ملّی، ج ۸، ص ۳۶.

۳- فهرست سپهسالار، ج ۱، ص ۳۳۰.

در سال ۱۲۹۵ش در اصـفهان متولّد گردید و در این شـهر نزد آقا شیخ محمّد رضا نجفی و آقا سیّد محمّد نجف آبادی و سیّد مهدی درچه ای به کسب فیض پرداخت. سپس به قم مهاجرت نموده و نزد آیات عظام سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد محمّد حجت کـوه کمری و امـام خمینی تلمّـذ نموده و در نجف به درس آقـا ضـیاءالدّین عراقی حاضـر شـده و از اغلب اساتیـد خود اجازه روایت و اجتهاد دریافت نمود.

او در اصـفهان به تـدریس در دبیرسـتانها مشـغول شد. سـپس به دانشـگاه اصـفهان منتقل شده و به تدریس پرداخت. او پس از بازنشسـتگی به تألیف و تصـنیف و اداره دفتر ازدواج و طلاق مشـغول شد. وی تحصـیلات دانشـگاهی را در دانشگاه تهران در رشته الهیات انجام داده و به درجه دکترا نائل آمد.

[دکتر سه چهاری در روز ۱۵ خرداد ۱۳۸۱ش وفات یافته و در گورستان جدید باغ رضوان اصفهان مدفون شد.]

کتابهای زیر از تألیفات اوست:

۱. «اسـلام سازنده نه اسلام ساخته شده» مطبوع ۲. «اصول دین محمدی صـلی الله علیه وآله» ۳. «استصحاب» ۴. «اسلام و ادیان باطله» مطبوع ۵. «اصـول و فروع دین» مطبوع ۶. «پرسـش یک ماتریالیست سوسـیالیست و پاسخ آن» مطبوع ۷. «تاریخ انبیاء» ۸. «تاریخ خاتم الانبیاءصلی الله علیه وآله» ۹. «تاریخ ادیان هند» ۱۰. «پرسش یک طبیعی و پاسخ آن» مطبوع ۱۱. «تاریخ و فرهنگ ادبیات عرب» ۱۲. «توحیـد و نبوت» مطبوع ۱۳.«تعلیمات دینی» مطبوع ۱۴. «حاشـیه بر متاجر شیخ مرتضی انصاری» ۱۵. «خدای آفریننـده نه خدای آفریده شده» مطبوع ۱۶. «فروع دین محمدی و اسـرار آن» مطبوع ۱۷. «صرف و نحو» ۱۸. «کشکول حسنی» ۱۹. «کیف کان الامام الثانی الحسن علیه السلام مطلاقاً» ۲۰. «مقایسه و ارتباط ادبیات ایران و عرب»(۱)

۱- اسلام سازنده و نه اسلام ساخته شده: مقدمه؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

سیّد حسن موسوی اصفهانی

سیّد حسن بن سیّد هاشم بن سیّد میرزا بن سیّد محمّد موسوی اصفهانی، عالم فاضل متقی، در حدود سال ۱۲۰۰ ه.ق متولّد شد و در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله سیّد حجهالاسلام شفتی و حاج محمّد ابراهیم کلباسی و شاید حاج ملّا علی نوری تلمذ نمود.

وی در ضمن تحصیل به شغل زنجیره بافی نیز اشتغال داشت. از امتیازات او عمامه سبز بود که تا این اواخر در بین اعقابش متداول بود. سرانجام در حدود سال ۱۲۷۰ یا اندکی بیشتر در اصفهان وفات یافت و در قبرستان آب بخشان مدفون گردید.(۱)

حسن رهرو اصفهانی*

حسن شیرانی متخلّص به «رهرو» بن هاشم، شاعر ادیب در سال ۱۳۲۱ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رساند و به استخدام اداره ثبت اسناد و املاک اصفهان درآمد. وی از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و در بعضی از انجمن های ادبی اصفهان شرکت کرد. علاوه بر سرودن انواع شعر (غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی) به زبان لُری نیز شعر سروده است.

از اوست:

چشم ماâز انتظارش گرچه شد بر در سپید

خانه دل را کند آن مهر روشنگر سپید

از صفا گردد دل تاریک روشن چون سحر

می کنند آینه را از گرد خاکستر سپید(۲)

۱- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۰۴.

۲- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۶۱۳؛ تذکره شعرای استان اصفهان، (ویرایش دوّم)، ص۳۱۷.

میرزا محمّد حسن شهیدی مشهدی*

میرزا محمّد حسن شـهیدی مشـهدی ابن سـیّد هدایت اللَّه بن سیّد محمّد مهدی شهید اصفهانی خراسانی، عالم فاضل. سالها در اصـفهان سـکونت داشته و نزد حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی و دیگران به تحصیل علوم دینی مشغول بوده است. وی کتـاب «قرائه المأموم خلف الامام» را تألیف نموده که در کتابخانه ملک تهران وجود دارد.(۱) همچنین کتاب «نجاه المتّقین» را در محرم ۱۲۵۴ق در اصول و فروع دین تألیف نموده است.(۲)

شیخ محمّد حسن رحیمیان*

شیـخ محمّد حسن رحیمیان فرزند شـیخ یداللَّه، عالم فاضل معاصـر. در ۶ رمضان ۱۳۶۷ق (مطابق ۲۲تیر ۱۳۲۷ش) در روستای «دسـتگرد» اصـفهان متولّد شد. در حوزه علمیه و قم تحصـیل نمود وسـپس به نجف اشـرف مشرّف شده و از درس آیات عظام امام خمینی، سید ابوالقاسم خوئی و سیّد محمّد باقر صدر بهره مند شد.

او پس از پیروزی انقلاب اسـلامی به عضویت دفتر رهبر انقلاب امام خمینی درآمـده و مسـئول امور مالی و وجوه شـرعی شـد. مدتی بعد به عنوان قائم مقام بنیاد شهید منصوب شد و از سال ۱۳۷۱ش رئیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی شد. او سالهاست که مـدیریت مجلّه «پاسـدار اسـلام» را برعهده دارد و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۲ش در دانشـکده الهیات دانشگاه تهران تدریس نموده است.

آقای رحیمیان در خوشنویسـی نیز مهارت به سزایی دارد و خصوصاً خط ثلث را خوش می نویسد. کتیبه های ایوان اصلی مرقد مطهر حضـرت سیّدالشهداءعلیه السلام و کتیبه های صحن حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام و کتیبه کمربند داخل حرم مطهر حضرت زینب(سلام اللَّه علیها) از آثار ارزنده و نمونه خط زیبای اوست.

۱- فهرست ملک، ج۱، ص۴۱۴.

۲- نسخه های خطی، ج۲، ص۱۳۲.

کتاب های زیر از تألیفات او به چاپ رسیده است:

۱. «تعالیم قرآن» ۲. «در سایه آفتاب» ۳. «اخلاق و تربیت اسلامی» ۴. «آیین تزکیه» ۵. «در حریم لاله ها» ۶. «حدیث رویش»

این کتاب ها نیز هنوز به چاپ نرسیده است:

۷. «اسلام مکتب انسان سازی» ۸. «آسیب شناسی اخلاق در مدیریت» ۹. «آثار تربیتی نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر»(۱)

حسن اصفهانی

حافظ ابوعلی حسن بن یونس اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. در اصفهان، خراسان، عراق و نیشابور استماع حدیث کرده و در اصفهان مجلس املای حدیث داشته است.

ابوسعد سمعانی در شرح حال ابوالنّجم طالب بن زید گوید: ابوعلی بن یونس مؤلّف «مئه حدیث عن مئه شیخ» است.

ابوالنّجم طالب کتاب فوق را از نوه صاحب عنوان یعنی ابوعلی حسن بن عمر بن حسن بن یونس حافظ اصفهانی روایت می کند.(۲)

سیّد محمّد حسن بدری

سیّد محمّد حسن بدری، از خطاطان فاضل اصفهان است. خط نستعلیق را با مهارت می نوشت. وی در غرّه ربیع الاوّل ۱۳۸۳ق به سن متجاوز از ۶۵سالگی وفات یافت.

[وی یک نسخه از مثنوی «طاقدیس» تألیف: ملّا احمد نراقی را به نستعلیق در سال ۱۳۵۳ق کتابت کرده است که در مطبعه گلبهار اصفهان چاپ سنگی شده است.]

۱- حدیث رویش، ص۱۶-۱۳.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۳۵۶.

میرزا محمّد حسن تخت فولادی*

میرزا محمّد حسن تخت فولادی، از عرفاء و زُهّاد عصر قاجاریه، از مریدان هادی علی شاه نعمت اللهی و در تخت فولاد ساکن و به عبادت و ریاضت مشغول بود.

او در سال ۱۳۲۹ق وفات یافته، در تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفات او را «منعم» شاعر اصفهانی سروده است:

رفت و «منعم» بسال فوتش گفت

شد شفیع حسن حسین شهید(۱)

سیّد حسن ترسای جرقوئی*

سیّد حسن طباطبائی رامشنی جرقوئی متخلّص به «ترسا» شاعر ادیب. از اهالی قریه «رامشن» (رامشه) جرقویه اصفهان بوده و در قرن سیزدهم هجری می زیسته است. وی سفری به هندوستان رفت و پس از بازگشت، به زادگاه خود بازگشت. از آثار او: «دیوان اشعار» و «تاریخ اوچ کلیسا» است که هنوز به طبع نرسیده است.

از اوست:

در وصف عارضت نتوانم که دم زنم

ورد زبان مرا به دهان همچو سوسن است

از عشق رویت ای بت شیرین زبان من

در بیستون سینه مرا تیشه ناخن است(۲)

میرزا محمّد حسن تسلیم اصفهانی

میرزا محمّد حسن اصفهانی متخلّص به «تسلیم» و ملقّب به «صدر الأفاضل» شاعر ادیب. [در برخی کتب نام او را میرزا صادق نوشته اند که اشتباه است. مردی عارف و سالک بوده است. سفری به هند رفته و دست ارادت به غلام علی شاه جلالی همدانی

۱- گلشن اهل سلوک، صص ۱۶۸ و ۱۶۹؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۱۱۹.

۲- گرکویه سرزمینی ناشناخته برکران کویر، (چ۲)، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

داده است. رساله «صبح صادق» از تألیفات اوست. دیوان اشعاری هم دارد که بالغ بر پنج هزار بیت است.

از اوست:

صوفی که گوید بر ملا، روی تو دیدم بارها

گر راست می گوید چرا، بانگ انا الحق می زند(۱)]

محمّد حسن توپچی

محمّد حسن توپچی [از صاحب منصبان دستگاه ظلّ السّلطان] به دستور ظلّ السّلطان اشعار کتاب اسکندرنامه را در سال ۱۳۲۲ق بیرون نویس نموده و نسخه آن، که شکسته نستعلیق و به خط خود اوست. به شماره ۱۱۵۱۵ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

ملّا حسن جوزدانی

ملّا حسن جوزدانی، از منبریان و واعظین اصفهان است. وی داماد مرحوم آقا میرزا مهدی چهارسوقی فرزند آقا میرزا محمّد باقر صاحب روضات الجنات بوده است.(۳)

ملّا حسن حکیم*

ملّا حسن حکیم، از حکمای الهی و فلاسفه عالیقدر قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان به تحصیل پرداخته و در علوم آن زمان به مهارت دست یافت و به تدریس کتب فلسفی مشغول شد. وی در شعبان ۱۳۰۰ق براثر سقوط از بالاخانه منزل خود وفات یافت.

۱- ریاض العارفین، ص۴۱۴؛ الذریعه، ج۹ ص ۱۷۰ و ج۱۵، ص۶؛ مکارم الآثار، ج۵ ص۱۵۰۸؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۱۳۹.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۶۵.

۳- خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۷۲.

او از علمای منزوی و گوشه نشین بوده و شهرتی در بین عوام و خواص نیافته است.(۱)

سیّد حسن خراسانی

سیّد حسن حسینی خراسانی، عالم فاضل، در اصفهان ساکن بوده و نزد حاج محمّد ابراهیم کلباسی به تحصیل مشغول بوده است.

او در ماه رمضان المبارک سال ۱۲۵۳ه.ق به همراه فرزند مؤلف شیخ محمّد جعفر کلباسی، نسخه ای از کتاب «منهاج الهدایه» استادش حاج محمّد ابراهیم کلباسی را مقابله نموده و بر آن تعلیقاتی نوشته که حاکی از فضل و تبحّر او در فقه است(۲)

حسن خواجه شیرانی*

استاد حسن خواجه شیرانی، هنرمند قلمزن معاصر، در سال ۱۳۰۶ش در اصفهان متولّد شد. در کودکی پدر و مادر را از دست داد و به ناچار ابتدا به بافندگی (کیش بافی) پرداخت و سپس به قلمزنی مشغول شد. در ۲۵ سالگی برای خود کارگاه مستقل ایجاد کرد و به همراه استادش «صنایع پسند» برای قلمزنی درها و ضریح مرقد مطهر ائمه سامرا، کاظمین، کربلا و نجف به عتبات عالیات رفت و پس از چندین بار سفر به عتبات و اقامت چندین ماه در هر سفر، عاقبت به دعوت استاد دهنویی سرپرست کارگاه قلمزنی اداره فرهنگ و هنر به تهران آمد و در اداره فرهنگ و هنر استخدام شد. از سال ۱۳۵۷ پس از بازنشسته شدن استاد دهنویی، به جای او رئیس کارگاه قلمزنی شد و تا سال ۱۳۸۱ش در این سِمَت باقی بود. در خردادماه ۱۳۸۵ فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران از او و عدّه ای از هنرمندان هنرهای سنتی در مراسمی تجلیل کرد. استاد خواجه شیرانی، در دوشنبه ۱۱ دی ۱۳۸۵ش بر اثر سکته مغزی درگذشت و در قطعه هنرمندان

۱- تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظلّ السّلطان، ص ۲۸۰.

۲- تراجم الرجال، ج ۱، ص ۱۴۱.

بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.(۱)

شیخ محمّد حسن داورپناه

شیخ محمّد حسن داورپناه، عالم کامل و فقیه جلیل. در حدود سال ۱۳۰۰ق در خوانسار متولّد گردیده و در محل تولّد خود و اصفهان نزد آخوند ملّا عبدالکریم گزی، آقا سیّد محمّد باقر درچه ای، آخوند ملّا محمّد کاشانی و دیگران به تحصیل پرداخته و سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و خدمت آیات عظام سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی کسب فیض نموده و مجتهدی مسلّم و عالمی کامل گردیده و به اصفهان مراجعت نمود.

وی سالها در مدرسه درکوشک «فرائد»، «متاجر» و «کفایه» تدریس می نمود و دهها تن از افاضل این شهر از محضر درس او کسب فیض نموده اند. وی در فقه و اصول و ادبیات در حدود سطوح و خارج تدریس می فرمود و در کشف معضلات علوم ید و بیضا می نمود. آیه الله میرزا ابوالحسن شمس آبادی از جامعیّت و فضائل و علوم آن مرحوم ستایش زیاد می نمود.

او از بدو تشکیل مدارس جدید به خدمت فرهنگ وارد شده و بدین جهت مقدمات علمی مشارٌالیه مجهول ماند و آن طور که باید و شاید از ایشان استفاده نگردید. [وی علاوه بر داشتن محضر شرعی] سالها در ارتش به عنوان قاضی عسکر خدمت می نمود.

سرانجام در ماه رجب ۱۳۸۲ق به سن متجاوز از ۸۰ سال وفات یافته و در تکیه سیّدالعراقین در تخت فولاد مدفون گردید و بر سر مزار او بقعه ای کوچک و زیبا بنا شد.

نگارنده مدّتی از محضر ایشان در علوم ادبیّت استفاده نموده است.(۲)

۱- مجله پیک سنجش، شماره ۲۹۲، شهریور ۱۳۸۱ش؛ روزنامه جوان، ۱۲دی، ۱۳۸۵ و ۱۰ خرداد، ۱۳۸۴ش.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۶۸۳ و ۶۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۲۸.

محمّد حسن درویش چهارمحالی

محمّـد حسن درویش چهارمحالی، از شـعراء قدیمی و محترم چهارمحال بوده و با عمان و دهقان سامانی معاشـر و مأنوس بوده است. در حدود سال ۱۲۶۰ق متولّد و در سال ۱۳۲۶ق وفات یافت. از اوست:

ندانم که بت عابد فریب زاهد کیش

ز خون کیست که رنگین نموده پنجه خویش(۱)

شیخ حسن دشتکی

شیـخ حسن دشـتکی، عالم فاضل ادیب، از شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی، آخوند ملّا محمّد حسـین کرمانی و آقا سـیّد محمّـد باقر درچه ای بوده، در مـدرسه جده ساکن و سـطوح فقه و ادبیات تدریس می نمود. وی در سال ۱۳۴۴ق وفات یافته و در کنار جاده قدیم شیراز در تخت فولاد (خارج از تکیه آباده ای) مدفون شد.(۲)

ملّا حسن دولت آبادی

حـاج ملّا حسن دولت آبادی، عالم کامل، از فقهاء قرن چهاردهم هجری. در دولت آباد برخوار متولّـد شـده و در اصـفهان نزد آقا سـیّد محمّـد باقر درچه ای، آخونـد ملّا حسـین فشارکی، میرمحمّد صادق خاتون آبادی و میرزا احمد اصـفهانی به تحصـیل پرداخته و جهت تکمیل به نجف اشـرف عزیمت نموده و از محضر درس شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی، آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی مستفیض گردید. سپس به اصفهان بازگشته و سالها به تدریس فقه و اصول در مدرسه نیم آورد مشغول شد.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۲- رجال اصـفهان یا تذکره القبور، صـص ۲۰۷ و ۲۰۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۴۷۳؛ سـیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۵.

وی در سال ۱۳۵۰ق وفات یافته و در امامزاده ابراهیم معروف به «امامزاده نرمی» در قریه «زمان آباد» بُرخوار مدفون شد.(۱)

محمّد حسن زرگر اصفهانی

محمّد حسن زرگر اصفهانی، شاعر ادیب و سخنور توانا در قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بود و اغلب به عزلسرائی می پرداخت [در مدح منوچهرخان معتمد الدّوله حاکم اصفهان قصیده ای سروده است. او در غزلیات خود از غزل های سعدی استقبال کرده است.] او در سال ۱۲۷۰ق وفات یافت. [نسخه ای از دیوان او به شماره ۸۲۰ در کتابخانه وزیری یزد موجود است که در سال های ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۶ق کتابت شده است.]دیوان زرگر بارها به طبع رسیده است.

از اوست:

سوختم ز آتش می دفتر دانائی را

ساختم پیشه خود مستی و رسوائی را(۲)

محمّدحسن زلالی خوانساری*

محمّـد حسن زلالی خوانساری، معروف به «حکیم زلالی»، از مشاهیر شعرای قرن یازدهم هجری است. او سالها در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخته است. علوم عقلی و نقلی را از «میرداماد» و فنون شعر و ادب را از «جلال الدّین اسیر اصفهانی» آموخته است. در سرودن شعر دستی توانا داشته و انواع شعر چون غزل، رباعی، قصیده و خصوصاً مثنوی را با قدرت می سروده است او به تتبع «نظامی گنجوی» و «امیرخسرو

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲ ص۳۱۱؛ مزارات اصفهان، ص۲۶۹؛ جلوه افلاکیان: مخطوط.

۲- تذکره مدایح معتمدیه، نسخه خطی؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۳۴۲-۳۴۰؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۷۰۶ و ۷۰۷؛ طرائق الحقائق، ج۳، ص۴۰۱؛ فهرست وزیری، ج۲، ص۶۹۷؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۵۶۳؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۱۹۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۶۱۷؛ تذکره مآثر الباقریه، ص۱۲۹.

دهلوی» هفت مثنوی سروده و آنها را «سبعه زلالی»، «هفت آشوب»، «هفت سیاره» و «سبعه سیاره» نامیده است که عبارتند از: ۱. «حُسن گلوسوز» ۲. «شعله دیدار» ۳. «میخانه» ۴. «ذره و خورشید» ۵. «آذر و سمندر» ۶. «سلیمان نامه» ۷. «محمود و ایاز» که به طبع رسیده است.

حکیم زلالی در سال ۱۰۳۱ق وفات یافت. برخی سال فوت او را ۱۰۱۶ و یا ۱۰۲۴ق ذکر کرده اند.

از اوست:

الهی بر دلم از عشق زن نیش

که دانم دوست می داری دل ریش

چنان عصیانم از اندازه شد بیش

که نازد رحمتت بر وسعت خویش

سر بی عشق را باید بریدن

به دوش این بار نتوان کشیدن(۱)

ملّا حسن ریزی

آخوند ملّا حسن ریزی لنجانی، عالم فاضل متقی، سالها در اصفهان به تحصیل مشغول بوده و از مبرّزین شاگردان حاج محمّد جعفر آباده ای و ملّا حسینعلی تویسرکانی است.

وی در شب عاشورای سال ۱۲۹۹ق وفات یافته و در بقعه تکیه آباده ای در تخت

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۱۳۶-۱۳۱؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۳۰۱ و ۳۰۲؛ تذکره شمع انجمن، صص ۳۰۲ و ۳۰۳؛ تذکره غنی، ص۶۱؛ تذکره هفت آسمان، صص ۱۴۳-۱۴۰؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، (قسمت دوم)، ص۹۶۶؛ سیری در شعر فارسی، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۶۵۲؛ فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۴، ص۲۶۱۸؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۷۸؛ الذریعه، ج۹، ص۴۰۴ و ج۷، ص۱۵ و ج۱۹، ص۱۰۶ و ۱۵۹.

فولاد مدفون شد.(۱)

استاد حسن زری باف*

استاد حسن زری باف اصفهانی، از اهالی محلّه خواجو بوده و در اوایل قرن چهاردهم هجری می زیسته است. گویند یکی از شیادان عتیقه فروش تهران به اصفهان آمده و او را در سن ۹۰سالگی به کار گرفت و یک اثر به سبک صفوی ساخته شد و آن شیاد برای آنکه شخص دیگری از این هنر استاد استفاده نکند او را مسموم کرد. در هر حال در هنر زری بافی به سبک قدیم اصفهان استادی کم نظیر بوده است.(۲)

حسن سامانی

حسن سامانی، از شعرای قرن چهاردهم هجری و از بزرگ زادگان قریه «سامان» [در چهارمحال بختیاری] است. در سال ۱۳۲۶ق در «سامان» متولّد گردیده و مانند برادرش حسین حشمت از سخنوران آن دیار بوده است.

از اوست:

چشم مستش هوشیاران را به مژگان می کشد

مست را خنجر چو در دست است آسان می کشد(۳)

ملّا حسن شایق*

ملّا حسن اصفهانی متخلّص به «شایق» از فضلاء و ادبای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. اغلب به سرودن مدیحه و مراثی جهت حضرات معصومین علیهم السلام می پرداخته است. در موسیقی نیز معلومات فراوان داشته است. در فنون ادبیات فارسی

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۱.
۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۷.
۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۳۵.

و عرب نیز استاد بود. وی قصیده جهت حاکم اصفهان منوچهرخان معتمد الدّوله سروده است.(۱)

میرزا حسن خان شمس*

میرزا حسن خان شمس، از پیشگامان عکاسی در اصفهان است. از تولّد و درگذشت او اطلاعی در دست نیست همسرش منورخانم، دایه دربار ظلّ السّلطان بوده و خود برای ظلّ السّلطان و اتباع او عکاسی می کرده است.

او از عکاسان زبردست و با تجربه اصفهان بود. عکاسخانه او ابتدا در خیابان خوش [طالقانی فعلی] بود سپس آن را به خیابان نو [سپه فعلی] انتقال داد. مهدی چهره نگار و محمّدجواد شمس (خواهرزاده اش) از او عکاسی فراگرفتند.(۲)

میرزا حسن شوکت اصفهانی

میرزا حسن شوکت اصفهانی، شاعر و ادیب منشی، در جوانی به تحصیل علم و ادب پرداخته و سپس به عنوان منشی در سفارت دولت عثمانی در طهران مشغول به کار شد. برخی از تذکره نویسان او را شیرازی نوشته اند امّا «اعتماد السلطنه» می نویسد: اصفهانی الاصل است. او «تاریخ پِطر کبیر» را که میرزارضا مهندس باشی به فارسی ترجمه کرده بود را انشاء نموده است.

از اوست:

تا گشودی گره از زلف دراز

گره از کار عاشقان شد باز

گه به دل گه به دیده ای ساکن

تا چه خواهی از این نشیب و فراز(۳)

۱- تذکره مدایح معتمدیه، نسخه خطی.

۲- چهره نگاران اصفهان، ص ۱۳۰.

۳- تذکره حدیقه الشعراء، ج۲، صص ۸۸۳ و ۸۸۴؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۲۹۲؛ الذریعه، ج۹، ص ۵۵۱؛ مجمع الفصحاء، ج۵، ص۵۳۵؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۳۰۲؛ شرح حال رجال ایران، ج۱، ص۳۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۷۳ و ۴۷۴.

محمّد حسن صامت علی اصفهانی*

آقا محمّد حسن نقاش زرگر اصفهانی ملقب به «صامت علی» از عرفاء و متصوّفه قرن سیزدهم هجری. سالها در عتبات عالیات ساکن بود. پس از آن که به خدمت رحمت علی شاه رسید به لقب «صامت علی» ملقب شد. چندی بعد به خدمت «منورعلی شاه» رسیده و از سوی او مأذون به دستگیری فقرای خراسان شد و چندین سال در مشهد مقدس به هدایت سالکین مشغول بود. عاقبت پس از مسافرت به عتبات عالیات و کرمانشاه به امر «منورعلی شاه» در تهران ساکن شد و به دستگیری از فقرای آنجا مشغول شد. آخرالامر در سال ۱۲۹۸ق وفات یافته و در مقبره ابن بابویه شهر ری مدفون شد. ماده تاریخش را یکی از شعراء چنین گفته است:

«غافل» به صد افسوس به تاریخش گفت:

«ایوای برون شد ز جهان صامت علی»(۱)

سیّد محمّد حسن طباطبائی نائینی

سیّد محمّد حسن طباطبائی مُحررّ نائینی از خوشنویسان خط نستعلیق در قرن چهاردهم هجری. کتاب «تاریخ هندوستان» تألیف: علی محمّد طُغرُل اصفهانی را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

سیّد حسن طباطبائی نسب*

سیّد حسن طباطبائی نسب، عالم فاضل جلیل، از علمای معاصر در سال ۱۳۰۹ش در روستای «نیسیان» اردستان متولّد شد. در ۱۵ سالگی به تحصیلات علوم حوزوی روی

۱- طرائق الحقائق، ج۳، صص ۴۴۸-۴۴۰؛ گلستان جاوید، ص ۴۰.

۲- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۶۸.

آورد. او در قم نزد حضرات آیات بروجردی و امام خمینی درس خارج را خواند. سپس به همراه شهید عطاءاللّه اشرفی اصفهانی به کرمانشاه رفت و به تدریس در حوزه علمیه باختران (کرمانشاه) مشغول شد. مدتی برای تبلیغ در ساری ساکن بود. سپس به زادگاه خود «نیسیان» مراجعت کرده و به تبلیغ دین و یاری محرومان و حلّ مشکلات مردم مشغول شد. او ۱۷ سال آخر عمر خود را در طهران سکونت گزیده و نزد مرحوم سیّد احمد خوانساری به ادامه تحصیل پرداخت و در کنار آن به ارشاد مردم و حلّ مشکلات آنان و اقامه نماز جماعت مشغول شد.

او از جوانی مخالف رژیم پهلوی بود و علیه ظلم و فساد به مبارزه پرداخته و با گروه فدائیان اسلام همکاری کرد. پس از آن در نهضت امام خمینی نیز نقش فعّالی داشت.

او پس از پیروزی انقلاب به اداره سه کمیته، از کمیته های انقلاب پرداخت. پس از آغاز جنگ ایران و عراق بارها در جبهه حضور یافت تا اینکه در پنج شنبه اول اسفندماه ۱۳۶۴ش به همراه شهید فضل اللّه محلّاتی و ۴۰ تن از یاران امام خمینی، هواپیمای آنان مورد حمله جنگنده هواپیماهای عراقی قرار گرفته و سقوط کرد و همگی آنان به شهادت رسیدند.(۱)

میرزا محمّد حسن اصفهانی

میرزا محمّد حسن اصفهانی متخلص به «ظریف» مشاعر و ادیب منشی قرن سیزدهم هجری.

در اصفهان علم و ادب آموخته و سپس منشی و کاتب مخصوص میرزا محمّد حسین خان صدراعظم اصفهانی شد و پس از وفات صدراعظم، به خدمت خود نزد فرزند او میرزا عبداللّه خان امین الدّوله ادامه داد. خط شکسته را خوش می نوشت. سال وفات او معلوم نیست.

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط.

از اوست:

دل غمین رفت ز کوی تو و دیدم شادش

جان زن تن می رود اکنون به مبارک بادش(۱)

میرزا حسن غیور کرمانی

میرزا حسن کرمانی متخلّص به «غیور» شاعر ادیب، از اعیان کرمان بوده و در شعر طبعی شکفته داشته و در فنون سخنوری و بیان مضامین تازه ماهر بوده است. در علم سیاق نیز شهره آفاق بود. چندی به وزارت گرجستان منصوب و در آنجا بود عاقبت به اصفهان آمده و ظاهراً در سومین دهه از قرن دوازدهم هجری به رحمت ایزدی پیوست.

مشارٌالیه از معاشرین و رفقای حزین لاهیجی بوده و علاوه بر دیوان اشعار یک مثنوی نیز سروده است.(۲)

خط شکسته را نیز استادانه می نوشته و نسخه ای از گلشن راز را در سال ۱۰۶۸ق و یک قطعه خوشنویسی را در سال ۱۰۸۶ق نوشته است.(۳)

این شعر از اوست:

قدم حسنت اگر رنجه نگردد دیگر

خاک را آینه بهر که صفا خواهد داد

سیّد حسن قمشه ای

سیّد حسن قمشه ای اصفهانی، عالم فاضل، در قمشه و اصفهان تحصیل نموده و سپس برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف رفته و نزد آخوند خراسانی و آقا سیّد محمّد

۱- تذکره نگارستان دارا، ج۱، ص۲۲۸؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۹۸؛ تذکره منظوم رشحه، ص۵۲؛ تذکره دلگشا، ص۵۱۸؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۵، ص ۷۳۰؛ تذکره شبستان، ص۲۱۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۲۶۱.

۲- تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ تذکره غنی، ص۹۷؛ الذریعه، ج۹، ص۷۹۷؛ ستارگان کرمان، ص۳۸۳؛ تذکره شعرای کرمان، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ تذکره شمع انجمن، ص۵۴۲.

۳- احوال و آثار خوشنویسان،ج۴، ص۱۲۶۲.

کاظم طباطبائی یزدی تلمّذ نمود.

وی در سال ۱۳۲۷ق در نجف اشرف وفات یافته و همانجا مدفون شد. او تقریرات اساتید خود را نوشته که نزد سیّد حسین بختیاری داماد آیه الله سیّد ابوالحسن اصفهانی بوده است.(۱)

حسن قوامی زاده

حسن قوامی زاده، ادیب فاضل، در «باغ بادران» لنجان متولّد شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. وی در دبیرستان های اصفهان به تدریس مشغول بود و در سال ۱۳۳۰ش روزنامه «پادزهر» را منتشر کرد. سرانجام در ۲۵ صفر ۱۳۸۴ق وفات یافت و در یکی از اطاق های تکیه آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.

مادّه تاریخ وفات او چنین است:

«قوامی زاده زد ناگه بگیتی یک خط باطل»

او کتاب «دستور الاملاء» را تألیف نموده که به طبع رسیده است.(۲)

میرزا حسن کفاش اصفهانی

میرزا حسن کفاش اصفهانی، از شعرای اصفهان در قرن سیزدهم هجری است. در تذکره های عهد قاجاریه هیچ ذکری از او نشده و جزئیات زندگی او معلوم نیست. اغلب اشعارش در مدح و مرثیه معصومین علیهم السلام بوده و برخی از اشعار او در ابنیه تاریخی و بقاع متبرّک اصفهان وجود دارد. از جمله دو قطعه شعر در رثای حاج سیدمحمّد باقر حجّهالاسلام شفتی و بنای بقعه او در سال ۱۲۶۰ق، تاریخ تعمیرات عمارت عالی قاپو در سال ۱۲۷۴ق و ماده تاریخ وفات ملّا اسماعیل ثانی خواجویی به سال ۱۲۸۲ق بر روی سنگ قبر او واقع در تخت فولاد اصفهان.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۵؛ نقباء البشر، ج۱، ص ۳۷۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۲۴.

از دیوان کفاش سه نسخه خطی موجود است، نسخه شماره ۸۶ کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم و نسخه شماره ۱۵۲ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد و نسخه ای دیگر در کتابخانه آقا سیّد محمّد جزائری.

سال وفات او معلوم نیست و صاحب عنوان را نباید با استاد رمضان کفاش خراسانی سراینده «دعانامه» و «نفرین نامه» اشتباه گرفت.(۱)

حسن گیلانی

حسن گیلانی [از فضلاء و دانشوران قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و]در روز یکشنبه ۱۱ شوّال سال ۱۰۰۶ق کتابت «النّافع یوم الحشر» و «حاشیه شرح تجرید جدید» خفری را به خط نستعلیق در جامع اصفهان به پایان رسانیده [است]نسخه ضمن مجموعه شماره ۶۹۰۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

ملّا حسن مبارکه ای

ملّا حسن مبارکه ای لنجانی اصفهانی، عالم فاضل. در قم و اصفهان نزد میرزا ابوالقاسم قمی و حاج میرزا محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی تحصیل نموده سپس به زادگاه خود مراجعت نموده و به ارشاد تبلیغ و اقامه جماعت و فضل خصومات و رفع حوائج شرعی مردم آن سامان مشغول شده است.(۳)

سیّد حسن مصطفوی*

سیّد حسن مصطفوی سدهی، عالم فاضل، در اصفهان نزد حاج آقا رحیم ارباب، حاج آقا حسین خادمی و دیگران تحصیل نموده و سالها در حوزه علمیه اصفهان به تدریس

۱- بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۱۸ و ۱۳۷؛ دیوان طرب، صص ۲۵۰ و ۲۵۱؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۴۲۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۱۰۲.

۳- سالنامه فرهنگ مبارکه، سال ۱۳۳۹ه.ش، ص۴۸؛ مبارکه در گذرگاه تاریخ، ص۱۱۳.

سطوح فقه و اصول مشغول بوده و در مسجد نور در محلّه قلعه آقای فروشان خمینی شهر اقامه جماعت می نمود و در برخی از مجالس مذهبی به منبر می رفت و به وعظ و خطابه می پرداخت. وی سرانجام در ۱۸ صفر ۱۳۹۸ق وفات یافته و در قبرستان شیری (گلزار مصطفویه) خمینی شهر مدفون شد.(۱)

سیّد محمّد حسن موسوی اصفهانی

سیّد محمّد حسن موسوی اصفهانی، خطاط نسخ نویس اوایل قرن چهاردهم هجری. در حیدرآباد هند ساکن بوده است.

او مؤلف کتاب «الالهامات الحیدریّه فی شرح البصائر النّصیریّه» است که این کتاب را به همراه «اجازه الامامه لصلاه الجمعه» تألیف حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی، «شرح منظومه» حاجی سبزواری، «شفاء» ابن سینا و «رساله در المغنی الحرفی» تألیف: فاضل نائینی در سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ق در حیدرآباد هند کتابت نموده است. این رساله ها در کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۲)

میرزا محمّد حسن میردامادی سدهی

میرزا محمّد حسن میردامادی سدهی، از اعقاب میر سیّد محمّد اشرف علوی عاملّی، عالم فاضل فقیه متّقی.

از شاگردان شیخ هادی تهرانی، آقا میرزا هاشم چهارسوقی، حاج شیخ محمّد علی نجفی و آقا سیّد محمدباقر درچه ای بوده است. وی پس از تکمیل تحصیلات خود در مدرسه نیم آورد اصفهان ساکن شده و به تدریس اشتغال جست. در ایّام تعطیل به زادگاه خود سده می رفت و مسجد و محرابش رونقی داشت.

بالاخره در ماه صفر ۱۳۳۲ق وفات یافته و در مزار شاهزاده ابراهیم در محلّه

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۱۹۲ و ۱۹۳.

۲- فهرست کتابخانه گوهرشاد، صص ۴۰۳ ۳۴۱ ۳۳۶ ۲۱۹ ۲۰۵؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۲۶۹.

ورنوسفادران سِدِه مدفون گردید.

صاحب عنوان تقریرات استادش درچه ای را در شش مجلّد گردآوری و تدوین نموده است.(۱)

حسن میمه ای

ابوعلی حسن مِیمی [مِیمِه ای] اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. از اهالی «میمه» [در حدود ۸۰ کیلومتری غرب اصفهان، در مسیر جادّه اصلی اصفهان به تهران]بوده و برای طلب حدیث به بغداد رفته و در سال ۵۷۴ق از ابوعلی حدّاد استماع حدیث کرده است.

ابوبکر حازمی و دیگران از او روایت می کنند.(۲)

سیّد حسن نظام الدّینی*

سیّد حسن نظام الدّینی، عالم فاضل معاصر. در سال ۱۳۰۵ش در فلاورجان متولّد شد.

در سن ۱۴ سالگی در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل پرداخت و دروس مقدّماتی را نزد شیخ محمّدعلی معلّم حبیب آبادی، شیخ محمّدحسین فقیه نطنزی، شیخ غلامعلی سالك و شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی آموخت سپس به قم رفت و مدت چهار سال نزد شیخ غلامحسین شرعی دارابی و آیت اللّه مرعشی نجفی تحصیل نمود. آنگاه به نجف اشرف مشرّف شده و در درس شیخ مجتبی لنکرانی و شیخ صدرا بادکوبه ای حاضر شد سپس درس خارج را نزد آیات عظام سیّد محمود شاهرودی، سیّد محسن حکیم، سیّد ابوالقاسم خوئی، سیّد عبدالهادی شیرازی، سیّد عبدالاعلی سبزواری و سیّد جمال الدّین گلپایگانی طی نمود.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۸؛ خمینی شهر، ص۳۰۵.

۲- معجم البلدان، ج۵، ص۲۴۵؛ المشترك، ص۴۱۳.

او در سال ۱۳۵۷ش به اصفهان مراجعت نموده و در درس حضرات آیات خادمی و صافی حضور یافت.

وی از علمای عالیقدر اصفهان و مورد وثوق و احترام مردم است. او نماز جماعت را در مسجد رضوان اقامه می نماید و به تدریس سطوح فقه و اصول مشغول است.(۱)

محمّد حسن واعظ

حاج محمّد حسن واعظ کامل، از خطبای اهل منبر اصفهان بوده و در ۲۷ ربیع الاوّل ۱۳۰۷ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری مدفون شده است.

صاحب عنوان از شاگردان میر سیّد محمّد شهشهانی است(۲)

[در سنگ لوح مزارش که به خط «سلطان الکُتاب» است از او چنین یاد شده است:

«عمده الواعظین و زبده المحدّثین قدوه الذّاکرین الحاج محمّد حسن»]

میرزا حسن واهب*

میرزا حسن مالمیری کوه گیلویه ای اصفهانی متخلّص به «واهب» [از شعرای قرن یازدهم هجری]

ظاهراً از اهالی «مالمیر» [ایذه] از توابع کوه گیلویه بود ولی در اصفهان اقامت داشت. در فنون شعر و ادب مهارتی به سزا داشته و غزل و رباعی را نیکو می گفته و از جمله رباعیات سِتّه محتشم کاشانی را (درباره جلوس شاه صفی) جواب گفته است. سالها در اصفهان می زیسته و عاقبت مستوفی یزد شد و قبل از سال ۱۰۸۳ق در یزد وفات یافت.

این ماده تاریخ که برای ساخته شدن مسجد جامع جدید سلطانی (مسجد جامع کبیر عباسی = مسجد شاه) گفته سخت مقبول و مشهور واقع شده است:

«شد در کعبه در صفاهان باز»

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۷۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۱۰.

این شعر از اوست:

آرزو کی به دل اهل هوس جا دارد

به تمنّا نرسد هر که تمنّا دارد

می رود قافله عمر عزیزان به سفر

هیچ کس نیست که این قافله را وا دارد(۱)

حسنعلی اصفهانی

حسنعلی اصفهانی از ادبای اصفهان در قرن دهم هجری. در مجموعه شماره ۲۱۴۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شعر فارسی و حدیثی به خط او دیده می شود (و چون این مجموعه در قرن دهم جمع آوری شده، لهذا مشارٌالیه نیز از مردان این عصر می باشد.)(۲)

میرزا حسنعلی اصفهانی

میرزا حسنعلی اصفهانی، شاعر ادیب قرن یازدهم هجری. از بزرگان اهل فضل اصفهان است. مدتی به کسب علم و کمال مشغول بود. در زمان وزارت دوّم علاءالدّین حسین خلیفه سلطانی متولّی موقوفات بقعه شهیدیه رشت گردید و پس از عزل از آن منصب به زادگاه خود بازگشت. مردی خلیق، مهربان، قانع و وارسته بود.

از اوست:

زنده می گردد دل ما از نسیم زلف یار

ما چراغ مرده را از باد روشن کرده ایم(۳)

۱- تذکره نصرآبادی، ج ۱، صص ۱۵۷-۱۵۵؛ تذکره نتایج الافکار، ص۷۴۴؛ تذکره روز روشن، صص ۸۹۳-۸۹۱؛ تذکره آتشکده: قسمت سوم از نیمه نخست، صص ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴؛ تذکره غنی، ص۱۴۲؛ تذکره حسینی، ص۳۶۱.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۹، ص ۸۱۰.

۳- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص۲۸۵؛ الذریعه، ج۹،ص ۲۴۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حسن اصفهانی»، ص۵۸۳؛ تذکره غنی، ص۴۳.

حسنعلی اصفهانی

حسنعلی اصفهانی از فضلا و نسخ نویسان قرن دهم هجری. در چهارشنبه ربیع الثّانی ۹۸۵ق نسخه ای از کتاب «المهذب البارع فی شرح المختصر النّافع» [تألیف: ابن فهدحلّی]را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۲۵۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا حسنعلی مجلسی

میرزا حسنعلی بن میرزا ابوطالب بن میرزا محمدتقی بن میرزا محمدکاظم الماسی بن ملّا عزیزاللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل کامل.

در اصفهان به تحصیل پرداخته و از پسر عمویش میرزا حیدرعلی مجلسی اجازه دریافت داشته است.

وی در ۲۰ رجب ۱۲۲۷ق در اصفهان وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون شده است.(۲)

حسنعلی نجف آبادی

حسنعلی بن اسماعیل نجف آبادی [از خطاطان خط نسخ در قرن سیزدهم هجری]در تاریخ پنج شنبه از ماه رجب ۱۲۳۶ کتابت نسخه ای از «حاشیه شرح ارشاد» [تألیف]وحید بهبهانی را به خط نسخ به پایان رسانیده [است.] کتاب به شماره ۴۴۵۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۴۸.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص ۱۱۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص ۳۴۱؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۱۷۶؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۶۳ و ۳۶۴.

۳- فهرست مجلس، ج۱۲، ص۱۳۳.

میرزا حسنعلی مجلسی

میرزا حسنعلی بن میرزا محمّدباقر مجلسی ثالث بن میرزا عبداللَّه بن علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی، از علماء سلسله مجلسی در اصفهان بوده و از والد ماجد خود روایت می کند و پس از وفات در خارج از مقبره مجلسی مدفون گردید.(۱)

حسنعلی قهپائی اصفهانی

حسنعلی بن جمال الدّین بن حسن بن درویش ابراهیم قهپائی اصفهانی، از فضلای قرن یازدهم هجری و از اهالی کوهپایه اصفهان است. در اصفهان نزد جمعی از علماء از جمله آقا حسین خوانساری به تحصیل پرداخته است.

او مجموعه ای از رسائل آقا حسین خوانساری را در سال ۱۱۰۲ق کتابت کرده است که نسخه آن در کتابخانه عبداللَّه ممقانی موجود بوده است. همچنین وی کتاب «التّبیان فی اعراب القرآن» تألیف ابی البقاء عبداللَّه عکبری را در ۴ رجب ۱۰۹۹ق کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه سیّد محمّد جزائری موجود بوده است.(۲)

حسنعلی شیرازی

حسنعلی بن حیدر شیرازی از نویسندگان کتب و نستعلیق نویسان در قرن یازدهم هجری و ساکن اصفهان. به سال ۱۰۸۲ق در اصفهان از نوشتن «مفتاح الفلاح» [تألیف]شیخ بهائی و «آداب عباسی، [در ترجمه مفتاح الفلاح، از صدر الدّین محمّد تبریزی شاگرد شیخ بهائی]فراغت حاصل نموده است. نسخه به شماره ۳۵۱۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.»(۳)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۲۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۱؛ مزارات اصفهان، ص۳۶.

۲- الکواکب المنتشره، ص۱۷۳.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۵۱۵.

حسنعلی الماسی

حسنعلی الماسی بن محمّد صادق بن ابوطالب بن محمّد تقی الماسی، عالم فاضل و واعظ کامل، از دانشمندان خاندان مجلسی در قرن سیزدهم هجری است.

وی کتاب «منتخب المناقب» را به فارسی تألیف نموده و در کتابخانه علّامه مفضال جناب سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است. همچنین در پشت نسخه ای از «کمال الدّین و تمام النّعمه» تألیف: شیخ صدوق علیه الرّحمه یادداشتی مورخ به سال ۱۲۹۰ق درباره حسن مطالعه کتاب نوشته است. این نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

حسنعلی مازندرانی

آقا حسنعلی بن ملّا محمّد صالح مازندرانی اصفهانی، عالم ادیب و فاضل لبیب، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. در اصفهان متولّد شد. در عنفوان شباب به هندوستان رفت. امراء و حکام در اعزاز و احترامش بسیار کوشیدند و در آن ملک به «حسنعلی خان» مشهور شد. یکی از فرزندانش علی اشرف در هند باقی ماند و تعدادی از فرزندان دیگر او در اصفهان بودند. سال تولد و وفات او به دست نیامد.(۲)

دکتر حسنعلی فاتح نژاد*

دکتر حسنعلی فاتح نژاد نصرآبادی جرقویه ای فرزند عبدالرضا از پزشکان ماهر عصر حاضر در سال ۱۲۸۲ش در روستای «نصرآباد» جرقویه اصفهان متولّد شد. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه در دانشکده پزشکی تهران به تحصیل پرداخت و برای ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و در رشته کالبد شکافی تحصیل کرد. او پس از بازگشت به ایران در بهداری ارتش شیراز به کار پرداخت. سپس به ایالات متحده آمریکا رفت

۱- فهرست مجلس، ج۱۴، ص۲۶۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۴۱.

۲- مرآه الاحوال جهان نما، ج۱، ص۱۳۳؛ الکواکب المنتشره، صص۱۷۳ و ۱۷۴.

در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد. او پس از بازگشت، به استادی دانشگاه پزشکی شیراز رسید و در کنار آن به معالجه بیماران مشغول شد تا اینکه در سال ۱۳۷۰ش از دنیا رفت. او به زبانهای انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و عربی مسلط بود و در برخی از انجمن ها همچون انجمن کالبد شکافان ایران عضو بود. از اقدامات خیریه او تأسیس بیمارستان فاتح نژاد شیراز بوده است.(۱)

ملّا حسنعلی شوشتری*

آخوند ملّا حسنعلی مُکَنّی به «ابوالحسن» بن ملّا عبداللّٰه بن حسین شوشتری عالم فاضل و فقیه محقق. ظاهراً در اواخر قرن دهم هجری متولّد شده و نزد پدر به تحصیل پرداخته و از او در سال ۱۰۲۰ق اجازه دریافت نموده است. همچنین در محضر شیخ بهائی کسب فیض نموده و در سال ۱۰۳۰ق از او اجازه دریافت کرده است. قاضی معز الدّین محمّد اصفهانی یکی دیگر از مشایخ اوست که در سال ۱۰۳۵ق به ملّا حسنعلی اجازه داده است.(۲) میرابوالقاسم فندرسکی از اساتید دیگر اوست.(۳)

وی پس از وفات پدرش در سال ۱۰۲۱ق تولیت مدرسه ملّا عبداللّٰه و تدریس در آنجا را به عهده گرفته و تا زمان شاه عباس ثانی به تدریس در آنجا مشغول بوده است. در زمان شاه عباس دوم وزارت سیّد علاء الدّین حسین خلیفه سلطانی بنا به دلایلی (که شاید عقیده شوشتری درباره حرمت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت باشد) از تولیت مدرسه ملّا عبداللّٰه برکنار شده و این امر به ملّا محمّد باقر محقق سبزواری سپرده شد.(۴)

ملّا حسنعلی شوشتری در مراتب علمی واجد مقام والایی بوده و در علوم مختلف خاصّه در فقه، اصول، کلام، ادبیات فارسی و عربی و حدیث مهارت بسزایی داشته است. میرزا محمدطاهر نصرآبادی که معاصر اوست نزدیک به چنین عباراتی را درباره

۱- گرکویه سرزمینی ناشناخته بر کران کویر، صص۳۸۶ و ۳۸۷.

۲- الروضه النضره، صص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۳- الذریعه، ج۱، ص۱۳۸.

۴- علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۸۲ و ۸۳.

او به کـار می برد و او را می سـتاید «جامع علوم عقلی و نقلی، حاوی فروع و اصول که به جودت طبع و حِدّت ذهن و طلاقت لِسان و حاضر جوابی در بین اقران و امثال ممتاز بود.»(۱)

در محضـر او شاگردان بسـیاری تربیت شده اند از جمله: علّامه ملّا محمدباقر مجلسی، ملّا محمّدباقر محقق سبزواری، تاج الدّین حسن اصـفهانی، داود الفت شوشتری، شـرف الـدّین علی بن جمال الدّین مازندرانی، علی بن عین علی فروشانی اصـفهانی، ملّا محمّد قاسم بن خواجه محمّد فومنی گیلانی و بهاءالدّین محمّد شوشتری (فرزندش) و میرزا عیسی بن محمّد صالح جیرانی.(۲)

در سـال فوت او اختلاف است. میر عبدالحسـین خاتون آبادی یک بار در ذیل وقایع سال ۱۰۶۹ق سـال فوت او را در این سال می نویسد(۳) و بار دیگر فوت او را در ۱۰۷۵ق ذکر می کند و دو ماده تاریخ را می آورد: «علم علم بر زمین افتاد»= ۱۰۷۵ق و «وفات مجتهد الزمان»= ۱۰۶۸ق(۴) ولی قلی لیک شاملو سال وفات را ۱۰۶۷ق ضبط کرده است.(۵)

نویسندگان قرون بعد نیز سالهای ۱۰۷۵ ۱۰۶۹ ۱۰۶۸ ۱۰۶۷ را به عنوان سال فوت او تعیین کرده اند. ماده تاریخی هم که مؤمن نصرآبادی برای او سروده نشان می دهد که در سال ۱۰۷۵ق وفات یافته است:

چون از تقدیر کردگار دو جهان

شد مولانا حسنعلی سوی جنان

«مؤمن» تاریخ فوت او کرد رقم:

«افسوس از مقتدای اهل ایران»(۶) کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تبیان» در فقه (۷) ۲. «حاشیه بر قواعد شهید» ناتمام. ۳. «رساله در حرمت نماز

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۲۴.
۲- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی.
۳- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۰.
۴- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۳.
۵- قصص الخاقانی،ج۲، ص۶۰.
۶- تذکره نصرآبادی، ج۲، ص۷۰۳.
۷- الذریعه، ج۳، ص۳۳۲.

جمعه در عصر غیبت،بر خلاف نظر پدرش که اقامه نماز جمعه را واجب می دانست. ملّا محمّد طاهر قمی رساله ای در رد این رساله نوشته است.» (۱) ۴. «کنزالاسرار» (۲) ۵. «مناسک حج»

ملّا حسنعلی شوشتری شعر نیز می سروده و «دانش» تخلّص می کرده است.(۳)

این شعراز اوست:

تا باغ نظر را گل رخسار تو آراست

صد نخل امید از جگر سوخته برخاست

مانند گل تازه که از هم بربایند

اعضای مرا بر سر پیکان تو غوغاست

حسنعلی سوزی ساوجی*

ملّـا حسـنعلی بن علی سـاوجی، از شـعرای قرن دهم هجری از اهـالی سـاوه است. در اصـفهان ساکن بود. در جوانی طبع روانی داشت و بـا تخلّص «جفـاکِش» به سـرودن شـعر پرداخت و پس از مـدتی آنرا به «سوزی» تبـدیل کرد. اغلب در مـدرسه هارون ولایت ساکن و به کتابت مشغول بود. خط نستعلیق را خوش می نوشت. اگر چه او دیوان های بسیاری از شعراء را کتابت کرده است امـا تـاکنون فقـط از نمـونه خـط او «دیوان انوری» شـناسایی شـده که به خـط نسـتعلیق در سـال ۹۸۸ق کتـابت شـده و در کتابخانه آقای سلطان القرائی در تبریز موجود بوده است. دیوان اشعار او بیش از بیست هزار بیت شعر داشته است که اکنون از آن اثری باقی نیست. سوزی در حدود سال ۱۰۱۴ق وفات نمود.

از اوست:

۱- الذریعه، ج۱۵، ص۶۹؛ فهرست مجلس، ج۱۴، ص۱۹۸.

۲- قصص الخاقانی، ج۲، ص۶۰.

۳- فرهنگ سـخنوران، ص۲۰۴؛ الـذریعه، ج۹، ص۲۴۳؛ و سـایر منـابع: دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۲، ص۹۲۰؛ تذکره الشعراء امامت، ص ۲۹؛ ریحانه الادب، ج۱، ص۳۳۳؛ ریاض العلماء، ج۲، صص ۲۶۳-۲۶۱؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۱۱۰؛ امل الآمل، ج۲، ص۷۴.

به او خورشید هم دلبستگی داشت

که رویش وقت رفتن در قفا بود(۱)

شیخ حسنعلی اصفهانی

حاج شیخ حسنعلی اصفهانی (مقدادی) معروف به «نخودکی» فرزند ملّا علی اکبر بن رجبعلی، عالم فاضل، عارف کامل و زاهد صالح از علماء و عرفای قرن چهاردهم هجری.

[در نیمه ماه ذیعقدهالحرام ۱۲۷۹ق در محلّه جوباره اصفهان متولّد شد. والد عالیقدرش،او را در سن ۷ سالگی به عارف وارسته حاج محمّدصادق تخت فولادی سپرد و او را تحت تربیت او قرار داد. علوم رایج در حوزه های علمیه را در اصفهان نزد آخوند ملّا محمّد کاشانی، جهانگیر قشقایی و سیّد سینا کشفی آموخت و در نجف اشرف از درس آقا سیّد محمّد فشارکی اصفهانی، حاج سیّد مرتضی کشمیری و ملّا اسماعیل قره باغی بهره برد. همچنین در مشهد مقدس نزد حاج محمّدعلی فاضل و آقا میر سیّد علی حائری یزدی، حاج آقا حسین قمی و سیّد عبدالرّحمان مدرس تحصیلات خود را ادامه داد. در فراگیری عرفان و تعلیمات معنوی پس از رحلت حاج محمّدصادق تخت فولادی، از محضر عارف وارسته سیّد جعفر حسینی قزوینی ساکن شهرضا (قمشه) کسب فیض نمود.

حاج شیخ حسنعلی سفرهای متعددی به نجف اشرف، مشهد مقدس و شیراز نمود. در شیراز چندی توقّف کرد و کتاب «قانون» ابوعلی سینا را نزد طبیب معروف شیراز حاج میرزا جعفر طبیب خواند. او پس از چندین بار مهاجرت به مشهد و اقامت در آنجا و بازگشت به اصفهان عاقبت در سال ۱۳۲۹ق در مشهد مقدس برای همیشه ساکن شد.

در هنگام حکومت رضاشاه پهلوی و اجرای قانون متحدالشکل شدن لباس، از مشهد مقدس به قریه «نخودک» در نزدیکی مشهد ساکن شد و تا اواخر عمر در آنجا ساکن

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، صص ۱۴۴ و ۱۴۵؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۴۱؛ تذکره روز روشن، ص۳۷۴؛ تذکره آتشکده، بخش سوم از نیمه نخست، ص۱۱۳۷؛ تذکره حسینی، ص۱۵۳؛ تذکره غنی، ص۶۷؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۹۵؛ الذریعه، ج۹، ص۴۷۶.

بود.

در روزهـای آخر عمر به بیمـاری مبتلاـ شـده و تحت معـالجه اطبّاء آن زمان قرار گرفت]و سـرانجام در ۱۷ شعبان ۱۳۶۱ق در منزل یکی از مریـدانش در شـهر مشـهد مقـدس وفـات یافته و پس از تشـییع باشـکوه در صـحن عتیق مرقـد مطهر امام رضاعلیه السلام مدفون شد.

[او در انجام فرائض یومیّه در اول وقت، تهجد و شب زنده داری، خدمت به خلق به ویژه سادات، و زیارت قبور انبیاء، اوصـیاء، اولیاء و علماء و انزوا و عبادت طولانی اهتمام فراوان داشت و با اذکار و ادعیه بیماران جسمی و روحی را مداوا می ساخت.]

او رساله «ترجمه الصلاه» فیض را به طبع رساند. و به ضمیمه آن تأویلاتی درباره نماز و معانی آن ایراد نموده است. همچنین بر رساله «تذکره المتقین» تعلیقاتی نوشته است.

[فرزنـدش علی مقـدادی اصـفهانی کتـابی مفصـل به نـام «نشـان از بی نشان ها» در احوال و مقام عرفانی، حکایات، مکاتبات و رساله های او تألیف کرده که به چاپ رسیده و بارها تجدید چاپ شده است.(۱)]

ملّا حسنعلی مجلسی

ملّا حسـنعلی بن محمّـد کریم مجلسـی، از فضـلاء خانـدان مجلسـی. یادداشت تملک او بر یکی از برگهای نسـخه ای از «رساله نیّت» آقا جمال الدّین خوانساری دیده می شود. این نسـخه در کتابخانه دانشـمند معاصـر آقا سیّد مصـطفی حسـینی فرادنبه ای اصفهان

۱- دانشـمندان و بزرگان اصـفهان، ج۱، ص۳۵۶؛ رجال اصـفهان (دکتر کتابی)،ج۱، صص ۴۵۶-۴۵۳؛ نشـان از بی نشـان ها، صص ۳۵-۱۴؛ تاریخ علمـای خراسان، ۲۵۴-۲۵۲؛ تاریـخ اصـفهان (جابری)، صـص ۲۳۳ و ۴۰۴؛ مدرس مجاهدی شکسـت ناپذیر، صص ۱۴۹ و ۱۵۰؛ زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ گنجینه دانشمندان، ج۷، صص۱۱۳-۱۱۱.

موجود است.(۱)

آقا حسنعلی خوانساری

آقا حسنعلی بن آقا جمال الدّین محمّد خوانساری، عالم فاضل، از علمای اصفهان در اواخر دوره صفویه است.

وی در بین فرزندان آقا جمال به فضل و تحقیق و تدقیق شـهرت داشته و علماء و اعیان آن زمان او را تکریم می نموده و علم و فضل او را می ستوده اند.

در هنگام محاصره اصفهان توسط افاغنه، به همراه طهماسب میرزای صفوی به قزوین رفت و سپس راهی تبریز شد.

طهماسب میرزا در قزوین مقدم او را گرامی داشته و به عنوان رئیس العلما تکریم نمود و به نام او سکه زد.

سال وفات او به دست نیامد.(۲)

حسنعلی موحّد

حسـنعلی اصفهانی، صوفی موحّد، از آثارش خطوطی است مورخ به سال ۹۸۵ق در پشت صفحه ای از الدّروس الشّرعیه شهید اول شامل:

۱. در باب وجوب قضاءالدّین از «سرائر» ابن ادریس

۲. صورت سلسله مشایخنا، بندی است به عربی در یک صفحه، از روی خط یکی از شاگردان شهید اول.

کتاب به شماره ۱۹۵۹ در کتابخانه ملّی ملک موجود است(۳)

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص۳۵۳.

۲- تتمیم امل الآمل، ص۱۰۷؛ الکواکب المنتشره، ص۱۷۳؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۳- فهرست کتابخانه ملک، ص۲۹۲.

میرزا حسنعلی نصرآبادی

میرزا حسنعلی نصرآبادی، از شعرای عهد شاه عباس اول صفوی است. در جوانی وزیر علیقلی خان شاملو بود و سپس به منصب ایشیک آقاسی و دیوان بیگی دست یافت. پس از مدتی وزیر یزد شده و در آن منصب درستکاری و انصاف را پیشه نمود اما آخرالامر از آن شغل استعفا داده، به اصفهان آمده و تا آخر عمر به عبادت مشغول شد. از مریدان و معاشران شیخ بهائی بوده و شیخ برای دیدن او به روستای نصرآباد در ناحیه ماربین در غرب اصفهان می آمد. وی سرانجام در اوایل سلطنت شاه صفی (حدود سال ۱۰۳۹ق) وفات یافت.

پدر میرزا محمدطاهر نصرآبادی (نویسنده تذکره نصرآبادی) خواهرزاده صاحب عنوان است.

این شعر در مدح امیرالمؤمنین علی علیه السلام از اوست:

ای از تو گرم رونق بازار دلبری

وی آفتاب روی تو را ماه مشتری

لب لعل و خط زمرد و دندان درّ خوشاب

بازار حسن را نبود چون تو جوهری

شاهی که چرخ از پی رایت کشی او

بسته است از قمر به میان زنگ حیدری(۱)

سیّد حسین

سیّد حسین، عالم فاضل کامل، جامع معقول و منقول، از علمای قرن سیزدهم هجری. ساکن اصفهان. متوفی ۲۰ ذیحجه ۱۲۳۵ق مدفون در تکیه فیض در تخت فولاد

۱- تذکره نصرآبادی، ج۲، صص ۶۵۹ و ۶۶۰؛ الذریعه، ج۹، ص۲۴۳؛ لغت نامه دهخدا، ذیل حسنعلی نصرآبادی، ص۵۹۹.

اصفهان.(۱)

سیّد حسین ابرقویی*

سیّد حسین ابرقویی، عالم فاضل جلیل. از اهالی ابرقو از توابع یزد است پس تحصیل مقدمات به عتبات عالیات مهاجرت نموده و نزد اکابر علماء و افاضل فقهاء آن دیار از جمله میرزای شیرازی بزرگ حاضر شده و به اجتهاد نائل آمد. آنگاه به اصفهان آمد و در این سفر که در سال ۲۹۵ق واقع شد، شیخ محمّدعلی نجفی (ثقهالاسلام) و سیّد محمّد مهدی گلستانه همراه او بودند. او سالها در اصفهان به تدریس و اقامه جماعت در مسجد نیم آورد مشغول بود. سرانجام در سال ۱۳۴۲ق وفات یافته و در تکیه کازرونی در تخت فولاد اصفهان مدفون شده و ۴۰ سال بعد بقایای جنازه به نجف اشرف نقل و آنجا مدفون گردید.(۲)

حسین ادیب تخت فولادی

حسین ادیب تخت فولادی، از هنرمندان موسیقی اصفهان است. وی از خوانندگان به شمار می رفته و نزد سیّد عبدالرحیم موسیقی را آموخته و از معلومات میرزا حسین خضوعی و حبیب شاطرحاجی نیز بهره برده است.(۳)

ملّا حسین اردستانی

ملّا حسین اردستانی، عالم فاضل و فقیه ماهر، از علمای قرن سیزدهم هجری. در اصفهان نزد جمعی از علما به خصوص حاج سیّد محمدباقر حجه الاسلام شفتی کسب

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۸.

۲- نقباء البشر، ج۲، ص۴۹۴؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، ص۲۵۷؛ دانشنامه مشاهیر یزد، ج۱، ص۵۶.

۳- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۸۳.

فیض نمود. سپس به همدان رفته و به وعظ و خطابه و بیان احکام شرعی و ارشاد مردم مشغول شد. او در فقه و کلام سرآمد اعلام بود. صحبت منبرش بی نظیر بود. در مسائل فقه استحضاری تام می داشت که حاجت به تأمّل در جواب استفتاء نداشت. بسیار شجاع و متهوّر بود با آنکه خانه اش را آتش زدند، هیچ مغموم نشد و همان روز به دهی نزدیک همدان رفته و به وعظ مشغول شد.

او کتاب مبسوط در «اصول دین» نوشته بود.(۱)

حسین خان اسیری اصفهانی

حسین خان متخلّص به «اسیری» شاعر ادیب، پدرش در دولت نادری صاحب جمع زرگرخانه بوده است. وی پس از مرگ پدر ترک مشاغل دولتی کرده، به لباس فقر و درویشی درآمد و تحصیل کمالات شعر و شاعری نمود. غزل را خوب می گفت و علاوه بر دیوان اشعار کتابی به سبک بوستان سروده و «هفت انجمن» نام نهاده است و بالغ بر ده هزار بیت است.

از اوست:

گرفتم آنکه گشایند پای بسته ما

چه می کنند به بال و پر شکسته ما

گواه اینکه نه رند و نه عاشقم اینست

پیاله تهی و سُبحه گسسته ما(۲)

سیّد حسین اصفهانی

سیّد حسین اصفهانی، عالم فاضل زاهد متقی، از اجلّه شاگردان فاضل اردکانی بوده [و در کربلا اقامت داشته] و در اواخر عمر در اثر مرض کور شده، قبل از سال ۱۳۳۰ق

۱- تکلمه نجوم السماء، ج۱، ص۴۶۴؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۰۴.

۲- تذکره اختر، ص۱۸؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۶۴؛ سفینه المحمود، ص۱۴۰؛ لغت نامه دهخدا، ذیل حسین اسیری، ص۶۳۴؛ حدیقه الشعرا، ج۱، ص۱۳۳.

در نجف اشرف وفات یافته است.(۱)

شاه قوام الدّین حسین اصفهانی

شاه قوام الـدّین حسـین، از سادات اصـفهان و از مردان صاحب نام و معتبر روزگار خود بوده است. او به دست شاهرخ تیموری گرفتـار شـده و در ری محبوس بود. پس از مرگ شاهرخ از زنـدان آزاد شـده و نزد میرزا سـلطان محمّـد رفت(۲) وی تا سال ۸۵۰ق زنده بود.

شیخ حسین اصفهانی

شیـخ حسـین اصـفهانی، عالم فاضل ربّانی، از شاگردان و مجازین شیـخ محمّد حسـین کاظمینی و شـیخ محمّد حسن مامقانی و فاضل شرابیانی، شیخ محمّد طه نجف، ملّا حسینقلی همدانی و دیگران بوده و در نجف وفات یافته است.

[شیخ جعفربن محمّد عوامی از او اجازه دریافت نموده و در کتاب خود«ملتقی البحرین» به این موضوع اشاره کرده است(۳)]

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین اصفهانی از خوشنویسان قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۸۶ق کتابت نسخه ای از کتاب «تحفه نوابیّه» تألیف: سیّد ابوالمظفّر محمّـد جعفر حسینی را به خط نسخ خوب به پایان رسانیـده [است] کتاب به شـماره ۳۲ در کتابخانه مـدرسه عالی سپهسالار در همدان موجود است.(۴)

۱- نقباء البشر، ج۲، ص۴۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۱.

۲- احسن التواریخ، ج۲، ص۲۶۷.

۳- نقباء البشر، ج۲، ص۴۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۲.

۴- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۱۷.

میر محمّد حسین اصفهانی

حاج میر محمّد حسین اصفهانی از خوشنویسان اواخر دوره قاجاریه. کتاب «لسان الذّاکرین» تألیف: حاج میرزا محمّد هادی بن ابوالحسن شریف نائینی که در مقتل و به فارسی در دو مُجَلّد تألیف شده است، را به خط نستعلیق شیرین کتابت نموده است.

نسخه به شماره ۱۳۰۳ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین اصفهانی از کاتبان اواخر قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۳۰۶ق کتاب «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول» تألیف: شیخ محمّد حسین بن شیخ عبداللّه ممقانی را برای منیر الدّین به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۱۳۸۸ در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است.(۲)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین اصفهانی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۵۷ق نسخه ای از «تحفه الزّائر» تألیف: علّامه مجلسی را کتابت نموده است. نسخه در کتابخانه الزّهراء اصفهان موجود است.

میرزا حسین اصفهانی

میرزا حسین اصفهانی خطاط قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۶۲ق مجموعه ای از هفت رساله در ریاضی و نجوم و هیئت به عربی و فارسی در شهر شماخی به خط نستعلیق کتابت نموده است. کتاب به شماره ۱۱۱۹ در کتابخانه دانشکده الهیات و

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۴۴۱.

۲- فهرست گوهرشاد، ص۲۳۹.

معارف اسلامی مشهد موجود است.(۱)

محمّد حسین اصفهانی*

محمّد حسین اصفهانی، خوشنویس هنرمند دوره قاجاریه است. خط نستعلیق را خوش می نوشت. خطوط زیبای نستعلیق در نقره ای تقدیمی امیرنظام گروسی مشتمل بر اشعار شاعری به نام «سرخوش» در مرقد مطهر امام رضاعلیه السلام از نمونه آثار اوست.(۲)

محمّد حسین اصفهانی*

محمّد حسین اصفهانی، خطاط هنرمند عهد فتحعلی شاه قاجار بوده و در نوشتن خط نسخ دستی توانا داشته است. از آثار او کتاب ادعیه به خط نسخ خوش است که در سال ۱۲۴۶ق آنرا نوشته و به فتحعلی شاه هدیه کرده است. این نسخه در کتابخانه ملّی ایران موجود است.(۳)

محمّد حسین اصفهانی*

محمّد حسین اصفهانی، هنرمند قرن سیزدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و در نقاشی و قلمدان سازی استاد بوده است. وی در طبیعت سازی خصوصاً گل و بتّه و صورت سازی چیره دست بوده است. سال وفات او معلوم نیست. امّا مسلّم است که تا سال ۱۲۶۱ق در قید حیات بود.(۴)

۱- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۲۵۳.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۷۹.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۱۶۰.

۴- جلدها و قلمدان های ایرانی، ج۱، ص۵۳.

ملّا حسین اصفهانی

ملّا حسین اصفهانی، عالم فاضل، از اساتید حاج ملّا علی خلیلی بوده و در نجف اشرف سطوح فقه را تدریس می نمود. و در آن ارض اقدس وفات یافته و مدفون گردیده است.(۱)

امیر قوام الدّین حسین اصفهانی

امیر قوام الدّین حسین اصفهانی، از فقهاء و علمای قرن دهم هجری است. در زمانی که شاه اسماعیل صفوی برای فتح خراسان به آنجا رفته بود، در رکاب او بود و سپس به دستور شاه اسماعیل جهت اداره امور شرعی مردم بلخ به آنجا رفت و شیعه امامیه را در آنجارواج داد. چندی بعد به منصب قاضی القضاتی اصفهان منصوب شده و به زادگاه خود بازگشت.(۲)

شاه طهماسب صفوی وی را با شراکت امیر جمال الدّین محمّد استرآبادی در سال ۹۳۰ق به صدارت برگزید.(۳) پس از فوت استرآبادی، میرنعمت اللّه حلّی در صدارت با او شریک شد.(۴)

امیر قوام الدّین در اواخر عمر به علت کهولت سن قادر به انجام وظایف خود نبود و سرانجام در سال ۹۳۶ق به دیار باقی شتافت.(۵)

وی در فقه، حدیث، ادبیات و خصوصاً شعر و انشاء استاد بود. همواره در رعایت و حمایت از اهل فضل و علم می کوشید و دقیقه ای از رعایت تقوی و صلاح غافل نبود شعر نیز می سرود.(۶)

۱- الکرام البرره، ص۳۶۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۳۰.

۲- رجال کتاب حبیب السیّر، صص ۲۷۵ و ۲۷۶.

۳- تاریخ الفی، ص۴۰۲؛ احسن التواریخ، ص۲۴۲؛ احیاء الداثر، ص۵۹.

۴- وقایع السنین و الاعوام، ص ۴۹۰.

۵- احسن التواریخ، ص۳۰۷.

۶- تذکره تحفه سامی، صص۳۲ و ۳۳.

این بیت از اوست:

چون خیالت نرود، هرگزم از پیش نظر

صد رهت بینم و گویم که خیالست مگر

در «تحفه سامی» و به پیروی از او در «ریاض العلماء» نام او «حسن» نوشته شده که احتمالاً از اشتباهات کاتبان است. در سایر منابع معاصر قوام الدّین، نام او «حسین» ذکر شده است.(۱)

شیخ حسین اصفهانی

شیخ حسین بن آخوند ملّا محمّد ابراهیم اصفهانی عالم فاضل، از علمای گمنام قرن سیزدهم هجری. در جمادی الثّانیه سال ۱۲۶۸ق نسخه ای از رساله اصول دین میرزا قمی را نوشته و نزد نگارنده [سیدمصلح الدّین مهدوی] موجود است. همچنین «رساله عملیه» تألیف آقا میر سیّد حسن را که آقا میرزا محمدهاشم چهار سوقی تنظیم نموده است را کتابت نموده است. نسخه شامل طهارت و صلاه بوده و در رجب ۱۲۶۸ق نوشته است.

ظاهراً صاحب عنوان از شاگردان آقا میر سیّد حسن مدرس است.(۲)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن حاج محمّد ابراهیم اصفهانی از کاتبان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۶۳ق نسخه ای از «شرح حدیث الغمامه» تألیف: قاضی محمّد سعید قمی را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۴۰۳ق در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

۱- ریاض العلماء، ج۱، ص۱۴۳.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص ۲۸۱.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۳، ص۴۵۵.

حسین سلماسی

ابوعلی حسین بن ابراهیم بن ابوبکر سلماسی، از دانشمندان و خوشنویسان ساکن اصفهان بوده و در قرن ششم هجری برای شرف الدّین ابوالحسن علی بن اسماعیل اصفهانی مجموعه ای ترتیب داده است که شامل رساله های زیر است:

۱. «الشّرقیّه فی تقاسیم العلوم الیقینیّه» ۲. ترجمه «رساله الذّهبیّه» منسوب به حضرت رضاعلیه السلام ۳. ترجمه «الرساله السیاسیّه» در وصایای بقراط حکیم و حکمای دیگر از عربی به فارسی ۴. «منتخبات امثال و اشعار» مجموعه در سالهای ۶۲۴ و ۶۲۵ق کتابت شده است.(۱)

حسین ادیب نطنزی

بدیع الزمان ابوعبداللّه حسین بن ابراهیم بن احمد نطنزی اصفهانی معروف به «ادیب نطنزی» شاعر، ادیب و دانشمند لغوی قرن پنجم هجری. [در نطنز متولّد شد و جهت تحصیل تحصیل به اصفهان و شهرهای دیگر سفر کرد وسرانجام در کوی ارزویه واقع در محلّه جومان (یا جوهان) اصفهان ساکن شد و در سال ۴۹۷ق و یا به قولی ۴۹۹ق وفات یافت.

او حدیث را از ابوبکر محمدبن عبداللّه بن ریذه اصفهانی، ابوذر محمّد بن ابراهیم صالحانی و ابوالفضل عبدالرحمان بن احمد رازی روایت می کند و برادر زاده اش ابوالفتح محمدبن علی نطنزی در مرو و ابوالعباس احمد بن محمّد مؤذن ادیب در اصفهان از او استماع حدیث کرده اند.

بدیع الزمان نطنزی به دو زبان فارسی و عربی شعر می سرود. و بدین خاطر به «ذواللّسانین» و «ذوالبیانین» مشهور بوده است. اگرچه برخی او را شیعه دانسته اند اما ابوسعد سمعانی در کتاب «الانساب» تصریح می کند که نطنزی اهل سنت و جماعت بوده

۱- تاریخ نظم و نثر، ج۲، ص۷۳۸.

است.] این کتابها از تألیفات اوست.

۱. «الخلاص» یا «دستور اللّغه»: که نسخه های فراوانی از آن در کتابخانه های داخل و خارج ایران موجود است. ۲. دیوان اشعار که ظاهراً از بین رفته است ۳. المرقاه، در علم لغت که در سال ۱۳۴۶ش به تصحیح دکتر سیّد جعفر سجّادی به چاپ رسیده است.(۱)

سیّد محمّد حسین امام جمعه دلیگانی*

سیّد محمّد حسین امام جمعه دلیگانی ابن سیّد ابراهیم، عالم فاضل، از اهالی قریه «دلیگان» برخوار اصفهان، متوفی در ۱۲ ذیقعده ۱۳۶۷ق مدفون در تکیه ریزی در تخت فولاد(۲)

سیّد محمّد حسین بهشتی

سیّد محمدحسین حسینی بهشتی بن حاج سیّد ابراهیم چهارسوقی، عالم فاضل و ادیب شاعر، عمری را به زهد و تقوا گذرانیده و بیش از ۵۰ سال در مسجدی در کوچه سرتیپ اقامه جماعت می نموده است. شعر نیز می گفته و «عاصی» تخلّص دانسته است.

[وی در شب ۱۷ رمضان ۱۳۶۶ق وفات یافته] و در تکیه سادات بهشتی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

۱- اللباب، ج۱، ص۵۳۳ و ج۳، ص۳۱۶؛ بغیه الوعاه، ص۲۳۱؛ کشف الظّنون، ج۱، ص۷۵۴؛ الذریعه، ج۹، ص۱۳۱ و ج۲۰، ص۳۱۱؛ معجم المؤلفین، ج۳، ص۳۰۵؛ تاریخ نظم و نثر، ص۵۶؛ میراث فرهنگی نطنز، ج۲ صص ۲۷-۱۳؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۶۳ و ۲۶۴؛ شرح احوال و آثار شاعران بی دیوان، صص ۶۲۶-۶۲۴؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۴، ص۳۱۸؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۷۱؛ المرقاه: مقدمه.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶؛ تحفه الاحباب، صص ۳۵ و ۳۶.

سیّد محمّد حسین حسینی ساوجی

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّد ابراهیم حسینی ساوجی [از فضلاء قرن سیزدهم هجری]در سال ۱۲۶۵ق. کتابت «تهذیب الاصول» علّامه حلّی را در اصفهان به پایان رسانیده و نسخه در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی در قم موجود است.(۱)

شیخ حسین تنکابنی

شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی، از فلاسفه عالیقدر قرن یازدهم هجری. در قم نزد ملاصدرا و ملّا عبدالرزاق فیاض لاهیجی به تحصیل حکمت پرداخته و سپس در اصفهان به تحقیق و تألیف و تدریس کتب فلسفی مشغول بوده است. وی ذوق اشراقی و عرفانی داشته و میرزا عبداللّه افندی (صاحب ریاض العلماء) که معاصر اوست بر او خرده گرفته که غیر از فلسفه، از سایر علوم بهره چندانی نداشته است. دامادش آخوند ملّا محمّد نصیر تنکابنی و فرزندش ملّا ابراهیم تنکابنی نیز از فضلاء آن عهد و احتمالاً شاگرد شیخ حسین بوده اند.

وی در سفری که به حج بیت اللّه الحرام رفته بود، در هنگام استلام حجرالاسود در مسجد الحرام توسط جمعی که به توّهم اهانت او به حجرالاسود بر سر او ریخته بودند، به شدت مضروب شده و در راه مدینه شهید شد و در «ربذه» در جوار مرقد جناب «ابوذر غفاری» مدفون گردید. سال شهادت او را ۱۱۰۱ یا ۱۱۰۵ق ذکر کرده اند و ظاهراً در سن حدود ۸۰ سالگی یابیشتر به سرای باقی ارتحال نموده است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اثبات حدوث العالم» ۲. «احوال صنوف النّاس فی المعاد» ۳. تعلیقات بر شفا ۴. «حاشیه بر حاشیه خفری بر الهیات شرح تجرید» ۵. «شرح گلشن راز» ۶. «وحده الوجود و تجلّیاته و تنزّلاته»(۲)

۱- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۳۷.

۲- قصص الخاقانی، ج۲، صص ۴۹ و ۵۰؛ ریاض العلماء، ج۲، صص ۳۴ و ۳۵؛ شهیدان راه فضیلت، صص ۳۲۲ و ۳۲۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۱۹۱ و ۱۹۲؛ الذریعه، ج۱، ص۸۹ و ج۲۵، ص۵۵؛ تاریخ عرفاء و حکماء، صص ۳۱ و ۳۲؛ شواهد الرّبوبیّه، مقدمه: ص صد و دو؛ فهرست مروی، ص۳۳۲، فهرست عکسی دائره المعارف اسلامی، ج۱، ص۱۳۹؛ فهرست خطی احیاء، ج۶، صص ۲۴۴ و ۲۴۷؛ فهرست عکسی احیاء، ج۴، ص۴۰۳؛ فهرست مرعشی، ج۳۱، صص ۷۱۹ و ۷۲۰؛ فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۳۳۲.

میرزا محمّد حسین مدرّس کَهَنْگی

حاج میرزا محمّد حسین مدرّس کهنگی بن سیّد محمّد ابراهیم بن سیّد علی طباطبائی، عالم فاضل جلیل. در سال ۱۲۸۸ق در «کَهَنگ بَرزاوَند» از توابع اردستان متولّد شده و در اصفهان نزد حاج میرزا بدیع درب امامی، میرزا ابوالمعالی کلباسی، میرزا محمدهاشم چهارسوقی، شیخ محمّد علی ثقهالاسلام، شیخ محمّد تقی آقانجفی، حاج آقا نوراللّه نجفی، میرزا ابوالقاسم رشتی، آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی به تحصیل پرداخت و سپس به عتبات عالیات رفته و نزد آیات عظام و علمای اعلام حاج آقا رضا همدانی، آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی و آقا سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی کسب فیض نموده است.

وی در سال ۱۳۲۱ق به اصفهان مراجعت نموده و در مسجد علی علیه السلام اقامه جماعت نموده و در مدارس دینی اصفهان تدریس نموده و بدین جهت به «مدرس کَهَنگی» معروف شده است. او از طریق املاک موروثی در زادگاه خود امرار معاش می کرده و از دریافت و مصرف وجوه شرعی و یا امرار معاش از راه رفع خصومات و امثال آن خودداری می نموده است. بالاخره در ۱۷ جمادی الثّانیه سال ۱۳۷۶ق در اصفهان وفات یافته و در ضلع شمالی قبرستان عمومی جنب مصلای تخت فولاد مدفون گردید.

مرحوم مدرّس کَهَنگی تقریرات دروس اساتید خود در نجف اشرف مانند آخوند خراسانی و آقا سیّد کاظم یزدی را نوشته و رساله ای در معنی «بداء» به نام «هدیه الوری در شرح بداء» تألیف کرده که در سال ۱۳۷۷ق به طبع رسیده است.(۱)

۱- آتشکده اردستان، ج۲، صص۳۰۶ و ۳۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳۱.

میرزا حسین تحویلدار

میرزا حسین تحویلدار بن میرزا محمّد ابراهیم، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری. جدّ اعلای او پیر اویس خان به دستور شاه عباس از «نخجوان» به اصفهان آمده و در این شهر ساکن شد. پدرش در اوایل کار صاحب جمع و عامل اغلب بلوکات و توابع اصفهان بود و سپس تحویلدار اصفهان شد.

میرزا حسین در اصفهان متولّد شد و کار پدر را دنبال کرد و در اداره تلگراف خانه به کار پرداخت. وی در سال ۱۲۹۴ق به دستور کارگزاران دیوان سلطنتی ناصرالدین شاه کتاب «جغرافیای اصفهان» را که کتابی مفید و ذی قیمت حاوی اطلاعات فراوان از جغرافیا، آثار تاریخی، اصناف و اقشار و مشاغل مردم اصفهان در قرن سیزدهم هجری است را تألیف نمود، که به کوشش دکتر منوچهر ستوده در سال ۱۳۴۲ش به چاپ رسیده است.

تاریخ وفات و دیگر اطلاعات درباره زندگی او در دست نیست.

سیّد حسین فشارکی*

سیّد حسین بن سیّد ابراهیم طباطبائی فشارکی، عالم فاضل، از علمای اوایل قرن چهاردهم هجری اصلاً از اهالی قریه «فشارک» از توابع کوهپایه اصفهان بود. او پسر عموی مجتهد و فقیه عالی مقام آقا سیّد محمّد فشارکی است. پس از مدتی تحصیل در اصفهان به عتبات عالیات رفته و نزد میرزا حسن شیرازی و آقا سیّد محمّد فشارکی به تحصیل پرداخت. پس از مدتی به کربلا رفت و در اواخر عمر در کرمانشاه ساکن شد.(۱)

شیخ محمّد حسین مشکوه زفره ای

شیخ محمّد حسین مشکوه بن ملّا محمّد ابراهیم زفره ای، از پیشگامان تعلیم و تربیت در اصفهان در روستای «زفره» از توابع کوهپایه اصفهان متولّد شده و در اصفهان به

۱- میرزای شیرازی، ص۱۳۶.

تحصیل پرداخت. وی در اصفهان مدرسه مشکوه و سپس مدرسه نیّر اَعظم را در سال ۱۳۲۸ق تأسیس کرد ولی مدتی بعد این مدرسه تعطیل شد. در سال ۱۳۲۷ق در نزدیکی باغ همایون [ورزشگاه تختی کنونی] مدرسه اقدسیّه را تأسیس نمود. سیّد علی جناب که در حدود سال ۱۳۳۴ق وضعیت مدارس و مکاتب اصفهان را گزارش نموده می نویسد مدرسه اقدسیّه دارای ۷ کلاس و ۱۴۱ شاگرد بوده است. از این مدرسه بسیاری از فضلاء برخاسته اند. عاقبت این مدرسه به هنگام احداث خیابان مسجد سیّد، در مسیر خیابان قرار گرفته و تخریب شد.

شیخ محمّد حسین مشکوه داماد میرزا ابوالقاسم زفره ای بود و در ۱۵ محرّم ۱۳۹۰ق وفات یافته و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

حسین نجف آبادی

حسین بن ملّا ابراهیم نجف آبادی از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۹۰ق کتاب «لهوف» تألیف: سیّد بن طاووس را کتابت نموده است. نسخه به شماره ۱۱۱۰ در کتابخانه آیت اللّٰه گلپایگانی در قم موجود است.(۲)

سیّد حسین مجتهد اصفهانی

سیّد حسین بن ابوتراب موسوی اصفهانی، عالم فاضل جلیل معروف به «مجتهد» از علمای اواخر دوره قاجاریه. در گنجه ساکن بوده و مرجع مسائل شرعی مردم آنجا به شمار می رفته و در آن حدود ریاست دینی داشته است. عمری طولانی یافته و اغلب به عبادت و طاعت خدا مشغول بوده و سرانجام درسال ۱۳۳۰ق در حدود ۱۲۰ سالگی وفات یافته است. او عموی مجتهد و مرجع تقلید بزرگ تشیع آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و پدر سیّد محمّد باقر مجتهدزاده ساکن گنجه است.(۳)

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ بوستان فضیلت، صص ۲۲۲-۲۱۸.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۵۷.

۳- نقباء البشر، ج۲، ص۵۱۷.

سیّد حسین خادمی

سید حسین خادمی ابن آقا سیّد ابوجعفر خادم الشریعه ابن سیّد صدرالدین محمّد عاملی، عالم مجاهد و فقیه زاهد. از علمای بزرگ معاصر اصفهان، در جمعه ۳ شعبان ۱۳۱۹ق در اصفهان متولّد گردید.

مقدمات و سطوح را در اصفهان نزد میرزا احمد مدرس، میر محمّد صادق مدرس خاتون آبادی، ملّا عبدالکریم گزی، شیخ علی مدرس یزدی، میر سیّد علی نجف آبادی، سیّد محمّد نجف آبادی، سیّد میرزا اردستانی و جمعی دیگر از بزرگان فراگرفت و جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا در خدمت آیات عظام آقا سیّد ابوتراب خوانساری، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّد جواد بلاغی، میرزا محمّد حسین نائینی و آقا ضیاءالدّین عراقی بهره کافی برده تا به مقام اجتهاد نائل گردید و با کسب اجازات روایتی و اجتهاد به اصفهان مراجعت نمود و از حین ورود تا هنگام وفات به افاده و افاضه و تدریس خارج فقه و اصول در مدرسه صدر بازار و اقامه جماعت در مسجد دارالشّفا و مسجد نو حاج رسولیها و منبر و موعظه و ارشاد و هدایت مردم و امر به معروف و نهی از منکر مشغول گردید.

[آن فقید سعید از ارکان مبارزه مردم اصفهان علیه رژیم پهلوی بوده و به ویژه در جریان قیام ۱۵ خرداد از مرجعیت و مبارزه امام حمایت های شجاعانه و بی دریغ داشته و ساواک نسبت به فعالیت های ایشان علیه رژیم حساسیت بالایی داشت. در واقعه ۵ رمضان ۱۳۹۷ه.ق منزل ایشان در چهارباغ پایین کانون نهضت مردم اصفهان علیه رژیم بود و با حمله مأموران رژیم، تعدادی از انقلابیون در حوالی منزل ایشان به شهادت رسیدند پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم اصفهان ایشان رابه عنوان نماینده خود در مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی و سپس نماینده مجلس خبرگان رهبری برگزیدند. در جریان جنگ ایران و عراق نیز ایشان در پشتیبانی از رزمندگان و تشویق مردم در کمک به جبهه های نبرد تلاش فراوان داشت.

او اقدامات خیریه فراوانی را با همت عالی خود انجام داده است که اهم آنها عبارتند

از: تأسیس انجمن خیریه مددکاری امام زمان، تأسیس مؤسسه خیریه احمدیه (شامل دبیرستان و کتابخانه و...) تأسیس انجمن خیریه صادقیه جهت خدمت رسانی به سالخوردگان و معلولان، تجدید بنای مسجد جامع حاج رسولیها در اصفهان و ساخت مسجدی در جزایر قشم و هرمز و تأسیس چند کتابخانه در مدرسه ملّا عبداللّه و مؤسسه احمدیه]

همچنین ایشان در ارشاد و راهنمایی مردم و تبلیغ دین اهتمامی فراوان داشته و خدمات آن مرحوم در جلوگیری از برخی منکرات اداره آموزش و پرورش و همچنین تبلیغات سوء و ضد ولایتی برخی از منبریان اصفهان فراموش نشدنی است.]

و سرانجام در صبح روز دوشنبه ۱۸ جمادی الثّانیه سال ۱۴۰۵ق در اصفهان وفات یافته و جنازه پس از تشییع عظیم در سه شنبه به مشهد مقدس حمل و در جوار مرقد مطهر حضرت رضاعلیه السلام مدفون گردید. [و جلسات متعدد ختم و یادبود برای ایشان در بسیاری از شهرها برگزار شد.]

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «تقریرات درس مرحوم نائینی درباره صوم و صلاه» ۲. «تقریرات درس اصول: از اوائل مباحث الفاظ تا آخر معنی حرفی» ۳. «تقریرات درس اصول: از بحث خاتمه برائت تا آخر تراجیح» ۴. «حواشی بر طهارت و صلاه» کتاب «مصباح الفقیه» تألیف: حاج آقا رضا همدانی ۵. «رساله در عدم ارث زوجه از غیر منقول»

۶. «رساله در لباس مشکوک» ۷. «رهبر سعادت یا دین محمّدصلی الله علیه وآله» در دو مجلد به فارسی، مطبوع.

آن مرحوم دارای کتابخانه نفیسی بود که تعدادی از کتب خطی آن به خط مؤلفین بوده و اکنون در اختیار فرزندان ایشان می باشد.(۱)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، صص۲۹۰-۲۸۸؛ مجله نور علم، شماره مسلسل ۳۵ خرداد ۱۳۶۹ش، صص۱۰۷-۹۰؛ گنجینه دانشمندان، ج۳، ص۹۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۳۹۰؛ نقباء البشر، ج۲، صص ۵۱۸ و ۵۱۹؛ الذریعه، ج۱۱، ص۳۱۰؛ گلزار مشاهیر، صص ۲۹ و ۳۰؛ مستدرک فهرس التّراث، صص ۱۷۳ و ۱۷۴؛ مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، صص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ روزنامه اطلاعات، مورخ ۲۰ اسفند ۱۳۶۳ش.

سیّد حسین بصیر*

دکتر سیّد حسین بصیر بن حاج میرزا ابوالحسن حکیم بن میرزا هادی حکیم بن سیّد ابراهیم حکیم خطاط بن سیّد محمّد رضا حکیم بن میرزا عبدالباقی طبیب اصفهانی، از پزشکان حاذق معاصر در اصفهان متولّد شد. تحصیلات مقدماتی را در اصفهان انجام داد و از مدرسه عالی طب و داروسازی فارغ التحصیل شد. مدتی در ارتش به طبابت مشغول بود سپس در بیمارستان امین به طبابت پرداخت و سرانجام در ۱۷ ذیحجه ۱۳۵۸ق وفات یافته و در ضلع شرقی تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

سیّد محمّد حسین ادیب بجنوردی*

سیّد محمّد ادیب بجنوردی ابن سیّد ابوالحسن موسوی نسل بجنوردی، عالم فاضل و حکیم فرزانه، از علمای معاصر در سال ۱۳۰۰ق متولّد شده و در مشهد مقدس نزد جمعی از فضلاء از جمله حاجی فاضل خراسانی، ادیب نیشابوری(۲) و شیخ ابوالقاسم نیشابوری به تحصیل پرداخت و فلسفه و منطق را نزد آقا بزرگ حکیم فرا گرفت.(۳) وی سالها در مشهد مقدس به تدریس مشغول بود. اما به خاطرسختی امر معیشت به ناچار به کارهای دولتی روی آورد و به اصفهان انتقال یافته و ۱۲ سال رئیس اوقاف و معاون اداره فرهنگ اصفهان بود و در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ ش در مدرسه صدر اصفهان «شرح باب حادی عشر» «شرح شمسیّه» و «شوارق» را تدریس می نمود و جمعی از فضلاء از جمله: «شیخ محمّد محزونیه»، «سیّد علی هدایتی خواجویی»، «احمد غفاریان»، «سید مهدی حجازی قمشه ای»، «شیخ علی کاشانی» و «آقا ضیاء کجانی» در درس او شرکت می کردند. وی بسیار خوش بیان و دارای حافظه ای قوی و کم نظیر بود.

۱- بوستان فضیلت، صص ۳۷۱-۳۷۰.

۲- علوم عقاید، ص۱۳.

۳- منتخب معجم الحکماء، ص۲۴.

در ادبیات و معقول تخصص داشت و به تمام اقوال حکماء و متکلمین احاطه داشت. از علوم جدید مطلع بود. بسیار خوش خلق، متواضع و وارسته بود و از عرفان بهره کامل داشت.(۱)

وی چندی بعد به تهران رفته و در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و سرانجام در صبح یکشنبه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۸۲ق وفات یافت.(۲)

آقای علیقلی بیانی که از شاگردان اوست می نویسد: «مرحوم ادیب بجنوردی به راستی استاد مسلم ادب عرب و معقول بود. با وجود کهنسالی مقامات حریری را که متن دشواریست از بَر بود به گونه ای که برای تصحیح قرائت من نیاز به کتاب نداشت... من نزد او اشارت ابن سینا را می خواندم ولی عبارت متن کتاب برای او فقط مناسبتی برای فیضان فضائلش بود. در نماز شور و هیجانی به او دست می داد که دیدنی بود به کرّات او را در حال گریه شدید در مسجد دیدم. در اموری که ارتباط با آداب تقوا و زهد داشت سختگیر بود»(۳)

حسین غرّاء نجف آبادی

حسین توانگر نجف آبادی متخلّص به «غرّاء» ابن ابوالحسن از شعرای قرن چهاردهم هجری [در حدود سال ۱۲۴۶ش در نجف آباد متولّد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد آقا سیّد هاشم آیت نجف آبادی آموخت. سپس به اصفهان شتافت و مغنی و مطوّل را نزد علمای آنجا فراگرفت. و منظومه سبزواری و شفای بوعلی سینا را نزد حکیم جهانگیرخان قشقائی خواند و در سایر علوم مانند صرف و نحو، منطق، لغت، هیئت، طب و تاریخ مهارتی بسزا یافت. پس از چندی از لباس روحانیت خارج شده و در «کمپانی مسعودیه» اصفهان به کار پرداخت. سپس در گلپایگان و نجف آباد به تجارت پرداخت.

وی سرانجام در ۱۸ مرداد ۱۳۵۴ش پس از عمری طولانی وفات یافته و در نجف

۱- علوم و عقاید، ص۱۳.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۵۲.

۳- آیین فرزانگی، ج۲، ص۲۲۸.

آباد مدفون شد. در سرودن انواع شعر مهارت داشت و در انجمن های ادبی اصفهان و نجف آباد شرکت می کرد و اشعارش درمجله ارمغان به طبع می رسید.

از آثار و تألیفات اوست:

۱. «اندرز نامه پدر و پسر» منظوم، که در سال ۱۳۳۳ش به ضمیمه روزنامه حیات اصفهان به طبع رسید. ۲. دیوان قصائد ۳. مجموعه غزلیات، قطعات و مثنویات ۴. مقالاتی به شیوه «چهار مقاله» نظامی عروضی که در موضوعات گوناگون نوشته است.[(۱)]

از اوست:

کسی زخار ندیده چون من جفای گلی

چرا که خوار شدم عاقبت برای گلی

هزار جور کشیدم زخمار و گشتم خوار

چه خوار و زار شدم آخر از برای گلی

سیّد محمّد حسین حسینی اصفهانی

سید محمّد حسین بن ابی طالب حسینی اصفهانی، روضه خوان، از کاتبان قرن سیزدهم هجری است مدتی در رشت ساکن بود از آثارش کتابت:

۱. «منهج الشیعه» تألیف: جلال الدّین شرفشاه علوی

۲. «منهاج الکرامه» تألیف: علّامه حلی که هر دو در دهه نخستین ربیع الاول ۱۲۶۱ق کتابت شده و در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران موجود است.

۳. «ارشاد القلوب» دیلمی مورخ ربیع الثانی سال ۱۲۶۶ق در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران موجود است.(۲)

۴. «هدایه الاسماء فی بیان کتب العلماء» تألیف ملّا حسن کثنوی یزدی، که در شوال ۱۲۷۵ق در رشت آنرا نوشته و به شماره ۱۰۷۰ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۳۷ و ۳۳۸؛ دیباچه دیار نون، صص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۲- فهرست حقوق، صص ۲۴۲ و ۴۸۱.

است.(۱)

شیخ محمّد حسین قمشه ای صغیر

شیخ محمّد حسین بن ابوطالب قمشه ای نجفی، عالم جلیل و فاضل ثقه صالح، معروف به صغیر (جهت امتیاز او نسبت به استادش شیخ محمّد حسین قمشه ای). در نجف اشرف در خدمت ملّا محمّد حسین بن محمّد قاسم قمشه ای معروف به کبیر به تحصیل پرداخت. سپس در محضر استاد اخلاق و عرفان آخوند ملّا حسینقلی همدانی حاضرشده و از خرمن معلومات او توشه ها اندوخت و همچنین از درس حاج میرزا حسین خلیلی و آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی کسب فیض نمود. ایشان از علمای مجاهد بوده و در نهضت علماء علیه نفوذ دولت انگلستان در عراق [انقلاب ۱۹۲۰م عراق] شرکت داشته و سرانجام در ۲ محرم ۱۳۳۷ق وفات یافته، در صحن شریف مرقد مطهر حضرت علی علیه السلام نزدیک مقبره شیخ الریعه اصفهانی مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱. کتابی در «معجزات صادره از ائمه معصومین علیهم السلام» ۲. کتابی در «مواعظ و اخبار»

این عالم ربانی از محبان حضرت سیّد الشهداء بوده و در منزل خود مجالس سخنرانی و روضه خوانی برای آن حضرت را به پا می داشته و بزرگانی چون حاج میرزا حسین محدّث نوری در آنجا منبر می رفته اند.(۲)

میر محمّد حسین حسینی اصفهانی

میر محمّد حسین بن میرزا ابوالفتح حسینی اصفهانی، از کاتبان اصفهان در عصرشاه عباس صفوی و خادم مسجد جامع اصفهان بوده است.

۱- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۲، ص۶۸۳.

۲- نقباء البشر، ج۲، صص ۵۲۰ و ۵۲۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۰؛ تاریخ شهرضا، ص۷۵.

وی «خلاصه الاقوال» تألیف علّامه حلّی را به خط نسخ در پنج شنبه ۴ ذی القعده ۱۰۳۷ق در مشهد مقدس کتابت نموده است و در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.(۱)

ملّا حسین امین جعفری دهاقانی*

ملّا حسین امین جعفری بن حاج ابوالقاسم دهاقانی عالم فاضل زاهد. در سال ۱۲۹۵ق در دهاقان متولّد شد مقدمات را نزد ملّا رحیم دهاقانی آموخت سپس نزد حاج شیخ ابوالقاسم صدر العلماء دهاقانی حاضر شد. پس از مدتی به اصفهان رفته و از درس جمعی از علماء خصوصاً جهانگیرخان قشقایی بهره مند گردید. آنگاه به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی کسب فیض نمود. او پس از پایان تحصیل به زادگاه خود بازگشته و در آنجا به ترویج شریعت، راهنمایی ارشاد مردم و تدریس مشغول شد و در ضمن جلسه ای ادبی را نیز برپا نمود که عده ای از فضلاء و اهل ذوق از معلومات ارزنده او برخوردار می شدند که از آن جمله اند: شیخ مهدی الهی قمشه ای و میرزا حسین خان ادیب. در سرودن غزل طبعی روان داشته و ۵۰ غزل او نزد مرحوم شیخ اسداللّه اسماعیلیان دهاقانی موجود بوده است.

صاحب عنوان در سال ۱۳۶۹ق در دهاقان وفات یافته و در قبرستان عمومی آنجا مدفون گردید.

این چند بیت از اوست:

مطرب به نوا آمد و زد ساز طرب را

باشم مُترنّم همه با چنگ و چغانه

در محفل عشّاق بدان قامت رعنا

چون شمع برافروخته آمد به میانه [...]

۱- فهرست کتابخانه مرعشی، ج ۱۱، ص ۱۵۵.

دیدم چو دو چشمان تو اندر صف مژگان

شد سینه و دل در خور پیکان و نشانه(۱)

سیّد حسین موسوی بیدآبادی

سیّد حسین بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمّد علی بن حاج سیّد محمّد باقر حجهالاسلام، عالم فاضل صالح متّقی، قبل از سال ۱۳۰۰ق در اصفهان متولّد شده و نزد حضرات آیات سیّد ابوالقاسم دهکردی، سیدمحمّد باقر درچه ای، شیخ محمّد رضا نجفی و سیّد مهدی درچه ای به کسب فیض پرداخته و سپس به ترویج دین و ارشاد مردم پرداخته است.

وی ظهرها در مسجد سیّد و صبح و مغرب در مسجد حاج جمال در محله لرها اقامه جماعت می نمود و مورد وثوق اهالی محل بود و با همه سختی ها که در دوره رضاخانی به اهل علم و روحانیون می شد تحمل نموده و ترک مسجد و محراب نفرمود. او در شب های ۱۹ ماه مبارک رمضان، مراسم شب احیاء را در مسجد سیّد برپا می داشت.

سرانجام در دوشنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۵۶ ق وفات یافته و در تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

سیّد حسین دهکردی

سیّد حسین بن آقا سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمدباقر دهکردی عالم فاضل. در اصفهان متولّد شده و در خدمت جمعی از بزرگان همچون آقا شیخ علی مدرس یزدی و پدر بزرگوار خود تحصیل نموده است. عالمی منزوی و گوشه نشین بود.

پس از فوت پدر به جای ایشان در مسجد شیخ الاسلام و مسجد سرخی اقامه

۱- زندگانی حکیم جهانگیرخان قشقائی، صص۱۰۲ و ۱۰۳؛ سیمای دهاقان، صص ۲۷۷ و ۲۷۸.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۰۹؛ بیان المفاخر، ج۲، صص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد،ص ۸۶؛ بوستان فضیلت، صص ۲۲۹-۲۲۶.

جماعت می نمود. سالها به درس مرحوم آقا شیخ محمّد حکیم خراسانی حاضر شده و بهره کافی یافته بود و گاه گاه در بین صحبت از این استاد خویش یاد می نمود.

سرانجام در سال ۱۳۷۷ق وفات یافته و جنب پدر در یکی از حجرات امامزاده زینبیه اصفهان مدفون گردید.(۱)

میرزا محمّد حسین خاتون آبادی*

میرزا محمّد حسین بن آقا میرزا ابوالقاسم حسینی خاتون آبادی عالم فاضل، از علمای اواخر دوره قاجاریه. متوفی ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۴۱ق در یکی از حجرات شرقی تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد اصفهان.(۲)

شیخ محمّد حسین شریعت فلاورجانی*

شیخ محمّد حسین شریعت ابن ابوالقاسم فلاورجانی، عالم زاهد و فاضل کامل. سالها در فلاورجان به اقامه جماعت و وعظ اشتغال داشت.

سرانجام در عید غدیر ۱۳۷۷ق (تیرماه ۱۳۳۷ ش) وفات یافته و در قبرستان عمومی فلاورجان مدفون شد. وی پدر عالم فاضل معاصر شیخ صفرعلی شریعت است.(۳)

حسین انصاری

حسین بن احمد انصاری از فضلای قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۱۷ق کتاب «ترجمه الفصول» تألیف: رکن الدّین محمّد بن علی گرکانی را در اصفهان نوشته است. کتاب در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است. همچنین در همان سال نسخه ای از کتاب «باب حادی عشر» تألیف: علّامه حلی را به خط نسخ نوشته که به شماره ۱۹۱۸/۱

۱- تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون، ص۴۳؛ مزارات اصفهان، ص۲۳۶.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

در کتابخانه جامع گوهرشاد موجود است.(۱)

میرزا محمّد حسین ملاذ روضاتی

حاج میرزا محمّد حسین ملاذروضاتی بن سیّد احمد بن میرزا محمّد باقر موسوی چهار سوقی (صاحب روضات) عالم فاضل جلیل در شب پنج شنبه ۱۰ محرم (عاشورا) سال ۱۳۰۲ق در اصفهان متولّد شده و تحصیلات خود را نزد حاج آخوند زفره ای، میرزا یحیی مدرس، سیّد محمود کلیشادی، میرزا احمد اصفهانی، جهانگیرخان قشقائی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، سیّد مهدی درچه ای و شیخ محمّد تقی آقانجفی انجام داد و جهت تکمیل آن به عتبات عالیات مشرف شده و نزد آیات عظام سیّد اسماعیل صدر و شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی به کسب فیض پرداخت و شفاها از این دو مرجع عالیقدر و کتباً از آیات عظام آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی مجاز گردید.

وی پس ازبازگشت به اصفهان به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخت اما در اواخر عمر از این امور کناره گرفته، انزوا اختیار کرده و به عبادت مشغول بود. سرانجام در شب سه شنبه ۶ رجب ۱۳۸۲ق وفات یافته و در بقعه جدّ بزرگوار خویش «صاحب روضات» در تخت فولاد مدفون گردید. شاعر توانا استاد فضل اللّه اعتمادی متخلّص به «برنا» ماده تاریخ وفات ایشان را چنین سروده اند:

نوشت خامه «برنا» برای سال وفاتش

«ملاذ برد پناه از جهان بجانب حیدر»

وی نسخه ای از «نظام الاقوال» تألیف: نظام الدّین محمّد قریشی ساوجی را به خط زیبای خود کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه حاج سیّد محمدعلی روضاتی موجود است.(۲)

۱- فهرست گوهرشاد، ص۲۳۶.

۲- مناهج المعارف: مقدمه، صص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ فهرست کتابخانه های اصفهان، ج۱، ص۱۴۴؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۷۰۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱ ص ۳۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۸۰.

حسین مهری اصفهانی

ابوعلی حسین بن احمد بن حسین بن احمد بن محمّد مهری اصفهانی، از محدّثین عامه است. محمدبن احمد نطنزی عامی از وی نقل حدیث می کند.

حسین عمادزاده

استاد حسین عمادزاده فرزند ملّا احمد عماد الواعظین ابن آخوند ملّا حسین عماد الواعظین کُربِکندی بُرخواری اصفهانی، نویسنده و محقّق دانشمند. در ۸ ذی الحجه ۱۳۲۵ق در اصفهان متولد شده و در اصفهان نزد حضرات آیات میر سید علی نجف آبادی، میرزا علی آقا شیرازی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، شیخ محمود مفید، سیّد صدرالدّین کوپائی و شیخ محمّدرضا کلباسی پرداخت. همچنین از حضرات آیات آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ آقابزرگ طهرانی، سیّد محمّد حجت کوهکمری، شیخ محمّدرضا مظفر و سیّد یونس اردبیلی اجازه روایت دریافت کرد.

او از جوانی تا آخر عمر در طهران ساکن بوده و به تحقیق و تألیف کتاب و تدریس در دانشگاه می پرداخت و برای مجلّات نیز مقاله می نوشت.

از او بیش از ۱۰۰ عنوان تألیف باقی مانده که اکثر آنها به چاپ رسیده و برخی از آنها چندین بار تجدید طبع شده است. او همچنین مجلّه «خرد» را انتشار داده است.

استاد عمادزاده در ۵ رمضان ۱۴۱۱ق (مطابق ۱۲ فروردین ۱۳۶۹ش) وفات یافت.

نام برخی از کتابهای او چنین است:

۱. «تاریخ و جغرافیای مکه» ۲. «ترجمه و تفسیر قرآن کریم» ۳. «زینب کبری» (سلام اللّه علیها) ۴. «معراج» ۵. «تاریخ مفصل اسلام» ۶. «تاریخ انبیاء و قصص قرآن» ۷. «شرح و ترجمه صحیفه سجادیّه» ۸. «تاریخ جغرافیای کربلای معلّی»

همچنین ۱۴ جلد کتاب در شرح حال چهارده معصوم که با عناوین مختلف به چاپ رسیده است. از تألیفات چاپ نشده ایشان می توان به «رجال اسلام» در ۱۰ جلد و

«راهنمای اصفهان» اشاره کرد.(۱)

حسین نجفی*

حسین بن احمد بن ماجد نجفی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. او در اصفهان ساکن بوده و نسخه ای از «مشرق الشّمسین» تألیف: شیخ بهائی را در پنج شنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۰۲۸ق کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۱۲۰ در کتابخانه خاندان میبدی در کرمانشاه موجود است.(۲)

در همان زمان یکی از بستگان صاحب عنوان، به نام شیخ احمد بن شیخ محمّد بن شیخ ماجد نجفی در اصفهان نزد شیخ بهائی مشغول تلمّذ بوده و از مرحوم شیخ اجازه دریافت نموده است.(۳)

حسین جوهری فرد*

حسین جوهری فرد بن احمد، شاعر ادیب، در سال ۱۳۰۲ش متولّد شد، او از اعقاب شاعر و مورّخ مشهور میرزا ابراهیم جوهری مؤلف کتاب «طوفان البکاء» است.

جوهری پس از آنکه تحصیلات مقدّماتی را فراگرفت، چندی در مدرسه مروی به تحصیل علوم قدیمی پرداخت و مدتی نیز در وادی حکمت و عرفان به سیرو سلوک قدم نهاد و از اساتید فن کسب فیض کرد، همچنین فنون شعر و شاعری را از شکیب اصفهانی آموخت. آنگاه برای کسب معیشت به آهن فروشی در بازار مشغول شد.

اغلب اشعار او جنبه مذهبی و عرفانی دارد و مضمون آن مدایح و مراثی ائمه

۱- مجله کیهان فرهنگی، سال هفتم: خرداد ۱۳۶۹، ص ۵۰؛ الذریعه، ص۱۲، صص ۵۵-۵۱؛ رجال اصفهان: مقدمه؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج۱، ص۱۰۶۵؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۲، صص ۸۳۰ و ۸۳۱؛ گلزار مشاهیر، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.

۲- فهرست خاندان میبدی، ص۸۷.

۳- فهرست کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ص ۴۱.

اطهارعلیهم السلام است. در شعر «جوهری» تخلص می کند.

از اوست:

دلبرا خرمن هستی مرا سوخت دو چیز

اخگر عشق تو ای ماه دگر طعن رقیب(۱)

میرزا حسین گرجی فریدنی

میرزا حسین بن احمد گرجی فریدنی [از خطاطان و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم]در ماه جمادی الآخر سال ۱۲۷۴ق کتاب «کشف الاسرار» تألیف ملّا حسینعلی تویسرکانی را در اصفهان به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۳۸۹ و ۷۳۹۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم نگهداری می شود.(۲)

همچنین در تاریخ ۲۹ شوّال ۱۲۷۹ق کتاب «بحر الجواهر» تألیف: محمّد بن یوسف هروی را به خط نسخ نوشته است و کتاب به شماره ۶۲۲۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

دکتر حسین محیی

دکتر حسین محیی بن میرزا احمد خان محیی، از پزشکان ماهر اصفهان وی در ۷ مهر ۱۳۲۲ش شانزده روز قبل از وفات پدر فوت نموده و در تکیه خانوادگی دکتر محیی جنب تکیه ملك در تخت فولاد مدفون شد.(۴)

۱- سخنوران نامی معاصر ایران، ج۲، ص۱۰۲۳.

۲- فهرست مرعشی، ج ۱۹، ص۱۹۱.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۶، ص۲۶۷.

۴- سیری درتاریخ تخت فولاد، ص۲۱۴.

محمّد حسین مُصاحَبی نائینی*

محمّد حسین بن حاج میرزا احمد مصاحبی نائینی، خوشنویس فاضل قرن سیزدهم هجری. او مانند پدر از خطاطان عصر خود بوده و بیشتر در اصفهان به سر برده و در آنجا وفات یافته است.(۱)

او اصلاً از اهالی قریه «محمّدیه» نائین و از احفاد ملّا مصاحب نائینی است. وی کتابی شامل «ادعیه و سُوَر» را به خط نسخ و رقاع در سال ۱۲۷۲ق را کتابت نموده است.(۲)

سیّد محمّد حسین میردامادی سدهی

سیّد محمّد حسین بن میر سیّد احمد میردامادی سدهی، عالم فاضل، به مقدّس معروف بوده و در اصفهان نزد آقا میر سیّد حسن مدرس تحصیل نموده است.(۳)

[پس از آنکه ملّا محمّد باقر بن ملّا محسن سدهی از سران شیخیه به ترویج این فرقه مشغول شد، سیّد محمّد حسین مقدس به مخالفت با او برخاسته و مردم را علیه بدعت های شیخیه تهییج نمود، ملّا محمّد باقر تصمیم به نابودی او گرفت و به وسیله عوامل خود او را در ۵ جمادی الثانی ۱۲۵۹ق مسموم ساخت و شهید نمود.

میرزا محمّد حسن شیرازی معروف به میرزای بزرگ پیشوای نهضت تنباکو، در ابتدای جوانی در اصفهان به تحصیل مشغول بود و از رفقای صمیمی صاحب عنوان بود که پس از شهادت دوستش دیگر نتوانست در اصفهان بماند و به نجف اشرف عزیمت کرد.(۴)]

۱- مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۲۳۰ و ۲۲۳۱.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۲.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳۲.

۴- خمینی شهر، صص ۲۵۸ و ۲۵۹.

حسین اصفهانی

حسین بن اسحاق اصفهانی، از محدّثین اصفهان است. در مصر ساکن بود و از عمّار بن خالد واسطی تمّار روایت می کرد.

جمعی از محدثان از جمله محمّد بن سلیمان بن فارس از او حدیث شنیده اند.(۱)

حسین اصفهانی

ابوعبداللّه حسین بن اسحاق بن ابراهیم بن صبّاح خلّال اصفهانی از محدّثین بوده و در قرن سوم هجری می زیسته است. از اصفهان به کرج [کرج ابودُلَف، در استان مرکزی کنونی]رفت و پس از سال ۳۰۰ق وفات نمود. احادیث فراوان را در حفظ داشت و حافظه اش بسیار قوی بود.(۲)

وی از اسماعیل بن محمّد بن یوسف، احمدبن عیسی بن تیسی خشّاب و ابوهارون حدیث نقل می کند.(۳)

محمّد حسین صغیر اصفهانی

محمّد حسین صغیر اصفهانی ابن اسداللّه شاعر ادیب و عارف وارسته، از مشاهیر شعرای معاصر اصفهان. در ۱۳ رجب سال ۱۳۱۲ق متولّد شد. پدرش اگرچه بیسواد بود امّا در عزاداری ها و آئین های مذهبی عزاداری می کرد و مادرش جهان سلطان زنی مؤمنه بود.

در ۸ سالگی زبان به سرودن شعر گشود و شگفتی همگان را برانگیخت و از همان زمان «صغیر» تخلص نمود. و از بدو تأسیس انجمن دانشکده اصفهان به سرپرستی عباس خان شیدا در سال ۱۳۳۴ق در آن انجمن شرکت کرد که این دوره ۱۸ سال طول کشید.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۰.

۳- احقاق الحق، ج ۵، ص ۴۸۲؛ میزان الاعتدال، ج ۱، صص ۵۹ و ۱۱۴.

از همان جوانی به کار بافندگی پرداخته و از راه کار و زحمت به امرار معاش و اداره خانواده پرداخت و استغناء و بی نیازی از خلق را پیشه خود ساخت. او در اغلب انجمن های ادبی اصفهان همچون انجمن های مدرسه تبریزی، خاکیا، کمال، سعدی و مکتب صائب شرکت می کرد و جزو اساتید پیشکسوت و محترم این انجمن ها به شمار می رفت.

به میرزا عباس پاقلعه ای شیخ سلسله نعمت اللهیه اصفهان ارادت داشت و در مدح او شعر می گفت.

او اگرچه قصیده و غزل بسیار گفته اما اغلب اشعارش مدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام است. او از مداحان طراز اول اصفهان بوده و در تشکیل انجمن مداحان و تربیت و پیشرفت آنان نقش زیادی داشته [و اشعارش نیز در بسیاری از نقاط کشور مشهور و مورد استفاده مداحان قرار داشت. و برخی از اشعارش در کتیبه های بقاع متبرکه خصوصاً در عتبات عالیات مورد استفاده قرار می گرفت.

صغیر مردی خوش خلق، بخشنده، سلیم النّفس و خوش محضر بوده و صفا و خلوص و سادگی او سبب راه یافتن نام و محبت او به دلها و شهرت روز افزون او بود.

استاد صغیر اصفهانی سرانجام در سه شنبه اول جمادی الثّانی ۱۳۹۰ق (مطابق با مرداد ماه ۱۳۵۰ش) وفات یافته و پس از تغسیل و تکفین و اقامه نماز بر پیکر او، در میان اجتماع شکوهمند عموم طبقات مردم اصفهان تشییع شده و در جوار حرم رأس الرضا (مدفن سر مطهر امامزاده مظلوم و شهید، شاهرضا مدفون در شهرضا) در طوقچی اصفهان مدفون گردید.

استاد همایی متخلّص به «سنا» ضمن مرثیه ای ماده تاریخ وفات او را چنین سروده اند:

به تاریخ وفات تو، به سیر آفتاب و مهر

خرد گوید: «صغیر از ما» سنا گوید «صغیر من»

استاد فضل الله اعتمادی متخلّص به «برنا» نیز ضمن مرثیه ای ماده تاریخ وفات او را

چنین سروده:

پی تاریخ سال رحلت او

گفت برنا: «صغیر ادیب جلیل»

کتب زیر از سروده های اوست که به طبع رسیده است:

۱. «خطبه الغدیر» منظوم ۲. «دیوان قصاید و غزلیات صغیر اصفهانی» ۳. «ریاض الحسینی» ۴. «فضائل الائمه» ۵. «مصیبت نامه صغیر» ۶. «وداد بشر»

[از اوست:

اسیر دانه خال لب یارم من ای زاهد

مکن دام دل من سبحه صد دانه خود را

کجا منّت کشم از ساقی نا مشفق گردون

که من پر کرده ام از خون دل پیمانه خود را

کسان بندند سد در راه سیل از بیم ویرانی

خلاف من که وقف سیل کرده ام خانه خود را(۱)]

آخوند ملّا محمّد حسین کرمانی

آخوند ملّا محمدحسین کرمانی ابن ملّا اسداللّه، عالم فاضل، فقیه کامل، از اکابر علماء و مدرسین و مراجع در اصفهان. در حدود سال ۱۲۴۵ق در کرمان متولّد شده، مقدمات علوم را در آنجا آموخته و جهت تکمیل آن به اصفهان آمد و در خدمت خدمت حاج شیخ محمّد باقر نجفی، میرزا محمّد باقر چهار سوقی (صاحب روضات)، ملّا حسینعلی تویسرکانی، میرزا محمّد حسن نجفی، سیّد محمّد شهشهانی، ملّا عبدالجواد حکیم خراسانی و ملّا حیدر صباغ و دیگران تحصیل نموده و به اجتهاد رسید و از برخی از اساتید خود به

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۰۸ - ۳۰۶؛ مزارات اصفهان، صص۳۱۳ و ۳۱۴؛ دیوان قصاید و غزلیات صغیر اصفهانی: مقدمه؛ زنده جاوید: اغلب صفحات؛ مقالات ادبی (همایی)، صص ۴۸۸-۴۸۶؛ مصاحبه با فرزند استاد صغیر آقای

رضا صغیر (سعید) توسط غلامرضا نصرالهی در تیرماه ۱۳۸۶ش.

اخـذ اجازه روایت و اجتهاد مفتخر شـد. وی از مدرسـین مشـهور فقه و اصول در اصـفهان بوده و جمعی از فضـلاء در درس او حاضـر می شدنـد. علاوه بر آن به قضاوت و رفع خصومات و مرافعات می پرداخت. [و در بین عموم مردم به عـدالت و رعایت حق در قضاوت شهرت داشت.]

او در کمـال زهـد و اسـتغناء می زیست. از آثـار او تأسـیس و تعمیر دو باب مسـجد به نام «نور» و «رضوان» می باشـد. اوّلی در چهـار راه کرمانی، در خیابان حافظ جنب منزل خود و دوّمی نزدیک دروازه اشـرف جنب شترگلو می باشـد که هر دو مخروبه بوده و ایشان بانی تعمیرات آن شده است [هزینه مرمّت مسجد رضوان را میرزا ابراهیم ملک التّجار متقبّل شده است.]

سرانجام در شب ۲۱ جمادی الاولی سال ۱۳۳۰ق وفات یافته، در مقبره ای مخصوص در مسـجد خود (مسـجد رضوان) مدفون گردید.

میرزا حسن خان جابری انصاری ضمن مرثیه ای ماده تاریخ وفات او را چنین نوشته است:

«انصاری» گفتا بدیهه تاریخش را

«فردوس مقام زاهد کرمانی است»

کتب زیر از اوست:

۱. «اجزایی در اصول و فقه» ۲. «تقریرات فقهی و اصولی اساتید خود» ۳. «رساله عملیّه»

علاوه بر مقام فقاهت شعر نیز می سروده و «مفتی» تخلص می نموده است. اشعار کتیبه مسجد رضوان از خود اوست.(۱)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۳۳ و ۵۳۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۲۰؛ نقباء البشـر، ج۲، صص ۵۳۰ و ۵۰۹؛ الاصـفهان، رجال و مشاهیر، ص۴۵۶؛ چهـل سال تاریـخ ایران (المأثر و الآثار)، ج۱، ص۲۴۸.

محمّدحسین ضیاء اصفهانی

محمّد حسین ضیاء ابن ملّا محمّد اسماعیل بن محمّد جعفر بن ملّا محمّد اسماعیل خواجویی شاعر و خوشنویس دانشمند [از طرف پدر از نوادگان حکیم و فیلسوف مشهور عهد افشاریه ملّا اسماعیل خواجویی و از طرف مادر از نوادگان میرزا مهدی خان منشی متخلّص به «کوکب» مؤلف «درّه نادره» و «جهانگشای نادری» است. در سال ۱۲۱۷ق در اصفهان متولّد شده و نزد علماء و فضلای عهد خویش به تحصیل پرداخت و در علوم مختلف به خصوص فقه، ادبیات، حکمت، نجوم، حساب و هندسه مهارتی بسزا یافت.]خطوط مختلف بویژه نسخ و ثلث را خوش می نوشت شعر را نیکو می سرود و «ضیاء» تخلص می کرد.

[او در محلّه خواجو ساکن بود و دختری از نوادگان حکیم مؤمن تنکابنی را به زوجیت اختیار کرد و عمر را به خوشنویسی و سرودن شعر گذرانید.] در سال ۱۲۶۵ق در سن ۴۸ سالگی (در زمان حیات پدر خود) وفات یافته و عزیزان خود را به داغ خویش نشاند. مرحوم مهدی بیانی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» آثاری از او را معرفی کرده است. در قبرستانهای قدیم اصفهان و به ویژه تخت فولاد الواح قبور فراوانی به خط او وجود داشته که اکنون اندکی از آنها هنوز باقی است از جمله سنگ مزار ملّا محمّد مهدی قمبوانی، شیخ محمّد تقی رازی و شیخ محمّد رحیم شیخ الاسلام. همچنین برای بسیاری از علما و ادبای معاصر خویش مرثیه و ماده تاریخ سروده که بر سنگ مزار آنان نقر گردیده است.

ماده تاریخ وفات «ضیاء» را شاعر معاصر او «تاراج» چنین یافته است.

ناگه زبان خامه تاراج زان میان

کرد این بیان «بدیده مردم ضیا نماند»

مزار ضیاء در تخت فولاد نزدیک مزار فاضل هندی» وجود دارد. دیوان اشعار ضیاء هنوز به طبع نرسیده است.(۱)

۱- تذکره مدایح معتمدیه: نسخه خطی؛ تذکره حدیقه الشعرا، ج۲، صص ۱۰۷۶-۱۰۷۴؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۷۳۹؛ سیری درتاریخ تخت فولاد، صص ۱۶۲ و ۱۶۳؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۴۳۳-۲۴۲۶؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۱۹۳ و ۱۹۴.

ملّا محمّد حسین بسطامی

ملّا محمّد حسین بن اسماعیل بسطامی، از فضلای اوایل دوره قاجاریه بوده و در اصفهان به تحصیل مشغول بوده است.

مشارالیه در سال ۱۲۱۷ق کتاب «مبداء و معاد» تألیف آخوند ملاصدرا را در مدرسه «باب القصر» اصفهان کتابت نموده است.(۱)

ملّا محمّد حسین عارفچه

ملّا محمّد حسین عارفچه ابن ملّا اسماعیل طبسی خراسانی، عالم فاضل و واعظ کامل. در اصفهان نیز متولّد شده و تحصیلات خود را نزد علماء این سامان همچون ملّا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سیّد محمّد شهشهانی به پایان رسانید. از خطبای مشهور اصفهان بوده در سال ۱۳۲۲ق وفات یافته در تکیه آقا سیّد رضی شیرازی در تخت فولاد مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱. «انیس الواعظین» ۲. «زاد العارفین» ۳. «زاد المواقف» ۴. «زاد الواعظین» ۵. «مونس الواعظین»(۲)

سیّد محمّد حسین قائنی

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّد اسماعیل حسینی قائنی، از خوشنویسان هنرمند قرن سیزدهم هجری است. خط ثلث را خوش می نوشت و در اصفهان ساکن بود.

۱- نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۷۹؛ بیان المفاخر، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۳۶.

کتاب «ادعیه» را به خواهش میر سیّد محمّد امام جمعه اصفهان را به خط نسخ و رقاع خوش در سال ۱۲۷۱ق کتابت نموده که در کتابخانه دکتر اصغر مهدی در تهران موجود بوده است.

همچنین وی کتیبه سنگ قبر میر سیّد زین العابدین موسوی چهارسوقی (پدر میرمحمّد باقر چهارسوقی صاحب روضات الجنات) را به خط ثلث خوش برجسته زمینه سنگ مرمر زرد، در سال ۱۲۷۵ق نوشته است که در تخت فولادموجود است.(۱)

محمّد حسین گلستانه

محمّد حسین بن اسماعیل گلستانه اصفهانی از خوشنویسان قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۸۱ق کتاب «مهیج الاخوان» تألیف ملّا حسن یزدی را کتابت نموده است. نسخه۲ شماره ۵۹۵ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۲)

میرزا حسین منتصر

میرزا حسین منتصر ابن آقا میرزا اسماعیل، شاعر ادیب در شب ۹ محرم سال ۱۳۲۱ق در اصفهان متولّد شد، و مانند پدر به تجارت روی آورد [و در سرای حاج کریم در بازار بزرگ اصفهان به معامله چای و پنبه مشغول شد]

وی از علاقه مندان شعر و ادب بوده و شعر می سروده و «منتصر» تخلّص می کرد. دیوان اشعار او که مدون نشده بود بالغ بر یکهزار و پانصد بیست شعر بود.

وی سرانجام در جمعه ۱۲ شوال ۱۳۷۷ق وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه کازرونی مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش را شکیب اصفهانی چنین سروده است:

سرود کلک شکیب از برای تاریخش:

«رسید منتصر از عون حق بجاه و جلال»

۱- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۱؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۸۶.

از اوست:

از غم عشق تو ای لاله چنان سوخته ام

کز همه بی خبر و چشم به تو دوخته ام

آنچه سوز است مرا در سخن از جور رقیب

همه از مکتب عشق تو من آموخته ام(۱)

محمّد حسین خراسانی*

محمّد حسین بن محمّد اشرف خراسانی، از فضلای قرن سیزدهم هجری است، در مدرسه جده کوچک اصفهان ساکن بوده و در آنجا نسخه ای از «حاشیه معالم الاصول» تألیف: محمّد ابراهیم مجتهد شیرازی را در سال ۱۲۵۹ق در تملک خود داشته است.(۲)

حسین سلطان الکُتّابی

حسین سلطان الکُتّابی فرزند اصغر، از خوشنویسان و کتیبه نویسان معاصر اصفهان است.

در سال ۱۳۳۰ش در اصفهان متولّد شده و تحصیلات خود را تا دیپلم راه و ساختمان ادامه داد. از نوجوانی به خوشنویسی پرداخته و چندی نزد استاد فضائلی به مشق خط مشغول شده است. او در نوشتن خط ثلث مهارت دارد و کتیبه های بسیاری از مساجد، بقاع متبرّکه و مساجد اصفهان و سایر شهرهای ایران به خط اوست. او علاوه بر ثلث خطوط شکسته، نستعلیق، نسخ و خطوط قدیمی چون دیوانی، رقعه، کوفی، محقق و ریحان را خوب می نویسد.

از نمونه خطوط کتیبه های او:

۱. کتیبه گچبری مزار شیخ حر عاملی در مشهد مقدس ۲. کتیبه دور تا دور صحن

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۶۷ و ۴۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۵۷۵؛ روضه رضوان، صص ۳۳۹ - ۳۳۵.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج ۱، ص۳۳۹.

بزرگ حرم حضرت زینب(سلام اللّه علیها) در دمشق مشتمل بر سوره «یس» ۳. خطوط برجسته گچبری مدرسه علمیه گنبد سبز مشهد مقدّس ۴. مرمت کتیبه به خط «حسین المشهدی» متعلق به دوره محمّدشاه قاجار در صحن پایین پای امام رضاعلیه السلام در مشهد مقدّس و غیره.

عموی صاحب عنوان داماد کاظم سلطان الکتاب اصفهانی بوده است.(۱)

حسین الهام اصفهانی

حسین فرزند اکبر شاعر اصفهانی متخلّص به «الهام»، از سخنوران قرن دوازدهم هجری و معاصر با کریم خان زند است.

دیوان اشعارش به شماره ۳۱۹۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و با این بیت آغاز می شود:

به جستجویت، منم که باشم، همیشه یارا

چو ابر گریان چو باد پویان، زغم فروشان به کوه و صحرا

نویسنده گوید: به ظنّ قوی وی از دست پروردگان انجمن ادبی مشتاق بوده است.(۲)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن محمّد باقر اصفهانی از نویسندگان کتب و خطاطان قرن سیزدهم هجری. در جمعه دهه دوم محرّم ۱۲۴۷ق نسخه ای از «منهاج الهدایه» حاجی کلباسی را به خط نسخ نوشته است. کتاب به شماره ۷۶۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

۱- مصاحبه با آقای سلطان الکتابی در تابستان ۱۳۷۵ش.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۱، ص۲۱۵۵.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۵، ص۲۰۷۲.

سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطانی

سیّد علاءالدّین حسین بن میرزا محمّد باقر صدر بن سیّد حسن بن سیّد علاء الدّین حسین خلیفه سلطانی مرعشی، عالم فاضل از علماء اصفهان در قرن دوازدهم هجری. شاگرد و مجاز از پدر خود بوده و پس از وفات در قبرستان ستّی فاطمه اصفهان مدفون شد.(۱)

محمّد حسین کنگازی اصفهانی

محمّد حسین بن محمّد باقر کنگازی از کاتبان قرن یازدهم هجری. در جمعه ۲۳ صفر ۱۰۹۷ق کتاب «شرح شافیه» تألیف: آقا هادی مترجم را به خط نسخ نوشته است کتاب به شماره ۱۵۶۵ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی در قم موجود است.(۲)

[کنگاز: از دهات بلوک جی در شرق اصفهان بود. و اکنون به شهر اصفهان پیوسته است]

محمّد حسین اصفهانی طالقانی

محمّد حسین بن محمّد باقر اصفهانی طالقانی از فضلاء و نویسندگان کُتُب در قرن یازدهم هجری. در جمادی الثّانیه سال ۱۰۶۲ق کتابت نسخه ای از «کمال الدّین و تمام النّعمه» تألیف: شیخ صدوق را به پایان رسانیده است. نسخه به شماره ۲۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۳)

شیخ محمّد حسین نجفی (صاحب مجدالبیان)

حاج شیخ محمّد حسین نجفی بن حاج شیخ محمّد باقر نجفی مسجد شاهی بن حاج شیخ محمّد تقی رازی ایوان کیفی، عالم فاضل و فقیه مفسر و عارف زاهد. در دوّم محرم

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۲۶؛ مزارات اصفهان، ص۲۴۸.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص۳۷۶.

۳- فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۱۴.

۱۲۶۶ق در اصفهان متولّد شده و تحصیلات علوم دینی را نزد پدر عالی مقام خود آغاز کرد. در نوجوانی به عتبات عالیات هجرت نموده و در نجف اشرف نزد شیخ راضی نجفی، حاج میرزا حبیب اللّٰه رشتی، و میرزا باقر شکی و دیگران به کسب فیض پرداخته و در سامرا نزد میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) تحصیلات خود را تکمیل نمود و به مقام شامخ اجتهاد نائل آمد. سپس به اصفهان مراجعت نموده و به تدریس و ترویج دین و حل مشکلات مردم مشغول شد اما چندی نگذشت که ترک محراب و منبر و تدریس نموده و انقلابی در دورن او، باعث شد از ریاست و عناوین دنیوی به یکباره کناره گیری کند و به تکمیل نفس و ریاضت بپردازد.

در اواخر سال ۱۳۰۰ق به همراه پدر به نجف بازگشته و پس از وفات او هشت سال بقیه عمر خویش را در مشهد امیرالمؤمنین علیه السلام به عبادت و ریاضت های سخت گذراند. وی سرانجام در اول محرم ۱۳۰۸ق پس از مدتی بیماری، وفات یافته و در یکی ازاطاق های صحن مقدس حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون شد.

کتبی را تألیف نموده از جمله:

۱. «کتابی در اصل برائت» ۲. «مجدالبیان فی تفسیر القرآن» که سه مرتبه به چاپ رسیده است. ۳. «رساله ای در اصول عقاید» ۴. «شرح شرایع الاسلام» ۵. «رساله ای در اثبات اعجاز قرآن» ۶. «رسائلی در فقه و اصول»

برادرش حاج آقا نوراللّٰه نجفی رساله ای در شرح حال او نوشته [که در مقدمه «مجدالبیان» و ترجمه فارسی آن در جلد دوم کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان به قلم حاج شیخ هادی نجفی به چاپ رسیده است و همچنین نواده صاحب عنوان آیت اللّٰه حاج شیخ مجدالدّین نجفی معروف به مجدالعلماء نیز رساله ای در شرح حال او پرداخته است که در جلد پنجم میراث حوزه اصفهان با تصحیح آقای مجید هادی زاده به چاپ رسده است.(۱)]

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۲۱۷-۱۹۹ و ج۳، صص ۱۰۳-۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۲۳؛ قبیله عالمان دین، صص ۸۴-۶۳؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۴۴-۱۴۲؛ نقباء البشر، ص۵۶۹؛ نسب نامه الفت: خطی؛ میرزای شیرازی، ص۱۳۲؛ الذریعه، ج۲، ص۱۱۴ و ج۴، ص۲۷۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۶؛ فوائد الرضویه، صص ۵۲۹ و ۵۳۰؛ گلشن اهل سلوک، صص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ وارسته پیوسته.

میرزا محمّد حسین حکیم قمی

میرزا محمّد حسین حکیم ابن میرزا محمّد باقر حکیم قمی، طبیب و ادیب دانشمند، او و برادرش میرزا محمّد سعید، از اطباء دربار شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی بودند. پس از بدگوئی بدخواهان، شاه سلیمان به آن دو برادر بدبین شده و آنها را از منصب خود برکنار ساخته و دستور داد آنان را در قلعه الموت زندانی کنند. پس از مدتی آنها را عفو نموده و به قم تبعید نمود.(۱)] میرزا محمّد حسین حکیم، مدتی از عمر را در اصفهان به سر برد و تا سال ۱۰۸۳ق در قید حیات بود و سرانجام در قم وفات یافت.]

شیخ محمّد حسین ذو علم

شیخ محمّد حسین ذو علم ابن محمّد باقر فشارکی. عالم فاضل محقق، از شاگردان آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی و داماد ایشان است. از موثقین علماء اصفهان و محبوب القلوب نزد خواص و عوام بود و در مسجد یزدآباد اصفهان اقامه جماعت می نمود و سرانجام در مسافرت رامسر در ۷ صفر ۱۳۷۳ق وفات یافته، جنازه به قم حمل و در مقبره شیخان مدفون گردید.

مرحوم میرزا حبیب اللّه نیر در ماده تاریخ وفات ایشان چنین سروده است:

راح فی الجنّه من کان شهیرا بالقدس

عالم نال من الرّب مقاماً فی الانس

روّح الشّرع و قد الّف نور الآفاق

قلّ فی الزّهد له المثل باوطان الفرس

نَیِّرُ نقص الاثنین فصار التّاریخ

«جاء ذو العلم حسین بمحل فی القدس»

(۱۳۷۳=۱۳۷۵-۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۲۴۱؛ خلد برین (ایران در زمان شاه صفی شاه عباس دوم)، ص۳۳۸.

صاحب عنوان تألیفاتی دارد که از آن جمله است: «نور الآفاق» در شرح دعای مکارم الاخلاق، که بسیار خوب و محققانه نوشته شده و تاکنون چندین مرتبه به طبع رسیده است.(۱)

میرزا محمّد حسین روضاتی

میرزا محمّد حسین روضاتی ابن آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی صاحب روضات الجنّات. عالم فاضل. در شب جمعه ۲۵رمضان المبارک سال ۱۲۷۵ق متولّد شده و در صبح روز چهارشنبه ۸ جمادی الاولی سال ۱۳۵۲ق وفات یافته در بقعه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون گردید.(۲)

دکتر محمّد حسین مشایخ فریدنی

دکتر محمّد حسین مشایخ فریدنی فرزند شیخ باقر، از اعقاب علی بن عبدالعالی کرکی، ادیب محقق، نویسنده و مترجم معاصر. پدرش از علماء و مدرسین تهران بوده و خود او در سوم شعبان ۱۳۳۳ق در تهران متولّد شده و به تحصیل پرداخته و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی دانشمندی ادیب و فاضل بود و سال ها به تدریس و مشاغل اداری در سمت بازرس و کارمند و سپس در وزارت خارجه به عنوان مشاور فرهنگی، رایزن و نماینده فرهنگی ایران در پاکستان به خدمت مشغول بود و سرانجام در ۱۳ آذر ۱۳۶۹ش وفات یافت.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «آفتاب در آئینه» در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام و مناقب آن بزرگوار به روایت اهلبیت شامل قریب یکهزار حدیث در چندین مجلّد. ۲. «نوای شاعر فردا» در شرح و مقدمه دو

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۵۳ و ۵۵۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۴۳؛ سیری درتاریخ تخت فولاد، ص۸۰؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۰۹۰ و ۲۰۹۱.

مثنوی «اسرار خودی» و «رموز بی خودی» از دکتر محمّد اقبال لاهوری، مطبوع ۴. «شرح نظرات سیمای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام»، مطبوع ۴. «ترجمه اغانی» در دو مجلّد، مطبوع ۵. «اقبال فیلسوف و شاعر شهیر اسلام» و مقالات عدیده در جراید و مجلات داخلی و پاکستان(۱)

ملّا حسین نائینی

آخوند ملّا حسین بن میرزا باقر نائینی، از علماء و فضلای اصفهان در اواخر دوره قاجاریه، از شاگردان آخوند ملّا محمّد کاشانی بوده و در دستگاه آقایان مسجد شاهی اصفهان موقعیتی داشته است. او در یکی از حجرات مسجد سیّد سکونت داشته و سطوح فقه و اصول و ادبیات تدریس می نموده است. در زمستان سال ۱۳۲۵ق شبانه از ضعف و پیری پاهایش در خواب زیر کرسی سوخته و بدین علّت وفات یافته، در تخت فولاد، در بقعه آقا محمّد بیدآبادی مدفون گردید. حاج میرزا رضا کلباسی و حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی از شاگردان او هستند.(۲)

میرزا محمّد حسین منجم باشی

میرزا محمّد حسین بن میرزا بدیع الزمان منجم حسینی گنابادی، از منجّمان طراز اول ایران در عهد زندیه و قاجاریه است.(۳)

[در سال ۱۱۸۶ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل علوم مختلف خصوصاً نجوم و ریاضی و ادبیات پرداخت. در جوانی مصاحب علی مرادخان زند شد. پس از آن مصاحب آقا محمّد خان قاجار بود و پس از مرگ او منجم باشی فتحعلی شاه

۱- کیهان فرهنگی شماره، ۱۲، سال ششم، اسفند ۱۳۶۸؛ نادره کاران، ص۷۰۵.

۲- تاریخ نائین، ج۴، ص۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۳۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۵؛ دارالعلم شرق، نسخه خطی، ص۱۳۵؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص۱۶۴.

۳- چهل سال تاریخ ایران المآثر و الآثار، ج۱، ص۲۵۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۳۳.

قاجار گردید. و سرانجام در سال ۱۲۳۶ق در تهران وفات یافت. جنازه به کربلای مُعلّی حمل گردیده و در یکی از حجرات صحن حرم مطهّر مدفون گردید.(۱)]

از آثار او زایجه عباس میرزا قاجار است که در مجموعه شماره ۴۰۰۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

محمّد حسین تبریزی عباس آبادی*

محمّد حسین بن برخوردار بیگ تبریزی عباس آبادی، از فضلای قرن دوازدهم هجری است. وی ظاهراً در اصفهان شاگرد علینقی کمره ای بن حاج محمّد تقی خباز بوده است. وی مجموعه ای از چهار رساله از جمله «رساله فی الارث» تألیف شیخ علینقی کمره ای را به خط نسخ در سال ۱۱۲۱ق در مسجد جامع عباس آباد اصفهان کتابت نموده و سپس نزد مؤلف آن، مقابله نموده است. این نسخه در کتابخانه سیّد رضا ابوالبرکات در خمینی شهر اصفهان موجود است.(۳)

محمّد حسین اصفهانی*

محمّد حسین بن محمّد تقی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری وی نسخه ای از «حاشیه معالم الاصول» تألیف: سیّد علاء الدّین حسین خلیفه سلطان را به خط نستعلیق در سال ۱۲۴۳ق کتابت کرده که به شماره ۴۸ در کتابخانه علّامه طباطبائی شیراز موجود است.(۴)

۱- مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۹۹۴ و ۲۹۹۵.

۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۲، ص۲۹۹۴.

۳- فهرست سه کتابخانه اصفهان، صص ۵۱ و ۵۳.

۴- نسخه پژوهی، ج۲، ص۱۵۲.

محمّد حسین خاتون آبادی

محمّد حسین بن محمّد تقی کاتب خاتون آبادی، از کاتبان عصر صفویه است.

خط نستعلیق را با مهارت می نوشت.

وی نسخه ای از «مجالس المؤمنین» را به خط نستعلیق کتابت نموده است. این نسخه به شماره ۸۲۰۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است(۱) همچنین وی در ۲۵ شوّال سال ۱۰۵۱ق نسخه ای از «اسرار التّنزیل» یا «لطائف غیاثی» تألیف: امام فخر رازی را به خط نستعلیق نوشته و نسخه به شماره ۳۷۷۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

ملّا حسین سمیرمی*

ملّا حسین بن آخوند ملّا محمّد تقی بن کربلائی ابرهیم سمیرمی، عالم فاضل. از علمای اواخر دوره قاجاریه. در سمیرم متولّد شده و به همراه برادرش ملّا محمّد صادق به اصفهان رفت و نزد جمعی از علماء به خصوص جهانگیرخان قشقائی به تحصیل پرداخت.

سپس به مولد خود مراجعت نموده و به انجام وظایف شرعی مشغول شد.(۳)

شیخ محمّد حسین فاضل کوهانی*

شیخ محمّد حسین فاضل کوهانی اصفهانی فرزند ملّا تقی، عالم فاضل زاهد، در حدود سال ۱۲۷۷ش در قریه «کوهانستان» در حومه اصفهان که اکنون جزء محلّه های شهر محسوب است متولّد شد «رسائل» و «مکاسب» را نزد آقا سیّد مهدی درچه ای، «کفایه» را نزد سیّد محمّد نجف آبادی و خارج فقه و اصول را نزد شیخ محمّدرضا نجفی و میر

۱- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۲۱، ص۱۷۷.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۲، ص۲۷۶۶.

۳- تجلّی فضائل، صص ۳۷ و ۳۸.

سیّد علی نجف آبادی فرا گرفت. سپس به تدریس در مدرسه صدر بازار اصفهان مشغول شد و جمعی از فضلاء از محضر او مستفیض شدند.

به همت وی مسجد شجره در خیابان شاه عباس دوم (خیابان شریف واقفی فعلی) تجدید بنا شد و او در آن مسجد به اقامه نماز جماعت پرداخت.

سرانجام در سحرگاه سه شنبه ۲۷ صفر ۱۴۰۳ق وفات یافته و در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

محمّد حسین گیلانی*

محمّد حسین بن محمّد تقی گیلانی، از فضلای قرن دوازدهم هجری بوده و احتمالاً از شاگردان مجلس درس ملّا محمّد بن عبدالفتّاح تنکابنی معروف به «فاضل سراب» است. او نسخه ای از کتاب «سفینه النجاه» تألیف «فاضل سراب» را کتابت نموده که در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.

سیّد محمّد حسین موسوی خواجوئی

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّد تقی مستجاب الدّعوه، عالم فاضل متقّی. در حدود سال ۱۲۱۰ق در اصفهان متولّد شد.

او مقدمات علوم را نزد پدر دانشمند خود و جمعی از فضلاء فراگرفته و سپس در محضر حاج محمّد ابراهیم کلباسی و سیّد محمّد باقر حجهالاسلام و شیخ محمّد تقی رازی حاضر شده و از خرمن فضائل آنان خوشه ها چید. هر چند درباره او امید ترقیات زیاد می رفته، لکن در جوانی به سال ۱۲۶۰ق در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه خانوادگی مدفون شد.(۲)

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: خطی؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۰۶.

۲- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۰۷ و ۳۰۸.

میرزا محمّد حسین مدرس زاده

میرزا محمّد حسین مدرس زاده فرزند آقا میر محمّد تقی بن میر سیّد مدرس (میر محمّد صادقی)، عالم فاضل ادیب شاعر.

[در سال ۱۲۶۸ش در اصـفهان متولّد شده و در این شـهر نزد پدر دانشـمند خود و علمای اصفهان به تحصیل مشغول شد. او از سال ۱۳۴۵ق پس از مراجعت از سـفر مشـهد مقدس به خواهش حاج آقا جمال الدّین نجفی، در طهران ساکن شد و در مسجد اقصی به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخت.]

وی سرانجام در سال ۱۳۴۷ش (مطابق با ماه شوال ۱۳۸۸ق) در طهران وفات یافت.(۱)

علّامه مفضال آقای حاج سیّد محمّد علی روضاتی مادّه تاریخ وفات او را چنین سروده اند:

مدرس عالم پر حشمت و جاه

چو رفت از دار دنیا او به ناگاه

«شریف» از بهر تاریخش بگفتا:

«دریغ از زبده ابدال صد آه»

۱۳۸۸ق

این کتاب ها از تألیفات اوست:

۱. «در راه بهشت» ۲. «ترجمه خصال صدوق» ۳. «تفسیر قرآن مجید» (تفسیر برخی از سوره ها) ۴. «مجموعه اشعار» به عربی(۲)

سیّد حسین خوانساری

حاج سیّد حسین بن آقا سیّد ابوالقاسم جعفر میرکبیر خوانساری اصفهانی، عالم فاضل و فقیه محقق. وی در اوایل قرن دوازدهم هجری در اصـفهان متولّد شده و در اصـفهان به تحصـیل پرداخته و به هنگام حمله افغانها به اصفهان و سقوط صفویه، به همراه پدر و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۶۷.

۲- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

خانواده به خوانسار مهاجرت کرده است. او از پدر دانشمند خود و نیز ملّا محمّد صادق تنکابنی فرزند فاضل سراب روایت می کند.

میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین نزد او تلمّذ کرده و خواهر او را به همسری اختیار کرده است.

جمعی از علمای اعلام از او اجازه روایت دارند از جمله میرزا ابوالقاسم قمی، سیّد محمّد مهدی بحرالعلوم، آقا محمّد علی کرمانشاهی و سیّد ابوالقاسم خوانساری (فرزند صاحب عنوان) مرحوم بحرالعلوم ایشان را «السیّد السّند العالم العامل الحبر الکامل وحید العصر و نادره الدّهر السّید حسین الخوانساری» خوانده است.

این عالم جلیل سرانجام در ظهر سه شنبه ۸رجب ۱۱۹۱ق در خوانسار وفات یافته و همانجا مدفون گردیده است.

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «حواشی شرح لمعه» که قسمتی از آن در هامش «شرح لمعه» در سال ۱۲۷۱ق چاپ سنگی شده است. ۲. «شرح عباده مشکله من شرح اللّعمه» در اواخر «القول فی صلوه المیّت» که آن را به درخواست کتبی میرزا سیّد خلیل اللّه اصفهانی نگاشته است. ۳. «حواشی ذخیره المعاد فی شرح الارشاد» محقق سبزواری ۴. «شرح دعاء ابوحمزه ثمالی» ۵. «شرح زیارت عاشورا» ۶. «رساله فی الاجماع» ۷. «اجوبه المسائل النّهاوندیه» جواب سؤالاتی است که میرسید علی نهاوندی از آن جناب پرسیده است. ۸. «رساله فی حکم ملاقی المُتَنَجِّس» که به خواهش میرزا ابوالقاسم مدرس مدرسه سلطانی اصفهان تألیف کرده است.

آقا سیّد حسین علاوه بر کمالات صوری و معنوی، دارای خط بس زیبا بوده است و کتب و رسائل چندی استنساخ نموده است، از جمله «بهجه الحدائق» در شرح نهج البلاغه تألیف سیّد علائ الدّین محمّد گلستانه، که نزد علّامه مفضال حاج سیّد محمّد علی روضاتی در اصفهان موجود است، همچنین کتاب «حدود و دیات» تألیف علّامه

مجلسی(۱)

آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی

آخوند ملّا محمّد حسین بن ملّا محمّد جعفر فشارکی قهپائی اصفهانی عالم فاضل، فقیه محقق، مجتهد اصولی، از اعاظم علماء و مجتهدین اصفهان در قرن سیزدهم هجری.

در روز ۳۰ ذیقعده الحرام سال ۱۲۶۶ق متولّد شده و در اصفهان نزد برادرش ملّا محمدباقر فشارکی و حاج شیخ محمدباقر نجفی مسجد شاهی و آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی تلمذ نموده، سپس برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات عزیمت نموده و نزد میرزا محمد حسن شیرازی به کسب فیض پرداخته و سپس به نجف اشرف رفته و از خدمت حاج میرزا حبیب اللّه رشتی بهره برد. آنگاه به کربلای معلی مُشَرَّف شده و نزد شیخ زین العابدین مازندرانی تحصیلات خود را تکمیل نموده و موفق به اجازه از او گردید.

وی پس از بازگشت به اصفهان در محله خواجو ساکن شده و به اقامه جماعت در مسجد میرزا صادق در آن محله مشغول شده و در مدرسه صدر بازار به تدریس پرداخت. پس از فوت پدر زنش میرزا حسن عراقی، در محله نیماورد ساکن شده و به جای مرحوم عراقی در مسجد سلام در محله جماله کله به اقامه جماعت پرداخته و در مدرسه نیمآورد تدریس نمود.

کم کم در اصفهان شهرت و ریاستی یافته و جلسات قضاوت و حل و فصل مرافعات و رفع خصومات را برپا داشته و مجلس صدور فتوا را برقرار نموده و در اصفهان و مناطق اطراف مرجعیت یافت و عده ای از مقلّدین از فتاوای او تقلید نمودند وی

۱- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، صص ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۳۳۹؛ مناهج المعارف، صص ۱۸۲-۱۷۸؛ روضات الجنات، ج۲، صص ۳۷۰-۳۶۷؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ الکواکب المنتشره، ص۲۰۳؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۱۳۱؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۱۸۹؛ فهرست کتب خطی اصفهان (آ-ز)، ج۱، ص۹۲؛ دو گفتار، ص۱۰۰.

همچنین در مصلای تخت فولاد مراسم احیاء و برگزاری دعا و منبر وعظ و خطابه را وجهه همت خود قرار داد.

[آخوند فشارکی در ماه مبارک رمضان به منبر می رفت و با مواعظ شافیه خود مردم را موعظه می فرمود. او در فعالیت های خیریه پیشقدم بوده و خصوصاً برای طلاب و علمای فقیر همه گونه کمک از جمله تهیه منزل را متقبّل می شد.] و در شب سه شنبه ۸ ذیقعده الحرام ۱۳۵۳ق وفات یافته و در تشییع او حدود بیست هزار نفر شرکت نموده ند و او را در بقعه شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد مدفون ساختند.

میرزا حسن خان جابری انصاری ماده تاریخ وفاتش را چنین گفته است:

بموته یا جابری ارّخ

ما شارک الفشارکی علیم

وی جهت عمل مقلدین «رساله عملیه» تألیف فرموده و تعلیقاتی بر تألیفات شیخ انصاری همچون «رسایل» و «طهارت» «مکاسب» و کتاب صلاه نوشته است.(۱)

محمّد حسین کازرونی

محمّد حسین بن محمّد جعفر کازرونی، از تجّار خوشنام و متدیّن اصفهان در اواخر دوره قاجاریه است. [وی از حامیان جنبش مشروطیت در اصفهان بوده و به حمایت مالی از مشروطه خواهان اصفهان می پرداخته است وی با سرمایه خود شرکت مسعودیه را تأسیس کرد و پس از لغو امتیاز رژی، تجارت تریاک در اصفهان را بر عهده گرفت.]همچنین او یکی از موسسان شرکت اسلامیه بود که برای حمایت از کالاهای داخلی و

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۸۴ و ۸۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۳۷ و ۵۳۸؛ مختصری از تاریخچه محلّه خواجو، ص۸۰؛ طبقات اعلام الشیعه، ج۲، صص ۵۵۷ و ۵۵۸؛ مکارم الآثار، ج۵، ص۱۸۳۵؛ مستدرک فهرس التراث، ص۴۰؛ تاریخ اصفهان و ری، صص ۴۱۰ و ۴۱۱؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۸؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۳۴۲؛ الاجازه الکبیره، صص ۱۷۱ و ۱۷۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۱۹۹؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۲۴۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۰۱؛ یادداشت های استاد ابراهیم جواهری؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۴.

تحریم کالاهای خارجی در اصفهان تأسیس گردید. وی [در سال ۱۳۰۰ش]کارخانه های وطن [و زاینده رود] را تأسیس کرد که نخستین کارخانه های صنعتی اصفهان به شمار می رفتند. از دیگر اقدامات خیرخواهانه و عام المنفعه او بنای مسجد کازرونی در خیابان سپه، مسجد کازرونی در خیابان عباس آباد، بنا کردن و تعمیر مسجدی در دروازه دولت (که بعدها به «باب الرحمه» معروف شد) و کمک به تعمیر مساجد دیگر در اصفهان بود. وی همچنین با ساختن دبستان و دبیرستان کازرونی و چاپ قرآن و کتب ادعیه و اهداء آنها به اهل علم و دیگران به علم و فرهنگ خدمت کرد و با احداث تکیه جهت مرحوم آخوند عبدالکریم گزی و آقا سیّد محمدباقر درچه ای و آب انباری در مقابل آن در تخت فولاد ارادت خود را به علماء ثابت نمود.

وی پس از یک عمر خدمت به اسلام و مسلمین در شب ۳ محرم الحرام سال ۱۳۵۱ق وفات یافته و در داخل بقعه (تکیه کازرونی در تخت فولاد) مدفون شده و سپس در سال ۱۳۶۳ق استخوان ها به نجف اشرف منتقل و در یکی از حجرات صحن شریف حرم حضرت علی علیه السلام مدفون گردید.(۱)

سیّد محمّد حسین آیت میردامادی

سیّد محمّد حسین آیت ابن آقا سیّد محمّد جعفر میردامادی سدهی، عالم فاضل و ادیب شاعر، در شب جمعه ۲۳ ربیع الثّانی ۱۳۰۳ق متولّد شد. در اصفهان خدمت آقا سیّد محمّدباقر درچه ای، آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقائی، آخوند گزی، میر محمّدصادق مدرس خاتون آبادی، سیّد مهدی درچه ای و آخوند ملّا محمّد حسین فشارکی تَلّمذ نموده و مدّتی در قم در درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضرشده و در نجف به درس آیات عظام آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی و میرزا محمّد حسین نائینی حاضر شده و پس از تکمیل تحصیلات خود به مولد خویش سِدِه [خمینی

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۸۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ نگرشی بر مشروطیت اصفهان، صص ۱۰۳-۹۲.

شهر کنونی] مراجعت نموده و به ارشاد و هدایت مردم و اقامه جماعت پرداخته است.

[او عالمی زاهد و در کمال استغنا بود. و در عصر خفقان رضاشاهی و ایجاد فشارها و محدودیت های فراوان برای روحانیّت، با هزینه کردن وجوه شرعی برای طلّاب و اهل علم و تشویق آنان برای تحصیل در حوزه، نقش مهمی در ادامه حیات سلسله روحانیت و علماء دیار خویش داشته است] سرانجام وی در شب جمعه اول ربیع الثانی ۱۳۸۰ق وفات یافته و جنب امامزاده سیّد محمّد [در خمینی شهر] مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱. «دیوان آیت» ۲. «رساله در قاعده علی الید» (تقریرات درس مرحوم نائینی) ۳. «صومیّه» در مواعظ ماه رمضان ۴. «عشریه» و غیره(۱)

حاج محمّد حسین نایب الصدر هرندی

حاج محمّد حسین نایب الصدر ابن آقا محمّد جعفر هرندی عالم و فاضل، از بزرگان معروف اصفهان و اردستان در قرن سیزدهم هجری بوده و قضاوت و امور شرعی را در آن حدود عهده دار بوده است.(۲)

شیخ محمّد حسین امام نجفی

حاج شیخ محمّد حسین امام نجفی ابن حاج شیخ جمال الدّین بن حاج شیخ محمدباقر نجفی بن شیخ محمّد تقی رازی، عالم فاضل کامل. در سال ۱۳۱۳ق در کربلای معلی متولّد شد. در اصفهان نشو و نما یافت و نزد بسیاری از علماء و مجتهدین این شهر و نجف اشرف (همچون آیات عظام: شیخ محمّد رضا نجفی، میر محّمد صادق خاتون آبادی، میر سیّد علی نجف آبادی، سیّد ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی،

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳۸ و ج۲، ص۷۳۴؛ لطائف غیبیّه: ص سی و دو؛ خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۲۷۰-۲۶۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۴.

میرزا حسین نائینی و شیخ محمّد حسین کمپانی) تحصیل نموده، در فقه و حکمت و فلسفه صاحب نظر گردید و کتاب کفایه الاصول آخوند خراسانی را تدریس می کرد.

وی در روز سه شنبه ۱۹ صفر ۱۳۹۲ق وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون شد. از او دو جلد کتاب به نام «خدا هست» به چاپ رسیده است.(۱)

شیخ محمّد حسین دهاقانی*

حاج شیخ محمّد حسین بن آقا محمّد جواد دهاقانی، عالم فاضل و فقیه کامل، در سال ۱۳۲۷ق در دهاقان متولّد شد.

وی پس از آموختن مقدمات به اصفهان رفت و نزد اساتید آنجا تحصیل نمود. سپس راهی قم شد و نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سیّد محمّد تقی خوانساری، سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی و سیّد محمّد رضا گلپایگانی به تحصیل پرداخت.

آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرده و دروس خارج را نزد آیات عظام آقا ضیاء الدّین عراقی، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّد حسین کمپانی و میرزا عبدالهادی شیرازی فرا گرفت و به اجتهاد نائل آمد و به تدریس دروس فقهی و اصولی مشغول شد.

پس از فشارهای رژیم حاکم بر عراق بر ایرانیان مقیم عتبات، به ایران بازگشته و در قم ساکن شد و به تدریس و تحقیق مشغول شد تا اینکه در ۶ محرم ۱۴۰۴ق پس از مدتی بیماری وفات یافته و در صحن آستانه حضرت معصومه(س) در جوار مقبره شیخ فضل اللّه نوری به خاک سپرده شد.(۲)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص۱۰۳ و ۱۰۴؛ گلشن اهل سلوک صص ۱۴۶ و ۱۴۷. .

۲- گنجینه دانشمندان، ج۲، ص۱۴۸؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۵۸۰-۱۵۷۸؛ سیمای دهاقان، صص ۲۸۶-۲۸۴.

حسین مسرور اصفهانی

حسین سخن یار متخلّص به «مسرور» ابن حاج محمّد جواد تاجر کوپایی، شاعر و نویسنده توانای معاصر، در ۲۰ صفر ۱۳۰۸ق در کوهپایه اصفهان متولّد شد [تحصیلات علوم دینی را در اصفهان آغاز کرد و در مدرسه نیم آورد ساکن شد. پس از چند سال به شیراز رفته و نزد فرصت شیرازی به فراگیری علم و ادب پرداخت. کمی بعد به خراسان رفت و نزد دانشمندان و ادبای آنجا به تکمیل معلومات خود پرداخت. آنگاه به اصفهان بازگشته و در انجمن های ادبی شرکت کرد.] مدّتی بعد به طهران رفته و به استخدام فرهنگ درآمد و در دبیرستان ها، مدرسه دارالفنون و دانشکده افسری به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۱۲ش در مسابقه الواح تخت جمشید که به وسیله شاهزاده افسر گذارده شد، مشاره الیه نیز شرکت نموده و بین پنجاه نفر شرکت کنندگان، رتبه اوّل را حائز گردید.

او در هنگام اقامت در طهران همچنان به اصفهان رفت و آمد داشت و با ادباء و شعرای اصفهان در ارتباط بود. او نویسنده ای قادر و شاعری توانا و مترجمی زبردست بوده و زبان های فرانسه، انگلیسی و عربی را خوب می دانست و از زبان پهلوی نیز اطلاعاتی داشت. [در نوشتن داستان های تاریخی نیز از پیشگامان این نوع نثر به شمار می رود.

وی تا آخر عمر را در تجرّد و بدون همسر به سر برد. در اواخر عمر به نویسندگی برای رادیو مشغول شد. تا اینکه به بیماری مثانه مبتلا شده و در بیمارستان ارتش] در چهارشنبه ۹ رجب ۱۳۸۸ق فوت نمود. [و در گورستان ظهیرالدّوله در طهران به خاک سپرده شد.]

کتب زیر از اوست:

۱. «امثال سائره» ۲. «داستان های تاریخی محمود افغان» ۳. «ده نفر قزلباش» مطبوع ۴. «دیوان اشعار» مطبوع ۵. «راز الهام» که قسمتی از دیوان اشعار اوست ۶. «فرهنگ زبان» ۷. «گوشه ای از زندگی لطفعلی خان زند موسوم به قران» ۸. «نی زن

بیابان» ۹. «هنرنامه» و غیره.

ماده تاریخ وفاتش را بسیاری از شعرا سروده اند از جمله سیّد مرتضی محمدی نژاد متخلّص به کهتر سروده است:

سر زدم از کلک کهتر تا به تاریخش سرود

«با عجب طبعی توانا در جهان مسرور بودی»

۱۳۸۸ق

او در شعر استادی توانا بود، امّا اشعار او کم است و دیوان اشعارش حجم چندانی ندارد. این شعر او در وصف اصفهان شهرت بسیار زیادی دارد:

مسجد شیخ تو کهن موزه ایست

یا که در انگشت تو فیروزه ایست

جامع عباسی جادو فریب

کرده در آن قصر طلسمی عجیب

هر که در آنجا به تماشا رود

پای ندارد که دگر جا رود

خرّمی مدرسه چهارباغ

بر دل فردوس برین هشته داغ

صورت دیوار و درِ چهلستون

خنده کند بر صُوَر بیستون

نیست اگر بر سرِ پا هفت دست

کارگهی بهتر از آن هفت دست

کارگه پارچه اصفهان

بر سر آن پایه شده ساختمان

مسجد شَه بین و شبستان او

نقش جهان سر در ایوان او

آیینه خانه که بهین قصر بود

آیت معماری آن عصر بود

جهل به ویرانیش افراخت دست

سنگ ستم آینه اش را شکست

آنکه نمکدان را ایوان شکست

خورد نمک را و نمکدان شکست

رفت به پاداشگه ایزدی

چیست سزای بدی الاّ بدی

عالی قاپو که مبادش زوال

تازه عروسی است پُر از خطّ و خال

از پل خواجو چه سرایم سخن

آب تحیّر چکدم از دهن

بوده در این شهر از آن شهریار

مسجد و بازار فزون از شمار(۱)

حسین شباب بروجنی

حسین شباب بروجنی بن حاجی بیگ، از شعرای معاصر در سال ۱۲۸۱ش (حدود سال ۱۳۲۱ق) در بروجن متولّد شده و در مکاتب محلی کمی تحصیل نموده و سپس به کار پرداخته است. او با حرفه بزازی امرار معاش می کرده و این شعر از اوست:

شد جهان رشک جنان چون فَرَوَدین آمد فراز

تکیه زد بر تخت گل به صد تمکین و راز

گشته از عشق گل اندر باغ بلبل نغمه ساز

در ترنم کبک و تیهو روز و شب چون اهل راز

گه کند این ناز بر او گه تبسّم او بر این(۲)

میرزا حسین خان اخگر

میرزا حسین خان اخگر بن محمّد حسن آتش اصفهانی، شاعر ادیب و معاصر در شب پنج شنبه اول ذیقعده الحرام سال ۱۳۱۹ق در اصفهان متولّد گردید و در خدمت اساتید وقت تحصیلات خویش را به انجام رسانیده [در داروخانه به فعالیت پرداخت.]از اعضای قدیمی انجمن ادبی شیدا بود و گاهی شعر می سرود. [سرانجام در ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۹۲ق وفات یافته، جنب قبر پدرش در یکی از اطاق های تکیه جویباره ای ها در تخت فولاد مدفون شد].

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۴۵-۴۴۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۳۹؛ سخنوران نامی معاصر ایران ادبیات معاصر؛ ج۵، ص۳۲۷۷؛ ادبیات معاصر، ص۸۶؛ اشعار ملی و میهنی از سخنوران معاصر ایران، ص۷۶؛ دولت دیدار، صص ۱۷۱-۱۶۲؛ دیوان کهتر اصفهانی، ص۴۴۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۶۶.

این بیت از اوست:

آن سرو خوش خرام اگر از چشم ما رود

گریم چنان که از عقبش چشمه ها رود(۱)

سیّد حسین هاشمی طالخونچه*

سیّد حسین هاشمی طالخونچه فرزند سیّد محمّدحسن بن آقا سیّد ابراهیم موسوی شهرکی. عالم فاضل ادیب. از علمای قرن چهاردهم هجری.

در حدود سال ۱۳۳۴ق در خاندان علم و سیادت متولّد شد. پس از کمی تحصیل در ۱۰ سالگی به اصفهان آمد و نزد علمای اصفهان به تحصیل مشغول شد و در درس اخلاق حاج شیخ الرئیس شرکت کرد. او تا سال ۱۳۴۹ق در مدرسه ثقهالاسلام اصفهان به تحصیل اشتغال داشت. اما به علّت سخت گیری مأموران حکومت رضاشاه پهلوی به روحانیت مجبور به مهاجرت به قم شده و نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمّذ کرد.

وی سرانجام پس از وفات در تکیه سیّدالعراقین واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

محمّدحسین اصفهانی

محمّد حسین بن محمّد حسن اصفهانی [خطاط قرن سیزدهم هجری] در سه شنبه ۱۳ ذیقعده ۱۲۷۰ق به خط شکسته نستعلیق کتاب «ریاض المسائل» را نوشته است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۸؛ دانشنامه (الفت)، ص۱۶؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۷۸۷؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- شرح مجموعه گل، صص ۴۰۰ و ۴۰۱.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص ۲۵۰.

حسین اصفهانی

حسین بن حسن بن حسین اصفهانی [از خطاطان و نویسندگان کُتُب در قرن نهم هجری]در تاریخ ۱۸ ربیع الاوّل ۸۳۳ق. کتابت نسخه ای از شرح شاطبیّه را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۳۲۰۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۱)

محمّد حسین امین الضرب اصفهانی

حاج محمّد حسین بن حاج محمّد حسن امین الضرب اصفهانی معروف به کمپانی، از ملاّکین و تجّار معتبر.

در محرم ۱۲۸۹ق در تهران متولّد شد. او در نهضت مشروطه به مشروطه خواهان پیوست و حمایت مالی از آنان را برعهده گرفت و پس از صدور حکم مشروطیت، به نمایندگی در اول مجلس شورای ملّی انتخاب شد و در آن دوره نایب رئیس مجلس نیز شد. همچنین در دوره هفتم مجلس (۱۳۴۷ق/۱۳۰۷ش) و دوره هشتم (سال ۱۳۴۹ق/۱۳۰۹ش) نیز نماینده مجلس بود و در اواخر عمر به ریاست اطاق تجارت تهران منصوب شد.

او مردی صبور، خلیق، با گذشت و دارای مبادی آداب بود. او سرانجام در ۲۵ بهمن ۱۳۱۱ش در سن ۶۲سالگی بر اثر سکته قلبی در تهران وفات یافته و جنازه به قم حمل و در صحن بزرگ حضرت معصومه(س) مدفون گردید.(۲)

۱- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۱، ص۲۱۵۷.

۲- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۲۹۱ و ۲۹۲؛ رجال عصر ناصری، صص ۱۴۳ و ۱۴۴؛ شرح زندگانی من، ج۱، ص۱۱؛ روزشمار تاریخ ایران، ج۱، ص۱۹۲؛ فرهنگ رجال قاجار، ص۴۳؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۵۵۸ و ۱۵۵۹؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۴۴؛ فرهنگ معین، ج۵، ص۱۸۱.

میر محمّد حسین امام جمعه

میر محمّد حسین امام جمعه ابن میر محمّد حسن بن میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی خاتون آبادی، عالم فاضل، از علماء و رؤساء اصفهان در قرن سیزدهم هجری. [علاوه بر ادبیات و فقه و اصول قدری معقول و تفسیر نیز تحصیل کرده بود. غالباً هم با فضلاء و دانشمندان معاشرت داشت. و با همه کس نشست و برخاست می نمود. در زمان حیات برادرش میر سیّد محمّد امام جمعه دارای املاک بسیاری گردید و در سال ۱۲۹۱ق پس از رحلت برادر امام جمعه اصفهان شد.

در سال ۱۲۹۶ق ظلّ السّلطان او را از سمت امام جمعه اصفهان عزل کرد و شخصی دیگر از خاندان امام جمعه اصفهان به نام میرزا محمّد علی را به سمت امام جمعه اصفهان منصوب کرد.

مرحوم آخوند گزی در «تذکره القبور» می نویسد: «اگر چه خیلی مردم به جهت خدمتی که مرحوم آقا میر محمّد حسین امام جمعه سابق به خلق کرده بود در باب جنس و معارضه خلق با حکومت اصفهان، از شدّت محبت و اخلاص به او با آقا میرزا محمّد علی بد بودند که امام جمعه شده بود.

صاحب عنوان سرانجام در ۲۳ رجب ۱۲۹۸ق وفات یافته و در مقبره سر قبر آقا مدفون شد.

در حواشی ملحقات «رساله نماز شب» تألیف آخوند ملّا علی اکبر اژه ای اصفهانی، مرحوم آقا میرزا علی محمّد شریف اژه ای این شعر را به او نسبت داده است:

سرو را بنگر که در بستان به رفتار آمده است

پیش سرو قامت یارم مگر بار آمده است(۱)

۱- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۶؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۶۱۹ و ۶۲۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۱۱۷ و ۱۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۱؛ الکرام البرره، ص۳۸۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۱۵.

استاد حسین مصوّرالملکی

استاد حاج محمّد حسین مصوّرالملکی فرزند محمّد حسن بن آقا زین العابدین نقاش ابن محمّد کریم نقاش، نقاش و شاعر هنرمند معاصر. پدرانش همه از نقاشان زبردست اصفهان بودند. در روز ۱۷شعبان سال ۱۳۰۹ق در اصفهان متولّد شده [و در کودکی به مکتب خانه رفت و علم و ادب آموخت. از ۱۱سالگی در کارگاه نقاشی پدرش شروع به فراگیری نقاشی و قلمدان سازی نمود. او غیر از پدر استادی نداشت اما قریحه و توانائی خدادادی او باعث شد سرآمد نقاشان عهد خود شود و در رشته های، تذهیب، تشعیر، طراحی کاشی و فرش و نقاشی رنگ و روغن مهارت فراوان کسب نماید. او سالها روی آثار کمال الدّین بهزاد و رضا عباسی مطالعه داشته و به پیروی از سبک آنان پرداخته است در نقاشی مبتکر و نوجو بوده و از نقاشی غربی تأثیر پذیرفته است.

او مدّتی معلم نقاشی در کالج انگلیسی اصفهان بود. سپس به استخدام اداره هنرهای زیبای کشور درآمده و در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان به تدریس پرداخت. همچنین کارگاهی داشت که با چندین شاگرد به خلق آثار ارزنده می پرداخت و آنها را به خارج می فرستاد. چند ماهی نیز در پاریس به فعالیت پرداخت.

او در سال ۱۳۱۲ش تابلوئی به سبک مینیاتور، به دستور دربار انگلستان ساخته و موفّق به دریافت یک قطعه مدال تاج گذاری جرج پنجم شد. در ابتدای جنگ جهانی دوم به دستور مقامات انگلیسی وی تابلوی شکست متّحدین و فتح متّفقین را ساخته و موفّق به دریافت تقدیرنامه هائی از طرف «چرچیل» و «روزولت» و ژنرال «چیان کای چک» گردیده و از طرف یونسکو نیز، شرح حال حاج مصوّرالملکی و عکس تابلوی تخت جمشید و تابلوی شکست دول محور در روزنامه های خارج چاپ شد. همچنین این دو اثر در نمایشگاه جهانی بروکسل شرکت داده شد و برنده جایزه شد.

از دیگر تابلوهای نقاشی او: «سلام عید نوروز داریوش کبیر»، «جنگ نادرشاه افشار با محمّد شاه هندی»، «کاخ عالی قاپو» و «شیخ صنعان و دختر ترسا» شهرت به سزائی دارند.]

حاج مصوّر الملکی در شعر نیز قریحه ای داشت و در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و «مصوّر» تخلّص می نمود. او در یکشنبه ۵ صفر ۱۳۹۸ق در اصفهان درگذشت و در تکیه شهداء واقع در تخت فولاد به خاک سپرده شد.

این شعر از اوست:

ترسا پسر که زلف چلیپاش داده اند

از بهر بردن دل شیداش داده اند

چندان نبود لعل لب آن شکردهان

این جلوه ها ز خون دل ماش داده اند [...]

مست است تا به شام ابد آن که در ازل

از جام عشق لعل تو صهباش داده اند(۱)

آقا حسین جیلانی لُنبانی

آقا حسین جیلانی لنبانی ابن ملّا حسن بن علی بن مولی حسن فقیه دیلمانی جیلانی تنکابنی، عالم فاضل، حکیم محقق، فقیه مدقّق، عابد زاهد. در سال ۱۰۸۲ق متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصاً علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی تلمّذ نموده و در فقه، اصول، ادبیات، حدیث، منطق و حکمت مهارتی به سزا یافت. ملّا محمّد صادق تنکابنی در ۴ جمادی الثانیّه ۱۱۲۳ق به او اجازه داده است.

وی در محله لُنبان اصفهان ساکن بوده و به «لُنبانی» شهرت داشته و در مسجد لُنبان تدریس و اقامه جماعت می نموده است.

وی سرانجام در ۲۶ رمضان ۱۱۲۹ق وفات یافته و در قبرستان تخت فولاد، در

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۵۳؛ سیری درتاریخ تخت فولاد، ص۱۹۰؛ تاریخ برگزیدگان و عده ای از مشاهیر شرق و غرب جهان، صص ۵۱۵ و ۵۱۶؛ دائره المعارف هنر، ص۵۳۲؛ طراحان بزرگ فرش ایران، ص۲۴۲؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، بهار و تابستان ۱۳۷۹، صص ۲۰۱-۱۹۷.

جنوب مصلی مدفون شد. آقا سیّد ابوالقاسم جعفر خوانساری خواهرزاده او بوده و لذا یکی از نوادگان خوانساری یعنی میرزا محمّد باقر چهارسوقی (صاحب روضات) وصیت کرد تا پس از وفات جنب مزار دایی جدّ خود به خاک سپرده شود و بعد از آن قبرستان به تکیه صاحب روضات معروف شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه ذخیره المعاد» محقق سبزواری ۲. «رساله در زیارات» ۳. «رساله در زکات» ۴. «رساله در وجوب عینی نماز جمعه» ۵. «شرح صحیفه سجادیه» ۶. «شرح مفاتیح الشّرایع»(۱)

شیخ محمّد حسین کمپانی اصفهانی

حاج شیخ محمّد حسین غروی اصفهانی مشهور به «کمپانی» ابن حاج محمّد حسن معین التجار اصفهانی فقیه محقق، حکیم مدقّق و ادیب شاعر، از اعاظم علماء و اجله فلاسفه و اکابر ادباء و شعراء قرن چهاردهم هجری.

جدّش حاج محمّد اسماعیل، از نخجوان به اصفهان هجرت نمود و پدرش معین التّجار برای تجارت به عتبات عالیات آمد. صاحب عنوان در دوم محرّم الحرام سال ۱۲۹۶ق در نجف اشرف متولّد شده و همراه پدر به کاظمین رفت. در ۲۰سالگی به نجف اشرف بازگشته ونزد شیخ حسن تویسرکانی و سپس نزد آخوند خراسانی به تلمذ پرداخته و تا آخر عمر در خدمت او حاضر بود. همچنین از آقا سیّد محمّد فشارکی و آقارضا

۱- ریاض العلماء، ج۱، ص۱۸۵؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۲۲-۱۲۰؛ روضات الجنات، ج۲، ص۳۵۸؛ فوائد الرّضویه، ج۱، ص۱۳۲؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۰۸ و ۲۰۹؛ الذریعه، ج۲، ص۲۶۷ و ج۶، صص۹۴ و ۸۶ و ج۱۲، ص۴۲ و ج۱۵، ص۷۰ و ج۲۰، ص۳۱۷ و ج۱۴، ص۷۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۵۶ و ۹۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۴۲ و ۵۴۳؛ تلامذه المؤلفین، ج۳، ص۳۱۸؛ ریحانه الادب، ج۵۷، ص۱۳۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۸؛ بزرگان تنکابن، ص۲۲۲.

همدانی کسب فیض کرد. در علوم عقلی شاگرد میرزا محمّد باقر اصطهباناتی بود.

وی پس از وفات آخوند خراسانی حوزه درس و بحث تشکیل داده و از نظر جامعیت و احاطه بر معقول و منقول و تسلط بر ادبیات و عرفان شهرتی یافته و در فقه و اصول و تفسیر و ادب و حکمت تدریس می نموده و [علّامه سیّد محمّد حسین طباطبائی صاحب «المیزان» از شاگردان او در معقول بود]. در ملکات نفسانی و اخلاق روحانی ممتاز بوده است.[او به عرفان گرایش داشته و اهل تهجّد و عبادت و تزکیه نفس بوده و در مسائل عرفانی با عالم ربانی میرزا جواد آقا ملکی تبریزی مکاتبه داشته است]

در شعر و فنون بلاغت و فصاحت دستی توانا داشته و به عربی و فارسی شعر می سروده و «مفتقر» تخلّص می نموده و دیوان اشعار فارسی او به طبع رسیده است.

سرانجام در شب ۵ ذیحجهالحرام ۱۳۶۱ق در نجف اشرف وفات یافته و در اطاق جنب مناره ایوان طلای حرم حضرت علی علیه السلام مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاجاره» ۲. «الاجتهاد والتّقلید» ۳. «اصول الفقه» ۴. «الانوار القدسیّه» ۵. «ارجوزه در صوم» ۶. «ارجوزه در اعتکاف» ۷. «اربع قواعد فقهیّه» ۸. «تحفه الحکم» منظومه ای در فلسفه عالیه، یکی از مهم ترین تألیفات او ۹. «تعلیقه بر رساله القطع» شیخ انصاری ۱۰. «حاشیه بر مکاسب» شیخ انصاری ۱۱. «الحقیقه الشّرعیّه» ۱۲. «دیوان شعر فارسی» ۱۳. «دیوان اشعار عربی» ۱۴. «رساله در عدالت» ۱۵. «رساله در مشتق» (دو رساله) ۱۷. «رساله در طلب و اراده» ۱۸. «رساله در صحیح و اعم» ۱۹. «رساله در شرط متأخر» ۲۰. «رساله در اشتراک الفاظ» ۲۱. «رساله در تقسیم وضع به شخصی و نوعی» ۲۲. «رساله در علائم حقیقت و مجاز» ۲۳. «رساله در موضوع علم» ۲۴. «رساله در معاد» ۲۵. «رساله در نماز جماعت» ۲۶. «رساله در نماز مسافر» ۲۷. «رساله در طهارت» ۲۸. «نهایه الدّرایه» در شرح بر کفایه ۲۹. «وسیله» که رساله عملیّه ایشان

است.(۱)

این شعر از اوست:

شعله روی تو در خرمن گل آتش زد

حاصل عمر اگر شد همه بر باد خوش است

خوی دیو از دل دیوانه خود بیرون کن

گر تو را آمدن روی پریزاد خوش است

بیمی از سیل فنا نیست ز بد عاقبتی

ور نه این طرح دلاویز ز بنیاد خوش است

میرزا حسین خضوعی*

میرزا حسین خضوعی معروف به «میرزا حسین ساعت ساز» فرزند محمّد حسن خان قاری، موسیقیدان، خواننده و شاعر متخلّص به «سرور الشعراء» در سوم رمضان ۱۲۹۵ق در اصفهان به دنیا آمد. او ابتدا به تعزیه خوانی پرداخت و در سِمَت «معین البُکائی» به فعالیت پرداخت. موسیقی را از میرزا عبدالوهاب اصفهانی آموخت و در نوجوانی به تهران رفت و در دربار ناصرالدّین شاه به رفت و آمد پرداخت. او پس از ۲۵ سال اقامت در تهران به اصفهان بازگشت و در اداره دخانیات استخدام شد و در خانه به ساعت سازی پرداخت امّا به علت ضعیف شدن چشم، از آن کار دست کشید.

میرزا حسین خضوعی در موسیقی معلومات وسیع و در خوانندگی حنجره ای توانا

۱- دیوان حاج شیخ محمّد حسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی: مقدمه؛ یادنامه مفسر کبیر استاد علّامه سیّد محمّد حسین طباطبائی، صص ۱۰۳-۱۰۰؛ ریحانه الادب، ج۵، صص ۹۳-۹۰؛ نقباء البشر، ج۲، صص ۵۶۲-۵۶۰؛ تحریر ثانی تاریخ عرفاء و حکماء متأخر، صص ۳۰۲ .۳۰۱؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۶۳-۱۶۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۴۰ و ۵۴۱؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۲۱۳-۲۱۱؛ تاریخ اصفهان(جابری)، صص ۳۳۴ و ۳۳۷ و ۴۰۵؛ مکارم الآثار، ج۳، ص۱۰۱۰؛ معارف الرّجال، ج۲، ص۲۶۳؛ الذریعه: مجلدات مختلف؛ جلّدات مختلف؛ الاجازه الکبیره للسید المرعشی النجفی، صص ۱۷۶ و ۱۷۷.

داشت و در مُرَکَّب خوانی استاد بود و بـا بزرگـان موسـیقی اصـفهان همچون، نایب اسـداللّه، میرزا حبیب شاطر حاجی و سیّد عبّدالکرحیم معاشرت داشت و استاد جلال تاج و اسماعیل ادیب خوانساری از شاگردان او به شمار می روند.

او به علم عروض کاملاً مسلط بود و در شعر طبعی روان داشت و در موسیقی رساله ای به سبک کتاب «بحور الالحان» در دو دفتر تنظیم کرده و اشعاری را گنجانـده و تناسب معنی و بحر آنها را در موسیقی معیّن کرده بود. این رساله نزد دخترش «ارفع اطرائی» موجود است. او همچنین تقسیمات قـدیمی را برپـایه آوازها و شعبات و نغمات و فواصل موسیقی، به عـدد و حروف ابجدی در جداولی منظّم ذکر کرده است.

وی سرانجام در سال ۱۳۷۳ق در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد (حوالی تکیه شهداء فعلی) به خاک سپرده شد.(۱)

سیّد حسین سائل اصفهانی

سیّد حسین حسینی متخلّص به «سائل» ابن آقا سیّد حسن روضه خوان، شاعر ادیب، در اوّل فروردین ۱۲۸۹ش در اصفهان متولّد شد. از شعرای متوسط این شهر بود. کتابی مشتمل بر ۲۱۰ رباعی از سرودهای خود ترتیب داده و تاریخ اتمام آن را «دویست و ده رباعی گفته سائل» = ۱۳۳۳ خورشیدی یافته است.

از اوست:

دل پی دلدار گردد، لیکن اهل دل کُجاست

آنکه بتواند کند حل، عقده مشکل کجاست(۲)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۵۱؛ سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، ص۳۶۹؛ مردان موسیقی، ج۲، صص ۱۵۶-۱۵۳؛ تاریخ تحوّل ضبط موسیقی، ص۲۴۳؛ تاریخ موسیقی ایران، ص۶۷۶؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۲۹.

شیخ حسین مظاهری*

حاج شیخ حسین مظاهری فرزند حسن از مراجع تقلید و فقهای عالیقدر معاصر. در سال ۱۳۱۲ش در تیران کرون متولّد شد. در سال ۱۳۲۶ش به اصفهان آمده و در مسجد سیّد اصفهان ساکن شد. ادبیات را نزد آقا جمال خوانساری و سیّد احمد مقدّس، دروس سطح را نزد حضرات آیات شیخ احمد فیّاض، سید عبدالحسین طیّب و حاج شیخ عباسعلی ادیب و شرح منظومه را نزد شیخ محمود مفید فرا گرفت. در سال ۱۳۳۱ش به قم رفته و نزد حضرات آیات شیخ عبدالجواد جبل عاملّی، مرعشی نجفی و حاج شیخ مرتضی حائری مقداری از مکاسب و کفایه را تحصیل کرد. سپس ۸سال در درس خارج فقه آیت اللّه بروجردی حضور یافت. ۱۲سال نیز از محضر محقق داماد بهره گرفت. اسفار، شفا و دروس تفسیری و اعتقادی را از محضر علّامه طباطبائی (صاحب المیزان) فرا گرفت.

وی سالهای طولانی به تدریس خارج فقه و اصول، شرح منظومه، نهایهالحکمه، قسمت هایی از اسفار و درس اخلاق مشغول بود.

او از عناصر فعال و مؤثر تبلیغات دینی و مبارزه فرهنگی علیه رژیم شاه به شمار می رفت و به همراه حضرات آیات مصباح، خرّازی و دکتر احمدی مؤسسه در راه حق را تأسیس کرد.

در سال ۱۳۷۴ش به درخواست مردم اصفهان و رهبر معظم انقلاب، به عنوان رئیس حوزه علمیه اصفهان و از قم به اصفهان آمد و به تدریس فقه و اصول و خدمات فرهنگی و اجتماعی پرداخت. سخنرانی ها و درس های اخلاق ایشان سال ها مورد توجّه و استفاده مردم بوده است. تألیفات ایشان اغلب به چاپ رسیده که عبارتند از:

۱. «دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمه العملیّه» ۲. «عوامل کنترل غرائز در زندگی انسان» ۳. «جهاد با نفس» ۴. «اخلاق فرماندهی» ۵. «اخلاق در خانه» ۶. «اخلاق در اداره» ۷. «تربیت فرزند» ۸. «جبهه و جهاد اکبر» ۹. «خانواده در اسلام» ۱۰. «به سوی حق» ۱۱. «ویژگی های معلم خوب» ۱۲. «شرح و تفسیر دعای کمیل»

۱۳. «شرح و تفسیر دعای سحر» ۱۴. «شرح و تفسیر مناجات شعبانیه» ۱۵. «رساله توضیح المسائل» ۱۶. «نکته هائی پیرامون ولایت فقیه و حکومت دینی» ۱۷. «حاشیه العروه الوثقی» ۱۸. «ثقات الأخیار من رواه الأخبار» ۱۹. «فقه الدوله الإسلامیه أو ولایه الفقیه» در سه مجلد از تقریرات وی به قلم آقای شیخ مجید هادی زاده منتشر شده است.(۱)

سیّد حسین درب امامی

سیّد حسین بن حسن موسوی درب امامی اصفهانی، عالم فاضل، وی سالها در نجف اشرف در خدمت علمای آنجا به تحصیل پرداخته است. ظاهراً از شاگردان شیخ مرتضی انصاری است.

وی نسخه ای از «القضاء و الشهادات» تألیف شیخ انصاری رابه خط نسخ خوش در سال ۱۲۸۱ق کتابت نموده است. نسخه آن به شماره ۲۵۲۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

میرزا حسین خان نظمی

میرزا حسین خان نظمی مشهور به نظام همایون بن میرزا حسن خان شاعر ادیب. از افسران شهربانی بود. او در اصفهان متولّد و در این شهر تحصیل کرد.

او طبع شعر داشت و «نظمی» تخلّص می کرد و از اعضای انجمن ادبی شیدا بود. وی در ارتش استخدام شده و تا درجه سرهنگی ارتقاء یافته سرانجام در شب دوشنبه ۱۵ ذیحجه ۱۳۶۲ق در قم وفات یافته و همانجا مدفون شد. اشعارش در مجله دانشکده (اصفهان) به طبع می رسید.

۱- خبرگان ملّت، ج۱، صص ۴۲۲-۴۱۵.

۲- الکلام البرره، ج۲، ص۳۸۴؛ فهرست الفبایی آستان قدس رضوی، ص۴۴۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۲.

از اوست:

این لاله که رست است بر دامن کوه

و آراسته است پای تا گردن کوه

داغی است ز مرگ کوهکن مانده به جا

هر سال چو لاله سرزند بر تن کوه(۱)

شیخ محمّد حسین همدانی

شیخ محمّد حسین همدانی ابن محمّد حسن کرمانشاهی، عالم فاضل، ادیب محقق، شاعر مفسر، در کرمانشاه متولّد و در همدان و اصفهان تحصیل نموده و از جمعی از علماء و فضلاء کسب فیض نموده از جمله: حاج میرزا علینقی همدانی، حاج ملّا حسینعلی تویسرکانی، آقا میرزا عبدالغفار تویسرکانی و آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی.

سپس به تدریس کتب فقه و اصول و ادبیات در مدرسه جده بزرگ و سپس مدرسه نیم آورد پرداخته [و جمعی از فضلاء از جمله آقا سیّد محمّد لطیف خواجوئی، میرزا حیدرعلی ندیم الملك، ابوالفتح دهقان سامانی، شیخ محمدعلی کرمانی، میرزا عباس خان شیدا، حاج میرزا محمّدباقر تویسرکانی، حاج میرزا محمّدباقر علوی شهیدی و میرزا حسن خان جابری انصاری نزد ایشان تلمّذ نموده اند.]

میرزا محمّد حسین همدانی در خاتمه جزء سوم کتاب «جراب الحکمه» می گوید بیش از یکصد تألیف در علوم فقه، اصول، رجال، حدیث، درایه، حکمت، کلام، عرفان، طب، لغت، تفسیر، حل و مشکلات اشعار، و حواشی بر قانون و فوائد و غیره را به رشته تحریر در آورده است.

وی تا آخر عمر ازدواج نکرده و در مدرسه به سر برد. تا اینکه در سال آخر عمر به منزل حاج میرزا محمدباقر تویسرکانی منتقل گردیده و در سال ۱۳۲۴ق در آنجا وفات

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۱۰ و ۵۱۱؛ تربت پاکان قم، ج۱، ص۶۴۷.

یافته و در صحن شرقی امامزاده درب اصفهان مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. جراب الحکمه ۲. حاشیه بر فوائد ۳. حاشیه بر قوانین ۴. دروس ۵. دیوان اشعار ۶. ردّ بر اخباریین ۷. رساله در ارث ۸. شرح تبصره ۹. وجیزه در درایه

صاحب عنوان طبع شعر داشته و گاهی بنا به اقتضای حال ابیاتی می سروده است و «معانی» تخلّص داشته است. [این شعر را درباره زندگی خود سروده است:

مرگ مرا روبروی نشسته

می نتوانم سخن کنم کم و افزون

مدّت سی سال کنجکاوی کردم

قول ارسطو و فکرهای فلاطون

مشکل من حل نکرد با همه کوشش

بر سخن من گواست ایزد بی چون

من که چنینم قیاس کن دگران را

وانکه ندارد به جز شواهد مطعون

عیسویان آگهند اگر که از این رمز

از پی گفت و شنود حاضرم اکنون

جز سخنان خدا و گفت پیغمبر

باقی دیگر فسانه دیدم و افسون

این نه قیاسی است ناپسند و مطعون

این نه دلیلی است نارسیده و مظنون

کیست بداند سپهر پر شده خود چیست

یا ز چه او گشته است علت گردون

باغ چرا در بهار خرم و سبز است

یار فسرده ز چیست در همه کانون(۱)

محمّد حسین بیشه لنجانی

محمّد حسین بن حسنعلی بیشه لنجانی اصفهانی، خطاط نسخ نویس. از آثارش کتاب «من لا یحضره الفقیه» که در جمعه ۲۰ ربیع الثّانی ۱۰۶۸ از کتابت آن فراغت حاصل نموده و به شماره ۱۳۵۰۲ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۲)

۱- تراجم الرجال، ج۱، صص ۱۸۷-۱۸۵؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۲۳۸؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۵۷۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۳۴؛ مزارات اصفهان، ص۲۰۸؛ بدایع و نوادر، ص۱۷.

۲- فهرست وزیری، ج۱، ص۲۹۱.

میر محمّد حسین حسنی حسینی اصفهانی*

میرمحمّد حسین حسنی حسینی اصفهانی بن سیّد حسین بن سیّد ابراهیم بن سیّد حسین بن سیّد محمّد امین بن غیاث الدّین محمّد مشهور به میر میران حسنی حسینی اصفهانی، عالم فاضل، فقیه ماهر و مفسر محقق، از علمای قرن سیزدهم هجری.

وی را تفسیری است موسوم به «مظهرالانوار اللاهوتیه» به عربی که از آنرا از «تفسیر صافی» فیض کاشانی و «انوار التّنزیل» قاضی بیضاوی انتخاب شده است. این کتاب به شماره ۱۲۱۰۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران موجود است.(۱)

ظاهراً او: میر محمّدحسین بن میر محمّد حسین متوفی در ماه صفر ۱۲۷۳ق و مدفون در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد اصفهان است.(۲)

حسین اصفهانی

حسین بن حسین بن حسن اصفهانی ملقّب به جلال قاری، از فضلا و دانشمندان قرائت و تجوید در اصفهان است. زمان دقیق زندگی او معلوم نیست. کتاب «ایضاح المعانی من حرز الامانی» از تألیفات اوست که به شماره ۱۹۷۲/۱۸ در کتابخانه وزیری یزد و میکروفیلم آن به شماره ۲۴۱۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

[در فهرست کتابخانه وزیری نامی از مؤلف برده نشده است.]

محمّدحسین رویدشتی*

محمّد حسین بن حاجی حسین رویدشتی اصفهانی، از کاتبان قرن یازدهم هجری است. وی نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را به امر قوام الدّین محمّد بن رفیع خلیفه

۱- فهرست مجلس، ج۳۵، صص۱۱۳ و ۱۱۴؛ بزرگان اصفهان در فرهنگ و تاریخ: خطی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۳.

۳- فهرست وزیری، ج۳، ص۱۱۱۳؛ فهرست میکروفیلم های دانشگاه، ص۶۸۱؛ فهرست مشکاه، ج۱، صص ۱۸ و ۱۹.

در مشـهد مقـدس کتـابت نموده است. نسـخه بر خط نسـخ و در ذیحجه ۱۰۵۹ق کتابت شـده و در کتابخانه مرحوم حاج سیّد ضیاءالدّین علّامه در اصفهان موجود است.(۱)

به احتمال زیاد او همان حسین بن حسین قهپائی کاتب «اصول کافی» در سال ۱۰۷۲ق است.

حسین قهپائی

حسـین بن حسین قهپائی از فضلاء و دانشوران قرن یازدهم هجری. در تاریخ ۱۰ شوال ۱۰۷۲ق نسخه ای از «اصول کافی» را به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۶۵۴۶ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.

در آخر نسـخه انهاء ملّا محمّـد باقر مجلسـی جهت امیر دوست محمّـد باقر مازنـدرانی به تاریخ ۵ ذی الحجه ۱۰۷۷ق دیده می شود.(۲)

حسین ذُکوانی همدانی

ابومحمّد حسین بن حفص بن فضل بن یحیی بن ذکوان هَمدانی، از محدّثین قرن دوم و سوم هجری است.

مادرش خالده دختر عطاء خشک بوده است. ابومحمّد از کوفه به اصـفهان منتقل شده است. ابتدا نزد فقهاء کوفه تحصیل کرده و علم و فقه کوفیان را در اصفهان رواج داده [است]در اصفهان منصب قضاوت و فتوا و ریاست یافته و به مذهب کوفیان عمل می نموده [است]درآمـد او در هر سال صـد هزار درهم بوده است. جوائز و انعامات او به محدّثین و اهل علم و دانش همچون ابی مسعود و عمرو بن علی می رسیده است. وی از مخصوصین سفیان ثوری بوده و او را به مکه برده است.

ابوعبداللّه ذکوانی، از ثوری، اسرائیل، فضیل بن عیاض، مروان فزاری، سفیان بن عینیه،

۱- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۸۳.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۷، ص۱۳۳.

ابراهیم بن طهمان، مسلم بن خالد زنجی، عمربن قیس، ابراهیم بن نافع، یحیی بن سُلیم طائفی، عبدالعزیز بن ابی روّاد، ابراهیم بن محمّد اسلمی و... روایت می کند و سعید بن سلیمان، عمرو بن علی، عمر بن شَبَّه و... از او نقل حدیث کرده اند.

صاحب عنوان در سال ۲۱۲ق وفات یافته است.(۱)

کمال الدّین حسین خلقی اصفهانی*

امیر کمال الدّین حسین بن میر حکیمی طبیب اصفهانی، شاعر ادیب، متخلّص به «خلقی» ظاهراً درقرن دهم هجری می زیسته و مردی رند و لا ابالی بوده است.

از اوست:

ای گرد کوی یار دمی از هوا نشین

مهمان مردمان شو و در دیده ها نشین

ای تیر یار، از نظرش چو فتاده ای

ما هم فتاده ایم، به پهلوی ما نشین(۲)

حسام الدّین حسین اصفهانی

ابوعبداللَّه حسام الدّین حسین بن حیدر اصفهانی، از مشایخ صوفیه و مرید رکن الدّین حبشی بوده و امیر سیّد عبداللَّه برزش آبادی فرزند سیّد محمّد عبدالحی بن سیّد علی طوسی مرید او بوده است.(۳)

شیخ حسین چنگانی

شیخ حسین بن حیدربن حسن بن غلام چنگانی اصفهانی، عالم فاضل، در سال ۱۲۷۸ق کتاب «منیه اللبیب» در شرح تهذیب را جهت خود استنساخ نموده و بر آن تعالیقی دارد که دلالت بر وفور علم و دانش او می کند. نسخه در کتابخانه دانشکده

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، صص ۲۷۴ و ۲۷۵؛ طبقات المحدثین، ج۲، ص۱۸۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج۱۰، ص۱۷۴؛ الوافی بالوفیات، ج۱۲، ص ۳۶۰.

۲- تذکره روز روشن، صص۲۴۲ و ۲۴۳.

۳- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۸۴۱.

حقوق دانشگاه تهران موجود است.(۱)

[چنگان: از توابع خوراسگان جی اصفهان است.]

محمّد حسین خان سرتیپ اصفهانی

محمّد حسین خان سرتیپ بن حیدر علی خان بن حاج محمّد حسین خان صدر اعظم اصفهانی، از ادباء و فضلای عهد قاجاریه است.

در تهران ساکن و پیشکار و کفیل محمدتقی میرزا رکن الدوله قاجار (برادر ناصرالدّین شاه) بود و در حسن خط و انشاء تبحر فراوان داشته است.(۲)

ملّا محمّد حسین تستری

ملّا محمّد حسین بن حیدر علی تستری، از فضلاء و محدّثین قرن یازدهم هجری در اصفهان سکونت داشته و نزد علمای این شهر خصوصاً علّامه ملّا محمدباقر مجلسی به تحصیل پرداخته است. وی کتاب «اصول کافی» را ابتدا نزد ملّا محمّد صادق شریف اصفهانی همدانی و سپس نزد علّامه مجلسی خوانده و آن دو نفر در صفر ۱۰۷۶ق در آخر کتاب «حجت» از «اصول کافی» جهت او اجازه نوشته اند.(۳)

[وی همچنین کتاب «استبصار» شیخ طوسی را نزد ملّا محمّد صالح مازندرانی در سه شنبه ۹ ذیقعده ۱۰۷۳ق قرائت نموده است. ملّامحمّد حسین کتاب «اعمال السنّه» رانیز تألیف نموده است.(۴)]

۱- فهرست دانشکده حقوق، ص۴۸۸؛ الکرام البرره، ص۳۸۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۳.

۲- صدرالتواریخ، ص۱۱۳.

۳- الذریعه، ج۱، ص۱۵۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۲۶ و ۲۷.

۴- الروضه النضّره، ص ۱۶۲ و ۱۶۳؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۱.

سیّد حسین کَرَکی

عزّالـدین ابوعبـداللّٰه سیّد حسین بن حیـدر [بن علی بن حیـدر] بن قمر حسینی کرکی، عالم فاضل فقیه محقق و محدث مدقق معروف به «سید حسین مفتی»، از علمای قرن دهم و یازدهم هجری.

وی نزد علماء و فضلای زمان خود به تحصیل پرداخته که عبارتند از «شیخ ابی محمّد بایزید بسطامی ثانی» که در اواسط محرم ۱۰۰۴ق به او اجازه داده است. «شیخ محمّد سبط شهید ثانی» که برای او در سال ۱۰۲۹ق اجازه نوشته است. «شیخ بهاء الدّین محمّد عاملّی»، [«شیخ نورالدین محمّد نسّابه اصفهانی ابن حبیب اللّٰه عاملی»]

و جمعی از فضـلاء و دانشـمندان از او روایت می کننـد از جمله «ملّا محمّد باقر سبزواری»، «ملّا محمّد تقی مجلسـی» «میرحسـن رضوی قـائنی» «میر فیض اللّٰه بن غیـاث الـدّین محمّـد طباطبائی قهپائی» وی سالها در اصـفهان ساکن و در زمان شاه عباس اول مفتی اصـفهان بوده است. سال وفات او به دست نیامد [اما از اجازه و انهاء که برای احمدبن حسـین اصـفهانی در سال ۱۰۳۹ق نوشته است معلوم می شود که او تا این سال زنده بوده است.(۱)]

حسین خطائی

استاد حاج حسـین خطائی فرزند حیدرعلی، از هنرمندان معاصـر اصـفهان، [در سال ۱۲۸۶ش در اصـفهان متولّـد شد و پس از کمی تحصـیل نزد اسـتاد بزرگ مینیـاتور میرزا آقا امامی به تعلیم پرداخت و پس از فوت اسـتاد، در منزل خود به فعالیت هنری مشغول شد.

۱- ریاض العلماء، ج۲، صص ۹۰-۸۸؛ روضات الجنات، ج۲، ص۳۱۸؛ الذریعه، ج۱، ص ۱۳۹ و ۱۶۰ و ج۱۱، ص۸۰؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۱۸۲؛ الاجازه الکبیره، صـص ۴۳۹ ۳۳۶ ۳۲۸ ۳۱۶؛ تراجم الرجال، ج۱، ص۶۶؛ فیض قدسی، ص۱۴۶؛ مصفی المقال، ص۱۴۶؛ اعیان الشیعه، ج۲۵، ص۳۷۸؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۴۰۹ و ۴۱۰؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۶۷ و ۶۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۶۸.

او در رشته های مختلف نقاشی مانند مینیاتور، طلاکوبی، نقره کوبی، تذهیب، زرنگاری، برجسته کاری، نقشه کشی فرش و سوخت مهارت داشت و آثار فراوانی در این زمینه ها از او باقی مانده است.

در سال ۱۳۳۸ش به دستور مرحوم امینی صاحب الغدیر، قرآنی به خط کوفی منسوب به دست خط حضرت علی علیه السلام بر روی پوست آهو جهت تعمیر به استاد خطایی سپرده شد که تعمیر و تذهیب و تجلید آن را به بهترین شکل به انجام رساند که در کتابخانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف نگهداری می شود.

از دیگر آثار ارزنده او تذهیب ضریح مرقد مطهر حضرت ابوالفضل العبّاس علیه السلام می باشد.]

وی سرانجام در ۳ رمضان المبارک ۱۳۹۵ق (مطابق ۱۹ شهریور ۱۳۵۴ش) وفات یافته و در تکیه جویباره ای ها واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

میرزا محمّدحسین قانع اسفه ای

میرزا محمّدحسین مدرسی بن ملّا حیدرعلی اسفه ای، شاعر طبیب دانشمند.

[در سال ۱۲۸۰ش متولّد شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود روستای «اسفه» شهرضا نزد پدر آموخت. سپس به اصفهان آمد و در مدرسه جّده نزد دایی خود عالم مجاهد آقامیر سیّد حسن مدرس به تحصیل پرداخت و پس از مهاجرت دایی خود به تهران، او نیز به تهران رفت و در مدرسه عالی سپهسالار نزد او به تلمّذ مشغول شد. امّا پس از تبعید مدرس به کاشمر، به اصفهان بازگشت.(۲)]

مدرسی در اصفهان و در اوایل تحصیل، طب را نیز از میرزا ابوالقاسم گوگردی (ناصر حکمت) فرا گرفت.(۳) او سالها در شهرضا و اسفه به طبابت مشغول بود و گاهی در منزل به تدریس اصول، شرایع و اسفار می پرداخت.

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۲؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی؛ تجارب طلائی، صص ۴۳ و ۴۴.

۲- مدرس، ص۲۵۷.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷۲.

او در ادبیات فارسی و عربی استادی مسلم بود و به عربی و فارسی شعر می سرود و «قانع» تخلّص می کرد. او در سالهای آخر عمر در اصفهان ساکن شد و سرانجام در جمعه ۵رجب سال ۱۴۰۲ق به سن قریب هفتاد و پنج سالگی وفات یافته و در تکیه فاضلان واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

تألیفات و آثار او عبارت است از:

۱. «آداب الزیّاره» ۲. «اختران تابان در اخلاق بزرگان» ۳. «اربعین و ضمائمی دلنشین» ۴. «اربعین قانع یا چهل طوطی» ۵. «افسانه اسفه ای در قصه زن و شوهر» ۶. «پند پدر به پسر در پیدایش و بازگشت» ۷. «توسلّیات» ۸. «ره آورد قانع در زیارت جامعه»، مطبوع ۹. «شجره طوبی در کمالات نفسانیه» ۱۰. «سوانح قانع در عروض و اشعار» ۱۱. «قسمتی از دیوان قانع»، در غزل و قصیده ۱۲. «فواتح قانع در نفوس کامله» ۱۳. «محرم نامه» ۱۴. «مستطرفات و متفرقات» ۱۵. «منارالانوار یا چهل چراغ قانع اصفهانی» ۱۶. «نقل مجلس» ۱۷. «نوشدارو در تعلیم و تربیت»، مطبوع.(۲)

او طبیبی دیندار و مردمی، دانشمندی وارسته و به فضائل و کمالات آراسته بود.

[این شعر از اوست:

زین نیستی که جلوه کند جای هست ما

ای کاش کز ازل نشدی پای بست ما

گر جان رسد به ساحل از این بحر بی کران

بر ناخدا رواست بسی ناز شصت ما

ما را به هیچ نشئه سر خودسری نبود

حکم قضا گرفت عنان را ز دست ما

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۳.

۲- مدرس، ص۲۵۸؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷۲.

هرکس به سوی کعبه دل ره نمی برد

آن کس که شد چو زاهد مسجدپرست ما

«قانع» شگفت نیست ز گفتا دلربا

باشد عجب بلندی از این طبع پَست ما(۱)]

محمّدحسین غاضری

محمّدحسین غاضری بن حیدرعلی غاضری (محفوظ)، شاعر معاصر، در [اول دی [۱۳۰۹ش در اصفهان متولّد شد. [ابتدا در مکتب خانه شیخ حسن جناب تحصیل را آغاز کرد و سپس] در مدرسه قدسیه تا ششم ابتدائی تحصیل کرد. [سپس به طور شبانه دوره متوسطه را در آموزشگاه شمس سپری نمود. وی حدود ۲۵سال در کارخانه آجر مشغول به کار بوده و سپس به آجرفروشی پرداخته است. وی در ۱۶سالگی به همراه پدرش که شاعر بود در یکی از انجمن های ادبی اصفهان حضور یافته و با خواندن شعری نزد «صغیر اصفهانی» مورد تشویق قرار گرفته است. ابتدا «زیبا» تخلّص می کرد ولی مدتی بعد آن را ترک کرده و به نام خانوادگی «غاضری» تخلّص نمود. اشعارش اغلب پند و اندرز و حکایات اخلاقی است و گاهی نیز در هزل و مطایبه شعر می سراید. در مدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام نیز اشعاری دارد. اشعارش را درقالب غزل، قصیده، رباعی و مثنوی سروده است. دیوان شعر او هنوز چاپ نشده است.]

از اوست:

زان پیش که در دهر نیابی اثر من

ای دوست نظر کن به من و چشم تر من

دل از غم عشق رُخَت ای دوست ز کف رفت

باز آی که از هجر تو خون شد جگر من(۲)

۱- بهار ادب، ص۱۲۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۲۸؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای غاضری در مردادماه ۱۳۸۶ش.

حسین سلیمی اصفهانی

ابونصر حسین بن رجاء بن محمّد بن حسن بن محمّد بن احمد بن سلیم سلیمی، از محدّثین و دانشمندان قرائت و تجوید در قرن ششم هجری، وی از احفاد ابی بکر بن سلیم اصفهانی است. در محرم ۴۶۹ق متولّد شده و در اصفهان و بغداد حدیث گفته است. وی از خاندان اهل علم و محدّث بوده و خود بسیار به تلاوت قرآن مجید می پرداخته و با قرآن انس داشته است. او از قاضی ابوبکر محمّد بن ماجه ابهری و دیگران حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی، در اصفهان از او حدیث شنیده است.(۱)

شیخ محمّدحسین اصفهانی حائری (صاحب فصول)

شیخ محمّدحسین اصفهانی حائری صاحب فصول ابن حاج محمّد رحیم بن محمّدقاسم بیگ رازی ایوان کیفی. فقیه محقق و اصولی مدقق، از اکابر علمای قرن سیزدهم هجری. در ایوان کیف در حوالی طهران متولّد گردیده و در کودکی به همراه پدر و مادر به نجف اشرف مهاجرت کرد و در آنجا نزد علماء و فقهاء از جمله شیخ علی نجفی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۱۴ق به همراه خانواده از خوف حمله وهابی ها به نجف، به کربلا ـ مهاجرت نموده و مدتی بعد همراه برادرش شیخ محمّدتقی رازی (صاحب حاشیه) به اصفهان آمد و مدّتی نیز در نجف آباد ساکن بود. سپس به کربلا بازگشت و در آنجا به تدریس مشغول شده و در حرم مطهر امام حسین علیه السلام به اقامه جماعت پرداخت و کم کم به شهرت دست یافته و مرجعیّت یافت.

وی در کربلا با سیّد کاظم رشتی و شیخ احمد احسائی از پیشوایان شیخیّه مخالفت های شدیدی را انجام داده و به مبارزه با مرام آنان برخاست.

وی در سال ۱۲۵۵ق وفات یافت و در صحن صغیر حضرت سیدالشهداءعلیه السلام دفن شد.

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۳۲.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر زبده الاصول» که در سال ۱۳۰۲ق در هامش زبده الاصول در تهران به طبع رسیده است.۲. «رساله الصّومیّه» که در کتابخانه میرزا محمّد طهرانی در سامرا وجود داشته و به فارسی نوشته شده است. ۳. «رساله عملیه» که در سال ۱۲۵۳ق تألیف شده است. ۴. «الفصول الغرویّه فی الاصول الفقیهیّه» معروف ترین تألیفات آن مرحوم است و به همین مناسبت او را «صاحب فصول» می گویند. کتاب را در جمعه ۱۹ذی الحجه ۱۲۳۲ق در نجف اشرف به پایان رسانیده است، در این کتاب اعتراضاتی را به کتاب «قوانین الاصول» تألیف میرزا ابوالقاسم قمی وارد ساخته است. این کتاب به چاپ رسیده و بسیاری از علماء و فضلاء بر آن شرح و حاشیه نوشته اند. ۵. «مشارع الاحکام فی تحقیق مسائل الحلال و الحرام» که نسخه ای از آن در کتابخانه عالم جلیل حاج سیّد احمد زنجانی موجود است و در جلد پنجم مجموعه میراث حوزه اصفهان با تحقیق آقای شیخ مهدی باقری به طبع رسیده است.

همچنین کتاب «نماز برهنه» به فارسی مطابق با فتاوای حاج سیّد محمّد باقر حجهالاسلام شفتی ظاهراً از تألیفات اوست که در کتابخانه آقا میرزا محمّد طهرانی در سامرا وجود داشته است.(۱)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۲۱۳-۱۸۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۴۱۱ و ۴۱۲؛ ریحانهالادب، ج۳، ص۳۸۰؛ الذریعه، ج۱۱، صص۲۰۵ و ۲۰۶ و ج۱۶، صص۲۴۲ ۲۴۱ و ۲۸۶؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۹۰ و ۳۹۱؛ هدیهالاحباب، ص۱۹۸؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۵۰۱؛ معارف الرّجال، ج۲، ص۱۰۴؛ الاعلام، ج۶، ص۱۰۴؛ قصص العلماء (چ ۱۳۸۰ش)، ص۱۲۱؛ روضات الجنات، ج۲، ص۱۲۶؛ مکارم الآثار، ج۵، صص۱۴۸۴ و ۱۴۸۵؛ آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، صص۲۰۸ و ۲۰۹؛ لباب الالقاب، صص۵۰ و ۵۱؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۲۵۶؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۱۱۹؛ میراث حوزه اصفهان، جلد پنجم.

شیخ محمّد حسین رشتی

شیخ محمّد حسین بن میرزا محمّد رضا بن حاج میرزا ابوتراب رشتی اصفهانی، از علمای قرن چهاردهم هجری.

در اصفهان متولّد شده و نزد آقا شیخ محمّد رضا نجفی و آقا سیّد مهدی درچه ای به کسب فیض پرداخته و سپس به ترویج دین و اقامه نماز جماعت در مسجد ذکراللّه در محلّه بیدآباد مشغول شده و در صفر ۱۳۷۸ق وفات یافته، در بقعه جدّ مادری خود آقا شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش را شاعر توانا فضل اللّه اعتمادی متخلّص به «برنا» گوید:

گفت به شمسی برای سال وفاتش

«شیخ محمّد حسین عالم عابد»(۱)

سیّد حسین نوربخش*

سرهنگ سیّد حسین نوربخش فرزند سیّد قوام الدّین از چهره های متدیّن و نیکوکار معاصر. در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل در مقطع ابتدائی در مدرسه علیّه ادامه تحصیل داد و پس ا اخذ دیپلم وارد دانشکده افسری شد.

او از اعضای فعال انجمن تعلیمات اسلامی اصفهان و سرپرست دبستان دخترانه نوربخش بود. او مردی باایمان، پاک نهاد، خیرخواه، نوع دوست و متدیّن بود. وی در ۱۶ ذیحجه ۱۳۷۴ق وفات یافت و در صحن تکیه سیّدالعراقین در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

ماده تاریخ او از این بیت «نوای اصفهانی» معلوم می شود:

کردم از طبع «نوا» تاریخ فوتش را سؤال

گفت سال فوت را بنویس «روی نوربخش»(۲)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۹۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶.

۲- شرح مجموعه گل، صص ۵۱۱-۵۰۹.

میرزا محمّد حسین میردامادی سدهی

میرزا محمّد حسین بن حاج میرزا محمّد رحیم ثانی میردامادی سدهی، عالم فاضل.

از علمای بزرگ و با نفوذ و باتقوا و مقتدر و شجاع و از شاگردان حاج محمّد ابراهیم کلباسی و سیّد محمّدباقر حجهالاسلام شفتی بوده است. صداقت و صَمیمیَّتی بین او و مرحوم حاج سیداسدللَّه بیدآبادی وجود داشته و یک عمر باتقوا و ورع زندگی کرده است.

سال وفات او به دست نیامد.(۱)

شیخ محمّد حسین کلباسی

شیخ محمّد حسین بن شیخ محمّدرضا بن شیخ محمّدعلی بن شیخ محمّد جعفر بن حاج محمّد ابراهیم کلباسی، عالم فاضل فقیه کامل.

در ۳شعبان سال ۱۳۲۳ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر عالیقدر خود و میرزا محمّدحسن قاضی عسکر و دیگران تلمّذ نموده و سپس در سال ۱۳۴۰ق برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف عزیمت نمود و در آن ارض اقدس نزد آقا سیّد ابوتراب خوانساری، آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمّد جواد بلاغی، سیّد حسین بادکوبه ای، شیخ حسین حلّی، آقا ضیاءالدّین عراقی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا عبدالهادی شیرازی، شیخ محمّد کاظم شیرازی، شیخ مرتضی طالقانی و میرزا آقا اصطبهاناتی تحصیلات خویش را تکمیل نمود. آنگاه سفری به اصفهان نموده و از درس میر محمّدصادق مدرس خاتون آبادی استفاده نمود. سپس به عتبات عالیات رفته ضمن تحصیل، به تدریس و تألیف و تحقیق پرداخت.

ایشان پس از سالها اقامت در نجف اشرف در سال ۱۳۷۸ق به ایران بازگشته، در قم ساکن شد و به تدریس فقه و اصول پرداخت.

۱- لطائف غیبیه، ص۲۴ (مقدمه)،؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۰۹.

وی عالمی خلیق و متواضع بود و در رفع حوائج مردم و حل مشکلات شرعی آنان از هیچ اقدامی دریغ نمی کرد.

مرحوم کلباسی در اوج اخلاص و زهد و تقوا و عبادت زندگی را سپری نمود تا اینکه پس از ۹۵سال عمر در دوشنبه ۹رجب المرجب سال ۱۴۱۸ق وفات یافته. پیکرش پس از تشییع باشکوه در یکی از حجرات صحن مطهر آستانه حضرت معصومه(سلام اللّه علیها) مجاور شیخ فضل اللّه نوری در قم مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. بشری الطالبین فی الادعیه و الختومات و بعض العلوم الغریبه ۲. تقریرات فقه میرزا عبدالهادی شیرازی ۳. تقریرات اصول آقا ضیاءالدین عراقی ۴. شرح کفایه الاصول ۵. شرح عروه الوثقی ۶. شرح مزجی بر باب حادی عشر ۷. غرائب و قصارالحکم من الکتاب و السُنّه ۸. غریب الحدیث ۹. غریب القرآن مطبوع ۱۰. فضائل اهل البیت ۱۱. وسیله الوصول الی حقائق الاصول، که تقریرات درس آقا سید ابوالحسن اصفهانی بوده و در سال ۱۴۲۲ق توسط انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به چاپ رسیده است.(۱)

استاد محمّد حسین حجار اصفهانی*

استاد محمّد حسین بن استاد محمّدرضا حجار اصفهانی، از هنرمندان توانای قرن سیزدهم هجری است. هنر حجاری را نزد پدر خود آموخت و در فنون و ریزه کاری های حجاری زبردست شد و به مقام استادی نائل آمد و در ردیف اساتید طراز اوّل

۱- نقباء البشر، ج۲، ص۵۸۳؛ مستدرک فهرس التراث، ص۲۱۵؛ معجم رجال الفکر و الادب، ج۳، ص۱۶۰۹؛ ماضی النجف و حاضرها، ج۳، ص۲۳۶؛ خاندان کلباسی، صص۱۹۱-۱۸۸؛ الذریعه، ج۱۲، ص۱۹۳ و ج۲۲، ص۱۰۵؛ گنجینه دانشمندان، ج۲، صص۲۴۳ و ۲۴۴؛ مجله آئینه پژوهش، ش۴۶، صص۹۹ و ۱۰۰؛ مقتبس الاثر، ج۱۶، ص۳۵۰؛ تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۶۱۱-۱۶۰۰.

حجاری اصفهان قرار گرفت. او تا سال ۱۲۹۰ق در قید حیات بود و در مدّت بیش از ۴۰سال حجاری آثار ارزنده فراوانی پدید آورد که از لحاظ برجسته کاری، ریزه کاری و ظرافت هریک از نمونه های ارزنده هنر حجاری به شمار می روند.

سنگاب های مدرسه میرزا حسین اصفهان به سال ۱۲۷۵ق و مسجد محلّه نو در سال ۱۲۷۶ق به دست این هنرمند توانا حجّاری شده است.(۱)

همچنین در تخت فولاد چندین سنگ مرمر حجاری شده بسیار زیبا موجود است که این استاد زبردست آنها را پدید آورده است. از جمله سنگ مزار مریم معروف به «مادر شاهزاده» در سال ۱۲۶۲ق(۲) و سنگ مزار خدیجه سلطان بیگم بنت جناب آقا میرزا عبداللّه شیخ الاسلام، در سال ۱۲۸۹ق.(۳)

سیّد حسین حسینی شیرازی

سیّد حسین بن سیّد رضا حسینی شیرازی، از فضلای اصفهان است. وی مترجم دستگاه ظل السّلطان حاکم اصفهان بوده و کتاب «جغرافیای هندوستان» را از زبان هندی به فارسی در ماه جمادی الثانی سال ۱۳۰۱ق برگردانده است. سجع مُهر او «عبده حسین الحسینی» بوده است. این کتاب به شماره ۱۱۳۶۴ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود بوده است.(۴)

حاج محمّد حسین حمصی

حاج محمّد حسین حمصی بن محمّدرضا حمصی، عالم فاضل متوفی سلخ رمضان ۱۲۱۰ق مدفون جنب مزار اژه ای در تخت فولاد اصفهان.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۵۰ و ۶۷۹.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۹.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ، نسخه خطی.

۴- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۸۱.

«مایل» زار حزین گفت بتاریخ این:

«باد بهشت برین جای محمّد حسین»(۱)

حسین ساوجی

حسین بن آقا رضا ساوجی از فضلای قرن سیزدهم هجری. در شنبه عید نوروز مطابق ۱۵رمضان ۱۲۴۴ق در اصفهان از نوشتن کتاب «قوانین الاصول» میرزای قمی فراغت حاصل نموده است. نسخه ای از آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.(۲)

شیخ حسین مذنب اصفهانی

شیخ محمّد حسین امین سیچانی متخلّص به «مذنب»، [فرزند حاج ملّا رضا]، عالم فاضل و شاعر ادیب معاصر، در قصبه سیچان [که اکنون از محلّه های اصفهان است]ساکن بوده و گاهی شعر می سروده است.

از اوست:

ای خال گوشه لبش، این تشنه وصال

جان داد و جا تو بر لب کوثر گرفته ای(۳)

[وی سرانجام در سال ۱۴۰۰ق وفات یافته و در تکیه سیّد محمود کلیشادی (معروف به مغنی گو) در تخت فولاد مدفون شد.(۴)]

میرزا محمّد حسین عنقا

میرزا محمّدحسین عنقا بن رضا قلی خان همای شیرازی شاعر و ادیب خوشنویس، از هنرمندان و سخنوران قرن سیزدهم هجری [در سال ۱۲۶۰ق در اصفهان متولّد شده]و

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵.

۲- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۸۳.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۴۱.

۴- یادداشتهای محقق گرامی آقای حمید خلیلیان.

در این شهر علم و ادب آموخته و در منزل خود انجمن ادبی برپا نمود.

[در خط نستعلیق از پدر امّا به خط شکسته نستعلیق روی آورده و از خط گلستانه پیروی نمود و این خط را خوش می نوشت.] او همچون پدر به لباس اهل تصوف در آمده و مرید مشایخ این طریقت شده بود.

سرانجام در سه شنبه جمادی الثّانیه ۱۳۰۵ق وفات یافته و در یکی از حجره های جنوبی تکیه میر در تخت فولاد مدفون شد. [ماده تاریخ فوتش را یکی از شعراء در این مصرع یافته است:

«عنقا بقاف قرب احد کرد آشیان»]

از اوست:

بر چلیپای سر زلف تو تا دست زدم

پای بر همه عالم و بر هرچه دگر هست زدم

مطلع شعر بلند است به حکمت«عنقا»

دم به مدحش به چنین شاعری پست زدم(۱)

سیّد حسین دهاقانی*

سیّد حسین بن حاج سیّد رفیع بن سیّد محمّد دهاقانی، عالم فاضل. از علمای اواخر دوره قاجاریه. در دهاقان متولّد شده و در اصفهان نزد جهانگیرخان قشقائی و دیگران تحصیل نمود سپس به زادگاه خود بازگشته و امام جمعه آنجا شد و به ترویج دین و حل مشکلات شرعی مردم پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۲۹ق وفات یافته و در قبرستان عمومی دهاقان مدفون شد.(۲)

۱- رجال اصفهان یا تذکرهالقبور ص۲۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان ج۱، ص۲۰۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۱؛تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۰۲.

۲- سیمای دهاقان،۲۷۴.

میرزا حسین طالع اصفهانی

میرزا حسین رامپناه متخلّص به «طالع» بن رمضان، از شعرای معاصر اصفهان، در سه شنبه ۱۷ذی القعده سال ۱۳۳۴ق در اصفهان متولّد شده و به تحصیل پرداخت. سپس به شغل خوار و بار فروشی روی آورد. طبعی روان در شعر داشت و گاهی در انجمن های ادبی شرکت می کرد(۱) [مردی صالح متقّی و مقدس بود و در امور شرعی کمال احتیاط را مرعی می داشت. غالب ایام سال را روزه بود و در یکی از مساجد اصفهان امامت جماعت می نمود. سرانجام در ماه ذی العقده ۱۴۲۸ق وفات یافت.]

کمال الدّین حسین اصفهانی

کمال الدّین حسین بن محمّد زمان اصفهانی، از نویسندگان کتب در قرن یازدهم هجری است. در ۴صفر ۱۰۷۱ه رساله «شرح حدیث حقیقت» را به خط نستعلیق کتابت نموده است. این کتاب به شماره ۷۴۹۸ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲)

محمّد حسین قاری اصفهانی

حاج محمّد حسین بن شیخ زین الدّین، فاضل مقدّس و از قاریان قرآن مجید. وی در ذیقعده ۱۲۹۳ق وفات یافته و در ضلع جنوبی شرقی صحن مقبره سر قبر آقا مدفون شد. بر روی سنگ لوح قبر او این عبارت و اشعار دیده می شد:

«حاج محمّد حسین بن علامی فهامی قدوه الفضلا. العظام شیخ زین الدّین ذیقعده ۱۲۹۳

آه و افسوس کز جفای سپهر

رفت حاجی حسین از دوران

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۹۶.

آن که در قدس بی نظیر آمد

بود در شهر قاری قرآن»(۱)

حسین آمدی

ابوعلی حسین بن سعد بن حسین بن محمّد آمدی، ادیب شاعر و لغوی مشهور اصفهان در قرن پنجم هجری.

در بغداد تحصیل نموده و در اصفهان ساکن شده و در شب پنج شنبه ۵ربیع الآخر سال ۴۴۴ق وفات یافته است. به عربی اشعاری سروده و تألیفاتی نیز دارد.(۲)

ملّا محمّدحسین گیلانی

ملّا محمّد حسین بن محمّد سعید بن ملّا ابراهیم گیلانی، عالم فاضل در اصفهان نزد جمعی از فضلاء از جمله ملّامحمّدصادق تنکابنی و ملّا محمّد فاضل سراب و دیگران تلمّذ نموده است.

ملّا محمّد صادق در دوشنبه غره جمادی الثانی ۱۱۲۲ه.ق در پایان جزء اول کتاب «من لا یحضره الفقیه» برای او اجازه روایتی نوشته است که این نسخه به شماره ۲۷۲۶ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی در قم موجود است.(۳)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن سیف اللّه اصفهانی خطاط نسخ نویس. در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازهم هجری کتاب «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی را به خط نسخ خود نوشته

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج۱، ص۴۹۴؛ بیان المفاخر ج۲، ص۲۳۹؛ مزارات اصفهان، ص۵۱.

۲- معجم الادباء ج۹، ص۲۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۴.

۳- بزرگان رامسر، ص۱۸۵؛ تراجم الرّجال ج۲، ص۶۷۵، فهرست کتابخانه مرعشی ج۷، ص۲۸۹؛ مجموعه مقالات همایش فاضل سراب، ص۱۶۸.

است. نسخه در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است. (۱)

[وی کتاب «طب الرضا»علیه السلام را برای «مولانا محمّد حسینا بن العلامه مولانا شاه محمدا» در سال ۱۰۹۸ق کتابت کرده است که به شماره ۸۰۰/۱۱ در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است.(۲)]

استاد حسین نجّار

استاد حسین بن استاد شاه نجّار، واقف درِ چوبی مسجد الجاتیو در مسجد جامع اصفهان.(۳)

ملّا محمّد حسین ملّاباشی تبریزی

ملّا محمّد حسین ملّاباشی بن ملّا شاه محمّد تبریزی، از علماء و صاحب منصبان اواخر دوره صفویه است.(۴)

صاحب تتمیم امل الآمل درباره او می نویسد:

«من اعاظم العلماء و افاخم الفضلاء کان متقناً فی العلوم مع اتّقان و تحقیق و امعان و تدقیق»(۵)

[همچنین صاحب تتمیم می نویسد: ملّا محمّد حسین ۳بار کتاب «الشافی» تألیف سیّد مرتضی را تدریس کرده و بر آن حواشی نافعه نگاشته است که شاهدی بر مقام علمی او در تحقیق و تدقیق است.]

از قرائن بر می آید پدرش و خودش اهل علم بوده و در اصفهان اقامت داشته اند.

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲- فهرست مدرسه مروی، ص۳۰۸.

۳- تاریخچه اوقاف اصفهان، ص۳۶۷.

۴- زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص۲۸۹؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۴۲.

۵- تتمیم امل الآمل، صص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج ۱، ص۲۸۹؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۴۲.

در سال ۱۱۲۷ه.ق شاه سلطان حسین صفوی منصب «ملّاباشی» را پس از وفات ملّاباشی آن عصر مرحوم میرمحمّد باقر خاتون آبادی به وی تفویض کرد.(۱)

در مجمع التواریخ در ذکر اوضاع پریشان مملکت در زمان شاه سلطان حسین می نویسد:

«ندمای شاه سلطان حسین دو کس بودند یکی میرزا رحیم حکیم باشی و دوم ملّا محمّد حسین ملّاباشی» و پس از ذکر مطالبی می نویسد:

«پس از گرفتاری فتحعلی خان، ملّاباشی به دست خود یا به دست پسر خود چشم او را از حدقه در آورد...»(۲)

[کتاب «اثبات واجب» از تألیفات ملّامحمّد حسین تبریزی است که آن را به سال ۱۱۰۱ق تألیف نموده و به شماره ۸۰۰/۱۶ در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است.(۳)]

سال فوت او به دست نیامد.

محمّد حسین زمانی اصفهانی

محمّدحسین بن حاجی شاه محمّد زمانی صفاهانی [از خطاطان و نویسندگان کُتُب در قرن یازدهم هجری] در هشتم ربیع الاوّل سال ۱۰۹۷ق از نوشتن «مجمع البیان» فراغت حاصل نموده است.

[ظاهراً زمان باید همان رنان یا رهنان کنونی باشد که اکنون از محلّه های غرب اصفهان می باشد. لذا صاحب عنوان از اهالی قریه رنان بوده است.]

این نسخه از «مجمع البیان» حاوی تفسیر سوره توبه تا سوره مریم است و به شماره ۲۶۷۱ در کتابخانه عمومی اصفهان نگهداری می شود.(۴)

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۶۷.

۲- مجمع التّواریخ، ص۴۹.

۳- فهرست مروی، صص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۴- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۹۳.

آقا حسین خوانساری

آقا حسین بن آقا شریف بن آقا رضی الدّین محمّد بن آقا حسین خوانساری، عالم فاضل حکیم.

شیخ عبدالنّبی قزوینی که با او معاصر بوده درباره او می نویسد: «من فضلاء زماننا من سلاله الافاضل و من خلاصه الاماثل و هو مربوط بالحکمه...»

وی قسمت هایی از کتاب «التحصیل» تألیف «بهمنیار» شاگرد را شرح نموده است و تا سال ۱۱۹۱ق در قید حیات بوده است.(۱)

حسین صانع تبریزی

حسین بن شریف تبریزی متخلّص به «صانع» از شعراء و فضلای عصر صفویّه است. او در شنبه ۲۱جمادی الثانیه ۱۰۵۱ق در محلّه عباس آباد اصفهان کتاب «منتقی الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان» تألیف شیخ حسن بن شهید ثانی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه که از روی نسخه اصل تصحیح شده است به شماره ۲۱۵۶ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

حسین شهنازی*

حسین شهنازی فرزند شعبان خان تارزن، هنرمند موسیقی در حوالی سال ۱۳۲۰ق در اصفهان متولّد شده و نزد پدر هنرمند خود نواختن تار را فراگرفت و نزد سیّد رحیم خان موسیقی دان نیز تعلیم گرفت. برادر کوچکترش استاد جلیل شهناز نزد او نواختن تار را فرا گرفته است. مع الاسف در سالهای جوانی و به بیماری ذات الجنب در سال ۱۳۱۸ش مطابق ۱۳۵۸ق در گذشت و پدر را به سوگ خود نشاند. پیکرش را به تخت فولادبرده و

۱- تتمیم امل الآمل، ص۱۳۴؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۰؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۰۳ و ۲۰۴؛ زندگینامه علّامه مجلسی ج۱، ص۳۴۲؛ الذریعه، ج۱۳، ص۱۴۳.

۲- فهرست کتابخانه آیت اللَّه مرعشی، ج۶، ص۱۶۲.

جنب مزار میرابوالقاسم فندرسکی در تکیه میر دفن کردند.

مهدی نوایی موسیقیدان و شاعر هنرمند در مرثیه او شعری ساخته که متضمن دستگاهها و اصطلاحات موسیقی است و ماده تاریخ فوت او را چنین گفته است:

یکی آمد پی تاریخ و «نوائی» از شور

گفت: «بانی بنوا مُرد حسین شهناز»

حجار هنرمند سنگ نوشته او استاد عباس بن عبدالرحیم است.(۱)

میرزا محمّدحسین شهرستانی*

میرزا محمّدحسین بن میرزا شکراللّه شهرستانی اصفهانی، خوشنویس و ادیب دانشمند قرن دهم هجری. ظاهراً در اصفهان به تحصیل علم و ادب پرداخته و سپس به قزوین رفته و نزد بزرگان صفویه شهرت و اعتبار یافته است. در زمان سلطان محمد خدابنده (پدر شاه عباس صفوی) به سمت استیفای ممالک محروسه منصوب شد. او با به سلطنت رسیدن شاه عباس، ظاهراً از کار کناره گرفته و به هند مهاجرت کرد تا اینکه به سمت منشی گری پادشاه هند منصوب شد و سرانجام در سال ۱۰۰۴ق وفات یافت. او خوشنویسی ماهر بود و خط تعلیق را در نهایت زیبایی می نوشت تا جایی که او را تالی مولانا درویش بلخی می شمردند. گویند خطوط ثلث و نسخ تعلیق (نستعلیق) را نیز خوش می نوشت.(۲)

سیّد محمّد حسین حسینی اصفهانی

سیّد محمّد حسین بن محمّدصادق حسینی اصفهانی [از خطاطان قرن سیزدهم هجری]در یک شنبه ۱۷محرم ۱۲۴۲ق از نوشتن کتاب «قوانین» فراغت حاصل نموده

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، صص ۲۵۴ و ۲۵۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- گلستان هنر، ص۵۴؛ تذکره خوشنویسان، ص۵۵؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۰۰؛ تاریخ پانصد سال خاندان شهرستانی، صص۱۱۲-۱۱۰.

است.(۱)

سیّد محمّد حسین حسینی اصفهانی

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّدصادق حسینی اصفهانی، عالم فاضل و شاعر ادیب، وی کتاب «مشرق التوحید» در اصول دین را در سال ۱۲۳۷ق به نام فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده است. وی طبع شعر داشته و اشعاری از خود را در این کتاب آورده است.

نسخه ای از کتاب در کتابخانه شیخ محمّد سلطان المتکلمین در تهران موجود بوده است.(۲)

سیّد محمّد حسین حسینی اصفهانی

سیّد محمّد حسین بن سیّد محمّدصادق حسینی اصفهانی از فضلاء اوایل قرن چهاردهم هجری. احتمالاً از شاگردان مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه رشتی است. وی در ۴رمضان ۱۳۱۰ق نسخه ای از رساله «غصب» میرزا حبیب اللّه رشتی را به خط نستعلیق کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۵۹۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۳)

[شاید وی حاج میرزا حسین نایب الصدر اصفهانی آتی الذّکر باشد.]

سیّد حسین امامی عریضی

سیّد حسین بن سیّد محمّدصادق حسینی امامی عریضی اصفهانی، عالم فاضل، از بزرگان قرن سیزدهم هجری است. از شاگردان سیّد حجهالاسلام، حاج محمّد ابراهیم

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص ۲۸۰.

۲- الذریعه، ج۲۱، ص۴۹؛ الکرام البرره، ص۳۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص۵۴۴ و ۵۴۵؛ تذکره شاعران فارسی سرا، ص۳۳.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۴۱۲.

کلباسی و آقا سیّد محمّد مجاهد است. در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل پرداخته است.

از آثـار او کتـاب نسـخه ای از کتـاب «ذخیرهالمعـاد» تألیف ملّا محمّدباقر سبزواری است که آن را در سال ۱۲۳۰ه.ق به پایان رسانیده و در آخر کتاب از استاد خود سیّد حجهالاسلام یاد کرده است. نسخه مذکور به شماره ۹۲ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۱)

وی همچنین جلد اول «وسائل النّجاه» سیّد مجاهد را در ۱۶رمضان ۱۲۲۸ق به خط نسخ به پایان رسانیده و نسخه به شماره ۴۰۱ در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد موجود است.(۲)

میرزا حسین نایب الصدر

حاج میرزا حسین نایب الصدر ابن سیّد محمّد صادق خاتون آبادی ابن میرزا ابوالقاسم مدرس، عالم فاضل ادیب.

وی از شـاگردان شـیخ مرتضـی انصاری و حاج ملّا علی کنی بوده است. در ربیع الآخر سال ۱۳۲۶ق وفـات یافته و در زیر زمین تکیه خاتون آبادی در تخت فولاد مدفون گردید.

از آثارش کتابی است در دو مجلّد «شجره نامه سادات خاتون آبادی».(۳)

۱- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۰۹ و ۳۱۰؛ فهرست فیضیه، ج۱، ص۱۱۱.

۲- فهرست ادبیات مشهد، ص۲۴۶.

۳- رجـال اصـفهان یـا تـذکره القبور، ص۱۰۴؛ دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج۱، ص۵۴۴؛ سـیری در تاریـخ تخت فولاـد، ص۱۱۴؛ نقباء البشر، ج۲، ص۵۸۷.

سیّد حسین واعظ برزانی*

سیّد حسین واعظ برزانی فرزند سیّد محمّدصادق. عالم فاضل معاصر. در سال ۱۳۱۹ش در اصفهان متولّد شد. پدر و جدش از علمای اصفهان بودند. او پس از طی دوره ابتدائی در مدارس جدید به حوزه علمیه رفته و مقدمات علوم را آموخت. در سال ۱۳۳۶ش به قم رفت و سطح را نزد حضرات آیات: شیخ رحمت اللّٰه فشارکی، فاضل لنکرانی، اعتمادی، سلطانی طباطبائی و صالحی نجف آبادی فرا گرفت. سپس در درس خارج آیات عظام، سیّد محمّد محقق داماد، گلپایگانی، اراکی و امام خمینی شرکت کرد. فلسفه را نیز از علّامه طباطبائی و استاد مطهری آموخت.

او به علت فعالیّت های سیاسی علیه رژیم پهلوی دوبار دستگیر شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او در سال ۱۳۶۰ش امام جمعه شهر «بوئین میاندشت» شد. در سال ۱۳۷۲ش از آن منصب استعفا کرده و به اصفهان مراجعت کرد. او در کارهای خیریّه و عام المنفعه کوشا بوده و چندین مسجد، مدرسه، صندوق قرض الحسنه و مدرسه علمیه در برخی روستاها و شهرها را تأسیس نموده است.(۱)

ملّا محمّد حسین مازندرانی

ملّا محمّد حسین بن ملّا محمّد صالح بن احمد مازندرانی، عالم فاضل و ادیب شاعر، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. پدرش از علمای معروف اصفهان و داماد ملّا محمّدتقی مجلسی و مادرش آمنه بیگم دختر ملّا محمّدتقی مجلسی است.(۲) در اصفهان متولّد شد و نزد علمای این شهر به تحصیل پرداخت. آقا حسین خوانساری در سال ۱۰۸۹ق برای محمد حسین مازندرانی اجازه روایت نوشته که به احتمال بسیار زیاد همین فرزند ملّا محمّد صالح مازندرانی است.(۳) میرزا محمّدطاهر نصرآبادی از دوستان و

۱- دانشنامه ائمه جمعه کشور، صص ۹۶۰ و ۹۶۱.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۴۴ و ۳۴۵.

۳- دو گفتار، ص۲۱.

معاشران وی بوده و نوشته است که ملّا محمّد حسین «کمال مردمی و آزرم دارد. شرمش به حدّی است که گاهی به دیدن فقیر به مسجد لنبان می آید. شعر که می خواند، در آب و عرق غرق می شود.»(۱)

وی سرانجام به هندوستان رفته و احتمالاً در آنجا وفات یافته است. «مثنوی قضا و قدر» از سروده های اوست.(۲) خطوط نسخ و نستعلیق را نیز خوش می نوشت. وی نسخه ای از «عیون الحساب» را در اول شعبان ۱۰۹۳ق کتابت نموده که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در تهران موجود است.(۳) همچنین نسخه ای از «شرح کافی» تألیف پدر دانشمند خود را به خط نسخ ریز در جمادی الثّانی ۱۱۰۴ق کتابت نموده که به شماره ۴۷۷۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۴)

محدّث نوری نیز نسخه ای از «من لا یحضره الفقیه» را رؤیت نموده که ملّا محمّد حسین مازندرانی با خط زیبای خویش حواشی مفید و عالمانه بر آن کتاب نوشته که دلیل بر فضل و کمال اوست. این نسخه در کتابخانه حکیم در مسجد هندی نجف اشرف موجود بوده است.(۵)

میر محمّدحسین خاتون آبادی

میر محمّدحسین بن میر محمّد صالح بن میر عبدالواسع حسینی افطسی معروف به خاتون آبادی اصفهانی، عالم فاضل محقق و فقیه محدّث متکلّم، از علمای عالیقدر قرن دوازدهم هجری. در اصفهان به دنیا آمده و نزد علمای این شهر به تحصیل پرداخت.

برخی از اساتید و مشایخ اجازه ایشان عبارت است از: ملّا ابوالحسن فتونی عاملی، علّامه محمّدباقر مجلسی (جدّ مادری خود)، شیخ سلیمان ماحوزی بحرانی، میر محمّدصالح خاتون آبادی (پدرش)، سیّد علیخان مدنی شیرازی، آقا جمال الدّین محمّد

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص ۲۶۰.

۲- الذریعه، ج۱۷، ص۱۴۵.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۷۰۵.

۴- فهرست مجلس، ج۱۳، ص ۱۷۱.

۵- الکواکب المنتشره، ص ۲۲۱.

خوانساری و ملّا محمّد تنکابنی معروف به «فاضل سراب».

او در اصفهان مرجع امور شرعی و مدرس علوم دینی بوده و جمعی از علماء و فضلاء از شاگردان محضر درس او و یا اجازه گیرنده از او بوده اند، از جمله: میرمحمّد حسین حسینی اصفهانی، میرعبدالباقی خاتون آبادی (فرزندش)، سیّد عبداللّه جزائری، سیّد صدرالدّین محمّد قمی و ملّا محمّد بن محمّد زمان کاشانی اصفهانی.

او ذوق شعری نیز داشته و شعر می سروده است. خط را خوش می نوشته و به اصول و قوانین خط مسلّط بوده است.

میر محمّد حسین خاتون آبادی، در اواخر دوره صفویّه وزیر مریم بیگم عمّه شاه سلطان حسین بوده و در دوره افاغنه او را برای مصادره اموال شکنجه و آزار بسیار دادند و بنا به گفته خودش این مصائب و آلام در تصفیه روح او بسیار مؤثر واقع گردیده است. همچنین سالها امام جمعه اصفهان بود و در اواخر عمر، شیخ الاسلامی اصفهان را نیز بر او تکلیف کردند و او مجبوراً پذیرفت.

ملّامحمدعلی بن محمّدرضا تونی اصفهانی در پشت برگ یکی از اوراق کتاب «النهایه فی شرح الهدایه» که تألیف خود اوست، در یادداشتی واقعه فوت میرمحمّد حسین خاتون آبادی را چنین می نویسد:

«در شب دوشنبه ۲۳شوال هذه السنه [۱۱۵۱ق] میرمحمّد حسین شیخ الاسلام همشیره زاده [صحیح «دخترزاده» است]مولانا محمّدباقر مجلسی و خلف مرحوم میر محمّد صالح خاتون آبادی شیخ الاسلام برحمت حق واصل و روز جمعه نعش او را روانه مشهد مقدس نمودند رحمهاللّه علیهم اجمعین».

[میر سیّد علی مشتاق اصفهانی برای وفات او مرثیه ای سروده که مادّه تاریخ آن این بیت است:

خامه «مشتاق» گفت، از پی تاریخ سال:

«شد بسرای جنان، میر محمّد حسین»]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الواح سماویه»، در اختیارات روزها و هفته و سال ۲. «حواشی بر شرح تجرید

جدید» ۳. «البداء» ۴. «خزائن الجواهر»، در اعمال سال و برخی مسائل متعلق به برخی از ماهها و روزها و تحقیق در شب قدر و غیره ۵. «رساله در حکم نکاح بین عبدین» ۶. «رساله در زکوه و خمس و لقطه» ۷. «سبع المثانی» در زیارات ائمه عراق علیهم السلام ۸. «فهرست تصانیف علّامه مجلسی» ۹. «فهرست مؤلفات علّامه مجلسی» [که نسخه ای از آن به شماره ۲۲۶/۷ در کتابخانه سیّد ناصر میبدی در مشهد مقدس و نسخه ای دیگر به شماره ۳۹۰/۲ درکتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام در اردکان یزد موجود است. [۱۰. «کلمه التقوی» در تحریم غیبت. ۱۱. «محاسن الحصان» به فارسی که به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف شده، در یک مقدمه و هفت باب و خاتمه. تاریخ فراغت از تألیف جمعه ۲شعبان ۱۱۱۷ق در قریه «کرسکان» می باشد. و نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. ۱۲. «مفتاح الفرج» در استخاره ۱۳. مقاله در نام علمایی که از اهل سنت بوده و سپس شیعه شده اند. ۱۴. «مناقب الفضلاء» که آن را در ۱۱۳۸ق در قریه «خاتون آباد جهت شیخ زین الدّین بن عین علی خوانساری اصفهانی نوشته است. ۱۵. «منیهالمرید» ۱۶. [«المواهب السّنیّه فی کشف المعضلات الرّوضه البهیّه» که جلد نخست آن به خط مؤلف به شماره ۱۲۷۶۵ در کتابخانه آیت اللّه العظمی مرعشی نجفی موجود است. [۱۷. «النجّم الثّاقب» ۱۸. «نوروزیّه» ۱۹. «وسیله النّجاه» در زیارات بعیده.

نوادگان و اعقاب او [تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی] امام جمعه اصفهان و طهران بوده و نزد دولت های زمان خود اعتبار و احترام فراوان داشته اند. سادات معروف به تکمه چین نیز از این خاندان به شمار می روند.(۱)

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۱۲۷-۱۲۵؛ روضات الجنات،ج۲، ص۳۶۰؛ فوائد الرضویه، ج۲، صص ۴۹۴ و ۴۹۵؛ مصفی المقال، صص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۳؛ ایضاح المکنون، ج۲ ۱۲۲ ۱ و ج۲، ص ۷۰۸ و ۵۲۶؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۹۷۸؛ ریحانهالادب، ج۲، ص۱۰۰؛ لغت نامه دهخدا ذیل «خاتون آبادی»، ص۱۰؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۲۵۶؛ الذرّیعه، ج۳، ص۵۴ و ج۷، ص۲۵۴ و ج۱۲، ص۱۲۹ و ج۱۶، ص۳۸۰ و ج۱۸، ص۲۹۳ و ج۲۰، ص۱۲۶ و ج۲۲، ص۳۳۳ و ج۲۳، ص۲۰۹ و ج۲۴، ص۳۸۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۹؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۲۷ و ۲۸؛خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ۴۵ و ۴۶؛ دومین دو گفتار، ۶۲-۵۹؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ۵۳۲-۵۳۰.

شیخ محمّد حسین جویباره ای

شیـخ محمّد حسـین جویباره ای بن ملّا محمّد صالح بن ملّا محسن مازندرانی، عالم فاضل محقق، مادرش زهرا بیگم دختر سیّد صدرالدّین محمّد عاملی است. در اصـفهان متوّلد شده و در این شـهر و نجف اشرف به تحصیل پرداخته و پس از مراجعت از نجف اشـرف در مسجد معروف به «شیره پزها» و «مسجد شیشه گری» اقامه جماعت می نموده و مورد وثوق مؤمنین و مقدّسین بوده و دختر حاج سیّد جعفر بیدآبادی را به زوجیّت اختیار نموده است.

عاقبت در اصفهان وفات یافته و در «تکیه فاضل سراب» معروف به «تکیه جویباره ای ها» در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

محمّدحسین ابهری اصفهانی

محمّدحسـین بن طـالب ابهری اصـفهانی [از کاتبـان قرن یازدهم هجری و از اهالی قریه «ابهر» از بلوک جی اصـفهان] در شـنبه سوم جمادی الاولی سال ۱۰۸۲ق کتابت نسـخه ای از «اخبار العلماء به اخبار الحکماء» ابن قفطی را به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۳۴۸۰ در کتابخانه ملّی ملک طهران موجود است.(۲)

[همچنین او نسـخه ای از «النّهـایه فی غریب الحـدیث» تألیف را به خط نسـخ معرّب زیبا در ۹شعبان ۱۰۹۵ق کتابت کرده است که به شماره ۲۲۴ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۳)]

۱- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۲۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۲۱۷ و ۲۱۸؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۸۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۳.

۲- فهرست ملک، ص۲۲.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۱۹۵.

استاد حسین طاهرزاده*

استاد سیّد حسین طاهرزاده فرزند سیّد محمّد طاهر تویسرکانی خواننده و موسیقی دان هنرمند معاصر. پدرش از علمای ساکن اصفهان بوده و خود او در سال ۱۲۶۱ش در اصفهان متولّد شد. در ۱۷ سالگی به تهران رفت و تصادفاً با حسام السلطنّه که ویولُن را خوب می نواخت و ردیف های موسیقی را می دانست آشنا شد و از طریق او با سایر هنرمندان موسیقی همچون میرزا عبداللّه و سماع حضور آشنا شد. همچنین از «سیّد رحیم» یکی از موسیقی دانان آن عهده بهره بُرد. پس از آن به خانقاه ظهیرالدّوله راه یافت و به دیدار «درویش خان» نائل شد و با او طرح دوستی ریخت و به همراه او برای ضبط موسیقی به لندن رفت. او در کنسرت های انجمن اخوّت و کنسرت هایی که به نفع امور خیریه داده می شد شرکت داشت و سفری هم با درویش خان به تفلیس رفت. او در اواخر عمر چند سالی در اداره کل انتشارات رادیو و در شورای هفت نفره از موسیقی دان ها، فعالیت داشت.

طاهرزاده هیچ گاه موسیقی را پیشه خود قرار نداد. او چاپخانه ای در تهران داشت و با اداره آن امرار معاش می کرد، و سرانجام در ۱۵ شهریور سال ۱۳۳۴ش در تهران درگذشت.

آثار زیادی از استاد طاهرزاده از سال ۱۳۲۴ش به بعد که بر روی صحنه های گرامافون ضبط شده در دست است. او تنها کسی است که در بین خوانندگان قدیم سبکی ممتاز داشته است. تحریرهای او متنوع بود و توجّه کامل به درست ادا کردن اشعار داشت، و تلاش می کرد در خواندن جنبه خبری یا استفهامی اشعار را رعایت کند.(۱)

۱- چهره هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران، ص۱۱۰؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، صص ۳۶۲-۳۶۰.

حسین صالحانی

ابو منصور (ابوعبداللّه) حسین بن طلحه بن حسین بن ابی ذر محمّد بن ابراهیم بن علی صالحانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری و از اهالی محله صالحان اصفهان است. او شیخی عالم و صالح و صاحب سیره نیکو و از خاندان علم و حدیث بوده است. در سال ۴۴۹ق متولّد شده و از ابوالقاسم ابراهیم بن منصور بن ابراهیم سلمی، ابوسعد احمد بن محمّد معروف به «عیّار» و ام الحسن عایشه ورکانیه و دیگران استماع حدیث کرده است. ابوسعدسمعانی در اصفهان از وی اخذ حدیث می نماید. صالحانی در رجب سال ۵۳۲ق در اصفهان وفات یافته است.(۱)

ملّا محمّد حسین دهنوی اصفهانی

ملّا محمّد حسین بن ملّا عادل دهنوی اصفهانی، از فضلاء و ادباء قرن سیزدهم هجری است. وی کتاب «جامع المعجزات» را در سال ۱۲۳۴ق تألیف نموده و شامل یک مقدمه و یک خاتمه و دوازده باب است. مقدمه، در تعداد اوصیاء پس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله و این که عدد ۱۲ است و دلیل امامت آنها به دلیل عقلی و نقلی. در ۱۲باب به شرح حال ۱۲ امام شیعه پرداخته شده و خاتمه در فوائد متفرقه است. مؤلف شعری از خود در کتاب آورده است:

گر بند مؤلف گسلد از بندش

ور خاک شود وجود حاجتمندش

حقا که ز مشرق دلش سر نزند

جز مهر علی و یازده فرزندش

محمّدحسین پرورش*

استاد حاج محمّدحسین پرورش فرزند استاد عباس زرگر از هنرمندان معاصر اصفهان. او در قلمزنی بر روی طلاه و نقره و طلاکوبی استاد بود. در سال ۱۲۸۹ش متولّد شد. در ۸ سالگی پدر را از دست داد. و به هنر روی آورد و در ۱۶ سالگی به استادی رسید. او

۱- التّحبیر، ج۱، ص۲۳۲؛ معجم البلدان، ج۳، ص۳۸۹.

هنرمنـدی عاشق و مؤمن بود و با عمق وجود و با جان و دل آثار هنر ارجمنـدی خلق می کرد. از ساخته های هنرمندانه زرگری و طلاکاری او در حرم و رواق های حرم حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام، حضـرت مسـلم بن عقیل، حضرت قاسم برادر امام رضاعلیه السـلام، حضـرت سیدالشهداءعلیه السلام، حضرت ابوالفضل، ضریح حضرت عسکریین علیهم السلام همگی در عراق و حرم حضرت زینب(سلام اللّٰه علیها) و ام کلثوم در سوریه، همچنین ساخت درب های رواق های حرم مطهر، بازسازی ضریح قبلی، بازسازی درب های قدیمی قبلی، طلاکاری گنبد مطهر و یکی از گلدسـته های بارگاه مطهر حضـرت رضاعلیه السلام در مشـهد مقدس، بازسازی حرم حضـرت معصومه(سـلام اللّٰه علیها) و ساخت درب های حرم و زیارت نامه های آن حرم در شهر قم، بازسازی ضریح و گلدسته گنبد شاهچراغ در شیراز بوده است.

وی سـرانجام در اوایل مهر ماه ۱۳۸۲ش درگـذشت و در قطعه هنرمندان واقع در قبرسـتان باغ رضوان اصـفهان به خاک سپرده شد.(۱)

استاد حسین یاوری*

حسـین احمدیان معروف به «اسـتاد حسین یاوری» فرزند عباس، موسیقی دان هنرمند معاصر در سال ۱۲۹۹ش در اصفهان متولّد شـد. در کـودکی بـه نـواختن نی علاقمنـد شـد و در نوجـوانی ه فراگرفتن موسـیقی و نـواختن نی پرداخت و از محضـر اسـاتید موسـیقی نایب اسـداللّٰه، مهـدی نوائی، سـیّد عبدالرحیم، میرزا حسـین خضوعی، حبیب شاطرحاجی، غلامرضا سارنج، اکبرخان نوروزی و دیگران کسب فیض کرد تا به درجه استادی رسید.

او در نواختن نی در روزگار خویش هنرمنـدی بدیل بود و در آواز نیز تسـلط داشت. با گوشه ها و الحان موسـیقی آشـنا بود و دهها تن از علاقمندان موسیقی از معلومات موسـیقائی او بهره بردند. اسـتاد یاوری با استاد جلال تاج، استاد علی آقا شهنازی و استاد

۱- تاریـخ اصـفهان (هنر و هنرمندان)، صـص ۳۵۲ و ۳۵۳؛ هفته نامه صـدا، سال چهارم، شـماره ۱۶۷۸، مورخ ۱۲ مهر ۱۳۸۲، ص۶.

علی ساغری همکاری نزدیک داشت.

او در اثر حادثه ای بینائی خود را از دست داد. امّا حافظه قوی و معلومات فراوان او باعث شد توجّه و مراجعه علاقمندان موسیقی به او روز به روز بیشتر شود. او تا پایان عمر همسری اختیار نکرد و سرانجام در ۲۲آذر ۱۳۷۵ش چشم از جهان فرو بست و در شمال تکیه فاضلان واقع در تخت فولادبه خاک سپرده شد.

مرحوم استاد منوچهر قدسی برای او مرثیه ای سروده و ماده تاریخ فوت او را در این بیت آورده است:

بنوشت «قدسی» از پی تاریخ فوتش

«اندر بهشت جاودان خرم قدم زد»(۱)

خسرو سینائی از فیلم سازان برجسته سینمای ایران در سال ۱۳۵۲ش فیلمی ۱۴دقیقه ای از او، برای رادیو تلویزیون ملّی ایران ساخته است.

میر محمّد حسین سلطان العلماء

میر محمّد حسین سلطان العلماء بن میر عبدالباقی بن میر محمّد حسین بن میر محمّد صالح خاتون آبادی، عالم فاضل و فقیه مجتهد، از علمای بزرگ اصفهان در قرن سیزدهم هجری.[شب یکشنبه سلخ ذی القعده ۱۱۶۰ق در اصفهان] متولّد شده(۲) و نزد جمعی از علماء به ویژه آقا محمّدباقر وحید بهبهانی به تحصیل پرداخته و از پدر خود اجازه دریافت داشته است. سیّد زین العابدین موسوی خوانساری (پدر میرزا محمّدباقر صاحب روضات و میرزا هاشم چهارسوقی) از او اجازه دریافت نموده است.

او در سال ۱۲۰۸ق پس از وفات پدر به امامت جمعه اصفهان منصوب شده و دارای نفوذ و شهرت و اعتبار فراوان گشته و ریاست دینی شهر را کسب نموده و به لقب «سلطان

۱- تاریخ موسیقی ایران، صص ۶۲۰ و ۶۲۱؛ چهره افروختگان خطه زنده رود، صص ۱۴۰ و ۱۴۱؛ دولت دیدار، صص ۲۹۸ و ۲۹۹؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۴۱؛ سیمای هنرمندان ایران، ج۳، صص ۱۰۹-۱۰۷؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، صص ۶۲۰ و ۶۲۱.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان، ج۱، ص۳۳۹.

العلماء» ملقّب شده است و علاوه بر آن به تدریس فقه و اصول و حدیث و کلام مشغول بوده و در مجلس درس او حدود هشتصد نفر از طلّاب حاضر می شده اند.

[وی حامی دین و ملّت و پشت و پناه مظلومان بوده و در جریان تبلیغات «هنری مارتین» مسیحی معروف به «پادری» علیه اسلام، به مقابله پرداخته و در ردّ عقاید او کتاب نوشته است و در قضایای جنگهای ایران و روس و اشغال سرزمین مسلمانان به دست کفار روس در کنار بسیاری از مجتهدان و مراجع فتوای جهاد علیه روس های متجاوز را صادر نموده است.]

مشارالیه قبل از طلیعه صبح روز ۱۶ماه صفر سال ۱۲۳۳ق در اصفهان وفات یافته است.(۱)

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «حاشیه معالم الاصول» که آن را به عربی نوشته است. نسخه ای از آن که تا مبحث «حجیّت خبر واحد» را دارد و به دست محمّد موسوی مشهدی، در ذیقعده ۱۲۲۳ق در اصفهان کتابت شده و به شماره ۹۰۸۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. (۲) ۲. «رساله در توحید»، به عربی که به شماره ۱۸۲۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۳)

[۳. «رساله جهادیه» به فارسی که رساله ای است مفصّل به صورت پرسش و پاسخ درباره مسائل فقهی جنگ ایران و روسیه که شامل ۲۴پرسش و پاسخ و یک خاتمه در اخلاق و نصیحت پادشاهان است و به شماره ۱۲۶۲۰ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۱۳؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۲۲۲؛ ریحانهالادب، ج۲، ص۱۰۰؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۳۹۶ و ۳۹۷؛ الذریعه، ج۴، ص۱۷۱ و ج۵، ص۲۹۶ و ج۱۰، ص۲۱۵ و ج۱۱، ص۲۱۵ و ج۲۳، ص۱۷؛ تاریخ اصفهان(جابری)، مکارم الآثار، ج۳، صص ۹۶۰ و ۹۶۱؛ معجم المؤلفین، ج۹، ص۲۴۱؛ روضات الجنات، ج۷، صص ۱۰۷ و ۱۸۳؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «خاتون آبادی»، ص۹؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۵۰۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۹۳.

۲- فهرست رضوی، ج۱۶، صص ۱۹۹ و ۲۰۰.

۳- فهرست مجلس، ج۹، ص۴۵۵.

قم موجود است.(۱)] نسخه دیگری از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که به خطّ زیبای «محمّد هادی» نوشته شده و در سال ۱۲۶۲ق وقف شده است.] (۲) ۴. «رساله در ردّ پادری نصرانی» [که آن را در جمعه ۱۰ ربیع الاوّل سال ۱۲۳۱ق به فارسی تألیف نموده است. نسخه ای از آن به خط محمّدحسین بن محمّد جعفر قهبائی به شماره ۵۵۲۴/۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)] نسخه دیگری از این کتاب به شماره ۳۹۵۳ در کتابخانه مجلس شورای ملّی سابق موجود است.(۴) ۵. «رساله در قضا و قدر» ۶. «رساله در منجزات مریض» [۷. «رساله در جواز نقل نعش به مشاهد» که به خط محمّد حسین بن محمّد جعفر قهپائی کتابت شده و به شماره ۵۵۲۴/۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.](۵) ۸. «مصابیح القلوب» [در احکام به فارسی، در یک مقدّمه و ۵باب که باب پنجم آن نوشته نشده است. نسخه ای از آن که به خط «زین العابدین بن عبدالمطلّب موسوی» در چهارشنبه ۸صفر ۱۲۲۵ق کتابت شده و دارای حواشی مؤلف با نشانه «منه مدّ ظلّه العالی» که به شماره ۹۸۲۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدّس موجود است.(۶)] نسخه ای دیگر از این کتاب در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۷)

[وی نسخه ای از کتاب «البهجه المرضیه» تألیف: سیوطی را در پنج شنبه ۵محرم الحرام ۱۲۳۱ق را به خط نسخ کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم وجود دارد.(۸)]

۱- فهرست مرعشی، ج۳۲، صص۳۹ و ۴۰.

۲- الذریعه، ج۵، ص۲۹۶.

۳- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۲۸.

۴- فهرست مجلس، ج ۱۰، ص۲۰۸۸.

۵- فهرست مرکزی دانشگاه تهران، ج۱۶، ص۲۸.

۶- فهرست رضوی، ج ۲۰، صص۴۵۷ و ۴۵۸.

۷- فهرست مرعشی، ج۲، ص۲۴.

۸- فهرست مرعشی، ج۱۴، ص۱۸۳.

سیّد محمّدحسین بهشتی

سیّد محمّد حسین بن میر عبدالباقی بن میر محمّدرضا حسینی بهشتی، از علمای قرن سیزدهم هجری. مؤلف کتابی در ادعیه سه ماه (رجب، شعبان و رمضان) مدفون در تکیه بهشتی در شمال مصلای تخت فولاد.(۱)

میر محمّد حسین قوام المحدثین*

حاج میر محمّدحسین امامی عریضی ملقب به «قوام المحدثین» بن سیّد عبدالباقی بن سیّد میرزا امامی عریضی اصفهانی، خطیب دانشمند و واعظ توانای نیمه نخست قرن چهاردهم هجری قمری. در اصفهان متولّد شده و در این شهر به تحصیل علم و فضل پرداخته است. در تاریخ معصومین علیهم السلام و اخبار و اشعار و اخلاق معلومات فراوان و صدایی گیرا و بسیار ملیح داشته و اغلب الحان و آوازها را در کمال استادی می خوانده است و بزرگان و اعیان شهر و علمای مشهور همچون آقانجفی برای مجالس وعظ و خطابه او را بر سایر اقران عصر خویش مقدّم می شمرده اند.

سرانجام در ۹شعبان ۱۳۴۶ق (مطابق لوح مزار وی) وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه جویباره ای ها (مشهور به تکیه فاضل سراب) در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

در برخی از کتابها او را برادر سیّد محمود بن سیّد عبدالعلی موسوی درب امامی دانسته اند که صحیح نیست.(۳)

میر محمّد حسین خاتون آبادی

میر محمّدحسین بن میر عبدالحسین بن میر محمّدباقر حسینی خاتون آبادی، عالم فاضل، از فضلای قرن دوازدهم هجری.

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۳۶.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ: نسخه خطی؛ یادنامه آیت اللّه فقیه امامی، صص ۳۰ و ۳۱.

۳- بنگرید به: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۵۵.

وی در سال ۱۰۷۳ق در اصفهان متولّد شد(۱) و در این شهر به تحصیل پرداخت. سال وفات او معلوم نیست. مقبره او در تکیه خاتون آبادی ها واقع در تخت فولاد قرار داشته است.(۲)

[پسر عمویش میر محمّدباقر نسخه ای از «ترجمه اناجیل اربعه» از تألیفات خود را به میر محمّدحسین اهداء کرده است.(۳)

همچنین میر محمّدحسین خاتون آبادی مالک نسخه ای از کتاب «عدّه الدّاعی» بوده است.(۴)]

میرزا محمّدحسین ادیب*

میراز محمّد حسین ادیب فرزند حاج میرزا عبدالرحیم سمیرمی از فضلاء و هنرمندان اوایل قرن چهاردهم هجری. پدرش از خوشنویسان معروف عهد قاجاریه است. خود او در علوم دینی مهارت داشت و خطشناس زبردست و خوش ذوقی بود. او کتابخانه ای بزرگ با چندین هزار جلد کتاب داشت که پس از فوتش به کتابخانه آیت اللّه بروجردی اهداء شد. وی عمر خود را در تجرّد و بدون زن و فرزند سپری ساخت و در حدود ۸۰ سالگی در قم وفات یافته و در یکی از حجره های صحن مرقد مطهر حضرت معصومه(سلام اللّه علیها) مدفون شد.(۵)

میرزا محمّدحسین نائینی*

میرزا محمّدحسین نائینی بن عبدالرحیم شیخ الاسلام بن حاج میرزا محمّدسعید بن حاج میرزا عبدالرحیم نظرعلی شاه منوچهری نائینی از اکابر علماء و فقهاء قرن چهاردهم

۱- وقایع السّنین و الاعوام، ص۵۲۳.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴.

۳- تراجم الرّجال، ج۲، ص۶۶۶ و ۶۶۷.

۴- فهرست مجلس، ج۱، بخش چهارم، ص۱۹۱۹.

۵- سیمای دهاقان، ص۲۷۷ و اطلاعات متفرقه.

هجری.

در ۲۷ ذیقعده ۱۲۷۶ق در نائین متولّد شده و در اصفهان نزد علمای بزرگ آنجا همچون حاج شیخ محمّدباقر نجفی و فرزندش حاج شیخ محمّدحسین صاحب تفسیر، میرزا ابوالمعالی کلباسی، آقا سیّد محمّدباقر چهارسوقی (صاحب روضات)، آخوند کاشی، جهانگیر قشقائی، ملّا محمّدباقر فشارکی و حاج میرزا بدیع درب امامی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۰۳ق به عتبات عالیات رفت و نزد آیات عظام میرزا محمّدحسن شیرازی و سیّد محمّد فشارکی و در کربلا نزد سیّد حسن صدر و در نجف نزد آخوند خراسانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت.

پس از وفات میرزا محمّدتقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی، مرجعیت شیعه به او منتهی شد.

در نهضت مشروطیت ایران او از مشروطه خواهان حمایت کرد و مبانی دینی و شرعی مشروطیت را در کتاب «تنزیه الأُمه و تنبیه الملّه» بیان کرد. و در ماجرای استبداد صغیر فتاوایی در حمایت از مشروطه خواهان مخالف محمّدعلی شاه صادر نمود. اما چندی نگذشت که میرزای نائینی به خاطر حضور چهره های مخالف دین و وابسته به انگلیس در مصدر امور و اعدام و کنار زدن علماء مشروطه خواه و بنیان گذاران مشروطیت، از اقدامات خود ابراز پشیمانی کرده و به جمع آوری و محو کتاب «تنزیه الامه» پرداخت.

پس از آنکه دولت عراق خواست انتخابات مؤسسان را فراهم کند و این اقدام به زعم شیخ مهدی خالصی مخالف شرع بود، مرحوم خالصی به این اقدام اعتراض کرد و درنتیجه به ایران تبعید شد. آیات عظام نائینی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی نیز به حمایت برخاسته و معترضانه به ایران مهاجرت کردند. پس از آنکه دولت عراق با تبعات اقدام ناپسند خود مواجه شد، در اقدام خود تجدیدنظر کرد و آیات عظام نائینی و اصفهانی پیروزمندانه به نجف اشرف بازگشتند.

میرزای نائینی در علم اصول تحقیقات عمیقی انجام داد و نظرات جدیدی را ارائه

کرد. همچنین در مجلس درس او صدها مجتهد و عالم عالیقدر تربیت شدند که بسیاری از آنان بعدها در عداد مراجع عراق و ایران قرار گرفتند. از تقریرات وی در اصول دو دوره کامل بنام «فوائد الاصول» به قلم شیخ محمّدعلی کاظمینی در چهار جلد «و أجود التقریرات» به قلم مرحوم آیت اللّه خوئی در چهار جلد منتشر شده است.

وی در جمعه ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۵۵ق وفات یافته و پس از اقامه نماز توسط آیت اللّه اصفهانی بر پیکرش در یکی از حجره های صحن مطهر حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر عروهالوثقی» ۲. «وسیله النجاه» به فارسی که رساله عملیه مختصری برای مکلّفان و مقلّدان است. ۳. «رساله در لباس مشکوک»، مطبوع ۴. «تنبیه الاُمّه و تَنزیه الملّه» که در سال ۱۳۲۷ق تألیف شده و به طبع رسید. این کتاب بارها در ایران چاپ شده است، «الفتاوی» از فتاوی وی در دو مجلد جمع و طبع شده و چند رساله دیگر.(۱)

سیّد حسین شجره

سیّد حسین شجره بن عبدالرسول بزمی، شاعر و ادیب دانشمند، در سال ۱۲۷۸ش (و بابه نوشته سخنوران نامی معاصر در سال ۱۲۷۱ش) متولّد شد. تحصیلات ابتدایی را در قهفرخ از توابع چهارمحال بختیاری انجام داد و چندین سال به تدریس در مدارس

۱- نقباء البشر، ج۲، صص ۵۹۶-۵۹۳؛ ماضی النّجف و حاضرها، ج۳، ص۳۶۴؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۷۷۳؛ زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص۶۰؛ مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۱۸۲-۲۱۶۹؛ مجله حوزه، شماره ۷۶ و ۷۷؛ نائین بلده طیّبه، صص ۱۰۱-۹۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، ص۲۰۳؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۴؛ ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص۲۲۹؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۱۲۶؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۱۶؛ لغت نامه دهخدا: ذیل «حسین»، ص۱۶۷؛ الذریعه، ج۴، ص۴۴۰ و ج۶، ص۱۴۹ و ج۱۱، ص۱۵۰ و ج۱۴، ص۱۸۳؛ معارف الرّجال، ج۱، ص ص ۲۸۸-۲۸۴؛ معجم رجال الفکر و الادب فی النّجف الاشرف، ص۴۳۵.

آموزش و پرورش پرداخت سپس به تهران آمد و در کالج آمریکائی (البرز) به تحصیل پرداخت و دوره متوسّطه را به پایان رسانید. آن گاه وارد دانشکده حقوق گردید و از آن دانشکده فارغ التّحصیل گردید و در دادگستری و سپس وزارت دارایی به کار پرداخت. او همچنین با روزنامه های کیهان و ایران همکاری داشت.

سرانجام در جمعه ۲۱ جمادی الثّانی ۱۴۰۲ق در طهران وفات یافت. این کتب از تألیفات اوست:

۱. «تحقیق در احوال و رباعیات خیّام» [۲. «راز کامروایی»] ۳. رساله در تعبیر رؤیا و روانشناسی امروز ۴. ترجمه «شخصیّت مولوی» تألیف: نیکلسون ۵. علم معاش [۶. «قوای روحی و قوانین فرمانروایی» ۷. «کتب و تجارت عمومی» ۸. «مقدمه ای بر جغرافیای اقتصادی».

همچنین «گلزار ایران» مجموعه مقالاتی درباره ادبیات پیش از اسلام تا قرن هفتم هجری که در روزنامه ایران و «در محفل انس» چه شنیدم» در روزنامه کیهان به طبع رسیده است.]

در سرودن شعر طبعی روان داشت. ابتدا «ناهید» و سپس «شیوا» تخلّص می کرد. این شعر از اوست:

زلف مشکین بر رخ سیمین پریشان کرده ای

آفتابی را به زیر ابر پنهان کرده ای

در هوای آتشین رُخسار خویش از هر طرف

ای بسا مرغ دل اندر سینه بریان کرده ای(۱)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۹۵؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۳، ص۱۹۱۷؛ دائرهالمعارف دانش بشر، ص۱۲۰۵؛ مکارم الآثار، ج۷، ص۲۷۰۹؛ مؤلّفین کتب چاپی، ج۲، صص ۷۶۰ و ۷۶۱.

سیّد حسین محمودی خوراسکانی*

سیّد حسین محمودی خوراسکانی، عالم فاضل فرزند حاج میرزا عبدالعلی بن میر محمّدصادق، از فضلاء و علمای حاضر.

در سال ۱۳۲۹ق در خوراسکان متولّد شده و در اصفهان نزد شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، حاج آقا رحیم ارباب، آقا سیّد محمّدرضا خراسانی و حاج آقا حسین خادمی به تحصیل پرداخت. سپس در خوراسکان به اقامه جماعت و موعظه و خطابه مشغول شد.

وی در سال ۱۴۲۳ق وفات یافته و در حرم امامزاده ابوالعباس خوراسکان مدفون شد.(۱)

محمّدحسین خوراسکانی

محمّدحسین بن عبدالفیاض خوراسکانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. از اهالی قصبه «خوراسکان» جی اصفهان بود و در ماه ربیع الاوّل ۱۲۵۸ه.ق نسخه ای از کتاب «مغنی اللبیب» را به خط نسخ کتابت کرد. این نسخه به شماره ۹۷۴۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۲)

میرزا محمّد حسین شمیم اصفهانی

میرزا محمّد حسین اصفهانی معروف به پیر فرزند عبدالکریم شیرازی اصفهانی، شاعر، خوشنویس و ادیب فاضل، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. اجدادش از شیراز به اصفهان آمدند و او در اصفهان به دنیا آمده و علم و ادب آموخت. در زمان نادر شاه به قضای لشکر منصوب شد و چندی بعد به کلانتری اصفهان برگزیده شد و کمی بعد در سال ۱۱۵۹ق به دستور نادر شاه کشته شد. خط شکسته را خوش می نوشت. شعر را نیز

۱- رساله خوراسکان (تألیف: محمّدعلی ربّانی خوراسکانی): خطی.

۲- فهرست رضوی، ج۱۲، ص۴۴۶؛ خورشید جی، ص۳۱۲.

نیکو می سرود و «شمیم» تخلّص می کرد.

از اوست:

ز سوز عشق تو آن را که نیم جانی هست

چو شمع تا نفس واپسین زبانی هست(۱)

شیخ محمّد حسین واعظ شیرازی

شیخ محمّد حسین واعظ بن حاج عبدالکریم شیرازی، عالم فاضل واعظ. وی نواده دختری شیخ محمّد تقی رازی، در اصفهان ساکن بود و به وعظ و خطابه مشغول بود. در سالهای جوانی در جمعه غرّه شوال ۱۲۸۸ق وفات یافته، در ضلع شرقی تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون شد.

ماده تاریخ وفاتش را «بهاء» گفته است:

از پی تاریخ او «بهای» حزین گفت:

«شیخ حسین از زمانه کام ندیدی»(۲)

حسین ایلیا*

استاد حسین ایلیا فرزند عبداللّه بن استاد آقاجان کاشی پز اصفهانی. هنرمند برجسته کاشی سازی اصفهان در سال ۱۳۰۱ش در اصفهان متولّد شد. در نوجوانی نزد پدر و سپس عمویش به هنر کاشی سازی پرداخت و آنرا فرا گرفت.

کاشی کاری مسجد سلطانی سمنان، سردرب ارگ سمنان، زیر گنبد باغ رضوان ارومیه، مسجد امام و گنبد آن در اصفهان، حرم مطهر حضرت زینب و حضرت

۱- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ۵۲۴؛ تذکره سفینه المحمود، ج۲، ص۴۹۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل شمیم، ص۶۱۴: نتایج الافکار، ص۳۹۵؛ تذکره شمع انجمن، ص۳۷۲؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۲۹ و ۱۳۰؛ شهداء الفضیله، ص۲۵۴؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، ص۱۳۲؛ الذریعه، ج۹، ص۵۴۶؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۲، ص۳۱۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۵؛ گلشن اهل سلوک، صص ۲۰۶ و ۲۰۷.

رقیه(علیهماالسلام) در سوریه، حمام گنجعلی خان کرمان، کاخ نیاوران در تهران، کاخ گلستان در تهران، مسجد اعظم قم، حسینیه بنی فاطمه اصفهان و دهها نمونه کاشیکاری دیگر از آثار هنری به جای مانده از استاد حسین ایلیا است.(۱)

حسین اصفهانی

حسین بن عبداللَّه بن محمّد بن محمّد حسین اصفهانی [از کاتبان قرن سیزدهم هجری]در سال ۱۲۹۳ق کتاب «سیف الذّاکرین» به فارسی را که عبارت از مجالس و مطالبی راجع به منبر می باشد را کتابت نموده است. نسخه به شماره ۹۸۲ در کتابخانه آیت اللَّه گلپایگانی موجود می باشد.(۲)

حسین اُسواری اصفهانی

حسین بن عبداللَّه بن نمراذ اُسواری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در اوایل قرن چهارم هجری است.

وی از محمّد بن یحیی بن منده و عبداللَّه بن محمّد بن عمران حدیث شنیده است.(۳)

ملّا حسین گریان اردستانی

ملّا حسین متخلّص به «گریان» ابن ملّا عبداللَّه شهرابی اردستانی، واعظ صالح و ادیب شاعر، از نویسندگان زبردست و شعرای عالیقدر و وعاظ محترم بوده و سرانجام در سال ۱۳۱۰ق به مرض وبا در تهران وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «انوار المجالس» در دو جلد مطبوع، که در سالهای ۱۲۸۰ تا ۱۲۹۹ق تألیف شده است. ۲. «تخمیس دوازده بند محتشم کاشانی» ۳. «حمله مختاریه»، [که در سال

۱- مصاحبه با استاد حسین ایلیا در۵ مرداد۱۳۷۳ش.

۲- فهرست گلپایگانی، ج۲، ص۱۰۴.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۸۲.

۱۳۲۳ق به طبع رسیده است.] ۴. «تذکره الحال» ۵. «صومّیه» ۶. «طریق البکاء»، به فارسی، که در سال ۱۲۷۳ق به طبع رسیده و در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۱۱ مجدّداً به چاپ رسیده است. ۷. «عشرهالنساء»(۱)

میرزا محمّد حسین اژه ای

میرزا محمّـد حسین اژه ای ابن ملّا عبـداللّه بن ملّا علی اکبر اژه ای اصـفهانی، عالم فاضل متّقی، متوفی شب چهارشـنبه ذیقعـده ۱۳۰۲ق مدفون در تکیه اژه ای ها نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد اصفهان.(۲)

محمّد حسین فریدنی

محمّـد حسین بن عبـداللّه فریدنی خطاط نسخ نویس. در روز پنج شـنبه ربیع الاوّل ۱۲۳۶ق کتابت نسـخه ای از «حقایق» فیض کاشانی را به خط نسخ به پایان رسانیده و کتاب به شماره ۲۴۹۴ در کتابخانه ملّی ملک در طهران موجود است.(۳)

حسین خَلّال اصفهانی

ابو عبداللّه حسین بن عبدالملک بن حسین خَلّال (حکاک) اصفهانی ادیب، از محدّثین و ادبای قرن ششم هجری است.

پسر عمویش ابومحمّـد بختیاربن محمّـد خلّال، از مشایخ ابن عساکر مؤلّف تاریخ دمشق است. ابوالقاسم ابراهیم بن منصور بن ابراهیم سلمی (خبّاز) و ابوطاهر احمد بن

۱- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۵ و ۵۴۶؛ الذریعه، ج۲، صص ۴۳۹ و ۴۴۰ و ج۴، ص۳۰ و ۱۰ و ج۱۵، صص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ نقباء البشر، ج۲ صص ۵۵۹ و ۵۶۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۳، ص ۱۶۳۰.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۲.

۳- فهرست ملک، ص۲۶۳.

محمود بن احمـد ثقفی از او نقل حدیث می کنند.(۱) ابوالقاسم اسـماعیل بن محمّد بن فضل تیمی اصفهانی نیز در سال ۵۳۲ق نزد او به قرائت حدیث پرداخته است.(۲)

میرزا محمّد حسین ولی اللهی

میرزا محمّد حسـین ولی اللهی فرزند آملّا عبداللّه، از نقاشان معاصـر اصـفهان است. در فن نقاشـی استاد بوده و در دبیرستانهای اصـفهان به تدریس درس هنر مشغول بوده است.(۳)] وی سرانجام در دوشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۴۲ش وفات یافته و در صحن تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد به خاک سپرده شده است.(۴)]

دکتر حسین مولوی*

دکتر حسـین مولوی ابن عبدالمولی بن شـیخ محمد حسـین مولوی خوانساری، از اساتید دانشـگاه در سال ۱۳۲۱ش در اصفهان متولد شده و پس از تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه، در آمریکا ادامه تحصـیل داده و سـرانجام موفق به اخذ دکترای روانشناسی تربیتی از دانشـگاه ایـالتی تگزاس آمریکـا شـده است. پس از بازگشت به ایران به تـدریس در دانشـکده علوم تربیتی دانشـگاه اصفهان پرداخت.

از آثار ایشان ترجمه «اصلاح رفتار ناسازگار» نوشته «اُوْ اِنْریک» به چاپ رسیده است.

۱- تبیین کذب المفتری، صص ۴۱۸ و ۳۳۳ و ۳۷۹ و ۴۰۲؛ التّحبیر، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲- فهرست خطی احیاء، ج ۲، صص ۲۲۶-۲۲۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۵۴.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

ملّا محمّد حسین رضوانی جرقوئی

ملّا محمّد حسین رضوانی نیک آبادی جرقویه ای فرزند رضا عبدالهادی شاعر ادیب و خوشنویس. از سخنوران معاصر، در محل تولّد خود کسب معلومات کرده و به تعزیه خوانی سرگرم بوده است. وی مجموعه ای از اشعار مناسب تعزیه خوانی را به نام «جُنگ» گردآوری کرده است.(۱)

حسین اصفهانی

حسین بن عزیزاللّه اصفهانی، از فضلاء و نویسندگان کتب در قرن سیزدهم هجری است.

وی کتاب «نماز برهنه» که فتاوای مرحوم سیّد حجّهالاسلام شفتی (به فارسی) در آن توسط شیخ محمّد حسین طهرانی کربلائی جمع آوری شده را در سال ۱۲۴۶ه.ق کتابت نموده است.

ظاهراً صاحب عنوان از شاگردان درس سیّد حجهالاسلام است.(۲)

میرزا حسین آفارانی

میرزا حسین بن شیخ علی آفارانی، از وعاظ معاصر اصفهان و از اهالی قریه «آفاران» در غرب شهر اصفهان [که اکنون به شهر پیوسته و از محله های اصفهان به شمار می رود]متوفّی ۱۴رمضان المبارك سال ۱۴۰۱ق مدفون در تکیه آقا محمّد بیدآبادی.(۳)

کمال الدّین حسین اصفهانی

کمال الدّین حسین بن میرزا علی اصفهانی، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. ظاهراً از شاگردان میر سیّد احمد علوی عاملی بوده است.

۱- گرگویه، ص۱۸۷.

۲- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۰۵ و ۳۱۰.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۵.

وی کتاب «جامع الفوائد»، در شرح «لغز لوامع ربّانی» را تألیف نموده است. این نسخه در شماره ۷۴۳۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

کتاب «لوامع ربّانی» از تألیفات سیّد احمد بن زین العابدین علوی عاملی می باشد.

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن مجدالدّین علی اصفهانی [از کاتبان قرن دهم هجری] از آثارش کتابت برگی از کتاب «اختیار الرّجال» شیخ طوسی است که ضمن مجموعه شماره ۶۸۷۷ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۲)

سیّد محمّد حسین بختیاری

سیّد محمّد حسین بن سیّد علی بن ابوالقاسم بن محمّد حسن بختیاری، عالم فاضل و فقیه متبحّر، در سال ۱۳۰۴ق متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات به نجف اشرف مهاجرت نموده و به درس آخوند خراسانی و میرزا محمّد تقی شیرازی حاضر شد. سپس خود حوزه درس و بحث تشکیل داد و جمعی کثیر از فضلاء در درس او حاضر شدند. او دختر مرحوم آیت اللّه سیّد ابوالحسن اصفهانی را به زوجیت گرفت. در اواخر عمر به بیماری مبتلا شده و به ناچار به ایران بازگشته و در تهران به معالجه پرداخت. ولی فایده ای نبخشیده و در ۲۶ محرم ۱۳۶۸ق وفات یافته است.

وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «حاشیه علی وسیله النجاه» تألیف آیت اللّه اصفهانی ۲. «رساله در قاعده لاضرر و لاضرار» ۳. «حاشیه بر کفایه الاصول» (۳) [۴. «القواعد الفقهیه» ۵. «الاصول» ۶. «حاشیه علی المکاسب»(۴)]

۱- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۲۴۱.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۸، ص۷۳.

۳- نقباء البشر، ج۱، صص ۶۰۴ و ۶۰۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۳۱؛ دائرهالمعارف تشیع، ج۳، ص۱۲۷.

۴- مستدرک فهرس التراث، ص۶۸.

شیخ محمّد حسین مشکینی

شیخ محمّد حسین مشکینی ابن آقا شیخ علی بن شیخ ابوالقاسم عاملی، عالم فاضل جامع معقول و منقول، زاهد متقی، از علمای قرن چهاردهم هجری و از اعقاب شهید ثانی

در اصفهان متولّد شده و نزد میر سیّد علی نجف آبادی، سیّد محمّد نجف آبادی، شیخ محمّد حکیم خراسانی و میر محمّد صادق خاتون آبادی به کسب فیض پرداخته و سپس به تدریس فقه و اصول و حکمت در مدرسه جده کوچک مشغول شد. وی نماز جماعت را در مسجد تل عاشقان اقامه می نمود.

از علمای منزوی و گمنام بود و عمری را به زهد و قناعت و دوری از ریاست و اعراض از مردم سپری نمود و سرانجام در شب شنبه ۲۳ شوال ۱۳۶۸ق در سن قریب به ۷۵سالگی وفات یافته و در تکیه آقا باقر دردشتی (معروف به تکیه خلیلیان) در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

حسین تستری اصفهانی

ابو عبداللّه حسین بن علی بن احمد بن حسن تستری اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است و سمعانی از او به عنوان شیخ صالح یاد کرده است. از ابوسعد محمّد بن عمر بن علی بن احمد صوفی بغال حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی کمی حدیث فرا گرفته است.(۲)

شیخ حسین خوئی

شیخ حسین بن علی بن حسن خوئی، از طلبه علوم در اصفهان بود. در سال ۱۲۴۲ق وی نسخه ای از کتاب «مدارک الاحکام» تألیف: سیّد محمّد موسوی عاملی را به نسخ

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۷۵۲ و ۷۵۳؛ علوم و عقاید، صص ۸ و ۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۷۵.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۳۳.

نوشته و سپس آن را مقابله کرده و طرف مقابله برادرش شیخ عبداللّه بوده است. نسخه به شماره ۱۹۱ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران جزو کتب اهدائی امام جمعه خوئی موجود است.(۱)

حسین عاملی*

حسین بن علی بن محمّد بن حسن بن زین الدّین عاملی از علماء و فقهاء اصفهان در قرن یازدهم هجری است. او از نوادگان شیخ زین الدّین معروف به «شهید ثانی» بوده و پدرش شیخ علی معروف به «صاحب الدّر المنثور» می باشد. نزد پدر به تحصیل پرداخته و در محضر سایر علمای اصفهان به تکمیل آن اهتمام ورزیده است.

وی کتابهای «شرح بدایه الدّرایه » تألیف شهید ثانی و «خلاصه الاقوال» تألیف علّامه حلّی را در ۱۰ ربیع الاوّل ۱۰۷۴ق کتابت نموده و پدرش اَنهائی در ۸ ذی الحجه همان سال برای او نوشته است. نسخه به شماره ۱۴۵۲ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲)

حسین طغرائی

مؤیّد الدّین ابواسماعیل حسین بن علی بن محمّد بن عبدالصّمد اصفهانی معروف به «طغرائی» و ملّقب به «فخرالکتاب»، ادیب فاضل و شاعر ماهر، نسب او به «ابوالاسود دُئِلی» منتهی می شود.

[وی در سال ۴۴۸ق متولّد شده و به تحصیل پرداخت و در شعر و ادب استادی توانا و در علوم مختلف خصوصاً کیمیا دانشمندی ماهر گردید و پس از مدتی به دربار سلطان محمّد سلجوقی قرار گرفته و عهده دار «دیوان طغرا» گردیده و به «طغرایی» شهرت یافت او پس از مرگ این پادشاه در سال ۵۱۱ق در موصل به سلطان مسعود فرزندش پیوست و به وزارت او رسید.

۱- فهرست مجلس، ج۷، ص۳۳۷.

۲- فهرست مرعشی، ج۴، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

در جنگی که بین سلطان مسعود بن محمّد سلجوقی و برادرش سلطان محمود اتفاق افتاد. سپاهیان سلطان مسعود در نزدیکی اسدآباد همدان عزیمت یافته و شکست خوردند و طغرایی به اسارت درآمد. در این هنگام شهاب اسعد که رئیس تحریرات بود و کمال الملک علی سمیرمی وزیر سلطان محمود که از پیشرفت کار مؤیدالدّین طغرایی به هراس افتاده بودند، او را به داشتن عقاید فاسد و الحاد متهم ساخته و نزد شاه به بدگوئی پرداختند. بار اول طغرایی اشعاری خواند و از خود رفع اتهام کرد و شاه از قتل او چشم پوشید، امّا آن دو به توطئه و سعایت خود ادامه دادند و عاقبت شاه دستور کشتن استاد طغرایی را صادر کرد و این چنین او به شهادت رسید.

در سال قتل طغرایی بین مؤرخان و تراجم نویسان اختلاف است و آن را یکی از سالهای ۵۱۳ یا ۵۱۴ یا ۵۱۵ق ذکر کرده اند که با مقایسه و مطابقت منابع شاید سال ۵۱۴ق را بتوان پذیرفت.

در سال ۵۱۶ کمال الملک سمیرمی توسط غلام طغرایی در چهار بازار بغداد از پای درآمد.]

طغرایی از شیعیان راسخ العقیده بوده و علوم علماء و مؤلّفین شیعه او ستوده اند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاحسان فی علم المیزان» ۲. «الارشاد الی الاولاد»، که نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس در تهران و نسخه دیگر در مجموعه کتابهای اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه تهران موجود است. ۳. «اسرار الحکمه» ۴. «تراکیب الانوار» ۵. «جامع الاسرار» درباره کیمیا ۶. «الجوهر النضیر فی صناعه الاکسیر» ۷. «حقایق الاستشهادات» در رد نظر ابن سینا درباره ابطال کیمیا که به شماره ۱۱۰۶۴ در کتابخانه وزیری یزد موجود است. ۸. «دیوان اشعار» که نسخه های آن در دارالکتب المصریه در قاهره و در کتابخانه هایی در برلین، موزه لندن و «سن پطرزبورگ» روسیه موجود است. همچنین در سال ۱۳۰۰ در استامبول به چاپ رسیده است. ۹. «ذات القواعد» ۱۰. «رساله خاتمه» ۱۱. «شرح دیوان مُتنبّی» ۱۲. «طغراء الشریفه» ۱۳. «لامیه العجم»

مشهورترین اثر طغرائی، که قصیده ای است به عربی در ۵۹ بیت که مورد توجّه ادبای عرب و ایرانی واقع شده و دهها شرح بر این قصیده نوشته اند از جمله شرح صفدی، [و بسیاری از مستشرقین اروپایی به تحقیق، ترجمه و چاپ ان اقدام کرده اند از جمله پروفسور بوکوک آن را به لاتین ترجمه کرده و در سال ۱۶۶۱م. با حواشی بسیار آن را به چاپ رسانیده است. [۱۴. «مصابیح الحکمه و مفاتیح الرّحمه» در علم اکسیر و کیمیا

استاد طغرائی به فارسی و عربی شعر می سروده است و قصیده «لامیه العجم» با این بیت آغاز می شود:

«اصاله الرّأی صانتنی عن الخطل

و حلیه الفضل زانتنی لدی العطل»(۱)

حسین اُسواری اصفهانی

ابو علی حسین بن علی بن یزید اُسواری اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن سلیمان لِوّین روایت می کند و ابو احمد عسال اصفهانی از او

۱- آثار الوزراء عقیلی، ص۲۶۲؛ معجم الادباء، ج۱۰، صص ۷۹-۵۶؛ مرآه الجنان، ج۳، ص۲۱۰؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۱۱۵؛ الکنی و الالقاب، ج۲، صص ۴۴۹ و ۴۵۰؛ راهنمای دانشوران، ج۲، ص۱۱۳؛ ثقاه العیون، صص ۸۰ و ۸۱؛ راحه الصّدور، ص۲۳۹؛ امل الآمل، ج۲، صص ۹۵ و ۹۶؛ ریاض العلماء، ج۲، صص ۱۶۹-۱۶۶؛ وفیات و الاعیان، ج۲، ص۱۸۵؛ فواید الرضویه، ج۱، ص۱۴۱؛ آثار الشیعه، ج۴، صص ۵۲-۵۰؛ الاعلام، ج۲، صص ۲۶۷ و ۲۶۸؛ شیمیدانان نامی اسلامی، صص ۱۸۰-۱۷۷؛ هدیه الاحباب، ص۲۱۴؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۷۵؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۷۶-۲۷۱؛ لباب الالقاب، ص۱۴۴؛ اعیان الشیعه، ج۲۷، ص۷۶؛ تاریخ و ادبیات در ایران، ج۲، ص۱۰۳۸؛ الذریعه، ج۹، ص۶۴۸ و ج۱۳، ص۲۷۴ و ج۱۷، ص۱۱۸ و ج۱۸، ص۲۷۱ و ج۲۱، ص۳۰۲؛ روضات الجنات، ج۳، ص۱۸۱؛ ریحانهالادب، ج۴، ص۵۷؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۳۶؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۳۷۶ و ۳۷۷، لغت نامه دهخدا، ذیل «حسین»، ص۶۵۹: تاریخ آداب اللغه العربیه، ج۳، ص۱۷۷؛ کشف الظنون، ج۲، صص ۱۵۳۷ و ۱۵۳۹؛ هدیه العارفین، ص۴۰۹؛ شهداء الفضیله، ص۴۰؛ مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال دوازدهم: سال ۱۳۴۴، شماره ۴۷ و ۴۸، صص ۴۵۲-۳۷۳، مجله کیهان اندیشه: شماره ۵۴، خرداد و تیر ۱۳۷۳، صص ۱۹۱-۱۸۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۴۹ و ۵۵۰.

استماع حدیث کرده است.(۱)

[اَسواریه، از روستاهای اصفهان است. در شمال شهر اصفهان که اکنون به شهر پیوسته است، اَراضی سواری باغ و استوارچی وجود داشته که شاید یکی از آنها همان «اَسواریه» باشد.]

سیّد محمّد حسین بهشتی

سیّد محمّد حسین بن آقا میر سیّد علی بهشتی، عالم فاضل زاهد از ائمه جماعت مسجد سرجوی شاه اصفهان، متوفی سال ۱۳۳۷ق مدفون در تکیه تویسرکانی.(۲)

سیّد محمّد حسین حسینی اصفهانی تبریزی

سیّد محمّد حسین اصفهانی تبریزی فرزند میر سیّد علی، از خوشنویسان و کاتبان قرن سیزدهم هجری است. وی خط نسخ را بسیار زیبا می نوشته و هم خط خوش خود کتاب «زبده الاصول» شیخ بهائی را در سال ۱۲۵۴ق کتابت نموده که در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.(۳)

شیخ محمّد حسین موحّد حُججی نجف آبادی*

شیخ محمّد حسین موحد حججی بن علی موحد حججی نجف آبادی، عالم فاضل محقق، در سال ۱۳۴۸ق در نجف آباد متولّد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد دائی دانشمند خود شیخ احمد حججی فرا گرفت. سپس به اصفهان رفته سطوح را به پایان رسانید. آنگاه عازم قم شده و در درس آیت اللّه العظمی بروجردی حاضر شد. در حدود سال ۱۳۷۲ق به نجف اشرف رفت و از درس آیات عظام میرزا عبدالهادی شیرازی، سیّد

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲- تحفه الاحباب، ص ۳۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۹۹.

۳- فهرست الزهراء، ص ۳۵.

محمود شاهرودی، شیخ حسین حلّی، سیّد ابوالقاسم خوئی و سیّد محسن حکیم مستفیض شد. در سال ۱۳۹۱ق به دنبال فشارهای رژیم بعثی حاکم بر عراق به ایران بازگشت و در قم ساکن شد و به تدریس و تألیف مشغول گردید تا اینکه در پنج شنبه ۲۷ رجب ۱۴۱۳ق وفات یافته و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «اولیّات مما اودعه فی الکافی»، مطبوع ۲. «تقریرات درس میرزا عبدالهادی شیرازی در صلاه» ۳. «تقریرات درس شاهرودی» ۴. «تقریرات درس حلّی» ۵. «تقریرات درس خوئی» ۶. «تفسیر قرآن کریم»(۱)

ملّا محمّد حسین خوراسکانی*

ملّا محمّد حسین معروف به «حاج آخوند» بن آخوند ملّا علی خوراسکانی عالم زاهد متّقی، از علمای اواخر دوره قاجاریه. در خوراسکان اصفهان مرجع حلّ و فصل امور مردم بود و مورد وثوق مردم قرار داشت و در مسجد نو خوراسکان اقامه جماعت می نمود. سرانجام در سال ۱۳۲۰ق وفات یافته و در تکیه خوانساری ها در تخت فولاد مدفون شد. متأسفانه در سال ۱۳۷۳ش پس از مرمت تکیه و احداث مسجد، مقبره او و فرزندش ملّا تقی را خراب کردند.

بنا به نقل احفاد صاحب عنوان، نسب این خانواده به شیخ حرّ عاملی منتهی می شود.(۲)

حسین ریزی لنجانی

حسین بن علی ریزی لنجانی، از کاتبان هنرمند قرن سیزدهم هجری است. در نوشتن خط نسخ مهارت داشته و از اهالی ریز [زرین شهر فعلی] از بلوک لنجان اصفهان بوده

۱- تربت پاکان قم، ج۳، صص ۱۵۹۹ و ۱۶۰۰؛ سیمای دانشوران [نجف آباد]، ص۸۲؛ آئینه اهل قلم [نجف آباد]، صص ۴۱ و ۴۲؛ دیباچه دیار نون، ص۱۶۷.

۲- جلوه افلاکیان: خطی؛ رساله خوراسکان (تألیف: محمّدعلی ربانی): خطی.

است.

وی در سال ۱۲۵۹ق مجموعه ای از ۱۹ رساله رجالی سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی را کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی موجود است.(۱) همچنین او جلد دوّم «نهایه اللّغه» تألیف: ابن جزری را به خط نسخ در سال ۱۲۷۹ق کتابت کرده است که در کتابخانه عبدالحمید مولوی در مشهد مقدّس موجود بوده است.(۲)

ملّا محمّد حسین زفره ای

ملّا محمّد حسین زفره ای فرزند ملّا علی عرب، عالم فاضل ادیب عارف خوشنویس.

خط نستعلیق را در کمال استادی می نوشته و عدّه ای در فن خط شاگرد او بوده اند. وی در ۱۸ ذی الحجه سال ۱۳۴۳ق وفات یافته، نزدیک بقعه فیض در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

محمّد حسین ریزی لنجانی

محمّد حسین بن ملّا علی ریزی لنجانی از نویسندگان کتب و خطاطان قرن سیزدهم هجری. در بیستم جمادی الاولی ۱۲۶۶ق کتابت قسمتی از مجلد ۱۴ «بحارالانوار» را به خط نسخ زیبا به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۲۲۱۸ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی در قم موجود است.(۴)

همچنین در تاریخ پنج شنبه ۸ رمضان المبارک ۱۲۷۹ق کتابت نسخه ای از جلد دوّم «النّهایه فی غریب الحدیث و الاثر» تألیف: ابن اثیر را به پایان رسانیده است. کتاب به شماره ۷۸۰ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۵)

۱- بیان المفاخر، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲- نسخه های خطی، ج ۵، ص ۱۰۴.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۰۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۶۸.

۴- فهرست مرعشی، ج ۶، ص ۲۰۷.

۵- فهرست الهیات مشهد، ج ۱، ص ۵۹۵.

سیّد حسین قائنی*

سیّد حسین بن علی قائنی خراسانی اصفهانی، عالم فاضل و فقیه محقّق، از علمای قرن سیزدهم هجری.

وی در اصـفهان سـاکن بوده و از تألیفـاتش برمی آیـد که در فقه و اصول مهارتی به سـزا داشـته و احتمالاً نزد علمای اصـفهان تحصیل کرده است.

کتب زیر از اوست:

۱. «سفینه النّجاه» در فقه، در ۹ جلد.

۲. «الفوائد الکبری» در اصول فقه، در ۳ جلد به خط مؤلف که در کتابخانه آیت اللّه ریاضی در نجف آباد موجود است.(۱)

میر محمّد حسین میر محمّد صادقی

میر محمّـد حسـین بن میر سیّد علی میر محمّـد صادقی، از علماء اخیار و فقهاء و مدرسـین. در اصـفهان متولّد شد و مقدمات و سطوح را نزد پدر آموخت. در نجف و کربلا نزد صاحب جواهر و شریف العلماء مازندرانی تلمّذ نموده و از آن دو به دریافت اجازه مفتخر شد. در اصـفهان نیز مدّتی به درس حاجی کلباسـی و سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی حاضر شده، سپس حوزه درس و بحث تشکیل داده و جمعی از افاضل به درس او حاضر شده اند.

وی در روز شنبه ۲۱ ذیحجهالحرام ۱۲۸۸ه.ق وفات یافته، جنب مزار فاضل هندی در تخت فولاد مدفون گردید. از او تقریراتی در فقه و اصول به جای مانده است.(۲)

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۰۹ و ۵۴۷؛ بیان المفاخر، صص ۳۱۰ و ۳۱۱؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۸۹۱ و ۲۸۹۲.

حسین اصفهانی

حسین بن علی اکبر اصفهانی، ساکن نجف اشرف بوده و در آنجا برحسب خواهش استادش ملّا علی؟ چندین رساله به خط نسخ و نستعلیق، ضمن مجموعه ای کتابت نموده است. مجموعه نامبرده به شماره ۳۳۱ در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی در مشهد مقدّس موجود است.(۱)

ملّا حسین کربلائی

مولی حسین کربلائی بن علی اکبر اصفهانی، عالم فاضل از دانشوران قرن دوازدهم هجری. وی کتاب «سرور المؤمنین» را به نام شاه سلطان حسین صفوی تألیف نموده است.(۲)

ملّا محمّد حسین خوانساری

ملّا محمّد حسین بن علی اکبر خوانساری اصفهانی، عالم کامل و فقیه محقق، از اجلّه علماء و اتقیاء. در اصفهان خدمت پدر خود و مرحوم سیّد حجّهالاسلام شفتی [و سیّد حسن مدرس] تلمّذ نموده و در کربلا سالها به درس شریف العلماء مازندرانی حاضر گردیده تا به مقامات عالیه علم و اجتهاد نائل شد و به اصفهان مراجعت نموده و مورد توجّه مخصوص حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی واقع شده و مورد وثوق و اطمینان ایشان و مورد توجّه عموم طبقات خواص و عوام واقع گردید. وی پس از وفات پدرش در مسجد میرزا باقر در محله بیدآباد امامت می نموده است.

سرانجام در ۱۴ جمادی الثّانی سال ۱۳۰۲ه.ق در اصفهان وفات یافته در مقبره کوچک مسجد سیّد مدفون گردید.

مشارالیه کتب عدیده ای تألیف فرموده که از آن جمله است:

۱- فهرست ادبیات مشهد، ص۱۹۸.

۲- الذریعه، ج۱۲، ص۱۷۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۴۹.

۱. حکم الغساله بعد الانفصال ۲. دروس الاصول تاریخ تألیف جلد اول در ۱۶ ذی حجه ۱۲۴۸ه.ق ۳. المرشد فی شرح التّبصره، که در سال ۱۲۵۹ و ۱۲۶۰ تألیف شده و اجازات مشایخ ایشان سیّد حسین بن سیّد صادق موسوی جرفادقانی و میر سیّد حسن بن علی بن محمّد باقر (مدرس) قبل از متن کتاب آمده است.(۱)

سیّد حسین مقصودی

سیّد حسین مقصودی فرزند سیّد علی اکبر یزدی، از شعرای معاصر است. در ۱۵ اردیبهشت ۱۲۹۹ش در اصفهان متولّد شده و پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به استخدام کارخانه صنایع پشم اصفهان در آمده است.(۲)

شیخ محمّد حسین فقیه نطنزی*

شیخ محمّد حسین فقیه نطنزی ابن علیرضا، عالم فاضل کامل زاهد. در سال ۱۲۸۵ش در نطنز متولّد شد. مقدّمات را در زادگاه خود فرا گرفت. سپس به اصفهان آمده و در مدرسه چهارباغ در حجره برادرش شیخ محمود ساکن شد.

وی در اصفهان از حضرات آیات شیخ محمّد علی حبیب آبادی، شیخ محمّد جواد فریدنی، شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی ، حاج آقا رحیم ارباب، سیّد مهدی درچه ای، شیخ مهدی نجفی و آقا سیّد محمّد رضا خراسانی بهره برد و خود به تدریس سطوح در مدارس الماسیه، ملّا عبداللّٰه عربان مشغول شد و شاگردان بسیاری تربیت کرد.

او نماز جماعت را در مسجد امام اقامه می نمود و در زهد و تقوا زبانزد خاص و عام بود. در ۲۹ محرم ۱۳۹۵ق (مطابق ۲۲ بهمن ۱۳۵۵ش) وفات یافته و در تکیه ملک

۱- بیان المفاخر، ج۱، صص ۳۱۰ و ۳۱۱؛ الذریعه، ج۸، ص۱۴۴؛ فهرست کتابخانه آیت اللّٰه گلپایگانی، ج۱، ص۱۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۴۷ و ۵۴۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۵۳؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۴۰۹ و ۴۱۰.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۶۳.

واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

[مرحوم حاج شیخ عباسعلی ادیب جهت وفات او اشعاری سروده که به خط استاد حبیب اللّه فضائلی بر سنگ مزار او نوشته شده و چنین است:

شاق الفقیه بلقاء الحسین

و قد أوی تحت لواء الحسین

عاش سعیداً فی الحیاه کما

فات سیعداً بولاء الحسین

فی التّاسع العشرین من محرّم

صاد بشوقٍ بفداء الحسین

اخرج الواحد من جمع و قُل

«ظل الفقیه بعزاء الحسین»]

سیّد حسین بشارت

سیّد حسین بشارت بن میرزا علیرضا حسینی قائنی، شاعر ادیب، [در اصفهان متولّد شد و پس از تحصیل علم و ادب، در جوانی به خدمت در تلگرافخانه اصفهان پرداخت و درجه سرهنگی را به دست آورد. او در سال ۱۳۴۱ق به موجب فرمانی از سوی احمد شاه قاجار به لقب «بشارت حضور» ملقّب گردید.(۲)] و شهرت و تخلّص خود را بشارت قرار داد. وی درسال ۱۳۵۶ق وفات یافته و در تکیه بروجردی واقع در تخت فولاد مدفون گردید.(۳)

از اوست:

شبهای فراق چون سحرگاه شود

هنگام دعا و ناله و آه شود

با دل به شکایت تو می پردازم

امّا نه آن چنان که ناله آگاه شود

۱- جلوه افلاکیان: مخطوط.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶.

۳- کارنامه خاندان قائنی (بشارت)، ص۲۱۰.

شیخ محمّد حسین اژه ای

شیخ محمّد حسین بن میرزا علی محمّد بن ملّا محمّد علی بن ملّا عبداللّه بن ملّا علی اکبر اژه ای اصفهانی، عالم فاضل زاهد در اصفهان نزد آخوند کاشانی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، سیّد ابوالقاسم دهکردی، شیخ محمّد رضا نجفی، سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و سیّد علی نجف آبادی به تحصیل پرداخت.(۱)

وی پس از وفات پدر، به مدت ۵۰ سال به اقامه جماعت در مسجد علی علیه السلام پرداخته و امورات شرعی مردم را مورد رسیدگی قرار داد به طوری که در ادارات دولتی حکم و امر ایشان مطاع بوده و مهر ایشان را اعضای دولت قبول داشتند. در اواخر عمر نیز ۱۵سال در خانه خود به امورات شرعی مردم رسیدگی می کردند.(۲)

وی در صبح یکشنبه ۵ شعبان المعظم ۱۳۸۳ق وفات یافته و در تخت فولاد نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجوئی مدفون شد.(۳)

سیّد حسین ظهیر میردامادی

سیّد حسین ظهیر میردامادی ابن میرزا علی محمّد میردامادی خوزانی سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل معاصر در قریه «خوزان» از قرائ ثلثه سِدِه ماربین [خمینی شهر کنونی] متولّد گردیده و در اصفهان تزد [آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی] و شیخ محمّد رضا نجفی فقه و اصول را آموخت و پس از وصول به مقامات عالیه به مولد خود مراجعت کرده و به ترویج دین و نشر معارف اسلام و ارشاد و هدایت اللّه مردم اشتغال جسته [و در مسجد ملّا محسن خوزان و مسجد جامع اسفریز اقامه جماعت می نمود] و مورد توجّه و عنایت عموم مردم بالاخص علماء و مقدّسین بود [سرانجام در سال ۱۳۸۸ق وفات یافته و در

۱- جلوه افلاکیان: مخطوط.

۲- هفته نامه نوید اصفهان، شماره ۳۶۰، اوّل مرداد ۱۳۷۴ش، ص۴.

۳- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۲۲.

جوار امامزاده سیّد محمّدِ [خمینی شهر] مدفون شد.(۱)]

حسین پژمان بختیاری

حسین بختیاری متخلّص به «پژمان» فرزند علی مرادخان میرپنج بن نجف خان بن الیاس خان بختیاری، از شعرای معاصر. مادرش عالم تاج متخلّص به «ژاله» فرزند میرزا فتح اللّه بن میرزا علی بن میرزا ابوالقاسم قائم مقانی فراهانی است.

در ۳ شعبان ۱۳۱۸ق (مطابق ۱۲۷۹ش) در محلّه حسن آباد تهران متولّد شد. [در کودکی پدر و مادرش از یکدیگر جدا شدند و او در ۴ سالگی به همراه پدر به منطقه بختیاری رفت و در آنجا به تحصیلات مقدماتی مشغول شد. پس از فوت پدرش سرپرستی او را جعفرقلی خان بختیاری برعهده گرفت. در نوجوانی به تهران آمد و در مدرسه سن لوئی به تحصیل پرداخت. و در این مدرسه با نیما یوشیج بنیان گذار شعر نو هم کلاسی بود. او از ۱۸ سالگی به سرودن شعر پرداخت. پس از فراغت از تحصیل به استخدام وزارت پست و تلگراف و تلفن درآمد.

پژمان در انجمن های ادبی تهران از جمله انجمن حکیم نظامی شرکت می کرد و اشعار و مقالات او در مطبوعات مرکز به چاپ می رسید. مدتی نیز برای رادیو ایران برنامه های ادبی تهیه می کرد.]

وی سرانجام یک شنبه ۱۰ ذیقعده ۱۳۹۴ق مطابق با سال ۱۳۵۳ش در تهران وفات یافت. کتب زیر از آثار اوست به چاپ رسیده است:

۱-۵. «تصحیح خمسه نظامی» در ۵جلد ۶. ترجمه «آتالا» از شاتو بریان ۷. ترجمه «رنه» از شاتو بریان ۸. «زن بیچاره» (منظوم) ۹. «زن سیه روز» (منظوم) ۱۰. ترجمه «وفای زن» از کتاب «آدولف» نوشته بنیامین کنستان [۱۱. «دزد اطفال» ۱۲. «قمار» ۱۳. «گربه سیاه» ۱۴. «کرسیل» ۱۵. «خاشاک» (مجموعه شعر) ۱۶. «دیوان پژمان

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۲۱۰؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۰۳.

بختیاری»[(۱)]

از اوست:

دیوانه زنجیر تو عاقل شدنی نیست

از دل هوس وصل تو زایل شدنی نیست

بر گردن خود رشته زلف تو فکندن

امید دراز است که حاصل شدنی نیست

سیّد حسین عریضی

سیّد حسین بن آقا سیّد محمّد علی بن سیّد محمّد باقر حسینی عریضی اصفهانی. دانشمند بزرگوار، فاضل ادیب زبان شناس معاصر. در سال ۱۲۸۵ش در اصفهان متولّد شد پدرش از اساتید علم قرائت و تجوید بود. در اصفهان تحصیلات ابتدائی و متوسطه را تا دیپلم ادامه داد و به استخدام وزارت راه درآمد امّا پس از مدّتی به وزارت معارف منتقل شده و به تدریس در دبیرستانهای اصفهان پرداخت و پس ازچند سال به معاونت و ریاست دبیرستان ادب منصوب شد و ۲۵سال رئیس این دبیرستان بود. در کنار آن همواره به طور خودجوش به مطالعه و آموختن ادامه داد و در زبانهای فارسی، عربی و فرانسه مهارت یافت. همچنین در رشته حقوق در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. پس از تأسیس دانشکده ادبیات در اصفهان به تدریس جامعه شناسی در آنجا مشغول شد.(۲) او پس از یک عمر خدمت صادقانه به علم و اجتماع در بعدازظهر ۲۳ رمضان المبارک سال ۱۴۱۱ق وفات یافته و در قطعه نام آوران واقع در گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون گردید.

آثار و تألیفات زیر از اوست:

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۱۵؛ ادبیات معاصر، صص ۳۵ و ۳۶؛ چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی، صص ۱۶۷-۱۶۴؛ چون سبوی تشنه، ۱۸۰-۱۷۸؛ گلزار معانی، ص۱۷۸؛ سخنوران نامی معاصر، ج۲، صص ۸۰۳-۷۹۸؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، صص ۸۲۹-۸۲۷؛ دویست سخنور، صص ۶۴-۶۲؛ اثرآفرینان، ج۲، ص۱۲۸؛ دانشنامه جهان اسلام، ج۵، صص ۶۲۴ و ۶۲۵.

۲- نشریه «افتخارات ملّی»، شماره ۲۸۸، نوزدهم اردیبهشت ۱۳۷۰ش؛ یادنامه ادب، صص ۳۷-۳۵.

۱.«تاریخ اصفهان» ۲.«ترجمه سفرنامه شاردن» قسمت اصفهان که دوبار به چاپ رسیده است. ۳. ترجمه مقاله ای درباره کتابهای «لطائف غیبیه» و «مصقل صفا» تألیف سیّد احمد علوی به فرانسه به خواهش سیّد جمال الدّین میردامادی جهت هانری کربن خاورشناس فرانسوی. ۴. «گوشه هایی ناشناخته تاریخی حمله مغول به ایران» ۵. مقاله «زبان فارسی را پاسداری کنیم» ۶. «ترجمه تاریخ هندی» تألیف: «پیِر میل» که در سال ۱۳۳۶ش به چاپ رسیده است.(۱)

محمّد حسین خان صدراعظم اصفهانی

محمّد حسین خان صدراعظم اصفهانی بن محمّد علی بن محمّد رحیم علّاف، از رجال مشهور اصفهان در عصر قاجاریه. جدّش مرد فقیری بوده و در اصفهان علّافی می نموده است. خودش نیز در آغاز شاگرد علّاف بود، امّا به واسطه عقل معاش و استعداد ذاتی بر ثروت خود افزود و در قضایای جنگ بین زندیه و قاجاریه کمک های فراوان به آقا محمّد خان قاجار نمود و مورد توجّه او قرار گرفت، لذا بیگلربیگی اصفهان شد و لقب «امین الدّوله» یافت. در زمان فتحعلی شاه نیز همچنان حاکم اصفهان بود. تا اینکه در سال ۱۲۳۴ق فتحعلی شاه به او لقب «اعتمادالدّوله» داده و او را به عنوان صدراعظم خود برگزید. حاج محمّد حسین خان تا آخر عمر این منصب را بر عهده داشت تا اینکه در ماه صفر ۱۲۳۹ق وفات یافته و جنازه اش در سرداب مدرسه صدر در نجف اشرف مدفون شد. او مردی نیکوکار و خیرخواه بود و آثار فراوانی از خود به یادگار نهاد که از آن جمله است:

بنای مدرسه صدربازار و مدرسه صدرخواجو و مدرسه صدر پاقلعه با عمارت صدری و مرمت مسجد جامع و مدرسه ملّا عبداللّه و احداث چهارباغ امین الدوله (یا چهارباغ صدری) در محلّه خواجو همگی در اصفهان و احداث قلعه نجف اشرف، بنای

۱- مزارات اصفهان، صص ۱۲۵-۱۲۳؛ آئین فرزانگی، ج۱، صص ۸۴ و ۸۵.

مـدرسه صـدر نجف، ترمیم صـحن مطهر حضـرت ابوالفضـل العبـاس و اهـداء چنـدین درب طلا و نقره برای حرم های ائمه در عتبـات و حضـرت معصومه(سـلام اللّه علیها) در قم، همچنین او تخت طاووس را به عنوان هـدیه ازدواج فتحعلی شاه با طاووس خانم اصفهانی از ارامنه جلفای اصفهان به شاه پیش کش کرد.

مرحوم صدر با دختر حاج ابراهیم خان کلانتر (اعتمادالدوله) ازدواج کرد و حاصل آن ۸پسر و ۴دختر بود.

شعرای آن روزگار در مدح حاج محمّد حسـین خان صدر اصـفهانی قصاید بسیار گفته اند که برخی از آنها در تذکره حسینیه تألیف میرزا عبدالباقی طبیب اصفهانی گرد آمده است ولی هنوز به چاپ نرسیده است.(۱)

میرزا حسین خان ثمر

میرزا حسـین خـان ثمر بن میرزا محمّـد علی خـان مسـتوفی انصـاری اصـفهانی، شـاعر ادیب و دانشـمند اواخر قاجاریه ملّقب به «معزّالدّین».

در سال ۱۲۸۴ق در اصـفهان متولّـد شـده [و در این شـهر به تحصـیل علم پرداخته و خصوصـاً از میرزا علیرضـا پرتو در ادبیات کسب فیض نمود. او ابتدا در نظام توپخانه اصـفهان بوده و بعد به ژنرال آجودانی حضور ظل السّلطان منصوب شد. و در اواخر عمر انزوا اختیـار نمود.(۲) در شب ۲۴ جمـادی الاولی سال ۱۳۴۴ق وفـات یـافته و در تخت فولادنزدیـک تکیه ملك و مجاور تکیه سادات میر محمّد صادقی مدفون شد.

۱- شرح حال رجال ایران، ج۳، صص ۳۸۱-۳۷۹؛ مجله یادگار: سال دوم، شماره ۸، فروردین ۱۳۲۵، صص ۵۷-۴۱؛ مختصری از تـاریخچه محلّه خواجو، ص۱۸؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۷ و ۵۶۸؛ صدرالتواریخ، ص۵۵؛ القاب رجال دوره قاجاریه، ص۴۲؛ صدراعظم های سلسله قاجاریه، صص ۵۵-۴۵؛ اکسیر التواریخ، صص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۷۵۳-۷۴۳.

۲- مکارالآثار، ج۷، صص ۲۶۶۰-۲۶۵۶.

ثمر در فنون ادب استاد بود. خط را خوش می نوشت و به زبان فرانسه آشنا بود.(۱)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «ترجمه تاریخ شرق اقصی» ۲. «جنگ روس و ژاپن» ۳. «ترجمه تاریخ فرانسه» ۴. «عبره النّاظرین» در تاریخ زمان ۵. «رعنا و زیبا» منظوم، مطبوع ۶. «دیوان اشعار»(۲) [به ضمیمه «قصائد مدایح و مراثی پرتو اصفهانی» که در سال ۱۳۰۴ق چاپ سنگی شده و بار دیگر «دیوان ثمر» به همت فرزندش رضا ثمر در سال ۱۳۴۷ش چاپ حروفی شده است.

وی همچنین منتخبات اشعار اسدی طوسی و فردوسی را در سال ۱۳۱۹ق فراهم آورده و به خط شکسته نستعلیق نوشته است که به شماره ۱۱۵۲۱ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود بوده است.(۳)

از اوست:

وصل شیرین مَطَلَب زانکه غم عشق رُخَش

تیشه اندر سَرِ فرهاد جگر خون زده است

خنک آن کو ز کف سرو قدِ لاله رخی

پای سرو و لب جو باده گلگون زده است]

محمّد حسین خوراسکانی

محمّد حسین بن محمّد علی خوراسکانی، [از فضلاء قرن دوازدهم هجری و از اهالی خوراسکان جی اصفهان] در سلخ صفر ۱۱۷۲ق کتاب «صیغ النّکاح» حاج شیخ محمّد بن محمّد زمان کاشانی اصفهانی را نوشته [است.] نسخه ضمن مجموعه شماره ۱۹۶۶ در

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ دیوان طرب، ص۲۴۵.

۳- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۵۸.

کتابخانه مجلس شورای ملّی موجود است.(۱)

محمّد حسین هلال اصفهانی

محمّد حسین مُذَهّب فرزند محمّد علی بهار بن ابوطالب اصفهانی شاعر ادیب و هنرمند دوره قاجاریه.

[در اصفهان متولّد شده و نزد پدر و آقا محمّد جواد مُذَهّب فن تذهیب و تشعیر و زرافشانی و نقاشی را آموخت و خط نسخ را نیز خوب می نوشت. بسیاری از قلمدان نگاران و نقاشان از هنر او در نگاره های خود استفاده کرده اند(۲)] شعر نیز می سروده و «همت» و «هلال» تخلّص می کرده است. از اشعار او در ایوان جنوبی مسجد سیّد اصفهان بر روی کاشی نقش شده و به این ماده تاریخ ختم می شود:

چو شد معمور این معبدهلال از بهر تاریخش

بگفتا «شد بنای کعبه ثانی با صفاهان»(۳)

۱۲۵۵

[هلال اصفهانی سرانجام در شب ۶ ذیحجه ۱۳۳۳ه.ق وفات یافته و در فضای بیرون تکیه مادر شاهزاده (ضلع شمالی تکیه) در تخت فولاد مدفون شد. نوه دختری او علی ابریشمکار عبارات سنگ قبر او را تحریر کرده است.(۴)]

شیخ محمّد حسین نجفی هزار جریبی

شیخ محمّد حسین نجفی بن میرزا محمّد علی بن آقا محمّد باقر هزار جریبی مازندرانی، عالم فاضل محقّق. در سال ۱۲۳۵ق متولّد شده و مقدمات را نزد پدر دانشمند خود آموخته و مراحل بعدی تحصیل را نزد علمای روزگار خود طی نمود.

۱- فهرست مجلس، ج ۹-۲، ص۶۷۶؛ خورشید جی، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.

۲- هنر قلمدان، ص۱۳۷.

۳- بیان المفاخر، ج۲، ص۱۰۵.

۴- تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

چون پـدرش مدت ۱۵سـال به مرض سـل مبتلاـ بوده و نتوانسـته بود کتابهای خود را پاکنویس کنـد، فرزنـدش پس از سالها از مرگ پدر این مهم را انجام داد و گرنه تمام تألیفات پدرش از بین می رفت. سال وفات صاحب عنوان معلوم نیست.

کتب زیر از مؤلفات اوست.

۱. «رساله در احوال پدر و جد خود» ۲. «البوارق لکشف معضلات الحقایق»(۱)

حسین جلائی

حسـین جلائی[ابن میرزا محمّد علی لشـکرنویس شیرازی ملقّب به جلاء السلطنه، در ۱۲ صفر ۱۲۹۲ق متولّد شد. ابتدا در بلدیه اصـفهان به خدمت مشـغول بود و در سال ۱۳۰۹ش مجله «بلـدیه اصـفهان» را منتشـر می ساخت] او در دوره های شـشم، دهم، یازدهم، دوازدهم وسـیزدهم به عنوان نماینـده مردم اصـفهان در مجلس شورای ملّی حضور داشت و چندی نیز کارمند مجلس بود. [او در شـهرداری اصـفهان نیز مصدر خدماتی بود. سرانجام در ۱۸محرم ۱۳۶۸ق وفـات یافته و در یکی از اطاق های تکیه ریزی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)]

میرزا محمّدحسین حکیم باشی*

میرزا محمّدحسـین بـن میرزا محمّـدعلی حکیم باشـی از اطبّـاء مشـهور اواخر عهـد صـفویه در قرن دوازدهم هجری. از سـادات موسوی اصـفهان و معروف به «حکیم سـلمانی» است مانند پدر در دربار شاه سلطان حسین صفوی به طبابت می پرداخت. پس از سقوط اصفهان به دست افاغنه از اصفهان به شیراز پناه برده و در آنجا ساکن شد. نواب محمّدتقی خان شیرازی، بیگلر بیگی فارس او را گرامی داشته و در عزّت و احترام او

۱- الکرام البرره، صص ۴۱۴ و ۴۱۵؛ الذریعه، ج۱۵، ص۳۵۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۰۶.

۲- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۲، ص۲۳؛ دائرهالمعارف دانش بشر؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

کوشید.(۱)

سال فوتش به دست نیامد.

محمّد حسین مقدّس مبارکه ای

محمّد حسین مقدّس فانی بن علی محمّد مبارکه ای، عارف سالک و ادیب شاعر در قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۲۹۴ق متولّد شده [و در کودکی پدرش را از دست داد و در نوجوانی به کسب و کار پرداخت. در چهل سالگی با پای پیاده به عتبات عالیات رفته و پس از بازگشت به زادگاه خود به تحصیل پرداخت و علم و ادب آموخت و به سرودن شعر لب گشود. سپس به خدمت مشایخ صوفیه درآمده و به مقام ارشاد در سلسله صوفیه نائل شد وبه لقب «مقدّس فانی» شهرت یافت. او زندگی را در زهد و استغنا و اکتفا به اندکی از خوراک و پوشاک و نعمت های دنیوی سپری نموده] و سرانجام در شب یکشنبه ۱۴ محرم ۱۳۵۳ وفات یافته و در «مبارکه» از توابع لنجان اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از اوست:

۱. «آفتاب عرفان» ۲. «خورشید حقیقت» [که یک بار در سال ۱۳۳۶ش و بار دیگر در سال ۱۳۷۶ش به چاپ رسید] ۳. «شمس حقیقت» ۴. «نور معرفت» و غیره [این چند بیت از یکی از قصاید او در مدح علی علیه السلام است]:

بوی فروردین رسد اندر مشام از هر کنار

یا مگر باد صبا آرد نسیم از زلف یار

گشت صحرا چون بهشت از نکهت اردیبهشت

خیمه زد در طرف بستان پادشاه نوبهار

۱- دیوان طبیب اصفهانی، ص۲۲۳.

باغ از گل گشته مانند گلستان ارم

راغ عطرآگین شده از سبزه های بی شمار(۱)]

محمّد حسین رشتی

محمّد حسین معروف به میرزا جان بن محمّد علی رشتی، عالم فاضل وی ظاهراً از شاگردان سیّد حجّهالاسلام است. او بر روی برگ آخر کتاب «شرح لمعه»، مطالبی از کتاب «تحفهالابرار» مرحوم سیّد حجّهالاسلام راجع به دندان ها نقل می کند. تاریخ نوشتن مطالب شب یکشنبه ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۴۵ه.ق است. نسخه در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۲)

[ظاهراً او همان شخصی است که در تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون است و نام و تاریخ وفاتش بر روی سنگ لوح قبر چنین آمده است: «الفاضل الکامل الباذل العالم العامل الجلیل، ابن محمّد علی خان، محمّد حسین الرشتی فی دوشنبه هشتم شهر شوال سنه ۱۲۷۳ (۳)]

محمّد حسین ریزی لنجانی

محمّد حسین بن محمّد علی ریزی لنجانی اصفهانی، خطاط نسخ نویس. در سال ۱۲۵۸ق نسخه ای از «مسالک» شهید ثانی از «طلاق» تا «فرائض» را به خط نسخ کتابت نموده است. کتاب به شماره ۹۸ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۴)

۱- دیوان قصاید خورشید حقیقت: مقدمه و ص ۳۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۵۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۸۲۷.

۲- بیان المفاخر، ج۱، ص۳۱۳.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۴- فهرست فیضیّه، ج۱، ص۲۴۳.

میرزا محمّد حسین صدرائی

میرزا محمّد حسین صدرائی بن میرزا محمّد علی بن حاج صدرائی تاجر اصفهانی [از فعّالان و مبارزان صدر مشروطیت در تهران] در نوجوانی و جوانی به تحصیل معقول و منقول مشغول شد و پس از فوت پدرش در سال ۱۳۲۳ق دست از تحصیل کشید و به تحصیل تنباکو مشغول شد. او از عوامل اصلی مخالفت با استبداد محمّد علی شاه و تحصّن در سفارت عثمانی به شمار می رفت. پس از آن در تأسیس فرقه دموکرات نقش مهمّی ایفا کرد.(۱)

سیّد حسین طباطبائی*

سیّد حسین بن محمّد علی طباطبایی، ادیب فاضل خوشنویس در قرن سیزدهم هجری می زیسته و خط نسخ را بسیار زیبا می نوشته و طبع روانی داشته و شعر نیز می گفته است.

وی نسخه ای از «وقف نامه مسجد سیّد» اصفهان را در صفر ۱۲۹۰ق به خط نسخ زیبای خود نوشته است که در کتابخانه آقای سیّد مهدی شفتی در اصفهان موجود است.(۲) همچنین جزء دوّم از مُجَلَّد چهاردهم کتاب «بحارالانوار» علّامه مجلسی را به خط نسخ در شوال ۱۲۹۲ق کتابت کرده که در کتابخانه مدرسه صدر بازار موجود است.(۳)

از دیگر آثار او کتاب «منتخب الصّحاح» تألیف حاج سیّد اسداللّه بیدآبادی است که به شماره ۱۸۵ در کتابخانه آیت اللّه بروجردی موجود است.(۴)

۱- مجلّه یغما.

۲- فهرست سه کتابخانه اصفهان، ص۱۷۵.

۳- فهرست مدرسه صدر بازار، ج۲، ص۴۳۹.

۴- یادداشت های محقق گرامی آقای رحیم قاسمی.

میرزا حسین منشی اصفهانی

میرزا حسین بن خواجه عنایت اللّه اصفهانی، خوشنویس و ادیب ماهر در قرن دهم هجری. پدر و عمویش در سلسله حسن بیک و حسین بیک یوزباشی استاجلو منصب وزارت و استیفا داشتند. مدّتی تحریر دارالانشاء را بر عهده داشت و چون طمع ریاست به دارالانشاء را داشت و در این امر موفّق نگردید، راهی هند شد. خط تعلیق را خوش می نوشت. سپهر در تذکره خوشنویسان می نویسد: وی در سال ۹۳۶ق فوت شده است.(۱)

محمّد حسین گرجی اصفهانی

محمّد حسین بن عیسی بیگ گرجی جدیدالاسلام اصفهانی خطاط فاضل. صاحب حواشی بر قرآن مجید به خط شکسته نستعلیق به شماره ۲۱۷ در کتابخانه قدس رضوی. تاریخ کتابت متن سال ۱۲۰۳ق می باشد.(۲)

حسین عبداللهی خوروَش

حاج حسین عبداللهی خوروَش ابن غلامعلی بن حاج محمّد رضا مباشر اصفهانی، از شعراء و نویسندگان معاصر. در رجب سال ۱۳۳۹ق در اصفهان متولّد گردیده. تحصیلات قدیم و جدید خویش را در مدارس جدید و قدیم نزد اساتید به پایان رسانیده، عمری را به مطالعه و تألیف و تحقیق در موضوعات دینی گذرانید. دانشمندی محقّق، نویسنده ای توانا و پژوهشگری سخت کوش بود. مدّتی روزنامه ای به نام «پیک عدالت» منتشر می کرد و در برخی از روزنامه های اصفهان و طهران مقالاتی می نوشت. همچنین او سالها به کتابفروشی در کتابفروشی که به نام «مطهر» نامیده بود، مشغول بود. شعر نیز می سرود. ابتدا «هابط» تخلّص داشت. سپس آن را به «همّت» تغییر داد.

سرانجام در جمادی الاولی ۱۴۰۹ق وفات یافته و در گورستان جدید باغ رضوان

۱- گلستان هنر، ص۵۴؛ تذکره خوشنویسان، ص ۵۷ و ۵۸.

۲- راهنمای گنجینه قرآن، ص۲۹۹.

اصفهان مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «افکار و عقاید بزرگان» ۲. «انقلاب یا نهضت سیّد جمال الدّین»، مطبوع ۳. «برهان در نسخ ادیان» ۴. «بهداشت صورت» ۵. «پیشوای آینده جهان» ۶. «تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب»، مطبوع ۷. «تراش ریش از نظر بهداشت و اسلام»، مطبوع ۸. «خطرات آینده» ۹. «دخانیات از نظر بهداشت و اسلام» ۱۰. «دیوان اشعار» از غزل و قصیده و رباعی ۱۱. «شطرنج» ۱۲. «سیّد جمال الدّین و سازمان فراماسونری» ۱۳. «سیاست خارجی ها در ایران» ۱۴. «شعله احساسات» ۱۵. «شهر تبلیغات» ۱۶. «عدالت اجتماعی» ۱۷. «علل بیماریهای روحی» ۱۸. «فدائیان شهوت» ۱۹. «فرهنگ اسلام شناسان خارجی»، مطبوع ۲۰. «فرهنگ زندگی» ۲۱. «قرآن و فلاسفه غرب» یا «قرآن از نظر دانشمندان خارجی» ۲۲. «کمونیزم در مکتب اجتماع» ۲۳. «مردان نامی و دانشمندان باختر» ۲۴. «موسیقی در اسلام»، مطبوع(۱)

از اوست:

به کشوری که در آن نیست فکر فهمیدن

رواست گریه بر آن کرد جای خندیدن

در آن سرای که دزدان ز مکر بیدارند

نه جای اَمن و امانست بهر خوابیدن

حسین نور صادقی

حسین نور صادقی بن سیّد فتح اللّه، مترجم و روزنامه نگار معاصر، در ۲۴ شوال ۱۳۲۸ق در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در دبستان فرهنگ و متوسطه را در دبیرستان صارمیه اصفهان و تحصیلات عالیه را در دانشسرای عالی انجام داد. سپس

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۵۳۶ و ۵۳۷؛ مزارات اصفهان، صص ۱۲۵ و ۱۲۶.

به استخدام بانک کشاورزی درآمد ولی پس از یک سال استعفا داده و به تجارت، نویسندگی و روزنامه نگاری پرداخت. وی روزنامه «نقش جهان» را از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۶ش منتشر کرد. او به زبان های انگلیسی و عربی آشنا بود و به چند کشور اروپائی سفر کرد و سرانجام در سال ۱۳۷۲ش در تهران وفات یافت.

تألیفات و ترجمه های او عبارتند از:

۱. «اصفهان» ۲. «ترجمه سه منجم روسی و سه منجم انگلیسی» (نوشته ژول ورن) ۳. «ترجمه سفرنامه او ژن فلاندن به ایران» ۴. «ترجمه هشت سال در ایران» (نوشته سر پرسی سایکس) ۵. «ترجمه قتل دوشس» ۶ «گلهای سعادت» ۷. «شهرهای تاریخی ایران» ۸. «ظل السلطان»

شعر نیز می سروده و «سعادت» تخلّص می کرده است. این بیت از اوست:

مطرب امشب سرخوش است و طرز دیگر می زند

نیک بخت آن کس که با محبوبه ساغر می زند(۱)

حسین زاهد اصفهانی

حسین بن قاسم اصفهانی زاهد، از محدثین عامّه در قرن سوم هجری. ذهبی درباره او گوید: «فیه لین». زاهد قبل از سال ۲۴۰ق فوت شده است.(۲)

وی از اسماعیل بن ابی زیاد شامی روایت می کند و ابی اسحاق ابراهیم بن محمّد بن حسن ثقفی طیّان ازا و نقل حدیث کرده است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۴۶-۲۴۴؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ستون ۹۱۰ و ۹۱۱؛ چهره مطبوعات معاصر، ص۴۵؛ رجال اصفهان، مقدمه.

۲- میزان الاعتدال،ج۱، صص ۲۹ و ۲۵۵.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۱۹۱.

ملّا محمّد حسین قمشه ای کبیر

آخوند ملّا محمّد حسین کبیر بن محمّد قاسم قمشه ای نجفی، عالم کامل و فقیه محقّق، از علمای عالیقدر قرن سیزدهم و چهاردهم هجری. در سال ۱۲۵۰ق متولّد شده است. وی از اعقاب ملّا شمس الدّین بحرینی است. پس از تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف رفته و در اواخر عمر شیخ مرتضی انصاری در درس ایشان حاضر شد و پس از وفات او نزد سیّد حسین کوه کمری، میرزا محمّد حسن شیرازی، میرزا حبیب اللّه رشتی به تحصیل پرداخته و به اجتهاد نائل شد و به تدریس فقه و اصول پرداخت.

او دوره های «جواهر الکلام»، «وافی»، «مستند»، «بحارالانوار» و «وسائل الشیعه» را از روی خطوط مؤلفین آنها تصحیح نمود.

در جریان حمله انگلیسی ها به عراق و نهضت مقاومت عشایر و مردم بین النّهرین و علماء آنجا به رهبری میرزا محمّد تقی شیرازی (انقلاب ۱۹۲۰م عراق) شرکت فعال داشت.

وی سرانجام در حدود ۱۲ محرّم ۱۳۳۶ق در سن ۸۶ سالگی در نجف اشرف وفات یافته و در ایوان مقبره شیخ الشریعه اصفهانی در صحن مطهر حرم حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف مدفون گردید.

ایشان را تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «ادلّه الرشاد فی شرح نجاه العباد» در ۱۸ مجلّد ۲. «خضابیه» که در ۱۳ رمضان ۱۳۱۰ق از تألیف آن فراغت یافته است. ۳. «حاشیه الرّوضه البهیّه» ۴. «زیارت عاشورا و کیفیت آن» ۵. «عُدَّهِ طریقِ التّحقیق» ۶. «آداب حمام»

ارشد اولاد او میرزا محمّد حسن از فضلای آن عهد بوده که به فاصله چند ماه در رمضان ۱۳۳۶ق وفات یافته است.(۱)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۵۱؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص۲۵۲؛ نقباء البشر، ج۲، صص ۶۳۵ و ۶۳۶؛ الذّریعه، ج۱، ص۴۰۲ و ج۶، ص۹۴ و ج۷، ص۱۷۶؛ میرزای شیرازی (ترجمه هدیه الرّازی)، ص۱۳۷؛ جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، ص۷۹-۷۷؛ فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۲۸؛ رجال اصفهان، ص۱۶۶؛ تاریخ شهرضا، ص۷۵.

حسین شفیعی

حاج حسین شفیعی ابن قدمعلی بن حسین بن محمّد علی بن محمّد شفیع اصفهانی، شاعر عارف دانشمند معاصر. در سوم محرّم ۱۳۴۱ق در محلّه لُنبان اصفهان متولّد شد. در این شهر نزد فضلای این شهر همچون سیّد صدرالدّین کوهپایه ای، شیخ اسداللّه ایزدگشسب، شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، و حاج آقا رحیم ارباب به کسب علم پرداخته و مدّت ۱۵ سال از محضر میرزا علی آقا شیرازی بهره علمی و معنوی برد. [در قم نیز از درس آیات عظام بروجردی و مرعشی نجفی بهره گرفته و در شیراز نیز به خدمت ذو الرّیاستین رسیده و کسب فیض نمود و از سیّد نورالدّین شیرازی بهره علمی گرفت. وی مدّتی در اصفهان به کتابفروشی و زمانی به تدریس در دبیرستانها و دانشگاه اصفهان و یا در منزل خود می پرداخته و با درس اخلاق خود خصوصاً نهج البلاغه مردم و خصوصاً دانشجویان و جوانان را با حکمت و عرفان آشنا می نموده و جان های مشتاق عرفان الهی را سیراب می کرده است.

وی سرانجام در سوم بهمن ۱۳۷۸ش وفات یافته و در قطعه نام آوران گورستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «نورالیقین» در شرح صفات المتقین معروف به خطبه همام، مطبوع ۲. «شرح وصیت نامه حضرت علی علیه السلام به فرزندش حضرت مجتبی علیه السلام» ۳. «لوامع العرفان» منظومه عربی در توحید و عرفان ۴. «مجموعه ای از غزلیات شعرای قدیم و جدید» ۵. «ترجمه تجلی فضیلت» به فارسی، متن اصلی به عربی از ابوالفضل میرلوحی منتخب از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید درباره فضائل حضرت علی علیه السلام ۶. «مقدمه کنوز الرّموز» تألیف میرحسین هروی ۷. «دارالجنون عشق» مطبوع ۸. «بهجهالطالبین» در منطق و

غیره

این شعر از اوست:

شوق دیدار تو ای خسرو خوبان تا چند

بر سر خار بیابان بدواند ما را[...]

جان به شکرانه دهم گر نفسی آن دلبر

به کنارش ز محبّت بنشاند ما را(۱)

شیخ محمّد حسین صبوری*

شیخ محمّد حسین صبوری سیچانی فرزند حاج ملّا قدیر سیچانی، عالم فاضل متقّی، از علمای معاصر اصفهان متوفی سال ۱۳۷۱ق مدفون در تکیه سیّد محمود کلیشادی (مغنی گو) در تخت فولاد اصفهان.(۲)

شیخ محمّد حسین رشتی

شیخ محمّد حسین رشتی ابن حاج میرزا قوام الدّین بن حاج میرزا عبدالرزاق رشتی بن حاج میرزا محمّد کاظم بن حاج محمّد جعفر لنگرودی، عالم فاضل معاصر. در سال ۱۳۳۷ق متولّد شده و [تحصیلات خود را نزد علمای اصفهان، شیخ هبهاللّه هرندی، شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا عبدالوهاب زاهدی، میرزا هاشم خوانساری، آقا سیّد ابوالحسن شمس آبادی، سیّد عباس صفی دهکردی و میر سیّد علی بهبهانی (در هنگام اقامت و تدریس ایشان در اصفهان) انجام داد و خود نیز در مدرسه درکوشک به تدریس پرداخت. ایشان تولیت مدرسه درکوشک را نیز برعهده داشت. عالمی بود خلیق و خوش محضر و وارسته] سرانجام در ۳ ربیع الاوّل ۱۴۱۴ق وفات

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۲۷۰ و ۲۷۱؛ مزارات اصفهان، صص ۱۴۰ و ۱۴۱؛ دارالجنون عشق، مقدمه؛ آثار و افکار حکماء و عرفای مشهور اصفهان، صص ۳۵۱-۳۳۹.

۲- یادداشت های محقّق گرامی آقای حمید خلیلیان.

یافته و در مقبره مسجد سیّد اصفهان مدفون گردید.(۱)

ملّا محمّد حسین اصفهانی کاظمینی

ملّا محمّد حسین بن کرمعلی اصفهانی کاظمینی، پدر و جدّش تجارت می کرده اند، در حدود ۱۱۷۰ق متولّد شده و در اوایل جوانی اندکی تحصیل علوم نمود. سپس سالها به سیر و سیاحت در اطراف شهرها پرداخته و خدمت جمعی کثیر از علماء و بزرگان رسیده و چون از سفر خسته شد، در کاظمین ساکن گردیده و مدّت ۳۰سال در آن ارض اقدس مجاور بوده است. او از سال ۱۲۲۷ق شروع به تألیف کتابی کشکول مانند نموده و آنچه در مسافرت ها و شهرها دیده و شنیده است در آن جمع آوری کرده است.

[علاوه بر آن و «تاریخ جهان آرا»یِ غفاری را خلاصه کرده و آن را «جامع التّواریخ» نام نهاده است.(۲)]

میرزا حسین خان صحّت

میرزا حسین خان صحّت ابن محمد کریم اصفهانی، از روزنامه نگاران و نیکوکاران معاصر در حدود ۱۲۶۹ش در اصفهان متولّد شد و در اثر لیاقت و پشتکار توانست در میان همشهریان خود مقام ارجمندی را به دست آورد. مدّتی در پلیس جنوب به فعالیت مشغول بود. سپس در اصفهان به دواسازی و بعداً به تجارت روی آورد. از او آثار خیریه فراوانی به جای مانده است که از آن جمله است:

۱. وقف باغ رکن الملکی واقع در محمودیه جهت دبیرستان صارمیّه ۲. تأسیس درمانگاه صحّت در محلّه درکوشک، که در تعریض خیابان از بین رفت. ۳. تأسیس

۱- مزارات اصفهان، ص۶۵؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با شیخ محمّد حسین رشتی در یکشنبه ۵ خرداد ۱۳۷۰ش.

۲- الذریعه، ج۵، ص ۴۷ و ج ۱۸، ص۷۳ و ج۱۸، ص۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۵۱ و ۵۵۲.

مدرسه صحّت در محلّه مستهلک (جنب شاهزاده ابراهیم)

[وی مجله صحّت را از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ش منتشر کرد. وی سرانجام در ۱۴ دی ۱۳۵۷ش وفات یافته و در تکیه خانوادگی جنب تکیه ملک مدفون شد. این تکیه چند سال بعد خراب شده و ضمیمه تکیه شهداء شد.(۱)]

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن محمّد محسن اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری و ساکن کربلا بوده است. وی ظاهراً از شاگردان سیّد ابراهیم صاحب ضوابط و شیخ حسن کاشف الغطاء می باشد.

از آثار او:

۱. در سه شنبه ۸ جمادی الاولی سال ۱۲۶۳ق نسخه ای از کتاب «الرّد علی الصّوفیه» تألیف آخوند ملّا حسن بن محمّد علی یزدی را در مدرسه حسن خان در کربلا به خط نسخ به پایان رسانیده است.

۲. در هفدهم صفر ۱۲۷۵ق کتابت نسخه ای از «دمیه القصر و عصره اهل العصر» را به خط نسخ به پایان رسانیده، کتاب به شماره ۶۱۶۲ در کتابخانه ملی ملک در طهران موجود است.(۲)

ملّا محمّد حسین تاج اصفهانی

ملّا محمّد حسین معروف به «تاج» ابن محمّد محسن اصفهانی، عالم فاضل، از فقهاء و دانشمندان قرن یازدهم هجری. در سال ۱۰۱۰ق در اصفهان متولّد شد(۳) و در این شهر تحصیل کرد. و در فقه، حدیث، کلام و ادبیات متبحّر شد. او عالمی زاهد و عابد و تارک

۱- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۳، صص ۱۱۲-۱۰۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۵؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- فهرست ملک، ص۳۱۲.

۳- وقایع السنین و الاعوام، ص۴۹۹.

دنیا بود. بارها به او پیشنهاد مناصب دولتی را نمودند امّا او نپذیرفت و به زندگی ساده و زاهدانه خود ادامه داد.(۱) شاه سلیمان به ملاقات او علاقه بسیار داشت امّا «تاج» از او اعراض می کرد. عاقبت به اهتمام شیخ علی خان زنگنه وزیر شاه سلیمان، ملاقاتی در باغ هزار جریب بین شاه سلیمان و ملّا محمّد حسین تاج رخ داد، ولی تاج به شاه روی خوش نشان نداد.(۲)

وی سرانجام در شب یکشنبه ۳ صفر المظفّر ۱۱۰۰ق وفات یافت و جنازه جهت دفن به مشهد مقدس نقل گردید.(۳)

[در کتابهای «الروضه النضره» و «الکواکب المنتشره» او را با «محمّد حسین بن شمس الدّین محمّد» (شاگرد ملّا محمّد تقی مجلسی) یکی دانسته اند(۴)]

سیّد محمّد حسین مدرس

سیّد محمّد حسین مدرس صادقی ابن سیّد محسن بن سیّد محمّد باقر بن میر سیّد علی حسینی، شاعر و ادیب فاضل. در سال ۱۳۰۴ق در اصفهان متولّد شده و تحصیلات مقدّماتی خویش را در اصفهان انجام داد و سپس به کار در یکی از تجارت خانه های اصفهان مشغول شد. [او نزد برادرش میرزا عبداللّه ثقهالاسلام نیز تحصیل نموده و خط نسخ را نیکو می نوشته و قرآن مجید را کتابت نموده است.] شعر را نیکو می سروده و از آثار او «دیوان اشعار» و «گلشن نجات» به طبع رسیده است.

وی در ۶ محرم الحرام ۱۳۸۹ق وفات یافته و در تکیه سادات میر محمّد صادقی واقع در تخت فولاد مدفون شد.

از اوست:

۱- جامع الرواه، ج۲، ص۱۰۰؛ الکواکب المنتشره، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

۲- تتمیم امل الآمل، صص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۳- وقایع السنن و الاعوام، ص۴۹۹.

۴- الروضه النّضره، ص۱۵۸.

ای یار پری چهره که خود روح روانی

دل می بری از خلق ولی خویش ندانی

هر جا نگرم روی خوش و طلعت زیبا

از هرچه مرا در نظر آید به از آنی

چشم تو بود فتنه و زلفین تو جادو

هر عضو تو را می نگرم آفت جانی(۱)

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن شمس الدّین محمّد اصفهانی، عالم فاضل. در اصفهان خدمت جمعی از علمای اعلام از جمله ملّا محمّد تقی مجلسی تلمذّ نموده است. وی در پنج شنبه نیمه ذی الحجه ۱۰۴۷ق نسخه ای از «تهذیب الاحکام» را تا پایان «کتاب الزّیارات» به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۳۷۷۹ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی موجود است.

صاحب عنوان نسخه را نزد ملّا محمّد تقی مجلسی قرائت نموده و از ایشان دو اجازه دریافت داشته است. اجازه اول در پایان کتاب الصّوم و اجازه دوم در آخر نسخه و مورخ دوّم اُخَر ذی القعده ۱۰۵۰ق می باشد.(۲)

وی در شوال ۱۰۷۶ق نسخه ای «مصباح المتهجد» شیخ طوسی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه در جامع گوهرشاد مشهد موجود است.(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۳۸-۴۳۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۸۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۱۳؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای نصراللّه مدرس (فرزند صاحب عنوان) در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۷۶.

۲- فهرست مرعشی، ج۱۰، صص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۸۹.

۳- فهرست گوهرشاد، ص۳۹۷.

حسین علوی آوی

سیّد حسین بن محمّد بن ابی الرضا علوی آوی، عالم ادیب و منشی [از اعلام ادبای رشته های عربی و فارسی نیمه اول قرن هشتم هجری و اصلش از سادات آوه (آبه کنونی بین قزوین و همدان) بوده است. در جوانی از آوه به کاشان و از کاشان به اصفهان آمده و در این شهر اقامت جسته و با بزرگان شهر و متنفذین آن مثل افراد خاندان صاعدی، خواجه شمس الدّین محمّد بن نظام الدّین یزدی و امیر مظفرالدّین شیخ علی حاکم اصفهان معاشرت داشته است.(۱)]

وی کتاب «محاسن اصفهان» تألیف مفضل بن سعد مافروخی را از عربی به فارسی بسیار روان و فصیح ترجمه کرده و به نام امیر محمّد فرزند خواجه رشیدالدّین فضل اللّه همدانی نامیده است.(۲)

از دیگر آثار او «شرح عهدنامه علی علیه السلام برای مالک اشتر» است که در یک مقدمه و دو مقاله به نام «شرف الدّوله تاج الاسلام علی نامینینی» در ۵ ربیع الثّانی ۷۳۰ق تألیف نموده و میکروفیلم آن به شماره ۳۴۳۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

حسین اسلامیان*

استاد حسین اسلامیان فرزند محمّد قلمدان ساز، هنرمند معاصر اصفهان. در سال ۱۲۹۰ش دراصفهان متولّد شد. نقاشی را در کارگاه پدر آغاز کرد و سپس به خدمت هنرمند وارسته میرزا آقا امامی درآمد و کم کم در فنون مختلف نقاشی و تذهیب به مهارت دست یافت. در سال ۱۳۲۶ش به تهران رفت و در سال ۱۳۳۴ش به اداره هنرهای زیبا راه یافت و درضمن فعالیّت های هنری به تدریس مشغول شد.

۱- تاریخ تشیع اصفهان، ص ۳۱۸ و ۳۱۹.

۲- تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۱۹۴؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۲۳.

۳- فهرست میکروفیلم دانشگاه، ج۲، ص۱۴۱.

او در زمینه نقاشـی، تذهیب، تشعیر،میناکاری، جلدسازی،ساخت انواع بوم، سوخت، قلمدان سازی و نقاشی زیر لاکی و روغنی مهـارت داشـت. او در ۲۱ فروردیـن ۱۳۶۰ش در تهران درگـذشت. از تابلوهـای مشـهور او «صـحنه چوگـان بـازی» (بـا تاریخ ۱۳۳۶ش) است. آثار او در موزه هنرهای تزئینی و موزه هنرهای ملّی ایران نگهداری می شود.(۱)

حسین بیرجندی

ابوالقاسم (ابوعبـداللّه) حسـین بن محمّـد بن احمـد بن محمّـد بن محمّد بن اسحاق بن منازل بیرجندی قاینی معروف به «ادیب اصـفهان» از محدّثین عامه است. به صلاح و عفّت معروف بوده و او را «اصمعی صغیر» نیز می گفته اند. وی کثیرالکتابه و دقیق النّظر بوده است.(۲)

سیّد محمّد حسین سجادی نجف آبادی*

سیّد محمّد حسـین بن سـیّد محمّد بن سـیّد احمد نجف آبادی، عالم کامل، در نجف آباد متولّد شده و در اصـفهان به تحصیل مشـغول شد. سپس به عتبات عالیات رفته و از محضر درس میرزای شیرازی کسب فیض نمود و پس از وفات ایشان نزد آخوند خراسـانی و سـیّد محمّـد کـاظم طباطبـائی یزدی ادامه تحصـیل داد و پس از نیـل به اجتهـاد به زادگاه خود مراجعت نموده و به تدریس و اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول شد. ایشان سرانجام در ۷رجب ۱۳۳۱ق وفات یافته و در قبرستان قدیم نجف آباد مدفون شد. او دارای اجازه از میرزای شیرازی و شیخ محمّد تقی آقا نجفی می باشد.

از تألیفات ایشان می توان به ۱. رساله ای در صلاه ۲. رساله ای در منطق و ۳. رساله در ادبیات و معانی و بیان اشاره کرد.(۳)

۱- گلزارمشاهیر، صص ۳۷۱ و ۳۷۲؛ دائرهالمعارف هنر، ص۲۷.

۲- معجم البلدان، ج۲، ص۵۲۴.

۳- سیمای دانشوران، صص ۱۰۸-۱۰۶؛ آئینه اهل قلم، صص ۵۶ و ۵۷.

حسین عریضی کوفی

ابوطالب حسین بن محمّد بن جعفر بن حسین کوفی بن عیسی الرّومی بن محمّد الازرق بن عیسی الاکبر بن محمّد الاکبر بن علی العریضی بن جعفر الصادق علیه السلام از سادات عالیقدر قرن پنجم هجری است. زوجه اش داور بانو دختر مرداویج دیلمی و دخترش ملک بانو همسر اسماعیل طاهر بن ابی هاشم محمّد بن محسن بن ابی یعلی بن طاهر بن علی بن ابی الحسین محمّد الشّاعر بن احمد بن محمّد بن احمد بن ابراهیم طباطبا بوده است.

صاحب عنوان در صفر ۴۵۸ق در اصفهان وفات یافت(۱) وی از نیشابور به اصفهان منتقل شده و در این شهر وفات یافته است. مزار او در امامزاده درب امام اصفهان می باشد. اعقاب او در اصفهان و نیشابور ساکن بوده اند.(۲)

جمال الدّین حسین اصفهانی

جمال الدّین حسین بن محمّد بن جمال الدّین اصفهانی، متوفی در غرّه ربیع الاوّل سال ۷۳۵ق.

در قبرستان قدیم آب بخشان قبری بود بدین نام و نشان و محلّ آن در کنار دیوار کوچه بن بست دست راست اول میدان آب بخشان [میدان شهدای کنونی] انتهای چهارباغ پایین قرار داشت که فعلاً اثری از آن باقی نیست.

صاحب قبر ظاهراً از دانشمندان قرن هشتم ولکن مجهول الحال است. برخی وی را نواده جمال الدّین محمّد بن عبدالرزّاق شاعر اصفهانی دانسته اند.(۳)

[مرحوم استاد مهدوی در کتاب دیگر خود «مزارات اصفهان» ذیل مدفونین گورستان آب بخشان می نویسد:

«۱۸- خواجه کمال الدّین محمّد بن جمال الدّین اصفهانی» فاضل ادیب متوفی در

۱- منتقله الطالبیه، ص۲۳.

۲- مزارات اصفهان، ص ۲۰۴.

۳- مجله یادگار، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۸۳.

ربیع الاوّل سال ۹۵۳ق قبر او در کنار دیوار کوچه شرقی نرسیده به فلکه شهدا تا چند سال قبل سنگ او موجود بود ولی بعداً به سرنوشت دیگر سنگ های مزارات این گورستان و سایر مقابرا صفهان دچار گردید.»(۱)

باتوجّه به اینکه خود مرحوم مهدوی آن سنگ نوشته را ندیده و مطلب خود را از مقاله مرحوم صدر هاشمی در مجله یادگار گرفته است، باید گفت نام متوفی و تاریخ فوت او در کتاب مزارات نادرست است.]

آقا حسین خوانساری

آقا حسین خوانساری بن جمال الدّین محمّد بن حسین خوانساری، عالم کامل محقّق مدقّن، فقیه متکلّم، حکیم و فیلسوف، شاعر ادیب، از اکابر علمای قرن یازدهم هجری.

به خاطر اینکه لقب پدر و فرزندش «جمال الدّین» بوده به «ذوالجمالین» شهرت داشته است.

او در ذیقعده ۱۰۱۶ق در خوانسار متولّد شد. در نوجوانی به اصفهان آمد و در مدرسه خواجه ملک جنب مسجد شیخ لطف اللّه به تحصیل مشغول شد و نزد علمای اعلام میر ابوالقاسم فندرسکی، ملّا محمّد باقر محقّق سبزواری، ملّا محمّد تقی مجلسی، علاءالدّین حسین خلیفه سلطان و ملّا حیدر خوانساری تلمذّ نموده و به مقام بلند علم و فضیلت نائل شد، تا جائی که او را «استاد الکلّ فی الکلّ» و «استاد البشر والعقل الحادی عشر» گفتند.

او متوّلی و مدّرس مدرسه جدّه بوده و صدها تن از فضلاء محضر درس او را درک نموده و از خرمن پربار علوم او خوشه برچیدند. بسیار مورد لطف و اکرام شاه سلیمان صفوی بوده و به درخواست او در نبود شاه، به نیابت او می نشسته است.

[همسرش خواهر ملّا محمّد باقر سبزواری است که زنی صالحه و فاضله بوده و آقا

۱- مزارات اصفهان، ص۲۸.

جمال الدّین و آقا رضی الدّین، از این مخدّره متولّد شده اند.]

آقا حسین مانند فرزندش آقا جمال بذله گو و حاضرجواب بوده و لطیفه های زیادی از او نقل می کنند.

او سرانجام در غرّه رجب المرجّب سال ۱۰۹۸ه.ق وفات یافته و بنا به وصیت خودش در مزار بابا رکن الدّین (تخت فولاد) مدفون شده و به دستور شاه سلیمان صفوی بقعه ای عالی بر سر مزار او بنا شد. پس از وفات او تا امروز دهها تن از علماء و فضلاء در داخل بقعه و خارج از آن مدفون شدند و لذا به بقعه آقا حسین خوانساری، «قبهالعلماء» گفته می شد.

شعرا و گویندگان در رثای او مرثیه ها گفته و ماده تاریخ وفات او را به نظم کشیده اند. از جمله:

[مسیحا کاشانی این عبارت را ماده تاریخ او یافته است:

«دفن العلم کالهدی فی التّراب»]

و شخص دیگری گفته:

قال رضوان له: «ادخل جنّتی»

و به فارسی نیز گفته اند:

از آسمان یکی به درون سر نمود و گفت:

«امروز هم ملایکه گفتند یاحسین»

سنگ قبر آقا حسین خوانساری از جنس یشم گرانبها بوده که در فتنه افاغنه شکسته شده و معدوم شد و چند سال بعد سنگ از دو قطعه مرمر بر روی قبر او و فرزندش آقا جمال نصب شد.

هنگامی که برای دفن شیخ اسداللّه فهامی در بین دو قبر آقا حسین و آقا جمال قبر حفر می کرده اند جسد مبارک آقا حسین آشکار شد و آن را صحیح و سالم یافتند.

این کتب و رساله ها از تألیفات اوست:

۱. ترجمه «صحیفه سجادیه» ۲. حاشیه بر «الهیات

شفا» ۳. حاشیه بر «طبیعیات شفا» ۴. حاشیه بر «شرح اشارات» ۵. حاشیه بر «مختصر الاصول» ۶. حاشیه بر «محاکمات ۷. حاشیه بر حاشیه قدیم «شرح تجرید» ۸. مشارق الشّموس در شرح کتاب دروس، معروفترین اثر او که در سالهای ۱۳۰۵ و ۱۳۱۱ق چاپ سنگی شده است. ۹. منشآت

آقا حسین خوانساری گاهی نیز شعر می سروده و این رباعی از اوست:

ای باد صبا طرب فزا می آیی

از طوف کدامین کف پا می آیی

از کوی که برخاسته ای راست بگو

ای گرد به چشمم آشنا می آیی(۱)

حسین رویدشتی

ابونصر حسین بن محمّد بن حسین رویدشتی اصفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. از اهالی روستای «رویدشت» اصفهان بود و از ابوطاهر بن محمود ثقفی، عبدالرّحمان بن ابی عبداللّه و دیگران حدیث شنید.

وی در ماه جمادی الآخر سال ۴۸۸ق وفات نمود.(۲)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۲۰ و ۲۲۱؛ ریاض العلماء، ج۲، صص ۵۷-۶۰؛ جامع الرّواه، ج۱، ص۲۳۵؛ امل الآمل، ج۲، ص۱۰۱؛ سلافه العصر، ص۴۹۱؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ قصص الخاقانی، ج۲، ص۳۶؛ روضات الجنّات، ج۲، صص ۳۳۹-۳۵۸؛ فیض قدسی، ص۲۰۵؛ تذکره العلماء، صص ۸۷ و ۸۸؛هدیه الاحباب، ص۲۵۳؛ لباب الالقاب، ص۲۲؛ شمس التّواریخ، ص۱۴؛ تذکره حسینی، ص۱۰۹؛ مطلع الشمس، صص ۴۱۵ و ۴۱۶؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۰۱؛ قصص العلماء، ص۲۶۵؛ دائره المعارف المسمی بمقتبس الاثر، ج۲، ص۲۱۸؛ تذکره القبور یا رجال اصفهان، صص ۸۲-۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۵۸-۵۶۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۰۸-۱۱۱؛ خاندان شیخ الاسلام اصفهان، صص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ شواهد االربوبیه (مقدمه)، ص۹۴، جغرافیای خوانسار، صص ۱۳۷-۱۴۱، فرزانگان خوانسار، صص ۵۶-۵۸؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۱۵۳؛ زندگینامه علاّمه مجلسی، ج۱، صص ۱۳۷ و ۲۸۷؛ معجم مؤلفی الشیعه، ص۱۶۳؛ دانشمندان خوانسار، صص ۷-۱۸۴؛ تذکره محمّد شاهی: خطی.

۲- اللباب، ج۲، ص۴۴.

حسین امید اصفهانی*

حسین مفیدی فر متخلّص به «امید» بن حاج محمّد بن حسین زفره ای کوهپایه ای اصفهانی، شاعر و سخنور معاصر.

در سال ۱۳۴۷ش متولّد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشگاه راه یافت و در رشته مهندسی نساجی در دانشگاه صنعتی اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از اتمام تحصیلات خود، به فعالیّت در کارخانجات صنعتی اصفهان مشغول شد.

وی به تشویق پدر شاعر خود، به سرودن شعر پرداخت. مجموعه اشعار او در قالب های غزل، رباعی، مثنوی و ترجیع بند با عنوان «پرتوی از عشق» در سال ۱۳۷۷ه.ش به وسیله انتشارات گلبهار اصفهان به چاپ رسیده است.(۱)

از اوست:

شاد و خرم شده ام چون ز قفس پر زده ام

کنده از باغ و چمن دیده به خوشتر زده ام

از گل و گلشن زیبا بکشیدم دل خویش

این دل آینه بر چهره دیگر زده ام

در بلندای افق می نگرم مسند نور

پر به سوی هدفی پاک و منوّر زده ام

گر ملائک همه بر بام فلک پر زده اند

بیش از آنان به فراسوی فلک پر زده ام

خرم آن دم که شدم از تن فرسوده جدا

جوهر پیکره بر خانه بی در زده ام

۱- به نقل از آقای حاج محمّد مفیدی فر.

حسین متطبّب

ابوعلی حسین بن محمّد بن شریک متطبّب، از محدثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. از محمّد بن عمر بن حفص حدیث شنیده و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می نماید. ابوعلی متطبب در سال ۳۸۵ یا ۳۸۶ق فوت شده است.(۱)

ملّا حسین مهرآبادی اردستانی*

ملّا حسین بن ملّا محمّد بن ملّا علی بن ملّا رفیع بن ملّا ظهیر مهرآبادی، عالم فاضل. از فضلای قرن سیزدهم هجری.

در روستای «مهرآباد» اردستان متولّد شده و در اردستان نزد حاج ملّا عبدالعظیم بیدگلی به تحصیل مشغول شد. سپس به کاشان رفته و در مدرسه سلطانی نزد حاج ملّا محمّد حسین طاهرآبادی به ادامه تحصیل پرداخت. کمی بعد به اصفهان رفته و به تکمیل تحصیلات خود پرداخت.

عاقبت به اردستان بازگشته و به ترویج دین و ارشاد مردم مشغول شد. او به تقوا و زهد معروف بود. در سال ۱۲۷۳ق وفات نمود و در قبرستان «مهرآباد» دفن شد.(۲)

شیخ محمّد حسین اَشَنی قودِجانی*

شیخ محمّد حسین اشنی قودجانی ابن حاج ملّا محمّد بن حاج ملّا علی، عالم کامل، فقیه متبحّر و صالح متّقی، در حدود سال ۱۲۸۵ در قریه «قودجان» گلپایگان متولّد شده و جهت تحصیل به اصفهان آمد و نزد میرزا ابوالمعانی کلباسی، میر محمّد تقی مدرس، شیخ محمّد تقی آقانجفی و سیّد محمّد باقر درچه ای به تحصیل پرداخت. همچنین از محضر درس آخوند کاشی و احتمالاً ـ جهانگیرخان قشقائی کسب فیض نمود. سپس به عتبات عالیات عزیمت نمود و احتمالاً خدمت آیات عظام آخوند خراسانی، سیّد محمّد کاظم یزدی، شیخ فتح اللّه شریعت اصفهانی و دیگران به تکمیل تحصیلات خود پرداخت.

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲- آتشکده اردستان، ج ۲، ص ۲۸۸.

او پس از پایان تحصیل به ایران مراجعت نموده و در قریه «اَشَن» از بلوک عربستان (مهردشت فعلی) اصفهان ساکن شده و به ترویج دین و اشاعه احکام اسلام و حل مشکلات مردم آن حدود مشغول شد. در زمان حکومت رضاخان چندی در گلپایگان و «قودجان» ساکن بوده و عاقبت به دعوت جمعی از علمای اصفهان، به اصفهان آمده و در مدرسه درکوشک به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شد.(۱)]

او در بعدازظهر یک شنبه ۲۴ رمضان المبارک سال ۱۳۷۵ق وفات یافته و در بقعه میرزا ابوالمعالی کلباسی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

شیخ محمّد حسین کتابفروش

شیخ محمّد حسین کتابفروش ابن ملّا محمّد بن ملّا علی خوانساری، از فضلای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. در اصفهان متولّد شده و نزد حاج میرزا یحیی مستوفی، آخوند ملّا عبدالکریم گزی، شیخ مرتضی ریزی و شیخ محمّد تقی آقا نجفی به تحصیل پرداخته و سپس مانند پدر به شغل کتابفروشی پرداخته و از راه طبع کتب دینی خدمت شایسته ای به علم و دین فرموده است.

وی داماد استادش میرزا یحیی مستوفی بوده و در سلخ شعبان سال ۱۳۶۶ق وفات یافته و حوالی قبر ملّا محمّد اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد، در بقعه ی خانوادگی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

از پی تاریخ او گفت خرد با یکی

«جا بجنان می کناد شیخ محمّد حسین»

وی تألیفاتی دارد که از آن جمله است:

۱. «تفسیر مولوی»، در حاشیه قرآن به طبع رسیده و خلاصه چندین کتاب تفسیر

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۱.

۲- مشاهیر مزار علاّمه ابوالمعالی کلباسی، صص ۲۰۱-۲۰۷.

است. ۲. «کشف الآیات» که در آخر کتاب «جنّات الخلود» به طبع رسیده است.(۱)

حسین زعفرانی اصفهانی

ابوسعید حسین بن محمّد بن علی زعفرانی اصفهانی، از محدّثین قرن چهارم هجری در اصفهان است. حافظ ابونعیم در کتاب خود او را بندار شهر در کثرت حدیث و صاحب معرفت و اتّقان دانسته است.

از بغوی، ابن صاعد، حسین بن علی بن زید و دیگران حدیث شنیده و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می کند. وی سرانجام در ۲۸ شوال ۳۶۹ق وفات یافته است. او صاحب تألیفات فراوانی بوده که از آن جمله است:

۱. «تفسیر» ۲. «مسند» ۳. «شیوخ»(۲)

سیّد حسین مدرس*

سیّد حسین مدرس ابن سیّد محمّد بن سیّد علی بن میر حسن مدرس میر محمّد صادقی، عالم فاضل. در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۳۷ق در اصفهان متولّد شده و در این شهر نزد حاج میر سیّد علی بهبهانی، میر سیّد علی فانی، میرزا علی اصغر شریف، شیخ حسین ذوعلم، آقا میرزا هاشمی و شیخ محمّد جواد اصولی به تحصیل پرداخت.

وی از علماء اهل منبر و عالمی خلیق و وارسته بوده و سرانجام در شب چهارم رجب المرجب ۱۴۲۰ق (مطابق با ۲۲ مهر ۱۳۷۸ش) در بیمارستان الزهراء اصفهان وفات یافته و در جوار مرقد جدّ اعلای خود در مسجد رحیم خان اصفهان مدفون شد.(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۱ و ۵۶۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۸.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۸۴؛ الاعلام، ج۲، ص۲۷۷؛ طبقات المفسرین، ج۱، ص۱۵۷؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۳۰۵.

۳- نگاهی به احوال و آواء حکیم مدرس اصفهانی، ص۲۳.

حسین خوشنویس زاده*

حسین خوشنویس زاده از هنرمندان معاصر فرزند میرزا محمّد بن ملّا علی اصغر بن حاج ملّا حسن نجف آبادی.

در سال ۱۲۸۸ شمسی متولّد و نزد پدر علوم عربی را آموخت و نقاشی و مینیاتور را از میرزا هادی خان مختار تجویدی و هنر سوخت را از میرزا عباس ذوالفنون و خط را از ابراهیم بوذری فرا گرفت. مادر وی دختر علّامه آقا میرزا عطاءاللّه چهارسوقی بوده است.

وی از هنرمندان مینیاتور اصفهان و از اساتید قدیمی هنر سوخت و نقاشی به شمار می رفت.

فرزند ایشان به نام ناصر خوشنویس زاده در هنر سوخت و معرق استاد است.

حسین خوشنویس زاده در روز دهم آبان ۱۳۷۳ ه.ش. وفات یافته و در گورستان جدید (باغ رضوان) اصفهان مدفون شد.

شیخ حسین یزدی

شیخ حسین یزدی فرزند شیخ محمّد بن شیخ محمّدعلی یزدی اصفهانی، عالم فاضل معاصر.

در سال ۱۳۱۰ش در اصفهان متولّد شد. از نوجوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت. ادبیات عرب و منطق را نزد اساتیدی چون سیّد مرتضی موحّد ابطحی، میرزا یحیی فقیه ایمانی، ملّا هاشم جنّتی، شیخ عباسعلی ادیب، شریعت هرندی و شیخ حیدرعلی صلواتی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد شیخ محمّد حسن عالم نجف آبادی و قوانین را نزد شیخ نورالدّین اَشَنی آموخت آنگاه به شهر مقدس قم شتافت و سطوح عالی فقه و اصول را نزد حضرات آیات میرزا علی مشکینی، شیخ اسداللّه اصفهانی (صفر نوراللهی)، مرعشی نجفی، شهید مطهری، شهید صدوقی و سیّد محمّد باقر سلطانی فرا گرفت. همچنین از درس شرح منظومه شیخ مسلم ملکوتی و فلسفه علّامه طباطبایی استفاده نمود.

آنگاه به درس خارج آیت اللّه العظمی بروجردی حاضر شد و سپس مدت ۳۰ سال از

محضـر آیت اللّه العظمی گلپایگانی بهره برد. وی همچنین از دروس حضـرات آیات: امام خمینی، شـیخ مرتضـی حائری، شیخ محمّد تقی بروجردی و سیّد حسین فرید اراکی استفاده کرد. سپس به تدریس در حوزه علمیه قم و ترویج دین مشغول شدم و سالهاست که سرپرستی مدرسه علمیه رسالت را به عهده دارد.

از آثـار ایشان تصـحیح و تحقیق کتاب «مجمع الفائـده و البرهان» تألیف: مقـدس اردبیلی قابل ذکر است که با همکاری مرحوم شیخ علی پناه اشـتهاردی و آقای سیّد حسین موسوی کرمانی در ۱۴جلد به انجام رسـیده است. وی تقریرات فقهی اساتید خود (حضـرات آیات: بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی و فرید اراکی) را به رشته تحریر درآورده است و چندین مقاله تحقیقی از او به چاپ رسیده است.(۱)

حسین راغب اصفهانی

ابی القـاسم حسـین بن محمّـد بن فضـل بن محمّـد اصـفهانی معروف به «راغب اصـفهانی» از بزرگـان علمـاء و فقهاء قرن پنجم هجری است. در علوم ادب و لغت و شـعر و حدیث و کلام و حکمت بی نظیر بوده است و او را در علم و حکمت او را تالی و قرین امام محمّد غزالی می شمارند. در کتاب «درّه الاخبار» گوید:

«جمع کرد میان شریعت و حکمت در تصانیف خود و حَظّ او از معقولات بیشتر بود.»

برخی او را شـافعی شـمرده انـد و بسـیاری نیز او را معتزلی می داننـد. امّا شـیخ عمادالـدّین حسن بن علی طبری صاحب «کامل بهائی» در آخر کتاب خود «اسرارالامامه» به صراحت می نویسد که راغب از حکمای شیعه امامیه است.

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «تفصیل النّشأتین و تحصیل السّعادتین» مطبوع ۲. «الذّریعه الی مکارم الشّریعه»

۱- یادداشت های آقای رحیم قاسمی.

که امام محمّد غزالی پیوسته به مطالعه آن کتاب می پرداخته است و آن را به واسطه عظمت و نفاستش می ستوده و آن کتابی است بزرگ دارای نوادر حکم و حکایات ظریفه که به فارسی ترجمه شده و نام ترجمه آن «روش بزرگواری در اسلام» است. مطبوع ۳. «غره التنزیل و درّه التّاویل» ۴. «محاضرات الادباء» مطبوع ۵. «مفردات الفاظ القرآن» مشهورترین تألیف او که بارها در ایران و مصر چاپ شده است. ۶. «جامع التّفاسیر» که قاضی بیضاوی در تفسیر خود از آن استفاده کرده است.

راغب اصفهانی در اصفهان متولّد شده و به سال ۵۰۲ق در بغداد وفات یافته است. در کتاب «الکنی و الالقاب» به اشتباه سال فوت او ۵۶۵ق نوشته شده است.(۱)

حسین عمروی اصفهانی

قاضی ابوعبداللَّه حسین بن محمّد بن محمّد بن عمرویه عمروی اصفهانی، فقیه، محدّث، شاعر و ادیب قرن ششم هجری، از اکابر فقهای شافعی اصفهان در عصر خویش بوده و سمعانی از او به عنوان «کان اماماً فاضلاً مناظراً حَسَن السّیره سؤدداً» یاد کرده است.

از ابو عیسی عبدالرّحمان بن عیسی بن زیاد، ابوبکر محمّد بن احمد بن محمّد بن حسن بن ماجه ابهری و دیگران حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی در اصفهان خدمت او و استماع حدیث کرده و نوشته است.

وی در حدود سال ۴۶۰ق متولّد و در دوشنبه ۲ذیقعده سال ۵۳۸ق در اصفهان

۱- کشف الظنون، ج۲، ص۱۶۰۹؛ بغیه الوعاه، ص۳۹۶؛ الاعلام، ج۲، ص۲۷۹؛ ثقاه العیون، صص ۸۱ و ۸۲؛ ریاض العلماء، ج۲، ص۱۷۲؛ الکنی و الالقاب، ج۲، ص۲۴۰؛ نزهه القلوب، ص۶۹۳؛ طبقات المفسرین، ج۲، ص۳۲۹؛ الذریعه، ج۵، ص۴۵ و ج۱۰، ص۲۸ و ج۲۰، ص۱۲۸ و ج۲۱، ص۳۶۴؛ روضات الجنات، ج۳، ص۱۹۷؛ ریحانه الادب، ج۲، ص۲۹۲؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۵۹؛ درّه الاخبار، ص۶۷؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۶۷ و ۲۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۵۲ و ۵۵۳؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، صص ۲۷۲ و ۲۷۳.

وفات یافته است.(۱)

حسین رجاء اصفهانی

شیخ قطب الـدّین حسـین بن شـیخ ولی اللّٰه شـمس الـدّین محمّد بن محمود بن علی اصـفهانی معروف به رجاء، عارف و عابد صالـح از عرفای قرن هشـتم هجری. وی شـیخ خانقاه علی بن سـهل بوده و از پدرش خرقه دریافت نموده است و پدرش از تاج الدّین محمود و او از شـیخ شـهاب الدّین عمر سهروردی. ابن بطوطه در حدود سال ۷۲۷ق در خانقاه علی بن سـهل در اصفهان خدمت او بوده و مورد اکرام و مهمان نوازی او واقع شده، و این شیخ را بسیار ستوده است.(۲)

سیّد علاءالدّین حسین خلیفه سلطان*

سیِّد علاءالدّین حسـین خلیفه سـلطان (سـلطان العلماء) بن رفیع الدّین محمّد بن شـجاع الدّین محمود مرعشـی اصـفهانی، عالم فاضل، فقیه محقق و ادیب شاعر [از علماء و وزراء عالی مقام قرن یازدهم هجری].

در اصـفهان متولّـد شـده و نزد پـدر خود و شـیخ بهائی و دیگران به تحصـیل پرداخته و به مقام شامـخ علم و فضـیلت نائل شد. پـدرش منصب صـدارت شاه عباس اوّل را برعهده داشت. شاه عباس علاءالدّین حسـین را به دامادی خود پذیرفته و چندی بعد منصب وزارت اعظم را به او سپرد. در زمان شاه عباس او ۵ سال وزارت کرد.

بعد از مرگ شاه عباس و به سـلطنت رسـیدن شاه صفی ۲ سال وزیر او بود. امّا شاه صـفی نسـبت به او بـدگمان شده و او را از وزارت عزل کرده و به قم تبعید کرد و دستور داد پسران خلیفه سلطان را میل در چشم کشیده و کور نمایند.

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲- سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه فارسی)، ج ۱، ص ۲۱۳؛ مقالات الحنفاء، ص ۱۵؛ مزارات اصفهان، ص ۳۲۴.

خلیفه سلطان در قم به ادامه تحصیل پرداخته و عمر را به عبادت و تدریس گذرانید تا آن که شاه عباس دوّم به سلطنت رسید. پس از اینکه وزیر او ساروتقی به قتل رسید، بار دیگر خلیفه سلطان از طرف شاه عباس دوّم به وزارت منصوب شد و ۸ سال در این منصب باقی بود. عاقبت پس از فتح قندهار و حرکت اردوی شاه به مازندران، او که در رکاب شاه بود، در شهر اشرف در روز سه شنبه ۱۰ جمادی الاولی ۱۰۶۴ق وفات یافت. پیکرش به نجف حمل شده و در کفشداری ایوان حرم مطهر حضرت علی علیه السلام مدفون شد.

او طبع شعر داشته و اشعاری از او به جای مانده است. این شعر از اوست:

افسوس که عمر بیهوده گشت تلف

دنیا به تعب گذشت و دین رفت ز کف

رنجید خدا و خلق راضی نشدند

ضایع کرده ایم پاره ای آب و علف(۱)

این کتابها از تألیفات اوست:

۱. «آداب الحج»، به فارسی ۲. «انموذج العلوم» که نسخه ای از آن به شماره ۸۰۰/۵ در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است. (۲) ۳. «ترجمه تقویم البلدان» تألیف: اسماعیل ایوبی، به فارسی و به نام شاه صفی، موجود در کتابخانه ملک در تهران (۳) ۴. «تعلیقه بر من لایحضره الفقیه» ۵. «توضیح الاخلاق» که آنرا به دستور شاه صفی از روی کتاب «اخلاق ناصری» تألیف: خواجه نصیرالدّین طوسی، به زبان ساده و روان بازنویسی شده و به شماره ۲۹۸۴ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم موجود

۱- ریاض العلماء، ج۲، صص ۵۵-۵۱؛ روضات الجنّات، ج۲، ص۳۳۷؛ الکنی و الالقاب، ج۲، صص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۱۵۹؛ معجم المؤلفین، ج۶، ص۲۹۲؛ ریحانه الادب، ج۳، ص۵۶؛ تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۳ و ۲۴؛ آثار الشیعه، ج۴، صص ۹۹-۹۷؛ وقایع السنین و الاعوام، ص۵۱۹؛ لباب الالقاب، ص۲۳؛ شمس التواریخ، صص ۱۳ و ۱۴؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۲۱۹ و ۲۲۰؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۱۴-۱۲؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۵.

۲- فهرست مروی، ص۳۰۸.

۳- فهرست ملک، ج۲، ص۱۲۹؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۱۸۵.

است. (۱) ۶. «حاشیه بر حاشیه خفری بر الهیات تجرید» ۷. «حاشیه بر شرح لمعه» ۸. «حاشیه بر شرح مختصر المنتهی» که نسخه ای از آن به شماره ۲۰۸۸۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است. (۲) ۹. «حاشیه بر مختلف الشیعه» ۱۰. «حاشیه بر معالم الاصول» که معروفترین اثر اوست و دهها نسخه از آن در کتابخانه های مختلف موجود است و به همراه متن کتاب به طبع رسیده است. ۱۱. «حاشیه بر مدارک الاحکام» که نسخه ای از آن به شماره ۸۸۲ در مدرسه مروی تهران موجود است. (۳) ۱۲. «شبهات در علوم متفرقه و جواب آن» ۱۳. «شرح بر زبده شیخ بهائی» ۱۴. «دفع شبهه استلزام»

میر محمّد حسین شیخ الاسلام نائینی

میر محمّد حسین بن رفیع الدّین محمّد بن مهدی بن ابوالحسن بهاءالدّین محمّد بن میرزا رفیع الدّین محمّد (میرزا رفیعا) نائینی طباطبائی زواره ای، از علمای قرن دوازدهم هجری است.(۴)

او از علمائی بوده که در زمان هجوم افاغنه به اصفهان، خانه اش محلّ تحصّن بوده است و هرکس به خانه اش داخل می شده، از شرّ افاغنه در امان بوده است.(۵)

او در ۳ جمادی الاولی سال ۱۱۷۵ق در اصفهان وفات یافته و در قبرستان آب بخشان مدفون شد.

رفیق اصفهانی ماده تاریخ وفات او را سروده است:

۱- فهرست احیاء، ج۷، ص۳۸۸.

۲- فهرست رضوی، ج۱۶، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۳- فهرست مروی، ص۱۲۱.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۹.

۵- آتشکده اردستان، ج۲، صص ۲۸۴ و ۲۸۵.

گفتا رفیق از پی تاریخ آن: مدام

یا رب بِخُلد جای محمّد حسین باد(۱)

سیّد حسین شهشهانی

سیّد حسین شهشهانی ابن آقا سیّد محمّد صدرالواعظین بن میرزا یحیی. از دانشمندان و مردان نیکنام. در سال ۱۳۱۷ق در اصفهان متولّد شد. تحصیلات خود را در اصفهان و نجف به پایان رسانید و به دعوت داور وزیر دادگستری به آن وزارت وارد شده و تا مستشاری دیوان عالی کشور ترقّی نموده است. مدّتی کفالت وزارت دادگستری و وزارت کشور را داشته و زمانی نیز استاندار مازندران، و مدّتی ریاست اداره ثبت اسناد کل را داشته است.

مرحوم شهشهانی مردی دانشمند و خلیق و خوش محضر بود. سرانجام در ۱۳ شوال ۱۳۸۱ق در ژِنو وفات یافته، جنازه به اصفهان منتقل شده، در بقعه شهشهان مدفون گردید.

مقالات زیر از ایشان در روزنامه های مرکز انتشار یافته است:

۱. «فرمانی از نادرشاه درّانی» ۲. «وقف نامه مسجد میرعماد کاشان» ۳. «تاریخچه بقعه شهشهان و اسناد آن» ۴. «فهرست قسمتی از اسناد و مکاتبات» مجموعه شخصی او مربوط به دوران قاجاریه که آنها را آقای غلامرضا فرزانه زیر نظر ایشان تهیه نموده است.

از آثار آن مرحوم احیای قریه اصفهانک، موقوفه بقعه شهشهان است که یکی از بنی اعمام ایشان آن را به عنوان ملکیّت به ثبت رسانیده بود، که به وسیله ایشان از تصرّف غصب خارج شد و به تولیت ایشان و نظارت مرحوم سیّد مرتضی شهشهانی برادر ایشان درآمد. از دیگر آثار او مرمّت و تعمیر بقعه سیّد علاءالدّین شهشهان بوده است.(۲)

۱- مکارم الآثار، ج۶، صص ۲۴۶۱ و ۲۴۶۲.

۲- سواد و بیاض، ۲۷۳-۲۷۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۴۲؛ مزارات اصفهان، ص۲۸۱.

دکتر سیّد حسین میرشمسی

دکتر سیّد حسین میرشمسی ابن آقا میر سیّد محمّد شهشهانی، دانشمند محقّق معاصر. در سال ۱۲۹۵ش در اصفهان متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسّطه را در اصفهان به پایان رسانید. درس سال ۱۳۱۸ش از دانشکده دامپزشکی دانشگاه اصفهان و در سال ۱۳۳۱ش از مدرسه عالی دامپزشکی «آلفر» وابسته به دانشگاه پاریس، دکترای دامپزشکی دریافت داشته است و دوره های تحصیلی باکتری شناسی و ایمنی شناسی را در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ش در «انستیتوپاستور» پاریس و دوره تخصّصی ویروس شناسی را در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ و همچنین سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ در انگلستان و آمریکا گذرانید. در مهرماه ۱۳۲۰ش پس از دو سال خدمت وظیفه، به خدمت مؤسسه سرم و واکسن سازی رازی درآمده و در این موقع که جنگ جهانی دوّم به شدّت ادامه داشت و در کشور در تصرف سه نیروی بیگانه بود مسئول تولید سِرُم های درمانی مصرفی پزشکی به خصوص سِرُم ضد دیفتری بود. از سال ۱۳۳۲ش به بعد مسئولیّت تولید واکسن های ضد دیفتری و کزاز و سیاه سرفه برای مصرف کشور را به عهده داشته و با توسعه واحد تولید واکسن ها و سِرُم های مصرف پزشکی به تدریج موضوع تهیّه واکسن های ضد سرخک و ضد عفونت کودکان به مسؤلیّت وی درآمد.

دکتر میرشمسی ۳ کتاب در زمینه ویروس شناسی و ایمنی شناسی و بیش از ۱۱۲ مقاله فارسی، فرانسوی و انگلیسی نوشته که به چاپ رسیده اند. در سال ۱۳۷۴ش نیز نشان درجه اول پژوهش را از دست رئیس جمهور وقت دریافت نمود. وی طبع شعر داشته و در جوانی شعر می سروده است.

از اوست:

خسرو عشق بنازم که چو زد خیمه به دل

شهره دهر کند بی سر و پا کوهکنی(۱)

۱- ماهنامه اطلاعات علمی، شماره ۲۴۱، ص۵۳؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۸۸ و ۴۸۹.

حسین ضمیری اصفهانی

کمال الدّین حسین بن محمّد اصفهانی متخلص به «ضمیری» شاعر و ادیب دانشمند قرن دهم هجری. وی در حکمت و ریاضی از شاگردان غیاث الدّین منصور دستکی شیرازی بوده است. ابتدا به مناسبت اینکه پدرش باغبان باغ نقش جهان در اصفهان بود «باغبان» تخلّص داشت، در علم رمل نیز استاد بود.

هنگامی که به خدمت شاه طهماسب رسید و چون به خاطر احاطه به رمل از ضمایر خبر می داد، به اشاره شاه تخلّص خود را به «ضمیری» تغییر داد. همچنین شاه طهماسب او را قابل مقایسه با امیرخسرو دهلوی دانسته و او را «خسرو ثانی» لقب داد.

وی اشعار زیادی سروده و آنها را در کتابهای چندی جمع آوری نموده که از آن جمله است:

۱. «آئینه خیال» ۲. «اسکندرنامه» ۳. «احیای کمال» ۴. «بدایع الشّعر» ۵. «بهار و خزان» ۶. «بدایت حال یا ترانه وصال» ۷. «حسن فال» ۸. «حسنه الاخبار» ۹. «خجسته فال» ۱۰. «درّ مثال» ۱۱. «سفینه اقبال» ۱۲. «سحاب حلال» یا «سحر حلال» ۱۳. «صورت حال» ۱۴. «صنایع» ۱۵. «صیقل ملال» ۱۶. «عذر مقال» ۱۷. «طاهرات» ۱۸. «عیون الزلال» ۱۹. «فراغ بال» ۲۰. «قدس خیال» ۲۱. «کنزالاقوال» ۲۲. «لیلی و مجنون» ۲۳. «لوامع خیال» ۲۴. «معشوق لایزال» ۲۵. «معراج آمال» ۲۶. «مکثر الاحوال» ۲۷. «منتهای کمال» ۲۸. «نهایه السّحر» ۲۹. «ناز و نیاز» ۳۰. «وامق و عذرا»

از اوست:

درمانده به درد دل بی حاصل خویشم

رو همدم و بگذار به درد دل خویشم

گیرد همه کس روز جزا دامن قائل

جز من که به جان منفعل از قاتل خویشم(۱)

۱- خلاصه الاشعار (بخش اصفهان)، صص ۷-۳؛ تاریخ نظم و نثر، ج۱، ص۴۴۶؛ تحفه سامی، ص۲۲۳؛ لغت نامه دهخدا، ذیل حسین ضمیری، ص۶۵۸؛ آتشکده آذر، بخش سوم از نیمه نخست، ص۹۵۸؛ تذکره حسینی، ص۱۹۵؛ تذکره غنی، ص۸۲؛ تذکره میخانه، صص ۱۵۸-۱۵۶؛ تاریخ عالم آرای عباسی، ج۱، ص۲۷۸؛ الذریعه، ج۷، ص ۲۶۰؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج۵، صص ۷۰۰-۶۹۴؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۲ و ۵۶۳؛ فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج۷، ص ۸۷۱؛ فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه شماره ۲۱۴۴؛ تذکره شمع انجمن، ص ۴۲۰.

میر محمّد حسین عاشوری قمی

میر محمّد حسین بن صدرالدّین محمّد حسینی عاشوری قمی، عالم فاضل، از دانشوران قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و نزد علمای این شهر به تحصیل پرداخته است. وی در محرم ۱۰۹۶ق «بحارالانوار» مجلد هیجدهم را کتابت کرده و آن را نزد علّامه مجلسی خوانده و تحقیق و تصحیح نموده است. علّامه مجلسی نیز در ۲۷ ربیع الاوّل ۱۰۹۶ق جهت او اجازه مرقوم داشته است.(۱)

ملّا محمّد حسین مظاهری کرونی

ملّا محمّد حسین مظاهری ابن محمّد بن ملّا میرزا کرونی اصفهانی، عالم زاهد، قبل از سال ۱۲۹۵ق در «تیران» از بلوک کَروَن اصفهان متولّد شد و در نوجوانی به همراه پدرش و برادرش (حاج میرزا حسن) به اصفهان آمده و در کنار بازارچه بیدآباد جنب مسجد میرزا باقر ساکن شد و نزد حضرات آیات سیّد مهدی نحوی، ملّا محمّد همامی، میرزا محمّدحسن نجفی، آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقائی، میرزا احمد مدرس، سیّد مهدی درچه ای و آقا میرزا محمّدهاشم چهارسوقی به کسب فیض پرداخت. مدتی نیز به عتبات عالیات مُشرّف شده و از محضر درس آخوند خراسانی بهره مند شد و به اصفهان بازگشت و به ارشاد مردم و اقامه جماعت در مسجد محلّه لُرها در محلّه بیدآباد و مدتی نیز در مسجد مورنان پرداخت.

در نهایت تقوا و صلاح بود و بسیار عبادت می نمود و در کارهای خیر پیشقدم بود.

۱- الذریعه، ج۱، ص۱۵۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۸؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۹۲؛ اجازات الحدیث، ص۱۹۱؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۸.

و سرانجام در شب ۲۹ جمادی الثّانی ۱۳۶۸ق وفات یافته و در صحن تکیه بروجردی در تخت فولاد مدفون شد.

تاریخ وفات او را میرزا حبیب اللّه نَیّر چنین سروده است:

کِلک «نَیّر» از برای سال تاریخش نگاشت

«سوی جنّت شد چو آقای حسین کرونی»(۱)

میر محمّد حسین گلستانه

میر محمّد حسین بن علاءالدّین محمّد گلستانه، از علماء و فضلای قرن دوازدهم هجری است.(۲) [در اصفهان ساکن بوده و ظاهراً نزد پدر خود به تحصیل پرداخته است. سال فوت او معلوم نیست.]

حسین جُرواآنی اصفهانی

ابوعبداللّه حسین بن محمّد مؤدّب جرواآنی اصفهانی، از محدّثین اصفهان و از اهالی محلّه «جُرواآن» اصفهان بوده و از ابراهیم بن محمّد بن حسن معروف به مُتویّه حدیث نقل نموده است.(۳)

شیخ حسین واعظ اصفهانی

شیخ حسین بن محمّد واعظ اصفهانی حائری، عالم فاضل، متوفّی حدود سال ۱۳۲۰ق، مؤلف کتاب «طریق الجنّه» در مقتل به فارسی.(۴)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۱۵۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۷؛ بوستان فضیلت، صص ۲۱۰-۲۰۴.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۲۱.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۸۴.

۴- الذریعه، ج۱۵، ص۱۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۵۳.

سیّد محمّدحسین رجائی

سیّد محمّدحسین رجائی ابن آقا سیّد محمود بن جواد حسینی اصفهانی، عالم فاضل محقق.

در سال ۱۲۹۷ق در اصفهان متولّد شد و نزد علمای اصفهان همچون شیخ محمّدعلی نجفی مسجد شاهی و سیّد محمّدباقر درچه ای، آقانجفی و دیگران کسب فیض نمود و از اساتید خود موفق به اخذ اجازه اجتهاد گردید و به انجام مسؤولیت های اجتماعی و تبلیغ دین و حل مشکلات شرعی مردم مشغول شد. او مردی منضبط و منظم بود و اوقات خود را صرف عبادت و مطالعه و تدریس و تألیف و پاسخگویی به مراجعات مردم می کرد.

او در سال ۱۳۴۲ق سفری به عتبات عالیات نمود که در نجف اشرف به بیماری گرفتار شده و در راه بازگشت به ایران در کرمانشاه وفات یافت و جسدش را در مقبره ای پشت مقبره آقا محمّدعلی کرمانشاهی در کرمانشاه مدفون ساختند.

کتب زیرا از تألیفات اوست:

۱. «اجتماع الامر و النّهی» ۲. «الاجزاء» ۳. «الادلّه العقلیّه» ۴. «الاوامر» ۵. «تداخل الاسباب» ۶. «التّرتُّب» ۷. «التّعادل و التّراجیح» ۸. «تقریر ابحاث المسجد شاهی» ۹. «حاشیه فرائد الاصول» ۱۰. «الخلل» ۱۱. «دلاله النّهی علی فساد المنهی عنه» ۱۲. «الصّحیح و الاعم» ۱۳. «قاعده الفراغ و التّجاوز» ۱۴. «مسأله الضّد» ۱۵. «مقدمه الواجب» ۱۶. «نیّه الصّوم» ۱۷. «الوضع»(۱)

سیّد محمّد حسین آزاد خاتون آبادی

سیّد محمّد حسین خاتون آبادی متخلّص به «آزاد» ابن حاج میرزا محمود بن میر سیّد علی بن میر محمّد صادق بن میر محمّدرضا بن میرزا ابوالقاسم مدرس، شاعر ادیب و

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۳؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، صص ۱۱۵ و ۱۱۶؛ تراجم الرّجال، ج۱، صص ۱۸۸ و ۱۸۹.

خوشنویس دانشمند، در غرّه رمضان ۱۳۱۶ق در اصفهان متولّد شد. تحصیلات خود را از مدرسه حقایق (دومین مدرسه از مدارس جدید اصفهان) آغاز کرد. سپس در مدارس قدیم اصفهان به فراگیری علوم دینی مشغول شد. [تحصیلات خود را در نجف اشرف دنبال کرد و به اصفهان بازگشت. پس از قوانین سخت گیرانه حکومت رضا شاه و ممنوعیت استفاده از لباس روحانیّت و قانون متحدالشکّل شدن لباس، از لباس روحانیّت خارج شده و به تدریس در مدارس اداره فرهنگ مشغول شد. مدّتی مدیر مدرسه فردوسی بود. سپس تدریس در مدرسه جلالیه و کازرونی و مدیریت مدرسه خیّام را به عهده گرفت.

وی در علوم انساب، نجوم، علوم غریبه و تاریخ و ادبیات مهارت به سزایی داشت و خطوط ثلث، نسخ و کوفی را خوش می نوشت.] شعر نیز می سروده و در انجمن های ادبی از جمله انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و در شعر «آزاد» تخلّص داشت. [وی سرانجام در ۱۹ ذیقعده ۱۴۰۰ق (مطابق ۷ مهرماه ۱۳۵۹ش) در اصفهان وفات یافته و در یکی از حجره های شرقی تکیه خاتون آبادی ها در تخت فولاد مدفون شد.

از آثار او یک جلد قرآن مجید به خط کوفی است که آن را تا جزء شانزدهم کتابت نموده بود. همچنین قرآن دیگری به خط ثلث که ترجمه آن و تذهیب و ترتیب صفحات آن را خود انجام داده بود. مرحوم احمد غفورزاده متخلص به طلایی نیز تابلویی از ترجمه فارسی خطبه بدون نقطه حضرت علی علیه السلام به خط مرحوم آزاد در اختیار داشت که ترجمه آن نیز از مرحوم آزاد و بدون نقطه بود.]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «جنگل مولی» در تاریخ ۲. «العالم و التّمدّن» در شرح خطبه «نهج البلاغه» از پیدایش آدم ۳. «اغصان طیّبه» در شجره نامه سادات و احوال اعیان و مشاهیر و علماء آنان [کپی آن کتاب در کتابخانه تخصصی تخت فولاد موجود است.] ۴. «مسائل حساب و هندسه» جهت محصّلین مدارس ۵. «جزوات متفرقه در جفر و هیأت و اعداد» ۶. «دیوان اشعار» مطبوع ۷. «جفر جامع» شش جزء [۸. «طاوس الحرمین» تحقیق

پیرامون گنبد عالی در ابرقو ۹. کتابی ناتمام در «نجوم»]

این شعر از اوست:

گر شبی گیرم به کف زلف نگار خویش را

گویمش شرح پریشان روزگار خویش را

می شود تاراج دین و دل، رَوَد صبر و قرار

بر زبان چون آورم نام نگار خویش را(۱)

حسین امامی نائینی

حسین امامی نائینی فرزند میرزا محمود امام جمعه، [نویسنده و مورّخ معاصر. در سال ۱۲۹۵ش در نائین متولّد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه گلزار نائین طی کرد و در کنار آن مقدمات فقه و اصول را از پدر دانشمند خود آموخت. سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمد و دیپلم علمی دریافت نمود. امّا به خاطر علاقه فراوان به تاریخ، به تدریس تاریخ و دینی مشغول شد] وی سالها در دبیرستانهای اصفهان به تدریس مشغول بود تا اینکه در دوشنبه ۲۵ صفر ۱۳۹۲ق برابر با فروردین ۱۳۵۲ش در اصفهان وفات یافته [و در یکی از اطاق های تکیه آباده ای در تخت فولاد به خاک سپرده شد. وی مسلمانی معتقد و آراسته به سجایای اخلاقی و کمالات انسانی بود و در اواخر عمر مسجدی را در خیابان بزرگمهر تأسیس کرد که به مسجد امامی مشهور شد.]

مرحوم امامی [از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۴ش] کتاب ارزشمندی به نام «تاریخ نائین» را تألیف نمود که متأسفانه هنوز به چاپ نرسیده است. وی از دوستان قدیمی نویسنده [سید مصلح الدّین مهدوی] بود.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۵-۱۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۴؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با دکتر محمود خاتون آبادی (فرزند محمّدحسین خاتون آبادی) در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۰ش؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۶؛ فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۶۹-۶۷.

حسین مبصرالسّلطنه

حسین بن محمود اصفهانی ملقّب به مبصرالسّلطنه، [از چهره های اهل ادب در اواخر دوره قاجاریه بوده] و در کاشان سکونت داشته و کتابهای «ساز و پیرایه شاهان پرمایه» و «سیب نامه» را به چاپ رسانید

دکتر سیّد حسین بحرالعلومی*

دکتر سیّد حسین بحرالعلومی فرزند سیّد مرتضی بن میرزا سیّد رضی شاپورآبادی، از محققان دانشمند ادبیات فارسی نسبش به حکیم سلمان طبیب شاه عباس صفوی منتهی می شود.

در سال ۱۲۹۲ش در روستای «شاپورآباد» بُرخوار متولّد شد در اصفهان تحصیلات ابتدائی و متوسطه را به پایان رسانیده و در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و به درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی نائل شد. وی سالها در دبیرستان ها و دانشگاه تهران مشغول تدریس بود تا اینکه در ۲۶ آبان ۱۳۶۸ش در تهران از دنیا رفت.

برخی از تألیفات و آثار او عبارتند از:

۱. «شرح و تصحیح دیوان خلاق المعانی کمال الدّین اسماعیل اصفهانی» که تز دکترای او بود و به چاپ رسید. ۲. «کارنامه انجمن آثار ملی» ۳. «شرح چند غزل از حافظ» ۴. «نمونه های نظم و نثر فارسی» برای دانشجویان و مشارکت در تدوین برخی از کتابهای درسی برای دبیرستان از جمله درس عربی و درس ادبیات فارسی.

وی طبع شعر داشته و گاهی بنا به اقتضای حال اشعاری می سرود.(۱)

سیّد محمّد حسین موسوی درچه ای

سیّد محمّد حسین بن سیّد مرتضی موسوی درچه ای معروف به اخباری. عالم کامل و فقیه محدّث زاهد، برادر آقا سیّد محمّد باقر درچه ای در اصفهان ونجف اشرف به

۱- نادره کاران، ص۶۷۵؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش اوّل)، ص ۱۲۰.

تحصیل پرداخته و به اجتهاد نائل آمد.

وی در سال ۱۳۳۴ق وفات یافته و نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

میرزا محمّد حسین سر رشته دار

میرزا محمّد حسین سر رشته دار فرزند میرزا مرتضی، از مستوفیان و کارگزاران دستگاه ظلّ السّلطان بوده است. در شیراز خدمت رحمت علی شاه نعمت الهی رسیده و در زمره عرفاء و صوفیه وارد شده است. در علم سیاق استاد و خط نستعلیق را خوب می نوشته و در غرّه رجب سال ۱۳۲۰ق وفات یافته، بیرون بقعه فیض مدفون گردید.(۲)

حسین سررشته دار زاده

حسین سر رشته دار زاده ابن میرزا مرتضی خان سر رشته دار معروف به آقاخان، شاعر ادیب، در سال ۱۳۳۰ق در اصفهان متولّد شد. پس از اندکی تحصیل به استخدام ارتش درآمده و در قسمت پیاده نظام به خدمت پرداخت. سپس به طهران منتقل شده و در قسمت اداری ارتش به کار پرداخت.

از اوست:

درمان ناامیدی و افکار منقلب

گفتار نغز و شعر چو آب روان بود

ای آن که رنج می بری اندر ره سخن

شعر آنچنان بگو که پسند جهان بود(۳)

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۶۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۶۵.

۲- طرائق الحقائق، ج۳، ص۴۳۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۳ و ۵۶۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۶۸.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۴۱.

سیّد حسین میرعلائی*

سیّد حسین میرعلائی بن حاج سیّد مرتضی، عالم فاضل جلیل، امام جماعت قریه «خورزوق» بُرخوار اصفهان، متوفی در ۱۵ رجب ۱۳۷۳ق مدفون در تکیه ریزی در تخت فولاد.(۱)

سیّد حسین موحّد محمّدی

سیّد حسین موحّد محمّدی اصفهانی متخلّص به فخر ابن آقا سیّد مصطفی، از شعرای معاصر اصفهان. پدرش از علماء و وعاظ اصفهان بود. خود او در سال ۱۳۱۴ش متولّد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسّطه را در اصفهان انجام داد. از فرهنگیان اصفهان بوده و در انجمن ادبی کمال نیز شرکت می نمود.

از اوست:

آن مه خورشید طلعت هر کجا شد جلوه گر

عالمی را روشن از رخسار پر انوار کرد

پیش سرو قامتش سرو سهی شد پا به گل

جلوه هر گه سرو من در گلشن و گلزار کرد(۲)

سیّد حسین موسوی قهدریجانی*

حاج سیّد حسین موسوی قهدریجانی فرزند سیّد مصطفی، از علمای معاصر در سال ۱۳۰۰ش در قهدریجان لنجان متولّد شده و پس از تحصیل در مکتب خانه به اصفهان رفته و از درس حضران آیات سیّد محمّد مدرس نجف آبادی و میر سیّد علی مجتهد نجف آبادی بهره گرفت سپس به قم رفت و در مجلس درس آیات عظام بروجردی، حجت کوهکمری، خوانساری، صدر و امام خمینی حاضر شد. آنگاه به اصفهان آمده و در شمار اصحاب مرجع عالیقدر حاج آقا رحیم ارباب قرار گرفت. او همچنین به همراه

۱- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۴۹.

شهید دکتر سیّد محمّد بهشتی در درس فلسفه حاج آقا صدرالدّین کوپائی حاضر می شد.

او عالمی فاضل و متّقی و صالح بود. زندگی زاهدانه و بی تکلّف داشت و سالها در منطقه لنجانات به راهنمایی مردم و تبلیغ دین مشغول بود. سرانجام در ۲۵ آذر ۱۳۶۹ش وفات یافته و در امامزاده روستای «شرودان» لنجان مدفون شد.(۱)

حسین خاتون آبادی

حسین بن مظفر بن محمود بن جلال الدّین سمنانی معروف به «خاتون آبادی»، از خوشنویسان عصر صفویه است. خط نسخ را با مهارت می نوشته و در روستای خاتون آباد جی اصفهان ساکن بوده است.

وی کتاب «جامع المقاصد» تألیف محقّق کرکی را در پنج شنبه شوال ۹۸۳ق کتابت نموده که در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۲) همچنین نسخه ای از «زبده الدّعوات» تألیف ابوالحسن بحرانی قزوینی را در ذیقعده ۹۹۹ق کتابت نموده و به شماره ۳۰۹۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۳)

حسین قصری

قاضی ابوعلی حسین بن معمّر بن عبدالصّمد بن احمد بن عبدالواحد بن زکریا کاتب قصری، فقیه و محدث قرن ششم هجری.

در اصفهان از ابراهیم بن محمّد بن ابراهیم قفّال طیّان استفاده کرده و ابوسعد سمعانی در اصفهان از او اجازه گرفته است.(۴)

فایده: قصر = باب القصر از محلّات یهودیه اصفهان بوده است.

۱- آشنایی با منطقه لنجانات، ص۱۸۴.
۲- فهرست کتابخانه مرعشی، ج۶، ص۱۵۹.
۳- فهرست خوشنویسان قرن دهم هجری، ص۱۰۸؛ فهرست مرکزی دانشگاه، ج۱۱، ص۲۰۳۵.
۴- التّحبیر، ج۱، ص۲۴۲؛ معجم البلدان، ج۴، ص۲۵۵؛ المشترک، ص۴۳۷.

محمّد حسین افوسی فریدنی

محمّد حسین بن آقا ملک افوسی فریدنی گرجی خطاط نستعلیق نویس. در ۸ صفر ۱۲۹۷ق کتابت نسخه ای از کتاب «مفتاح الشّفاء» تألیف: میرزا محمّد کاظم بن محمّد صائب خوانساری را به خط نستعلیق نوشته است. نسخه به شماره ۱۷۶۰ ضمن مجموعه ای در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی موجود است.(۱)

میرزا محمّد حسین ثاقب اصفهانی

میرزا محمّد حسین اصفهانی، متخلّص به «ثاقب» بن ملک محمّد بن محمّد شاعر و ادیب. از سخنوران قرن سیزدهم هجری. او از خاندان ملّا ملک احمد است که قاضی عسکر دولت قاجاریه بوده و اصل این خاندان از روستای «لاو» سمیرم است. در اصفهان علم و ادب آموخته و سپس در تهران به دربار فتحعلی شاه راه یافته و به مشاغل دیوانی روی آورد. «ثاقب» به امر فتحعلی شاه کتاب «تاریخ جهان آرا» را تألیف نمود. [در غزل سرائی ماهر بوده و قصیده را با استادی می سرود و در مدح سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی، منوچهرخان معتمدالدّوله (حاکم اصفهان) و محمّد تقی میرزا حسام السّلطنه (حاکم ایالات عرابی ایران) قصایدی غرّاء سروده است.]

وی سرانجام در سال ۱۲۵۸ق وفات یافت. برادرزاده اش میرزا نصراللّه شهاب لاوی اصفهانی از شعرای معروف عهد قاجاریه است. و این مصرع را در سوگ عمّ خود گفته است:

«شهابا همی سوز بر یاد ثاقب»

ثاقب جدّ فامیل ملک احمدی ساکن محلّه پای قلعه اصفهان می باشد.

[این چند بیت از قصیده او در مدح سیّد حجّهالاسلام شفتی انتخاب شد]

۱- فهرست مرعشی، ج۵، ص۱۴۳.

هر شب سپهر گوهر انجم کشد به دوش

تا صبحدم کند به قدوم توأش نثار

تا هست در زمانه ز آویز مهر و ماه

در گوش آسمان به شب و روز، گوشوار

بادا غلام حلقه به گوش درت همی

شب ماه و روز مهر، به تأیید کردگار(۱)]

محمّد حسین اصفهانی

محمّد حسین بن محمّد مؤمن اصفهانی خطاط نسخ نویس. در سال ۱۲۲۱ق کتاب «حیاه القلوب» علّامه مجلسی را به خط نسخ نوشته است. نسخه به شماره ۱۲۳۰۵ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.(۲)

سیّد محمّد حسین امامی*

سیّد محمّد حسین امامی بن سیّد محمّد مهدی (معروف به میرزاجان) حسینی امامی اصفهانی، هنرمند و نقاش توانای قرن سیزدهم هجری. در نقاشی و قلمدان سازی استاد بوده و تابلوها و قلمدان های به جای مانده از او نشان دهنده ذوق و استعداد شایان اوست. در هنر گل و بتّه سازی چنان شهرت داشت که به «آقا محمّد حسین گل و بُتّه ساز» مشهور بود.(۳)

۱- تذکره مآثر الباقریه، صص ۱۳۳-۱۳۱ و ۳۳۴ و ۳۳۵؛ تذکره مدایح معتمدیه، (خطی)؛ تذکره حدیقه الشّعراء، ج۱، ص۳۵۲؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۵۷۷؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ج۱، ص۶۰۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۲۵.

۲- فهرست وزیری، ج۳، ص۱۰۳۸.

۳- هنر قلمدان، ص۱۴۳.

محمّد حسین اُنسی

محمّد حسین مستحسن بن مهدی، شاعر ادیب معاصر. در سال ۱۳۰۱ش در اصفهان متولّد شد. وی پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به کسب و کار پرداخت. او در انجمن های ادبی اصـفهان همچون انجمن پروانه [و انجمن ادبی هنری سعدی] شرکت می نموده است.[(۱)] در شعر شاگرد شکیب بوده امّا در عرفان مرید عرفای سلسله گنابادی اصـفهان است. دیوان اشعارش به طبع رسیده است. وی در اوّل آبـان سـال ۱۳۷۰ش بـدرود زنـدگی گفته و در قطعه نـام آوران واقع در گورسـتان بـاغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.[(۲)]

از اوست:

مردم دیده من تا به رُخَت مایل شد

منعکس نقش جمال تو به لوح دل شد

به جز از مهر تو چشم از همه عالم بستم

تا به ثابت قدمی کام دلم حاصل شد

شیخ محمّد حسین کلباسی

شیـخ محمّـد حسـین ابن آقا محمّد مهدی بن حاج محمّد ابراهیم کلباسـی عالم جلیل صالح. در مشـهد خراسان ساکن بود، وی برای تحصـیل به نجف اشـرف رفته و خدمت جمعی از علماء همچون [شیخ ابراهیم کلباسی معروف به «شیخ العراقین» برادرش و]شـیخ محمّـد حسین کـاظمینی و دیگران تلمّـذ نمـوده و دخـتر شـیخ محمّـد حسن صـاحب جواهر را به زوجیّت گرفته [و به خواهش برادرش حاج میرزا عبدالجواد که عازم سـفر حج بود از نجف به اصـفهان آمده و به جای برادر در مسجد حکیم اقامه جماعت نمود و پس از بازگشت او به مشهد مقدس رفت. پس از چندی به عتبات رفته و در کربلا به خدمت آقا

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۶۶.

۲- مزارات اصفهان، ص۱۳۹؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با استاد احمد غفورزاده طلایی در آذرماه ۱۳۷۷.

سیّد اسماعیل صدر حاضر شد و اغلب در حرم مطهر حضرت سیّد الشهداءعلیه السلام به عبادت مشغول بود. او عالمی عابد و اهل تهجّد و گرفتن روزه مستحبّی و اهتمام بر زیارات و نوافل بود. سرانجام در سال ۱۳۳۲ق از کربلا] به مشهد مقدس بازگشته، در سال ۱۳۴۰ق وفات یافته و در دارالسّیاده مشهد مقدّس مدفون شد.(۱)

سیّد محمّد حسین مهدوی اردکانی

سیّد محمّد حسین مهدوی اردکانی ابن آقا سیّد مهدی بن سیّد اسماعیل بن محمّد بن جعفر بن ابوطالب بن میرعلی اکبر بن میر جعفر طباطبائی اردکانی، عالم فاضل جلیل.

در ۲۰ شعبان ۱۳۲۵ق در اردکان یزد متولّد شده، مقدّمات علوم را در مولد خویش فراگرفته و جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت نمود و در مدرسه جده کوچک ساکن شده و با کمال سعی و کوشش به تحصیل ادامه داد و نزد آقا شیخ محمّد رضا نجفی، میر سیّد علی نجف آبادی، سیّد محمد مدرس نجف آبادی و مدّت کمی نزد میرزا ابوالهدی کلباسی و شیخ محمّد حکیم کسب فیض نمود.

وی در زمان اختناق رضاشاهی اذیت و آزار بسیار دید لکن تمام آن سختی ها را تحمّل کرده و از جادّه مستقیم صبر و قناعت بیرون نهاد. پس از آن که آقا رضا صدرالعلماء به علت گرفتاری های زندگی و بیماری ترک جماعت در مسجد نمود، میر سیّد علی نجف آبادی، صاحب عنوان را در مسجد (مسجد صدرالعلماء) واقع در شمس آباد جهت امامت نصب نمود، وی به امامت و ارشاد خلق پرداخته و تا آخرین روزهای حیات در تعمیر مسجد و احیاء مدرسه شمس آباد و اقامه جماعت ادامه داد.

او سرانجام در بعدازظهر پنج شنبه از ماه شعبان سال ۱۴۰۷ق در اصفهان وفات یافته و صبح روز جمعه با تشییع شایسته و شرکت هیئت های عزادار و علماء و مردم به

۱- نقباء البشر، ج۲، صص ۶۶۲ و ۶۶۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۳۵۶ و ۵۶۴؛ بیان المفاخر، ج۲، ص۱۸۴؛ ماضی النّجف و حاضرها، ج۳، ص۲۳۷؛ خاندان کلباسی، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.

امامزاده زینبیه منتقل و در یکی از اطاق های آن مکان مقدّس دفن گردید.(۱)

سیّد محمّد حسین نحوی

سیّد محمّد حسین بن حاج سیّد مهدی نحوی بن آقا سیّد محمّد حسن مجتهد، طبیب فاضل، از شاگردان حاج میرزا محمّد باقر حکیم باشی. در ۱۲۸۲ق متولّد و در سال ۱۳۴۰ق وفات یافته و جنب آباء خویش [در تکیه ای که امروزه به تکیه مهدوی موسوم است، در تخت فولاد اصفهان] مدفون گردید.(۲)

شیخ محمّد حسین رئیس الطّلاب رشتی

شیخ محمّد حسین رشتی معروف به «رئیس الطّلاب» [فرزند مهدی] عالم فاضل، از علمای قرن چهاردهم هجری. نزد عموم طبقات علماء و طلّاب مورد توجّه و عنایت بوده و در اصفهان وفات یافته، در تکیه ملک مدفون گردید.(۳) [وفاتش در ۱۴ ذی العقده ۱۳۴۱ق اتفاق افتاده و مادّه تاریخ وفاتش این در این بیت بر سنگ قبرش آمده است:

هاتف از غیب گفت آن مرحوم

همنشین با حسین شد بجنان(۴)]

شیخ حسین عشاقی*

شیخ حسین عشاقی فرزند مهدی از علماء و فضلاء معاصر در هشتم مرداد ماه ۱۳۳۴ش در اصفهان متولّد شد. او در رشته ریاضی موفق به اخذ دیپلم و در رشته برق فوق دیپلم گردید.

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۰۷ و ۳۰۸؛ وفیات علمای معاصر اصفهان، مخطوط، مزارات اصفهان، ص۲۳۶؛ تاریخچه ارزنان و مقبره علیا جناب زینب خاتون، صص ۴۲ و ۴۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۴۸۹ و ۴۹۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، صص ۲۰۶ و ۲۰۷.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۴- تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، ص۴۹۴.

از حدود سال ۱۳۴۸ش به تحصیلات حوزوی مشغول شد. ادبیات را نزد مرحوم سیّد بحرالعلوم میردامادی و سیّد ابوالحسن درچه ای، سیوطی را نزد حاج شیخ علی اکبر فقیه، مغنی را نزد شیخ محمود مشکوه و شرح شمسیه و شرح تجوید را نزد شیخ محمّد محزون آموخت. اصول را در درس حاج شیخ ابوالقاسم انصاری و حاج شیخ مجتبی لنکرانی و منظوم اسفار از حاج سیّد حسن مدرس و حاج شیخ نورالدّین اشنی و فقه را نزد حاج شیخ ابوالقاسم انصاری فرا گرفت. او در این سالها ادبیات، منطق، معالم، فلسفه (بدایه و نهایه) و شرح منظومه را در اصفهان تدریس کرد سپس در سال ۱۳۶۴ش در قم ساکن شد. او اسفار و شرح فصوص را نزد حضرت آیات: جوادی آملی و حسن زاده آملی کفایه را نزد حاج سیّد علی محقق داماد خارج اصول را نزد حاج شیخ حسین وحید خراسانی و خارج فقه را نزد حاج شیخ جواد تبریزی و دو درس اخیر را همچنین نزد حاج شیخ محمد شاه آبادی تحصیل کرد. ایشان در قم به تدریس «نهایه الحکمه»، «شرح اشارات»، «اسفار» پرداخته و فعلاً «شرح فصوص» و «اسفار» و «شرح تمهید القواعد» ابن ترکه را تدریس می نماید.

کتابهای «رعایه الحکمه فی شرح نهایه الحکمه» و «نانمائی»، «شکاکیت و نسبیت گرایی»، «بررسی فلسفه تاریخ از دیدگاه مارکسیسم» و «برهان های صدیقین» را تألیف نموده که به چاپ رسیده و کتابهای «شرح بدایه الحکمه» و «مواقع الخلل فی قواعد العلل» از ایشان هنوز به چاپ نرسیده است.

ملّا محمّد حسین ظهیری مهرآبادی*

ملّا محمّد حسین ظهیری اردستانی ابن ملّا میرزای مهرآبادی، عالم فاضل متّقی، از علمای قرن چهاردهم هجری.

وی در قریه «مهرآباد» اردستان متولّد شده و تحصیلات خود را نزد پدر شروع نمود. سپس به کاشان رفته و در مدرسه سلطانی از محضر سیّد محمّد علوی بروجردی نحو، صرف و معانی و بیان و از محضر میرزا فخرالدّین نراقی فقه و اصول را آموخته و سپس به

اصـفهان رفت و از درس میرزا بـدیع درب امامی و میرزا عبدالعلی هرندی و آخوند ملّا محمّد کاشانی مسـتفیض شد. او پس از فوت پدر به رسـیدگی امور شـرعی منطقه سـفلای اردستان پرداخته و مرجع مسائل شرعی مردم آن حدود بوده است. در تنظیم نوشته جات شرعی زبردست بوده و خط شکسته را خوش می نوشته و اغلب به منبر می رفته و با صوت خوش خود به موعظه و ذکر مصیبت معصومین علیهم السلام می پرداخته است. سرانجام در شب پنج شنبه ۲۵ ذیحجه ۱۳۵۴ق وفات یافته و در قبرستان قریه «مهرآباد» مدفون شد. وی پدر محقّق توانا مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی بود.(۱)

سیّد محمّدحسین درچه ای*

سیّد محمّدحسـین بن سـیّد نصـراللّه درچه ای، عـالم فاضل و فقیه خطیب، در سال ۱۳۰۶ش متولّـد شد. تحصـیلات خود را در اصـفهان آغاز کرد و در درس شیخ محمّدعلی عالم حبیب آبادی، شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی، سیّد علی اصغر برزانی، سیّد عطاءاللّه امامی و دیگران حاضـر شد. سـپس به قم رفته و از درس حضرات آیات امام خمینی، گلپایگانی، سلطانی، حائری یزدی و محقّق داماد بهره برد و به تدریس در مسجد اعظم و مدرسه گلپایگانی قم پرداخت.

در سـال ۱۳۴۶ش در تهران سـکونت گزیـده و در مسـجد شـیخ صـدوق شـهر ری به اقـامه نمـاز جمـاعت پرداخت. او سالها به تدریس در مدرسه علمیه برهان، مدرسه امیرالمؤمنین، مدرسه آیت اللّه خلخالی و دانشـکده قضائی پرداخته است. همچنین اواز علماء و خطبای اهل منبر طهران است که با سـخنرانی های خود مردم را با معارف دینی و علوم اهل بیت علیهم السلام آشنا می نماید.(۲)

۱- آتشکده اردستان، ج۲، صص ۲۹۷ و ۲۹۸.

۲- ستاره ای از شرق، صص ۸۷۰-۸۶۷.

ملّا محمّد حسین مجلسی

ملّا محمّـد حسین بن ملّا محمّد نصیر بن ملّا عبداللّٰه بن ملّا محمّد تقی مجلسی، عالم فاضل، از فضلاء سلسله مجلسی در قرن دوازدهم هجری است.

حسین امامی*

حسین امامی بن نظرعلی صرّام سِدِهی، شاعر ادیب معاصر، در شهریور ۱۳۱۵ش در سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شد. مادرش سرورآغا امامی فروُشانی دختر عالم ربّانی حاج میر سیّد علی امامی (آقابزرگ) بود.

تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در زادگاهش و اصفهان آبادان انجام داد. سپس به تهران رفت و موفّق به اخذ لیسانس معقول و منقول شد، از سال ۱۳۳۳ش به آموزگاری پرداخت و در سال های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۹ در دبیرستان های اصفهان تدریس کرد. پس از بازنشستگی با تأسیس محضر اسناد رسمی در نجف آباد به فعالیت پرداخت و سپس در خمینی شهر آن را ادامه داد. وی طبع شعر داشته و در انجمن های ادبی کمال، سعدی و صائب در اصفهان و سروش خمینی شهر حضور یافته است. مجموعه ای از اشعارش با عنوان «منتخبی از اشعار حسین امامی»، در سال ۱۳۷۸ش در اصفهان به چاپ رسیده است.

این شعر از اوست:

پیری که جام از کف آن سیر بر گرفت

سرمست و شاد گشت و جوانی ز سر گرفت

خورشید رخ ز شرم در حجاب کرد

تا ماه من نقاب ز رخسار بر گرفت

محمّد حسین میرزا فصیح خاقانی

محمّد حسین میرزا خاقانی ابن محمّد ولی میرزا، شاعر و ادیب تونای معاصر، از نوادگان فتحعلی شاه قاجار است. او در غُرّه ذیحجه ۱۳۳۳ق در اصفهان متولّد شد. تحصیلات خویش را در اصفهان انجام داد. مدّتی در خراسان ساکن بود. بعداً به اصفهان آمد و عاقبت در تهران ساکن و کارمند راه آهن شد. او شاعری توانا گوینده ای مقتدر، و نویسنده ای ماهر بود و مقالات او در روزنامه های عرفان و باختر اصفهان به چاپ می رسید. او مردی شوخ و بذله گو و حاضر جواب بود و در اغلب مجالس رشته سخن را به دست می گرفت و با مطالب رنگین و حکایات شیرین خود، همه را جذب خویش می ساخت. در شعر «فصیح» تخلّص می کرد [و به قول مرحوم استاد منوچهر قدسی: «در شعر و ادب استعداد شکفته شگفت انگیز داشت. اگر زمانه امانش داده بود به ضرس قاطع می گویم که در شعر معاصر اصفهان هیچ کس و هیچ کس به پایه او نمی رسید».]

او سرانجام در ۳۰ ربیع الثّانی ۱۳۷۴ق در سالهای جوانی دار فانی را وداع گفته و به سرای باقی شتافت و پیکرش در تکیه شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد مدفون شد. دیوان اشعار او تاکنون به طور کامل گردآوری نشده و به چاپ نرسیده است. دو مثنوی «پل و سیلاب» و «گل و مجنون» از اشعار پخته، فخیم و استوار اوست.

از اوست:

ای که با دام تعقّل صید دلها کرده ای

عالمی را بهر خود نادیده رسوا کرده ای

از لب لعل تو کس نشنیده حرفی این عجب

آفرینش را به وصف خویش گویا کرده ای

دوستان نادیده ات همواره می دارند دوست

بس که خود را در خیال خلق زیبا کرده ای(۱)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۶۶-۳۶۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۴ و ۵۶۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۲۶؛ دولت دیدار، صص ۱۳۵-۱۳۱.

ملّا محمّد حسین مازندرانی

ملّا محمّد حسین بن آخوند ملّا ولی اللّه مازندرانی، عالم فاضل و حکیم ماهر، [از علمای قرن سیزدهم هجری، حدود سال ۱۲۰۸ق متولّد شد. پدرش از اهالی هزار جریب مازندران بوده و پس از ظلم و ستم سربازان فتحعلی شاه به همراه خانواده به اصفهان مهاجرت نمود و ملّا محمّد حسین نزد پدر و سایر دانشمندان اصفهان به تحصیل پرداخت.]او سالها در اصفهان به تدریس ریاضی، هیئت و حکمت مشغول بوده و جمعی کثیر از فضلای اصفهان [همچون آخوند ملّا عبدالکریم گزی، میرزا محمّد حسن نجفی و میرزا ابوالحسن پاقلعه ای]در خدمتش در تلمّذ کرده اند. فاضلی متّقی و عالمی عامل بوده و در احتیاط در مسائل شرعی و مواظبت بر عبادات و زیارات و ادعیه سعی وافر و اهتمام تمام داشته است.

[وی در سال ۱۲۹۱ق وفات یافته] و در قبرستان سر قبر آقا در محلّه خوابجون اصفهان مدفون شد و پس از آنکه قبرستان را تسطیح و تخریب نمودند قبر او هم از بین رفت.(۱)

میر محمّد حسین خان عقیلی علوی

میر محمّد حسین خان بن حکیم محمّد هادی خان عقیلی علوی خراسانی شیرازی، از اطبّاء حاذق و دانشمندان قرن دوازدهم هجری است. وی نزد جمعی از دانشمندان از جمله میر محمّد علی حسینی طب و داروشناسی را آموخته است. او سالها در هندوستان سکونت داشته و در داروشناسی مهارت به سزایی داشته و تألیفاتی را از خود به جای گذاشته است که از آن جمله است:

۱. «رساله خواب» ۲. «خلاصه الحکمه»، که در سال ۱۱۹۵ه.ق تألیف شده است،

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۵؛ مزارات اصفهان، ص۵۱؛ الاصفهان، رجال و مشاهیر، صص ۵۲۰-۵۱۸؛ تاریخ اصفهان، صص ۳۳۴ و ۴۰۶.

مطبوع ۳. «دستور شفائی» ۴. «ذخائر التّرکیب» ۵. «مجمع الجوامع یا قرا بـا دین کبیر» که چاپ سنگی شده است. ۶. «مخزن الادویه»، که بارها در هندوستان و ایران به طبع رسیده است.(۱)

میرزا محمّد حسین جعفری

میرزا محمّد حسین جعفری ابن آقا میرزا هاشم بن حاج سیّد جعفر بیدآبادی بن حاج سیّد محمّد باقر حجهالاسلام شفتی، عالم فاضل، از ائمه جماعت مسجد سیّد و مسجد علیقلی آقا. در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان همچون آقا سیّد ابوالقاسم دهکردی و آقا سیّد محمّد باقر درچه ای و آقا میر محمّد تقی مدرس و آخوند ملّا محمّد کاشانی درس خوانده و در مدرسه میرزا حسین با جمعی از افاضل حوزه مباحثه داشت.

در حدود سال ۱۳۰۳ق متولّد و در ۱۰ ربیع الثّانی سال ۱۳۱۹ق در اصفهان وفات یافته، در بقعه جدّش سیّد حجّهالاسلام در مسجد سیّد مدفون شد. حاج میرزا حبیب اللّه نیّر ضمن مرثیه ای عربی ماده تاریخ فوت او را چنین می نویسد:

ارخ النّیرّ للعام و شهر و الیوم

تنقص العشره من «شهر ربیع الثّانی»(۲)

سیّد حسین خوراسکانی

سیّد حسین بن سیّد هاشم خوراسکانی از فضلاء قرن سیزدهم هجری. در سال ۱۲۴۹ق کتاب «ریاض المسائل» را کتابت نموده است.(۳)

۱- دیوان طرب، مقدمه، ص۱۸۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۴۱؛ فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۱، ص۵۲۹ و ۵۲۵ و ۵۹۶؛ الذریعه، ج۴، ص۲۹ و ج۱۷، ص۶۳.

۲- بیان المفاخر، صص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۳- فهرست کتابخانه عمومی اصفهان، ج۱، ص۲۴۹.

میرزا حسین خان دانش

میرزا حسـین خـان دانش بن محمّـد هـاشم اصـفهانی، نویسـنده و ادیب فاضـل، از خانـدان میرزا هـادی چهارسو علیقلی آقا در اصـفهان. وی در حدود سال ۱۲۸۶ق در اسـتانبول ترکیه متولّد شد. مدّتی بغداد بوده و اغلب در آنکارا و اسـتانبول به سر برده است. [زبـان فارسـی، ترکی و فرانسه را در مکتب رشـدیه، دبسـتان ایرانیـان و مـدرسه فرانسویـان آمـوخت. مـدتی عضو هیئت تحریریه روزنامه ترکی «اقدام» بود و مدت مدیری به تدریس زبان و ادبیات فارسـی در دانشـگاه اسـتانبول مشغول بود.] وی در ۲۳ ربیع الاول ۱۳۶۲ق به سن متجاوز از ۷۰ سال در آنکارا وفات یافته [و در «اسکودار» مدفون شد.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. ترجمه «رباعیـات خیـام» به ترکی، به کمک رضا توفیق ۲. «ترجمه بعضـی از قصه های لافونتن» ۳. «خرابه مداین» ۴. «دستور زبان فارسـی» ۵. «زردشت نـامه» ۶. «سـرآمدان سـخن» در شـرح حال ۱۵ نفر از شـعرای ایران بـه ترکی ۷. «سوهـان» ۸. «نوای صرصر» ۹. «هدیه سال» ۱۰. «تعلیم لسان» ترکی و فارسی(۱)]

ملّا محمّد حسین نوری

ملّا محمّد حسـین بن یحیی نوری مازندرانی، عالم فاضل کامل و فقیه محدث. در اصـفهان ساکن بوده و نزد علمای این شهر به ویژه علّامه مجلسـی به تحصیل پرداخته و از علّامه اجازه روایت دریافت نموده است. خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می نوشته و کتاب «قواعد الاحکام» تألیف علّامه مجلسی را در ذیقعده ۱۱۰۲ق به خط نسخ کتابت کرده است که در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می شود.

۱- مجله یادگـار، سـال سوم، شـماره ۶۶ و ۷، صـص ۵۳-۵۰؛ فهرسـتواره کتابهای فارسـی، ج ۱، ص۲۱۵؛ فرهنـگ معین، ج۵، ص۵۰۴؛ شرح حال رجال ایران، ج۵، ص۷۹؛ الذریعه، ج۹، ص۳۱۷؛ مؤلفین کتب چاپی، ج ۲، صص ۷۳۶ و ۷۳۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص۵۶۵؛ اثرآفرینان، ج۳۷ ص ۱۰؛ زندگانی رجال و مشاهیر ایران، ج۳، ص ۱۷۹.

وی تا سال ۱۱۳۳ق در قید حیات بوده و پس از آن تاریخ وفات یافته است. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تفسیر قرآن مجید» ۲. «حواشی بر اصول کافی» ۳. «شرح اصول کافی» ۴. «صلاه مسافر» ۵. «ملخص ربع چهارم جلد صلاه بحارالانوار» ۶. «منهج الفلاح» که در سه شنبه ۸ ذیحجه ۱۱۳۳ق در اصفهان آن را تألیف نموده است.(۱)

حسین باوری یمنی

ابوعبداللّه حسین بن یوحن [؟] بن ابویه بن نعمان باوری یمنی، از محدّثین قرن ششم هجری است. او در طلب علم از موطن خود هجرت نموده و در اصفهان سکونت نموده است. از جماعتی از روات و محدّثین روایت می نماید که از آن جمله است: فضل بن محمّد نیلی و ابوالفضل ارموی و دیگران. جمعی از محدّثین هم از او نقل حدیث کرده اند.

سرانجام در ماه ربیع الاوّل سال ۵۸۷ق در اصفهان وفات یافت.(۲)

ملّا حسین عمادالواعظین

ملّا حسین کربکندی ملقّب به «عماد الواعظین» فرزند ملّا یوسف بن علی، واعظ صالح و فاضل ادیب محدّث. از فضلای اهل منبر بوده و در خدمت فضلای اصفهان تحصیل نموده است، سرانجام در ۹ صفر ۱۳۲۳ق وفات یافته، در بقعه حاج محمّد جعفرآباده ای در تخت فولاد مدفون شد.

از آثارش چندین مجلّد کتاب و بیاض در مواعظ منبری و اخبار به صورت مجلس

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، صص ۲۸ و ۲۹ و ۲۹۲؛ الذریعه، ج۱۳، ص۹۶ و ج۲۲، ص۲۰۶ و ج۲۳، ص۱۹۶؛ تلامذهالعلّامه المجلسی، صص ۹۵ و ۹۶؛ اجازات الحدیث، ص۱۹۵؛ نجوم السماء، ص۲۱۷؛ فیض القدسی، ص۱۰۲؛ ترجمه فیض قدسی، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ فوائد الرضویه، ج۲، ص۵۳۱؛ فهرست وزیری، ج۲، ص۵۳۱، علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۳۴۹؛ فهرست مرعشی، ج۴، ص۷۸؛ فهرست گوهرشاد، ص۲۴۶.
۲- معجم البلدان، ج ص .

است که نزد اولادش موجود بوده است.(۱)

فایده: کربکند (به ضم کاف و کسر باء و فتح کاف) از قراء بلوك بُرخوار اصفهان است.

میرزا حسین خان اعتلاءالدّوله*

میرزا حسین خان اعتلاءالدّوله، ادیب، نویسنده و روزنامه نگار، از پیشگامان روزنامه نگاری در اصفهان است.

وی در سال ۱۲۷۹ق در تهران متولّد شد و پس از انجام تحصیل وارد کارهای دولتی شد. در سال ۱۳۲۵ق رئیس عدلیه کرمان شد. امّا مدّتی بعد برکنار شد و به اصفهان آمد. وی در رجب ۱۳۲۵ق در اصفهان روزنامه اصفهان و در شوال همان سال روزنامه نقش جهان را منتشر ساخت. در سال ۱۳۲۸ق از طرف دولت به عنوان کارگزار دولت به خوزستان رفت. وی سرانجام در کرمانشاه به دنبال فتنه سالارالدّوله و هجوم او به کرمانشاه، توسط عوامل سالارالدّوله دستگیر و به دار آویخته و تیرباران شد.(۲)

استاد حسین بنّای اصفهانی

استاد حسین بنّای اصفهانی، از شعرای قرن سیزدهم هجری است. در معماری و بنائی استاد بود و شعر را نیز نیکو می سرود. محمود میرزا او را از یزد دانسته امّا اختر که تذکره خود را مقدم بر سفینهالمحمود نگاشته است، او را اصفهانی ذکر نموده است.

از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۶۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۳۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۴۹ و ۵۱.

۲- تاریخ جراید و مجلات ایران، ج۱، صص ۱۸۱ و ۱۸۲.

رخ ز شراب لاله گون، آمده ای به محفلم

میل کباب کرده ای، آه تو دانیّ و دلم(۱)

ملّا محمّد حسین بروجردی

آخوند ملّا محمّد حسین بروجردی، از دانشوران قرن یازدهم هجری و جامع منقول و منقول و از فضلاء و حکمای اصفهان.

سالها در مدرسه شیخ لطف اللّه و مسجد جامع جدید عباسی اصفهان به تدریس مشغول بوده و جمعی از فضلاء از جمله میر سیّد عبدالحسین خاتون آبادی از محضر او کسب فیض کرده اند. وی در سال ۱۰۸۴ق وفات یافت.(۲)

میرزا محمّد حسین پروانه

میرزا محمّد حسین [باغ بادرانی] لنجانی اصفهانی متخلّص به «پروانه» شاعر ادیب. [در شعر و ادب ید طولایی داشته و در مدح منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان اشعاری دارد.

از اوست:

با یاد قدّ روی تو ای نوبهار حُسن

کی جلوه می کند به نظر سرو سوسنم

گفتی که کرده تیره چو شب روز روشنم

زلف تو کرده تیره شب روز روشنم(۳)]

۱- تذکره اختر، ص۴۴؛ سفینه المحمود، ص۱۷۹؛ حدیقه الشعرا، ج۱، ص۲۶۱.

۲- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۳۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۵.

۳- تذکره مدایح معتمدیه، خطی، ص۱۵۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۵۷؛ حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

آقا محمّد حسین تاراج اصفهانی

آقا محمّد حسین اصفهانی متخلّص به «تاراج» شاعر ادیب، در قرن سیزدهم هجری می زیسته و به شغل «مقواسازی» مشغول بوده است. وفاتش در سال ۱۲۸۸ق روی داده و مرحوم عباسعلی خرم لنبانی در ماده تاریخ او گوید:

کلک خرم پی تاریخ وفاتش بنوشت

روح تاراج بود شاد الی صبح جزا

غزل را نیکو می سروده و قصایدی نیز در مدح منوچهرخان معتمدالدّوله حاکم اصفهان سروده است. نوشته اند که دیوان او ده هزار بیت شعر دارد. امّا نسخه ای از آن در دست نیست.

این بیت از اوست:

بعد ما کاش بسازند سبو از گل ما

تا برآید مگر از لعل تو کام دل ما(۱)

ملّا حسین تفلیسی

آخوند ملّا حسین تفلیسی، عالم عامل و زاهد کامل. در اصفهان تدریس می نموده و جمعی از افاضل در خدمت او تحصیل نموده اند. [عمر خود را به عبادت و ریاضت و مجاهده با نفس طی نموده و به حدّاقل از خوراک و پوشاک اکتفا می نموده است.]

در رجب ۱۱۹۲ق وفات یافته و در قبرستان آب بخشان اصفهان مدفون شد. بقعه ای آجری و کوچک بر سر قبر او بود که پس از تسطیح و تخریب قبرستان از بین رفت و پیکر او را از آنجا به تخت فولاد تشییع کرده و در بقعه صاحب روضات مدفون ساختند.(۲)

۱- تذکره مدایح معتمدی، خطی؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، ص۳۲۷؛ آگهی شهان از کار جهان، ج۱، ص۷۵؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۸۵؛ الذریعه، ج۹، ص۱۶۶ .۱۶۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۰۳.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۴۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۶ و ۵۲۷؛ مزارات اصفهان (دکتر کتابی)، ج۱، صص ۷۹ و ۸۰؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص ۲۵۶ و ۲۵۷؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۳۷۷-۳۷۴؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، ص۱۶۹.

استاد حسین تفنگ ساز اصفهانی*

استاد حسین تفنگ ساز اصفهانی در اوایل قرن سیزدهم هجری مقارن عهد فتحعلی شاه می زیست. تفنگ هایی که می ساخت، از ساخته های ممالك خارجی بهتر بود و بر تفنگ حاجی مصطفی که معروف ترین تفنگ های مرغوب و نفیس آن زمان است، مزیّت داشت. مخصوصاً برای شاهزاده سیف الدّوله حاج سلطان محمّد میرزا حاکم اصفهان تفنگی ساخته بود که در جلا و صافی و جوهرداری و بُرد گلوله به تصدیق همه اهل فن بر تفنگ های فرنگی ترجیح داشت.(۱)

حسین توکلی

حسین توکلی، از شعرای معاصر اصفهان است.

این بیت از اوست:

بلبل به شاخ سرو به آواز دلفریب

برده به یاد روی تو از کف قرار دل(۲)

میرزا حسین جابری

میرزا حسین جابری، اعیان و بزرگان شهر اصفهان در قرن دوازدهم هجری و از سلسله خاندان جابری انصاری بوده و در عهد افشاریه کلانتر و حکمران اصفهان بوده است. سرانجام به دستور نادرشاه مقتول شد.(۳)

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۷۲.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۳۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

شیخ محمّد حسین جَزَن آبادی*

شیخ محمّد حسین جزن آبادی، عالم فاضل از علمای قرن چهارده هجری و از مدرسین مدرسه جده کوچک بوده و از شاگردانش سید علی اکبر ابرقویی می باشد. وی پس از وفات در تکیه ملک واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

محمّد حسین چَلَبی

محمّد حسین چلبی، از شعراء و خَیِّرین قرن یازدهم هجری است. از تبریزیان ساکن محلّه عباس آباد بوده و در این محلّه مسجد، حمام و بازاری در جنب منزل خود ساخته که به نام او معروف بوده است. به قول «میرزا طاهر نصرآبادی» در کمال مردمی و آدمیت و صلاح و پاکیزگی وضع و پرهیزگاری بوده و شعر نیز می سروده است. برادرش محمّد قاسم نیز شاعر بوده است. این رباعی از محمّد حسین چلبی است:

اندر سفر و حضر ای صاحب هوش

هم راز بود کتاب از من بنیوش

گُنگی است سخن گوی و بشیری است نذیر

آنگه که شوی ملول گردد خاموش(۲)

حاج محمّد حسین اصفهانی (حسین علی شاه)

حاج محمّد حسین اصفهانی معروف به «شیخ زین الدّینی» و ملّقب به «حسین علی شاه» عالم فاضل و عارف کامل، از اقطاب سلسله نعمت اللهیه. پدرانش از علماء و فضلا بوده اند. در علوم ظاهری، از شاگردان دایی خود آقا محمّد بن شیخ زین الدّین و دیگران بوده و در طریقت از مریدان معصوم علی شاه دکنی بوده است.

۱- جلوه افلاکیان، مخطوط، به نقل از استاد ابراهیم جواهری.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، صص ۱۶۹ و ۱۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۶۱۵؛ الذریعه،ج ۹، ص ۲۵۱؛ کاروان هند، ج ۱، صص ۳۱۱-۳۰۹؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۱۰۶.

دراصـفهان سـاکن بود و به درس و بحث و اقـامه جماعت روزگار می گذرانیـد. سـپس ترک درس و مباحثه نموده و سالها به سیر و سـیاحت پرداخت و از طرف نورعلی شـاه اصـفهانی در سـال ۱۲۱۲ق مقـام خلیفه الخلفـایی یافت [و قطب سلسـله نعمت اللهی شد. در سال ۱۲۲۵ق از راه شـیراز به سفر حج رفت و پس از انجام مناسک حج به اصفهان بازگشت. دراین شهر جمعی از فقهاء او را تکفیر کردنـد. عاقبت به تحریک مخالفین، در سال ۱۲۲۹ق به دستور فتحعلی شاه او را به تهران بردند، اما شاه او را شایسـته مجازات ندیده و اجازه بازگشت او را به اصفهان داد. حسین علی شاه چندی در اصفهان به سر برد و عاقبت در سال ۱۲۳۳ق راهی عتبـات عالیـات شـده و در کربلاـ سـاکن شـد. در آنجـا «حـاج محمّـد جعفر کبـودر آهنگی همـدانی» ملقّب به «مجذوب علی شاه» را خلیفه الخلفاء خود و قطب سلسـله نعمت اللهی قرار داد و سـرانجام]در شب چهارشنبه ۱۱ محرّم ۱۲۳۴ق در کربلا در حین خواندن نماز وفات یافته و در بیرون باب النّجف، طرف دست چپ مدفون شد.

کتاب ردّ بر پادری نصرانی از تألیفات اوست.(۱)

سیّد حسین چادردوز تبریزی*

سیّد حسـین چادردوز تبریزی اصـفهانی، از خوشنویسان هنرمند بوده و در اصفهان می زیسته است. کتیبه «انا مدینه العلم و علیٌّ بابها» در تکیه آقا محمّد کاظم واله در تخت فولاداز نمونه آثار اوست که متأسّفانه از بین رفته است.(۲)

۱- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۶۸ و ۵۶۹؛ ریاض السّیاحه، صص ۶۴۸-۶۴۶؛ تاریخ سلسـله های طریقه نعمت اللهیه در ایران، صـص ۶۱ و ۶۲؛ شـمس التّواریخ، صص ۵۲ و ۵۳؛ طرائق الحقائق، ج۳، صص ۲۳۲-۲۲۰؛ دو رساله در تاریخ جدید تصوّف ایران، صص ۷۷-۷۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، صص ۳۵۶-۳۵۳.

۲- تاریخ اصفهان (مجلّد هنر و هنرمندان)، ص۱۵۳.

حسين حافظ هروى

كمال الدّين حسين حافظ هروى، از اساتيد بزرگ خوشنويسى است. خط نستعليق را با استادى و مهارت تمام مى نوشته و اقلام ششگانه را نيز خوش مى نوشته است. علاوه بر آن حافظ قرآن مجيد بوده و عمر را به درويشى و قناعت سپرى كرده است. شاه طهماسب به او عنايت ويژه اى داشته و در سفرى كه حافظ هروى از خراسان به قم آمد، در قم او را اكرام كرده و به او هداياى فراوان بخشيد اما هروى آن را نپذيرفت.

گويا مدّتى در اصـفهان به سر برده و يادگار آن سفر كتيبه اى به خط ثلث عالى در صفّه صاحب واقع در مسجد جامع اصفهان است كه در سال ۹۳۸ق آن را نوشته است.

همچنين قطعات و آثار ديگرى به خط ثلث او موجود است كه در كتاب احول و آثار خوشنويسان، به آنها اشاره شده است.

وى سرانجام در سال ۹۷۳ق در مشهد مقدّس وفات يافت.(۱)

سيّد حسين حسنى اصفهانى

سيّد حسـين حسـنى اصفهانى [خطاط شكسته نويس قرن سيزدهم هجرى] در عصر سه شنبه ۳ ذيحجه سال ۱۲۹۲ق دو كتاب از كتب شـيخيّه شامـل «خـوان يغمـا» و «رسـاله در معنى ركن رابع» هر دو از تأليفـات حـاج محمّـد كريم خـان كرمـانى را به خط شكسته و نستعليق نوشته [است] كه ضمن مجموعه ۲۷۷۲ در كتابخانه مجلس شوراى ملّى موجود است.(۲)

۱- پيدايش خط و خطاطان، صـص ۲۱۴ و ۲۱۵؛ دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۳۲؛ گنجينه آثار تاريخى اصفهان، ص۹۱؛ احوال و آثار خوشنويسان، ج۱، صص ۱۶۸ و ۱۶۹ و ج۴، ص۱۰۶۳.

۲- فهرست مجلس، ج۹-۱، ص۲۰۶.

امیر سیّد حسین حسینی

امیر سیّد حسین حسینی، عالم فاضل، از محدّثین و فضلای قرن یازدهم هجری. در اصفهان ساکن بوده و از شاگردان محضر درس علّامه مجلسی به شمار می رفته است. علّامه مجلسی در پشت کتاب «قواعد الاحکام» علّامه حلّی، جهت او اجازه مختصری نوشته است.(۱)

سیّد امیر محمّد حسین حسینی اصفهانی

سیّد امیر محمّد حسین حسینی اصفهانی، فاضل جلیل. از علمای قرن دوازدهم هجری و ساکن اصفهان. وی در شعبان سال ۱۱۴۷ق از میرمحمّد حسین بن میر محمّد صالح خاتون آبادی مفتخر به دریافت اجازه شده است.(۲) [خاتون آبادی در آن اجازه او را چنین ستوده است:

«العالم العامل الفاضل الکامل، ذوالنفس القدسیّه و الملکات المرضیه. الجامع بین مرتبتی العلم و التّقوی الامیر محمدحسین الحسینی الاصفهانی»(۳)]

سیّد محمّد حسین حسینی بَرزانی*

سیّد محمّد حسین حسینی برزانی، عالم عامل صالح، از علمای قرن چهاردهم هجری. از خود چند فرزند فاضل و زاهد و اهل علم بر جای نهاد از جمله حضرات آیات: سیّد علی اصغر، سیّد علی و سیّد محمّد (معروف به هرسینی) وی پس از وفات در تخت فولاد تکیه میرزا محمّد باقر چهارسوقی مدفون شد.(۴)

۱- الذریعه، ج۱، ص ۱۵۰؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۵؛ تلامذه العلّامه المجلسی، صص ۲۲ و ۲۳.

۲- الذریعه، ج۱۱، ص۱۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۸.

۳- الکواکب المنتشره، صص۱۹۵ و ۱۸۴ و ۱۸۵.

۴- جلوه افلاکیان، مخطوط.

حاج ملّا حسین حکیم

حـاج ملّا حسـین حکیم، شاعر، ادیب و پزشک ماهر، متخلّص به «حکیم» ساکن روسـتای «زفره» از توابع کوهپایه متوفی به سال ۱۳۴۹ ه.ق.(۱)

میرزا حسین حکیم*

میرزا حسین میردامادی معروف به حکیم، طبیب ماهر، حاذق و دیندار. در اوایل قرن چهاردهم هجری است. او از معروف ترین پزشکان قدیمی سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی]بوده و در درب محکمه به طبابت پرداخته و جراحی نیز می کرده است.

او در سال ۱۳۲۰ه.ش پس از شیوع بیماری حصبه، تلاش زیادی برای درمان مبتلایان به این بیماری انجام داد.(۲)

میرزا محمّد حسین حکیم باشی*

میرزا محمّد حسـین اصـفهانی حکیم باشی، از اطبّاء قرن سیزدهم هجری است. طبیبی حاذق و ماهر بوده و در تهران ساکن بوده و در دربار محمّد شاه قاجار به طبابت مشغول بوده است.(۳)

میر محمّد حسین خالص اصفهانی

میر محمّد حسـین اصفهانی متخلّص به «خالص» و ملقّب به «امتیاز خان» از مشاهیر شاعران هندوستان در عصر خویش بوده و به واسـطه کاردانی و کیاست به سـمت حاکم شـهر عظیم آباد منصوب شـد. در زمان شاه عالم به مکنت و اموال فراوان رسـیده و قصـد بـازگشت به ایران را نمود. خـدایار خـان مرزبـان سـند چشم بر مـال او داشت. کسان خود را فرسـتاد، او را شـبانه در راه کشتند و اموالش را به غارت بردند. تاریخ قتل او را در این

۱- مزارات اصفهان، ص۲۲۴.

۲- نقل از مرحوم احمد غفورزاده طلایی.

۳- اکسیر التّواریخ، ص۶۰۴.

عبارت یافته اند:

«آه آه امتیاز خان» ۱۱۲۲

از اوست:

در میکده امروز زبد مستی ساقی

بِشکست چنان شیشه که خون از دل ما رفت(۱)

محمّد حسین خامه آرا*

محمّد حسین خامه آرا، از خطاطان نسخ و ثلث متوسط اصفهان در قرن چهاردهم هجری بود. از نمونه آثار او «قرآن مجید» است که در سال ۱۳۵۴ق کتابت شده و به وسیله حاج حسین خوانساری چاپ سنگی شده است.(۲)

محمّد حسین خطاط اصفهانی

محمّد حسین خطاط، از شاگردان آقا زین العابدین [اشرف الکتاب] در قرن سیزدهم هجری می باشد. از آثارش مجموعه مختصری است از ادعیه در چهارده صفحه که در نهایت خوبی به سال ۱۲۴۰ق نوشته است.این نسخه در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران موجود است.(۳)

حسین دودی*

حسین دودی، شاعر درویش مسلک و رند بی پروا در اواخر دوره قاجاریه است. طبعش به هزل و مطایبه مایل بوده و او را با شیخ محمّدتقی آقانجفی مجتهد شوخ طبع و

۱- کاروان هند، ج۱، صص ۳۷۰-۳۶۸؛ کلمات الشعرا، ص۳۴؛ تذکره حسینی، ص۱۲۱؛ الذریعه، ج۹، ص۲۸۴؛ تذکره غنی، ص۴۸؛ صحف ابراهیم، صص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ تذکره شمع انجمن، صص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۱۰۹.

۳- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۶۰؛ الذّریعه، ج۸، ص۲۰۰.

صاحب نفوذ اصفهان ماجراها بوده که در لوح سینه بسیاری از مردم اصفهان تا امروز حفظ شده و نقل محافل و مجالس بوده است.

در شعر طبعی روان داشته و به شغل تریاک مالی و تریاک فروشی امرار معاش می کرده است. اشعاری که از او به جا مانده بسیار اندک است که آن هم سینه به سینه تا به امروز رسیده و به یادگار مانده است.

سال وفاتش معلوم نیست ولی قطعاً بعد از سال ۱۳۲۸ق بوده و جسدش در قبرستان آب بخشان اصفهان دفن شد. بعد از آنکه فلکه پهلوی و خیابان چهارباغ پایین را احداث می کردند این قبرستان خراب شده و قبر او هم از بین رفت.

این شعر از اوست:

جامه نو بدهم من به مِی کهنه گرو

که مرا آن می کهنه به از این جامه نو

بر گنهکاری من عیب مگیر ای زاهد

کِشته ما و تو معلوم شود وقت درو(۱)

ملّا حسین رفیق اصفهانی

ملّا حسین رفیق اصفهانی، از شعرای معروف قرن دوازدهم و سیزدهم هجری در سال ۱۱۵۰ق در اصفهان متولّد شده و در جوانی به سبزی فروشی پرداخته امّا از آن شغل کناره جسته به تحصیل علم و ادب پرداخت و در ردیف سخنوران و ادبای طراز اوّل اصفهان قرار گرفت. او با شاعران معروف سبک بازگشت همچون هاتف و آذر و صباحی معاصر و معاشر بوده و از سبک آنان تتبع می کرده است. مردی خلیق و مهربان بوده و ادباء و فضلای زمانه به دیدار او راغب و شایق بوده اند. سرانجام در سال ۱۲۱۲ق وفات یافته و در نجف اشرف مدفون شد. دیوان اشعار او بالغ بر هشت هزار بیت است [و به چاپ رسیده است ولی مصحح «دیوان رفیق» از نسخه ناقصی استفاده

۱- الاصفهان: رجال و مشاهیر، صص ۲۰۰-۱۹۸؛ اصفهانی های شوخ طبع و حاضرجواب، صص ۱۳۱ و ۱۳۲؛ اصفهان زادگاه جمال و کمال، صص ۵۶۰-۵۵۶؛ تذکره شعرای استان اصفهان (ویرایش دوّم)، ص۲۷۸.

کرده است. کامل ترین نسخه «دیوان رفیق» که حاوی مادّه تاریخ ها و قطعات تاریخیّه اوست (و در نسخه چاپی درج نشده است) به شماره ۱۴۱۸۱/۲۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران موجود است.]

از اوست:

برای مدعی تَرک من ای پیمان شکن کردی

تو را گفتم که تَرک مدعی کن تَرک من کردی

سخن با غیر می گفتی بُریدی، چون مرا دیدی

چه می گفتی که چون دیدی مرا، قطع سخن کردی(۱)

شیخ حسین روشندل دهکردی

شیخ حسین اعمی دهکردی، متخلّص به «ذاکر» و سپس «روشندل» از شعرای قرن چهاردهم هجری در سال ۱۳۲۰ق متولّد شده و در سن ۳سالگی به علت ابتلا به آبله از هر دو چشم نابنیا شد. دارای هوش و استعداد سرشار بوده به طوری که در ۱۲سالگی قرآن را حفظ نموده بود. اندکی تحصیل کرده و با وجود نابینائی خط را خوش می نوشت. دارای تألیفاتی است که از آن جمله است:

۱. «مصیبت نامه» که دو هزار بیت و منظوم است. ۲. «مناجات نامه» ۳. «دیوان اشعار»

از اوست:

در کعبه و بتخانه تو را می جویم

وز عاقل و دیوانه تو را می جویم

۱- تذکره نگارستان دارا، ج۱، صص ۱۹۶ و ۱۹۷؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۵۱۲-۵۰۵؛ تذکره مجمع الفصحاء، ج۴، صص ۳۲۰ و ۳۲۱؛ تذکره آتشکده، نیمه دوّم، ص۴۹۸؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۱، صص ۶۸۸ و ۶۸۹؛ مکارم الآثار، ج۶، ص۲۴۶۱؛ لغت نامه دهخدا ذیل «حسین رفیق»، ص۶۵۴؛ فهرست مجلس، ج۳۸، ص۵۹۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۳ و ۵۲۴؛ الذریعه، ج۹، ص۳۸۱.

تا کشور جان یکسره آباد شود

در این دل ویرانه تو را می جویم(۱)

میرزا محمّد حسین سالک اصفهانی

میرزا محمّد حسین اصفهانی متخلّص به «سالک» شاعر ادیب و خوشنویس. رضاقلی خان هدایت که معاصراوست می نویسد: «از خوشنویسان معروف زمان ماست و در اخلاق حمیده و صفات پسندیده وحید روزگار است و در طرز شاعری طبعی پخته دارد»(۲)

دیوان بیگی نیز می نویسد: «اشتهارش بیشتر به واسطه خط نسخ اوست که کمال تعریف دارد... عامه او را میرزا محمّد حسین خوشنویس می گفتند»(۳)

این دو بیت از یک قصیده اثر طبع اوست:

جز قامت چون سرو تو ای ماه دل آشوب

جز عارض چون ماه تو ای سرو دل آزار

من سرو ندیدم به سر از مشک سیه پوش

من ماه ندیدم به رخ از لعل شکربار

نمونه خطوط او در کتابخانه های کشور دیده می شود از جمله:

۱. کلمات قصار، به خط نسخ، در سال ۱۲۷۵ق که برای ناصرالدّین شاه نوشته شده و در کتابخانه سلطنتی سابق موجود بوده است.(۴)

۲. ادعیه، به خط نسخ، در سال ۱۲۷۶ق که در کتابخانه آقای سلطان القرایی در تبریز موجود است.(۵)

۳. ادعیه، به خط نسخ، در سال ۱۲۷۳ق که برای علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه نوشته

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۲۳.

۲- مجمع الصفحاء، ج۴، ص ۴۶۰.

۳- حدیقه الشعراء، ج ۱، ص۷۲۸.

۴- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص۱۱۶۱.

۵- احوال و آثار خوشنویسان،

شده و به شماره ۱۰۵ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است.(۱)

میرزا محمّدحسین شاکر اصفهانی

میرزا محمّد حسین شاکرین متخلّص به «شاکر» شاعر و ادیب عارف. در سال ۱۳۰۱ش در اصفهان متولّد شد. وی از اعضای انجمن ادبی کمال بوده و به عرفای پاقلعه اصفهان ارادت داشته و سرانجام در ۲۶ رجب ۱۳۹۳ق (سوم شهریور ۱۳۵۲ش) وفات یافته و در تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون شد. دیوان اشعار او به طبع رسیده است.

ماده تاریخ وفاتش را شکیب اصفهانی چنین سروده است:

بهر تاریخ وفاتش گفت اندر دل «شکیب»:

«شاکر دلداده از سیر فلک ناکام شد»

از اوست:

کشید تیغ ز ابرو چو چشم فتانت

به خون اهل دل آلوده گشت دامانت(۲)

میرزا حسین شبیه*

میرزا حسین شبیه اصفهانی، از خوانندگان قدیم مکتب اصفهان در عصر قاجاریه است. او صاحب اطلاعات فراوان از موسیقی و دائره المعارف سیّار و کتاب شفاهی این هنر بوده و در تعزیه خوانی نیز بلند آوازه بوده و به این خاطر به میرزا حسین شبیه یا شبیه خوان معروف بوده است. او در دسته سیّد عبدالباقی بختیاری (امین البکاء اصفهانی) تعزیه خوانی می کرده و شاگرد او بوده است. سرانجام در حوالی سال ۱۳۰۰ق در سن ۳۰سالگی وفات یافت.(۳)

۱- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۵۶.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۶۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۵۴؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۳- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۵۳؛ دائره المعارف تشیّع، ج۹، ص۵۲۴؛ سرگذشت موسیقی ایران، ج۱، ص۳۱۳؛ نام نامه موسیقی ایران زمین، ج۳، ص۱۸۴.

شیخ محمّد حسین شریعت هرندی

شیخ محمّد حسین شریعت هرندی، عالم فاضل زاهد. در هرند متولّد شده و در اصفهان نزد جمعی از فضلاء از جمله آقا شیخ محمّدرضا نجفی، سیّد محمّد نجف آبادی و آخوند ملا عبدالکریم گزی به تحصیل پرداخت. سپس به تدریس [مطوّل، معالم، شرح لمعه و سایر کتب درسی] پرداخته و جمعی از طلاب و دانشجویان علوم دینی از علوم و فضایل وی بهره مند می شدند.

[او پس از فوت میرزا ابوالحسن تویسرکانی، به اقامه جماعت در مسجد حاج محمّد جعفر پرداخت. همچنین مدّتی در مسجد دوغازی در محلّه دردشت امام جماعت بود. عالمی متواضع خوش خُلق و قانع بود و از مختصر ملک زراعتی و باغی که در هرند داشت امرار معاش می کرد] سرانجام در ۵ذیحجه ۱۳۹۷ق وفات یافته و در تکیه تویسرکانی در تخت فولاد مدفون شد.(۱)

ملّا محمّد حسین شریعتی دهاقانی*

آخوند ملّا محمّد حسین شریعتی دهاقانی، عالم فاضل. از علمای اواخر دوره قاجاریه است. از چندین مجتهد طراز اول اجازه اجتهاد خود را دریافت نموده و در دهاقان به ترویج دین و حلّ مشکلات شرعی مردم مشغول بود و پس از وفات در قبرستان عمومی دهاقان مدفون شد.(۲)

سیّد حسین شهشهانی

سیّد حسین شهشهانی، عالم فاضل محقّق، از مخالفان شیخیه در اصفهان بوده و کتابی در ردّ حاج محمّد کریم خان کرمانی رئیس شیخیه تألیف نموده است. این کتاب در

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۰۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۹۹؛ یادداشت های استاد ابراهیم جواهری.

۲- سیمای دهاقان، ص ۲۸۱.

کتابخانه حاج سیّد محمّد باقر ثانی بیدآبادی موجود بوده است.(۱)

میر حسین شهودی سبزواری

میر حسین رمّال سبزواری خراسانی متخلّص به «شهودی» شاعر ادیب، از سخنوران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری می باشد. اصلاً از مردم سبزوار بوده و چندی در اصفهان می زیسته است. در رمل بسیار استاد بوده و بیش از ۷۰ سال عمر کرده است.(۲)

حسین صافی اصفهانی

حسین گلشنی اصفهانی متخلّص به «صافی»، از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. او در دوره دوّم انجمن ادبی شیدا شرکت می کرده و اشعارش در مجله «دانشکده» به طبع رسیده است.

از اوست:

بنگر دلا که عمر عزیزت چه سان گذشت

گاهی به رنج و غصّه گهی شادمان گذشت

گاهی به خاک تیره بُدی همسر و گهی

جاه و مقامت از فلک و آسمان گذشت [...]

آن کن که نام نیک بماند اثر ز تو

زان پیشتر که بانگ برآید فلان گذشت(۳)

۱- الذریعه، ج ۱۰، ص ۲۲۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۲۵.

۲- تذکره نصرآبادی، ج ۱، ص ۴۱۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حسین شهودی»، ص ۶۵۷، تذکره غنی، ص ۷۷؛ تاریخ نظم و نثر، ج ۱، ص ۵۳۷؛ تذکره روز روشن، ص ۴۴۸.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۰۰ و ۳۰۱.

محمّد حسین صحّاف*

محمّـد حسین صحّاف اصفهانی، هنرمند ماهر اوایل قرن چهاردهم هجری، وی صحافی را نزد آقا محمّد صادق و آقا ابراهیم پسران محمّد باقر صحّاف اصفهانی فرا گرفت. او در فنون صحّافی و تجلید و سوخت سازی و متن و حاشیه و دوپوست کردن کاغذ و مُرَقّع سازی مهارت به سزایی داشت. محمّد جعفر رجائی از شاگردان اوست.(۱)

شیخ حسین صحّاف اصفهانی

شیخ حسین صحّاف اصفهانی معروف به شیخ حسین طهرانی مدیر مجلّه «درّه النجفّ» اولین مجلّه چاپ نجف اشرف است که نویسنده آن آقا محمّد بن شیخ اسماعیل بن ملّا محمّد علی محلّاتی (مؤلّف کتاب «گفتار خوش یارقلی») بوده و نخستین شماره مجلّه در سال ۱۳۲۷ق منتشر شده است.(۲)

میرزا حسین صرّاف

میرزا حسین صرّاف، از اهالی اصفهان و از معاصرین است و گاهی شعر می سرود. این دو بیت از اوست.

آن که تو را کالبد پاک ساخت

مایه ز هفتاد و دو معجون سرشت

دید تو را گوهری از گنج خویش

حکم «لقد کرّم» بهرت نوشت(۳)

حسین صرّاف اصفهانی

حسین صرّاف اصفهانی، شاعر ادیب. در اصفهان به صرّافی مشغول بوده و بیش از ۸۰ سال عمر کرده است.

۱- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۶۸.

۲- الذریعه، ج۸، ص۱۱۲ و ج۶، ص۴۰۴.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۰۵.

از اوست:

سر به دلم چه می دهی غمزه پر عتاب را

تاب ستم کجا بود مملکت خراب را(۱)

محمّد حسین ضابطه نویس*

محمّـد حسـین ضـابطه نـویس، از خطاطـان خط نسـتعلیق اسـت. نزد ابـوتراب اصـفهانی مشق خط نمـود و سـپس بـه کتـابت پرداخت.(۲)

شیخ محمّد حسین طُرِیحی

شیـخ محمّـد حسـین طُرِیحی، از فضـلاء و مرتاضـین اواخر دوره قاجـاریه است. از خانـدان شیـخ طریحی از خانواده های علمی نجف بوده و در اصفهان سکونت داشته است.

او دامـاد سیّد محمّـد علی آقا مجتهـد بوده و در یکی از حجرات مسـجد شاه به عبادت و ریاضت اشـتغال داشـته است. او را از جانشینان اسـتاد غلامرضا شیشه گر از مشایخ و اقطاب سلسـله نعمت اللهیه برشمرده اند. در ماه رمضان المبارك سال ۱۳۲۱ق وفات یافته و در یکی از اطاق های بقعه حاجی کلباسی جنب مسجد حکیم مدفون گردید.(۳)

حسین ظهیری اصفهانی

حسـین ظهیری اصـفهانی، از دانشـمندان و ادبای اصفهان است. رساله در فن موسیقی در ۵باب و ۱۵فصل به فارسی از تألیفات اوست. میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی

۱- تـذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۱۶؛ تـذکره روز روشـن، ص۴۷۵؛ الـذّریعه، ج۹، صـص ۲۵۰ و ۶۰۶؛ تذکره شـمع انجمن، ص۲۱۳.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۹۵.

۳- دانشـمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۲ و ۵۲۳؛ رجال اصـفهان یا تذکره القبور، ص۶۲؛ نقباء البشر، ج۱، ص۵۰۴؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۳، ص۲۱۹ و ۲۲۰؛ نسب نامه الفت، خطی؛ مزارات اصفهان، ص۶۹.

دانشگاه تهران به شماره ۳۱۸۹ موجود است.(۱)

حسین علاقمندان*

استاد حسین علاقمندان، از هنرمندان معاصر اصفهان. در سال ۱۳۱۰ش متولّد شد و از ۱۳ سالگی به هنر قلمزنی روی آورد و در آن فن به استادی رسید. در قلمزنی خطوط و زوایای ریز و درشت، برجسته کاری و تسلط بر فلز کمال مهارت و توانایی را دارد. علاوه بر آن اهل ذوق و ادب بوده و نستعلیق را خوش می نویسد. صدای خوشی دارد و با دستگاههای موسیقی آشناست و اشعار زیادی را از حفظ دارد.(۲)

دکتر حسین عمومی*

دکتر حسین عمومی، هنرمند و موسیقی دان معاصر در بهمن ۱۳۰۵ش در اصفهان متولدشد. در ۱۴ سالگی تحت تأثیر استادی و سحر صدای نی استاد حسن کسائی، به نواختن این تار پرداخت و در سال ۱۳۳۶ برای اولین بار به خدمت استاد کسائی رسید و از راهنمایی ها و تشویق های او برخوردار شد.

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان سپری کرد و در رشته حقوق در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و به اخذ دکترا نائل شد و به عنوان قاضی سالها به خدمت شرافتمندانه و صادقانه در دادگستری مشغول شد و پس از بازنشستگی به وکالت پرداخت.

او از محققان و مطلعان مکتب موسیقی اصفهان بود و از دقایق و ظرافت آن اطلاعات دقیق داشت. همچنین ردیف های موسیقی ایرانی و گوشه ها و الحان آن را به خوبی می دانست. او محضر اساتیدی بزرگ موسیقی اصفهان همچون حبیب شاطرحاجی، ادیب خوانساری، حسین خضوعی، صدر اصفهانی و استاد جلال تاج را درک

۱- فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران، ج۲، ص۹۵.

۲- اصفهان شهر جمال و کمال،۳۷.

نمود و از هنر آنان بهره گرفت. و در تهران نیز از تعلیمات اساتیدی چون محمود کریمی و فرهاد فخرالدّینی برخوردار شد.

دکتر عمومی صدائی خوش داشت و به انواع سبک های آوازی مسلّط بود و آنها را با مهارت اجرا می کرد. استاد تاج اصفهانی او را بسیار می ستود و از مناسب خوانی او تمجید می کرد. او در کنار قضاوت و وکالت سالها به تدریس علمی موسیقی به علاقمندان مشغول بود.

وی در جوانی در حوزه علمیه اصفهان در علوم ادبیات عرب، فقه و اصول، حکمت و منطق تحصیل کرده و در ادبیات فارسی نیز مطالعه فراوان نموده بود و خط را نیز خوش می نوشت.

دکتر عمومی پس از مدتی بیماری قلبی در یک شنبه ۲۶ تیر ۱۳۸۴ش در یکی از بیمارستان های تهران درگذشت و پس از مراسم تشییع باشکوه که اساتید موسیقی همچون استاد شجریان و استاد ناظری شرکت داشتند، در قطعه هنرمندان بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.(۱)

میرزا حسین عندلیب*

میرزا حسین کوره پز اصفهانی معروف به «عندلیب» از خوانندگان معروف بود. صدایی رسا داشت و در اوج باقدرت خوانندگانی می کرد و در ادای نغمه ها الحان و ردیف و دستگاه های آواز مهارت کافی داشت. در تهران به روضه خوانی مشغول بود و در مسجد سپهسالار اذان می گفت و شب های ماه مبارک رمضان مناجات می کرد و صدایی رسا و پرتحریر او بر دیگر خوانندگان مناجات برتری داشت. او در اواخر دوره قاجاریه می زیست. وی در حدود ۷۶ سالگی حوالی سال ۱۳۴۷ق وفات نمود.(۲)

۱- یادداشت های محقّق گرامی آقای رسول دادنجانی.

۲- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۷۷؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۵۳.

میرزا محمّد حسین غالب اصفهانی

میرزا محمّد حسین امامی اصفهانی متخلّص به «غالب» شاعر ادیب، پدرش از سادات امامی و مادرش از خاندان صفوی بوده و خود او در اصفهان متولّد شده و در جوانی به هندوستان رفته است. در بنگاله به مصاهرت نواب سرفرازخان صوبه دار آن ولایت درآمد. سپس به شاه جهان آباد رفته و از پادشاه گورکانی هند به لقب «غالب علی خان» ملقّب گردید و چهارده سال به فرمانروایی مشغول شد. در اواسط حکومت نادرشاه به ایران بازگشته شو به سیاحت در شهرهای ایران پرداخت، عاقبت در اصفهان رحل اقامت افکنده و در انجمن ادبی مشتاق به مشاعره و مطارحه با آذر و مشتاق و صباحی پرداخت. سال وفات او به دست نیامد.

از اوست:

تپش دل مگر اظهار کند حال مرا

ور نه کس نیست که گویدم تو حال مرا(۱)

محمّد حسین فدای اصفهانی*

محمّد حسین اصفهانی متخلّص به «فدا» شاعر، خوشنویس و ادیب منشی، در اصفهان متولّد شد و نزد برخی از دانشوران از جمله ملّا محمّد بن سبزعلی اصفهانی متخلّص به «صفائی» علوم ادبی به ویژه عروض، قافیه، معانی و بیان و انشاء را آموخت. در خط نیز به مشق پرداخته و در نوشتن انواع خطوط به ویژه نسخ و ثلث مهارت به سزایی یافت. سپس به تهران رفت و به دعوت شاهزاده یحیی میرزا قاجار به رشت رفت و ندیم و مصاحب شاهزاده گردید. سرانجام به زادگاه خود بازگشته و قصایدی در مدح حاکم اصفهان منوچهر خان معتمد الدّوله سرود.(۲) او تا سال ۱۲۶۳ق زنده بوده و در این

۱- گلشن مراد، ص ۴۴۰؛ تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص ۶۳۰؛تذکره روز روشن، ص ۵۸۴؛ تاریخ نصف جهان، ص ۱۴۲.

۲- تذکره مدایح معتمدی، خطی؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج ۱، صص ۱۳۰۱-۱۲۹۹.

سال نسخه ای از «فوائد الضیائیه» جامی را به امر محمّد علی بیک ناظر کتابت کرده است.(۱) همچنین او به خط خوش خود «دعای صباح» را کتابت کرده است که در مجموعه آقای نصیری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

این شعر از اوست:

دیدم به خواب دوش من زار بی قرار

آمد به ناز آن مَهَم از مهر در کنار

بر ارغوان فکنده ز سُنبُل دو صد کمند

در هر کمند صد دل آشفته بی قرار

بر مَه فکنده خوشه پروین و مَه به سرو

سروی که آفتاب بَرَش بود لاله بار

میرزا حسین فریدی اصفهانی

میرزا حسین فریدی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری. احتمالاً از شاگردان آقا سیّد محمّد شهشهانی است. وی در دوّم ربیع الاوّل سال ۱۲۸۷ق نسخه ای از کتاب «جامع السعاده» شهشهانی را به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۵۵ در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی موجود است.(۳)

حسین فسائی

کمال الدّین حسین فسائی شیرازی، عالم فاضل محقّق، از دانشمندان قرن دوازدهم هجری. ظاهراً در فسا متولّد شده، در شیراز به تحصیل پرداخته و از جمله افاضل شاگردان آخوند فد شکویی (محمد مسیح بن اسماعیل فسائی) بوده است. سپس به اصفهان رفته و در آنجا به تدریس مشغول شده است. وی در اغلب علوم عصر خود

۱- تراجم الرّجال، ج۲، ص ۶۶۱.

۲- احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، ص ۱۱۶۰.

۳- فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۶۸.

متبحّر بوده و او را جامع معقول و منقول دانسته اند.

شیخ محمّد علی حزین لاهیجی از شاگردان اوست و کتاب «مغنی اللّبیب» را با تفسیر صغیر شیخ ابوعلی طبرسی و بعض مقاصد دیگر را در حضور باهر النّورش قرائت کرده است.

وی سرانجام در سال ۱۱۳۴ق هنگام محاصره اصفهان وفات یافت. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «حاشیه بر معالم الاصول» ۲. «رساله در حلّ شبهات کاتبی قزوینی» ۳. «شواهد مطوّل» و غیره.

در انشاء مهارتی به سزا داشته و در شعر تتبع شعر خاقانی می نموده است. این شعر از اوست:

ز دوستان گرامی جدا فکند مرا

ز بی وفائی دوران بی مدار مپرس

نه خون گذاشت به دل نی به دیده قطره اشک

ز باد دستی مژگان اشکبار مپرس(۱)

میرحسین قزوینی*

میرحسین قزوینی معروف به «میرحسینا» در اصفهان ساکن بود و نزد علماء و فضلائی این شهر به تحصیل مشغول بود.

بر روی برگ آغاز نسخه «خلاصه التّفاسیر» تألیف قطب الدّین راوندی، که به شماره ۱۱۹۱۷ در کتابخانه آیت اللّٰه العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود. خط مرحوم

۱- تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۲۵-۱۲۳؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۶۸ و ۳۲۲؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ج۴، صص ۲۵۱ و ۲۵۲؛ الذریعه، ج۷، ص۶۹ و ج۱۳، ص۳۶۹؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حسین فسائی»، ص۶۶۱؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، ص۳۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۳۷.

میرحسینا قزوینی شاگرد علّامه مجلسی است که بیش از دو هزار جلد کتاب داشته و همه را وقف اولاد ذکور خود نموده است.(۱)

حسین قصه خوان اصفهانی*

کمال الدّین حسین قصّه خوان، شاعر ادیب و سخنور قرن دهم هجری. بنا به نقل خودش از نوادگان کمال الدّین غیاث فارسی بوده، امّا در اصفهان متولّد شده و علم و ادب آموخته است. مدّت بیست سال مصاحب سام میرزا صفوی (برادر شاه طهماسب) و هشت سال دیگر مصاحب شاه طهماسب بوده است. در اواخر عمر بر اثر افراط در مصرف افیون تفاوت فاحش در صورت و سیرت او پیدا شده بود، گوئی مسخ شده بود یا روح او را در قالب دیگری آورده بودند. عاقبت در سال ۹۴۲ق فوت شد. در جوانی گاهی شعر می گفت.

این شعر از اوست:

ای خوش آن ساعت که در کوی تو منزل داشتم

صد مراد از دیدن روی تو حاصل داشتم

داشتم در دل ز عشقت آتشی پنهان چو شمع

بر زبان آوردم آخر آنچه در دل داشتم(۲)

ملّا حسین کاشی

آخوند ملّا حسین کاشی، عالم فاضل محدّث، در سال ۱۱۹۰ق وفات یافته و در صحن بقعه جعفریه اصفهان مدفون شد.(۳)

۱- فهرست مرعشی، ج ۳۰، ص ۲۰۱.

۲- تذکره تحفه سامی، صص ۱۳۸ و ۱۳۹.

۳- رجال اصفهان یا تذکرهالقبور، ص ۱۸۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۲۶؛ مزارات اصفهان، ص ۱۵۸.

محمّد حسین کاشی اصفهانی

محمّد حسین کاشی اصفهانی، از فضلاء قرن سیزدهم و ظاهراً شاگرد حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی است. وی مالک نسخه ای از کتاب «الزّهره البارقه» تألیف: سیّد حجّهالاسلام بوده و آن را گم کرده است. شیخ علی برغانی آن را از زنی در بازار اصفهان خریده است. مرحوم شیخ محمّد حسین کاشانی توسط حجّهالاسلام از موضوع آگاهی یافته و کتاب را از آقا شیخ علی باز خریده است.

نسخه به شماره ۳۷۱۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۱)

میرحسین کچویه ای اردستانی

میرحسین طباطبائی کچویه ای اردستانی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری و از اهالی قصبه «کچویه» بلوک سفلای اردستان است. در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان تحصیل نموده و سپس در زادگاه خود سکومت گزیده است.(۲)

ظاهراً وی از شاگردان حاج سیّد محمّد باقر حجّهالاسلام شفتی است.

میرزا حسین کوزه کنانی

میرزا حسین کوزه کنانی، از شعرای قرن سیزدهم هجری و منشی دفتر فتحعلی شاه قاجار است. او به وسیله معتمدالدّوله نشاط در دستگاه سلطنت راه یافت و «رحمت» تخلّص می نمود و عمر معقولی نمود. وی مؤلّف کتاب «زینه الحکایات» است، در قصص و حکایات فارسی که به دستور پادشاه نامبرده تألیف شده است.

از اوست:

زندگانی یک دو روزی بیش نیست

وقت اندک قابل تشویش نیست

۱- فهرست مجلس، ج ۱۰-۴، ص۱۶۹۷؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۰۵.

۲- آتشکده اردستان، ج۱، ص۷۵؛ بیان المفاخر، ج۱، ص۳۰۶.

شادی و اندوه عالم یک دم است

بهر هریک دم این چه اندوه و غم است(۱)

حسین کوشای اصفهانی

حسین فخاری متخلص به «کوشا» شاعر و ادیب هنرمند معاصر. نقاش و استاد چیت سازی. در هنر قلمکاری و چیت سازی استاده بوده و مردی خلیق و مهربان بود. او در سال ۱۳۷۹ق (۱۳۳۹ش) وفات یافت و در تکیه جویباره ای ها در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

مادّه تاریخ وفاتش را شاعر ارجمند و توانا استاد فضل اللّه اعتمادی خوئی متخلص به «برنا» گوید:

«برنا» پی فوت او به شمسی بنوشت

«کوشا بسرای دیگری کرد سرای»(۲)

حسین گلستانه

میرزا تاج الدّین حسین حسینی گلستانه اصفهانی، عالم فاضل، از سلسله سادات جلیل القدر گلستانه اصفهان بوده و نزد ملّا محمّد تقی مجلسی به تحصیل پرداخته و در سال ۱۰۶۲ق موفق به کسب اجازه از استاد گردیده است. اجازه در پشت نسخه ای از «الاستبصار» به خط تاج الدّین و مورخ ربیع الاول ۱۰۶۲ق نوشته شده است.(۳)

۱- تذکره نگارستان دارا، ج۱، صص ۷۵ و ۷۶؛ دانشمندان آذربایجان، ص۱۱۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۷؛ الذریعه، ج۱۲، ص۹۲.

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۰۴.

۳- الذریعه، ج۱۶، ص۱۱؛ الروضه النضره، ص۹۱؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۶؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۸۹.

حسین گلستانه

کمال الدّین حسین گلستانه [خوشنویس هنرمند قرن دوازدهم هجری] در کاشیکاری های نجف اشرف اقداماتی را در سال ۱۱۵۷ق انجام داده است. همچنین اشعار کاشیکاری ایوان علماء در صحن شریف حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف را در سال ۱۱۶۰ق به خط زیبای خود کتابت نموده است.(۱)

محمّد حسین لنجانی

محمّد حسین لنجانی از نسخ نویسان قرن دوازدهم هجری. در سال ۱۲۳۷ق کتاب «عرشیه» ملّا صدرا را به خط نسخ نوشته است. نسخه ضمن مجموعه شماره ۱۱۵۸ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است.(۲)

آقا حسین لواسانی

آقا حسین لواسانی، خوشنویس هنرمند قرن یازدهم هجری در اصفهان ساکن بوده و در نظم و نثر مهارتی به سزا داشته و نستعلیق را خوش می نوشته است. از شاگردان علیرضا عباسی بوده و به خاطر حسن سیرت و صورت مورد توجّه شاه عباس قرار گرفته و به «ایّاز ثانی» ملقّب شده بود. وی پس از وفات در تکیه میر واقع در تخت فولاد مدفون شد. کتیبه مدرسه قرچقابیگ اصفهان به خط اوست که اکنون اثری از آن مدرسه و کتیبه باقی نیست.(۳)

۱- ماضی النّجف، ج ۱، صص ۵۶ و ۶۳.

۲- فهرست فیضیه، ج ۳، ص ۶۲.

۳- احوال و آثار خوشنویسان، ج ۱، ص ۱۶۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۲۱۰.

شیخ حسین مازندرانی

شیخ حسین مازندرانی، عالم فاضل، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. وی در مدرسه فخریه اصفهان به تحصیل علوم دینی مشغول بوده و محمّد تقی (متولّد ساوجبلاغ) مجموعه ای شامل سه رساله:

۱. «رساله صاع و کُر و مُد و رطل و نسق و درهم و دینار» تألیف علّامه مجلسی. ۲. «رساله در حل عبارت معضله ای از قواعد الاحکام» تألیف شیخ بهائی ۳. «رساله رضاعیه» تألیف آقا محمّد هادی مازندرانی را در ۵ شوال ۱۱۱۰ق کتابت نموده است. این مجموعه در کتابخانه علّامه مفضال جناب آقای حاج سیّد محمّد علی روضاتی (سلمه اللّه) در اصفهان موجود است.(۱)

سیّد حسین مازندرانی*

سیّد حسین مازندرانی اصفهانی، فاضل ادیب و واعظ خطیب، در اصفهان ساکن بوده و سپس به تهران مهاجرت کرده است و در آنجا به وعظ و خطابه پرداخته است. در ادبیات متبحّر و دارای انشائی استوار بود و به فارسی و عربی شعر می سرود.

وی در سال ۱۲۸۵ق جنگی ادبی ترتیب داده و برخی از اشعار خود را در آن آورده است.(۲)

میرزا حسین مالمیری*

میرزا حسین مالمیری اصفهانی، شاعر ادیب و فاضل. از سخنوران قرن یازدهم هجری. اجدادش از اهالی «مالمیر» (ایذه در استان خوزستان) بوده و صاحب رقبات و مستغلات بوده اند. او در اصفهان به تحصیل پرداخته و از طریق مطالعه در علوم مختلف خصوصاً حکمت دارای معلومات فراوان شده بود. او به رسائل بابا افضل کاشانی علاقه

۱- اصفهان یادارالعلم شرق، (نسخه خطی).

۲- تذکره شاعران فارسی سرا، صص ۳۱ و ۳۲.

فراوان داشته و آنها را آموخته بود. در فن انشاء نیز مهارت داشت. مدّتی مستوفی کاشان بود ولی آن را به پسر بزرگ خود سپرده و به جای برادرش مستوفی یزد شد. پس از مدتی استیفای یزد را به پسر دیگرش سپرده و وارد اردو شد. در سال ۱۰۷۲ق نویسندگی بندرعباس به او تفویض شد. عاقبت پس از بازگشت از بندرعباس در شیراز وفات یافت. گاهی شعر می سرود. از اوست:

نقش پای رفتگان پیوسته دارم در نظر

عینک بینائی از سنگ مزارم داده اند(۱)

سیّد حسین مُتَّعِظ برزانی*

سیّد حسین متّعظ برزانی، از فضلاء و وعاظ معاصر اصفهان پس از مدتی تحصیل، به جمع اهل منبر و وعاظ اصفهان پیوسته و حدود ۵۰ سال به وعظ و ارشاد مشغول بود. در زمان حکومت رضاشاه به ناچار مدّتی از لباس روحانیت خارج شده ولی با این حال با پالتو و کلاه بالای منبر می رفت و مردم را موعظه می کرد.

وی سرانجام در خرداد ماه ۱۳۵۸ش وفات یافته و در تکیه تویسرکانی، واقع در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۲)

ملّا محمّد حسین مجذوب اصفهانی*

ملّا محمّد حسین متخلّص به «مجذوب» شاعر ادیب از اهالی قریه «جوزدان» ماربین اصفهان، درنهایت فقر و در کمال قناعت زندگی می کرده و به عربی و فارسی شعر می سروده است.

در مدح حاج سیّد محمّد باقر شفتی معروف به «حجّهالاسلام» قصیده ای سروده که این دو بیت از آنجاست:

آسمان از مهر و مه، تا زیب و زیور یافته

عالمی بعد از پیمبر، چون تو کمتر یافته

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۵۵.

۲- یادداشت های استاد ابراهیم جواهری.

نور حق، سیّد محمّد باقر، آن بحر علوم

کز سیادت، بهره از موسی بن جعفر یافته(۱)

سیّد حسین مَجمر اصفهانی

سیّد حسین طباطبائی زوّاره ای اردستانی، متخلّص به «مَجمر» شاعر و ادیب توانای عهد قاجاریه، در سال ۱۱۹۰ق در زوّاره متولّد شد. چندی در اصفهان به تحصیل علم و ادب مشغول بوده و سپس به سیاحت در ایران و هند پرداخته و عاقبت به طهران رفته است. او به شغل تذهیب مشغول بوده و به واسطه میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی به درباره فتحعلی شاه قاجار راه یافته و به لقب «مجتهد الشعراء» ملقّب گردید. در سرودن انواع نظم خصوصاً غزل و قصیده استاد بوده و قصیده او در مدح فتحعلی شاه مورد تحسین شاه قرار داشته است. گویند «مجمر» در اواخر عمر به سعایت بدخواهان به ولی نعمت خود «نشاط» ناسپاسی کرده و از در خصومت درآمده و مورد نفرین استاد قرار گرفته و در عنفوان جوانی در سن ۳۵سالگی در سال ۱۲۲۵ق وفات یافت و در قم مدفون شد.

ماده تاریخ فوت او را «طلعت اصفهانی» چنین سروده است:

تاریخ رحلتش را از عقل خواست «طلعت»

گفتا بگو «جوان رفت سیّد حسین مَجمر»

از آثار اوست:

۱. «دیوان اشعار» حدود پنج هزار بیت که به طبع رسیده و نسخ خطی عدیده ای در کتابخانه های مختلف از آن وجود دارد. ۲. کتابی در «تتبع گلستان سعدی»، ناتمام ۳. «مثنوی» در سیاق «تحفه العراقین» خاقانی

این شعر از اوست:

۱- تذکره مآثر الباقریه، ص۱۲۴.

گویم دلم از کمند تو خواهد رهید و تو

خندان نگه به طرّه طرّار می کنی

صد جان به یک نگه نخری از هجوم خلق

چندین زیان ز گرمی بازار می کنی(۱)

سیّد محمّدحسین مرتضوی*

سیّد محمّدحسین مرتضوی فروشانی، عالم فاضل کامل، در سِدِه [خمینی شهر] متولّد شد. در اصفهان از محضر بزرگانی چون سیّد محمّدباقر درچه ای، میرزا ابوالمعالی کلباسی و آخوند کاشی بهره برد و سپس به زادگاه خود بازگشت. او عالمی متواضع و مقبول نزد علماء و مردم بود. سرانجام پس از وفات در قبرستان شیری خمینی شهر مدفون شد.(۲)

میرزا حسین مُشرِف اصفهانی

میرزا حسین مُشرِف اصفهانی، شاعر ادیب. از صاحب منصبان درباره صفوی بوده و مدّتی متصدّی امور اصطبل شاه سلطان حسین شده است. طبعش به هزل و مزاح مایل بوده است. زمانی مدّعی شد، می تواند بر وزن خمسه نظامی و مثنوی امیرخسرو دهلوی اشعاری بگوید که حتّی یک بیت آن بامعنی نباشد. اگر از عهده برآمد به ازای هر بیت بی معنی مثقالی سیم ناب بگیرد و اگر بیتش دارای معنی بود، به جای هر بیت یکی از دندان های او را بکنند و بر مغزش بکوبند. او شعرها را سرود. عاقبت از اشعار او سه بیت با معنی پیدا کرده و سه دندان او را کنده و بر سرش کوفتند و باقی اشعار را مطابق وعده

۱- تذکر نگارستان دارا، ج۱، صص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۲۹۸؛ تذکره منظوم رشحه، ص۶۲؛ مجمع الفصحاء، ج۵، صص ۹۷۱ و ۹۷۲؛ تذکره حدیقه الشعراء، ج۳، صص ۱۵۲۶ و ۱۵۲۷؛ تذکره ریاض العارفین، (چ سال ۱۳۴۴ش)، ص۵۱۷؛ تذکره دلگشا، صص ۴۵۹ و ۴۶۰؛ تاریخ ادبیات ایران (شفق)، صص ۵۸۲ و ۵۸۳؛ ریحانهالادب، ج۵، صص ۲۰۲ و ۲۰۳؛ الذریعه، ج۹، ص۹۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۹۹۵؛ اکسیر التّواریخ، ص۲۵۹.

۲- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص۲۱۸ و ۲۱۹.

رفتار نمودند.

از جمله اشعار او که به تتبع از اسکندرنامه سروده چنین است:

اگر عاقلی بخیه بر مو مزن

به جز پنبه بر نعل آهو مزن

سوی مطبخ افکن ره کوچه را

منه در بغل آش آلوچه را

که نعل از تحمّل مُربّا شود

به صبر آسیا کهنه حلوا شود

ز افسار زنبور و شلوار ببر

قفس می توان ساخت امّا به صبر(۱)

محمّد حسین مشکین قلم اصفهانی

محمّد حسین مشکین قلم اصفهانی، از خوشنویسان اوایل قرن چهاردهم هجری است. هم اقدام را خوش می نوشت. مدّتها در عثمانی و مصر به سر می برد و در سال ۱۳۳۰ق وفات یافت. کتیبه های مقبره میرزا مسلم در جوار مزار سیّد حمزه در سرخاب تبریز به خط اوست.(۲)

استاد حسین معمار

استاد حسین معمار، از اساتید هنرمند اصفهان در قرن دهم هجری. از آثار وی ساختمان بقعه هارون ولایت اصفهان است که به امر شاه اسماعیل در تاریخ ۹۱۸ق بنای آن به پایان رسیده است.(۳)

حسین منجم

حسین منجم، فاضل و دانا به علوم ریاضی و هیأت بوده و مؤلّف: ۱. «الرسائل النّجومیّه» ۲. «زیج اصفهان» می باشد که نسخه آن نزد مرحوم سیّد هبهالدّین شهرستانی

۱- مجمع الفصحاء، ج۴، ص۷۹؛ ریحانه الادب، ج۵، ص۳۱۸؛ الذریعه، ج۹، ص۱۰۴۸ و ج۱۹، ص۹۹.

۲- پیدایش خط و خطاطان، ص۲۵۶؛ احوال و آثار خوشنویسان، ج۳، ص۶۷۳.

۳- کارنامه بزرگان ایران، ص۱۵۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۵ و ۵۲۶.

موجود بوده است.(۱)

سیّد محمّد حسین موسوی*

سیّد محمّد حسین موسوی، از فضلاء قرن سیزدهم هجری است. در اصفهان ساکن بود. از آثار او:

۱. کتابت «شرح فارسی هیئت» تألیف شیخ مصلح الدّین محمّد لاری، به خط نستعلیق، در سال ۱۲۰۰ق، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی.

۲. کتابت «تفسیر» ملّاصدرا، به خط نستعلیق، در سال ۱۲۵۳ق، موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی.(۲)

حسین موسیقی*

ملّا حسین یزدی معروف به «حسین موسیقی» از هنرمندان موسیقی معاصر، در یزد متولّد شده و در ۲۵سالگی برای استفاده از اساتید موسیقی به اصفهان آمد. ابتدا در تهران مدّتی نزد اسماعیل خان شاهی که تعزیه خوان بود تعلیم گرفت و به اصفهان بازگشت. سپس نزد سیّد عبدالرحیم و میرزا حسین ساعت ساز (خضوعی) به فراگیری موسیقی پرداخت. دوباره به تهران رفته از قربان خان شاهی و حسین لحنی دستگاههای موسیقی را آموخت. او در اصفهان با شعبان خان (پدر استاد جلیل شهناز) معاشر بود و از اطلاعات و راهنمایی های او بهره می گرفت. قسمتی از عمر او در سیاحت در شهرها و روستاهای ایران گذشته و در اصفهان نیز به شغل خرازی مشغول بود. صوتی خوش داشت و علاوه بر آواز در نواختن ضرب نیز مهارت داشت. اشعار بسیاری را نیز از حفظ داشت وبه شیوه اساتید قدیم اصفهان می خواند.(۳)

۱- الذریعه، ج ۱۰، ص۲۵۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۲۷ و ۵۲۸.

۲- فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس رضوی، صص ۱۳۳ و ۳۴۸.

۳- تاریخ موسیقی ایران، ص۶۸۳.

شیخ محمّد حسین مهاجر زفره ای

شیخ محمّد حسین مهاجر زفره ای، واعظ فاضل، در قریه «زفره» از توابع کوهپایه اصفهان متولّد شد و در اصفهان نزد میرزا ابوالقاسم زفره ای (حاج آخوند) به تحصیل پرداخت. وی از ذاکران اهل بیت بود و مدّتی نظامت مدرسه اقدسیّه (به مدیریت شیخ محمّد حسین مشکاه زفره ای) را بر عهده داشت. او داماد میرزا ابوالقاسم زفره ای بود و مانند او در علوم غریبه اطلاع کافی داشت. سرانجام در رجب ۱۳۷۷ق وفات یافته و در تکیه بروجردی مدفون شد.

مادّه تاریخ وفات او را میرزا حبیب اللّه نیّر چنین سروده است.

«نیّر» دانا برون چون کرد سر از تاریخ گفت:

«طایر قدس مهاجر در جنان پرواز کرد»(۱)

۱۳۷۷=۱۳۸۱-۴

میر محمّد حسین ناظم التّجار اصفهانی

میر محمّد حسین ناظم التّجار طباطبائی اصفهانی، از تاجران خوشنام و متدّین و نیکوکاراصفهان در اواخر دوره قاجاریه است. برحسب وصیت او، برادرزاده اش عالم فاضل حاج سیّد محمّد تقی طباطبائی دویست جلد از کتاب «کشف الانوار» تألیف: شیخ محمّد تقی آقا نجفی را وقف عام نموده است. این نسخه ها در سال ۱۲۹۶ق چاپ سنگی شده بوده اند.(۲)

شیخ محمّد حسین نجفی سدهی*

شیخ محمّد حسین نجفی سدهی، عالم فاضل و فقیه کامل، در سِدِه ماربین متولّد شده و پس از تحصیل مقدّمات در ۲۰ سالگی جهت ادامه تحصیل به عتبات عالیات مشرّف

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۶؛ بوستان فضیلت، صص ۲۷۷ و ۲۷۸.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص ۲۸۰.

شده و در محضر آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمّد حسین کمپانی کسب فیض نموده و به تدریس سطح پرداخته است. مرحوم مرعشی نجفی «قوانین» را از او آموخته است. شیخ محمّد حسین نجفی از سیّد محمّد باقر درچه ای اجازه روایت و از مرحوم کمپانی اجازه اجتهاد اخذ نموده است.

در حدود سال ۱۳۵۰ق به اصفهان بازگشته و مورد استقبال جمع کثیری از مردم قرار گرفت و در مدرسه جده بزرگ به تدریس «کفایه» مشغول شد. او در ایّام تعطیلات به سِدِه [خمینی شهر] می آمد و در منزل خود اقامه جماعت می کرد. چندی در آن مسجد اقامه جماعت نمود. سپس در مسجد ملّا حیدر به امامت پرداخت. همچنین او دعای کمیل را قرائت ادعیه را در سِدِه آغاز نمود و آن را رواج داد.

او در سال های آخر عمر به واسطه مشکلات و تألمات روحی و ضعف اعصاب و کسالت، ترک مسجد و محراب نموده، در منزل خویش انزوا اختیار نموده بود. تا اینکه در غرّه رجب المرجب سال ۱۳۷۵ق وفات یافته و در شمال مزار ملّا اسماعیل خواجوئی در تخت فولاد مدفون شد.

آثار زیر از تألیفات ایشان است:

۱. «حاشیه بر فصول در علم اصول» ۲. «حاشیه بر قوانین»(۱)

سیّد حسین نظام الدّینی*

سیّد حسین نظام الدّینی، عالم فاضل زاهد. در روستای کچویه لنجان متولّد شد. در ۱۳ سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه جده بزرگ به تحصیل پرداخت. ادبیات عرب را به همراه مرحوم حاج آقا یحیی فقیه ایمانی نزد سیّد مصطفی زانیانی آموخت. مطوّل را نزد شیخ علی یزدی خواند و از درس شیخ عباسعلی ادیب و شیخ محمّدحسن عالم نجف آبادی بهره برد. قسمت عمده شرح لمعه و رسائل و مکاسب را نزد حاج آقا رحیم

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، صص ۲۲۲-۲۱۹؛ الاجازه الکبیره، ص۱۷۷؛ جلوه افلاکیان، مخطوط؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، مخطوط.

ارباب تحصیل نمود و در سطوح عالیه از محضر حضرات آیات: سیّد مرتضی خراسانی، سیّد مهدی درچه ای، سیّد محمّد نجف آبادی و سیّد علی نجف آبادی بهره برد و خود به تدریس در حوزه علمیه اصفهان پرداخت.

در سال ۱۳۵۶ق به روستای خود بازگشت و سرپرستی دو برادر و یک خواهر صغیر خود و اداره املاک پدر را به عهده گرفت. و به کشاورزی مشغول شد. پس از ۳۰ سال اقامت در کچویه به دعوت عالم جلیل شیخ محمود شریعت ریزی به زرین شهر رفت و به تدریس ادبیات، معالم، حاشیه ملّا عبداللّه و شرح لمعه در حوزه علمیه تازه تأسیس آنجا پرداخت. در سالهای آخر عمر، امام جمعه موقّت زرین شهر بود و به حل و فصل اختلافات و رفع مشکلات مردم و منطقه می پرداخت. او مردی سحرخیز، پرکار، متواضع، خدام و مردمی بود.

سرانجام در بهمن سال ۱۳۷۰ش به جوار رحمت حق شتافت.(۱)

شیخ محمّد حسین نوری رنانی*

شیخ محمّد حسین نوری رنانی، عالم فاضل متّقی. در سال ۱۲۸۰ش در رهنان اصفهان متولّد شد و در اصفهان به تحصیل علوم دینی پرداخت و به وعظ و خطابه مشغول شد. در بسیاری از شهرها سفر نمود و به ایراد خطابه و ارشاد مردم پرداخت.

او از شاگردان سیّد محمّد باقر درچه ای است و به حاج آقا رحیم ارباب ارادت می ورزید. وی سرانجام در ۱۶ ذیحجه ۱۳۸۳ق (مطابق سال ۱۳۴۶ش) وفات یافت و در تکیه بابا رکن الدّین تخت فولاد مدفون شد.(۲)

۱- شرح مجموعه گل، ص۹۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۵۴؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۲۷.

محمّد حسین نوید اصفهانی

محمّد حسین اصفهانی متخلّص به «نوید» شاعر ادیب خواهرزاده میر سیّد علی مشتاق اصفهانی بود. در اصفهان علم و ادب آموخت و به هند رفته در کشمیر ساکن شده و همانجا در سال ۱۱۷۸ق وفات یافت.

از اوست:

طریق مهر با یار خود یارا نمی دانی

اگر می دانی از یاران خود ما را نمی دانی(۱)

حاج محمّد حسین نیلفروش

حاج محمّد حسین اصفهانی معروف به «نیلفروش» عالم فاضل محقّق و مفسر عالیقدر، از دانشوران قرن دوازدهم هجری. وی نزد ملّا علی اصغر مشهدی «شرح مطالع» را خوانده و در آن کتاب مهارت فراوان یافته است. وفات او در اواسط هفتمین دهه از قرن دوازدهم هجری در نجف اشرف اتفاق افتاد. کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اثبات حَقیّهِ الاَثنی عشریه» ۲. «تفسیر قرآن مجید»(۲)

آقا حسین ورنامخواستی

آقا حسین ورنامخواستی لنجانی اصفهانی، عالم فاضل، از دانشمندان قرن سیزدهم هجری. از شاگردان شیخ محمّد باقر نجفی است. وی پس از تکمیل معلومات و وصول به مقامات عالیه علم و اخلاق به مولد خود مراجعت نموده، به ترویج دین و نشر احکام اشتغال جسته و در آنجا وفات یافته است.(۳)

۱- تذکره آتشکده، نیمه دوم، ص۶۷۹؛ سفینه المحمود، ص۳۳۹؛ تذکره روز روشن، ص۸۵۶؛ الذریعه، ج۹، ص۱۲۳۶.

۲- تتمیم امل الآمل، صص ۱۳۳ و ۱۳۴؛ الکواکب المنتشره، ص۲۲۵؛ الذریعه، ج۱، صص ۸۹ و ۹۰؛ مفسّران شیعه، ص۱۷۱.

۳- نقباء البشر، ج۲، ص۴۹۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۲۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۱، ص۱۵۸.

میرزا محمّد حسین یاری اصفهانی

میرزا محمّد حسین متخلّص به «یاری» شاعر ادیب، نوه میرزا محمّد باقر وزیر خراسان. کریم الطبع و خوش فطرت بود. در اصفهان متولّد شد [مدّتی را در شیراز ساکن بوده و از عنایات صید مرادخان زند حاکم شیراز برخوردار شده است.] عاقبت به کاظمین رفته و در سال ۱۲۱۵ق وفات یافته و در آن ارض اقدس مدفون شد.

از اوست:

پیش گلها عزّت خاریم نیست

می کنم دل خوش که مرغ گلشنم(۱)

میرزا حسینعلی آشفته

میرزا حسینعلی آشفته اصفهانی، شاعر ادیب. در اصفهان به شغل سرّاجی مشغول بود و در انجمن ادبی ابوالفقرا گزی شرکت می کرد.

عمان سامانی در قصیده انجمنیه درباره او آورده است:

وان دگر آشفته کز اشعار نغر و دلنشین

می برد آشفتگی بیرون ز طبع انجمن

او سرانجام در ۱۴ شوال ۱۳۰۲ق در اصفهان وفات نموده، در تخت فولاد تکیه لسان الارض مدفون گردید.(۲)

[این دو بیت از اوست:

شنیدستم که وقت نزع فرهاد

به خود می گفت این شیرین عبارت

۱- تذکره اختر، ص۲۴۳؛ سفینه المحمود، ص۲۶۳؛ ریحانه الادب، ج۴، ص۳۲۹؛ مجمع الفصحاء، ج۶، ص۱۰۲۳؛ تذکره دلگشا، ص۷۰۶.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۴۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۸۵.

که من بیهوده کندم کوه و خسرو

همه حلوای شیرین کرد غارت(۱)]

استاد حسینعلی بنّای اصفهانی*

استاد حسینعلی بنّای اصفهانی، از بنّایان و معماران معروف زمان شاه سلطان حسین صفوی است. تعمیر و احداث ساختمان های جدید امامزاده اسـماعیل که در زمان شاه سلطان حسین در سال های ۱۱۱۱ تا ۱۱۱۲ انجام گرفته، از کارهای این استاد هنرمند می باشد.(۲)

ملّا حسینعلی صدیقین

ملّا حسـینعلی صدیقین بن محمّد اسماعیل بن محمّد ربیع، عالم فاضل و زاهد متّقی. [از علمای مشهور قرن چهاردهم هجری در اصفهان]

در اصفهان متولّد شده [و خدمت جمعی از اکابر علماء همچون میرزا ابوالقاسم زفره ای، آقا سیّد محمّدباقر درچه ای و آقا سیّد ابوالقـاسم دهکردی درس خوانـده] و مراتب عرفـان را خـدمت حـاج محمّدجواد عـارف بیـدآبادی تکمیـل نمـوده و سالهـا به ریاضت و تصفیه باطن گذرانیده و جامع مراتب صوری و مقامات معنوی شد.

او در مسـجد گرگ یراق ها، مسـجد حاج اسـداللّه سـمسار و مسـجد درکوشک اقامه جماعت می نمود [و هفته ای دو شب بر منبر می رفت و با بیانی گرم و شیوا به ارشاد مردم می پرداخت.]

همچنین سالها در مدرسه درکوشک [و مدرسه میرزا حسین بیدآباد] به تدریس مختلف و از جمله تفسیر مشغول بود.

مرحوم صـدیقین از علمای پرهیزکار و مشـهور به زهـد و تقوا در میان عوام و خواص و مورد وثوق و احترام کلیه طبقات بود و از سوی مراجع بزرگوار از جمله آیات عظام آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی [و آقا حسین بروجردی] نیابت تام را برخوردار بود.

۱- حدیقه الشعراء، ج۱، ص۳۸.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۳.

این عالم ربانی سرانجام در شب جمعه دوّم صفر سال ۱۳۶۸ق وفات یافته و در یکی از اطاق های تکیه کازرونی مدفون شد.

از آثار او حواشی مختصری بر تذکرهالقبور است که نگارنده [سیّد مصلح الدّین مهدوی]آنها را در رجال اصفهان نقل کرده ام. مادّه تاریخ وفاتش را حسن ضوئی اصفهانی چنین سروده است:

«ضوئی» از تاریخ صدیقین به فکرش شد برون

مطلب خوابش که «فی جنات عدن یدخلون»(۱)

حسینعلی صفائی بروجنی

حسینعلی صفائی بن سلیمان بروجنی، از شعرای معاصر در سال ۱۲۹۶ق در بروجن متولّد شده و نزد پدر خود که معلّم بود و دیگران به تحصیل مشغول شد. در جوانی به تجارت پرداخت و کمی بعد از آن کار دست کشید. دیوانی مشتمل بر سه هزار بیت شعر از قصیده و غزل داشته است.

از اوست:

عقده ها بر دل غمدیده عشاق فکند

گره آن شوخ چون بر طره خم در خم زد(۲)

حسینعلی زنگنه*

حسینعلی بن شیخعلی خان زنگنه، از فضلای قرن یازدهم هجری است. پدرش از وزرای عالی مقام شاه سلیمان صفوی بوده است. خود او در اصفهان به تحصیل علم و

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۷۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۵۷۴؛ رجال اصفهان (دکتر کتابی)، ج ۱، ص ۴۲۹؛ نقباءالبشر، ص ۶۷۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۷۲؛ تاریخ اصفهان (جابری)، ص ۳۳۹.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۱۱.

ادب پرداخت. کتاب «بدایع البیان» در تفسیر قرآن از تألیفات اوست.(۱) نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه ها موجود است از جمله:

نسخه ای به شماره ۱۷۶ در کتابخانه ملّی ملک در تهران و نسخه ای به شماره ۷۴۶۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی و نسخه دیگر به شماره ۳۲۰۱ در کتابخانه مسجد اعظم قم.(۲)

حسینعلی اصفهانی

حسینعلی بن محمّد زمان اصفهانی از کاتبان خط نسخ در قرن سیزدهم هجری. در تاریخ ۲۶ صفر ۱۲۵۲ق کتاب «المصابیح فی شرح المفاتیح» را در فقه، به عربی، از مؤلّفی ناشناس، به خط نسخ کتابت نموده است. نسخه به شماره ۷۵۴۱ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۳)

ملّا حسینعلی تویسرکانی

ملّا حسینعلی تویسرکانی ابن نوروزعلی ملایری عالم محقّق، فقیه جامع، مجتهد اصولی، از علماء طراز اوّل اصفهان در قرن یازدهم هجری. در تویسرکان متولّد شده و در اصفهان نزد اعلام آنجا به ویژه شیخ محمّد تقی رازی صاحب حاشیه حاضر شد و کسب فیض کرد تا به درجه اجتهاد نائل شد و بسیاری از مردم اصفهان و نواحی اطراف از او تقلید نمودند. محضر درس او پربار بود و شاگردان بسیاری از محضر او مستفیض شدند. او امام جماعت مسجد ایلچی احمدآباد بود و به جهت احتیاط در نماز جمعه، جمعه ها به دُرچه می رفت و نمازجمعه را در آنجا برپا می ساخت.(۴)

۱- فهرست نسخه های خطی فارسی، ج۱، ص۸؛ ادبیات فارسی بر مبنای تألیف دستوری، ج۱، ص۲۵۸.

۲- فهرست مسجد اعظم قم، ص۴۴؛ فهرست الفبایی رضوی، ص۸۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۳۴۷.

۴- رجال اصفهان یا تذکره القبور، صص ۸۹ و ۹۰؛ روضات الجنّات، ج۸، ص۲۲۴.

سرانجام در ۲۸ صفر ۱۲۸۶ق در اصفهان وفات یافته و در بقعه خوانساری ها در تخت فولاد مدفون گردید.(۱)

امام الحرمین میرزا محمّد همدانی که مجاز از مرحوم تویسرکانی است، در «ملتقطات فصوص الیواقیت» ضمن مرثیه ای، ماده تاریخ وفات ایشان را چنین سروده است:

فقضی نحبه و سار الیها

و دعاه الیه ارّخ «غفور»(۲)

۱۲۸۶

کتب زیر از اوست:

۱. «حاشیه بر جامع عباسی» ۲. «رساله در ردّ بر اخباریّه» ۳. [«الشّهاب الثّاقب»] در ردّ بر حاج کریم خان کرمانی ۴. «فصل الخطاب» در اصول فقه ۵. [«قارعه القوارع»] که ردّ بر جوابیه حاج محمّد کریم خان کرمانی بر کتاب «شهاب ثاقب» است. ۶. «کشف الاسرار» در شرح شرایع، در ۱۱ جلد، که به خط مؤلّف نزد آقای دکتر سیّد احمد تویسرکانی در اصفهان موجود است. ۷. «المقاصد العلیّه» در حاشیه بر قوانین، در دو مجلّد ۸. «نجاه المؤمنین» در اخلاق و اصول دین که آن را در سال ۱۲۷۲ق و به نام فرزندش «محمّد» نوشته است. [۹. «رساله عملیه»]

ملّا حسینعلی زاهدی رنانی*

ملّا حسینعلی زاهدی رنانی، عالم عابد زاهد، از علمای قرن چهاردهم هجری. در قریه «رهنان» اصفهان متولّد شده و در اصفهان به تحصیل پرداخت. سپس در زادگاه خود به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول شد. او از مصرف وجوهات شرعی خودداری می کرد و از راه کشاورزی امرار معاش می کرد و با قناعت و تواضع، درس بی نیازی از خلق و استعانت از خالق را به دیگران می آموخت. وی سرانجام در [۲۹ شعبان

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص ۱۱۰؛ الکرام البرره، ص۴۳۸.

۲- فهرست کتب خطی اصفهان (الف - ز)، ج۱، ص ۴۰۰.

۱۳۸۸ق] وفات آقا محمّد بیدآبادی در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.(۱)

حسینعلی شکیبایی بروجنی

حسینعلی فاتحی بروجنی متخلّص به «شکیبا»، از شعرای معاصر. در سال ۱۳۰۳ش متولّد شده و پس از تحصیلات ابتدائی در مولد خود به کسب و کار مشغول شد.

از اوست:

نه هرکس عاری از دانش بُوَد استاد می گردد

نه هر مرد پلید کوه کن فرهاد می گردد

چنین ابلیس شومی را نشاید آدمی گفتن

کسی کو از غم همسایگانش شاد می گردد(۲)

آخوند ملّا حسینعلی صرفی

آخوند ملّا حسینعلی صرفی، عالم فاضل ادیب، وی در محلّه شیش بیدآباد اصفهان ساکن بوده و در ادبیات عرب خصوصاً صرف و نحو استاد بوده و به «صرفی» شهرت داشته است. میرزا سیّد حسن چهارسوقی عالم جلیل القدر نزد او نحو و صرف ابتدائی را خوانده است.(۳)

حسینعلی قدسی قهفرخی

حسینعلی قدسی قهفرخی، از شعرای معاصر، در حدود سال ۱۲۸۵ش متولّد شده و پس از تحصیل به استخدام اداره فرهنگ درآمده و به آموزگاری در چهارمحال روزگار می گذرانید.

۱- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۱۶۸؛ تخت فولاد یادگار تاریخ: خطی.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۲۷۶.

۳- زندگانی آیت اللّه چهارسوقی، ص۵۷.

از اوست:

گشته خیالم چو زلف یار پریشان

دل شده از دست روزگار پریشان(۱)

حسینعلی گلشن اصفهانی

حسینعلی گلشن اصفهانی، از شعرای اصفهان در قرن چهاردهم هجری. در سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولّد شد. در انجمن ادبی شیدا شرکت می کرد و از شعرای خوش قریحه به شمار می رفت. او در سال ۱۳۶۱ق وفات یافت. این بیت از اوست:

به جان اهل حجاز و عراق شور افکند

بلند گشت چو از نینوا نوای حسین

(حجاز، عراق، شور، نینوا و نوا نام پرده های آواز است.)(۲)

ملّا حسینعلی محدّث*

ملّا حسـینعلی محدّث، عالم فاضل، از دانشـمندان گمنام قرن سیزدهم هجری است. وی در جمادی الثانی ۱۲۵۲ق وفات یافته و در نزدیکی قبر فاضل هندی در تخت فولاد مدفون شده است.

این مرثیه درباره او سروده شده است:

واحسرتا که رفت ز دنیا حسینعلی

آن معدن فضایل و آن نور منجلی

اعلا محدّثی که چو دریای علم و فضل

بد در خروش و جوش چو دریای انزلی

کرد از خرد سؤال ز تاریخ فوت او

گفتا «هزار حیف ز ملّا حسینعلی»(۳)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۷۴.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۰۲.

۳- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

حسینقلی دانشور قهفرخی

حسـینقلی دانشور بن ابوالفتح دانشور قهفرخی، شاعر معاصـر، در سال ۱۳۳۰ق در قهفرخ از توابع چهارمحال متولّـد شـده و در آنجا به تحصیل پرداخت و سپس به مباشرت املاک مشغول شد.

چون دوره عمر را دوامی نبود

باقی ز برای کس مقامی نبود

در دهر برای مردم دانشمند

جز نام نکو هیچ مرامی نبود(۱)

حسینقلی خان خطائی دهاقانی*

حسـینقلی خان خطائی بن باباخان دهاقانی، شاعر ادیب از سـخنوران اواخر دوره قاجاریه. وی در اوّل محرّم ۱۲۶۹ق در دهاقان تولّـد یافت. در کودکی مادرش را از دست داد و به دست دایه ای بزرگ شـد. در ۶ سالگی در مکتب خانه ملّا رحیم دهاقانی تحصیل را آغاز کرد.

او شاعری ماهر بود و خصوصاً در غزل طبعی روان داشت. خط خوشـی داشت و در نقاشـی و تیرانـدازی مشـهور بود. تابلوهای نقاشی او هم اکنون در دهاقان در منزل اقوام و در شهرستان سی سخت (کهگیلویه و بویراحمد) موجود است.

وی در ۲۰ بهمن ۱۳۰۴ش به حکم حکومت اصـفهان و تأییـد وزارت داخله، به عنوان حاکم دهاقان منصوب شد و در برقراری آرامش در آن منطقه و جلوگیری از حملات اشرار و غارتگران به مردم نقش مهمّی ایفا کرد.(۲)

وی سرانجام در سال ۱۳۴۹ق در دهاقان وفات یافت.(۳)

«منتخبی از دیوان مرحوم حسینقلی خان خطایی دهاقانی» توسط ابدال خطایی در سال ۱۳۴۲ش در اصفهان به طبع رسیده است.

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۱۹۳ و ۱۹۴.

۲- سیمای دهاقان، صص ۳۰۹ و ۳۱۰.

۳- تاریخ شهرضا، ص ۹۱.

این شعر از اوست:

رود امید که آید به سر کُشته خویش

چون به یادش دل بسپرده ما می آید

جام مینا ز کف ساقی مجلس در دور

باز گردید دل خون خورده ما می آید

نفسی می شمرم تلخ به امید وصال

تا به بالا دم بشمرده ما می آید

حسینقلی خان ایلخانی

حسینقلی خان ایلخانی بن جعفر قلی خان بختیاری، از خوانین معروف بختیاری در قرن سیزدهم هجری [از طایفه دورَکیِ هفت لنگ بختیاری است. پس از مرگ پدرش در ۱۲۵۲ق تحت سرپرستی عمویش قرار گرفت. پس از آن به خدمت حاکم اصفهان منوچهرخان گرجی (معتمدالدّوله) درآمد و کم کم با سرکوب سران یاغی بختیاری، از طرف متعمدالدّوله، نایب الحکومه منطقه بختیاری شد. او کم کم بر سایر خوانین آنجا غلبه کرد و ۴۰ سال ایلخان تمام منطقه بختیاری بود. ناصرالدّین شاه که از قدرت و نفوذ او در مرکز و جنوب ایران بیمناک بود، به فرزندش مسعود میرزا ظلّ السّلطان که حاکم اصفهان و مناطق تابعه شده بود، دستور قتل حسینقلی خان را داد. ظلّ السّلطان با فریبکاری و توطئه او را نزد خود به اصفهان خوانده و در ۲۷ رجب ۱۲۹۹ق او را به قتل رساند.]

حسینقلی خان در شعر و ادب دستی داشت. به فارسی و لُری شعر می سرود و «سیّاره» تخلّص می کرد. جسدش را به تکیه میر در تخت فولاد منتقل کرده و به خاک سپردند و تکیه ای مستقل برای او و خاندان ایلخانی بختیاری ساختند.

این شعر به لهجه لُری از اوست:

دونی ز چه سر نزیده اُفتُو

یارُم نَورِیستاده از خو

ابروی کج تو در همه خلق

دادُم مو نشان که هو مه نو

مُو با دل زار سی تو آیُم

تو بانگ زنی که ای کره نو

یارُم تو بساز کلک و کشتی

تَسُمِت که بِگِریُمِت اُو(۱)

حسینقلی سخائی نجف آبادی*

حسینقلی غیور متخلّص به «سخائی» بن غلامحسین نجف آبادی شاعر ادیب. در سال ۱۲۹۶ش در نجف آباد متولّد شد. او به پیشه ورشوسازی و ریخته گری امرار معاش می نمود. طبعی سرشار و ذوقی سلیم داشت و در بسیاری از انجمن های ادبی در تهران، اصفهان و نجف آباد حضور یافت. از جمله از اعضای فعال انجمن مولوی نجف آباد و انجمن صائب اصفهان و انجمن پژمان ویلاشهر بود.

وی در سال ۱۳۸۲ش به رحمت ایزدی پیوست.

از آثار او: ۱. «دیوان سخائی» ۲. «گلزار سخائی» به طبع رسیده است. ۳. کتاب «زبده الافکار» هنوز چاپ نشده است.

این دو بیت از اوست:

نازنینا ز جلوه ات مستم

افتم از پا، نگیری ار دستم

به ولای تو از همه عالم

رشته التفات بگسستم(۲)

حسینقلی مشفق ضرغام

حسینقلی مشفق ضرغام متخلّص به «مشفق» شاعر ادیب. در سال ۱۳۲۲ق در بروجن از توابع چهارمحال و بختیاری متولّد شد و در زادگاه خود به تحصیل در مکتب خانه پرداخت. علوم ادبی را نزد میر سیّد حسن مجدالادباء اصفهانی (مدیر مدرسه اتحادیه بروجن) آموخت. گاهی در بروجن و گاهی در اصفهان به سر می برد و در

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۱۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۲۰۱؛ شرح حال رجال ایران، ص۴۴۲؛ دانشنامه جهان اسلام: ذیل «بختیاری»، ص۱۰۸۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۳.

۲- دیباچه دیار نون،ص۲۱۰؛ آئینه اهل قلم، ص۱۲۵؛ تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۳۸۰.

محافل و انجمن های ادبی شرکت می کرد. دیوان اشعار او به طبع رسیده است. سرانجام در سال ۱۳۹۲ق وفات یافته و در تکیه بروجنی ها [تکیه شهداء فعلی] واقع در تخت فولاد مدفون شد.

ماده تاریخ فوتش را شاعر گرانمایه آقای فضل اللّه اعتمادی متخلّص به «برنا» گوید:

به شمسی سال فوتش گفت «برنا»

«روان مشفق ما شاد گردد»

[دیوان اشعارش با نام «اندیشه های رنگارنگ» به چاپ رسیده است.]

از اوست:

تو ای برق محبّت سوختی تاب و توانم را

نمی دانم چه خواهی کرد زین پس جسم و جانم را

درون لانه ای آسوده سر در زیر پر بودم

ولی صیاد بی پروا به هم زد آشیانم را [...]

تو کز بزم وصالت پای من بُبریده ای آخر

چرا با دست هجران می فشاری استخوانم را(۱)

حسینی خوراسکانی

حسینی خوراسکانی از فضلاء قرن یازدهم هجری، ظاهراً از شاگردان علّامه مجلسی بوده و در سال ۱۰۸۰ق مجلّد نهم بحارالانوار را به خط نسخ خوش نوشته است. در برگی از آن به خطی شبیه خط علّامه مجلسی رموز کتاب نوشته شده و مهر علّامه مجلسی «محمّد باقر العلوم» در پشت کتاب دیده می شود. نسخه به شماره ۱۴۱۵ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد موجود است.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۵۰ و ۴۵۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۸۹؛ دولت دیدار، صص ۳۰ و ۳۱.

۲- فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص۵۶۱.

آقا حقی خوانساری*

آقا حقی خوانساری، از شعراء، عرفا و فضلای قرن یازدهم هجری است. نسب او به «خواجه حسن ماضی» و از او با چند واسطه به عارف بزرگوار «حافظ سعدالدّین عنایت اللّه خوانساری» می رسد. از بنی اعمام ملّا علی حشمتی خوانساری بوده و سالها در مسجد جامع اصفهان به وعظ و خطابه مشغول بوده است. او واعظی خبیر و خطیبی فصیح بوده و در سال ۱۰۳۷ق در خوانسار وفات یافته است. ظاهراً اغلب رباعی می سروده و این رباعی از اوست:

چون رعد به جز ناله زارم نَبُوَد

چون باد به گوشه ای قرارم نَبُوَد

چون اشک که در دیده عاشق گردد

سرگشتگی اَم به اختیارم نَبُوَد(۱)

حَکَم خزاعی

ابو عبداللّه حَکَم بن مَعبد بن احمد خزاعی، فقیه، مصنّف کتاب «السُّنّه»، از بزرگان فقهاء و محدثین حنفی اصفهان بوده و در سال ۲۷۵ق در اصفهان فوت کرده است.

وی از ابوموسی و نصربن علی و محمّد بن حمید احادیث بسیار نقل کرده است.(۲)

حکمهاللّه خزاعی

حکمهاللّه خزاعی از فضلاء قرن پنجم و اوائل قرن ششم هجری بوده و قبر او در تکیه ظلمات مجاور قبر میرعماد قرار دارد.

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۲۱؛ تذکره ریاض العارفین، ص۱۰۱؛ تذکره شعرای خوانسار، صص ۴۶ و ۴۷؛الذریعه، ج۹، ص۲۵۸؛ اثر آفرینان، ج۲، ص۳۰۰؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۸؛ ریحانهالادب، ج۲، صص ۱۸۹ و ۱۹۰؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۱۶.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۹۸؛ الوافی بالوفیات، ج۱۳، ص۱۱۳؛ طبقات المحدّثین ج۴، ص۲۸۰.

وی در سال ۵۰۳ق وفات یافته و مادّه تاریخ وفات او این بیت است:

«چو دیدم حکمهاللَّه است تاریخ

الف با لاالف ساقط از آن شد»

بر روی سنگ نام ائمه اثنی عشرعلیهم السلام نوشته شده و نشانگر آن است که مشار الیه از شیعیان بوده است.(۱)

حکیم مرزوقی

حکیم بن ابوالوفاء مرزوقی، از ادباء قرن چهارم هجری بوده و مافروخی در محاسن اصفهان وی را در عداد دانشمندان متقدم صرف و نحو و لغت و انشاء ذکر نموده است.(۲)

حمّاد مُکتِب مدینی

حماد بن زید مُکتب مدینی، از محدّثین عامّه در قرن سوم هجری است، وی از اهالی «مدینه» [شهرستان] اصفهان و از افاضل مردم آن روزگار بوده و با محمّد بن یوسف بنّا مکاتبه داشته است.(۳)

حمد صیرفی

ابوسهل حمد بن احمد بن ابی عمرو بن ولکین (؟) صیرفی از محدّثین اصفهان است. وی از ابوعبداللَّه بن منده و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد بغدادی، حسن بن عبدالملک خلّال و ابوغالب حسن بن محمّد از او روایت می کنند.(۴)

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۸۱؛ تاریخ اصفهان و ری، ص۲۳۵؛ مزارات اصفهان، ص۳۱۸.

۲- محاسن اصفهان، ص۳۲.

۳- مزارات اصفهان، ص۳۵۱.

۴- التّحبیر، ج۱، ص۲۰۸.

حمد حدّاد

ابوالفضل حَمَـِد بن احمـد بن حسن حداد، از محدّثین قرن پنجم هجری است. سـمعانی درباره او نوشـته است: «کان اماماً عالماً صحیح السـمّاع، محقّقاً فی الاخذ». او از شاگردان حافظ ابونعیم اصـفهانی است. در سال ۴۸۵ق به بغـداد رفته و در سال ۴۸۶ق (و یا ۴۸۸ق) فوت شده است. ابوحفص عمر بن محمّد شیزری از او حدیث شنیده است.(۱)

حمد اصفهانی

ابوالفضل حمد بن احمد بن عبداللّه اصـفهانی، از محدّثین قرن پنجم هجری است. وی از حافظ ابونعیم اصفهانی و ابوبکر خَلّاد روایت می کنـد و ابوالفتـح محمّـِد بن عبـدالباقی بن احمـد بن سـلیمان معروف به «ابی البطی مارسـتانی» از او نقل حـدیث می نماید.(۲)

حمد اصفهانی

ابوالقـاسم حمـد بن محمّـِد بن احمـد بن منصور بن عبـداللّه بن طویـل اصـفهانی، از محـدّثین اواخر قرن شـشم هجری است. از اصـحاب شـیخ ابوالفضل محمّد بن ابی سعد بغدادی بوده و از ابوطاهر احمد بن محمود ثقفی، ابوعثمان عیّار صوفی، ابوالقاسم علی بن عبدالرّحمان بن علیك و ابوعمرو عبدالوهاب بن محمّد عبدی حافظ اسـتماع حدیث کرده است. ابوسـعد سمعانی از او اجازه داشته است. او در سال ۵۱۷ق فوت شد.(۳)

حمدان اصفهانی

ابوالحسن حمـدان بن احمـد بن حمـدان اصـفهانی، یکی از محـدّثین عـامّه در اصـفهان است. از ابو احمـد عبـداللّه بن عمر بن عبدالعزیز کرجی روایت نموده و شیرویه بن شهردار از

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۵۳۷.

۲- احقاق الحق، ج ۶، ص ۴۵ و ج ۱۴، ص ۲۳۱ و ج ۱۵ و ص ۴۴۱.

۳- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۵۱.

او نقل حدیث می نماید.

ملّا حمزه قائنی

آخوند ملّا حمزه قائنی ابن ملّا اسداللَّه بن عبداللَّه بن علی محمّد شریف علوی، عالم فاضل ادیب و واعظ ماهر.

در قائن متولّد شده و برای تحصیل به اصفهان رفته و چندی به درس سید محمّد باقر حجّهالاسلام و حاج محمّد ابراهیم کلباسی حاضر شده و حسب الامر استاد خود سیّد حجّهالاسلام با دختر یکی از تجار همدانی ساکن اصفهان وصلت نمود.

پس از مدّتی چون سیّد حجّهالاسلام او را به دلیل فصاحت زبان جهت ارشاد مردم به رشت فرستاد. عاقبت ملّا حمزه قائنی در یکی از سفرهای خود در هنگام بازگشت از قائن به اصفهان در شاهرود وفات یافته است.

اعقاب او در اصفهان و کرمانشاهان ساکن بوده اند.(۱)

ملک حمزه غافل سیستانی*

ملک حمزه غافل بن ملک جلال الدّین بن ملک محمود سیستانی، شاعر و ادیب قرن یازدهم هجری است.

نسب آنان به قولی به صفاریان و بنا به روایتی دیگر به جمشید می رسید. پدرش فرمانروای سیستان بود. او در جوانی به اصفهان آمد و به دیدار سخنوران و دانشمندان از جمله میرزا محمّد طاهر نصرآبادی شتافت. سالها در اصفهان بود و پس از فوت پدرش به حکومت سیستان رسید. به صفات پسندیده موصوف و محبوب خاص و عام بود و سرانجام در سالهای جوانی وفات یافت.

شعر نیکو می سرود و «غافل» تخلّص می کرد. از اوست:

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۷۷؛ بیان المفاخر، ج۱، ص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ الکرام البرره، ج۱، ص۴۴۳؛ بهارستان، ص۲۸۳.

از آتش هجران تو ای عهدشکن

در دیده نگاه و در لبم سوخت سخن

تا گریه من صرف کجا خواهد شد

سرگردانم چو ابر گم کرده چمن(۱)

حمزه اصفهانی

ابو عبداللّٰه حمزه بن حسن اصفهانی، مورّخ، ادیب و دانشمند قرن چهارم هجری است. در سال ۲۷۰ق متولّد شد. وی از عبدان بن احمد، محمّد بن جریر، محمّد بن صالح بن ذریع، محمّد بن نصیر و محمود واسطی روایت می کند و حافظ ابونعیم اصفهانی از او نقل حدیث می کند. وی بارها به بغداد رفته و به اصفهان بازگشته و در بین سالهای ۳۵۰ تا ۳۶۰ق وفات یافته است. کتاب او درباره اصفهان بارها مورد استفاده مورّخین بعد از او قرار گرفته ولی متأسفانه اصل کتاب از بین رفته است.

این کتب از تألیفات اوست:

۱. «اصبهان و اخبارها» ۲. «الامثال علی افعل من کذا» ۳. «الامثال الصّادره عن بیوت الشعر» که به شماره ۱۱۵۰ در کتابخانه ملک در تهران موجود است. ۴. «الاوصاف» ۵. «تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء» به عربی، که در کلکته و لایپزیک (همراه با ترجمه لاتین) و برلین به چاپ رسیده است. آقای دکتر جعفر شعار نیز آن را به فارسی برگردانده و با نام «تاریخ پیامبران و شاهان» چاپ نموده است.«کبارالبشر» یا «تواریخ کبار الامم من معنی منهم و من غبر» نام دیگر کتاب «سنی ملوک الارض و الانبیاء» است. ۶. «التشبیهات» ۷. «التّماثیل فی تباشیر السّرور» ۸. «التّنبیه علی حدوث التّصحیف» یا «التّنبیه علی حروف المصحف» که در سال ۱۹۶۸م در سوریه به چاپ رسیده است. ۹. «الخصائص و الموازنه بین العربیّه و الفارسیّه»، که در دارالکتب

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۱؛ خلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم)، ص۳۵۲.

المصریه در قاهره نگهداری می شود. ۱۰. «الرّسائل» ۱۱. «السیره المستقیمه بشأن القرامطه» که نسخه خطی آن در کتابخانه پاریس موجود است. [۱۲. «المنتخب من کتاب الامثال» که در کتابخانه واتیکان رم موجود است. [۱۳. «انواع الدّعا»(۱)

حمزه علوی

ابو محمّد حمزه بن عبّاس بن علی بن حسین بن علی بن عمر بن حسن بن علی بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب حسینی علوی معروف به «برطله»، از محدّثین و مشایخ صوفیه در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است.

در حدود ۴۳۰ق دراصفهان متولّد شد. او صاحب سیره نیکو و پرهیزکار بوده و در اصفهان بین عوام و خواص شهرت فراوان داشته است. وی از ابو احمد محمّد بن علی بن سمویه مکفوف، ابوبکر محمّد بن عبداللّٰه بن ریذه، ابوعلی حسین بن عبداللّٰه بن منجویه، ابوالحسن علی بن قاسم بن ابراهیم بن موسی خیّاط، ابوالعبّاس احمد بن محمّد بن احمد نعمان فضاض، ابوطاهر محمّد بن احمد بن عبدالرّحمان و ابوبکر باطرقانی استفاده کرده و از ابی الحسن محمّد بن علی بن صخر ازدی بصری قاضی مکّه و ابوسعد عبدالرّحمان بن احمد بن عمر بن یوسف بن یعقوب بن یزید اصفهانی صفار و دیگران

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۰؛ الفهرست (ابن ندیم)، ص۱۵۴؛ تذکره هفت اقلیم، ج۲، ص۳۹۶؛ معجم المؤلفین، ج۴، ص۷۸؛ میزان الاعتدال، ج۱، ص۳۶۲؛ اکتفاء القنوع، ص۷۰؛ ریحانهالادب، ج۱، ص۱۴۳؛ تاریخ علوم اسلامی، صص ۴۵ و ۱۳۰؛ تاریخ آداب اللغه العربیه، ج۲، صص ۶۲۵ و ۶۲۶؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص۱۱۷؛ الاعلام، ج۲، ص۳۰۹؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۳۳۶؛ کشف الظنون، ج۱، ص۱۶۸ و ۲۸۲؛ تاریخ گزیده (چاپ) ۱۳۶۴ش)، ص۶۹۲؛ تاریخ ادبیات در ایران؛ ج۱، ص۶۴۳؛ الذریعه، ج۳، ص۲۸۸ و ج۱۷، ص۲۶۵؛ اعیان الشیعه، ج۲۸، صص ۱۴۴-۱۴۰؛ تاریخ التّراث العربی، ج۱، ص ۱۸۴ و ج۸، ص ۳۵۸؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حمزه»، ص ۷۹۸، یادداشتهای قزوینی، ص۹۵۲، تاریخ اصفهان (جابری)، صص ۳۳۹ و ۴۰۸؛ الاصفهان (رجال و مشاهیر)، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۸۶؛ تاریخ تشیع اصفهان، صص ۲۲۹-۲۲۶؛ اصفهان (کتاب جوانان)، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۷۸.

اجازه داشته است.

ابوسعد سمعانی از وِی، از جمیع مسموعاتش اجازه یافته است. صاحب عنوان در روز جمعه ۱۷ جمادی الاولی ۵۱۶ق وفات یافته است.

حمزه محتسب گلپایگانی

حمزه بن عبدالرحمان محتسب جرباذقانی (گلپایگانی)، از محدّثین قرن چهارم هجری بوده و در اصفهان اقامت داشته است. از محمّد بن اسحاق کرمانی نقل حدیث نموده و پس از عمری طولانی وفات یافته است.(۱)

شاه میر حمزه

حمزه بن محمّد بن حسین به علی بن حسین (متوفی در طبرستان) بن محمّد الدّیباج بن الامام جعفر بن الصادق علیه السلام از امامزادگان اصفهان است. در قریه «فرسان» [از روستاهای حومه شمال اصفهان] مدفون بوده و به «شاه میر حمزه» شهرت دارد. اکنون در حاشیه خیابان سروش در داخل شهر واقع شده و دارای بقعه [گنبد و بارگاه]است [و اخیراً آن را تجدید بنا کرده اند] قبرستان شاه میر حمزه در سال ۱۳۳۳ش توسط شهرداری خراب شده و در اراضی ان خیابان، مغازه، منزل و دانشسرای کشاورزی [هنرستان فنّی سروش فعلی] بنا کردند. به ظنّ نویسنده این گورستان مقابر آل خجند نیز بوده است. در این گورستان حکیم شرف الدّین حسن شفائی و آخوند محمّد شفیع طالقانی معروف به «شفیعای ابرو» مدفون بوده اند که اکنون از مقبره آنان اثری به جا نمانده است.

[استاد همایی از این امامزاده و گورستان بازدید کرده و شماری از قبور آن را یادداشت نموده که قدمت برخی از قبور به قرن یازدهم و دوازدهم هجری باز

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۹۹.

می گردد.[(۱)]

حمزه هرندی

حمزه بن محمّد خان هرندی اصفهانی [از فضلاء قرن یازدهم هجری] در روز سه شنبه ۲۱ رمضان ۱۰۳۰ق کتابت «شرح فصوص الحکم» را به خط نستعلیق به پایان رسانیده [است.] کتاب ضمن مجموعه شماره ۶۶۵۸۸ در کتابخانه مجلس شورای ملّی ایران موجود است.(۲)

[وی سالها در هندوستان ساکن بوده و از شاگردان محضر درس شمس الدّین محمّد بن علی بن نعمت اللَّه خاتونی و از خواص اصحاب و معاشران او بوده است.]

حمزه سعدی مدینی

ابانصر حمزه بن یسع بن یحیی بن راشد سعدی، از محدثین اصفهان و ساکن مدینه (شهرستان) بوده است.

وی از از بَکر بن بکار و محمّد بن بکیر روایت می کند و علی بن صبّاح از وی نقل حدیث می کند.(۳)

ملّا حمزه گیلانی

ملّا حمزه گیلانی، از اجّله حکماء و از افاضل علماء قرن دوازهم هجری. سالها در اصفهان از محضر ملّا محمّد صادق اردستانی کسب فیض نموده و تقریرات درس او را تدوین نموده است که به نام «حکمت صادقیه» شهرت دارد.(۴)

سال وفات او به دست نیامد. رساله ها و کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- مزارات اصفهان، صص ۲۷۴-۲۷۲؛ تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)، صص ۵۲۲-۵۱۷.

۲- فهرست مجلس، ج۱۵، ص ۱۴۰.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۹۸.

۴- آتشکده اردستان، ج۲، ص۳۱۵.

۱. «تقریرات درس ملّا محمّـد صادق اردستانی» که محمّد اسماعیل نامی آن را که ناقص بوده، استنساخ نموده و از ملّا محمّد علی بن محمدرضا خواسته است که آن را تمام کند و دیباچه ای بر آن بنویسد، او نیز چنین کرده و آن را «حکمت صادقیه» نامیده و در ۲۸ فصل مرتّب نموده است.(۱)

۲. «رساله فی التشکیک»، که نسخه خطی آن مورخ به سال ۱۱۴۹ق در اصفهان، به شماره ۷۶۲۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد مقدس موجود است.(۲)

۳. «رساله در موجود مفارق از ماده»، به خط نستعلیق محمّـد صالح خلخالی، در سال ۱۱۴۹ق، که به شماره ۷۶۲۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۳)

۴. رساله در باب «تحقیق النفس و مسائلش» که با کتاب ششم «قوی النفس» از طبیعیات شفا برابر است.(۴) نسخه خطی آن به خط نسخ که در سال ۱۱۴۹ق کتابت شده است، به شماره ۲۱۸در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.(۵) نسخه ای دیگر نیز در کتابخانه سیّد مهدی لاجوردی قمی موجود بوده است.(۶)

۵. حاشیه بر «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدّین طوسی(۷) که نسخه خطی آن به شماره ۴۰۱۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.(۸)

حُمَمِه دوسی

حُمَمِه بن اَبی حُمَمِه دُوسی از صحابه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله است. او در زمان خلیفه دوم به همراه لشکریان خلیفه به ایران آمد و در فتح اصفهان شرکت داشت. وی به علت درد شکم وفات یافته و در باب تیره در دروازه شهر اصفهان مدفون شد.(۹)

۱- الکواکب المنتشره، ص۲۲۸.

۲- فهرست الفبایی رضوی، ص۱۲۸.

۳- فهرست الفبایی رضوی، ص ۵۷۰.

۴- الکواکب المنتشره، ص۲۲۸.

۵- فهرست الفبایی رضوی، ص۴۵۲.

۶- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۱۱۵.

۷- الذریعه، ج۲۱، ص۳۹۸.

۸- فهرست مجلس، ج۱۱، ص۲۲.

۹- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۹ و ۷۱.

در محلّه طوقچی دو قبر به نام های حافظ ابوالقاسم سلمان طبرانی و حممه بن ابی حممه وجود داشته که پس از احداث حسینیه، در وسط حسینیه قرار گرفت.(۱)

عدّه ای قبرش را در شهرستان، جنب قبر راشد عباسی گویند.(۲)

حُمید اصفهانی

ابوعبدالملک حُمید بن اَبی غَنیّه اصفهانی، از محدثین صدر اسلام است. گویند اصفهانی بوده و در کوفه اقامت داشته است. [فتح اصفهان را که به دست ابوموسی اشعری صورت گرفت برخی به او منسوب می کنند.] از عبداللَّه بن مخارق نقل حدیث می نموده و سفیان ثوری و فرزندش عبدالملک بن حُمید از او روایت می کنند.(۳)

حمید مصدق*

حمید مصدق شاعر نوپرداز معاصر. در سال ۱۳۱۸ش در شهرضا متولّد شد. پس از تحصیلات ابتدائی و متوسّطه در شهرضا و اصفهان، در دانشگاه تهران به تحصیل در رشته های حقوق و اقتصاد پرداخت و به درجه فوق لیسانس نائل شد.

وی علاوه بر اشتغال به وکالت، به تدریس در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و دانشگاه علّامه طباطبائی تهران مشغول بود. او اولین کتاب شعر خود را در سال ۱۳۴۰ش منتشر کرد. او در دهه چهل، همراه با جمعی از شاعران و نویسندگان جوان و نوگرای اصفهان در مدرسه صحّت (محلّه مستهلک) کوی شاهزاده ابراهیم، انجمن ادبی مکتب صائب را تأسیس کرد. او پس از فراغت از تحصیل برای همیشه در تهران ساکن شد و سرانجام در روز شنبه ۷ آذر ۱۳۷۷ ه. ش درگذشت.

او از شاعران پیشرو و شعر نیمایی بود و تا آخر عمر به وزن و قافیه در سبک نیمایی وفادار ماند. مضمون اشعار او اغلب میهنی و سیاسی - انتقادی بود که در زمان خود

۱- مزارات اصفهان، ص۱۷۴.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۷۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۲۹۱؛ تهذیب التهذیب، ج۳، ص۴۶۹.

تأثیرات زیادی بر مردم گذاشت. این کتابها از آثار اوست:

۱. «منظومه درفش کاویـان» ۲. «آبی، خاکستری، سـیاه» ۳. «در رهگـذر باد» ۴. «از جـدائی ها» ۵. «تا رهائی» ۶. «شعر سرخ» ۷. «غزل های سعدی» با همکاری اسماعیل صاری ۸. «شکوه شعر شهریار» که همگی به چاپ رسیده اند.(۱)

حیان ضَبّی

حیّان بن بشر بن مخارق ضبّی، از محدثین اصفهان است. پدرش از اهالی راوند کاشان بوده و خود او در بغداد بوده و در زمان خلافت مأمون به اصفهان آمده و قاضی اصفهان شد. سرانجام به بغداد برگشته و ۲۳۸ق وفات یافته است.

از هشـیم، ابویوسف، یحیی بن آدم، عیسـی بن یونس و محدّثین کوفه روایت می کند. و از او عبید بن حسن و احمد بن راشـد از او روایت می کنند.(۲)

حَیّان اشهلی

حیّان بن حنظله بن سوید بن علقمه بن سـعد بن معاذ اشـهلی، از محدّثین بوده و در اصفهان ساکن شده است. پسرش ابراهیم از او حدیث نقل کرده است.(۳)

استاد حیدر*

استاد حیـدر، هنرمنـد چیره دست گچبری در عصـر ایلخانـان است. بـدون شـک او از نوابغ هنرمنـدان ایرانی است که ظرافت، مهارت، ذوق و پشتکار او در آثارش تجلی یافته است.

از آثار او گچبری محراب عالی مسجد الجایتو در مسجد جامع اصفهان به سال

۱- مطبوعات آذرماه ۱۳۷۷.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۱؛ تاریخ بغداد، ج۸، ص۲۸۴؛ الوافی بالوفیات، ج۱۳، ص۲۲۵.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۱.

۷۱۰ق و گچبری نفیس ایوان شمالی مسجد جامع نطنز در سال ۷۰۷ق هنوز باقی است.(۱)

حیدر رویدشتی*

فخرالدّین ابوالرّضا حیدر بن ابیطالب بن ابی زید احمد بن حسین بن سرهنگ رویدشتی اصفهانی، شاعر، محدث و ادیب دانشمند عصر سلجوقی.

در اصفهان به وعظ و خطابه مشغول بود. خوش کلام و شیرین سخن و فصیح و بلیغ بود. سفری به بغداد رفته و از مالک بن احمد بانیاسی حدیث شنید. سپس به وطن خود بازگشته و در سال ۵۴۸ق وفات یافت. وی به زبان عربی اشعاری دارد.(۲)

حیدر گلستانه

شرف الدّین حیدر بن محمّد بن حیدر بن اسماعیل بن علی بن حسن بن علی بن شرف شاه گلستانه، از بزرگان و اعیان سلسله گلستانه در اصفهان و در قرن هشتم هجری است.

ابن عنبه نسب شناس معروف او را در اصفهان ملاقات کرده و نوشته است که او در ربیع الاوّل ۷۷۹ق وفات یافت و از او اولاد و اعقابی به جای ماند.(۳)

حیدر مدینی

حیدر بن محمّد بن محمّد بن محمّد بن ابی القاسم مدینی اصفهانی، از فضلاء قرن هشتم هجری است. در تاریخ دوّم ذی الحجّه سال ۷۳۵ق کتابت نسخه ای از کتاب «محاسن اصفهان» تألیف «مفضل بن سعد بن حسین مافروخی» را به پایان رسانیده و دانشمند بزرگوار آقا سیّد جلال الدّین طهرانی در سال ۱۳۵۲ق در طهران به چاپ

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۱۲۰ و ۸۷۵.

۲- تلخیص مجمع الآداب، ج۳، الجزء الرابع، ص۱۶۶.

۳- عمده الطالب، ص۶۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۸۰۷؛ مجمل التواریخ، ص۱۱؛ تاریخ تشیّع اصفهان، ص۳۲۸.

رسانیده است. از عبارتی که کاتب در پایان نسخه نوشته: «حامداً للّه تعالی و مصلّیاً علی خاتم النّبیین محمّد و آله الطیّبین الطّاهرین اجمعین» یقین است که وی در زمره شیعیان معدود بوده و همچنین قریه شهرستان تا آن زمان معمور و آباد و قسمتی از شهر اصفهان بوده و به نام «مدینه» شهرت داشته است.(۱)

سیّد حیدر حسینی

سیّد حیدر بن میرزا خان بن میر باقر حسینی، از فضلای قرن یازدهم هجری بوده و در مدرسه شهرستان (جی قدیم) ساکن بوده است. از این مدرسه آثاری به جای نمانده است.

سیّد حیدر نسخه ای از کتاب «حاشیه خطایی» را در مدرسه شهرستان کتابت کرده و در آخر نسخه می نویسد:

«قد فرغت من تسوید هذه الحاشیه المسمی بحاشیه الخطائی ابن میرزا خان بن میر باقر الحسینی حیدر من تاریخ شهر ذی قعده الحرام فی مدرسه شهرستان من قرای الاصفهان فی سنه سبع ثمانین بعد الالف من الهجره النّبویه»(۲)

آخوند ملّا حیدر صبّاغ لنجانی

آخوند ملّا حیدر لنجانی معروف به «صبّاغ» عالم فاضل، حکیم ریاضیدان، متکلّم ادیب. در اصفهان معقول و منقول را خدمت ملّا ولی اللّه و ملّا عبدالجواد مدرس خراسانی و میر سیّد حسن مدرّس خواند و سالها در مدرسه صدر به تدریس پرداخت. [او به انواع علوم همچون فقه، اصول طب، ریاضی و حکمت احاطه داشت ولی به خاطر تواضع و پرهیز از خودنمائی،ناشناخته ماند.

۱- محاسن اصفهان، ص۱۲۴.

۲- اصهان یا دارالعلم شرق (خطی)، ص ۱۵۰؛ آثار ملّی اصفهان، ص۴۶؛ تاریخچه ابنیه تاریخی اصفهان، ص۱۹.۳

او اوراق پراکنده ای از تحقیقات علمی داشته که نزد میرزا حسن خان جابری انصاری موجود بوده است. شیخ آقا بزرگ طهرانی از شخصی به عنوان «ملّا حیدرعلی کرمانی» ساکن اصفهان و از اساتید معقول شیخ فتح اللّٰه شریعت اصفهانی یاد می کند که به احتمال قوی همین ملّا حیدر لنجانی است.(۱)

میرزا محمّد حسین عنقا، شاعر دانشمند نیز از شاگردان ملّا حیدر بوده است.

سرانجام وی در سال ۱۲۸۸ق وفات یافت و محلّ دفن او معلوم نیست.(۲)

حیدر نافجی*

حیدر نافجی، از مردان قرن نهم هجری است. اصلاً از اهالی روستای «نافج» در منطقه چهارمحال بوده است. نام او در سر در خانقاه نصرآباد اصفهان که به همّت صدرالدّین علی طبیب در سال ۸۵۴ق بدین صورت آمده است:

«... بسعی بنده راجی حیدر نافجی...»(۳)

معلوم نیست که او معمار و سازنده خانقاه است و یا متصدی امور و تدارکات ساخت خانقاه.

ملّا حیدرعلی اردبیلی

ملّا حیدرعلی اردبیلی اصفهانی، عالم فاضل [از علماء ساکن اصفهان در اواخر دوره قاجاریه]

در مقدمات و سطوح از شاگردان حاج سیّد مهدی نحوی و در فقه و اصول از تلامیذ

۱- جلوه افلاکیان، مخطوط.

۲- تاریخ اصفهان (جابری)، ص۳۳۹؛ آگهی شهان از کار جهان، ج۳، ص۶۹؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهان، ص۲۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۷۸ و ۵۷۹؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۴۵۰ و ۴۵۱؛ مکارم الآثار، ج۸، ص۲۹۳۲؛ المآثر و الآثار یا چهل سال تاریخ ایران، ج۱، ص۳۰۵.

۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۳۲۹.

حاج شیخ محمّدباقر نجفی مسجدشاهی بود. در سلخ صفر سال ۱۳۲۷ق وفات یافته و در تخت فولاد مقابل تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفاتش این است:

از جنان آمد یکیّ و از پی تاریخ او

گفت: «حیدر روز میزان شافع حیدرعلی»(۱)

حیدرعلی اصفهانی

حیدرعلی اصفهانی، از دانشمندان قرن دهم هجری، بندی از کتاب «معیشت» کافی از باب نوادر را نوشته است که ضمن مجموعه موسوم به دستور به شماره ۲۱۴۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود است.(۲)

شیخ حیدرعلی انصاری نجف آبادی*

شیخ حیدرعلی انصاری نجف آبادی، عالم فاضل. در سال ۱۳۰۴ش در نجف آباد متولّد شد. پس از طی دوره ابتدائی به تشویق شیخ احمد حججی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در نجف آباد و اصفهان دروس مقدّماتی را فرا گرفت. درقم سطوح عالیه را خواند و در سال ۱۳۲۱ش عازم نجف اشرف شد.

او خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام خوئی، شاهرودی، حکیم، منظومه حکمت را نزد شیخ صدرا بادکوبه ای، ریاضیات را نزد شیخ اسداللّه زنجانی و برخی از دروس را نزد علّامه امینی و شیخ مجتبی لنکرانی فرا گرفت.

وی پس از ۱۰سال تحصیل در سال ۱۳۳۱ش به ایران بازگشت و به دستور آیت اللّه بروجردی به ارشاد و تبلیغ در منطقه سنقر کردستان پرداخت. در سال ۱۳۴۳ش به تهران آمد و در مسجد جامع نارمک به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول شد.

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص ۵۸۰.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۹، ص۸۱۶.

ایشان علاوه بر مقامات علمی و اخلاقی، شعر نیز می سرود و «حیدر» تخلّص می کرد. او در سال ۱۳۶۵ش بر اثر سکته وفات یافت.

این تألیفات از اوست:

۱. رساله راه حل ۲. شناسنامه خر، که ۷مرتبه به طبع رسیده است. در این کتاب دستگاه شاه را به مسخره گرفته است. ۳. شناسنامه جدید، مطبوع ۴. رهبران جهانی ۵. شناسنامه باغ وحش ۶. مجموعه اشعار

همچنین وی چندین مقاله در سالنامه پیام اصفهان و روزنامه های اطلاعات و کیهان و مجله ندای حق به چاپ رسانده است.(۱)

حیدرعلی مجیری شهرضائی*

حیدرعلی مجیری فرزند اسداللّه بن حیدرعلی، شاعر و ادیب معاصر در سال ۱۳۰۵ش در شهرضا متولّد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهرضا گذراند و سپس در رشته ادبیات در دانشگاه اصفهان تحصیل کرد و لیسانس دریافت نمود و به تدریس در شهرضا و سپس اصفهان مشغول شد. او در شعر طبعی روان داشت.

سرانجام در ۷ فروردین ۱۳۸۵ش در اصفهان وفات یافته و حسب الوصیّه در زادگاه خود، در قبرستان عمومی امامزاده شاهرضا مدفون شد.

این آثار از اوست که هنوز به چاپ نرسیده است:

۱. «دیوان اشعار» ۲. «پند و حکمت در شاهنامه» ۳. «هزل و هجو در ادبیات فارسی» ۴. «هفت در ادب فارسی»

از اوست:

به بال عشق پریدم به سوی خلوت یار

وصال دوست بود عیش و شادمانی من(۲)

۱- دیباچه دیار نون، صص ۱۴۲ و ۱۴۳؛ سیمای دانشوران، صص ۶۰-۵۸؛ آئینه اهل قلم، صص ۳۰ و ۳۱.

۲- مصاحبه با فرزند شاعر، آقای اسداللّه مجیری در بهار ۱۳۸۷.

حیدرعلی نقاش اصفهانی*

حیـدرعلی بن محمّـد اسـماعیل اصـفهانی، از نقاشان هنرمنـد قرن سـیزدهم هجری است. در گل و پرنده سازی مهارت خاصـی داشـته و آثـار او شبیه عموزاده اش (آقـا کـاظم) است. در قلمـدان سـازی سـبک ممتازی داشـته و در پرداختن قلمـدان ها پیرو عمـوی خـود آقـا نجـف و نیز آقـا رجبعلی اصـفهانی بـوده اسـت. از ویژگیهـای چهره سـازی او کشـیدن صـورت هـای ریز در کادرهـای بیضـی و دایره شـکل است که بـا قلم زر دورگیری شـده است. او در انتخـاب رنگها دقیق و خوش سـلیقه بوده و در قلمـدان هـای او چهره سـازی بـا گـل و مرغ توأم است. برخی از قلمـدان هـای او حـاوی تصـاویر تـاج گـذاری شاهان ایران از کیومرث پادشاه افسانه ای تا ناصرالدّین شاه است. این قلمدان ها به قلمدان کیانی شهرت دارد.

استاد حیدرعلی تا حدود سال ۱۲۸۸ق در قید حیات بوده است.(۱)

میرزا حیدرعلی محفوظ اصفهانی

میرزا حیـدرعلی غاضـری (محفوظ) ابن میرزا حسـین، شاعر و ادیب وارسـته. در سال ۱۲۸۳ش در محله شـیش بیدآباد اصفهان متولّد شد.پس از تحصـیل در مکتب خانه به کسب و کار مشـغول شد و به نانوایی پرداخت. در نوجوانی طبع شـعر داشت و در برخی انجمن ها از جمله انجمن ادبی کمال شرکت می کرد. [وی چندین سفر به عتبات و عالیات سفر کرد و هنگامی که قصد انتخـاب نـام خـانوادگی را داشت. «غاضـری» را که منسوب به «غاضـریه» از دهـات کربلا است را برای خود برگزیـد] در شـعر «محفـوظ» تخلّص می کرد و دیوان اشـعار او به چـاپ رسـیده است. [سـرانجام در بهمن ۱۳۵۸ش وفـات یـافته و در تکیه گلزار مدفون شد. ماده تاریخ فوت او را فرزندش حسین غاضری چنین سروده است:

۱- هنر قلمدان، صص ۱۲۴ و ۱۲۵؛ جلدها و قلمدان های ایرانی و نگارگری، ج۲، صص ۴۷ و ۴۸.

پور او گفت سال تاریخش

«جای محفوظ در جنان بادا»]

از اوست:

به چمن گر نبود دلبر گل پیرهنی

نبود جلوه به بستان نه صفا بر چمنی

تن بی جان ندهد سود و از آن خلق بری

رخ نما ای که تو جان فرح انگیز منی

شعله افروز که پروانه صفت جان دهمت

ای که چون شمع شعاع افکن هر انجمنی(۱)

میرزا حیدرعلی میردامادی سدهی

میرزا حیدرعلی بن حاج میرزا محمّد حسین میردامادی سِدِهی اصفهانی، عالم فاضل فقیه کامل.

وی از شاگردان حاج شیخ محمّد باقر نجفی، آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و برادرش میرزا محمّد باقر چهارسوقی صاحب روضات بوده است. پس از تکمیل تحصیلات خود در سِدِه [خمینی شهر فعلی] مراجعت نموده و به ارشاد مردم پرداخت. او سرانجام در سال ۱۳۲۶ق وفات یافته و در مقبره سیّد عبداللّه محلّه خوزان سِدِه مدفون گردید و پس از مدتی به نجف اشرف منتقل گردید و دفن شد.

از آثارش تصحیح و مقابله کتاب «ربیع الاسابیع» از تألیفات علّامه مجلسی است که در سال ۱۳۱۳ق به طبع رسیده است.(۲)

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۴۱۸ و ۴۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۲۲۶؛ مصاحبه غلامرضا نصرالهی با آقای حسین غاضری در تابستان ۱۳۸۶ش؛ تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۲- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۸۰ و ۵۸۱؛ نقباء البشر، ج۱، ص ۶۹۲ و ۶۹۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۱۸۷.

استاد حیدرعلی معمار اردستانی*

استاد حیدرعلی بن استاد ذوالفقار معمار اردستانی، معمار چیره دست و هنرمند قرن دهم هجری است.

ظاهراً در زادگاه خود اردستان به معماری مشغول بوده و جهت بنای عمارات و تعمیر مساجد و مدارس و بقاع متبرّکه او را به شهرهای مختلف می برده اند.

وی در سال ۹۴۶ مسجد جامع اردستان و در سال ۹۵۲ق مسجد جامع گز برخوار اصفهان را مرمّت نموده است.(۱)

حیدر علی اصفهانی*

حیدرعلی بن محمّد شفیع اصفهانی، عالم فاضل، از دانشوران اصفهان درقرن دوازدهم هجری. در فقه، حدیث، کلام، منطق و ادبیات مهارتی به سزا داشته و شاید از شاگردان علّامه مجلسی و یا ملّا محمّد تنکابنی (فاضل سراب) باشد.

وی تعلیقاتی را بر کتاب «صافی» فیض کاشانی نوشته که تاریخ برخی از آنها ۱۱ رجب ۱۱۱۸ق است. کتاب «محرق الفؤاد» را در تاریخ و سیره معصومین علیهم السلام تألیف نموده که به شماره ۸۱۱/۲ در کتابخانه مدرسه صدر بازار اصفهان موجود است.(۲)

حیدرعلی خان برومند گزی

حیدرعلی خان برومند ابن حاج عبدالغفار گزی بُرخواری، از فضلاء و دانشمندان معاصر.

در قریه گز از بلوک بُرخوار اصفهان متولّد گردیده و پس از فراغت از آموختن فارسی و نوشتن که از شش سالگی شروع کرده بود، به اصفهان آمده و ابتدا در مدرسه قدسیه و سپس در مدرسه صدر و مدرسه نیم آورد نزد علماء و مجتهدین و بزرگان علم

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۲۱۹؛ تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۳۵۹.

۲- تراجم الرّجال، ج۱، ص۱۹۶؛ فهرست صدر بازار، ج۳، صص ۶۰۵ و ۶۰۶.

و ادب تلمّـذ نمود که از آن جمله است: حاج ملّا حسن دولت آبادی، میرزا حسن قدسـی، آقا شـیخ محمّدرضا نجفی، حاج میر محمّدصادق خاتون آبادی، میرزا عبدالحسـین قدسـی، میر سیّدعلی نجف آبادی، ملّا محمّدعلی عالم حبیب آبادی، سیّد محمّد نجف آبادی، شیخ محمّد حکیم خراسانی، حاج سیّد مرتضی خراسانی و آقا سیّد مهدی درچه ای

وی چندین سال در مدرسه صدر و مدرسه چهارباغ به تدریس مشـغول بود سرانجام به تهران رفته و به امور شخصی و تدریس مشغول شد.

[در پنج شنبه ۲۶ شوال ۱۴۱۷ق مطابق ۱۶ اسفند ۱۳۷۵ش وفات یافت] از آثار او تألیف کتاب «طریق الرّشاد» در شـرح «تجرید الاعتقاد» است که به چاپ رسیده است.(۱)

میرزا حیدرعلی مجلسی

میرزا حیدرعلی بن میرزا عزیزاللّه بن میرا محمّد تقی الماسـی بن محمّد کاظم بن عزیزاللّه بن ملّا محمّد تقی مجلسـی، از علمای معروف زمان خود بوده و در بین سلسله مجلسی به کثرت علم و وفور فضل و احاطه بر انساب خانواده مشهور است.

وی در سه شنبه ۱۸ رمضان المبارک ۱۱۴۶ق در اصـفهان متولّد شده و نزد فضـلاء و علمای این شهر تحصیل نموده و از جمله از میر عبدالباقی امام جمعه اجازه دریافت نموده است.

او در سال ۱۲۱۴ق وفات یافته و در صحن تکیه آقا حسین خوانساری مدفون شد.

آقا محمّد کاظم واله اصفهانی مرثیه ای در سوگ او سروده که بر روی سنگ مزار او نقر گردیده است از جمله:

آه کز بیداد گردون کرد رحلت از جهان

میرزا حیدرعلی آن مرتضای اهل علم

[...]

۱- وفیات علمای معاصر اصفهان: مخطوط؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، صص ۳۱۱ و ۳۱۲.

خواست واله در دو مصرع سال تاریخش ز من

تا بود هریک بفوتش رهنمای اهل علم

گفتمش «شد سوی جنت پیشوای اهل زهد»

گفتمش «سوی جنان شد مقتدای اهل علم»

وی را تألیفات چندی است از آن جمله:

۱. اجازه کبیره ۲. اجازه متوسّطه که جهت میرزا غلامحسین بن محمّد اسماعیل از احفاد مولی صالح مازندرانی مرقوم داشته است. ۳. تذکره الانساب که ضمیمه سالنامه دبیرستان فرهنگ اصفهان در سال ۱۳۳۹شمسی به چاپ رسیده است. ۴. رساله در مفقود الخبر ۵. رساله در حکم منتسب از طرف مادر به جناب هاشم ۶. منتخب اللؤلؤ، و آن منتخب «لؤلؤ البحرین» تألیف شیخ یوسف بحرینی است و آن را جهت اجازه میرزا حسنعلی برادر زن خود و پنج تن از پسران خویش نوشته و بعداً آقا حسنعلی و آقا هادی دوم را نیز در آن وارد نموده است.

مادر ملّا حیدرعلی، دختر ملّا صالح بن ملّا عبدالباقی بن ملّا صالح مازندرانی است. خودش نیز دو عیال داشته یکی دختر میرزا ابوطالب بن میرزا محمّدتقی الماسی دختر عم خود و دیگری دختر آقا محمّدهادی بن محمّدعلی بن آقا هادی مترجم.(۱)

میرزا حیدرعلی انشائی

میرزا حیدرعلی انشائی بن ملّا علی اکبر، شاعر و ادیب عارف، از سخنوران قرن چهاردهم هجری. گاهی بر حسب اقتضای حال اشعاری از غزل و قصیده می سرود و در اواخر عمر گاهی در انجمن ادبی خاکیا شرکت می کرد. گاهی «عندلیب» و گاهی

۱- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۴۹-۳۴۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۹۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، صص ۵۸۱ و ۵۸۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۱۰؛ مکارم الآثار، ج۲، ص۵۲۹؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج۲، ص۹۷۸؛ الذریعه، ج۴، ص۵۷؛ الکرام البرره، ج۱، صص ۴۵۱ و ۴۵۲.

«انشائی» تخلّص می نمود. از مریدان مشایخ نعمت الهی پاقلعه اصفهان بود.(۱)

[وی در سال ۱۳۶۸ق وفات یافته و در تکیه آقاباشی در تخت فولاد مدفون شد.(۲)]

حیدرعلی خان صدر اصفهانی

حیدرعلی خان صدر اصفهانی بن علی محمدخان نظام الدوله بن عبداللّه خان امین الدّوله بن حاج محمّد حسین خان صدراعظم اصفهان، از ادباء و فضلاء قرن سیزدهم هجری و از اعیان خاندان صدر است. وی در مقدمه قرآن وقفی آستان قدس رضوی در ۱۹ صفحه شرح حال و آثار خیریه حاج محمّد حسین خان صدراعظم جدّ خویش را به خط شکسته نستعلیق خوش در جمادی الآخر ۱۲۹۶ق نوشته است. نسخه توسط خدیجه خانم دختر عبدالحسین خان صدر اصفهانی وقف بر آستان قدس رضوی شده است.(۳)

شیخ حیدرعلی صلواتی

شیخ حیدرعلی صلواتی ابن حاج قدیرعلی مدّاح الائمه ابن ملّا هاشم بن ملّا مهدی خوزانی عالم فاضل و واعظ کامل و ادیب شاعر، در ۲۱ رمضان المبارک ۱۳۲۱ق در محلّه «شمس آباد خوزان» از توابع سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شده [و تحصیلات علوم دینی را در مدرسه درکوشک و مدرسه میرزا حسین آغاز کرد. در فنون وعظ و خطابه از حاج میرزا رضا کلباسی بهره برد. سپس نزد شیخ محمود مفید و سیّد صدرالدّین کوپائی، حکمت، منطق و طبیعیات را فرا گرفته و سپس راهی قم شد و از محضر درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی کسب فیض نمود. او پس از مراجعت به اصفهان در درس خارج حضرات آیات شیخ محمّدرضا نجفی، سیّد محمّد نجف آبادی و سیّد علی نجف آبادی حاضر شد]سپس به امامت جماعت مسجد آقانور و دیگر

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۴۸۵.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۳- راهنمای گنجینه قرآن، ص۲۹۵.

مساجد محلّه دردشت اصفهان پرداخته و به ارشاد و هدایت مردم و تبلیغ احکام دین اهتمام ورزید.

او عـالمی خلیق و نیـک محضـر و خوش مشـرب بود. اوقـات خود را به عبـادت و مطـالعه و تـألیف نمود. تـا این که در ۶ صفر المظفّر سال ۱۳۹۲ق (مطابق فروردین ۱۳۵۱ش) پس از مـدتی بیماری وفات یافته و در تخت فولاد تکیه خلیلیان جنب مزار آقا باقر قزوینی مدفون شد.

از آثار او «نجم السّهیل» در نظم دعای کمیل به طبع رسیده است.(۱)

حیدرعلی ورنوسفادرانی

حیـدرعلی بن کلب علی ورنوسـفادرانی اصـفهانی [از کاتبان قرن یازدهم هجری] در دوشـنبه ۱۹ ذیقعده ۱۰۶۹ق نسـخه ای از کتـاب «تقـدیس الانبیـاء» تـألیف: سیّد عبدالحسیب بن احمـد علوی عـاملی را به خط تعلیق نوشـته و کتاب به شـماره ۳۵۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.(۲)

[پـدرش کلب علی سـنگ تراش، و برادرش محمّد شـریف در هنر حجاری از اساتید دوران خویش بودند. برادرش شـعر را نیز نیکو می سرود.(۳)]

میرزا حیدرعلی شیروانی

میرزا حیدرعلی بن ملّا میرزا محمّد بن حسن شیروانی عالم فاضل و متکلّم متبحّر، از علمای اواخر عهد صفویه. پدرش از علمای مشـهور قرن یازدهم هجری و مادرش دختر ملّا محمّد تقی مجلسـی است. در اصـفهان متولّد شد و نزد علمای این شهر از جمله پدر

۱- راز و نیاز علی با خـدا یا نجم السّـهیل، صـص ۶۴-۶۰؛ تذکره شـعرای معاصر اصفهان، صص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۷۵ و ۷۶.

۲- فهرست مرکزی دانشگاه، ج۳، ص۵۶۹.

۳- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۵۹۴.

دانشمند خود به تحصیل پرداخت. و به دامادی علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی مفتخر شد.

او دارای عقاید و آرائی مخصوص بوده و عدّه ای از او پیروی نموده اند که به حیدریّه معروفند و به طوری که بزرگان محققین اظهارنظر می کنند عقاید آنان مردود و غیرمرضی بوده و جمعی از علماء در کتابهای خود آنها را رد نموده اند و شاید یکی از عللی که وی با تمام معلومات علمی و زهد و تقوی گمنام مانده، و آثار و تألیفاتش متروک و مهجور است، همین آراء ویژه او می باشد.

سال وفات او معلوم نیست امّا تا سال ۱۱۲۹ق در قید حیات بوده است. قبر او را در خارج بقعه علّامه مجلسی می نویسند لکن در برخی از مواضع «الذرّیعه» و دیگر کتب وی را ساکن نجف اشرف نوشته اند.

کتابهای زیر از تألیفات اوست:

۱. «المناقب والمثالب» ۲. «رساله در کفر غیر امامی»(۱)

حیدرعلی فایض اردبیلی

حیدرعلی بن مسیح اللّه اردبیلی اصفهانی متخلّص به «فایض» شاعر ادیب. پدرش از خوشنویسان و فضلای ساکن اصفهان بوده و شعر می سروده است.

حیدرعلی نیز شاعر بوده و در فن ماده تاریخ سرایی مهارت داشته و در اصفهان به تحصیل مشغول بوده است.

این رباعی از اوست:

۱- تتمیم امل الآمل، صص ۱۳۷ و ۱۳۸؛ فیض قدسی، صص ۲۳۱-۲۲۹؛ مرآه الاحوال جهان نما، ص۲۷۳؛ الذریعه: مُجَلَّدات مختلف؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۲۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۸۳؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، صص ۵۵۴ و ۵۵۵؛ معجم رجال الفکر و الادب، ص۲۶۸؛ فهرست مجلس، ج۱۰، ص۲۸؛ فهرست الفبائی رضوی، ص۵۵۴؛ فهرست عکسی احیاء، ج۲، صص ۱۳۵ و ۱۳۶ و ج۳، صص ۱۰ و ۴۱؛ فهرست خطی احیاء، ج۷، ص۲۴۳؛ الکواکب المنتشره، صص ۲۳۳-۲۳۱.

ای آهوی خوش نگاه صحرای ختن

آرامِ دلِ حزین غمدیده من

تا بزم من از شمع جمالت افروخت

پروانه درآمد که چراغت روشن(۱)

میرزا حیدرعلی ندیم الملک

میرزا حیدرعلی ندیم الملک معروف به «فخرالادباء» فرزند محمّدمهدی بن ملّا هاشم مبارکه ای لنجانی اصفهانی، نویسنده و ادیب دانشمند در قرن چهاردهم هجری. [در شب سه شنبه ۱۸ رمضان ۱۲۸۴ق در اصفهان متولّد شد. در اصفهان نزد جمعی از فضلاء خصوصاً میرزا محمّدحسین همدانی تحصیل کرد و همچنین زبان فرانسه را آموخت و با علوم جدید رایج در اروپا آشنا شد.]

او مردی بود بسیار فاضل و ادیب و سخندان و بلند طبع و کریم النّفس و خط تحریری را خوب می نوشت [او در طهران به خاطر دانش و تجربه خود مصاحب «محمّدحسن میرزا» ولیعهد احمدشاه شد و لقب «ندیم باشی» و سپس «ندیم الملک» گرفت. امّا پس از دگرگونی اوضاع از طهران به اصفهان بازگشته و در فقر و قناعت زندگی را سپری نمود تا اینکه در شب پنج شنبه ۲۸ جمادی الثّانی ۱۳۵۷ق در مریضخانه انگلیس (بیمارستان عیسی بن مریم فعلی) اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد مدفون شد.(۲)]

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «تاریخ اصفهان» به اختصار که نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه چهلستون مسجد جامع طهران و نسخه ای دیگر به شماره ۱۱۴۶۵ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود بوده است.(۳) این کتاب با عنوان «تاریخ مختصر اصفهان» به چاپ رسیده است.(۴)

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، صص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ تذکره روز روشن، ص۵۹۹؛ دانشمندان آذربایجان، ص۲۹۳.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۱۰۱۹؛ مکارم الآثار، ج۷، صص ۲۵۷۹ و ۲۵۸۰؛ دیوان طرب: مقدمه، ص۱۳۸.

۳- آشنایی با چند نسخه خطی، ج۱، ص۳۴۶؛ فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۱۵.

۴- فرهنگ ایران زمین، ج۱۲، سال ۱۳۴۳ش، صص۱۷۳-۱۴۵.

۲. «ترجمه اقوام المسالك فی معرفه احوال الممالك» تألیف: خیرالدّین پاشای تونسی، که نسخه ای از آن به شماره ۱۱۴۶۵ در کتابخانه عمومی اصفهان(۱) و نسخه ای دیگر در کتابخانه مجلس شورای ملّی(۲) و نسخه ای دیگر در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی(۳) موجود است. ۳. «ترجمه مروج الذّهب» تألیف: مسعودی که نسخه ای از آن به شماره ۱۱۴۱۸ در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است. (۴) ۴. «ترجمه و تفسیر لغات مشکله قرآن» که نسخه از آن در کتابخانه مرعشی وجود دارد. (۵) [۵. «جُنگی در مطالب متفرقه» ۶. «شرح لامیه العجم» تألیف طغرائی.]

حیدرعلی کمالی

حیدرعلی کمالی ابن حاج محمّد مهدی بلورفروش اصفهانی، شاعر و ادیب، از سخنوران معاصر در شوال ۱۲۸۸ق در ابرقو متولّد شد و در کودکی به همراه پدر به اصفهان آمده [و تا ۲۲سالگی به مسگری و یراق بافی مشغول شد.] بعد از آن خواندن و نوشتن و علوم مقدّماتی را فرا گرفت. پس از مدّتها اقامت در اصفهان به طهران رفت. [و بلورفروشی پرداخت در وقایع مشروطه به مشروطه خواهان پیوسته و جهت آنان اشعاری سرود. در سال ۱۳۲۹ق در تهران روزنامه «پیکار» را انتشار داده و آن را اُرگان حزب «اجتماعیون - عامیون» قرار داد امّا ناصر الملك نایب السلطنه آن را توقیف و حزب را منحل ساخت. حیدرعلی به ناچار انزوا اختیار کرده و تا زمان رضا شاه که از طرف مردم نیشابور به وکالت در مجلس شورای ملی انتخاب شد، به فعالیت های ادبی مشغول بود.

۱- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، ص۵۵.

۲- فهرست مجلس، ج۲، ص۴۳۷.

۳- فهرست گلپایگانی، ص۹۵.

۴- فهرست عمومی اصفهان، ج۱، صص ۶۶ و ۶۷.

۵- فهرست مرعشی، ج۷، ص۷۸.

او در سالهای آخر عمر به سکته ناقص و فلج مبتلا شد تا اینکه در جمعه ۲۶ محرم الحرام ۱۳۶۹ق در طهران وفات یافت.

کمالی در قصیده سرائی استادی توانا بود ولی غزلیّات او به قدرت قصایدش نبود. در انجمن ها و مجامع ادبی شرکت می کرد و رجال و اعیان آن عهد همچون فروغ، اعتصام الملک و فخرالسّلطنه با او مراوده و مصاحبت داشته اند. در داستان نویسی نیز از پیشگامان داستان به شمار می رود.]

کتب زیر از آثار اوست:

۱. «دیوان کمالی» که در سال ۱۳۳۰ش به چاپ رسید. ۲. «لازیکا» ۳. «مظالم ترکان خاتون» ۴. «منتخب اشعار صائب»

این چند بیت از اشعار اوست:

[بی روی تو از دیده ز بس اشک فشاندیم

عالم همه آب است به پیش نظر ما

در آتش از آه دل خود، عمر گدازیم

سرچشمه خورشید بود رهگذر ما

رفتیم و دگر از طلبش باز نیائیم

ای برق مسوزان نفس اندر اثر ما(۱)]

۱- ادبیات معاصر، صص ۸۲ و ۸۳؛ چهره مطبوعات معاصر، ص۱۹۵؛ دائرهالمعارف دانش بشر، ص۱۲۱۲؛ تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۳۹۰-۳۸۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۷۱۰؛ مکارم الآثار، ج۸، صص ۲۹۳۵-۲۹۳۲؛ مؤلفین کتب چاپی، ج۲، ص۹۷۹؛ فرهنگ داستان نویسان ایران، ص۱۷۶؛ سخنوران نامی معاصر ایران، ج۵، ص۲۹۵۸؛ فرهنگ معین، ج۶، ص۱۶۱۰.

شیخ حیدرعلی فروشانی

شیخ حیدرعلی فروشانی، از علمای عالیقدر اواخر دوره قاجاریه. وی اهل محلّه «فروشان» سِدِه ماربین [خمینی شهر فعلی] بوده و پس از تحصیل در اصفهان، به عتبات عالیات مهاجرت نموده و در درس آیات عظام شیخ مرتضی انصاری و آقا سیّد حسین ترک کوه کمری حاضر شده و پس از تکمیل تحصیلات خود به ایران مراجعت نموده و در محلّ تولّد خود ساکن شده و ریاست علمی و دینی آنجا را یافت. وی مورد توجّه عموم طبقات بالاخص علماء و طلّاب بوده و حوزه درسش از هر حیث ممتاز بوده است.(۱)

[وی در سال ۱۳۲۰ق وفات یافته و جنب مسجد ملّا حیدر فروشان مدفون شد.(۲)]

میرزا حیدرعلی نائینی

میرزا حیدرعلی نائینی، از علمای اواخر دوره قاجاریه، اصلاً اهل نائین بوده و در اصفهان متولّد شده و به تحصیل پرداخته و سرانجام در طهران ساکن شده است. او از علماء معقول و منقول و عرفان و تارک دنیا بوده و در بازار نایب السّلطنه طهران در دکانی پاره دوزی می نموده و کسبه آن حدود وی را مشهدی حیدر می گفته اند. و احدی حتّی خواص نیز پی به مقامات او نبرده بودند.

سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی از علماء معاصر و مراجع تقلید مدّتی نزد وی هیأت خوانده است.

میرزا حیدرعلی در سال ۱۳۴۴ق به سن ۷۸سالگی وفات یافته و در نزدیکی سر قبر آقا در طهران مدفون شد. وی «حاشیه بر شرح چغمینی» در هیأت نوشته که قسمتی از آن را حاج شیخ احمد کتابفروش شیرازی بدون اطلاع از وضع مؤلّف به طبع رسانیده

۱- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۳۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۷۹.

۲- خمینی شهر، شهری که از نو باید شناخت، ص۲۰۷.

است.(۱)

حیدرقلی عودی*

حیدرقلی عودی، از موسیقی دانان عصر صفویه است. وی که ملازم سفرها و مصاحب اوقات فراغت شاه عباس اول بود، در نواختن عود مهارت به سزائی داشت و تا سال ۱۰۱۵ق در قید حیات بود و اغلب در اصفهان به سر می برد.(۲)

حیدره اصفهانی

ابویعلی حیدره بن عبدالاعلی بن محمّد بن محمّد سبط بن القطّان اصفهانی، از محدّثین اصفهان است.

از شمس الدّین المؤید بن عبدالرّحیم احمد بن محمّد بن اخوه بغدادی روایت می کند و شیخ عزّالدّین ابراهیم بن محمّد بن ابی بکر حموینی مؤلّف «فرائد السمطین» از او نقل حدیث می کند.(۳)

حیران اصفهانی*

ملّا حیران، از شعرای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بود و تا سال ۱۰۸۳ق زنده بود.

از اوست:

خانه دل ها تهی کن از هوس ها چون حباب

تا توانی کف زنان چون موج از دریا گذشت(۴)

۱- تاریخ نائین، ج۴، ص۱۴۵؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۸۴.

۲- تاریخ اصفهان (هنر و هنرمندان)، ص۲۵۵.

۳- احقاق الحق، ج۸، ص۳۸۷.

۴- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۶۰۴.

حیرتی اصفهانی

حیرتی اصفهانی، از شعراء و سخنوران قرن دهم هجری است. از ایران به هندوستان رفته و مورد عنایت قطب شاه، پادشاه دکن واقع گردیده است. سال فوت او به دست نیامد.(۱)

۱- ریحانه الادب، ج۲، ص۹۶؛ الذریعه، ج۹، ص۲۷۵؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص۱۸۸.

«خ»

اشاره

خاتمی اصفهانی

خاتمی اصـفهان، شاعر ادیب خوشـنویس، از راه کتابت امرار معاش می کرده و در اواخر عمر آن شـغل را رها نموده و به انزوا روزگار می گذرانیده است.

این بیت از اوست:

به قربانت شوم شبهای هجران در دلم مگذر

که این دریای آتش دوست از دشمن نمی داند(۱)

خالد اصفهانی

خالد بن ابوالفرج علی اصفهانی، ادیب و فقیه، مؤلّف کتابهای «منهاج التّعبیر» و «مراتب الفقهاء». سال فوت او معلوم نیست.(۲)

خالد قرشی

خالد بن غلاب قرشی، در طائف ساکن بوده و در زمان خلافت عثمان والی اصفهان بوده است.(۳)

۱- تذکره روز روشن، ص۲۳۳؛ الذریعه، ج۹، ص۲۷۷.

۲- کشف الظنون، ج۲، ص۱۸۷۱؛ لغت نامه دهخدا، ذیل اصبهانی، ص۲۸۱۱؛ هدیه العارفین، ج۱، ص۳۴۳.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۶۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۵۲.

خالد رارانی اصفهانی

ابو عمرو خالد بن محمّد رارانی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن چهارم هجری است. او در روستای «خان» از توابع لنجان ساکن بوده و در نقل حدیث نزد محدّثین،ثقه شمرده می شد.

از حسین بن عرفه حدیث روایت می کند. حافظ ابوالشیخ اصفهانی از او حدیث شنیده است.(۱)

[«راران» (بدون نقطه در حرف ر) از دهات منطقه جی بوده و اکنون به شهر اصفهان پیوسته است.]

خان بابا خان اسعد بختیاری

خان بابا خان سردار اسعد بن حاج علیقلی خان سردار اسعد بن حسینقلی خان ایلخانی بختیاری، شاعر ادیب. از سخنوران قرن چهاردهم هجری. وی در سال ۱۳۱۵ق متولّد شده و مدّتها در اروپا به تکمیل معلومات و تحصیلات خود پرداخت. او از وزرای رضا شاه بود.(۲) [پس از آنکه رضا شاه به خوانین بختیاری بدبین شده و دستور توقیف و حبس آنان را صادر کرد، او نیز در آبان ۱۳۱۲ش دستگیر و در دادرسی ارتش به ۶سال حبس با اعمال شاقه محکوم شده و در زندان قصر محبوس شد. در سال ۱۳۱۷ش او را از زندان قصر به زندان موقّت شهرداری (در میدان توپخانه) منتقل کرده و در حبس انفرادی قرار دادند و از لحاظ خوراک و رفاه در مضیقه قرار گرفت و بسیار ضعیف و مریض شده و در بهمن ۱۳۱۹ش در بهداری ارتش فوت کرد.(۳)]

از اشعار اوست:

مدام آهنگران کوی تقدیر

برای شیر می سازند زنجیر

۱- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۶؛ المشترک، ص۱۹۶؛ معجم البلدان، ج۳، ص۱۳.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۳.

۳- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج۱، صص ۱۶۱-۱۵۸.

ز آه سوزناکم اندرین کاخ

دل زنجیر شد سوراخ سوراخ

خان محمّد اردبیلی

خـان محمّـد اردبیلی، عالم فاضل، از محـدّثین و دانشـمندان قرن یازدهم هجری. در اصـفهان ساکن بود و نزد علّامه مجلسـی و برادر او ملّا عبداللّه مجلسی به تحصیل پرداخت و کتب حدیثی مانند «تهذیب» و «من لایحضره الفقیه» را نزد آنها قرائت نمود.

خان محمّـد اردبیلی در سالهای ۱۰۷۲ و ۱۰۷۵ مفتخر به دریـافت اجـازه از علّامه مجلسـی شـده است. یکی از اجازات بر روی برگی از «تهـذیب الاحکام» در تاریـخ اواسط ذیحجه ۱۰۷۲ق نوشـته و در کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف موجود است. و اجازه دیگر بر روی برگ آخر کتاب «تهذیب الاحکام» در ۴ جمادی الثّانی ۱۰۷۵ق نوشته شده و نسخه به شماره ۵۳۵ در کتابخانه آیت اللّه مرعشی در قم موجود است.(۱)

ملّا خداداد بختیاری

ملّا خـداداد بختیاری [خوشـنویس هنرمنـد قرن سـیزدهم هجری است. سـپهر در تـذکره خوشـنویسان می نویسد: کمتر کس در روزگار خط نسخ را به آن صافی و نزاکت و استحکام چون وی می نوشت.(۲)]

از آثـارش مجموعه ای است از دعوات مختلفه در ۱۲۳ صفحه که به سال ۱۱۵۱ق به خط نسخ بسـیار خوب نوشته و نسخه آن در مدرسه عالی سپهسالار طهران موجود است.(۳)

۱- الروضه النّضره، صص ۱۹۸-۱۹۷؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ص۲۳؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۳۰؛ فهرست مرعشی، ج۲، ص۱۴۰ و ج۹، ص۳۳۵.

۲- تذکره خوشنویسان، ص۳۲.

۳- فهرست سپهسالار، ج۱، ص۴۷؛ الذریعه، ج۸، ص۳۰۱.

ملّا خداویردی اردبیلی

آخوند ملّا خداویردی اردبیلی از فضلائ و علمای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و چندی در مدرسه جده به تحصیل علوم دینی پرداخته است.

وی نسخه ای از «شرح الاشارات» را در سال ۱۰۷۱ق کتابت نموده است. این نسخه در کتابخانه سیّد محمّد یزدی در نجف اشرف موجود بوده است.(۱)

[در گورستان تخت فولاد سنگ لوح فرزند صاحب عنوان که قسمت فوقانی آن شکسته و مفقود شده بود، مشاهده شد که از کتیبه آن این عبارت باقی بود:

«... مرحوم آخند مولانا خداوردی اردبیلی بتاریخ یکشنبه ۲۹ شهر جمادی الثّانی سبع عشر و ماثه والف»(۲)]

ملّا خداوردی افشار

ملّا خداوردی بن محمّد قاسم افشار، از علماء قرن یازدهم هجری و از اجلاء شاگردان ملّا عبداللّه شوشتری [و شیخ بهائی] و معاصر با مجلسی بوده است. در فضل و کمال او همین بس که در خانواده ای به مقام سامی علم و کمال رسیده که در بین آنها اهل فضلی وجود نداشته است.(۳)

وی کتابی در رجال به نام «زبده الرّجال» تألیف نموده و در آن اسامی مجهولان را اسقاط نموده است.(۴) [نسخه عکسی «زبده الرّجال» در کتابخانه مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی در تهران موجود است. این کتاب در سال ۱۰۱۳ق تألیف شده است.(۵)

شیخ بهائی در اواخر شعبان المعظّم ۱۰۱۱ق در آخر مجموعه «خداویردی افشار» در

۱- الروضه النضره، ص۱۹۸.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۵؛ فوائد الرضویه، ج۱، ص۱۶۸؛ ریاض العلماء، ج۲۷ ص۲۳۵.

۴- الذریعه، ج۱۲، ص۲۷؛ مصفی المقال، صص ۱۶۵ و ۱۶۶.

۵- فهرست عکسی دائره المعارف اسلامی، ج۱، صص ۲۰۰ و ۲۰۱.

درایه، جهت خداویردی افشار اجازه نوشته است.[(۱)]

خُرّمی اصفهانی*

مولانا خُرّمی اصفهانی، شاعر ادیب، از سخنوران قرن دهم هجری او خواهرزاده مولانا نیکی نطنزی بوده و در جوانی شعر می گفت و طبعش به سرودن هزل و هجو مایل بود. در جوانی به سیاحت پرداخته و به گیلان رفت و شهر آشوبی جهت آنجا و در مذمّت مردم آنجاسرود. او را به کار ناپسندی متهم ساخته و زبانش را بریدند و او بعد از جفای بسیار و رنج بی شمار به مشهد مقدّس رفت و در سال ۹۷۱ق وفات یافت. برخی از تذکره نویسان تخلّص او را «حرفی» نوشته اند. صادقی بیگ افشار در «تذکره مجمع الخواص» او را «حریفی ساوجی» نوشته است که ظاهراً با شاعر دیگری در آمیخته شده است.

این شعر از اوست:

اغیار به بالین من زار چه حاصل

بیمار تو را پرسش اغیار چه حاصل(۲)

خزیمه بن مطیار

خزیمه بن مطیار، از محدّثین و عُبّاد و صلحای اصفهان بوده و در این شهر به گردآوری حدیث و عبادت مشغول بوده است. او از حسین بن حفص حدیث شنیده و محمّد بن جعفر بن سعید اشعری از او روایت می کند.(۳)

۱- الروضه النضره،ص۱۹۹.

۲- تذکره تحفه سامی، صص ۲۷۸ و ۲۷۹؛ شهر آشوب در شعر فارسی، ص۳۸؛ لغت نامه دهخدا، ذیل «حریفی اصفهانی»، ص۵۰۲؛ خلاصه الاشعار، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۰۶.

خسرو آقا

خسرو آقا از خواجگان زنان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی در اصفهان بوده و موقوفاتی از او به جای مانده که معروف تر از همه حمام خسرو آقا می باشد.(۱)

مرحوم انصاری می نویسد: «علیقلی آقا و خسرو آقا دو برادر بودند و هر دو خُجه های حرم شاه سلیمان و از هر دو مبانی خیریه و موقوفه بسیار به آثاراست... و از آن یک (یعنی خسرو آقا) یک حمام...»

قبر مرحوم خسرو آقا و احتمالاً علیقلی آقا در اطاق قبلی تکیه مجلسی [جنب مسجد جامع اصفهان] قرار داشت که در تعمیرات اخیر از روی عدم بصیرت و نادانی از بین رفت. قبر دارای سنگ پارسی نفیسی بود که معلوم نشد به چه سرنوشتی دچار گردید.(۲)

[حمام خسرو آقا بدون اغراق زیباترین و نفیس ترین حمام اصفهان بود و قربانی سودجوئی و طمع برخی از مقامات و مالکین حوالی حمام قرار گرفت و شبانه به دستور مقامات وقت شهرداری و به بهانه ادامه یافتن خیابان استانداری (خیابان حکیم) از صفحه روزگار محو و نابود گردید]

خسرو احتشامی*

خسرو احتشامی هونِه گانی. شاعر معاصر اصفهان. در روز ۱۵ اسفند ۱۳۲۵ش در روستای «هونِه گان» (یا هونه جان) از توابع سمیرم سُفلی متولّد شد. خانواده اش از خوانین طایفه کشکولی کوچک، از ایل قشقائی بودند. تحصیلات ابتدائی را در دبستان احتشام «هونه گان» انجام داد و سپس به اصفهان آمده و در دبیرستان ادب تحصیل کرد و دیپلم گرفت. او پس از انجام خدمت سربازی به هند رفت و در «پونا کالج» در شهر «پونا» به تحصیل پرداخت. پس از آن به اصفهان آمده و در رشته تاریخ در دانشگاه اصفهان تحصیل کرد.

۱- تاریخ اصفهان و ری، ص۲۷۳.

۲- زندگینامه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۲۹ و ۳۳۰؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص۸۳۴.

وی از نوجوانی قریحه و طبع شعر داشت و از سال ۱۳۴۵ش به بعد در انجمن های ادبی اصفهان حضور می یافت. اولین شعر او در سال ۱۳۴۶ش در مجلّه روشنفکر به چاپ رسید. وی در بسیاری از کنگره ها و همایش های علمی شرکت نموده و مقاله ارائه کرده است. همچنین در بسیاری از مجلّات همچون: آینده، هستی، بنیاد، کِلک، بخارا، گلچرخ، فصلنامه فرهنگ اصفهان مقالات او به چاپ رسیده است.

خسرو احتشامی از سر آمدان شعر و ادب در اصفهان است و قریحه پویا و استعداد کم نظیر او باعث خلق اشعار دلپذیر با مضامین نو و بدیع گردیده است. استاد ایرج افشار درباره او می نویسد: « شاعر کم مانندی است. در غزل و قصیده و قطعه تازه وری می کند و از حیث قدرت بیان و استواری زبان کم مانند است.»

از اوست:

دمیده آتش آزادگی ز پیرهنم

در این چمن چو شقایق چراغ خویشتنم

ستاره نوش ز سرچشمه شبم چون صبح

شگفت نیست که خورشید ریزد از دهنم

خراب خاکی ام اما نهفته دولت دوست

بلور باور اندیشه در حصار تنم

گذشته یک سحر از کوچه باغ خاطر ما

هنوز خنده گل می تراود از سخنم

رها نمی کندم لحظه ای به تنهائی

به هر کجا که روم می زند صدا که منم

اگر چه آینه ای شیشه جان ترم از اشک

ز سنگ حادثه حاسدان نمی شکنم

منم پرنده تصویر نقشبند خیال

که طاق غرفه رنگین کمان بود وطنم

چو آشیانه من قلّه قبول شماست

سزد که غنچه نشینم مدام و پر نزنم

کجاست حافظ شیراز تا به خلوت راز

به روز واقعه بندد پیاله در کفنم

این کتابها از تألیفات و سروده های اوست:

۱. «از مضراب تا محراب» (چاپ ۱۳۷۰ش) ۲. «افسانه اصفهانی آبی» (چاپ ۱۳۷۷ش) ۳. «امشب صدای تیشه» (چاپ ۱۳۷۳ش) ۴. «باغ های چوبی» (چاپ ۱۳۷۷ش) ۵. «در کوچه باغ زلف» (چاپ ۱۳۶۸ش) ۶. «تغزّل در قشقائی» ۷. «بانوی هزار پیراهن ادب فارسی» ۸. «شب شرقی شعر»(۱)

خسروخان سردار ظفر بختیاری*

خسروخان سردار ظفر بن حسینقلی خان ایلخانی بختیاری، از خوانین و سران بختیاری است. ولی در حمله بختیاری ها به اصفهان و تهران و سقوط حکومت محمّدعلی شاه قاجار شرکت داشت و به همراه برادر خود علیقلی خان سردار اسعد، از عوامل مؤثّر در جریانات پس از مشروطیت به شمار می رفت.

وی مدت کوتاهی در سال ۱۳۳۰ق حاکم اصفهان بود و سرانجام در سال ۱۳۵۲ق درگذشت و در آرامگاه خانوادگی سران بختیاری در تخت فولاد به خاک سپرده شد.(۲)

خسروخان گرجی

خسروخان گرجی از حکام اصفهان در دوره قاجاریه است.وی در سال ۱۲۳۴ق حاکم گیلان بود و مدتی بعد عزل شد. وی به حمایت از محمّد شاه قاجار، در سال ۱۲۵۰ق به اصفهان آمده و تمامی اثاث سلطنت را از علیشاه ظل السّلطان مدعی

۱- فرهنگ ناموران معاصر ایران، ج۲، صص ۱۵۱ .۱۵۰.

۲- نگرشی بر مشروطیّت اصفهان، صص ۲۴۸-۲۴۷؛ تاریخ معاصر ایران، کتاب سوم، صص ۳۴۸-۳۴۳.

پادشاهی باز پس گرفت و به نگارستان نزد محمّد شاه برد و پس از تبعید عبداللّه خان امین الدوله به عتبات، به حکومت شهر اصفهان منصوب شد. او به علت ظلم و ستم فراوان مورد خشم مردم قرار گرفت. آنان شورش کرده و خسروخان را در کاخ هفت دست محاصره کردند. در سال ۱۲۵۳ق از طرف دولت، فرخ خان غفاری کاشانی (امین الدّوله) برای رفع غائله به اصفهان آمده و خسروخان را بر کنار و به تهران فرستاد. خسروخان پس از آن به حکومت کردستان گمارده شد. و از وضع او پس از آن اطلاعی در دست نیست.(۱)

میرزا خصمی اصفهانی

میرزا خصمی اصفهانی، از شعرای قرن یازدهم هجری است. مردی شوریده حال و آشفته وضع بوده است. به هند رفت و به سبب رفتار و گفتار ناشایست، پادشاه آنجا از او رنجیده و آقانور جولاه (بانی مسجد آقانور اصفهان) اسباب سفر او را فراهم ساخته و میرزاخصمی به اصفهان آمد و در این شهر فوت شد. از اوست:

ساقی بده آن باده که از هوش خود افتم

خود بار خودم، یک نفس از دوش خود افتم(۲)

خلف بیک سفره چی

خلف بیگ سفره چی، از اخیار و نیکوکاران اصفهان داشت. در زمان شاه عباس صفوی منصب «سفره چی» را در دربار به عهده داشته و مسجد سفره چی (که عوام به آن مسجد سرخی می گویند) را بنا کرده است.

مسجد در سال ۱۰۱۴ق ساخته شده و کتیبه آن را صحیفی شیرازی شاعر خطاط

۱- شرح حال رجال ایران، ج۱، صص ۴۷۹ و ۴۸۰؛ بیان المفاخر، ج۱، صص ۲۲۳ و ۲۲۴؛ جایگاه گرجی ها در تاریخ، ص۲۹۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۴۰۸؛ کاروان هند، ج۱، ص۳۸۱؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۳۳.

مقیم اصفهان کتابت نموده است.

میرزا سلیمان خان رکن الملک نایب الحکومه اصفهان در اواخر قاجار از نوادگان صاحب عنوان بوده و بدین مناسبت تخلّص خود را «خلف» قرار داده است.(۱)

میرزا محمّد خلیل امام جمعه قُمشه ای

میرزا محمّد خلیل امام جمعه [بن میرزا عبدالواسع بن حسین قُمشه ای، عالم فاضل جلیل، نسب او با ۲۵ واسطه به امام سجادعلیه السلام منتهی می شود. در حدود سال ۱۲۵۲ق در قُمشه (شهرضای فعلی) متولّد شده و در زادگاه خود و اصفهان و نجف تحصیلات خود را به پایان رسانده و به قمشه بازگشته و مرجع حلّ و فصل مشکلات مردم آن نواحی قرار گرفته و نماز جمعه را در آن دیار برپا داشته است.

از اساتید و سایر وقایع زندگی او اطّلاعی در دست نیست وی در اوّل شوال ۱۳۱۴ق وفات یافته] و در ایوان حجرات صحن امامزاده شاهرضا در قمشه مدفون شده است.

[بر روی سنگ قبر این مرثیه و مادّه تاریخ منقور بوده است:

همین که گشته چو مَه زیر اَبر خاک نهان

بدی به چرخ فضیلت چو آفتاب جمیل

انیس جدّ کبارش محمّد عربیست

کنون به جنّت اعلا ز لطف ربّ جلیل

سه سال کم کن و تاریخ سال فوت بگو:

«امام جمعه که نام و نسب بَرَد ز خلیل»

میرزا خلیل امام جمعه بر کتب فقهی حواشی نوشته که اغلب از بین رفته و تنها «حاشیه بر جواهر الکلام» او در کتابخانه امام جمعه شهرضا موجود بوده است.(۲)]

۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۴۷۵ و ۴۷۶؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۵۳.

۲- جغرافیای تاریخی شهرستان شهرضا، صص ۷۱-۶۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۱۶۶.

محمّد خلیل قائنی

محمّد خلیل بن محمّد اشرف قائنی، عالم فاضل محقّق، از افاضل علماء قرن دوازدهم هجری. از اهالی قائن خراسان است و در اصفهان ساکن گردیده و به تحصیل پرداخته است. و آقا رضی الدّین محمّد خوانساری از اساتید اوست. وی در اغلب علوم زمان خود خصوصاً فقه، حدیث، کلام و حکمت استاد بوده و عمر را به تحقیق و تألیف گذرانیده است.

پس از حمله افغانها به اصفهان و سقوط صفویه در سال ۱۱۳۴ق به قزوین پناه برد و در پنج شنبه ۲۶ رجب ۱۱۳۶ق در آنجا وفات یافت. ماده تاریخ وفات او این است:

«الفِیضُ عَلی قبرِ خلیل ممطال

فی لَیلَهِ مبعثِ النّبی المِفضال

الظُّهرُ لعامُ فُقِدِه تاریخ

اِذ زال بِهِ شمسُ سَماءِ الافضال

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «اثبات البداء» ۲. «الرِّسالَه الاِلهیه» در شرح رساله نفی جبر و تفویض از حضرت امام هادی علیه السلام ۳. «حاشیه شرح اشارات» ۴. «شرح حدیث عمران صابی» منقول از کتاب «عیوان اخبارُ الرّضاعلیه السلام» که نسخه ای از آن ضمن مجموعه ای به شماره ۱۹۹۵ در کتابخانه مجلس شورای ملّی، و نسخه ای دیگر به شماره ۹۷۷ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد و نسخه ای در کتابخانه حسینیه تستری در نجف اشرف و بالاخره نسخه ای در کتابخانه سیّد علی شبّر در نجف اشرف (با حواشی مؤلف با امضای «منه مدّ ظِلّه») وجود دارد. تاریخ تألیف کتاب ۲۱ محرّم ۱۱۲۳ق می باشد. ۵. «نور البصر بِحَلِّ مسأَلِهِ الجَبرُ وَ القَدَر»، به عربی، که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت اللّه گلپایگانی و نسخه ای دیگر در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۱۱۴۹ موجود است. ۶. «رساله ردّ النصرانی»(۱)

۱- بهارستان، صص ۲۵۲ و ۲۵۳؛ بغیهالطّالب، ص۱۵۱؛ تتمیم امل الآمل، صص ۱۴۶-۱۴۲؛ فواید الرضویّه، ج۱، ص۱۷۴؛ علل برافتادن صفویان، ص۳۰۶؛ دانشمندان خوانسار، صص ۲۷۲ و ۲۷۳؛ الذریعه، ج۱، ص۸۵، ج۲، ص۲۸۴، ج۱۳، ص۲۰۳ و ج۲۴، ص۳۶۴؛ فهرست عکسی دائرهالمعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۲۲۷؛ فهرست گلپایگانی، ج۱، ص۵۲؛ فهرست مجلس، ج۹، بخش دوم، ص۷۰۲؛ فهرست الهیات مشهد، ج۲، ص ۱۳۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص۵۸۷ و ۵۸۸.

خلیل رارانی اصفهانی*

ابوسعید خلیل بن ابی الرّجاء بدر بن ثابت رارانی اصفهانی صوفی، از محدّثین و عرفای اصفهان در قرن ششم هجری است. وی در سال ۵۰۰ یا ۵۰۲ق در خانواده ای اهل فضل و علم متولّد شد. از محضر علماء و محدّثین بسیاری بهره برد. و از آنها حدیث شنید. در تصوف نیز مرید حمزه بن عباس علوی بوده و سرانجام در سال ۵۹۶ق وفات یافته است.(۱)

«راران» که امروزه «رارون» یا «رهروان» نیز گفته می شود قبلاً ـ از دهات منطقه جی اصفهان بوده و اکنون از محلاّت شرق اصفهان است و مناره ای تاریخی از قرن ششم هجری هنوز در آنجا برپاست.

خلیل معلّم

ابوالعز خلیل بن تمیم بن علی بن احمد بن منصور خطیب واعظ معلّم اصفهانی، از محدّثین اصفهان است، سمعانی از او با عنوان «کان شیخاً صالحاً متواداً» یاد کرده است.

ابو محمّد رزق اللّه تمیمی، ابواسحاق ابراهیم بن محمّد قفال، قاضی ابونصر احمد بن محمّد بن صاعد صادی و دیگران حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی از وی استماع حدیث کرده است.(۲)

۱- تلخیص مجمع الآداب، ج۲، جزء۴، ص۷۵۲.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۷۰.

خلیل شوشتری

آقا خلیل بن ملّا حسنعلی بن ملّا عبداللَّه شوشتری، از فضلاء قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بود و پدر و جدّش از علمای معروف عصر صفویّه بودند. خود او در صنعت اسطرلاب مهارتی به سزا داشت و تا سال ۱۰۹۸ در قید حیات بود.(۱)

سیّد میرزا محمّد خلیل موسوی اصفهانی

سیّد میرزا محمّد خلیل بن سیّد محمّد حسین موسوی امامی اصفهانی، عالم فاضل در تهران ساکن بوده و در سال ۱۳۱۴ق وفات یافته است.

وی به همراه جمعی از فضلاء مجلدات گوناگون «بحارالانوار» را مقابله و تصحیح و تحقیق نموده که به سرمایه حاج محمّد حسین امین الضّرب اصفهانی در تهران به چاپ رسیده است. این مجلدات از کتاب «بحار» به چاپ کمپانی معروف است.

سیّد میرزا محمّد خلیل موسوی علاوه بر تصحیح مجلدات بحار، بر کتاب «انیس العابدین» (تألیف ملّا محمّد طبیب) در سالهای ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۹ حواشی نوشته است.(۲)

همچنین در سه شنبه ۱۸ محرم ۱۲۷۴ق کتابت نسخه ای از «شرح دعای صباح» ملّا اسماعیل خواجوئی را به خط نستعلیق نوشته است که به شماره ۷۳۰۰ در کتابخانه آیت اللَّه مرعشی موجود است.(۳)

محمّد خلیل اصفهانی

محمّد خلیل بن محمّد صادق اصفهانی [خوشنویس هنرمند] در شعبان ۱۲۴۱ق قرآنی به خط نسخ نوشته و ترجمه آیات را نیز بین سطرها نوشته است. این قرآن

۱- وقایع السنین و الاعوام، ص۵۲۳.

۲- نقباء البشر، ج۲، صص ۷۰۶ و ۷۰۷؛ زندگینامه علّامه مجلسی، ج۲، ص۲۷۱؛ فهرست کتب اهدایی آقای مشکاه به دانشگاه تهران، ج۱، ص۱۷.

۳- فهرست مرعشی، ج۱۹، ص۱۰۰.

چهارمین قرآن است که وی کتابت نموده است. نسخه به شماره ۱۳۲۴ در کتابخانه آیت اللّٰه مرعشی در قم موجود است.(۱)

میرزا محمّد خلیل میردامادی

میرزا محمّد خلیل بن سیّد عبدالکریم میردامادی سدهی بن میرزا محمّد علی بن میرزا محمّد رفیع بن حاج میرزا رحیم بن سیّد مرتضی بن میر سیّد اشرف بن سیّد محمّد عبدالحسیب بن میر سیّد احمد علوی عاملی حسینی، عالم فاضل جلیل.

وی از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی و داماد آن مرحوم بوده و نزد عموم طبقات به خصوص علماء و بزرگان و مؤمنین مورد کمال احترام بوده و در مسجد جامع خوزان اقامه جماعت و نماز جمعه می نموده و پس از فوت جنب آن مسجد مدفون گردید.

به طوری که نقل می کنند مرحوم آقا سیّد محمّد باقر درچه ای از علم و زهد مشارالیه ستایش می نموده و خود در امر به معروف و نهی از منکر نهایت سعی و کوشش را مبذول داشته است.(۲)

خلیل ندیم سِدهی

خلیل بلدی متخلّص به «ندیم» بن کریم، شاعر معاصر در سال ۱۳۱۴ش در محله فروشان «سِدِه» ماربین [خمینی شهر فعلی] متولّد شد. وی پس از کمی تحصیل به کسب و کار مشغول شد.(۳)

از اوست:

۱- فهرست مرعشی، ج۴، ص۱۰۹.

۲- یادنامه سیّد بحرالعلوم میردامادی، صص ۳۴ و ۳۵؛ لطائف غیبیّه، ص ۳۰؛ خمینی شهر شهری که از نو باید شناخت، ص۳۰۶.

۳- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۵۰۳.

شد از دیدار آن دلبر شبم از روز روشن تر

گرفتم کام دل آخر ز فیض دولت شبها(۱)

استاد محمّد خلیل گلریز خاتمی*

استاد حاج محمّد خلیل گلریز خاتمی فرزند حاج محمّد، از هنرمندان معاصر اصفهان است. در هنر خاتم کاری از اساتید برجسته و زبردست روزگار بود. در ۴ذی الحجه ۱۳۹۳ق وفات یافته و در تکیه سیّد العراقین واقع در تخت فولاد مدفون شد.(۲)

ملّا خلیل شریف

ملّا خلیل شریف، عالم فاضل، فقیه محدّث عارف زاهد، در سال ۱۲۸۶ق وفات یافته و نزدیک مزار ملّا اسماعیل خواجویی در تخت فولاد مدفون شد.(۳)

میرزا خلیل اللّه

میرزا خلیل اللّه اصفهانی، عالم فاضل جلیل، از علمای قرن دوازدهم هجری. وی در اصفهان نزد سیّد حسین بن سیّد ابوالقاسم جعفر موسوی خوانساری به تحصیل پرداخته است. سیّد حسین خوانساری در «شرح روضه البهیه» در قسمت «مسأله الصلاه علی المجتمعه من الاموات» از این شاگرد دانشمند خود چنین یاد می کند:

«... أعظَمُ جَلیلٌ مِن ذَوِی الشَّرَفِ و السِیّادَهِ و اَکرَمُ خَلیلٌ مِن اهل العِلمِ و الاِفادَهِ»

سال وفات او به دست نیامد. گویا در اواخر قرن دوازدهم یا اوایل قرن سیزدهم هجری وفات یافته است.(۴)

۱- گلهای زاینده رود، ج۲، ص۹۳.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۳- رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۷، سیری در تاریخ تخت فولاد، صص ۱۶۳ و ۱۱۷.

۴- الکواکب المنتشره، صص ۲۴۵ و ۲۴۶؛ الکرام البرره، ج۲، ص۵۰۹؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۸۶.

شیخ خلیل اللَّه

شیخ خلیل اللَّه، از علماء و دانشـمندان اواخر صـفویه بوده و در سال ۱۱۱۰ق وفات یافته و مجاور بقعه چهل دختران در قسـمت غربی امامزاده زید اصفهان مدفون شده است. بر سنگ قبر او این اشعار نقر شده بود:

کان هنر معدن علم جمیل

مصدر خلّت و نجابت خلیل

تا کند از پاکی ذاتش بیان

شصت بهفت آب دهن سلسبیل

رفت چو از دار فنا سوی خلد

توشه ره ساخته اجر جزیل

سلطنت کشور معنیش بود

کوفت در این دایره طبل رحیل

دل پی تاریخ وفاتش نوشت

«آه» کشد چرخ ز «موت خلیل»

۶-۱۱۱۶=۱۱۱۰ق (۱)

میر خلیل اللَّه تونی

میر خلیل اللَّه تونی اصـفهانی، عالم فاضل متّقی [از علمای قرن یازدهم هجری. در اصفهان به تحصیل پرداخت. او به تصحیح و تعلیق کتابهـای کتابخانه خود می پرداخته و در ضـبط و ثبت و تـدوین حواشـی کتب فقهی و حـدیثی اهتمام داشـته که بر مقام علمی و فقهی او دلالت دارد.] وی در محله شیخ یوسف بنا در اصفهان ساکن بوده و به کثرت عبادت و صلاح و زهد معروف بوده و عمر را به تزکیه و تهذیب نفس گذرانیده تا اینکه در سال ۱۰۸۴ق در اصفهان وفات یافته است.(۲)

۱- مختصری از تاریخچه محله خواجو، صص ۶۴ و ۶۵؛ مزارات اصفهان، ص ۲۷۱.

۲- ریاض العلماء، ج۲، ص۲۵۹؛ مزارات اصفهان، ص۳۲۴.

شیخ خلیل اللّه طالقانی

شیخ خلیل اللّه طالقانی، عالم فاضل، عارف کامل و ادیب شاعر در قرن دوازدهم هجری. [در اصفهان به تحصیل پرداخت و تا آخر عمر در این شهر ساکن بود.] شیخ محمّد علی حزین در کودکی حدود سه سال به خدمت او می رسیده است. و در باب او می نویسد: «از افاضل اصحاب ایقان و مستغرق بحار عرفان. زلال چشمه انفس و آفاق و از حضیض علایق به اوج اطلاق رسیده بود. چهل سال کمابیش در یک خرقه و شبانروزی به یک دو لقمه چربش اکتفا نموده و کیفیّت ریاضات و سلوک زندگانی آن زنده جاودانی اتسّاع مقامی عظیم می خواهد. علوم ظاهر و باطن را جامع و نور شهود از سیمای او لامع بود. و گوشه عزلت در اصفهان اختیار و آخر از آنجا به ملاء اعلی انتقال نمود.»

این عالم ربّانی خطوط را زیبا می نوشت و کتابهای بسیاری را کتابت نموده و وقف بر طلّاب و اهل علم نمود. شعر نیز می سرود. حزین یادآور می شود که در کودکی شعرهایش را برای شیخ خلیل اللّه می خوانده و تخلّص «حزین» را از او گرفته است.

سرانجام در حدود سال ۱۱۱۴ق در اصفهان وفات یافت و در بقعه علی بن سهل در طوقچی به خاک سپرده شد. از آثارش:

۱. «رساله در علم مناظر و مرایا» ۲. «دیوان اشعار» ۳. «زاد السّبیل» در آداب سلوک ۴.«نظم کافیه» ابن حاجب

این شعر از اوست:

ای شوخ بیا در دل درویش نشین

کان نمکی، بر جگر ریش نشین

در هجر تو دامنم گلستان شده است

یک دم به کنار کشته خویش نشین(۱)

۱- نجوم السماء، ص۱۹۵؛ مزارات اصفهان، ص۳۲۴؛ صحف ابراهیم، ص۱۲۳؛ تذکره المعاصرین حزین، صص ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۲۴۶؛ تاریخ و سفرنامه حزین، صص ۱۵۳ و ۱۵۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص۲۱۰؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، صص ۵۸۶ و ۵۸۷؛ علّامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، ص۲۲۶؛ فوائد الرضویّه، ج۱، ص۱۱؛ الکواکب المنتشره، ص۲۴۶.

خیرالدّین اصفهانی

خیرالدّین اصفهانی، خطاط قرن دهم هجری. فوت سال ۹۸۱ق.(۱)

۱- پیدایش خط و خطاطان، ص ۲۵۰.

«د»

اشاره

داراب خان افسر بختیاری

داراب خان افسر بختیاری فرزند اصلان، [شاعر معاصر از طایفه احمد خسروی بختیاری. مادر اصلان خان خواهر حسینقلی ایلخانی و مادر «افسر»، بی بی گوهر دختر ایلخانی بوده است.

داراب خان در سال ۱۲۷۹ش در چقاخور متولّد شده و از سال ۱۳۲۰ش در اصفهان ساکن شد. در سال ۱۳۳۷ش بر اثر سکته فلج شد.(۱) وی سرانجام در ۲۱ مهر ۱۳۵۰ش وفات یافته و در تکیه میر واقع در تخت فولادـدر یکی از حجرات شرقی تکیه مدفون شد.(۲) حسام الدّین دولت آبادی مرثیه ای جهت او سروده و مادّه تاریخ فوتش را چنین سروده است:

تاریخ مرگش آمد به هجری

«از جمع ما رفت داراب افسر»(۳)

افسر با آنکه تحصیلات زیادی نداشت امّا قریحه ای سرشار و طبعی پربار در سرودن شعر داشت و علاوه بر سرودن شعر به فارسی، به لهجه لری نیز اشعار دلپذیری گفته بود که مورد توجّه مردم قوم بختیاری قرار گرفت. او از سن ۳۰ سالگی به سرودن شعر پرداخت و اولین شعرش «رستاخیز مسجد سلیمان» نام داشت. شعر او ساده و صمیمی و بی تکلّف است و به راحتی بر دلها می نشیند. دیوان اشعار او بارها به چاپ رسیده است. اثر دیگر او «گل سعادت» نام دارد.]

از اوست:

۱- شناخت سرزمین بختیاری، صص ۴۹۹ و ۵۰۰.

۲- تخت فولاد یادگار تاریخ، خطی.

۳- مجله وحید، شماره مسلسل ۹۵، آبان ۱۳۵۰ش، ص۱۱۶۵.

ای آنکه بعد ما گذری در دیار ما

گامی بِنِه ز وفا بر مزار عشق

گل های حسرتی که بر آن خاک رسته اند

بوده است بهر ما، ثمر شاخسار عشق(۱)

داراب بینا اصفهانی

داراب کیخسرو کیانی معروف به «حاج آقا» و متخلّص به «بینا» [فرزند امیرقلی از شعرای معاصر اصفهان در سال ۱۲۸۰ش در محلّه مستهلک اصفهان متولّد شد. او پس از تحصیل در مکتب خانه به کار پرداخت و سالها به کشاورزی و باغداری مشغول بود. او نوجوانی به سرودن شعر پرداخت. مضمون اغلب اشعار او انتقاد از اوضاع جامعه زمان خود است.

او مردی متدیّن و علاقمند به قرآن مجید بوده و برای تعلیم آن به دیگران اهتمام داشته است.] وی در انجمن های ادبی از جمله انجمن شیدا شرکت می نموده است.(۲) [دیوان اشعار او هنوز به چاپ نرسیده و نزد فرزندش موجود است.

وی سرانجام در ۱۵ ذیحجه ۱۳۸۴ق (مطابق با ۲۹ فروردین ۱۳۴۴ش از دنیا رفت و در شمال مصلای تخت فولاد نزدیک تکیه سادات بهشتی واقع در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.(۳)

[از اوست:

علم و عمل هم عنان دین مبین است

دین و دیانت کلام پاک متین است

دین ادب است و بَرَش حیا و مروّت

هر که ادب دارد او مروّج دین است

دین نه به عمامه و لباس بلند است

حجب و تکبّر بر این لباس قرین است

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۱۸۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان، صص ۹۷ و ۹۸.

۳- سیری در تاریخ اصفهان، ص۱۳۶.

گفت پیمبر ادب به خلق بیاموز

باادب اندر جهان ز اهل یقین است

رونق دین کی بود به گوشه نشینی

مفسده ها پیش خلق گوشه نشین است

تا نبری رنجها تو گنج نیابی

راحت بی رنج خواهی این نه چنین است

رنج تو بینا ببر که گنج بیابی

گنج نهادن برای روز پسین است(۱)]

داود سُنبلانی

داود بن سلیمان سنبلانی، از محدّثین اصفهان در قرن اول هجری است. وی از جمله کسانی است که به خدمت حضرت امیرعلیه السلام شرفیاب شده است. حمزه اصفهانی در کتاب خود از او یاد کرده است(۲)

[«سنبلان»، از قدیمی ترین محلّه های اصفهان به شمار می رود و امروزه به «سُنبلستان» معروف است.]

میرزا داود مرعشی

میرزا داود بن میرزا عبداللّه بن میرزامحمّد شفیع مستوفی موقوفات ادیب فاضل [، جامع کمالات صوری و معنوی. در سال ۱۰۶۵ق متولّد شده و در اصفهان علم آموخته و به مناسبت مقام علم و فضل و سیادت به منصب استیفای کل ممالک منصوب شده و پس ۱۱ سال در سال ۱۱۱۰ به منصب تولیت آستان قدس رضوی مفتخر شده و با همشیره شاه سلطان حسین (شهربانو بیگم دختر شاه سلیمان) ازدواج نموده و در اصفهان ساکن شد تا اینکه] در سال ۱۱۳۳ق وفات یافته [و در تکیه مخصوص که برای خود در لسان الارض واقع در تخت فولاد برای خود احداث کرده بود، مدفون شد. او در شعر طبع روانی داشته و «داود» تخلّص می کرده است. برخی تخلّص او را «عشق» نوشته اند که

۱- مصاحبه با آقای رضا کیخسرو کیانی (فرزند مرحوم بینا) و محمّد کیخسرو کیانی (داماد آن مرحوم) در اسفندماه ۱۳۸۶ توسط غلامرضا نصرالهی.

۲- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۱.

صحیح نیست. او به نام کوچک خود تخلّص داشته و «عشق» تخلّص پدرش میرزا عبداللّه بوده است.]

این آثار از اوست:

۱. «دیوان اشعار» ۲. «سلطان الانساب» ۳. مثنوی «زبور العاشقین» ۴. مثنوی «سفرنامه» ۵. مثنوی «نمکدان دین»

این بیت از اوست:

افتاد به کف، زلف تو و کام گرفتیم

شب بر سر دست آمد و آرام گرفتیم(۱)

داود ظاهری اصفهانی

ابوسلیمان داود بن علی بن خلف ظاهری اصفهانی کوفی، از مشاهیر علماء و فقهاء و محدّثین شافعی است. [اصلاً از اهالی کاشان اصفهان بوده] و در سال ۲۰۱ق در کوفه متولّد شده است. وی در بین اهل سنّت به زهد و تقوا معروف بوده و در حق امام شافعی تعصّب زیاد داشته و درباره او دو کتاب تألیف نموده است. [وی از کوفه به بغداد رفته و در آنجا به تحصیل علم پرداخته و مذهب ظاهری را تأسیس کرده است. پیروان این مذهب به ظاهر قرآن توجّه دارند و به شدّت از تأویل و قیاس و رأی در فهم قرآن پرهیز می کنند.] ثعلب می گوید: عقلش از علمش بیشتر است.

[ابوسلیمان ظاهری حدیث را از قعنبی، ابن راهویه، مسدّد اسحاق حنظلی، ابن نمیر، ابی شیبه و ابی ثور و سلیمان بن حرب روایت می کند و ابویعلی زکریا ساجی و فرزندش محمّد بن داود بن خلف از او نقل حدیث کرده اند.]

۱- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۹؛ تذکره المعاصرین، صص ۱۴۶ و ۱۴۷؛ تذکره نتایج الافکار، صص ۲۴۴ و ۲۴۵؛ صحف ابراهیم، ص۱۲۸؛ تذکره شمع انجمن، ص۲۴۸؛ تذکره روز روشن، ص۵۴۷؛ تذکره ریاض العارفین، صص ۳۲۰ و ۳۲۱؛ تذکره آتشکده (نیمه دوم)، صص ۹۴۱ و ۹۴۲؛ الذریعه، ج۹، ص۳۱۸ و ج۱۹، ص۸۷ و ۲۰۷ و ۳۲۷؛ مجمل التواریخ، صص ۳۹۲ و ۳۹۳؛ مکارم الآثار، ج۱، صص ۱۶۲-۱۵۹؛ تذکره غنی، ص۵۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۹۸.

وی در سال ۲۷۰ق در بغداد وفات یافته [و در مقبره شونیزیه بغداد مدفون شد.(۱)]

شیخ داود مصاحبی

شیخ داود بن ملّا علی اکبر مصاحبی نائینی، عالم فاضل. در سال ۱۲۷۸ش (حدود ۱۳۱۷ق) در «محمّدیه» نائین متولّد شده و پس از تحصیل مقدمات به اصفهان آمده و نزد بزرگان و مجتهدین این شهر همچون حضرات آیات حاج آقا رحیم ارباب، سیّد محمّدرضا خراسانی، آقا شیخ محمّدرضا نجفی، آقا سیّد عبداللّٰه مدرس (ثقهالاسلام)، میر سیّد علی نجف آبادی، میر سیّد محمّد نجف آبادی و حاج شیخ مهدی نجفی تلّمُذ نموده، تا به مقامات عالیه علم ارتقاء یافته است و در علوم اسلام همچون فقه، اصول، تفسیر و حدیث صاحب نظر بود و از برخی از اساتید خود نیز اجازاتی داشت.

وی از جنبه اخلاقی عالمی زاهد و متواضع و منیع الطّبع و دارای خطّی زیبا بود. در مدرسه حاج شیخ محمّدعلی ثقهالاسلام حجره داشت و در این حجره که عموماً روزها در آن به مطالعه و تدریس مشغول بود. شمشیری داشت و آن را بدان امید نگاه داشته بود که در هنگام ظهور حضرت بقیهاللّٰه الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء به وسیله آن شمشیر بادشمنان خدا بجنگد. وی در محلّه نو خواجو ساکن و در یکی از مساجد آنجا امامت می نمود. سرانجام در ۱۸ ذی القعده سال ۱۴۰۱ق وفات یافته و در تکیه معارفی در تخت فولاد[که اکنون جزو یکی از مساجد تخت فولاد واقع شده] مدفون شد.

از آثارش جزوه ای به نام «التّنقیح فی مسأله التّلقیح» در بین کتابهایش موجود

۱- راهنمای دانشوران، ج۲، ص۱۲۴؛ مرآه الجنان، ج۲، ص۱۸۴؛ الفهرست (ابن ندیم)، ج۱، ص۳۱۶؛ میزان الاعتدال، ج۲، ص۱۲۶؛ احقاق الحق، ج۱، ص۱۶۷ و ۱۷۲؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۹۷؛ الاعلام، ج۳، ص۸؛ ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۲ و ۳۱۳؛ اللّباب، ج۲، ص۲۹۷؛ طبقات الفقهاء، ص۱۰۲؛ تاج العروس، ج۳، ص۳۷۵؛ سیر اعلام النّبلاء، ج۱۳، صص ۱۰۸-۹۷؛ وفیات الاعیان، ج۲، صص ۲۵۷-۲۵۵؛ الوافی بالوفیات، ج۱۳، ص۴۷۳؛ تبیین کذب المفتری، ص۳۴۰؛ شدّالازار، ص۱۰۲؛ تاریخ منتظم ناصری، ج۱، ص۱۰۴.

است.(۱)

داود اصفهانی خبّاز

ابوالفضائل داود بن محمّد بن حمد بن حسین اصفهانی خبّاز، از محدّثین اصفهان است.

سبط خواهر قتیبه بن سعید بقال است و از ابو محمّد رزق اللّه تمیمی حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی از او حدیث شنیده است.(۲)

داود اصفهانی

داود بن محمّد بن محمود اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری است. وی در سال ۶۰۳ق وفات یافته است.(۳)

میرزا داود بینوای خراسانی

حاج میرزا داود خراسانی ابن میرزا محمّد مهدی حسینی اصفهانی معروف به شهید مشهدی، عالم فاضل و ادیب شاعر. در سال ۱۱۹۰ق متولّد شده و نزد پدر دانشمند خود و علمای مشهد مقدّس به تحصیل پرداخته و سپس مرجع حلّ مشکلات شرعی مردم در آن دیار شده و به اقامه جماعت پرداخته و سرانجام در سال ۱۲۴۰ق وفات یافته و در حرم مطهر رضوی مدفون گردید. به فارسی و عربی نیز شعر می سروده و «بینوا» تخلّص می نموده است:

بر سرم از لطف یار آمد، به همراهش رقیب

با اَجَل آمد پس از عمری به بالینم طبیب(۴)

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج۲، ص۳۱۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد، ص۱۹۹.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۷۴.

۳- مرآه الجنان، ج۴، ص۴۵.

۴- تذکره دلگشا، صص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ مجمع الفصحاء، ج۴، ص۱۸۲؛ لغت نامه دهخدا ذیل «بینوا»، ص۶۸۶؛ مکارم الآثار، ج۴، ص۱۱۰۷؛ حدیقه الشعراء، ج۱، ص۳۱۰ و ۳۱۱؛ تاریخ تذکره های فارسی، ج۱، ص۲۲؛ تذکره انجمن خاقان، صص ۸۸-۸۶.

داود صفای اصفهانی

داود صفا بن نعمت اللَّه، از شعرای معاصر اصفهان است. در سال ۱۲۹۳ش در اصفهان متولّد شد. از اعضای انجمن ادبی فرهنگ بود. این شعر از اوست:

مخوانش سپاهان بهشتیش خوان

به از کوثر آن زنده رودش بدان

بود دور از مردم آن ملال

که صاحب جمالند و صاحب کمال(۱)

حکیم محمّدداود هندی اصفهانی

حکیم محمّد داود هندی اصفهانی معروف به «تقرّب خان» از اطبّای معروف اصفهان [در قرن یازدهم هجری]

وی به هند رفته و شهرت فراوان یافته و ثروتی بی کران اندوخته و در اصفهان در سال ۱۰۵۵ق مسجد جامع جورجیر را تجدید ساختمان کرد که به نام مسجد حیکم شهرت دارد.(۲)

میرزا داود جابری انصاری

میرزا داود جابری انصاری، از صاحب منصبان دستگاه سلاطین صفویّه بوده و شاعر و ادیب و بانی تکیه حاج میرزا داود در جویباره اصفهان است.(۳)

دُر فیروز فخری

ابوالفضل دُر فیروز اصفهانی، از شعراء سخنوران قرن پنجم هجری است. [نظامی

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص۳۰۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۹۷؛ مزارات اصفهان، ص۱۷۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صص ۶۱۲ و ۶۱۳.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۱، ص۵۱۳.

عروضی، در مقاله دوم، در ذکر شعرای عصر سلاجقه نام از او برده است.] مافروخی در محاسن اصفهان می نویسد: «و من شعراء الفارسیه ابوالفضل دُر فیروز الفخری»(۱)

درویش قاسمی اصفهانی

درویش قاسمی، شاعر ادیب عارف، از مصاحبان امیر نجم ثانی اصفهانی بوده و در لشکرکشی او به ماوراءالنهر به همراه او به آنجا رفته است. در قرن دهم هجری می زیسته و سال فوت او معلوم نیست.

این بیت از اوست:

شب مِی خوردن از فردا بیندیش

که این شب را عجب روزیست در پیش(۲)

درویش محمّد نطنزی

کمال الدّین درویش محمّد بن شیخ حسن عاملی نطنزی اصفهانی از علماء و محدثین موثق و از صلحاء و زُهاد قرن دهم هجری است. او جد مادری ملّا محمّدتقی مجلسی بوده و از شیخ علی محقق کرکی روایت می کند. علّامه مجلسی در اجازه خود به میر سیّد محمّد خلخال می نویسد او اولین شیعه امامیه است که احادیث امامیه را در اصفهان رواج داده است. قاضی ابواشرف اصفهانی، شیخ عبداللّه بن جابر عاملی و ملّا محمّد قاسم بن درویش محمّد عاملی نطنزی از او روایت می کنند.

او تا سال ۹۳۹ق زنده بوده و پس از آن وفات یافته است. در «الفیض القدسی» به نقل از «مناقب الفضلاء» می نویسد: قبر او در نطنز است و بقعه و بارگاه آن معروف است.

[برخی نوشته اند که ملّا محمّدتقی مجلسی از جدّ مادری خود کمال الدّین درویش محمّد روایت می کند. این قول بنا به دلایلی نادرست است از جمله این که در سلسله

۱- محاسن اصفهان، ص۳۴؛ چهار مقاله، صص ۴۵ و ۱۴۵.

۲- تذکره مجالس النفایس، ص۱۶۳.

راویان ملّا محمّدتقی مجلسی، دیده می شود که او به واسطه محدثین دیگری چون ابواشرف اصفهانی و عبداللّه بن جابر عاملی از جدّ مادری خود نقل حدیث کرده است و نه مستقیم و بدون واسطه.(۱)]

درویش مخلص*

درویش مخلص، از عرفای قرن یازدهم هجری است. در اصفهان ساکن بوده و جمعی از طالبان سلوک و عرفان از جمله میرزا مهدی قمی مرید او بودند.(۲)

دُلَیل سُنبلانی

دُلیل سنبلانی، از محدّثین اصفهان و از اهالی محلّه سُنبلان است. وی از جمله کسانی است که در هنگام اقامت سعید بن جُبیر در اصفهان موفق به دیدار با او شده است.

او در سن بیش از ۱۲۰ سالگی وفات یافته است.(۳)

سیّد دولتشاه علوی

سیّد دولتشاه علوی، از بزرگان اصفهان در قرن پنجم و ششم هجری است. رئیس اصفهان [و به نوشته برخی از مورخان نقیب اصفهان] بوده و در جمادی الاولی ۵۲۸ق به دست یکی از فدائیان اسماعیلی به نام «باعبداللّه موغانی» کشته شد.(۴)

۱- فوائد الرضویه، ص۱۷۷؛ اجازات الحدیث لعلّامه المجلسی، ص۱۴۲؛ فیض قدسی، صص ۱۷۷ و ۱۷۸؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۶۰۲؛ زندگینماه علّامه مجلسی، ج۱، صص ۳۸۱ و ۳۸۲.

۲- تذکره نصرآبادی، ج۱، ص۱۷۲.

۳- ذکر اخبار اصفهان، ج۱، ص۳۱۲.

۴- زبده التّواریخ (کاشانی)، ص۱۸۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج۲، ص۵۹۵.

«ذ»

اشاره

ذاکر کنکاشی اصفهانی

ابوبکر ذاکر بن احمد بن عمر بن ابی بکر کنکاشی اصفهانی، از محدّثین اصفهان در قرن ششم هجری بوده و از ابوالقاسم ثقفی حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی از او اجازه داشته است.(۱)

[ظاهراً وی از اهالی قریه «کنگاز» جِی در شرق شهر اصفهان بوده است.]

ذاکر جاری براآنی

ابوبکر ذاکر بن زید بن محمّد بن عمر بن سهل جاری براآنی اصفهانی، شیخِ صالحِ زاهد، از محدّثین قرن ششم هجری. از ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری حدیث شنیده و ابوسعد سمعانی در سال ۵۴۵ق از او اجازه نقل حدیث دریافت نموده است. ابوبکر براآنی در سال ۵۵۱ق وفات یافت.(۲)

[«جار» که «گار» نیز گفته و نوشته می شود، از دهات شرق اصفهان است و در بلوك براآن واقع شده است. مناره ای آجری با نقوش هندسی زیبا، از عصر حکومت سلجوقیان در آن روستا هنوز پابرجاست.]

ذاکر اُسواری

ابو الرّجاء ذاکر بن علی بن احمد بن علی اُسواری اصفهانی، از محدّثین قرن ششم هجری. از ابوشکر حمد بن علی حبال، ابوغالب احمد بن عباس بن محمّد لو شبندی و

۱- التّحبیر، ج۱، ص۲۷۶.

۲- التّحبیر، ج۱، ص۲۷۷؛ معجم البلدان، ج۲، ص۹۳.

جز آنان حدیث شنیده است. ابوسعد سمعانی از وی حدیث شنیده است.(۱)

اُسواری منسوب به «اسوار» یا «اسواریه» از قرای اصفهان است.

ملّا ذوالفقار قُهپائی

ملّـا ذوالفقـار بن علی سـلطان اصـفهانی قهپائی، عالم فاضل محقّق، در اصـفهان نزد جمعی از علما و افاضل شـهر همچون علّامه مجلسـی به تحصـیل پرداخت و در علوم عقلی و نقلی مهارتی به سزا یافت. وی کتابخانه ای نفیس با کتابهای متنوع و ارزشمند داشت که میرزا عبداللّه افندی از آن در نوشتن تألیفات خود بهره های بسیار برده و مکرّر در کتاب «ریاض العلماء» به کتابخانه ملّا ذوالفقار اشاره کرده است.

از جمله در ذیل شـرح حال «سـیّد علی بن محمّـد امامی» از حواشـی ملّا ذوالفقار که بر کتاب «المجـدی» ابن صوفی نوشـته بود نسب کامل سیّد علی امامی را نقل می کند

گویا ملّا ذوالفقار کتاب رجالی نیز داشـته و برخی از مطالب «ریاض العلماء» منقول از آن کتاب است. فرزنـدش محمّد نیز اهل فضل بوده و در حواشـی که در یک مجموعه کشـکولماننـد در تاریـخ ۲۰ ربیع الاـول ۱۱۳۳ق نوشـته است، از پـدر به عنوان «مرحوم مولانا ذوالفقار اصفهانی» یاد کرده است.

[کتب زیر از تألیفات اوست:

۱. «الاربعین فی مطاعن المتصوّفین» ۲. «الزُّبُر و البیّنات در شرح رساله اعتقادات» علّامه مجلسی(۲)]

۱- التّحبیر، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲- الکـواکب المنتشـره، ص ۲۵۷؛ تلامـذه العلّامه المجلسـی، صـص ۲۴ و ۲۵؛ ریـاض العلمـاء، ج ۴، ص ۱۸۷؛ الـذریعه، ج ۱۰، ص ۱۱۶؛ مصـفّی المقـال، صـص ۱۷۱ و ۱۷۲؛ تراجـم الرّجـال، ج ۱، ص ۲۰۸، دانشـمندان و بزرگـان اصـفهان، ج ۲، ص ۶۰۶؛ زندگینامه علّامه مجلسـی، ج ۲، ص ۳۰؛ صـفویان در عرصه دین - فرهنـگ و سـیاست، ج ۲، ص ۵۸۰؛ فهرست میکروفیلم هـای دانشگاه، ص ۲۸۵.

میر ذوالفقار گلپایگانی*

میر ذوالفقار بن محمّد گلپایگانی، عالم فاضل از دانشمندان قرن یازدهم هجری است. در اصفهان نزد جمعی از علماء خصوصاً آقاحسین خوانساری به تحصیل پرداخته و در زادگاه خود به تبلیغ شریعت مشغول شده است و در سال ۱۰۶۴ق از استاد خود دارای اجازه است. او پدر عالم و شاعر عالیقدر میرزا علی خان گلپایگانی (شیخ الاسلام گلپایگان) بوده است.(۱) او نسخه ای از «المختصر» تألیف: تفتازانی را به خط نسخ در دوشنبه ۳ رجب ۱۰۸۹ق کتابت نموده که به شماره ۵۷۶ در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد نگهداری می شود.(۲)

ذوالقرنین شرابی اصفهانی

ابونصر ذوالقرنین بن ابی الرّجاء بن ابی نصر طبیب شرابی اصفهانی، از محدّثان و اطبّاء اصفهان در قرن ششم هجری است. به طبابت مشغول بوده و از ابومطیع محمّد بن عبدالواحد مصری استماع حدیث کرده است. ابوسعد سمعانی یک حدیث از او شنوده است. وی در سال ۵۳۱ق فوت شده است.(۳)

۱- بزرگان فرهنگ و تاریخ اصفهان: خطی؛ دو گفتار، صص ۱۴-۱۲؛ الروضه النضره، ص۲۱۲؛ فیض قدسی، ص۱۹۲؛ تلامذه العلّامه المجلسی، ۲۵؛ دانشمندان خوانسار، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۲- نسخه های خطی، جص، ص۹۵؛ فهرست الهیات مشهد، ج۱، ص۵۵۲.

۳- التّحبیر، ج۱، ص۲۷۷.

فهرست مطالب

ص: ۹۰۵

ص: ۹۰۶

ص: ۹۰۹

«ج»

«چ»

«ح»

ص: ۹۱۵

«خ»

«د»

«ذ»

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹